سایه جرم و فساد بر اقتصاد

تحلیلی در چارچوب اقتصاد سیاسی و جرم سنجی



تحقیق و تالیف

جواد قلیزاده

۱۴۰۲

شناسنامه کتاب :

نام کتاب	**: سایه جرم و فساد بر اقتصاد- تحلیلی درچارچوب اقتصاد سیاسی و جرم سنجی**
مولف	: جواد قلیزاده
ناشر	: موسسه مطالعاتی و تحقیقاتی فراتوسعه کارآفرین
محل نشر	: شیراز
تاریخ نشر	: ۱۴۰۲
تعداد	: ۲۰۰۰ جلد
نوبت چاپ	: اول / ویرایش دوم
شماره چاپ	: م.م.ت.ف.ك : ۱۴۰۲۳۰۰۰

سایه جرم و فساد براقتصاد

تحلیلی درچارچوب اقتصاد سیاسی وجرم سنجی

تالیف و تحقیق

جواد قلیزاده

زمستان ۱۴۰۲

داستایوفسکی :

دزدهای کوچک قربانیان فقرند
دزدهای بزرگ ریشه های فقر
عدالت حقیقی در حذف ریشه های فقر است
نه به زنجیر کشیدن قربانیان فقر

کنث جان گالبریت :

" اگر علم اقتصاد می خواهد مفید باشد نمی تواند خود را فارغ از علم سیاست درنظر گیرد."

فریدمن میلتون :

" اساساً چیزی به نام موضوعات صرفاً اقتصادی وجود ندارد."

پیش درآمد :

موضوع این کتاب اقتصاد سیاسی جرم است، و هدف آن بررسی اندازه اقتصاد سایه است، نه اقتصاد محض است و نه اقتصاد ریاضی. این کتاب نشان می دهد در اقتصادی که ۴۰ الی ۵۰ درصد آن پنهان و در سایه است، نه فرضیه رفتار عقلایی کاملا معنادار است ، نه بازارها کارآمد هستند و نه دولت ها قابل اعتماد هستند.

مولف در این کتاب سعی کرده بر زوایای پنهان سیاست و اقتصاد و برآیندآن دو نور بتاباند. در این روایت گری نحوه عمل بازیگران، وضعیت زمین بازی، نحوه قضاوت داوران و نهادهای ناظر، و رخدادهای حاشیه ای و پیامدهای آنها مورد توجه بوده است و سعی شده تا بدون تورش و سوگیری به یک ارزیابی کلی از سایه- روشن اقتصاد و سیاست در ایران و جهان پرداخته شود، محور اصلی بحث کتاب اما برآورد اندازه اقتصاد سایه در ایران و تاثیر پذیری آن از تحولات فضای بین الملل و سیاستهای حاکمیتی است.

فهرست مطالب:

فصل سوم –نظام سنجش وکنترل شاخص جرم و فساد

- تحلیل هزینه –فایده و هزینه –اثر بخشی در نظام کنترل جرایم
- هزینه های جرم
- هزینه های پاسخ جامعه به جرم
- برآورد هزینه های جرم و خشونت در مقیاس جهانی
- رویکرد پیشگیری و مقابله با افراط گرایی خشونت‌آمیز
- برآورد خسارات ناشی از جرایم اقتصادی دولت ها علیه شهروندانشان
- روش سنجش فساد و جرایم اقتصادی با کمک شاخص ها
  - شاخص سنجش جرایم سازمان یافته
  - شاخص ادراک فساد (CPI)
  - فشارسنج جهانی فساد
  - شاخص پرداخت کنندگان رشوه
  - شاخص فساد بانک جهانی یا شاخص کنترل فساد(ICC)
  - راهنمای ریسک بین المللی کشور(ICRG)
  - شاخص عدم شفافیت یا ناپاکی
  - جریان آزاد اطلاعات به عنوان شاخصی از شفافیت عملکرد دولت در حکمرانی
  - نظارت مدنی بر جرم و فساد

فصل چهارم : اندازه اقتصاد سایه و رابطه آن با جرم و فساد

- فرار مالیاتی، یک شاخص مهم و جرم اقتصادی در تعیین اندازه اقتصاد سایه
- جذابیت دلار امریکا –وجه رایج در اقتصاد پنهان و معاملات کلان قاچاق
- اقتصاد سایه، بازار کار، مهاجرت
- روش های برآورد اقتصاد سایه
  - رهیافت مستقیم
  - رهیافت غیر مستقیم
- روش شاخص‌های چندگانه و علل چندگانه MIMIC در برآورد اقتصاد سایه
- روش حسابهای ملی
- رویکرد ایتالیایی در برآورد جامع GDP

- روش موازنه میان تزریقات – تراوشات
- جرایم مالیاتی ، فرار مالیاتی و اندازه گیری آن
- فساد و اندازه اقتصاد سایه
- نتایج و پیامدهای اقتصاد سایه

فصل پنجم - برآورد اندازه اقتصاد سایه در ایران

- روش های برآورد اندازه اقتصاد سایه در ایران
- اثر تحریم ها روی اقتصاد سایه
- اثر فساد و رانت و رشوه روی اقتصاد سایه
- اندازه قاچاق و اندازه اقتصاد سایه
- بررسی حجم فعالیت های پنهان یا در سایه به تفکیک بخش های مختلف
- بخش دفاع و امنیت شامل ارائه خدمات مستشاری نظامی، انتظامی و امنیتی به خارجیان
- در صنایع دارویی ، محصولات آرایشی و بهداشتی
- در صنایع غذایی و دخانیات
  - چای
  - سیگار
  - مشروبات الکلی
  - مواد مخدر
- دست اندازی به جنگل ها و قاچاق چوب برای صنایع چوب و سلولزی
- سایه بر بخش انرژی و نفت و گاز
- کالا و محصولات فرهنگی در سایه
- در بخش واسطه گری مالی – تراکنش های مالی غیرقانونی و پنهان و بانکداری سایه
- در بخش عمده فروشی، خرده فروشی، تجارت و بازرگانی
- فعالیت های ممنوعه و غیرقانونی و سیاه خارج از دسته بندی بالا

بخش دوم : اقتصاد سیاسی جرم و فساد

فصل ششم : لابی، رشوه، فساد، پولشویی

- رانت خواری، لابی گری، رشوه
- فرار سرمایه
- بانکداری فراساحلی
- جرایم سایبری
- پولشویی
- قاچاق مواد مخدر، کالا و ارز

فصل هفتم : امنیت و اقتصاد

- منافع ملی و امنیت اقتصادی
- امنیتی سازی اقتصاد
- جرایم سیاسی
- خشونت سیاسی
- تسخیر دولت
- دولتهای گانگستر

فصل هشتم – بازار، جرم و فساد

- نظام کنترل سازمانی و فساد :
- جرایم یقه سفیدها
- مشارکت عمومی –خصوصی و زمینه های فساد
- دستکاری بازار ، فریب و سو استفاده از بازار
- دستکاری بازارها و نوآوری در ابزارهای مالی
- دستکاری در بازارها و بحران های مالی در آمریکا
- مشارکت صاحبان کسب و کار در جرم و فساد

فصل نهم : جرایم سازمان یافته فراملی

- جرایم سازمان های بین المللی
- تحریم های اقتصادی و جنگ اقتصادی
- صدور جنگ ، ترور، نظامی گری و شبه نظامی گری
- تجارت غیرقانونی سلاح و تسلیحات کشتار جمعی
- تامین مالی تروریست

فصل دهم : جرم و فساد در اقتصادهای آشوب زده

۱ -عراق

۲ -سوریه

۳ -لیبی

۴ -افغانستان

۵ -یمن

۶ -ایران

فصل یازدهم : نحوه ی تعامل نظام های سیاسی و اجماع جهانی برای مبارزه با جرم و فساد

۱. جرم و خشونت ، چرخه نابسامانی اقتصادی و فساد اقتصادی

۲. رابطه نظام های سیاسی با میزان ارتکاب جرم و فساد

۳. فساد و جنایت در نظام های سیاسی و اقتصادی مختلط

۴. دموکراسی و افراط گرایی مذهبی

۵. دیپلماسی اقتصادی ، منازعات و همکاری ها

۶. معاملات سیاسی کلان و فساد انگیز

۷. پناهندگان وآوارگان ، قربانیان جنایت جنگی

۸ راه حل سیاسی پیشگیری از جرم و جنایت، غارت و تجاوز

۹. جنبش جهانی مبارزه با فساد، شفافیت و تجارت جهانی

پیشگفتار :

در تمثیل معنا داری، اقتصاددان ها را همانند آن فردی می دانند که یک شب سوویچ ماشینش را در ضلع شمالی پارکینگ گم می کند، اما آن را در ضلع جنوبی جستجو می کند، زیرا نور آنجا بهتر است، به عبارتی اقتصاد دانان فقط جایی که داده های آماری وجود دارند را مطالعه می کنند. همین مساله موجب شده که آنها از چگونگی فعالیت های اقتصادی در سایه و بازار سیاه و جنبه های پنهان اقتصاد غفلت کنند و این موضوعات کمتر مورد مطالعه قرار گیرد. جرایم سازمان یافته، دزدی و اختلاس و مزد در برابر جنایت و سایر فعالیت های زیر زمینی اغلب مورد بررسی اقتصاددانان قرار نمی گیرند و این پدیده ها در عوض به حوزه مطالعات جرم شناسان منتقل می شوند، که معمولاً از دریچه اجرا ی قانون، به عنوان یک فعالیت انحرافی که بازار ها ی آزاد و حکومت دموکراتیک راتضعیف می کند مطالعه می شوند. اما اخیرا توجه پژوهشگران حوزه علوم اقتصادی به این دو موضوعات بیشتر شده است.کتاب حاضر به موضوع اقتصاد سایه و اقتصاد سنجی جرم همزمان توجه نموده است و با رویکرد اقتصاد سیاسی به جرم و فساد در اقتصادهای مختلف با تاکید بروضعیت اقتصاد ایران توجه کرده است.

فلاسفه از دیرباز دریافته اند که برای سعادت جامعه و تحقق یک جهان ایده آل و آباد و آزاد ، اداره جهان باید از دست جاهلان و جنایتکاران و حاکمان فاسد رها شده به دست صالحان برسد، چنانکه سقراط سعادت جامعه رامنوط به حاکمیت اخلاق بر شئونات جامعه می دانست. فلاسفه دیگر هم بر نقش عدالت و برابری حقوق همه انسانها به عنوان شرط سعادت جوامع یادکرده اند. اما چالش اصلی اینجاست که حاکمان فاسد، با عوام فریبی و پوپولیسم و بکار گرفتن ابزارهای زر و زور تزویر، علما و مراکز علمی را هم در راه فساد خویش به استخدام درآورده و جنایتکاران را برای بقای حکومت توام با ترس و وحشت خود اقتدار بخشیده اند و در عین حال چهره ی خود را در هاله ای از تقدس و پاکی غیر قابل انکار آرایش داده و خود را منجی ملت های خویش معرفی می کنند و جوانه زدن هرگونه حرکت اصلاحی و ظهور و سر برآوردن مصلحان را در طول تاریخ بشر از ریشه خشکانده اند، این رخداد و پیامدهای آن توصیف تصویری است که از ابتدای تاریخ بشر تاکنون در اختیار داریم.

مقدمه :

اندازه تولید ناخالص داخلی (GDP) یک کشور نشان دهندی ظرفیت های بکار گیری شده، منابع و عوامل و سرمایه های به خدمت گرفته شده برای تامین نیازها، خواسته ها و حوایج یک جامعه است، این شاخص همچنین معیار تلاش جمعی یک جامعه و معیار سنجش و اندازه گیری اقتصاد آن کشوراست. همچنین معیاری است که نشان می دهد آن جامعه برای رسیدن به این حجم از تولید کالا و خدمات، چقدر هزینه پرداخت کرده است. در واقع GDP بهای تمام شده کالا و خدمات تولید در یک اقتصاد یک کشور در یک سال است. محاسبه دقیق این معیار کما بیش در همه کشورها با چالش هایی مواجه است. اقتصاددانان می خواهند بدانند بهای تمام شده مجموعه کالاها و خدمات تولیدی یا تولید ناخالص داخلی در یک اقتصاد چقدر است. با وجود فعالیت های غیر رسمی و بعضا غیر قانونی و منابعی که در رشته فعالیت های غیر رسمی بکار می رود ، محاسبه دقیق، جامع، کامل و منسجمی از تولید ناخالص داخلی بسیار مشکل است. در برخی از کشورها بخش قابل توجهی از فعالیت های اقتصادی درسایه قرار دارند ، پنهان از دید آمارگران حساب های ملی هستند و اصطلاحا فعالیت های زیر زمینی هستند.حجم اقتصاد سایه بخش مهمی از عوامل اقتصادی و منابع و ظرفیت های اقتصادی را به خود مشغول می دارد و برای محاسبه تولید ناخالص داخلی حقیقی یک کشور باید به بررسی، برآورد و احتساب این بخش پنهان از اقتصاد توجه نمود. بدون شک هرکشوری که بتواند یک کالای مشخص را با صرف منابع و هزینه های کمتری تولید کند، راندمان بالاتر و بهره وری بیشتری دارد، لذا رشد GDP محکی برای ارزیابی کارآمدی و توانمندی حکمرانی اقتصادی مطلوب در یک کشور است. اما در یک اقتصاد جهانی و در هم تنیده، این معیار به تنهایی شاخص موفقیت و کامیابی نیست، بلکه همچنین می بایست درکنار معیارهای دیگری همچون نابرابریهای درآمدی و فقر، نا امنی و فساد، جنگ و ترور و سایر تهدیدهایی که می تواند ، زنجیره ارزش در مقیاس جهانی را به مخاطره اندازد، به چالش کشیده شود. جنگ، ترور، تحریم، در کنار جرایم سازمان یافته دولتی و غیر دولتی و مفاسد اقتصادی، منابع اقتصادی کشورهای مختلف را که باید در جهت رشد و توسعه آن کشور بکار گرفته شود، بشدت درگیر می کند و خسارات مالی سنگینی بر اقتصاد کشورها وارد می سازد، بعلاوه آثار تخصیصی و توزیعی ناکارا برجای می گذارد و به افزایش فقرو نابرابری دامن می زند. بررسی این مسائل به حوزه اقتصاد جنگ و ترور، اقتصاد تحریمی و اقتصاد سیاسی مربوط است. به این ترتیب موضوع اصلی کتاب حاضر معطوف به بررسی و برآورد حجم و اندازه اقتصاد سایه از طریق ارایه چارچوبی تئوریک، منطقی و محاسبه پذیر است و در همین راستا علاوه بر طرح مسائل فنی مرتبط با نظام حسابداری ملی ، به موضوع بهای تمام شده واقعی در یک اقتصاد و به فعالیتهای غیرقانونی، مجرمانه و مفاسد اقتصادی اثرگذار برفضای کسب و کار در این دنیای در هم تنیده می پردازد، لذا فعالیت های مجرمانه ، غیرقانونی و جرایم اقتصادی سازمان یافته و منجمله جرایم سیاسی و دولتی از قبیل، خشونت دولتی ، جنگ، ناآرامی های داخلی، ترور و تحریم را نه با

تعریف مرسوم به معنای بررسی آن دسته جرایمی که با اهداف و انگیزه های صرفا اقتصادی رخ می دهد، بلکه فراتر ازآن از نقطه نظر آثار و پیامدهای اقتصادی مورد بررسی قرار می دهد و به طرح پاسخ هایی پیرامون این پرسش می پردازد که علل، آثار و پیامدهای هرگونه جرم و فساد در یک جامعه روی اقتصاد آن کشور چیست و زیان ها و خسارات ناشی از آن چگونه باید محاسبه گردد ؟ این پرسش با جرایم اقتصادی، یعنی جرایمی که صرفا با انگیزه ها و اهداف اقتصادی و منفعت طلبانه رخ می دهد ، لزوما یکسان نیست. اگر چه تمام جرایم و مفاسد اقتصادی، دارای پیامد وآثار اقتصادی هستند، ولی جرایم بسیار دیگری هم در یک جامعه رخ می دهند که انگیزه های اصلی آن منفعت طلبانه واقتصادی نیست، اما پیامدها و آثار اقتصادی گوناگون در قالب هزینه ، زیان و خسارت به جامعه تحمیل می کند. کتاب حاضر به هر سه نوع از این مسائل گفته شده ، می پردازد. این کتاب در عین حال که به موضوع از زاویه ای باز نگاه کرده و چالش های جوامع امروزی را در حوزه سیاست، اقتصاد، اجتماع در مواجهه با موضوع جرم، فساد و پیامدهای آن روی اقتصاد و اجتماع در یک اقتصاد جهانی شده و در هم تنیده مورد تحلیل و بررسی قرار می دهد و بطور خاص شرایط کشور ایران را در همان چارچوب مورد ارزیابی قرار خواهد داد.

به هرحال قطع نظر از نوع نظام سیاسی حاکم بر جوامع ، کما بیش بخشی از همه اقتصاد ها در سایه قرار دارند، تلاش این پژوهش آن است که بر بخش هایی از اقتصاد ایران که در سایه قرار دارد نور بتاباند. بخشی که در قالب گزارش ها و آمارهای رسمی نمی گنجد و در نظام حسابداری ملی برای محاسبه اقتصاد رسمی کشور، به حساب نیامده است. فرض کلی براین است که سیاستگذاریهای کلان در نظام، درکنار چهار دهه تحریم های اقتصادی و ضرورت دور زدن تحریم ها ، به رشد وگسترش فعالیت های اقتصاد سایه در ایران منتهی شده است. این کتاب در عین حال می تواند یک مطالعه در حوزه اقتصاد سیاسی جرم ، اقتصاد جنگ و ترور و اقتصاد تحریمی ، با تاکید و تمرکز برتاثیر و پیامد رشد فساد ساختاری و جرایم سازمان یافته اقتصادی بر شاخص های مختلف اقتصادی ارزیابی شود. فرض براین است که دولت ها با درجه بیشتر از فساد ، عدم شفافیت و جرایم سازمان یافته ، اقتصاد هایی ناکارآمد تر با سهم و اندازه اقتصاد سایه بزرگ در میان کشورهای جهان هستند. بعلاوه دولت هایی وجود دارند که منافع اقتصادی خود را در صدور بحران ها و مشکلات به کشورهای دیگر جستجو می کنند.آنها رشد اقتصادی و تامین رفاه شهروندان خود را به قیمت صدور بحران های مختلف به کشورهای دیگر تعقیب می کنند. جنگ ، ترور، بی ثباتی، تحریم و بحران ناکارآمدی و فساد در کشورهای جهان سومی ، شامل کشورهای آفریقایی، خارمیانه ای و آمریکای لاتین، محصول ترکیبی از حکمرانی بد زمامداران این کشورها و سیاست های استعماری نو از طریق صدور بحران توسط قدرتهای بزرگ جهانی بر این کشورها است. دولتهای دست نشانده یا تسخیر شده ، جنگ های نیابتی و رشد فعالیت گروه های شبه نظامی به رشد جرایم سازمان یافته، رشد فعالیت های تروریستی و مافیایی و فرسایش منابع اقتصادی در بخش هایی از دنیا منتهی شده که بازتاب دیگر آن افزایش نابرابری و گسترش فقر در مقیاس جهانی است و این ها یکدیگر را تقویت می کنند.گو اینکه دنیا از تجارب تلخ گذشته پند نگرفته است و باید

این سخن کینز را بار دیگر بیاد آورد که در پی بحران دهه ۱۹۳۰ استدلال می کرد برابری بیشتر برای تداوم حمایت مردم از سرمایه داری و دموکراسی ضروری است. او معتقد بود فاشیسم وکمونیسم هر دو توسط خشم و انزجاری تغذیه می شدند که ریشه در نابرابری، فقر و بیکاری های گسترده داشت. اینکه امروز می بینیم و می شنویم که نابرابری و فقر نه تنها در کشورهای غیر دموکراتیک، بلکه حتی در بزرگترین دموکراسی ها هم شدت یافته است، پیامد تلخ و ناگواری برای جهان در پی دارد. نه تنها رفاه و آرامش بشر ، بلکه امنیت جهان در معرض تهدید کانون های جرم و فسادی قرار گرفته است که بازتاب فقر و نابرابری است و رهبران سیاسی و دولت ها در آن نقش اساسی ایفا می کنند.

سازماندهی مطالب کتاب

مطالب این کتاب در دو بخش یا دو جلد به شرح زیر سازماندهی شده است. بخش اول : تحت عنوان برآورد اندازه ی اقتصاد سایه و اقتصاد سنجی جرم در پنج فصل به ترتیب : فصل اول : تعاریف و کلیات، در فصل دوم : اقتصاد سایه، فصل سوم، نظریه های جرم شناسی و روش های جرم سنجی ، فصل چهارم، شاخص های سنجش و کنترل جرایم و مفاسد ، فصل پنجم ، برآورد اندازه اقتصاد سایه در ایران با توجه به روش های متعارف شناخته شده ، بخش دوم تحت عنوان اقتصاد سیاسی جرم و فساد در شش فصل به ترتیب : فصل ششم : لابی، رشوه، فساد، پولشویی ، فصل هفتم : امنیت و اقتصاد، فصل هشتم : بازار، جرم و فساد، فصل نهم : جرایم سازمان یافته فراملی، فصل دهم : جرم و فساد در اقتصادهای آشوب زده و فصل یازدهم : نحوه ی تعامل نظام های سیاسی و اجماع جهانی برای مبارزه با جرم و فساد

بخش اول :

اقتصاد سایه و اقتصاد سنجی جرم

مقدمه بخش اول :

وقتی از بخش پنهان اقتصاد یا اقتصاد در سایه صحبت می شود، یعنی بخشی که به هر دلیل منافع اقتصادی ایجاد شده درآن، در محاسبات تولید ناخالص ملی گنجانیده نشده است. دو دسته علل به عنوان دلایل بروز این مشکل وجود دارد. دسته اول، علل فنی و آماری است و مختص محدودیت ها ومشکلاتی است که در ثبت کلیه ی فعالیت های اقتصادی از طریق روش های محاسباتی و سیستم حسابداری ملی وجود دارد ، دسته دوم از علل که مهمتر است، مربوط به ماهیت مخفی برخی فعالیت های اقتصاد زیر زمینی یا اقتصاد در سایه و اختفای تعمدی این دسته از فعالیت های اقتصادی است که عمدتا غیرقانونی یا غیرمجاز است و خارج از چارچوب های رسمی و قانونی انجام می شود. لذا تلاش برای شناسایی و اندازه گیری بخش پنهان اقتصاد یا آن بخش از اقتصاد که در سایه قرار گرفته است ، از عهده نهادهای جمع آوری کننده ی داده های آماری و اقتصادی رسمی ، مانند مراکز آماری و نهاد برنامه ریزی اقتصادی درکشورها بر نمی آید و سنجش آن نیاز به تلاش های پژوهشی گسترده تر از جانب موسسات تحقیقاتی و مراکز دانشگاهی دارد که حاصل آن نیز عمدتا به نتایج برآوردی منتهی می شود و نه به پاسخی قطعی در مورد اندازه اقتصاد پنهان، علت آن هم ماهیت پنهان فعالیت های مذکوراست.

بخشی از چالش مطرح شده همچنان که گفته شد، به ماهیت مجرمانه و غیرقانونی فعالیت های اقتصادی در سایه همچون تولید محصولات تقلبی، ورود و خروج غیر قانونی کالا از مرزها یا قاچاق کالا و ارز و قاچاق انسان و اقدامات مجرمانه و مفسده آمیزی همچون معاملات خارج از شبکه رسمی تجارت و کسب و کار یا خارج از محدوده ی بازارهای رسمی و انجام تراکنش های مالی پنهان و اختفای درآمد فعالیت های غیرقانونی است که با هدف دور زدن نظام مالیاتی و سایر قوانین و مقررات ملی و بین المللی و یا اهداف و مقاصد دیگر انجام می شود. این موارد شامل معاملات سوری، نقل و انتقالات پولی غیر قابل رهگیری از طریق پولشویی و یا حتی با بکارگیری نظام بانکداری در سایه انجام می شود که از طریق حساب های بانکی موهومی ، جعلی و استفاده از حساب های بانکی غیر ذینفعان اصلی در معاملات و انواع اقدامات فریبکارانه دیگر صورت می گیرد. به دلایل مورد اشاره در بالا سنجش و اندازه گیری بخش پنهان اقتصاد ، دقیقا با موضوع فساد و جرایم اقتصادی پیوندی وثیق دارد، لذا در ارزیابی و سنجش اقتصاد سایه نمی توان به بخش های تعمدا پنهان شده یا اختفا داده شده در اقتصاد توسط فعالان بخش پنهان اقتصاد توجه نکرد. به همین مناسبت ، دامنه جرایم اقتصادی که با عناوینی چون مفاسد اقتصادی، جرایم یقه سفیدها (که مقام مرتکب وجه تسمیه قرار گرفته است) و جرایم سازمان یافته (جرایمی که هدف وغایت آن کسب قدرت مادی است که با نبوغ فرد به وقوع می پیوندد و نیاز به برنامه ریزی و سازماندهی

دارند.) شناخته می شوند، موضوعات اصلی کتاب حاضر هستند و به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

به رغم اینکه تلاش های علمی گوناگونی انجام شده تا محدوده یا قلمرو اقتصاد غیر رسمی تعیین و تعریف شود، همچنان سردرگمی هایی در باره درک این مفهوم و مفاهیم مشابه آن همچون اقتصاد زیرزمینی و اقتصاد سایه وجود دارد. در برخی منابع وجود اقتصاد سایه را به مالیات‌های پرداخت نشده و فرار مالیاتی نسبت می‌دهند و منحصر می کنند و در مواردی به کم برآوردی ارزش تولید ملی رسمی اشاره می کنند که ناشی از وجود برخی محدودیتها و اشکالات فنی درنظام حسابداری ملی است و اغلب آنها مشخص نمی کنند که کدام یک از این دو تعریف مبنای مستدل تری دارد. مساله این است که در بسیاری از موارد می‌توان بدون کم برآوردی حساب‌های ملی، فرار مالیاتی داشت، یا با دست کم گرفتن حساب‌های ملی، فرار مالیاتی نداشت. به نظر می رسد سر درگمی بیشتر از این واقعیت ناشی می شود که تلاش برای فرار مالیاتی تنها دلیل وجود اقتصاد زیرزمینی نیست، زیرا فساد، نقض قوانین و مقررات و اشکال مختلف ممنوعیت و تحریم ها و غیرو نیز از عوامل مهم دیگر هستند. با وجود این مسائل، اقتصاد زیرزمینی اغلب به عنوان نماینده ای برای فرار مالیاتی در نظر گرفته می شود. این بدان معناست که می توان با شاخصی بنام فرار مالیاتی، به برآوردی از حجم و اندازه اقتصاد سایه دست یافت. همچنان که در بحث ممنوعیت ها و نقض مقررات و قوانین و فسادها، می توان با شاخص میزان قاچاق و شاخص ادراک فساد، به برآوردی از دیگر ابعاد اقتصاد زیر زمینی دست پیدا نمود. موضوعی که تلاش کتاب حاضر معطوف به آنها است. همچنین برخی تفاوتهای معنایی میان انواع تعابیر همچون اقتصاد غیر رسمی، اقتصاد پنهان یا در سایه و اقتصاد زیرزمینی وجود دارد که در جای خود به آن توجه خواهد شد.

فصل اول : تعاریف و کلیات

یکی از علل فقر ، ضعف ، بی ثباتی و بحران های پیاپی درکشورهای جهان، وجود فساد و بالا بودن درجه جرم و فساد و در نتیجه سهم بالای بخش پنهان اقتصاد یا همان اقتصاد در سایه است. در این کتاب طیفی از انواع حکومتهای دموکراتیک، حکومتهای شبه دموکراتیک، دموکراسی های فاسد، دولت های اقتدارگرا و یا تمامیت خواه (توتالیتر)، دولت های تسخیر شده، دولت های در سایه و دولت های دزدسالار و گانگستر مورد بررسی قرار گرفته است. در همین باره رشد باندهای جرایم سازمان یافته، نقش و مداخله دولت ها در جرم و فساد و خشونت، تاثیر شیوه حکمرانی و تاثیر تحریم های اقتصادی، پیامد سیاست های کلان اقتصادی در سطح ملی و بین المللی، پیامد جهانی شدن و نقش سازمانهای بین المللی و بسیاری عوامل دیگر مورد ارزیابی قرار گرفته است. در مورد اقتصاد ایران این پرسش مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهد گرفت که کدام عوامل بر اقتصاد سایه در ایران بیشترین تاثیر را دارد. برآوردهای گوناگون از منابع تحقیقاتی مختلف سهم اقتصاد پنهان یا اقتصاد سایه در ایران را از ۳۰ تا ۴۰ درصد GDP عنوان کرده اند. بر اساس نتایج مطالعات و بررسی های این پژوهش و ارزیابی میزان گسترش جرم و فساد در سطوح مختلف جامعه ، برآوردی در حدود ۶۰ درصد برای اقتصاد پنهان در ایران دور از انتظار نیست.گرانی، بیکاری، فقر، فساد و تبعیض. فساد حاکمیتی، تمرد از قوانین بین المللی ، نفوذ ناپذیری از نهادهای ناظر بین المللی و هزینه های درگیری و چالش با قدرتهای بزرگ و تحریم ها، اقتصاد ایران را وارد بحران های پیچیده نموده و زمین گیر کرده است . فساد حاکمیتی ، فرافکنی مشکلات، پناه بردن به ایدئولوژیهای انقلابی و جنگ افروزی و تنش های منطقه ای و چالش با کشورهای منطقه، تامین مالی تروریسم ، پولشویی و جرایم دولتی که تحریم های فلج کننده را به دنبال داشته ، هزینه های حکمرانی اقتصادی را در ایران افزایش داده است، حدود ۶۰ درصد از اقتصاد به شدت دولتی و شبه دولتی ایران را به سوی اقتصاد پنهان و در سایه شیفت داده است و این بدان معنا است که اکنون با کشوری مواجه هستیم که اقتصاد رسمی آن با ۴۰ درصد ظرفیت کار می کند ولی ۶۰ درصد دیگر هم در سایه قراردارد که عواید و منافع آن معلوم است نصیب چه بخش هایی از جامعه می شود و این نشان می دهد رشد اقتصاد سایه درتوضیح دلایل گسترش نا برابری و فقر چه نقش مهمی دارد.

تعریف اقتصاد سایه :

اکثر نویسندگانی که سعی در اندازه گیری اقتصاد سایه دارند با مشکل چگونگی تعریف آن روبرو هستند. یکی از تعریف‌های رایج مورد استفاده عبارتست از : همه فعالیت‌های اقتصادی ثبت نشده در حال حاضر که به محاسبه ی

تولید ناخالص ملی رسمی (یا مشاهده شده) کمک می کند. (اسمیت، ۱۹۹۴)[1] آن را به عنوان " برآورد ارزش تولید کالاها و خدمات مبتنی بر بازار، خواه قانونی و یا غیرقانونی که در برآوردهای رسمی تولید ناخالص داخلی قابل تشخیص نباشند، تعریف کرده است. در تعریف گسترده تری " به آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی و درآمدهای حاصل از آن‌ها که مقررات، مالیات یا امکان مشاهده و نظارت متعارف دولت را به هر طریقی دور می‌زنند." اقتصاد سایه گفته شده است.[2] همچنین " فعالیت های اقتصادی در سایه فعالیت هایی هستند که زیرزمینی، مخفیانه یا غیرقانونی هستند." کارشناسان مسائل اقتصادی ، مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی و دولتی به دلایل مختلف علاقه مند به تعیین اندازه اقتصاد سایه هستند. اول اینکه، دولت ها باید برآوردهای دقیقی از اندازه اقتصاد ارائه دهند. و دوم، اینکه آنها باید تعیین کنند که چه فعالیت هایی خارج از ساختار نظارتی دولت قرار می گیرند تا این فعالیت ها را به ساختار نظارتی وارد کرده و سهم درآمدی خود را در قالب مالیات مطالبه وکسب کنند.[3] جدول زیر نام های دیگری که منابع مختلف بر این بخش نا شناخته اقتصاد گذارده اند را لیست کرده است:

اقتصاد غیر رسمی	اقتصاد خاکستری	اقتصاد غیرقابل مشاهده	اقتصاد در سایه
اقتصاد غیرساختارمند	اقتصادحاشیه ای(مارجینال)	اقتصاد غیرآشکار	اقتصاد قاچاق
اقتصاد غیر اظهار شده	اقتصاد پنهان	اقتصاد زیرآبی	اقتصاد فرعی / جانبی
اقتصاد زیر زمینی	اقتصاد نامریی	اقتصاد ممنوعه	اقتصاد نابهنجار
اقتصاد موازی	اقتصاد غیرقانونی	اقتصاد ثانویه	اقتصاد مخفی
اقتصاد جایگزین(آلترناتیو)	اقتصاد معکوس	اقتصاد دوگانه (Dual)	اقتصاد بی قاعده
اقتصاد خود مختار	اقتصاد غیرمجاز	اقتصاد سیاه	اقتصاد مجرمانه

مبنای تمامی نامگذاری های بالا ، توجه به ماهیت و نوع فعالیت هایی است که در این اقتصاد ناشناخته ، در حال انجام است. فعالیت هایی غالبا مجرمانه ، خلاف ضوابط ، مقررات و قوانین، بی قاعده ، ممنوعه وحاشیه ای و فرعی که اغلب غیر قابل مشاهده و پنهان و در خفا و زیر زمینی[4] انجام می شوند، مانند تولید کالاهای تقلبی وکارهای سیاه

---

۱ - Smith, J.D (۱۹۸٥): Market motives in the informal economy, in: Gaertner, W. and Wenig, A. (eds.): The economics of the shadow economy, Heidelberg: Springer Publishing Company, pp. ۱٦۱-۱۷۷

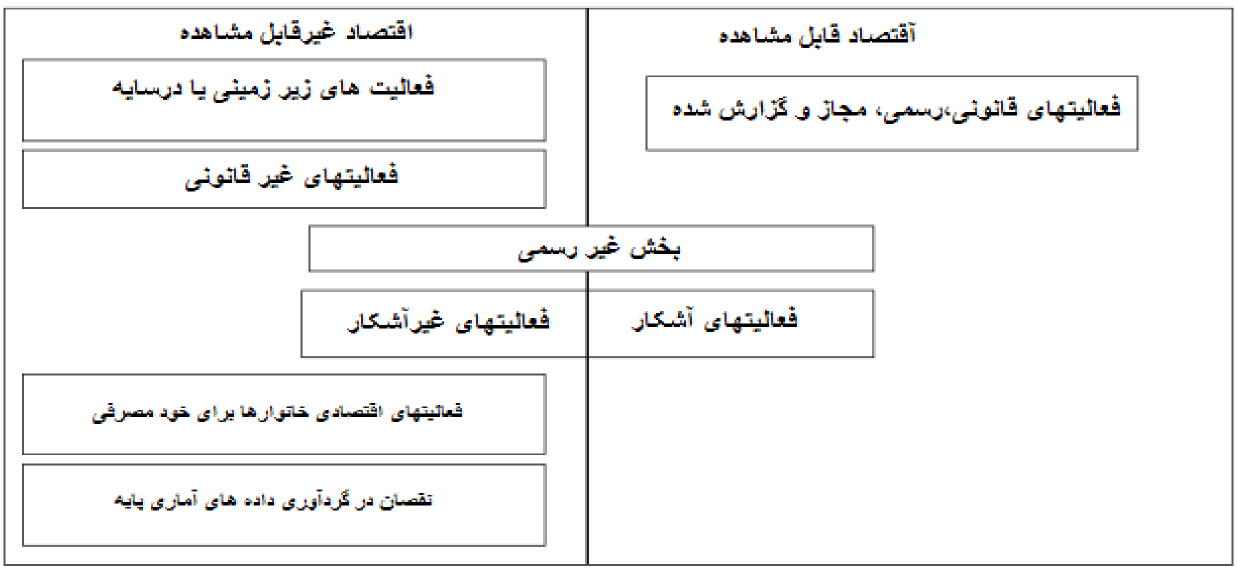
اکثر محققان معتقدند که اقتصاد سایه اجتناب ناپذیر است زیرا فعالیت های اقتصادی مختلف را نمی توان در حساب های رسمی شمارش کرد. در راستای این دیدگاه ، در نظر بگیرید که اقتصاد سایه شامل کلیه فعالیت های اقتصادی ثبت نشده است که در صورت گزارش این فعالیت ها به تولید ناخالص داخلی ملی اضافه می شد. اخیرا تعریف محدودتری از اقتصاد سایه ارائه شده است که به کلیه فعالیت های قانونی، اقتصادی و تولیدی اشاره دارد که در صورت ثبت، به تولید ناخالص داخلی رسمی کمک می کند.

۲ - Friedrich Schneider, Robert Klinglmair(۲۰۰٤), Shadow Economies around the World: What Do We Know?, Institute for the Study of Labor, IZA DP No ۱۰٤۳;Friedrich Schneider(۲۰۱۲) ,The Shadow Economy and Work in the Shadow: What Do We (Not) Know? ,IZA Discussion Paper No. ٦٤۲۳

۳ - ,p۹٤۲

٤ - non-observed economy. Underground, informal, illegal

و فعالیت های غیر رسمی که کم و بیش خاکستری است.[۵] در این میان تعریف اقتصاد غیر رسمی که سایر آنها را در خود ممکن است جای دهد ، قابل تامل تر است. اقتصاد غیر رسمی در اقتصادی با نرخ بالای بیکاری، اشتغال ناقص، فقر، نابرابری جنسیتی و کار در شرایط سخت و مخاطره آمیز رشد می کند. اغلب ممکن است برای کار غیر رسمی دستمزدهای کمتری هم پرداخته شود. شرایط ورود به بازار کار غیر رسمی ضابطه مند نیست و قانون رسمی کار برآن حاکمیت ندارد ولی ممکن است به همین دلایل ورود به این بازار و اشتغال درآن ساده تر باشد ، الزامات اندك به سطح تحصیلی، مهارت ، فن آوری و سرمایه دارد، اما اکثر افراد نه با انتخاب و تمایل و خواست خود، بلکه به دلیل نیاز به ادامه حیات و تامین حداقل معاش و برخورداری از فعالیتی با حداقل درآمد به اقتصاد غیر رسمی روی می آورند.[۶]



گونه شناسی اقتصادهای زیر زمینی برحسب فعالیت :

نوع فعالیت ها	تراکنش پولی دارد	تراکنش غیرپولی دارد.
فعالیتهای غیرقانونی	خرید و فروش کالاهای مسروقه، خرید و فروش و تولید مواد مخدر، تن فروشی، قمار، قاچاق ، تقلب، کلاهبرداری و غیره	تهاتر و معاوضه مواد مخدر، کالاهای مسروقه ، قاچاق و غیره. تولید یا پرورش مواد مخدر برای استفاده شخصی، سرقت برای استفاده شخصی خود و بستگان
از جنبه مالیاتی	فریب مالیاتی از طریق عدم اظهار درآمد و یا گریز و فرار مالیاتی	

۵ - Monica Violeta Achim & Sorin Nicolae Borlea(۲۰۲۰), Economic and financial crime: Corruption, Shadow Economy and Money Laundering , Springer Nature Switzerland.

۶ – سازمان بین المللی کار :بند ۶ نتیجه گیری مربوط به کار شایسته و اقتصاد غیر رسمی، نودمین اجلاسیه کنفرانس بین المللی کار(ژنو،۲۰۰۲).

فعالیتهای قانونی	درآمد گزارش نشده از خود اشتغالی؛ دستمزد، حقوق و دارایی ناشی از کار گزارش نشده و مربوط به خدمات و کالاهای قانونی	تهاتر با کالا و خدمات قانونی
	منافع عدم استخدام ، مزایای جانبی دیگر	بهره مندی از منافع

معمولا درآمد از محل شغل دوم افراد با آنکه ممکن است ناشی از فعالیتی قانونی باشد ، در گزارش رسمی اقتصادی وارد نمی شود و در محاسبات رسمی تولید اقتصاد ملی هم نمی آید ، مانند معلمی که در ساعات آزاد خود به تدریس خصوصی می پردازد و کارمندی که ساعات غیر اداری به شغل دومی مانند رانندگی در تاکسی اینترنتی می پردازد. همچنین درآمد مشاغل خانگی و تولیدات خود مصرفی مانند خدمات زنان خانه دار از قبیل مراقبت از فرزندان و انجام کارهای منزل ، طبق دسته بندی بالا در اقتصاد موازی یا اقتصاد حاشیه ای و اقتصاد غیر رسمی جای دارد ، زیرا برآورد ارزش اقتصادی این نوع فعالیت ها در هیچ کجا ثبت وضبط نمی شود و در سیستم حسابداری ملی هم نمی گنجد. اما همچنان که گفته شد، بخش اقتصاد موازی طی چند دهه اخیر با رشد فعالیت های زیر زمینی و رشد جرایم اقتصادی ، توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. به همین دلیل برآورد و تحلیل زیان اقتصادی که با خصیصه ی اقتصاد در سایه توصیف می شود طی سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از محافل دانشگاهی و مراکز پژوهشی و سیاستگذاران قرارگرفته است. چنانکه گفته شد اندازه گیری اقتصاد سایه ، یک کار دشوار و چالش برانگیز است. زیرا اندازه گیری چیزی که در واقع ناشناخته است دشوار است.[۷] با این حال، بسیاری از نویسندگان به چنین چالش هایی پاسخ دادند. از این نظر، ابتکارات توسعه یافته توسط اشنایدر و همکارانش قابل توجه است. آنها اندازه گیری های دوره ای از سطح اقتصاد سایه در کشورهای مختلف جهان انجام داده اند.[۸]

تعریف جرم و فساد اقتصادی

تاکنون تعریف همه شمولی ازجرم اقتصادی و مالی که در سطح بین المللی مورد پذیرش قرار گرفته باشد ، ارائه نشده است، اما در عمل، این مفهوم با اعمال متعددی مانند فساد، دزدی، تقلب، اختلاس، تحریف داده ها، کلاهبرداری الکترونیکی، جعل، دستکاری داده ها و پوشش و تخریب اسناد مالی و دارایی، پولشویی، فرار مالیاتی، جرایم مربوط به دفاتر حسابداری، پیشنهادات جعلی در خریدهای عمومی و مناقصه و غیره بازشناسی شده است.[۹]

۷ - Kirchler, E. (۲۰۰۷). The economic psychology of tax behavior. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
۸ - Alm et al. ۲۰۰٤; Schneider and Klinglmair ۲۰۰٤; Schneider ۲۰۱۱, ۲۰۱۳, ۲۰۱۵)
۹ - Monica Violeta Achim & Sorin Nicolae Borlea(۲۰۲۰), Economic and Financial Crime, Springer.

چالش های تعریف جرم اقتصادی :

از آن رو تعریف واحدی برای جرم اقتصادی نمی توان متصور شد که ماهیت پیچیده ی فعالیت های اقتصادی و پیامدها و تبعات آن در سطح خرد و کلان بر فرد، جامعه و جهان مانع از ارائه تعریف جامع و کامل از جرایم اقتصادی می شود. عده ای برای راحتی کار "جرم اقتصادی" را یک مفهوم عمومی در نظر گرفته اند که مجموعه ای از جرایم متضمن لطمه به نظم اقتصادی یا نظام روابط متعارف تجاری و کسب وکار در یک جامعه را شامل می شود. این تعاریف البته بیش از آنکه کمکی به شناخت موضوع کند، درک مساله را دشوارتر می کند. دلیل آن هم روشن است. همانطوری که ساترلند به کنایه عنوان می کند : " نه اقتصاددانان ما جرم شناس هستند و نه جرم شناسان ما اقتصاددان." برای یک تعریف قابل دفاع به هر حال ابتدا باید نظم اقتصادی یا نظام اقتصادی را تعریف کرد و روابط متعارف تجاری و مقررات و ضوابط حاکم بر فضای کسب و کار را به رسمیت شناخت، آنگاه تخطی و سرپیچی از آن را جرم انگاری نمود. واقعیت این است که ما در دنیا با طیفی از نظام های اقتصادی متفاوت مواجه هسیتم، از نظام اقتصادی کاملا آزاد تا نظام اقتصاد اشتراکی و نظام های اقتصادی مختلط که درجه ای از آزادی و درجه ای از اشتراکی بودن را در خود دارد ، ضمن اینکه در هر برهه از زمان ، حکومت گران ، اجتماع و سلایق مردم هر جامعه به یکی از نظام های اقتصادی تمایل بیشتر نشان داده است و اینطور نیست که برای یک جامعه هدف بتوان نظم اقتصادی معینی را برای همه ادوار تاریخی آن جامعه نسبت داد. آنچه روشن است ، در کشورهای سرمایه داری مالکیت خصوصی محترم و هرگونه اقدام علیه آن جرم محسوب می شود. در این کشورها با مجرمین یقه سفید روبرو هستیم. دولت ها ، حقوق مالکیت خصوصی را محترم می شمرند و تخطی از آن توسط اشخاص حقیقی و حقوقی جرم است. اما در کشورهای سوسیالیستی مالکیت عمومی و اشتراکی سبب می شود که شهروندان درکی از مفهوم ثروت اندوزی و سرمایه داری نداشته باشند. دولت در این نوع از نظام اقتصادی کنترل عوامل اقتصادی و روند تخصیص منابع اقتصادی را از طریق نظام برنامه ریزی مرکزی برعهده داشته و دارد. در این نظام اقتصادی امکان سوء استفاده ماموران دولتی از موقعیت مسلط خود بر اقتصاد وجود دارد و فساد دولتی و جرایم اقتصادی از سوی کارکنان و نهادهای دولتی بیشتر است. نظام های اقتصادی مختلط ، آسیب های هر دو نظام اقتصادی آزاد و اشتراکی را دارا هستند، اما واقعیت جالب تر این است که سیر تاریخ تحولات نظام های اقتصادی نشان می دهد که هم اکنون در دنیا نه یک نظام اقتصادی کاملا آزاد وجود دارد و نه یک نظام اقتصاد کاملا اشتراکی، بلکه اغلب با نظام های اقتصادی مختلط مواجه هستیم.

چنانکه می دانیم، بحران های اقتصادی مختلف و موارد شکست بازار موجب شده است، مکتب اقتصادی لیبرال، در موارد گوناگون از اصول و مبانی فکری، ایدئولوژیک و هنجاری خود عدول نماید و اجازه دخالت دولت را در موارد مختلف بدهد. اقتصاددانان دنیای غرب در پی بروز بحران های دهه های ۱۹۳۰، ۱۹۷۰ و دیگر بحران های

اقتصادی تاکنون ، موارد مختلفی از دخالت دولت را در نقش تنظیم کننده مناسبات اقتصادی با هدف تامین منافع جمعی توجیه کرده اند. همچنین نظام اقتصادی کاملا اشتراکی (کمونیستی) هیچگاه محقق نشده و در حال حاضر بسیاری از کشورهای سابقا سوسیالیسم – کمونیسم به نظام اقتصاد بازار محور و اقتصاد آزاد نزدیک تر شده اند. حتی چین مائوییستی هم از اصول اقتصاد اشتراکی عدول نموده و با انجام اصلاحاتی اقتصادی به اقتصاد آزاد متمایل شده است. بررسی نتایج و مشاهدات تجربی از تحولات نظام های اقتصادی نشان می دهد، قطع نظر از اصول و مبانی هریک از آنها، جرایم و مفاسد اقتصادی وجه مشترک تمامی نظام های اقتصادی شناخته شده است. در کتاب حاضر به تناسب موضوع گزارش های مختلفی از فساد و جرایم سازمان یافته درکلیه نظام های اقتصادی موجود منعکس شده است.

چالش دیگر در تعریف جرایم اقتصادی به موضوع تحولات و نوآوریهای اقتصادی مربوط است که پابه پای تحولات تکنولوژیک و تحولات فرهنگی جوامع در پیچیده تر شدن مناسبات اقتصادی هر عصر و زمان ظهور و بروز یافته است. نوآوریهای پولی، مالی و اقتصادی علاوه بر گستردگی و تنوع جرایم اقتصادی موجب پیچیدگی شناخت آنها شده است. این نوآوری ها و تحولات هم ساختارهای نهادی، هم روابط و ارتباطات و هم ابزارهای پولی مالی و اقتصادی را در جهت به تملک درآوردن منافع توسط گروه های ذینفع تحت تاثیر قرارداده اند. این نوآوری ها دارای کارکردهای چندگانه مثبت و منفی بوده و بطور بالقوه امکان فساد و جرم اقتصادی را بیش از گذشته ، از طریق شبکه سازی های نهادی همچون هلدینگ ها و شرکتهای اقماری و شرکتهای هرمی و یا به خدمت گرفتن نوآوریهایی در عرصه های پول و بانکداری، مانند انواع شبه پول، پول دیجیتال، ارز دیجیتال و انواع اوراق بهادار تازه عرضه شده و قابل معامله در بازار و همچنین دستکاری بازارهای مختلف از جمله بورس سهام و سرمایه ، تعامل و همکاری مشترک بخش عمومی و خصوصی در پروژه های کلان اقتصادی و انجام تراکنش های مالی پنهان و پوشیده و بانکداری در سایه را بگونه ای فراهم می کند که نه تنها شناسایی و رهگیری ، بلکه حتی تشخیص جرایم اقتصادی را مشکل نموده است. با این توصیف تحولات و نوآوری های ساختاری و نهادی و تعارضات منافعی که در پی آن ایجاد می شود به گشوده شدن روزنه های تازه برای ارتکاب فسادهای کلان و طفره رفتن از متابعت قوانین و یا سلب امنیت در حقوق مالکیت می انجامدکه در کنار تحمیل بارسنگین مقررات،کیفیت پایین خدمات دولتی ناشی از گسترش غیر اصولی نظامهای بروکراتیک، به عدم پاسخگویی دولت و انسداد در روندهای نظارت موثر و پایش های دموکراتیک از سوی نهادهای مردمی می انجامد، که پیامدهای همگی آنها رشد تورم و بیکاری و بروز بحران های اقتصادی و رشد اقتصاد زیرزمینی است.

همچنین از نقطه نظر تئوری های علم اقتصاد ، اگر چه می توان نظم اقتصادی را تحث شرایط ایده ال ، تحقق یک تعادل پایدار در تمامی بازارها تعریف نمود ، اما آن شرایط تعادلی پایدار در عمل هیچگاه در هیچ اقتصادی محقق

نشده است وآن نظم و تعادل مورد نظری که بتوان برآن اساس هرگونه انحراف ناشی از اختلال و مداخله در روند تحقق آن را یک جرم اقتصادی تلقی نمود ، هیچگاه در عمل قابل دستیابی نبوده است، ضمن اینکه هرگونه انحراف و اختلال منتهی به عدم تعادل در بازارها را نمی توان به عنوان نشانه ای از وقوع یک جرم اقتصادی تلقی نمود. تنها شاید با کمی اغماض بتوان برخی عدم تعادل های اقتصادی پایدار ناشی از مداخلات غیرقانونی و غیر اصولی افراد ، نهادها و دولت ها و یا سوء رفتار و عملکرد و سوء مدیریت کارگزاران و عوامل اقتصادی را جرم اقتصادی و مصداق اخلال در نظام اقتصادی تلقی نمود. مثلا احتکار باید از تغییر در موجودی انبار متمایز گردد، گرانی باید با هر گونه افزایش قیمت متعارف تمیز داده شود. نمی توان میزان متعارفی از خرید و فروش ارز توسط اشخاص در بازار رسمی یا غیر رسمی را اخلال در بازار ارز و جرم تلقی نمود. بنابراین جرایم اقتصادی می بایست در سطح خرد یا کلان باز تعریف شوند. جرایم اقتصادی خرد پیامدهای خسارت بار کمتری برای جامعه در پی دارد تا جرایم اقتصادی کلان. با این توصیف باید میان علت و معلول نیز در تشخیص جرایم اقتصادی تمایز قایل شد. تشخیص و تمایز میان علت و معلول در یک سلسله از علل متوالی، مصداق یابی جرایم اقتصادی را با چالش های دیگر مواجه می کند. در این مورد پرسش اساسی این است که آیا شرایط نابسامان اقتصادی همچون رکود و تورم مزمن و بیکاری و کاهش شدید ارزش پول ، زمینه ارتکاب برخی جرایم اقتصادی را فراهم می کند یا جرایم و مفاسد اقتصادی عامل بروز این اختلال ها در نظام اقتصادی می شوند؟ آیا فقر عامل رشد مفاسد و جرایم اقتصادی از قبیل ، تن فروشی، دزدی، کلاهبرداری و دستبرد به منازل مسکونی مردم و سرقت اموال دیگران می شود، یا نابسامانی های اقتصادی و سوء حکمرانی اقتصادی دولت منتهی به افزایش فقر در جامعه می شود؟ به نظر می رسد، شناخت ماهیتی این چالش ها ، تا حدود زیادی می تواند کار را برای مصداق یابی جرایم اقتصادی راحت تر نماید. به رغم چالش های مطرح شده اما به نظر می رسد تلاش های مختلف از سوی حقوق دانان، جرم شناسان و دیگر محافل آکادمیک و پژوهشگران در حوزه جرم شناسی اقتصادی ، به ارائه تعاریف گوناگون و متفاوتی از جرایم اقتصادی هرچند ناقص و قابل نقد، منجر شده است. دلیل آن هم روشن است ، به هرحال فشار افکار عمومی و انتظار احاد جامعه از نظام عدالت قضایی ، در پی طرح دعاوی مختلف از سوی اشخاص و نهادهای مختلف نسبت به خسارات مالی که متحمل شده اند، قانون گذاران را به ارائه تعاریفی حقوقی از جرایم اقتصادی سوق داده است. این تعاریف درهرحال کاملا نسبی و قابل نقد هستند و می توانند از منظر جرم شناسی و یا از نظر انطباق با شرایط و مقتضیات و یا منطق تئوریک در علم اقتصاد و اصول و ضوابط مدیریت مالی و جنبه های گوناگون دیگر مورد نقد و بررسی قرار گیرند.

تعریف جرم اقتصادی

با مقدمه گفته شده در بالا اکنون می توان در یک تعریف کلی گفت : جرم اقتصادی به آن دسته از فعالیت های غیرقانونی در زمینه های تجاری و مالی اطلاق شده است که با هدف کسب منافع و مزیت های اقتصادی توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی انجام می شود. همچنین جرائم اقتصادی عبارتست از فعالیت مجرمانه عمدی که مرتکب به واسطه موقعیت و جایگاه خاص خود و یا با بهره گیری از دانش و اطلاعات خود و نیز با توسل به وسایل و شیوه های خاص، با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری مرتکب می شود و اغلب پیامد آن برای جامعه و قربانیان خسارات باراست.[۱۰] نویسندگان مختلف اسامی گوناگون دیگری بر این جرم نهاده اند. انحراف نخبگان[۱۱] یک توصیف دیگر برای مفسدان اقتصادی یا مجرمان اقتصادی است. همچنین جرایم یقه سفیدها[۱۲] در توصیف مجرمان و مفسدان اقتصادی و مقامات مرتکب به فساد اداری بکار می رود. در تعریف دیگری اعمال غیرقانونی انجام شده توسط افراد، انجمن ها، جوامع، یا سازمان ها در ارتباط با پیشرفت برخی از مشاغل مرتبط با امور مالی، بانکی، گمرکی، معاملات تجاری با استفاده از تقلب، خیانت در امانت، جعل گردش و گزارش های مالی، پولشویی، ورشکستگی متقلبانه، فرار مالیاتی، سواستفاده از بیمه نامه ها و غیره، مصادیق مختلف جرم اقتصادی و مالی تعریف شده است.[۱۳] در یک رای دیوان عدالت قضایی کشور فرانسه، جرم اقتصادی چنین تعریف شده است: جرمی است که مربوط به تولید، توزیع و جریان و مصرف کالا و خدمات می شود.

(اشنایدر و انسات، ۲۰۰۰)، معتقدند : جرم اقتصادی انجام فعالیت های مجرمانه و غیرقانونی شامل هرگونه مبادلات پولی غیرقانونی ناشی از تجارت کالاهای مسروقه، خرید و فروش و تولید مواد مخدر، فحشا، قمار، قاچاق (بین المللی و بین دولتی) و کلاهبرداری، جعل، هک سیستم کامپیوتری، تجارت اطلاعات سرقت شده، سرقت هویت، ارسال هرزنامه و همچنین مبادلات غیرپولی و غیرقانونی شامل معامله یا تهاتر کالاهای به سرقت رفته، قاچاق و غیره، تولید یا پرورش مواد مخدر برای استفاده شخصی و سرقت برای استفاده شخصی است.[۱۴]

در عمل جرایم اقتصادی و مالی بسیار فراتر از جرایم یقه سفید است و برای درک آن باید وارد حوزه های اقتصادی، مالی و سیاسی شویم. زیرا جرایم مالی عمیقاً با قدرت های سیاسی مرتبط است و اگر نتوانیم روی آن

---

۱۰ - Monica Violeta Achim , Sorin Nicolae Borlea(۲۰۲۰),Economic and Financial Crime: Corruption, shadow economy, and money laundering, Switzerland: Springer,p۲۵
۱۱ - elite deviance, (D. R. Simon, ۱۹۹۹)
۱۲ - Coleman,(۱۹۹٤), white-collar crime.
۱۳ - Monica Violeta Achim , Sorin Nicolae Borlea(۲۰۲۰),Ibid.
۱٤ -Schneider and Enste (۲۰۰۰).

تمرکز کنیم، واقعاً پویایی و پیامدهای آن را درک نمی کنیم. بنابراین ما باید بسیار بین رشته ای باشیم و از دانش سنتی خود فراتر برویم[۱۵]

در اینجا بطور کلی منظور از جرایم اقتصادی، جرایمی با انگیزه های اقتصادی یا با ریشه ها و علل اقتصادی است. برای جرایم اقتصادی عناوینی چون مفاسد اقتصادی، جرایم یقه سفیدها (که مقام مرتکب وجه تسمیه قرار گرفته است) و اصطلاح جرایم سازمان یافته (جرایمی که هدف و غایت آن کسب منافع و قدرت مادی است که با نبوغ فرد به وقوع می پیوندد و نیاز به سازماندهی، برنامه ریزی، هماهنگی و ارتباطات دارند.) به کار می رود. این جرایم دراقتصادهای دولتی عمدتا ماهیت دولتی دارد ، اما در نظام های اقتصادی که بخش خصوصی سهم بزرگتری از اقتصاد را در اختیاردارد، جرایم اقتصادی ماهیتا در زمره جرایمی است که دولتی ها در آن کمتر مورد اتهام قرار می گیرند. با این حال در هر نظام اقتصادی، پیامد یک جرم اقتصادی تحمیل زیان و خسارات به عموم جامعه و خسارت به اقتصاد ملی علاوه بر قربانیان مستقیم آن جرم است.

تقسیم بندی جرایم اقتصادی :

(فریبرز رئیس دانا،۱۳۸۱) جرائم اقتصادی را به این صورت تقسیم نموده است:

الف- جرائمی که به فعالیت های اقتصادی مربوط می شود و موجب نـاممکن شـدن اجرای تعهـد فـرد مجرم می شود؛ مانند صدور چک بلامحل؛ یا تعهد به اجرای یک قرارداد انجام کارو طفره رفتن از انجام آن.[۱۶]

ب- جرائم اقتصادی آگاهانه مانند جعل، کلاه برداری، پولشویی، تدلیس، اختلاس اموال خصوصی و شرکت ها

ج- جرائم مربوط به نقض مقررات و قوانین مانند قانون تجارت از جمله قیمت شکنی یا افزایش قیمت برخلاف محدودیت های قانونی و تقلب در تولید؛

د- جرائم اقتصادی با جنبهٔ فساد مالی مانند سوءِ استفاده از منصب و موقعیت و قدرت (جرم یقه سفیدها)، سوءِاستفادهٔ مالی، تقلب در اموال دولتی، رشا و ارتشا

در قوانین ایران صراحتا هیچ تعریفی از جرائم اقتصادی به میان نیامده و در حقوق داخلی با خلاء قانونی از حیث تعریف جرم اقتصادی روبرو هستیم ، ولی در قالب قوانین مختلف به مصادیق گوناگون جرایم اقتصادی توجه شده است و در موارد متعدد هم نوع جرم تعریف شده و هم مجازات برای آن تعیین شده است. فهرست جرایم اقتصادی

۱۵-anping Liu , Minghai Tian , Yanming Shao(۲۰۲۲) ,Cybercrimes and Financial Crimes in the Global Era, Springer,

۱۶ – این تعریف در شرایط اقتصادی نا پایداری همچون اقتصادایران می تواند دایره مجرمان اقتصادی را افزایش دهد. هم اکنون افراد زیادی هستند که انجام یک کار و یا پروژه ای را با مبلغی معین تعهد داده اند ، ولی به دلیل افزایش یکباره نرخ ارز و یا افزایش یکباره قیمت ها در بازار، از اجرای تعهد خود بازمانده اند، با این تعریف همگی این افراد بطور ناخواسته در دایره مجرمان اقتصادی قرار می گیرند.

و مالی بسیار متنوع و طولانی و در حال افزایش است، اما یک دسته بندی عام از جرایم اقتصادی و مالی بشرح زیر است :

- فساد اداری و اقتصادی و اختلاس
- فرار مالیاتی
- هرگونه تقلب و کلاهبرداری
- جرم و جنایت الکترونیکی (کارت و تراشه) و اخاذی و دزدی از طریق دستبرد به اطلاعات
- جرایم سایبری مانند هک کردن و سوء استفاده از اطلاعات با دسترسی محدود یا دسترسی محرمانه.
- پولشویی
- تأمین مالی تروریسم
- سوء استفاده از بازار ، اخلال در عملکرد بازار با دستکاری قیمت ها در بازار و احتکار
- قمار، فحشا، قاچاق کالا و ارز، تجارت مواد مخدر و جرایم مرتبط.
- دستبرد به طبیعت، اموال و منابع ملی، میراث فرهنگی وآثار هنری و باستانی

تقسیمات جرایم اقتصادی باز هم می تواند گسترده تر و دقیق تر شود، هرگاه جرایم اقتصادی دولت ها علیه یکدیگر و علیه شهروندان خودشان و همچنین جرایم اقتصادی سازمان یافته در سطح جهانی و جرایم اقتصادی نهادهای بین المللی در ابعاد جهانی را در نظر بگیریم. به این ترتیب جرایم اقتصادی می توانند در سطح محلی، ملی و فراملی دسته بندی، شناسایی و تعریف شوند.

برای بازشناسی جرایم اقتصادی وجود ۴ عامل ضروری دانسته شده :

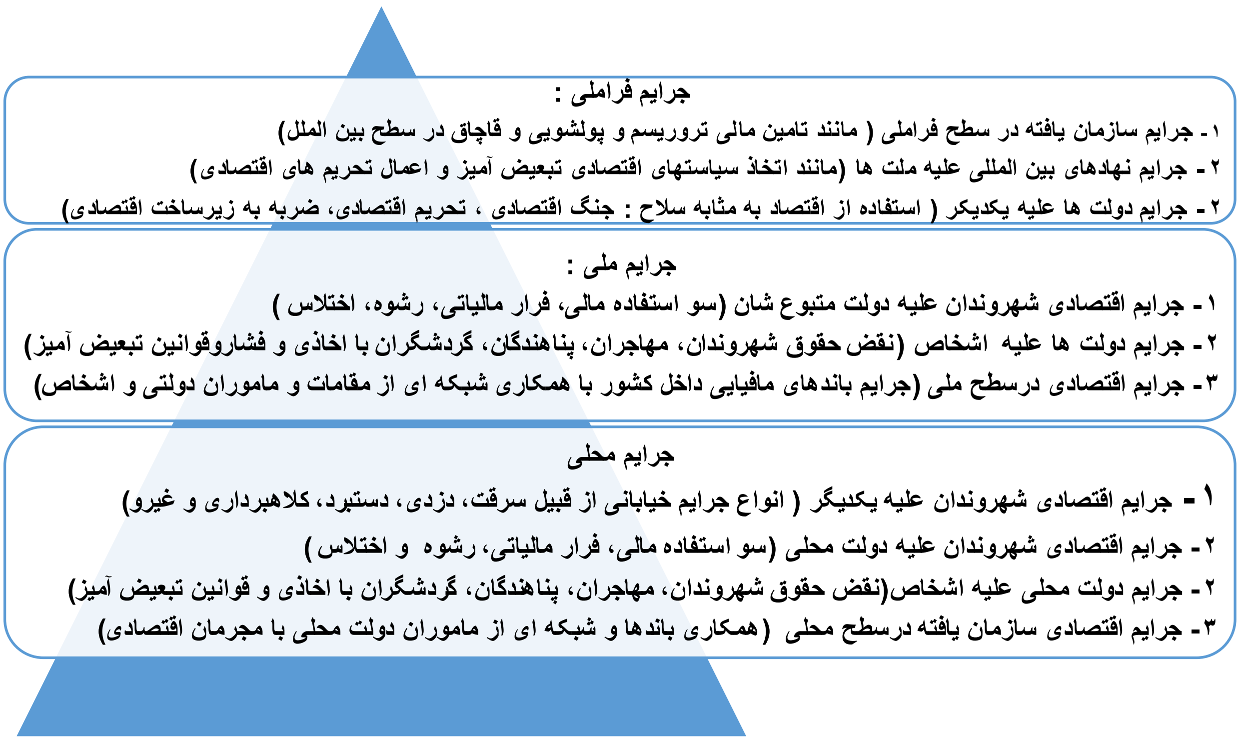
۱ –وجود ساختارها و مبناهای اقتصادی سالم : جرم اقتصادی در یک بستر سالم و در قالب قرارداد و روابط اقتصادی و با همکاری نهادهای دولتی و نظارتی و یا به صورت مستقل صورت می گیرد. این بدان معناست که در یک نظام اقتصادی ناسالم، آنچه رخ می دهد، غالبا ناشی از عدم سلامت نظام اقتصادی است و مجرم خود، قربانی آن نظام اقتصادی نا سالم و فاسد است. بعلاوه در سازمان های مافیایی که ذاتاً مجرمانه اند ، جرم اقتصادی نداریم، چون تمام اقدامات این سازمان ها و اساس آنها مجرمانه است ، احتمالا از نگاه خودشان، آنها مشغول انجام وظایف سازمانی خود هستند و از ضوابط سازمانی خود تخطی نمی کنند، در سازمان های مافیایی، تخطی کردن از ضوابط آن سازمان ، یعنی مرتکب جرم نشدن.

۲– کنارگذاری عنصر خشونت. بدیهی است اعمال خشونت ، ماهیت جرم اقتصادی را تغییر می دهد. بطور مثال سارقی که با به قتل رساندن راننده یک خودرو، آن خودرو را به سرقت برده ، اگرچه انگیزه اقتصادی داشته ولی جرم اقتصادی مرتکب نشده ، بلکه یک جنایت مرتکب شده است.

۳– جرم اقتصادی با نوعی فرصت طلبی مجرمانه ملازمه دارد : این فرصت طلبی ارتباط تنگاتنگی با درجه ی هوش و صلاحیت حرفه ای و شغلی مرتکبین و میزان اعتمادی است که صورت گرفته. این بزهکاران برای جامعه خطرناک ترند چون هم جامعه پذیرند ، هم از سازگاری اجتماعی بالایی برخوردارند. عمده مفسدان کلان اقتصادی از آن جمله اند.

۴– اصولاً در جرایم اقتصادی مرتکبین به دنبال کسب سود و پول هنگفت هستند.[۱۷]

در کتاب حاضر جرایم اقتصادی براساس دامنه و عمق تاثیر و میزان خسارات ، به صورت زیر دسته بندی می شوند :



جرایم اقتصادی شهروندان علیه یکدیگر :

احتکار وگران فروشی، ایجاد تصنعی کمبود کالا در بازار، انحصارگری ، تبعیض قیمت ، کلاهبرداری، تقلب ، دستبرد به اموال و دارایی اشخاص و سرقت اموال و دارایی اشخاص و... صدها جرایم ریز و درشت دیگر در این فهرست جای دارد.

---

[۱۷]– نجفی ابرندآبادی، تقریرات درسی جرم شناسی (درآمدی بر جرم شناسی بزهکاری اقتصادی و حقوق کیفری اقتصادی، ویرایش دکتر فاطمه قناد : جرم–شناسی– جرایم– اقتصاد ، https://www.vekalatonline.ir/articles/۱٤۱۱٤/

جرایم اقتصادی شهروندان علیه دولت :

مصادیق متنوعی از این نوع جرم را می توان برشمرد. هرگونه اقدام و تلاش غیر قانونی افراد حقیقی و حقوقی برای فرار از پرداخت مالیات و عوارض گمرکی و شانه خالی کردن از پرداخت دیون خود به دولت و یا ادای حقوق دولت مصداق جرم اقتصادی شهروندان علیه دولت است. همچنین هرگونه خیانت در امانت ، سرقت اموال عمومی، غیبت و کم کاری کارکنان در استخدام دولت در انجام وظایف ، تقلب و کلاهبرداری و دزدی و ایراد خسارات و قصور پیمانکاران از انجام تعهدات خود در قرارداد با دولت از نقطه نظر کمیت و کیفیت کار، جرم اقتصادی اشخاص علیه دولت تلقی می گردد.

جرایم اقتصادی دولت ها و مقامات دولتی علیه شهروندانشان

در این دسته از جرایم نیز فهرستی طولانی جای می گیرد. از مصادیق آن می توان به تدوین و اجرای قوانین و سیاستها و برنامه های تبعیض آمیز از قبیل ایجاد امتیاز و رانت و انحصار برای گروه ها و احزاب و اصناف خاص در برابر سایر اقشار و گروه های جامعه، خیانت در امانت و سوء استفاده از موقعیت و مقام به نفع اشخاص مورد اعتماد و نزدیکان خویش توسط مقامات ، لابی گری، نفوذ پذیری و تاثیرگذاری بر روندهایی که منافع عمومی را به نفع یک فرد و یا گروه اقلیت هوادار به مخاطره می اندازد و یا خسارات و زیان های اقتصادی به جامعه تحمیل می کند و یا روند تخصیص کارآمد منابع را با اختلال مواجه می سازد. اختلاس و دزدی و غارتگری، عقد قراردادهای استعماری با اجانب برخلاف منافع دراز مدت عمومی، حیف و میل اموال عمومی و خسارت برآن و نظایرهم در این دسته قرار دارند.

جرایم اقتصادی دولت ها علیه یکدیگر :

هرگونه جرم دولت ها علیه یکدیگر که دارای پیامد و آثار اقتصادی باشد، مانند ضربه به زیرساخت اقتصادی از طریق تجاوز نظامی به کشورهای دیگر و یا استفاده از ابزارها و راهبردهای اقتصادی به مثابه سلاح توسط دولت ها علیه یکدیگر مصداق بارز جرایم اقتصادی دولت ها علیه یکدیگر است. جنگ اقتصادی، تحریم اقتصادی و محاصره اقتصادی مصادیق روشنی از جرایم اقتصادی یک دولت، علیه دولت–ملت های دیگر است. بدیهی است هرگونه سیاست مداخله جویانه و خصمانه ای که دولت –ملت ها علیه یکدیگر اتخاذ می کنند، می تواند به تشدید خسارات اقتصادی در مورد مردم کشور هدف بیانجامد و از این منظر خود آن تدابیر و اقدامات مجرمانه بوده و چون دارای ابعاد و آثار اقتصادی می باشند ، می توانند به عنوان جرایم اقتصادی یک دولت علیه دولت دیگر ارزیابی شوند. بطور مثال برخی کارشناسان در ارزیابی استراتژی مبارزه با تروریسم (NSCT) از سوی ایالات متحده در منطقه خاورمیانه به عنوان کانون اصلی فعالیت های تروریستی فراملی و جرایم مرتبط با آن مانند تامین مالی تروریسم و

پولشویی، استدلال می کنند که استراتژی کلان ایالات متحده در حال حاضر به طور خطرناکی دو منبع اصلی رادیکال‌سازی را نادیده می‌گیرد :

۱ -بحران اعراب و اسرائیل ۲- حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه.[۱۸] هر دو عامل گفته شده به رشد بیشتر تروریسم و به تبع آن افزایش تلاش های مجرمانه از سوی برخی دولت هایی که به عنوان حامی تروریسم شناخته میشوند ، از قبیل تامین مالی تروریسم و پولشویی و تنش و تقابل های منطقه ای منتهی می گردد. به این ترتیب، راهبردی که ظاهرا هدفش کنترل یک جرم فراملی مانند تروریسم است، خود می تواند به رشد بیشتر تروریسم دامن بزند. همچنین اعمال هرگونه تحریم های اقتصادی برای تنبیه کشورهای جنایتکار، چنانکه اشاره خواهد شد، به رشد بیشتر جرم و جنایت و فساد بطور سازمان یافته و گسترش جرم و فساد در عرصه جهانی منتهی خواهد شد.

امروزه با توجه به درهم تنیدگی و ادغامی که در نظام اقتصاد جهانی رخ داده است و به گسترش دامنه تاثیر گذاری جرایم به سطح فراملی منجر شده است، توجه و اهتمام نهادهای بین المللی همچون سازمان ملل ، از سال ۲۰۰۰ میلادی به این سوی به تدوین ضوابطی برای مقابله با مصادیق مختلف جرایم اقتصادی در سطح فراملی سوق داده شده است که دو کنوانسیون پالرمو و مریدا با موضوع مقابله با جرایم اقتصادی و مالی و مقابله با تامین مالی تروریسم تدوین که با اجماعی جهانی مورد پذیرش اکثریت کشورهای عضو سازمان ملل رسیده است.

جرایم متعارف[۱۹] یا جرایم خیابانی[۲۰] یا جرایم یقه آبی[۲۱]: جرایمی هستند که بطور نمادین و کلیشه ای در ذهن اغلب شهروندان و دولتی ها و پلیس بطور شناخته شده جای گرفته است. به محض اینکه گزارشی از وقوع یک جرم می شنویم، ذهنمان بسوی جرایمی همچون کلاهبرداری ، دزدی، آدم ربایی و سرقت شبانه منازل ، جیب بری، کیف قاپی، تهدید و تجاوز و نظایر اینها می رود ، همه این موارد از جمله جرایم خیابانی و مرسوم و متداول هستند که در غالب کشورها برای آن مقررات و قوانین ومجازات تعیین شده وجرم انگاری شده است. این نوع جرایم در ادبیات جرم شناسی به جرایم یقه آبی نیز شهرت دارند. مجرمان یقه آبی در مقایسه با مجرمان یقه سفید دارای موقعیت اجتماعی پایین تری هستند. این شکل ازجرم و جنایت بیشتر توسط جوانانی با وضعیت اقتصادی و طبقات اجتماعی پایین انجام می شود. به طور کلی تصور می شود که جرایم یقه آبی از نظر فیزیکی بیشتر از جرایم یقه سفید قابل توجه است و شرکت در چنین جرایمی به "مهارت بازاری" کمی نیاز دارد.[۲۲] اگر چه یقه آبی اطلاق به طبقه کارگر دارد، و جرایم یقه آبی براساس نتایج بررسی وضعیت جوامع صنعتی اینطور باز تعریف و شناسایی

---

۱۸ - James J. F. Forest(۲۰۰۷), Countering terrorism and insurgency in the ۲۱st century : international perspectives, Greenwood Publishing Group, Inc.,p۳۰

۱۹ - conventional crime

۲۰ - Street Crimes

۲۱ - blue collar crimes

۲۲ - Blue-Collar Crime: Definition, Statistics & Examples - Video & Lesson Transcript | Study.com. Study.com. Retrieved ۲۰۱۶-۰۵-۱۷.

شد که بیکاری در طبقات پایین دست جامعه (طبقه کارگر) موجب می شود آنها بسوی ارتکاب انواعی از جرایم خیابانی سوق داده شوند. پژوهشگران جرایم خاص این طبقه را جرایم یقه آبی ها توصیف کرده اند. بعد ها با شناخت پدیده ی ای بنام بیکاری ساختاری بلندمدت، طبقه فرودست ایجاد شد. رالف دارندورف[۲۳] استدلال می کند که اکثریت جامعه برای حفظ و حتی افزایش استاندارد زندگی خود به بیکاران نیازی نداشتند و بنابراین وضعیت طبقه فرودست یا طبقات حاشیه ای نا امید کننده شد و آنها ازسراستیصال و درماندگی و یا اعتراض، روی به هنجارشکنی و جرم و جنایات خیابانی نمودند. اما ارتکاب این نوع از جرایم کما بیش در همه جوامع وجود دارد و قابل تامل است که بدانیم گروهی از انواع این جرایم حتی در میان دانشجویان دانشگاه های ایالات متحده هم تناوب تکرار دارد. در گزارش های دوره ای که راجع به آمار ارتکاب جرایم در مکان های آموزشی و اماکن دانشگاهی و کالج های در سطح آمریکا منتشر می شود، فهرست برخی از این جرایم آمده است. یکی از این جرایم تحت عنوان وانداليسم[۲۴] دسته بندی می شود، که به جرم و جنایات ناشی از سوء مصرف الکل مرتبط است. بیش از یک نفر از هر ده دانشجو که مشروبات الکلی می نوشند، اذعان دارند که در حالت مستی به اموال آسیب رسانده اند. تخمین زده می شود که ۱۰۰۰۰۰ دانشجوی هجده تا بیست و چهار ساله به دلیل جرایم مرتبط با الکل، از جمله رانندگی در حالت مستی در اماکن عمومی دستگیر می شوند. حدود ۵ درصد از دانشجویان در کالج های دوره چهار ساله (لیسانس) به دلیل نوشیدن الکل با پلیس یا ماموران امنیتی محوطه دانشگاه درگیر می شوند.[۲۵]

جرایم یقه آبی می تواند طیف وسیعی از تأثیرات را بر قربانیان داشته باشد، از جمله ضرر مالی و آسیب های جسمی، عاطفی و روانی. این شکل از توهین تقریباً همیشه شخصاً توسط قربانی احساس می شود. تأثیر ممکن است کوچک یا قابل توجه باشد و می تواند در کوتاه مدت و بلند مدت احساس شود.[۲۶]

به نظر می رسد علاوه بر ذهنیت شهروندان، حتی تمرکز اصلی دولت ها، سیاستمداران و جرم شناسان و نظام قضایی و حقوقی در کشورهای مختلف بر همین دسته از جرایم و جنایات است.[۲۷] گاهی به نظر می رسد تعمدی در کار

---

۲۳ - Ralf Dahrendorf

۲٤ - Vandalism:

خشونت، وحشی گری، تخریب و اغتشاش که منتسب به واندال هاست، واندال ها یک گروه از اقوام بربر ساکن در اروپا بودند که بعد از سقوط امپراتوری روم و در سراسر قرون وسطا و عصر تاریکی اروپا ، در سبکی از توحش و خشونت زندگی می کردند. این اقوام وحشی اروپایی که در ویرانی و به سقوط کشانیدن تمدن روم نقش موثر داشتند، قرن ها در سایه مسیحیت سخت گیرانه کلیسایی، آبدیده و صیقل داده شدند و بعدها خود را وارث تمدن رومی معرفی نمودند و امروزه وانداليسم به هرگونه اقدامات هنجارشکنانه ونقض قوانین ومقررات در جامعه متمدن غربی اطلاق می شود.

۲٥ - R. Barri Flowers(۲۰۰۹), College Crime: A Statistical Study of Offenses on American Campuses, McFarland & Company, Inc., Publishers ,p۱۳.

۲٦ - Blue-Collar Crime: Definition, Statistics & Examples - Video & Lesson Transcript | Study.com. Study.com. Retrieved ۲۰۱٦-۰٥-۱۷.

۲۷ -Edelhertz, Herbert and Overcast, Thomas D. (eds) (۱۹۸۲) White Collar Crime: An Agenda for Research Lexington, MA: Lexington Books ;John Minkes and Leonard Minkes(۲۰۰۸) ,Corporate and White-collar Crime,p۱۸۰

است تا بجای نقد کردن شرایط و وضعیت منتهی به وقوع جرایم، و منجمله توجه به شیوه حکمرانی و یا فساد مقامات سیاسی و جرایم نخبگان و ریشه یابی و تنظیم مناسبات نابرابر میان احاد افراد جامعه و تبعیض های موجود که محرک جرم و جنایات در طبقات پایین دست جامعه است، تلاش می شود خطر وجود مجرمان خیابانی بیش از حد جلوه داده شود و جرایم و جنایاتی که طبقات ممتاز جامعه مرتکب می شوند، به اغماض مورد گذشت و چشم پوشی قرار می گیرد و اساسا این طبقه اجتماعی منزه و پاک جلوه داده می شوند. در مورد ایران آگاهی داریم که کتابهای درسی که هم اکنون با عنوان مبانی جرم شناسی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته حقوق ، در دانشگاه های سراسر کشور تدریس می شود، بیشترین توجه و تمرکزشان بر شناخت ابعاد و ریشه های بروز جرایم خیابانی و جرایم متعارف و راه های کنترل و مقابله با آنها است، تقریبا به هیچ یک از جرایم و جنایات علیه بشریت که مقامات دولتی وحکومتی درآن نقش بسزا دارند و به نقش دولت ها و تاثیر شیوه حکمرانی بر وقوع جرایم توجهی نشده است.[۲۸] درکشورهای دیگر هم کما بیش عمده توجهات بر جرایم متعارف است، زیرا طبقات ممتاز و حاکمه تمایلی ندارند موقعیت خودشان را به چالش بکشند.

جرایم یقه سفیدها[۲۹]:

حداقل تا دهه ۱۹۶۰، ذهنیت و برداشت جامعه‌شناختی در مورد جرم و جنایت تقریباً به طور انحصاری بر جرایم و تخلفات و تهدیدات ناشی از جمعیت‌های ناتوان و از نظر فرهنگی «دیگر» متمرکز بود – یعنی «مجانین»، «ولگردها و فاحشه ها »، «منحرف‌ها»، «چُلاق ها» ، «خودسرها» ،«کلاهبرداران»، «شیادها»، «اراذل و اوباشان» [و همچنین خرده فرهنگ‌های طبقات فقیر و نژاد پرست ها]» (اسپیتزر، ۱۹۷۵، ص ۶۳۸؛ همچنین نگاه کنید به کوهن، ۱۹۵۵؛ میلر، ۱۹۵۸). این افراد به عنوان مظهر تهدید نهایی برای نظم اجتماعی و اخلاقی و به عنوان انکوباتورهای[۳۰] فرهنگی هرج و مرج و مشکلات اجتماعی معرفی می شدند. به همین دلیل یک برداشت رایج از دانش جامعه شناسی (و از جمله جرم شناسی) این بود که این دانش در خدمت منافع سرکوبگرانه نیروهای قدرتمند یا صاحبان قدرت است. در سال ۱۹۴۰، ادوین ساترلند[۳۱] ظاهراً اولین چالش عمده را در برابر مفروضات هستی شناختی جرم شناسی با کار خود در مورد جرایم یقه سفیدها مطرح کرد. (به ساترلند، ۱۹۴۰ مراجعه کنید) او در مقاله خود، پوشش مفهومی این رشته را با بحث در مورد فعالیت های غیرقانونی شرکت ها و نمایندگان آنها به عنوان مجرم گسترش داد. پیش از او البته مفهوم جرایم یقه سفید ها اولین بار توسط ادوارد السورث راس (۱۹۰۷)[۳۲] مطرح شده بود ولی تقریباً ۳۰ سال

---

[۲۸] –بطور نمونه ر. ک. به مهدی کی نیا (۱۳۸۸): مبانی جرم شناسی، انتشارات دانشگاه تهران.

۲۹ - Coleman,(۱۹۹٤),White-Collar crimes

۳۰- دستگاه باز تولید و تکثیر: incubator

۳۱ -Edwin H. Sutherland

۳۲ -Edward Alsworth Ross (۱۹۰۷),

بعد جرایم یقه سفید در ایده های ادوین اچ ساترلند بازآفرینی شد (۱۹۳۹-۴۰). ساترلند در ابداع این اصطلاح، جرایم یقه سفید را اینگونه تعریف کرد: "... جرایمی که توسط شخصی با احترام و موقعیت اجتماعی بالا در جریان شغل خود مرتکب شده است" ، برای ساترلند، دسته بندی یقه سفید شامل "مدیران و کارفرمایان و صاحبان کسب و کار" بود، در تحقیقات او به شرکت ها عنوان مجرمانه نسبت داده می شود. او معتقد بود که تخلف یقه سفیدها در صورت اثبات جرم، قابل آسیب شناسی اجتماعی و قابل مجازات است.[۳۳]

ساترلند در تعبیری رابطه اقدامات مجرمانه را با فعالان اقتصادی و صاحبان کسب و کار اینگونه مطرح می کند : "اقتصاددانان به خوبی با روش های کسب و کار آشنا هستند، اما عادت ندارند آنها را از نقطه نظر اقدام مجرمانه در نظر بگیرند . بسیاری از جامعه شناسان هم به خوبی با جرم و جنایت آشنا هستند، اما عادت ندارند آنها را آنگونه که در تجارت و کسب و کار بیان می شود در نظر بگیرند." او وظیفه خود را ادغام " این دو بدنه دانش" معرفی می کند که هدف آن کمک به تعقیب جرایم و جنایاتی است که صاحبان کسب و کار و شرکت های قدرتمند مرتکب شده اند. هدف او بررسی رفتار شرکت ها از لنز تحقیقات جرم شناسی است.

علیرغم شناخت ساترلند از اهمیت مقوله جنایات یقه سفید، این موضوع هرگز به مرکزیت مطالعات جرم شناسی که او پیشنهاد کرد تبدیل نشد. جرایم یقه سفید در بیشتر موارد به عنوان یک سوژه ی انحرافی در نظر گرفته شده است که عمدتاً برای ارائه تضاد با جنایات رایج و مجرمان خیابانی که همچنان در تحقیقات و نظریات جرم شناسی در مرکزیت بحث قرار دارد ، مورد استناد قرار گرفته است.[۳۴]

امروزه جرایم یقه سفید بر جرایم کارمندان و کارکنان بخش عمومی ، دولتی و غیر دولتی و نخبگان در شرکتهای خصوصی تمرکز می کند، ولی شامل فعالیت‌های غیرنخبگان نیز می‌شود، به عنوان مثال، سرقت کارکنان و جرایم شغلی در سطوح پایین سازمان را هم شامل می شود. هنگامی که ناظران وضعیت و موقعیت مجرم را نادیده می گیرند، جرایم اقتصادی می تواند شامل کلاهبرداری جزئی، اختلاس و مواردی از این دست باشد، حتی اگر توسط افراد دارای موقعیت و مقام رخ نداده باشد.[۳۵]

(مایکل تونری، ۱۹۹۸) از تعبیر جرم سوء استفاده از اعتماد یا خیانت در امانت[۳۶] برای توصیف دسته ای از جرایم که در هر دوگروه یقه آبی و یقه سفید مشترک است، استفاده می کند. این تعریف ساختاری برای اهداف تحلیلی و سیاست گذاری، تعقیب کلاهبرداران دوره گرد وینیل در خانه به خانه و جنایات بانکداران بین المللی را با هم ترکیب می کند. وی معتقد است عده ای بجای گرفتن یقه مجرم ، یقه جرم را می گیرند. به باور وی جرایم یقه سفید

---

۳۳ - Lawrence M. Salinger(۲۰۰۵), Encyclopedia of white-collar and corporate crime ,p۵
۳٤ - Lexington, MA: Lexington Books ;John Minkes and Leonard Minkes(۲۰۰۸),Ibid , p۱۸۰
۳۵ - Frank Hagan,Ibid ,p٦۲۵
۳٦ - trust crimes

و یقه آبی در یک چیز مشترک هستند، آنها از اعتماد عمومی سوء استفاده کرده اند. هرچند که مفهوم سوء استفاده از اعتماد نمونه ای از تعریف رسمی برای جرم یقه سفید است. سوء استفاده از اعتماد، سوء بهره برداری از موقعیت امانت داری توسط عاملی است که مسئول حضانت و سرپرستی اموال بوده، و از اختیارات محوله سوء استفاده کرده، یا از دسترسی به اطلاعات ویا حقوق مالکیت واگذار شده ، سوء بهره برداری نموده است. زمانی که شرکت‌های حسابداری و حسابرسی گزارش‌های خوش‌بینانه‌ای برای کسب‌وکارهایی که در آستانه ورشکستگی هستند، صادر می کنند، زمانی که بانکداران وام‌های بدون وثیقه به دوستانشان با بهره کم می‌دهند، یا زمانی که کارمندان ایستگاه های ارائه خدمات، شماره کارت اعتباری مشتریان را می‌دزدند و می‌فروشند، در همه این موارد جرمی که واقع می شود، جرم سلب اعتماد و به نوعی خیانت در امانت و خیانت به اعتماد است.[۳۷] (کولمن، ۲۰۰۶) از تعبیر جرایم نخبگان یا الیت جامعه برای توصیف این نوع از جرایم یقه سفیدها استفاده می کند.[۳۸] دسته ای از نخبگان را نخبگان بوروکراتیک می نامند که به گروه خاصی اطلاق می شود که در دستگاه های دولتی شاغل هستند و دارای قدرت و موقعیت تصمیم گیری هستند. از نظر عملیاتی، این نخبگان می توانند به استقلال نسبی از نخبگان اقتصادی و سیاسی دست یابند و بر این اساس دسته بندی می شوند. اهمیت آنها در قدرت و هژمونی آنها بر منابع دولتی نهفته است که شامل رویه ها، ظرفیت فنی آنها و رهبری آنهاست. این نخبگان شامل پلیس ، نیروهای اطلاعاتی–امنیتی و تا حد زیادی ارتش هم می شود.[۳۹]

براساس یک برآورد علمی، هر دو جرایم یقه سفید و یقه آبی ، پیامدها و اثرات اجتماعی و اقتصادی مخربی بر رفاه و امنیت قربانیان، مجرمان و جوامع دارند. هزینه های اقتصادی این جرایم قابل توجه است و حفظ نظام عدالت کیفری برای جبران خسارات و کنترل این جرایم پر هزینه است. بطور مثال خوش بینانه ترین برآوردهای وزارت خزانه داری دولت نیوزیلند تحمیل هزینه ۹,۱ میلیارد دلاری برای سال ۲۰۰۰ ناشی از این نوع جرایم را نشان می دهد.[۴۰]

از نقطه نظر تئوریک ، جرم و رفتار مجرمانه را صرف نظر از رنگ بندی یقه های مجرمان، در چارچوب نظریه انتخاب عقلایی می توان تحلیل و درک کرد، اگرچه ویژگی یک رفتار انحرافی نشان می دهد که کاملاً عقلایی نیست، زیرا بدیهی است که در صورت افشای حقایق ارتکاب جرایم فساد مالی و شناسایی افراد ذیربط به عنوان مفسد و یا مجرم ممکن است در معرض آثار و تبعات منفی مربوط به مسئولیت کیفری آن جرایم قرار گیرند. با این حال، پویایی فساد وگستره آن نشان می دهد که مدل رفتار مجرمانه ، برخلاف رفتار مورد تایید اجتماع برای طیف

۳۷ - Michael Tonry(۱۹۹۸),The handbook of crime and punishment,Oxford University Press ,p۱۳۵.
۳۸ - Coleman, J. (۲۰۰٦). The Criminal Elite: Understanding White- Collar Crime. New York: Worth Publishers.
۳۹ - InSight Crime(۲۰۲۳), Elites and Organized Crime: Introduction, Methodology, and Conceptual Framework.
۴۰ -Inquiry into white collar vs. blue collar crimes: do current sentences reflect the economic and social impacts of these crimes? .New Zealand, Ministry of Social Development.

وسیع تری از مردم قابل پذیرش است. دقیقاً به همین دلیل است که تعیین مجموعه شرایط پذیرش فساد برای همه کسانی که در رفتار فاسد مشارکت دارند، امکان اصلاح تا حد لازم را برای اجرای سیاست مبارزه با فساد دولتی فراهم می کند. علاوه براین، هماهنگی خاصی از شرایط پذیرش فساد توسط الگوهای روشنی تعریف می شود که نقض آن لزوماً منجر به کاهش مقبولیت فساد نمی شود، بلکه ممکن است منجر به تغییر قالب آن در طیفی از فساد شود. این شامل مشارکت کنندگان بالقوه در روابط مفسده آمیز و نیز اشکال فساد در عمل می گردد.[۴۱]

(صادقی و همکاران، ۲۰۲۰) جرایم یقه سفید را با چند مؤلفه زیر از دیگر جرایم متمایز نموده اند :

۱ – نوعی کلاهبرداری است : افراد درگیر در جنایت یقه سفید تمایل به فریب دادن، دروغگویی، پنهان کردن و دستکاری حقیقت دارند.

۲ –یک جرم تعمدی است. به عبارتی یک کلاهبرداری نتیجه اشتباه یا سهل انگاری ساده نیست، بلکه مستلزم برنامه ریزی و طرح و نقشه و اقدامات مختلف برای کسب منافع غیر عادلانه و غیر قانونی است. بنابراین، عملی را القا می کند که توسط مجرم از پیش طراحی شده است

۳ –نقض اعتماد است: تجارت اساساً مبتنی بر اعتماد متقابل در روابط و تعهدات مستقیم به مسئولیت های مربوط به همه طرف هاست. اعتماد متقابل چسبی است که این روابط را به هم پیوند می دهد .جرایم بانکی و جرایم یقه سفید بطور کلی مصداق خیانت در امانت و نقض اعتمادی است که فردی دیگری را فریب میدهد تا مال او را تصاحب کند و یا آن مال را تصرف نماید.[۴۲]

۴ –شامل ضرر و زیان است : جرم مالی مبتنی بر تلاش برای کسب سود و امنیت غیرقانونی است و برای این اتفاق باید قربانیانی وجود داشته باشد. بنابراین، هر معامله تجاری، قرارداد پرداخت یا قرارداد خرید یا فروش یا سفارش مشمول ضرر و زیان است.

۵ –فراتر از ظاهر محترمانه، جرایم یقه سفید توسط افراد دارای اهل فن و دانش و تخصص انجام می شود و به نظر می رسد اعضای محترم و حرفه ای یک جامعه هستند (مانند جامعه مهندسین/ جامعه پزشکی/ جامعه وکلا و قضات و جامعه کارشناسان و غیرو) که می توانند قربانیان خود را مورد سوءاستفاده قرار دهند.

همانگونه که تعاریف و شناخت ما نسبت به جنایات یقه سفیدها در طول سال ها تکامل یافته است، جنایتکاران یقه سفید نیز تکامل یافته اند. این پدیده ای است که جرم شناسان، جامعه شناسان، قانونگذاران، مجریان قانون، بازرسان کلاهبرداری و حسابداران خبره ، پزشکی قانونی ، وکلاء و قضات و کارفرمایان و مدیران سازمان ها باید

---

۴۱ -Viacheslav Hladky(۲۰۱۹),Criminometric Analysis of Corruption Permissiveness and Conditions of Pricing in Corrupt Services, Journal of the National Academy of Legal Sciences of Ukraine, Vol. ۲۶, No۲. p ۱۶۶.

۴۲ -Sadgali, et al., "Adaptive Model for Credit Card Fraud Detection". International Journal of Interactive Mobile Technologies. Vol. ۱۴, No. ۳,۲۰۲۰.https://www.online-journals.org/index.php/i-jim/article/view/۱۱۷۶۳/۶۵۶۷

در مورد جرایم یقه سفید در نظر بگیرند.گرچه خود این طیف هم می توانند سوژه ایـن نـوع جـرایم قـرار بگیرنـد. نمونه معمولی یقه سفید بسیاری ازکلاهبرداری ها و تقلب های اقتصادی را که قبلاً ذکر شد مرتکب نمی شوند. در داخل سیستم قضایی، بسیاری از کسانی که متهم به جرایم یقه سفید هستند، مدیران اجرایی نیستند. اگرچه در موارد متعدد محکومیـت هـای یقـه سـفید بـرای مـدیران اجرایـی (مـدیرعامل) و یـا کسـانی کـه در یـک سـازمان دارای موقعیت های برتر در قدرت هستند، (مانند روسا و اعضای هییت مدیره ها و مدیران رده بالای سازمان ها)، گزارش شده است ، اما ارتکاب این نوع جرایم منحصر به آنها نیست. به عنوان مثال در کلاهبـرداری از کـارت اعتبـاری ، جعل، سرقت هویت، هک های اینترنتی، سرقت اطلاعات ، کلاهبرداری از طریق پسـت و کلاهبـرداری از طریـق تلفن، لازم نیست مرتکب آن، مدیر اجرایی در یک سازمان باشد. در واقع، کسانی که اکثر آنها را مجرمان عادی و خیابانی می دانیم، بطور بالقوه می توانند برحسب تخصص و دانش خود، مرتکب بسیاری ازجرایم یقه سـفید هـم بشوند. موضوع این است که جـرایم یقـه سـفید بـا گسـترش کـاربرد اینترنـت ، بازاریـابی تلفنـی، پسـت و امکـان کلاهبرداری از کارت های اعتباری ، شفاف تر و ردیابی آنها سخت تر می شود. متهمین می تواننـد صـدها مایـل دورتر اغلب این نوع جرایم را در آرامش خاطر در خانه علیه قربانیان خود انجام دهند.[۴۳]

نظام حقوقی در اغلب کشـورها، جـرایم یقـه سـفید را بـه طـور گسـترده تعریـف مـی کننـد و مجموعـه وسـیعی از کلاهبرداری ها را در چتر نظارت قانونی خود قرار می دهند. بطور مثال تخلفات زیر جزو جرایم یقه سفید محسوب مـی شـوند: تخلـف از مقـررات ضـد انحصـار، کلاهبـرداری بـانکی، کلاهبـرداری ورشکسـتگی، رشـوه/ ارتشـا، کلاهبرداری رایانه ای/اینترنتی، کلاهبرداری از مصرف کننده ، جعل ، کلاهبرداری از کارت اعتباری، جاسوسی اقتصـادی و سـرقت اسـرار و اسـناد تجـاری، اخـتلاس / سـرقت، اخـاذی/ بـاج گیـری، کلاهبـرداری مـالی، جعـل، کلاهبرداری در حوزه سلامت و مراقبت‌های بهداشـتی، سـرقت هویـت، فسـاد عمـومی، دزدی و کلاهبـرداری در بازاریابی تلفنی. این فهرست همچنان می تواند ادامه داشته باشد و قرار نیست جرایم ذکر شده فهرستی جامع باشند زیرا با پیشرفت فناوری و ایجاد فرصت‌ها، طرح‌های جدید دائماً در حال توسعه و بازنگری هستند. ممکن است بـه نظر برسد که تخلفات فوق متمایز و نامرتبط هستند ، اما هر کدام یک ویژگی مشترک دارند که همه آنها را در یک دسته بندی قرار می دهد. این اعمال غیرقانونی شامل فریب است که مظنون از آن برای کسب منافع مالی از ناآگاهی یا اعتماد یک قربانی سوءاستفاده می کند.[۴۴]

---

٤٣ - Richard G. Brody and Kent A. Kiehl, From white-collar crime to red-collar crime, Financ Crime. ٢٠١٠ ; ١٧(٣): ٣٥١–٣٦٤.

٤٤ - Richard G. Brody and Kent A. Kiehl,Ibid.

همچنین ر. ک به : صادق سلیمی(۱۳۸۷)، مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری در ایران، فصلنامه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، ش ۴.

بررسی و ارزیابی های FBI در ایالات متحده نشان داده که جرایم خیابانی، از جمله سرقت، دزدی، و زورگیری، هزینه بسیار کمتری به جامعه تحمیل می کند – حدود ۱۶ میلیارد دلار در سال، در حالی که نمی توانیم به دلیل وسعت جرایم یقه سفید ، خسارات و هزینه های آن را بطور سالانه ارزیابی و گزارش کنیم. متاسفانه هیچ سازمان دولتی وجود ندارد که آمار کامل جرایم یقه سفید را به صورت سالانه، یا به صورت منظم اندازه گیری و گزارش کند. بعلاوه برخی از سازمان ها برای حفظ موقعیت و اعتبار خود سعی می کنند جرایم کارکنان خود را رفع رجوع نموده و با ارفاق به نوعی قصور و تخلف اداری تنزل دهند. اما پژوهشگران موسسات اختصاصی و منفرد و یا مراکز پژوهشی مستقل سعی می کنند همه شواهد و قراین را کنار هم بگذارند و دوباره در مورد این نوع از جرایم تحقیق کنند. با این حال هیچ کس در واقع نمی داند مقدار ویا هزینه ی این نوع جنایت یقه سفید چقدر است تا بتوان بطور دقیق مقدار آن را اندازه گیری کرد.[۴۵]

بکر و هوروویتز (۱۹۷۲) مشاهده می کنند که تحقیقات زندان در بیشتر موارد برای رسیدگی به مشکلات زندانبانان و نه زندانیان طراحی شده است. تحقیقات صنعتی برای رسیدگی به چالش های پیش روی مدیریت و کارفرمایان به جای کارگران طراحی شده است. تعدادی دیگر از تحقیقات علوم اجتماعی برای حل مشکلاتی که مردان به جای زنان با آن روبرو هستند، ساختار یافته بود. عوام به جای افراد خاص ، طبقه متوسط سفید پوست به جای اقلیت های طبقه پایین و اقلیت های نژادی هدف بررسی ها بودند. بی شک این وضعیت دانش جرم شناسی در بدو تاسیس و آغاز بکار بود، اما بعدا به تدریج این دانش گسترش یافت. از منظر بسیاری از نظریه پردازان جرم شناسی درآن عصر، اعضای طبقه پایین و خرده فرهنگ ها مسئول بیشتر رفتارهای مجرمانه بودند.[۴۶] اما این نگاه امروز بسیار تغییر یافته است. امروزه جرایم یقه سفید در سطح بین المللی مورد ارزیابی وتحلیل و حتی مورد تعقیب حقوقی واقع می شود. (باروس زاگاریس، ۲۰۱۰) در کتاب "جرایم یقه سفید بین المللی"، جرایم اقتصادی بین‌المللی و استراتژی‌های اخیر ایالات متحده و نهادهای بین‌المللی برای مبارزه با این نوع از جنایات را بررسی کرده است. در بخشی ازآن کتاب بطور خاص موضوع فرار مالیاتی کلان ، پولشویی و تامین مالی تروریسم، فسادهای فراملی، جنایات سازمان یافته فراملی مورد بحث قرار داده شده و ابزارهای کنترل صادرات و تحریم های اقتصادی هدفمند را به عنوان راهبردهای رهگیری و مبارزه و تنبیه در نوع جرایم مورد توجه قرار داده است. همچنین جنبه‌های رویه‌ای تعقیب مجرمان بین‌المللی یقه سفید، موضوع صلاحیت نهادهای فراسرزمینی، جمع‌آوری شواهد، استرداد مجرمان و انتقال بین‌المللی

---

٤٥ - Jeffrey Reiman and Paul Leighton, The Rich Get Richer and the Poor Get Prison: Ideology, Class, and Criminal Justice, ١٠th ed. (New York: Pearson, ٢٠١٣); Taub, Jennifer(٢٠٢٠), Big dirty money : the shocking injustice and unseen cost of white collar crime; Penguin Random House LLC,p ١٠

٤٦ - Ifeanyi Ezeonu(٢٠١٨),Market criminology, p ٦٧

زندانیان مورد بحث قرار داده شده و به نقش سازمان های بین المللی از جمله سازمان ملل متحد، گروه بانک جهانی، اینترپل و نهادهای یکپارچه سازی اقتصادی توجه نموده است.[47]

مارشال کلینارد و ریچارد کوئینی (۱۹۷۳) اصطلاح جنایت یقه سفید را از دو اصطلاح دیگریعنی جرایم شرکتی و جرایم شغلی تفکیک و متمایز کردند. جرایم شرکتی به رفتارهای مجرمانه نهادهای شرکتی اشاره دارد، در حالی که جرم شغلی به رفتارهای مجرمانه افراد در موقعیت شغلی آنها اطلاق می شود. در تعریف دیگر : هر رفتاری که در زمینه شغلی شرکتی و/ یا فردی رخ می دهد. یعنی متعهد به نفع شخصی و/یا شرکتی؛ و/یا اعتماد مربوط به آن فرد را نقض می کند و/یا موقعیت و/یا وضعیت شرکت؛ و این نقض هر اقدام مجرمانه ای از نگاه قانون مانند ، قانون مدنی، مقررات اداری، قاعده، حکم، هنجار یا مقرراتی باشد که رفتار را محکوم می کند، شامل می شود.[48]

چنانکه اشاره شد، بررسی ها نشان می دهد که هزینه یا خسارات ناشی از جرایم یقه سفید بسیار فراتر از هزینه ها و خسارات جرایم مرسوم و متعارفی است که در آمار رسمی پلیس ثبت می شود. بطور مثال در ایالات متحده ، کمیته فرعی تحقیقات سنا (کمیته فرعی دائمی سنا، ۱۹۷۹) این خسارات را در سال ۱۹۷۶ تقریباً ۳۶ میلیارد دلار برآورد کرد. برآوردها برای اوایل دهه ۱۹۸۰ این رقم را بیش از ۵۰ میلیارد دلار نشان می دهد، مبلغی پرهزینه در مقایسه با برآورد FBI برای تمام جرایم اموال UCR مانند سرقت، دستبرد و دزدی که در آن زمان در محدوده ۱۰ میلیارد دلار بوده است. برآوردهای بسیار بالاتری از خسارات و هزینه ها ناشی از جرایم یقه سفیدها توسط کمیته فرعی قوه قضائیه در مورد ضدانحصار و انحصار انجام شده است که این رقم را بین ۱۷۴ تا ۲۳۱ میلیارد دلار در اواخر ۱۹۷۰ نشان می دهد. تا دهه ۱۹۹۰، هزینه تخمینی ۵۰۰ میلیارد دلاری برای نجات موسسات مالی اعتباری (پس‌انداز و وام)، با ۵ تا ۴۰ درصد زیان ناشی از تقلب، تخمین‌های بالاتر را توجیه می کند. برای سال ۲۰۱۶، انجمن بازرسان خبره تقلب تخمین زدند که سازمان های ایالات متحده حدود ۸۹۵ میلیارد دلار به دلیل تقلب خسارت دیده اند. (WSRP، ۲۰۱۶).[49] البته چنین گزارش های شفاف و برآوردهای کارشناسی در مورد جرایم یقه سفید در کشورهای دیگر به ندرت یافت می شود.

جرایم یقه سرخ‌ها :

پری و لیختن والد (۲۰۰۷، ص ۱۸) اولین بار به بررسی نوع پیوند و رابطه میان رفتارهای خشونت بار با جرایم یقه سفید پرداختند و نوع رفتار خشونت آمیز منتهی به قتل توسط آنها را با اصطلاح جرایم یقه سرخ توصیف کردند. آن‌ها این نوع از جرایم را در زیرگروهی خشن از جنایتکاران سنتی یقه سفید توصیف می کنند و توضیح می‌دهند که

---

۴۷ - Bruce Zagaris(2010), International White Collar Crime, Cambridge University Press.
۴۸ - Marshall Clinard and Richard Quinney
۴۹ -Frank Hagan,Ibid,p۶۲۷

تهدید به کشف کلاهبرداری انگیزه این قتل‌ها است. پری و همکاران، براساس داده‌های توصیفی قتل و مرور ادبیات دریافتند که این داده ها ، از سه برداشت اساسی پشتیبانی می کنند:

۱-مجرمان یقه سرخ ، از انگیزه ی لازم برای آسیب رساندن فیزیکی به شخصی که احتمالاً کلاهبرداری آنها را کشف کرده یا در آستانه کشف است، دارند.

۲- لازم نیست قربانی یک جنایت یقه سرخ کسی باشد که در کلاهبرداری ، سودجویی، کمک یا مشارکت داشته باشد.

۳-مجرمان یقه سرخ اغلب سابقه ضد اجتماعی و روانی دارند.[۵۰]

اکثر برداشت ها و تفسیرهای پیشین نشان می دادند که مجرمان یقه سفید فاقد رفتار های خشونت بار هستند. متأسفانه، پیامد چنین خلأیی در کلاس های درس جرم شناسی و سایر رشته های تحصیل دانشگاهی ، به تقویت برداشت های نادرست از نمایه مجرم توسط دانشگاه، مجری قانون و سیستم عدالت کیفری منتهی می شود. علاوه بر این، از آنجایی که جرایم یقه سفید به عنوان جرایم غیرخشونت آمیز طبقه بندی می شود، مجرم ذاتاً غیرخشونت آمیز فرض می شود، همین تلقی نادرست ، متاسفانه موجب شده که در برخی محاکم قضایی و نظام حقوقی برای مجرمان یقه سفید، مجازات کیفری در نظر نگیرند ، بلکه تنها در قالب دعاوی حقوقی به جنبه حقوقی جرم توجه شود و به ابعاد جنایی و جزایی آن توجه کمی می شود. اینها مفروضاتی است که با نظم کافی تکرار می شوند تا به عنوان واقعیت پذیرفته شوند. اما مطالعه ی (فرانک پری، ۲۰۱۵) نشان داد که مجرمان یقه سفیدِ خشن تنها واجد یک ناهنجاری نیستند بلکه آنها دارای عوامل خطرناک رفتاری هستند که استفاده آنها از خشونت را به عنوان راه حلی برای یک مشکل درک شده تسهیل می کند و تفاوتی با غیر یقه سفیدها ندارد، متخلفانی که به خشونت متوسل می شوند ، هرچند با انگیزه های متفاوت. به تعبیری جنایتکاران یقه سرخ برای ساکت کردن کسانی که در موقعیت کشف و/یا افشای طرح‌های کلاهبرداری آنها هستند، دست به هر خشونتی می‌زنند، از این رو نام " قتل با انگیزه سرپوش گذاردن بر تقلب و کلاهبرداری"، انگیزه طبقه‌بندی قتل را توصیف می‌کند. ماهیت ابزاری و برنامه‌ریزی‌شده این قتل‌های یقه سرخ فاش شده همراه با آن‌هایی که برای ارتکاب قتل تلاش شده بود، و ناموفق مانده بود، از حقایق پرونده ها و در نظرات کتبی قضایی، بازپرسی و تحقیقات و دادستانی و بررسی دیگر حقایق پرونده که از نتیجه‌گیری در مورد انگیزه اصلی حمایت می کنند، نشأت می گیرد.[۵۱]

---

۵۰ -Perri FS, Lichtenwald TG. The arrogant chameleons: exposing fraud-detection homicide. The Forensic Examiner. Mar ۲۲; ۲۰۰۸ ۱۷(۱):۲۶–۳۳. available at: www.all-about-psychology.com/support-files/_exposing_fraud_detection_homicide.pdf

۵۱ - Frank S. Perri(۲۰۱۵), Red Collar Crime , International Journal of Psychological Studies; Vol. ۸, No. ۱; ۲۰۱۶

با این توصیف ، یقه سرخ ها طیفی از مجرمین یقه سفید هستند که ضمن برخورداری از ظرفیت جنایی و توانایی تطبیق‌پذیری اجتماعیِ بالا، واجد اختلال های روانی از قبیل خودشیفتگی و شخصیت ضد اجتماعی هستند. ایشان اگرچه در ابتدا مرتکب جرایم مالی و اقتصادی می‌شوند، اما از آنجا که در ادامه با خطر کشف و افشایِ جرایم خویش توسط نزدیکان، شرکای تجاری و کارمندان شرکت و دیگر اشخاص مواجه می‌شوند، دست به جرایم خونین در مورد آنها می‌زنند و نسبت به حذف فیزیکی آنها اقدام می‌نمایند. بنابراین، موضوع جرایم آنان تمامیت جسمانی و جان افراد است که صیانت از این مهم در اولویت جرم‌شناسی پیشگیری قرار می‌گیرد. مطالعات ، مبیّن کارآمدی راهبرد پیشگیرانه‌ی مرتکب مدار نسبت به بزهکاران بالقوه‌ی یقه سرخ و اتخاذ راهبرد پیشگیرانه‌ی بزه دیده مدار نسبت به افراد بی‌گناهی است که در معرض قتل عمد قرار می‌گیرند.[۵۲]

(ریچارد برودی و کنت کیل، ۲۰۱۰) در مقاله ای با عنوان "از جرایم یقه سفید به جرایم یقه سرخ" عنوان می کنند که یکی از تصورات نادرست از جرایم یقه سفید، این تصور است که جنایات آنها غیرخشونت آمیز هست و توسط افرادی انجام می شود که ماهیت آنها خشونت نیست. این یک تصور و برداشت غلط و خطرناك است زیرا به این معنی است که جرایم یقه سفید در مقایسه با دیگر مجرمان کمتر مضر هستند، زیرا منجر به خشونت نمی شوند. این مغالطه از این تصور ناشی می شود که مجرمان یقه سفید را قادر به ارتکاب اعمال خشونت آمیز نمی داند، و این ارزیابی ممکن است منجر به این فرض شود که این مجرمان باید به عنوان تهدید کمتری نسبت به یک مجرمان معمولی و خیابانی در نظر گرفته شوند .[۵۳](روزن مرکل، ۲۰۰۱) خاطرنشان می کند که مطالعات کمی انجام شده است که در آن عموما شدت جرایم یقه سفیدها با تقریباً هر دسته از جرایم خیابانی برابر است.[۵۴] اما (ویزبارد و وارینگ، ۲۰۰۱) اشاره می کنند که موارد بسیاری وجود دارد که در آن مجرمان یقه سفیدی که در دادگاه های فدرال (آمریکا) مجرم شناخته شده اند، سابقه چندین بازداشت و/یا محکومیت قبلی داشته اند. این یافته ها ، تصور رایج از مجرمان یقه سفید که مجرمانی بی خطر هستند و یا اولین بار است که مرتکب این نوع جرم می شوند، را رد می کند. تحقیقات آنها مشخص کرد که ۴۸ درصد از نمونه مجرمان حداقل یک بار دستگیری، ۳۵,۸ درصد حداقل یک بار دستگیری قبلی و ۳۱,۳ درصد حداقل یک بار دستگیری پس از آن داشته اند. علاوه بر این، نویسندگان مذکور سوابق دستگیری سوژه های خود را تجزیه و تحلیل کردند و دریافتند که از مجموع مجرمان مکرر، ۴۳,۲ درصد از سوژه ها ابتدا به دلیل یک جنایت یقه سفید و ۹,۳ درصد قبلاً برای یک جنایت خشن دستگیر شده اند.

---

۵۲ – شهرداد دارابی، پیشگیری از جرایم خونین یقه سرخ ها، دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۹، شماره ۲ – شماره پیاپی ۱۸ دی ۱۳۹۷ ؛ ص۱۵۴-۱۳۳

٥٣ - Richard G. Brody and Kent A. Kiehl,Ibid.

٥٤ - Rosenmerkel SP. Wrongfulness and harmfulness as components of seriousness of white-collar offenses. Journal of Contemporary Criminal Justice. ٢٠٠١; ١٤(٤):٣٠٨–٢٧. available at: http://rapid٢.library.colostate.edu/I١١/View Queue.aspx?ViewType=PendingByBranch&Id=.

علاوه بر این، ۲۴٫۵ درصد حداقل یک بار به دلیل یک جنایت خشن دستگیر شده بودند. این شواهد قوی نشان می دهند که جنایتکاران یقه سفید می توانند تمایلات خشونت آمیز نشان دهند.[۵۵]

جرایم شرکتی[۵۶]: هرگونه اعمال مجرمانه ای هست که نتیجه تصمیم گیری عمدی(تقصیر) و (یا سهوی از قصور و سهل انگاری) ازسوی افرادی است که از یک موقعیت رسمی در سازمان (شرکت) برخوردار هست. جرایم شرکتی به عنوان جرایمی که مسوولیت آن متوجه شرکت است تعریف می شود، و جرم به سازمان به عنوان یک کل نسبت داده می شود ، اگرچه ممکن است افرادی در آن دست به اقدام مجرمانه زده باشند و جرم فردی در درون یک سازمان باشد. بررسی ها نشان می دهد ، به شرکت‌ها نسبت به موضوعات مربوط به جرایم به گونه‌ای متفاوت از "جرایم متعارف" نگاه می‌شود. در حالی که "جرایم متعارف" و "مجرمان عادی " به عنوان باری بر دوش جامعه معرفی می شوند ، این نگاه در مورد جرایم شرکتی وجود ندارد. لذا اغلب در جایی که سازمان‌های تجاری درگیر فعالیت‌های مجرمانه می‌شوند، این امر به عنوان انحراف از فعالیت‌های معمول و مشروع آنها نشان داده می‌شود و چنین انحرافات و قانون شکنی هایی معمولاً بیش از آنکه جرایم واقعی تلقی گردند ، نقض مقررات و ضوابط فنی کار و قوانین و تخلف اداری ارزیابی می شوند. بنابراین متخلفان شرکتی به ندرت، یا هرگز، به‌عنوان یک آسیب جدی و با نگاه " جرم انگارانه و یا آسیب‌شناسانه" شناسایی نمی‌شوند، و کمتر به همان شیوه‌ای که با مجرمان فردی و سطح پایین به‌طور معمول رفتار می‌کنند، با آنان رفتار می شود. درحالی که جرایم شرکتی می توانند در واقع نوعی فساد برنامه ریزی شده و سازمان دهی شده تلقی گردند. اما وقتی به فساد فکر می کنیم، به سرعت تصویری از یک بوروکرات به ذهن خطور می کند که از افراد ناتوان و شرکت های بی دفاع رشوه اخاذی می کند تا آنها را قادر به انجام کارهایی کند. در پس این دیدگاه، درکی نهفته است که دولت از اقتصاد به نفع انحصاری سیاستمداران و بوروکرات ها رانت می گیرد. چنین رویکردی در سال‌های اخیر تأثیر قدرتمندی بر نحوه تحلیل و اندازه‌گیری فساد داشته است. ارزیابی حاصله به سیاست ها و توصیه هایی منجرشده که بر کاهش اختیارات مقامات دولتی به منظور از میان بردن فرصت های گرفتن رشوه تاکید دارد، اما واقعیت در مواردی چنین نیست و شرکت ها خود محرک اصلی در فساد دستگاه دولتی می توانند باشند که نوع حادآن تحت عنوان تسخیر دولت ارزیابی می شود.[۵۷]

---

۵۵ - Weisburd, D.; Waring, E.; Chayet, FE. White-collar Crime and Criminal Careers. Cambridge University Press; Cambridge: ۲۰۰۱.

۵۶ - corporate crimes ; Crime of the Powerful: Collar Crime and Beyond, p۱۶

۵۷ - Joel Hellman and Daniel Kaufmann(۲۰۰۱), Confronting the Challenge of State Capture in Transition Economies , Finance & Development.

فساد [۵۸] : فساد هرگاه از زاویه حقوقی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد، همان جرم است، اما بطور کلی یک پدیده پیچیده با علل و لایه های چندگانه است که ریشه در بسیاری از مسائل مختلف دارد. مناقشات عمیق در ادبیات بحث در مورد هویت و اهمیت منابع مختلف فساد گواهی بر این است که هنوز در مورد این پدیده یا رویداد گسترده اطلاعات کمی وجود دارد. مفهوم فساد ممکن است با برخی از اصطلاحات و مفاهیم مانند "جرایم اقتصادی یا مالی" همپوشانی داشته باشد که مصداق جرایم علیه اموال و دارایی ها هستند و طیف گسترده ای از جرایم، از سرقت تا پولشویی را در بر می گیرند. در عین حال جرایم اقتصادی سوء استفاده از قدرت محول شده برای کسب منافع مالی را هم پوشش می دهد، سود حاصل از فساد ممکن است منافع اقتصادی یا سیاسی باشد. اصطلاح "جرایم یقه سفید" که شامل طیف گسترده ای از جرایم ارتکابی توسط مقامات عالی رتبه دولتی است و شامل سوء استفاده های کلان می شود، می تواند فساد تلقی گردد. در حالی که جرایم یقه سفید شبیه به فساد کلان است، فساد خرد را نیز در بر می گیرد که در پایین ترین سطوح قدرت و اختیار انجام می شود و مقادیر ارزشی نسبتاً کمی را در بر می گیرد. آنگونه که در کتابچه راهنمای سازمان ملل متحد در مورد سیاست های ضد فساد ذکر شده است ، اکثر اشکال فساد شامل ایجاد یا بهره برداری از تعارض منافع بین مسئولیت های حرفه ای یک فرد فاسد و منافع خصوصی اوست. بنابر این انواع فساد محصول تعارض منافع است. [۵۹]

انتظار می رفت که ظهور اشکال دموکراتیک حکومت، فساد را کاهش دهد، همانطور که با اتخاذ اصلاحات بازار محور و بین المللی شدن اقتصاد کشورهای در حال توسعه این انتظار وجود داشت، اما چنین نشد. این انتظارات مبتنی بر این فرض بود که فساد عمدتاً از فقدان رقابت، چه در حوزه سیاسی و چه در حوزه اقتصادی ناشی می‌شود. اما در عوض، مطالعات اخیر سطوح فزاینده ای از فساد را در بسیاری از کشورهایی که گزینه ی اصلاحات دموکراتیک را اتخاذ کرده و بخشی از مسیر را هم طی نموده اند، ثبت کرده است. این نتایج ناامیدکننده نشان دهنده نیاز فوری به بازبینی تابلویی است که در ذهن ترسیم کرده ایم و شناسایی نمودن آنچه دانشمندان در تلاش‌های خود برای درک شیوع فساد از دست داده‌اند. بنابراین، اولین سوال این است که چه چیزی باعث ایجاد تنوع در سطوح فساد در دموکراسی های در حال ظهور و در کشورهای در حال توسعه می شود.

ارائه تعریفی واحد از فساد برای همه کشورها ، قطع نظر از فرهنگ سیاسی و اجتماعی حاکم بر این جوامع انسانی و نوع حاکمیت سیاسی آنها دشوار است. تعریف جامعی از فساد که مورد قبول همه جوامع و فرهنگ ها باشد ، آنقدر دشوار می نموده که برخی از کارشناسان ترجیح داده اند از تعریف فساد چشم پوشی کنند. اما در تلاش برای ارائه تعریفی مورد توافق گفته اند، فساد به این معناست که صاحب مناصبان، حق و یا خدمتی که قانون، ارائه آن را به

---

۵۸ - Corruption

۵۹ - Charles Sampford, Arthur Shacklock, Carmel Connors and Fredrik Galtung(۲۰۰۶), Measuring corruption, Ashgate Publishing Company,p۱۳.

مردم به رسمیت شناخته، به مردم ارائه نمی کنند. درعوض، نخبگان و صاحبان قدرت و موقعیت، این حقوق و خدمات را فقط به افراد ممتازی ارائه می‌کنند که می‌توانند با پرداخت رشوه یا ارائه خدمت یا لطفی متقابل جبران کنند و آن را بخرند. با آنکه " سوءاستفاده از قدرت عمومی برای منافع خصوصی" یکی از محبوب ترین و ساده ترین تعاریف از فساد است که بطور مداوم توسط بانک جهانی ترویج داده شده، اما ویتو تانزی، خاطرنشان می کند که این تعریف، فساد در بخش خصوصی را نادیده گرفته است. درحالی که فساد می تواند شامل هرگونه سوء استفاده ای باشد که حول منافع شخصی مستقیم هم نباشد.[۶۰] چنانکه در یک تعریف عام و مختصر (بوگور،۲۰۰۳) اعلام کرد : "فساد ، سوء استفاده از قدرت محول شده است."[۶۱] این تعریف دامنه فساد را از منفعت مالی و اقتصادی برگرفته از مفاهیم فردگرایانه به منفعت سیاسی که لزوما فردگرایانه نیست، گسترش می دهد. همچنین در تعریفی نزدیک با تعریف اخیر، فساد ، سوء استفاده از اعتماد تعریف شده است. هرچند که این تعریف ظرافتهای خاصی دارد. بدون اینکه لزوماً نوع خاصی از رژیم سیاسی را پیش‌فرض قرار دهیم (مثلاً دموکراتیک، قراردادی، اجتماعی، مذهبی)، (گامبتا،۲۰۰۰) معتقد است :" فساد در وجود روابط توام با اعتماد به مانند یک انگل عمل می کند. فساد ابتدا و در درجه اول اعتماد بین [یک اعتماد کننده، T] و [یک امانتدار] را فاسد می کند، و به طور ضمنی، بین T و هر کس دیگری که به قوانین تخصیص اعتماد دارد. نتیجه این می شود که هر چه تعداد اعتماد کنندگان بیشتر باشد و یا درجه و میزان اعتماد در روابط بیشتر باشد، احتمال فساد (= سوء استفاده از اعتماد) بیشتر است. البته او بر همین مبنا نتیجه می گیرد : جامعه ای که فاسدتر است، در شرایط مطلق، لزوماً بدتر از جامعه ای نیست که کمتر فاسد است، زیرا سطوح پایین‌تر فساد ممکن است ناشی از فرصت‌های کمتر برای فساد و یا میزان اعتماد کمتر در روابط باشد.[۶۲] اما دستورالعمل حاصل از این نتیجه گیری احتمالا این است که " برای تحقق یک جامعه با کمترین میزان فساد، فرصت ندهید و اعتماد نکنید." سازمان شفافیت بین الملل از تعاریف اخیر استفاده کرد و فساد را سوء استفاده از اعتماد در جهت دنبال نمودن تمایلات و علایق و منافع خصوصی عنوان نمود و (سید حسین العطاس، ۱۹۹۹)عنوان نمود که" هر شکلی از فساد ، خیانت در امانت است" او خیانت در امانت را جوهر فساد و قابل تعمیم در سطح بین المللی می داند ، زیرا خیانت در امانت توسط اخلاق جهانی رد شده است.[۶۳]

۶۰ - Tanzi, V. (۱۹۹۸), ‘Corruption Around the World: Causes, Consequences, Scope, and Cures’, International Monetary Fund Staff Papers, vol. ۴۵, no. ۴, pp. ۵۵۹–۹۴.

۶۱ - abuse of entrusted power

۶۲ - Charles Sampford, Arthur Shacklock, Carmel Connors and Fredrik Galtung(۲۰۰۶), Measuring corruption, Ashgate Publishing Company, pp۷۰- ۷۲.; Dunn, J. (۱۹۸۸/۲۰۰۰), ‘Trust and Political Agency’, in D. Gambetta (ed.), Trust: Making and Breaking Cooperative Relations, Basil Blackwell ۱۹۸۸; electronic edition ۲۰۰۰, Department of Sociology, University of Oxford, <http://www.sociology.ox.ac.uk/papers>, pp. ۷۳–۹۳

بوگور: نام محلی در جاوای غربی در اندونزی است.

۶۳ - Charles Sampford, Arthur Shacklock, Carmel Connors and Fredrik Galtung(۲۰۰۶), Ibid, p ۷۳; Alatas, S.H.(۱۹۹۹), Corruption and The Destiny of Asia. Malaysia, Prentice Hall and Simon and Schuster, pp. ۷–۱۰.

فساد در تناقض با حاکمیت قانون و حقوق برابر شهرندان است. فساد تمایل به ایجاد شبکه‌های تبهکارانه، مجرمانه و توطئه‌آمیز دارد که با تعهدات متقابل در کنار هم قرار گرفته‌اند و به تبارسالاری، پارتی بازی و حامی پروری دامن می‌زنند. فساد امتیازات را به شیوه های بسیار تبعیض آمیز و گزینشی توزیع می کند و توده ها را از حق رای محروم می کند. فساد، قدرت مردم یا مردم سالاری را تضعیف می کند و برعکس حاکمیت قانون است و می تواند حقوق مدنی و سیاسی مردم را تا حدی تضعیف کند که آنها را بی معنا نماید ، بگونه ای که اساسا نقشی برای مردم در اداره و شیوه حاکمیت در نظر نگیرد.[۶۴]

قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد در ایران : " فساد را هر گونه فعل یا ترک فعلی می داند که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی ، جمعی یا سازمانی عمدا و باهدف کسب هر گونه منفعت یا امتیاز مستقیم یاغیرمستقیم برای خود یا دیگری با نقص قوانین ومقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر وزیانی را به اموال ، منافع ، منابع یا سلامت وامنیت عمومی ویاجمعی ازمردم وارد نماید نظیر رشاء ، ارتشاء ، اختلاس، تبانی سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت وپرداختهای غیرقانونی از منابع عمومی وانحراف ازاین منابع به سمت تخصیص های غیر قانونی ، جعل، تخریب یا اختفاء اسناد و سوابق اداری ومالی."[٦٥]
تشخیص و مصداق یابی مفاسد برعهده محاکم حقوقی و قضایی گذاشته شده است.

در مواردی آنچه در یک کشور به عنوان فساد تلقی می شود ممکن است در کشور دیگری به عنوان بخشی از یک کنش، واکنش یا تراکنش عادی متناسب با فرهنگ آن جامعه در نظر گرفته شود. دست کم مصادیق خاصی از فساد ممکن است در یک فرهنگ فساد تلقی نگردد. با این حال، می توان استدلال کرد که بسیاری از انواع فساد "کوچک" در فضای فقر و محرومیت و نابرابری اقتصادی پرورش می یابد، بنابراین رشد و توسعه اقتصادی، که عامل ریشه کنی فقر و رفع نابرابری یا تبعیض است، همچنین تضمین کننده عرضه فراوان کالاها و خدمات است ، راه حل بلند مدت احتمالی برای سطوح پایین تر فساد در بسیاری از کشورهای عقب مانده تلقی شده است. اما در اغلب کشورهای فقیر ، کمتر توسعه یافته یا در حال توسعه، فساد سطح پایین برای بقا یا عقب نماندن از دیگران به عنوان یک راهکار ضروری ارزیابی شده است. در واقع فقر فسادهای کوچک را توجیه می کند، هرچند که ارتکاب همان میزان از فساد نیز جرم تلقی می گردد. البته این بدان معنا نیست که با رشد و توسعه اقتصادی فقر و فساد و تبعیض بکلی ریشه کن می شود.

٦٤- Ronald Inglehart and Christian Welzel(٢٠٠٥), Modernization, Cultural Change, and Democracy ,Cambridge University Press ,p١٩٣

۶۵ – فصل اول، ماده ۱.

(آرتور لوئیس، ۱۹۵۵)[۶۶] معتقد است که کشورهای کم درآمد ، به دلیل پس انداز داخلی (و سرمایه گذاری) ناکافی برای ایجاد تحول لازم جهت حرکت از یک اقتصاد کم درآمد به یک اقتصاد با درآمد بالا با مانع و مشکل مواجه هستند.[۶۷] از این رو، استدلال می کرد که چنین کشورهای کم درآمدی برای غلبه بر تنگنای[۶۸] پس‌انداز به سرمایه خارجی و واردات دانش فنی به درون کشور خود نیاز دارند. با این حال، تجارب تاریخی نشان داد علیرغم سرازیر شدن مقادیر انبوه سرمایه و تکنولوژی خارجی به بسیاری از کشورهای کم درآمد در آسیا و آفریقا، اغلب این کشورها نتوانستند بهبود قابل توجهی در استانداردهای زندگی مردم خود ثبت کنند. از همین رو تحلیل گران الگوهای توسعه افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را به عنوان شرایط لازم اما نه کافی برای رشد اقتصادی تلقی می‌کنند. بعلاوه شواهد تجربی زیادی نشان داده تزریق کمک‌های خارجی از سوی موسسات مالی بین‌المللی و کشورهای OECD تنها به نفع یک گروه اقلیت و وابسته به قدرت سیاسی و اقتصادی در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته و کم درآمد بوده است.[۶۹] فقر، فساد وتبعیض و شکاف میان طبقات فقیر و غنی در این کشورها زمانی بیشتر خودنمایی می کند که این گروه‌های اقلیت و ممتاز ثروت خود را آشکارا ، بطور نمادین و برای خودنمایی به مصرف کالاهای لوکس وارداتی اختصاص می دهند. همچنین دولتمردان شان به گونه ای مهندسی شده مبالغ هنگفتی را صرف خرید تجهیزات نظامی، انتظامی ، پلیسی و امنیتی برای تقویت نیروهای سرکوب اعتراضات اجتماعی تحت عنوان فریبکارانه ی تقویت بنیه دفاعی کشور می کنند تا تصویری از قدرت نظامی و پلیسی به مخالفان داخلی و خارجی خود به معرض نمایش بگذارند. همچنین بودجه های زیادی را برای پروژه هایی همچون "ساخت بنای یادبود" و ساخت اِلمان های نمایشی برای به تصویر کشیدن شهرهای فوق مدرن با ساختمان های لوکس و آسمان خراش ها برای طبقات ممتاز و نخبگان تخصیص می دهند. نتیجه این سیاست نوعی دوگانگی و تناقض را به تصویر می کشد که یک سوی آن اکثریت فقیر در جامعه هست و یک سوی دیگر آن اقلیت ثروتمند دارای نفوذ و قدرت سیاسی درون حکومت.[۷۰] برمبنای همین واقعیت ها (مایکل تودارو، ۲۰۰۳) معتقد است، توسعه نیافتگی به عنوان یک پدیده القا شده از بیرون باید در نظر گرفته شود ، که برخلاف تئوری های خطی توسعه و نظریه های تغییر ساختاری بر محدودیت های داخلی مانند پس انداز ناکافی و سرمایه گذاری یا فقدان آموزش و مهارت فشار وارد می سازد . او معتقد است مبارزات انقلابی یا حداقل بازسازی عمده نظام سرمایه داری

---

۶۶ -W. A. Lewis,۱۹۵۵.

۶۷ - R.N. Ghosh & Md Abu Bakar Siddique(۲۰۰۹) , Corruption, Good Governance and Economic Development,p۳

۶۸ - bottle-neck

۶۹ - R.N. Ghosh(۲۰۰۹), Ibid ; Lewis, W.A. (۱۹۵۵). The Theory of Economic Growth, London: Allen & Unwin.

۷۰ - R.N. Ghosh(۲۰۰۹),Ibid ,p۳, Lewis, W.A. (۱۹۵۵), Ibid.

جهانی برای رهایی کشورهای وابسته و در حال توسعه از کنترل اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم کشورهای توسعه یافته و حکومت های فاسد و سرکوبگران داخلی آنها لازم است.[۷۱]

فساد بروکراتیک(=اداری) : فساد اداری ، فساد نهادهای عمومی در روند ارائه خدمات و تعاملات خود با شهروندان است که عمدتا بصورت رشوه و ارتشا بروز و ظهور می یابد. همه دولت ها، چه خیرخواه یا سرکوبگر، توزیع منافع و هزینه ها را کنترل می کنند. توزیع این مزایا و هزینه ها عموماً تحت کنترل مقامات دولتی است که دارای اختیارات قانونی هستند. افراد و شرکت های خصوصی که رفتار مطلوب و قانونی را می پسندند، ممکن است مایل به پرداخت هزینه برای دریافت خدمات دولت باشند. اما اگر پرداخت‌ها به‌طور غیرقانونی به مأموران دولت و با هدف کسب منفعت یا اجتناب از هزینه انجام شود، مصداق فساد است. برخی از اشخاص حقیقی و حقوقی دارای روحیه ی قانون گریزانه حاضرند، در ازای اقداماتی که قوانین را نقض می کند، پرداخت های خارج از ضابطه انجام دهند. همچنین برخی از افراد یا شرکت‌ها برای دریافت مزایایی که قانونا استحقاق دریافت آن را دارند ولی از آنها دریغ می شود و یا برای پرهیز از هزینه‌هایی که به‌طور مصنوعی با هدف اخذ رشوه توسط کارگزاران اداری و نهادهای مربوطه ایجاد می‌شود، مجبور به پرداخت شوه می‌شوند. همه این پرداخت‌های خارج از ضوابط که به خزانه ملی نمی رود، مصداق فساد بروکراتیک هستند.[۷۲]

وقتی گفته می شود، مدیریت دولتی یا حکمرانی دولتی، منظور همان مقامات اداری و یا کارمندان و کارگزاران نهادهای عمومی و دولتی هستند که بر روابط متقابل بین شهروندان و دولت ، حاکم هستند. فساد زمانی واقع می گردد که کارگزاران و کارکنان چنین نهادها و مؤسساتی فرصت ارائه خدمت و کار را نه برای پیشبرد ارزشها، خدمات و رفاه عمومی در جامعه ، بلکه برای کسب منافع شخصی خود و ارائه سود و منفعت بطور ویژه به طبقات خاص و فاسد (رشوه دهنده) بکار بگیرند. در اینصورت مکانیسم قیمت گذاری کالا و خدمت، که اغلب منبعی برای کارایی اقتصادی و عاملی برای رشد اقتصادی است، می‌تواند به شکل رشوه، مشروعیت و اثربخشی دولت را تضعیف کند. به این جهت نهادهای دولتی بد طراحی شده و یا غیرپاسخگویی که تحت نظارت و حسابرسی نهادهای بالا دست خود و نظارت عمومی از پایین نیستند ، باعث رکود در اقتصادهای با درجه فساد بالا می شوند و نابرابری ها را تشدید می کنند.[۷۳]

در مورد علل قوع جرم، پیش‌بینی می شود که مدیران دولتی ، قانون‌گذاران را به‌خاطر تدوین قوانین مبهم و متناقض مسئول بدانند ، همچنان که والدین ، معلمان را به‌خاطر کم کاری و نخواندن منظم درس توسط فرزندان‌شان مسئول

---

۷۱ - Michael P. Todaro, Stephen C. Smith(۲۰۱۲), Economic development , Pearson Education, Inc ,p ۱۲۳

۷۲ - Susan Rose-Ackerman &Bonnie J. Palifka (۲۰۱٦) ,Corruption and Government , Cambridge University Press, pp۱۱۱

۷۳ - Susan Rose-Ackerman &Bonnie J. Palifka (۲۰۱٦) ,Ibid, p ۱۱۲

می‌دانند، و کارمندان دولتی حرفه‌ای، بازخورد پاسخگویی را به منصوبان سیاسی که به او گزارش می‌دهند ، به دلیل عدم ارائه قوانین لازم مسوول می‌دانند. در مجموع چنین به نظر می رسد که مکانیسم‌های حسابرسی ومطالبه گری کنونی مانع از رفتار فاسد نمی‌شود، زیرا ما به طور مداوم در مورد مقامات منتخب و منصوب شده می‌شنویم که هنجارهای صریح و ضمنی رفتار را نقض می کنند.[۷۴]

هنگامی که در یک نهاد دولتی فساد رخ می دهد، زمانی که افراد و سازمان ها در حفاظت و خدمت شکست می خورند، و زمانی که اهداف عملکرد محقق نمی شوند، واکنش معمولی وضع قوانین بیشتر و اعمال تحریم ها و سخت گیری های شدیدتر است. اما به ندرت یک گام به عقب می رویم تا به مکانیسم‌های پاسخگوسازی و مسوولیت پذیری که در وهله اول اجازه این اقدامات را می‌دادند ، فکر کنیم.[۷۵] این مساله زمانی که حدود اختیارات و وظایف مدیران و انتظارات عملکردی از کارکنان به دقت و درستی تعیین و توافق نشده اند و افراد درون همان چارچوب ها، دستورالعمل ها و شرح وظایف کلی رفتار کرده اند ولی فسادی در نهایت رخ داده، بیشتر مصداق می یابد. مثلا امضا یا عدم امضای یک قرارداد توسط مدیر واحدی که اختیار امضا دارد ممکن است به بروز خسارات بعدی برای سازمان منتهی شود، ولی در اینجا واقعا مدیر نه تنها جرم بلکه تخلفی هم از ضوابط نداشته است، بلکه تنها ممکن است، بی مبالاتی کرده باشد و جزییات کار و یا نظریه مشاوران حقوقی سازمان را پیش از تصمیم به امضا یا عدم امضاء قرارداد دریافت نکرده باشد، ولی خارج از حدود اختیارت خود عمل نکرده است. لذا برای عدم تکرار خسارت ، باید همه جوانب موضوع را دید. باید بررسی کرد، کجا نیازمند وضع قوانین سخت گیرانه تر هستیم، کجا نیازمند حسابرسی و مسوولت پذیری بیشتر از سوی افراد هستیم و اینکه آیا اساسا فرد در جای خودش قرار گرفته یا خیر؟ گاهی مقامات بالا دست برای رفع اثر از سواستفاده های کلان خود، مدیران میانی و زیردست را از افرادی با هوش و ذکاوت پایین و فاقد تخصص و بی تجربه می گمارند تا احیانا موی دماغ آنها نشوند. این مدیران به بله قربان گو نیاز دارند ، نه مدیر متخصص و با تجربه و چه بسا ریشه ی بسیاری از مفاسد بزرگ در درون دولت ها و سازمان های دولتی از اینجا نشات می گیرد.

فساد سیاسی : تقریباً در بیشتر کشورهای کمتر توسعه یافته و یا در حال توسعه، فساد یکی از مهم‌ترین موانع توسعه اقتصادی و انسانی است. بویژه فساد نشات گرفته از حاکمیت یا فساد سیاسی بزرگترین مانع توسعه در این کشورها است. علاوه بر این، فساد به طور قابل توجهی به بسیاری از مشکلات متعدد ، مانند استثمار کودکان کار، قاچاق مواد مخدر، معافیت از مجازات دولت، پاکسازی قومی، و بی عدالتی گسترده، خشونت و کشتار اقشار آسیب‌پذیر مانند کودکان، زنان ، اقلیت‌های مذهبی و فقرا کمک می کند. جوامع در حال حاضر از ناکامی بسیاری از

---

۷۴ - Kathe Callahan(۲۰۰۷), Elements of effective governance: measurement, accountability, and participation , Taylor & Francis Group, p ۲۲۲

۷۵ -Ibid

دولت ها در انجام وظایف مقرر در قانون اساسی و ارائه برخی از کالاهـا و خـدمات عمـومی بـه شـهروندان رنـج می برند. در بسیاری از جوامع در حال توسعه، فساد نه تنها مانع رشد و توسعه اقتصادی، بلکه به مانعی برای برقراری صلح،آرامش و امنیت تبدیل شده است.[۷۶] مقایسه و ارزیابی تطبیقی میان عملکـرد حاکمیـت در ایـران بـا مضـامین مندرج در پارگراف بالا نشان از وضعیتی تاسف بار می دهد. گزارش مراکز رسمی تحلیل گری آمارهای اقتصادی در ایران نشان می دهند، طبق هدف گذاری منـدرج در چهـار دوره از برنامـه هـای توسـعه اقتصـادی، اجتمـاعی و فرهنگی مقرر بوده است، نرخ رشدی معادل ۸ درصد تحقق یابد، ولی عملا نرخ رشد نزدیک به صفر درصد در یک بازه زمانی ده ساله محقق شده است، چنین انحراف بزرگی میان برنامه و عمل در یک افق زمانی قابل توجه ، نشان از ناکارآمدی و فساد در سیستم دارد و گویای این واقعیت است که نظام فعلـی بـا مناسـبات و سـاختارها موجـود از پتانسیل و توان لازم برای تحقق اهداف توسعه درکشور برخوردار نیست، اگر نگوییم خود این ساختار ناکارآمد و فاسد بزرگترین مانع اصلی توسعه در کشور بوده است.

محققان انواع مختلفی از رفتارهای مفسده آمیز در سطوح مختلف (خرد / کلان) را تعریف کرده اند، از جمله تسخیر دولت، حامی پروری، خودی ها ، سفارش و نفوذ، و فساد اداری یا بروکراتیک(اداری). تلاش تحقیق حاضر روشن نمودن این مساله است که چه چیزی باعث فساد سیاسی[۷۷] می شود و پیوندهای آن را با فساد کلی مشاهده شده در یک کشور شکل می دهد. لذا مفید است که دسته بندی رفتارهای فاسد را بر اساس انواع عوامل سیاسی که در این رفتارهای مختلف تاثیرگذارند، در نظر بگیریم .

به لحاظ تعریف ، فساد سیاسی عبارتست از سوء استفاده رهبران و مقامات سیاسی از قدرت محول شده در جهت کسب منافع شخصی و با هدف افزایش قدرت یا ثروت. مُفسد سیاسی نیازی به اخذ دستی پول ندارد، ممکن است به شکل "معامله" و بده –بستانی باشد که در تأثیرگذاری یا اعطای رانت و اطلاعات و لطف و امتیازی که سیاست را مسموم می کند و دموکراسی را تهدید می کند، جلوه گر شود. این تعریف جنبه گسترده تری از فساد سیاسی را در بر می گیرد، استفاده از ابزارهای قانونی برای ارائه لطف، به عنوان مثال، با بازنویسی لوایح برای گنجاندن یا حذف و معافیت بخش های خاصی از محدوده یک لایحه. هرگاه پول یا لطف غیرقانونی بین بازرگانان تجاری و سیاسیون به صراحت و شفافیت رد و بدل شود تا بازنگری ها تسهیل شود، بازنویسی قوانین به عنوان یک عمل فاسد قابل ارزیابی است. همچنین سوء استفاده از قدرت سیاسی آینده و استفاده از رشوه برای تامین مالی احزاب و گروه ها در بخش عمومی به جای بخش خصوصی به مثابه فساد شناخته می شود.[۷۸]

---

۷٦ -Kempe Ronald Hope(۲۰۱٦), Police Corruption and Police Reforms in Developing Societies, CRC Press Taylor & Francis Group, p۳۳.

۷۷ - Political Corruption

۷۸ - Nauro F. Campos, Francesco Giovannoni(۲۰۰٦), Lobbying, Corruption and Political Influence, Institute for the Study of Labor.(IZA).

در دسته بندی دیگری از رفتارهای فاسد و مجرمانه، آنها را به دو دسته (فعال و منفعل) و از نقطه نظر رابطه ی ارتکابی به دو دسته (فاعل و مفعول) تقسیم می کنند. بطور مثال در بحث رشوه و ارتشاء معمولا پرداخت کننده رشوه فاعل و رشوه گیرنده مفعول و عمل ارتشاء منفعلانه ارزیابی می شود . اگرچه این دسته بندی در مورد سایر انواع مفاسد و جرایم هم قابلیت کاربرد دارد، اهمیت این نوع دسته بندی کاربرد آن در سیستم جرایم کیفری است. اما تشخیص فاعل و مفعول در یک عمل مفسدانه و مجرمانه به سادگی میسر نیست و نیازمند تحقیق و بررسی در مورد ابعاد و جوانب و شرایط وقوع جرم است و برعهده سیستم عدالت کیفری است. بطور مثال در مورد رشوه، گاهی سیستم بروکراسی به گونه ای است که پرداخت رشوه یک رویه متعارف است و تا رشوه پرداخت نکنید، کارتان انجام نمی شود، بنابراین درچنین مواردی فاعل بودن توصیف دقیقی درمورد پرداخت کننده رشوه نیست.[۷۹]

فساد خرد و کلان : فساد کلان : به عنوان فسادی تعریف شده است که "در بالاترین سطوح دولت رخ می دهد و شامل پروژه ها و برنامه های بزرگ دولتی می شود" (رز-آکرمن ۱۹۹۹)و فساد خرد به عنوان فسادی تعریف می‌شود که " در چارچوبی اتفاق می‌افتد که در آن قوانین و مقررات اساسی وجود دارد و مقامات مجری از فرصت ها برای بهره‌مندی شخصی استفاده می کنند". (رز-آکرمن ۲۰۰۶، xviii). میزان فساد در یک کشور را می توان با تجزیه و تحلیل اینکه آیا انواع بزرگ یا کوچک رفتار فاسد، یا هر دو، در یک کشور رواج دارند، ارزیابی نمود. (گرینگ و تی آکر ۲۰۰۴، ص۳۰۰). همانطور که میزان فساد از کوچک به بزرگ افزایش می یابد، سطح فساد در یک کشور نیز از پایین تا بالا کاهش یا افزایش می یابد. بنابراین فساد بزرگ اغلب در بالاترین سطوح رخ می دهد و فسادهای کوچکتر به سطوح پایین تر جامعه منتسب است، اما بطورکلی جوامع دارای بالاترین سطوح فساد جوامعی هستند که هم از فساد کوچک و هم از فساد بزرگ رنج می برند.

گزارش کار گروه ارزیابی مستقل بانک جهانی،[۸۰] فساد بزرگ را (تسخیر دولت) و فساد خرد را (فساد بوروکراتیک-اداری) معرفی می کند و میان آنها تمایز قائل شده است. علاوه بر این، بین رویکردهای مستقیم و غیرمستقیم برای مقابله با فساد در هر یک از این دو دسته تمایز قائل است. ابزار مستقیم شامل کمیسیون های مبارزه با فساد، افشای دارایی های مقامات دولتی و تحقیق و تعقیب تغییرات ناگهانی در وضعیت مالی مسئولان دولتی است. ابزار غیر مستقیم شامل انتشار و شفاف سازی قوانین، جریان آزاد اطلاعات و دسترسی شهروندان به اطلاعات شفاف روند ها و عملکرد دستگاه ها و سایر اقدامات مرتبط با شفافیت است. گزارش IEG نشان می دهد که مبارزه با فساد بزرگ یا تسخیر دولت از طریق اصلاحات مستقیم یا غیرمستقیم دشوار است. با این حال، گزارش

---

۷۹ - Charles Sampford, Arthur Shacklock, Carmel Connors and Fredrik Galtung(۲۰۰٦), Measuring corruption, Ashgate Publishing Company, p ۱۰

۸۰ - World Bank Independent Evaluation Group (lEG)

بیان می کند که ابزارهای غیرمستقیم برای مبارزه با فساد اداری مؤثر بوده است و چنین پیشرفتی در نهایت می‌تواند به حل مشکل فساد بزرگ یا تسخیر دولت هم کمک کند.[۸۱]

فساد قضایی : سازمان شفافیت بین‌الملل فساد قضایی را چنین تعریف می کند: "هرگونه تاثیر و نفوذ نامناسب بر بی‌طرفی فرایند قضایی از سوی هر عاملی در نظام قضایی و روند دادخواهی." هدف از رفتارهای فاسد در بخش قضایی می تواند متفاوت باشد : برخی فسادها برای منحرف کردن فرایند قضایی در جهت تولید نتیجه‌ای ناعادلانه است، اما ممکن است برخی از مردم هم مجبور شوند، رشوه دهند تا فرایند قضایی را به سوی نتیجه عادلانه و منصفانه سوق دهند. نظام قضایی که دچار فساد ساختاری است، به طور کلی در جوامعی وجود دارند که در بخش عمومی آن فساد گسترده است. دو گونه فساد بر قوای قضاییه تأثیر می گذارد، یک: مداخله و اعمال نفوذ سیاسی در فرایند قضایی از سوی قوه مجریه یا مقننه و یا نهادهای فرا قوه ای ، دو: مداخله از طریق رشوه. بررسی‌ها از **۳۲** کشور جهان نشان می دهند که برای رفع فساد قضایی می‌توان چهار نکته را مدنظر داشت :۱- انتصاب قضات بر مبنای شایستگی ۲- تأمین درآمد و شرایط کاری مطمئن ۳- پاسخگویی و اقدامات انتظامی بر رفتار قضات و ضابطان قضایی، شفافیت در عزل و نصب قضات ۴- شفافیت فرایندهای مبهم دادرسی ودادخواهی، ۵- شفافیت در تملک دارایی توسط قضات و ۶- حضور هئیت منصفه و روزنامه نگاران در وقایع دادگاه‌ها[۸۲].

جرایم شغلی یا حرفه ای[۸۳]: جرایم ارتکابی توسط یک فرد در جریان اشتغال به یک حرفه یا کار که مسوولیت را متوجه فرد می کند و نه کارفرما یا سازمان به عنوان یک کلیت و یا روسای سازمان . در واقع تنها تمایز واقعی بین این جرم و جرایم خیابانی این واقعیت است که در این مورد شغل عاملی در ارتکاب جرم بوده است و جرم در ضمن و ضمیمه انجام وظایف شغلی تحقق یافته است.[۸۴]

در ایالات متحده ، همانطور که شعار سیاسی "سخت گیری در برابر جرایم" در حال رشد بود وزارت دادگستری علاقمندی خود را برای تعریف جرایم یقه سفید ها نشان می داد ، مطالعات مراکز دانشگاهی با حمایت های مالی پژوهشی، جرایم یقه سفید را به عنوان جرایم شغلی بیش از پیش مورد مطالعه قرار دادند. رویکردهای مختلفی مطرح می شد . برخی از آنها سازمان را به عنوان سلاحی در دست یقه سفیدها برای ارتکاب جرم و جنایت تعریف کردند. اما برپایه ی پژوهش های اخیری که در دانشگاه یل انجام شد ، قانون فدرال ایالات متحده ، جرایم یقه سفید را در نُه عنوان کد بندی نمود : جرایم و تخلفات مالی در بورس اوراق بهادار، تخلف از قوانین ضد تراست

---

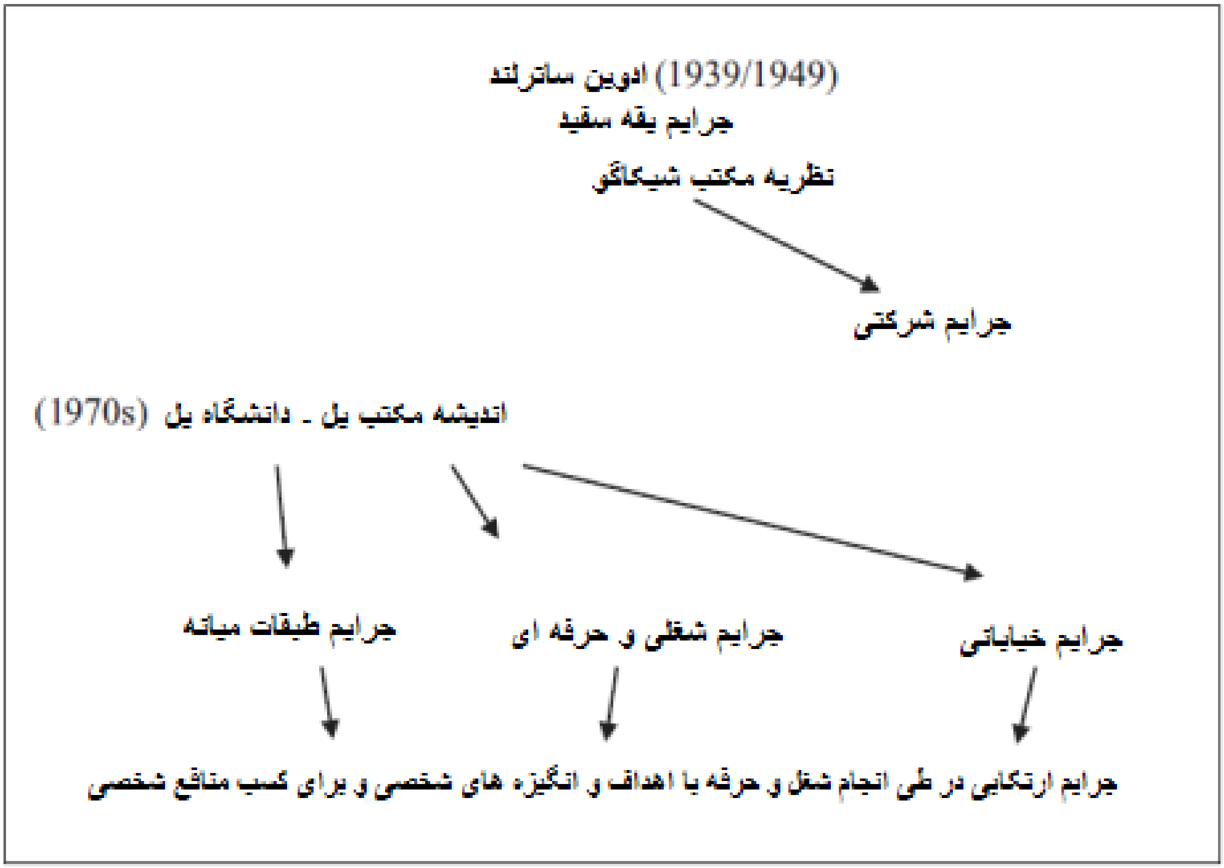
۸۱ - Padideh Ala'i(۲۰۰۸),Ibid

۸۲ – سازمان شفافیت بین‌الملل (۱۳۹۵) فساد در نظام‌های قضایی گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۰۷، مترجم لیلی منفرد، [برای] پژوهشگاه قوه قضاییه، تهران: قوه قضائیه، مرکز مطبوعات و انتشارات.

۸۳ - Occupational Crimes

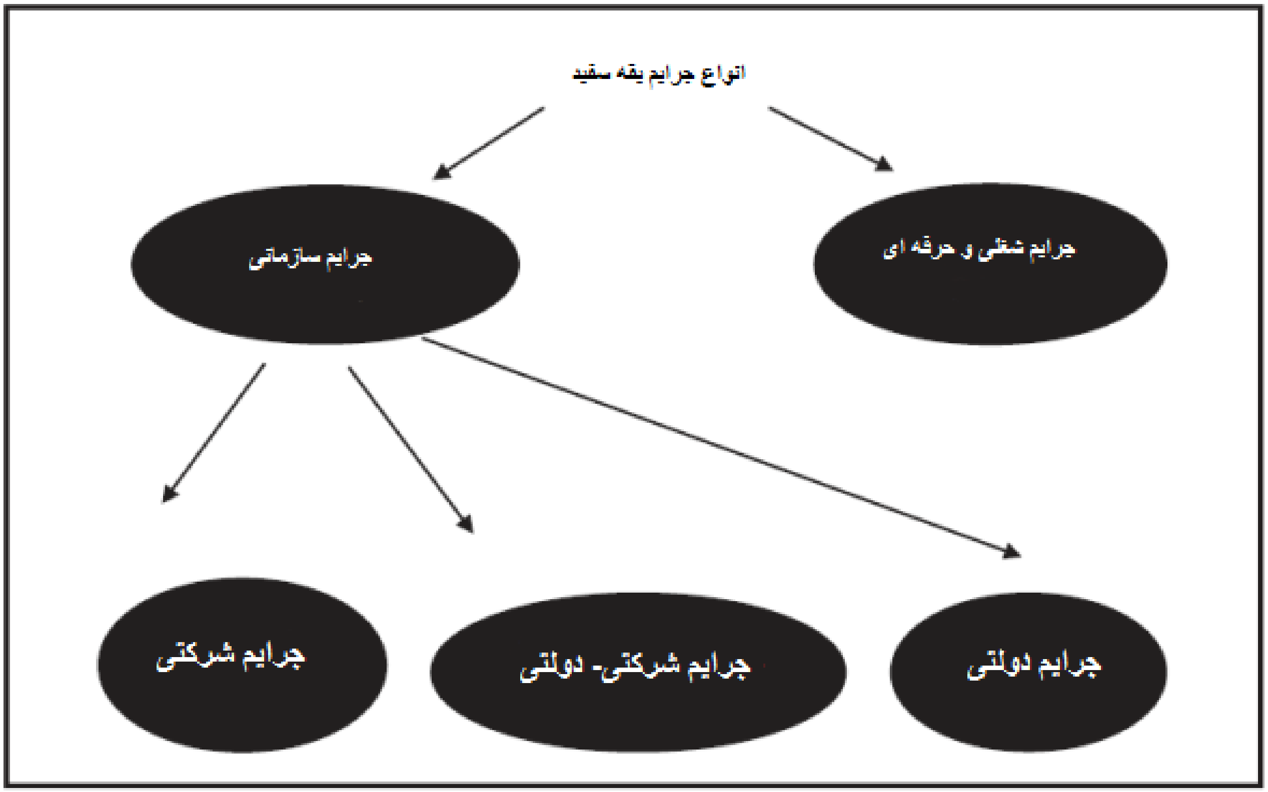
۸۴ - Ibid, Crime of the Powerful: Collar Crime and Beyond, p۷۵

(انحصار)، رشوه، اختلاس بانکی، کلاهبرداری پستی و سیمی(تلفنی یا الکترونیک)، کلاهبرداری مالیاتی، وعده و ادعاهای دروغین و کلاهبرداری در قالب موسسه اعتباری.[۸۵]



دامنه جرایم صاحبان قدرت و سیاستمداران بسیار گسترده تر و قربانیان آن بسیار بیشتر از جرایم مجرمـان خیابـانی است و برحسب بررسی جرم شناسان، موارد گوناگونی را شامل می شود. خصوصا اقدامات مجرمانه سازمان های دولتی، شرکت های دولتی، شبه دولتی، چند ملیتی ، دولت–ملت ها و رژیم‌های بدون دولت و شبکه‌های سازمان یافته جرم و جنایت و باندهای مافیایی به پدیده ی جهانی‌شدن جرایم منتهی شده است. مطالعات و بررسی‌ها در این حوزه توجه رشته‌های مختلفی را به خود جلب نموده است .این مطالعات مباحثی از جرم‌شناسی و عدالت کیفری را شامل می‌شود، تا مباحث حقوق بشر؛ از روش های مبارزه با جرایم علیه حقوق بشر و تروریست تا مباحـث حـوزه صلح و امنیت جهانی و منطقه ای، از تحولات توسعه و عدم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جوامع تا زوال محیط زیست و موضوع پایداری جهانی را در برمی گیرد.[۸۶]

۸۵ -securities violations, anti- trust violations, bribery, bank embezzlement, mail and wire fraud, tax fraud, false claims, and credit- lending institution fraud.
۸٦- global sustainability



جرایم تجاری و یا جرایم بازاری : مدتهاست که مکان های قابل پیشگیری آسیب های اجتماعی بازار محور ، فراتر از دیدگاه ادوین ساترلند (۱۹۴۰) ، در کانون تحقیقات جرم شناسی قرار گرفته. این نگرش به ابعاد تازه تری از جرایم که پیش تر مورد غفلت بوده توجه دارد و جرم شناسی را فراتر از تمرکز سنتی بر جرایم و جنایات خیابانی، بررسی می کند. بر همین اساس مکتبی بنام مکتب جرم شناسی بازار معرفی شده است (I. Ezeonu , ۲۰۱۵). این مکتب جرم شناسی نوپا یک تلاش گسترش یافته از یک سنت شکنی نوپاست که توسط روچ و فریدریش بنا شده است. (رجوع کنید به Rothe and Friedrichs,۲۰۱۵) که به عنوان جنایات جهانی شده نام گذاری شده است. این نظریه پردازان استدلال می کنند که دستور کار اقتصادی نئولیبرالی بر کشورهای در حال توسعه تحمیل شده ، توسط موسسات مالی بین المللی همانند بانک جهانی، WTO و صندوق بین‌المللی پول، آسیب‌های خسارت بار سنگینی را برای جمعیت‌های آسیب‌پذیر در جوامع دریافت کننده کمک و مشاوره ایجاد کرده و می‌کند. برخی از این آسیب‌ها که قابل پیشگیری هم هستند، باید به عنوان جرم طبقه‌بندی شوند، زیرا خواه و ناخواه قوانین داخلی یا بین المللی موجود را نقض می کنند.[۸۷] به این ترتیب جرم شناسی بازار ، آسیب های اجتماعی بازار محور را که توسط نظام سرمایه داری مدرن ایجاد می شود، در کانون توجه خود قرار

---

۸۷ -Friedrichs and Friedrichs,۲۰۰۲ , p.۱٦ ; Ifeanyi Ezeonu(۲۰۱۸), Market Criminology,p۵۲

می دهد. مفهوم جرم شناسی بازار برای گسترش بحث با مفهوم سازی ، پیامدهای منفی قابل اجتناب شوک ها و جهش های مختلف عقلانیت بازار را به عنوان انحرافات مجرمانه تعبیر و تحلیل می کند. بنابراین، از نظر تئوری ، جرم شناسی بازار اثرات مضر قابل پیشگیری نظام سرمایه داری را در مظاهر مختلف آن پوشش می دهد – صرف نظر از اینکه معماری بازار توسط (یا تحت تأثیر) نهادهای مالی بین المللی یا به طور مستقل توسط الیگارشی داخلی یک کشور اداره می شود. نمونه های اخیر شامل اقتصاد نئولیبرال ایالات متحده ، اقتصاد بازار اجتماعی تنظیم شده توسط دولت در آلمان یا سرمایه داری دولتی در چین و به دنبال آزادسازی دنگ شیائوپینگ است. بنابراین، در حالی که تصور فردریش و فریدریش (۲۰۰۲) از جرایم و جنایات جهانی شده به درستی پویایی جنایت و جرم را نشان می دهد، از پروژه جهانی کردن نئولیبرالیسم به عنوان الگوی غالب در اقتصاد جهانی، جرم شناسی بازار را به عنوان یک کشش یا رانش نظری ارائه می دهد که اشکال متنوعی از اقتصاد بازار را در بر می گیرد. این کشش یا رانش ، منبع و صحنه بزه دیدگی مجرمانه را در اشکال متنوع اقتصاد بازار و در ساختار اجتماعی ناعادلانه همراه آن ارائه می دهد.[۸۸]

به این ترتیب جرایم تجاری یا جرایم بازاری آن بخش از جرایم اقتصادی است که در ارتباط با حالت های مختلف پویایی بازار قابل تعریف است، به عبارتی جرایم بازار محور را شامل می گردد و مفهوم جرم‌شناسی بازار به همین منظور مطرح شده است که از ضرورت گسترش دایره نظری " جهانی‌شدن جنایت " –ایده‌ای در حال رشد که توسط دیوید و جسیکا فردریش آغاز شد و در حال توسعه است، دفاع می کند. در حالی که برخی معتقدند جهانی شدن جرایم و جنایات بر پیامدهای خسارت بار پروژه جهانی شدن نئولیبرالیسم ، تحت نظارت نهادهای مالی بین المللی (مانند صندوق بین المللی پول و بانک جهانی) متمرکز است، جرم شناسی بازار این چارچوب مفهومی را به جهش های مختلف نظام سرمایه داری در دوران مدرن گسترش می دهد (نگاه کنید به پیک و تیکل، ۲۰۰۲؛ پیک، ۲۰۱۳؛ واکر، ۲۰۰۶؛ هولمستروم و اسمیت، ۲۰۰۰ ; توس و میخننکو، ۲۰۰۸). به عبارت دیگر، جرم شناسی بازار علاوه بر تشخیص این موضوع که دولت ها و بورژوازی داخلی گاهی با نیروهای خارجی همکاری می کنند یا نظمی نئولیبرالی را بدون تشویق نهادهای مالی بین المللی تحمیل می کنند، آسیب های قابل اجتناب ناشی از اشکال متنوع سرمایه داری را مورد بحث قرار می دهد.(نگاه کنید به پیک، ۲۰۱۳ ، ص ۱۴۴)

جرم شناسی بازار به عنوان روشی برای تحلیل موقعیت جرم زا ، پویایی بازار را در جهش‌های مختلف هم "به‌عنوان یک نیروی جرم‌زا" و هم به عنوان "منبع و منشاء" و هم به عنوان "صحنه‌ی قربانی‌سازی " تشریح می کند. این حالت های متنوع بازار در اقتصاد ، ممکن است لزوماً نشان دهنده یک مدل همگن نباشند که توسط مؤسسات مالی

۸۸ -Ifeanyi Ezeonu(۲۰۱۸), Market Criminology,p۵۳

بین المللی بیان و اجرا شده باشند. با این حال، همه آنها به نیروهای بازار به عنوان بهترین و بهینه ترین تعدیل کننده شرایط انسانی اولویت می دهند. به این ترتیب جرم شناسی بازار، آسیب های اجتماعی بازار محور را که توسط جهش های مختلف نظام سرمایه داری معاصر ایجاد می شود، در مرکز تحقیقات جرم شناسی قرار می دهد.[۸۹]

دامنه گسترش جرایم شرکتی : جرایم شرکتی از قبیل کلاهبرداری و فساد وقتی اتفاق می افتد ، اغلب اقتصاد کشورها را تحت تأثیر قرار می دهد و باعث آسیب جدی به شهروندان و جامعه می شود. بویژه جرایم شرکت‌های بزرگ دولتی نگرانی‌های ویژه‌ای را ایجاد می کند. نگرانی‌هایی که در مورد این شرکت‌ها وجود دارند دامنه وسیعی از مسائل است. هرگاه مدیران و کارکنان شرکت ها (دولتی و غیر دولتی) بجای هدفگذاری برای بهبود کیفیت محصولات و یا بهبود شیوه خدمات رسانی و جلب رضایت مشتریان و شهروندان به دنبال منافع خود می روند ، پیامد آن می تواند از طریق فعالیت های مفسده آمیز و مجرمانه آسیب های زیادی به جامعه تحمیل کند . معمولا برای محافظت در برابر این آسیب ها، قوانین و مقررات حقوقی و کیفری ، تکالیف و وظایفی را بر شرکت ها و کسانی که برای آنها کار می کنند وضع می کنند تا از طیفی از موارد مضر جلوگیری شود و در بسیاری از کشورها ، قوانین کیفری و مدنی برای این منظور وضع شده است.

به لحاظ ماهیت جرایم شرکتی اغلب کمتر قابل مشاهده هستند، کمتر صراحت دارند و غیر مستقیم هستند، و کمتر از جرایم خیابانی ملموس به نظر می رسند، همچنین معمولاً توسط افراد یا گروه‌هایی در داخل سازمان انجام می‌شوند که در جایگاه های قدرت و تصمیم گیری هستند. با این حال شمار قربانیان این جنایات گسترده و بیشمار می باشد. بسیاری از قربانیان جرایم شرکتی حتی بعید به نظر می‌رسد که از وجود مجرم و جرم و جنایت اعمال شده آگاه باشند ، چه رسد به آگاهی یافتن از قربانی شدن آن ها (گرانت استیت و جیاکوپاسی، ۱۹۹۳؛ مایر و کوتاه، ۱۹۹۵). به عنوان مثال، بعید است در هنگام خرید یک شکلات فکر کنیم که آیا این شکلات عاری از سالمونلا است یا هنگام انتخاب و خرید گوشت و سایر محصولات موجود در فروشگاه های برند معروف و معتبر خیابانی ، ما انتظار نداریم که برچسب ها تقلبی و گمراه کننده باشند و یا انتظار نداریم با کم بیان کردن درصد آب اضافه شده به محصول کلاه سرمان رفته باشد. شرکتی که برای افزایش تیراژ فروش محصول خود ، ترکیبات و افزودنی های غیر مجاز طعم دهنده را بدون آگاهی رسانی و بی توجه به مضرات و زیان هایی که برای سلامت مصرف کنندگان دارد، به محصول خود می افزاید، یک جرم شرکتی مرتکب شده. همچنین بسیاری از موارد کم فروشی از قبیل استفاده از مواد اولیه و قطعات بی کیفیت و فاقد استانداردهای لازم در تولید محصول ، مصداق جرم شرکتی است. شما انتظار ندارید بنزینی از جایگاه سوخت دریافت نمایید که به سلامت خودتان و خودروتان آسیب بزند. بطور کلی جرایم شرکتی، اغلب در نوع و اندازه و وزن و نوع بسته بندی محصول و در کمیت و کیفیت محصول یا

---

۸۹ - Ifeanyi Ezeonu(۲۰۱۸),Ibid

خدمت پنهان می شوند. شما ممکن است خدای ناکرده در هنگام رانندگی در بزرگراهی ، قربانی یک "تصادف" شوید، در نهایت با حضور کارشناسان فنی در صحنه تصادف متوجه شوید که ضعف اقدامات در نگهداری و مرمت اتوبان و یا ضعف در سیستم ترمزهای اتومبیل شما عامل تصادف بوده درآنصورت شرکت پیمانکار مسوول نگهداری و مرمت اتوبان و یا شرکت خودرو ساز یا تعمیرکار مجاز یا شرکت قطعه ساز لنت ترمز می بایست مقصر اصلی بروز حادثه شناسایی و معرفی شود.[۹۰]

در ترکیه ، تنها بعد از زلزله مرگبار اخیر(۲۰۲۳)، چند شرکت پیمانکاری ساختمان، چند مهندس ناظر و چند مقام مسوول ناظر در مورد عدم مقاومت مصالح بکار رفته در ساختمان های نوسازی که در چند منطقه بشدت تخریب شده و آسیب جدی دیده بودند ، مقصر شناخته شدند. در ایران تنها بعد از سقوط برج تجاری تازه افتتاح شده ی متروپل در آبادان ، بدون دخالت حتی یک عامل طبیعی مانند زمین لرزه و بعد از کشته و زخمی شدن صدها تن و زنده بگور شدن ده ها نفر در زیر آوار صدها تن مصالح ساختمانی ، معلوم شد که شرکت پیمانکار، در همدستی و تبانی با مهندسین ناظر و شهرداری آبادان و سایر دستگاه های ذیربط ، هریک به نوعی دارای قصور و تقصیر بوده اند. در بررسی های میدانی پلیس راهور در ایران پیرامون تصادفات منجر به فوت سرنشینان ، نقص در سیستم کیسه هوا و باز نشدن آن در برخی خودروهای ساخت داخل، یکی از علل اصلی تشخیص داده شد. در بسیاری از این موارد جرایم شرکتی– در تبانی با دستگاه های ناظر دولتی (جرایم دولتی) رخ داده است. متاسفانه در اغلب موارد پیامد اقدام مجرمانه و قربانیان اقدامات مجرمانه شرکت ها تا مدت ها مکشوف نمی شود و بعد از کشف جرم اغلب توام با خسارات فرآوان ، جرم مذکور میان چند شرکت و نهاد دولتی و نهادهای ناظر سرشکن می شود و ممکن است فرد یا افرادی به عنوان مقصران اصلی معرفی شوند، که چه بسا واقعا هم مقصران اصلی باشند یا نباشند، دیگر چه اهمیت دارد.

نمونه دیگر مخاطرات فیزیکی مرتبط با آلودگی محیطی در هوا ، آب، خاک، محل کار و مناطق مسکونی است. میلیون ها کارگر و شهروند بی گناه مجبور به زندگی در مناطق آلوده به زباله های صنعتی و زباله‌های الکترونیکی و زباله های هسته ای و حوادث مرگبار مرتبط با آن و دیگر آلودگی های محیطی هستند که هر روز در معرض مواد سرطان‌زا و دیگر مواد بالقوه کشنده قرار می گیرند، اغلب به این دلیل که شرکت‌ها و صاحبان کسب‌وکارها استانداردهای زیست‌محیطی را رعایت نمی‌کنند یا راه‌های قانونی برای دور زدن آن‌ها پیدا می‌کنند ، از جمله جابجایی فعالیت‌های خود به کشورها و یا مناطقی که می‌توانند بدون مجازات فعالیت واحد صنعتی خود را انجام دهند. کارگران در حالی که از نیروی کارشان سوء استفاده می شود و همچنین به عنوان شهروندان بی گناه تحت تأثیر فعالیت های مخرب زیست محیطی قرار می گیرند. هزاران کارگر صنعتی به دلیل کار کردن در شرایط کاری

۹۰ - Crime of the Powerful: Collar Crime and Beyond, p۸

نامساعدی که آنها را در معرض مواد سرطان زا و بیماری های شدید تنفسی قرار می دهد، بیمار می شوند یا می میرند. به عنوان مثال، شرایط کارگران صنعت پوشاک را در نظر بگیرید که در معرض سموم بسیاری از تولید و ساخت قرار دارند. یا کسانی که در صنایع پتروشیمی، نفت وگاز ، لاستیک، فولاد، زغال سنگ، استخراج معادن و مواد شیمیایی هستند در معرض آسیب، بیماری و مرگ قرار می گیرند. به عنوان نمونه در ایران گزارش های مختلفی از افزایش میزان آلودگی هوای کلانشهرهایی مانند تهران و خسارات ناشی ازآن به دلیل استفاده از سوخت غیر استاندارد مازوت توسط نیروگاه ها تایید شده است. همه این خسارات ناشی از عوارض جنبی فعالیتهای اقتصادی بنگاه هایی است که ضوابط و استانداردهای بهداشت محیط کار و استانداردهای زیست محیطی را رعایت نمی کنند و یا آن قوانین و ضوابط را به نوعی دور می زنند. همه این ها جرایمی سنگین و خسارت بار علیه زندگی روزمره شهروندان هست که اندازه گیری و برآورد خسارات ناشی از آنها باید به روشی منطقی در اقتصاد لحاظ شود تا بتوان در قالب برنامه های پیش گیرانه و باز دارنده از بروز این خسارات جلوگیری نمود یا خسارات وارده را کم کرد.[۹۱] از قضا بررسی ها در سطح بین المللی نشان می دهد آسیب های زیست محیطی بیشتر ناشی از جرایم دولتمردان و صاحبان قدرت رسمی است ، نه از ناحیه مردم عادی که با اتومبیل خود به محل کار می روند یا از کیسه های پلاستیکی در خواربار فروشی استفاده می کنند در عوض، استخراج معادن روباز، و سایر اشکال آلودگی های کارخانه ای دودکش دار یا آلاینده مانند فولاد و پالایش منجر به تغییرات عظیم اقلیمی می شود، رویدادی که برخی هشدار داده اند که این بزرگترین مشکلی است که بشر تاکنون با آن مواجه شده است و این عمدتاً محصول عملیات عادی سازی فعالیت شرکت ها و بنگاه های بزرگ کسب و کار هست که توسط دولت ها و موسسات مالی در سطح ملی و بین المللی حمایت و تسهیل و تامین مالی می شوند.

جرایم مالی شرکت ها : اگر چه هرگونه جرایم شرکتی ممکن است تبعات و پیامدها یا ریشه ها و انگیزه های اقتصادی داشته باشد، ولی تنها برخی جرایم شرکت ها که مرتبط با دارایی و مدیریت مالی و مدیریت سرمایه و سهام است، در دسته بندی جرایم مالی شرکت ها قرار دارد. جرایم مالی شرکت ها موضوعی است که پس از ترکیدن "حباب" در سال ۲۰۰۰ و موج بعدی آن یعنی ورشکستگی و افشای تقلب های سیستمانیک در مواردی که قبلاً ارزیابی های مالی شرکت ها ، معتبر تلقی می شد ، در رسانه‌های الکترونیکی و چاپی جهان سر و صدای زیادی به راه انداخت. بسیاری از سخنرانی ها، مقالات، مستندها، کلیپ های ویدئویی و وبلاگ ها در مورد علل و راهکارهای رفع تقلب شرکتی و انتقاد از کمبود نظارت ها یا واکنش شدید به عملکرد دولت ها بود و برخی کارشناسان از افول اخلاق تجاری ابراز تاسف کردند! در حالی که برخی اشخاص و نهادهای متخصص و دارای اعتبار و جایگاه در حوزه حقوق ، جرم شناسی، حسابداری و مدیریت بازرگانی ایجاد اتاق فکر، برگزاری

---

۹۱ -Crime of the Powerful: Collar Crime and Beyond, p۱٦

کارگاه های اخلاقی و ارائه دوره های اجرایی برای مشاغلی که به دنبال ترویج نسخه های خاصی از " مسئولیت اجتماعی شرکتی "[۹۲] هستند، را دنبال کردند. نمایه های غول های بزرگ تجاری و اقتصادی و شرکت های بزرگ مانند کنت لی و جف فاستو (انرون)، برنی ابرز (ورلدکام)، کنراد بلک و دیوید رادلر (هولینگر گنجانده شده) فراوان است. کارشناسان حقوقی و سیاستمداران، دولت و نهادها و حرفه ای های تدوین کننده استانداردهای غیردولتی (به ویژه کارگزاران صندوق های سرمایه گذاری، وکلا و انجمن های حسابداران) وارد عمل شدند ، تا حداقل در ابلاغ و چاپ جزوات قوانین و مقررات کاری بکنند. در ۲/۲۰۰۱ ایالات متحده، همچنان بازیگر غالب در اقتصاد جهان بود (با وجود رقابت فزاینده ای که با چین و هند وجود داشت.)، تعدادی قوانین برای پیشگیری، بازدارندگی و مجازات تقلب در بازار سهام تدوین شد که قابل توجه ترین آنها Sarbanes-Oxley بود (SOX توجه به دوستان و دشمنان به طور یکسان)، یک قانون جاه طلبانه دو حزبی که طیف گسترده ای از کلاهبرداری شرکتی را در بر می گیرد و زمانی که ایالات متحده برای محافظت بورس های سهام خود اقدام می کند ، همه کشورها و شرکت هایی که مایل به تجارت یا فروش محصولات موجود در بازارهای آن هستند مجبور به رعایت کردن /یا کپی کردن این مقررات می شوند. [۹۳]

مورد دیگر رسوایی بانک اعتبار و تجارت بین المللی (BCCI) است که "دزدی بیش از ۲۰ میلیارد دلاری" نامیده می شود (بیتی و گوین، ۱۹۹۳) و به عنوان یکی از بدترین رسوایی های مالی تاریخ (تا کنون!) شناخته شد. این بانک در سال ۱۹۷۲ در پاکستان تاسیس شد و در نهایت بیش از ۴۰۰ شعبه در ۷۸ کشور جهان راه اندازی کرد. BCCI در نهایت در ژوئیه ۱۹۹۱ پس از حسابرسی بانک انگلستان تعطیل شد و نشان داد که کلاهبرداری، وام های نامناسب و شیوه های حسابداری فریبکارانه در داخل شرکت بیداد می کند. نتایج تحقیقات در ایالات متحده و بریتانیا فاش کرد که BCCI در پولشویی، فرار مالیاتی، رشوه، قاچاق کالا، قاچاق اسلحه (از جمله فن آوری های هسته ای) و خرید غیرقانونی بانک ها و املاک دست داشته و متهم به تهیه مواد مخدر برای دلالان، بازرگانان اسلحه و دیکتاتورهای جهان سوم بوده است.[۹۴]

رسوایی پارمالات (Parmalat) که به عنوان "بزرگترین کلاهبرداری شرکتی در تاریخ "اعلام شده است"، عنوان مطبوعات "انرون ایتالیا" را به خود اختصاص داد. این غول بزرگ لبنیات و غذاهای ایتالیایی با بیش از ۳۵۰۰۰ کارمند در ۳۰ کشور مجبور به اعلام ورشکستگی شد. در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۳، زمانی که ۴,۹ میلیارد دلار دارایی فرضی شرکت بود نشان داده شد که یک داستان سازی است. پارمالات سال‌ها شرایط مالی واقعی سرمایه گذاران با استفاده از ترکیبی از صورت‌های درآمد جعلی، شرکت‌های هلدینگ خارج از کشور، و حتی به طور کامل جعل

۹۲ - corporate social responsibility
۹۳ - Lexington, MA: Lexington Books ;John Minkes and Leonard Minkes(۲۰۰۸) ,Ibid, p۳۹
۹٤ - Ibid, p ٤۳

(با چسباندن یادداشت تأیید دارایی به سربرگ بانک آمریکا انجام می شود و چندین بار فرم را از طریق دستگاه فکس ارسال میشود) را پنهان کرده بود.این کلاهبرداری ها برای مخفی کردن واقعیت و جبران زیان و اجازه دادن به شرکت برای ادامه استقراض بانکی بود.[۹۵]

در ایران ، بازار بورس نماد عدم شفافیت و عدم تقارن اطلاعات، دولتی بودن و ناکارآمد بودن بورس و نماد ضرر و زیان برای سهامداران خُرد است و همه اینها در کل یعنی بورس در ایران یک جولانگاه بزرگ برای فسادهای کلان مالی است،کافی است به عنوان یک دلیل آشکار براین ادعا، به سوء استفاده و رانت اطلاعاتی حقوقی ها در بازار سرمایه توجه شود، ۹۰ درصد حقوقی ها در بورس شرکت هایی هستند که وابسته به دولت هستند و بیشترین فساد هم مربوط به ۱۹ نماد تاثیرگذار و مهم بازار بوده است که ۵۰ هزار میلیارد تومان فقط این ۱۹ نماد در اوج فروخته اند، اما در زمان ریزش ارزش سهام ، کمتر از ۹ هزار میلیارد تومان خرید داشته اند.چرا؟ به دلیل رانت اطلاعاتی . نتیجه اینکه یکی از بزرگترین کلاهبرداری ها و جرم بزرگ و فساد کلان در بورس رخ داده است که بسیاری از سهامداران خرد را مال باخته نموده است.[۹۶]

نمونه دیگر فساد کلان گزارش شده در گزارش تحقیق و تفحص مجلس، از شرکت بزرگ فولاد مبارکه است. سازمان حسابرسی چه جوابی برای اتفاقاتی که در این شرکت فولادی افتاده است، دارد؟ گزارش تحقیق و تفحص مجلس از ضایع شدن حدود ۳ میلیارد دلار در زمانی قریب به ۴ سال در یک شرکت سهامی‌عام، حاضر در بورس و زیرنظر حسابرس و سهامدار و سازمان صحبت می کنند.[۹۷]

(عامری، دهقانی و ایروانی، ۱۳۹۶) براساس نتایجی که از مطالعه شش کشور(ایران، هند، روسیه، آرژانتین، ترکیه و چین) برای ۲۰۰۸–۲۰۱۵ بدست داده اند، نشان داده اند که رشد فساد منجر به بی ثباتی بازارهای مالی منجمله بازار بورس می شود. در این مقاله مبارزه با فساد و شفاف سازی، مؤثرترین راه برای کاهش بی ثباتی بازار مالی کشورهای منتخب ذکر شده است.[۹۸]

---

۹۵ -Corporate and White-collar Crime .p٤٤

۹۶ – سرویس اقتصادی پایگاه ۵۹۸
https://www.٥٩٨.ir/fa/news/٤٨٠١٩٤

۹۷ – ر. ک به : بهمن فلاح، بی‌اعتمادی به بورس نتیجه گسترش فساد، روزنامه ی دنیای اقتصاد : شماره خبر:۳۸۹۲۱۷۶. – ۳۰ /۵/ ۱۴۰۱.

۹۸ – الهام ایروانی، علی دهقانی، مجید عامری(۱۳۹۶) ، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی شاهرود.

فصل دوم : نظریه های جرم شناسی و روش های جرم سنجی

پژوهشگران در حوزه های مختلف علوم برای توضیح عوامل، زمینه ها و نحوه رفتار و چگونگی شکل گیری اقدامات مجرمانه تلاش های وسیعی کرده اند و از زوایای مختلف، انواع اقدامات و رفتارهای مجرمانه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند. دستاورد تلاش علمی آنها متناسب با تنوع و گستردگی و ماهیت جرایم در جوامع مختلف به ارائه تئوریهای گوناگون انجامیده است و دانش انباشته ای را فراهم نموده است بطوری که امروزه جرم شناسی[۹۹] به تخصص های مختلف تقسیم می شود و از رشته های مختلف علمی مدد می گیرد.

اولین نظریه های رفتار مجرمانه که کم و بیش بر فرض انتخاب عقلانی استوار است توسط سزار بکاریا (از بنیانگذاران مکتب جرم شناسی کلاسیک، ۱۷۶۴) و جرمی بنتام (فیلسوف و اقتصاددانان انگلیسی،۱۸۴۳) ارائه شد. بنتام (۱۷۸۹، ۱۸۴۳، ص ۳۹۹) ، نوشت : "... منافع جنایت محرک و نیرویی است که انسان را به بزهکاری سوق می دهد و درد کیفر نیرویی است که او را از ارتکاب جرم باز می دارد. اگر اولین نیرو از این نیروها بیشتر باشد، جرم محقق می شود. اگر دومی بیشتر از اولی باشد، جرم محقق نمی‌شود." از آغاز قرن بیستم، با توسعه انبوهی از نظریه های دیگر، علاقه به دیدگاه آنها کاهش یافت. اما ایده اصلی بنتام در مقاله راهگشای گری بیکر(۱۹۶۸) در مورد جنایت و مکافات اثری ماندگار ، حیاتی و نگاهی مدرن بود، که پیشنهاد می‌کند " نظریه مفید رفتار مجرمانه می‌تواند نظریه‌های خاص آنومی، نارسایی‌های روان‌شناختی، یا وراثت و موارد خاص را کنار بگذارد."[۱۰۰]

یک تعریف باید برپایه معیارهای عینی و ذهنی باشد. تعریف جرم هم بر پایه معیارهای عینی-ذهنی قابل ارائه است. نتایج و پیامدهای جرم ، معیارهای عینی جرم تلقی می شوند. نتایج و پیامدهای جرم آنهایی هستند که می توانند سلامت و امنیت عمومی جامعه را به مخاطره اندازند. معیارهای ذهنی جرم هم اهمیت دارند. آنها موضوعاتی هستند که به جنبه های روحی ، روانی و ذهنی مجرمان می پردازد، از قبیل انگیزه های ارتکاب جرم و موقعیت و جایگاه مجرمین.

مدل جرم -مجازات یا (جنایت - مکافات) بیکر :

اقتصاد جرم و جنایت منشأ خود را در مقاله ی راهگشای موسوم به "جنایت و مکافات" گری بیکر (۱۹۶۸) دارد. هدف اصلی مقاله او معطوف به پاسخگویی به این سوال است که چه تعداد عوامل جرم خیز به چه میزان

---

۹۹ - Criminology

۱۰۰ - BECKER, G. (۱۹٦۸), “Crime and Punishment: An Economic Approach”, the Journal of Political Economy, LXXVI-۲, ۱٦۹-۲۱۷; E. Eide, P. H. Rubin and J. M. Shepherd (۲۰۰٦) , Economics of Crime, Foundations and Trends in Microeconomics, Vol. ۲, No ۳ pp: ۲۰٥–۲۷۹

مجازات و هزینه های مرتبط با جرایم منتهی می گردد. در واقع بیکر در آن مقاله به برآوردی از هزینه های جرم به عنوان تابعی از تولید جرم توسط مجرمان می پردازد و مدل او برای به حداقل رساندن هزینه ها و خسارات اجتماعی ناشی از ارتکاب جرم (خسارات و هزینه های مربوط از قبیل تعقیب و دستگیری و بازداشت و زندان و غیرو مجرمان) استفاده می شود. به این ترتیب پایه گذار تحلیل اقتصادی جرم، بیکر است. بنابر نظر او " فرد زمانی مرتکب جرم می شود که مطلوبیت انتظاری او از ارتکاب جرم از مطلوبیتی که میتوانست در صورت صرف وقت و سایر منابع خود در سایر فعالیت ها به دست آورد بیشتر باشد "[۱۰۱] هرچه درآمد فعالیت های قانونی بیشتر باشد هزینه ی فرصت ارتکاب جرم بیشتر است، اما با افزایش درآمد جامعه، درآمد انتظاری ارتکاب جرم هم افزایش می یابد. افزایش نرخ بیکاری هزینه فرصت مجرم را در مقایسه با برخورداری از اشتغال قانونی می کاهد.

مدل اصلی او بر این فرض استوار است که اگر منافع یا مطلوبیت مورد انتظار از جرم برای یک فرد بیشتر از مطلوبیت و منافعی باشد که می تواند در حالت عادی از زمان و منابع در اختیارش در انجام دیگر فعالیت ها به دست آورد، مرتکب جرم می شود.[۱۰۲] متغیرهای تصمیم گیری در حوزه ی امنیت عمومی و اجتماعی از قبیل هزینه های پلیس، دادگاه ، اندازه و میزان و نوع مجازات در تعیین و تبیین احتمال ارتکاب یک فرد به جرم تعیین کننده هستند. تغییر این عوامل بازدارنده به این معنی است که بازده مورد انتظار از جرایم و به نوبه خود تعداد جرایم متغیرهایی هستند که تابع عوامل ذکر شده هستند. بیکر این موضوع را در رابطه با تعداد جرایم و میزان بازدارندگی تعریف می کند. او در مقاله ی خود روابط پنج دسته عوامل را در قالب یک الگوی تبیین(جرم-مجازات) بررسی می کند. آن عوامل عبارتند از :

تعداد جرایم[۱۰۳] و هزینه جرایم

تعداد جرایم و مجازات های اعمال شده

تعداد جرایم و دستگیری ها و محکومیت ها و هزینه های عمومی توسط پلیس و دادگاه ها، (اقدامات بازدارنده)

تعداد جرایم و محکومیت ها و هزینه های حبس یا سایر انواع مجازات ها

تعداد جرایم و هزینه های بخش خصوصی برای حفاظت و پیشگیری

نابرابری درآمدی، فاصله درآمد انتظاری تا هزینه فرصت جرم را برای مجرم افزایش می دهد و میتواند به دلیل پایین آوردن شأن اجتماعی فقرا آستانه اخلاقی آنها را برای ارتکاب جرم کاهش دهد و به این ترتیب فقرا با

۱۰۱- Becker, G. S., Crime and Punishment: An Economic Approach, in: Journal of Political Economy ۷۶ (۱۹۶۸), ۱۶۹-۲۱۷.

۱۰۲ -Becker, G. S,Ibid,۱۶۹-۲۱۷.

۱۰۳ - offenses

معذوریت اخلاقی کمتری جرات ارتکاب جرم می یابند. دوستی می گفت :"گدایی اگر ننگ نبود، گنج بود."، این جمله نیز بار معنایی مناسبی در توضیح نظریه بیکر دارد. افزایش نرخ تورم به جهت اثر کاهنده در قدرت خرید، اثری همچون کاهش درآمد دارد. بعلاوه توان انتظامی حکومت و تناسب مجازات با جرم، هزینه ارتکاب جرم را افزایش می دهد.

آموزش میتواند با بالا بردن توان افراد برای کسب درآمد مشروع و تربیت اخلاقی آنها انگیزه آنها را برای ارتکاب جرم کاهش دهد. اما از طرف دیگر آموزش می توان نقشی دوگانه هم داشته باشد و ممکن است توان مجرم را برای ارتکاب جرم بالا ببرد.[۱۰۴] بطور کلی می توان درک کرد که فعالیت های هر فرد در جامعه به زعم در چهار دسته بندی زیر قرار می گیرد :

فعالیتهای سالم اقتصادی	هرگونه فعالیت اقتصادی در چارچوب قانون مانند کار در کارخانه
فعالیتهای مجرمانه اقتصادی	هرگونه فعالیت خلاف قانون با اهداف منفعت طلبانه و انگیزه های مالی و اقتصادی
فعالیتهای سالم غیر افتصادی	هرگونه فعالیت قانونی غیر اقتصادی مانند استراحت و تفریح
فعالیتهای مجرمانه غیر اقتصادی	هرگونه فعالیت غیر قانونی و غیر اقتصادی مانند مصرف مواد مخدر یا مصرف الکل

هرکدام از این چهار دسته فعالیت منافع مالی و اقتصادی و یا لذت و مطلوبیتی را عاید فرد می کنند. بدون شک این دسته بندی برمبنای انگیزه های اقتصادی افراد و گروه ها شکل گرفته است و نه براساس پیامدها و نتایج اقتصادی رفتار آنها، زیرا مطمئنا افراد نکته سنج بر این دسته بندی ایراد خواهند گرفت، چون هیچ فعالیتی در دنیای انسان ها نیست که پیامد و نتایج اقتصادی در بر نداشته باشد. حتی مرگ یک انسان هم پیامد اقتصادی در پی دارد. استراحت و تفریح و سرگرمی، فعالیتی لذت بخش است که مستلزم صرف هزینه مستقیم و هزینه غیر مستقیم ، هزینه ی فرصت از دست رفته و از دست دادن منابع در ازای دریافت مطلوبیت هایی دیگر است که اگر آن مطلوبیت کسب نشود، روح و جسم فرد نمی تواند برای چرخه ی بعدی فعالیت کاری آماده گردد و انرژی و توانایی و انگیزه او مستهلک می شود. همچنین مصرف مواد مخدر و الکل برای فرد و جامعه هزینه در پی دارد و از دست دادن منافع و تحمیل هزینه هایی را به دنبال خواهد داشت. ضمن اینکه وقتی فرد به عنوان مصرف کننده الکل یا مواد مخدر در بازار این کالا را تقاضا می کند، عملا وارد انجام یک کنش اقتصادی شده است. او به عنوان مشتری به مغازه مراجعه کرده و یک بطری الکل سفارش داده است و فروشنده در واکنش اقتصادی متقابلی، آن بطری را با هدف کسب منفعت اقتصادی به شخص مذکور می فروشد. این عمل مجرمانه یعنی مصرف الکل، ممکن است پیامدهای اقتصادی بعدی هم داشته باشد. کبد فرد را دچار مشکل کند و او به پزشک مراجعه کند و یا بعد از سوء مصرف الکل حرکت و

۱۰۴ -Entorf, H. & H. Spengler. (۲۰۰۰). Socio-economicand Demographic Factors of Crime in Germany: Evidence from Panel Data of the German States. International Review of Law and Economics ۲۰: ۷۵-۱۰۶

رفتاری مجرمانه و غیر ارادی کرده باشد ، مثلا کافه و رستوران را به هم ریخته باشد و خساراتی وارد کرده باشد که باید آن خسارات را نقدا جبران کند. بنابراین هیچ فعالیت مجرمانه ی غیر اقتصادی در دنیای واقعی معنا ندارد، همچنان که هیچ فعالیت سالم غیر اقتصادی وجود ندارد.

(رُز اکرمن، ۲۰۱۶) با تاکید بر ضرورت وجود قانون در جامعه به منظور تشخیص و تفکیک اعمال مجرمانه از غیر مجرمانه، معتقد است ، چه قانون حدود و ثغور اعمال مجرمانه را دقیقا مشخص کرده باشد یا نه ، برخی از مردم هرگز به دلایل اخلاقی رفتار مفسدانه و مجرمانه نمی کنند، برخی دیگر ظاهراً از روی عادت روش مجرمانه و مفسدانه را انتخاب می کنند و برخی دیگر هزینه ها و منافع درگیر شدن در هر عمل فاسد و مجرمانه ای را می سنجند. کارآگاه فرانک سرپیکو تلویحا نظر او را این گونه تایید می کند و با ابراز تاسف می گوید : "ده درصد از پلیس های شهر نیویورک کاملاً فاسد هستند، ۱۰ درصد کاملاً صادق هستند، و ۸۰ درصد دیگرآنها –ای کاش صادق بودند." [۱۰۵] (تیرول،۱۹۹۶) از این گروه آخر به عنوان "فرصت طلب" یاد می کند و (بن استوک،۱۹۷۹) چنین افرادی را "عمل گرا " می خواند.[۱۰۶] به نظر می رسد باید یک گروه دیگر را در این میانه اضافه کرد.آنها گروهی هستند که برای ارتکاب اعمال مجرمانه و فساد خود دلایل و توجیهات اخلاقی هم می آورند، یعنی اقدام و رفتار فاسد خود را مشروعیت می بخشند. این مورد آخر شاید در جوامع دارای ایدئولوژی سیاسی و یا مذهبی بیشتر مشاهده شود. پلیس امارت اسلامی طالبان، هر مردی که ریشش را تراشیده باشد، تازیانه می زنند و ماموران گشت ارشاد در ایران هر خانمی که حجابش را رعایت نکند، علنا در خیابان مورد توهین و توبیخ قرار داده و ضرب و شتم می کنند. همه آنها هم برای اجرای احکام شریعت و جلب رضای خداوند متعال، این اعمال را مرتکب می شوند. تروریست های مذهبی، قربه الی الله آدم می کشند و آن را جهاد در راه خدا، عبادت و " ترور مقدس" می دانند. خصیصه ی توجیه گری جرم و فساد کم و بیش در طیف های مختلف و طبقات اجتماعی گوناگون حتی سران و مقامات سیاسی کشورهای مختلف وجود دارد. سران و مقامات حکومت جمهوری اسلامی در حالی که جمعیت قابل توجهی از مردم خودشان در فقر و محرومیت زندگی می کنند، میلیاردها دلار در سال به گروه های دارای ایدئولوژی افراط گرای مذهبی همسو، کمک مالی و تسلیحاتی می کنند و آن را کاملا اخلاقی و یک فریضه الهی

---

١٠٥ - Sam Roberts, "Rooting Out Police Corruption," New York Times, June ٢٩, ٢٠١٢, http://www.nytimes.com/٢٠١٢/٠٧/٠١/nyregion/books-on-policecorruption- and-woody-guthries-haunts-in-new-york-city.html .

١٠٦ - Susan Rose-Ackerman & Bonnie J. Palifka (٢٠١٦), Corruption and government, causes, consequences, and reform ,Cambridge University Press,p١١٣.

(جهاد) می دانند.[۱۰۷] دیکتاتورها و حکمرانان مستبدی همچون صدام و معمر قزافی فرمان قتل عام مردم خودشان را صادر می کنند، چون آنها را دشمن، خائن، فریب خورده و مضر برای جامعه تلقی می کنند. حتی برخی از دیکتاتورها با توجیهات اخلاقی خاص خودشان، درکشورهای دیگر مداخله نظامی و یا تجاوز نظامی آشکار می کنند. پوتین به اوکراین تجاوز نظامی کرد و اسمش را عملیات ویژه نظامی گذارد که برای دفع خطر ناتو ازسرزمین های شرقی انجام شده است!؟ صدام به کشور ایران تجاوز کرد و برای آن توجیهات اخلاقی، سیاسی و امنیتی آورد. دولت امریکا در زمان جورج بوش پسر به عراق حمله کرد، ولی نام آن را "آزادی عراقی" گذاشت و برای اینکه این اقدام کاملا وجه قانونی داشته باشد، اصلا قانونی را با حمایت اپوزیسیون رژیم حاکم برعراق، بنام قانون آزاد سازی عراق تصویب کرد، ولی عملا دنبال منافع خود در منطقه بود و سلطه بر چاه های نفت در خاورمیانه را هدف پشت پرده قرار داده بود. رهبران مذهبی در ایران دفاع مشروع مردم در دفع تجاوز صدام در سال ۵۹ را با اتکاء بر ایدئولوژی انقلابی صدور انقلاب به یک جنگ طولانی هشت ساله تحت عنوان "نبرد حق علیه باطل" و "دفاع مقدس" و "جنگ دائمی جبهه حق بر علیه استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی با هدف آزادسازی قدس شریف" و به عنوان "جنگی مقدس" تبلیغ و تداوم دادند و "جنگ تا رفع فتنه در عالم" را سرلوحه راهبرد سیاسی و ایدئولوژیک خود قرار دادند. هم اکنون در برخی جوامع اسلامی بابت بسیاری از اعمالی که در جوامع دیگر اصلا جرم تلقی نمی شوند، حکم محاربه و قتل صادر می گردد. دولت ها ، رهبران سیاسی و مذهبی و گروه هایی که این قبیل اقدامات ، تصمیمات و رفتارها را مرتکب می شوند، هرگز اقدامات و تصمیمات خود را مجرمانه تلقی نمی کنند. آنها به زعم خودشان در جهت تامین منافع ملی و تامین مصالح جمعی و اجرای احکام الهی و توجیهاتی از این قبیل اعمال خود را انجام می دهند. اما افکار عمومی جهان، اندیشمندان، جرم شناسان و جامعه شناسان می دانند که طبق قوانین و معیارهای جهانی حقوق بشر، اقدامات و رفتارهای آنها ، مجرمانه و مصداق نقض حقوق شهروندی و یا جنایت علیه بشریت است و پیامدهای تصمیمات آنها را از نقطه نظر تحلیل هزینه-فایده مورد بررسی و ارزیابی قرار می دهند.

(میلر،۲۰۰۶) برپایه مطالعات خود در کشورهای مختلف اروپای شرقی (اوکراین، چک، اسلواکی، بلغارستان) می گوید : هم شهروندان و هم مقامات به صراحت رشوه را به عنوان یک مصداق عینی فساد محکوم می کنند. با این وجود، بسیاری به دادن یا گرفتن آنها اعتراف می کنند و حتی بیشتر آنها اعتراف می کنند که در صورت لزوم آن را می دهند یا اگر فرصت پیش آمد، آن را می گیرند، نه به دلیل اینکه برای معیارهای اخلاقی خود ارزشی قایل

---

۱۰۷ - برخی از تئوریسین های خشونت گرایی و افراط گرایی مذهبی حتی از اینکه برچسب تروریست یا حامی تروریست در مورد آنها و همفکرانشان بکار برده شوند ابایی ندارند و با افتخار نام " ترور مقدس" بر توجیهات خود می گذارند، بطور مثال رجوع کنید به سخنرانی حسن عباسی در همایشی بنام جبهه مقاومت بین المللی، در دانشگاه تهران ۲۸/ مهرماه ۱۳۸۵.

نیستند، بلکه به این دلیل که ارزش های درونی آنها در مبارزه و مقابله با وسوسه ها و فشارهای خارجی کم می آورد و شکست می خورد. دریافت و پرداخت رشوه نشان دهنده ی پاسخ شهروندان به اخاذی و پاسخ مقامات به وسوسه و فشار بیرونی است. در واقع وسوسه ها و فشارهای خارجی تأثیر بیشتری نسبت به ارزشهای درونی و اخلاقی دارند. در نتیجه باید دید شهروندان و مقامات اداری کدامشان واقعا فاسد هستند و کدامشان فسادپذیر هستند، و به عبارتی باید دید وسوسه و فشار از سوی کدام طرف بیشتر بوده است، این از نقطه نظر حقوقی برای نهاد قضایی رسیدگی کننده به جرایم اهمیت دارد.[۱۰۸]

از منظر اقتصاد سیاسی، بین حقوق و اقتصاد رابطه معناداری وجود دارد. تجزیه و تحلیل رابطه ی مباحث حقوقی و مباحث اقتصادی می تواند به سیاست گذاران کمک کند تا شناخت خود را به مسائل این حوزه توسعه و بهبود بخشند و کاستی های نهادی خود را نیز برطرف کنند (شفر و کوتر، ۲۰۱۲). جرایم از یک سو و قوانین بد از سوی دیگر تأثیر مخربی بر روند پیشرفت اقتصادی دارند، اما عوامل مختلفی پشت ارتکاب جرم وجود دارد. برخی اقتصادی و برخی دیگر اصولاً غیراقتصادی هستند. جای تعجب نیست که هایک از پیشگامان حقوق و اقتصاد معتقد است که فعالیت‌های خشونت آمیز و جرایم، امنیت فردی و اجتماعی را تهدید می کند، سرمایه اجتماعی را کاهش می دهد و به ویژه اعتماد در جامعه را به خطر می اندازد. این نتایج در نهایت انسجام جامعه را سست می کند (اندرسون، ۲۰۰۱؛ هسیانگ و همکاران، ۲۰۱۳). برخی مطالعات از تاثیر اقلیم و جغرافیا بر میزان خشونت، جرم و جنایات صحبت کرده اند. بطوری که گفته شده میزان خشونت، جرم و جنایات در مناطق نزدیک به خط استوا بیشتر است. (Walker et al.,۱۹۹۰). علاوه بر این، نوسانات در عناصر محیطی، از جمله وضعیت آب و هوا، می تواند تأثیر قابل توجهی بر جرم و جنایت در یک سال خاص داشته باشد(برک، ۲۰۱۵). به این ترتیب ارتکاب جرم به عنوان یک پدیده نامطلوب، معلول برخی علل اقتصادی، اجتماعی و محیطی و اقلیمی است و تشخیص ریشه ها و علل وقوع جرم به سیاستگذاران کمک می کند تا از ارتکاب جرم در آینده پیشگیری کنند.[۱۰۹]

موضوع دیگر در بررسی علل وقوع جرم و جنایت، چرخه های فقر و رفاه است. در چرخه : رفاه⇐ امنیت ⇐ رفاه ، ارتکاب جرم نادر و یا رو به تنزل است. اما در چرخه : فقر⇐ جرم⇐ نا امنی ⇐ فقر، جامعه بطور مداوم درگیر روند فزاینده ارتکاب جرم است.یکی از مؤلفه های حیاتی برای توسعه اقتصادی و تأمین رفاه اجتماعی، امنیت است. امنیت علاوه بر اینکه خود معیاری برای ارزیابی رفاه درجامعه است، یک رکن حیاتی برای سرمایه گذاری و رشد اقتصادی و افتادن در مسیر رفاه اقتصادی است، اما وقوع جرم هم مخل امنیت و هم محصول نا امنی است

۱۰۸ - Miller, William L(۲۰۰٦), “Corruption and Corruptibility,” World Development ۳٤(۲): ۳۷۱–۸۰
۱۰۹ -Yadollah Dadgar & etAl (۲۰۲۲), Analyzing the Impact of Economic and Climate Factors on Crime in Iran, Iranian Economic Review ۲۰۲۲, ۲٦(٤): ۸۰۹-۸۱۸.

که موجب کاهش سرمایگذاری و مانع رشد اقتصادی و افتادن در دام فقر فزاینده می شود.(کاپاسو، ۲۰۰۴)، وقوع جرم ، علاوه بر هزینه های آشکار، هزینه های پنهانی را در پی دارد. برای پیشگیری از جرم بخش خصوصی متحمل هزینه های تأمین تجهیزات امنیتی مانند خرید و نصب دوربین های نظارتی برای واحدهای صنفی یا منازل مسکونی خود و غیرو می شود و دولت ناچار می شود برای تأمین امنیت ، نیروی پلیس را تقویت کند، ضمن اینکه پس از وقوع جرم برای دستگیری و محکومیت و مجازات مجرمان دولت متحمل هزینه هایی از قبیل تامین مکان نگهداری مجرمان و اداره زندان ها می شود. بعلاوه خانواده های قربانیان و مجرمان نیز متحمل هزینه ها و عواقب احتمالی ارتکاب جرم می شوند.(حسینی نژاد،۱۳۸۴)

روش های جرم سنجی

آنچه تحت عنوان جرم شناسی کمی یا کاربرد مدلهای اقتصادسنجی در تحلیل اقتصادی جرایم و جرایم اقتصادی شناخته می شود، ریشه در تلاش های اقتصاددانان برای بررسی و تحلیل عوامل وقوع جرم و ارزیابی آثار و پیامدهای جرم از نظر اقتصادی دارد. این پرسش که شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی چگونه بر میزان جرم و جنایت تأثیر می گذارد، اگرچه به نظر می رسد پرسشی ساده است ، اما سال ها تحقیق نتوانسته است همچنان پاسخ قاطعی برای آن ارائه دهد. درک محدود از رابطه بین ساختارهای اقتصادی و سیاسی در سطح کلان با جرم مشخصه جرم شناسی فعلی است. عمده توجه پژوهش گران اقتصادی معطوف به این بوده که بتوانند، پرسش مذکور را با ابزارهای متداول در سنجش متغیرهای اقتصادی مانند روش های اقتصاد سنجی، پاسخ دهند. با این حال جرم شناسی کمی[۱۱۰]، همچون سایر تحقیقات کمی علوم اجتماعی در استفاده از پیشرفت های اخیر در تحلیل سری های زمانی اقتصاد سنجی کند بوده است. شواهد اخیر نشان می دهد که بسیاری از تحقیقات موجود که میزان جرم و جنایت را در طول زمان بررسی می کنند، از خطاهای روش شناختی جدی رنج می برند.(گرینبرگ ۲۰۰۱)[۱۱۱] برای جلوگیری از چنین خطاهایی، پژوهش های جدیدتر از تکنیک‌های سری زمانی اقتصادسنجی و داده های تابلویی (پانل دیتا) استفاده می‌کنند. این تکنیک ها شامل تحلیل ریشه واحد، آزمون های هم انباشتگی و تحلیل چند متغیره تصحیح خطا می باشند.

---

۱۱۰ - Alex R. Piquero ² David Weisburd Editor(۲۰۲۰) Handbook of Quantitative Criminology , Springer New York Dordrecht Heidelberg London.

۱۱۱ - Greenberg, David F,(۲۰۰۱),“Time Series Analyses and Crime Rates.” Journal of Quantitative Criminology ۱۷: ۲۹۱-۳۲۷.

مدلهای اقتصاد سنجی جرم :

منظور از اقتصادسنجی جرم یا جرم سنجی (Criminometrics) عبارتست از بررسی تاثیر و تاثر و روابط متغیرهای دارای ماهیت اقتصادی با انواع جرم و جنایت مبتنی بر کاربرد روش های اقتصاد سنجی.عمده مدل های آماری بکار رفته در اقتصاد سنجی جرم در جدول زیر فهرست شده است.

عنوان	شرح
(GMM)	Generalized Method of Moments
(VECM)	Vector error correction model
(UECM)	Unrestricted error correction model
(SAR)	Spatial Regression Approach
(ARDL)	Autoregressive Distributed Lag
(ARMA) &(ARIMA)	Autoregressive moving average process
(R score)	responsiveness scores regression approach
(SIM)	Spatial Interaction Models(gravity)
(SEM)	Structural equation models
(GGMA)	general growth mixture models

عمده متغیرهای مورد بررسی در مطالعات جرم سنجی از منظر اقتصادی :

نرخ ها :

نرخ اشتغال	Employment rate
نرخ وقوع جرایم مرتبط با اموال و دارایی و مالی	Rate of property crimes
نرخ تورم	Inflation rate
نرخ بیکاری	Unemployment rate
درجه باز بودن اقتصاد	Opening economy
نرخ قربانیان جرایم	victimization rate

هزینه ها ، درآمدها و ارقام پولی :

هزینه های پلیس و یا هزینه های عمومی	Public expenditure
هزینه های امنیتی و سیستمهای هشدار دهنده	security costs
خسارات ناشی از وقوع جرایم و جنایات	Detriment effects of crime
هزینه های دولتی در حفاظت و مراقبت های پلیسی	government expenditure in police protection
متوسط دستمزدها	average wage or salary
سرانه تولید ناخالص داخلی حقیقی / درآمد سرانه	real GDP per capita
هزینه های تحمیلی بر قربانیان جرم	Victim costs

شاخص ها :

Consumer Price Index	شاخص قیمت مصرف کننده
Gini Index	ضریب جینی (شاخص نابرابری)
human development index	شاخص توسعه انسانی
poverty headcount index	شاخص سرانه فقر
Financial reporting trancsparency	شاخص شفافیت گزارش گری مالی
Crime Harm index	شاخص خسارت ناشی از جرم
Corruption Perception Index	شاخص ادراک فساد

سایر کمیت های مطلق :

Number of violent crimes	تعداد جرایم خشونت بار
Total population	کل جمعیت (شهر / استان/ منطقه/ کشور)
Number of property crimes	تعداد یا نرخ جرایم مرتبط با اموال و دارایی
Education level	سطح تحصیلات
Foreign born- Immigration	مجرمان با منشا خارجی و مهاجرین
law system quality	کیفیت نظام حقوقی / قضایی
crime per capita for province	سرانه جرم در هر استان / شهر / منطقه / کشور

جداول بالا برمبنای بررسی متدولوژی بکار رفته در ده ها مقاله مرتبط با موضوع استخراج شده است و هر یک از روش ها ، شاخص ها و نرخ ها و ارقام کمی مورد اشاره خود نیازمند توضیحات تفصیلی و فنی است که مطالعه آنها به پژوهشگران علاقمند واگذار می شود و تنها به عنوان نمونه در زیر فرمول محاسبه نرخ سرانه جرم در هر استان / ایالت / در هر بازه ی زمانی مورد اشاره قرار می گیرد و مهمترین مدل های آماری جرم سنجی بطور اجمال معرفی می شوند.

نرخ سرانه جرایم در هر استان یا ایالت (S) در زمان(t) با استفاده از رابطه زیر محاسبه می شود :

$$crime_{st} = \frac{VC_{st} + PC_{st}}{Pop_{st}}$$

$$crime_{st} = vcrime_{st} + pcrime_{st} = \frac{VC_{st}}{Pop_{st}} + \frac{PC_{st}}{Pop_{st}}$$

که در آن ، جرایم خشونت آمیز و جنایی در استان / زمان (violent crimes) : VC_{st}

جرایم مالی در استان / زمان : (property crimes) : PC_{st}

جمعیت استان / زمان : (population) : Pop_{st}

مدل رگرسیون چند گانه :

استفاده از یک مدل رگرسیون چندگانه با عوامل مورد نظر به عنوان متغیرهای مستقل، رایج ترین راه برای پاسخ به سؤال تحقیق پیرامون موضوع و بررسی پیوندهای علیت احتمالی خواهد بود. با این حال، این رویکرد استاندارد شامل محدودیت آشکاری است که فرض می کند ضرایب در واحدها و زمان یکسان هستند، بنابراین ناهمگنی بالقوه در تأثیر عوامل را نادیده می گیرد، که تأثیرات آنها احتمالاً بر اساس چارچوب جغرافیایی و تاریخی متفاوت است.[۱۱۲]

تحلیل رگرسیون فضایی

برای محققانی که داده‌های مکانی را تجزیه و تحلیل می کنند ، مانند نرخ جرم محله ، شهرستان یا ایالت، یک تهدید جدی برای اعتبار نتایج ، نقض مفروضات رگرسیون OLS به دلیل خوشه‌بندی فضایی مقادیر برای متغیرها در این تحلیل است. در چنین شرایطی، برآوردگرهای رگرسیون OLS ممکن است اُریب، جانبدارانه و ناکارآمد باشد. در این موارد، استفاده از روش تجزیه و تحلیل داده‌های مکانی ، امکان ارزیابی رسمی خودهمبستگی فضایی و همچنین مدل‌های رگرسیون فضایی با حداکثر احتمال را فراهم می کند. توجه به اثرات فضایی(مکانی) ، و وابستگی فضایی بر مدل‌های رگرسیون غیرمکانی، روش‌های ارزیابی وابستگی فضایی، نحوه اجرای مدل‌های رگرسیون فضایی، موضوعاتی هستند که (پرات، ۲۰۱۲) مورد بحث قرار داده است.[۱۱۳] این موضوعات شامل : (۱) تشریح مسائل اساسی اثرات فضایی، (۲) توضیح تأثیر وابستگی فضایی به مدل‌های رگرسیون غیرمکانی، (۳) ارائه تکنیک‌های خلاصه برای تشخیص وابستگی فضایی، (۴) ارائه راهنمایی در تعیین روش مناسب برای محاسبه وابستگی فضایی در(۵ مدل رگرسیون) می شود.

تأثیرات فضایی ممکن است به دو شکل کلی باشد: وابستگی فضایی و ناهمگونی فضایی(Anselin,۱۹۸۸). وابستگی فضایی به متداول‌ترین شکل مفهوم‌سازی شده از اثرات فضایی اشاره دارد که در آن رویدادها در یک مکان بر رویدادهای مکان‌های دیگر یک سیستم جغرافیایی تأثیر می‌گذارند. اینها گاهی اوقات به عنوان اثرات سرایت یا انتشار در نظر گرفته می شوند (کوهن و تیتا ۱۹۹۹)، مانند اثرات بی ثباتی و جنگ در یک منطقه بر یک کشور مجاور یا همسایه. در شکل دیگر اثر فضایی، ناهمگونی فضایی، پایداری روابط از یک مکان در سیستم به

---

۱۱۲ -Giovanni Cerulli and etAl(۲۰۱۸), The Economic Determinants of Crime: an Approach through Responsiveness Scores , Department of Economics, Boston College.

۱۱۳ - Travis C. Pratt(۲۰۱۲),Advancing Quantitative Methods in Criminology and Criminal Justice,Routledge.p۲۷

مکان دیگر متفاوت است. این امر به راحتی با تغییر ضرایب رگرسیون از یک منطقه جغرافیایی به منطقه دیگر در یک سیستم، با ناهمسانی خوشه‌ای فضایی مشاهده می‌شود. با این حال، باید توجه داشت که این دو شکل از اثرات فضایی، موقعیت‌هایی نیستند که متقابلاً انحرافی داشته باشند. این امکان وجود دارد که هم وابستگی مکانی و هم ناهمگونی فضایی در یک مجموعه داده وجود داشته باشد. هر دو شکل اثرات فضایی ممکن است مفروضات رگرسیون OLS را نقض کنند (Anselin,۱۹۸۸). در مورد ناهمگونی فضایی، بعید است که جزء خطا همسان یا نا همبسته باشند.[۱۱۴]

قبل از تلاش برای اندازه گیری یا تشخیص مسائل وابستگی فضایی، محققان ابتدا باید ساختار جغرافیایی مربوط به داده ها را تعیین کنند: چه واحدهایی "همسایه" در نظر گرفته می شوند؟ در حالی که تکنیک های تجربی زیادی برای انتخاب ساختار همسایه مربوطه وجود دارد، این فرآیند باید تا حد زیادی با ملاحظات نظری مشخص شود. برای مثال، مطالعاتی که نرخ جرم و جنایت را در سراسر محله‌های یک شهر بررسی می کنند، ممکن است همسایگان مربوط به جامعه i را تنها جوامعی در نظر بگیرند که دارای مرزهای مشترک هستند. از سوی دیگر، می توان در نظر گرفت که محله ها به یک سیستم بزرگتر از شبکه های ارتباطی در سراسر شهر متصل هستند. از طریق چنین چشم‌اندازی، می‌توان ساختار همسایه‌ای را تصور کرد که در آن همه جوامع شهر با همسایگی i مرتبط هستند، اما تأثیر معکوس با فاصله جغرافیایی از i دارند. انتخاب ساختارهای همسایه مناسب بستگی به اتصال جغرافیایی مورد انتظار در تئوری حوادث جنایی در آن شهر دارد.[۱۱۵] درغالب مطالعاتی که توسط نهادهای بین المللی صورت می گیرد، مناطق مختلف جهان از یک الگوی خوشه بندی براساس مولفه های سیاسی، امنیتی، جمعیتی، جغرافیایی متمایز تعیین و تشخیص داده می شوند. بطور مثال منطقه ی(MENA) به ویژگیهای خاص جغرافیای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه اشاره دارد. هرچند که در درون این خوشه ها نیز گاهی ، مرزبندی های مجدد فضایی ضرورت دارد. در خوشه بندی فضایی، هنگامی که یک ساختار همسایه مرتبط تعریف شد، محققان ممکن است بخواهند با ارزیابی رسمی تری میزان ارتباط فضایی موجود در داده‌ها را بررسی نمایند. به عنوان یک نقطه مقایسه، بسیاری با مفهوم خودهمبستگی زمانی موجود در سری های زمانی و ساختار داده های تابلویی آشنا هستند. در مورد مشاهدات در طول زمان ، این مشاهدات با مشاهدات در مقاطع زمانی دورتر همبستگی کمتر و با مقادیر زمانی نزدیک‌تر همبستگی بیشتری دارند. اغلب در مورد وابستگی فضایی (مکانی) فرض صفر این است که مقادیر متغیر X به طور تصادفی در فضای جغرافیایی توزیع شده اند. رد این فرضیه دلالت بر وجود نوعی وابستگی فضایی دارد.

---

۱۱٤ - Travis C. Pratt(۲۰۱۲),Ibid.
۱۱٥ - Travis C. Pratt(۲۰۱۲),Ibid ,pp۲۸-۳۰

در مورد ساختارهای مشابه، یا تشابه ساختاری[۱۱۶] هنگامی که یک پدیده مورد مطالعه همبستگی غیر صفر را در فضا نشان می دهد، منابع الگوبرداری فضایی مرتبط مورد ملاحظه قرار می گیرد. به طور کلی، منابع یکی از چهار شکل را دارند. شکل اول، ویژگی‌های واحدهای منطقه‌ای که پدیده را ایجاد می‌کنند ممکن است در فضا با هم جمع شوند و در نتیجه باعث خوشه‌بندی نتیجه نیز شوند. این شکل از فرآیند فضایی را می توان به عنوان یکی از تشابهات ساختاری نام برد (بالر و همکاران ۲۰۰۱). برای تعیین اینکه آیا شباهت ساختاری باعث ایجاد همبستگی فضایی نتیجه می شود، می توان از یک مدل رگرسیون OLS استفاده کرد و پسماندها را برای خود همبستگی فضایی با استفاده از شاخص مورا (Moran'sI) بررسی نمود (Anselin and Bera,۱۹۹۸). اگر شباهت ساختاری از طریق خودهمبستگی فضایی پایدار باقیمانده‌های OLS رد شود، یک مدل فضایی باید در نظر گرفته شود. با این حال، محقق باید شکل مدل فضایی مورد استفاده را تعیین کند.

در شکل دوم، خود نتیجه ممکن است تا حدی توسط نوعی فرآیند سرایت یا انتشار ایجاد شود، و بر ارزش نتیجه در واحدهای مجاور تأثیر می گذارد و گاهی اوقات به عنوان یک اثر فضایی از آن یاد می شود.(بالر و همکاران ۲۰۰۱؛ کوهن و تیتا ۱۹۹۹؛ دوریان ۱۹۸۰). فرم سوم ممکن است به دلیل یک متغیر حذف شده از مدل باشد، و وابستگی مکانی را می توان به عنوان بخشی از جمله خطا مدل کرد که ممکن است به عنوان یک اختلال فضایی نامیده شود.(بالر و همکاران ۲۰۰۱؛ دوریان ۱۹۸۰). آنسلین (۱۹۸۸) مدل اثر فضایی را به عنوان مدل تاخیر فضایی، و مدل اختلال فضایی را به عنوان مدل خطای فضایی، که هر دو تحت عنوان کلی مدل‌های وابستگی فضایی تعریف می شوند ، معرفی می‌کند. شکل نهایی اثر فضایی که باید در نظر گرفته شود، ناهمگونی فضایی به شکل ناپایداری پارامتر رگرسیون در فضا است (Anselin,۱۹۸۸). هنگامی که ناهمگونی فضایی وجود دارد، شکل ساختاری رگرسیون ممکن است از یک منطقه به منطقه دیگر در سیستم متفاوت باشد، یا ضرایب رگرسیون ممکن است متفاوت باشد. علاوه بر این، ناهمگونی فضایی و وابستگی فضایی ممکن است هر دو در داده ها وجود داشته باشند.[۱۱۷]

تحلیل رگرسیون سانسور شده

رگرسیون سانسور شده در پاسخ به واقعیت های توزیعی جرم[۱۱۸] یکی از روش های تحلیل آماری جرم است. مدل‌سازی رگرسیون رویکرد تحلیلی است که در غالب مطالعات جرم سنجی استفاده می‌شود. با این حال، در شکل استاندارد خود، این رویکرد تحلیلی خواسته هایی را از داده هایی ایجاد می کند که اغلب با واقعیت های اندازه گیری رفتار مجرمانه و پاسخ های قضایی به آن سازگار نیستند. متغیرهای وابسته سانسور شده (حذف شده) که

---

۱۱٦ - Structural Similarity
۱۱۷ - Travis C. Pratt(۲۰۱۲),Ibid,pp ۲۸-۳۰.
۱۱۸ - Censored Regression in Response to the Distributional Realities of Crime and Justice Measures.

حاوی یک "کف" یا "سقف" قوی در مقادیر مشاهده شده خود هستند این مورد را نشان می دهند. شیوع چنین متغیرهایی در تحقیقات جرم و عدالت قضایی باید در نظر گرفته شود، پیامدهای مشکل را برجسته کند و برخی از جایگزین های بالقوه را مورد بحث قرار دهد.[۱۱۹] پژوهشگران ابتدا برخی از محدودیت های بالقوه استفاده از روش های OLS با این داده ها را شناسایی کردند. ارزیابی آنها از تطابق معیارهای خودگزارش شده با مفروضات رگرسیون OLS نشان داد که تبدیل داده ها برای کاهش چولگی، مطابقت بهتری بین مدل و داده ایجاد می کند. با این حال، برخی از اختلافات باقی می ماند. در نتیجه، روش‌های مبتنی بر نظریه پرسش -پاسخ (IRT)[۱۲۰] برای تغییر نمرات بزهکاری خود اظهار شده استفاده می شود. این روش توزیعی را تولید می کند که شباهت بیشتری به منحنی نرمال دارد و انحراف را کاهش می دهد. با این حال، این رویکرد اختلاف بین مقادیر برازش شده و مشاهده شده در OLS را بطورکامل حذف نمی کند. به طور معمول، IRT نمرات پاسخ‌دهندگانی را که گزارش کرده‌اند هیچ یک از تخلفات را مرتکب نشده‌اند، تعریف‌نشده توصیف می کند و سؤالاتی را در باره مواردی که در محدوده های پایین توزیع قرار می‌گیرند، باقی می‌گذارد.[۱۲۱]

تحلیل داده های پانل(تابلویی)

رگرسیون حداقل مربعات معمولی برای مقابله با مشاهدات مکرر در واحدهای تحلیل مشابه مجهز نیست. مشکلات زمانی به وجود می آیند که محققان داده های خود را هم در زمان و هم در مکان جمع می کنند. یک راه حل برای چنین مشکلاتی تخمین مدل های داده های تابلویی است. "داده‌های پانل" به سادگی به مشاهدات مربوط به واحدهای مشابه (به عنوان مثال، افراد، سازمان‌ها، شهرها، ایالت‌ها) اشاره دارد که در مقاطع مختلفی از زمان جمع‌آوری شده‌اند. بیشتر داده‌های پانل با یک روند تجمعی و سالانه جمع‌آوری می‌شوند (به عنوان مثال، ر.ک به : ایوانز و اوونز ۲۰۰۷؛ مارول و مودی ۱۹۹۶؛ ژائو، شیدر و تورمن ۲۰۰۲)، که احتمالاً به دلیل در دسترس بودن است، اما هیچ الزامی وجود ندارد که داده‌ها در یک روند سالانه مشاهده شوند. در جرم‌شناسی و عدالت کیفری، "سری‌های زمانی چندگانه"[۱۲۲] (MTS) به مشاهدات متعدد در واحدهای یکتا اشاره دارد. برخی استدلال کرده اند که داده های TSCS[۱۲۳] شامل مشاهدات زیادی بر روی واحدهای نسبتا کمی است (بک و کاتز، ۱۹۹۵). با این حال، محققان از زبان TSCS و MTS -هنگام تجزیه و تحلیل داده‌هایی استفاده کرده‌اند که به راحتی می‌توان آن‌ها را به عنوان انواع پانل توصیف کرد.

---

۱۱۹ - Travis C. Pratt(۲۰۱۲),Ibid,p ۱۲٤
۱۲۰ - Item Response Theory (IRT) methods
۱۲۱ - Ibid.
۱۲۲ - multiple time series
۱۲۳ - time series-cross section

هنگامی که داده ها در طول زمان و مکان تجمیع می شوند، سه مشکل ایجاد می شود. در مجموعه داده‌های مقطعی معمولی، تخمین آماری نگرانی از بابت بروز خودهمبستگی (یا همبستگی سریالی) ایجاد نمی‌کند. در واقع، اگر داده های مربوط به یک مقطع از زمان جمع آوری شوند، خودهمبستگی سریالی غیرممکن است. با این حال، در زمینه داده‌های تابلویی، چون بعد زمانی گنجانده شده است، محققان مجبورند به بررسی این احتمال که داده‌های دوره زمانی A با داده‌های دوره زمانی B همبستگی دارند، بپردازند. همچنین هنگامی که داده ها در فضا و زمان جمع می شوند، مشکلات ناهمگونی، در صورت وجود، ترکیب می شوند. هنگامی که یک بعد زمانی به داده‌ها اضافه می‌شود، تأثیرات ناهمگونی با توجه به تعداد دوره‌های زمانی در داده‌ها افزایش می‌یابد (Stimson,۱۹۸۵:p۹۱۹). هر چه بازه های زمانی طولانی تر باشد، ناهمگونی می تواند مشکلات بیشتری ایجاد کند. سومین مشکلی که در زمینه داده های تابلویی ایجاد می شود ناهمگنی است. این مشکل زمانی اتفاق می افتد که تمام واحدها در یک دوره زمانی یکسان تحت تأثیر یک "شوک" قرار می گیرند. بنابراین، در حالی که داده‌های پانل از نظر اندازه نمونه و از منظر "کنترل" سودمند هستند، به وضوح برخی از مسائل وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرند.[۱۲۴]

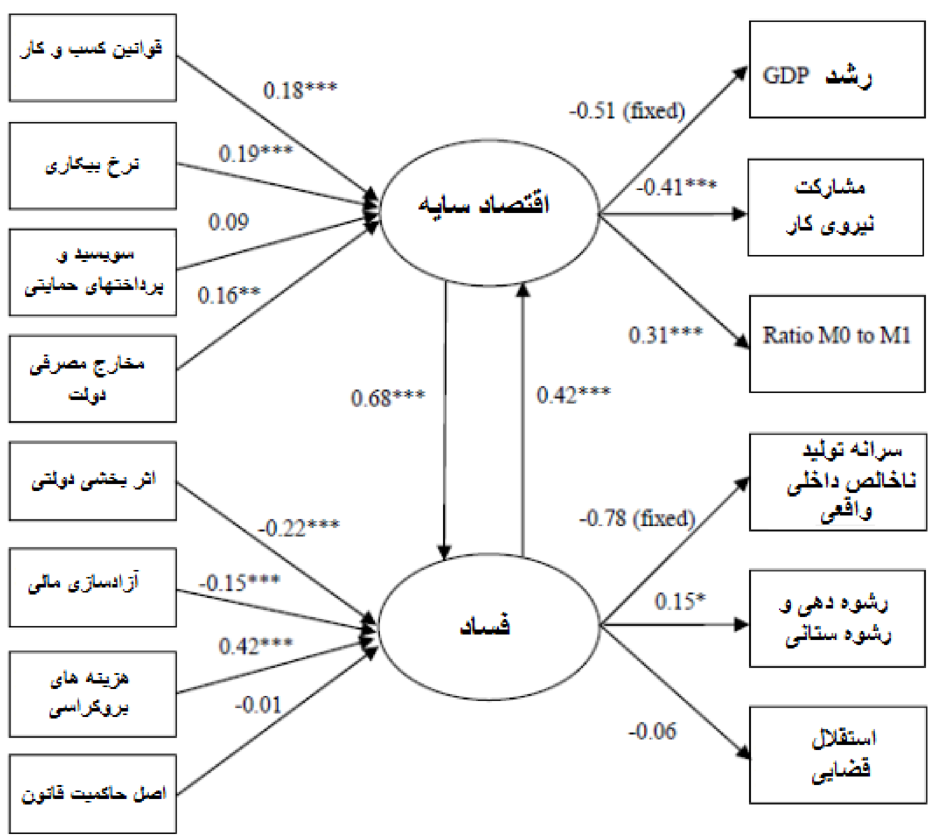
تحلیل مدل معادلات ساختاری :

مدل سازی معادلات ساختاری (SEM) یک تکنیک رایج در علوم اجتماعی است. SEM در عدالت کیفری و جرم‌شناسی، جذاب است زیرا مجموعه‌ای انعطاف‌پذیر از تکنیک‌ها را ارائه می‌دهد که می‌تواند به سؤالات و فرضیه‌های پژوهشی مختلف پاسخ دهد. برچسب "مدل سازی معادلات ساختاری" در واقع یک اصطلاح فراگیراست که طیف گسترده ای از روش های مدل سازی را توصیف می کند. SEM گزینه هایی را برای مدلهای مسیر، تجزیه و تحلیل عاملی تاییدی، تجزیه و تحلیل رشد پنهان، مقایسه های چند گروهی و مدل سازی چند سطحی ارائه می دهد. اگرچه SEM بر اساس بسیاری از مفروضات و رویه‌های زیربنایی رگرسیون استاندارد استوار است، SEM به کاربر اجازه می‌دهد کارهای زیادی را انجام دهد که بسته‌های نرم افزاری رگرسیون استاندارد، مانند SPSS و SAS انجام نمی‌دهند. [۱۲۵] شکل زیر نمونه ای از نتایج مربوط به رابطه فساد بر اندازه اقتصاد سایه (متغیرهای اثر گذار بر اقتصاد سایه) با کمک یک مدل معادلات ساختاری را نشان می دهد.

---

۱۲٤ - Travis C.Pratt(۲۰۱۲),Advancing Quantitative Methods in Criminology and Criminal Justice ,Routledge, p۱۰۷
۱۲۵ - Travis C.Pratt(۲۰۱۲),Ibid , p۵۱

شکل مدل معادلات ساختاری برای تبیین رابطه فساد و اقتصاد سایه



منبع : **Shadow Economies and Corruption** [126]

رویکرد تحلیل چند عاملی به نظریه های جرم شناسی : انتقاد اولیه به اکثر نظریه های سنتی در جرم شناسی، تمایل آنها به مرتبط ساختن هریک از جرایم به یک علت واحد بود، به عنوان مثال، نقص زیستی یا روانی مجرم. منتقدان این رویکردها فقط باید وجود این شرایط را به نسبت مساوی در میان غیر مجرمان نشان می دادند تا این فرضیات را رد کنند. این نقصان تک عاملی بودن در شناسایی مجرمان ، باعث شد کـه برخـی از نویسـندگان (۱۹۱۵; W. Healy, ۱۹۵۰Glueck & Glueck,) رویکرد چند عاملی را پیشنهاد کنند. رویکردی که در آن جرم ناشی از عوامل متعدد (زیستی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی) و با ترکیب‌های متفاوتی از متغیرها، بسته به نوع جرم مورد بررسی، محقق می‌شود. این رویکرد از این جهت جذاب است که عوامل متعددی در تبیین علّی هریک از

۱۲۶ - *; **; *** significance of the coefficients at the ۹۰٪, ۹۵٪, and ۹۹٪ confidence level.; Friedrich Schneider and Andreas Buehn(۲۰۰۷), Shadow Economies and Corruption All Over the World: Revised Estimates for ۱۲۰ Countries; http://www.economics-ejournal.org/economics/journalarticles/۲۰۰۷-۹,p۳۴

جرایم دخالت داده می شوند. با این حال، شناسایی عوامل مرتبط با یک فرآیند، یک نظریه علی را تشکیل نمی دهد. از این جهت رویکرد چند عاملی در شناسایی جرایم یک رویکرد نظری است.

طرفداران این رویکرد، نظریه‌های علی را که از یک متغیر استفاده می‌کنند، با نظریه‌هایی که یک نظریه واحد را پیشنهاد می‌کنند، اشتباه می‌گیرند. صرفاً فهرست کردن همبستگی عوامل مرتبط با جرم بیانگر یک نظریه نیست و یک نظریه واحد ممکن است از عوامل متعددی استفاده کند.

به دلیل ظهور برنامه های آماری پیچیده و به راحتی در دسترس که امکان محاسبه همبستگی های چندگانه را فراهم می کنند، محققان فراموش می کنند که همبستگی نشان دهنده رابطه ی علیتی نیست. اگرچه متغیرها نسبت معینی از واریانس جرم را به خود اختصاص می دهند، اما این بدان معنا نیست که آنها اساساً باعث آن مقدار جرم می شوند. این رویکرد در مغالطه "بدی باعث بدی می شود" قرار می گیرد : پیامد شریرانه مستلزم علل شریرانه است، که نمایانگر دیدگاه محافظه کارانه و اجماعی از جنایت به عنوان یک دخالت شریرانه در یک جامعه سالم است.[۱۲۷]

نظریه تعاملی تورنبری (۱۹۸۷) تلاش می کند ساختار اجتماعی، کنترل اجتماعی و نظریه های یادگیری اجتماعی را ترکیب کند. ساختار اجتماعی مانند نژاد، طبقه اجتماعی و اجتماع بر کنترل و یادگیری اجتماعی تأثیر می گذارد. سست شدن پیوندها با جامعه ، نوجوانان را مستعد بزهکاری می کند. اکنون عامل یادگیری رخ می دهد که در آن شناسایی و همراهی با همسالان بزهکار اتفاق می افتد. این روابط متقابل هستند و (یک طرفه) و تک خطی نیستند[۱۲۸].

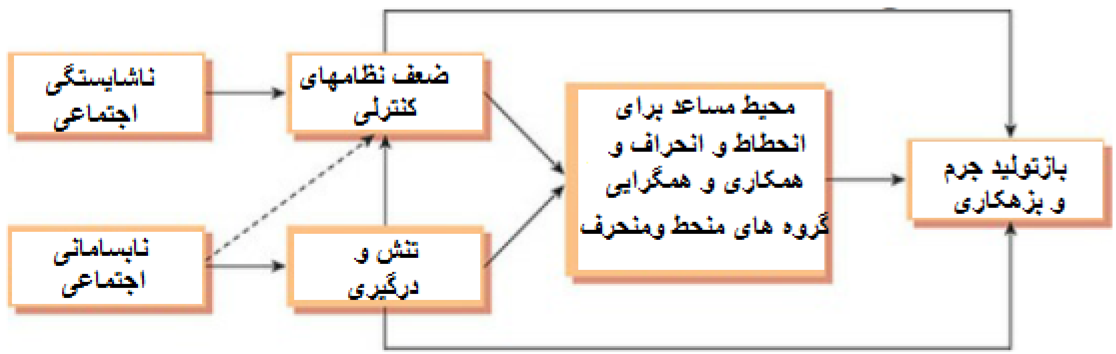
دیدگاه ترکیبی و ادغامی شامل اتصال، پیوند، ترکیب و/یا ترکیب روابط و قطعات مدل‌ها و نظریه‌های دیگر در فرمول‌بندی‌های کنترل جرم و جنایت است که جامع‌تر از تبیین‌های سنتی‌تر و تک‌بعدی‌تر است که بطور دائم برای حدود چهار دهه مبنای تحلیل های جرم شناسی بوده است.

در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، مدل‌های تلفیقی شروع به چالش کشیدن نظریه‌ها و مدل‌های تک بعدی جرم یا مجازات کردند. در آغاز قرن بیست و یکم، پارادایم یکپارچه (ترکیبی – تجمیعی) به پارادایم تازه و در حال ظهور جرم شناسی و کیفر شناسی تبدیل شد. باراک (۲۰۰۲) امیدوار است که جرم شناسی به یک دانش واقعاً بین رشته ای تبدیل شود که ادعا شده ، همیشه چنین بوده است.

---

۱۲۷ - Frank E. Hagan(۲۰۲۰),Ibid, SAGE Publications, Inc, p ٤٤٤

۱۲۸ - Frank E. Hagan, Ibid,p٤٤٧



شکل - مدل ترکیبی یادگیری اجتماعی- تنش- کنترل

به عنوان یک چارچوب سازماندهی شده ، برخی منابع جرم شناسی ، در گونه‌شناسی جرایم از سیستم‌های رفتار مجرمانه[۱۲۹] استفاده می کنند که در اصل توسط (مک‌کینی،۱۹۶۶) توسعه یافته و توسط (کلینارد و کوئینی ،۱۹۸۶) در کار کلاسیک آنها، سیستم‌های رفتار جنایی، توضیح داده شده است. کلینارد و کوئینی ۹ گونه رفتار مجرمانه را به ترتیب زیر شناسایی و معرفی می کنند :[۱۳۰]

۱. جنایت شخصی خشونت آمیز
۲. جنایت گاه به گاه مرتبط با موقعیت و فرصت
۳. جرایم شغلی
۴. جرایم شرکتی
۵. جرایم سیاسی و حکومتی
۶. جرایم مرتبط با نظم عمومی
۷. جرایم متعارف خیابانی
۸. جرایم سازمان یافته
۹. جرایم حرفه ای

دونالد آر. کرسی (۱۹۱۹ – ۱۹۸۷)، جامعه شناس / جرم‌شناس آمریکایی، به‌خاطر کارهای علمی بدوی در مورد جنایات سازمان‌یافته مشهور است. کتاب برجسته او "سرقت از ملت : ساختار و عملیات جرایم سازمان‌یافته در آمریکا" که در سال ۱۹۶۹ منتشر شد، همچنان پراستنادترین کتاب در مورد جرایم سازمان‌یافته است. کتاب دیگرش با عنوان "پول دیگران : مطالعه ای در روانشناسی اجتماعی اختلاس" نام دارد.[۱۳۱] در ادبیات فساد و جرایم اقتصادی ،

---

۱۲۹ - Criminal Behavior Systems
۱۳۰- Frank E. Hagan,Ibid,p ٤٤٧
۱۳۱ -Donald R. Cressey (١٩٦٩), Theft of the Nation: The Structure and Operations of Organized Crime in America ; Ibid: Other People’ s Money: A Study in the Social Psychology of Embezzlement”

"اختلاس" را تحت عنوان تصرف غیرقانونی، انحراف اموال، غارت دارایی های دولتی و سرقت یا دزدی نیز می شناسند. اختلاس نوعی تصرف در اموال ، توسط یک مقام دولتی به نفع خود یا به نفع شخص یا نهاد دیگر است. اختلاس می تواند شامل هرگونه برداشت از اموال، وجوه عمومی یا خصوصی یا اوراق بهادار یا هر چیز با ارزش دیگری بشود،که به واسطه مقام و موقعیت دولتی به فردی سپرده شده است.[۱۳۲]

پروفسور نایلور متخصص اقتصاد سیاسی، جرم‌شناس و تاریخ شناس در کتاب خود "مزد جنایت : بازارهای سیاه، تأمین مالی غیرقانونی و اقتصاد زیرزمینی" درباره جرایم مالی می‌نویسد :" اگر چه سیل پول‌های عیش و نوش در سرتاسر جهان شناور است، اما بیشتر آن ناشی از فرار مالیاتی و مبادلات مالی مشکوکی است که مبدا شان ، به‌ویژه از کشورهای در حال توسعه است و کشورهای غربی و بانک‌های آنها برای این نوع غارتگران ، فرش قرمز پهن می کنند ، حتی گاه از دست دادن پول ناشی از تخلفات مالی، آسیب بسیار بیشتری به بافت اجتماعی-اقتصادی کشورهای در حال توسعه وارد می کند تا پول‌شویی از محل پول‌های مواد مخدر به کشورهای صنعتی بزرگ. تهدید واقعی برای اخلاق اقتصادی ناشی از آن دسته از مشاغل به ظاهر قانونی است که قصد دارند ببینند تا چه حد می توانند قانون شکنی کنند، قبل از اینکه مجبور شوند برای بازنویسی آن قوانین به سیاستمداران پول بدهند.[۱۳۳]

(آکرمن و سارید،۲۰۱۱) معتقدند کشورهایی که به شدت فاسد هستند، دادگاه‌های ضعیف، سطوح بالای جرایم سازمان‌یافته، اطلاعات مالی ضعیف و عدم شفافیت و ظرفیت‌های حسابرسی ضعیف، و همچنین همکاری بین‌المللی ضعیف در اجرای نُرم های جهانی و اجرای قوانین دارند...همه این متغیرها ممکن است برهم کنش داشته باشند ، به طوری که تفکیک اثرات جداگانه آنها دشوار است. علاوه بر این، فلش علّی احتمالاً به هر دو صورت اجرا می شود. بنابراین، برای مثال، یک سیستم قضایی ضعیف فساد را تشویق می کند، اما سطح بالایی از فساد می‌تواند قوه قضائیه را تضعیف کند، بطوری که فاسد عمل کند.[۱۳۴]

اخیرا برخی پژوهش ها در حوزه جرم شناسی مدل های زیست شناسی تکاملی (به ویژه بوم شناسی رفتاری) را بجای مدل های اقتصادسنجی در تحلیل جرایم مفید دانسته اند. (کاترین هرشفیلد، ۲۰۱۵)[۱۳۵] مدلهای زیست شناسی تکاملی را بر مدل های رایج اقتصادی برای درک تکامل جرایم سازمان یافته در نظامهای فاسد و دزدسالاری در سیستم های اقتصادی غیرقانونی ترجیح می دهد. این مدل‌های داروینی مبتنی بر ریاضیات نظریه بازی‌ها هستند و پیش‌بینی می کنند که گانگستریسم غارتگرانه و انحصاری به آسانی در انواع خاصی از سیستم‌های مبادله غیرمتمرکز

---

۱۳۲ - United Nations Convention against Corruption, ۳۱ October ۲۰۰۳, A/۵۸/۴۲۲ arts ۱۵–۴۲ (entered into force ۱۴ December ۲۰۰۵) [UNCAC].

۱۳۳ - Naylor, ۲۰۰۲,Ibid , p۱۰

۱۳۴ - Susan Rose-Ackerman & Tina Søreide(۲۰۱۱),International Handbook on the Economics of Corruption, Volume Two , Edward Elgar Publishing Limited ,p۲۷.

۱۳۵ - Katherine Hirschfeld,(۲۰۱۵), Gangster States : Organized Crime, Kleptocracy and Political Collapse, Palgrave Macmillan,p۵.

و تنظیم نشده تکامل خواهد یافت. این در تضاد با باورهای رایج در حوزه اقتصاد است که مقررات دولتی را دخالتی درجهت خود تنظیمی بازارها می داند. مدل داروینی ارائه شده درعوض نشان می دهد که تحت شرایط محیطی خاص،"بی تابعیتی" (از جمله عقب نشینی یک دستگاه نظارتی دولتی در یک دولت دموکراتیک) ممکن است ظهور سریع جنایات سازمان یافته را تسهیل کند.[۱۳۶] از نظر او دیدگاه طبیعت گرایانه زیست شناسی تکاملی برای به چالش کشیدن گرایش اصولگرایان بازار آزاد مفید است و به درک جهان بر حسب آنچه معتقدند باید اتفاق بیفتد و در بازارهای غیرخود تنظیم به جای آنچه در واقع اتفاق می افتد، کاربرد دارد. از آنجا که با پایان جنگ سرد، اقتصاددانانی که با آژانس های بین المللی مانند صندوق بین‌المللی پول کار می کنند، همچنان بر دیدگاه ضد دولتی اقتصاد و آزادسازی اقتصادی تاکید دارند، تعقیب توصیه های آنهایی که فرضیه پیوند بین رفاه ملی وکاهش نقش دولت در اقتصاد را تجویز می کنند، به سیاست هایی منجر شده است که بر خصوصی سازی منابع عمومی تاکید دارد ، به گونه ای که توانایی هر دولتی برای تنظیم موفقیت آمیز فعالیت های اقتصادی شرکت ها یا سایر بخش های خصوصی را به شدت کاهش می دهد(استیگلیتز، ۲۰۰۲؛ کاتنر، ۱۹۹۷). این تلاش ها مبتنی بر این باور ضمنی هستند که بازارها ذاتاً فضیلت دارند و هنگامی که از مزاحمت و مداخله دولت کاسته شود، خیر عمومی و رفاه بیشتری تولید خواهد کرد. (بارکر، ۲۰۱۳؛ استیگلیتز، ۲۰۰۲) همانطور که بسیاری از منتقدان اشاره کرده اند، مقدس بودن این مفروضات علیرغم بسیاری از شکست های قابل مشاهده در سال های اخیر ، آنها را تا حد زیادی از جعل مصون نگهداشته است. در واقع بحران های اقتصادی، فسادهای دولتی و بی ثباتی ها چه در اقتصادهایی که توصیه های نهادهای بین المللی همانند بانک جهانی را تبعیت کرده اند و چه آنهایی که کاملا اقتصاد دولتی را حفظ کرده اند، پژوهشگران حوزه جرم شناسی بازار و جرایم اقتصادی را به نقد هر دو رویکرد سوق داده است.

بطور مشخص در مورد پروژه خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی (SOEs)[۱۳۷] که در چند دهه گذشته در مرکز سیاست‌ها و بحث‌های دانشگاهی بوده است، نتایج بررسی های جهانی نشان می دهد، بین سال های ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۹، درآمدهای انباشته در سراسر جهان از ۲ تریلیون دلار فراتر رفت.این درآمدها به طور پیوسته در طول دهه ۱۹۹۰ رشد کرد و پس از کاهش سرعت در آغاز دهه ۲۰۰۰، کل معاملات خصوصی سازی به میانگین ۱۰۰ میلیارد دلار در سال های اخیر بازگشت. اما از هر دو عامل دولتی و خصوصی، "خصوصی سازی صنایع غیر رقابتی" (یعنی بخش‌های رانت‌زا) یکی از حوزه‌های اصلی در معرض خطر فساد بوده است. این امر به ویژه در کشورهایی که قوانین، اجرای قانونی، و توانایی مالیات دهندگان و انگیزه‌های نظارت بر معاملات عمومی ضعیف بوده است، صادق است.به تعبیر دیگر با پیشرفت بازاری که به طور فزاینده جهانی شده است، فرصت ها برای انواع فساد، در

---

۱۳۶ - Ibid

۱۳۷ - Privatization of state- owned enterprises (SOEs).

حال رشد بوده است. اندازه شرکت ها و ثروت آنها، نسبت به کشورها، منابع بیشتری را برای اعمال فاسد فراهم می کند. آزادسازی بین المللی بازارهای مالی، انتقال و مخفی کردن درآمدهای ناشی از فساد را آسان تر می کند. حرکت به سمت خصوصی‌سازی در شرق و غرب مشوق‌هایی است که فقط برای یک بار انجام می‌شود ولی برای ارتکاب فساد در مقیاس بی سابقه فرصت های زیادی فراهم کرده، زیرا مقامات رسمی نه تنها با درآمدهای دولت سروکار دارند ، بلکه با دارایی های دولت نیز سرو کار دارند.[۱۳۸]

(استراوب ، ۲۰۰۸) شواهدی از گزارش‌های مطبوعاتی از فساد گسترده در صنایع غیررقابتی، از جمله موارد رشوه دهی- رشوه ستانی شامل گروه الکترونیکی فرانسوی تالس در آرژانتین و اتهامات مرتبط با شرکت های اسپانیایی و سوئدی مخابرات و ارتباطات از راه دور - در سال ۱۹۹۰ گزارش می کند-Rose (Ackerman,۱۹۹۹). و (Pavlovna Glinkina ,۲۰۰۵) همچنین به شواهدی اشاره می کنند که فرآیند خصوصی سازی در کشورهای در حال گذار در دهه ۱۹۹۰ باعث ایجاد سوء ظن جدی در مورد فساد شد، زیرا اکثر انحصارات عمومی سابق به گروه های قدرتمند سیاسی منتقل شدند. شواهد مرتبط که توسط سازمان شفافیت بین‌الملل (TI) برای ایجاد شاخص پرداخت‌کنندگان رشوه (BPI) گردآوری شده است ، نشان می‌دهد علی‌رغم اینکه کنوانسیون ضد رشوه خواری OECD در فوریه ۱۹۹۹ تصویب شد، فساد در تجارت بین‌المللی همچنان یک فرایند رایج است.[۱۳۹] نتایج نظر سنجی که از پاسخ‌دهندگان در مورد بسیاری از برنامه‌های خصوصی‌سازی صورت گرفته نشان می دهد این بخش به عنوان بخش‌های تجاری که رشوه در آن‌ها بیشتر اتفاق می‌افتد و همچنین بخش‌هایی که احتمال بیشتری برای تسخیر دولت وجود دارند، شناسایی شده است. (نتیجه‌ای بدون تغییر در BPI از سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۸، شفافیت بین‌الملل، ۲۰۰۸). البته رشوه تنها بخشی از هزینه کلی فساد در خصوصی سازی را نشان می دهد. علاوه بر هزینه‌های ثابت فساد و اختلاس، خروج سیستماتیک از رقابت در بازارها و استفاده از دارایی‌ها احتمالاً انگیزه‌های فعالان اقتصادی را مخدوش کرده و تأثیرات منفی برکارآیی تخصیصی به همراه خواهد داشت.[۱۴۰] در همین رابطه موارد گوناگونی از تجربه فساد آمیز خصوصی سازی شرکتهای دولتی در ایران وجود دارد که در ادامه به مواردی از آنها اشاره خواهد شد.

---

۱۳۸ - Charles Sampford, Arthur Shacklock, Carmel Connors and Fredrik Galtung(۲۰۰٦), Measuring Corruption , ASHGATE, Athenaeum Press,p۱۸.

۱۳۹ -Susan Rose-Ackerman & Tina Søreide(۲۰۱۱),International Handbook on the Economics of Corruption, Volume Two , Edward Elgar Publishing Limited p۲۰۷.

۱٤۰ - Susan Rose-Ackerman & Tina Søreide(۲۰۱۱),Ibid.

تحلیل براساس روش فراتحلیل :

فراتحلیل یا "متاآنالیز" یک روش علمی برای سازماندهی نظام مند دانش در هر زمینه است. استفاده از فراتحلیل در ادبیات جرم شناسی و عدالت کیفری بسیار رایج است. وضعیت تجربی تحقیق در مورد هر موضوع خاص در عدالت کیفری یا جرم شناسی معمولاً از طریق مرور روایی سنتی ادبیات تحقیق ایجاد می شود. در این روش، مطالعات به صورت گفتمانی توصیف می‌شوند و از نظر داوری اهمیت نسبی برای هریک از مطالعات قائل می‌شوند. در ابتدایی‌ترین سطح، این رویکرد ممکن است شامل "شمارش آرا یا نظرات" باشد، که در آن تعداد مطالعاتی که رابطه آماری معنی‌داری بین متغیرهای مورد علاقه را نشان می‌دهند در مقایسه با مطالعاتی که چنین رابطه‌ای را پیدا نمی کنند، محاسبه می‌شود. (مثلاً، تعداد مطالعاتی که نشان می‌دهند یا نشان نمی‌دهند که مداخله پیشگیرانه در کاهش تکرار جرم مؤثر است).

در حالی که بسیاری از کارهای منتشر شده مرتبط با این تکنیک بر جنبه‌های فنی‌تر مانند روش‌های آماری که برای متاآنالیز توسعه داده شده‌اند، متمرکز است، بحث‌های گسترده‌تر و شاید انتقادی‌تر درباره موضوعات مختلف مرتبط با این روش کمتر رایج است. (تراویس پرات،۲۰۱۲) یک فصل از کتابش را به مروری بر فراتحلیل اختصاص داده و در زمینه آنچه که در سال‌های اخیر به سه موضوع مهم‌تر در ادبیات متاآنالیز تبدیل شده است، توجه کرده است: [۱۴۱] (۱) شرایطی که تحت آن متاآنالیزها بسیار مفید هستند و یا نیستند، (۲) معضل گنجاندن یا عدم گنجاندن آثار منتشر نشده در نمونه مطالعاتی که باید تجزیه و تحلیل شوند ، (۳) انتخاب تخمین اندازه اثر دو متغیره در مقابل چند متغیره که باید ترکیب شوند. با توجه به نقاط قوت و ضعفی که برای روش فراتحلیل ازسوی صاحب نظران برشمرده شده، باید گفت متاآنالیز قطعاً نباید به عنوان تنها روش تعیین وضعیت تجربی مجموعه ای از ادبیات تلقی شود، اما به عنوان ابزاری برای انجام تحقیقات، استفاده از آن افزونه ای خوشایند به جعبه ابزار جرم شناسان ارزیابی شده است.[۱۴۲]

تحلیل جرم براساس داده های شبکه های اجتماعی :

تحلیل شبکه‌های اجتماعی[۱۴۳] هم به این دیدگاه اشاره دارد که روابط اجتماعی بینش مهمی را برای رفتار انسان فراهم می کند و هم به مجموعه‌ای از ابزارهای تحلیلی که مطالعه این روابط اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازد. همانطور که ادبیات رو به رشد جرم شناسی نشان می دهد، هم مددکاران اجتماعی و هم نظریه پردازان مسائل اجتماعی علاقه مند به مطالعه ی جرم و جنایت می توانند آگاهی و دانش مهمی را از طریق تمرکز بر شبکه های اجتماعی به دست آورند.

---

۱٤۱ - Travis C. Pratt(۲۰۱۲),Advancing Quantitative Methods in Criminology and Criminal Justice,pp٦۹-۸٤

۱٤۲- Travis C. Pratt(۲۰۱۲),Ibid,p۸٤.

۱۴۳ –این مفهوم نباید با مفهوم مصطلح در مورد شبکه های مجازی که به رسانه ای اجتماعی (سوشیال مدیا) اطلاق می شود ، اشتباه گرفته شود

جهت گیری تحلیل شبکه اجتماعی به سمت درک رفتار انسان ها است و بر اهمیت روابط اجتماعی تمرکز دارد. همچنین مجموعه ای از ابزارهایی است که امکان بررسی روابط اجتماعی و پیامدهای آن را فراهم می کند. اساس تحلیل شبکه های اجتماعی این است که افراد به یکدیگر وابسته هستند و این وابستگی ها پیامدهایی برای رفتار آنها دارد. در مقابل، دانشمندان علوم اجتماعی به طور سنتی افراد را به عنوان واحدهای مستقل تصور می کنند و تمرکز خود را به نقش ویژگی ها و هنجارهای کنشگر به عنوان متغیرهای توضیحی رفتار محدود می کنند.

واحد تجزیه و تحلیل در مطالعات شبکه های اجتماعی، رابطه بین گره ها (به عنوان مثال، پیوندهای بین افراد، گروه ها یا اشیاء دیگر) است. این در تضاد با مطالعات سنتی رفتار است، که معمولاً ویژگی‌های افراد را تجزیه و تحلیل می‌کنند تا ویژگی‌های آنان را که دست به اعمال خاصی مانند جرم می‌زنند، تعیین کنند. برای روشن شدن تمایز بین داده‌های اسنادی و رابطه‌ای، به تضاد زیر توجه کنید: میزان هنجارهای انحرافی که یک فرد گزارش می‌کند ، ویژگی شخصی است، در حالی که شدت یا فراوانی ارتباط در مورد این هنجارها در بین دوستانش یک رابطه تبادلی است.[۱۴۴] از لحاظ نظری، دلایل متعددی وجود دارد که می‌توان از شبکه های اجتماعی و مفاهیم شبکه ای برای توضیح علت شناسی رفتار مجرمانه استفاده کرد. (وار ،۲۰۰۲، ص ۳) استدلال می کند که رفتار مجرمانه عمدتاً رفتار اجتماعی است. اکثر مجرمان در شبکه ای از دوستان قرار دارند که قانون را نیز زیر پا می گذارند و قوی ترین عامل پیش بینی کننده رفتار مجرمانه شناخته شده برای جرم شناسان تعداد دوستان بزهکار یک فرد است. مطابق با این دیدگاه، چندین اثر اساسی در جرم‌شناسی ماهیت گروهی بزهکاری را برجسته می‌کنند و نشان می‌دهند که بزهکاران معمولی یا مجرمان خیابانی اعمال خود را در حالی که در جمع همپالگی ها و دوستان خودشان هستند، مرتکب می‌شوند.(کلوارد و اوهلین ۱۹۶۰؛ کوهن ۱۹۵۵؛ شاو و مک‌کی [۱۹۴۲] ۱۹۶۹؛ Short و be۱۹۶۵). این مشاهدات در نظریه تداعی افتراقی ساترلند (۱۹۴۷) منعکس شده است، که بیان می کند :" رفتار مجرمانه از طریق تعامل اجتماعی در گروه های صمیمی آموخته می شود." بدی از طریق همنشینی با بدان آموخته می شود.

برجستگی و اهمیت شبکه‌های اجتماعی زمانی که محققان توجه خود را به تأثیرات همتایان معطوف می کنند از بین نمی‌رود. در واقع، شبکه‌های اجتماعی همچنین نقش مهمی در نظریه‌های کنترل اجتماعی (هیرشی ۱۹۶۹)، بی‌سازمانی اجتماعی، و کارآمدی جمعی (سامپسون و گرووز ۱۹۸۹؛ سامپسون، راودنبوش و ارلز ۱۹۹۷)، و همچنین دیدگاه‌های فرصت (آسگود، ویلسون، و اومالی) ایفا می‌کنند. تجزیه و تحلیل شبکه همچنین دارای کاربرد خارج از تحقیقات نظری است. چندین محقق پیشنهاد کرده اند که تجزیه و تحلیل شبکه می تواند ابزار قدرتمندی برای تحقیقات مجری قانون باشد که به دنبال درک مشکلات و پیامدهای جرم است (کودی ۱۹۸۵؛ دیویس ۱۹۸۱؛ هاولت ۱۹۸۰؛ مک گلوین ۲۰۰۵ ب).همچنین برای توسعه مداخلات و تاکتیک های سرکوب (براگا، کندی،

۱۴۴ - Travis C. Pratt(۲۰۱۲), Ibid ,pp۹۳-۹۸

وارینگک، و پیهل ۲۰۰۱؛ مک گلوین ۲۰۰۵b). بنابراین، به درستی می‌توان استدلال کرد که آشنایی با روش‌هایی که می‌توانند شبکه‌های اجتماعی را به‌طور مناسب ضبط و توصیف کنند، برای محققان جرم‌شناسی و نیز مدد کاران اجتماعی ضروری است.[۱۴۵]

محرک و انگیزه جرم و فساد از کجا ناشی می شود ؟

این یک سؤال اساسی است که در متون غنی در علوم سیاسی، اقتصاد، سیاست عمومی، تجارت، جامعه شناسی و سایر زمینه ها مطرح شده است. کار اولیه در مورد فساد عمدتاً بر عوامل اقتصادی و اجتماعی متمرکز بود تا تغییرات مشاهده شده را توضیح دهد. این ادبیات به طور مداوم فقر و تنگی معیشت، درآمد کم، ضعف حاکمیت قانون، و فقدان مطبوعات آزاد را به عنوان عوامل مهم فساد شناسایی کرده و به ما اهرمی برای حل و پاسخ به این معما داده است.اما به تدریج دامنه تحقیقات انجام شده بر شناخت ما نسبت به علل و ریشه های اقتصادی فساد افزوده است. امروزه در بیشتر اقتصادهای دچار بحران، از ۲۵٪ و بسته به شدت بحران گاه تا ۵۰ ٪ حجم و اندازه اقتصاد آلوده به فساد و به نوعی در سایه قرار دارد و ابعاد مختلف آن پنهان است.

مطالعات تجربی گسترده ای که به بررسی مظنونین اقتصادی فساد مانند یک دولت بزرگ، اقتصاد داخلی بسته و سطوح بالای مقررات می پردازد، ، نتوانسته نقش ثابت و قابل توجهی را برای این عوامل تأیید کند. نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی از جمله مذهب غالب یک کشور، تنوع قومیتی و هویت استعمارگران مشخص نشده است. بنابراین، پژوهش‌های اخیر به طور فزاینده‌ای بر پایه انتخاب‌های سیاسی درون‌زا و بررسی نقش نهادهای سیاسی در تبیین فساد متمرکز شده‌اند. این رویکرد باعث شده بتوان ادعا کرد که درک ما از زیربنای سیاسی فساد غلط نیست، اما از جهات گوناگونی ناقص است.

(حلوا اونلو و مروه کارکر اولوسو،۲۰۲۰) در مطالعه خود تاثیر و پیامد فساد را به عنوان مانع در ایجاد و توسعه و راه اندازی کسب و کار شرکتی، در سه گروه مورد بررسی قرارداده است. بار اداری، فساد اداری و تسخیر دولتی. برای اندازه گیری "اثر بار اداری"، از درصد کل زمانی که مدیریت ارشد صرف رسیدگی به الزامات تحمیل شده توسط مقررات دولتی نموده است، استفاده شده و آن را مالیات زمان[۱۴۶] در نظر می گیرند. یعنی زمانی که مدیران صرف تهیه و تامین الزامات مقرر و قوانین دست و پاگیر می کنند را نوعی مالیات تلقی می کنند. همچنین فساد اداری را با شاخص ادارک فساد توسط شرکت ها مورد بررسی قرارداده اند و آن عبارتست از احساس و ادراک کارآفرینان نسبت به این موضوع که فرایندهای اداری تا چه میزان مانعی برای راه اندازی کسب وکار آنها تلقی

---

۱٤٥ - Ibid.
۱٤٦ - Time tax

می شود.[۱۴۷] متغیر عاملی که برای این منظور در نظرگرفته شده است شامل مالیات و عوارض ، فرایند قضاوت و کارشناسی ، مقررات کار، مقررات اخذ مجوز و پروانه برای کسب و کار، ادارات مالیاتی و دسترسی به زمین و غیرو است. به همین منظور مالیات رشوه[۱۴۸] (مالیاتی که بصورت رشوه به مقامات پرداخت می شود) بصورت زیر تعریف می شود : درصدی از کل فروش سالانه شرکت که برای خرید هدیه یا پرداخت‌های غیررسمی به مقامات دولتی برای انجام امور مربوطه از قبیل ترخیص کالاها از گمرک، مالیات ، اخذ مجوز، پشت سرگذاشتن مقررات، دریافت خدمات و غیره پرداخت می شود. معمولا مالیات رشوه ، درصدی از ارزش قرارداد است که موسسات هنگام انجام تجارت یا امضای قرارداد یا برنده شدن در مناقصه ها بصورت پرداخت‌های غیررسمی یا دادن هدایا برای تضمین قرارداد به ماموران دولت پرداخت می کنند. متغیر عاملی ایجاد شده برای اندازه‌گیری تسخیر دولت هم شامل آن دسته از پرداخت‌ها/هدایای غیررسمی، پرداخت‌های خصوصی یا سایر منافع و مزایایی است که به مقامات دولتی در ازای به دست آوردن مزایا و منافعی و رانت ها همچون تهیه پیش‌نویس قوانین، احکام، مقررات و سایر تصمیمات الزام آور دولت و یا اخذ معافیت، شمول معافیت وگذاشتن تبصره و استثناهایی بر مقررات و مقررات زدایی به نفع آنها ، پرداخت می شود.[۱۴۹] در انتها، نتیجه گرفته می شود ، کسانی که با دیدگاه خُرد به موضوع فساد نگاه می کنند و دغدغه خودشان را بر روی بررسی تاثیر و پیامد فساد بر رشد عملکرد شرکت می گذارند و هدفشان توسعه کسب و کارها است به ویژه بر روی رشد شرکت ها کار می کنند، فساد را در جوامعی با نظام اداری دست و پا گیر، برای دور زدن قوانین و بروکراسی اداری توجیه می کنند و کارکرد آن را به مثابه ی گریس و روغن برای چرخ دنده ها لازم تلقی می کنند. در واقع آنها فساد را مشکل نمی بینند، بلکه بروکراسی اداری را چرخ زنگ زده ی اقتصاد و مشکل و مانع اصلی تلقی می کنند، که با فساد و رشوه ، روغنکاری و روان می شود.

در هرحال پژوهشگران مذکور بر مبنای تعاریف و فرضیات ارائه شده و بررسی های کمی – آماری خود در مورد صاحبان کسب و کار و شرکت های ترکیه ای به این نتیجه رسیدند که شرکت ها در ترکیه ، فساد را به عنوان یک مانع جزئی برای راه اندازی کسب و کار خود می دانند. میانگین آن در مقیاس رتبه بندی(۱–۵) با ۱ نشان دهنده عدم وجود مانع، و ۵ نشان دهنده مانع "بسیار شدید"، تنها ۰٫۸۸ است. در یک هفته کاری معمولی، زمانی که مدیران ارشد صرف رسیدگی به مقررات می کنند،("مالیات بر زمان") به طور متوسط حدود ۲۲٪ است. میانگین فروش سالانه صرف شده برای پرداخت رشوه ("مالیات رشوه") تقریباً نزدیک به صفر با ۰٫۴۹ درصد است. وقتی به

۱۴۷ –فساد اداری به تحمیل عمدی تحریف و تفسیر در اجرای مقررات و قوانین، قواعد موجود به منظور ایجاد مزیت و منافع برای بازیگران دولتی یا غیردولتی در نتیجه ارائه غیرقانونی و غیر شفاف منافع خصوصی به مقامات دولتی اشاره دارد.(Pradhan, ۲۰۰۰ ,p۳)

۱٤۸ - Kickbacks Tax

۱٤۹ - Hülya Ünlü & Merve Karacaer Ulusoy(۲۰۲۱),” Innovation and Corruption in Turkey: “Grease the Wheels” or “Sand the Wheels “,Chapter ٦ in Handbook of Research on Theory and Practice of Financial Crimes .pp۸۰-۱۰۳

مالیات بر رشوه نگاه می کنیم، مشاهده می شود که شرکت ها ۱٫۸۸ درصد از ارزش قرارداد را برای تضمین یک قرارداد دولتی پرداخت می کنند.[۱۵۰] انجام مطالعه ای مبتنی بر همین الگو در مورد شرایط کسب و کار در ایران احتمالا نتایج جالب توجهی در پی خواهد داشت.

اما به نظر می رسد کسانی که با نگاهی کلان به مساله فساد نگاه می کنند، فساد را مشکل و مانع اصلی رشد و توسعه اقتصادی تلقی می کنند که به دلایل آنها نیز در جای خود – در بخش های دیگر این کتاب اشاره خواهد شد. دو دیدگاه متناقض مطرح شده در بالا ، در قالب مقالات متعددی مورد ارزیابی و بررسی علمی قرار گرفته است. (هانتیو و ویال، ۲۰۱۴) با بررسی های خود نشان داده اند که سطح پایین فساد (رشوه‌های فردی) "چرب کردن چرخ" برای روان سازی چرخ کسب و کار است. این اقدام همچنین به عنوان روشی برای تخصیص مجدد سهم بازار بین اجزای متصدی امور، ضرورت کاهش و ساده‌سازی مقررات و رویه‌های اداری را برای سرمایه گذاری، نوآوری، رقابت و تعدیل بازار توجیه شده است با این حال، نتایج آنها نشان می‌دهد که سطوح بالای رشوه و فساد به مثابه " چوب لای چرخ اقتصاد گذاشتن است و اثر اصطحکاکی دارد و به این معنی توصیه می کنند که تدابیر و اقداماتی برای کاهش انگیزه‌های بوروکرات‌ها جهت اخاذی و رشوه ضروری است، اما به طور خاص آنها "فسادهای کلان را هدف قرار می‌دهند و آن را عامل توقف چرخ تولید در اقتصاد می دانند. چنین فسادی شامل پرداخت رشوه های کلان به نخبگان اقتصادی و سیاسی می شود که به ویژه در پروژه های بزرگ در بخش های انرژی، معدن و ساخت و ساز رخ می دهد.[۱۵۱]

انگیزه های ارتکاب جرم

نظریات گوناگون و بسیار متفاوتی در مورد علل و انگیزه های جرم و عوامل تعیین کننده جرایم مطرح است، از تاکید بر مطالعه ابعاد و اندازه و شکل و نوع جمجمه اشخاص تا دیگر موضوعات وراثتی و بیولوژیکی تا تربیت خانوادگی و یا دلزدگی از جامعه و انتقام از شرایط و غیرو. با این حال، اغلب نظریه ها بر این موضوع توافق دارند که وقتی سایر متغیرها ثابت نگه داشته می شوند، افزایش احتمال دستگیری ، محکومیت و مجازات به عنوان اقداماتی بازدارنده ، به طور کلی به کاهش ارتکاب جرم منتهی می گردد و احتمالا به میزان قابل توجهی و یا شاید به اندازه ناچیزی، بسته به فرد مجرم و شرایط جامعه ای که فرد درآن است ، روی تعداد جرایمی که فرد مرتکب می شود، اثر گذار است. علاوه بر این، یک تعمیم رایج توسط افراد با تجربه قضایی این است که تغییر در احتمال ارتکاب جرم تأثیر بیشتری بر تعداد و تکرار جرایم دارد تا تغییر در مجازات. بنابراین در حالت کلی تر می توان چنین تصور کرد

---

۱۵۰ - Hülya Ünlü & Merve Karacaer Ulusoy, Ibid.

۱۵۱ - Julien Hanoteau & Virginie Vial(۲۰۱٤),Grease or Sand The Wheel? The Effect Of Individual Bribes On The Drivers Of Aggregate Productivity Growth, Journal of Indonesian Economy and Business. Volume ۲۹, Number ۱, ۲۰۱٤, ۱ – ۱٦.

که ما همه از یک سوی در جامعه ای زندگی می کنیم که جرم خیز است و کم و بیش احتمال ارتکاب جرم و جنایت از سوی هر شخصی ، در هر مقامی، در جامعه، وجود دارد. از سوی دیگر نهادهای نظم دهنده ی اجتماعی و عمومی مانند پلیس و سیستم قضایی و حقوقی وجود دارند ، که وظیفه ذاتی آنها تامین امنیت و اعمال تدابیر و اقدامات بازدارنده از وقوع هر نوع جرم است. می توان گفت که مجرمان در جامعه انگیزه ها و تمایلاتشان را از طریق یک تابع مطلوبیت متاثر از متغیرهای مختلف و متنوع اجتماعی، اقتصادی ، فرهنگی ، جمعیت شناختی و محیطی و غیرو ، برای ارتکاب جرم به نمایش می گذارند. نظام حقوقی ، قضایی و پلیس مستقیما و دیگر نهادهای اثر گذار مانند نهادهای مذهبی و آموزشی و فرهنگی بطور غیر مستقیم به عنوان نهادهای ناظم و نظم دهنده و کنترل کننده و بازدارنده ، با هدف کاهش خسارات و هزینه های اجتماعی جرم در جامعه ، با یک تابع هزینه اجتماعی کنترل و بازدازندگی جرم در جامعه عملکرد و کارکرد خود را می نمایاند. در واقع می توان چنین تلقی کرد که "تابع تولید امنیت اجتماعی"، با صرف هزینه هایی که برای پیشگیری وبازدارندگی از وقوع جرم در جامعه صورت می دهد، باید روی احتمال وقوع و تکرار جرم اثر بگذارد و موجب کاهش آن گردد. بدیهی است کمیت و کیفیت عملکرد نهادهایی که مستقیم و غیر مستقیم مسوول تامین امنیت اجتماعی هستند، بر وقوع و تکرار جرم اثر گذار است و به عنوان معیاری از شاخص اثر بخشی و کارایی آن دستگاه ها در پیشگیری و بازدارندگی می توانند ملاک ارزیابی قرار گیرند. در الگوی ساده سازی شده ی بیکر، منطقی که بازدارندگی را محقق می ساخت، بطور ساده این است که باید : هزینه ی ارتکاب جرم در جامعه برای مجرم ، بیش از منافع و مطلوبیت ارتکاب جرم باشد. بدیهی است از آنجایی که فقط مجرمان محکوم مجازات می شوند، در واقع بالا بردن هزینه ارتکاب جرم برای مجرم ، در کنار افزایش عدم اطمینان او (چه در مورد امکان فرار از دست قانون و دور زدن قانون) و یا افزایش خطر و ریسک دستگیری موجب می شود، احتمال ارتکاب جرم کاهش یابد. اما این تنها یک نتیجه گیری از الگوی بیکر است. خود او این مساله را در چارچوب تابع مطلوبیت چنین بیان می کند : به عنوان مثال، با افزایش درآمد موجود در فعالیت‌های قانونی یا افزایش قانون‌مداری، مثلاً به دلیل ارتقاء سطح آگاهی از طریق آموزش و "تحصیل"، انگیزه فرد برای ورود به فعالیت‌های غیرقانونی کاهش می‌یابد و در نتیجه تعداد جرایم کاهش می یابد. همچنین با تغییر شکل مجازات، مثلاً تبدیل مجازات از جزای نقدی به حبس، یا به کار اجباری یا به حرفه آموزی در ازای پرداخت هزینه آن قبل یا بعد از آموزش مهارت بسته به شرایط مجرم (البته به شرطی که شرایط نگهداری مجرمان در زندان و ندامتگاه مناسب باشد، نه اینکه در کنار سایر مجرمان مهارت بیاموزند و حرفه ای تر به جامعه برگردند.) می توانند منجر به کاهش تعداد جرایم، حداقل به طور موقت شود، زیرا فرض بر این است که مجرمان در زندان نمی توانند مرتکب جرم شوند؛ (حداقل در برخی از زندانها) . براساس نتایج همین مدل، می توان نشان داد که بیکاری فرد در طولانی مدت می تواند به احتمال ارتکاب جرم منجر گردد. همچنین ارتقاء سطح دانش و آگاهی از طریق

تحصیلات بیشتر اگر چه شاید نتواند به افزایش درآمد بیشتر منجر گردد، ولی می تواند، روی تابع مطلوبیت فرد اثر گذار بوده و مطلوبیت مورد انتظار از جرم را کاهش دهد، چنانکه نتایج برخی تحقیقات تجربی و میدانی نشان می دهند، افراد تحصیل کرده کمتر از دیگر افراد معمولی ، مرتکب جرم و جنایت می شوند.(این نتیجه گیری نیز با احتیاط قابل پذیرش است). در سرفصلی تحت عنوان " جرایم یقه سفیدها" ، شواهد تجربی گوناگون ارائه شد که نشان می دهد، در اغلب جوامع امروزی از جوامع پیشرفته تا کمتر توسعه یافته ، کما بیش، انواع پیچیده تر و متنوع تری از ارتکاب جرایم و مفاسد مالی –اقتصادی توسط اشخاصی که سطوح بالای تحصیلات و دانش را کسب نموده و تصدی مقامات سیاسی و اداری و غیرو را برعهده دارند، گزارش شده است. این گروه اغلب از سطح آگاهی نسبت به قوانین، تحصیلات و دانش و تخصص و تکنیک و فن بالا برخوردارند و به این ترتیب این نتیجه گیری که افراد تحصیل کرده کمتر از سایر افراد معمولی مرتکب جرم و جنایت می شوند، را تا حدودی زیر سوال می برد و به چالش می کشد. مورد جرایم یقه سفید مصداق ضرب المثل معروفی در فرهنگ و ادبیات فارسی است که می گوید : "چو دزدی با چراغ آید، گزیده تر برد کالا"

عوامل اقتصادی مؤثر در ارتکاب جرم :

وقوع جرایم به طور عام و جرائم اقتصادی به طور خاص، وابسته به عوامل متعددی است که ماهیت آن به اوضاع و شرایط اقتصادی فرد و جامعه مربوط می گردد. در تحقیقات مختلف از تورم ، بیکاری و اثر همزمان آنها یعنی شاخص فلاکت، بی عدالتی در نظام پرداخت حقوق ودستمزدها، وضعیت نا مناسب بازارکار، شاخص نابرابری درآمدی و شاخص درجه رفاه اقتصادی، پدیده های صنعتی شدن و رشد شهرنشینی و رشد اقتصادی به عنوان عوامل عمده اقتصادی اثرگذار بر ارتکاب جرایم و مفاسد نام برده شده. در ادبیات نوین توسعه ، مفهوم پایداری[۱۵۲] شامل حوزه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی علاوه بر پایداری زیست محیطی می شود، چالش هایی که مستقیماً با عوامل محیطی یا بیولوژیکی مرتبط نیستند. از این منظر جوامع ناپایدار به دلایل مختلف کمابیش با بحران های گوناگون مواجه می شوند. مشکل نابرابری اقتصادی را در نظر بگیرید. اگر روندهای فعلی ادامه یابد، ثروت و درآمد بیشتر به سمت افراد کمتری هدایت می شود و بخش عمده ای از جمعیت، با فشارها و تنش ها در میان گروه های اجتماعی محروم قرار خواهند گرفت و به ناچار وضعشان بدتر می شود. محرومین و فقرا ناشی از پیامدهای نابرابری به شدت بسوی جرم، فساد، جنایت و خشونت سوق داده خواهند شد. ناآرامی‌های داخلی، شورش و خشونت در میان جوامع نابرابر بیشتر رخ خواهد داد. محرومین مجبور می شوند به حاشیه نشینی، زاغه نشینی و زندگی در اردوگاه های موقت پناهندگی و شرایط سخت تن در دهند. همه اینها پیامدهای یک سیستم اقتصادی ناکارآمد و نظام اقتصادی ناپایدار است. گسترش نابرابری به افزایش موج پناهندگی بصورت

---

۱۵۲ - Sustainability

جمعیت های میلیونی که بسوی مرزهای ملی سرازیر خواهند شد ، منتهی می گردد . آنان سهم منصفانه ای از نیازهای اساسی زندگی را از منابعی که ثروتمندترین کشورها انباشته اند، طلب خواهند کرد. پیامد گسترده تر نابرابری و فقر در سطح جهانی جنگ است . جنگ بین کشورها برای سلطه بر منابع اقتصادی، از قبیل نفت و مواد معدنی تا آب و زمین های کشاورزی ، به طور فزاینده ای محتمل خواهد شد. جوامع دموکراتیک که از نزاع‌های اقتصادی برآشفته شده اند، وسوسه می‌شوند تا قدرت را در مناطق مختلف ، در جوامع فقیر به الیگارش‌هایی بسپرند که وعده کنترل ناآرامی های مدنی را با ساختن دیوارها و مسلح کردن شبه نظامیان برای نگه داشتن فقرا در جای خود و کنترل موج پناهندگان می‌دهند.[۱۵۳]

رابطه ی بیکاری با جرم و جنایت :

در تبیین رابطه بیکاری با جرم و جنایت ، جرایم لزوما ماهیت اقتصادی ندارند ، بلکه این بیکاری است که به عنوان علت و محرک ارتکاب جرم، ماهیت اقتصادی دارد. دانش و شواهد تجربی فرآوان وجود دارد که نشان می دهد بیکاری و جرم رابطهٔ مستقیم و مثبتی با یکدیگر دارند. در واقع رابطه بین بیکاری و جرم و جنایت مدتهاست که یک حوزه تحقیقات تجربی بوده است و قابل درک است، زیرا بینش مداوم در مورد این پدیده برای ادامه توسعه نظری و سیاست به طور یکسان ضروری است و رویکرد مطالعاتی (دیوید کانتور و کنت لند، ۱۹۸۵) در این مورد حایز اهمیت است. [۱۵۴] فرض اساسی رابطهٔ مثبت بین بیکاری و جرم این است که فرد بیکار قادر به حفظ استانداردها و تامین معاش متعارف برای زندگی خود نیست ، بنابر این بیکاری اثر تکانه ای (شوک) است که فرد را مجبور به وارد شدن در فعالیت های مجرمانه می کند.[۱۵۵]

مطالعات جرم‌شناسی در مورد این رابطه حداقل به آثار شاو (۱۹۲۹) و شاو و مک کی (۱۹۳۱، ۱۹۴۲) برمی گردد که تأثیر مستقیم وضعیت اجتماعی- اقتصادی را بر بی سازمانی اجتماعی و به نوبه خود، جرم و جنایت تحلیل کردند(آندرسن، ۲۰۱۳؛ سامپسون و گرووز، ۱۹۸۹). سابقه طولانی تلاش‌های تحقیقاتی در مورد اقتصاد و جرم منجر به ایجاد مکانیسم‌های احتمالاتی مختلفی برای تبیین این رابطه شد که همگی بر مدل‌های نظری ظاهراً متفاوتی استوار بودند. نظریه کرنش، نظریه انتخاب عقلانی، تئوری‌های تعارض و نظریه‌های فرصت از دیدگاه‌های نظری مورد توجه بودند.گرچه این نظریه ها به هم مرتبط بودند، اما محققان اولیه آنها را در چارچوب مشترکی در نظر نگرفتند. کانتور و لند ، مدلی از رابطه بین بیکاری و جرم ارائه کردند که آن مدل پیچیدگی روابط را بطور ظاهرا ساده ای

---

۱۵۳ - A world of three zeros : the new economics of zero poverty, zero unemployment, and zero carbon emissions / Muhammad Yunus, with Karl Weber. Description: First edition. | New York : PublicAffairs, [۲۰۱۷],p۱۰۱

۱۵٤ - David Cantor and Kenneth Land's (۱۹۸٥) approach.; Cantor, D. and Land, K. (۱۹۸٥) Unemployment in crime rates I post World War II United States: A theoretical and empirical analysis, American Sociological Review, ٥۰, ۳۱۷ – ۳۳۲.

۱۵۵- علی حسین صمدی، تورم، بیکاری و جرائم اقتصادی، فصلنامهٔ علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره

نشان می داد.آنها دریافتند دو اثر مستقل و متقابل از بیکاری وجود دارد که بر جرم تأثیر می گذارد : انگیزه و کنترل. (کانتور و لند، ۱۹۸۵) در تحلیل خود دریافتند که اثر قیمومیت(کنترل اجتماعی) بر اثر انگیزه (که بی ارتباط با محرک ناشی از محرومیت نیست) غالب است. [۱۵۶] در هرحال کانتور و لند متمایز از محققان قبلی، کمبود مؤلفه های نظری از هم گسسته را تشخیص دادند و به دنبال رفع این محدودیت بودند. با انجام این کار، آنها مدلی از بیکاری و جرم را فرموله کردند که به طور مؤثر رویکردهای نظری قبلاً پراکنده را ادغام می کرد. درحالی که تحقیقات قبلی صرفاً بر روی تأثیرات نرخ بیکاری بر شیوع اقدامات مجرمانه و با انگیزه در جمعیت متمرکز بود، کانتور و لند مشاهده کردند که این روش تحقیق یک توصیف ساختاری ناقص از یک رابطه نسبتاً پیچیده را ارائه می دهد. تحت تأثیر آثار (کوهن و فلسون، ۱۹۷۹)، کانتور و لند ، مدل خود را مطابق با تئوری فعالیت های معمول تنظیم کردند. نتیجه مدلی بود که دو اثر ساختاری متمایز و متوازن بیکاری بر جرم را ترکیب می کند: اثر انگیزه و اثر فرصت . چنین مدلی به طور مؤثری نظریه‌های انگیزش جنایی را با بیکاری مرتبط می کند و به هم پیوند می‌دهد . این تحقیق شیوع جرایم با انگیزه را با نظریه ی فرصت های مجرمانه و جنایتکارانه مرتبط می سازد و بیکاری را انگیزه ی مناسبی برای جرم تلقی می کند.

کانتور و لند از نتایج اولیه خود دریافتند که رابطه بیکاری- جرم بر اساس نوع جرم متفاوت است و برای پیشگیری از جرم ، اثر فرصت بیشتر از اثر انگیزه اهمیت دارد. کار کانتور و لند الهام بخش مجموعه‌ای از تحقیقات تجربی است که بسیاری از آنها کمیت های اقتصادی را با معیارهای سنتی جرم مانند آمار تکرار جرم یا نرخ جرم مقایسه می کنند. با این حال، با گذشت چندین دهه، محققان نسبت به استفاده از چنین مدلی برای تبیین اقدامات مجرمانه ، به دلیل نگرانی از عدم دقت احتمالی، هشدار داده اند: (Andresen & Jenion, ۲۰۱۰).

مدل کانتور و لند :

$$C_{jt} = \beta_0 + \beta_1\left(U_{jt} - \overline{U}_j\right) + \beta_2\overline{U}_j + \beta_3 Trend + \varepsilon_t$$

Cjt : لگاریتم جرایم در استان j در زمان t

($U_{jt}-\overline{U}_j$) : اختلاف نرخ بیکاری در استان j در زمان t با میانگین نرخ بیکاری استان j در طول دوره مورد بررسی.

β_1 = ضریب رگرسیونی نشان دهنده اثر کوتاه مدت که انتظار می رود مقدار آن منفی باشد.

β_2 = ضریب متوسط نرخ بیکاری استان که اثر بلند مدت را نشان می دهد و انتظار می رود مقدار آن مثبت باشد.

(trend) روند بیکاری ، که حول آن بیکاری های ناپایدار یا ادواری است را در سری های زمانی نشان می دهد.

---

۱۵٦ - David Cantor and Kenneth Land's (۱۹۸٥),Ibid.

در سال ۱۹۹۳ ضریب سهم مکانی[۱۵۷] به عنوان یک عامل به ادبیات جرم شناسی معرفی شد. ابزاری که قادر به پرداختن به برخی از نادرستی های احتمالی تئوریهای سنتی جرم است. (Brantingham & Brantingham,۱۹۹۳) همچنین تئوری الگویابی جرایم[۱۵۸] از طریق رگرسیون فضایی امکان پذیر شد.[۱۵۹] این از اهمیت کار کانتورو لند نمی کاهد. آنها در واقع، دریافتند که جرایم ناشی از بیکاری تحت تأثیر تغییرات وضعیت اقتصادی است و از طریق کشش و فشار اجتماعی و کنترل اجتماعی عمل می کند. کشش یا فشار اجتماعی در واقع نوعی تقلای فرد محروم در جامعه برای رفع محرومیت (بیکاری) است و این بدان معنی است که فرد برای رفع یک نیاز معیشتی / اقتصادی یا اجتماعی معین، فشاری را تحمل می کند. آن سوی تر نهادهای کنترل کننده اجتماع و مقررات و ضوابط اجتماعی و عناصر حاکمیتی و قیمومیتی ، نوعی بازدارندگی و کنترل اجتماعی برای منصرف کردن فرد جهت چشم پوشی از نیازهایش ایجاد می کنند. یا در واقع در جهت چشم پوشی فرد از ارضاء نیازهایش از طریق ارتکاب جرم اقدامات کنترلی اعمال می کنند. این کنترل اجتماعی به توانایی جامعه برای منظم کردن افراد خود اشاره دارد. اگر کنترل ضعیف باشد و نیاز شدید باشد، و به تعبیری فرصت دستیابی به شغل کم و فرصت ارتکاب جرم زیاد باشد، احتمال ارتکاب جرم به دلیل ضعف کنترل اجتماعی (=وجود فرصت برای اقدام مجرمانه) و بیکاری (= عدم فرصت بهره مندی قانونی برای رفع محرومیت) افزایش می یابد. در این شرایط به احتمال بسیار زیاد یک فرد بیکار دست به اقدام مجرمانه می زند. آنها البته اثر فرصت را پدیده ای کوتاه مدت و اثرانگیزشی را پدیده ای بلند مدت ارزیابی کردند. اما شاید کانتور و لند با یک سو گیری شناختی معطوف به هدف کاهش جرم و جنایت در جامعه بود که دریافتند برای کاهش جرایم ناشی از بیکاری ، تقویت کنترل اجتماعی بازدارنده تر است. در حالی که به نظر می رسد نتیجه گیری و توصیه آنها چندان ریشه ای نباشد، زیرا جامعه بطور کلی در مواجه با چالش بیکاری و جرم ، دو راه در پیش دارد، یا باید با ایجاد فرصت های قانونی اشتغال، به رفع محرومیت و نیاز فرد (نیاز به شغل و درآمد) پاسخ دهد یا کنترل اجتماعی را تقویت نموده و فرصت اقدامات مجرمانه را کاهش دهد. کاملا روشن است که تقویت نظارت و کنترل اجتماعی، رفع محرومیت نمی کند، اما به دلیل اثر بازدارندگی می تواند تنها در کوتاه مدت از ارتکاب جرایم بکاهد و یا ارتکاب جرم را به تعویق اندازد. توجه داشته باشید که شیفت کردن به بازارکار سیاه و غیرقانونی، در واقع به رشد اقتصاد سایه منتهی می شود و پیامد بیکاری در بخش رسمی اقتصاد است، لذا بطور مسلم امنیت واقعی زمانی محقق می شود که رفع محرومیت صورت بگیرد. بنابراین

---

۱۵۷ - Location quotients

۱۵۸ - Crime pattern theory

۱۵۹ -Brantingham PL, Brantingham PJ (۱۹۹۳) Environment, routine, and situation: toward a pattern theory of crime. In: Clarke RV, Felson M(eds) Routine activity and rational choice, Vol ۵. Transaction, New Brunswick, pp ۲۵۹–۲۹٤ ; Alex R. Piquero & David Weisburd(۲۰۲۰) , Handbook of Quantitative Criminology, Springer Science Business Media, LLC ,pp۷-۱۸.

نهاد قیمومیتی و حاکمیتی باید هدف اصلی خود را برای ارتقاء امنیت در بلند مدت ، از طریق رفع محرومیت در جامعه تعریف کند و نه افزایش کنترل های اجتماعی و پلیسی و یا ارشادهای تربیتی، اخلاقی و مذهبی به عنوان راهکاری برای کاهش جرایم در بلند مدت . اگر ارتقاء امنیت معطوف به رفع محرومیت باشد، جرم و جنایت هم به تبع آن کاهش می یابد. متاسفانه نتایج تحقیقات گوناگون نشان می دهند، جرم و جنایت ناشی از محرومیت های اقتصادی و اجتماعی در طبقات محروم ، مناطق حاشیه ای و کشورهای فقیر و کمتر توسعه یافته بیشتر رخ می دهد.[۱۶۰] این در حالیست که در مواجه با طبقات محروم ، مناطق محروم و کشورهای فقیر، اتفاقا چه بسا کنترل و نظارت های اجتماعی- پلیسی بیشتری هم اعمال می شود. بررسی چکیده یافته های مطالعات گوناگون در مورد رابطه بیکاری با جرم نشان می دهد :

اثر انگیزشی پدیدهٔ درازمدتی است، زیرا وقتی فرد بیکار می شود، هنوز از منابعی مانند پس انداز و منافع دوران بیکاری وسایر منابع موجود بهره مند بوده و بلا فاصله با بیکار شدن به سراغ ارتکاب جرم نمی رود ، بنابراین قرار گرفتن فرد برای مدت زمان طولانی در وضعیت بیکاری می تواند توجیه ارتکاب جرم باشد ، ولی ارتکاب جرم در مدت کوتاه و بلا فاصله پس از بیکاری نمی تواند موجه باشد.

ادوار تجاری بر روند بیکاری و جرم تاثیر گذارند.[۱۶۱] اگر دوران رکود و شرایط بد اقتصادی کوتاه باشد، یا بیکاری ادواری و فصلی وجود داشته باشد، بیکاری نمی تواند دلیل موجهی برای ارتکاب جرم تلقی گردد. ولی اگر دوران رکود شدید و گسترده و طولانی مدت باشد، میتواند، از طریق افزایش عمق و گسترش بیکاری به فقر و محرومیت منتهی شده و اثر تقویت کننده بر رابطه ی بیکاری و جرم دارد.

در برخی مطالعات از جمله مطالعهٔ بورلند و هانتر به رابطه ی دو سویه ی جرم -بیکاری توجه شده و نشان داده شده که ارتکاب جرم و تکرار جرم به بیکاری بیشتر منتهی می گردد. توجیه آنها این است که افراد مجرم به دلیل بی اعتبار شدن ناشی از اقدام مجرمانه یا به دلیل ثبت سوابق مجرمانه، احتمال کسب فرصت شغلی در بازارهای رسمی را از دست می دهند و بنابر این، سابقه ی مجرمانه موجب استمرار بیکاری فرد می شود و بدین ترتیب افزایش و تکرار جرائم منجر به افزایش بیکاری در اقتصاد می شود و این دو عامل یکدیگر را تقویت می کنند.[۱۶۲]

۱۶۰- کانتور و لند در یافته های دیگری، رابطه ی بیکاری بر وقوع جرم را منفی یافتند که به اثر منفی فرصت های مجرمانه معروف است ، اما این اثر کوتاه مدت است.آنها در توجیه این یافته توضیح دادند که بیکاری باعث کاهش هزینهٔ افراد برای کالاها و دارایی های لوکس شده و ترجیح مردم را برای مراقبت بیشتر از دارایی ها و اموال خود افزایش می دهد، بنابر این نتیجه گرفتند که بیکاری ممکن است در کوتاه مدت به منبع کاهش جرم تبدیل گردد.

۱۶۱ -Cook and Zarkin

۱۶۲ -Borland and Hunter

رابطه تورم با جرم و جنایت :

رابطهٔ تورم و جرم رابطهٔ مثبتی است. با فرض ثابت بودن دستمزدها، افزایش تورم منجر به کاهش قدرت خرید افراد و افزایش هزینهٔ زندگی حقوق بگیران یا مزد بگیران می شود. در چنین شرایطی افراد قادر به حفظ استاندارد زندگی خود در سطحی همانند قبل از افزایش تورم نیستند ، بنابراین امکان ارتکاب جرم افزایش پیدا می کند. البته باید توجه کرد که کاهش قدرت خرید به واسطهٔ افزایش تورم بطور تدریجی رخ می دهد و بنابر این، ارتکاب جرم ضرب آهنگی متناسب با نرخ رشد تورم دارد، و اثر افزایش تورم بر جرم بلافاصله اتفاق نمی افتد، اما روند کلی ارتکاب جرایم را تشدید می کند. عواملی که باعث ایجاد رابطهٔ مثبت بین تورم و جرم می شود: وقفه بین افزایش قیمت ها و تعدیل دستمزدها متناسب با تورم است. یعنی اگر دولت و نهادهای مربوطه از طریق نظام پرداخت ها بلا فاصله متناسب با تورم واکنش تعدیلی نشان ندهند و شکاف دستمزدها به سرعت ترمیم نشود، نرخ ارتکاب جرم تشدید می شود. محققان بیان می کنند که به دلیل وجود این وقفه، افزایش تورم باعث کاهش درآمد واقعی کارگران غیر ماهر شده و میل وارد شدن آنها به فعالیت های مجرمانه را افزایش می دهد. افزایش موارد کم کاری ، غیبت در محل کار و اعتصابات کارگری سیگنالهایی است که سریعا باید مورد توجه قرار گیرد. از آنجا که تورم به نوعی کاهش قدرت خرید پول و کاهش ارزش پول تلقی می گردد، اعتماد به ترتیبات نهادی همانند نظام بانکداری از میان می رود، مردم سپره هایشان را از بانک ها بیرون می کشند، روی بازار تشکیل سرمایه مولد اثرمنفی می گذارد و پول و نقدینگی به حوزه های غیر شفاف و سوداگرانه و غیرقانونی یا غیر رسمی اقتصادی منتقل می شود و حجم اقتصاد در سایه در نتیجه ی فساد و جرایم اقتصادی ناشی از تورم افزایش می یابد.

در همین رابطه اخیرا گروهی از اقتصاددانان در تشریح مشکل تورم مزمن در اقتصاد ایران ناکارآمدی در نظام بانکداری را به فقدان یا ضعف "حکمرانی پولی" نسبت داده اند. این گروه از اقتصاددانان هشدار دادند که محیط تورمی، سوداگر می پروراند نه کارآفرین و چالش هایی از قبیل جهش های متناوب نرخ ارز، نرخ های سود بانکی بالا، احتکار اجناس در انبارها، چربش رانت جویی بر نوآوری و فساد گسترده ای که اقتصاد ایران را زمین گیر کرده است، همه پیامد و معلول رانت و فساد در نظام بانکداری و ضعف حکمرانی پولی است که به ضعف در عملکرد مدیریتی و نظارتی بانک مرکزی بر می گردد.[۱۶۳] بدون شک بانک مرکزی به عنوان نهاد سیاستگذار پولی در کشور مسوولیت اصلی در حفظ ارزش پول و کنترل تورم را خواهد داشت که متاسفانه این نقش تاکنون به دلایل مختلف به درستی ایفا نشده است. در مباحث آتی به فراخور موضوع به برخی از مهمترین این دلایل اشاره می گردد. در هرحال تورم موجب فرسوده شدن توان و شکسته شدن مقاومت اقتصادی جامعه در برابر

۱۶۳ –نامه ۳۶ صاحبنظر اقتصادی به مجلس " زیرساخت قانونی ثبات اقتصادی" چگونه باید باشد؟ تحت عنوان مانیفست حکمرانی پولی.

جرایم و مفاسد می شود. در وضعیت عادی در هر جامعه، برای تامین سطحی از پیشگیری از جرائم و حفظ سلامت اقتصاد، اعتباراتی تخصیص داده می شود. در شرایط تورمی، با افزایش جرایم اقتصادی توان اقتصادی تحلیل می رود ، مقاومت اقتصادی در هم شکسته می شود و دیگر نمی توان همان سطح قبلی پیشگیری از جرائم را حفظ کرد و برای تقویت سطح پیشگیری بالاتر، باید اعتبارات بیشتری تخصیص داد و این در مقدورات دولت به لحاظ منابع مالی محدود نخواهد بود و در نتیجه بحران تشدید می شود. اینکه اقتصاددانان ماهیت تورم در ایران را پولی می دانند تا حدود زیادی براساس شواهد تجربی تایید شده است. در بحث حکمرانی پولی در ایران شواهد و گزارش هایی نشان می دهند، اشخاص و نهادهای پر نفوذی برخزانه مملکت نفوذ و سلطه دارند و ارتباط سیستمی بانک مرکزی با خزانه تضعیف و محدود گردیده است و بانک مرکزی عملا استقلال خود را از دست داده است. این موضوع درباره صندوق ذخایر ارزی نیز که نهادی کاملا مجزاست ، صادق است. موضوع شفافیت عملکرد بانک مرکزی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. اخیرا فهرست اسامی ابر بدهکاران بانکی که هرگز حتی در مناظره های انتخاباتی نامشان فاش نشد، تبدیل به چالشی شد که نشان از موقعیت پرنفوذ یک باند مافیایی مسلط بر منابع نقدینگی بانک های سراسر کشور داشت، چالشی که به عدم شفافیت نظام بانکی مربوط است. خرید و فروش اعتبارات کلان بانکی تا چند سال پیش که هنور بانک های بزرگ دولتی و شبه دولتی و خود دولت با بحران جدی نقدینگی مواجه نشده بودند ، یک رویه مرسوم بود. بخش زیادی از این وامها و اعتبارات بجای بنگاه های تولیدی روانه فعالیت های در سایه و فرصت های سوداگرانه و اقتصاد غیر رسمی و فعالیتهای غیرقانونی می شد.

در تحقیقاتی که (نرگس دینسر و همکارن،۲۰۱۲) انجام داده اند، شاخص شفافیت و استقلال در عملکرد بانک مرکزی ۱۲۰ کشور از ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۰ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان می دهد، بجز ده کشور که شامل ایران هم می گردد ، در ۱۱۰ کشور دیگر شفافیت افزایش یافته است. اما شاخص شفافیت به عنوان شاخصی از مدیریت سلامت نظام بانکی در کشورهای زیر در این بازه زمانی تغییری نکرده است: آنگولا، باهاما، برمودا، جزایر کیمن، کوبا، ایران، لبنان، لیبی، جزایر سلیمان و سوریه که وضعیت آنها نشانگر عدم تغییر در شفافیت عملکردی آنها در یک بازه زمانی دوازده ساله است.[۱۶۴]

رابطه شاخص فلاکت(MI) با جرم و جنایت

شاخص فلاکت[۱۶۵]را برای اولین بار، آرتور اوکان در دهه ۷۰ میلادی به ادبیات اقتصاد معرفی کرد و به طور ساده ، مجموع نرخ های تورم و بیکاری است. به اعتقاد او همزیستی این دو عامل در کنار هم هزینه های اجتماعی سنگینی بر جامعه تحمیل می کنند(تانگ و لین، ۲۰۰۹). بی شک افزایش جرم و جنایت می تواند هزینه های

۱٦٤- N. Nergiz Dincer & Barry Eichengreen (۲۰۱۲), Central Bank Transparency and Independence: Updates and New Measures, International Journal of Central Banking, Vol. ۱۰ No. ۱

۱٦٥ - Misery Index(MI)

اجتماعی سنگین ناشی از رشد بیکاری و تورم بطور توامان در یک جامعه باشد. بررسی اثر ترکیبی دو عامل تورم و بیکاری در کنار هم بر وقوع جرم به مراتب نتایجی متفاوت تر ارائه می دهد. هرچند تأثیر این متغیرها بر میزان جرم به صورت انفرادی به همان شکلی که مطرح شد، تأمل برانگیز است، اما باید توجه کرد که ترکیبی از این دو متغیر نیز تأثیر مضاعفی بر احتمال ارتکاب جرم را نشان می دهد. افزایش همزمان بیکاری و تورم در یک جامعه، به معنی زوال عملکرد اقتصادی و تشدید وضعیت بد اقتصادی است که ناشی از وقوع پدیدهٔ تورم–رکود همزمان در اقتصاد است. برای بررسی تأثیر خالص تورم و بیکاری بر میزان جرم در چنین وضعیتی از شاخص فلاکت به جای متغیرهای تورم و بیکاری استفاده می شود که سه مزیت فنی دارد: " امکان اندازه گیری اثرات تورم و بیکاری بر میزان جرم بدون مواجه شدن با مسئلهٔ هم خطی وجود دارد؛ اثر خالص تورم و بیکاری بر میزان جرم اندازه گیری می شود؛ احتمال کاهش معایب روش های استفاده شده در مطالعات قبل افزایش می یابد." [۱۶۶] نسخه های پیشرفته تری از شاخص فلاکت ارائه و معرفی شده است .نسخه بدون وزن که توسط اوکان توسعه یافته است، و نسخه دیگری ازآن با افزودن نرخ بهره و نرخ رشد به این شاخص ، توسط بارو توسعه داده شده است. به عنوان یک شاخص عملکرد کلان اقتصادی، استفاده از شاخص فلاکت برای اندازه گیری انواع روابط در ادبیات اقتصاد کاربردی استفاده می شود.

بررسی رابطه بین شاخص جنایت و فلاکت یکی از واضح ترین بحث ها در ادبیات تجربی اقتصاد است (تانگ و لین، ۲۰۰۹؛ ایگبیندیون و ابوموبی، ۲۰۱۷؛ آجید، ۲۰۱۹). لویت (۲۰۰۴) دلیل کاهش نرخ جرم و جنایت در ایالات متحده در طول دوره ۱۹۹۰–۲۰۰۱ را مورد بحث قرار می دهد. او معتقد است که متغیرهای کلان اقتصادی مانند رشد، نرخ بیکاری و دستمزد کارگران کم درآمد رابطه آماری معنادار اما کمی با نرخ جرم و جنایت دارند. یافته‌ها نشان‌دهنده ارتباط معنادار بین جرم اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصادی، به‌ویژه بیکاری است، اما به جرایم خشونت‌آمیز مانند قتل یا تجاوز جنسی اشاره نمی‌کنند. لویت (۲۰۰۴) بیان می کند که حتی اگر رابطه ای بین جرم و اقتصاد وجود داشته باشد، می توان آن را به طور غیر مستقیم از طریق هزینه های بودجه دولت توضیح داد. سطوح مخارج بودجه دولت های ملی یا محلی برای محافظت از جامعه در برابر جرایم اهمیت زیادی دارد. همچنین بین متغیرهای کنترل جرم مانند پلیس، زندان، دادگاه و نرخ جرایم رابطه غیر مستقیم و معکوس وجود دارد.[۱۶۷]

ایگبین ادیون و ابوموی (۲۰۱۷) با بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی و جمعیت شناختی جرم در نیجریه و استفاده از روش های هم انباشتگی و تصحیح خطای برداری برای دوره ۱۹۸۱–۲۰۱۵ نشان می دهند که شاخص فلاکت

---

۱٦٦ - Tang C. F. and H. H. Lean (۲۰۰۹), "New evidence from the misery index in the crime functions ", Economics Letters, ۱۰۲: ۱۱۲-۱۱٥.

۱٦٧ - LEVITT, S. D. (۲۰۰٤), “Understanding Why Crime Fell in ۱۹۹۰s: Four Factors that Explain the Decline and Six That Do Not”, Journal of Economic Perspectives, XVIII-۱, ۱٦۳–۱۹۰.

(توصیفی برای تورم و بیکاری همزمان در اقتصاد) با نرخ جرم رابطه مثبت دارد و از نظر آماری معنی دار است.[۱۶۸]
لرد و همکاران (۲۰۱۶) به دنبال یافتن روابط بین شاخص فلاکت و پنج نوع مختلف جرم (جرم ملکی، سرقت موتور، کلاهبرداری و سایرسرقت ها) و در پیوند با صنعت گردشگری در باربادوس برای دوره بین ۱۹۹۹ و ۲۰۱۲ بوده اند. آجید (۲۰۱۹) کیفیت نهادی و تأثیر شاخص فلاکت بر فعالیت‌های مجرمانه در نیجریه را برای بازه زمانی سال‌های ۱۹۸۶ و ۲۰۱۶ با استفاده از روش ARDL بررسی می کند. نتایج تحقیقاتش نشان می‌دهد که ضریب متغیر نهادی منفی است و تنها در کوتاه‌مدت بر فعالیت‌های مجرمانه در نیجریه تأثیر معناداری دارد، اما مولفه های فرعی شاخص فلاکت، مانند تورم و بیکاری، هم در کوتاه مدت و هم در بلندمدت با فعالیت های مجرمانه ارتباط معناداری دارند.[۱۶۹]
(کفری آک و کوهندر، ۲۰۲۱) در مقاله خود به بررسی وضعیت جرایم و جنایات در گروهی از کشورهای موسوم به پنج اقتصاد شکننده (به دلیل تورم بالا، رشد اقتصادی ضعیف، کسری تجاری(خارجی، ارزی) بالا و وابستگی زیاد به پول داغ) می پردازد. در این مطالعه، تأثیرات شاخص فلاکت و مؤلفه‌های آن یعنی بیکاری و تورم بر جرم و جنایت بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۷ در کشورهای برزیل، اندونزی، هند، آفریقای جنوبی و ترکیه، کشورهایی که در مجموع "پنج کشور شکننده" نامیده می‌شوند، با استفاده از روش تحلیل داده های پانل پویا ، بررسی شده است. علت بررسی پنج کشور شکننده این است که تورم بالا و بیکاری بالا که از مولفه های شاخص فلاکت هستند در این کشورها رایج است. تست های تشخیصی نشان می دهد که همه مدل های برآورد شده از اعتبار و روایی برخوردارند و جرم تاخیری که بیانگر این است که مفهوم جرم پدیده ای پویا است، مثبت و از نظر آماری معنادار بوده است. بر این اساس، افزایش جرایم در دوره قبل باعث افزایش جرم در دوره فعلی شده است. مشخص شده است که در پنج کشور شکننده، افزایش شاخص فلاکت ، باعث افزایش جرم و جنایت شده است؛ اما تأثیر بیکاری بر جرم و جنایت نسبتاً بیشتر از اثر تورم بوده است. همچنین برای کاهش جرم و جنایت در همه مدل ها، نیاز به کاهش فقر و افزایش مهارت و آموزش تایید شده است. همچنین کنترل آسیب های روانی با توجه به نتایج معنی دار آماری در تمامی مدل ها در رابطه با این متغیر در پیشگیری از وقوع جرم حائز اهمیت است. بنابراین مهم است که مردم از شرایط زندگی بهتر و افزایش کیفیت روانی برای کاهش حوادث جرم و جنایت در پنج کشور شکننده برخوردار باشند.

---

١٦٨ - IGBINEDION, S. O. and EBOMOYI, I. (٢٠١٧), “Socio-economic Determinants of Crime: Further Evidence from Nigeria”, Annals of the University of Petroşani, Economics, XVII-١, ١٠١-١١٤.
١٦٩ - AJIDE, F. M. (٢٠١٩), “Institutional Quality, Economic Misery and Crime Rate in Nigeria”. Sciendo, XXXIII, pp ١٧٠–١٨٢

همچنین یافته هایی وجود دارد که نشان می دهد افزایش حاکمیت قانون موجب کاهش جرم و جنایت می شود. بعلاوه تراکم جمعیت نیز در افزایش حوادث جرم و جنایت موثر بوده است.[۱۷۰]

دادگر (۲۰۱۸) در مقاله ای بر ابعاد نهادی رشد اقتصادی تاکید کرده و تاثیر رشد اقتصادی و نوع حکمرانی را برشاخص فلاکت در ایران بررسی کرده است. مطابق نتایج این تحقیق، سوء مدیریت و حکمرانی بد در بخش دولتی و برخی دیگر از کاستی‌های زیرساختی، موجب شده اقتصاد ایران به وضعیت ناکارآمد کنونی سوق داده شود که در آن با یکی از بالاترین شاخص‌های فلاکت و یکی از پایین‌ترین نرخ‌های رشد اقتصادی در جهان مواجه هستیم. مقاله که از یک سو به تحلیل رابطه بین شاخص فلاکت، و رشد اقتصادی در ایران می پردازد و از سوی دیگر به بررسی تأثیر حکمرانی بر شاخص فلاکت برای دوره های ۱۹۷۴–۲۰۱۱ می پردازد، برای دستیابی به این هدف از مدل خودرگرسیون برداری استفاده کرده است. از متغیر اثربخشی دولت به عنوان نماینده ای برای حکمرانی خوب استفاده شده است که در مورد ایران نتایج معنادار است. با استفاده از آزمون دیکی فولر، ثبات و پایداری متغیرها مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین برای در نظر گرفتن همگرایی بین متغیرها از علیت گرنجر و آزمون جانسون استفاده شده است. یکی از یافته های مقاله این است که رشد اقتصادی با شاخص فلاکت رابطه منفی داشته و نتیجه دیگر این است که بین نوع حکمرانی و شاخص فلاکت هم رابطه معناداری وجود دارد. به عنوان مثال، در طول دولت اخیر (۲۰۰۵–۲۰۱۱)، ایران با بدترین شاخص های حکمرانی ، کمترین رشد اقتصادی و همچنین بالاترین MI مواجه بوده است.[۱۷۱]

دادگر و همکاران (۲۰۱۹) درمقاله دیگری به تحلیل روابط بین برخی از متغیرهای اقتصادی در ایران از یک سو و جرایم خشن از سوی دیگر پرداخته اند. در مقاله مورد اشاره، رشد اقتصادی، شاخص فلاکت و نرخ اشتغال زنان، متغیرهای اصلی اقتصادی هستند. نماینده های جرایم خشن شامل تعداد قتل های عمدی، تعداد قتل های غیرعمد، تعداد معلولیت ها، تعداد احکام مجازات و احکام برائت است. برخی از یافته های این مقاله حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین متغیرهای اقتصادی و جرایم خشن در ایران در کوتاه مدت و بلند مدت است. دوره ی مورد مطالعه ۱۹۸۱–۲۰۱۶ می باشد. یکی از نتایج و توصیه های سیاستی تحقیق این است که افزایش هزینه ارتکاب جرم، کاهش شاخص فلاکت و رشد اقتصادی، همگی می توانند جرایم خشن را در ایران کاهش دهند.[۱۷۲]

---

۱۷۰ - Reyhan Cafrı Açcı & Pınar Çuhadar(۲۰۲۱), Unemployment or Inflation? What Does the Misery Index Say about the Causes of Crime?,METU Studies in Development, ٤٨ (December),pp ۱۸٥-۲۰۰.

۱۷۱ - Yadollah Dadgar (۲۰۱۸), “The Impact of Economic Growth and Good Governance on Misery Index in Iranian Economy”, European Journal of Law and Economics, XLV-۱, ۱۷٥-۱۹۳.

۱۷۲ - Yadollah Dadgar, Mohammad javad Moradalian, Seyed Hamidreza Hoseiny Mehr(۲۰۱۹), The Relationship between Violent Crime and Misery Index: A Specific Case in Iran,Iranian Economic Review ۲۰۲۱, ۲٥(۳): ٤۹۹-٥۰۷

علي و همکاران (۲۰۱۵) بررسی تاثیر شاخص فلاکت بر خروج سرمایه انسانی در پاکستان را بررسی کرده است.[۱۷۳] ولش (۲۰۰۷) با استفاده از شاخص فلاکت به دنبال پیوندهای عملکرد کلان اقتصادی و رضایت از زندگی بوده است. یانگ و لستر (۱۹۹۹) از نسخه های اصلی و اصلاح شده این شاخص برای توضیح میزان خودکشی استفاده کرده اند. آنها بر اساس تحقیقات خود دریافته اند که نسخه اصلی این شاخص در توضیح خودکشی موفق تر است. صادقی و همکاران (۲۰۱۴) تأثیر نابرابری درآمدی بر شاخص فلاکت در ایران را از طریق تحلیل سری زمانی غیرخطی بررسی کرده اند.[۱۷۴] (تانگ ،۲۰۰۹) در بررسی داده های مربوط به سالهای ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۶ برای کشور مالزی وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین نرخ جرم و عوامل تعیین کننده آن را تایید نموده است. بردار هم انباشتگی برآورد شده نشان داده که تورم و بیکاری با نرخ جرم رابطه مثبت دارند. اما تورم در کوتاه مدت قابل توجه نیست. در نهایت، شواهد تجربی حاکی از آن است که جهت علیت از تورم و بیکاری به سمت جرم و جنایت است، اما شواهدی دال بر علیت معکوس وجود ندارد.[۱۷۵]

رابطه فقر با جرم و جنایت

فقر و فلاکت بطور مصطلح توامان بیان می شوند و در ادبیات عمومی جامعه بار معنایی یکسانی دارند، اما اینکه در سرفصلی جدا طرح شده ، تنها به دلیل برخی تمایزات در تعریف آنها در ادبیات موضوعی و دسته بندی مقالات براین مبنا است. رابطه ی فقر و جرایم اقتصادی همواره موضوعی قابل بحث در ادبیات اقتصاد سیاسی بوده است. برخی از نویسندگان فقر را محرکی برای جرم و جنایت می‌دانند و برخی کاملاً با آن مخالف هستند. اگرچه یکی از پیامدهای بیکاری و تورم ، فقر است ، ولی بیکاری و تورم و همزیستی این دو با هم در یک اقتصاد ، فقط فقرا را تحت تاثیر قرار نمی دهد. لذا رابطه بین فقر و جرم لزوما ترجمان و باز تعریف همان رابطه تورم و بیکاری با جرم نیست. گسترش تورم و بیکاری به عنوان امراضی مرگبار در اقتصاد یک کشور ، پیامدهای ناگوار بسیاری را در تمام زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برجای می گذارد که منجر به نشر و گسترش جرم و فساد در سراسر جامعه می شود و فقر تنها به بخشی از آن جامعه سرایت می کند. فقرا عمدتا جرایم کوچک، حقیرانه و فقیرانه انجام می دهند. هیچ فقیری دستش به میلیاردها تومان پول نمی رسد که اختلاس کند، ولی ممکن است از سوپر مارکت محله ، مقداری از مایحتاج روزانه را دستبرد یا سرقت کند. با این حال در جوامعی که فقر گسترده و عمیق است، با آنکه جرایم کوچک هستند ، از فرآوانی تکرار برخوردارند و به تعداد زیاد رخ می دهند. افزایش سرقت یکی از این

---

۱۷۳ - ALI, A., MUJAHID, N., RASHID, Y. and SHAHBAZ, M. (۲۰۱۵). “Human Capital Outflow and Economic Misery: Fresh Evidence for Pakistan”, Social Indicators Research, CXIV-۳, ٤٧٤-٤٦٤.

۱۷٤ - SADEGHI, S. K., MARVASTI, M. B. and KARBOR, R. (۲۰۱٤), “New Evidence on the Link between Income Inequality and Misery Index: A Nonlinear Time Series Analysis”. International Journal of Sustainable Development & World Policy, Conscientia Beam, III-۱, ۲٥-۳۰

۱۷٥ -TANG, C. F. (۲۰۰۹), “The Linkages among Inflation, Unemployment and Crime Rates in Malaysia”, International Journal of Economics and Management, III-۱, ٥۰ – ٦۱.

موارد است. اینکه فقر چگونه بوجود آمده خود موضوع حایز توجهی است و دیدگاه های مختلف در این باره مطرح است. در زیر مجموعه ی دیدگاه فردگرایانه، تاکید برخی از علماء بر ویژگی های ارثی و ژنتیکی و بهره مندی از هوش مطرح است. براساس مطالعاتی که انجام شده ، افراد با ضریب هوشی پایین بیشتر از افراد با ضریب هوشی بالا فقیر هستند. ضریب هوشی هرنشتاین و موری از این همبستگی استنباط می کنند که توانایی شناختی ارثی بر وضعیت اقتصادی تأثیر علّی دارد، یعنی هوش پایین منجر به فقر می شود یا به عبارتی هوش پایین علت فقر است. آنها به دو دلیل به این نتیجه می رسند. اول اینکه، آنها هوش را به عنوان یک علت و نه به عنوان یک معلول در نظر می گیرند. آنها از تلقی هوش به عنوان "واکنش به شرایط اجتماعی" امتناع می ورزند.آنها همچنین از تلقی فقر به عنوان چیزی که رفتار و نتایج و سبک زندگی را شکل می دهد، امتناع می ورزند. آنها همچنین از این واقعیت غفلت می کنند که کودکان فقیر درخانواده های فقیر بزرگ می شوند و اغلب در مسکن فقیرانه و در محله های فقیرنشین زندگی می کنند و در مدارس مناطق فقیر تحصیل می کنند. آنها به طور نامتناسبی از رژیم های غذایی ناکافی و از شرایط روحی و جسمی نا مناسبی که سلامتشان را به مخاطره می اندازد، رنج می برند. در ایالات متحده ، اگر آنها آفریقایی –آمریکایی یا لاتین تبار باشند، تعصب و تبعیض، تفکیک مناطق مسکونی و انزوای اجتماعی را تجربه می کنند. کودکانی که در فقر به دنیا می آیند با آسیب های متعدد و انباشته ای روبرو هستند. تحت این شرایط اگر نمرات ضریب هوشی آنها کمتر از حد متوسط نباشد، چیزی همانند معجزه خواهد بود.[۱۷۶] به این ترتیب باید نتیجه گیری هرنشتاین را اینطور اصلاح کرد : "اینطور نیست که هوش پایین به موقعیت پست می انجامد ، بلکه محرومیت منجر به نمرات آزمون هوش پایین می شود."

برچسب فقیر یا طبقه پایین دست تمرکز را از مشکلاتی که افراد فقیر تجربه می‌کنند، مانند تبعیض، جداسازی، مدارس با بودجه کم، و فرصت‌های شغلی ناکافی، و انواع محرومیت ها به مشکلاتی که ظاهراً باعث ایجاد آن‌ها می‌شوند، مانند جرم و جنایت، خشونت، و مواد مخدر تغییر داده است، در حالی که مفهوم طبقه فرودست عموماً فقط برای اقلیتی از فقرا، عمدتاً ساکنان محله های بد نام و یا زاغه نشینان شهری، به کار می رود، انتشار گسترده این برچسب جذاب، تأثیری در تعریف مجدد مشکل فقر داشته است.[۱۷۷] در نقد تعاریف فردگرایانه از فقر، چارلز موری، که احتمالاً با نفوذترین سخنگوی محافظه کار در سیاست های اجتماعی در ایالات متحده آمریکاست ، معتقد است " عدم مشروعیت (نظام سیاسی) تنها مهم ترین مشکل اجتماعی زمان ما است، حتی مهمتر از جرم و

---

۱۷۶ - Edward Royce(۲۰۰۹),Poverty and power: a structural perspective on American inequality ,Rowman & Little field Publishers, Inc ,p۳۸.

۱۷۷ - Edward Royce(۲۰۰۹),Ibid, p۴۹.

جنایت، مواد مخدر، فقر، بی سوادی، نابرابری ، یا بی خانمانی، زیرا عامل همه اینهاست و همه چیز را هدایت می کند."[۱۷۸]

(محمد عمران و مشرف حسین،۲۰۱۸) در مقاله ای با هدف پی بردن به تأثیر فقر بر جرم و جنایت در ایالات متحده به بررسی پرداخته اند و با استفاده از داده‌های سری زمانی در بازه زمانی ۱۹۶۵ تا ۲۰۱۶، از رویکرد خودرگرسیون با وقفه ی توزیع‌شده برای شناسایی تأثیر فقر بر جرم استفاده کرده اند. یافته های تحقیق آنها نشان می دهد، یک رابطه مثبت هم جمعی بین فقر و جرایم مالی تأیید می شود و برآن مبنا می توان استدلال کرد که فقر در نهایت منجر به جرایم مالی در دراز مدت در ایالات متحده می شود. با این حال، بیکاری و تولید ناخالص داخلی نه رابطه بلندمدت و نه کوتاه مدت با جرایم مالی نشان نمی دهند و برای دوره بررسی شده با هم ترکیب نمی شوند. نتایج این تحقیق به توضیح و تحلیل رابطه بین فقر و جرم و جنایت در ایالات متحده کمک می کند. پیامدهای عملی دولت و سیاستگذاران برای کنترل جرایم دارایی باید بیشتر بر موضوع فقر تمرکز کنند تا بیکاری. [۱۷۹] در تحقیق دیگری که باز هم در آمریکا انجام شده است، (بلک تیلور، ۲۰۰۶) براساس نتایج مطالعاتش معتقد است : اثرات فقر بر جرم را می توان از طرق مختلفی توضیح داد . میزان بیماری و ناراحتی های روحی و روانی در فقرا بیشتر از ثروتمندان است. فقر می تواند منجر به سطوح بالایی از استرس و فشار شود که به نوبه خود ممکن است افراد را به ارتکاب دزدی، سرقت یا سایر اعمال خشونت آمیز سوق دهد. علاوه بر این، فقر ممکن است منجر به ترک تحصیل و یا ضعف و افت تحصیلی جوانان و نوجوانان شود، که باعث می شود این گروه از جوانان کمتر روی دسترسی به ادامه تحصیل در مدارس، یا کسب مشاغل و الگوهای باکیفیت زندگی مانند کار و ازدواج حساب کنند، این موضوع هزینه های فرصت از دست رفته ناشی از ارتکاب جرم و جنایت را کاهش می دهد و احتمال گذراندن وقت جوانان در خیابان با باندهای تبهکار و مشارکت و همکاری با مجرمان حرفه ای را افزایش می دهد.[۱۸۰]

در ایران ، فقر، نابرابری و فساد بیش از چهار دهه پیش در تاریخ این کشور به وقوع یک انقلاب بزرگ منجر شد. انقلابی که توسط بنیانگذار و رهبر آن بنام انقلاب پابرهنگان یا مستضعفان نامگذاری شد. اتلاف و اسراف منابع عمومی توسط دولتی ها و فقر و محرومیت گسترده در میان توده ها، یکی از مهمترین نقدهای اجتماعی بنیادگرایان در انقلاب سال ۱۹۷۹م (۱۳۵۷ ش) بود. فقر توده ای علاوه بر روستاها به ویژه بصورت عریان تری در شهرهای بزرگ خودنمایی می کرد. فداییان اسلام و دیگر گروه های بنیادگرای مذهبی شیعه در ایران در کنار گروه های چپ مخالف سلطنت، برموج نارضایتی های عمومی ناشی از فقر و محرومیت توده ها سوار شده و انقلاب اسلامی را

---

۱۷۸ - Ibid.

۱۷۹ - IMRAN, M., HOSEN, M., and CHOWDHURY, M. A. F. (۲۰۱۸), “Does Poverty Lead to Crime? Evidence from the United States of America”, International Journal of Social Economics, XLV-۱, ۱٤۲٤-۱٤۳۸.

۱۸۰ - ” Blake Taylor,(۲۰۰٦): Poverty and Crime”: http://economics.fundamentalfinance.com/povertycrime.php

به پیش بردند. گروه های اسلامگرا مانند فداییان اسلام در اعلامیه های خود از بدبختی توده ها در تهران گلایه می کردند و می گفتند : " نیمی از ملت فقیر و گرسنه هستند و به خاطر جنایات و فساد و کلاهبرداری خائنین به کشور و ثروتمندان به فحشا کشیده شده اند... ". فقرا عمدتا از بیکارانی بودند که از سرما در زمستان و گرما در تابستان رنج می بردند و نمی توانستند خانواده خود را سیر کنند و در گوشه خیابان گرسنگی می کشیدند، در حالی که نخبگان ثروتمند و فاسد و مقامات دولتی توجهی به آنها نداشتند.[۱۸۱] اکنون که بیش از چهاردهه از آن انقلاب گذشته است و از قضا کسانی در این مدت زمامدار حکومت بوده اند که خود را فداییان اسلام و مدافعان راستین مستضعفین معرفی می کردند، شاخص های مختلف توسعه و رفاه نسبت به چهار دهه پیش اگر چه ارتقا یافته است، اما در مقایسه با شرایط و زمانه ای که درآن قرار داریم و با شاخص هایی که وضعیت پیشرفت و رفاه در ایران را با سایر کشورهای همتراز در منطقه و اقتصادهای دیگر قابل سنجش و ارزیابی می نماید، و با توجه به افزایش رشد جمعیت ۸۵ میلیونی در مقایسه با جمعیت ۳۵ میلیون نفری چهار دهه پیش، شرایط زندگی و معیشت مردم دشوار تر و شکاف فقیر و غنی بیشتر و فقر و بی عدالتی گسترده تر و در مهمترین شاخص های اقتصادی، وضعیت بغرنج و نامطلوب است. اخیرا به دنبال وخیم تر شدن اوضاع اقتصادی درکشور و کاهش شدید قدرت خرید اکثریت مردم به دلیل افزایش تورم و نرخ بالای بیکاری، تعداد زیادی از جامعه شناسان، اقتصاددانان و صاحب نظران مسائل اجتماعی کشور علاوه بر کنشگران سیاسی منتقد سیاست های دولت، هشدارهایی با عنوان "احتمال شورش گرسنگان " را از یکی دو سال پیش به تدریج مطرح نمودند که اگرچه برخی این تعبیر را توهین به مردم تلقی کردند، اما از یک واقعیت تلخ پرده برمی داشت که پیامدهای آن را به صورت اعتراضات گسترده خیابانی در سراسر کشور و طی سالهای بعدی مشاهده کردیم. جنبه های اعتراضی دیگر شامل صدور هشدار و بیانیه و جملات اعتراضیه و اعتصاب و تجمعات اعتراضی از سوی کارگران بیکار شده در بنگاه های ورشکسته و یا واگذار شده به بخش خصوصی و تجمعات بازنشستگان بوده است. از جمله اعتراضات عمومی این است که چرا دولت مرتکبین جرائم کوچک را در ملاء عام نشان می دهد و آنها را شلاق می زند، و یا حد اجرا می کند، اما مرتکبین جرائم بزرگ و اختلاس های چند صد میلیاردی را فقط با حروف الفبا مشخص می کند. سلامت جامعه در شرایطی اتفاق می افتد که اول اصلاح را از خودمان شروع کنیم و این یعنی دولت و حاکمیت اصلاحات را اول از خودش شروع کند.[۱۸۲]

از نقطه نظر مطالعات آکادمیک در ایران، موضوع فقر با حاشیه نشینی شهری و بزهکاری در هم تنیده است ، زیرا پدیده فقر در شهرهای کشور به دلیل عریان بودن اختلاف طبقاتی و شکاف فقیر – غنی، بیشتر خود نمایی می کند.

---

۱۸۱ - Pious passion(۱۹۹۳), the emergence of modern fundamentalism in the United States and Iran, Martin Riesebrodt; translated from the German by Don Reneau. University of California Press,p ۱۳۱.

۱۸۲ – فقر چگونه به ارتکاب جرم منجر می شود؟(۱۸ دی ماه ۱۳۹۵) :ر. ک به :

https://www.tasnimnews.com/fa/news/۱۲۸۷۵۷۱/۱۸/۱۰/۱۳۹۵

در روستاها اغلب همه در یک سطح کم و بیش یکسان زندگی می کنند، هرچند که در برخی مناطق روستایی کشور مانند مناطق جنوب و شرق کشور وضعیت فقر به مراتب بدتر از حاشیه شهرهاست و از قضا برحسب نتایج برخی مطالعات، فقر روستاییان به مهاجرت آنها و اسکان در حاشیه های شهرها منتهی شده است.[۱۸۳] مطالعات متعددی در مورد حاشیه نشینی، فقر و جرم در ایران انجام شده است.[۱۸۴] محسنی اژه ای که هم اکنون ریاست قوه قضاییه در ایران را برعهده دارند و در سال ۱۳۹۵ معاونت این قوه را برعهده داشتند، درمصاحبه ای با خبرگزاری ها در همان سال اعلام کردند که :"فقر ناشی از بیکاری از بزرگترین علت وقوع جرم در کشور ما است. جرائم مالی خُرد مانند سرقت را داریم که بیش از ۹۹ درصد جرائم خرد ناشی از فقر مجرمان و تبهکاران است و این مجرمان هدف محاکمات ما نیستند. باید زمینه‌های ارتکاب جرم را از جلوی پای آنها برداشت، زیرا اگر این افراد کار داشته باشند به هیچ عنوان به سمت این قبیل رفتارهای نابهنجار نمی‌روند." وی با اشاره به اینکه بر اساس آمارها، بیشترین اتهامات کیفری در دادگستری های سراسر کشور "سرقت" است گفت: هیچ کس منکر این نمی شود که یکی از مهمترین عوامل دزدی ، فقر و بیکاری وگرانی است.[۱۸۵] طبق گزارش سالنامه آماری مرکز آمار ایران شمار سرقت‌های سال ۹۵ حدود ۳۴۳ هزار و ۴۲۵ فقره بوده که در سال گذشته (۱۳۹۹) و بنا به اعلام قوه قضائیه شمار سرقت‌ها به حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار فقره رسیده است. بر اساس گزارش سالنامه آماری مرکز آمار ایران در سال ۸۵ شمار سرقت‌ها در کشور حدود ۱۳۰ هزار و ۴۹۵ فقره بوده است. این روند فزاینده از افزایش سرقت که به تعبیر رئیس وقت پلیس آگاهی تهران بزرگ در مصاحبه با ایلنا اعلام کرد: " ۵۰ درصد سرقت‌های ایران سرقت اولی هستند و به عبارتی سارقان برای اولین بار دست به سرقت زده‌اند"، نشان از یک فروپاشی اخلاقی اجتماعی ناشی از فقر و نابرابری دارد. فرمانده فراجا نیز اعلام کرد، از سال ۹۷ که قیمت ها افزایش یافت، آمار سرقت ها نیز ۳۰ درصد بالا رفت، این مهم نشان دهنده این است که مسائل اقتصادی در نرخ جرایم خیابانی تاثیرگذار است.[۱۸۶]

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ریشه کن نمودن فقر از تکالیف دولت و حکومت برشمرده شده است و اصل ۴۳ قانون اساسی ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای شهروندان را مورد توجه قرار داده است. کاملا بدیهی است، افزایش فقر از طریق افزایش شمار جرایم و جنایات به افزایش سطح ناامنی در جامعه منتهی می گردد.

---

۱۸۳ –ساسان اسفندیاری ، صدیقه نبی ئیان(۱۳۹۷)، بررسی تاثیر فقر بر مهاجرت از روستا به شهر در ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه » شماره۱۰۱.

۱۸۴ – بررسی تأثیر فقر بر وقوع جرم در ایران: دی ماه ۱۳۹۵

۱۸۵ - https://www.tasnimnews.com/fa/news/ ۱۳۹۵/۱۰/۱۸/۱۲۸۷۵۷۱.

۱۸۶ – گزارش خبری آفتاب نیوز با عنوان ، کورس تورم و سرقت؛ آمار سرقت در ایران ۴ برابر شد : https://aftabnews.ir/fa/news/۷۷۸۳۲۲/ همچنین ر. ک به : گزارش تسنیم ۲۲ خرداد ماه ۱۴۰۱ : افزایش آمار سرقت سالیانه از ۲۰۰ هزار به ۱,۴ میلیون فقره طی ۱۲ سال!/ تبدیل قوه قضائیه به سرریز سهل‌انگاری‌های همه دستگاه‌ها : سال ۱۳۸۸ تعداد ۲۰۰ هزار سرقت به ثبت رسیده بود که متأسفانه این آمار برای سال ۱۴۰۰ ناراحت‌کننده است؛ به‌نحوی که آمار یک میلیون و ۴۰۰ هزار سرقت در سال ۱۴۰۰ به ثبت رسیده است و در طول ۱۲ سال آمار سرقت در کل کشور ۷ برابر شده است!

کیف قاپی، موبایل ربایی و حتی کلاهبرداری در جامعه رو به افزایش است! اینها ساده‌ترین راه و روش برای امرار معاش شخصی که در فقر مطلق به سر می‌برد عنوان شده است. هیچ فردی یا افرادی برای سرگرمی و تفریح دست به چنین اعمالی نمی‌زند. فشار ناشی از فقر بر افرادی که با پوست و گوشت و استخوان‌شان این موضوع را لمس کرده‌اند تاثیرات زیادی می‌گذارد. این افراد دچار استرس و فشار روحی روانی فراوان و افسردگی شدید می‌شوند. مشاهده نابرابری اقتصادی و طبقاتی در واقع در افرادی که دچار مشکلات مالی شدید هستند ، اختلال روانی ایجاد می کند، اما نمی توان گفت صرفا اختلالات روانی باعث شده است که چنین افرادی دست به جرم بزنند. آمارهای رسمی در کشور نشان می‌دهد که درصد بالایی از افراد جامعه به علت فقر دچار اختلالات روحی و روانی هستند و میزان خشونت خانگی و خیابانی افزایش یافته است. شخصی که نتواند درآمد کافی داشته باشد تا زندگی سالم و با نشاط را تجربه کند، ورزش کند، آموزش‌های لازم را ببیند ، به ناچار مرتکب جرم می‌شود. همان‌گونه که ذکر شد مهم‌ترین علت ارتکاب جرایم های خیابانی مانند سرقت و خشونت، فقر است.[۱۸۷]

(محمدی و باقری کشکولی، ۱۳۹۳) در بررسی رابطه بین فقر و گسترش انواع مختلف خشونت های شهری در سطح محلّه های شهر یزد مطالعاتی را انجام داده اند. جامعه آماری، افراد مجرم در۴۳ محلّه شهر یزد بوده است. شاخص های تحقیق شامل: شاخص های فقر به عنوان متغیرهای مستقل و شاخص‌های خشونت شهری به عنوان متغیرهای وابسته تعریف شده اند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی ارتباط بین متغیرهای تحقیق، از آزمون‌های آمار استنباطی مانند: ضریب رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر و همچنین از شاخص نزدیکترین همسایه و مدل ویکور برای رتبه بندی میزان خشونت در محلّه‌های شهر یزد استفاده شده است. یافته ها نشان می دهد اکثر محلّه‌هایی که دارای بیشترین میزان فقر هستند؛ غالباً نقاط داغ خشونت نیز در همان محلّه‌ها بوده است. بر اساس مدل تحلیل مسیر، شاخص پایین بودن میزان درآمد و بیکاری دارای بیشترین تأثیر و دسترسی به خدمات، دارای کمترین تأثیر در افزایش فقر و خشونت شهری می‌باشند. همچنین در مورد اثر مستقیم، مؤلفه سطح سواد دارای کمترین اثر و مؤلفه میزان بیکاری دارای بیشترین اثر در افزایش خشونت های شهری شناخته شده است که ضریب همبستگی چندگانه با مقدار ۰/۷۴۱ رابطه بین گسترش میزان فقر و افزایش میزان خشونت و کاهش احساس امنیت در سطح محلّه‌های شهر یزد را تأیید می نماید.[۱۸۸]

---

۱۸۷ – رد پای فقر در پرونده‌های کیفری: : گفتگوی عبدالصمد خرمشاهی با «روزنامه اعتماد": ۲۶ دی ماه ۱۴۰۰ :
https://www.etemadnewspaper.ir/fa/main/detail/۱۷۹۷۲۵

۱۸۸ – جمال محمدی، علی باقری کشکولی،(۱۳۹۳)، تحلیل تطبیقی رابطه بین فقر و خشونت شهری با استفاده از مدل ویکور (مطالعه موردی: محلّه‌های شهر یزد)، یزد)، مجله جغرافیای اجتماعی شهری،دوره ۱، ش ۱.صص ۱۲۵–۱۵۰.

در ایران مطالعات متعددی در مورد وضعیت مناطق فقیرنشین در حاشیه کلانشهرها و جرم خیزی این مناطق انجام شده است. چنانکه اشاره شد ، مطالعات متعدد ملی و بین‌المللی، مؤید رابطه قطعی بین حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی و کانون های ارتکاب انواع جرایم مانند خرید و فروش مواد مخدر است. فقر و تمرکز فقرا در این مناطق، زمینه‌ساز انواع آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی است و این منحصر به یک کشور خاص نیست. (سیاهپوش،۱۴۰۰)در مطالعه ای مناطق حاشیه‌نشین خرم‌آباد را مورد بررسی قرار داده و این مناطق حاشیه ای را کانون اصلی ارتکاب جرم و انواع آسیب‌های اجتماعی به‌خصوص سرقت و اعتیاد گزارش داده است. درپژوهش مذکور از روش تحلیل اسناد و پرونده های جرایم موجود در مراکز انتظامی برای بررسی رابطه تمرکز فقر در مناطق حاشیه نشین و جرم خیزی این مناطق استفاده شده است. حجم نمونه استفاده شده شامل ۱۸۲۵ پرونده است. افزون بر آن، از نتایج دیگر پژوهش ها برای تکمیل داده های تحقیق نیز استفاده شده است. براساس نتایج این تحقیق، در زمان انجام مطالعات نرخ بیکاری در استان لرستان حدود ۲۰ درصد و در خرم آباد مرکز استان ۲۰ درصد و در نمونه مورد بررسی بیکاری معادل ۴۶ درصد گزارش شده است. ۶۷ درصد کل مجرمان بیکار در مناطق فقیرنشین ساکن بوده اند و نرخ بیکاری در میان کل مجرمان بیکار در خرم آباد معادل ۶۰ درصد بوده است. این نرخ بیکاری بسیار بالا نشان می دهد که افراد مجرم تقریبا راهی به جز ارتکاب جرم برای تامین معاش خود ندارند.[۱۸۹]

گزارش های متواتر و مستند زیادی وجود دارد که نشان می دهد، در دوران همه گیری کرونا در ایران، در مناطق روستایی، و استانهای مرزی و مناطق حاشیه ای در کشور خانواده های زیادی به دلیل فقر ناتوان از خرید ابزار و تجهیزات آموزش مجازی از راه دور مانند تلفن هوشمند و تبلت برای فرزندانشان بودند و در نتیجه دانش آموزان و دانشجویان زیادی از طبقات فقیر جامعه، از تحصیل بازماندند. بعلاوه صدها گزارش ویژه و مقالات تحقیقی مختلف که به علل، پیامدها و ریشه های فقر در ایران پرداخته اند، تایید می کنند که گسترش فقر در خانواده های ایرانی به طلاق و از هم پاشیدگی خانواده ها ، به کاهش نرخ ازدواج در میان جوانان و به کاهش نرخ فرزند آوری درکشور منجر شده است. بسیاری از صاحب نظران براین اعتقاد و باور هستند که "فقر ام المفاسد" است و دولتی که رفع فقر را هدف سیاست ها، برنامه ها و اقدامات عملی خود قرار ندهد، خود عامل اصلی فساد و مصداق عینی جرم و فساد است. واقعیت این است که بزرگترین شر جهان معاصر و مرگبارترین سلاح کشتار جمعی و بزرگترین طرح تروریستی عصر ما، فقر فراگیر در میان ملت هاست. فردی که اسیر فقر است، فقط می‌تواند در ترس و نگرانی از آینده تاریک فردایش به حیات خود ادامه دهد .دنیایی که در آن میلیون‌ها نفر در وحشت ناشی از فقر زندگی می‌کنند و می‌دانند دیر یا زود خود یا عزیزانشان از گرسنگی و یا بیماری خواهند مرد، جهنمی بیش نیست. خصوصا

۱۸۹ - امیر سیاه پوش،(۱۴۰۰)، تأثیر تمرکز فقر در مناطق حاشیه نشین بر آسیب های اجتماعی و را ههای مقابله با آن، دوفصلنامه مطالعات اسلامی آسیب های اجتماعی، دانشگاه شاهد، دوره۳ ، شماره۲ ، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

اگر سازو کارها و مناسبات قدرت سیاسی و اقتصادی به گونه ای باشد که اکثریتی از افراد جامعه دچار فقر شوند و رهایی از فقر برای آن اکثریت فراهم نباشد، آن سازو کار مصداق نوعی تروریسم سیاسی و اقتصادی و نوعی رژیم آپارتاید و نسل کشی و آثار و پیامد آن همانند بکارگیری سلاح کشتار جمعی در مورد غیرنظامیان بی گناه باید تلقی گردد.

براساس نتایج مطالعات گسترده و عمیقی که در مقیاس جهانی صورت گرفته است، می توان گفت : فقر نتیجه سیاست های نابرابر جهانی از یک سو و ناکارآمدی و فساد درون حکومت ها از سوی دیگر است. از این زاویه دولت ها از نقطه نظر تئوریک به دو دسته تقسیم می شود: دولت رفاه و دولت فقر : دولت رفاه اشاره به ساختاری دارد که در آن دولت ها موظفند و خود را متعهد می دانند که رفاه و نیازهای اجتماعی اکثریت جامعه را تامین نمایند و در قبال عملکرد خود در برابر جامعه باید پاسخگو باشند، کارگزاران در این نوع دولت ها که عمدتا متکی بر آراء دموکراتیک مردم خود تشکیل شده اند ، بقای سیاسی خود را در تامین رفاه اجتماعی و جلب رضایت اکثریت مردم خود می بینند و درآن جهت تلاش می کنند ، اما دولت فقر، دولتی است که ساختاری الیگارش دارد، یک گروه حداقلی بر اکثریت جامعه حکومت می کنند و حاکمیت بقای سیاسی خود را در سیاست فقیر و ناتوان نگهداشتن توده های اکثریت مردم می بیند. این دولت ها سیاست گسترش فقر را از طریق اعمال کنترل و سلطه بر کلیه منابع اقتصادی (اقتصاد رانتی) و یا (اقتصاد دولتی) اعمال کرده و توزیع حداقلی از اعانه و کمک های نقدی و غیرنقدی یا سبد معیشتی در میان قشرهایی از جامعه که حامیان حکومت هستند را دنبال می کنند و تعمدا اکثریت جامعه را در فشار و تنگنای اقتصادی و معیشتی قرار می دهند تا فرصت اندیشه ورزی و کنش گری اجتماعی و سازمان دهی مدنی و مطالبه گری وجود نداشته باشد، بلکه با حداقل معاش پرداختی به بخشی از جامعه ، حمایت آنها را نسبت به حکومت می خرند و هر زمان که افراد وگروه هایی معترض شوند، معاش آنها و خانواده و سرنوشت آنها درگرو اراده حکومت است و چون زندگی و معیشت افراد در گرو همکاری ، همراهی و تمکین کردن از اراده حاکمیت است ، به محض کوچکترین حرکت اعتراضی، از سوی دولت مورد مواخذه و تنبیه قرار خواهند گرفت.

ازآنجا که انعکاس رفتار حکومت ها در عملکرد اقتصادی آنها نمایان می شود، نگاهی به گزارش مجامع جهانی در حوزه فقر که منعکس کننده رفتار، عملکرد و مناسبات درون و میان دولت هاست ، قابل توجه است. بطور مثال گزارشی از سازمان جهانی غذا و خوارو بار (فائو) نشان می دهد وضعیت فقر در جهان در حال تشدید است. سالیانه ۴۵ میلیون نفر در اثر فقر و گرسنگی جان خود را از دست می دهند. ۱۶۰ میلیون نفر درمعرض گرسنگی شدید قرار دارند، ۲۰۰ میلیون نفر در فقر و محرومیت شدید (با درآمد سرانه روزانه کمتر از یک دلار) زندگی می کنند و ۵۱۵ میلیون نفر (با سرانه ۲ دلار در روز) و بین ۳۰۰ تا ۴۲۰ میلیون نفر در فقر مزمن و مداوم گرفتار هستند.[۱۹۰] بیکاری در

۱۹۰ - Chronic Research Centre, ۲۰۰۴

میان جوانان از حدود ۱۲ درصد ، در ۱۹۹۳ (معادل ۸۸ میلیون نفر) به ۱۴,۴ درصد در ۲۰۰۳ و تا ۲۰۱۷ همچنان در برخی مناطق درگیر جنگ و ناآرامی تا ۴۰٪ افزایش یافته است. بیسوادی و اعتیاد و ابتلاء به HIV/AIDs نیز رقم های قابل تاملی است.[۱۹۱]

رابطه میان نابرابری و جرم

با آنکه پدیده ای بنام فقر مطلق وجود دارد، اما فقر اساسا پدیده ای نسبی است و هرگونه نابرابری در فرصت ها و بهره مندی از مواهب اجتماعی می تواند احساس محرومیت و فقر را تداعی کند. لذا اجازه دهید بحث را با طرح این پرسش آغاز کنیم که : آیا تصویب قوانین تبعیض آمیز و نابرابر خود مصداق اقدامی مجرمانه نیست ؟ و آیا اجرای تبعیض آمیز قوانین،که بدست عوامل اجرایی به فساد کشیده شده ، اقدامی مجرمانه نیست؟ وقتی به جرم و جنایت فکر می کنیم ، نباید از این واقعیت غافل شویم که تلقی اینکه فلان عمل اقدامی مجرمانه است، باید نتیجه یک تصمیم گیری جمعی باشد، که نشان دهد اکثریت مردم به طور جمعی تصمیم گرفته اند که انجام آن عمل خلاف قانون تلقی گردد. بعلاوه هر نوع جرم می تواند محصول اجتماع و مناسبات حاکم بر اجتماع باشد و بدین ترتیب است که یک عمل به جرم تبدیل می شود. با این حال، در یک روند تحول سیاسی و اجتماعی، همه صداها به یک اندازه شنیده نمی شوند و احتمالا قانون وضع شده، انعکاسی از خواست همه افراد جامعه نیست. نابرابری ممکن است نه تنها از قانون وضع شده بلکه از تفسیر و اجرای آن هم ناشی شود.[۱۹۲] (وگل،۲۰۰۷) در یک نگاه نقادانه به نقش دولت ها در بروز نابرابری منتهی به جرم و جنایت ، معتقد است، درمیان کارهای علمی مهم در مورد جامعه پرخطر، کیفر شناسی جدید، پوپولیسم کیفری و فرهنگ کنترل ساختاری مشروط، سیاست ها به شیوه هایی کاملاً مستقل از روند جرم و جنایت و بصورت متفاوتی دنبال شده است و سیاستگذاران تمایل به دور زدن تحقیقات در مورد علل وقوع جرم و بزهکاری دارند که بر پایه تحلیل های اقتصادی و اجتماعی بر نابرابری و فقر به عنوان علل بروز جرم تأکید می کند. در عوض، تصمیمات سیاسی تمایل به برجسته کردن جهت‌گیری‌های فرهنگی "مشکل‌ساز" دارند و انگشت مسئولیت را به سوی حاملان خود نشانه می‌روند و در عین حال نیروهای اجتماعی و اقتصادی که جنایت را شکل می‌دهند نادیده می‌گیرند.[۱۹۳]

(جییانگی ژو و زیلیان لی،۲۰۱۷)[۱۹۴] در مقاله ای با عنوان " نابرابری و جرم در چین" سعی کرده اند به طور جامع رابطه بین نابرابری درآمد و نرخ جرم و جنایت در چین را با ساخت یک مدل تحلیل هزینه-فایده بصورت یک نمودار U شکل بررسی کنند. آنها از داده‌های سری زمانی ۱۹۸۱-۲۰۱۲ و داده‌های تابلویی از ۱۹۹۹-۲۰۱۲ استفاده

۱۹۱ - World Youth Report (۲۰۰۵) UN, General Assembly, Economic and Social Council.
۱۹۲ - Mary E.Vogel(۲۰۰۷), Crime: Inequality and the State , Routledge.
۱۹۳ - Mary E.Vogel(۲۰۰۷), Ibid , p۲۳.
۱۹٤ - Jiangli Zhu, Zilian Li(۲۰۱۷), Inequality and Crime in China, Front. Econ. China ۲۰۱۷, ۱۲(۲): ۳۰۹–۳۳۹

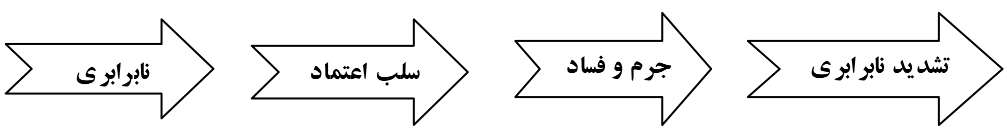
کرده اند. نتایج تجربی تحقیقاتشان نشان می دهد که: اولاً در مدل سری زمانی، روابط U شکل بین نابرابری و میزان جرم کل و نرخ جرایم مختلف به جز قاچاق در دوره (سال‌های ۱۹۸۱-۲۰۱۲) بسیار معنادار است. ، ثانیاً، مدل‌های آستانه پانل نشان می‌دهند که نابرابری و جرم در طول سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۱۲ با یکدیگر همبستگی مثبت دارند، زیرا سطح نابرابری در این دوره بسیار بالاتر از نقاط عطف نابرابری برآورد شده در سری‌های زمانی است.تغییر بلندمدت در نابرابری درآمدی از ۱۹۸۱-۲۰۱۲ بصورت نسبت درآمد شهری به روستایی در طول سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۲ تقریباً ۲۰ درصد رشد نشان می دهد ، اگرچه این روند سه تغییر جزئی را در طول سال های : ۱۹۸۳-۱۹۸۵، ۱۹۹۵-۱۹۹۷ و ۲۰۰۹-۲۰۱۲ نشان می دهد. شاخص Theil نیز همین روند را نشان می دهد. همچنین با نگاهی دقیق به نسبت دسته های مختلف پرونده های کیفری از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۲، مشخص می شود که جرم سرقت به عنوان نوعی جرایم دارایی با نسبت ۷۲,۰۸ درصد بیشترین کل پرونده های جرایم را به خود اختصاص داده است. این بدان معنی است که جرم سرقت در چین در همین دوره رایج ترین مورد از جرایم بوده است. علاوه بر این، دستبرد به عنوان یکی دیگر از جرایم دارایی نیز با نسبت ۵,۷۶ درصد دومین عنوان از فهرست جرایم را به خود اختصاص داده است. نرخ جرایم اموال شامل سرقت، آدم ربایی (زنان و کودکان)، دستبرد، کلاهبرداری، قاچاق و جعل (ارز و غیره) به نسبت ۸۲,۴۷ درصد اضافه شده است که بسیار بالاتر از میزان کل جرایم خشن از جمله قتل، جراحت و تجاوز جنسی در چین (یعنی ۶,۹۶٪) است.

آنان نتایج تحقیق خود را با طرح این سوال که چرا نرخ جرم و جنایت با نابرابری به طور غیرخطی تغییر می کند؟ اینگونه تحلیل کرده اند : " ما می توانیم پاسخ هایی را از تاریخچه توسعه چین پیدا کنیم. قبل از سیاست باز گشایی درهای اقتصاد و انجام اصلاحات در سال ۱۹۷۸، چین کمونیست ، رویه برابری طلبانه ای با عنوان " همه از یک دیگ بزرگ بخورند" یا "چی داشیتانگ (به زبان چینی)" را اجرا می کرد. کل جامعه از این قاعده انصاف مطلق پیروی می کرد که نمی توانست مردم را برای کار و تولید کارآمدتر و بهره وری بیشتر ترغیب کند. در نتیجه، همه مردم در فقر و قناعت به سر می‌بردند و آن‌هایی هم که بیشتر کار می‌کردند یا سهم بیشتری از متوسط داشتند، به تدریج اشتیاق به تولید را از دست دادند و نسبت به نظم اجتماعی موجود کینه زیادی داشتند. بدتر از آن، برخی از مردم که از وضعیت فقیرانه خود راضی نبودند، شروع به دستبردها و اخاذی های غیرقانونی کردند که در نتیجه ی آن نرخ سرقت و دستبرد نسبت به سایر جرایم اقتصادی افزایش یافت.[۱۹۵] با این حال، در بیست سال اخیر از دهه ۱۹۹۰ به این سوی ، مناطق توسعه یافته در چین نتوانستند به روند توسعه در مناطق کمتر توسعه یافته ، آنطوری که انتظار می رفت، کمک کنند. بدتر از آن، این مناطق کمتر توسعه‌یافته بیشتر عقب می‌افتند و شکاف درآمد منطقه‌ای در حال افزایش بود. نابرابری فزاینده درآمد ناگزیر باعث ایجاد اختلافات اجتماعی شد که نارضایتی، خشم و انتقام

۱۹۵ - Jiangli Zhu, Zilian Li(۲۰۱۷),Ibid

اقشارکم درآمد را به همراه داشت. آنها شروع به ابراز نفرت کردند و برای سهم خود به طور غیرقانونی جنگیدند و دست به ارتکاب جرایم مختلف مالی زدند. در این مرحله، نیز نرخ جرم و جنایت بدون شک شروع به افزایش کرده است.[۱۹۶]

(اریک ام. اوسلانر،۲۰۱۷) با طرح این سوال که چرا فساد در دوره های زمانی طولانی ادامه دارد؟ و چرا حذف آن اینقدر دشوار است؟ معتقد است که فساد عمیقاً ریشه در ساختارهای سیاسی، اجتماعی و تاریخی یک کشور دارد. وی برپایه مطالعات انجام شده می گوید، یک رابطه آماری قوی بین سطوح آموزش همگانی در سال ۱۸۷۰ و سطوح فساد در سال ۲۰۱۰ در ۷۸ کشور جهان وجود دارد. او استدلال می کند که معرفی اولیه آموزش همگانی با سطوح برابری اقتصادی و تلاش برای افزایش ظرفیت دولت مرتبط است. جوامع با آموزش برابرتر به شهروندان فرصت و قدرت بیشتری برای مقابله با فساد می دهند. بنابراین او نابرابری در بهره مندی از نظام آموزش همگانی را در جرم و فساد عامل ریشه دار و موثری می داند. او شواهدی برای این استدلال از مدل های آماری ارائه شده بدست داده است. مطالعات موردی از شمال و جنوب اروپا، آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین، ایالات متحده، کانادا، استرالیا و نیوزیلند.[۱۹۷] او استدلال می کند (اوزلانر، ۲۰۰۸، فصل ۲) که فساد بخشی از "تله نابرابری"[۱۹۸] است، جایی که نابرابری، بی اعتمادی و فساد متقابلاً به تقویت یکدیگر منتهی می شوند : مدل او چنین است :



نابرابری از طرق زیر باعث ایجاد فساد می شود:

۱) باعث می شود شهروندان عادی سیستم را در مقابل خود ببینند. (Uslaner, ۲۰۰۲, ۱۸۱-۱۸۳).

۲) حس وابستگی متقابل شهروندان عادی را مخدوش و حس بدبینی برای آینده را تقویت می کند، که به نوبه خود دستورات اخلاقی رفتار صادقانه با همسایگان و همشهریان و هم نوعان خود را تضعیف می کند

۳) به تحریف و انحراف نهادهای کلیدی عدالت در جامعه مانند دادگاه‌ها منتهی می شود، که در نتیجه شهروندان عادی آنها را دیگرملجاء و پناهگاه و حامیان خود در برابر بدخواهان نمی‌دانند. در نتیجه فساد و نابرابری به تقویت یکدیگر می پردازند و حس اخلاقی زیستن را در جوامع ویران می کنند.

در این الگوی نابرابر، فقرا به عنوان مخدومان جامعه توسط روسا، بزرگان و طبقات ممتاز در جوامع فاسد به دام می افتند. سپس طبقه ممتاز و ثروتمندان منابع جامعه را بین خودشان "بازتوزیع" می‌کنند و با کنترل همه نهادهای

---

۱۹۶ - Ibid

۱۹۷ - Eric m. uslaner(۲۰۱۷), The Historical Roots of Corruption: Mass Education, Economic Inequality, and State Capacity ,Cambridge University Press.

۱۹۸ - inequality trap

جامعه، قدرت را به نفع خود تثبیت می کنند. اوزلانر معتقد است : " نابرابری برای امنیت حقوق مالکیت و در نتیجه برای رشد اقتصادی مضر است، زیرا ثروتمندان را قادر می‌سازد تا نهادهای سیاسی، نظارتی و قانونی جامعه را به نفع خود بکار اندازند. اگر فردی به اندازه کافی ثروتمندتر از دیگری باشد و دادگاه ها فسادپذیر باشند، آنگاه نظام حقوقی به نفع ثروتمندان خواهد بود و نه به سود عدالت. به همین ترتیب، اگر نهادهای سیاسی و نظارتی را بتوان با ثروت یا نفوذ به کنترل درآورد، به نفع افراد مستقر خواهند بود، نه به نفع شایستگان ونه به نفع کارآمدی. این امر به نوبه خود باعث می‌شود که افراد دارای موقعیت از ابتدا اقدامات مضر اجتماعی را دنبال کنند ، زیرا می دانند و تشخیص داده اند که سیستم‌های حقوقی، سیاسی و نظارتی آنها را به پاسخگویی وا نمی دارد.[۱۹۹]

جوامع نابرابر، علاوه بر "تله نابرابری" ممکن است با یک مشکل موازی دیگر بنام "تله فساد"[۲۰۰] مواجه شوند. کشورهایی که با سطح بالایی از فساد مواجه هستند، نمی توانند مالیات ها را برای راه اندازی برنامه های اجتماعی و آموزشی به منظور کاهش فقر افزایش دهند، زیرا فساد منجر به سطح بالایی از بی اعتمادی به توانایی های دولت برای رفع محرومیت ها منتهی می شود. بنابراین دولت نمی تواند :

(الف) مالیات را به شیوه ای منصفانه و کارآمد جمع آوری کند.

(ب) برنامه ها را به شیوه ای شایسته و منصفانه اجرا کند. [۲۰۱]

وقتی در دولت فساد بالا و شایستگی پایین است ، افراد اعتماد خود را به دولت از دست می دهند و دولت را ناتوان از انجام اصلاحات می بینند و در چنین مواردی حتی افرادی که ترجیح می‌دهند برابری اقتصادی بیشتر باشد، از حمایت خود نسبت به برنامه هایی که به دنبال افزایش سطوح بالاتر هزینه‌های عمومی (و مالیات‌های بالاتر) است، خودداری می کنند، زیرا دولت را صالح و توانمند برای این منظور نمی دانند.[۲۰۲]

در تحقیقاتی دیگر (کوری ،۱۹۹۸) تمرکز خود را به تأثیر گسترش زندان بر خشونت معطوف نموده است و نشان می دهد که نابرابری و "شبکه ایمنی" که جامعه برای آسیب‌پذیرترین اعضای خود فراهم می کند، به دلیل ظرفیت محدود آنها برای کاهش خشونت، زندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کشورهایی که شکاف گسترده ای بین فقیر و غنی دارند به طور مداوم نرخ بالاتری از جنایات خشونت آمیز را نشان می دهند (کوری، ۱۹۹۸). یافته‌ها در مورد قتل مشابه است ، به‌ویژه، با نابرابری و امنیت اجتماعی که قوی‌ترین اثرات را در مهار نرخ قتل در یک کشور نشان

---

۱۹۹ - Eric m. uslaner(۲۰۱۷), Ibid,pp۶-۷

۲۰۰ - corruption trap

۲۰۱ – این نکته مهمی است که حتی اگر دولت خود را مبرا از فساد بداند ولی باور جامعه به فاسد بودن حکومت دلالت داشته باشد، بی اعتمادی جامعه ناشی از باور به فساد در دولت به ناتوانی دولت در اجرای برنامه هایش منتهی می گردد. در چنین مواردی جلب اعتماد واقعی مردم تنها با سخنرانی وتبلیغات رسانه ای و ادعای مقامات محقق نمی شود، بلکه تنها با مقابله جدی دولت با مصادیق فساد و رفع نابرابری ها امکان پذیر است.

۲۰۲ - Eric m. uslaner(۲۰۱۷), Ibid,p۸

می دهد.[۲۰۳] به طور مشابه، کنت لند، پاتریشیا مک کال و لارنس کوهن (۱۹۹۰) دریافتند که در آمریکا یک معیار ترکیبی از " منشاء محرومیت " که شامل نسبت خانواده‌های در فقر، درآمد متوسط، درجه نابرابری درآمد، درصد جمعیت سیاه‌پوست، و درصد کودکانی که با یک والد زندگی می کنند "به مراتب قوی‌ترین و پایدارترین تأثیرات را بر روی افراد مرتکب قتل نفس(= خودکشی) یا آدم کشی دارد.[۲۰۴] مناسبات قدرت میان دولت ، بازار و نظام سرمایه داری و سیاست های فدرال در ایالات متحده نه تنها در کاهش آسیب های اجتماعی ناشی از فقر و نابرابری شکست خورده است، بلکه گاهی اوقات به طور فعال "نابرابری ساختاریافته" را تقویت کرده است.[۲۰۵]

(اسکو، ۲۰۲۱) در مقاله ای اثر رشد اقتصاد سایه بر نابرابری درآمدی در کوتاه مدت و بلند مدت را برای کشور اوگاندا بررسی کرده است. نتایج مشاهدات تجربی در این مقاله نشان می دهد که رابطه مثبت و معنی دار آماری بین اقتصاد سایه و نابرابری درآمدی در کوتاه مدت و بلند مدت وجود دارد. در طراحی مدل از اتورگرسیون برداری با وقفه توزیع شده استفاده شده است. براساس نتایج این تحقیق اندازه اقتصاد سایه بطور قابل توجهی بر نابرابری درآمدی در کوتاه مدت و بلند مدت تاثیر می گذارد. افرادی که نمی توانند در اقتصاد رسمی جذب شوند، برای تامین معاش خود وخانواده و به عنوان وسیله ای برای بقا به اقتصاد زیر زمینی و غیر رسمی کوچ می کنند. یافته های این تحقیق نشان می دهد که بخشی از نابرابری درآمدی با رشد اقتصاد غیر رسمی می تواند توضیح داده شود.[۲۰۶] از یک سوی راه اندازی کسب و کارهای خارج از نظام رسمی اقتصادی به تخصیص غیر بهینه و ناکارآمد منابع اقتصادی منتهی می گردد و از سوی دیگر نابرابریهای درآمدی تاثیر منفی بر روی رشد اقتصادی می گذارد. در کنار هم قرار گرفتن نابرابری درآمدی و رشد اقتصاد سایه، وضعیت نا مطلوبی را برای اقتصاد رسمی رقم می زند. (استیگلیتز، ۲۰۱۲) معتقد است، سطح بالا و پایدار نابرابری درآمدی، در کنار رشد اقتصاد سایه ، هزینه های اجتماعی زیادی به جامعه تحمیل می کند و توانایی دولت را در بهبود و ارتقاء سطح رفاه اجتماعی آحاد افراد جامعه تضعیف می کند.[۲۰۷]

در ایران (مداح ،۱۳۹۰) در مقاله ای رابطه میان نابرابری درآمدی و سایر عوامل مانند فقر، جمعیت جوان و تراکم جمعیت با جرائم قتل عمد، خشونت و سرقت وسایل نقلیه با استفاده از الگوی داده های تلفیقی (ترکیب داده های

---

۲۰۳ - Mary E.Vogel(۲۰۰۷),Ibid.

۲۰٤ - Land, Kenneth, McCall, Patricia, and Cohen, Lawrence (۱۹۹۰) “Structural Covariates of Homicide Rates: Are There Any Invariances Across Time and Space?” ۹٥ American Journal of Sociology: ۹۲۲–٦۳.

۲۰٥ -Fischer, C., Hout, M., Sanchez-Jankowski, J., Lucas, H., Swidler, A., and Voss, K. (۱۹۹٦) Inequality by Design: Cracking the Bell Curve Myth. Princeton, NJ: Princeton University Press.

۲۰٦ -Stephen Esaku(۲۰۲۱),Does the shadow economy increase income inequality in the short- and long-run? Empirical evidence from Uganda , Cogent Economics & Finance (۲۰۲۱), ۹.

۲۰۷ -Stiglitz, J. (۲۰۱۲). The Price of Inequality. Pengiun UK.Tang, T. C. (۲۰۱۰). A reassessment of aggregate import demand function in the Asean-٥: A cointegration analysis. The International Trade Journal, ۱۸(۳), ۲۳۹–۲٦۸. https://doi.org/۱۰,۱۰۸۰/۰۸۸٥۳۹۰۰٤۹۰٤۷۸۱۳۱.

مقطعی - سری زمانی) در سطح استان های کشور مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل از تخمین مدل های جرم رابطه مستقیم میان نابرابری درآمدی و جرائم قتل عمد و سرقت وسایل نقلیه را با ضرایب (۰/۰۸۴) و (۱/۳۳۲) تصدیق می کند. این یافته ها نشان می دهد اولاً، نابرابری بیشتر درآمدی منجر به جرم بیشتر در سطح استان های کشور شده است. ثانیاً، نابرابری درآمدی اثر قوی تری بر جرم سرقت نسبت به قتل عمد داشته است. در میان مدل های تخمینی اثر مثبت و معنی دار فقر نیز بر جرم خشونت با ضریب (۰/۰۳۴) تأیید شده است، به این معنا که گسترش فقر، نرخ ارتکاب جرایم خشن مانند قتل غیرعمد، تظاهر به چاقوکشی و زورگیری را در سطح استان های کشور تحت تأثیر قرار داده است. علاوه بر آن اثر مثبت و معنی دار تراکم جمعیت با ضریب (۳/۳۸۱) بر جرم سرقت، درصد جمعیت (۱۹-۱۵) سال با ضرایب (۰/۳۵) و (۵/۸۵۸) بر جرائم قتل عمد و سرقت و درصد جمعیت (۲۴-۲۰) سال با ضرایب (۰/۲۳۹) و (۱/۷۳۶) بر جرائم قتل عمد و خشونت تأیید می شود که این یافته بیانگر اثر خصوصیات جمعیتی بر نرخ جرم است. نتایج این مقاله می تواند در تبیین سیاست هایی با هدف کنترل جرایم در ایران به کار گرفته شود.[۲۰۸]

(کیاحسینی و همکاران، ۱۳۹۷) در مقاله ای رابطه علیت میان نابرابری و جرم در ایران ، در بازه زمانی ۱۳۹۳-۱۳۶۳ را بررسی نموده اند. جرائم مورد بررسی در این مقاله شامل جرائم علیه اموال (اختلاس، ارتشاء، جعل، سرقت و چک بلا محل) و جرائم خشونت آمیز (جرائم قتل عمد، و ایجاد ضرب و جرح، تصرف عدوانی و مزاحمت) بوده است و از ضریب جینی به عنوان نماینده ای از شاخص نابرابری درآمدی استفاده شده است. نتایج این بررسی طول وقفه بهینه برای جرائم علیه اموال، رابطه علّیت دوطرفه بین آن و نابرابری درآمدی را تأیید نموده است. همچنین طول وقفه بهینه برای جرائم خشونت آمیز، علیّت دوطرفه دارد.[۲۰۹]

رابطه ثروت با جرم و جنایت :

تقابل فقر و غنی ریشه های تاریخی دارد. هم در درون جوامع و هم در روابط بین الملل این تقابل برجسته است. نظام بین الملل برهمین اساس متشکل از دسته بندی کشورهای شمال / جنوب یا فقیر و غنی است. در درون دولت- ملت ها هم دو گانگی و شکاف فقیر و غنی مهمترین چالش است. تورستن وبلن الهام بخش اقتصاد نهادگرا و یکی از نظریه پردازان اقتصاد سیاسی در قرن گذشته، از پیشگامانی است که طبقه مرفه و ثروتمند را آفت نظام سرمایه داری آزاد معرفی می کند. از نظر او ثروتمندان و اشراف، با شیوه زندگی پر زرق و برق خود اختلاف طبقاتی را بطور نمادینی برجسته می سازند و با ترویج فرهنگ و ارزش های تجمل گرایانه شیوه زیست دیگر طبقات

۲۰۸- مجید مداح(۱۳۹۰)، بررسی و تحلیل رابطه میان فقر و نابرابری درآمدی و نرخ انواع جرم در ایران ، مطالعات و سیاست های اقتصادی دوره ۷ - شماره ۱

۲۰۹ - سیدضیاءلدین کیاالحسینی ، ناصر الهی و محمدکرد علیوندی (۱۳۹۷)، رابطه علیت میان نابرابری و جرایم در ایران ۱۳۶۳-۱۳۹۳ ، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی(رشد و توسعه پایدار) ـ سال نوزدهم ـ شماره اول .صص ۸۳-۱۰۴.

موثر در اقتصاد را فقیرانه و حقیرانه می نمایانند و طبقات دیگر برای رفع حقارت به تقلید از سبک زندگی آنها ترغیب می شوند که نتیجه اش به ترویج فساد، بی اخلاقی، خصومت ورزی ، سرخوردگی در جامعه منتهی می شود و این روند نظام سرمایه داری آزاد را با چالش و انتقاد مواجه می کند. او البته دولت را نیز برای حل چالش دوگانگی میان فقیر – غنی ، صالح نمی داند و نسبت به عملکرد دولت ها نیز بدبین است.[۲۱۰] لیبرال های کلاسیک هم دولت را براساس تئوری رانت جویی متشکل از الیت های ثروتمندی می دانند که برای حفظ موقعیت و منافع شخصی خودشان و به زیان منافع آحاد جامعه ، دست به انواع جرم و فساد می زنند.[۲۱۱] تلاش جرم شناسانی همچون (بونگر،۱۹۰۵) و (ساترلند،۱۹۴۰) هم در واقع نشان دادن همین مساله بود که توجه جامعه ، نظام قضایی و عدالت کیفری را از جرایم متعارف و خیابانی که مختص طبقات فقیر بود ، به جرایم اقتصادی و جرایم یقه سفیدها، که به زعم آنها مختص طبقات با جایگاه اجتماعی ممتاز ، مرفهین وثروتمندان و صاحبان قدرت است، معطوف نمایند.[۲۱۲] بررسی های مختلف نشان داده است، در حالی که کارفرمایان و صاحبان مشاغل و بازرگانان می توانند اشکال متفاوتی از جرایم یقه سفید مانند فرار مالیاتی و پولشویی را اختراع کنند ، افراد ضعیف و پایین دست جامعه می توانند فعالیت های غیرقانونی مانند فحشا ، قمار و خرده فروشی مواد مخدر را انجام دهند.[۲۱۳] در هرحال از دیدگاه برخی تحلیل گران حوزه اقتصاد سیاسی جرم ، صاحبات قدرت و ثروت ، ریشه های فقر و نابرابری و دلیل ارتکاب جرم و فساد در جامعه هستند.

شاید تا زمانی که همبستگی اجتماعی در یک جامعه وجود دارد، بیشتر شهروندان مرفه از وجود فقرا احساس عذاب وجدان، نگرانی و حتی احساس گناه کنند. صرف نظر از ترس از جرم و جنایت و ناآرامی های مدنی، صاحبان ثروت به خاطر این عدم آسودگی روانی ممکن است عملاً حاضر باشند تا برای کاهش فقر از بخشی از درآمدشان صرف نظر کنند، همچنان که صاحبان قدرت (دولت ها) از بیم اعتراضات توده ها ممکن است، حقی را برای توده ها با شریک کردن آنان در قدرت قایل شوند. با این حال ثروتمندان می دانند که به عنوان یک فرد به تنهایی نمی توانند تأثیر عمده ای بر کاهش فقر داشته باشند و بنابراین انگیزه ای برای کمک به شکل اعانه به فقرا نخواهند داشت. ضمن اینکه فردگرایی رقابتی که اساس رفتار بازار را تشکیل می دهد، از طریق رقابت شدید علاوه بر اینکه ممکن است برای کارآیی مخرب باشد، می تواند پیوندهای اجتماعی را تضعیف و موجد از خود بیگانگی، بی تفاوتی یا حتی خصومت شود. این شرایط روانی به بهره وری پایین، جرم و خشونت، اعتراضات و

---

۲۱۰ – باری کلارک (۱۳۸۹)، اقتصاد سیاسی تطبیقی، ترجمه عباس حاتمی،انتشارات کویر.ص۳۲۷ و ص ۲۶.

۲۱۱ – باری کلارک، همان.

۲۱۲ - Monica Violeta Achim , Sorin Nicolae Borlea(۲۰۲۰),Economic and Financial Crime: Corruption, shadow economy, and money laundering, Switzerland: Springer,p۲۳.

۲۱۳ - Monica Violeta Achim , Sorin Nicolae Borlea(۲۰۲۰),Ibid.

اغتشاشات شهری منجر می شود که مخلّ کارایی و زمینه ساز رویارویی طبقات فقیر و غنی در جوامع نابرابر می گردد. همین مساله موجب شده تا برخی اقتصاددانان، توزیع درآمد را در زمره کالای عمومی تلقی کنند و به همین جهت مکانیزم بازار را در تخصیص کارای این کالای عمومی ناتوان می دانند و مداخله دولت را با ایفای نقش توزیع کنندگی برای رفع نابرابری ها توجیه می کنند.[۲۱۴] این به شرطی است که دولت ها نماینده واقعی اکثریت احاد جامعه باشند و خود را وامدار طبقات ثروتمند ندانند و یا تحت نفوذ طبقه ممتاز جامعه نباشد، در غیر اینصورت بعید است دولت در تحقق عدالت موفق گردد، بلکه خود بخشی از مشکل خواهد بود.

در هرحال نوع و ماهیت جرایم ثروتمندان متفاوت از فقرا است. ثروتمندان کمتر مرتکب جرم می شوند. بعلاوه آنها تعداد جرایم مشهود کمی انجام می دهند ، اما نوعا همان تعداد کم ، جرایم اغلب بسیار بزرگی از جنبه های مختلف منجمله از جهت آثار و پیامدهای مجرمانه هستند. اساسا جرایم ثروتمندان ، هم از جنبه ماهیت و هم ابعاد و هم اندازه و گسترگی ، مقدار و ارزش منافع حاصل از جرایم و پیامدهای آن قابل توجه و قابل تامل است. جرایم اقتصادی ثروتمندان، عمده و بزرگ است و بعلاوه اغلب این جرایم، سازمان یافته ، شبکه ای و مافیایی است و گاهی آثار و عواقب آن موجب اختلال در یک یا چند بازار و یا درکل نظام اقتصادی می شود. ازآنجا که غالبا ثروت و قدرت در هم تنیده و به هم پیوند خورده است، جرایم ثروتمندان، (سلاطین جرم و جنایت) تنها ماهیت اقتصادی ندارد، بلکه در زمره جرایم یقه سفید و جرایم حکومتی و سیاسی نیز می تواند جای داده شود. مهمتر از اینکه ثروتمندان طماع، ریشه های فقرند، آنها ترویج دهندگان دیدگاه فردگرایانه در مورد علل پیدایش فقر هستند و تلاش می کنند تا تعریف و روایت خود از فقر را به جامعه القاء نمایند. دیدگاه فردگرایانه فقر را عمدتاً با اشاره به انتخاب ها و اعمال فقرا توضیح می دهد. مطابق این دیدگاه ، فقرا افراد بیکفایتی هستند که دبیرستان را ترک می کنند. آنها ازدواج و تک همسری جنسی را رد می کنند. آنها فرزندان خارج از ازدواج دارند. آنها به باندهای جرایم می پیوندند، مواد مخدر استفاده می کنند و مرتکب جنایت می شوند و تنبل و مسوولیت ناپذیر هستند، از انجام کارهای مفید اقتصادی سربازمی زنند. از دیدگاه فردگرایانه، افراد فقیر قربانی تصمیمات بد و ترجیحات سبک زندگی خود هستند و از این جهت ثروتمندان ، طبقه حاکمه ، دولت ها و صاحبان قدرت نقشی در فقیر شدن فقرا ندارند.[۲۱۵] در نظام سرمایه داری آنها همچنین میلیون ها دلار را برای انتشار این پیام خرج می کنند که نشان دهند "بازار آزاد" منصفانه و کارآمد است، مداخلات دولت برای محرومیت زدایی و کاهش نابرابری ها محکوم به شکست هست و فقری که گریبان فقرا را گرفته ، تقصیر خودشان است.

---

۲۱۴ – باری کلارک (۱۳۸۹)،همان، ص ۲۱۷.

۲۱۵ -Edward Royce(۲۰۰۹),Poverty and power : a structural perspective on American inequality ,Rowman & Littlefield Publishers, Inc ,p۱٤.

نقطه مقابل دیدگاه فردگرایان، دیدگاه ساختارگرایان است این دیدگاه فقر را عمدتاً با اشاره به انتخاب ها و اقدامات افرادی که در مناصب قدرت سیاسی و اقتصادی قرار دارند، توضیح می دهد. از نظر آنها، صاحبان قدرت و ثروت ، نیروی کار را تحقیر و اخراج و تعدیل می کنند، کارخانه ها را به خارج از کشور منتقل می کنند و قراردادهای کار را یک طرفه به کارگران تحمیل می کنند، کاهش دستمزد و مزایا را اعمال می کنند. آنها کاهش در برنامه‌های تامین رفاه اجتماعی را تصویب می‌کنند، کاهش و یا معافیت مالیاتی برای کارتل های اقتصادی و طبقات ثروتمند تصویب می‌کنند، با وضع توافق‌نامه‌های تجاری به شرکت‌های چندملیتی ، به ضرر کارگران ، سود می‌برند، و قوانینی را تصویب می‌کنند که مانع از توانایی کارکنان برای تشکیل اتحادیه‌های کارگری می‌شود، تا نتوانند احقاق حق کنند. از دید ساختارگرایان، افراد فقیر قربانی تصمیمات و رفتارهای نخبگان سیاسی و اقتصادی هستند.[۲۱۶]

دو دیدگاه ذکر شده در بالا انعکاس دهندی نزاع ایدئولوژیک میان فقر و غنی است. این دو دیدگاه تصاویر شدیداً متناقضی از وضعیت جوامع به ویژه در مورد مسائل نابرابری را منتقل مـی کننـد. بطـور مثـال از منظر فردگرایـان ، جامعه آمریکا سمبل شایسته سالاری است. سخت کوشی و اراده نتیجه می دهد. از طریق جادوی بازار، پاداش‌هایی که مردم دریافت می‌کنند با سهم اقتصادی آنها مطابقت دارد. اما از منظر ساختارگرایان ، توزیـع درآمـد و ثـروت بیش ازآنکه انعکاسی از تفاوت در توانایی و تلاش و شایستگی های ذاتـی افـراد باشـد، نتیجـه تقابـل و مبـارزات اقتصادی و سیاسی گذشته و حال، و انعکاس اختلافات پایدار در کشاکش برای کسب قدرت اسـت. دو دیـدگاه فردگرایانه و دیدگاه ساختاری در مورد مسائل مختلف اختلاف نظرهای فرآوان دارند : آیـا نـابرابری‌هـای کنـونی منصفانه است یا ناعادلانه؟ آیا تحرک اجتماعی گسترده است یا محدود ؟ آیا فرصت‌های پیشرفت فراوان است یا کمیاب ؟ آیا همه بازیگران در یک زمین مسطح بازی می کنند یا در یک زمین شیبدار رقابت می‌کنند؟ آیا تبعیض نژادی و جنسیتی ، قومی و مذهبی و غیرو تاثیری بر وضعیت نابرابر موجود ندارد؟[۲۱۷] در یک شرایط آزاد تجاری و بدون سیاست مداخله گرایانه تعادل بخـش و فقـر زدایانـه از سـوی دولـت، واسـطه‌هـای مـالی (ماننـد بانـک هـا و صندوقهای تامین سرمایه) به جای کمک به کارآفرینان، نوآوران و تولیدکنندگانی که واقعاً برای حفظ یا گسترش فعالیت‌های خود به سرمایه نیاز دارند ، ترجیح می دهند، با سرمایه داران بـزرگ و یـا بـزرگ‌تـرین کمپـانی هـا و موسسات و شرکت‌های پرنفوذ و شناخته شده در بازار کار کنند. آنهایی که معمولاً در مناطق ثروتمند، توسعه یافته و برخوردار واقع شده‌اند. همچنین کارآفرینانی که توان ارائه تضامین و سپردن وثیقه های کافی برای اخذ تسهیلات مالی را ندارد، اغلب از دسترسی به منابع اعتبارت بانکی و حمایت موسسات پولی و مالی محـروم مـی ماننـد ، امـا کارفرمایان بزرگ و سرمایه داران عمده ، دسترسی راحت تری به تسهیلات مالی درشت تر دارند. این نـوع رونـد

۲۱٦ -Edward Royce(۲۰۰۹),Ibid.
۲۱۷ -Edward Royce(۲۰۰۹),Ibid ,p۱۵.

تخصیص منابع ناشی از آزاد سازی مالی، شرایط ساختاری برای بازسازی مناطق حاشیه ای و یا توسعه اقتصادهای روستایی و حمایت از کارآفرینان در مناطق محروم را با مشکلات شدید مواجه می کند و به تمرکز و انباشتگی[۲۱۸] ثروت و سرمایه در مناطق خاص شهری، صنعتی و تجاری منتهی می شود.[۲۱۹]

گزارش های ارزیابی توسط بانک جهانی نشان می دهد، سیاست آزادسازی علاوه بر افزایش تمرکز وام‌ها در دست چند بنگاه عمده اقتصادی، تمرکز منطقه‌ای اعتبارات را تشویق کرده است، فرآیندی که به‌ویژه بر اقتصادهای کشاورزی کوچک و متوسط واقع در مناطق کمتر توسعه‌یافته یک کشور تأثیر منفی می‌گذارد. بطور مثال در اکوادور، حدود ۹۰ درصد وام ها به مشتریان در دو منطقه جغرافیایی داده شده است که ثروتمندترین و قدرتمندترین نخبگان در آنجا ساکن هستند. شرکت‌های کوچک و متوسط مستقر در خارج از این مناطق، فرصت واقعی کمی برای دسترسی به وام داشتند.[۲۲۰]

پیامد انباشتگی ثروت و سرمایه در دست یک طبقه اجتماعی خاص این است که طبقات محروم باید بجای کارآفرینی و کسب استقلال مالی ، خود را در استخدام مدیران شرکت های بزرگ و در خدمت صاحبان ثروت و سرمایه های کلان قرار دهند. این روند اگرچه به وضعیتی معمول و متداول و پذیرفته شده درنظام اجتماعی موجود تبدیل شده است ، ولی تا حدود زیادی می تواند نا عادلانه و تحقیرآمیز تلقی گردد و طبقات محروم را بر علیه طبقات مرفه و ثروتمندان بشوراند. تشدید این وضعیت می تواند به اقدامات انتقام جویانه از سوی فقرا و محرومین و روستاییان فقیر(نه روستاییان صاحب زمین)، علیه منافع و ثروت و سرمایه اغنیا سوق دهد و به قانون شکنی و جرم و جنایت منتهی گردد. همچنین می تواند طبقات اجتماعی در استخدام را در خط مقدم ارتکاب جرایم مالی و شبه مالی برای تامین منافع طبقه کارفرما قراردهد که عملا به نوعی استثمار و به بردگی کشیدن طبقات کارگر توسط صاحبان سرمایه میتواند تعبیر شود. این تحلیل را البته بیش از آنکه به بحث های بنیادگرایانه و افراطی همچون، پیش بینی قیام طبقه پرولتاریا علیه نظام سرمایه داری بیانجامد، باید متوقف کرد، چرا که تجربه تاریخی اندیشه های سوسیالیسم نشان داده است، کسانی با شعار دفاع از طبقه کارگر دست به خطاها و جنایاتی بزرگتر زدند و نظام الیگارشی فاسدی را بجای دولت های برابری طلب بر سرکارآوردند. بعلاوه آن سوی تر راهکارهای اصلاحی برای تنظیم مناسبات در نظام بازار آزاد و مواجه با موارد شکست بازار و نحوه و میزان دخالت دولت ارائه شده است.

در حالی که برخی از دولت ها سیاست های فقر زدایی را با توزیع اعانه ، کمک های نقدی و توزیع پول بیشتر در میان فقرا دنبال می کنند، اقدامات در سطح عمیق تر توسط دولت هایی انجام می شود که امکانات مشارکت سیاسی

---

۲۱۸ - aggregation & agglomeration

۲۱۹ -SAPRIN (۲۰۰٤),The Policy Roots of Economic Crisis, Poverty and Inequality; The Structural Adjustment Participatory Review International Network , Palgrave Macmillan , p۷۹

۲۲۰- SAPRIN (۲۰۰٤) ,Ibid, p۹٤

و اقتصادی بیشتر و از آن طریق اعمال قدرت بیشتری را به دست فقرا می سپارند و به آنها صدای اقتصادی و سیاسی قوی تری می دهند. سیاست‌هایی از این دست اهمیت ویژه‌ای دارند ، زیرا بدون افزایش توانمندی و فراهم نمودن امکان و فرصت انجام فعالیت و اقدام سازنده و موثر اقتصادی و سیاسی برای طبقات فقیرتر، بعید است مبارزه جدی برای ریشه کن سازی فقر به نتیجه برسد.[۲۲۱] مشکل فقر امروز از تبعیض و نابرابری و اختلافات ریشه ای در درآمد، ثروت و قدرت سرچشمه می گیرد و هیچ برنامه ای برای کاهش فقر نمی تواند موفق باشد، مگراینکه به رفع این نابرابری های اقتصادی و سیاسی اساسی بپردازد. فقر یک مشکل ساختاری است و راه حلی ساختاری می طلبد.[۲۲۲]

مروری بر مطالعات جرم سنجی انجام شده در خارج از ایران

مطالعه ای در مورد کشور آلمان(۱۹۹۳-۱۹۹۶) بر اساس مدل جرم - جریمه و یا جرم و بازدارندگی بیکر و ارلیخ ، عوامل موثر بر اقدام مجرمانه مورد بحث قرار گرفته است . این عوامل عبارت از تغییرات جمعیتی، جوانی، بیکاری و نابرابری درآمد بوده است. از داده های پنل دیتا در مورد ایالت Laender آلمان استفاده شده و داده ها بر حسب مناطق پرجمعیت و کم جمعیت و همچنین در شرق و غرب آلمان دسته بندی شده. نتایج بر اساس مدل اقتصاد سنجی / جرم سنجی پانل ایستا و پویا ارائه شده است و فرضیه بازدارندگی برای جرم علیه اموال تایید شده است. فقط پشتیبانی ضعیف را می توان برای جنایت علیه شخص مشاهده کرد. عوامل اقتصادی و جمعیتی تأثیرات مهم و قابل توجه را نشان می دهد. براساس این نتایج جوان بودن و بیکاری احتمال ارتکاب جرم را افزایش می دهد.[۲۲۳] دربررسی دیگری در سال ۲۰۰۷، آمار EUROSTAT برای ۲۷ عضو اتحادیه اروپا نشان داد که بریتانیا سومین و بیشترین میزان جرم و جنایت را دارد. این گزارش نشان می دهد که بریتانیا جامعه ای است با جرم و جنایت بالا ، با گرایش خاص به خشونت و قتل عمدی.[۲۲۴]

گزارش هایی نشان می دهد ، جرم و جنایت روز به روز در پاکستان افزایش می یابد. عوامل مختلفی در افزایش روند جرم و جنایت در این کشور نقش دارند. در یک مطالعه (آلینا و ماریا،۲۰۲۱) به بررسی تأثیر سرمایه انسانی، فساد، کیفیت زندگی، فلاکت اقتصادی و حاکمیت قانون بر میزان جرم و جنایت در پاکستان در بازه زمانی ۱۹۸۵-۲۰۱۹ پرداختند. در این پژوهش برای یافتن پویایی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، از مدل تصحیح خطای برداری (VECM) استفاده شده است. برای بررسی روابط تصادفی بین متغیرها، از آزمون علیت تودا - یاماموتو استفاده شده و نتایج آن تأثیر قابل توجه و بلندمدت سرمایه انسانی، فساد، کیفیت زندگی، شاخص فلاکت اقتصادی و

---

۲۲۱ - Edward Royce(۲۰۰۹),Ibid ,p۲۸۷
۲۲۲ - Edward Royce(۲۰۰۹),Ibid ,p۲۸۳

۲۲۳ - Horst Entorf & Hannes Spengle (۲۰۰۰), Socioeconomic and Demographic Factors of Crime in Germany. Evidence from Panel Data of the German States, International Review of Law and Economics ۲۰. ۱,p ۷۵-۹۹
۲۲۴ - Civitas Crime ۲۰۱۲, “Comparisons of Crime in OECD Countries”, Retrieved May ۲٤, ۲۰۱۲. http://www.civitas.org .uk/crime/crime_stats_oecdjan۲۰۱۲.pdf.

حاکمیت قانون را بر میزان جرم و جنایت در پاکستان تأیید می کند. سه کانال علیت دو سویه با شاخص فلاکت اقتصادی ناشی از فساد و سرمایه انسانی و بین حاکمیت قانون و فساد یافت می شود. علیت یک طرفه از سرمایه انسانی، فساد، کیفیت زندگی و فلاکت اقتصادی تا جنایت را شامل می شود.[۲۲۵] شاخص فلاکت در بالا بودن میزان جرم و جنایت در پاکستان مهم ارزیابی شده است که به باور پژوهشگران، با غلبه بر مشکل بحران انرژی می توان آن را کنترل کرد. زیرا در فرآیند تولید بر نیروهای عرضه و تقاضا تأثیر مثبت می گذارد و قیمت ها را کاهش می دهد و بنابراین قدرت خرید مردم افزایش می‌یابد و مردم می‌توانند نیازهای اولیه خود را تامین کنند و به این ترتیب کمتر مرتکب جرم می‌شوند. از سوی دیگر باید برای جلوگیری از معضل بیکاری فرصت های شغلی ایجاد شود تا مردم از راه های قانونی امرار معاش کنند.[۲۲۶]

در مطالعه دیگر (فاروق و همکاران،۲۰۲۱) رابطه پویای فساد را با شاخص فلاکت و بهره وری کل عوامل با میزان جرم و جنایت در پاکستان نشان می دهند. برای تخمین مدل، از خود رگرسیون با وقفه توزیع شده (ARDL) طی دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۸ استفاده شده است. نتایج نشان می دهد شاخص فساد و فلاکت منجر به نرخ بالاتر جرم و جنایت در پاکستان شده است. بنابراین دولت باید تمامی عوامل اجتماعی و اقتصادی را درکنار شاخص فساد و فلاکت که علل جرم هستند در نظر بگیرد و سیاست ها و راهکارهای کاهش جرم را اتخاذ کند.[۲۲۷]

(زینب گونن، ۲۰۱۵) در اثر تحقیقی خود با عنوان :" تاثیر تحولات سیاسی در حوزه جرم در ترکیه : نئولیبرالیسم، سیاست و فقر جوامع شهری " که برمبنای پایان نامه دکترای خودش نگاشته است، ضمن ارائه گزارشی از تحولات دهه های اخیر در حوزه جرایم و مجازات ها در ترکیه، تاثیر تحولات سیاسی در ترکیه را بر میزان جرم و جنایت بررسی کرده است و نشان می دهد همانطوری که تاریخچه اعمال دولت اقتدارگرا با درک اشکال کیفری/امنیتی معاصر در ترکیه مرتبط است. اشکال کنترل حرفه ای جرایم در دولت نئولیبرال و دولت استبدادی، به هم پیوسته است. در حالی که پارادایم دموکراسی‌سازی چالش‌های مهمی را پیش روی اقدامات دولت خودکامه قرار می‌دهد، اما شیوه‌ها ومکانیسم‌های استبدادی را به طور کامل اصلاح یا جایگزین یا حذف نمی‌کنند، بلکه آنها را با کاربردهای دقیق‌تر و مؤثرتر خشونت، دوباره پیکربندی می کند.[۲۲۸] مطابق گزارش همین تحقیق ، در سال ۱۹۷۰، جمعیت زندانیان در ترکیه کمی بیش از ۵۶۰۰۰ نفر بود. در عرض سه دهه این رقم سه برابر شده و به ۱۶۵۰۰۰ نفر رسیده است. جمعیت کشور در همین دوره فقط دو برابر شد. نرخ زندانی شدن از ۱۵۷ نفر در ۱۰۰۰۰۰ نفر در سال

---

۲۲۵ - Qamar, Alina and Safdar, Maria(۲۰۲۱), The Role of Human Capital, Corruption, MPRA Paper No.۱۰۷۶۳۳

۲۲۶ - Ibid

۲۲۷ - Fatima Farooq & etAl(۲۰۲۱), How do Corruption, Misery Index and Total Factor Productivity matter towards Crime Mitigation in Pakistan? New Evidence from ARDL Approach, Pakistan Journal of Social Sciences (PJSS) Vol. ٤١, No. ١.

۲۲۸ - Zeynep Go¨ nen(۲۰۱۷),The Politics of Crime in Turkey, Neoliberalism, Police and the Urban Poor,london : I.B.Tauris & Co. Ltd ,p۲۰٦.

۱۹۷۰ به ۲۰۴ نفر در هر صد هزار نفر در سال ۲۰۱۴ افزایش یافت. در این بین تغییراتی هم وجود دارد. در سال ۱۹۹۰، ۸۱ نفر به ازای هر یکصد هزار نفر و در سال ۲۰۰۰ این میزان تنها ۷۳ نفر به ازای هر یکصد هزار نفر در زندان بوده اند و از سال ۲۰۰۰ به بعد، این میزان افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۵ میزان حبس ۲۲۲ به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر بود. رونق ساخت زندان نیز در دهه اخیر رخ داده است و بین سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵، ۹۱ زندان جدید ساخته شده و ۳۲ ساختمان جدید به موسسات کیفری قدیمی اضافه شده است که در مجموع ظرفیت نگهداری مجرمان بازداشت موقت (قبل از اعزام به زندان) را به ۱۶۷۶۲۰ نفر افزایش داده اند. بزرگترین و مجهزترین زندان ها و بزرگترین کاخ دادگستری را ترکیه ساخته است، افزایش ظرفیت دادگاه ها برای رسیدگی همزمان به صدها پرونده، افزایش تعداد نیروی پلیس و افزایش تعداد دوربین های نظارتی وسایر اقدامات تامینی و امنیتی در سطح کشور طی دو دهه اخیر حکایت از تحولاتی در عرصه اجتماع و سیاست دارد. آیا این ارقام نشان‌دهنده پاسخ به نرخ رو به رشد جرم و جنایت است؟ آیا دولت ترکیه مجتمع های کیفری و قضایی جدیدی ساخته و به پرسنل امنیتی خود اضافه کرده است تا به جنایت فزاینده پاسخ دهد؟ یا سیاست دیگری وجود دارد؟ چه نیروهای اقتصادی یا اجتماعی می توانند عامل این رشد باشند؟ تحقیق یاد شده به پاسخ این سؤالات می پردازد و درک درستی از موضوع جرم و جنایت و پاسخ به آن در ترکیه ارائه می دهد. از نظر این پژوهشگر ، نگاه به جرم از زاویه ایدئولوژیک، ابزاری گفتمانی برای تعریف و تمایزگروهی از مردم به عنوان گروه مجرمان، گناهکاران، افراد پلید و شیاد و خطرناک در مقابل گروه های دیگر از افراد جامعه فراهم می کند، (و این موضوع بدون آنکه مسوولیتی در بروز چنین شرایطی متوجه نهادی مانند مذهب یا دولت و دیگران گردد، قابل تامل است.) از نظر او این گفتمانی به حاشیه رانده شده است که اشکال خاصی از مداخله دولت را به ویژه از طریق نهادهای تامینی امنیتی و عدالت کیفری مشروعیت می بخشد و نهادهای مختلف از مذهب و دولت و جامعه را به طرد و مجازات مجرمان فرا می خواند. با یک چنین رویکرد ایدئولوژیک برخورد پلیسی با مجرمان، زندانی کردن آنها، اعمال مجازات و خشونت در مورد آنها کاملا قانونی و مشروع است. رویکرد دیگر، جرم و جنایت را به عنوان یک رابطه سیاسی-اجتماعی مجدداً باز تعریف و موضوع آن را درقالب "نیروهای اجتماعی و تضادهای انباشته شده در درون آن ها (و نه صرفاً از نظر خطر برای مردم عادی)، یا از نظر بافت تاریخی گسترده تر که در آن رخ می دهد زمینه سازی می کند و تنها از طریق چنین خوانش زمینه‌ای است که "کل منطقه مشکل در ماهیت تغییر می‌کند". جرم و جنایت دارای یک ساختار اجتماعی ارزیابی می شود و همچنین به عنوان یک چالش سیاسی مطرح می گردد و موضوعی است که به حوزه دولت تعلق دارد، اما مسوولیت دولت و نهادهای آن از جمله پلیس، قانون و نظام قضایی و زندان ها را گوشزد می کند، مثلا بررسی می کند که کارکرد زندان چیست؟ عملکرد سازمان زندان ها چگونه است؟ آیا زندان واقعا جایی برای تادیب و اصلاح وتربیت مجرمان است یا جایی برای آموزش بیشتر شرارت و تبحر یافتن در ارتکاب جرم ؟ کارکرد

دولت چیست ؟ آیا شیوه رفتار حکومت و عملکرد دولت در بروز جرم نقش دارد یا دولت مبرا از مسوولیت است و فقط باید مجرمان را مجازات کند؟ پژوهشگر به صراحت عنوان می کند که با اقتصاد سیاسی نئولیبرالی که بر مناسبات و روابط در اجتماع و اقتصاد ترکیه حاکم گشته است، طبقات فقیر شهری (بویژه کولی ها و کردهای مهاجر در برخی استان های ترکیه مانند ازمیر)، اجتماع نامطلوبی تلقی می شوند که از نظر مکانی و قومی نژادی و جنسیتی به عنوان "جنایتکاران خطرناک" ارزیابی می شوند که باید کنترل شوند. او که به بررسی رفتار پلیس ترکیه پرداخته، پیش فرض کرد بودن و مهاجر بودن را مبنای تمایز میان مجرمان با شهروندان محترم از نگاه پلیس ارزیابی می کند.[۲۲۹] بخش‌های به حاشیه رانده شده از جمعیت کارگری به طور فزاینده‌ای در معرض مقررات نهادها و شیوه‌های اجباری دولت قرارگرفته اند. لذا دوران نئولیبرال با فقر فزاینده مشخص شده است و به نوبه خود بخش هایی از فقرای شهری که دیگر نمی توانند به طورکامل در بازارکار یا نهادهای امنیت اجتماعی و دولت رفاه ادغام شوند، به طور فزاینده ای مازاد و یا مزاحم شناخته می شوند و از طریق دستگاه کیفری و پلیس منظم و مرتب می شوند.[۲۳۰]

به دلیل تقاضاهای دموکراتیزاسیون اتحادیه اروپا و افزایش تأثیر حقوق بشر در گفتمان های سیاسی جهانی و بویژه بعد از طرح تقاضای عضویت کشور ترکیه در اتحادیه اروپا، اقدامات خشونت آمیز پلیس، سوابق نقض حقوق بشر و گسترش فساد به مشکلی برای دولت ترکیه تبدیل شده بود. فساد و ناکارآمدی پلیس به تخریب وجهه عمومی دولت هم منتهی می شد، لذا در مواجهه با محدودیت‌های اختیارات، ضرورت احیای اعتماد عمومی برای پلیس ترکیه بسیار مهم ارزیابی شد. بحران مشروعیت پلیس در ترکیه تنها به دلیل نا کارآمدی پلیس در مقابله با جرم و جنایت مطرح نبود، بلکه بحران آن با سابقه طولانی فساد، سوء استفاده و خشونت مرتبط بود. گفتمان های جنایی بحث درباره قدرت پلیس و عملکردهای آن را دوباره داغ کرد. پلیس با بحرانی مواجه شد که همراه با وحشت جنایت به اوج خود رسید. سازمان پلیس از این طریق درک کرد که باید در اختیارات خود تجدید نظر کرده و خود را بازتعریف کند. یکی از جرایم خشونت بار منتسب به رفتار پلیس در ترکیه ، شکنجه است. که به تعبیر طلال اسد، بخشی جدایی ناپذیر از مدرنیته توصیف می شود. او بین شکنجه مدرن و ماقبل مدرن تمایز قائل می شود. در دوره پیشامدرن، تنبیه بدنی و شکنجه بدون هرگونه احساس شرمندگی و یا لزوم عذرخواهی و در ملاء عام انجام می شد ...که هدف آن نه مجازات متهم بلکه نمایش قدرت حاکمیت بود. اما شکنجه مدرن باید مخفیانه اعمال شود و علناً و

---

۲۲۹ – متاسفانه در بسیاری از کشورها پیش فرض اولیه پلیس در برخورد با اشخاص، اصل بر برائت و بی گناهی نیست. در کشورهای اروپایی و آمریکا : سیاه پوست بودن، مهاجر بودن، مسلمان بودن فرض اولیه پلیس برای تشخیص مجرومیت افراد است. در کشورهای دارای سوابق استعماری، بومی بودن، رنگین پوست بودن (غیرسفید پوست بودن) مهر تاییدی بر مجرمیت است.(مانند استرالیا، کانادا ، بریتانیا و آمریکا و ...)

۲۳۰ - Zeynep Go¨ nen(۲۰۱۷),The Politics of Crime in Turkey, Neoliberalism, Police and the Urban Poor,london : I.B.Tauris & Co. Ltd.

رسما انکار شود، زیرا دیگر قانونی و مجاز نیست و این شیوه ای هست که تقریبا تمام دولت های مدرن انجام می دهند.[۲۳۱]

(قزلگل و سلیم،۲۰۱۷) در مقاله ای با عنوان : "عوامل اجتماعی-اقتصادی و جمعیتی تعیین کننده جرم با استفاده از تجزیه و تحلیل داده های پانل: ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا و ترکیه"، نشان داده اند که رابطه ی تولید ناخالص داخلی سرانه، تورم، نرخ بیکاری و تراکم جمعیت شهری بر تعداد جرایم مثبت است. افزایش نرخ ثبت جرایم و تعداد پلیس باعث کاهش تعداد جرایم می شود. هدف این مقاله بررسی عوامل موثر بر تعداد کل جرایم ثبت شده توسط پلیس برای ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا و ترکیه در سال های ۲۰۰۱-۲۰۱۰ با استفاده از مدل دوجمله ای منفی اثرات ثابت می باشد. از آنجایی که در این تحقیق از مجموعه داده های تابلویی استفاده شده است، مدل های داده قابل شمارش تابلویی مورد بررسی قرار گرفته. مدل پایه توزیع پواسون و مدل های دوجمله ای منفی دارای محدودیت هایی برای توصیف داده ها هستند و برای غلبه بر این مشکل، در مقاله مذکور مدل اثر ثابت توسعه داده شده‌است.[۲۳۲]

(کرامان اغلو وآکدی،۲۰۱۵)در مطالعه خود برای کشور ترکیه از روش اتورگرسیو جمع بسته با میانگین متحرک (ARMA) برای مدل سازی و پیش بینی و تبیین روابط انواع جرم در ۷ منطقه جغرافیایی مختلف ترکیه و با رویکرد سری زمانی استفاده کرده اند. هدف از مطالعه استخراج مناسب ترین مدل های سری زمانی برای هر منطقه جغرافیایی و پیش بینی نرخ جرم و جنایت در آن مناطق است.داده های جرم از منابع رسمی در سال های ۲۰۰۱-۲۰۱۰ استخراج شده است. ثابت بودن ۷ منطقه مورد آزمایش قرار گرفته و مناسب ترین مدل سری زمانی برای هر منطقه تعیین شده است. سپس اعتبارسنجی مدل‌های سری زمانی به‌دست‌آمده مورد آزمون قرار گرفته و داده‌های رسمی سال ۲۰۱۱ با یکدیگر مقایسه شده‌اند. هدف اصلی مطالعه، تحلیل جنایات رخ داده در مناطق مختلف ترکیه از طریق روش های تحلیل سری های زمانی است. ضرورت نیاز به مطالعه چنین موضوعی اهمیت آن در پیشگیری از جرم و جنایت در ترکیه و اهمیت مسائل صلح و امنیت برای جامعه ترکیه اعلام شده است .برای این منظور راهبردهای پیشگیری از جرم یکی از ابزارهای اساسی است[۲۳۳]. هدف دیگر مطالعه ارائه مدل های جرم برای هر منطقه با در نظر گرفتن فرآیند ایجاد داده های تاریخی است. هدف سوم این مطالعه درک ویژگی های منطقه ای ترکیه از طریق نرخ جرایم است. هدف چهارم نشان دادن این است که پیش بینی ثابت برای آینده را

---

۲۳۱ - Zeynep Go¨ nen(۲۰۱۷),Ibid

۲۳۲ - Ozlem Kizilgol, Sibel Selim(۲۰۱۷), Socio- Economic and Demographic Determinants Of Crime By Panel Count Data Analysis: The Case Of EU ۲۸ and Turkey, Journal of Business, Economics and Finance (JBEF), Volume: ٦ Issue: ۱

۲۳۳ - Yunus Emre Karamano˘glu , Yılmaz Akdi (۲۰۱٥),Regional Crime Analysis of Turkey, ISTAT˙IST˙IK, Vol. ۸ No. ۱-۲, January-July ۲۰۱٥, pp. ۲٤–۳۷.

می توان با به دست آوردن مدل‌های سری زمانی جرم منطقه‌ای انجام داد. آخرین هدف این مطالعه ارائه دیدگاهی متفاوت برای سیاستگذاران به منظور برنامه ریزی استراتژی های امنیتی درآینده است. در این مطالعه با استفاده از روش های تحلیل سری های زمانی در زمینه پیشگیری از جرم، مدل های جدیدی برای مشکلات پیش آمده در مناطق مختلف جغرافیایی ترکیه ارائه شده است. پژوهش مذکور اهمیت کاربرد مدلهای سری های زمانی برای پیش‌بینی جرم با هدف برنامه‌ریزی امنیت را نشان می دهد.[۲۳۴]

در مقاله کاری (کوزنت و همکاران،۲۰۰۷) که با موضوع مسوولیت های اجتماعی شرکتی(CSR)[۲۳۵] در مورد ترکیه تدوین یافته، رشد بالای جمعیت، افزایش درآمد و مصرف انرژی و رشد سریع شهرنشینی و گسترش گردشگری، منجر به تنش در اکوسیستم‌های آسیب‌پذیر کشور از مهمترین موضوعات مطرح شده است. همچنین ارزیابی شده که مانند بسیاری از اقتصادهای در حال گذار، تغییرات جمعیت شهری روستایی نیز با نابرابری از نظر توسعه اقتصادی و اجتماعی در حال افزایش بین شرق و غرب کشور است. مناطق عمدتاً روستایی و شرقی از کمبود فرصت های توسعه و اشتغال رنج می برند و بی سوادی در میان جوانان و به ویژه زنان جوان بالاست. در مقابل در مناطق غربی (بخش اروپایی ترکیه) که تقریباً دو سوم جمعیت و بیشتر مشاغل کشور درآن بخش متمرکز هستند، دولت در تلاش است تا آموزش و اشتغال ساختارمندی را به جمعیت فعال ارائه دهد. این چالش بخشی از مشکلاتی را که مقامات در ادغام با آن مواجه شده اند توضیح می دهد. با این حال شاهد اقتصاد غیررسمی توام با کاهش نیروی کار ثبت نشده (نیروی کار مهاجر و پناهنده و غیر رسمی و غیرقانونی) هستیم که همچنان ۵۰ درصد از کل شاغلان را تشکیل می دهد.[۲۳۶]

بوونانو و مونتولیو (۲۰۰۸) به طور تجربی تأثیر آموزش، تولید ناخالص داخلی سرانه و بیکاری را بر میزان جرم و جنایت با کمک داده های کیفری طی دوره ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۹ برای استان های مختلف در کشور اسپانیا بررسی کرده اند.[۲۳۷] بهارم و همکاران (۲۰۰۸) تأثیر متغیرهای اقتصادی بر میزان جرم و جنایت را با استفاده از داده های کیفری از ۲۱ کشوراروپایی از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۱ بررسی کردند. متغیرهای در نظر گرفته شده عبارت بودند از نرخ جرم، درآمد، بیکاری، تورم، خشونت سیاسی و نرخ بهره. پس از جمع آوری داده‌ها ، آن‌ها از تکنیک هم انباشتگی

---

٢٣٤ -Yunus Emre Karamano˘glu , Yılmaz Akdi (٢٠١٥),Ibid.

[۲۳۵] – بیشتر تعاریف دامنه CSR را به اقدامات داوطلبانه در کشورها محدود می کند که فراتر از حداقل الزامات و تعهدات قانونی است و هدف آن کمک به تحقق اهداف تعیین شده در معاهدات وکنوانسیون های بین المللی (مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه سازمان بین المللی کار در مورد اصول و حقوق اساسی در محل کار، اعلامیه ریو در مورد محیط زیست و توسعه، یا کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد.) است.

٢٣٦ -Naïg Cozannet & et Al(٢٠٠٧), Corporate Social Responsibility in Turkey, Agence Française de Développement , AFD Working Paper N°٥٥,p٦

٢٣٧ - Buonanno, P. and D. Montolio (٢٠٠٨) Identifying the Socio-economic and Demographic Determinants of Crime across Spanish Provinces. International Review of Law and Economics ٢٨(٢), ٨٩-٩٧

جانسون برای یافتن نتیجه استفاده کرده اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که درآمد و خشونت سیاسی تأثیر منفی بر جرم و جنایت دارد، در حالی که تورم و بیکاری رابطه مثبت قوی با نرخ جرم دارند.[۲۳۸]

مروری بر پیشینه مطالعات جرم سنجی در ایران

جرم و فساد از چالش های مهم در نظام سیاسی و اداری ایران قبل و بعد از انقلاب بوده است. ایران هم در زمینه گزارش و بررسی فعالیت‌های مجرمانه و هم مطالعات جنایی از بی‌سازمانی و ناپیوستگی رنج می‌برد. به عنوان مثال، به دلیل عدم شفافیت نهادهای قانونی در گزارش عملکردشان پیرامون پیشگیری و اقدامات مقابله با جرم ، بخشی ازداده های آماری در مورد جرم و فساد در ایران قابل اعتماد نیستند. این داده ها یا درست گردآوری نمی شوند و یا دستکاری می شوند و یا اساسا منتشر نمی شوند. چون گزارش های رسمی به درستی جمع آوری و منتشر نمی شوند، داده های سایر منابع غیر رسمی و غیر دولتی نیز اغلب از نظر دولت غیر قابل اعتماد و یا غیر قابل استناد هستند، اما تنها داده های موجود هستند.علاوه بر این، دست کم گرفتن موضوع جرایم و مفاسد در مطالعات اقتصادی و اجتماعی ایران یک واقعیت آشکار است. می توان استدلال کرد که شکاف بزرگی بین مطالعات اکادمیک استاندارد شده در مطالعات جرم سنجی در ایران از یک سو و وضعیت واقعی آن از سوی دیگر وجود دارد. به لحاظ پیشینه تحقیق ، در فهرست اولین مطالعات در این حوزه می توان به کار تحقیقاتی (فرامرز رفیع پور،۱۳۸۶) در کتاب خود با عنوان " سرطان اجتماعی فساد" ارجاع داد،که در پنج دسته بندی یا سرفصل تحت عنوان : فساد در بخش دولتی، فساد در سیستم کنترل شده، فساد در بخش خصوصی، ارزیابی فساد ، قبح فساد به تحلیل پرداخته است. او معتقد است یکی از مهم‌ترین علل بروز فساد در جامعه که او آن را نوعی آشفتگی اجتماعی تعبیر می کند ، این است که برخی از انسان‌ها میتوانند با ابزارهایی قواعد را به نفع خودشان یا نزدیکان خودشان تغییر دهند و یا از شرایط موجود به طور خاص به نفع خودشان استفاده کنند که همان شرایط فساد در جامعه است. فساد همچون یک بیماری سرطان در جامعه گسترده می‌شود و موجب تخریب ارکان آن می‌شود. یافته‌های تحقیقات اوکه بر پایه توزیع پرسشنامه میان ۴۵۵ نفر و بررسی پاسخ ها و همچنین مصاحبه با ۱۲۹ نفر از کارمندان و مدیران ، به موازات گردآوری داده‌های مرتبط دیگر، از رسانه ها و مطبوعات کشور بوده ، این است که ۶۷ درصد از پاسخگویان معتقدند که (در سال ۱۳۸۴) دزدی و کارهای خلاف بسیار زیاد است. فساد در ادارات وجود دارد و بیشترین آن در شهرداری‌ها، گمرک و اداره مالیات است. بیش از نیمی از پاسخگویان ابراز کرده اند که مسئولان ، نمایندگان مجلس و وزرا بیشتر به فکر دوست و فامیل و وابستگان به خود هستند. ارزیابی جامعه

۲۳۸- Baharom, A., Habibullah, M. (۲۰۰۸). Is Crime Cointegrated with Income and Unemployment? A Panel Data Analysis on Selected European Countries. MPRA ; Alina Qamar , Maria Safdar(۲۰۲۱) The Role of Human Capital, Corruption and Quality of Life in Determining the Crime Rate: Empirics from Pakistan, MPRA Paper No. ۱۰۷۶۳۳

مخاطب نسبت به عمکرد دستگاه‌های ناظر، کنترل کننده و محاکم قضایی منفی بوده و وجود فساد در قوه قضاییه را رد نمی کنند. در ارزیابی فساد ۹۸ درصد وجود فساد در همه اندازه ها و سطوح را تأیید کردند و ۷۵ درصد معتقد به فساد مالی در همه سطوح بودند.[۲۳۹] یافته های این تحقیق با آنکه مشمول گذشت زمان شده است و مربوط به سال (۱۳۸۳) است، و توصیف شرایط دو دهه پیش درکشور است، ولی شواهد گوناگون نشان می دهد که مولفه های فساد از آن زمان تاکنون نه تنها ترمیم و یا بهبود نیافته که در موارد گوناگون اوضاع بشدت وخیم تر شده و در مواردی از کنترل خارج شده و کشور و جامعه نسبت به موضوع فساد دچار نوعی بی تفاوتی شده و جرایم و مفاسد اقتصادی تقریبا در ساحت جامعه عادی سازی شده است. در انگاره های ارزشی غالب افراد در حال حاضر هرکس طی این چهار دهه توانسته ثروت های نجومی را به نفع خود و اعوان و انصارش تصاحب کند و از رانت و امتیاز و فرصتهای موجود برای پر کردن جیب خود و بستن بارش استفاده کند، زرنگ بوده و هرکس فرصت طلب نبوده و یا به فرصت ها، پشت پا زده و با پاکی و صداقت خود را از آلودگی دور کرده و امروز در فقر و انزوا و یا در قناعت و ریاضت بسر می برد، یک احمق دست و پا چلفتی بوده است و متاسفانه این دقیقا تصور، برداشت و قضاوتی غالب است که مبنای دسته بندی دو قشر جامعه یعنی افراد متمول و ثروتمند و فقرا و محرومین و طبقه متوسط شهری در جامعه ایران است. این انگاره ارزشی حاکم ، همان نظریه فرد گرایانه در توجیه شکاف فقیر و غنی در جامعه را القاء و ترویج می دهد.

(مجید فرج پور، ۱۳۸۳) در کتاب خود با عنوان :" فقر، فساد و تبعیض موانع توسعه در ایران"، تصویری از پدیده فساد، علل، ریشه و پیامدهای آن و تاثیرات و روابط بین فساد و پدیده‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ترسیم نموده و فساد را ناشی از ساختار اقتصاد دولتی دانسته و اثرات فساد بر فقر و بیکاری، فساد و رابطه آن با فرار مغزها، علل گسترش فساد در ایران با توجه به عوامل اداری، ساختاری، مدیریتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... مورد مطالعه قرار داده است. در بخش پایانی کتاب، راه‌کارهایی برای مهار و ریشه کنی فساد پیشنهاد نموده است. موضوع سرفصل‌های کتاب وی عبارت است از: "مفهوم و ماهیت فساد"، "فساد و رابطه علت و معلولی آن با سایر عوامل"، "فساد سیاستمداران و کارگزاران دولتی"، "فساد درحوزه خدمات و هزینه‌های عمومی"، "تطهیر پول‌های کثیف"، "بررسی فساد در ایران"، "کشورهای توسعه نیافته و عوارض فساد در آن‌ها"، "تجربه برخی از کشورهای آسیایی در مبارزه با فساد"، "کوشش نهادها و مجامع بین المللی در مبارزه با فساد"، "الگوی حکومت در مبارزه با فساد" و "الزامات و راه حل‌های مبارزه با فساد."[۲۴۰]

---

[۲۳۹] - رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۶) سرطان اجتماعی فساد، پژوهشی با حمایت فرهنگستان علوم ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۲۴۰ - مجید فرج پور(۱۳۸۳) ، فقر، فساد و تبعیض موانع توسعه در ایران ، انتشارات رسا.

(علی اصغر زرگر& علی محمدی، ۱۳۹۷)[۲۴۱] در مقاله ای نسبت فساد و توسعه اقتصادی در ایران را بررسی کرده است. آنها معتقدند فساد اقتصادی به مثابه استفاده غیرقانونی از قدرت و اختیارات دولتی به منظور تأمین منافع شخصی و گروهی از جمله آسیب های جدی ساختار اقتصادی کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه می باشد. فساد مالی و اقتصادی از طُرقی چون اختلال در روند کار بازارها و تخصیص مناسب منابع، ممانعت از وضع مقررات نظارتی، ایجاد انحصارات برای منافع شخصی، سوءاستفاده از منابع ملی، رشوه خواری، کاهش رشد اقتصادی و ... نقش مخربی را در فرآیند توسعه اقتصادی ایفا می کند. آنها با توجه به نظریات مختلف توسعه که مورد بحث قرار داده اند و با تاکید بر نظریه"توسعه متوازن" که در آرا متفکرینی چون هانتینگتون مورد توجه بوده، معتقدند فساد به عنوان مانعی اساسی در روند دموکراسی و توسعه سیاسی خواهد بود. آنها این موضوع را به طور خاص برای جمهوری اسلامی ایران در فاصله سال های ۹۲-۶۸ مورد بحث قرار داده اند. مقاله ی آنها در پی پاسخ به این سوال هست که چه نسبتی بین فساد اقتصادی و توسعه سیاسی برقرار می باشد؟ فرض آنها بر این است که فساد اقتصادی با تأثیر منفی بر توسعه اقتصادی ، توسعه سیاسی را با مشکلاتی عدیده مواجه می سازد.

کتاب حاضر بر پایه شواهد و یافته های گوناگون بر این واقعیت صحه گذارده که فساد خاص جوامع غیر دموکراتیک نیست و در جوامع دموکراتیک و به اصطلاح لیبرال دموکراسی هم که درجات بالایی از توسعه سیاسی و اقتصادی را تجربه کرده اند، سطوح مختلفی از جرم و فساد وجود دارد و تنها نوع ، ترکیب و وزن و توزیع فراوانی جرایم در این جوامع متفاوت از جوامع غیر دموکرانیک است و البته در نظام های غربی به جهت افزایش آستانه تحمل جامعه و تساهل و تسامح در جوامع آزاد ، بسیاری از رفتارها، اقدامات و کُنش اشخاص در حوزه حریم شخصی افراد تعریف شده و جرم زدایی صورت گرفته است و به همین جهت آمار جرایم بطور رسمی کاهش چشمگیر دارد. بدیهی است همانطوری که جرم انگاری بیش از حد در مورد اعمال و کنش هایی که غالبا و در اکثر جوامع جرم تلقی نمی شود ، می تواند هزینه های سیستم عدالت کیفری و نظام قضایی را در یک جامعه با دیسپلین سخت گیرانه افزایش دهد و سازمان نظم و اقتدار حکومت یعنی پلیس و نهادهای امنیتی را با چالش فرسودگی مواجه سازد، جرم زدایی بیش از حد از اعمالی که غالبا و در اکثر فرهنگ ها عمل مفسده آمیز و مجرمانه تلقی می شود، می تواند هزینه های غیر آشکار و غیر مستقیمی را بر نظام اجتماعی تحمیل کند. به نظر می رسد در برخی جوامع آزاد رویکرد جرم زدایی به نوعی بازی با اعداد تبدیل شده است ، نه یک روش کاهش جرم یا پیشگیری از جرم. جالب است که طبق برخی گزارش ها ، گاهی حتی چشم و هم چشمی و رقابت های کثیف بر سر دستکاری با هدف کاهش آمار جرایم می تواند درد سرساز شود. یک بررسی در آمریکا نشان داد شهرهایی که به دنبال

---

۲۴۱ - علی اصغر زرگر و علی محمدی (۱۳۹۷)، درآمدی بر نسبت فساد اقتصادی و توسعه سیاسی (با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۹۲-۶۸)

کاهش نرخ جرم و جنایت خود هستند در مواردی وسوسه شده اند که داده های مربوط به جرایم را جعل و دستکاری کنند، در همین مورد گزارش شده بود که فیلادلفیا در سال ۱۹۹۸ گرفتار این دردسر گردید. این شهر زمانی سومین شهر امن در بین ده شهر بزرگ ایالات متحده بود ، بعدا معلوم شد به منظور دستیابی به این رتبه از سوی اداره فدرال، افسران پلیس تحقیق ، به طور سیستماتیک آمار جرایم آن را کمتر گزارش می دادند.[۲۴۲]

در مورد دیگر لویت و دوبنر (۲۰۰۵) استدلال می کنند که قانونی شدن سقط جنین در سراسر ایالات متحده در سال ۱۹۷۳ در کاهش نرخ جرم و جنایت در نسل بعدی بسیار مهم بوده است و این امر را به کاهش نرخ زاد و ولد در میان محروم ترین یا بی ثبات ترین رده های اجتماعی نسبت می دهند.[۲۴۳] اما آنها در تایید این نتایج خود باید به این پرسش پاسخ دهند که آیا قانونی کردن یک جرم مانند سقط جنین، و جرم زدایی از آن، پاک کردن صورت مساله نیست؟ آیا جرمی را با جرم و جنایتی دیگر پوشاندن نیست؟ آیا با این قانون ، واقعا روشی منطقی و قابل دفاع برای کنترل فساد و کاهش جرم و جنایت ارائه شده است؟ به نظر می رسد ایالات متحده مسیر اشتباهی را در این مورد در پیش گرفته باشد.

برخلاف آمریکا، در یک جامعه بشدت مذهبی مانند ایران، دامنه رفتارهای فردی اشخاص در جامعه توسط حکومت دینی محدود شده و برای بسیاری از رفتارهایی که می تواند در حوزه حریم شخصی تعریف شود، به وسیله احکام فقهی یا قوانین وضعی محدودیت اعمال شده و در مواردی جرم و تعزیر در نظر گرفته شده است. از نوع خاص پوشش لباس اشخاص تا آرایش موی سرآنها و یا روسری زنان، یا نگهداری حیوانات خانگی مانند سگ و گربه ویا تماشای فیلم از طریق گیرنده های دیجیتال ماهواره ای ویا گشت و گذار در صفحات رسانه های مجازی (پلتفرم های تلگرام ، اینستاگرام ، توییتر و غیرو که طبق دستور مقامات قضایی فیلتر شده اند) جرم انگاری صورت گرفته است.

با آنکه جریان آزاد اطلاعات و فعالیت آزاد مطبوعات به عنوان رکنی از ارکان نظام دموکراتیک ، به رسوایی بیشتر مجرمان یقه سفید منجر شده و خواهد شد و فشار بیشتری روی مقامات سیاسی و ادارات در جوامع آزاد خواهد آورد تا پاسخگو باشند، اما این مساله نشان نداده که فساد در جوامع لیبرال دموکراتیک کمتر شده است. براساس گزارش سازمان شفافیت بین الملل در مورد جرایم سازمان یافته، در نظام‌های دموکراتیک، احزاب سیاسی تا حد زیادی به منابع مالی خارجی وابسته هستند و این خطر بروز فساد و ورود فساد به سیاست را افزایش می دهد. بودجه کمپین های انتخاباتی و احزاب سیاسی ممکن است توسط گروه های جنایتکار تامین شود تا متقابلا از طریق اعطای قراردادها، تمدید حمایت، یا تغییر قانون، جبران شود. بنابراین سازمان های مجرم و جنایتکار موقعیت مناسبی برای

---

۲٤۲ -Kathe Callahan(۲۰۰۷), Elements of effective governance: measurement, accountability, and participation ,Taylor & Francis Group ,p۱۳٦

۲٤۳ - Levitt, S. D. & Dubner, S. (۲۰۰۵), `Freaknomics', New York: William Morrow

جلب و "تامین" آرای مردم و مبادله آن با لطف یا حمایت سیاسی از سوی احزاب دارند. پیشرفت بیشتر در امتداد این پیوستار منجر به ادغام شدیدتر و مخرب تر جنایت سازمان یافته با ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دولت می شود. این ادغام در پیشرفته ترین شکل خود، مرز بین دولت مشروع و نامشروع را محو می کند، بطوری که عناصر مجرم و جنایتکار را قادر می سازد تا از مناصب و پست های سیاسی برخوردار شوند. چنین پویایی در گذشته در سیسیل و تایوان وجود داشت، جایی که "جنایتکاران حرفه ای" برای مناصب سیاسی انتخاب می شدند.[۲۴۴] اما همچنان که در این کتاب مورد اشاره قرار گرفته است، امروزه شاهد نفوذ باندهای مافیایی و مجرمان حرفه ای در هیبت حاکمه ایالات متحده و سایر کشورهای اروپایی دارای نظام های دموکراتیک هم هستیم. (جعفری صمیمی و صالحی ،۱۳۹۲) معتقدند فساد در هر جامعه ای، و با هر بینش و تفکر و شیوه ی حکمرانی اعم از دموکراسی یا دیکتاتوری با اقتضائات خاص خودش وجود دارد. آنها اثر شاخص های آزادی اقتصادی را بر فساد اقتصادی در ایران با رویکرد داده های تابلویی و مدلهای اقتصادسنجی مورد تحلیل و بررسی قرارداده اند. نتایج برآورد در مورد ایران، حاکی از این است که هر چه قدر آزادی کسب و کار، اندازهٔ دولت، آزادی پولی، و آزادی نیروی کار بیشتر باشد، فساد مالی نیز بیشتر است. همچنین هر چه آزادی تجارت، آزادی سرمایه‌گذاری و آزادی مالی(مالیاتی) بیشتر باشد، فساد مالی کمتر است. در کشورهای در حال توسعهٔ منتخب جهان نیز شاخص کل آزادی اقتصادی رابطه ی منفی و معنی‌داری بر فساد مالی در این کشورها دارد و با افزایش شاخص کل آزادی اقتصادی درکشورهای (منتخب) جهان، فساد مالی کاهش یافته است.[۲۴۵]

(غلامعلی قاسمی،۱۳۹۵) در مقاله خود می نویسد گسترش مفاسد اقتصادی، ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی کشورها را به مخاطره افکنده است و آثار این پدیده، محدود به داخل جوامع نیست، بلکه سلامت مالی و روابط تجاری و اقتصادی را در سطح بین‌المللی نیز تهدید می‌کند. کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد سندی جامع و جهانی در این قلمرو است که جمهوری اسلامی ایران نیز به عضویت آن در آمده است و اقدامات تقنینی و اجرایی متنوعی را در سطح ملی برای ساماندهی مبارزه با فساد اقتصادی انجام داده است. در این مجموعه اقدامات، تدابیر بازدارنده، اهمیت ویژه‌ای دارد و در صورت توجه و عمل به این تدابیر، هزینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از اعمال قانون و مجازات پس از بروز فساد، کاهش می‌یابد. او راهکارهای مختلفی برای بازدارندگی جرایم اقتصادی ارائه

---

۲٤٤ - Organised Crime and Corruption, Transparency International- report ۲۰۱۱,p۷

۲۴۵ - احمد جعفری صمیمی وعلی صالحی(۱۳۹۲)، تأثیر شاخصهای آزادی اقتصادی بر فساد مالی در کشورهای درحال توسعه با تأکید بر ایران، بررسی های بازرگانی مهر و آبان ۱۳۹۲ شماره ۶۱.

می دهد که شفافیت عملکردی نهادهای اقتصادی و گزارش دهی آنها از عملکردشان و تقویت نظارتهای مدنی از طریق سازمان های مردم نهاد از آن جمله اند.[۲۴۶]

(ناصر عنایت و همکاران ،۱۴۰۰) در مقاله ی خود، نقش مولفه های حکمرانی در رشد اقتصادی در ایران با تاکید بر دو موضوع ثبات سیاسی و کنترل فساد در دولت‌های نهم و یازدهم مورد بررسی قرارداده اند و به این سؤال پاسخ داده اند که آیا از منظر شاخص ثبات سیاسی و کنترل فساد دولت احمدی نژاد و روحانی توانسته اند الگوی حکمرانی مطلوب را محقق سازند؟ بررسی ارقام منتشر شده از سوی بانک جهانی در دو مولفه ثبات سیاسی و کنترل فساد طبق این الگو در دولت‌های نهم(۱۳۸۵-۱۳۸۸) و یازدهم(۱۳۹۳-۱۳۹۶) نشان می‌دهد نمره عملکرد دولت‌های احمدی نژاد و روحانی زیر خط صفر و میانگین جهانی بوده است. این پژوهش با مقایسه نمودار رشد اقتصادی (GDP) با روند تغییرات الگوی حکمرانی خوب، نشان می دهد ارتباط مستقیمی میان دو مولفه ثبات سیاسی و کنترل فساد با رشد اقتصادی است، به طوری که بهبودی روند این ۲ شاخص در دولت یازدهم موجب بهبود شاخص رشد اقتصادی در ایران شده و کاهش آن در سال پایانی دولت نخست روحانی(۹۶) متاثر از کاهش نمره شاخص‌های ثبات سیاسی و کنترل فساد در الگوی حکمرانی خوب بوده است.[۲۴۷]

(یدالله دادگر و همکاران، ۲۰۲۲) در مقاله ای در صدد برآمد اند تا مطالعه ای بدیع در زمینه ارتباط متغیرهای اقتصادی و محیطی بر جرم و جنایت انجام دهند. رویکرد این مقاله جدید است، زیرا اولاً بر رفتار متغیرهای اقلیمی در ارتکاب جرم در ایران تاکید دارد و ثانیا بر مدل گشتاورهای تعمیم یافته : GMM استوار است. اگرچه برخی شواهد حاکی از نقش متغیرهای اقتصادی از جمله بیکاری و تورم در ارتکاب جرم است، اما تحقیقاتی که نقش تغییرات اقلیمی را علاوه بر عوامل اقتصادی بر جرم و جنایت مورد توجه قرار داده باشد، اندک است. آنها در این مقاله به بررسی عوامل اقلیمی در کنار عوامل اقتصادی موثر بر جرم و جنایت در ایران برای دوره ۲۰۲۰-۱۹۸۴ پرداخته اند .یکی از فرضیه های تحقیق این بوده است که بین شاخص فلاکت و ارتکاب جرم در ایران رابطه معناداری وجود دارد و نتایج تحقیق حاکی از آن است که اولاً بین شاخص فلاکت و رشد اقتصادی رابطه منفی و میان شاخص فلاکت و میزان جرم رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. ثانیاً بین عوامل اقلیمی (تغییرات اقلیمی) و تعداد جرایم ارتکابی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.[۲۴۸]

---

۲۴۶ - غلامعلی قاسمی(۱۳۹۵)، تدابیر بازدارنده علیه مفاسد اقتصادی در پرتو کنوانسیون مبارزه با فساد و مقررات ایران، حقوق تطبیقی جلد ۱۲ پاییز و زمستان ۱۳۹۵ شماره ۲ (پیاپی ۱۰۶)

۲۴۷ - ناصر عنایت، مسعود مطلبی،ابولقاسم طاهری(۱۴۰۰)، بررسی نقش مولفه های حکمرانی در رشد اقتصادی در ایران : ثبات سیاسی و کنترل فساد در دولتهای نهم و یازدهم، رهیافت انقلاب اسلامی، دوره ۱۵، ش ۵۷، صص ۲۳۳-۲۴۶.

۲۴۸ - Yadollah Dadgar , Sadegh Menatinejad & Rouhollah Nazari(۲۰۲۰), Analyzing the Impact of Economic and Climate Factors on Crime in Iran, Iranian Economic Review ۲۰۲۲, ۲۶(٤): ۸۰۹-۸۱۸.

(آهنگری و ابراهیمی، ۱۳۹۲) در مقاله ای به برآورد شاخص جرم در ایران با رویکرد فازی طی دوره زمانی ۱۳۹۱ -۱۳۵۶ پرداخته است. برای این منظور از دو متغیر ورودی - شاخص فقر و نرخ بیکاری به عنوان متغیرهای علی جرم در ایران جهت برآورد شاخص جرم استفاده شده است. برای تخمین شاخص فقر نیز از سه متغیر ورودی ضریب جینی، نرخ تورم و درآمد سرانه استفاده شده است .نتایج این مطالعه نشان می دهد که روند شاخص جرم در ایران علیرغم نوسان زیاد در برخی از سالها، در سالهای اخیر روندی صعودی داشته و به طور معنی داری از شاخص فقر طی دوره مورد مطالعه تبعیت می کند. برآورد صورت گرفته نشان می دهد که کمترین میزان جرم در فاصله سالهای۱۳۵۷ -۵۹ روی داده است و بعد از آن افزایش یافته ولی تا سال ۱۳۷۶ با نوسانات اندکی روبرو بوده است.[۲۴۹] در این سال ها شاخص فقر نیز تغییرات اندکی داشته است. پس از سال ۱۳۷۶مجدداً شاخص جرم رو به افزایش بوده و به بیشترین میزان خود در سال ۱۳۹۰ رسیده است. در سالهای ۱۳۸۸الی ۱۳۹۰ که بدلیل رکود و کاهش شدید رشد اقتصادی، شاخص فقر افزایش قابل ملاحظه ای یافته است، شاخص جرم نیز با بیشترین میزان روبرو بوده است.[۲۵۰]

(مسعود خدا بنده و دیگران، ۲۰۲۲) در یک مقاله پژوهشی، اثرات سرریز فضایی شهرنشینی بر جرم و جنایت در ۳۰ استان ایران در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ با استفاده از مدل های داده پانل فضایی پویا بررسی کرده اند و نتایج مطالعه آنها نشان می دهد که شهرنشینی اثر مثبت و از نظر آماری معنادار بر سرانه جرم و جنایت در استان های ایران داشته و افزایش شهرنشینی سطح جرم و جنایت را افزایش داده است. علاوه بر این، رشد شهرنشینی با نرخ بیکاری و سرمایه انسانی رابطه ی معنادار و منفی داشته است. مقاله آنها با توجه به الگوی رگرسیونی با وقفه ای که در تبیین روابط میان متغیرها درنظر گرفته اند، ماهیت پویایی جرایم را نشان می دهد . علاوه بر این، نتایج این مطالعه نشان می دهد که افزایش سرانه جرم در یک استان می تواند جرم را در استانهای مجاور آن بالا ببرد.[۲۵۱]

۲۴۹-اگر بدون تعصب به قضاوت در مورد انقلاب ۵۷ بپردازیم ، شاید چون مردم نظم سیاسی موجود را با روش خشونت بار کنار زدند و هیچ تصور روشنی از نظام سیاسی آینده نداشتند ، بتوان آن را شورش مردمی نامید که بزرگترین جرم ملت علیه خودشان تلقی خواهد شد و چون تغییرات انقلابی با خشونت زیادی همراه است، عمدتا خسارت بار خواهند بود. این موضوع نه تنها در مورد انقلاب اسلامی ایران، بلکه در کالبد شکافی از انقلاب های بزرگ تاریخ بشر قابل استنباط است.چون هیچکدام از انقلاب ها به اهداف خود یعنی تحقق آرمانهای انقلابیون ختم نشده است، شاید به این دلیل که انقلاب از اساس روش مناسبی برای گذار از وضع موجود به وضع مطلوب نیست. بدون شک سهم دیکتاتورها و رهبران مستبدی که جلوی مطالبات اصلاح طلبانه و روند اصلاحات تدریجی در جوامع را می گیرند، در ارتکاب این خطای بزرگ یعنی انقلاب ها را نباید دست کم گرفت.

۲۵۰ - عبدالمجید آهنگری و صلاح ابراهیمی(۱۳۹۲)، برآورد شاخص جرم در ایران به روش فازی : رویکرد اقتصادی، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسیهای اقتصادی سابق) ، دوره ۱۰ ، شماره۳ ، پاییز ۱۳۹۲ ، صص۱۶۳ -۱۳۹.

۲۵۱ -Masoud Khodapanah, Zahra Dehghan Shabani, Mahboubeh Shojaeian, Mohammad Hadi Akbarzadeh (۲۰۲۲), Do Spatial Spillover Effects of Crime Matter in Urbanization and Crime Nexus? (Case Study: Iranian Provinces), International Journal of New Political Economy ۳(۲): ۲۴۳-۲۷۴

تحلیل اثر بخشی سیاست های پیشگیرانه از وقوع جرم و فساد

سالهاست که تحلیل اثر بخشی سیاست های پیشگیرانه از جرم از نقطه نظر اقتصادی و برآورد هرینه های تحمیلی ناشی از جرایم توجه پژوهشگرن را به خود معطوف نموده است، پرسش این است که چگونه دولت ها باید منابع کمیاب را برای موثرتر کردن سیاست ها و اقدامات پیشگیری از جرم و ایجاد بیشترین بازده اقتصادی برای جامعه تخصیص دهند. از نظر اقتصادی هرگونه جرمی یک عمل غیر اخلاقی و یا غیرقانونی است که سبب ورود زیان و خسارت به جامعه می شود و جامعه بابت مقابله با جرایم ، پیشگیری از وقوع جرم و بازپروری مجرمان و قربانیان هزینه های جانبی زیادی متحمل می شود. این تصور که در جوامع انسانی بتوان جرم را بطور کامل ریشه کن نمود و یا زمینه های وقوع جرم را بطور کامل از میان برد قابلیت تحقق عینی ندارد و یک تصور خیالی است، لذا باید سیاست های مقرون به صرفه و روش های موثر و کارآمد اقتصادی برای کنترل جرایم تدوین نمود.[۲۵۲]

از نقطه نظر تحلیلی ، رابطه متقابل بین جرم و اقتصاد ناشی از ماهیت و پیامد های اقتصادی آن شامل هزینه های مادی و غیرمادی فعالیت های مجرمانه است. اگرچه تحلیل فعالیت های غیرقانونی موضوعی قدیمی برای اقتصاددانان است، با این وجود تا دهه ۱۹۶۰ نادیده گرفته می شد. پس از مقاله پیشگام گری بیکر (۱۹۶۸) با عنوان "جنایت و مجازات"، رویکرد اقتصادی در تحلیل جرم ارزش پیدا کرد، اگرچه مفروضات تصمیم گیری منطقی این مقاله برای مجرمان با تحلیل جرم در جامعه شناسی و روانشناسی ناسازگار است (سالیوان، ۱۹۷۳؛ اید، روبین و استفرد، ۲۰۰۶). اولین دوره تجزیه و تحلیل جرم و جنایت از نقطه نظر اقتصادی شامل نظریه های خرد مبتنی بر گرایش افراد به فعالیت های غیرقانونی و معامله بر سر اجرای قانون است. تأثیر اقتصادی بر اثر اولیه جرایم به پیش بینی و پیامد و همچنین پاسخ به هزینه جرایم مربوط می شود. تحلیل اثر اولیه با تحلیل‌های جرم در دوره اول اقتصاد مطابقت دارد. اثر ثانویه اقتصادی جرم به آسیب آن بر اقتصادهای منطقه ای یا ملی از طریق سطوح درآمد، کیفیت زندگی، فضای سرمایه گذاری، گردشگری و غیره مربوط می شود. از این رو، عامل جرم و جنایت که از نظر رقابت پذیری جهانی نیز حائز اهمیت است، بینشی از درجه اعتبار کشورها ارائه می دهد. درسال‌های اخیر، تحلیل های مبتنی بر اقتصاد کلان به جای تحلیل هزینه–فایده مبتنی بر تحلیل خرد از جرایم در ادبیات اهمیت بیشتری پیدا کرده است.[۲۵۳]

(ولش و همکاران،۲۰۲۱) در کتاب خود با عنوان هزینه –فایده پیشگیری از جرایم، نتایج و دیدگاه های تحقیقاتی را از سراسر آمریکای شمالی، اروپا و استرالیا گرد هم آورده است. او در آنجا رایج ترین مفهوم کارایی را به عنوان روشی برای دستیابی به حداکثر نتایج از حداقل منابع و داده های ورودی تعریف می کند و معتقد است جرایم نه تنها

---

۲۵۲ - Mark A. Cohen (۲۰۰۵), The Costs of Crime and Justice, Routledge

۲۵۳ -Reyhan Cafrı Açcı & Pınar Çuhadar(۲۰۲۱), Unemployment or Inflation? What Does the Misery Index Say about the Causes of Crime?,METU Studies in Development, ٤٨ (December),pp ١٨٥-٢٠٠.

بر قربانیان آن، بلکه بر همه اعضای جامعه هزینه تحمیل می کند. قیمت کالاهای مصرفی با دزدی از مغازه،کم کاری ،کم فروشی و دزدی کارکنان، اختلاس، نقض قوانین ضد انحصار و اخاذی از مشاغل قانونی توسط جرایم سازمان یافته افزایش می یابد. لوایح مالیاتی منعکس کننده جرایم فراگیر فرار مالیات بر درآمد و کلاهبرداری در برنامه های دولت و همچنین لزوم حمایت از اجرای قانون و سیستم های عدالت کیفری است. ترس از جرایم و جنایات غارتگرانه به اضطراب ما در مورد فرزندانمان و اموال و دارایی مان می افزاید و در عین حال انگیزه یک جست و جوی پر هزینه و گاهی منزوی برای امنیت را ایجاد می کند. به طور خلاصه، جرم و جنایت ، مالیاتی بر استاندارد زندگی ما است که هزینه های ملموس و نامشهودی را تحمیل می کند.[۲۵۴]

در ایران مطالعات آکادمیک معدودی در مورد ارزیابی اقتصادی سیاستهای کنترل جرایم صورت گرفته است. لذا باید به اخبار و مطالب مطرح در فضای ژورنالیستی جامعه در نقد سیاست های مذکور رجوع کرد. بطور مثال اخیرا نقل قولی از یکی از مقامات پلیس و رییس سازمان زندان ها در مطبوعات مطرح شد که گفته بود : هزینه نگهداری هر سارق زندانی ماهانه حدود ده میلیون تومان است. انتشار این خبر در فضای مجازی واکنش برخی کاربران را نیز به دنبال داشت که گفته بودند: دولت اگر ماهانه ده میلیون تومان به هرکدام از این افرادی که اکنون به جرم سرقت در زندان هستند ، بدهد، اصلا سراغ دزدی نمی روند و نیاز به زندان کردن آنها هم نبود. این تحلیل عامیانه وقتی در کنار این آمار رسمی قرار می گیرد که سرقت را رکورد دار جرایم ارتکابی برمی شمرد، چندان هم عامیانه و ساده انگارانه نیست و از یک واقعیت پرده برمی دارد. دولت حتی اگر ماهیانه ده میلیون تومان بصورت اعانه یا کمک هزینه به جامعه هدف (سارقانی که از سرنیاز دست به سرقت می زنند) پرداخت کند، آمار سرقت احتمالا بشدت کاهش می یابد. طرح این چنین موضوعاتی به ضرورت ارزیابی و تحلیل سیاستهای پیشگیرانه از جرایم در قالب تحلیل هزینه –اثربخشی یا تحلیل هزینه –فایده سیاست های عدالت کیفری اشاره دارد. [۲۵۵]بطور کلی برای کاهش تعداد جرایم در سطح جامعه دو راهکاردم دستی وجود دارد: راهکار اول تقویت نیروی پلیس و سیستم قضایی و کیفری ، افزایش تعداد ماموریت های پلیس و ارتقاء کارایی و افزایش راندمان پلیس در دستگیری و بازداشت متهمان و سرعت رسیدگی به پرونده های جرایم و تسریع در صدور و اجرای احکام است که نتیجه این راهکار پرشدن زندان ها، کمبود فضای نگهداری برای مجرمان و ضرورت اختصاص بودجه بیشتر برای ساخت زندان های بیشتر، افزایش هزینه های نگهداری مجرمان، افزایش تعداد نفرات و تعداد واحدهای پلیس و تحمیل

---

۲۵٤ - Brandon C. Welsh , David P. Farrington,& Lawrence W. Sherman (۲۰۰۱),Costs and Benefits of Preventing Crime, Westview Press.,pp۱٤-۲۲.

۲۵۵ – حاجیان سخنگوی فراجا: بطور میانگین هر ماه ۱۰ میلیون تومان برای نگهداری یک سارق در زندان هزینه می‌کنیم که با نصف هزینه آن می‌توان پیشگیری کرد. نقل از خبرگزاری مهر (۱۳ شهریور ۱۴۰۱) :

https://www.mehrnews.com/news/ ۵۵۸۰۹۹۱

هزینه های بیشتر به جامعه است. این راهکاری بوده است که متاسفانه طی سال های اخیر با شدت در ایران دنبال شده است که در نتیجه آن بر طبق آمارهای اعلام شده از منابع مطلع روزانه ۱۵۰ هزار تومان هزینه نگهداری هر زندانی بوده و طبق آمارهای رسمی تعداد زندانیان کشور از ۲۵۰ هزار نفر فراتر رفته است. این معادل با ۱۳۶۵۰ میلیارد تومان هزینه مستقیم سالانه فقط برای نگهداری متهمان در زندان های کشور است.

راهکار دوم کاهش تعداد عناوین مجرمانه است و بالتبع کاهش تعداد زندانیان در زندان ها وکاهش هزینه های نگهداری مجرمان و صرفه جویی در منابع بودجه ای مرتبط با بازداشت و زندان متهمان و اختصاص آن بودجه ها به توسعه فضاهای آموزشی و پرورشی و تربیتی و ارتقاء کمی و کیفی برنامه های تامین رفاه اجتماعی و فرهنگی مناسب است. این راهکار همچنان مورد سوء ظن بسیاری از مقامات سیاسی و مذهبی در کشور است ، ولی اخیرا دولت تحت فشار بودجه های سنگین و فشار افکار عمومی و مطالبات جامعه مدنی، رویکردی اصلاحی و تجدیدنظر طلبانه در مورد کارکرد پلیس و قوه قضاییه در پیش گرفته است که تا حدودی بر توجه به راهکار اخیر متمرکز است، چنانکه اخیرا مطلبی در مطبوعات درج شد، مبنی بر اینکه با حذف ۲۶ مورد عناوین مجرمانه از فهرست جرایم پرشمار، تعداد چهل هزار زندانی از زندان های کشور خالی شد. متاسفانه با وجود بیش از دو هزار عنوان مجرمانه در قانون، کار به جایی رسیده است که سال‌هاست تعداد زندانی‌ها از ظرفیت زندان‌های کشور بیشتر شده است. چندی پیش یک فوریت لایحه کاهش عناوین مجرمانه به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید. این در حالی است که تا پیش از این برخی به جرم بوته کنی، دودزا بودن موتورشان یا چرای غیرمجاز دام و یا ناتوانی در عدم پرداخت مهریه سنگین همسر در زندان به سر می‌بردند. اجرای لایحه کاهش عناوین مجرمانه آنطور که نمایندگان مجلس می گویند، نه تنها آمار زندانیان را ۴۳ درصد کاهش می‌دهد، بلکه از میزان هزینه‌های دولت هم کم می کند.[۲۵۶] ظاهرا این رویکرد در حال تقویت است و قرار است فهرست بیشتری از جرایم ، قضایی زدایی شود،[۲۵۷] اما افراط گرایی و یا عدم توجه به پیامدهای این سیاست ، خالی از ایراد نیست، زیرا راهکار مجلس و دولت بیش ازآنکه متوجه حل مشکل جامعه در زمینه پیشگیری و کاهش جرایم باشد، اهتمام به حل مشکل دولت، یعنی رفع کسری بودجه و تامین بودجه لازم برای دولت دارد و متاسفانه راهکار مجلس از تبدیل زندان به جریمه را باید نوعی تامین مالی دولت از طریق جریمه کردن مجرمان دانست، که پیامد آن برای جامعه بسیار سنگین خواهد بود. این سیاست یعنی فرد مجاز است مرتکب جرم شود مشروط بر اینکه هزینه آن را به دولت بپردازید. با این رویکرد دولت

---

۲۵۶ - روزنامه تعادل- ۵ آذر ۱۴۰۰ :

۲۵۷ - https://www.mehrnews.com/news/۵۶۲۰۰۱۰ :

خبرگزاری مهر(۷ آبان ۱۴۰۱): معاون حقوقی قوه قضائیه به وجود ۲ هزار و ۵۰۰ عنوان مجرمانه در کشور اشاره کرد و گفت: با اصلاح قانون ۴۰۰ عنوان مجرمانه از جمله مجازات نقدی یا تحمل حبس کمتر از یک‌سال حذف می‌شوند.

به یک سهامدار بازار رو به رشد جرم و جنایت تبدیل می شود. با این حال بر اساس قانون مجازات اسلامی حدود ۹۰ درصد مجازات‌ها در بخش تعزیرات، حبس را به خود اختصاص می‌دهد حال آنکه صدور چنین احکامی نه تنها پیامدهای ناگواری از جمله افزایش جمعیت زندانیان در زندان‌های مملو از افراد دارد، بلکه آثار و تبعات زیانباری هم برای زندانی، خانواده او و جامعه به بار می‌آورد.

اقتصاددانان طرفدار مکتب اقتصادی حقوق که بخشی از راهکار تحقق رفاه جامعه را منوط به پیش بینی و کنترل جرایم در جامعه می دانند و توجه خود را معطوف به برآورد هزینه های جرم و اثربخشی هزینه های مقابله با جرایم نموده اند، در مطالعات خود تلاش کرده‌اند با گنجاندن روشی برای ارزشگذاری پولی درد، رنج و کیفیت زندگی از دست رفته، از آمارهای دولتی جرایم فراتر روند و در مطالعات خود از روش‌هایی استفاده می‌کنند که توسط اقتصاددانان محیط‌زیست و بهداشت و ایمنی در محیط کار استفاده می‌شود. این روش‌ها تا حدودی برای جامعه تحقیقاتی در حوزه جرم سنجی و برای سیستم عدالت کیفری و محاکم قضایی موضوعاتی جدید هستند و توجه زیادی به درک مفروضات، محدودیت‌ها و جایگزین‌های اساسی آنها که در چارچوب تحلیل های هزینه – اثر بخشی و هزینه –فایده در سیستم عدالت کیفری وارد می شود، لازم است. مهمترین کاربرد این ابزارهای تحلیلی در عرصه سیاستگذاری عمومی است. تجزیه و تحلیل هزینه–فایده ابزاری است که سالها توسط تحلیلگران سیاست عمومی استفاده می شود، اما در حوزه قضاوت و نظام قضایی کمتر مورد توجه بوده است. بجای این ابزار در برخی موارد از تحلیل هزینه– اثر بخشی[۲۵۸] هم استفاده می شود که در حوزه برآورد خسارات جرایم و اثر بخشی هزینه های پیشگیری و مقابله کاربرد بیشتری دارد.[۲۵۹] به این ترتیب تحلیل هزینه –اثربخشی تا حدودی جاه طلبانه تر است، اما به همان اندازه ابزار سیاستی مهمتری است. بر خلاف تجزیه و تحلیل هزینه–فایده ، که مستلزم آن است که تمام منافع و هزینه ها به صورت پولی بیان شود، اثربخش بودن هزینه ها، به خروجی و پیامدها توجه دارد که البته فقط مستلزم سنجش و ارزشگذاری پولی اقدامات و سیاست ها و برآورد کردن دقیق هزینه ها و منافع است که در برخی موارد در قالب مخرج مشترک ها بیان شود –مانند جرایم قابل مقایسه، جراحات قابل مقایسه، سال های از دست رفته زندگی، و غیره. به عنوان مثال، ممکن است هزینه های صرفه جویی شده به ازای هر سال در دو برنامه مختلف با یکدیگر مقایسه شود. هر دوی این روش‌ها به برآوردهای دقیق اثربخشی نیاز دارند –به عنوان مثال، تعداد جرایمی که تخمین زده می‌شود با اتخاذ یک سیاست مشخص پیشگیری شود. چنین برآوردهایی در اکثر برنامه های نظارتی با ارزش پولی یکسان ارائه می شوند. به عنوان مثال، کمیسیون ایمنی محصولات مصرفی یا سازمان حمایت از حقوق مصرف کنندگان، میزان خسارات و تعداد صدماتی که از طریق آگاهی رسانی و صدور فراخوان اجتناب

---

۲۵۸ - Cost-effectiveness analysis

۲۵۹ - Mark A. Cohen(۲۰۰۰),Measuring the Costs and Benefits of Crime and Justice, Vanderbilt University,p ۲

می شود را برآورد می کند و یا آژانس حفاظت از محیط زیست تعداد موارد سرطان جلوگیری شده را تخمین می زند. اما تا به امروز، سازمان های عدالت کیفری به ندرت به این استاندارد ها توجه کرده اند. محققان جامعه‌شناسی، روان شناسی و جرم‌شناسی اغلب به محاسبه، بررسی و نشان دادن همبستگی یا سطوح اهمیت بسنده می کنند و به ندرت "اثربخشی" را با معیارهایی مانند درصد کاهش تکرار جرم یا موارد (= فرآوانی یا تکرار) آسیب‌های روانی تعیین و ارزیابی می کنند.[۲۶۰]

تئوری های جرایم مالی

رفتار مجرمان و مفسدان مالی و اقتصادی موضوع مورد مطالعه پژوهشگران در حوزه های مختلف بوده است. آنها تئوریهای مختلفی را برای تبیین الگوهای رفتاری مجرمان اقتصادی و مالی ابداع و معرفی کرده اند. تئوری های جرایم مالی -اقتصادی با تغییر در تولید، محیط کار، ساختارهای سازمانی، صنعتی شدن و قانون گذاری تکامل یافته اند. در همین رابطه مهمترین نظریه های تقلب و کلاهبرداری عبارتند از : نظریه مثلث تقلب (کرسی، ۱۹۵۳)، مقیاس تقلب (آلبرشت و همکاران، ۱۹۸۴)، نظریه الماس تقلب (ولف و دانا، ۲۰۰۴)، مدل موش (کرناچر و همکاران). ، ۲۰۱۰)، مدل مثلث تقلب جدید (Kassem, R. & Higson, A.,۲۰۱۲)، مدل پنج ضلعی کلاهبرداری و تقلب SCORE-The Fraud Pentagon Vousinas,۲۰۱۹) و مدل توسعه یافته شش ضلعی SC(C)ORE-The Fraud (Vousinas,۲۰۲۱). در نظریه های جرایم فساد مالی عواملی همچون فشار مالی، منطقی سازی، فرصت، قابلیت، انگیزه ، صداقت، پول، ایدئولوژی، اجبار، صیانت نفس، استحقاق، محرک و تبانی نقش دارند. همچنین برای توجیه دلایل کلاهبرداری های مکرر به اعتیاد (چیپس سیب زمینی)، بخش کوچکی از پدیده ها (نوک کوه یخ) اشاره شده است. بورگ به رفتار متقلبانه رهبر (سیب گندیده)، پتانسیل تقلب کم خطر (میوه کم آویزان) و سندرم حافظه کوتاه مدت اشاره کرده است.[۲۶۱]

یکی از پیامدهای آشکار جهانی شدن اقتصاد و دیجیتالی شدن آن در هم تنیدگی جرایم مالی با جرایم سایبری است و به همین دلیل است که دسته جرایم مالی باید شامل اعمال مجرمانه ارتکابی علیه وجوه غیر نقدی، از جمله جرایم

---

۲٦۰ - Mark A. Cohen(۲۰۰۰),Ibid

۲٦۱-Biegelman, M. T. (۲۰۱۳). Faces of Fraud: Cases and Lessons from a Life Fighting Fraudsters. Wiley. doi:۱۰,۱۰۰۲/۹۷۸۱۱۱۸۵۵٦۹۱۷; Abdul Rafay,Ibid,p۲٤

مارتین تی بیگلمن یکی از محققان مشهور در موضوع کلاهبرداری در دوران مدرن است. در حالی که در نقش‌های رهبری در اجرای قانون، مشاوره و بخش شرکت ها فعالیت می‌کند، او بیش از ۴۰ سال تجربه تحقیقات پیچیده و پرخطر مربوط به کلاهبرداری، فساد، رشوه، تعارض منافع، و انتقام‌جویی افشاگران را در بیش از ۷۰ کشور جهان دارد. به عنوان یک ACFE Regent Emeritus ، او دریافت کننده جایزه کرسی است که هر ساله توسط انجمن بازرسان خبره تقلب (ACFE)برای دستاوردهای مادام العمر در کشف و جلوگیری از تقلب اعطا می شود.

الکترونیکی، جرایم مرتبط با تأثیر بر محیط اطلاعاتی (اطلاعات رایانه ای) برای سود یا خسارت مالی باشد، زیرا در اقتصاد دیجیتالی، امکان ارتکاب جرایم اقتصادی از راه دور فراهم شده است.[۲۶۲]

جرایم اقتصادی و خشونت ساختاری

جرم شناسان ، با طرح مفهوم جرم شناسی بازار آن را با مفهوم خشونت ساختاری در جوامع مرتبط می دانند و معتقدند در برخی جوامع ماهیت مناسبات و روابط اقتصادی با مساله ی توزیع نابرابر ثروت و فرصت و منابع و نابرابریهای در قدرت اقتصادی و بی عدالتی مرتبط است و این مناسبات ناعادلانه به نوعی مناسبات ساختاری خشونت گرا و یا به تعبیری به خشونت ساختاری منتهی شده است. آنها از این زاویه ، مفهوم جرم و فساد را با تمام زمینه ها وعلل آن و پیامدها و تبعات آن در یک چارچوب بررسی می کنند و به جرم و فساد بصورت پدیده ای گسترده و فراگیر در سطح جوامع بشری نگاه می کنند. جرم و فساد گسترده و فراگیر به شرایطی در جامعه دلالت دارد که جرایم منحصر به یک طبقه اجتماعی خاص نیست، منحصر به علل ناشی از شاخص های ضعف اقتصادی و یا شرایط محرومیت اقتصادی در یک طبقه اجتماعی خاص نیست، منحصر به بخش خصوصی و یا بخش عمومی به تنهایی نیست، منحصر به نارسایی در یک یا دو بازار نیست، بلکه افراد جامعه از پایین ترین سطح تا بالاترین سطوح سیاسی ، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ساختاری مبتنی بر روابط خشونت گرایانه و بی رحمانه، درگیر ارتکاب جرم هستند.

جرم شناسی بازار با مفهوم خشونت ساختاری که در سال ۱۹۶۹ توسط یک جامعه شناس نروژی به نام یوهان گالتونگ توسعه یافت، زمینه مشترک هستی شناختی دارد. گالتونگ (۱۹۶۹) خشونت ساختاری را اثرات ناتوان کننده توزیع نابرابر قدرت و منابع در جامعه بر آسیب پذیرترین اقشار جمعیت توصیف می کند. او به خشونت ساختاری قابل اجتناب اشاره دارد و معتقد است آسیب های اجتماعی ناشی از ساختار اجتماعی نابرابر متوجه آسیب پذیرترین جمعیت یک کشور می شود که از حق دسترسی به اساسی ترین نیازها مانند آموزش، خدمات پزشکی و مسکن مناسب، شغل مناسب و درآمد عادلانه محروم هستند. او البته این آسیب ها را قابل اجتناب و قابل پیشگیری و کنترل می داند.[۲۶۳] گالتونگ این آسیب‌های اجتماعی قابل اجتناب را محصول خشونت توصیف می کند، زیرا پیامدهای واقعی برای زندگی قربانیان دارد. بعلاوه او این خشونت را ساختاری می‌داند زیرا برآیند

---

۲٦۲ - Yanping Liu, Minghai Tian ,Yanming Shao(۲۰۲۲),Cybercrimes and Financial Crimes in the Global Era, Springer ,p۱۲۲

۲۶۳- گالتونگ (۱۹۶۹، ص ۱۶۹) آسیب اجتماعی را تنها در صورتی خشونت می‌بیند که چنین آسیبی "قابل اجتناب" باشد. مثلاً که اگر شخصی در قرن هجدهم بر اثر سل درگذشته هنگامی که شیوه درمان پزشکی برای این بیماری عمدتاً در دسترس نبوده است، چنین آسیبی اجتناب ناپذیر بوده و بنابراین نمی توان آن رابه عنوان خشونت تلقی کرد.ر. ک به :

Galtung, Johan (۱۹٦۹). "Violence, Peace, and Peace Research." Journal of Peace Research. ٦:۱٦۷–۱۹۱;
Ifeanyi Ezeonu(۲۰۱۸),Crimes of the Powerful :Market Criminology; Routledge.p٥٦.

مناسبات ساختاری برساخته شده در اجتماع است که بصورت نیرو و قدرتی نامتعادل کننده، بی عدالتی و نابرابری را موجب می گردد و در نتیجه شانس زندگی در شرایط برابر را از میان مـی بـرد (ص ۱۷۱). او بـا رد مفهـوم سـازی مرسوم خشونت صرفاً در قالب " ناتوانی جسمی یا محرومیت از سلامت" به‌عنوان چارچوبی تقلیل‌گرا، خشونت را پدیده ای فراگیر و گسترده و به عنوان تلفیقی از نمودهای ساختاری بی‌عدالتی اجتماعی در همه عرصه ها و با همه پیامدهایش توصیف و معرفی می کند (همان، ص ۱۶۸). به عبارت دیگر، خشونت از نظر او با بی عدالتی اجتماعی همخوانی دارد. فقر، فلاکت ، بیکاری ، بیسوادی، محرومیت از خدمات درمانی موثر و رفاه و تامین اجتماعی مناسب و غیرو جلوه های مختلف از نابرابری است که از ثمرات و پیامدهای بی عدالتی ساختارمند در جامعه و نمادهایی از خشونت ساختاری هستند.[۲۶۴] به این ترتیب توصیف رابطه ی نابرابری و جرم ، مفهومی گسترده تر را در برمی گیرد. زیرا نابرابری به هرگونه محرومیت اشاره دارد که به تعبیر کسانی همچون گالتونک ناشی از مناسـبات سـاختاری نابرابری است که ذاتا خشونت گرا است. یک جامعه نابرابر یک جامعه خشن است و جلوه های مختلف خشـونت ناشی از نابرابری فرصت ها در اجتماع می تواند، مصداق جرم و فساد تلقی گردد. با این تعبیر، وجود فقردر یـک جامعه حتی اگر آن فقرا دست به بزهکاری های مجرمانه ای همچـون سـرقت و دزدی نزننـد، خـود بیـانگر نـوعی خشونت روا داشته شده است که در حقوق فقرا صورت گرفته و این جرم است. فقر و بی عدالتی جرمی است که نه تنها آحاد افراد جامعه در آن نقش دارند، بلکه می تواند حاصل مناسبات قدرت و دستاورد حکومت های ظلم و جور باشد. حفظ ساختارهای خشونت گرایانه یعنی سـاختارهایی کـه نـابرابری و تبعـیض را در جامعـه تقویـت و گسترش می دهند خود اقدامی مجرمانه و فسادآمیزاست. جامعه ای که درآن فقر و محرومیـت وجـود دارد، بـدون شک جامعه ای است که مناسبات ساختاری خشونت گرایانه و تبعیض آمیز درآن حاکم است. چنین جامعه ای ذاتا جرم خیز است و فساد درآن رواج دارد.

نقطه مقابل صلح ، ستیزه و جنگ و خشونت گرایی است و مقابل جامعه صالح ، جامعه ای که مناسبات میان انسانها درآن توام با صلح و برابری است ، جامعه نا ایمن و خشونت گرا قراردارد ، جامعه ای با مناسبات نابرابر و تبعیض آمیز میان افراد جامعه. متاسفانه ما در حال حاضر در دنیایی بسر می بریم که هم در درون جوامع و نظام های سیاسی–اجتماعی یعنی روابط میان دولت ها با ملت خودشان و هم در مقیاس بین المللی یعنی روابط و مناسبات میان دولت–ملت ها، با ساختارهای خشونت گرایانه مواجه هستیم .عمده عللی که موجب شده تلاش های صلح طلبانه در دنیا راه به جایی نبرد و ناامنی ،جنگ ، فقر ، خشونت و ترور بر دنیای بشر حاکم باشد، وجود همین ساختارهای خشونت گرایانه و تبعیض آمیزاست.

---

۲٦٤ - Ifeanyi Ezeonu(۲۰۱۸) Ibid ,p۷۷

یکی از الگوهای ساختاری خشونت گرا ، ساختارهای مبتنی بر مکانیزم بازار است. برهمین منبا و منطق است که می توان استدلال قوی ارائه کرد که فقرا در جنوب صحرای آفریقا، جایی که موسسات مالی بین المللی مسئول اصلی دوزهای دردناک برنامه های تعدیل ساختاری (SAPs) هستند، به اندازه آمریکاییهای بومی آمریکا و رنگین پوستان ، قربانی نیروهای بازار هستند. در این کشورها ساختارهای بازار به گونه ای خشونت بار، فقر و بی عدالتی را برای بخشی از جامعه به ارمغان می آورد. آنها در ایالات متحده از سرمایه داری نژادی آن کشور طرد شده اند و وجود محرومیت اقتصادی در میان آنها با فقیرترین کشورها همخوانی دارد. همین استدلال را می‌توان در مورد فقیرترین آمریکایی‌ها از هر پیشینه نژادی که هنوز برای دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی مقرون به‌صرفه تلاش می کنند، یا مردم روستایی چین که توسط سرمایه‌داری دولتی آن کشور پشت سر گذاشته‌اند، مطرح نمود. با این حال، هم در ایالات متحده و هم در چین، سیاست های مالی به جای نهادهای مالی بین المللی به طور مستقل توسط بازیگران سیاست داخلی آن کشورها تعیین می شود. در دولت شبه سرمایه داری نیجریه، بورژوازی بومی دزدسالار توانایی خود را در غارت منابع دولتی، از جمله ثروت نفتی کشور، حتی فراتر از کمک شرکت های فراملیتی که به همان نسبت مصادره می کنند، نشان داده است.[۲۶۵]

اندیشه نئو لیبرالی در اقتصاد کشورهای در حال توسعه ، در مناطق مختلف از آفریقا و آمریکای لاتین تا برخی کشورهای خاورمیانه ای که الگوی توسعه خود را برمبنای توصیه های بانک جهانی و صندوق بین الملل پول قرارداده اند، دستاورد موفقیت آمیزی برای رفع خشونت، فقر و نابرابری در این جوامع نداشته است و حتی در مواردی وضعیت را بدتر کرده است، به خصوص در مورد کشورهای خاورمیانه ای وضع بشدت بدتر شده است. جنگ ، ترور، رقابت های ایدئولوژیک میان دولت های منطقه و ظهور گروه های افراط گرای مذهبی در کنار بی کفایتی دولت های فاسد در موارد مختلف به بی ثباتی و ناامنی و رشد جرایم سازمان یافته منجر شده و شرایط را برای فعالان جامعه مدنی این کشورها که برای صلح ، امنیت و رفع فقر و بی عدالتی و دستیابی به یک سطح زندگی نرمال تلاش می کنند، سخت ودشوار نموده است. حمایت های مالی و نظامی دولت های منطقه از گروه های مذهبی افراط گرا، بطور نمونه رقابت تهران و ریاض، بازیگران جامعه مدنی در عربستان و ایران را که از خشونت اجتناب می‌کنند با ناکامی در تحقق اهداف مصالحه جویانه وثبات و امنیت مواجه نموده است. در نتیجه ی افزایش رقابت های خشونت گرایانه در میان دولت های منطقه ، جامعه مدنی در خاورمیانه بیش از پیش به عقب رانده شده است و نفرت پراکنی و خشونت جای آن را گرفته است.[۲۶۶]

---

۲٦٥ - Ifeanyi Ezeonu(۲۰۱۸),Ibid.
۲٦٦ - Kristina Kausch (Ed.),Geopolitics and Democracy in the Middle East , FRIDE(۲۰۱۵), p۳۹

در ایران، با وجود حاکمیتی که خود را ام القری و مهد تمدن اسلامی نوین و نوید بخش برای رهایی مستضعفان جهان و مدافع حرکت های آزادی بخش در سطح جهان معرفی می کند ، فقر و فساد و بی عدالتی موج می زند. وزیر اقتصاد دولت انقلابی ابراهیم رییسی، سید احسان خاندوزی و همکارانش مقاله ای با رویکرد اقتصاد اسلامی برای ارزیابی وضعیت رفاه در ایران نوشته اند که درآن مقاله آمده است : در یک نظام اسلامی عادلانه باید قوام مال و قوام نسل رخ دهد و این از مجرای حکومت عدل رخ می دهد. اگر این گزاره مبتنی بر تعالیم و سنن الهی و دینی اسلام درست باشد، نتیجه می گیریم ، اکنون که با گذشت بیش از چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی، اقتصاد ایران با نرخ های دو رقمی تورم و بیکاری و رشد شاخص فلاکت مواجه شده است و نه تنها قوام مال رخ نداده بلکه بلعکس با تنزل و تلف شدن اموال و دارایی و ثروت عمومی و فلاکت مردم مواجه هستیم و به جای قوام نسل هم با کاهش نرخ زاد و ولد و حتی نرخ پایین ازدواج و افزایش نرخ طلاق و فروپاشی نهاد خانواده (که پیامد فشارهای اقتصادی و محدودیتها و تنگناهای اجتماعی و فرهنگی است) ، با سقوط نسل در حد هشدارهای جدی مواجه هستیم، باید نتیجه گرفت که این حکمرانی در طول چهار دهه گذشته ظالمانه بوده و نه عادلانه ، که ایران این چنین از حیث جان و مال در سراشیبی سقوط قرار گرفته است.[۲۶۷]

آنچه در مورد ایران روش است ، بطور مشخص نظامیان و روحانیون بلند پایه مذهبی نه تنها برمنابع اقتصادی این کشور سیطره و تسلط دارند و روند توزیع منافع اقتصادی در میان طبقات اجتماعی در ایران بر مبنای نزدیکی و دوری گروه ها و فعالان اقتصادی به حاکمیت انجام می گیرد. دستاورد سیاست های جمهوری اسلامی در داخل محدود کردن فضای بیشتر برای فعالان جامعه مدنی و در خارج از کشور حمایت بیشتر مالی و نظامی و تسلیحاتی از نیروهای نیابتی در منازعات منطقه ای (محور مقاومت: متشکل از عراق ، سوریه، لبنان، یمن، نواز غزه و...) [۲۶۸]بوده که ارمغان آن برای این کشور تحریم و فشارهای های بیشتر اقتصادی است. اگرچه جامعه بین الملل به رهبری آمریکا و غرب مدعی هستند که تلاش های خود را برای هوشمندسازی تحریم های اعمال شده به گونه ای انجام داده اند، که مقامات سیاسی این کشور را هدف قرار دهد و نه مردم ایران را، با این حال به نظر می رسد ، نحوه عملکرد حکومت در ایران بگونه ای است که پیامدهای منفی تحریم ها بیش از پیش متوجه معیشت مردم ایران بوده و حکومت از سیاست های خود ، چه در برنامه هسته ای پرهزینه و مشکوک و چه در حمایت پر هزینه و تنش زا از نیروهای نیابتی خود در منطقه عقب نشینی نکرده ، بلکه عملا زندگی ، معیشت ، ثبات و آرامش و رفاه میلیون ها

---

۲۶۷ – سید احسان خاندوزی،علی مصطفوی ثانی، حسین سرآبادان (۱۳۹۷)، طراحی و برآورد شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی در ایران ، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست وهفتم، شماره یکصدودوم، تابستان ۱۳۹۹.

۲۶۸ –ایران آن را محور مقاومت (Axis of Resistance) و امریکا آن را محور شرارت (leveraging chaos) می نامد.

ایرانی در کشاکش رقابتهای سیاسی و ایدئولوژیک و بلند پروازی های منطقه ای که میان حاکمان انقلابی ایران با رقبای منطقه ای و قدرت های بزرگ جهانی در جریان است ، به مخاطره افتاده است. [۲۶۹]

برنامه هسته ای نیم قرن ایران با هزینه های مالی هنگفت، ریسک های غیرقابل پیش بینی و انگیزه های نامشخص شناخته می شود. تاریخچه پنهان این برنامه، همراه با اعمال ممنوعیت دولت ایران از پوشش رسانه ای باز موضوع هسته ای، مانع از بحث داخلی درباره منطق هزینه – فایده آن برنامه شده است. طبق برخی برآوردهای کارشناسی ، هزینه برنامه هسته ای ایران که بر اساس فرصت های سرمایه گذاری خارجی از دست رفته و درآمد نفتی از دست رفته اندازه گیری می شود – بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار بوده است. تکمیل راکتور اتمی بوشهر نزدیک به چهار دهه به طول انجامیده و تقریباً ۱۱ میلیارد دلار هزینه داشته که آن را به یکی از گران ترین راکتورهای جهان تبدیل نموده است. بوشهر در صورت بهره برداری تنها ۲ درصد برق مورد نیاز ایران را تامین می کند، در حالی که ۱۵ درصد برق تولیدی کشور از طریق خطوط انتقال قدیمی و نامناسب تلف می شود و این یعنی اگر با هزینه ای به مراتب کمتر خطوط انتقال برق مندرس و قدیمی نوسازی و بهینه سازی می شد، بیش از این مقرون به صرفه بود. [۲۷۰]

قوانین ضد انحصار و مقابله با فساد

یکی از سرچشمه های اصلی فساد (بویژه فساد در سطوح مدیران و مقامات ارشد) تمرکز قدرت در دست افرادی است که از قدرت عمومی تفویض شده و از نفوذ سیاسی خود برای کسب منافع شخصی استفاده می کنند. این مساله به ویژه در کشورهایی که ثروت های طبیعی فراوان مانند نفت و گاز و معادن ارزشمند دارند، چشمگیر است. همچنین مقامات شرکت های بزرگ چند ملیتی و یا حتی مقامات ارشد سیاسی در قدرت های بزرگ اقتصادی به جهت داشتن دست بالا در چانه زنی های بین المللی می توانند در معرض آلودگی به فساد قرار گیرند. فسادهایی مانند اجتناب از پرداخت مالیات ها، حساب های غیر شفاف خارجی، خرید امتیازها و مجوزها و خرید رای و حق صدور فرامینی که ورود و خروج و رقابت را محدود می کنند از آن جمله است. آزاد نمودن رقابت و تجارت و فراهم نمودن تسهیلات در امکان ورود – خروج به صنعت راه حلی برای مقابله با فسادهای مذکوراست. همچنین اقداماتی از قبیل انحصار زدایی، مقررات زدایی، تسهیل ورود و خروج از طریق تصفیه دارایی ها و رویه های کارامد، و ارتقای رقابت، از جمله راه حل های این معضل است. انحصار مصداق بارزی از فساد است و قانون ضد انحصار(Antitrust Law)، یکی از عناصر مهم در اقتصادهای آزاد است که برای باز نگه‌داشتن و حفظ رقابت بین کسب و کارها ضروری شناخته شده که براساس آن هم مصرف کنندگان حق دارند گزینه‌هایی برای انتخاب خرید داشته باشند و هم کسب‌وکارها حق دارند که در بازارهای مختلف شانس موفقیت برای عرضه و

---

۲۶۹ - Ibid

۲۷۰ - Ali Vaez and Karim Sadjadpour(۲۰۱۲),Iran’s unclear odyssey, Carnegie Endowment for International Peace.

فروش محصول خود را داشته باشند. به این ترتیب مقابله با انحصار یک نیاز مهم برای حفظ سلامت در بازار آزاد است. انحصار شکل های مختلفی دارد که جلوگیری از آن می‌تواند به نفع مصرف‌کنندگان و کارآفرینان و صاحبان کسب و کارها باشد و قوانین ضد انحصار در واقع مقابله با تبانی و انحصار خریداران و یا فروشندگان در بازار است.

اجرای قوانین ضد انحصار در اروپا :

قوانین ضد انحصار طیف گسترده‌ای از سؤ رفتارها توسط سازمان‌ها و شرکت ها را مورد توجه قرار داده و از بروز آنها پیشگیری می کند از جمله:

۱ -توافق توقف رقابت یا تشکیل کارتل (Cartel formation) : یک کارتل زمانی ایجاد می‌شود که دو یا چند شرکت توافق می کنند که با یکدیگر رقابت نکنند.

۲ - تبانی در سیستم قیمت گذاری (Price fixing) : این غیر قانونی است که کسب و کارها توافق کنند که یک کالا یا خدمت را با یک قیمت ارائه دهند و یا قیمت‌ها را با هماهنگی یکدیگر بالا ببرند. (کاری که شرکت های خودرو ساز در ایران بارها با اتکاء به لابی های مورد حمایتشان در دولت و وزارت صمت انجام می دهند.)

۳ - دستکاری مزایده و مناقصه (Bid rigging): این مربوط به زمانی است که شرکت‌های رقیب درباره‌ی قیمت پیشنهادی‌شان در یک مزایده یا مناقصه مشورت می کنند. طبق این قانون شرکت‌های رقیب نمی‌توانند روی قیمت پیشنهادیشان با یکدیگر توافق کنند یا هر اطلاعات دیگری را در رابطه با پیشنهادشان با یکدیگر به اشتراک بگذارند.

۴ - اشتراک بازار (Market sharing): این اصطلاح به موقعیت‌هایی اشاره دارد که در آن کسب‌وکارهای رقیب توافق می کنند تا با نزدیک نشدن به مشتریان یکدیگر و رقابت نکردن برای مشتریان یک گروه‌های خاص، بازار را بین خودشان تقسیم کنند.

۵ -کسب‌وکارها مجاز نیستند هرگونه اطلاعاتی که رقابت را کاهش می‌دهد ، با رقبا به اشتراک بگذارند ، اعم از قیمت‌گذاری، اطلاعات تولید، تامین‌کنندگان، قراردادها یا موارد دیگر.

علاوه بر تشکیل کارتل، سوء استفاده از موقعیت مسلط در بازار عملا به معنای زیر پا گذاردن قوانین ضد تراست تلقی می گردد. یک کسب و کار معمولاً زمانی در موقعیت مسلط است که بیش از ۴۰ درصد از سهم بازار را در اختیار داشته باشد. سوء استفاده از موقعیت مسلط می‌تواند شامل رفتار متفاوت با مشتریان، اجبار مشتریان به خرید محصولات اضافه–مثل ضمانت‌نامه– ، افزایش قیمت، یا فروش به قیمتی پایین تر از میزان تولید با هدف از بازار به در کردن رقبا باشد. قوانین ضد انحصار همچنین بر خرید و فروش و یا ادغام شرکت‌ها نظارت می‌کنند تا اطمینان

حاصل شود که آن‌ها از هیچ راهی رقابت بازار را تهدید نمی‌کنند. زیرپا گذاردن قوانین ضد تراست در اروپا بویژه توسط شرکت های غیر اروپایی ، مشمول جرایم سنگین خواهد بود. به عنوان نمونه در سال ۲۰۰۹، کمیسیون اروپا شرکت تراشه‌ساز اینتل را به دلیل استفاده از روش‌های انحصاری غیرقانونی با ۱,۴۵ میلیارد دلار جریمه کرد (آکوهیدو، ۲۰۰۹). کمیسیون اقتصادی اروپا دریافت که سازنده تراشه، که ۷۷ درصد از سهم جهانی تراشه‌ها را کنترل می‌کند، در دستکاری تخفیف‌هایی که به‌طور ناعادلانه رایانه‌های حاوی ریزپردازنده‌های رقبا را محدود می‌کرد، مقصر بود. این جریمه از جریمه ۶۱۳ میلیون دلاری که در سال ۲۰۰۴ برای مایکروسافت و به جهت استفاده از اقدامات غیرقانونی مربوط به ویندوز مدیا پلیر(Windows Media Player) و سیستم عامل ویندوز وضع شده بود، فراتر رفت.

قوانین ضد انحصار در امریکا

تبانی، انحصار (تراست) و مداخلات قیمتی بر خلاف رویه متعارف بازار آزاد، از جمله جرایمی است که در قانون ضد تراست در ایالات متحده مورد پیگرد قرار می گیرد. اگر چه برخی بر این باورند که اجرای قانون ضد انحصار بی نتیجه است ، چون بازدارند نیست، اما اسکات (۱۹۸۹) خاطرنشان می کند که افشای عمومی زد و بندها و جرایم و توطئه های تجاری علیرغم مجازات های ضعیف همچنان به عنوان یک عامل بازدارنده عمل می کند. یک نمونه از موارد مداخلات قیمتی در قالب راهبرد تثبیت قیمت شامل مورد شرکت هافمن –راچ (F. Hoffman-La Roche Ltd.) است که در سال ۱۹۹۹ به دلیل رهبری یک توطئه بین‌المللی برای تعیین قیمت ویتامین‌ها ۵۰۰ میلیون دلار جریمه شد (مخیبر، ۱۹۹۹). همچنین در مورد باسف-اکتین گسلژفت[۲۷۱] بابت یک سرمایه گذاری مشابه معادل ۲۲۵ میلیون دلار و بار دیگر اکتین گسلژفت[۲۷۲] به دلیل تثبیت قیمت محصولات گرافیت و کربن ۱۳۵ میلیون دلار جریمه شدند.[۲۷۳]

به رغم وجود قوانین مستحکم و اراده اجرایی قوی و نظارت های مردمی ، لاپوشانی و فساد و دور زدن قوانین و تبعیض در اجرای قوانین در مورد شهروندان همانند هرکشور دیگری در ایالات متحده آمریکا نیز کم و بیش وجود دارد، اما مطبوعات آزاد ، نظارت مدنی هوشمند و استقلال نظام قضایی در ایالات متحده، هزینه دور زدن قوانین را برای قانون شکنان بشدت افزایش داده است.

قوانین و نهادهای ضد انحصار در ایران

در ایران قوانین گوناگونی با ماهیت ضد انحصاری وجود دارد و همچنان هم بر تدوین قوانین بیشتر در این حوزه افزوده می شود ، اما شعار زدگی ، بی عملی و عدم پایبندی به اجرای قانون و به تعبیری عدم حاکمیت قانون

---

۲۷۱ - BASF Aktiengesellschaft
۲۷۲ - SGL Carbon - Aktiengesellschaft
۲۷۳ - Ibid,p ٦٦٤

در فضای اقتصاد و کسب و کار در کشور ، بعلاوه اختیارات وسیع دولتی در مداخلات اقتصادی موجب شده ، انحصار و انحصارگرایی سکه رایج در اقتصاد ایران باشد و آنچه وجود خارجی ندارد رقابت سالم اقتصادی است. متون حقوقی از متن قانون اساسی تا سایر قوانین عادی در ایران ، بطور پراکنده موادی را بر ضد انحصارگرایی وضع نموده است، اما از آنجا که همچنان از نظر حقوقی این میزان توجه به کنترل انحصار ناکافی ارزیابی شده است، بطور خاص فصل نهم از قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهار (۴۴) قانون اساسی، مصوب سال ۱۳۸۷ تحت عنوان: " تسهیل رقابت و منع انحصار" به مواردی از راهکارهای ضد انحصار می پردازد. در ماده ۱ " قانون اجرای سیاست های کلی اصل چهل‌وچهار (۴۴) قانون اساسی" انحصار چنین تعریف شده است: انحصار عبارت است از: " وضعیتی در بازار که سهم یک یا چند بنگاه یا شرکت تولیدکننده، خریدار و فروشنده از عرضه و تقاضای بازار به میزانی باشد که قدرت تعیین قیمت یا مقدار را در بازار داشته باشد یا ورود بنگاه‌های جدید به بازار یا خروج از آن با محدودیت مواجه باشد."، همچنین براساس ماده ۴۴ این قانون هرگونه تبانی از طریق قرارداد، توافق و یا تفاهم (اعم از کتبی، الکترونیکی، شفاهی و یا عملی) بین اشخاص که یک یا چند اثر زیر را به دنبال داشته باشد به نحوی که نتیجه آن بتواند اخلال در رقابت باشد ممنوع است :

۱ –مشخص کردن قیمتهای خرید یا فروش کالا یا خدمت و نحوه تعیین آن در بازار به طور مستقیم یا غیرمستقیم.

۲ –محدود کردن یا تحت کنترل درآوردن مقدار تولید، خرید یا فروش کالا یا خدمت در بازار.

۳ –تحمیل شرایط تبعیض‌آمیز در معاملات همسان به طرفهای تجاری

۴ –ملزم کردن طرف معامله به عقد قرارداد با اشخاص ثالث یا تحمیل کردن شروط قرارداد به آنها.

۵ –موکول کردن انعقاد قرارداد به قبول تعهدات تکمیلی توسط طرفهای دیگر که بنا بر عرف تجاری با موضوع قرارداد ارتباطی ندارد.

۶ –تقسیم یا تسهیم بازار کالا یا خدمت بین دو یا چند شخص.

۷ –محدود کردن دسترسی اشخاص خارج از قرارداد، توافق یا تفاهم به بازار.

تبصره –قراردادهای میان تشکل‌های کارگری و کارفرمایی به‌منظور تعیین دستمزد و مزایا، تابع قانون کار است.

اما هم اکنون دولت در ایران خود به عنوان بزرگترین کارفرما در اقتصاد از بیشترین اختیارات نا محدود و قدرت انحصاری برخوردار است که در موارد گوناگون بندهای مختلف این قانون را نقض می کند.

ماده ۴۵ـ اعمال ذیل که منجر به اخلال در رقابت می‌شود، ممنوع است :

الف ـ احتکار و استنکاف از معامله

۱ –استنکاف فردی یا جمعی از انجام معامله و یا محدود کردن مقدار کالا یا خدمت موضوع معامله.

۲ –وادار کردن اشخاص دیگر به استنکاف از معامله و یا محدود کردن معاملات آنها با رقیب.

۳ -ذخیره یا نابود کردن کالا یا امتناع از فروش آن و نیز امتناع از ارائه خدمت به نحوی که این ذخیره‌سازی، اقدام یا امتناع منجر به بالا رفتن ساختگی قیمت کالا یا خدمت در بازار شود، اعم از این‌که به طور مستقیم یا با واسطه انجام گیرد.

ب ـ قیمت‌گذاری تبعیض‌آمیز

عرضه و یا تقاضای کالا یا خدمت مشابه به قیمتهایی که حاکی از تبعیض بین دو یا چند طرف معامله و یا تبعیض قیمت بین مناطق مختلف به رغم یکسان بودن شرایط معامله و هزینه‌های حمل و سایر هزینه‌های جانبی آن باشد.

ج ـ تبعیض در شرایط معامله : قائل شدن شرایط تبعیض‌آمیز در معامله با اشخاص مختلف در وضعیت یکسان.

د ـ قیمت‌گذاری تهاجمی

۱- عرضه کالا یا خدمت به قیمتی پائین‌تر از هزینه تمام شده آن به نحوی که لطمه جدی به دیگران وارد کند یا مانع ورود اشخاص جدید به بازار شود.

۲- ارائه هدیه، جایزه، تخفیف یا امثال آن که موجب وارد شدن لطمه جدی به دیگران شود.

تبصره ـ تشخیص لطمه جدی، بر عهده شورای رقابت است.

هـ ـ اظهارات گمراه‌کننده:

هر اظهار شفاهی، کتبی یا هر عملی که:

۱- کالا یا خدمت را به صورت غیرواقعی با کیفیت، مقدار، درجه، وصف، مدل یا استاندارد خاص نشان دهد و یا کالا و یا خدمت رقبا را نازل جلوه دهد.

۲- کالای تجدید ساخت شده یا دست دوم، تعمیری یا کهنه را نو معرفی کند.

۳- وجود خدمات پس از فروش، ضمانتنامه تعهد به تعویض، نگهداری، تعمیر کالا یا هر قسمتی از آن و یا تکرار یا تداوم خدمت تا حصول نتیجه معینی را القاء کند، در حالی که چنین امکاناتی وجود نداشته باشد.

۴- اشخاص را از حیث قیمت کالا یا خدمتی که فروخته یا ارائه شده است یا می‌شود، فریب دهد.

و ـ فروش یا خرید اجباری

۱- منوط کردن فروش یک کالا یا خدمت به خرید کالا یا خدمت دیگر یا بالعکس.

۲- وادار کردن طرف مقابل به معامله با شخص ثالث به صورتی که اتمام معامله به عرضه یا تقاضای کالا یا خدمت دیگری ارتباط داده شود.

۳- معامله با طرف مقابل با این شرط که طرف مذکور از انجام معامله با رقیب امتناع ورزد.

زـ عرضه کالا یا خدمت غیراستاندارد

عرضه کالا و یا خدمت مغایر با استانداردهای اجباری اعلام شده توسط مراجع ذی‌صلاح از جمله راجع به کاربرد، ترکیب، کیفیت، محتویات، طراحی، ساخت، تکمیل و یا بسته‌بندی.

ح ـ مداخله در امور داخلی و یا معاملات بنگاه یا شرکت رقیب ترغیب، تحریک و یا وادار ساختن یک یا چند سهامدار، صاحب سرمایه، مدیر یا کارکنان یک بنگاه و یا شرکت رقیب از طریق اعمال حق رأی، انتقال سهام، افشاء اسرار، مداخله در معاملات بنگاهها و یا شرکتها یا روش‌های مشابه دیگر به انجام عملی که به ضرر رقیب باشد.

ط ـ سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلط، به یکی از روش‌های زیر:

۱ -تعیین، حفظ و یا تغییر قیمت یک کالا یا خدمت به صورتی غیرمتعارف،

۲ - تحمیل شرایط قراردادی غیرمنصفانه،

۳ - تحدید مقدار عرضه و یا تقاضا به‌منظور افزایش و یا کاهش قیمت بازار،

٤ -ایجاد مانع به‌منظور مشکل کردن ورود رقبای جدید یا حذف بنگاهها یا شرکتهای رقیب در یک فعالیت خاص.

٥ - مشروط کردن قراردادها به پذیرش شرایطی که از نظر ماهیتی یا عرف تجاری، ارتباطی با موضوع چنین قراردادهایی نداشته باشد،

٦ - تملک سرمایه و سهام شرکتها به‌صورتی که منجر به اخلال در رقابت شود.

ی ـ محدود کردن قیمت فروش مجدد

مشروط کردن عرضه کالا یا خدمت به خریدار به پذیرش شرایط زیر:

۱ -اجبار خریدار به قبول قیمت فروش تعیین شده یا محدود کردن وی در تعیین قیمت فروش به هر شکلی.

۲ -مقید کردن خریدار به حفظ قیمت فروش کالا یا خدمتی معین، برای بنگاه یا شرکتی که از او کالا یا خدمت خریداری می کند یا محدود کردن بنگاه یا شرکت مزبور در تعیین قیمت به هر شکلی.

ک ـ کسب غیرمجاز، سوء استفاده از اطلاعات و موقعیت اشخاص

۱ -کسب و بهره‌برداری غیرمجاز از هرگونه اطلاعات داخلی رقبا در زمینه تجاری، مالی، فنی و نظایر آن به نفع خود یا اشخاص ثالث.

۲ - کسب و بهره‌برداری غیرمجاز از اطلاعات و تصمیمات مراجع رسمی، قبل از افشاء یا اعلان عمومی آنها و یا کتمان آنها به نفع خود یا اشخاص ثالث.

۳ - سوء استفاده از موقعیت اشخاص به نفع خود یا اشخاص ثالث.

ماده ۴۶ـ هیچ یک از مدیران، مشاوران یا سایر کارکنان شرکت یا بنگاه مجاز نیستند با هدف ایجاد محدودیت یا اخلال در رقابت در یک و یا چند بازار، به طور همزمان متصدی سمتی در شرکت و یا بنگاهی مرتبط و یا دارای فعالیت مشابه باشند.

ماده۴۷ـ هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نباید سرمایه یا سهام شرکتها یا بنگاههای دیگر را به نحوی تملک کند که موجب اخلال در رقابت در یک و یا چند بازار گردد.

به رغم وجود قوانین گوناگونی که در زمینه مبارزه با انحصارگرایی در نظام حقوقی ایران وضع شده است، اقتصاد این کشور به دلایل مختلف همچنان با چالش های جدی در مقابله با انحصارگرایی مواجه هست. یکی از عمده ترین دلایل ، دولتی بودن اقتصاد ایران است. در ایران دولت با در دست داشتن کنترل و سیطره بر بیش از ۷۰ درصد از اقتصاد کشور خود بزرگترین کارفرما و انحصارگر است. دولت در ایران به دلیل شان و جایگاهی که برای خود در اقتصاد قایل هست، در بسیاری از حوزه ها نسبت به مداخله و دستکاری در بازارهای مختلف، منجمله قیمت‌گذاری دستوری و انواع دیگر مداخلات غیرمسوولانه بدون ارزیابی پیامدهای تصمیمات و سیاست های خود اقدام می کند و به خصوص قیمت گذاری دستوری چنانکه بسیاری از کارشناسان معترف هستند، خود نشان از غیر رقابتی بودن بازار و حکایت از انحصارگرایی بنگاه های دولتی و اقتدار گرایی دولت در اقتصاد دارد. قیمت گذاری دستوری باعث از بین رفتن شفافیت لازم از بازار کالا و افزایش رانت در بازارهای مختلف خواهد شد، در نهایت با اجرای قیمت گذاری دستوری نه تنها هیچ حمایتی از مردم یا مصرف کننده صورت نمی گیرد بلکه هزینه بیشتری به آنها در جریان خرید کالا یا دریافت خدمت تحمیل خواهد شد.[۲۷۴] حتی اگر هدف دولت از قیمت گذاری دستوری رفاه حداکثری احاد افراد جامعه در برابر منفعت طلبی معدودی بنگاه های اقتصادی عمدتا دولتی یا نیمه دولتی باشد، تجربه چهار دهه نحوه حکمرانی اقتصادی دولت و مداخلات بی حد و حصر دولتی ها در بازار از جمله قیمت گذاری دستوری و سیاستهای ارزی توام با رانت و فساد (چه نرخ ارز ترجیحی و یا سیاست چند نرخی کردن ارز) نشان داده، شکل های مختلف از مداخله دولت به جهت ایجاد زمینه های رانت ، فساد و لابی گری در نهایت مفسده آمیز بوده و به فقر و نابرابری بیشتر در طبقات مختلف اجتماعی ایران منجر شده است. در واقع دولت در ایران به جای ایجاد فضای رقابتی در اقتصاد و حرکت بسوی بازار رقابتی و اجرای قوانین ضد انحصار، خود از طریق مداخلات دستوری در بازارها، انحصار خویش را تحکیم بخشیده است.

در ایران هم دولت های متهم به دنبال کردن سیاستهای نئو لیبرال و هم دولت های انقلابی و اصولگرا ، ماهیتا سیاست های مداخله گرایانه ناکارآمد و پر مفسده ای را دنبال کرده اند که در نهایت به زیان اکثریت جامعه و به نفع

---

۲۷۴ - گفتگوی رییس سابق بورس کالا و انرژی با خبرگزاری ایرنا : ۱۲ شهریورماه ۱۴۰۰

https://www.irna.ir/news//۸٤٤٥٧٩٩٧

یک جریان سوداگر داخلی پر نفوذ در اقتصاد بوده که با رانت و فساد و لابی گری ارتزاق می کند. بطور مثال آنچه تحت عنوان جراحی اقتصادی توسط دولت انقلابی ابراهیم رییسی برای حذف ارز ترجیحی و آزادسازی قیمت‌ها دنبال شد، از دیدگاه اقتصادی ، یک سیاست نئو لیبرالی است که اتفاقا در نبود شرایط رقابتی در اقتصاد، به تورم افسارگسیخته و رانت بیشتر و تنها به رقابت درونی میان معدود بنگاه های انحصارگر خصولتی و میدان دار اقتصاد دولتی منتهی شد. بخش خصوصی واقعی ، بنگاه های کوچک اقتصادی و عامه مردم از آزادسازی قیمت‌ها و حذف ارز ترجیحی جز آثار تورمی و کاهش قدرت خرید و رکود تورمی بهره‌ای نبردند.

دریک بازار رقابتی ، قیمت تابعی است از ارزش کالا یا خدماتی که ارائه می شود و مصرف کننده حاضر است بابت کیفیت و ارزش کالا وجهی معادل با قیمت کالا که مکانیزم بازار (عرضه و تقاضا) تعیین می کند ، بپردارد. اما قیمت گذاری دستوری اولا انگیزه تولید با کیفیت را از بین می برد و ثانیا ارزش واقعی کالا را که از برآیند عرضه و تقاضا در بازار حاصل می شود، غیر واقعی و دستکاری شده می نماید.

از آنجا که حاکمیت و دولت وظیفه ای دوگانه دارد، به این معنا که هم باید از حقوق مصرف کننده حمایت کند و هم از حقوق تولید کننده ، لذا مداخله او باید علی السویه و تعادل بخش و ضد انحصارگرایانه باشد. این اختیار و اقتدار دولت در تنظیم بازار تنها از طریق وضع و اجرای دقیق قانون ضد انحصار ممکن می گردد، و هرگز نباید بگونه ای باشد که هریک از تشکل ها و نمایندگان صنفی تولید کننده و با مصرف کننده و یا سندیکاهای کارگری و کارفرمایی و غیرو از طرق مختلفی مانند توسل به گروه های فشار و یا لابی گری و رانتجویی، برای جلب حمایت بیشتر به دولت و مقامات دولتی متوسل شوند، چالشی که امروز دولتهای مختلف در ایران با آن مواجه هستند و علت این است که دولت خود را در نقش صاحب اختیار و تصمیم گیرنده و مرجع نهایی حل اختلافات و ناظر برتری که دست بالا را دارد معرفی کرده است، آن هم دولتی که اولا خود بزرگترین کارفرما در اقتصاد است ، ثانیا بدنه مدیریتی وکارشناسی دولت اغلب رانتی و آلوده به فساد و دارای بخش کارشناسی کار نابلد و توجیه گر منافع قدرتمندان درون حاکمیت هست و ثالثا در موقعیت های مختلف تحت تاثیر فضای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، متمایل به دفاع از یک طرف دعوی سیاست هستند. به رغم چنین شرایطی دولت در ایران ، در تعیین قیمت ارز ، نان ، پنیر ، روغن ، مرغ و تخم مرغ ، بنزین ، خودرو تا تعیین حداقل دسنمزد کارگران و کارمندان و افزایش مستمری بازنشستگان و تعیین بهای هر کالا و خدمتی که در اقتصاد عرضه می شود، بصورت دستوری و اقتدارگرایانه مداخله مستقیم می کند.

سیاست کنترل قیمت از طریق مداخلات دولتی آثار و پیامدهایی همچون قیمت گذاری دستوری دارد. کنترل قیمت اغلب منجر به عدم تعادل بین عرضه و تقاضا می شود که این امر می تواند منجر به کمبود کالا و خدمات و به تبع آن، به وجود آمدن بازار سیاه یا بازار موازی و زیرزمینی برای کالاهای هدف شود. بعلاوه کنترل قیمت می تواند

منجر به ضرر و زیان برای تولید کننده و همچنین کاهش قابل توجه کیفیت کالا شود. عکس این سیاست تحت عنوان آزادسازی قیمت ها نام گذاری می شود که باز هم دولت داعیه دار آن می گردد و پیامدهای مخربی برای اقتصاد و توزیع رانت و درآمد در پی دارد. بطور کلی در ایران ، حدود اختیارات دولت برای مداخله در اقتصاد تقریبا نامحدود است و اینکه برآورد می شود، دولت بر هفتاد درصد اقتصاد سیطره دارد، همچنان حکایت از کم برآوردی میزان نقش و دخالت دولت در اقتصاد دارد.

بر اهل نظر پوشیده نیست که موضوع بحث این نیست که چرا دولت در بازار دخالت می کند ، بلکه انتقاد اصلی بر نحوه مداخله دولت است. گاهی این شبهه را مطرح می کنند که اگر قیمت گذاری دستوری مناسب نیست ، پس نتیجه می گیریم که باید بازار را بی هیچ قید و شرط به حال خود رها کرد ؟ پاسخ قطعا منفی است، چه آزاد سازی قیمت و رها کردن بازار به حال خود و چه قیمت گذاری دستوری هر دو سیاست هایی مفسده آمیز هستند. تنها راه میانه، ارتقای شفافیت و ایجاد فضای رقابت، تقویت سیاست های طرف عرضه ، بهبود نظام توزیع و نظارت و پایش عملکرد بازار و استفاده از ساز و کارهایی است که از انحصارگرایی جلوگیری کند و قیمت های تعادلی را در بازار بی مداخله مستقیم دولت محقق نماید. تجربه نشان داده است که در صورت رهایی بازارها، برخی از افراد و گروه ها و چه بسا باندهای مافیایی و انحصارگران و متنفذان در بازار با هدف سودجویی و با استفاده از رانت اطلاعاتی از طرق مختلفی مانند ایجاد التهاب و هیجان و رونق و رکود نمایی در بازار باعث فریب مردم عادی با اهداف سوداگرانه خود می شوند. بنابراین لازم است تا دولت ضمن استفاده از روش های رقابت محور با نظارت بر بازار و مداخله در زمان های لازم و مناسب اقدام به حمایت از حقوق منافع اکثریت مصرف کنندگان کند.[۲۷۵]

متاسفانه رد نظریه اقتصاد آزاد و نظام بازار موجب شده که دولت در ایران این حق را به خود بدهد که در همه امور اقتصادی شامل قیمت گذاری بصورت دستوری مداخله کند و هرگاه در مورد پیامدهای رانت و فساد این نوع از مداخلات دستوری بحث می شود ، کارشناسان حامی دولت، اصل عدم مداخله دولت در بحث قیمت گذاری را زمانی درست می دانند که اقتصاد کاملا آزاد در جامعه حاکم باشد که درآن ساز و کار قیمت‌ها می‌تواند منابع را به نحو مطلوب تخصیص دهد. درصورتی که حتی در همان سیستم بازار آزاد هم سازمان‌های تنظیم گری وجود دارند که در قیمت‌گذاری ها البته بطور محدود دخالت می‌کنند. منتهی این دسته از کارشناسان از پاسخ به انتقاداتی که بر فساد و رانت ناشی از مداخلات انحصارگرایانه دولت به دلیل عدم حاکمیت یک نظام بازار آزاد و رقابتی مطرح می شود، طفره ی روند. برای معدود بنگاه های بزرگ و انحصارگر انگل وار چسبیده به دولت ، چه تفاوتی

---

۲۷۵ - گفتگوی رییس سابق بورس کالا و انرژی با خبرگزاری ایرنا : ۱۲ شهریورماه ۱۴۰۰ :
https://www.irna.ir/news/۸۴۴۵۷۹۹۷

می کند که دولت به آنها ارز ترجیحی بدهد یا ارز آزاد یا اصلا قیر و فراورده های نفتی رایگان بدهد تا خودشان بروند در بازارهای بین المللی آن را تبدیل به ارز وارداتی کنند؟!

در هرحال قیمت گذاری دستوری آثار و پیامدهای ناگواری برای اقتصاد ایران به دنبال داشته است. اخیرا رئیس اتاق اصناف ایران ضمن انتقاد از نحوه نرخ گذاری کالاها، گفت: بالغ بر ۵۰ هزار واحد صنفی در آستانه تعطیلی قرار داشته یا تعطیل شده‌اند که قیمت گذاری دستوری از جمله دلایل مهم تعطیلی این واحدها است. قیمت گذاری دستوری علاوه بر تحمیل هزینه‌های سنگین به تولیدکنندگان و عدم سوددهی مناسب، قدرت رقابت‌پذیری تولید را نیز از بین برده و در نتیجه منجر به تعطیلی یا اختلال در روند تولید و یا تولید با ظرفیت پایین واحدها و فرار سرمایه از بخش تولیدی کشور شده است. قیمت گذاری دستوری مخل سرمایه گذاری، توسعه تولید و قیمت مناسب کالاها شده است. وقتی کالایی تولید می‌شود و فرد قصد سرمایه گذاری در آن بخش را دارد و دولت با دخالت‌های خود، قیمت آن کالا را تعیین می‌کند و عملاً حاشیه سود را برای سرمایه گذار از بین می‌برد. سرمایه گذار نیاز دارد که بداند قیمت کالا بر اساس ضوابط بازار تعیین می‌شود و قیمت گذاری به صورت دستوری تعیین نمی‌شود.[۲۷۶]

هم اکنون در نتیجه قیمت گذاری دستوری برخی صنایع و بنگاه ها مانند نیروگاه های تولید برق زیان ده شده اند و همچنین قیمت گذاری دستوری در بخش کشاورزی (مانند قیمت خرید تضمینی محصولاتی همچون گندم) نه تنها حمایت کننده کشاورزان نبوده که به زیان ده بودن تولید گندم توسط گندم کاران منتهی شده است و در نتیجه کشاورزان زیادی تمایل به کشت محصولات جایگزین دارند. بعلاوه قیمت گذاری دستوری روی بازار سرمایه و ارزش سهام برخی شرکت ها نیز تاثیر منفی داشته است.

همچنین برخی از شرکتهایی که محصولاتشان مشمول قیمت گذاری دستوری (سقف قیمت) هست و سهام شان در بازار سرمایه ایران معامله می شود. مطمئنا کاهش حاشیه سود این شرکت ها و یا زیان ده شدن آنها، فعالان بازارهای مالی را نسبت به سهام این شرکت ها، بدبین می کند. چرا که عملا سود چشمگیری در مجامع این شرکت ها تقسیم نمی شود. بعلاوه آنها به علت ضرر و زیان های قابل توجه، طرح های توسعه ای خود را نمی توانند اجرا کنند و به همین دلیل آینده ی روشنی را نمی توان برای سهام شرکت های مشمول قیمت گذاری دستوری تا زمانی که این شیوه قیمت گذاری وجود دارد، متصور شد. قیمت‌گذاری دستوری در بازار ارز به ایجاد رانت و فساد ارزی منجر شده است و در بازار سرمایه به خروج سرمایه منتهی گردیده.[۲۷۷]

---

۲۷۶ – گزارش خبرگزاری مهر با عنوان: بلایی که قیمت گذاری دستوری بر سر صنایع آورد/نگاهی به آرای مخالفان، ۲۴ آبان ۱۴۰۰ :
https://www.mehrnews.com/news/۵۳۵۱۶۵۰

۲۷۷ – مصاحبه ی روزنامه آرمان ملی با تعدادی از کارشناسان اقتصادی : ۱۲ آبان ۱۴۰۲
https://www.armanmeli.ir

برای اثبات ناکارآمد بودن سیاست کنترل قیمت ها با وجود نهادهای نظارتی پرطمطرقی همچون سازمان تعزیرات و دیگر نهادهای ناظر، کافی است نگاهی بیندازیم به نرخ های تورم دو رقمی در طی دهه های گذشته تا به امروز. اگر کنترل قیمت ها سیاست اثر بخش و کارآمدی بود، نمی بایست با چنین نرخ های تورمی در اقتصاد ایران مواجه باشیم. بدون شک فساد و رانت عامل این ناکارآمدی است و جالب است که علیرغم دهه ها سیاست کنترل قیمت، همچنان علت افزایش قیمت کالاها در ایران را به نبود نظارت کافی بر عرضه محصولات و کالاهای مختلف در بازار نسبت می دهند. کاملا مشخص است که نهادهای نظارتی در وظایف خود آلوده به رانت و فساد هستند و ناتوانی دولت در تحقق اهداف عدالت جویانه و تعادل بخش در اقتصاد از طریق سیاست کنترل قیمتی به اثبات رسیده است. بسیاری از کارشناسان معتقدند علت اصلی تورم بالا در ایران و بالا رفتن سطح عمومی قیمت ها، ناشی از افزایش نقدینگی در جامعه است که علت افزایش نقدینگی را هم باید در کسری بودجه دولت جستجو کرد و با اعمال فشار و سرکوب قیمتی یا کنترل قیمت ها مطمئنا سطح عمومی قیمت ها پایین نمی آید و اعمال سیاست کنترل قیمت بر کالاها و یا خدمات مختلف ، نتیجه ای جز به وجود آمدن رانت و فساد در مکانیسم عرضه و تقاضا در بازار ندارد.[۲۷۸]

اگر خوشبینانه بخواهیم قضاوت کنیم باید بگوییم مداخلات غیرکارشناسی شده دولت در اقتصاد رسمی یک دلیل عمده برای رفتن منابع بسوی اقتصاد غیر رسمی و رشد اقتصاد زیر زمینی و اقتصاد سایه در ایران است، اما واقع گرایانه ترین دیدگاه ها معتقدند، موضوع تسخیر دولت در ایران بسیار جدی است و نفوذ عواملی از باندهای مافیایی و سوداگر در نهادها و وزارتخانه های دولتی که به رانت و فساد عادت کرده و از آن طریق ارتزاق می کنند، عامل اصلی رشد اقتصاد سایه و رشد رانت و فساد در اقتصاد ایران است. این نوع مداخلات انحصارگرایانه توسط حاکمیت (که حاصل فساد و رانت و لابی گری بنگاه های بزرگ خصولتی و دولتی با ارکان دولت و مجلس و جلب همراهی سایر نهادهای سیاست گذار کلان است) در پشت شعارها و ادعاهای پر رنگ و لعاب و عناوین فریبنده ای همچون جراحی اقتصادی و یا اصلاحات اقتصادی یا آزادسازی قیمت حامل های انرژی، عدالت محوری، هدفمندی ، وعده ی دادن نان خوب دست مردم و دیگر عناوین فریبکارانه قرار گرفته است.

متاسفانه در ایران با مشکل بزرگی بنام ناتوانی مقامات دولتی و سیاستگذاران از درک مفاهیم اقتصادی مواجه هستیم. حتی به تعبیر برخی صاحب نظران اقتصادی، بدنه حکومت از نظر کیفیت کارشناسی با یک سقوط بی سابقه روبه‌رو شده است.[۲۷۹] فرشاد مومنی در توصیف این وضعیت عنوان می کنند : " بدترین سال های عملکرد اقتصادی

---

۲۷۸ – خبرگزاری مهر، بلایی که قیمت گذاری دستوری بر سر صنایع آورد/ نگاهی به آرای مخالفان، ۲۴ آبان ۱۴۰۰ :
https://www.mehrnews.com/news/۵۳۵۱۶۵۰

۲۷۹ – فرشاد مومنی، در گفتگو با داریان : ۱۰ دی ۱۴۰۱

سالهایی بوده که توزیع قدرت ناعادلانه شده است، بسیار فاجعه آمیز است که ضد عادلانه ترین کارها را با عنوان اینکه می خواهیم عدالت برقرار کنیم، انجام می دهند و این سناریوی تلخ به ویژه در مورد بنزین مکرر اجرا شده است. رویکرد ناعادلانه ی توزیع قدرت و ثروت باعث شده که به واسطه فقدان تقاضای موثر برای دانایی، بدنه حکومت از نظر کیفیت کارشناسی با یک سقوط بی سابقه رو به رو شود.[۲۸۰]

پیامد این عدم درک مفاهیم، نبود استراتژی و سیاستگذاری مشخص و تحمیل هزینه های زیاد و مداخلات غیرکارشناسانه و مفسده آمیز در اقتصاد بوده است. تعدد مراجع مداخله گر در اقتصاد که گاهی حتی در تناقض با یکدیگر و کاملا ناهماهنگ به اعمال اختیارات خود می پردازند، از عمده اشکالات وارده بر نحوی حکمرانی اقتصادی در ایران است. بطور مثال هم اکنون در اقتصاد ایران از یک سوی سازمانی بنام سازمان حمایت از مصرف کننده و تولید کننده وجود دارد که خود این سازمان کاملا دولتی و حاکمیتی است ، علاوه برآن هیئت وزیران، شورای اقتصاد و شورای رقابت از دیگر نهادهای دولتی و حاکمیتی هستند که مداخلات مستقیم و غیر مستقیم در اقتصاد دارند و منجمله در فرایند قیمت گذاری دستوری در حوزه های مختلف دخالت دارند. علاوه بر این در راس دولت ، تشکیلاتی بنام ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی با عاریه گرفتن این نوع تعابیر از تعابیر مصطلح در سازمانهای نظامی –به شیوه کاملا دستوری و اقتباس از سبک فرماندهی یگانهای نظامی در اداره امور اقتصاد کشور در شرایط جنگ فرمان می رانند. همچنین شورای رقابت که باید زمینه ساز ایجاد رقابت در صنایع و کسب و کار و فضای اقتصادی کشور باشد، اساسا رسالت اصلی خود را فراموش کرده است ، چون درک درستی از مفهوم رقابت وجود ندارد. دولتی بودن ماهیت همه این نهادهای مداخله گر که بعضا وظایف و اختیاراتی موازی ، خط و مشی هایی متناقض و مدیرانی کار نابلد و غیر متخصص دارند موجب شده که به جز ایجاد رانت و فساد و تحمیل هزینه بر اقتصاد کشور دستاوردی نداشته باشند. نوع دیگر از انحصارگرایی که اخیرا مورد توجه و حمایت دولت است هلدینگ های خصولتی است. عده ای از کارشناسان معتقدند هلدینگ ها که از تجمیع و انسجام و اتحاد کارفرمایی و کسب و کارها در یک حوزه تخصصی یا یک صنعت به منظور ایجاد انحصار و در دست گرفتن قدرت در بازار ایجاد می شود ، مصداق تخطی از قوانین ضد انحصار هست .متاسفانه در ایران انحصار همچنان بیش از رقابت مورد حمایت است، هرچند برخی دیگر معتقدند، هلدینگ ، راهکار عملی برای ادغام بنگاه های کوچک و متوسط در جهت ارتقاء توان رقابت با بنگاه های بزرگ است. بی شک در این موارد عملکرد هلدینگ ها باید مورد مطالعه و ارزیابی قرار گیرد تا معلوم گردد دستاورد واقعی آنها چیست و آیا عملکرد آنها مصداق انحصارگرایی است یا رقابت گزینی؟

---

https://www.daraian.com/fa/paper/author/ -۱۰۴...

۲۸۰ – همان.

شفافیت و نظارت عمومی

یکی از علل نابرابری و بروز فساد در جامعه، عدم تقارن اطلاعات است . شفافیت از طریق آزاد گذاشتن جریان اطلاعات و قابل دسترس بودن آن برای همه آحاد افراد جامعه و آگاهی همگان ازتصمیمات و مقررات وضع شده فراهم می شود (UNESCAP,۲۰۰۲) شفافیت از جریان یافتن و به اشتراک گذاشتن به موقع و مطمئن اطلاعات و داده ها شامل ضوابط، مقررات و قوانین اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مورد نحوی بهره مندی واستفاده سرمایه گذاران خصوصی از وام ها و ارزش اعتباری وام گیرندگان، خدمات رسانی دولت، سیاست های مالی و پولی و فعالیت های موسسات ارائه دهنده خدمات ملی و بین المللی فراهم می شود. همچنین شفافیت از طریق به رسمیت شناختن حق اظهار نظر و دسترسی به مطبوعات آزاد به بلوغ شهروندان کمک می کند و به معنای اختیار دادن به شهروندان برای تبدیل شدن به میلیون ها حسابرس در جامعه است. فقدان شفافیت با ایجاد عدم تقارن های اطلاعاتی میان قانونگذاران و تنظیم گران و آن هایی که مشمول مقرارت قرار می گیرند، عرصه را برای فساد گسترش می دهد. بلعکس فراهم نمودن امکان نظارت جامعه مدنی (نظارت عمومی) بر تصمیم گیری و عملکرد بخش دولتی و مشارکت در این امور یک موازنه سازی و ابزار مهم برای مبارزه با فساد و بهبود حکمرانی است. [۲۸۱]

در ایران بعد از تجربه سالها حکمرانی توام با رشد فساد و بالا گرفتن اعتراضات و انتقادات جامعه مدنی و نهادهای مردمی ، نسبت به وضعیت اداره امور کشور ، به رغم وجود مخالفت های جدی با موضوع قانون گذاری در مورد شفافیت، قوانینی با این عنوان تدوین و ابلاغ شده است، اما همچنان در مورد نحوه ی اجرای آن وآثار و نتایج و دستاوردهای آن بحث های جدی وجود دارد. از جمله این قوانین عبارتند از :

۱ -قانون شفافیت قوای سه گانه و دستگاه های اجرایی و سایر نهادها .

۲ -قانون شفافیت و نظارت برتامین مالی فعالیت های انتخاباتی در انتخابات مجلس

۳ -قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

به رغم وجود این قوانین، که برخی همچنان در پیچ و خم تصمیم گیری های اجرایی است، در موضوعاتی همچون شفافیت بودجه دولت و شفافیت عملکرد نهادهای فراقانونی (نهادهای فراتر از قوای سه گانه)که مستقیما زیر نظر نهاد رهبری اداره میشوند، مانند ستاد اجرایی فرمان امام و بنیادها وموسسات و نهادهای نظامی و مذهبی و صدا و سیما و غیرو بحث ها و انتقادات جدی در ایران مطرح است.در همین رابطه بارها صاحب نظران مسائل اقتصادی کشور هشدار داده اند که " یکی از مهمترین راه حلهای مبارزه با فساد پاسخگو نمودن نهادها و دستگاههای فراقانونی و ارتقاء شفافیت در این نهادها است. مادامی که نهادهای انحصاری فراقانونی و غیرشفاف سیطره خود را بر

---

۲۸۱ - رحمت اله قلی پور ،(۱۳۸۴)، تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری. فرهنگ مدیریت، ۱۰ مهر ۱۳۸۴، دوره ۳، شماره ۳ –ش پیاپی ۱۰۵۹

بخش های عمده اقتصادی وسعت بخشیده اند ، امیدی به رشد اقتصادی نیست، بلکه شاهد فرار سرمایه ها از کشور خواهیم بود.[۲۸۲]

همچنین در زمینه نظارت عمومی ، علیرغم تاکید ایدئولوگ ها و مقامات سیاسی ارشد نظام جمهوری اسلامی بر وجوه مردمی بودن نظام اسلامی و سخن سرایی در باب جایگاه رفیع مردم در نزد دولت و حکومت، موضوع نظارت عمومی مردم برعملکرد دستگاه های دولتی به نظارت و تجسس در احوالات شهروندان کوچه و بازار تقلیل یافته و فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر که طبق تعالیم دینی و سنن اولیاء الهی در برابر شیوه عمل حاکمان و شیوه رفتار زمامداران و کارگزاران ضرورت بیشتر دارد، به گیس زنان و بانوان و پوشش خانم ها و آقایان تقلیل یافته است. ارزیابی فضای سیاسی،اجتماعی و اقتصادی در ایران نشان می دهد که هرچند کشش ، خواست و مطالبه ی آحاد اکثریت جامعه بسوی افزایش شفافیت، تسهیل نظارت عمومی بر عملکرد نهادهای حاکمیتی و پاسخگوسازی نهادهای قدرت و ثروت و ضدیت با انحصارگرایی است، بلعکس عملکرد و رویکرد جریانهای اصلی قدرت و حاکمیت در ایران بسوی انحصارگرایی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و یک دست کردن قدرت و "خالص سازی" و انحصارگرایی ایدئولوژیک و فرار از پاسخگویی است.

جهانی شدن ، جرم و فساد اقتصادی

جهانی شدن و دیجیتالی شدن دو ویژگی برجسته اقتصادهای امروزی است که هم فرصت های فرآوانی پیش روی جوامع برای رشد و توسعه بیشتر فراهم کرده و هم تهدید هایی برای نظام اقتصادی کشورها محسوب می شود. بسیاری از جرایم اقتصادی و مالی عمدتا متاثر از جهانی شدن و دیجیتالی شدن هستند.علاوه بر آن تحریم و ترور و جنگ ، به عنوان مصادیق خشونت سازمان یافته در سطح بین المللی و یا خشونت دولت ها علیه یکدیگر تحت تاثیر جهانی شدن و دیجیتالی شدن قرار گرفته است. بویژه در جهانی به هم پیوسته و در هم تنیده ، جهانی شدن قابلیت رویارویی دولت ها علیه یکدیگر را از طریق تحریم اقتصادی ، جنگ اقتصادی و محاصره اقتصادی بیش از پیش فراهم نموده و اقتصاد را به ابزار قدرتمندی برای اعمال جنایت و خشونت در مقیاس گسترده تبدیل نموده است. جهانی شدن به رغم ایجاد فرصت های بیشتر برای صلح و آبادی و همکاری میان ملل مختلف ، به تهدیدی برای صلح و فرصتی برای رشد جرایم فراملی هم تبدیل شده است. با گسترش دامنه ارتباطات و جهانی شدن ، رقابت های مخرب و بعضا خصمانه میان دولت ها و ملل مختلف در مقیاس جهانی گسترش بیشتری یافته است و شبکه جرایم فراملی گستردگی و در هم تنیدگی بیشتر یافته است.

---

۲۸۲ – سایت خبری تحلیلی آخرین اخبار به نقل از جماران : گفتگو با حسین راغفر اقتصاددان و استاد دانشگاه الزهرا (۲۳ آذرماه ۱۴۰۱)
https://akharinkhabar.ir/money :

حضور در تجارت هروئین ظاهراً یک نمونه اولیه از شکل گیری گروه های مدرن فراملی یا "جرایم سازمان یافته فراملی" بود. همچنان که در مورد اتحادیه کورس و در موارد بسیاری دیگر، از مافیای سیسیلی گرفته تا سه گانه چینی تا بوگابوی مدرن و مافیای روسی چنین بود. در اوایل قرن بیستم نیاز به "سازماندهی" جرم بسیار بیشتر از اکنون ضرورت داشت. بازارهای غیرقانونی کوچک و پراکنده و منزوی بودند. هر چقدر هم که مبالغ زیادی پول به دست می آمد یا هر قدر هم که عملیات مکرر بود، بازارهای سیاه و کارآفرینانی که آنها را اداره می کردند از جریان اصلی جامعه اقتصادی و از یکدیگر جدا بودند. اما آنچه امروز پدیدار شده است ، مجموعه ای از بازارهای سیاه مرتبط و شبکه ای و متقابلاً حامی است که در آن ترکیبی از کارآفرینان فردی به همراه "شرکت‌های" بزرگ و کوچک و گاهی با حمایت و پشتیبانی "دولت ها" وجود دارند که همگی در مبادلات تجاری مجرمانه و مفسدانه اساساً درگیر هستند.[۲۸۳] این بازارهای سیاه امروزه دیگر منزوی نیستند، بلکه به طور نهادی در دل اقتصاد قانونی و رسمی تعبیه شده اند. تعداد کمی از کشتی ها فقط کالاهای قاچاق حمل می کنند. شبکه حمل و نقل دریایی اکنون قاچاق و غیرقاچاق را با هم حمل می کند و تفکیک بارآنها مشکل است. امروزه تقریباً غیرممکن است بانکی را بیابید که کاری جز پولشویی غیرقانونی انجام ندهد. اغلب بانک ها تراکنش های قانونی و غیر قانونی و پولشویی را با هم انجام می دهند و این پولها در هم ترکیب می شوند. تقریباً هر کارآفرین زیرزمینی با امید به وجود تجارتی بادوام، تضمین می کند که اقدامات غیرقانونی او در ماتریسی از معاملات مشروع گنجانده شده است. این یکپارچگی، همراه با تمایل آشکار کسب و کارهای قانونی امروزی به استفاده از روش‌های همیشه مبهم‌تر، به بازارهای سیاه منزوی‌ای که زمانی در حاشیه‌های جامعه مشروع فعالیت می‌کردند، اجازه داده تا جای خود را به زنجیره‌ای در جامعه بدهند که در سایه- روشن هایی با طیف های مختلف به رنگ خاکستری مبدل شوند.[۲۸۴]

"جهانی شدن" و همراه با آن گسترش فناوری ارتباطات و حمل و نقل مدرن به موهبتی الهی برای "کارتل‌های" جنایتکارانه بین‌المللی تبدیل شده است، که می‌توانند از این فناوری برای ارتکاب جنایات بیشتر و بدتر در عین حال مخفی کردن کالاهای قاچاق در مکان های دور دست استفاده کنند. زیبایی جهانی شدن در این است که مانند جرایم سازمان‌یافته، همه می توانند در مورد تأثیر عظیم آن توافق کنند، زیرا هیچ‌کس نمی‌داند که واقعاً دستاورد اصلی آن چیست. آیا جهانی شدن، به معنای رشد بیشتر تجارت بین المللی است؟ بدون شک امروز خیلی بیشتر تجارت می شود. اما تجارت جهانی به عنوان نسبتی از تولید ناخالص داخلی (GDP) تقریباً مشابه قبل از جنگ جهانی اول است. آیا جهانی شدن به معنای جریان های مالی بین المللی بیشتر است؟ در واقع، نسبت جریان مالی به تولید ناخالص داخلی در حال حاضر کمتر است و نسبت سرمایه گذاری مستقیم خارجی بالاتر نیست. آیا این به

---

۲۸۳ - R. T. Naylor(۲۰۰٤),Wages of crime : black markets, illegal finance, and the underworld economy,Cornell University , p۳

۲۸٤ - R. T. Naylor(۲۰۰٤),Ibid,, p۳

انتشار شوک های مالی اشاره دارد؟ در اواخر دهه ۱۹۲۰، سقوط یک بانک در اتریش باعث ایجاد یک بحران نقدینگی جهانی شد که جهان را به سمت یک رکود عظیم سوق داد، در حالی که در سال ۱۹۹۷ یک فروپاشی عظیم در بازارهای مالی در آسیا همراه بود با چهار سال رشد صعودی تاریخی در دیگر بازارها درآن سوی نیم کره، هرچند که اقتصاد آمریکای شمالی و اقتصاد اروپای غربی به رشد کندتری ادامه دادند.[۲۸۵]

شکی نیست که جهانی شدن اشکال سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جدیدی ایجاد کرده است که شبکه های محلی را با اقتصاد جهانی از طریق یک سیستم تجارت غیررسمی و غیرقانونی به هم پیوند می دهد. (بریکوت وگاریجوس،۲۰۱۰) در کتاب خود از اینکه چگونه جهانی‌سازی به توسعه شبکه‌های جنایی فراملی و یا جرایم سازمان یافته فراملی سرعت بخشیده و دولت‌ها را تغییر داده است گفتگو می کنند، به طوری که به نظر آنها بهتر است دولت ها به عنوان عرصه‌هایی در نظر گرفته شوند که در آن معاملات پیچیده و غیرقانونی بین نخبگان محلی و نمایندگان اقتصاد جهانی مذاکره می‌شود. آنها بررسی می کنند که چگونه چنین شبکه های سازمان یافته مجرمانه ای ، متشکل از "کارآفرینان خشونت طلب" از شبکه های کسب و کار محلی- جهانی[۲۸۶] استفاده می کنند. علاوه بر این، آنها بررسی می کنندکه چگونه این شرایط عمیقاً توانایی دولت ها را برای توسعه و حفظ ساختارهای پاسخگویی داخلی، به ویژه در عرصه حفاظت از محیط زیست به چالش می کشد.[۲۸۷] آنها برای توضیح دلایل نرخ بالای فساد در کشورهای در حال توسعه ، معتقدند این کشورها در طی فرایند جهانی شدن به حاشیه رانده نشده اند و یا پشت سر گذاشته نشده اند، بلکه آنها به طور جدایی ناپذیری با سیستم جهانی، اغلب از طریق شبکه های تجارت غیرقانونی فراملی مرتبط هستند که سپس عمیقاً در دستگاه رسمی دولتی و سیستم تجارت قانونی تعبیه می شود. این به نوبه خود شکل جدیدی از سیاست را ایجاد می کند که در آن دیگر تمایز بین امور رسمی و غیررسمی، غیر قانونی و قانونی مفید نیست. بطور مثال بایارت معتقد است که ویژگی برجسته سیاست آفریقا در ۳۰۰ سال گذشته ادغام فزاینده آفریقا در اقتصاد جهانی تحت تسلط غرب نیست، بلکه برعکس، این ناتوانی دومی در کشاندن این قاره به میدان مغناطیسی خود بوده است.[۲۸۸]

تجارب تاریخی نشان می دهد که وقتی سیاست ها، اقدامات و برنامه های مخرب زیست محیطی تعقیب می شوند ، جوامع فقیر و طبقات فقرا بیشترین آسیب را می بینند. در جهان توسعه یافته، سیاستمداران، سیاست گذاران و رهبران کسب و کار تمایل به انتخاب هایی دارند که آلایندگی جزیی ازآن است، صنایع و تأسیسات خطرناک، سمی و

---

۲۸۵ - R. T. Naylor(۲۰۰٤),Ibid, pp ٤-۷
۲۸٦ - global-local business networks
۲۸۷ - Jean-Louis Briquet and Gilles Favarel-Garrigues(۲۰۱۰),Organized Crime and States, Palgrave Macmillan ,pp۹۷-۹۸
۲۸۸ - Jean-Louis Briquet and Gilles Favarel-Garrigues(۲۰۱۰),Ibid,p۱۰۱.

مخرب در جوامع فقیر جایی که مردم در محرومیت و فقر شدید زندگی می کنند تاسیس می شوند. در مقیاس جهانی، شرکت های بین المللی مکان هایی را در کشورهای فقیر برای صنایع آلاینده خود پیدا می کنند که ارزان و به آسانی در دسترس باشند. وقتی مردم در یک کشور مستاصل کار و درآمد هستند، رهبران سیاسی آن کشور وسوسه می شوند که با نادیده گرفتن مشکلات و پیامدهای زیست محیطی و حذف یا عدم اجرای قوانینی که از آلودگی جلوگیری می کند، شغلی برای تامین معاش فقرا فراهم کنند و اینگونه است که مشاغل اغلب آلاینده، خطرناک و مخرب ، جوامع فقیر را بدتر از قبل می کند. به این ترتیب جرایم زیست محیطی، از فقر ناشی می شود و به فقر بیشتر دامن می زند، طبقات فقیر و کشورهای فقیر بیشترین آسیب از تخریب محیط زیست که احتمالا تنها داشته هایشان است، تحمل می کنند که جنایت بارترین تاثیرات را دارد . آن تصمیمات جنایت کارانه، به رشد جرایم در میان ساکنان مناطق فقیر می انجامد و به این ترتیب چرخه فقر و جرم تشدید می شود.[۲۸۹]

علاوه بر اینها موضوع فعالیت های غیرقانونی، پنهانی و باندهای سازمان یافته قاچاق ودستبرد به طبیعت و حیات وحش و محیط زیست در کشورهای فقیر بر وخامت اوضاع می افزاید. قطع غیرقانونی درختان و تجارت غیرقانونی حیات وحش همچنان بازارهای غیرقانونی پر رونق در برخی مناطق جهان هستند و مجموعه ای رو به رشد از منابع طبیعی به صورت غیرقانونی مورد تعدی و دستبرد و خرید و فروش قرارمی گیرد. با وجود تقاضا و سود زیاد و سیستم حفاظتی و نظارتی ضعیف و اجرای کم رمق مجازات و پیگرد قانونی و فساد ماموران حفاظت محیط زیست، قاچاق غیرقانونی حیات وحش به یک صنعت چند ده میلیارد دلاری در جهان تبدیل شده است. تقاضا برای منابع طبیعی کمیاب از جمله گونه های در معرض خطر افزایش یافته است. چوب های سخت گرمسیری کمیاب برای مبلمان، جانوران خشکی برای استفاده در طب سنتی، و برخی گونه های دریایی برای آشپزی در خطر هستند. تجارت آنلاین، از جمله در شبکه های اجتماعی بزرگ و پلت فرم های تجارت الکترونیک، شامل بخش بزرگ و رو به رشدی از بازار بین المللی قاچاق حیات وحش و منابع طبیعی است. کمبود هم باعث جایگزینی گونه های مختلف حیات وحش در بازارهای سیاه می شود. به عنوان مثال، از آنجایی که شکار غیرقانونی ، جمعیت ببرها را به شدت کاهش داد، تجارت غیرقانونی فزاینده حیات وحش در بخش شیر در سال ۲۰۰۵ ظاهر شد.[۲۹۰]

رشد عظیم صنعت الکترونیک و دنباله ی آن، همچنین منجر به تخلیه زباله های الکترونیکی غیرقانونی برای دفع بخشی از ۲۰ تا ۵۰ میلیون تن زباله الکترونیکی شده است که اکنون در سراسر جهان هر سال تولید می شود. در سال ۲۰۱۵، برنامه محیط زیست سازمان ملل تخمین زد که ۹۰ درصد زباله های الکترونیکی جهان، به ارزش حدود ۱۹ میلیارد دلار، به صورت غیرقانونی مبادله یا رها می شوند. در کشورهایی مانند غنا، نیجریه، پاکستان، هند و برزیل،

---

۲۸۹ - A world of three zeros : the new economics of zero poverty, zero unemployment, and zero carbon emissions / Muhammad Yunus, with Karl Weber. Description: First edition. | New York : PublicAffairs, [۲۰۱۷].p۸۳

۲۹۰ - Ibid

۴۸ میلیون تن زباله الکترونیکی خطرناک به طور غیرقانونی از اروپا و آمریکا وارد می شود.غارت مواد معدنی و الماس مورد تقاضا و قاچاق حیات وحش سلامت انسان ها را تهدید می کند، انقراض گونه ها را افزایش می دهد و به اکوسیستم آسیب می رساند. همانطور که اشاره شد، وقتی چنین منابع قابل توجهی غارت می شود، توسعه پایدار در جهان نمی تواند رخ دهد.[۲۹۱]

فساد حاکمان در کشورهای فقیر مزید بر علت است،(رندال و تئوبالد، ۱۹۹۸) می گویند ، صنعتی شدن و رشد اقتصادی بسیار دشوارتر از آن چیزی بود که پیش بینی می شد. [۲۹۲]بیشتر کشورهای جهان سومی که دنبال صنعتی شدن یا توسعه اقتصادی یا مدرنیزاسیون بودند ، به این دلیل به جای مدرن شدن، فقیر ماندند که توسط رژیم های فاسد اداره می شدند. اگرچه این رژیم‌ها از دیدگاه‌های سرمایه‌داری، یا حتی کمونیستی یا "غیر متعهد" در مورد مدرنیزاسیون دفاع و حمایت می کردند، اما در واقعیت، اکثر آنها توسط نخبگان رانت‌خواری اداره می‌شدند که "دولت‌های سرکش" را برای انباشتن ثروت و قدرت در اختیار خود گرفته بودند و عملا برای مدرن‌سازی کشورهایشان کار چندانی انجام ندادند.[۲۹۳]

بانکداری فراساحلی ، جرم و فساد اقتصادی

یکی از زمینه هایی که اقتصاد سایه در آن رشد کرده، بانکداری فراساحلی[۲۹۴]است که خود نتیجه جهانی شدن تجارت است و توسعه آن یک تغییر اقتصادی و سیاسی قابل توجه برای تعدادی از کشورهای کوچک در حال توسعه بوده است. مراکز بانکی فراساحلی (OFCs) یک خلأ قانونی را نشان می‌دهند و می‌توانند مانع تلاش‌های جهانی برای اداره و تنظیم مقررات شوند. (پالان، ۲۰۰۳) استدلال می کند که بهشت‌های فرار مالیاتی و دولت هایی

---

۲۹۱ - The Global Illicit Economy, Global Initiative Against Transnational Organized Crime,p۷۱.

۲۹۲ - Ronald Inglehart and Christian Welzel(۲۰۰۵), Modernization, Cultural Change, and Democracy ,Cambridge University Press ,p۱۷.

۲۹۳ -Rueschemeyer, Dietrich, Marilyn Rueschemeyer, and Bjorn Wittrock.(۱۹۹۸), Participation and Democracy, East and West: Comparisons and Interpretations. Armonk, NY: M. E. Sharpe.

۲۹٤ - offshore banking

بانک های فراساحلی، بانک‌های برون‌مرزی هستند و تحت نظارات بانکداری بین‌المللی (که اغلب مجوز فراساحلی نامیده می‌شود) فعالیت می کنند. از دهه ۱۹۸۰، مناطقی که خدمات مالی را در مقیاس بزرگ به افراد غیر مقیم ارائه می کنند، به عنوان مراکز مالی فراساحلی نامیده می‌شوند. از ابتداء بانکداری فراساحلی با اقتصاد زیرزمینی و جرائم سازمان‌یافته، فرار مالیاتی و پولشویی عجین شده بود، اما در حال حاضرنظارت نهادهای بین المللی برآنها بیشتر شده است. بعد از حملات ۱۱ سپتامبر، درخواست‌های زیادی برای افزایش مقررات مالی بین‌المللی، به‌ویژه درباره بانک‌های فراساحلی، موسسات مالی فراساحلی، ارزهای رمزنگاری‌شده و مراکز تسویه حساب وجود داشته است. از آوریل ۲۰۰۹، که بررسی در حوزه‌های قضایی فراساحلی آغاز شد سازمان همکاریهای توسعه اقتصادی (OECD) که در خط مقدم مبارزه با فرار مالیاتی قرار دارد، موافقت خود را برای ردیابی فرارهای مالیاتی با استفاده از اطلاعات بانک ها و مراکز فراساحلی اعلام کرده و کشورهایی که این قوانین را رعایت نکنند ممکن است با تحریم مواجه شوند، با این حال هنوز هم اشخاص و نهادها و کشورهایی سعی دارند همچنان نقل و انتقالات پولی و مالی خود را در سایه و پنهان از نظارت مجامع جهانی نگه دارند. البته ذکر این نکته لازم است که خود این مجامع بین المللی در مظان اتهام های بزرگی در همراهی با دولتهای فاسد و نخبگان سوداگر کشورهای فقیر هستند.

که بخش‌های خدمات بانکداری فراساحلی را توسعه می‌دهند، سرعت تحولات سیاسی را تغییر داده اند. OFCs اساساً یک بازار جهانی است، اما در عین حال فضایی حقوقی است که با یک نظام سیاسی خاص عمل می کند. "فراساحل به یک معنا به مشروعیت قانون و حاکمیت ملی کشورها آسیب می زند".[۲۹۵] شرایطی که در آن بانکداری فراساحلی شکوفا می‌شود، محیطی ایده‌آل برای ایجاد و بهره برداری شبکه‌های غیرقانونی جرایم سازمان یافته فراهم می کند. در این شرایط، جرایم سازمان‌یافته اغلب از حمایت همه سطوح حکومت برخوردار است، زیرا به ساختارهای درون دولت نفوذ کرده و از قدرت و منابع آن بهره می برد.[۲۹۶]

با جهانی شدن اقتصاد ، عملیات مالی معاصر حتی در کشورهایی که به نظر می رسد بیشتر از جاهای دیگر نظام مند است، عمیقاً "فرا مرزی، فراساحلی یا فراملی" شده است. به طور خلاصه، فراساحل همه جا هست. با این حال مدافعان جهانی سازی معتقدند ، نمی توان از فراساحل به عنوان عامل اصلی بحران اقتصادی معاصر نام برد، زیرا این تنها یکی از عناصر بسیار دیگری است که به بحران کمک کرده است. فراتر از فراساحل، سهل انگاری نهادهای دولتی ، عمومی و جهانی در کنترل و نظارت است. به نظر می رسد فراساحل یکی از نقاط بسیار خطرناک بروز این بی توجهی باشد. سه مفهوم وجود دارد که باید حول این بحث متمایز شوند. اولین مورد، اینکه فراساحل به عنوان یک نهاد پولشویی و تامین مالی تروریسم است، که باید با آن مبارزه کرد. عنصر دوم اینکه فراساحل سکوی فرار مالیاتی است و باید با فرار مالیاتی مبارزه کرد. فرار مالیاتی به تازگی توسط جامعه بین المللی به عنوان یک چالش بزرگ جهانی شناخته شده است. این مساله قبلا فقط به عنوان یک چالش ملی درون دولت ها مطرح بود. آخرین مورد که کاملاً ملازم با بحران مالی جهانی اخیر پدیدار شد : جهانی شدن قوانین احتیاطی است که برای همه نهادهای جهانی، از جمله نهادهای مالی فراساحلی مطرح شده است و آنها را ملزم می کند که باید قانونمند عمل کنند.[۲۹۷]

امروزه دست کم برای کشورهای در حال توسعه، بانکداری فراساحلی علاوه بر فرار مالیاتی، یکی از راه های فرار سرمایه، خروج و انتقال سرمایه ها به خارج از مرزها است.(استیهایلر، ۲۰۲۰) بر موضوع فرار مالیات و فرار سرمایه به عنوان دو چالش اصلی و نقش دولت ها و بانکداری فراساحلی تمرکز کرده است. مجموعه رو به رشدی از تلاشهای پژوهشی و ادبیات موضوع ، عواقب و پیامدهای مضر فرار سرمایه به مقاصد مالی فراساحلی را مورد بررسی قرار داده اند. درحالی که یکپارچگی مالی یک تسهیل کننده شناخته شده فرار سرمایه است، (کرن و همکاران، **۲۰۲۳**) به یک عامل تعیین کننده در امکان فرار سرمایه که کمتر به آن توجه شده است، یعنی در دسترس بودن کمک مالی

---

۲۹۵ - nibbling ; Rolan Palan (۲۰۰۳),The Offshore World: Virtual Spaces and the Commercialisation of Sovereignty (Ithaca: Cornell University Press.

۲۹٦ - Jean-Louis Briquet and Gilles Favarel-Garrigues(۲۰۱۰),Ibid ,p۱۱۰.

۲۹۷ - Walter Amedzro St-Hilaire(۲۰۲۰),Advanced Governing for Capital Flight, Apple Academic Press Inc ,p۱۷.

صندوق بین المللی پول،توجه نشان داده اند. با گسترش ادبیات قبلی در تحلیل خطرات اخلاقی در زمینه برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول، مکانیسم اجتماعی حتی مخرب‌تری را معرفی می کنند، که آن را اثر «سقوط برای پول نقد» می‌نامند.آنها استدلال می کنند که با استفاده از کمک های صندوق بین المللی پول، نخبگان و الیت جامعه یعنی طبقات فوق ممتاز و الیگارشی حاکم می توانند از انباشت بدهی های بیش از حد (ناترازی مالی) برای استخراج رانت ، سود ببرند و آنها را با خیال راحت در مقاصد مالی فراساحلی پنهان کنند، در حالی که کشورهای خود را به سمت فاجعه مالی سوق می دهند. برای آزمایش این مکانیسم، نشان داده شده که ثروت نخبگان در حساب‌های بانکی برون مرزی تأثیر درجه اولی بر تمایل دولت تسخیر شده برای استفاده از آخرین وام‌دهنده دارد. از منظر سیاست، تحلیل ارائه شده در مقاله مورد اشاره بر اهمیت بستن حفره های مالی به منظورکاهش اثرات مخرب اجتماعی–اقتصادی مهندسی مالی پیچیده در اقتصاد جهانی و یکپارچگی مالی تأکید می کند.[۲۹۸]

با این توصیف تلاش برای جداسازی اقتصادهای رسمی و غیر رسمی، قانونی یا مشروع از مجرمانه و نامشروع، ممکن نیست زیرا این دو به طور جدایی ناپذیری در هم تنیده شده‌اند که شاید مفیدتر آن باشد که آنها را به عنوان یک سیستم واحد در نظر بگیریم. این به خودی خود سؤالات اساسی در مورد نقش دولت در اقتصاد، چه به عنوان یک تنظیم کننده، چه به عنوان مشارکت کننده یا به هر دو عنوان مطرح می کند.[۲۹۹]

گزارش هایی وجود دارد که نشان می دهند، القاعده پول خود را در سراسر جهان از طریق بانک‌های فراساحلی که در حکم پناهگاه‌های پنهانی برای آنها عمل می کردند و قبلاً به دلیل رسیدگی به پول‌های فروشندگان مواد مخدر یا کلاهبرداران مالی بد نام بودند، به سراسر جهان منتقل می‌کرد و از شبکه پیچیده‌ای از شرکت‌ها و مؤسسات "با لایه‌ها و پوشش های متفاوت" استفاده می‌کرد. با کنار گذاشتن این سوال واضح –اگر کارشناسان همه اینها را می دانند، چرا آنها جریان های مالی را قبل از اینکه بتوانند آسیبی وارد کنند متوقف نکردند –ظاهراً این سوال به گوش محمد عطا، بدنام ترین عامل ادعایی بن لادن، که یک حساب جاری عادی در یک بانک استاندارد فلوریدا باز کرد، نرسید. افرادی در خلیج فارس وجوهی را برای او ارسال می کردند که تمام اسناد پرداخت معمولی ، از جمله SAR-Suspi آنها توسط FATF فرستاده شده بودند. FATF به عنوان یک نهاد ناظر بر نقل و انتقالات پولی بین المللی بطور شفاف ، که با کمرنگ شدن حساسیت ها به پول های ناشی از فروش مواد مخدر با تهدید بی ربطی مواجه شده بود، به او کمک می کرد. همانطور که یکی از مقامات آن نهاد اندکی پس از ۱۱ سپتامبر

۲۹۸ - Andreas Kern , Elias Nosrati , Bernhard Reinsberg & Dilek Sevinc (۲۰۲۳),Crash for cash: Offshore financial destinations and IMF programs, European Journal of Political Economy : Volume ۷۸, June ۲۰۲۳, ۱۰۲۳۵۹: https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S۰۱۷۶۲۶۸۰۲۳۰۰۰۰۳٤.

۲۹۹ -Ibid.

توضیح داد، "منطقی" به نظر می رسید که ببینیم آیا سیستم های ضد پولشویی می توانند " گسترش داده شوند یا برای اهداف دیگر مورد استفاده قرار گیرند"؟[۳۰۰]

از جمله اولین مکان هایی که در عرض دو ماه پس از سقوط برج های دوقلو فرو ریخت، جزایر کیمن بود. با یک چرخش در رویه ثابت دیپلماتیک خود موافقت کرد که اطلاعاتی را برای تحقیقات جنایی در اختیار ایالات متحده قرار دهد، حتی اگر این اقدام طبق قانون جزیره کیمن جرم نباشد. پاناما هم که خود را به دلیل کندی در ارائه اطلاعات مشتریان بانکی خود در لیست سیاه FATF قرار داده بود، به همکاری دست زد و قوانین جدیدی را تصویب کرد تا دامنه اتهاماتی را که می‌تواند متوجه اش شود ، از خود سلب کند. حتی فراتر از آن، پس از سال ها انگشت اتهام توسط آژانس های مالیاتی و کنترل جرایم در آمریکا، در سال ۲۰۰۲ متوجه جزایر ویرجین در بریتانیا شد. این هر سه جریزه در حوزه بانکداری فراساحلی فعال و مامن اختلاسگران، قاچاقچیان و جنایتکاران بین المللی بود.[۳۰۱]

هم افزایی تبعیض، فقر، محرومیت با جرم و فساد

از نتایج بحث تاکنون دریافتیم که جرم و فساد در بالا دست ها به جرم و فساد در پایین دست منتهی می شود. اگر دنبال ریشه های فساد هستید، در بالا دستی ها جستجویش کنید. در ادبیات مرتبط با فساد، اصطلاح قانون شکنی کمتر بکار می رود ، بجای آن از توصیف "خم کردن قانون" استفاده می شود. قوانین به نوعی فنر منعطف و ارتجاعی تشبیه می شوند که صاحب منصبان و متنفذین می توانند در وقت لازم آنها را به نفع خودشان خم کنند و از آنها عبور کنند و مجدد قوانین (برای افراد عادی) به وضع سابق برمی گردند. نتیجه و پیامد گسترش فساد یا خم کردن قانون در دستگاه بروکراسی و افزایش قدرت گروه های مافیایی و رشد جرایم سازمان یافته دولتی ، بروز تبعیض و نابرابری است که به فقر و فساد در طبقات پایین و در نهایت به بی اعتباری دولت و گسترش نارضایتی و بروز اغتشاشات و اعتراضات منتهی می شود. در واقع اعتراضات گسترده مردم علیه دولت ها را باید نوعی واکنش منفی جامعه در برابر جرایم صاحبان قدرت و سیاستمداران و اعتراض به شیوه حکمرانی آنان دانست. در سال ۲۰۲۰، بنیاد کارنگی تقریباً ۱۰۰ مورد اعتراضات ضد دولتی را شمارش کرد. به عنوان مثال، در آمریکای جنوبی، تقریباً " از هر ۱۲ کشور ۸ کشور دارای چنین وضعیتی بودند که اعتراضات قابل توجهی را تجربه کردند. از ۱۰۰ مورد، نزدیک به ۳۰ مورد اعتراضات به برکناری رهبران دولت ها و یا ساقط شدن کل دولت ها منتهی شده است اما بسیاری از این اعتراضات با خشونت دولتی و سرکوب اعتراضات همراه بوده است. از جمله خشن ترین واکنش های

---

۳۰۰ - R. T. Naylor(۲۰۰٤),Wages of crime : black markets, illegal finance, and the underworld economy,Cornell University ,p ۳۱٦.

۳۰۱ - R. T. Naylor(۲۰۰٤),Ibid,

دولتی در ایران ، عراق و نیکاراگوئه گزارش شده است، اگرچه سایر کشورها نیز از نیروهای نظامی برای سرکوب اعتراضات استفاده کرده اند.[۳۰۲]

بروز اعتراضات در بسیاری از کشورها دارای سابقه تاریخی است. حتی در خود آمریکا هم در مواردی موج اعتراضات سیاهان، رنگین پوست ها و اقلیت ها و محرومین در برخی ایالت ها بشدت سرکوب شده است. ظاهرا فقر و فساد و تبعیض و اعتراضات منتهی به خشونت ، مختص جوامع غیر دموکراتیک نیست. بلکه همه انواع رژیم های سیاسی کم و بیش با آن دست به گریبان هستند. به عنوان یک اصل در دموکراسی ها، اینکه در روند رقابت های سیاسی چه کسی برنده و چه کسی بازنده است، نشان دهنده وضعیت توزیع و توازن قدرت بین گروه های رقیب است. دولت اگرچه نماینده کل اجتماع است ، اما منتخب برندگان رقابت است و بیشتر به کسانی که بلندتر صحبت می کنند پاسخ می دهد. هرگروهی که زمان ، پول ، امکانات و منابع بیشتری داشته باشد ، اگر از موقعیت اجتماعی و ارتباطات درونی منسجم تری بهره مند شود، می تواند به طور موثرتری صدای خود را برای طرف مقابل بالا ببرد. آن‌ها می‌توانند انگیزه ها و دلایل و آرمان های سیاسی خود را تبلیغ کنند، توجه رسانه‌های خبری را به خود جلب کنند، وکلا، نمایندگان و قانون گذاران را تأمین مالی و مدیریت کنند، با قانون‌گذاران لابی کنند و به نامزدها در انتخاب شدن برای کسب کرسی و جایگاه و منصب کمک کنند.[۳۰۳]

(ادوارد رویس،۲۰۰۹) معتقد است ، محرومین و فقرا و اقلیت های فکری ، قومی و عقیدتی، نمی توانند به راحتی حوایج خود را به گوش حاکمان (نه لزوما به گوش مقامات سیاسی ، بلکه حتی به گوش رسانه های محلی) برسانند. علاوه بر بسیاری از محرومیت ها وآسیب های دیگر، آنها از کمبود امکانات و دارایی های سیاسی رنج می برند و این یکی از دلایل مهم فقر است. فقرا تنها به این دلیل که فاقد پول و سرمایه و ثروت هستند ، فقیر نیستند، آنها صدایشان به جایی نمی رسد چون فاقد قدرت سیاسی هستند و یکی از دلایلی که آنها پول ندارند، دقیقاً به این دلیل است که قدرت سیاسی ندارند. بنابراین قدرت سیاسی و پول یک طرف است و فقر و محرومیت طرف دیگر. در این شرایط رقابت سیاسی چه معنایی دارد؟ مگر فقرا و محرومین امکانات و ابزارهای مشارکت در رقابت سیاسی را دارند؟ اینها توصیفی است از شرایط جامعه ایالات متحده امریکا و بسیاری دیگر از جوامع دارای طبقات فقیر. این مناسبات و چه بسا بدتر از آن در جوامع غیر دموکراتیک بیش از پیش حاکم است. اینکه ما در ایالات متحده فقر کم یا زیاد داریم به عوامل سیاسی زیادی بستگی دارد. دولت هم از طریق کارهایی که انجام می دهد و هم از طریق کارهایی که از انجام آنها خودداری می کند باعث افزایش و کاهش نرخ فقر می شود و زندگی فقرا را گاهی بهتر و گاهی بدتر می کند. نوسانات در میزان و شدت فقر آینه تغییرات در سیاست دولت است و خطوط سیاست دولت به

---

۳۰۲ - Dawn L. Rothe & David Kauzlarich(۲۰۲۲),p۲۱۹

۳۰۳ -Edward Royce (۲۰۰۹),Poverty and power : a structural perspective on American inequality , Rowman & Littlefield Publishers, Inc p۱۲۴

نوبه خود نشان دهنده همسویی نیروهای سیاسی است. فقر فقط یک مشکل فردی نیست. این یک مشکل اقتصادی و همچنین یک مشکل سیاسی است. بنابراین، برای درک پویایی فقر، باید ساختار نهادهای سیاسی ، ویژگی‌های محیط سیاسی اطراف، و علل و پیامدهای سیاست دولت را بررسی کرد.[۳۰۴] وقتی گفته می شود فقر، باید به پیامدهای فقر اندیشید. پیامدهای فقر نه فقط برای فقرا که برای کل جامعه بسیار زیان بار و خسارت بار است.تنها راه مبارزه با فقر رفع تبعیض و بی عدالتی است. تنها راه حل ریشه ای مشکل فقر در جامعه، بستن راه جرم و فساد از بالا دست هاست. نباید اجازه داد قوانین خم شوند، اگر قانونی بد است باید آن را از مسیر راه همه برداشت، نمی شود قانون برای برخی بد باشد و برای دیگران خوب. هم اکنون ایالات متحده بالاترین سطح نابرابری اقتصادی را در جهان توسعه یافته دارد و شکاف بین فقیر و غنی در این کشور از اواخر دهه ۱۹۷۰ به این سوی بیش از هر کشور صنعتی دیگری افزایش یافته است. این به توضیح این مساله کمک می کند که چرا ایالات متحده، با وجود ثروت فراوان ، دارای چنین جمعیت فقیر فوق العاده زیادی است.!؟ نرخ کلی فقر در ایالات متحده در اواسط دهه ۱۹۹۰ بیش از دو برابر میانگین هجده کشور مرفه دیگر بود و نرخ فقر برای کودکان و افراد مسن تقریباً سه برابر میانگین بین المللی بوده است. نرخ فقر در سال ۲۰۰۰ به پایین ترین حد خود رسید، اما با این وجود، ایالات متحده در آغاز قرن هنوز بیش از هر کشور ثروتمند دیگری فقیر دارد. سطح فقر در این کشور همچنان بالاست که تا حدی به دلیل تعداد زیاد مشاغل با دستمزد پایین است. در مقایسه با چهارده کشور صنعتی دیگر، ایالات متحده "بالاترین نسبت کارگران در مشاغل تمام وقت نسبتاً ضعیف را دارد.[۳۰۵]

---

۳۰٤ - Edward Royce (۲۰۰۹),Ibid.

۳۰٥ - Edward Royce (۲۰۰۹),Ibid; Robert A. Dahl, How Democratic Is the American Constitution?,New Haven, Conn.: Yale University Press, ۲۰۰۲, ۳; see also Sanford Levinson, Our Undemocratic Constitution: Where the Constitution Goes Wrong (And How We the People Can Correct It) ,Oxford University Press, ۲۰۰٦.

فصل سوم – نظام سنجش و کنترل شاخص جرم و فساد

یکی از پرسش هایی که ذهن پژوهشگران حوزه اقتصاد سنجی جرم و اقتصاددانان علاقمند به این حوزه را به خود معطوف نموده است ، سنجش میزان خسارات و هزینه های ناشی ازجرم و فساد است و اینکه با چه شاخص هایی می توان میزان جرم و فساد در جامعه را مورد سنجش قرارداد. پرسش این است که هزینه های مستقیم و غیر مستقیم و هزینه های صریح و ضمنی جرم و فساد را چگونه برآورد کنیم ؟ هزینه های جرایم مختلف به عنوان شاخصی از برآورد ارزش منابع مصرف شده به منظور کنترل جرایم و جنایات تعبیر می شود. این هزینه های آشکار و پنهان ، در واقع برآوردی از خسارات و زیان های وارده ناشی از آسیب های خالص به جامعه هستند، اما لزوما با آنها یکسان نیستند. به عنوان مثال، هزینه قتل یک فرد یا از دست رفتن یک قربانی ، از طریق کاهش درآمد و خسارات وارده بر بستگان و بازماندگان او برآورد می شود . همچنین این خسارت معادل با ارزشی است که جامعه برای زندگی یک فرد قائل است. یا هزینه قمار از مقایسه ی مطلوبیت و منافع قمار برای قمار باز و عدم مطلوبیت آن برای جامعه برمبنای معیارهای اخلاقی و مذهبی قابل برآورد است. همچنین هزینه نقل و انتقالات مالی و تصاحب پول و مال نامشروع از طریق اقداماتی همچون سرقت، دستبرد و اختلاس، براساس میزان خسارات ناشی از محروم نمودن جامعه از روند توزیع متعارف و قانونی ثروت و درآمد و هزینه های اقدامات بازدارنده و توزیع مجدد و اجباری ثروت است که نهادهای قانونی با اقدامات قضایی و اداری از فرایند نقل و انتقال های نامشروع جلوگیری می کنند. همچنین باید اثرات احتمالی سرقت و اختلاس بر روند متعارف انباشت سرمایه و شکل گیری آن و یا اثرات احتمالی آن بر از دست رفتن امنیت و اعتماد اجتماعی را لحاظ کرد.[۳۰۶]

مسلما در عمل ارائه برآوردهای دقیق از آثار جرایم و مفاسد بر اجتماع و اقتصاد با پیچیدگی ها و دشواری های فرآوان همراه است. با این حال تلاش های علمی تحقیقاتی مختلفی در این راستا از ابتدا تاکنون صورت گرفته است. اگر چه مقاله بیکر در واقع یک نقطه عطف در باره تحقیقات با رویکرد اقتصادی به جرم و جریمه ارزیابی می شود که با ارایه یک مدل با مفروضات ساده به بررسی علل و انگیزه های اقتصادی جرم می پردازد، که البته همچنان تا به امروز ارزش و اعتبار خود را حفظ کرده است، اما ازآن زمان تاکنون مطالعات در این زمینه بسیار گسترش یافته است. با مروری بر مطالعات انجام شده می توان دریافت که در بررسی آثار و پیامدهای اقتصادی جرم ، پژوهشگران از زوایای مختلف به این موضوع توجه نشان داده اند. برخی از آنها به آثار و پیامدهای جرم روی شاخص ها و پارامترهای کلان اقتصاد، مانند، تاثیر منفی جرایم و مفاسد بر روند رشد و توسعه اقتصادی جوامع ، تاثیرآن بر

---

۳۰۶ - Becker, Ibid

تراز بودجه ای دولت ، روند تشکیل سرمایه و نرخ ریسک سرمایگذاری و رشد صنعتی توجه کرده اند. گروهی از پژوهشگران هم به علل و آثار و پیامدهای جرم در سطح خرد مانند پیامدهای آن برای خود فرد، بر روی خانواده مجرم ، بر روی فقرو رفاه در آن بخش از جامعه، بر فضای کسب و کار و تاثیرات آن در سطح بنگاهی و وضعیت شرکت های بیمه و نظایرهم توجه نشان داده اند. به عنوان مثال بسیاری از مطالعات ، تأثیر فساد بر سرمایه گذاری ها و رشد اقتصادی را نشان داده اند (آسیدو و فریمن، ۲۰۰۹؛ باترا، کافمن، و استون، ۲۰۰۳؛ گاویریا، ۲۰۰۲؛ مائورو، ۱۹۹۵؛ تانزی و داوودی، ۱۹۹۸؛ وی، ۲۰۰۰). طبق نظر(میون و سیکات، ۲۰۰۵)، فساد مانعی برای توسعه و رشد اقتصاد است. کار مقدماتی مائورو (۱۹۹۵) رابطه بین فساد و سرمایه گذاری را نشان می دهد که بر رشد اقتصادی تأثیر منفی می گذارد و برونتی و ودر (۱۹۹۸)، مو (۲۰۰۱)، و هاج و همکاران (۲۰۱۱) هم نتایج مشابهی ارائه می دهند. یافته های آنها "فرضیه اصطحکاک چرخ[۳۰۷] " نامیده می شود، به این معنا که فساد و جرم ، کارایی و بهره وری را در اقتصاد پایین می آورد، موجب اتلاف منابع یا تخصیص غیر بهینه منابع می شود و یا به تعبیری فساد ، چوب لای چرخ اقتصاد گذاشتن و ایجاد اخلال در نظام اقتصادی تلقی می شود که پیامدهای آن خسارت بار است.[۳۰۸]



منبع : **Sand the Wheel Hypothesis** از عبدل رفای : Handbook of research on theory and practice of financial crimes

---

۳۰۷ - sand the wheel hypothesis

۳۰۸ - Abdul Rafay(۲۰۲۱),Handbook of research on theory and practice of financial crime , p۸۳

در طبقه بندی هزینه های جرم ، سه دسته هزینه از یکدیگر تفکیک و متمایز می شوند :

۱ -هزینه های پیشگیری از جرم – مثلا هزینه های ایجاد سیستم کنترل و ایمنی ونظارت امنیتی مانند دوربین یا نصب دزدگیر یا سیستمهای هشدار دهنده وتشخیص دهنده

۲ -هزینه های تحمیلی ناشی از وقوع جرم– مثل خسارات و زیان های وارده ناشی از وقوع جرم سرقت یا قتل

۳ -هزینه های برخورد و پاسخ به جرم – هزینه های تعقیب قضایی و پلیسی ، مانند دستگیری و بازداشت

بطور مثال در انگلستان و ولز برای سال ۲۰۱۵/ ۲۰۱۶ مجموعا ۵۰ میلیارد پوند برای جنایت علیه افراد(حقیقی) و ۹ میلیارد پوند علیه مشاغل(حقوقی) هزینه برآورد شده است. جرایم علیه اشخاص حقیقی با آنکه یک سوم از کل جرایم است، ولی سه چهارم هزینه های جرایم را در برمی گیرد. دلیل آن هزینه های جسمی روحی سنگین تحمیل شده از ناحیه این نوع جرایم است. بویژه جرایم و جنایاتی که منجر به آسیب های روحی، روانی و عاطفی می شود ، مانند قتل و تجاوز و خشونت و توام با جراحات و ضرب وشتم بوده است، بالاترین هزینه ها را تحمیل کرده است، که در این مورد قتل ۳٫۲ میلیون پوند و پس از آن تجاوز به عنف بوده است. بدون شک نرخ جرایم و فرآوانی تکرار آنها در هر جامعه انعکاسی از شرایط آن جامعه است. در انگلستان، دستبرد[۳۰۹] از مشاغل تقریبا ۹۰ درصد از دعاوی مرتبط با جرایم تجاری را تشکیل می دهند و تقریبا نیمی از کل هزینه های تخمینی از جرایم علیه مشاغل را در بر می گیرد. (۴٫۲ میلیارد پوند) در مقابل برای سرقت و دزدی از مشاغل به ترتیب ۲ میلیارد پوند و ۱٫۶ میلیارد پوند هزینه ی خسارت برآورد شده است. اینها بیش از ۴۰ درصد خسارات به مشاغل را تشکیل می دهد ولی ۵٪ از جرایم مشاغل هستند.[۳۱۰]

یکی از هزینه های عمده درحوزه کنترل و پیشگیری از جرایم، هزینه های ایمنی و امنیتی است، که فرد و جامعه متناسب با شرایط متحمل می شوند. فهرست برخی از مهمترین عناوین این هزینه ها بشرح زیر است :

هزینه امنیت عمومی برای ساختمان های مسکونی

هزینه امنیت عمومی برای ساختمان های تجاری

هزینه سیستم های ضد سرقت برای ساختمان های مسکونی

---

۳۰۹ - Thefts(دستبرد), robberies and burglaries against businesses

عمده ترین تفاوت robberi (دزدی) با Burglari (سرقت) در این است که دزدی در حضور صاحب مال و با توسل به زور و یا تهدید مثلا با قاپیدن از دست صاحب مال انجام می شود، ولی سرقت در غیاب صاحب مال و یا از کار انداختن سیستم امنیتی انجام می شود، مانند سرقت منزل در غیاب صاحب آن. تفاوت دستبرد (Theft) با این دو اصطلاح در این است، در دستبرد ورود غیر قانونی صورت نگرفته واز قوه قهریه و زور هم استفاده نشده است. مانند دستبرد مشتری به اجناس فروشگاه.

۳۱۰ - Matthew Heeks, Sasha Reed, Mariam Tafsiri and Stuart Prince(۲۰۱۸), The economic and social costs of crime, Crown publisher.

هزینه سیستم های ضد سرقت برای ساختمان های تجاری

هزینه امنیت وسایل نقلیه شخصی

هزینه امنیت وسایل نقلیه تجاری

هزینه های امنیت شخصی – فردی

هزینه های امنیت شخصی – تجاری

بطور مثال در انگلستان و ولز برای سال ۲۰۱۵ معادل با ۱۷۹ میلیون پوند به منظور سیستمهای امنیتی خودروها (تجاری و شخصی) هزینه شده است. این رقم برای ایالات متحده معادل با ۱٫۷ میلیارد پوند برآورد شده است. امروزه امنیت خودرو خود به یک بازار جهانی تبدیل شده است. همانطوری که سیستمهای امنیت و ضد سرقت برای ساختمان ها خود به یک صنعت و بازار تجارت جهانی مبدل شده است.[۳۱۱] هزینه های تحمیلی ناشی از جرم از دیگر مواردی است که در ادامه به آن پرداخته می شود.

تحلیل هزینه – فایده و هزینه – اثر بخشی در نظام کنترل جرایم

در این بخش سعی می شود ، مهم ترین مسائل نظری مطرح شده در مورد روش شناسی تحلیل هزینه اثر بخشی و هزینه – فایده با هدف کاربرد آن در نظام قضایی و عدالت کیفری مرور شود. ابتدا در این باره بحث می شود که چرا اندازه گیری هزینه – فایده برای نظام قضایی و سیاست های عدالت کیفری ارزشمند است. سپس دشواری تعریف هزینه های اجتماعی مورد بحث قرار می گیرد و مفهوم هزینه های جانبی تحمیل شده توسط جرم معرفی می شود.آنگاه مقایسه ای میان هزینه ها و منافع صورت می گیرد و اینکه چه مواردی باید در انجام تجزیه و تحلیل هزینه – فایده یک سیاست عدالت کیفری در نظر گرفته شوند، مورد بحث قرار می گیرد. در ادامه تفاوت‌های میان هزینه‌های متوسط، حاشیه‌ای و مجموع هزینه های جرم مورد بررسی قرار می گیرد. در انتها، برخی از انتقاداتی که بر استفاده از این روش، چه به طور کلی و چه در چارچوب برنامه های عدالت کیفری وارد شده است، نقد و بررسی می شود.[۳۱۲] از نقطه نظر اقتصادی، تردیدی وجود ندارد که هزینه های جرم و جنایت باید برآورد شود، علم اقتصاد شامل تخصیص منابع کمیاب در جامعه است و تصمیمات سیاست عدالت کیفری همیشه شامل انتخاب میان دو یا چند گزینه است که هر کدام هزینه ها و مزایای خاص خود را دارند. محاسبه ی این هزینه‌ها و منافع، گزینه‌های مختلف را در یک میدان بازی برابر قرار می‌دهد و می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند که رفاه و امنیت جامعه را افزایش می‌دهند. بدون شک اگر هزینه ها و منافع برشمرده

---

۳۱۱ - Matthew Heeks, Sasha Reed, Mariam Tafsiri and Stuart Prince, Ibid.

۳۱۲ –ر. ک به:(مارک کوهن، ۲۰۰۰) ، جلد۴ :

Mark A. Cohen(۲۰۰۰),” Measuring the Costs and Benefits of Crime and Justice”, Criminal Justice.

شده نادرست تعریف و یا محاسبه شوند، این خطر وجود دارد که اطلاعات غلط به تصمیمات اشتباه و چه بسا خسارت بیشتر منتهی شود.

ایده اندازه گیری هزینه های پولی جرم و مزایای پولی کاهش جرم سال هاست که در نظام حقوقی در ایالات متحده مطرح بوده است.گری (۱۹۷۹) تاریخچه هزینه جنایت را مرور می کند و گزارش می دهد که یکی از اولین برآوردها در یک مطالعه تحت حمایت دولت در سال ۱۹۰۱ منتشر شده است. محاسبه و سنجش هزینه‌ها و منافع، گزینه‌های مختلف را برای بازیگران در عرصه اجتماع برابر قرار می‌دهد و می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا تصمیمات آگاهانه تری بگیرند تا چنانکه گفته شد ، به افزایش رفاه و امنیت جامعه کمک کنند.

اگرچه، بسیاری از غیراقتصاددانان استدلال می کنند که هیچ توجیه اخلاقی و مبنای تجربی کافی برای قرار دادن معادل ارزش پولی بر روی عوامل ناملموسی همچون درد، رنج و کیفیت زندگی از دست رفته وجود ندارد، اما چنانکه در ادامه استدلال های بیشتری ارایه خواهد شد، جامعه انسانی امروز ناگزیر است تلاش کند تا دارایی‌های نامشهودی همچون سلامت ، امنیت و آرامش را مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار دهد تا معیاری کمی برای قضاوت وجود داشته باشد و الا مفهوم عدالت در این دنیای مادی جز لفاظی و دلداری دادن به قربانیان چیزی نخواهد بود و جامعه ای که از ناحیه اقدامات مجرمانه و از ارتکاب جرم آسیب دیده است، تصوری از عدالت نخواهد داشت. بعلاوه هرگاه با علم به اینکه بسیاری از جرایم با انگیزه های مادی منفعت طلبانه و یا لذت جویانه رخ می دهند، بتوان برآوردی از منافع از دست رفته و خسارت ها و هزینه های تحمیل شده به قربانیان ارائه داد و مجرمان را به جبران خسارات مادی وارده برقربانیان براساس برآوردهای کارشناسی شده، محکوم نمود، در واقع انگیزه های مجرمانه برای کسب منفعت سرکوب می شود و جامعه درک می کند که نباید برای کسب منافع به روش های مجرمانه متوسل شود. دنبال نمودن این رویکرد می تواند اثرات پیشگیرانه از وقوع جرم داشته باشد. در هرحال با فرض اینکه بتوان فاکتورهای ناملموسی همچون رنج و عذاب و درد و کیفیت زندگی از دست رفته را مورد سنجش و ارزشگذاری پولی قرارداد، به سه کاربرد آن توجه می کنیم :

–مقایسه آسیب نسبی ناشی از هر نوع جرم.

–مقایسه مجموع آسیب های ناشی از هر جرم در مقایسه با سایر آسیب های اجتماعی.

– تحلیل هزینه–فایده سیاست های جایگزین درکنترل جرم.

سیاستگذاران حوزه امور عمومی اغلب علاقه مند به مقایسه آسیب های ناشی از انواع مختلف جرم هستند. به عنوان مثال، اکثر طرفداران دستورالعمل های مجازات ، برآسیب های وارده بر قربانی یا قربانیان به عنوان یکی از اجزای ساختار مجازات تکیه می کنند. کسانی که از فلسفه «فقط بیابان‌ها» پیروی می کنند، آسیب وارده را با مقصر بودن ،

مجرمیت[۳۱۳] و قصد و اراده مجرم ، ترکیب می کنند، در حالی که گروهی دیگر از رویکرد مطلوبیت گرایانه[۳۱۴] یا اصالت سود دفاع می‌کنند وآسیب وارده را با قابلیت تشخیص[۳۱۵] و بازدارندگی[۳۱۶] ترکیب می کنند. اگرچه می توان آسیب‌های مختلف مرتبط با هر نوع جرم (مانند ارزش اموال به سرقت رفته، آسیب‌های فیزیکی وارده ، آسیب‌های مربوط به سلامت روان) را محاسبه کرد، اما بدون یک معیار رایج مانند معادل پولی خسارت و آسیب ، مقایسه عینی این آسیب‌ها دشوار است.[۳۱۷] با آنکه چند معیار غیر پولی برای مقایسه آسیب ها پیشنهاد شده است، مانند تعداد روزهای از دست رفته برای جبران ضرر مالی قربانی یا تعداد سالهای از دست رفته زندگی .اما اینها در درجه اول برای غلبه بر درک ناعادلانه ارزش گذاری آسیب ها بر اساس ثروت طراحی شده اند و با این حال، این پیشنهادات همچنان از نداشتن معیار مشترکی که قابلیت مقایسه را فراهم کنند، رنج می برند. زیرا هنوز نمی توان ۱۰ روز کاری از دست رفته را با ۱۰ سال زندگی از دست رفته مقایسه کرد. بدون وجود یک معیار مشترک برای مقایسه آسیب ها، رویکرد عمومی پذیرفته شده برای رتبه بندی شدت جرایم، نظرسنجی از مردم و بازماندگان و قربانیان درجامعه بوده است.[۳۱۸]

یکی از متداول ترین و احتمالاً کم‌اهمیت‌ترین دلایل برای تخمین هزینه‌های جرم، محاسبه هزینه‌های کل جرم برای یک جامعه است. معمولا برآورد هزینه های چند میلیارد دلاری (یا چند هزار میلیارد ریالی) می تواند به راحتی راه خود را به مطبوعات و بحث های سیاست عمومی باز کند. اما دو مشکل اساسی در محاسبه هزینه های آسیب های وارده عمدی وجود دارد. اولاً، وقتی مثلا گفته می شود که جرم و جنایت سالانه ۴۵۰ میلیارد دلار برای ایالات متحده هزینه یا خسارت به دنبال دارد، با این اطلاعات چه می توانیم بکنیم؟ احتمالا اگر در برآورد هزینه های کل جرم موفقیتی حاصل شود، می‌توانیم این برآورد هزینه کل را با هزینه ی سایر مشکلات اجتماعی (مانند سرطان، تصادفات خودرو، بی خانمانی) مقایسه کنیم. واما فراتر از اینکه چه کسی موافق باشد که این یک تلاش مفید هست یا خیر، گروه‌های مختلف مدافع ، برآوردهای "هزینه جرم" را با هزینه سایر آسیب‌های اجتماعی مقایسه می‌کنند تا بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی تأثیر بگذارند ومتأسفانه سوء استفاده از این داده ها در هر دو طرف بحث های سیاسی رخ می دهد.[۳۱۹]

---

۳۱۳ - culpability
۳۱٤ - utilitarian approach
۳۱٥ - detectability
۳۱٦ - deterrability
۳۱۷ - Mark A. Cohen(۲۰۰۰), Ibid,p۷
۳۱۸ - Wolfgang etal. ۱۹۸٥; Cullen, Link, and Polanzi ۱۹۸۲; Rossi et al. ۱۹۷٤; and Rossi and Berk, ۱۹۹۷.
۳۱۹ - Mark A. Cohen(۲۰۰۰), Ibid,p۸

بررسی ادبیات موجود در مورد منافع و هزینه های سیاست‌های عدالت قضایی (کیفری) عموماً یکی از دو شکل را زیر را دارد: ۱- تحلیل اثربخشی هزینه ها (CEA)[۳۲۰] ۲- تحلیل هزینه –فایده ی سیاست ها (CBA)[۳۲۱]، اما روش های دیگری هم معرفی شده است که در ادامه به شرح و بررسی آنها پرداخته می شود.

مطالعات اثر بخشی هزینه ها به دنبال یافتن روش های مقرون به صرفه است و در پی پاسخ به سوالاتی از این قبیل است که : "هزینه به ازای هر جرم پیشگیری شده چقدر است؟" یا "هزینه هر مجرمی که با موفقیت بازپروری شده و یا به احتمال زیاد بار دیگر اقدام به ارتکاب نخواهد کرد، چقدر است؟" این سؤالات مستلزم درک کاملی از هزینه ها و برآوردی از احتمال نتیجه موفقیت آمیز سیاست ها است. با این حال، تحلیلگر را ملزم به محاسبه منافع حاصل از نتیجه موفقیت آمیز سیاست ها یا اقدامات نمی کند. برآورد منافع حاصله ، مستلزم یک تجزیه و تحلیل هزینه-فایده است.

تا به امروز، مطالعات کمی در حوزه ی عدالت قضایی یا برنامه‌های پیشگیری از وقوع جرم منتشر شده است که تلاش کرده باشند، اثربخشی هزینه یا تجزیه و تحلیل هزینه –فایده برای این منظور انجام داده باشند. در عوض، محققان به طور کلی به این سوال می پردازند که اعمال یک مجازات خاص در مورد مجرمان احتمالی آیا از تکرار جرم جلوگیری می کند؟ یا اینکه آیا یک برنامه بازپروری[۳۲۲] باعث کاهش تکرار جرم می شود؟ اگر چنین است، برنامه ای که "کار می کند" به چه قیمتی؟ آیا برنامه های جایگزینی وجود دارد که منافع اجتماعی[۳۲۳] بیشتری ایجادکند؟ با توجه به اینکه دانش آموختگان و محققان علوم قضایی به ندرت اقتصاد می خوانند و لزوماً برای تجزیه و تحلیل هزینه ها و منافع آموزش ندیده اند، این واقعیت که مطالعات کمی در این حوزه انجام شده است تعجب آور نیست. شایان ذکر است که برخی از تحلیلگران سوالاتی مانند "هزینه هر متخلف چقدر است؟" مطرح می کنند، که اگرچه مهم است، اما این صرفاً یک تحلیل هزینه است و نباید به عنوان یک مطالعه اثربخشی هزینه تلقی شود. برای اینکه یک مطالعه معطوف به اثربخشی هزینه ها باشد ، باید به نتایج ، دستاوردها و پیامد ها توجه گردد. (مثلا میزان تاثیردر جلوگیری از وقوع جرم و یا تاثیر بر میزان تکرار جرم را اندازه گیری کند،) نه اینکه فقط به ورودی ها یا داده ها (به عنوان مثال، تعداد مجرمانی که در برنامه شرکت داده شده اند، توجه کند). البته، تمرکز صرف بر هزینه ها می تواند به راحتی منجر به برآوردی برای تامین مالی و بودجه ریزی یک برنامه شود، حتی اگر مزایای کمی داشته باشد.[۳۲۴]

---

۳۲۰ - cost-effectiveness analysis.

۳۲۱ - cost-benefit analysis.

۳۲۲ – یک برنامه بازپروری می تواند دامنه وسیعی از اقدامات را در بر بگیرد که شامل ارتقاء دانش حقوقی مجرمان و آموزش های فنی و حرفه ی و راه اندازی کسب و کار به زندانیان برای آماده کردن آنها جهت ورود به بازارکار رسمی باشد، اما مسوولیت های بیشتری را متوجه جامعه و دولت می کند.

۳۲۳ – در تحلیل های هرینه – فایده اجتماعی ، هرجا از منافع صحبت می شود، منظور منافع اجتماعی یا Social Benefit است.

۳۲٤ - Mark A. Cohen(۲۰۰۰), Ibid, p ۳۸.

چند نکته مهم که هر محقق یا تحلیلگر سیاست های عدالت کیفری باید به طور جدی زمانی که می خواهد از روش اثربخشی هزینه و یا تحلیل هزینه–فایده استفاده کند، مورد توجه قرار دهد ، این است که به پتانسیل امکان سوء استفاده از تجزیه و تحلیل هزینه–فایده ، به موضوع عدم قطعیت، به هریک از طرق مداخله ، درمان، بازپروری و سایر اقدامات پیشگیرانه و به هزینه ها و منافع آتی، و مسائل مربوط به عدالت و برابری و درک عمومی از خطرات و زشتی های جرم توجه جدی داشته باشد.[۳۲۵] بیشتر مطالعات هزینه جرایم تا به امروز بر روی جرایم سنتی شاخص و شناخته شده متمرکز شده اند. برخی تلاش های اخیر به تخمین هزینه های رانندگی در حالت مستی و کودک آزاری و مطالعات دیگر مانند هزینه سوء مصرف مواد مخدر، هزینه های تحمیلی از طریق ارتکاب جرایم یقه سفید و هزینه های حفظ سیستم عدالت قضایی را بررسی کرده اند. تعداد کمی از مطالعات به طور سیستماتیک همه انواع جرم و همه هزینه ها را بررسی کرده اند. باید مراقب مقایسه و/یا جمع کردن هزینه ها در این مطالعات بود، زیرا تفاوت در روش‌شناسی، دوره‌های زمانی و دسته بندیهای بکار رفته برای برآورد هزینه هایی که احتمالاً با هم تداخل دارند، چنین مقایسه‌هایی را دشوار می‌کند. لذا برای انجام چنین مقایسه هایی، به مطالعات دقیق نیاز است.[۳۲۶]

رویکردهای مختلفی برای اندازه گیری واکنش جامعه به جرم و هزینه های آن وجود دارد. به طور کلی، هزینه ها را می توان به دو دسته مشهود یا نامشهود طبقه بندی کرد و روش های اندازه گیری را می توان به صورت مستقیم یا غیرمستقیم طبقه بندی کرد. هزینه‌های ملموس(مشهود) آنهایی هستند که شامل پرداخت‌های پولی مانند هزینه‌های پزشکی، اموال مسروقه یا آسیب‌دیده، از دست دادن دستمزد، هزینه نگهداری در زندان و هزینه‌های پلیس می‌شوند. اینها هزینه‌هایی هستند که در نهایت در تولید ناخالص ملی محاسبه می‌شوند و معمولاً در برآوردهای کل هزینه ها یا ثروت فردی لحاظ می‌شوند. هزینه های نامشهود یا غیرپولی هزینه هایی هستند که معمولاً در بازارهای خصوصی یا عمومی مبادله نمی شوند، مانند ترس، درد، رنج و کیفیت زندگی از دست رفته. روش های زیادی برای تخمین هزینه های جرم وجود دارد. به طور کلی، این روش ها را می توان به دو صورت مستقیم یا غیر مستقیم توصیف کرد. روش‌های مستقیم از منابع اولیه مانند بررسی وضعیت قربانیان جرم یا بودجه سازمان‌های قضایی و پلیس استفاده می‌کنند. روش های غیرمستقیم از منابع ثانویه برای داده های تحلیلی استفاده می کند که شامل ارزشگذاری اموال یا ارزیابی خسارات توسط کارشناسان رسمی و یا ارزشگذاری توسط هیئت منصفه می شود. در ادامه به بررسی شیوه های شناسایی و اندازه‌گیری هزینه‌های مشهود و نامشهود جرم می‌پردازیم.[۳۲۷]

در ابتدا، ممکن است به نظر برسد که برآورد هزینه های ملموس جرم نسبتاً ساده است. در واقع، جدای از داده‌های مربوط به هزینه‌های مستقیم دولت در سیستم عدالت قضایی، این تصور به دور از واقعیت است. به عنوان مثال، هیچ

---

۳۲۵ - Ibid ,p ۴۲
۳۲۶ - Ibid ,p ۲۷
۳۲۷ - Mark A. Cohen(۲۰۰۰), Ibid

سیستم حسابداری ملی وجود ندارد که زیان های وارده به قربانیان جرم را محاسبه کند. در ایالات متحده تنها منبع معتبر و مستقیم هزینه‌های قربانیان جرم، مرکز ملی نظرسنجی قربانیان جنایت (NCVS)[۳۲۸] است که با خانواده‌های قربانیان مصاحبه می‌کند و اطلاعاتی را از تجربه کسانی که قربانی جرم و جنایات بوده اند، استخراج می‌کند (رند ۱۹۹۸). NCVS از قربانیان جرم و جنایت سوالات متعددی در مورد خسارات وارده و هزینه های پرداختی از جیب آنها می پرسد، از جمله برآورد هزینه دلاری مراقبت های پزشکی، دستمزدهای از دست رفته و خسارات وارد بر دارایی هایشان. این تخمین ها به صورت دوره ای توسط اداره آمار قوه قضاییه منتشر می شود (به عنوان مثال، کلاوس ۱۹۹۴ را ببینید). با وجود ظاهر رسمی آنها، برآورد هزینه جنایت NCVS به شدت هزینه های ملموس جنایت را برای قربانیان کم نشان می دهد. اولاً، دوره مرجع برای NCVS جرایمی است که طی ۶ ماه گذشته انجام شده است. از آنجایی که بطور میانگین جرم حدود ۳ ماه قبل از گزارش رخ داده است، هر گونه هزینه های پزشکی لزوماً محدود به همان هزینه های کوتاه مدت است. با این حال، حتی هزینه های کوتاه مدت نیز احتمالا دست کم گرفته می شود، زیرا صورتحساب های بیمارستان اغلب مستقیماً به شرکت های بیمه ارسال می شود و ممکن است ماه ها پس از بستری شدن در بیمارستان رسیدگی شود. ثانیا-برخی از دسته بندی های هزینه به سادگی از NCVS حذف می‌شوند. به عنوان مثال، با وجود این واقعیت که آنها هزینه قابل توجهی برای قربانیان هستند، از پاسخ دهندگان در مورد هزینه های مراقبت از سلامت روان سؤال نمی شود (کوهن و میلر ۱۹۹۸). علاوه بر این، پیامدهای قربانی شدن می تواند گسترده و فراتر از محدوده هر نظرسنجی دولتی باشد، چنانکه در مواردی مانند آزارهای جنسی در محل کار یا غیر آن، افراد از ابراز نظر پرهیز می کنند.

هزینه های ناملموس جرم از موضوعات مهم دیگر است. قربانیان، قربانیان بالقوه، محتمل یا در معرض خطر و جامعه همگی متحمل هزینه های نامشهود یا ناملموس جرایم و جنایات می شوند. قربانیان جنایت متحمل درد، رنج و از دست دادن کیفیت زندگی به دنبال آسیب فیزیکی و/یا آسیب روانی می شوند. قربانیان احتمالی نیز ممکن است در معرض ترس و نگرانی و اضطراب زیاد قرار گیرند که به صورت اضطراب روانی و/یا رفتار واقعی بازدارنده (مانند ماندن در خانه در شب، تنها به خیابان نرفتن، تلفن موبایل یا کیف پول خود را در جایی پنهان کردن، به تماس های ناشناس پاسخ ندادن، به آگهی های استخدام اطمینان نکردن، از خودروهای ون پلیس دوری کردن، در مسیرهای مشخصی راه رفتن برای اجتناب از عبور از خیابان‌های خلوت و غیرو) ظاهر می‌شود. جوامع و کسب‌وکارها ممکن است از کاهش فروش ، افت بازدید و کاهش تعداد گردشگران و خرده فروشی رنج ببرند، زیرا یا احساس می کنند با یک جامعه جرم خیز، یا یک منطقه با نرخ جرم و جنایت بالا مواجه هستند. نرخ بالای جرم و

---

۳۲۸ - National Crime Victimization Survey

فقدان چنین نهادی در سیستم عدالت قضایی در ایران و ضرورت وجودی آن احساس می شود.

جنایت همچنین ممکن است مانع از توسعه اقتصادی مناطق خاص شود ، زیرا کارفرمایان و کارمندان بالقوه از این مناطق و جوامع خاص دوری می کنند.[۳۲۹]

از چندین رویکرد برای برآورد ارزش پولی هزینه های نامشهود استفاده شده است. اولین روش غیرمستقیم بطور مثال استنباط تمایل مالکان برای پرداخت هزینه برای محله ای امن تر از طریق ارزش ملك بالاتر است. تا جایی که خطر قربانی شدن در قیمت مسکن سرمایه گذاری می شود. بنابراین انتظار می رود که محله های با جرم و جنایت بالاتر و یا با ضریب امنیتی پایین تر (به دلیل عدم کنترل موثر پلیس یا فعالیت بیشتر باندهای مجرم)، قیمت مسکن پایین تری داشته باشند و این بشرطی است که همه عوامل دیگری که بر قیمت مسکن تأثیر می گذارند کنترل شده و یا ثابت باشند (تالر ۱۹۷۸). این روش نیازمند مشخصات دقیق مسکن خاص / مکان (متراژ زیربنا، تعداد اتاق ها، قدمت ساخت و نوع سازه و غیره)، قیمت مسکن، نرخ جرم و جنایت، و سایر مزیت ها و امکانات خاص مکان (مانند نرخ عوارض، دسترسی به مدرسه و درمانگاه، فاصله تا مرکز شهر و مرکز خرید و ایستگاه مترو و غیرو) است. تحلیل رگرسیون چندگانه اثر جرم و جنایت بر قیمت مسکن را جدا می کند. سپس ضریب متغیر جرم به عنوان تمایل نهایی به پرداخت[۳۳۰] برای کاهش نرخ جرم تفسیر می شود. توجه داشته باشید که این یک ارزش گذاری حاشیه ای (نهایی) است که بر اساس نرخ جرم فعلی و تغییرات کوچک در اطراف آن نرخ محاسبه می شود.[۳۳۱]

محدودیت‌های داده‌ها باعث شده است که در این نوع از مطالعات پیرامون ارزش ملك نتوانند هزینه هر نوع جرم را بطور مجزا جدا کنند، اما در عوض، مطالعاتی که تا به امروز انجام شده است، هزینه یک معیار مجموع جرم مانند شاخص گزارش جرم یکسان[۳۳۲] اداره تحقیقات فدرال (FBI) را تخمین زده است. در تئوری، یک مجموعه داده جامع می تواند تأثیر هر نوع جرم را بر قیمت مسکن جدا کند.

مطالعات ارزش ملک لزوماً بر فرضیات مهمی در باره شرایط رقابت پذیری در بازار مسکن و اطلاعات مصرف کننده در مورد نرخ جرم و جنایت محلی تکیه می کنند. آنها همچنین تأثیری را که شرایط و یا امکانات خاص محل – از جمله جرم و جنایت – بر نرخ دستمزدهای محلی دارد، نادیده می گیرند. تعداد کمی از محققین هم معادله مسکن و هم معادله دستمزد را برای نشان دادن هر دو اثر تخمین زده اند (به عنوان مثال، Hoehn,۱۹۸۷، Berger و Blomquist را ببینید). اگرچه این مدل‌ها از دو معادله استفاده می‌کنند، اما هنوز مدل‌های همزمانی را برآورد نکرده‌اند که تعامل بین قیمت مسکن و دستمزد را بطور همزمان محاسبه کرده و تخمین بزنند.

---

۳۲۹ - Mark A. Cohen(۲۰۰۰), Ibid
۳۳۰ - marginal willingness to pay
۳۳۱ - Mark A. Cohen(۲۰۰۰), Ibid
۳۳۲ - Uniform Crime Reporting Index

یکی از ویژگی های مثبت مطالعات ارزش ملکی روی جرایم، تکیه آنها بر معـاملات واقعـی بـازار اسـت. اگرچـه اقتصاددانان رویکردهای مبتنی بر بازار را که در آن از معاملات واقعی بازار (قیمت مسکن) استفاده می‌شود، ترجیح میدهند، هر رویکرد مبتنی بر بازار لزوماً ثروت و درآمد خریدار را در نظر می‌گیرد. بنابراین، این واقعیت کـه افـراد کمتر ثروتمند ، لزوماً خانه‌های ارزان‌تر و احتمالا در مناطق پر خطر تر را می‌خرند، منجر به تخمینی از هزینه هـای جنایت می‌شود که براساس "توانایی پرداخت"[۳۳۳] است، نه "تمایل به پرداخت"[۳۳٤]. این موضوع بسیار حایز اهمیت و توجه است ، زیرا بسیاری از روش های مورد بحث به درآمد قربانی یا قربانیان بالقوه بستگی دارد.[۳۳۵]

بازار مسکن تنها شاخص متاثر از نرخ جرم و جنایت نیست. مردم اسلحه کمری می خرند و دزدگیر امنیتـی نصـب می کنند، به جای پیاده روی سوار تاکسی می شوند و از سایر اقدامات احتیاطی برای جلـوگیری از جـرم اسـتفاده می کنند. اگرچه همه این هزینه‌ها را می‌توان بخشی از هزینه واکنش جامعه به جرم در نظر گرفت، اما ممکن است در برآورد هزینه خود جرم نیز استفاده شود. برای مثال، مطالعه خرید سیستمهای هشدار دهنده امنیتی و دوربین های نظارتی مدار بسته ممکن است به ما این امکان را بدهد که استنباط کنیم ارزشی را که مصرف‌کنندگان برای نصب یک سیستم امنیتی خاص حاضرند بپردازند، معادل با هزینه ی کاهش احتمال قربانی شدن محسوب گردد.[۳۳۶] به این ترتیب روش دیگر برآورد هزینه های غیر پولی جرم، استنتاج تمایل جامعه به پرداخت هزینه برای کاهش جـرم از مطالعات غیرجرمی در مورد تمایل جامعه به پرداخت هزینه برای ایمنی و امنیت است. اگرچه چندین رویکرد در این باره وجود دارد، این ادبیات رو به رشد در درجه اول تفاوت های نـرخ دسـتمزد را بـرای مشـاغل پرخطـر بـرآورد می کند (ویسکوزی ۱۹۹۳). برای مثال، اگر برای پذیرش افزایش خطر مـرگ ۱ در ۵۰۰۰۰۰، ۵۰ دلار حـق بیمـه اضافی برای نرخ دستمزد وجود داشته باشد، این بدان معناست که "ارزش زندگی" مجموعـا ۲۵ میلیـون دلار (۵۰ دلار ضربدر عدد ۵۰۰،۰۰۰) برآورد می شود.[۳۳۷] اکنون ادبیات گسترده ای در مورد ارزش زندگی وجود دارد که

---

۳۳۳ - ability to pay.

۳۳٤ - willingness to pay

۳۳۵ – تمایل به پرداخت یا توانایی پرداخت ؟ موضوع اصلی این است. بخش مهمی از مساله ی فرار سرمایه از کشورهای نا امن، بی ثبات، یا دارای نظام حـاکمیتی سرکوبگر و فسادی که حقوق شهروندان در آن به کرات نقض می گردد، با همین رویکرد تحلیلی قابل بررسی و ارزیابی است. بسـیاری از کسانی کـه ثـروت و تمکن مالی بالا دارند، کشور خود را به مقصد کشوری که شرایط بهتری برای زندگی آنها فراهم می کند، ترک می کنند و از کشور مهـاجرت مـی کننـد. بخـش قابل توجهی از جریان انتقال سرمایه در جهان از کشورهای پر خطر(جنگ و نا امنی ، جنایت و فساد) بسـوی کشـورهای کـم خطـر در حرکـت اسـت. موضـوع پناهندگی و فرار دسته جمعی از کشورهای پر خطر به مناطق آرام از زاویه دیگری هم قابل توجیه است.

۳۳٦ - Mark A. Cohen(۲۰۰۰), Ibid

۳۳۷ – در ایران چنانکه می دانیم طبق مبانی حقوق اسلامی دیه مبلغی است که شاید بتواند معادل معیار ارزش زندگی(value of life) تلقی شود. اما باید بـه ایـن نکته توجه کرد که دیه تنها می تواند منعکس کننده ی هزینه های ملموس خسارات و آسیب ها باشد و نه هزینه های غیر مشهود از قبیل خسارت بر بازماندگان و جامعه . بعلاوه دیه توسط کارشناسان معتمد قوه قضاییه و متناسب با نرخ تورم سالیانه از سوی بانک مرکزی همه ساله بروز می شود و بسیار متاثر از شرایط تورمی حاکم بر اقتصاد است به تعبیری هرچه تورم بیشتر باشد، دیه به عنوان معیار ارزش زندگی بیشتر خواهد بود. شایان ذکر است نگاهی به مبانی فقهی مطرح در تعیین دیه در نظام حقوقی ایران ، نشان می دهد، ضوابط و احکام مربوط به دیات بسیار کهنه ومندرس است و برای نیاز جامعه امروز فاقد وجاهـت و توجیهـات حقـوقی

نباید به عنوان ارزش یک زندگی خاص تفسیر شود، بلکه ارزش جامعه برای نجات یک زندگی "آماری" است. به نظر می رسد اولین تلاش برای ترکیب این تخمین های ارزش زندگی با جرم توسط فیلیپس و ووتی (۱۹۸۱) انجام شده باشد که برآوردهای ارزش زندگی و هزینه های خارج از جیب ناشی از جرم را با درک جامعه از جدی بودن جرم برای رسیدن به برآوردهای پولی خاص جنایت ترکیب کردند. با این حال، روش آنها قادر به توضیح و ترکیب خطر آسیب رسان منجر به مرگ برای بسیاری از جرایم نبود.

(کوهن،۲۰۰۰) طیفی از روش‌های جایگزین را برای اندازه‌گیری واکنش‌های جامعه نسبت به جرم و هزینه های آن بررسی کرده است. او سعی کرد با ترکیب تخمین‌های ارزش زندگی با تخمین‌های پولی درد، رنج و کیفیت زندگی از دست رفته برای آسیب‌های غیرکشنده بر این محدودیت‌های داده ای غلبه کند. رویکرد مورد استفاده توسط کوهن ترکیبی از برآورد هزینه های مستقیم و غیر مستقیم است. هزینه های مستقیم از داده های NCVS و چندین منبع اضافی برای تقویت برخی از ضعف های نظرسنجی دولتی گرفته شده است. هزینه های غیر پولی شامل ارزش زندگی برای جنایات کشنده و درد، رنج و کیفیت زندگی از دست رفته برای جراحات غیرکشنده است. این هزینه‌های غیرملموس با استفاده از تکنیک‌های غیرمستقیم برآورد می‌شوند. خطر مرگ مستقیماً از داده‌های FBI که جرم زمینه‌ای در پرونده‌های قتل را شناسایی می‌کند، محاسبه می‌شود. احتمال خطر مرگ در ارزش زندگی ضرب می شود تا به تخمینی از ارزش جزء خطر مرگ در هر نوع جرم برسد. روش ابتکاری –و بحث برانگیزی – که توسط کوهن معرفی شد، استفاده از روش غیر مستقیم ، ارزشگذاری توسط هیئت منصفه برای تخمین ارزش پولی درد، رنج و کیفیت زندگی از دست رفته برای آسیب های غیرکشنده بود. [۳۳۸]

در ایران این فرایند ، ابتداء شامل تعیین درصد از کار افتادگی برمبنای میزان جراحات وارده به قربانی، یا قربانیان توسط کمیسیون های پزشکی صلاحیت دار یا پزشکی قانونی باشد. سپس درصد تعیین شده در مبلغ دیه کامل ضرب می شود، تا مبلغ دیه عضوآسیب دیده یا خسارات ناشی از آن جزء از زندگی از دست رفته تعیین گردد، اما باید توجه داشت که دیه تنها هزینه های ملموس را نمایندگی می کند و هزینه های غیر ملموس را در برنمی گیرد، لذا باید در یک ضریب تعدیل فزاینده ضرب شود تا هزینه های غیرملموس وارده بر قربانی ، بازماندگان و جامعه را هم شامل گردد. هم اکنون در حوادث کارگری منجر به صدمه و خسارت ، (= به عنوان نمونه ای از یک حادثه غیر

عادلانه مطابق با قوانین مدرن حقوق بشری است. مضاف براین ، دیه با شرایط خاص و تنها به قتل یا جرح غیرعمدی تعلق می‌گیرد و به قتل عمد تنهـا در صـورتی که ولی مقتول از قصاص صرف نظر کند، تعلق می گیرد که البته ولی می تواند مبلغی کمتر یا بیشتر از رقم دیه ی آن سال را از قاتل مطالبه کند.اما آنچه بیشتر باید مورد توجه قرار گیرد، این است که دیه هزینه های غیر ملموس وارده بر قربانی و بازماندگان و جامعه را در بر نمی گیرد و بـه عنـوان معیـار ارزش زنـدگی دچـار خطای کم برآوردی است.

۳۳۸ - Cohen, M. (۱۹۸۸), Pain, suffering, and jury awards: A study of the cost of crime to victims. Law and Society Review. Retrieved from www.jstor.org/stable/۱۰،۲۳۰۷/۳۰۵۳۶۲۹.

عمد) چنانکه کارفرما مقصر حادثه شناخته شود ، مطابق با میزان جراحت وارده (کم یا شدید) و یا نقص عضو فرد، میزان دیه با نظر بازرسان کار، پزشکی قانونی، کارشناسان دادگستری و درنهایت رای دادگاه مشخص می‌شود و کارفرما محکوم به پرداخت دیه می گردد. علاوه بر مبلغ دیه ، کارفرما موظف است به سازمان تامین اجتماعی نیز مبلغی را بابت خسارت به منظور برقراری مستمری برای فرد یا افراد ازکار افتاده، پرداخت نماید و حادثه از جنبه عمومی نیز بررسی خواهد شد وپرداخت خسارت آن نیز برعهده کارفرما است. این فرایند اگر با سلامت کامل اداری اجرا شود، یعنی از سوی کارگر آسیب دیده و از سوی کارفرمای مقصر حادثه، اعمال نفوذ ، تقلب، دستکاری ، فساد و رشوه ای صورت نگیرد، عدالت آسیب نخواهد دید و خسارات جبران می شود ، در غیر اینصورت جامعه علاوه بر خسارات وارده بر قربانی و بازماندگان و خودش، باید خسارات مضاعفی را هم بابت آلودگی نظام قضایی، و محاکم کار متحمل شود.

در نهایت، اقتصاددانان اغلب با توسل به مفاهیم هزینه ی فرصت[۳۳۹] و اولویت یا رجحان آشکار[۳۴۰] بر تکنیک های اندازه گیری غیرمستقیم تکیه می کنند. در برخی موارد، این کار به همان اندازه ساده است که فرصت‌های تولیدی از دست رفته را شناسایی کنید، مانند زمانی که یک مجرم در زندان می‌گذراند یا زمانی که قربانی از کار بیکار می‌شود. در موارد دیگر، هزینه ها ظریف تر است. اگر مصرف کنندگان منطقی باشند و فایده خود را به حداکثر برسانند، می توانیم از رفتار آنها چیزهای مفید زیادی بیاموزیم - یعنی ترجیح آشکار آنها.

هزینه های جرم

عنوان / دسته بندی هزینه	بخش خسارت دیده
خسارات مستقیم به اموال و دارایی	
- خسارت جبران نشده توسط بیمه قربانی	قربانی
- خسارات جبران شده توسط جامعه بیمه	جامعه
- هزینه اداری: هزینه ی اقدامات بازپرداخت بیمه	جامعه
مراقبت های پزشکی و سلامت روان	
- هزینه هایی که توسط بیمه جبران نمی شود	قربانی
- هزینه های بازپرداخت شده توسط بیمه	جامعه
- سربار اداری و سربار بیمه	جامعه
خدمات قربانیان	
- خسارات پرداخت شده به قربانی	قربانی
- هزینه های تحمل شده توسط نهادهای خدماتی	جامعه

۳۳۹ - opportunity cost
۳۴۰ - revealed preference

- هزینه کارگران موقت و آموزش جانشینان	جامعه
روزهای کاری از دست رفته	
- دستمزد از دست رفته برای روزهای کاری پرداخت نشده به قربانی	قربانی
- بهره وری از دست رفته برای روزهای کاری با حقوق	جامعه
روزهای مدرسه از دست رفته	
- حق التدریس از دست رفته به دلیل عدم تحصیل قربانی	قربانی
- مزایای غیر مالی از دست رفتن منافع آموزشی برای قربانی	قربانی
- از دست رفتن مزایای اجتماعی به دلیل فقدان آموزش	جامعه
امکان از دست رفته برای انجام کار در خانه	قربانی
درد و رنج/کیفیت زندگی از دست رفته قربانی	قربانی
از دست دادن محبت/ لذت و نشاط بازماندگان	خانواده قربانی
مرگ	
- ارزش زندگی قربانی	قربانی
- هزینه های تشییع جنازه و خاکسپاری	خانواده قربانی
- از دست دادن محبت/لذت و نشاط خانواده قربانی	خانواده قربانی
- آسیب های روحی و روانی/درمان خانواده	خانواده قربانی
- هزینه های قانونی مرتبط با طرح دعاوی مطالبه خسارات	قربانی/ خانواده قربانی
- پیامدهای دراز مدت قربانی شدن	آینده قربانی/ جامعه

هزینه های پاسخ جامعه به جرم

عنوان/ دسته بندی هزینه ها	بخش خسارت دیده
هزینه های پیشگیرانه و احتیاطی (برای قربانیال بالقوه و احتمالی)	قربانیان بالقوه
هزینه های غلبه بر ترس ناشی از جرم	قربانیان بالقوه
هزینه های نظام عدالت قضایی	
- هزینه های پلیس و تحقیقات جرم	جامعه
- هزینه های دادخواهی	جامعه
- رسیدگی در دادگاه	جامعه
- هزینه های حقوقی (عمومی) وکلای تسخیری	جامعه

– هزینه های حقوقی (خصوصی) وکلای مدافع	مجرم
– اداره زندان ها	جامعه
– انجمن مجازات های غیر حبس	جامعه
– زمان های از دست رفته برای قربانی	قربانی
– زمان شاهدان و هیئت منصفه	هِیأت منصفه
خدمات قربانیان	
– سازمان های خدمات رسانی به قربانیان	جامعه/ داوطلبان
– انجمن برنامه های جبران خسارت قربانیان	جامعه
سایر اقدامات و برنامه های مرتبط	
– خطوط تلفن/ خدمات و روابط عمومی / داوطلبان	جامعه / داوطلبان
– اقدامات مددکاری اجتماعی ، درمان / پیشگیری	جامعه
– بازپروری خصوصی / خدمات مشاوره جتماعی / قربایان / مجرمان	جامعه/ مجرمان
– دیدبان محله / جامعه (برنامه داوطلبانه پیشگیری)	داوطلبان
مجرم زندانی	
– دستمزدهای از دست رفته	مجرمان/ خانواده
– درآمد مالیاتی از دست رفته / بهره وری از دست رفته	جامعه
– ارزش آزادی از دست رفته زندانی	مجرم
– آسیب های روحی و روانی به خانواده	خانواده مجرم
اقدامات فراتر از بازدارندگی	
– اعاده حیثیت برای افراد بی گناهی که اتهامات ناروا خورده اند	بیگناهان
– محدودیت اعمال شده بر فعالیت های مشروع افراد	بیگناهان
– هزینه های عدم کشف جرم به دلیل اجتناب همکاری مجرمان	جامعه/ قربانی/ مجرم
– عدالت قضایی	
– حمایت های حقوق اساسی برای جلوگیری ازاتهامات ناروا	جامعه
– افزایش تشخیص جرم به منظور جلوگیری ازمجازات افتراقی	جامعه

بسیاری از اقتصاددانانی که هزینه های جرم را تحلیل، بررسی و مطالعه می کنند، بر رویکرد هزینه‌های جانبی[۳۴۱] تکیه می کنند، که شامل تمام هزینه‌های تحمیل شده توسط یک مجرم بر طرف‌های دیگراست ، خواه از نظر فنی هزینه‌های اجتماعی در نظر گرفته شوند یا خیر. با این حال، حتی مفهوم هزینه جانبی جرم نیز مشکلاتی دارد. جرم سوءمصرف مواد مخدر یا مشروبات الکلی تقلبی را در نظر بگیرید، که مصرف کننده ، داوطلبانه مواد مخدر یا مشروبات تقلبی را تهیه کند، در واقع تمام هزینه ها- فایده های مربوط به مصرف آن را خود تقبل کرده است و اینطور به نظر می رسد که به خودی خود هزینه جانبی به دیگران تحمیل نمی کند، اما اینطور نیست. زیرا با این وجود، سوء مصرف مواد مخدر یا مشروبات الکلی هزینه های جانبی زیادی را بر جامعه و اطرافیان فرد مجرم تحمیل می کند: مصرف کنندگان مواد و مشروبات الکلی احتمالا بهره وری کمتری در حین کار دارند و ممکن است برای تامین مواد مخدر یا خرید مشروبات الکلی مرتکب جرم شوند. همچنین فروشندگان مواد مخدر و سازندگان مشروبات الکلی ممکن است ، فعالیت های کاری مولد و مفید اجتماعی را کنار بگذارند، و جامعه ممکن است با هزینه های پزشکی اضافی برای درمان معتادان به مواد مخدر یا مصرف کنندگان مشروبات الکلی مواجه شود. برخی از این هزینه ها (مانند سرقت برای تامین مالی اعتیاد به مواد مخدر و یا تحمیل هزینه های پزشکی فوری به دلیل مصرف بیش از حد مواد مخدر) به وضوح هزینه های جانبی و/یا هزینه های اجتماعی هستند، صرف نظر از غیرقانونی بودن مصرف مواد. با این حال، برخی از هزینه‌ها تنها به این دلیل هزینه‌های اجتماعی محسوب می شوند، که جامعه مصرف مواد مخدر را غیرقانونی تلقی کرده است. به عنوان مثال، اقتصاددانان عموماً درآمدهای از دست رفته یک فرد در تجارت غیرقانونی مواد مخدر را به دلیل منابع ارزشمند اجتماعی که هدر می‌رود، هزینه اجتماعی می‌دانند. (خصوصا با این فرض که فروشندگان مواد مخدر اگر به تجارت غیرقانونی مواد مخدر نمی پرداختند، باید به فعالیت های قانونی دیگر می پرداختند.)[۳۴۲]

"ارزش گذاری مشروط "[۳۴۳] روشی است که در ادبیات اقتصاد محیط زیست توسعه یافته است و به طور گسترده برای ارزش گذاری پولی(دلاری) روی کالاهای غیربازاری مانند بهبود کیفیت هوا یا گونه‌های در معرض خطر استفاده شده است. صدها مطالعه ارزش‌گذاری مشروط، متاآنالیز و کتاب درسی در این زمینه نوشته شده است. اگرچه در مورد قابلیت اطمینان این نظرسنجی‌ها اختلاف نظر وجود دارد، اما آنها به طور مستمر در تجزیه و تحلیل هزینه- فایده برای رسیدگی به دعاوی خسارات وارده بر منابع طبیعی و برای اهداف مرتبط دیگر استفاده می‌شوند و

---

۳۴۱ - external cost
۳۴۲ - Mark A. Cohen(۲۰۰۰), Ibid, p ۱۲
۳۴۳ - contingent valuation

هیئتی متشکل از دانشمندان علوم اجتماعی به ریاست دو برنده جایزه نوبل اقتصاد (آرو و همکاران ۱۹۹۳) توسط اداره ملی اقیانوسی و جوی (NOAA)[۳۴۴] برای اعتبارسنجی این روش (ارزشگذاری مشروط) مأموریت یافتند.
(نیانتارا و دیگران،۲۰۱۵) هزینه های جرم را در بیست و یک مطالعه تخمین زده اند. نتایج مطالعات آنها نشان داده است، تفاوت قابل توجهی در کل هزینه های تخمینی جرم وجود داشت. براساس مطالعات انجام شده از ایالات متحده به طور مداوم بیشترین هزینه کل گزارش شده است. همه مطالعات به طور مداوم انواع سرقت را در برآورد هزینه کل شامل می‌شوند. قتل به عنوان پرهزینه ترین جرم و به طور متوسط ۳۱ درصد از کل هزینه جرایم را به خود اختصاص داده است و پس از آن جرایم مواد مخدر (۲۱ درصد) و کلاهبرداری (۱۷ درصد) قرار دارند. آن دسته از جرایمی که شامل خشونت در مورد افراد است، با هزینه های نامشهود زیادی همراه بود.[۳۴۵]
چنانکه گفته شد، در ایران مقالات و تحقیقات آکادمیک اندکی در حوزه جرم سنجی و سیاست های کنترل جرایم انجام شده است. همچنین تالیفات اندکی در حوزه هزینه های جرم منتشر شده است. به جز معدودی مقاله های تحقیقی که بیشتر آنها ترجمه متون لاتین هستند، می توان به دو اثر از تالیفات جدید المیرا نوری زینال با عنوان "هزینه های جرم" و کتاب "تحلیل اقتصادی آیین دادرسی کیفری" تالیف همین نویسنده ، هردو از انتشارات بنیاد حقوقی میزان اشاره کرد. کتاب حاضر نیز اگرچه به ابعاد مختلفی از اقتصاد جرم و جنایت توجه کرده است، اما بخش قابل توجهی از مطالب را مدیون منابع لاتین هست.
تحلیل اقتصادی چنانکه تاکنون بحث شد ، رویکردی پیامدگراست که به دنبال ارزیابی سیاست های حوزه عدالت کیفری از دیدگاه کارایی و اثربخشی است، لذا به دادرسی کیفری و قواعد آن به عنوان ابزاری برای جهت‌دهی به رفتار تابعان و متولیان دادرسی کیفری نگاه می کند و درصدد توصیف و پیش‌بینی قواعد، سازوکارها، روندها و ساختارهای دادرسی کیفری بر اساس روش‌های تحلیل اثباتی و طراحی نظام دادرسی کارآمد بر اساس توصیه‌ها و راه‌حل‌های اقتصاد هنجاری است. روش تحلیل اقتصادی جرم ، با تکیه بر " نظریه رفاه‌گرایی قاعده‌محور" ، توجه نظام دادرسی کیفری را به قاعده "کارایی و اثربخشی" سوق می‌دهد که با رجوع به آن می‌توان به ارزیابی قواعد و نهادهای دادرسی کیفری از جهت بهینگی در سطح کلان دست یافت و درعین‌حال پاسدار حقوق بنیادین و عدالت نیز بود.
CEA و CBA می توانند یافته های تحقیقاتی را برای درک بهتر ترکیب کنند و منطقی ترین نحوه تخصیص منابع حل مشکل برای مطابقت با نیازها و دستیابی به نتایج مطلوب است (یتس ۱۹۸۰، ۱۹۸۵، ۱۹۹۶، a۱۹۹۷). یکی از رویکردهای ارزیابی مقرون به اثر بخشی یا مقرون به صرفه بودن و تحلیل هزینه–فایده، اتخاذ رویکرد ارائه شده

---
۳٤٤ - National Oceanic and Atmospheric Administration
۳٤٥ - Nyantara Wickramasekera etal(۲۰۱٥) ,Cost of Crime: A Systematic Review, Journal of Criminal Justice ; https://www.researchgate.net/publication/۲۷٦۳٦٥۲۲۸

توسط دانشمند-مدیر-کارشناس (DeMuth, Yates, and Coates,۱۹۸۴) و جمع آوری داده ها در آماده سازی برای انجام تحقیقات عملیاتی به منظور بهینه سازی[۳۴۶] مقرون به صرفه بودن و هزینه-منفعت بوده است. این رویکرد را : هزینه ◄ رویه ◄ فرآیند ◄ تجزیه و تحلیل نتیجه یا CPPOA می نامند (Yates۱۹۹۵).[۳۴۷] مدل CPPOA اقتصاد سلامت را در بر می گیرد، اما آن را گسترش می دهد به گونه ای که شامل تجزیه و تحلیل هایی میباشد که چگونگی مقادیر خاص از منابع مختلف و روش های درمانی مختلف را در بر می گیرد که به نوبه خود باعث ایجاد تغییرات در فرآیندهای روانی و اجتماعی می شود که نتایج درمان سوء مصرف مواد مخدر یا الکل را برای مجرمان جنایی تعیین می کند.[۳۴۸]

(ولش و همکاران ، ۲۰۲۱) شواهدی در مورد کارایی اقتصادی یا ارزش پولی برنامه های پیشگیری از جرم شامل بیست و شش مطالعه پیشگیری از جرم با معیارهای زیر شناسایی کرده اند.آنها برای سازماندهی بحث خود در مورد هزینه ها و مزایای برنامه های پیشگیری از جرم، به طرح طبقه بندی پیشگیری عمومی از جرم که توسط تونری و فارینگتون (۱۹۹۵) که چهار راهبرد اصلی را مشخص نموده و پیشنهاد داده اند، استناد کرده اند.[۳۴۹] نتایج بررسی آنها نشان می دهد تاکید بر آزمون با کیفیت بالا همراه با تحلیل‌های دقیق و جامع هزینه-منافع در برنامه‌های پیشگیری از جرم، کمک زیادی به وضعیت دانش در مورد ارزش پولی پیشگیری از جرم[۳۵۰] به عنوان یک روش ارزیابی اقتصادی و کمک به اطلاع‌رسانی به سوالات مهم تحقیقاتی و سیاستی می کند. مقایسه کارایی اقتصادی سه رویکرد پیشگیری از جرم نشان می دهد که :

اول - هر یک از سه استراتژی ارزش پولی پیشگیری از جرم را نشان می دهد. نرخ کمتر بزهکاری، قربانیان کمتر جرم و بهبود در زمینه هایی مانند آموزش، بهداشت و اشتغال برخی از مزایای حاصل از برنامه های تحت این استراتژی ها بوده است.

دوم - برای برنامه‌های مداخله اصلاحی و پیشگیری موقعیتی، به نظر می‌رسد که مزایا و منافع در کوتاه‌مدت بیشتر از هزینه‌ها باشد. در حالی که برای برنامه‌های پیشگیری از ابتدای رشد (اوایل دوران کودکی) احتمال بیشتری وجود دارد که منافع اقتصادی تا زمانی میان‌مدت تا بلندمدت از هزینه‌ها پیشی نگیرند. از این جهت به نظر می رسد استراتژی های مختلف مکمل یکدیگر باشند.

---

۳٤٦ - operations research for optimization.
۳٤٧ - Cost => Procedure => Process => Outcome Analysis
۳٤٨ - Brandon C. Welsh , David P. Farrington,& Lawrence W. Sherman(۲۰۰۱),Costs and Benefits of Preventing Crime; Westview Press,p٥٧.
۳٤٩ - Brandon C. Welsh , David P. Farrington,& Lawrence W. Sherman(۲۰۰۱),Ibid.
۳٥۰ - Monetary Value of Preventing Crime

سوم- پیشگیری توسعه ای و تا حدی مداخله اصلاحی، منافع پولی مهمی فراتر از کاهش جرایم را فراهم می کند. این مزایای پولی می‌تواند به شکل افزایش درآمدهای مالیاتی ناشی از درآمدهای بالاتر، پس‌انداز ناشی از کاهش استفاده از خدمات اجتماعی و صرفه جویی های ناشی از استفاده کمتر از خدمات درمانی باشد. از سوی دیگر، به نظر می رسد که مزایای پیشگیری موقعیتی تا حد زیادی به کاهش جرم محدود می شود. با این حال، این ممکن است به این دلیل باشد که فقط جرم در ارزیابی های موقعیتی اندازه گیری شده است.[۳۵۱]

برآورد هزینه های جرم و خشونت در مقیاس جهانی

درحالی که مطالعات زیادی وجود دارد که به هزینه جرم و خشونت در جامعه توجه می کند، هیچ روش مورد توافقی برای جمع آوری اثرات مالی فعلی و آتی جرم و خشونت و درگیری وجود ندارد. دو رویکرد اصلی که برای اندازه گیری هزینه های اقتصادی جرم و خشونت وجود دارد عبارتند از :

۱ -روش حسابداری هزینه

۲ -روش مدل سازی اقتصادی

روش حسابداری از تعداد حوادث خشونت بار و هزینه‌های مربوط به پاسخگویی و مهار جرم و خشونت استفاده می‌کند. روش مدل سازی اقتصادی تأثیر جرم و خشونت را بر مصرف، سرمایه گذاری، تولید، تجارت و رشد کلی تولید ناخالص داخلی اندازه گیری می کند. هردو روش نقاط قوت ونقاط ضعفی دارد.

متدولوژی ارائه شده توسط موسسه اقتصاد برای صلح IEP[۳۵۲] روش حسابداری بهای تمام شده ای است که هزینه های ناشی از خسارات و حوادث خشونت بار و هزینه برای مهار جرم وخشونت را تجمیع می کند. IEP رویکردی کل نگر برای محاسبه ی هزینه ی جرایم خشونت بار دارد. این روش به هزینه‌های مهار خشونت و مقابله با پیامدهای آن، در کوتاه‌مدت و بلندمدت، جایی که خشونت علیه افراد یا دارایی‌ها اعمال می‌شود، می‌پردازد. مجموع این هزینه‌ها، می تواند در تحلیل اثر اقتصادی کل جرم و خشونت بکار رود. در واقع روش حسابداری در خدمت روش اقتصادی برای ارزیابی های اقتصادی جرم و خشونت بکار می رود و این دو روش یکدیگر را تکمیل می کنند.

مزیت اصلی روش حسابداری این است که هزینه ها می توانند براساس ماهیت و ویژگی ها دسته بندی و تفکیک شوند. مثلاً هزینه جرم و خشونت می تواند به مخارج عمومی و خصوصی تفکیک شود. همچنین بسته به اینکه خشونت چگونه و به چه میزان بر قربانی، مجرم و دولت تأثیر می‌گذارد، می‌تواند به هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم تفکیک شود. علاوه بر این، هزینه جرم و خشونت را می توان بر اساس اینکه در کوتاه مدت یا بلندمدت چگونه

---

۳۵۱ - Brandon C. Welsh , David P. Farrington,& Lawrence W. Sherman(۲۰۰۱),Ibid,p ۱۱٦.
۳۵۲ - Institute for Economics & Peace

رفتاری دارند (افزایش یا کاهش می یابد)، تجزیه و تحلیل کرد. انعطاف پذیری روش های حسابداری همچنین امکان انعطاف کافی را برای گنجاندن و حذف متغیرها بر اساس در دسترس بودن داده های قابل اعتماد فراهم می کند.

کل تأثیرات اقتصادی خشونت در مقیاس جهانی مشتمل بر مخارج مربوط به "کنترل، پیشگیری و مقابله با پیامدهای جرم خشونت" است. مدل IEP شامل هزینه های مستقیم و غیرمستقیم خشونت و همچنین ضریب افزایش دهنده صلح و آشتی است و ضریب صلح ، اثر فعالیت های اقتصادی اضافی برای رفع خشونت را براساس ضریبی از هزینه‌های مستقیم خشونت محاسبه می کند. نمونه هایی از هزینه های مستقیم شامل هزینه های پزشکی برای قربانیان جنایات خشونت آمیز، میزان تخریب سرمایه ها و زیرساخت ها از درگیری خشونت آمیز و هزینه های مرتبط با سیستم های امنیتی و قضایی است. هزینه های غیرمستقیم شامل دستمزدهای از دست رفته ، هزینه های از کار افتادگی، هزینه های بهره وری از دست رفته ناشی از جرم و جنایت به دلیل آسیب های جسمی و روحی است. همچنین معیاری برای تأثیر ترس و نگرانی بر فضای اقتصادی وجود دارد، زیرا افرادی که می ترسند قربانی جرایم خشونت آمیز شوند، رفتار خود را تغییر می دهند و این تغییر رفتارها اغلب با تحمل هزینه همراه است.[۳۵۳] یکی از جنبه‌های مهم برآورد IEP، مقایسه بین‌المللی برآوردهای کشوری است که در نتیجه امکان تحلیل مقایسه ای هزینه/فایده مداخلات کشورها را فراهم می‌کند. این روش از ارزهای بین المللی بر پایه نرخ برابری قدرت خرید (PPP) استفاده می کند. IEP تأثیر اقتصادی جرم و خشونت را با استفاده از تجمیع کل هزینه های مربوط به خشونت، شامل درگیری های مسلحانه و هزینه های خدمات نظامی و تامین امنیت داخلی تخمین می زند. GPI (شاخص صلح جهانی)، نسخه ۲۰۱۷ نقطه مرجع اولیه برای توسعه این برآوردها بوده است.

برآورد تأثیر اقتصادی جرایم خشونت آمیز شامل ۱۷ متغیردر سه گروه به شرح زیر است :

گروه اول : هزینه های امنیتی و پیشگیرانه

۱ -هزینه های نظامی – دفاعی (امنیت خارجی)
۲ -هزینه های انتظامی – دفاعی (امنیت داخلی)
۳ -هزینه ارگان های اطلاعاتی و امنیتی
۴ -هزینه های امنیت شخصی (خصوصی)
۵ -هزینه صلح بانان سازمان ملل(UN)

۳۵۳ - Brauer, J., and Marlin, J.t., 'Nonkilling Economics: Calculating the size of peace gross world product', Toward Nonkilling, ۲۰۰۹, p. ۱۲۵-۱۴۸.

۶ -هزینه های صلح و سازش[۳۵۴]

گروه دوم : هزینه های مرتبط با عملیاتهای نظامی و درگیری ها

۱ -هزینه های مستقیم تلفات شامل مرگ و میر ناشی از درگیری های خشونت آمیز خارجی
۲ -هزینه های مستقیم مرگ و میر ناشی از درگیری های خشونت آمیز داخلی
۳ -هزینه های غیر مستقیم درگیری ها (تولید ناخالص داخلی از دست رفته ناشی از جنگ و درگیری)
۴ -هزینه های تحمیلی ناشی از شرایط و وضعیت (مانند اسکان و رسیدگی به امور پناهندگان و آوارگان)
۵ -هزینه تولید ، تامین و یا واردات سلاح و مهمات
۶ -هزینه های مقابله و خنثی سازی اقدامات تروریستی

گروه سوم : درگیری و خشونت های بین اشخاص

۱ -قتل و آدم کشی
۲ -خشونت جنایی منجر به ضرب و جرح
۳ -هرینه های خشونت و تجاوز جنسی
۴ -هزینه های غلبه بر ترس از خشونت و جنایت
۵ -هزینه های غیر مستقیم حبس و زندان

این تجزیه و تحلیل برآوردهای محافظه کارانه از تأثیرو پیامدهای اقتصادی در مقیاس جهانی ناشی از خشونت ارائه می دهد. تخمین باید شامل متغیرهایی از خشونت باشد، که داده های قابل اعتمادی برای آنها در اختیار باشد. در این مدل ، عناصر زیر در برآورد پیامدهای اقتصادی خشونت به حساب نیامده اند.

- هزینه جنایت برای تجارت
- مخارج سیستم قضایی.
- خشونت خانگی
- مبالغ هزینه شده از جیب خانوار برای تامین امنیت

---

۳۵۴ - فرآیندی است که حل و فصل منازعات تا برقراری کامل صلح را پیش می برد و ابزاری برای جلوگیری از درگیری‌های آینده با برقراری ارتباط باز بین طرف های درگیر برای ایجاد یک روابط، شرایط و دولت صلح‌آمیز پایدار فراهم می‌کند. این فرایند می‌تواند در هر مقطع از زمان در طول یک درگیری شروع شود، از آتش بس موقت تا پایدار را شامل می شود. صرف نظر از اینکه مقصر اولیه چه کسی است و خشونت از کجا شروع شده و تا کجا کشیده شده است .اهداف اولیه برنامه‌های صلح‌سازی، جلوگیری از تشدید اختلافات و درگیری ها، شناسایی نگرانی‌ها قبل از تبدیل شدن به درگیری، و تدوین برنامه‌های بلندمدت برای حفظ یک محیط صلح‌آمیز تعریف‌شده است که شامل میانجی گری ، مذاکره وگفتگو و دیپلماسی است. ر. ک.به :
https://study.com/learn/lesson/peace-building.

• تأثیرات سر ریزی[۳۵۵] ناشی از درگیری و خشونت
• خشونت خود گردان[۳۵۶]

برآورد کل هزینه های پیامدهای اقتصادی خشونت شامل مؤلفه های زیر است:

• هزینه های مستقیم : هزینه خشونت برای قربانی، مجرم و دولت . اینها شامل مخارج مستقیم، مانند هزینه های پلیس، هزینه های نظامی و هزینه های پزشکی می شود.

• هزینه های غیرمستقیم : پس از رویداد خشونت آمیز افزایش می یابد و شامل خسارات اقتصادی غیرمستقیم، آسیب های فیزیکی و فیزیولوژیکی و روانی به قربانی و از دست رفتن بهره وری می شود.

• اثر ضریب فزاینده : نشان دهنده اثرات جریان خشونت بر هزینه های مستقیم است، مانند مزایای اقتصادی از دست رفته که بجای سرمایه گذاری در توسعه کسب و کار یا آموزش به مهار یا مقابله با جرم و خشونت اختصاص یافته است. مورد اخیر به پیامدهای عدم اقدام عاجل به صلح و سازش (مثلا پذیرش آتش بس و اقدامات مصالحه جویانه بعدی) اشاره دارد و چنانکه خشونت و درگیری سریعا به صلح و سازش بیانجامد، اثر ضریب فراینده ، خاصیت تعدیل کنندگی خسارت ها را در پی خواهد داشت و به همین جهت اصطلاح تأثیر و پیامد اقتصادی خشونت اثر ترکیبی (هزینه های مستقیم + هزینه های غیرمستقیم + اثر ضرایب فزاینده) را پوشش می دهد، در حالی که برآورد هزینه ها به روش بهای تمام شده برای خشونت ، نشان دهنده (هزینه های مستقیم + هزینه های غیرمستقیم) خشونت است و این معادل با هزینه های اقتصادی خشونت است ، برای زمانی که کشوری از تأثیر و پیامد اقتصادی خشونت اجتناب می کند، که درآنصورت ضریب فزاینده بطور معکوس وارد عمل می شود و هزینه های فرصت از دست رفته را کاهش می دهد و کشور خشونت را از طریق فرایند صلح و سازش خاتمه می دهد و سود صلح را درک می کند.[۳۵۷]

رویکرد پیشگیری و مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز

در طول بیست سال گذشته از آغاز جنگ جهانی علیه تروریسم (سال ۲۰۰۱) تاکنون، علیرغم اینکه اثبات شده رویکردهای مرسوم در پیشگیری و مقابله مکرراً برای جلوگیری و مقابله با گسترش افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در سراسر جهان ناکافی بوده است، اما همچنان رویکرد مبارزه با تروریسم عمدتاً بر پاسخ‌های امنیتی متمرکز بوده است. علیرغم شواهد و تجربیاتی که نشان می‌دهد رویکردهای استراتژیک، جامع و کل نگر می‌توانند تأثیری بسیار بیشتر – و ماندگارتر – بر پیشگیری و مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز(PVE/CVE)[۳۵۸] داشته باشند، از این رویکرد

---

۳۵۵ - Spill over effects
۳۵۶ - Self-directed violence
۳۵۷- measuring the economic impact of violent extremism leading to terrorism in Africa ,Report ۲۰۱۹, UNDP ,p۳۹
۳۵۸ - Preventing and Countering Violent Extremism (PVE/CVE)

کمتر استفاده شده است. در قلب PVE/CVE، نیاز به رسیدگی به عوامل بی شماری است که می توانند به افراط گرایی خشونت آمیز دامن بزنند، از جمله تبعیض و به حاشیه راندن، حکومت داری ضعیف و عدم پاسخگویی دولت. به همین دلیل، رویکردهای موفق P/CVE باید توسط دولت ها و نهادهای حقوق بشری فعالانه برای تقویت حقوق بشر و حاکمیت قانون در جوامع متاثر از تروریسم و افراط گرایی خشونت‌آمیز حمایت شوند.[۳۵۹]

هم اکنون جوامعی که ماهیت غیر دموکراتیک ، توتالیتر و استبدادی دارند و یا "منبع" ایدئولوژی افراط گرایانه و خشونت‌آمیز در جهان هستند، یکی از اولویت هایشان، جذب داوطلب و سرباز گیری و استخدام مزدوراست. دستور کار این حکومت ها مبتنی بر کنترل و نظارت پلیسی خشونت بار توام با اعمال مجازات دسته جمعی گروه های مختلف اجتماعی (مثلا فعالان مدنی ،کارگران، معلمان، اصناف، دانشجویان و زنان، اقلیت های قومی و مذهبی و غیرو) یا خانواده آنهاست و به خاطر تصمیمات و اقدامات افراد، چه از طریق تحریم فعالیت هایشان و یا تحدید و تحریم مالی آنها، یا از طریق افزایش فشارهای امنیتی و یا حتی انگ زدن و بدنام کردن افراد، آنها را تحت فشار قرار می دهند. البته این اقدامات پیامدهای اقتصادی و اجتماعی جدی دارد و نارضایتی ها و تنش ها را تشدید می کند.

"تضمین آینده بهتر جایگزین" یکی از اجزای حیاتی مبارزه با ایدئولوژی افراطی است که مانع از جذب داوطلب برای این منظور می گردد، این البته به شرطی است که "آینده بهتر جایگزین" وعده پوچ نبوده، توهمی و خیالی نباشد ، بلکه واقع گرایانه ، دست یافتی و قابل تحقق و به راستی تضمین شده باشد.

به نظر می رسد یکی از دلایلی که توضیح می دهد چرا حکومت های دیکتاتوری پایدار می مانند و یا ایدئولوژیهای افراطی در دنیای امروز موفق می شوند، حتی از جوامع مرفه اروپایی داوطلب استخدام کنند، و یا اینکه چرا ترور، خشونت، ناآرامی و جنگ در مناطق مختلف جهان رشد بسیار زیادی داشته است، نا امیدی مردم این جوامع از در دسترس بودن آلترناتیو بهتر برای آینده یا همان ،آینده بهتر جایگزین است. با این توصیف وضعیت جوامع جهان سومی که درگیر خشونت، استبداد و فساد فراگیر هستند، بسیارتاسف بارتر است.

بطور مثال یکی از کانون های اصلی بحران در خاورمیانه که اخیرا با بالا گرفتن جنگ میان اسراییل و حماس توجه جهانیان را به خود جلب کرده و می رود که امنیت جهانی را به مخاطره اندازد، به دعوای دیرینه اسراییل و فلسطینیان مربوط است. پرسش این است که آیا اگر اسراییل به عنوان رژیمی که مدعی است تنها دموکراسی در منطقه است، یک آینده بهتر جایگزین برای مردم غزه و بطور کلی آوارگان فلسطینی تضمین می نمود، هیچگاه امکان داشت مردم غزه در چنگال یک گروه افراط گرای جهادی مانند حماس که بطور مداوم از سوی جمهوری اسلامی و برخی دیگر از کشورهای اسلامی تحریک و تامین مالی تسلیحاتی می شود، گرفتار شوند؟ وآنگاه این

---

۳۵۹ – مرکز بین المللی مقابله با تروریسم و افراط گرایی
https://www.icct.nl/node/۲۶۷۰

چنین به تلافی حملات حماس مورد خشم و نفرت ارتش اسراییل قرار بگیرند ؟ در این مورد به نظر می رسد یک سر رشته افراط گرایی در دست رژیم هایی همچون جمهوری اسلامی و یک سر دیگر آن در دست دولت اسراییل است و در این میان این غیر نظامیان دو طرف درگیری منجمله مردم محروم و بی پناه غزه هستند که باید تاوان بدهند. دولت اسراییل می توانست ضمن موافقت با طرح کشور مستقل فلسطینی و تضمین آینده بهتر جایگزین برای فلسطینیان، افراط گرایان را خلع سلاح نماید، اما در نبود یک آینده بهتر جایگزین، مردمی که سالها در اوج آوارگی و محرومیت بسر می برند راهی جز همراهی با راهبرد افراط گرایانی همچون گروه حماس و جهاد اسلامی و دیگر گروههای افراطی تحت حمایت جمهوری اسلامی که ایدئولوژی آن بر محو دولت اسراییل بنا شده است، ندارند.

در مورد تخمین هزینه های اقتصادی خشونت و ترس بر اقتصاد جهانی مطالعات کمی انجام شده است. در تلاش برای بهبود این وضعیت، مطالعه (دیکنسون و همکاران،۲۰۱۴) روشی را توصیف می‌کنند که هم ارائه بینشی عمیق در مورد تجزیه و تحلیل هزینه‌های ملی خشونت را هدف قرار داده است و هم برآوردی از مزایایی که بهبود صلح در جهان برای تجارت بدنبال دارد ارائه می دهد. در این مطالعه هزینه مهار خشونت با استفاده ازداده های خام از شاخص صلح جهانی(GPI)[۳۶۰] برآورد شده است. نتایج نشان می دهد که هزینه های مهار خشونت برای اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۲ معادل ۹٫۴۶ تریلیون دلار آمریکا یا ۱۱ درصد از تولید ناخالص جهانی (GWP) است. بعلاوه این مبلغ معادل ۱۳۰۰ دلار برای هر نفر در جهان است و تقریباً دو برابر ارزش تولیدات کشاورزی جهان است. این مطالعه ابزاری برای سنجش محسوس وسعت "فضای اقتصادی" اختصاص یافته به مقابله با خشونت و پیامدهای آن فراهم می کند. از آنجایی که هزینه های مهار خشونت، ساختار محیط اقتصادی گسترده‌تر را تغییر می‌دهد، تأثیرات محسوسی از طریق تغییر رفتار مصرف کننده، کاهش اندازه بازار، اختلال در خطوط عرضه و افزایش هزینه های عملیاتی بر تجارت دارد.[۳۶۱]

بسیاری از رویکردهای موجود برای محاسبه ی هزینه های جنایت و درگیری بر روی دسته های خاصی از خشونت، مانند هزینه های تروریسم، درگیری مسلحانه، جنایت خشونت آمیز یا قتل، تعریف می شوند. به طور معمول، برای این منظور از یکی از دو روش مورد اشاره در زیر استفاده می شود. یکی از این روش ها مبتنی بر رویکرد استفاده از تجزیه و تحلیل آماری برای محاسبه تفاوت در هزینه های کلان اقتصادی با یا بدون خشونت و درگیری است. نمونه ای از این روش بطور مثال از تحلیل رگرسیون برای تعیین تأثیر تروریسم بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی

---

٣٦٠ - Global Peace Index (GPI)

٣٦١ - Giles Dickenson-Jones, Daniel Hyslop & Matias Vaira-Lucero(٢٠١٤),Estimating the Global Costs of Violence, Business Peace and Sustainable Development, https://www.researchgate.net /publication /٢٦١٠٣٧٦٧٨

استفاده می کند. در روش دیگر تخمین‌هایی از تأثیرو پیامدهای اقتصادی یک عمل خشونت‌آمیز منفرد انجام می‌شود و سپس برای تمام حوادث مشابه در یک منطقه یا کشور تعمیم داده می‌شود تا به هزینه کل برسد.[۳۶۲]

اگرچه این ایده که "جنگ کسب وکار خوبی است" کاملاً رد شده است، اما به نظر می رسد دولت های مختلف در اقصی نقاط جهان همچنان این تفکر را کنار نگذاشته اند و از راه جنگ افروزی و صدور خشونت و ترور، فروش سلاح و جنگ افزار و آموزش و تربیت نیروهای نظامی و شبه نظامی مزدور هم اهداف سیاسی خود را تعقیب می کنند و هم به تجارتی پرسود دست می زنند، بدون آنکه به تاثیرات و پیامدهای مجرمانه اقداماتشان فکر کنند. متاسفانه تلاش‌های محدودی برای تخمین منافع اقتصادی صلح صورت گرفته است. در حالی که این احتمالاً نتیجه آن است که خشونت آسان‌تر از صلح قابل اندازه‌گیری و درک است.

(یوهان گالتونگ، ۱۹۸۵) تعریفی از صلح ارائه می دهد که از آن به صلح منفی و صلح مثبت یاد می شود. صلح منفی ناشی ازشرایطی است که فقدان خشونت اما نگرانی از وقوع خشونت حاکم است، در حالی که صلح مثبت را می توان به عنوان نگرش ها، نهادها و ساختارهایی تعریف کرد که در صورت تقویت، به تحقق جامعه ای آرام تر منجر می شود.[۳۶۳] این تعریف چارچوبی اساسی برای درک و تحلیل ایده صلح در مقابل تعارض و تخاصم و درگیری ارائه می‌کند. وی همچنین پیشنهاد می‌کند که چون صلح صرفاً نبود تعارض و برخورد نیست، بلکه چیزی فراتر ازآن است، لذا برای درک صلح نیاز به مطالعه مستقیم آن داریم.(دیکنسون و همکاران،۲۰۱۴) در مقاله خود، ازتعریف صلح منفی برای توسعه تکنیکی به منظور تخمین هزینه خشونت، با استفاده از مفهوم مخارج "کنترل خشونت" استفاده می کنند، و آن را به عنوان "مجموعه فعالیت های اقتصادی مرتبط با کاهش پیامدها یا پیشگیری از خسارات خشونت در جایی که خشونت علیه مردم انجام می شود" تعریف می کنند.[۳۶۴]

در حالی که هزینه های مربوط به مهار و مقابله با پیامدهای خشونت ضروری است، هر چه یک کشور کمتر برای کارکردهای مولد و یا مرتبط با خشونت هزینه کند، منابع بیشتری را می تواند به سایر حوزه های مولدتر اقتصادی اختصاص داد. به این معنا، هزینه های اقتصادی برای مهار خشونت زمانی از نظر اقتصادی کارآمد است که به طور مؤثر از خشونت با کمترین هزینه جلوگیری کند. پس از آن، هزینه‌های بالاتر از سطح کارآمد می‌تواند برای مقاصد مفیدتری مانند بهداشت، آموزش یا زیرساخت‌های عمومی مورد استفاده قرار گیرد. هزینه های مرتبط با خشونت معمولاً به هزینه های "مستقیم" و "غیر مستقیم" تقسیم بندی می شود. منافع غیرمستقیم کاهش خشونت ممکن است شامل کاهش جراحات و صدمات، کاهش مرگ و میر و کاهش اختلالات روانی-عاطفی باشد.

٣٦٢ - Ibid

٣٦٣ - Galtung, J.(١٩٨٥), ‘Twenty-five years of peace research: ten challenges and some responses’, Journal of Peace Research.

٣٦٤ - Giles Dickenson-Jones, Daniel Hyslop & Matias Vaira-Lucero (٢٠١٤),Estimating the Global Costs of Violence, Business Peace and Sustainable Development.

(بووینیک، موریسون و شیفتر، ۱۹۹۹). در حالی که هزینه های مستقیم معمولاً به عنوان هزینه هایی توصیف می شود که می تواند مستقیماً به خشونت نسبت داده شود، مانند هزینه های بیشتر برای ماموریتهای پلیس، ایجاد امنیت خصوصی یا نیروی مسلح خصوصی یا ایجاد ارتش و یا راه اندازی گروه های نظامی و شبه نظامی. برای محاسبه ی هزینه های غیر مستقیم خشونت، اثرات بلندمدتی مانند کاهش درآمد ها و بهره وری پایین تر را در محاسبات می گنجانند.

(کولیر، ۱۹۹۹) استدلال کرد که جنگ های داخلی از طریق تخریب منابع، برهم زدن زیرساخت ها و نظم اجتماعی، جایگزینی بودجه، پس انداز و جایگزینی سبد سرمایه گذاران خارجی بر رشد تأثیر منفی می گذارد، و تأکید کرد که انتظار می رود چهار کانال اول از این کانال ها در طول درگیری فقط بر اقتصاد تأثیر بگذارند. در حالی که پیامد و نتیجه نهایی احتمالاً پس از برقراری صلح نمایان خواهد شد. او استدلال خود را با استفاده از داده‌های مربوط به همه جنگ‌های داخلی از سال ۱۹۶۰ تاآن زمان را تأیید کرد و به این نتیجه رسید که در طول درگیری‌های داخلی، تولید ناخالص داخلی سرانه با نرخ سالانه ۲,۲ درصد کاهش می‌یابد.[۳۶۵]

(بلومبرگ و همکاران،۲۰۰۴) پیامدهای اقتصاد کلان تروریسم بین المللی را برای ۱۷۷ کشور از سال ۱۹۶۸ تا ۲۰۰۰ بررسی کردند. نتایج آنها نشان داد که تروریسم تأثیر منفی بر رشد اقتصادی کشورها داشته است اما به طور قابل توجهی پیامدهایش کمتر از جنگ های خارجی یا جنگ های داخلی است. داده های آنها نشان داد که عملیات تروریستی ، منجر به کاهش ۰,۵ درصدی نسبت سرمایه گذاری به تولید ناخالص داخلی شده است.[۳۶۶] آنها البته احتمال اینکه تروریسم به گسترش ناامنی و بروز جنگ داخلی یا درگیری بزرگ منطقه ای کشیده شود را در نظر نگرفته اند، درحالی که اگر احتمال این رخدادها و هزینه های آن را در یک پیوستار مورد تحلیل قرار دهیم، پیامدها و خسارات اقتصادی بطور دومینو وار افزایشی خواهد شد.

برآوردی از اندازه احتمالی منافع اقتصادی حاصل از صلح توسط نایت، لوایزا و ویلانووا (۱۹۹۶) محاسبه شده است که تأثیر مخارج نظامی بر رشد اقتصادی را بررسی کردند. این رویکرد از یک مدل رشد استاندارد استفاده می کند و به‌طور واضح نشان می‌دهد که سطوح بالاتر هزینه‌های نظامی تأثیر منفی زیادی بر رشد اقتصادی دارد.[۳۶۷] اگر چه همه دولت ها مخارج نظامی خود را دفاعی قلمداد می کنند و برای اقناع افکار عمومی جامعه خود و کاهش حساسیت کشورهای همسایه، بر تاثیرات پیشگیرانه و بازدارنده هزینه های تقویت بنیه دفاعی خود تاکید دارند، اما

---

۳۶۵ - Collier, P. (۱۹۹۹). 'On the economic consequences of civil war'. Oxford economic papers, Retrieved from www.oep.oxfordjournals.org/content/۵۱/۱/۱٦۸.shortCollier.

۳٦٦ - Blomberg, Brock S., Gregory D. Hess, and Athanasios Orphanides. (۲۰۰٤). 'The Macroeconomic Consequences of Terrorism', Journal of Monetary Economics ۵۱(۵): ۱۰۰۷–۱۰۳۲.

۳٦۷ - Knight, M., Loayza, N., & Villanueva, D. (۱۹۹٦), 'The peace dividend: military spending cuts and economic growth', International Monetary Fund Staff papers, Retrieved from www .palgrave-journals.com /imfsp / journal /v٤۳ /n۱/abs/imfsp۱۹۹٦۱a.html.

واقعیت این است که افزایش مخارج نظامی بیش از یک سطح بهینه، مثلا از طریق افزایش تولید مازاد بر نیاز سلاح و جنگ افزار و یا ذخیره سازی مازاد بر ظرفیت انباهای تسلیحاتی و زرادخانه های موشکی، کشورهای دارای مازاد تولید سلاح و مهمات را ترغیب می کند، تا به بازاریابی، تجارت و صادرات سلاح به دیگر کشورها بپردازند. فراگیر شدن این قبیل اقدامات از سوی چندین کشور در جهان، نه تنها دیگر اقدامی پیشگیرانه یا دفاعی نیست، بلکه صلح و امنیت جهانی را به مخاطره می اندازد. در جدول زیر فهرست ده کشور که دارای بالاترین هزینه های مهار جنگ و خشونت و نظامی گری نسبت به GDP هستند ، بعلاوه ی ایران با رتبه ۴۴، برای سال (۲۰۱۲) ارائه شده است :

نام کشور	درصد : نسبت به GDP)	هزینه سرانه (ppp ۲۰۱۲)	هزینه کل (میلیون ppp)	رتبه
کره شمالی	٪ ۲۷	$٤٥٠	$۱۰،۹۸۰	۱
سوریه	٪۲۴	$۱،۰۰۵	$۲۰،۹۰۰	۲
لیبریا	٪۲۳	$۱٦۰	$٦۷۰	۳
افغانستان	٪۲۱	$۲۰٥	$۷،۲۸۰	۴
لیبی	٪۲۰	$۳،۱۷٥	$۲۰،۳۹٥	۵
سومالی	٪۱۸	$۱۱٥	$۱،۰۸٥	۶
زیمباوه	٪۱۸	$۱۰٥	$۱،۳٥٥	۷
هندوراس	٪۱۷	$۸۹۰	$٦،۹۰۰	۸
سودان جنوبی	٪۱۷	$۲۸۰	$۲،۸٦٥	۹
عراق	٪۱۵	$۸۱٥	$۲٦،۸۳٥	۱۰
ایران	٪۷	$۹۹۵	$۷۴،۵۰۵	۴۴

محاسبات انجام شده در بالا با لحاظ نمودن فرض های محدود کننده ی زیر انجام شده است:

در به کارگیری ایده "کنترل خشونت"، فرض شده است که شدت یا بزرگی خشونت در بین کشورها تفاوت معنادار ندارند. یعنی، اگر چه در تولید ناخالص داخلی سرانه (از برابری قدرت خرید دلار در ۲۰۱۲ =PPP) برای محاسبه تغییرات درآمد و قدرت خرید در بین کشورها استفاده شده است، اما هیچ تعدیلی برای تفاوت‌های بین کشوری در ماهیت خشونت (شدت و گسترش خشونت) انجام نشده است.[۳۶۸]

برای ارائه تخمینی از منافع اقتصادی غیرمستقیم ناشی از سوق دادن منابع و فعالیت ها از مهار خشونت به سمت استفاده های مولدتر در اقتصاد ، یک ضریب اقتصادی برای برآوردهای جهانی اعمال شده است. این مطالعه فرض می کند که ضریب به دو نزدیک می‌شود، که نشان می‌دهد به ازای هر دلار صرفه‌جویی شده در مهار خشونت، یک

---

۳٦۸ - Giles Dickenson-Jones, Daniel Hyslop & Matias Vaira-Lucero(۲۰۱٤),Ibid.

دلار اضافی فعالیت اقتصادی وجود خواهد داشت. این به عنوان یک فرض نسبتا محافظه کارانه در نظر گرفته شده که با مطالعات قابل مقایسه (براور و مارلین، ۲۰۰۹؛ صندوق بین المللی پول ۲۰۱۲) مطابقت دارد.[۳۶۹]

در مورد ایران و رتبه آن در جدول بالا باید توجه داشت ، به دنبال افزایش قابل توجه هزینه های دفاعی این کشور پس از اجرای برجام و از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ ، نیروهای نظامی و امنیتی ایران با یک کاهش بودجه در سال ۲۰۱۹ مواجه شدند. محرک های اصلی این کاهش بودجه دفاعی ، اعمال مجدد تحریم های نفتی و بانکی ایالات متحده پس از خروج ایالات متحده از برجام و کاهش ارزش ریال در برابر دلار ناشی از سوء مدیریت مزمن اقتصادی و ناتوانی بانک مرکزی در کنترل بازار ارز بود. بودجه رسمی دفاعی ایران در سال ۲۰۱۹ تقریباً ۲۰,۷ میلیارد دلار، معادل ۳,۸ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) طبق مصوبه مجلس است.[۳۷۰] البته در مورد سهم ایران از هزینه های نظامی گری، اگر هزینه های توسعه و تقویت نیروهای شبه نظامی در داخل کشور و هزینه های مشابه در ایجاد و تقویت شبه نظامیان همسو با ایدئولوژی جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه همانند عراق ، سوریه، لبنان و یمن و گروه های شبه نظامی فعال در سرزمین های اشغالی فلسطین را در نظر بگیریم، که تحت عنوان بودجه های غیر رسمی و از منابع غیر رسمی برای تامین مالی آنها استفاده میشود و در برخی گزارش های غیر رسمی آمده است، به نظر می رسد ، رتبه بالاتری برای هزینه های نظامی گری در ایران باید در نظر گرفت، اما اغلب مطالعات موجود از این موضوع غفلت کرده اند. طبق برخی برآوردهای کارشناسی، ایران بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ بیش از ۱۶ میلیارد دلار به رژیم سوریه، حزب‌الله، شبه‌نظامیان شیعه عراق، حوثی‌ها و گروه‌های شبه نظامی فلسطینی کمک کرده است [۳۷۱] و در برخی ارزیابی ها این رقم بالغ بر ۳۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

(سازور و نصرالهی، ۲۰۰۸) در مقاله ای که به بررسی تاثیر هزینه های نظامی بر رشد اقتصاد سایه در ایران می پردازد، عنوان کرده اند که افزایش هزینه های نظامی از طریق ایجاد زیرساخت های لازم برای تولید تجهیزات نظامی در کشور به جای خرید آن از خارج، ضمن کاهش وابستگی نظامی کشور به قدرت های نظامی جهان، ایجاد اشتغال و شکوفایی اقتصادی، افزایش درآمد ملی و کاهش فعالیت های غیر متعارف و مشکوک به همراه داشته است، البته به این نکته توجه داده اند که اگر چه قدرت نظامی عاملی برای تامین امنیت داخلی و کاهش تهدیدات خارجی است، اما به دلیل محدودیت های بودجه ای، افزایش نامتعارف هزینه های نظامی و تامین آن در شرایط تحریمی از طریق کاهش هزینه های دیگر بخش های دولتی مانند آموزش و پرورش و بهداشت و درمان و غیرو می تواند مانعی برای تخصیص بهینه منابع به سرمایه گذاری های اقتصادی و اجتماعی در زیر ساخت ها تبدیل گردد

۳۶۹ - Ibid
۳۷۰ - Defense Intelligence Agency (۲۰۱۹), Iran Militaty Power, Military-Power-Publications , p۱۷
۳۷۱ - Defense Intelligence Agency (۲۰۱۹), Ibid, p۱۹

که پیامدهای نامطلوبی به دنبال خواهد داشت.[۳۷۲] نتایج بررسی این مقاله همچنین نشان می دهد در دوره مورد بررسی (۱۹۸۱–۲۰۱۵)، اندازه ی اقتصاد سایه در ایران به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی روندی صعودی با فراز و نشیب نسبتا کم داشته و در یک دوره ۳۵ ساله به طور میانگین ۱۹,۳۱ درصد بوده و جالب اینکه ، متغیر هزینه های نظامی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی دارای یک اثر منفی و معنادار بر اقتصاد سایه در دوره مورد بررسی داشته و به ازای هر واحد افزایش هزینه های نظامی، اقتصاد سایه معادل ۰,۱۳۴ درصد کاهش یافته است. البته مقاله مورد اشاره به نقش دولت در تقویت اقتصاد سایه با انگیزه دور زدن تحریم ها و به عنوان روشی جهت تامین مالی پروژه های تقویت شبه نظامیان ، و یکی از بدیلهای ارتش منظم جهت بهره برداری از آنها درجنگ های نیابتی در سوریه و عراق و دیگر کشورهای منطقه توجه نکرده است. چنانکه اشاره شد به نظر می رسد با احتساب هزینه های توسعه و تقویت شبه نظامیان در منطقه از طریق تزریق بودجه از منابع غیر رسمی و از محل رشد اقتصاد سایه و تقویت سپاه قدس و با لحاظ نمودن مساله تحریم ها که به رشد بیشتر اقتصاد سایه منتهی شده است، باید در نتایج و یافته های این مقاله با شک و تردید نگریست، زیرا تحقیقات دیگر نشان می دهند سهم اقتصاد سایه در ایران نسبت به تولید ناخالص داخلی بسیار بیشتر از رقم برآوردی توسط این مقاله است.

یافته‌های گزارش موسسه ابتکار جهانی علیه جرایم سازمان یافته فراملی[۳۷۳]برای سال ۲۰۲۰ پیش بینی کرده است که دولت ایران به‌ویژه در مواجهه با افزایش فشار تحریم‌ها و تأثیر مخرب و شدید همه‌گیری ویروس کرونا بر اقتصاد کشور، بیشتر به بنگاه‌های غیرقانونی وابسته خواهد شد و در واقع، این روند در حال حاضر در افزایش صادرات نفت به سوریه و تاکتیک خاموش کردن سیستم های شناسایی خودکار نفتکش ها و گسترش قاچاق برون مرزی مشهود است (همانطور که در بررسی اولیه تصاویر ماهواره ای در امتداد ایران و افغانستان و مرزهای ایران و عراق نشان داده شده است.)، لذا در حالی که "پیمان سرمایه‌گذاری و امنیتی" با چین تا حدودی به اقتصاد ضعیف و متزلزل ایران کمک می کند، این احتمال وجود دارد که نهادهای حاکمیتی در تهران، به گسترش فعالیت های خود با اتکا به تجارت غیررسمی و غیرقانونی برای حفظ حرکت اقتصاد مقاومتی خود ادامه دهند. اقتصاد مقاومتی به تعبیر حکومت ایران یعنی اقتصاد در خدمت محور مقاومت . در شرایط تحریمی حکومت ایران دریافته است که اولویت را باید بر تامین مالی نیروهای نیابتی خود در محور مقاومت بگذارد زیرا عملا بخشی از فرایند دور زدن تحریم ها که به تنفس مصنوعی دادن به اقتصاد ایران کمک می کند ، از طریق همان نیروهای نیابتی فراهم می شود. اما این رویکرد علاوه بر تاثیرگذاری مستقیم تحریم ها ، هزینه های بیشتری را بر اقتصاد ایران تحمیل کرده است. گزارش های

---

۳۷۲ -Mansour Sazvar, Zahra Nasrollahi(۲۰۲۲), Effect of Military Expenses on Shadow Economy in Iran, Quarterly Journal of Quantitative Economics (JQE) (۲۰۲۲) ۱۹(۳) ۳۳-۶۱.

۳۷۳ – یک مؤسسه بین المللی غیرانتفاعی در ژنو، سوئیس.

مختلف نشان می دهند ، سهم و نقش سپاه پاسداران و سایر سازمان‌های شبه دولتی و ارگان‌های شبه نظامی در اقتصاد ایران افزایش یافته و از سویی توانایی دولت برای کنترل و کاهش قاچاق سازمان یافته و جرایم اقتصادی مرتبط با آن نیز به شدت تضعیف شده است. به‌عنوان مثال، گمرک ایران نمی‌تواند یا نمی‌خواهد در فعالیت‌های اقتصادی سپاه مداخله کند. ظرفیت دولت برای مبارزه با قاچاق نیز به دلیل این واقعیت که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نفوذ و روابط نزدیکی با سازمان های اجرایی مختلف دارد، مختل شده است. در حالی که فرماندهی مرزبانی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی (ناجا) مرزهای کشور را از نظر فنی کنترل می کند، دخالت شدید سپاه در کنترل مرزها کاملا آشکار است. یک سوم کالاهای وارداتی به کشور از طریق بازار سیاه، اقتصاد زیرزمینی و اسکله های غیرقانونی تحویل می شود و نهادهایی که عمدتاً نظامی هستند، مسئول این وضعیت هستند. این نشان از فساد سازمان یافته در نهادهایی دارد که بر وسایل و امکانات قدرت تسلط دارند. در مجموع شواهد و نشانه های گوناگونی وجود دارد که حکومت ایران در حال حرکت به سمت یک بوروکراسی نظامی آلوده به فساد است. همین گزارش نتیجه می گیرد:" علیرغم فشارهای خارجی، احتمالاً شدیدترین تهدیدهایی که دولت ایران با آن مواجه است، تهدید داخلی است، از این نظر که دولت به‌طور فزاینده‌ای به سمت یک مدل کلاسیک‌تر از یک دولت استبدادی از نوع نظامی‌شده ، با ظاهر دموکراتیک حرکت می کند."[۳۷۴] اخیرا محمد باقر قالیباف از نزدیکان رهبر انقلاب ، که پیش تر فرماندهی کل انتظامی کشور و سپس مسوولیت شهرداری پایتخت را برعهده داشته و امروز ریاست مجلس را در اختیار دارد ، صراحتا از تسلط یک قوه چهارم بر قوای سه گانه انتقاد کرد ،که اشاره او به همان دولت در سایه است که فراقانونی عمل می کند و بر دولت و مجلس برای پیشبرد منافع خود فشار می آورد.[۳۷۵] تعابیری مشابه توسط برخی مقامات و روسای جمهور پیشین مانند محمود احمدی نژاد و حسن روحانی مطرح شده است.

برآورد خسارات ناشی از جرایم اقتصادی دولت ها علیه شهروندانشان

اختیارات دولت ها برای مداخله در امور اقتصادی باید معلوم و محدود و دامنه پاسخگویی نهادهای مربوطه کاملا روشن و شفاف باشد. دولت ها نمی توانند با توجیه موارد شکست بازار دامنه مداخلات اقتصادی خود را در کلیه امور اقتصادی و معاش و کسب و کار اشخاص و شهروندان گسترش داده و از پیامدهای مربوطه مبرا باشند. همانگونه که در زمینه برآورد خسارات ناشی از جرایم سازمان یافته در سطح کلان منجمله در مورد جرایم نهادهای بین المللی علیه ملل جهان و یا در مورد جرایم دولت ها علیه یکدیگر مانند خسارات جنگ و بحران های داخلی بحث می کنیم ، لازم است جرایم دولت ها علیه منافع ملت های خودشان همراه با برآورد خسارات اقتصادی و اجتماعی، انسانی و زیست محیطی مربوطه محاسبه و حسابرسی صورت گیرد. هرگونه مداخلات دستوری غیر شفاف

---

۳۷٤ - Global Initiative Against Transnational Organized Crime(۲۰۲۰),Under The Shadow : Illicit economies in Iran

۳۷۵ – نطق قالیباف، رییس مجلس در ۲۶ تیرماه ۱۴۰۲ .

و غیردموکراتیک توسط دولت و یا نهادهای دولتی یا شبه دولتی در روند تخصیص منابع عمومی از طریق دستکاری در مکانیزم بازار[۳۷۶] یا وضع انحصار در بازار و یا دو نرخی کردن بازار و دستکاری قیمت ها که به ایجاد تقاضای القایی در بازارهای کالا و خدمات و چاپ بدون پشتوانه پول و یا مداخلات غیر مسولانه در بازار عوامل تولید مانند بازار کار و یا بازار سرمایه و سایر موارد و یا بازار ارز و سکه و طلا و خودرو و مسکن و مایحتاج مورد نیاز مردم و تعیین قیمتهای دستوری و یا ایجاد رانت و انحصار در روند تخصیص منابع عمومی و ثروتهای عمومی و منابع طبیعی کشور و یا اتخاد سیاست های غیرمسوولانه و دستورالعمل های غیر شفاف مانند وضع عوارض و مالیات از سوی نهادهای اقتصادی ، پولی و مالی دولتی بدون تصویب در پارلمان و بطور کلی هرگونه تصمیمات دولت ها که پیامدهای اقتصادی آن متوجه معیشت و زندگی میلیون ها شهروند آن کشور می شود و خسارات و زیان هایی را متوجه اکثریت شهروندان و منافعی را متوجه یک گروه اقلیت می کند و یا بطور مستقیم غیر مستقیم به بروز خسارات سنگین به اقتصاد ملی و معیشت و زندگی مردم منتهی شود ، جرم اقتصادی دولت علیه شهروندان تلقی می گردد. بروز جرایم و تخلفات اقتصادی از سوی دولت ها ، در کشورهایی که جهت گیری دولت بسوی اقتصاد دولتی است، بیشتر محتمل است. به عنوان نمونه یکی از وظایف ذاتی بانک مرکزی در هر کشور حفظ ارزش پول ملی و حفظ قدرت خرید پول وحفاظت از قدرت خرید شهروندان به گونه ای است که به زیان و از دست رفتن ارزش دارایی ها و ثروت مردم و فقر و ناتوانی آنها منجر نشود. حال اگر استقلال بانک مرکزی توسط دولت سلب گردد و عملکرد و سیاست های بانک مرکزی به گونه ای باشد که طی یک بازه زمانی میان مدت و یا طولانی مدت به کاهش ارزش پول ملی و کاهش قدرت خرید و فقیر شدن مردم بیانجامد، مصداق جرم تلقی می گردد. در مورد ارزیابی عملکرد دولت ایران شاید لازم باشد برآوردی اقتصادی از فهرست خسارات ناشی از سیاست های دولت جمهوری اسلامی ایران که در سطح منطقه و جهان بر منافع ملی ایرانیان وارد شده است ، ارایه گردد، چنانکه می دانیم برخی موسسات مطالعاتی و کارشناسان مربوطه در این موارد به ارزیابی هایی دست زده اند :

۱ –خسارات و عدم النفع ناشی از انزوا و عدم پذیرش ایران در مجامع و سازمان های منطقه ای و بین المللی
۲ –خسارات و عدم النفع ناشی از تحریم های بین المللی به دلیل سیاست های افراط گرایانه ایدئولوژیک
۳ –خسارات ناشی از شرکت در جنگ های مستقیم و نیابتی و حضور در منازعات منطقه ای
۴ –خسارات ناشی از فرار و پناهندگی و مهاجرت ایرانیان به دیگر کشورها– فرار سرمایه انسانی
۵ –خسارات ناشی از فرار سرمایه های مادی و عدم امنیت اقتصادی لازم برای جذب سرمایگذاری خارجی
۶ –خسارات ناشی از عدم توجه به زیر ساخت ها و تجدید ساختارها و برنامه های عمرانی و زیر بنایی

۳۷٦- Manipulation (سو استفاده و دغل کاري کردن ، (با نامردي و نارو زدن) اداره کردن)

۷ –خسارات زیست محیطی در حوزه های مختلف آب و خاک و هوا و منابع طبیعی و معدنی

۸ –خسارات ناشی از عدم نوسازی و بازسازی و توسعه صنایع مادر و نفت و انرژی و فرسودگی زیرساخت ها

۹ –خسارات ناشی از فساد، سوء مدیریت و عدم شفافیت

بخشی از اینها را می توان در قالب خساراتی که به صورت رشد منفی اقتصادی خود را نمایان کرده و یا رشد منفی در سرمایه گذاری ها برآورد نمود. در مقایسه و همترازی (بنچ مارکینگ)شاخص های توسعه اقتصادی ایران با کشورهای منطقه مانند ترکیه و کشورهای حوزه خلیج فارس، ایران متاسفانه طی یک دوره بلند مدت معادل چهار دهه، فرصت های اقتصادی زیادی را از دست داده است. بطور مثال ، ایران دستیابی به یک رشد اقتصادی همتراز با کشورهای منطقه مانند ترکیه را از دست داده که این می تواند مبنایی برای برآورد خسارات اقتصادی ناشی از سوء حکمرانی و سیاست های غلط در روابط خارجی و منطقه ای جمهوری اسلامی با دنیا و کشورهای منطقه تلقی گردد. در فصول آینده به بحث و بررسی بیشتر این موضوع خواهیم پرداخت

روش سنجش جرایم و مفاسد اقتصادی با کمک شاخص ها :

یکی از مهمترین ابزارهای شناخته شده برای سنجش جرم وفساد در اقتصادها ، بهره گیری از نماگرها و شاخص ها هستند. با جهانی شدن اقتصاد وگسترش پیوندهای اقتصادی کشورها با یکدیگر، داده های آماری به تنهایی کمک قابل توجهی به تحلیل شرایط اقتصادی و امکان مقایسه میان آنها فراهم نمی کند و از این رو بهره گیری از شاخص ها برای درک شرایط و تحلیل وضعیت آنها مناسب تر تشخیص داده شده است. شاخص ها در واقع ترکیب مناسبی از داده های مختلف آماری هستند که اعتبار بیشتری در تحلیل شرایط فراهم می کنند و امکان و قابلیت مقایسه میان عملکردهای نهادی و فرایندی و برنامه ای برای کشورهای مختلف فراهم می کنند. برهمین اساس برخی سازمان های معتبر بین المللی علاوه برگردآوری و انتشارآمارهای اقتصادی ، تدوین و محاسبه شاخص های مقایسه ای بین کشوری را فراهم می نمایند. هم اکنون نهادهای بین المللی مختلفی هر یک بسته به ماموریت خود در حوزه های گوناگون اقدام به تدوین نماگرها و شاخص های مقایسه ای مختلف می کنند. هدف توسعه پایدار در کنار ضرورت همزیستی در صلح و رفاه و امنیت ، موجب شده تا اندیشمندان و تحلیل گران در مجامع بین المللی بیش از گذشته به ضرورت تدوین شاخص هایی توجه نمایند که اطمینان از صحت روند های مطلوب و حرکت در مسیرهای تعریف شده در برنامه های کلان را در سطح جهانی فراهم می کنند. از جمله شاخص هایی که مورد توجه جامعه بین الملل و مجامع و نهادهای بین المللی است ، شاخص هایی است که وضعیت

جوامع را در زمینه سطوح تحقق و دستیابی به صلح ، رفاه و امنیت مورد پایش و سنجش و ارزیابی و مقایسه قرار می دهد. از جمله آنها شاخص های مختلف سنجش جرم و فساد است.[۳۷۷]

شاخص سنجش جرایم سازمان یافته

جرایم سازمان یافته وجه مشترک بسیاری از چالش های اجتماعی در سطح جهان است : این چالش ها شامل تبعیض و نابرابری ، تعارض، بی ثباتی سیاسی، تغییرات آب و هوایی، فن آوری و بازارهای مالی غیرقانونی، فساد، پولشویی، تامین مالی تروریسم و مهاجرت اجباری است. به دلیل ماهیت ذاتاً مخفیانه جرایم سازمان یافته ، اغلب اطلاعات کمی در مورد نحوه عملکرد و پویایی باندهای جرایم سازمان یافته در هرکشور وجود دارد، چه رسد به تأثیر آنها در سطح فراملی. بنابراین درک چگونگی رفتار و تغییر جرم، اولین گام مهم برای فرمول‌بندی هر واکنش جهانی معنادار است و ضروری است که بتوانیم آن را اندازه گیری کنیم، تا جایی که بتوان ارزش اصلی این شاخص را به عنوان یک ابزار تحلیلی پیدا کرد.

شاخص بین المللی جرایم سازمان یافته به کاربران این امکان را می دهد که طیف وسیعی از شاخص ها را بر اساس کشور، منطقه و قاره تجزیه و تحلیل و مقایسه کنند. در گردآوری این شاخص‌ها، چندین یافته کلیدی حایز توجه است که تعداد افراد متاثر از جرم، مقیاس و دامنه بازارهای مجرمانه و سطوح انعطاف‌پذیری موجود در کشورهایی که با تهدیدات جنایی مواجه هستند را روشن می کند[۳۷۸]

براساس سنجش های این شاخص : " متاسفانه بیش از سه چهارم جمعیت جهان در کشورهایی با سطوح بالای جرم و جنایت و در کشورهایی با مقاومت پایین در برابر جرایم سازمان‌یافته زندگی می کنند."

شاخص سنجش جرایم سازمان یافته متکی بر داده های بخشی از جرایم سازمان یافته در سطح جهانی شامل فعالیت سودآور در اقتصاد بازار سیاه توسط باندهای مافیایی، قاچاق مواد مخدر و پولشویی و قاچاق انسان است و در متدولوژی خود از چارچوب و معیارهای زیر تبعیت می کند :

۱ معیارهای جرم خیزی[۳۷۹] و تاب آوری[۳۸۰] که برای ارزیابی میزان آسیب پذیری کشورها / مناطق استفاده می شود.

---

۳۷۷ – شاخص های سنجش فساد :

- Corruption Perceptions Index (CPI)
- Global Corruption Barometer (GCB)
- Bribe Payers Index (BPI)
- Control of Corruption Index (CCI)
- Opacity Index (OI)

۳۷۸ - Global Organized Crime Index – ۲۰۲۱, p۱۲

۳۷۹ - criminality

۳۸۰ - resilience

۲ -بازارهای مجرمانه را (برمبنای تجارت مواد مخدر، جابجایی و قاچاق انسان وسایرجرایم) رتبه بندی می کند.

۳ -تاب آوری دولت ها را براساس نوع رژیم سیاسی آنها (از کاملا دموکراتیک تا اقتدارگرا) رتبه بندی می کند.

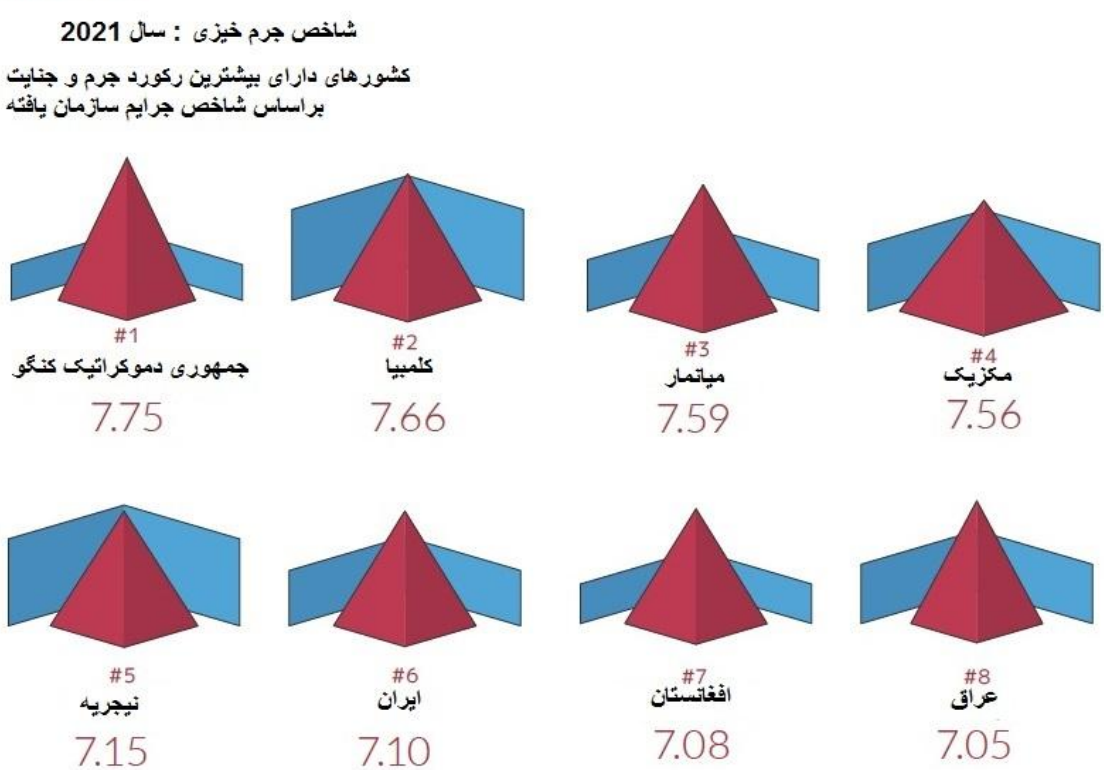
۴ -جرایم را بر اساس دسته بندی بازیگران در بازارهای جرم و جنایت رتبه بندی می کند.

۵ -معیارتاب آوری دولت ها در برابر جرایم سازمان یافته را براساس مولفه های زیر مورد ارزیابی قرار می دهد :

۵-۱ نوع رهبری و حاکمیت سیاسی	۵-۷- تمامیت ارضی
۵-۲ شفافیت و پاسخگویی دولت	۵-۸- پذیرش قانون ضد پول شویی
۵-۳- سطح تعامل و همکاری بین المللی	۵-۹- ظرفیت نظارتی در حوزه اقتصادی
۵-۴- سیاست ها و قوانین ملی	۵-۱۰- حمایت از قربانی و شاهدان
۵-۵- سیستم قضایی و بازداشتگاه ها و زندان ها	۵-۱۱- اقدامات پیشگیری
۵-۶- نحوه ی اجرای قانون	۵-۱۲- نقش بازیگران غیر دولتی

نتایج این شاخص بصورت نمودارهای مختلف گزارش می شود : نمودار زیر نتایج گزارش مذکور برای سال ۲۰۲۱ است که کشورهای با بالاترین درجه جرم و جنایت سازمان یافته را نشان می دهد که در آن ایران در رتبه ششم قرار دارد :

FIGURE 4.2



شاخص ادراک فساد (CPI)

همانطور که در توصیه های OECD برای تلاش های بین المللی در کنوانسیون ضد رشوه خواری در سال ۱۹۹۴ منعکس شده است (گلین و همکاران، ۱۹۹۷، صفحات ۱۶-۲۴)، در دهه ۱۹۹۰، محرکهایی برای مواجه مستقیم با یک چالش بین المللی ، یعنی مقابله با گسترش فساد بوجود آمد.۱-فساد یک مشکل سیاست عمومی در دوره جهانی شدن سریع است ۲- تجارت بین‌المللی نسبت به هزینه‌ها و عدم قطعیت‌های مرتبط با آن تحمل کمتری برای مقاومت در برابر پیشنهاد رشوه از سوی خارجیان دارد. سازمان های برآمده از جامعه مدنی از جمله سازمان شفافیت بین‌الملل، که در سال ۱۹۹۳ تأسیس شد، براساس گزارش ها و یافته های خود پیام جهانی جدیدی را منتشر کرد : " رشوه خواری، اختلاس و بده –بستان میان خودی های درون حکومت، مشکلات رایج در برخی دولتهایی است که با سیاست گذار به آزادسازی دموکراتیک و آزادسازی اقتصادی وضعیتشان بدتر شده است." [۳۸۱]

سازمان شفافیت بین‌المللی (TI) [۳۸۲] که یک سازمان غیرانتفاعی و برآمده از جامعه مدنی مستقر در برلین است، در سال ۱۹۹۵ شاخصی را برای رتبه‌بندی سطح فساد در کشورهای مختلف ایجاد کرد. این شاخص در حال حاضر سالانه تولید و منتشر می شود که به عنوان شاخص ادراک فساد (CPI) [۳۸۳] شناخته می شود. در CPI تولید شده برای سال ۲۰۰۸، TI بیش از ۱۸۰ کشور را رتبه بندی کرد. در تهیه CPI سالانه خود، TI گزارش هایی را از شبکه پرسنل خود و همچنین از بسیاری موسسات مستقل دریافت می کند. برای مثال، TI بر داده ها و آمارهای ارائه شده توسط موسساتی مانند واحد اطلاعات اکونومیست، خانه آزادی، مشاوره ریسک سیاسی و اقتصادی و بسیاری دیگر متکی است. TI برای رتبه‌بندی یک کشور در CPI به حداقل سه منبع مختلف نیاز دارد. در سال‌های اولیه، TI بر نظرسنجی‌های افکار عمومی تکیه می کرد، اما اکنون تنها از "متخصصان" برای جمع آوری پایگاه داده‌های خود استفاده می کند.

از آنجایی که CPI بر اساس نظرسنجی های موسسات مختلف و متخصصان استخراج می شود و نتایج ارزیابی ها مبتنی بر ارزیابی های ذهنی هستند و به طور دقیق و یکنواخت نیستند، احتمالاً، اطلاعات ارائه شده توسط TI برای کشورهایی با منابع مستقل کمتر، دارای اعتبار کمتر است. همچنین مهم است که به یاد داشته باشیم که این شاخص به جای "تجربه" واقعی فساد ، بر اساس "ادراک" فساد است. بنابراین شاخص مذکور هیچ اطلاعاتی در مورد سطح واقعی فساد در یک کشور ارائه نمی دهد. علاوه بر این، CPI یک شاخص ترکیبی و محصول جمع آوری داده ها و

---

۳۸۱ - Charles Sampford, Arthur Shacklock, Carmel Connors and Fredrik Galtung(۲۰۰٦), Measuring corruption, Ashgate Publishing Company,p ٥٧.

۳۸۲ - Transparency International

۳۸۳ - Corruption Perceptions Index

اطلاعات بدست آمده از منابع مختلف دیگراست.[۳۸۴] این داده ها وآمارها مربوط به کشورهای مختلف و سالهای مختلف است و قابل مقایسه نیستند. با وجود همه اینها محدودیت ها، CPI ابزاری است که به طور گسترده پذیرفته شده است تا کشورها را از نظر سطوح ادراک فساد رتبه بندی کند. در تهیه CPI، TI از مقیاس ۱ تا ۱۰ برای اندازه گیری فساد استفاده می کند. نمره بالا به معنای ادراک فساد کمتر است و هر چه نمره کمتر باشد، فساد بالاتر است. اخیرا سازمان شفافیت بین‌الملل مایل است شاخص دیگری را اضافه کنند که مکمل شاخص شفافیت باشد و آن شاخص ادراک انتخابات است. از مجموع انتقاداتی که بر شاخص ادراک فساد وارد شده است، انتقاد مطرح بر روش رتبه بندی کشورها از نظر سطح فساد درک شده، قابل تامل تراست، هرچند که اتکاء بر منابع چندگانه در کنار بهره گیری از تکنیک های آماری رفع تورش می تواند، سوگیری ها را تا حدودی کاهش دهد، اما به نظر می رسد نتایج شاخص ادراک فساد بسیار تحت تاثیر پیشینه فرهنگی پاسخ دهندگان است. (یعنی بطور مثال درک فساد از نظر شهروندان ایرانی خارج کشور با شهروندان داخل کشور متفاوت است، یا درک فساد در یک جامعه از نقطه نظر اتباع یک کشور با دیدگاه خارجیان و مهاجران یکسان نیست). پاسخ دهندگان مختلف تجارب مختلف و درک متفاوتی از میزان فساد در کشور خود دارند. یک پاسخ دهنده ممکن است با مقایسه فساد با سایر مشکلات (بالقوه کمتر مبرم) پیش رو یا با ارزیابی بر اساس یک استاندارد اخلاقی بالا (مثلاً فرض می کند هر نوع هدیه دادن به یک مقام دولتی مفسده است و از نظر فرهنگی قابل قبول نیست)، سطوح بالا از فساد را درک می کند، اما در مورد چنین چشم‌اندازی، میزان بالایی از فساد ادراک شده ممکن است منعکس‌کننده میزان بالایی از استاندارد اخلاقی به جای درجه بالایی از رفتار نادرست واقعی باشد. به این ترتیب ادراکات یک شاخص گمراه کننده برای تعیین سطوح واقعی فساد خواهد بود . این سوگیری می تواند به ویژه وقتی رخ دهد که فقط برمبنای قضاوت افراد محلی مورد بررسی قرار گیرند.[۳۸۵] با توجه به استقبال فراگیری که از شاخص CPI ، در کشورهای جهان صورت

---

۳۸۴ –از سال ۲۰۰۲، CPI شامل داده هایی ازمنابع زیر است :

- مجمع جهانی اقتصاد (WEF)
- موسسه توسعه مدیریت، لوزان (IMD)
- موسسه حسابداری و حسابرسی پرایس واترهاوس کوپرز (PwC)
- بررسی محیط کسب و کار جهانی ، بانک جهانی (WBES)
- واحد اطلاعات اکونومیست (EIU)
- خانه آزادی، کشورهای در حال گذار (FH)
- مشاوره ریسک سیاسی و اقتصادی، هنگ کنگ (PERC)
- موسسه نظر سنجی گالوپ اینترنشنال به نمایندگی از شفافیت بین المللی (GI/TI)
- بررسی ظرفیت ایالتی توسط دانشگاه کلمبیا (CU).

۳۸۵ - Charles Sampford, Arthur Shacklock, Carmel Connors and Fredrik Galtung(۲۰۰۶), Measuring corruption, Ashgate Publishing Company, p۷

گرفته است، حجم انتقادها بر این شاخص نیز به مراتب بیش از سایر شاخص های سنجش جرم و فساد است. این انتقادها تنها متوجه روش گردآوری و تحلیل داده ها توسط سازمان شفافیت بین الملل نیست. بخشی از انتقادها جهت گیری سیاسی معناداری دارند و صراحتا عنوان می کنند که در CPI یک سوگیری ناعادلانه علیه کشورهای فقیردیده می شود و در واقع مهمترین انتقاد به CPI یک طرفه بودن آن است. ماهاتیر محمد، نخست وزیر پیشین مالزی، هنگامی که در یک کنفرانس مطبوعاتی از رتبه CPI کشورش مطلع شد، به شدت واکنش نشان داد و گفت : " آنها کی هستند که تعیین کنند مردم ما چگونه باید زندگی کنند؟ این کشور ماست و این ما هستیم که تصمیم می گیریم که چگونه زندگی کنیم و با چه معیارهایی سبک زندگی خودمان را ارزیابی کنیم."[۳۸۶] ماهاتیر پیشنهاد کرد که یک جنبش برای نظارت بر شاخص عملکرد کشورهای اروپایی در دفتر سازمان دیده بان اروپا در مالزی ، درمورد تبعیض نژادی، فساد مالی و اخلاقی آنها راه اندازی شود.(عبدالله و انگ، ۱۹۹۶).

در انتقاد به سوگیری و یک طرفه بودن نتایج CPI ، حذف عمده این نیست که CPI اروپا را نادیده می گیرد. بلکه ادعا این است که اگر ارزیابی دقیقی صورت گیرد بسیاری از کشورهای اروپایی امتیاز ضعیفی در CPI کسب می کند و به مراتب پایین تر از تعدادی از کشورهای فقیرتر و کمتر توسعه‌یافته‌تر در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین رتبه‌بندی می‌شوند. نقطه کور این است، در حالی که CPI یک طرف قضیه را می بیند، چشم خود را بر فسادهای بزرگ مانند رشوه گیرندگان عمده جهان بسته و اجازه می دهد تا رشوه دهندگان عمده در سایه امن قرار گیرند. اروپا پناهگاه سرمایه های غارت شده از کشورهای فقیر است.[۳۸۷] برای اصلاح این عدم تعادل، تلاش شد یک شاخص کاملاً جدید برای TI در سال ۱۹۹۹ جهت ردیابی رشوه در سطح بین المللی طراحی شود. نتیجه، شاخص پرداخت رشوه توسط کشورهای پیشرو و صادرکننده بود که نامتعادل بودن CPI تا حدودی از طریق انجام این امر تصحیح گردید.[۳۸۸] اما اینکه در عمل چقدر موفق بوده است موضوع دیگری است، که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

فشارسنج جهانی فساد[۳۸۹]

TI معیار دیگری از فساد به نام فشارسنج جهانی فساد (GCB) را تولید می کند. GCB نشان می دهد مردم عادی چگونه و کجا تأثیر فساد را بر زندگی خود احساس می کنند. فشارسنج جهانی فساد یک نظرسنجی افکار عمومی بر اساس پاسخ به پرسشنامه هایی است که در مصاحبه ها با یک جامعه نمونه پرسیده می شود. شاخص فشارسنج از سال ۲۰۰۳ به طور سالانه در سراسر جهان تولید می شود. پرسشنامه ای که منتشر می شود، از جمله

۳۸٦-(۱۹۹٦ مالزی)، ٥ ژوئن) The Straits Times);Charles Sampford, Arthur Shacklock, Carmel Connors and Fredrik Galtung(۲۰۰٦), Measuring corruption, Ashgate Publishing Company,p۱۰۹.

۳۸۷ - Charles Sampford, Arthur Shacklock, Carmel Connors and Fredrik Galtung(۲۰۰٦), Ibid.

۳۸۸ - Ibid

۳۸۹ - Global Corruption Barometer

نگرش عموم مردم نسبت به فساد، میزان باور عموم مردم مبنی بر نفوذ فساد در دستگاه های عمومی و تجربه خود آنها را در نظر دارد. (نه ادراک آن) در مواردی مانند اخاذی و رشوه خواری و در پیگیری فعالیت های روزانه خود، و اینکه چگونه فکر می کنند فساد می تواند از بین برود.[۳۹۰] برخی از سوالات موجود در پرسشنامه سال ۲۰۰۷به شرح زیر بود:

۱. آیا انتظار دارید میزان فساد در سه سال آینده در کشور تغییر کند؟

۲. اقدامات دولت فعلی را در مبارزه با فساد چگونه ارزیابی می کنید؟

۳. بخش های زیر را تا چه حد تحت تأثیر فساد می دانید؟ (این سوال با لیستی از بخش ها دنبال می شود: احزاب سیاسی، قوه مقننه، بخش خصوصی، قوه قضائیه، پلیس، ارتش، سیستم آموزشی، خدمات پزشکی و غیره).

۴. آیا در ۱۲ ماه گذشته از شما یا هرکسی که در خانواده شما زندگی می کند توسط شخصی در موسسه یا سازمان های زیر درخواست رشوه شده است؟ (به دنبال آن فهرستی از بخش های مشابه مانند زیر سوال ۳ آمده است).

فشارسنج جهانی فساد (GCB) در سال ۲۰۰۷ بر اساس مصاحبه با ۶۳۱۹۹ نفر در ۶۰ کشور و منطقه بین ژوئن تا سپتامبر ۲۰۰۷ منتشر شد.

برخی از یافته های کلیدی (GCB ۲۰۰۷) عبارتند از:

الف) اقشار فقیر و محروم از لحاظ اقتصادی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه قربانیان اصلی فساد در سازمان های دولتی و خصوصی هستند.

(ب) حدود ۱۰٪ از مردم سراسر جهان مجبور بودند در سال قبل از مصاحبه واقعاً رشوه بپردازند و گزارش شده است که فساد در منطقه آسیا و اقیانوسیه و در جنوب شرق اروپا افزایش یافته است.

ج) اخاذی و رشوه خواری (تقاضای فساد) به طور گسترده در مؤسسات عمومی، به ویژه در تعامل با پلیس و قوه قضائیه رواج داشته است.

(د) نیمی از مصاحبه شوندگان معتقدند که تلاش های دولت آنها برای مبارزه با فساد چندان موثر و موفق نبوده است.

شاخص پرداخت کنندگان رشوه (BPI)

پیش تر اشاره شد که شاخص CPI سوگیری داشت و انتقاداتی بر آن وارد بود. برای رفع این مشکل BPI[۳۹۱] طراحی شد. اما سازمان شفافیت بین الملل(TI) در اقدامی غیر شفاف ، تنها دو BPI در طی ده سال تولید کرده است (بین اولین راه اندازی CPI در سال ۱۹۹۵ و ۲۰۰۴.) BPI تقریباً در میان افکار عمومی مردم ناشناخته

۳۹۰ - R.N. Ghosh & Md Abu Bakar Siddique(۲۰۱۵) ,Corruption, good governance and economic development : contemporary analysis and case studies, World Scientific Publishing Co. Pte. Ltd,pp۱۳-۱٤.

۳۹۱ - Bribe Payers Index

باقیمانده است و عموماً در مطبوعات جهان نادیده گرفته می شود. علاوه بر این، هیچ ابزاری برای اندازه گیری یا رتبه بندی کشورها براساس داده های آن ایجاد نشده است. مهمتر اینکه کشورهای بزرگ صنعتی و به اصطلاح "پاک" مانند سوئیس، انگلستان، ایالات متحده آمریکا، و بلکه سنگاپور، بوتسوانا و شیلی، به پناهگاه امنی برای سرمایه گذاری از سوی سرمایه داران فراری و سرمایه های عمومی غارت شده و دارایی های به دست آمده از راه فساد از سایر کشورها تبدیل شده و نظام بانکداری فراساحلی در این کشورها مرکزی برای ارائه خدمات بانکی به مفسدان و غارتگران و مجرمان بزرگ اقتصادی از سایر کشورهای غارت شده است. بسیاری از اصلاح طلبان در آسیای جنوب شرقی شکایت دارند که چرا سنگاپور که بدون شک کشوری است که می تواند شایستگی نام "پاک ترین کشور آسیا" را داشته باشد، همچنان به یک پناهگاه امن برای سیاستمداران فاسد و معامله گران در منطقه و مقصدی برای سرمایه های غارت شده از سایر کشورها تبدیل شده است. شکایات مشابهی ازسوی برخی کشورهای آفریقایی در مورد بوتسوانا و آفریقای جنوبی مطرح شده است.همچنین در مورد شیلی و ایالات متحده وکانادا و برخی کشورهای آمریکای لاتین این اتهامات مطرح است. [۳۹۲]

شفافیت بین‌الملل (TI) شاخص پرداخت‌کنندگان رشوه (BPI) را ایجاد کرد تا بتواند جنبه عرضه فساد را ارزیابی می‌کند و فساد را بر اساس کشور مبدا و بخش و صنعت رتبه‌بندی کند. نظرسنجی پرداخت کنندگان رشوه در سال ۲۰۰۸ شامل بیش از ۲۵۰۰ مصاحبه با مدیران ارشد تجاری در ۲۶ کشور و منطقه بود که در اکتبر ۲۰۰۸ تکمیل شد. کشورهای مورد بررسی بر اساس صادرات و واردات سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) و اهمیت در تجارت منطقه ای انتخاب شدند.[۳۹۳]

در هر معامله فاسدی دو طرف وجود دارد: رشوه گیرندگان و رشوه دهندگان. در آخرین BPI برای سال ۲۰۰۸، TI توجه خود را به سمت عرضه فساد متمرکز کرد. BPI به صورت دوسالانه به روز می شود. نتیجه گیری اصلی شاخص ۲۰۰۸ این است که شرکت های مستقر در بلژیک و کانادا کمترین احتمال رشوه دادن را دارند. در حالی که شرکت هایی از هند، چین و روسیه به عنوان شخصیت هایی تلقی می شوند که احتمال بیشتری دارد برای امضای یک قرارداد تجاری رشوه پیشنهاد دهند.[۳۹۴]

---

۳۹۲ -Charles Sampford, Arthur Shacklock, Carmel Connors and Fredrik Galtung(۲۰۰٦), Measuring corruption, Ashgate Publishing Company, p۱۱۰

۳۹۳ - R.N. Ghosh & Md Abu Bakar Siddique(۲۰۱٥) ,Corruption, good governance and economic development : contemporary analysis and case studies, World Scientific Publishing Co. Pte. Ltd,p ۱٦-۱۸

۳۹٤ - R.N. Ghosh & Md Abu Bakar Siddique(۲۰۱٥),Ibid.

شاخص فساد بانک جهانی یا شاخص کنترل فساد (CCI)[۳۹۵]

از دهه ۱۹۹۰، بانک جهانی علاقه وافری به سنجش فساد در چارچوب "حکمرانی خوب" به عنوان پیش‌شرط کمک‌های کشوری و کمک‌های پروژه‌ای داشته است. از نظر بانک جهانی حکمرانی خوب و کنترل فساد به عنوان راهبرد اصلی کاهش فقر ارزیابی می شود. بانک جهانی به دنبال به حداقل رساندن فساد در پروژه های مورد حمایت خود است. این نهاد همچنین تمام کمک های فنی خود را به کشورهایی ارائه می دهد که در جهت بهبود شیوه حکمرانی و کنترل فساد فعالیت کنند. بانک جهانی پس از انتقادها بر عملکردش، این موضع را اتخاذ کرده است : "فساد، به‌ویژه فساد گسترده در میان مقامات دولتی، نمی‌تواند در بلندمدت برای یک کشور مفید باشد" و این وظیفه هر دولت متمدن است که " حکمرانی شایسته" و بدون فساد را برای شهروندان و مردم خود فراهم کند.[۳۹۶] بر اساس مطالعه اخیر بانک جهانی (۲۰۰۹) موسوم به پروژه شاخص‌های حکمرانی جهانی، در فهرست فاسدترین کشورهای جهان این اسامی ذکر شده است: ونزوئلا، گینه، گینه استوایی، ساحل عاج، چاد، سودان، کنگو، آنگولا، جمهوری دموکراتیک کنگو، زیمباوه، سومالی، عراق، ترکمنستان، ازبکستان، افغانستان، میانمار، کامبوج، جمهوری دموکراتیک خلق کره (کره شمالی) و پاپوآ گینه نو.[۳۹۷]

راهنمای ریسک بین المللی کشور(ICRG)

این شاخص برای ارزیابی وضعیت بی ثباتی کشورها و معیاری ضمنی برای میزان فساد در آنهاست. راهنمای ریسک بین المللی کشور[۳۹۸] توسط PRS Group (PRS) به صورت ماهانه از ۱۹۸۰ منتشر می شود. این رتبه بندی ریسک های سیاسی، اقتصادی و مالی را برای کشورهایی که برای تجارت بین المللی مهم تلقی می شوند ارائه می دهد. یک شاخص برای هر یک از سه دسته ایجاد شده است. شاخص ریسک سیاسی بر اساس ۱۰۰ امتیاز است، در حالی که دو مورد باقی مانده هر دو بر اساس ۵۰ امتیاز هستند. سپس امتیازها جمع شده و بر دو تقسیم می‌شوند تا وزن‌هایی برای گنجاندن در امتیاز ترکیبی کشور به دست آید ، جایی که ۰–۴۹,۹ و ۸۰–۱۰۰ به ترتیب امتیاز نشان دهنده ریسک و از ریسک بسیار کم تا ریسک بسیار زیاد است. همچنین پیش بینی های یک و پنج ساله انجام می شود و بر اساس سناریوهای "بهترین" و "بدترین" دسته بندی می شوند.

رتبه بندی ریسک سیاسی از چندین مؤلفه از جمله عامل فساد تشکیل شده است. برای این جزء به هر کشور یک مقدار از ۶ داده می شود، که در آن ۶ نشان دهنده ریسک پایین فساد است. ICRG معتقد است که فساد بالقوه در اشکالی مانند حمایت بیش از حد و مخفیانه تأمین مالی احزاب می تواند منجر به ریسک زیادی برای تجارت

---

۳۹۵ - Control of Corruption Index (CCI)

۳۹۶ - R.N. Ghosh & Md Abu Bakar Siddique(۲۰۱۵) ,Corruption, good governance and economic development : contemporary analysis and case studies, World Scientific Publishing Co. Pte. Ltd,p۱۸-۱۹.

۳۹۷ - R.N. Ghosh & Md Abu Bakar Siddique(۲۰۱۵),Ibid.

۳۹۸ - International Country Risk Guide (ICRG).

خارجی شود زیرا می تواند منجر به کنترل های غیر واقعی و ناکارآمد بر اقتصاد دولتی و همچنین تشویق رشد بازار سیاه شود. تحریم های اقتصادی علاوه بر اینکه ریسک سیاسی کشورها را مستقیما افزایش می دهد، بطور غیر مستقیم از طریق رشد رانت و فساد و اتکاء به شبکه های مافیایی مخفی و پنهان برای دور زدن تحریم ها ، بر وخامت اوضاع می افزاید و ریسک بین المللی کشور تحریم شده را افزایش می دهد.

اطلاعات ریسک سیاسی به طور گسترده توسط شرکت های بزرگ چند ملیتی در تصمیم گیری در مورد سرمایه گذاری های خارجی در کشور ثالث استفاده می شود. این شاخص بطور صریح هیچ معیاری از سطح فساد در یک کشور ارائه نمی کند، اما به طور خاص ریسک سرمایه گذاری در صنعت (از لحاظ بخش) را در شرایط ناپایدار سیاسی در مقابل کشورهای با ثبات سیاسی اندازه گیری می کند. PRS در واقع می تواند به یک شرکت در طراحی یک سیستم پیش بینی ریسک جهت سرمایگذاری کمک کند.[۳۹۹]

شاخص عدم شفافیت یا آلودگی PwC

شاخص عدم شفافیت یا Opacity ایجاد شده توسط PwC[۴۰۰] در سال ۲۰۰۱ به ارتباط فساد ، با سیستم های حقوقی، نحوی مدیریت اقتصاد ، میزان شفافیت حسابداری و شفافیت نظارتی (CLEAR) می پردازد. این ۵ جنبه در یک شاخص ترکیب شده اند تا معیاری را در مورد درجه شفافیت و عدم شفافیت کلی محیط های اقتصادی کشورهای خاص به طور کلی ارائه دهند. نظرسنجی ها توسط بانکداران، تحلیلگران حقوق صاحبان سهام، مدیران ارشد مالی و متخصصان PwC در داخل کشور تکمیل می شود و به عنوان یک O-Factor (لیپسی، ۲۰۰۱) گردآوری می گردد.

از آن زمان، گروه کورتزمن با رد ایده استفاده از نظرسنجی ها برای گردآوری اطلاعات، به دلیل این باور که رهبران کسب و کار قادر به مقایسه شیوه های تجاری بین المللی خود با دیگران به دلیل عدم آگاهی از همتایان خارجی خود نیستند، این شاخص را گسترش داده است. درعوض، داده‌ها از منابعی مانند گزارش رقابت‌پذیری جهانی و شاخص آزادی اقتصادی جمع آوری می شوند تا مشخص شود نظام حقوقی یک کشور تا چه اندازه به کسب‌وکارها و سرمایه‌گذاران آن در زمینه حل اختلافات و ارائه حمایت حقوقی خدمات می‌دهد. سطح ریسک های اقتصادی که یک کشور با آن مواجه است، از جمله نفوذ باندهای جرایم سازمان یافته و موانع بوروکراتیک، توسط تعدادی از منابع مانند پایگاه داده ها و سامانه های اطلاعات کسب و کار بانک جهانی و گزارش رقابت پذیری جهانی تعیین می شود (کورتزمن و همکاران، ۲۰۰۴).

---

۳۹۹ - R.N. Ghosh & Md Abu Bakar Siddique(۲۰۱۵),Ibid,p ۱۹.

۴۰۰ - PricewaterhouseCoopers

برای محاسبه نمره عدم شفافیت [۴۰۱] یک زیرشاخص برای هر یک از پنج دسته CLEAR با استفاده از میانگین ساده برای تعیین امتیاز نهایی محاسبه می‌شود. سپس می توان به هر امتیاز نهایی با تعدیل ریسک و بازده نمره ی کدورت یا عدم شفافیت اختصاص داد که به عنوان ضریب تعدیلی برای نرخ بهره بیان می شود. این معادل نرخ بهره با گرفتن اختلاف بین کدورت کشور مبداء و مقصد و ضرب آن در ۰,۲۲۱۳. محاسبه می شود. برای مثال، اگر اختلاف نرخ بهره برای فرانسه معادل **۳,۵۳** باشد، سرمایه‌گذار آمریکایی که می‌خواهد در دارایی‌های فرانسه سرمایه‌گذاری کند، باید **۳,۵۳** درصد بیشتر از نرخ بهره دریافتی در ایالات متحده برای جبران خطر دریافت کند. [۴۰۲]

جدول 2.7 (2009)برخی از معیارهای متداول سنجش فساد

کشور	CPI	CCI
استرالیا	8	8
نیوزیلند	1	1
چین	79	136
مالزی	56	89
ژاپن	17	27
میانمار	178	213
سنگاپور	3	2
بنگلادش	139	177
هند	84	114
پاکستان	139	185
سریلانکا	97	118

The number of countries included in the CPI and CCI ranking are 180 and 213, respectively.

REF: Corruption, Good Governance and Economic Development, p ۲۳

۴۰۱ - opacity score

۴۰۲ - Corruption, Good Governance and Economic Development p ۲۰

جدول 9.4 رتبه همبستگی بین فساد و GDP سرانه

نوزده کشور به علاوه هند

کشور	GDP rank	CP rank
سنگاپور	1	2
USA	2	6
استرالیا	3	3
UK	4	5
آلمان	5	4
فرانسه	6	7
ایتالیا	7	10
نیوزیلند	8	1
کره جنوبی	9	8
روسیه	10	19
مالزی	11	9
ایران	12	18
تایلند	13	12
چین	14	11
سریلانکا	15	14
اندونزی	16	16
هند	17	13
پاکستان	18	17
نپال	19	15
19 کشور		
ضریب همبستگی رتبه ای	+ 0.785965	

Data sources:
1. http://www.transparencyindia.org/pdf/CPI_2008_table.pdf.
2. https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/rankorder/2004rank.html.

جریان آزاد اطلاعات به عنوان شاخصی از شفافیت عملکرد دولت در حکمرانی

در این مورد بیشترین توجه به جریان مربوط به انتشار داده های اقتصادی و اجتماعی توسط دولت ها معطوف می شود. انتشار بروز داده ها و اطلاعات اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و اعلام به هنگام فهرست نیازمندیها، مزایده ها و مناقصه ها، معامله ها و داده ها، قراردادها و اطلاع رسانی جدیدترین قوانین و مقررات و ضوابط مربوط به امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسط دولت ها مزایای بسیاری را برای شهروندان یک کشور در سطوح مختلف فراهم می کند. با این حال، (تمایل/ عدم تمایل) و (اقدام/ عدم اقدام) برای انتشار اطلاعات به روز جهت

اطلاع و آگاهی عموم میتواند به عنوان سیگنالی از میزان شفافیت سیاسی و نهادی مبنای ارزیابی عملکرد دولت در مواجهه با فساد ارزیابی شود. برای این منظور، یک شاخص جدید ایجاد شده است که پوشش گسترده ای در سراسر کشورها (۱۷۵ کشور) و زمان (۱۹۶۰–۲۰۰۵) دارد و بر اساس مقدار داده های اجتماعی–اقتصادی گزارش شده موجود در پایگاه های داده های شاخص های توسعه جهانی و آمار مالی بین المللی در مورد عملکرد دولت ها در این زمینه ارزیابی صورت می گیرد.

بررسی های تجربی نشان داده که در تعداد قابل توجهی از دولت ها در سراسر جهان داده های اقتصادی و اجتماعی اندك اندك و قطره چکانی برای مصرف عمومی عرضه می شود و جریان داده ها و اطلاعات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به طور نسبی آزاد می شوند. اگر این اطلاعات برای بسیاری از مردم مفید است، چرا آنها این کار را در سطح گسترده انجام نمی دهند؟ احتمالات گوناگونی مطرح است .انتشار جریان اندك اطلاعات ممکن است به این دلیل ساده باشد که دولت از لحاظ فنی و زیر ساختی ظرفیت یا توانایی انجام این کار را ندارد. این ناتوانی بویژه ممکن است از این واقعیت ناشی شود که دولت های کشورهای فقیر ممکن است متخصص کافی و بطور کلی منابع لازم و کافی برای تولید و انتشارآمار و اطلاعات را نداشته باشند. در واقع، شاید تولید و انتشار اطلاعات را تنها به عنوان یك نمایه برای نشان دادن سطح توسعه اقتصادی کشور تلقی کنند که این تلقی غلط است و دولت ها باید برای بستن راه ایجاد هرگونه رانت اطاعاتی ، زیر ساخت های نشر اطلاعات اقتصادی ، مالی و اجتماعی و فرهنگی را تقویت کنند. نتایج تجربی نشان داده که کشورهای پیشرفته صنعتی به دلیل بهره مندی از امکانات و توان بیشتر فنی و تخصصی ، اطلاعات بیشتری منتشر می کنند. به همین دلیل بی آنکه از ضرورت و اهمیت انتشار اطلاعات کاسته شود، نتایج نشان می دهد که آزاد سازی جریان اطلاعات عمدتا زمانی رخ می دهد که یک کشور مراحلی از توسعه اقتصادی را پشت سر گذارده باشد. ما در دنیایی به هم تنیده زندگی می کنیم که به تعبیر سعدی ((علیه الرحمه)) : "چوعضوی بدرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار و .. تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی " بنابر این صلح و سلامت اقتضا می کند همه اعضا جامعه جهانی در جهت صلح و سلامت با یکدیگر همکاری و تشریک مساعی داشته باشند. اگر چه انتقادهای زیادی بر عملکرد نهادهای بین المللی وجود دارد ، ولی راه و چاره آن واگرایی و انزوا طلبی نیست، بلکه نقش آفرینی بیشتر در جهت اصلاح عملکرد این نهادها و همگرایی و همکاری با دیگر اعضاست. بنابراین تضعیف نهادها و سازمان های بین المللی و یا عدم همکاری با آنها قابل توجیه نیست. متاسفانه ایران از جمله کشورهایی است که با بسیاری از نهادهای بین المللی و منجمله سازمان شفافیت بین الملل همکاری ندارند و با انزوا طلبی یا عدم پذیرش کنوانسیون های بین المللی ، نوعی خود تحریمی را بر کشور تحمیل کرده است. دولت جمهوری اسلامی ایران همچنین رویکرد سازنده ای در مورد ارائه اطلاعات و آمارهای رسمی اقتصادی ندارد و با اعمال محدودیت، ممنوعیت و فیلترینگ داده های اقتصادی و سرشماری ها ، از

طریق نهادهای مرتبط مانند مرکز آمار و بانک مرکزی و سایر نهادهای تحلیل گری داده های رسمی اقتصادی، در روند شفافیت عملکردها اختلال ایجاد می کند و به نهادهای دولتی تحت امر خود توصیه می کند که تنها آمارهای خوب و امیدار کننده را گزارش دهند. بعلاوه سابقه دستکاری داده ها و اطلاعات آماری را بـرای ایـن منظـور در کارنامه خود دارد. با این توصیف تصویر شفاف و روشنی از وضعیت جرم و فساد با کمک داده های آماری رسمی در ایران در اختیار نداریم و برای این منظور باید به داده های منابع ثانویه و یا سایر منابع غیر رسمی اتکا نماییم.

نظارت مدنی بر شاخص های جرم و فساد

جامعه مدنی، سازمان های مردم نهاد و روزنامه نگاران رکن مهمی در نظارت مدنی بر فعالیتهـای مجرمانـه در جوامع دموکراتیک هستند. فعالیت سازمان‌های غیرانتفاعی، خواه در سطح بین‌المللی، ملی یا محلـی مـی‌تواننـد بـه عنوان مکانیسم‌های کنش-واکنش و مقاومت و عمل نقش آفرینی کند و به آگاهی و پاسخگوسازی مناسب نسبت به جرایم و جنایات و مفاسد کمک کنند. اهمیت نقش آنها در حدی است کـه جـای دارد در یـک فصـل بـه آن بپردازیم، اما در اینجا برای اختصار تنها به نقش آنها اشاره می کنیم. تمرکز این سازمان‌ها از نظارت بر رفتار دولت ها یا گروه‌های جرایم فراملی/ سازمان‌یافته گرفته تا فهرست‌های نظارت بر جرایم شرکت‌ها و مقامات سیاسـی درون حاکمیت و مواردی دیگر که بیش از یک نوع آسیب یا جنایت را پوشش می‌دهنـد، در بـر مـی‌گیـرد. بـرای مثـال سازمان دیده بان حقوق بشر، عفو بین الملل و پزشکان بدون مرز، نهادهای فراملی مردم نهاد و غیر انتفاعی هستند که نقض حقوق بشر و ظلم و سرکوب دولتی در سراسر جهان را رصد می کنند. سازمان هایی مانند روزنامـه نگـاران بدون مرز، کمیته خبرنگاران برای آزادی مطبوعات از اصحاب رسانه دفـاع نمـوده و مـوارد نقـض آزادی بیـان و بازدداشت و زندانی شدن خبرنگاران را زیر نظر دارند و از حقوق روزنامه نگاران دفاع می کنند و در مورد جنایات قدرتمندان گزارش تهیه می کنند. علاوه بر این، سازمان هایی مانند سـازمان دیـده بـان جـرایم، گزارشـگر جـرایم شرکتی، و دیگران [۴۰۳]، همگی در مورد جنایات شرکت های داخلی و فراملی گزارش می دهند.[۴۰۴] رویکرد دولتهای مختلف در مواجه با نقش نهادهای مدنی و مطبوعات و رسانه ها متفاوت است و بسته به نوع و رویکرد دولت ها به موضوع مقابله با مفاسد و جرایم و سلامت نظام اداری ، از درجات مختلفی از آزادی و یا محـدودیت در فعالیـت برخوردارند . محدودیت ها تا جایی است که برخی از دولت های با نرخ بالای جرایم و مفاسد، عملا بـه زنـدان اصحاب رسانه و خبرنگاران و فعالان مدنی تبدیل شده اند.

۴۰۳ -Global Exchange ،Corp Watch و ،Third World Traveller

۴۰۴ - Crimes of the Powerful: White-Collar Crime and Beyond, p۲۲۸

فصل چهارم : اندازه اقتصاد سایه رابطه آن با جرم و فساد

یکی از موضوعاتی که در اقتصاد مورد مطالعه قرار گرفته است، علت وجودی اقتصاد سایه است. اگرچه درک ما از محرک های بالقوه اقتصاد سایه در دو دهه گذشته به طور قابل توجهی بهبود یافته است، اما همچنان سؤالات مربوط به الگوی رفتاری بلندمدت آن هنوز قابل بحث است.[۴۰۵] همچنین در مورد ماهیت رفتار کلان آن سوالاتی مطرح است. به عنوان مثال، آیا اندازه اقتصاد سایه به یک سطح معین همگرا می شود یا اینکه رابطه خطی بلندمدت قوی با عوامل تعیین کننده آن دارد؟ [۴۰۶] مطالعات و بررسی ها در تشریح علل بوجودآمدن اقتصاد سایه به موضوع نابرابری ها در جوامع مختلف، به تاثیر مهاجرت و پناهندگی ها براشتغال غیر رسمی و رشد اقتصاد سایه ، به درجه توسعه یافتگی جوامع، همچنین به سیاستها و مقررات دولتی، به شیوه حکمرانی دولت و رتبه جرم و فساد در جوامع و بسیاری از مسائل مختلف دیگر توجه نشان داده اند.

(کلمانسون و همکاران،۲۰۱۹) در یک مقاله ی کاری، محرک های اقتصاد سایه در اروپا با تمرکز بر اقتصادهای نوظهور را مورد بررسی قرار داده اند. آنها براساس نتایج مطالعات خویش معتقدند که یک اقتصاد سایه بزرگ نشانه ی ناکارآمدی در تخصیص منابع در اقتصاد است. بعلاوه اقتصاد سایه به انحراف در بازار کار ، تامین نابهینه کالاهای عمومی و تخصیص نامناسب منابع مالی منجر می شود. نتایج این بررسی نشان می دهد، که اندازه اقتصاد سایه در مورد کشورهای اروپایی از ۱۰ درصد تا ۴۰ درصد در نوسان است.در اقتصادهای پیشرفته صنعتی اروپا این رقم حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی آنهاست. اقتصادهای نوظهور سهم بیشتری از اقتصاد سایه دارند، بطور متوسط در حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی آن کشورهاست و در مورد کشورهای CIS[۴۰۷] ۴۰ درصد و بالاتر است. برخی از محرک های اقتصاد سایه در مورد هر کشور باید بطور منحصر بفرد بررسی شود، اما محرک هایی که مشترک هستند عبارتند از : فرار مالیاتی و مازاد نیروی کار یا بیکاری نیروی کار و بطور کلی وضعیت تعادلی در بازارکار ، همچنین توزیع ناعادلانه و نابرابر درآمدها، فساد و بروکراسی اداری و تمایل به فعالیت در بخش کشاورزی از محرک های رشد بخش غیر رسمی است. همچنین مقررات سنگین و سخت گیرانه خصوصا در مورد ورود به بازار کار و وجود موانع تجاری از عوامل حذف یا خروج از

---

۴۰۵ - Schneider and Enste (۲۰۰۰); La Porta and Shleifer(۲۰۰۸); Feld and Schneider (۲۰۱۰);Williams and Schneider (۲۰۱٦).

٤۰٦ - Corinne Deléchat, Leandro Medina :editor(۲۰۲۱),The global informal workforce : priorities for inclusive growth ,Chapter۳ :Dong Frank Wu and Friedrich Schneider,Nonlinearity between the Shadow Economy and Economic Development ,International Monetary Fund, Publication Services, p۸۷.

٤۰۷ - Commonwealth of Independent States (CIS) countries: کشورهای مشترک المنافع تازه استقلال یافته

اقتصاد رسمی و کوچ کردن به اقتصاد غیر رسمی است. ترجیحات فردی برای خود اشتغالی ، مزایای پایین استخدام رسمی و یا ثبت رسمی شرکت و مهارت و بهره وری پایین و فقدان سرمایه انسانی قابل ملاحظه از دیگر محرک های رشد اقتصاد سایه است.[۴۰۸]

(اشنایدر و مدینا، ۲۰۲۱)در بررسی های خود ، با روش MIMIC یک رابطه U شکل بین اندازه اقتصاد سایه و سطح توسعه اقتصادی را با استفاده از مجموعه داده های تابلویی که ۱۵۸ کشور را از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۵ پوشش می دهد، شناسایی کرده اند. آنها طیف گسترده ای از عوامل تعیین کننده اقتصاد سایه را در نظر گرفته اند و رگرسیون های مختلفی را برآورد کرده اند وآزمون تشخیصی برای استحکام روابط غیرخطی بین اقتصاد سایه و تولید ناخالص داخلی سرانه تایید شده است. نتایج آنها نشان می دهد که، پس از کنترل متغیرهای کلیدی اقتصادی، سیاستی و نهادی، اقتصادهای کمتر توسعه یافته شاهد یک رابطه منفی بین اندازه اقتصاد سایه و تولید ناخالص داخلی سرانه هستند. با این حال، زمانی که تولید ناخالص داخلی سرانه از یک آستانه فراتر رود، اندازه اقتصاد سایه با درآمد سرانه افزایش می‌یابد. این یافته‌ها با شواهدی اقتصادی سازگار است که بیان می کند، توسعه اقتصادی ممکن است دو اثر متضاد بر اندازه اقتصاد سایه داشته باشد.[۴۰۹]

ازیک سو، توسعه اقتصادی که با بهبود بهره‌وری و پیشرفت فناوری مشخص می‌شود، ممکن است از رشد بلندمدت اقتصاد سایه حمایت کند، زیرا توسعه پیشرفته به معنای سطح بالایی از سرمایه انسانی است که به افراد کمک می‌کند تا زندگی خود را تامین کنند. وقتی افراد تحت فشارهای مالی کمتری قرار می‌گیرند، تمایل و ترجیح بیشتری برای مشاغل غیررسمی ایجاد می شود، تا انعطاف‌پذیری بیشتری در کار به دست آورند یا به تعادل بهتری بین کار و زندگی برسند، به خصوص اگر تفاوت دستمزد بین بخش‌های رسمی و غیررسمی ناچیز باشد. علاوه بر این، نوآوری های فناورانه می تواند با ارائه مشاغل راحت تر و سیستم های پرداخت غیرمتمرکز قابل اعتماد، از اقتصاد سایه حمایت کند. از سوی دیگر، توسعه اقتصادی می تواند با ارائه کالاها و خدمات عمومی باکیفیت به کوچک کردن اقتصاد سایه کمک کند. توسعه اقتصادی پیشرفته معمولاً با ظرفیت نهادی قوی و زیرساخت های اجتماعی بهتر مشخص می شود که به جذب شرکت ها و افراد از بخش غیررسمی کمک می کند یا آنها را به ماندن در بخش رسمی تشویق می کند. این دو نیروی رقیب به طور مشترک اثر خالص توسعه اقتصادی بر

---

۴۰۸ -B. Kelmanson, K. Kirabaeva, L. Medina, B. Mircheva and J. Weiss(۲۰۱۹), Explaining the Shadow Economy in Europe: Size, Causes and Policy Options, IMF Working Papers, International Monetary Fund

۴۰۹ -Ibid;Dong Frank Wu and Friedrich Schneider,Nonlinearity between the Shadow Economy and Economic Development ,International Monetary Fund, Publication Services, pp۸۷-۸۸

اقتصاد سایه را تعیین می کنند : در سطح پایین توسعه ، اثر کوچک سازی مرتبط با توسعه اقتصادی نقش غالب ایفا می کند –افراد برای بهره مندی از مزایای بیشتر رشد اقتصادی به بخش رسمی می پیوندند و در نتیجه اقتصاد سایه کوچک می شود، اما در توسعه سطح بالا، تعداد بیشتری از اعضای خانواده آزادی مالی کافی برای در نظر گرفتن مشاغل غیررسمی برای دنبال کردن اهداف متنوع به دست می آورند. بنابراین، بخش غیررسمی به تدریج تجدید حیات می کند.[۴۱۰]

با توجه به پدیده دوگانگی یا دوالیتی که در ذات فرایند رشد و توسعه نا متوازن نهفته است، که پیامد آن افزایش نا برابری و ظهور دو طبقه اجتماعی بسیار مرفه و بسیار فقیر است، بررسی های بیشتردر درون کشورها نشان می دهد، اقتصاد غیر رسمی یا اقتصاد سایه در نتیجه توسعه اقتصادی تقریبا با الگویی مشابه آنچه در بالا شرح داده شد در درون طبقات جوامع در حال توسعه و توسعه یافته در حال تکوین و شکل گیری است.

سهم اقتصاد سایه بصورت درصدی از تولید ناخالص داخلی رسمی (۱۹۸۸–۲۰۰۰)

گروه کشورها	درصد از GDP
کشورهای در حال توسعه	۳۵–۴۴
کشورهای درحال گذار	۲۱–۳۰
کشورهای عضو OECD	۱۴–۱۶

براساس آخرین بررسی های (اشنایدر و مدینا،۲۰۱۸) سهم اقتصاد سایه در کشورهای آمریکای لاتین و کشورهای جنوب صحرای آفریقا برای دوره زمانی ۱۹۹۷– ۲۰۱۷به ترتیب ۳۸ درصد و ۳۹ درصد تولید ناخالص داخلی آنهاست.[۴۱۱]

فردریک اشنایدر به عنوان یکی از برجسته ترین و پرکارترین پژوهشگران مسائل اقتصاد سایه، در میان عوامل ایجاد و رشد اقتصاد سایه علاوه بر موضوعات فنی مربوط به سازو کارهای حسابداری ملی و مقررات و قوانین و انگیزه های فرار مالیاتی ، به سهم و نقش فساد و شیوه حکمرانی در رشد اقتصاد سایه اشاره می کند ، ولی عمده توجه و تاکید خودش را در توجیه مهمترین علل شکل گیری اقتصاد سایه بر مقررات مالیاتی و انگیزه فرار مالیاتی معطوف نموده است. او درکتاب خود با عنوان "پنهان شدن در سایه: رشد اقتصاد زیر زمینی " ، دلایل عمده رشد اقتصاد سایه را چنین برمی شمرد :

---

٤١٠ -Ibid;Dong Frank Wu and Friedrich Schneider,Nonlinearity between the Shadow Economy and Economic Development ,International Monetary Fund, Publication Services, pp٨٧-٨٨

٤١١ - Medina, L., & Schneider, F. (٢٠١٨). Shadow economies around the world: what did we learn over the last ٢٠ years?. IMF Working Papers, ٢٠١٨(١٧), ١–٧٦.

۱- بارمالیاتی و سهم تامین اجتماعی ۲- مقررات دولتی ۳- قوانین مالیاتی ۴- قوانین راه اندازی کسب وکار و قانون کار ۵- شیوه حکمرانی

او معتقد است که کشورهایی با نرخ مالیات نسبتا پایین، قوانین و مقررات کمتر، و یک دولت پایبند به حاکمیت قانون که به خوبی تثبیت شده است، تمایل دارند اقتصادهای سایه کوچکتری داشته باشند. مطالعات مدل‌سازی اقتصاد کلان و اقتصاد خرد بر اساس داده‌های چندین کشور نشان می‌دهد که نیروهای محرکه اصلی در پشت اندازه و رشد اقتصاد سایه افزایش بار مالیات و پرداخت‌های تامین اجتماعی، همراه با افزایش محدودیت‌ها در بازار رسمی کار است ، نرخ دستمزد در اقتصاد رسمی نیز نقش دارد. او در بحث شیوه حکمرانی برپایه نتایج تحقیقات انجام شده معتقد است اقتصاد سایه در کشورهایی که دولت متشکل از نهادهای قوی و کارآمد اجرایی، تقنینی و نظارتی هست، تمایل به کوچکترشدن دارند. اما در واقع، برخی از مطالعات نشان داده اند که فی نفسه این مالیات های بالاتر نیست که اندازه اقتصاد سایه را افزایش می دهد ، بلکه اعمال ناکارآمد و اختیاری نظام مالیاتی و مقررات توسط دولت ها است. یک اقتصاد به شدت مقرراتی و تنظیم شده ، اما همراه با مدیریت ضعیف و توام با صلاحدید و اختیارات باز در اجرا و اعمال قوانین، زمینه مناسبی را برای فعالیت های سایه فراهم می کند، زیرا در این دولت ها شرایط برای شکوفایی و رشد فساد فراهم می شود. با این حال تعداد کمی از مطالعات به طور تجربی رابطه بین فساد و اقتصاد سایه را بررسی کرده اند و یافته های آنهایی که این کار را انجام داده اند، نشان می دهد کشورهایی که فساد بیشتری دارند ، اقتصاد سایه نسبتاً بزرگ‌تری دارند. اقتصادهای توام با فساد اساساً به دنبال سوء استفاده از قدرت عمومی برای منفعت شخصی هستند. مقررات مالیاتی و نظارتی نامناسب توام با زمینه های سو استفاده از قدرت و اختیار و تحمیل بار مالیاتی سنگین بر دوش بنگاه ها، در کنار حاکمیت ضعیف قانون و شیوع رشوه ، به افزایش سهم نسبتاً بالایی از فعالیت ها در اقتصاد غیررسمی منتهی می شود، پدیده ای که بیشتر خاص کشورهای آمریکای لاتین و شرق اروپا و تازه استقلال یافته و جدا شده از اتحاد شوروی سابق و برخی کشورهای آفریقایی بوده است.[۴۱۲]

حتی بررسی تازه ترین نظریات اشنایدر هم نشان می دهد ، خط فکری که او در نهایت دنبال می کند همسویی با سیاست های کلی نهادهای بین المللی همچون بانک جهانی و صندوق بین الملل پول دارد. او در مطالعاتش متاسفانه به نقش قدرت های بزرگ اقتصادی که چالش های بزرگ سیاسی و امنیتی و

---

٤١٢ - Friedrich Schneider & Dominik Enste(۲۰۰۲), Hiding in the Shadows, The Growth of the Underground Economy, International Monetary Fund

اقتصادی در جهان ایجاد کرده اند و با زیاده خواهی های خود و سیاست های خود خواهانه و رویکرد گانگستری ، به جنگ وافراط گرایی، و به تبع آن آوارگی و پناهندگی میلیون ها انسان دامن زده و یا حمایت از حکومت های دست نشانده را فراهم آورده اند و از این طریق، به فرار سرمایه و رشد فساد و بالتبع رشد اقتصاد سایه در کشورهای فقیر و کمتر توسعه یافته جهان کمک کرده اند ، کمترین توجهی نشان نداده است. اشنایدر از تاثیر دیپلماسی بر موضوع فساد به اغماض می گذرد و موضوع فساد منتهی به رشد اقتصاد سایه را بطور ریشه ای و از دیدگاه اقتصاد سیاسی کلان و نگاه انتقادی به هژمونی حاکم بر نظم موجود جهان دنبال نمی کند. این دیدگاه سوگیرانه ی او که بر ادبیات اقتصاد سایه ، سایه افکنده ، در جای جای این کتاب مورد انتقادات جدی قرار گرفته است. به نظر می رسد دغدغه اصلی او در بررسی اندازه و سهم اقتصاد سایه، بهبود عملکرد دولت ها در مدیریت کلان اقتصادی هست ، در حالی که مشکل اصلی ، یعنی رشد اقتصاد سایه در مناطق مهمی از دنیای امروز به سوء عملکرد خود دولت ها برمی گردد و این موضوعی است که کمتر محل توجه قرار گرفته است. در تحقیق حاضر نشان داده می شود که تحریم های اعمال شده از سوی قدرت های بزرگ بر دیگر دولت ها، به رشد اقتصاد غیر رسمی، قاچاق ، اقتصاد زیر زمینی، رشد تروریست و پولشویی و جرایم سازمان یافته و سوق یافتن بخش های مهمی از اقتصاد این کشورها در سایه کمک کرده است. در تحقیق حاضر نشان داده می شود که حتی در خود کشورهای تحریم کننده ، بخش های غیررسمی، گاه غیرقانونی و شبکه های باندهای سازمان یافته قاچاق از قبیل قاچاق مواد مخدر و سلاح و مهمات ، از طریق راه اندازی جنگ و از کانالهای اعمال تحریم یا دور زدن تحریم ، در مواجه با کشورهای دیگر منتفع می گردند. این اهداف نه تنها در حوزه انتقال فن آوری و صنعت ، بلکه در حوزه انرژی و نفت ، در حوزه غذا و دارو و حوزه های امنیتی و نظامی از قبیل قاچاق اسلحه و مهمات دنبال می گردد.

در هر حال همانطوری که اشاره شد، بررسی های آماری اولیه بر اساس نظرسنجی ها چند دلیل برای اندازه های مختلف اقتصاد سایه ارائه می دهند. دلایل اصلی عبارتند از : بار مالیاتی واقعی (برای کارفرمایان وکارکنان مدیریتی)، فساد شدید در اداره دولت ، جنایت سازمان یافته (مافیا)، و عدم اعتماد به قانون، اجرا و تامین حقوق مالکیت که هریک در جای خود از اهمیت بالایی برخوردار هستند. این دلایل تا حدی تغییرات بزرگ در اندازه اقتصادهای سایه در روسیه و اوکراین از یک سو (به ترتیب ۴۱٪ و ۴۷,۳٪ از تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۵/۱۹۹۴) و لهستان، اسلواکی و رومانی از سوی دیگر با بازارهای سیاه نسبتا کوچک (بین ۷ تا ۱۸ درصد تولید ناخالص داخلی از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۵) توضیح می‌دهند.[۴۱۳] بطور کلی برای کشورهای توسعه‌یافته ، افزایش بار

٤١٣ - Friedrich Schneider and Dominik H. Enste (٢٠٠٤), shadow economy,p ٣٣

مالیاتی منجر به اقتصاد سایه بزرگ‌تر می‌شود، زیرا انگیزه‌های اشتغال "رسمی" مولد کاهش می‌یابد. اما در مورد کشورهای در حال توسعه، علاوه بر بار مالیاتی، فقدان حاکمیت قانون ، نهادهای نظارتی ضعیف، رهبران مستبد و فساد منجر به اقتصادهای سایه بزرگتر می شود.[۴۱۴]

فرار مالیاتی، یک شاخص مهم و جرم اقتصادی در تعیین اندازه اقتصاد سایه

استفاده از متغیر بار مالیاتی جهت تبیین اندازه اقتصاد سایه و میزان فرار مالیاتی به عنوان یک جرم اقتصادی در هر نظام اقتصادی موضوعی است که اساس مطالعات گوناگون انجام شده است. مطالعات مذکور نشان می دهد این متغیر تا حد زیادی قوی ترین تأثیر را بر اندازه اقتصاد سایه دارد، بطوری که آن را شاخصی برای اندازه اقتصاد سایه در نظر می گیرند. تنها استثنا، مطالعه فری و وک-هانمان (۱۹۸۴) است که در آن متغیر "بی اخلاقی مالیاتی" تأثیر کمی بیشتر و از نظر آماری قوی‌تر از سهم مالیات مستقیم در رویکرد مدل دارد. در مطالعه (Schneider و Pommerehne,۱۹۸۵)، برای ایالات متحده، علاوه بر اقدامات مالیاتی مختلف، داده های مربوط به مقررات، بی اخلاقی مالیاتی، نرخ حداقل دستمزد در دسترس است، اما متغیر مالیات تأثیر غالب دارد و تقریباً ۶۰ تا ۷۰ درصد در تعیین اندازه اقتصاد سایه اثر دارد. همچنین رجوع کنید به (زیلبرفرب،۱۹۸۶)[۴۱۵]

بار مالیاتی بالاتر چه در کشورهای توسعه یافته و چه در کشورهای در حال توسعه نشان دهنده ی تلاش دولت برای افزایش قدرت یا کنترل خود بر فعالان اقتصادی از یک سو و در عین حال کسب درآمد از سوی دیگراست. بدیهی است که ظرفیت دولت به توانایی آن در تأمین مالی تلاش‌هایش و توانایی افزایش مالیات‌ها به سطح مطلوب جهت حفظ کنترل امورگره خورده است. در جوامع تقسیم شده، کنترل بیش از حد ممکن است اقلیت های قومی را به حرکت های اعتراضی همچون خودمختاری یا شورش سوق دهد و خشونت سیاسی در اشکال مختلف آن شامل تروریسم نیز پیامد یک دولت اخاذ و زورگوست که بار مالی خود را بر دوش شهروندانش انداخته است.[۴۱۶]

در هر دو مورد، منطق منحنی لافر[۴۱۷] قابل تشخیص است ، جایی که افزایش مالیات در یک کشور در حال توسعه فراتر از حد مطلوب منجر به کاهش بخش رسمی و بزرگ شدن اقتصاد سایه می شود، زیرا با افزایش مالیات ها، انگیزه برای خروج از بخش رسمی ایجاد می شود. از نقطه نظر تئوریک، زمانی که مالیات به ۱۰۰ درصد درآمد برسد، اشتغال در اقتصاد رسمی صفر خواهد بود، در حالی که اشتغال در اقتصاد سایه کامل خواهد شد. به این ترتیب دولت با افزایش بار مالیاتی ، فعالان اقتصاد رسمی را به بازار سیاه هل می دهد و به رشد فعالیت های مخرب

---

٤١٤ - James J. F. Forest(٢٠٠٧), Countering terrorism and insurgency in the ٢١st century : international perspectives, Greenwood Publishing Group, Inc, p٩٤٦

٤١٥ - Friedrich Schneider and Dominik H. Enste (٢٠٠٤),shadow economy , Cambridge university press, p ٢١

٤١٦ - Ibid.

٤١٧ - Laffer Curve : منحنی لافر ارتباط میان درآمد مالیاتی و نرخ مالیات را نشان می دهد که منسوب به اقتصاددان آمریکایی ارتور لافر است و نرخ مالیاتی که حداکثر درآمد مالیاتی برای دولت فراهم می کند را تعیین می کند.

در اقتصاد سایه کمک می کند. فعالان اقتصادی به فعالیت‌های اقتصادی در سایه پناه برده و درآنجا پنهان می شوند. با انتقال سرمایه ها به اقتصاد سایه، بخش عمده نیروی کار هم از اقتصاد رسمی مهاجرت می کند و در اقتصاد سایه فعال می شود. این امر بدون شک می تواند پیامدهای سیاسی مخرب برای دولت داشته باشد و به رشد فعالیت های غیرقانونی، قاچاق ، جرم وجنایات و تروریسم منتهی می گردد. در کشورهای توسعه یافته، پیامدهای سیاسی افزایش بار مالیاتی عمدتاً از طریق نظرسنجی ها منتقل و احساس می شود، و واکنش به موقع و مناسب دولت می تواند از پیامدهای منفی آن بکاهد، در حالی که در کشورهای در حال توسعه به گسترش نارضایتی، شورش عمومی، جنگ داخلی و اقدامات تروریستی علیه دولت مستقر منتهی می گردد. اما در هر دو مورد، افزایش بار مالیاتی پیامدهایی برای اقتصاد سایه، اقتصاد رسمی و سیاست و نظام حکمرانی دارد.[۴۱۸]

جذابیت دلار امریکا –وجه رایج در اقتصاد پنهان و معاملات کلان قاچاق

در مطالعه ای توسط تانزی (۱۹۸۲، به ویژه صفحات ۱۱۰–۱۳) او به صراحت به انتقاد از نقش دلار در معاملات پنهان می پردازد. تحقیقات بسیار دقیقی در مورد مقدار دلار آمریکا که در خارج از کشور استفاده می شود و پول ایالات متحده در مبادلات اقتصاد سایه و برای فعالیت های جرم و جنایت "کلاسیک" توسط (Rogoff,۱۹۹۸) انجام شده است، که نتیجه می دهد اسکناس های بزرگ و دلارهای درشت یک نیروی محرکه اصلی برای رشد اقتصاد سایه و اقدامات مفسده آمیز و فعالیت های جرم و جنایت کلاسیک به دلیل کاهش هزینه های مبادلاتی هستند.[۴۱۹] در ایران تا دو دهه پیش که تورم همانند امروز، ارزش پول ملی را تنزل نداده بود ، نقش اسکناسهای درشت در مبادلات غیرقانونی اینگونه صادق بود که بسیاری از مجرمان ُخرد با دادن یک فقره تراول پنجاه هزار تومانی(پانصد هزار ریال)، یک مامور دولتی را در شهرداری و یا سایر اداراتی که کارشان درآنجا گیر بود ، برای دور زدن قانون مجاب می کردند، اما نه مامور اداره مالیاتی. امروزه با رشد فساد و همزمان بالا رفتن هزینه ها و افزایش تورم ، اسکناس های بزرگ هم دیگر کارایی خود را در بازار سیاه ایران از دست داده اند و فقط با ارقام میلیونی تا میلیاردی ، بسته به میزان و ارزش جرم و فساد، می توان قانون را دور زد و یا مقام و مامور دولتی را خرید. اخیرا گزارش های غیر رسمی وجود دارد که نشان می دهد دلار و بیت کوین در مبادلات اقتصاد سایه در ایران جایگزین ریال شده است. با این حال، نتایج مطالعات در موردکشورهای اروپایی، (Kirchg¨assner,۱۹۸۳،۱۹۸۴) و (Schneider, ۱۹۸۶) نشان می دهد که نقش دلار در آلمان، دانمارک، نروژ و سوئد هنگام استفاده از روش تقاضای ارز کاملاً قوی است. هیل و کبیر (۱۹۹۶) برای کانادا نشان می دهند که رشد اقتصاد سایه با توجه به متغیر مالیاتی مورد استفاده متفاوت است.[۴۲۰]

---

٤١٨ - Forest(٢٠٠٧),Ibid, p ٩٤٧
٤١٩ - Friedrich Schneider & Dominik H. Enste(٢٠٠٤), shadow economy , Cambridge university press, p٢٢
٤٢٠ - Friedrich Schneider & Dominik H. Enste (٢٠٠٤), Ibid.

اقتصاد سایه، بازار کار و مهاجرت

در مطالعه ای که (باوی، ۲۰۰۴)در باره اقتصاد ایتالیا انجام داده، با طرح این پرسش که :" در یک نظام مالیه بسیار بدهکار، مانند ایتالیا، ممکن است مفید باشد که از خود بپرسیم آیا سیاست مالی می‌تواند در یک دوره طولانی از مازاد استمرار یابد، به این امید که بخش رسمی واکنش حساسی نشان ندهد؟ "، به اقتصاد سایه و کنش –واکنش های بازارکار در ایتالیا توجه نشان داده است. پاسخ خود او به پرسش مطرح شده این است که "فرار دسته جمعی از بخش رسمی اقتصاد " به طور چشمگیری درآمدهای دولت را کاهش می دهد و وضعیت بودجه عمومی را بدتر می کند. او خاطر نشان می سازد که ادبیات اقتصادی نشان می‌دهد : نرخ‌های مالیات هم با عرضه نیروی کار و/یا، همانطور که اخیراً توسط (گولزبی ، ۱۹۹۹) اشاره شد ، با فرار مالیاتی ارتباط منفی دارد. لذا این پیوندها می تواند از سیاست های بازار کار نیز ناشی شود.[۴۲۱] در مقاله بوئری و گاریبالدی (۲۰۰۲) استدلال شده است که هرگونه سیاست کاهش بیکاری به طور درونزا باعث کاهش اشتغال در اقتصاد سایه می شود، در حالی که کاهش اشتغال در اقتصاد سایه با افزایش نرخ بیکاری بسیار دشوار است. با یک دید خوشبینانه نسبت به موضوع می توان انتظار داشت، در فضای رکود و افول اقتصادی ، اقتصاد زیرزمینی احتمالا کارکرد اقتصادی و اجتماعی مفیدی را ایفا کند و برای بخشی از کارگران دچار تنگی معیشت، شغل ایجاد کند. علاوه بر این، از دیدگاه شرکت‌ها و بنگاه ها، مجموعه کارگران غیرمجاز(اتباع بیگانه و سیاه پوستان) اجازه افزایش درجه انعطاف‌پذیری (در دستمزدها) را می‌دهند (iSignorell، ۱۹۹۷؛ Castellucci and Bovi ، ۱۹۹۹)، از دیدگاه مالیه عمومی، تا جایی که سیاست‌گذاران بتوانند درآمدهای با منشاء فعالیت غیرقانونی را به رسمیت شناخته و به درآمدهای قانونی تبدیل کنند، اقتصاد زیرزمینی می‌تواند به‌عنوان یک منبع تامین درآمد برای دولت هم تلقی شود تا یک محدودیت. بخشودگی های مالیاتی که در دهه های گذشته در ایتالیا به اجرا درآمده اند، تاییدی است که در رابطه با این احتمال وجود دارد.[۴۲۲]

در برخی از مطالعات و بررسی ها وجود نابرابری جنسیتی میان زنان–مردان جویای کار منجر به تمایل بیشتر زنان برای کار در بخش غیر رسمی شده است. زنان به دلایل مختلف همچون انعطاف در ساعات کاری و آزادی حضور همراه با فرزندان در محیط کار غیر رسمی ، تمایل بیشتری نسبت به مردان جهت کار در بخش غیررسمی دارند. اما عواملی مانند رفت و آمدهای دشوار یا ناامن، فقر و تبعیض در محل کار می توانند بر نتایج بازار کار زنان تأثیر بگذارند. (مالتا و دیگران، ۲۰۲۱) سه مورد از

---

٤٢١ - Maurizio Bovi(٢٠٠٤),THE DARK, AND INDEPENDENT, SIDE OF ITALY, Istituto di Studi e Analisi Economica ,Working paper No. ٤٦.

٤٢٢ - Maurizio Bovi(٢٠٠٤),Ibid.

رایج ترین عوامل را در این نوع بازار کار در کشورهای جنوب صحرای آفریقا بررسی کرده اند: سطوح پایین تر تحصیلات (اغلب به دلیل ازدواج زودهنگام و بارداری)، هنجارهای اجتماعی (ترجیح برای اشتغال انعطاف پذیر به دلیل کار مراقبتی بدون مزد و مسئولیت های خانگی)، و موانع قانونی.[۴۲۳] بدیهی است وقتی گفته می شود بخش غیر رسمی، لزوما معادل با بخش غیر قانونی و فعالیتهای ممنوعه نیست، بلکه کار در مزرعه ، چراگاه ، دامپروری و خدمات خانگی در منزل ارباب هم شامل می شود.

طبق گزارش سازمان بین المللی کار(ILO:۲۰۱۸) ، اقتصاد غیررسمی در سراسر جهان به ویژه در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه گسترده است، ۷۰ درصد اشتغال در این اقتصادها غیررسمی است، در حالی که تنها ۱۸ درصد اشتغال غیر رسمی در اقتصادهای پیشرفته وجود دارد. کار غیررسمی حتی سهم بیشتری در کشورهای جنوب صحرای آفریقا دارد که معادل ۹۲ درصد از کل اشتغال است. صندوق بین المللی پول (b۲۰۱۷) تخمین می زند که بخش غیررسمی در جنوب صحرای آفریقا بین سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴، ۳۸ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است با این حال، کشورهای جنوب صحرای آفریقا تنوع گسترده ای را در اندازه اقتصاد غیررسمی نشان می دهند. به عنوان مثال، در موریس، بخش غیررسمی کوچک است و به حدود ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی در نوسان است که با کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه قابل مقایسه است. با این حال در نیجریه، اقتصاد غیررسمی بیش از ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهد. در کل در جنوب صحرای آفریقا، مشاغل غیررسمی عمدتا در بخش کشاورزی متمرکز هستند، در حالی که بیشتر مشاغل رسمی در بخش خدمات هستند.[۴۲۴]

بررسی های دیگر نشان داده که مهاجرین و نیروی کار غیر بومی در فعالیت های اقتصادی سایه مشارکت بیشتری دارند. بطوری که فعالیت‌های اقتصادی در سایه و مهاجرت نقش مکملی در کاهش فقر ایفا می کنند و یک شبکه ایمنی برای فقرا فراهم می کنند.این ممکن است تنها شامل مهاجرت های درون قلمرو ملی باشد یا مهاجرت به سایر کشورها. در کشورهایی که مهاجرت نیروی کار زیاد است ، اقتصاد سایه می تواند به عنوان یک شبکه ایمنی اجتماعی عمل کند. در این کشورها اقدامات سیاستی باید بر بهبود انگیزه برای کارگران غیررسمی برای انتقال به بخش رسمی متمرکز شود. زمانی که فعالیت‌های غیررسمی عمدتاً توسط عوامل طرد شده انجام می‌شوند، تمرکز صرف بر اجرا و انطباق

---

۴۲۳ - Corinne Deléchat, Leandro Medina :editor(۲۰۲۱),The global informal workforce : priorities for inclusive growth , Chapter ۷:Vivian Malta, Lisa Kolovich, Angelica Martínez Leyva,and Marina M. Tavares(۲۰۲۱),The Close Relationship between Informality and Gender Gaps in Sub-Saharan Africa; International Monetary Fund, Publication Services, pp۱۹۲-۱۹۳

۴۲۴ - Ibid, pp۱۹٤-۱۹٥

ممکن است به استخدام کارگران غیررسمی منجر شود که به دنبال کار در خارج از کشور بوده اند و به سایه رانده شده اند. در چنین شرایطی، شرکت های خارج از تجارت ، تشویق به ایجاد شغل در بخش خصوصی و تقویت شکل‌گیری مهارت‌ها و کمک به خارج کردن شرکت‌ها و کارگران از اقتصاد سایه می‌کنند که باعث رشد فراگیرتر می‌شود.[۴۲۵]

بررسی وضعیت کار برای مهاجران و پناهندگان در انگلیس نشان می دهد، بخش کوچکی از جمعیت پناهندگان در اقتصاد غیررسمی با پول نقد کار می کنند. مانند لندنی های غیر پناهنده که در اقتصاد غیررسمی کار می کنند، دلایل اصلی آن فقر و موانع دسترسی به بازار کار رسمی است. دلایل خاصی برای کار غیررسمی برای پناهندگان وجود دارد، مانند دانش ناکافی در مورد حق حمایت و مزایا، مشکلات فرهنگی و زبانی، ناآشنایی با نحوه عملکرد بازار کار بریتانیا، عدم درک کارفرمایان از حقوق پناهندگی برای کار، شناخت محدود مهارت ها و تجربیات به دست آمده در خارج از اتحادیه اروپا، تجربه دوره های طولانی بیکاری در طول پروسه پناهندگی و تأخیر در دریافت مدارك در هنگام اعطای وضعیت پناهندگی از جمله مهمترین دلایل جذب پناهندگان به بخش غیر رسمی است. نتایج همین بررسی گزارش می دهد در بریتانیا، اقتصاد غیررسمی سالانه ۱۲,۳ درصد از تولید ناخالص داخلی یا حدود ۱۲۰ میلیارد پوند را تشکیل می دهد و حدود ۲۰ درصد از افراد در سن کار مرتبط با انجمن پناهندگان ، در یکسال گذشته (۲۰۱۰) نوعی کار غیررسمی را انجام داده اند.[۴۲۶]

تحقیق یاد شده نشان می دهد دلیل اصلی کار غیررسمی پناهندگان ، فقر است. این نتایج تاییدکننده تحقیقات دیگری است که رابطه افراد با درآمد پایین را با کار غیررسمی و یا رابطه حقوق و فقر مورد بررسی قرار داده است. این افراد برای تامین هزینه های زندگی خود نیاز به کار داشتند. احساس می شد که قیمت بالای زندگی در لندن این مشکل را تشدید کند. هم افراد با مهارت بالا و هم افراد کم مهارت از طیفی از جوامع مختلف پناهنده به دلیل موانع کار در اقتصاد رسمی و نیاز به درآمد برای خود و خانواده شان، به کار غیررسمی مشغول هستند. برخی شواهد از الگوهای جنسیتی کار نیز یافت شده است.[۴۲۷]

(آرینا و ویسژ،۲۰۲۱)تأثیر مهاجرت را بر اشتغال بومی در بخش‌های رسمی و غیررسمی در سه کشور آفریقایی جنوب صحرا ارزیابی کرده اند. نتایج بررسی آنها نشان داده زمانی که کارگران خارجی

۴۲۵ -Ben Kelmanson & etal(۲۰۲۱),Chapter۲ : Corinne Deléchat, Leandro Medina :editor(۲۰۲۱),The global informal workforce : priorities for inclusive growth ,p۸۰

۴۲۶ - Refugee Council(۲۰۱۱) , Understanding the informal economic activity of refugees in London, Community Links and The Refugee Council.

۴۲۷ - Ibid

و بـومی مهـارت‌هـای جـایگزین داشـته باشـند، مهـاجرت ، عرضـه نیـروی کـار در بخـش رسـمی را افـزایش مـی‌دهـد، اشـتغال بـومی در آن بخـش را کـاهش مـی‌دهـد و کـارگران بـومی را بـه جسـتجوی شـغل در بخـش غیررسـمی ترغیـب مـی‌کنـد. زمـانی کـه کـارگران بـومی و خـارجی مهـارت‌هـای مکمـل دارنـد، مهـاجرت تقاضای نیروی کـار در بخش رسـمی را افـزایش مـی‌دهـد و در نتیجـه اشـتغال بیشـتر و توسـعه و رشـد اقتصـادی بیشتر می‌شود که به نوبه خود باعث ایجاد شغل در بخش غیررسمی هم می شود.[۴۲۸]

تامن (۲۰۱۶) با استفاده از داده های نظرسنجی در مورد مهاجرت اجباری از سوریه به ترکیـه، تـأثیر پناهنـدگان سوری در اقتصاد کار ترکیه را تجزیه و تحلیل می کند و نتایج بـازار کـار، از جملـه اشـتغال رسـمی و غیررسـمی، بیکاری، دستمزدها و شاخص های قیمت را بررسی می کند. مقاله تامن از تنوع منطقه ای شـبه تجربـی در تمرکـز پناهندگان قبل و بعد از ورود پناهجویان (و به همین ترتیب، متعلق به ادبیات رویکرد منطقه) استفاده کرد و دریافت که هجوم پناهندگان سوری باعث کاهش اشتغال غیررسمی و همچنین کاهش قیمت ها، هزینه ها و دستمزدها شده است.[۴۲۹] (این به دلیل ساماندهی نیروی کار پناهندگان توسط دولت ترکیه از طریق صدور مجوز کار با تامین مالی از نهادهای بین المللی و سازمان های غیر دولتی حمایت از پناهندگان بوده است). امـا بـا بررسـی میـدانی ، نتـایج را می توان چنین ارزیابی کرد : کارگران سوری برای کارفرمایان ترکیه بسـیار ارزان هسـتند. اگـر از کارفرمـایی مـی خواستم که اجازه کار به من بدهد، به من می گفت که برو، او می گفت که کارگر دیگری پیدا می کند که اجازه کار نخواهد. [...] پول برای کارفرمایان ترک حرف اول را می زند. وقتی پای پول به میان می‌آید، هر کاری می‌کنند تا آن را از دست ندهند. حتی زمانی که یک سازمان هلندی [اتحادیه ی کار، یک سازمان غیردولتی که به پناهندگان سوری در ترکیه کمک می کند] پیشنهاد پرداخت هزینه مجوز کار را داد، کارفرمایان نمی خواسـتند بـرای مجـوز درخواست دهند. (مصاحبه شونده ۲۴) مـی گویـد : کارفرمایـان تـرک ابتـدا از درخواسـت مجـوز کـار خـودداری می کردند زیرا می خواستند از پرداخت هزینه مجوزها خودداری کنند. این هزینه در ابتدا ۹۰ دلار آمریکا برای هـر مجوز بود، اما در دسامبر ۲۰۱۷ به ۳۳ دلار آمریکا کاهش یافت (استناد: قانون کـار ترکیـه ۲۰۱۷). عـلاوه بـر ایـن، کارفرمایان می خواستند از پرداخت حداقل دستمزد ماهانه که توسط دولت ترکیه تعیین شده است، به کارگران غیر بومی و پناهنده خودداری کنند. مقررات مربوط به مجوزهای کار تصریح می کند که پناهندگان سوری که به طور قانونی شاغل هستند باید حداقل حقوق ماهانه را دریافت کنند، اما کارفرمایان ترجیح می دهند کارگران را به صورت غیررسمی استخدام کنند و کمتر از حداقل قانونی به آنها دستمزد بدهند. شواهد تحقیقاتی نشـان داد کـه کـارگران غیررسـمی سوری دستمزد بسیار کمتری از حداقل دستمزدها دریافت مـی‌کننـد(آیهـان وکـراچ ، ۲۰۱۶، ۲۹؛ تـورن

---

٤٢٨ - Corinne Deléchat, Leandro Medina :editor(٢٠٢١),The global informal workforce : priorities for inclusive growth , Chapter ٦- p١٧٠

٤٢٩ - Corinne Deléchat, Leandro Medina :editor(٢٠٢١), Ibid.

۲۰۱۸، ۴۱). شرکت‌های تحت مدیریت کارفرمایان ترک با استخدام و بهره گیری از سوری‌های شاغل غیررسمی مزیتی به دست آوردند که آنها را قادر می‌سازد تا بحران اقتصادی داخلی را تحمل کنند و موقعیت خود را در عرصه رقابتی جهانی بهبود بخشند (Bélanger and Saraçoğlu Citation,۲۰۲۰ ۲۰۲۰). با توجه به اینکه بسیاری از شرکت‌های ترکیه (مثلاً شرکت‌های در بخش پوشاک و کشاورزی) پیمانکاران فرعی شرکت‌های فراملیتی بودند، سوری‌های شاغل غیررسمی به نیروی کار ارزانی تبدیل شدند که به‌طور غیرمستقیم توسط این شرکت‌ها مورد استثمار قرار می گیرند (کورکماز Citation,۲۰۱۹)

نظریه داوطلبانه ادعا می کند که کارگران ،کار غیررسمی را به دلایل پولی (مانند تامین درآمد بیشتر، عدم پرداخت مالیات) و غیر پولی (مانند ساعات کاری انعطاف پذیر، افزایش استقلال، "ساخت جامعه") انتخاب می کنند (مالونی Citation, ۲۰۰۴ ,۲۰۰۴Citation Williams-۲۶). این دوگانگی بین انگیزه های اقتصادی و غیراقتصادی برای انتخاب کار غیررسمی در مورد پناهندگان سوری آشکار شد. مصاحبه های انجام شده برای این تحقیق دلایل پولی و غیر پولی زیر را در پس تصمیمات کارگران سوری برای ماندن در بخش غیررسمی آشکار کرد. اولاً، بسیاری از سوری‌ها هم نمی‌خواستند برای مجوز کار درخواست دهند، زیرا نمی‌خواستند کمک‌های بشردوستانه (مانند کمک‌های نقدی و غیرنقدی) سازمان‌های دولتی و غیردولتی را از دست بدهند (SEFCitation, ۲۰۱۸ –۱۱–۱۲). به عنوان مثال، اتحادیه اروپا برنامه شبکه ایمنی اجتماعی اضطراری (ESSN) را تأمین مالی کرد، که بزرگترین طرح انتقال پول نقد در ترکیه است که به بیش از ۱٫۵ میلیون از آسیب پذیرترین پناهندگان کمک می کند (WFP-Citation,۲۰۱۹). یکی از شرایط دریافت کمکهای نقدی – حدود ۲۰ دلار آمریکا در ماه –این بود که ذینفع باید بیکار باشد. اگر ذینفع با یک مجوز کار معتبر شروع به کار می کرد ، یا یک تجارت و کسب و کار ثبت شده در ترکیه افتتاح می کرد، او و همه اعضای خانواده اش از دریافت این کمک نقدی ناچیز محروم می شدند. همین امر در مورد اکثر کمک‌های بشردوستانه و کمک‌های مالی به پناهندگان سوری مقیم ترکیه نیز صدق می کند.(SEF Citation,۲۰۱۸–۱۲). در نتیجه، برخی از سوری‌هایی که از این کمک‌ها بهره می‌برند، ترجیح می‌دهند به صورت غیررسمی کار کنند تا منبع درآمدی داشته باشند و در عین حال، کمک‌های بشردوستانه را برای خود حفظ کنند. (WFPCitation,۲۰۱۹).

چنانکه می دانیم، یکی از معضلات کشورهای کمتر توسعه یافته و فقیر، ناتوانی سیستم اجتماعی و فساد دولت هاست که موجب مهاجرت سرمایه انسانی، فرار مغزها و تقلیل سرمایه فکری دراین جوامع می گردد. بزرگ بودن اقتصاد سایه در کشورهای جهان سومی، با کاهش سرمایه انسانی از طریق عواملی

همچون فرار نخبگان و داشمندان و یا فرار مغزها و تنزل و کاهش سرمایه فکری درآن جوامع در ارتباط است. این موضوع می تواند محل تامل و بررسی بیشتر باشد. نتایج تجربی برخی مطالعات انجام شده نشان می دهد که متغیرهای آموزشی اندازه اقتصاد سایه را کاهش می دهند. امتیاز هوش (IQ) به عنوان دستاورد آموزشی برای بررسی تأثیر بر اندازه اقتصاد سایه در مطالعه ای(صلاح الدین،۲۰۱۵) استفاده شده، نتایج بررسی او نشان می‌دهد که افزایش نمره بهره هوشی با یک انحراف معیار، اندازه اقتصاد سایه را حدود ۸,۵ واحد درصد از تولید ناخالص داخلی کاهش می‌دهد. علاوه بر این، سطح تحصیلات بالاتر، سطح بالاتری از درک و احترام به قوانین را تعیین می کند.[۴۳۰] این درک بهبود یافته، با جرم اقتصادی و مالی کوچکتر و کوچک شدن اقتصاد سایه همراه است.[۴۳۱] او استدلال می کند که سرمایه انسانی بر فعالیت های سایه نوظهور تأثیر منفی می گذارد. افراد با سطح تحصیلات بالا، هنجارها و دستورات اجتماعی و خطرات مربوط به نقض قانون را بهتر درک خواهند کرد. به این ترتیب، آنها به فعالیت های اقتصادی در سایه ، خصوصا فعالیت های غیرقانونی نخواهند پیوست.[۴۳۲]

مطالعه ای که در مورد کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی ASEAN (کشورهای جنوب شرق آسیا) انجام شده نشان می دهد، که سرمایه فکری در سطح ملی بر اندازه اقتصاد سایه تأثیر منفی و معناداری دارد. این یافته حاکی از آن است که افزایش سرمایه فکری ملی ، اندازه اقتصاد سایه را کاهش می دهد. این دو نیرو منجر به افزایش رشد اقتصادی می شوند. آزمون علیت گرانجر در مورد نتایج تایید شده و نتیجه گیری شده است که سیاست‌های هدف‌گذاری شده برای کاهش اندازه اقتصاد سایه می‌تواند شامل انباشت سرمایه فکری ملی، بهویژه برای کشورهای آسیای جنوب شرقی باشد.[۴۳۳]

روش های برآورد اندازه اقتصاد سایه

سه روش عمده برای برآورد اندازه ی اقتصاد سایه مطرح شده است که در ادامه به شرح و بررسی هریک ازآنها می پردازیم :

۱-روش مستقیم که در سطح خرد ، هدف آن تعیین اندازه اقتصاد سایه در یک مقطع زمانی مشخص است.

---

٤٣٠ - Salahodjaev R(٢٠١٥), Intelligence and shadow economy: A cross-country empirical assessment. Intelligence. ٤٩:١٢٩–١٣٣.

٤٣١ - Achim MV, Borlea SN, Văidean VL, Rus AI, Dobre F. The impact of intelligence on economic and financial crime: A cross-country study. Singap. Econ. Rev. ٢٠٢١; ١–٣٤. https://doi.org/١٠,١١٤٢/ S٠٢١٧٥٩٠٨٢٠٥٠٠٧٨٢; Berrittella M. The effect of public education expenditure on shadow economy: A cross-country analysis. J Int Econ. ٢٠١٥; ٢٩:٥٢٧–٥٤٦.

٤٣٢ - Toan Pham-Khanh Tran, Phuc Van Nguyen, Quyen Le-Hoang-Thuy-To NguyenID, Ngoc Phu TranID, Duc Hong VoID(٢٠٢٢), Does national intellectual capital matter for shadow economy in the Southeast Asian countries?, PLoS ONE ١٧(٥): e٠٢٦٧٣٢٨. https://doi.org/١٠,١٣٧١/journal.pone.٠٢٦٧٣٢٨.

٤٣٣ - Toan Pham-Khanh Tran, Phuc Van Nguyen, Quyen Le-Hoang-Thuy-To NguyenID, Ngoc Phu TranID, Duc Hong VoID(٢٠٢٢),Ibid

۲- روش غیرمستقیم که از شاخص‌های کلان اقتصادی برای پیش‌بینی رشد اقتصاد سایه استفاده می‌کنند.
۳- روش های آماری که برای تخمین اقتصاد سایه از یک متغیر "مشاهده نشده" استفاده می کند.

رهیافت مستقیم در برآورد اقتصاد سایه :

این رهیافت یا رویکرد مبتنی بر بررسی های خُرد هست که عمدتا از نظرسنجی ها با نمونه گیری های خوب طراحی شده بر اساس پاسخ های داوطلبانه یا از روش حسابرسی مالیاتی و یا سایر روش های انطباق ، مقایسه و مغایرت استفاده می کند. روش نمونه گیری طراحی شده برای برآورد اقتصاد سایه به طور گسترده در تعدادی از کشورها استفاده می شود. عیب اصلی این روش آن است که ایرادات و کاستی های همه گزارش ها را در خود منعکس می کند. برای مثال، میانگین دقت و نتایج تا حد زیادی به تمایل پاسخ‌دهندگان برای همکاری بستگی دارد، ارزیابی میزان کار اعلام نشده از طریق پرسشنامه مستقیم (مبتنی برخود اظهاری اشخاص و نهادها) دشوار است، اغلب مصاحبه‌شوند گان در اعتراف به یک رفتار متقلبانه تردید دارند و یا آن را اظهار نمی کنند و کتمان می کنند و پاسخ‌ها قابل اعتماد نیستند. این نقص باعث می‌شود محاسبه و برآورد واقعی (از نظر پولی) از وسعت اقدامات و فعالیت های اعلام نشده دشوار گردد. اما مزیت اصلی این روش در آن است که شمایی کلی و نه چندان دقیق از ساختار اقتصاد سایه ارائه می دهد، هرچند که نتایج حاصل از این نوع نظرسنجی ها نسبت به نحوه تنظیم پرسشنامه بسیار حساس است.[۴۳۴] اشکالات عدیده ای که این روش دارد آن را چندان مورد تایید قرار نمی دهد. دیگر اینکه ممکن است روش پرسشنامه ای تحت کنترل ماموران اداره مالیاتی که محتملا در صدد کشف تخلفات فرار مالیاتی مودیان هستند، روی پاسخ ها و رضایت و همکاری پاسخ دهندگان اثر بگذرد. این رویکرد برون یابی در مورد اجتناب مالیاتی در اقتصاد ملی را به دنبال دارد.[۴۳۵] به طور کلی، انتخاب مودیان مالیاتی برای حسابرسی مالیاتی تصادفی نیست ، بلکه بر اساس ویژگی‌های اظهارنامه‌های ارسالی (مالیاتی) است که نشان‌دهنده احتمال مشخصی از تقلب (مالیاتی) است. در نتیجه، چنین نمونه‌ای یک نمونه تصادفی از کل جامعه نیست و تخمین‌های اندازه فعالیتهای سایه بر اساس یک نمونه جهت دار ممکن است دقیق نباشد. تخمین دوم بر اساس حسابرسی مالیاتی تنها بخشی از درآمد اقتصاد سایه را منعکس می کند که مقامات موفق به کشف آن شده اند و این احتمالاً تنها کسری از درآمد پنهان است و نه تمام آن.[۴۳۶]

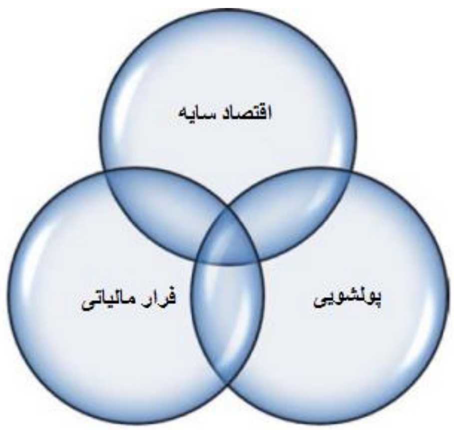
یکی دیگر از معایب این دو روش مستقیم (گزارش گیری از طریق پرسشنامه و یا حسابرسی مالیاتی) این است که آنها فقط به برآوردی نقطه ای (مقطعی) منتهی می شوند. علاوه بر این، بعید است که آنها تمام فعالیت های "سایه"

---

٤٣٤ -Friedrich Schneider, Robert Klinglmair(٢٠٠٤),Ibid
٤٣٥ -Monica Violeta Achim & Sorin Nicolae Borlea , Economic and Financial Crime. Theoretical and Methodological Approaches ,p٥
٤٣٦ - Ibid

را در بر گیرند، بنابر این می توان آنها را به عنوان ارائه تخمین های کران پایین (یا برآوردهای حداقلی) تلقی کرد. آنها قادر به ارائه برآوردی قابل اعتماد از رشد و گسترش اقتصاد سایه در یک دوره زمانی طولانی نیستند. اما همانطور که قبلاً اشاره شد ، آنها حداقل یک مزیت قابل توجه دارند که می توانند اطلاعاتی کلی در مورد فعالیت های اقتصاد سایه و ساختار و ترکیب افرادی که در اقتصاد سایه کار می کنند ارائه دهند.[۴۳۷]

در هرحال ، عیب اصلی روش های مستقیم (استفاده از نظرسنجی ها یا کنترل های مالیاتی) این است که ماهیت تخمینی دارند. بعلاوه این روش ها شامل فقط بخشی از فعالیت های اقتصاد سایه است و همانطوری که گفته شد احتمالا تخمین هایی حداقلی از اندازه اقتصاد سایه ارائه می دهند. این روش ها سطح اقتصاد سایه را دست کم می گیرند، زیرا به احتمال زیاد افراد در جریان نظرسنجی ها آنچه را که قصد دارند از مقامات پنهان کنند، معمولا اعلام نمی کنند.



رابطه میان اقتصاد سایه، فرار مالیاتی و پولشویی

گرچه فعالیت‌های مجرمانه ای همچون خرید و فروش مواد مخدر مستقل از موضوع فعالیت های اقتصادی مشمول مالیات هستند و متغیرهای علّی موجود در مدل‌های تجربی فقط به طور ناقصی با فعالیت‌های مجرمانه کلاسیک مرتبط هستند، اما ردپایی که نشان دهنده ی فعالیت‌های اقتصادی سایه همچون حسابهای ارزی در گردش و نقل و انتقالات پولی بین بانکی میان شعب داخلی و شعب برون مرزی است، برای رهگیری جرایم کلاسیک همچون خرید- فروش مواد مخدر و قاچاق کالا کاربرد دارد. بطورکلی در برآوردهای اقتصاد سایه به روش کلان معمولاً فعالیت های زیرزمینی قانونی را از غیرقانونی متمایز نمی کند ، و این برآوردها نماینده کل طیف اقتصاد غیررسمی هستند.[۴۳۸] ضمن اینکه تلاش برای برآورد فعالیتهای غیرقانونی به منظور گنجانیدن در حسابهای ملی در کشورهایی که فعالیتهای غیرقانونی بسیار ناچیز و محدود است، چندان توصیه نمی شود. بعلاوه روش های موجود برای

---

۴۳۷ - Friedrich Schneider, Robert Klinglmair(۲۰۰٤),Ibid.

۴۳۸ - Friedrich Schneider & Andreas Buehn(۲۰۱٦),Estimating the Size of the Shadow Economy: Methods, Problems and Open Questions, IZA DP No. ۹۸۲۰ ,p۷.

اندازه گیری فعالیت های غیرقانونی هنوز آزمایشی هستند. در واقع، اگرچه به نظر می‌رسد که توافقاتی کم و بیش در مورد صحت برآوردها، شامل فعالیت‌های غیرقانونی وجود دارد، اما تعداد کمی از کشورها به صراحت تخمین هایی از تولید غیرقانونی را در ارقام حساب‌های ملی خود در زمان حاضر گنجانده‌اند. با این حال، این به آرامی در حال تغییر است. برخی اقتصاددانان معتقدند در کشورهایی که اندازه اقتصاد زیر زمینی بزرگ است و نسبت آن به تولید ناخالص داخلی رسمی، درصد بالایی را شامل می شود ، ولی در حسابهای ملی گزارش نمی شوند، با این چالش مواجه هستند که حسابهای ملی آنها ابزار ضعیفی برای برنامه ریزی اقتصادی خواهد بود و ازآنجا که درصد قابل توجهی از نیروی کار در این اقتصادها در مشاغل سایه و غیر رسمی قرار دارند، نرخ رسمی بیکاری گمراه کننده خواهد بود و سیاستهای اشتغال زایی دولت در این نوع اقتصادها افزایش تورم به دنبال خواهد داشت.[۴۳۹]

با این حال موانع اندازه گیری نباید تلاش برای حرکت به سمت سیستم مفهومی صحیح را متوقف کند و تحقیقات در مورد یافتن روش های برآورد مناسب ادامه دارد.[۴۴۰] در حال حاضر بیشتر توجهات بر محور روشهای برآورد ارزش فعالیت های اقتصادی غیر رسمی است و نه لزوما غیرقانونی.

فرار مالیاتی یا فرار از پرداخت عوارض کسب و کار و یا شانه خالی کردن از اخذ مجوزهای قانونی برای فعالیتهای اقتصادی مجاز، اغلب بدون پرداخت رشوه و آلودگی ماموران دولتی و متصدیان امور مالیاتی به فساد ممکن نیست. در این موارد، فساد مالیاتی، "پول سیاه" را افزایش می دهد. پول سیاه به درآمد و منافع پنهانی که از طریق رشوه در رابطه با دور زدن مقررات دولتی وتدارکات و فعالیت های اقتصادی غیررسمی ایجاد می شود، اشاره دارد(رحمان، ۲۰۰۹). نتایج نشان داده که در یک جامعه فاسدتر، فرار مالیاتی می تواند بیشتر باشد، زیرا کارمندان دولتی فاسد درآمد خود را از طریق رشوه افزایش می دهند. بنابراین فرار مالیاتی بالاتر می تواند با تشدید فرصت های رشوه به مقامات در سطوح بالاتر به گسترش فساد منتهی شود. (آلم، مارتینز–وازکوئز و مک کللان، ۲۰۰۴).[۴۴۱] فولرتون (۲۰۰۰) گزارش می دهد که فساد برای موجودیت سیستماتیک یک دولت بسیار خطرناک است. فساد یک بیماری عفونی، اجتماعی– سیاسی، اقتصادی و اخلاقی است که می تواند همه شبکه های مدیریتی را تحت تأثیر قرار دهد.[۴۴۲]

---

۴۳۹ – کاظم یاوری(۱۳۸۶)، قاچاق کالاهای فرهنگی و برآورد آن در اقتصاد ایران پژوهشکده فرهنگ هنر و ارتباطات، ص ۲۲

٤٤٠ - OECD(٢٠٠٢),Measuring the Non-Observed Economy,p ١٥١.

٤٤١ -Alm, J., Martinez-Vazquez, J., & McClellan, C. (٢٠١٤). Corruption and Firm Tax Evasion. International Center for Public Policy, Working Paper, ١٤-٢٢.

٤٤٢ - Fullerton, R. (٢٠٠٠). Political leaders must be held accountable for corruption. Crossroads, ٦(٤), ٥.

کتاب راهنمای سنجش و اندازه گیری فعالیت های اقتصادی غیرقابل مشاهده، که توسط سازمان همکاریهای اقتصادی برای توسعه(OECD) منتشر نموده است، فهرست فعالیتهای زیر را در زمره فعالیت های غیرقانونی برشمرده است :

• تولید و توزیع کالاهای غیرقانونی، مانند مواد مخدر ممنوعه یا محصولات مستهجن (م. پورنوگرافی)؛

• تولید خدمات غیرقانونی، مانند فعالیت خانه های فحشا.

• فعالیت های تولیدی که معمولاً قانونی هستند ، اما زمانی که توسط تولیدکنندگان غیرمجاز انجام می شوند، جنبه غیرقانونی می یابند، مانند فعالیت های پزشکی بدون مجوز، مراکز سرگرمی بدون مجوز، تولید الکل بدون مجوز؛ شکار بدون مجوز و غیرقانونی ، به عنوان مثال ماهیگیری غیر قانونی، شکار، قطع درختان و جنگل زدایی و....

• تولید و فروش محصولات تقلبی از قبیل محصولات با علائم تجاری جعلی،.... و کپی غیرمجاز از اصل آثار هنری، به عنوان مثال، کپی غیرمجاز از نرم افزار، سی دی و فیلم و غیرو.

• قاچاق، به ویژه دخانیات، اسلحه، الکل، غذا اعم از عمده فروشی و خرده فروشی و قاچاق انسان از مرزها.

• سرقت و (فروش مجدد) کالاهای مسروقه.

• رشوه دادن

• پولشویی ، بکار انداختن پولهای کثیف در فعالیتهای اقتصادی مجاز و قانونی(م. خرید ملک ازمحل درآمد قاچاق)

علاوه بر فعالیت های مذکور در فهرست بالا، انواع دیگری از تولیدات غیرقانونی وجود دارد، به عنوان مثال جعل اسکناس، قتل های قراردادی، جاسوسی و غیره.[۴۴۳] به این ترتیب، فهرست مذکور با وجود باندهای حرفه ای جرم و جنایت و همکاری و تعامل آنها با برخی از دولت ها در قالب جرایم سازمان یافته مانند تاسیس و راه اندازی گروه های تروریستی و باندهای مافیایی برای اقدامات خرابکارانه و سربه نیست کردن مخالفان ، راه اندازی جنگ، شرارت و دخالتهای بی ثبات کننده در امور سایر کشورها می تواند بسیار گسترده تر گردد. بعلاوه تحریم و جنگ اقتصادی نیز باید در فهرست جرایم سازمان یافته نهادها و دولت ها علیه یکدیگر تعریف و ارزیابی شود. خصوصا شواهد و یافته های مختلف نشان می دهد که تحریم ها به بزرگ شدن اندازه اقتصاد سایه در جهان کمک کرده است. چند نکته زیر در مورد آثار جرایم اقتصادی روی حسابهای ملی قابل تامل است :

به عنوان پیامد و اثر نرخ های عادی سرقت از انبار کالاهای نهایی ، این نوع سرقت منجر به کاهش رقم تولید در حساب ها می شود، در حالی که نرخ های عادی سرقت از انبار مواد واسطه و قطعات منجر به افزایش مصرف واسطه می شود. در هر دو مورد، ارزش افزوده بر این اساس کاهش می یابد. همین امر در مورد نرخ های عادی سرقت از انبارهای کالا برای فروش مجدد نیز صدق می کند. خروجی و ارزش افزوده عمده فروشان و خرده فروشان تحت

---

٤٤٣ - OECD(۲۰۰۲),Measuring the Non-Observed Economy,p ۱۵۲.

تأثیر منفی سرقت قرار می گیرد. با توجه به موارد فوق می توان نتیجه گرفت که نرخ های عادی سرقت از موجودیهای تولیدکنندگان نه به عنوان معامله و نه به عنوان هیچ جریان دیگری ثبت نمی شود و به طور ضمنی از سیستم حساب های ملی حذف می شوند. تنها سرقت از موجودی‌هایی که از "نرخ‌های عادی" فراتر می‌رود، (سرقت و اختلاس های کلان)در سیستم حسابهای ملی: SNA سال ۱۹۹۳ به‌عنوان تغییر دیگری در حجم دارایی‌ها گنجانده می شود. (SNA:۱۹۹۳ :۱۲,۴۱). بنابراین، فارغ از پیامدهای (منفی) سرقت از موجودی‌های تولیدکنندگان، ارزش افزوده تحت تأثیر سرقت قرار نمی‌گیرد. هیچ ارزش افزوده ای ایجاد نمی شود. تنها چیزی که اتفاق می افتد این است که دارایی ها باز توزیع می شوند.[۴۴۴] البته این فقط یک بعد قضایاست. واقعیت این است که سرقت و رشوه و هر نوع دیگری از جرایم و مفاسد، علاوه بر اثر توزیعی اریب (که موجب بی عدالتی و نابرابری در جامعه می شود)، هزینه هایی را به جامعه تحمیل می کند. این هزینه ها شامل، هزینه های تعقیب و مجازات مجرمان (افزایش هزینه های اقدامات امنیتی و پلیسی توسط دولت و توسط اشخاص شامل هزینه های امنیت خصوصی) وتحمیل هزینه های فرصت به جامعه و افزایش هزینه های ناشی از ریسک نا امنی در جامعه می گردد.

رهیافت غیر مستقیم در برآورد اندازه اقتصاد سایه

بر اساس نظرات اشنایدر و بوهن (۲۰۱۶)، پنج روش یا شاخص وجود دارد که امکان ارزیابی غیر مستقیم اقتصاد سایه را فراهم می سازد :

۱. اختلاف بین آمار مخارج ملی و درآمد ملی : این روش بر اساس مغایرت یا عدم تطابق بین درآمد و هزینه است. بر اساس قواعد حسابداری ملی، مجموع درآمدهای حاصل از تولید ناخالص داخلی باید با مجموع هزینه ها برابر باشد. تفاضل بین شاخص های درآمد و هزینه می تواند به عنوان شاخص اندازه گیری اقتصاد سایه در نظر گرفته شود.

۲. مغایرت بین آمار نیروی کار رسمی و واقعی : پدیده‌ای به نام اشتغال در بخش غیررسمی به عنوان بخش جدایی ناپذیر از زندگی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بازار کار است که در دهه‌های اخیر در کشورهای در حال توسعه رواج پیدا کرده است. دلایل مختلفی از جمله مهاجرت، سطح تحصیلات پایین، سن بالا و سایر موارد برای این موضوع عنوان می‌شود. از نظر سازمان بین‌المللی کار (ILO)، واژه اشتغال غیررسمی به تمام فعالیت‌های اقتصادی کارگران و بنگاه‌های اقتصادی اطلاق می‌شود که به‌طور کامل یا جزئی تحت پوشش ترتیبات رسمی نیستند. در این چارچوب، اقتصاد غیررسمی مشمول فعالیت‌های غیرقانونی نمی‌شود و بر اساس تعاریف مختلف، مشاغل غیر رسمی مشاغلی هستند که افراد شاغل، بدون داشتن قرارداد رسمی کار، با دستمزد کمتر از حداقل مزد قانونی و بدون برخورداری از خدمات بیمه‌ای و چتر حمایتی قانون کار (مانند اخطار پیش از اخراج،

---
٤٤٤ - OECD(۲۰۰۲),Measuring the Non-Observed Economy,p ۱٥۲.

مرخصی استحقاقی سالانه یا استعلاجی و غیره) مشغول به کارند. اشتغال غیررسمی در مواردی که دارای حمایت‌های قانونی و بیمه‌ای نباشد شامل مشاغل خوداشتغالی و هم مشاغل حقوق بگیری می‌شود ضمن اینکه تعدادی از بنگاه‌های اقتصادی به خاطر نداشتن سرمایه کافی و برای کم کردن هزینه‌های تولید با دور زدن قوانین کار و مالیات اقدام به جذب نیروهای کار بدون قرارداد، حق بیمه و سایر موارد می کنند. به هرترتیب اشتغال غیر رسمی با این تعریف نمی تواند لزوما شامل فعالیت های غیرقانونی گردد و با آن فقط می توان بخشی از اقتصاد سایه را مورد سنجش و اندازه گیری قرار داد.

اساس این روش بر تفاضل گیری از نیروی کار رسمی و واقعی است. هرگاه مشارکت کل نیروی کار ثابت بماند، آنگاه کاهش نرخ رسمی اشتغال نیروی کار نشان می‌دهد که افراد به سمت فعالیت‌های اقتصاد سایه کوچ کرده اند. این روش بدون نقص نیست و می تواند به عنوان یک نقطه ضعف هم تلقی شود، زیرا تفاوت نرخ مشارکت ممکن است دلایل دیگری داشته باشد. برای مثال، افراد می توانند به طور موازی در بخش رسمی هم کار کنند.[۴۴۵] بویژه در اقتصادهای با تورم مزمن ، مانند کشور ایران، گروه های زیادی از افراد شاغل در بخش رسمی اقتصاد چون بطور مداوم احساس می کنند که قدرت خرید خود را از دست می دهند، مجبور هستند، دو شغله شوند و به موازات فعالیت در اقتصاد رسمی، در اقتصاد موازی هم به مشاغل فرعی عمدتا غیر رسمی روی می آورند. با این حال، نتایج برخی بررسی ها نشان داده ، چون اقتصاد ایران بطور مداوم با رشدهای منفی و بالنتیجه افزایش نرخ بیکاری در اقتصاد رسمی مواجه بوده و نیروی کار با محدودیت مداوم در فرصت های شغلی در اقتصاد رسمی مواجه هست، برمبنای برخی شواهد، نتیجه گرفته شده که اشتغال نیروی کار در اقتصاد غیررسمی افزایش یافته است.

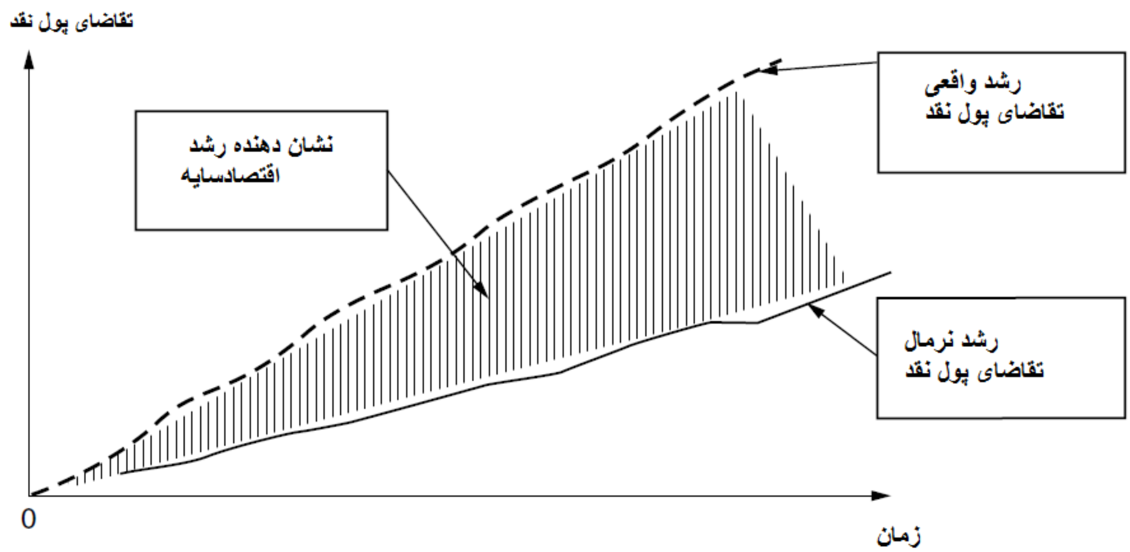
۳. روش های پولی : فعالیت‌های اقتصادی در سایه عموماً با پرداخت نقدی تسویه می‌شوند تا کمترین اثر ممکن بر جای بماند. بنابر این، اگر تقاضا برای پول نقد از مقدار نسبی یا مطلق "عادی" بالاتر رود، نتیجه می گیریم که فعالیت ها در اقتصاد سایه در حال افزایش است. این ایده اساسی با توجه به مفروضات و زمینه های خاص، در جهت های مختلف بیشتر توسعه یافته است. روش پولی برای اندازه گیری حجم اقتصاد سایه مبتنی بر برآوردهای اقتصادسنجی تقاضا برای پول است. این برآوردها برای به دست آوردن میزان ارزی است که عاملان اقتصادی بیش از مقداری که برای تامین مالی تراکنش های ثبت شده ، نیاز دارند. رویکرد پولی استاندارد از مازاد ارز ضرب شده در سرعت گردش برای اندازه گیری درآمد پنهان استفاده می کند .(فرض می شود سرعت گردش پول در هر دو اقتصاد رسمی و اقتصاد سایه برابر است). این فرض تنها زمانی درست است که کشش درآمدی تقاضا برای پول یک

---

۴۴۵ - Schneider, F., & Buehn, A. (۲۰۱۶). Estimating the size of the shadow economy: Methods, problems and open questions. IZA Discussion Paper No. ۹۸۲۰.

باشد.[۴۴۶] سه تکنیک مختلف برای اندازه گیری اقتصاد سایه و توسعه آن در طول زمان بر اساس بررسی داده های پولی وجود دارد.[۴۴۷]

۳-۱- روش بررسی تقاضای پول نقد : شکل ۳,۱ این ملاحظات را نشان می دهد.



۳-۲- روش بررسی تراکنش های مالی : رویکرد تراکنش های مالی توسط فیگ توسعه داده شد. او یک رابطه ثابت در طول زمان بین حجم تراکنش و GNP رسمی فرض می‌کند. این رویکرد از معادله کمیت فیشر[۴۴۸] شروع می شود، $M \times V = p \times T$ (با M = حجم پول، V = سرعت گردش پول ، p = سطح عمومی قیمت ها ، و T = کل تراکنش ها). در مورد سرعت گردش پول و روابط بین ارزش کل معاملات ($p \times T$) و GNP کل اسمی (= رسمی + غیر رسمی) باید فرضیاتی وجود داشته باشد. با ارتباط دادن کل GNP اسمی با کل تراکنش های انجام شده ، GNP اقتصاد سایه را می توان با کم کردن GNP رسمی از کل GNP اسمی محاسبه کرد. با این حال، برای به دست آوردن ارقام برای اقتصاد سایه ، باید سال پایه ای را در نظر گرفت که در آن اقتصاد سایه وجود ندارد و بنابراین، نسبت ($p \times T$) به GNP کل اسمی (رسمی = کل) " نرمال " است و در غیاب اقتصاد سایه در طول زمان ثابت خواهد بود. به این ترتیب ضعف این روش عیان می شود. این روش دارای چندین نقطه ضعف است: از

٤٤٦ - Hildegart Ahumada & etAl (۲۰۰۹),The Monetary Method to Measure the Size of the Shadow Economy, https://www.cairn .info/revue-economique-۲۰۰۹-٥-page-۱۰٦۹.htm.

٤٤٧ - Frey and Pommerehne (۱۹۸٤); Hofreither and Schneider (۱۹۸۷); Kirchg¨assner (۱۹۸۳; ۱۹۸٤); Schneider (۱۹۸٦); and Schneider and P¨oll (۱۹۹۹).

٤٤٨ - Fisher’s quantity equation

آن جمله فرض یک سال پایه بدون اقتصاد سایه ، و فرض ثابت بودن نسبت معاملات (نرمال) مفروضاتی غیرواقعی هستند. علاوه بر این، برای به دست آوردن برآوردهای قابل اعتماد اقتصاد سایه، ارقام دقیقی از حجم کل معاملات و تراکنش های مالی مورد نیاز است. دستیابی به این امر ممکن است به خصوص برای تراکنش های نقدی و دستی و معاملات تهاتری دشوار باشد، زیرا در میان سایر عوامل، آنها به دوام اسکناس ها از نظر کیفیت کاغذ آنها هم بستگی دارند.[۴۴۹] بعلاوه افزایش واسطه گری که شاخص دیگری برای اقتصاد سایه است، به افزایش تراکنش های معاملات(T) بیش از حد متعارف منتهی می گردد که در آن سوی معادله می تواند با فرض ثابت بودن (M) بر سرعت گردش پول(V) اثر بگذارد.

امروزه اگر چه با استفاده از داده های متمرکز پایانه های پرداختی(POS) می توان حجم زیادی از تراکنش های مالی را رهگیری کرد و در ادارات مالیاتی قرار داد، اما همچنان ممکن است گروههایی از فعالان اقتصادی و دلالان فعال در اقتصاد سایه با انگیزه های مختلف از قبیل فرار مالیاتی و یا پنهان نگه داشتن فعالیت هایشان از چشم ناظران ، خود را متعهد به استفاده از دستگاه های کارتخوان و پرداخت الکترونیک ندانند. بنابراین ضعف هایی همچنان در این مورد برای شاخص قرار دادن آن به عنوان روش اندازه گیری اقتصاد سایه وجود دارد.

۳-۳- روش بررسی تقاضای اسکناس (پول رایج یا ارز خارجی مثلا دلار امریکا)

رویکرد تقاضای پول نقد یا اسکناس[۴۵۰]، محبوب‌ترین روش برای برآورد اقتصاد سایه در میان رویکردهای به اصطلاح غیرمستقیم اقتصاد کلان است. در ابتدا توسط کیگان (۱۹۵۸) پیشنهاد شد، CDA متعاقبا توسط تانزی (۱۹۸۰، ۱۹۸۳) اصلاح و اعمال شد. این تکنیک برآوردی بر این فرض استوار است که مبادلات در بخش زیرزمینی به صورت نقدی تسویه می‌شوند تا از قابلیت ردیابی جلوگیری شود. معیارهای CDA بر اساس برآورد اقتصادسنجی معادله تقاضای نقدینگی کل، با یک جزء خاص مربوط به معاملات پول نقدی در بخش زیرزمینی است. کیگان (۱۹۵۸) همبستگی تقاضای اسکناس و بار مالیاتی (به عنوان یکی از علل اقتصاد سایه) را برای ایالات متحده برای سال‌های ۱۹۱۹ و ۱۹۵۵ محاسبه کرد. بیست سال بعد، گاتمن (۱۹۷۷) رویکرد مشابهی را به کار گرفت، اما بدون رویه‌های آماری فقط نسبت بین حجم اسکناس و سپرده های تقاضا شده برای

---

۴۴۹ -Feige, Edgar L. ed. ۱۹۸۹. The underground economies. Tax evasion and information distortion. Cambridge, New York, Melbourne: Cambridge University Press ; Ibid,۱۹۹٤. The underground economy and the currency enigma. Supplement to Public Finance/ Finances Publiques ٤۹: ۱۱۹–۳٦.

٤٥۰ - Currency Demand Approach=CDA

برداشت را طی سال های ۱۹۳۷ تا ۱۹۷۶، بررسی کرد. رویکرد کیگان بعدا توسط تانزی (۱۹۸۰، ۱۹۸۳) توسعه یافت ، که از نظر اقتصادسنجی یک تابع تقاضای اسکناس را برای محاسبه اندازه اقتصاد سایه در ایالات متحده از سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۸۰ تخمین زد. فرض براین است که افزایش اندازه اقتصاد سایه باعث افزایش تقاضا برای اسکناس نقد یا ارز غالب (دلار آمریکا) خواهد شد . برای جداسازی تقاضای "اضافی" ، معادله ای برای تقاضای اسکناس به صورت معادله ی اقتصادسنجی در طول زمان برآورد می شود. همه عوامل متعارف ممکن مانند رشد درآمد، عادات پرداخت، نرخ بهره و تورم و غیرو به حساب می آیند. علاوه بر این، عوامل عمده ای که باعث می شود افراد در اقتصاد سایه کار کنند در معادله تخمین گنجانده شده است.[۴۵۱] مثلا بار مالیاتی مستقیم و غیرمستقیم، مقررات دولتی و پیچیدگی سیستم مالیاتی در رابطه اقتصادسنجی می آید. معادله رگرسیون اساسی برای تقاضای ارز که توسط تانزی (۱۹۸۳) پیشنهاد شده است، به شرح زیر است:

$$\ln\left(\frac{C}{M_2}\right)_t = \beta_0 + \beta_1 \ln(1+TW)_t + \beta_2 \ln\left(\frac{WS}{Y}\right)_t + \beta_3 \ln R_t + \beta_4 \ln\left(\frac{Y}{N}\right)_t + u_t$$

$$\text{with} \quad \beta_1 > 0, \beta_2 > 0, \beta_3 < 0, \beta_4 > 0$$

$\ln$ لگاریتم طبیعی

$\frac{C}{M_2}$ نسبت موجودی وجه نقد نگه داری شده به حساب های جاری و سپرده ها

TW میانگین موزون نرخ مالیات به نیابت از تغییر در اندازه اقتصاد سایه (متغیر نیابتی)

$\frac{WS}{Y}$ نسبت دستمزدها و حقوق به درآمد ملی (برای توضیح تغییر الگوهای پرداخت و نگهداری پول).

R نرخ سود پرداختی به سپرده های پس انداز (هزینه فرصت نگهداری وجه نقد)

$\frac{Y}{N}$ درآمد سرانه

[۴۵۱] - Friedrich Schneider & Dominik H. Enste ,The Shadow Economy, Cambridge university press, p۱۹-۲۰

مازاد تقاضای اسکناس، مقداری است که توسط عوامل متعارف یا متغیرهای عادی ذکر شده در بالا توضیح داده نشده است و به افزایش بار مالیاتی و دلایل دیگری که مردم را به کار در اقتصاد سایه سوق می دهد می تواند نسبت داده شود. ارقام مربوط به اندازه ی اقتصاد سایه را می توان با مقایسه اختلاف بین رشد تقاضای اسکناس یا ارز خارجی زمانی که بار مالیاتی مستقیم و غیرمستقیم (ومقررات دولتی) در کمترین مقدار خود بوده و رشد اسکناس در زمانی که بار بالای مالیات و مقررات دولتی وجود دارد بدست آورد. با فرض اینکه در همان سطح درآمدی که سرعت گردش اسکناس در اقتصاد سایه استفاده می شود ، برای مقدار قانونی M۱ در اقتصاد رسمی هم استفاده می شود، می توان اندازه اقتصاد سایه را محاسبه کرد و با تولید ناخالص داخلی رسمی مقایسه کرد.[۴۵۲]

۳-٤- روش بررسی داده های(نهاده های) فیزیکی - (میزان مصرف برق).

الف- روش کافمن و کالیبردا[۴۵۳]: برای اندازه گیری فعالیتهای کلی در اقتصاد (رسمی و غیر رسمی) استفاده می شود، کافمن و کالیبردا (۱۹۹۶) میزان مصرف برق را به عنوان بهترین شاخص فیزیکی فعالیت در کل اقتصاد در نظر گرفت و به طور تجربی نشان داد که فعالیت کل اقتصاد (رسمی و غیر رسمی) و مصرف برق به صورت هماهنگ در سطح جهانی با کشش برق/GDP معمولا نزدیک به یک است. کافمن و کالیبردا با داشتن یک اندازه گیری برای کل اقتصاد و کسر آن از برآوردهای تولید ناخالص داخلی رسمی، تخمینی از تولید ناخالص داخلی غیررسمی به دست می آورند. به این ترتیب، کافمن و کالیبردا پیشنهاد می کنند که رشد کل مصرف برق نشانگر رشد تولید ناخالص داخلی رسمی و غیر رسمی است. بر اساس این رویکرد، تفاوت بین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ثبت شده (رسمی) و نرخ ناخالص کل مصرف برق را می توان به رشد اقتصاد سایه نسبت داد.[۴۵۴] این روش بسیار ساده و جذاب است، اما می توان به آن انتقاداتی وارد کرد:

---

٤٥٢ - Friedrich Schneider & Dominik H. Enste(۲۰۰٤) ,The Shadow Economy, Cambridge university press, p۱۹-۲۰
یک تحقیق بسیار دقیق در مورد مقدار دلار آمریکا که در خارج از کشور استفاده می شود و پول ایالات متحده در اقتصاد سایه و برای فعالیت های مجرمانه کلاسیک ، توسط (Rogoff,۱۹۹۸) انجام شده است، که نتیجه می گیرد که اسکناس های بزرگ نیروی محرکه اصلی برای رشد اقتصاد سایه هستند و فعالیتهای مجرمانه کلاسیک، عمدتاً به دلیل کاهش هزینه های مبادله است از این نوع اسکناس ها استفاده می کنند و تقاضای برای آنها افزایش می یابد.

٤٥٣ - Kaufmann - Kaliberda Method

٤٥٤ - Johnson, Kaufmann, and Shleifer (۱۹۹۷) make an attempt to adjust for changes in the elasticity of ectricity/GDP

۱- همه فعالیت های اقتصاد سایه نیاز به مقدار قابل توجهی برق ندارند (به عنوان مثال، خدمات شخصی)، و می توان از سایر منابع انرژی (گاز، نفت، زغال سنگ و غیره) استفاده کرد، به طوری تنها بخشی از اقتصاد اسیر فعالیت های سایه خواهد شد.

۲- در طول زمان با تحولات و پیشرفت های فنی قابل توجهی که وجود داشته است، هم تولید و هم استفاده از برق نسبت به گذشته کارآمدتر شده است و این امر در مصارف رسمی و غیر رسمی صدق می کند.

۳ -ممکن است به دلایل مختلف تفاوت ها یا تغییرات قابل توجهی در کشش برق / تولید ناخالص داخلی در بین کشورها و در طول زمان وجود داشته باشد.[۴۵۵]

با توجه به تحولات اقتصادی جوامع می توان از روش های زیر هم استفاده کرد:

۳-۴- روش بررسی میزان مصرف حامل های انرژی :

۳-۵- روش بررسی تعداد کاربران اینترنتی و حجم تجارت الکترونیک :

۳-۶- روش بررسی معاملات ارزهای دیجیتال

در عمل شاید استفاده از تمام این روشهای برآوردی داده های ورودی و داده های پولی به عنوان مکمل یکدیگر به ارزیابی دقیق تری از حجم اقتصاد در سایه کمک کنند.[۴۵۶]

برآورد مصرف الکتریسته (برق) خانگی روش دیگری است که لاکو،۱۹۹۸و۱۹۹۹و۲۰۰۰) ارائه داده است. از نظر لاکواین مصرف شامل تولیدات خانگی، فعالیت های مرتبط با مشاغل خانگی و سایر تولیدات و خدمات ثبت نشده است. لاکو همچنین فرض می‌کند در کشورهایی که آن بخش از اقتصاد سایه که مرتبط با مصرف برق خانگی است، افزایش یابد، بقیه اقتصاد پنهان (یا بخشی که نمی‌تواند اندازه‌گیری شود) نیز بالا خواهد بود. او همچنین فرض می کند که در هر کشور بخشی از مصرف برق خانگی در اقتصاد سایه استفاده می شود. رویکرد لاکو را می توان با دو معادله زیر توصیف کرد:

معادله اول :

$$\ln E_i = \alpha_1 \ln C_i + \alpha_2 \ln PR_i + \alpha_3 G_i + \alpha_4 Q_i + \alpha_5 H_i + u_i,$$

بطوری که :

$$\alpha_1 > 0,\ \alpha_2 < 0,\ \alpha_3 > 0,\ \alpha_4 < 0,\ \alpha_5 > 0$$

---

٤٥٥ - Friedrich Schneider & Dominik H. Enste ,The Shadow Economy,p ۲۲
٤٥٦ - Schneider amd Enste ۲۰۰۰a: p ۱۵.

معادله دوم :

$$H_i = \beta_1 T_i + \beta_2 (S_i - T_i) + \beta_3 D_i$$

$$\beta_1 > 0,\ \beta_2 < 0,\ \beta_3 > 0$$

روش شاخص‌های چندگانه و علل چندگانه در برآورد اقتصاد سایه

یکی از متداول ترین روش های آماری در برآورد اقتصاد سایه، استفاده از مدل شاخص‌های چندگانه و علل چندگانه [۴۵۷](MIMIC) به اختصار میمیک است که براساس داده‌های سری زمانی اندازه و رشد اقتصاد سایه را برای یک یا چند کشور خاص تخمین می‌زند. این روش مبتنی بر نظریه آماری متغیرهای غیرقابل مشاهده است. این مدل ، اطلاعاتی در مورد رابطه بین متغیرهای علت و شاخص و یک متغیر پنهان، در اینجا اقتصاد سایه، از ساختارهای کوواریانسی به دست می‌دهد. مزایای کلیدی رویکرد MIMIC این است که امکان مدل‌سازی فعالیت‌های اقتصاد سایه را به‌عنوان یک متغیر غیرقابل مشاهده (مخفی) می‌دهد و عوامل تعیین کننده (علل) چندگانه و اثرات (شاخص های) متعدد آن را در نظر می گیرد. در واقع یک رویکرد تحلیل عاملی برای اندازه گیری فعالیت های اقتصاد سایه به عنوان یک متغیر مشاهده نشده در طول زمان محسوب می شود. ضرایب مجهول در مجموعه ای از معادلات ساختاری، به عنوان متغیر "مشاهده نشده" برآورد می شوند، و این یعنی که اندازه اقتصاد سایه را نمی توان به طور مستقیم اندازه گیری کرد. به طور رسمی، مدل MIMIC از دو بخش تشکیل شده است: یک مدل معادلات ساختاری و یک مدل اندازه گیری.

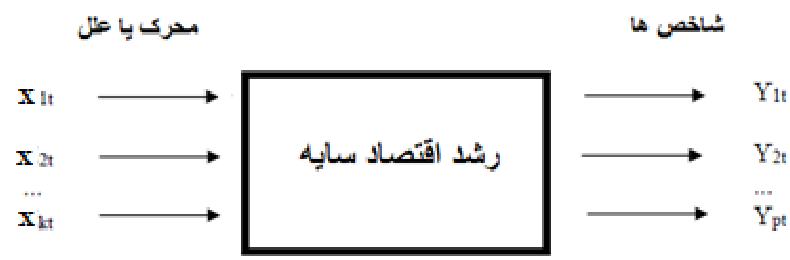
مدل MIMIC ، به عنوان یک رابطه بین بردار y (p×۱) از متغیرهای شاخص و بردار x (q×۱) از متغیرهای علی یا محرک ها توصیف شده است. آنها توسط یک متغیر مکتوم یا پنهان η (اسکالر) به صورت فرمول زیر با یکدیگر ارتباط دارند :

$$y_t = \lambda \eta_t + \varepsilon_t$$

$$\eta_t = \gamma' x_t + \xi_t ,$$

---

۴۵۷ - Multiple Indicators Multiple Causes model



اقتباس : Buehn and Schneider (2013), p. 177.

که در دستگاه معادلات بالا ، $\lambda(p\times 1)$ و $\gamma(q\times 1)$ بردارهای پارامترهای ناشناخته هستند. (γ_i : ضرایب مدل ساختاری برای محرک ها و λ_i ضرایب رگرسیون برآوردگر برای شاخص ها) هستند. جزء خطا $(p\times 1)$ ε_t و ξ_t (اسکالر) دارای میانگین صفر، واریانس $\Theta = diag(\theta_1 .... \theta_p)$ و ψ فرض می شوند که با یکدیگر همبستگی ندارند. مدل متشکل از روابط بالا به دلیل فنی(Overidentify) نمی تواند مقیاس همه پارامترها را تعیین کند، بنابراین یک شرط نرمال سازی و کالیبراسیون مورد نیاز است. برای این منظور روش های گوناگونی وجود دارد، اما (گیلز و تدز،۲۰۰۲) اولین تبدیل برای جایگذاری عنصر λ را واحد در نظر می گیرند، به این صورت که $\lambda_1=1$ تعیین می گردد.[458]

داده ها یک سری زمانی از مشاهدات $t=1,.....,N$ هستند. تخمین مدل معمولاً به روش حداکثر احتمال (درستنمایی)[459] انجام می‌شود، با این فرض اضافی که جملات خطا ε_t و ξ_t به طور پیوسته در طول زمان دارای توزیع نرمال و مستقل هستند.

در مدل MIMIC، x متغیر برونزای ضعیفی است به این معنا که همه عبارات توزیعی مشروط به x هستند. بنابراین مدل متضمن ساختارهای خاصی برای میانگین و واریانس شرطی متغیرهای مشاهده شده است :

$$E(y_t|x_t) = E[\lambda(\gamma' x_t + \xi_t) + \varepsilon_t | x_t] = \lambda\gamma' x_t ,$$

$$var(y_t|x_t) = var[\lambda(\gamma' x_t + \xi_t) + \varepsilon_t | x_t] = var[\lambda\xi_t + \varepsilon_t | x_t] = \lambda\lambda'\psi + \Theta .$$

نتایج بالا را می توان بصورت یک معادله رگرسیون به فرم کاهش یافته نوشت :

$$y_t = \Pi x_t + v_t ,$$

که در آن :

$$\Pi = \lambda\gamma' \ , \ v_t \sim (0, \Omega) \ , \ \Omega = \lambda\lambda'\psi + \Theta$$

---

۴۵۸ - Giles, David E.A., and Lindsay M. Tedds (۲۰۰۲) Taxes and the Canadian Underground Economy, Canadian Tax Foundation: Toronto.

۴۵۹ - maximum likelihood

به طور کلی، ساختار مدل MIMIC شامل محدودیت هایی در کاهش پارامترهای Π و Ω است.

که برای بررسی جزئیات بیشتر حالت دو متغیر شاخص، $p = 2$ در نظر گرفته شده است ، زیرا این مورد طبیعت و ماهیت هر سه محدودیت را مورد بررسی قرار می دهد. پس با جزئیات داریم :

$$\lambda = \begin{bmatrix} 1 \\ \lambda_2 \end{bmatrix}, \quad \Pi = \lambda\gamma' = \begin{bmatrix} \gamma' \\ \lambda_2\gamma' \end{bmatrix}, \Theta = \begin{bmatrix} \theta_1 & 0 \\ 0 & \theta_2 \end{bmatrix}.$$

مشاهده می شود که فرم کاهش یافته دارای $3 + 2q$ پارامتر است ($2q$ عنصر در Π و ۳ تا در Ω).

با این حال مدل مورد نظر $q + 4$ پارامتر ($\theta_1, \psi, \theta_2 \gamma, \lambda_2$) دارد. وقتی $q > 1$، همانطور که معمول است، شکل کاهش یافته توسط مدل محدود می شود. فرم کاهش یافته محدود شده به این صورت است :

$$y_{1t} = \gamma' x_t + v_{1t}$$

$$y_{2t} = \lambda_2 \gamma' x_t + v_{2t},$$

و

$$\operatorname{var}\begin{bmatrix} v_{1t} \\ v_{2t} \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} \psi + \theta_1 & \lambda_2\psi \\ \lambda_2\psi & \lambda_2^2\psi + \theta_2 \end{bmatrix}.$$

در اینجا بردار ضرایب در رابطه دوم با بردار ضرایب در رابطه اول نسبت ثابتی دارد. هیچ محدودیت اضافی در واریانس در این مورد وجود ندارد زیرا با توجه به λ_2، سه عنصر متمایز برای ماتریس واریانس و سه پارامتر وجود دارد:

$$(\psi, \theta_1, \theta_2)$$

هنگامی که بیش از دو متغیر شاخص در مدل وجود داشته باشد، به طوری که $p > 2$، محدودیت هایی در ماتریس کوواریانس و همچنین در بین بردارهای ضرایب فرم کاهش یافته وجود دارد.

نوشتن ساختار به فرم خارج از استاندارد اقتصاد سنجی یک مدل معادله همزمان، برای حالتی که با $p = 2$ شاخص سرو کار داریم مفید است. برای این منظورمعادله اول را در λ_2 ضرب نموده و حاصل را از معادله دوم کم می کنیم :

$$y_{2t} - \lambda_2 y_{1t} = v_{2t} - \lambda_2 v_{1t} = u_t$$

که مدل زیر را نتیجه می دهد :

$$y_{2t} = \lambda_2 y_{1t} + u_t$$

$$y_{1t} = \gamma' x_t + v_{1t},$$

معادلات اخیر فرم شناسایی شده و همانی دو معادله خطی همزمان، با دو متغیر درون زا و q متغیر برون زا است. در واقع، حداکثر احتمال در اینجا روش استاندارد اقتصادسنجی LIML را در رابطه اول تعریف می‌کند، زیرا معادله دوم در حال حاضر به شکل کاهش یافته است و ماتریس کوواریانس بین ut و vt۱ نامحدود است. نکته آخر در رابطه زیر دیده می شود :

$$\operatorname{var}\begin{bmatrix} u_t \\ v_{1t} \end{bmatrix} = \operatorname{var}\begin{bmatrix} v_{2t} - \lambda_2 v_{1t} \\ v_{1t} \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} \lambda_2^2\theta_1 + \theta_2 & -\lambda_2\theta_1 \\ -\lambda_2\theta_1 & \psi + \theta_1 \end{bmatrix},$$

که دارای سه عنصر آزاد و سه پارامتر تعیین شده است، با توجه به اینکه λ_2 به عنوان یک ضریب تعیین می شود. بنابراین شاخص ها و متغیرهای علی در MIMIC در واقع همان متغیرهـای درون زا و بـرون زای اقتصـاد سـنجی هستند. معادلات اندازه گیری در مدل MIMIC رابطه ساختاری را تعریف می کنند که بـه وسـیله آن متغیرهـای درون زا به طور مشترک در مدل تعیین می شوند.[۴۶۰] براش معتقد است که مدل MIMIC را می توان به عنوان یک مدل استاندارد اقتصادسنجی در نظر گرفت و بصورت معادلات خطی همزمان تفسیر و تخمین زد.[۴۶۱] اما او در این مورد که MIMIC بتواند به عنوان یک مدل اقتصادی تبیین گر باشد، انتقاداتی را مطرح کـرده اسـت. بـه گفتـه براش، ماهیت آماری مدل MIMIC برای پاسخ به سؤالات/ مشکلات اقتصادی نامناسب است، زیرا این رویکـرد برای کاربرد روان‌سنجی طراحی شده است و به نظر می‌رسد اندازه‌گیری هوش(به عنوان متغیری پنهان) با تخمـین اقتصاد زیرزمینی فاصله زیادی دارد. بعلاوه او معتقد است :" سطح درآمد زیرزمینی مقداری است که بر اساس یک سیستم اندازه گیری کاملاً تعریف شده باید محاسبه شود. محقق نمی تواند این محاسبات را با هر ابزاری که مناسب تشخیص داد، انجام دهد یا آن ابزار را برای این کاربرد،تعمیم و گسترش دهد.[۴۶۲] او انتقادات دیگری هم در این باره مطرح کرده است که (اشنایدر و روبرتو، ۲۰۰۶) در مقاله ای به انتقادات او تا جایی که لازم بوده است، پاسخ های فنی لازم داده اند.[۴۶۳] نتیجه و جمع بندی پاسخ های آنها این است که :

اولا – اقتصاددانان هرگاه لازم دانسته اند، از روابط و مدلهای فیزیک و مهندسی تا مدلهای مطرح در روان سنجی را در تبیین روابط اقتصادی بکار گرفته اند و این به ماهیت کمیت گرای علم اقتصاد برمی گردد.

---

٤٦٠ - Breusch ,T.(٢٠٠٥),Estimating the Underground Economy using MIMIC Models, The Australian National University

٤٦١ - Breusch, T. (٢٠٠٥b). Estimating the underground economy using MIMIC models, working paper, Canberra, Australia (http://econwpa.wustl.edu/eps/em/papers/٠٥٠٧/٠٥٠٧٠٠٣.pdf).

٤٦٢ - Breusch, T. (٢٠٠٥b), Ibid .

٤٦٣ -Dell'Anno, Roberto & Schneider, Friedrich G. (٢٠٠٦),Estimating the underground economy by using MIMIC models : A response to T. Breusch's critique, Working Paper, No. ٠٦٠٧, Johannes Kepler University of Linz, Department of Economics, Linz.

ثانیا – مدل MIMIC یک مدل معادلات خطی "استاندارد" نیست، بلکه مدلی است با جزء خطای مرکب و/یا جزء خطا در متغیرها و با پذیرش این خصوصیت و با انجام برخی تلاش‌های اضافی برای تفسیر و محاسبه ضرایب و پارامترها، مطمئناً می‌توان اندازه اقتصاد سایه را با کمک بسته‌های استاندارد اقتصادسنجی و با کمک مدل MIMIC تخمین زد. ضمن اینکه تلقی مدل MIMIC به عنوان یک مدل معادله همزمان ، که برآورد آن با بسته استاندارد اقتصاد سنجی امکان پذیر می باشد، مزیت خاصی محسوب نمی شود.

شاید مهمترین و قابل توجه ترین انتقادی که بر روش MIMIC مطرح شده است ، در مورد معنای متغیر پنهان است (مانند هلبرگر و کنپل، ۱۹۸۸؛ دل آنو، ۲۰۰۳). ماهیت تأییدی و نه اکتشافی این رویکرد به این معنی است که احتمال بیشتری وجود دارد که تعیین کند آیا یک مدل خاص معتبر است یا خیر تا اینکه از یافتن یک مدل مناسب صحبت کند. بنابراین، ممکن است مدل مشخص شده شامل تعاریف بالقوه یا فعالیت های اقتصادی غیررسمی غیر از موارد مورد مطالعه باشد. بعلاوه برای یک محقق دشوار است که مثلا از حجم فعالیت های مجرمانه مرسوم مانند قاچاق مواد مخدر اطمینان حاصل کند، و به همین دلیل معاملات مربوط به این نوع از جرایم کاملاً از تحلیل اقتصاد سایه مستثنی شده اند. پاسخ به این انتقاد، که احتمالاً رایج‌ترین مورد در ادبیات موضوع است، همچنان دشوار است، زیرا به مفروضات نظری در پس انتخاب متغیرها و محدودیت‌های تجربی و در دسترس بودن داده‌ها برمی‌گردد.[۴۶۴]

بررسی ادبیات موضوع نشان می دهد که در عمل از مدل MIMIC به کرات در مطالعات سنجش و اندازه گیری اقتصاد سایه در کشورهای مختلف استفاده شده است. از آنجایی که اکثر متغیرهای کلان اقتصادی ثبات (مانایی) را برآورده نمی کنند ، اطلاعات بلندمدت هنگام استفاده از اولین تفاضل گیری از بین می رود. مسلماً، این نقص ریشه در فقدان یک مدل MIMIC مناسب دارد که هم انباشتگی بین متغیرها را در نظر می گیرد. برای رفع این مشکل، اشنایدر و همکاران یک مدل MIMIC توسعه داده اند که رابطه تعادل هم انباشتگی و پویایی تصحیح خطای کوتاه مدت را تخمین می زند. در نتیجه اطلاعات را برای طولانی مدت حفظ می کند.(اندرس بوهن و فردیش اشنایدر، ۲۰۰۸) با استفاده از داده های اقتصاد فرانسه نشان داده اند که رویکرد بالا به محققان اجازه می دهد تا تخمین های دقیق تری در مورد اندازه و رشد اقتصاد سایه به دست آورند.[۴۶۵]

اشنایدر همچون بسیاری از اقتصاددانان جرم شناس می گوید، انسان ها محاسبه گرهای منطقی هستند که هنگام بررسی و ارزیابی تبعات هر نوع قانون شکنی هزینه ها و منافع آن را می سنجند. تصمیم آنها برای مشارکت جزئی یا کامل در اقتصاد سایه یک انتخاب در شرایط عدم اطمینان است که در صورت عدم کشف فعالیت‌هایشان با سود و

---

٤٦٤ -Friedrich Schneider & Andreas Buehn(٢٠١٦), Estimating the Size of the Shadow Economy: Methods, Problems and Open Questions, IZA DP No. ٩٨٢٠,p٢٣.

٤٦٥ - Andreas Buehn, Friedrich Schneider (٢٠٠٨) , MIMIC Models, Cointegration and Error Correction: An Application to the French Shadow Economy, Institute for the Study of Labor, IZA DP No. ٣٣٠٦.

در صورت کشف و جریمه شدن با ضرر مواجه است. بنابراین فعالیت‌های اقتصاد سایه SE به طور منفی به احتمال شناسایی p و جریمه‌های بالقوه f، و به طور مثبت به هزینه‌های فرصت باقی‌ماندن در بخش رسمی اقتصاد که با علامت B نشان داده می‌شوند، بستگی دارد. اما یک انتقاد اساسی که به ماهیت تبیین مساله و فرض پایه ای در مدل اشنایدر وارد است این است که او درآمد حاصل شده از فعالیت در اقتصاد سایه را معمولاً به عنوان (حقوق و دستمزد) نیروی کار طبقه بندی می کند تا درآمد(سود) سرمایه و این را به دلیل جزء مقررات حاکم بر بازار نیروی کار معرفی می کند!؟ از نظر او هرچه بار مالیاتی و هزینه ی نیروی کار بیشتر باشد، افراد انگیزه بیشتری برای اجتناب از این هزینه ها با کار در اقتصاد سایه دارند. احتمال کشف p به خودی خود به اقدامات اجرایی A که توسط مقامات مالیاتی انجام می شود و به تسهیل فعالیت های F که توسط افراد برای کاهش شناسایی فعالیت های اقتصادی سایه انجام می شود بستگی دارد.[۴۶۶]

جدای از مباحث فنی در مورد کاربرد روش MIMIC، چنانکه روشن شد، اشنایدر در انتخاب علل و عوامل عملا فرض را بر این می گذارد که بین دو عامل کار و سرمایه در اقتصاد، نیروی کار محرک اصلی برای حرکت بسوی فعالیت در اقتصاد سایه و فعالیت زیر زمینی است. او این فرض را با استدلال "به دلیل مقررات حاکم بر بازار نیروی کار" واقعیت نمایی می کند، در صورتی که واقعیت این است که صاحبان سرمایه و کارفرمایان ، برای فرار از مالیات، سرمایه های خود را به بخش سایه منتقل می کنند و با پیشنهادهای وسوسه کننده نیروی کار مورد نیاز را برای فعالیت های غیرمجاز، غیرقانونی و یا غیر رسمی خود به استخدام می گیرند. بعلاوه با کوچ سرمایه از بخش رسمی اقتصاد، بیکاری در این بخش افزایش می یابد و نیروی کار به فعالیت در اقتصاد سایه ترغیب می شود. به این ترتیب واقعیت این است که اولا – کار معمولا به دنبال سرمایه جابجا می شود و کوچ می کند، ثانیا– تمایل سرمایه به فرار از زیر بار مالیات محرک قوی تری است تا نیروی کار و ثالثا –امکان جابجایی و تبدیل سرمایه در مواردی حتی بیشتر از نیروی کار است. بیکاری در بخش رسمی اقتصاد ، معلول کمبود سرمایه در این بخش است و این نشان می دهد که سرمایه ها به بخش های غیر رسمی و احتمالا غیر قانونی منتقل و بکار انداخته شده اند و به تبع آن نیروی کار در بخش غیر رسمی فعالیت خود را آغاز می کند. بنابر این به نظر می رسد پذیرش فرض حضور نیروی کار به عنوان مهمترین علل رشد اقتصاد سایه مبتنی بر یک تصور اشتباه و یا پیش فرض و پیش قضاوت ذهنی اشتباه است، که براساس آن ، بطور متعارف در اروپا فعالیت در اقتصاد سایه را نوعی (کار سیاه)[۴۶۷] و گاهی بازارغیر رسمی را (بازار سیاه) تلقی می کنند و عامل اصلی ایجاد اقتصاد سایه را به حضور نیروی کار در این بخش منحصر می کنند، بدون آنکه محرک اصلی یعنی سرمایه های بکار انداخته شده در آن بخش بحساب آیند. شنایدر در مقاله ی دیگری

٤٦٦ - Friedrich Schneider & Andreas Buehn(٢٠١٦),Ibid.
٤٦٧ - black activities or undeclared work

با عنوان " اقتصاد سایه و کار در سایه: آنچه که ما (نمی‌دانیم)؟" بر سهم نیروی کار در شکل دادن به اقتصاد سایه تاکید می گذارد و می گوید : " آنچه به درک ما از پویایی اقتصاد سایه و به ویژه نیروی کار در سایه کمک می کند ، وضعیت کلی بازار کار و بیکاری در اقتصاد است."[۴۶۸] او عملا معلول را بجای علت بررسی می کند و به سرمایه های در سایه به عنوان محرک نیروی کار در سایه توجه نمی کند. او فرار و انتقال سرمایه ها از کشورهای جهان سومی ناشی از فساد در این دولت ها که محصول جرایم سازمان یافته اقتصادی در آن کشورهاست، را به عنوان علل مهاجرت کارگران جهان سومی به اروپا در نظر نمی گیرد. همچنین نابودی سرمایه ها و زیر ساخت کشورهای خاورمیانه ای درپی جنگ و ناآرامی هایی که نتیجه بی ثباتی و فساد در دولتهای دست نشانده و یا حاصل ائتلاف های قدرتمند نظامی جهان همچون ناتو هست را، در سیل هجوم پناهندگان آواره از آن کشورها برای کار و زندگی و تن دادن به کار سیاه در کشورهای اروپایی در نظر نمی گیرد. بدیهی است فرار سرمایه ها و نابودی زیر ساخت ها در کشورهای خاورمیانه ، در رشد بازار سیاه و کار سیاه و رشد عرضه نیروی کار ارزان قیمت و در رشد اقتصاد غیر رسمی حایز اهمیت فرآوان است. بلعکس برخی منابع مثال هایی از اشتراک گذاری خودرو و منزل مسکونی توسط کارگران و طبقات پایین دست جامعه را مصداق فعالیت در بازار سیاه عنوان می کنند." مبادله کالایی نوع دیگری از فعالیت‌هایی است که در بخش غیررسمی انجام می‌شود و توسط اقتصاد اشتراکی به اشتراک‌گذا شته می شود و این روزها با اینترنت محبوب‌تر و گسترده‌تر هم شده است. در اقتصاد جدید، ما احتمالاً تعداد زیادی از شرکت‌های کوچک جدید، صنایع کلبه‌ای و حتی کوچک‌تر "نانو بنگاه" خواهیم داشت، که بسیاری از آنها ممکن است تصادفی راه‌اندازی شوند. زمانی که پولی (= سرمایه زیادی) در کار نباشد، ممکن است فضای خاکستری وسیعی بین داشتن یک کسب و کار و نداشتن آن وجود داشته باشد. به عنوان مثال، اگر ماشین خود را به یک دوست قرض دهید، یک شرکت اجاره خودرو نیستید. اما اگر به طور مکرر خودروی خود را در ازای برخی کالاها و خدمات قرض دهید، آیا تبدیل به یک شرکت اجاره خودرو شده اید؟[۴۶۹]

در سراسر کار تحقیقی حاضر شواهد و یافته هایی ارائه شده است که ابعاد پنهان دیگری از علل رشد اقتصاد پنهان را نشان می دهد. واقعیت این است که قدرت های بزرگ ، نظام سرمایه داری و سرمایه داران بزرگ در اتحاد با دولتهای فاسد جهان سومی سهم عمد ای در رشد اقتصاد سایه در جهان دارند و نقش مخربی را در اقتصاد سیاه بازی می کنند، بطوری که امروز باید از پدیده قدرت های فراملی در سایه و دولت های در سایه نام ببریم، یعنی دولت در دولت. ظواهر متمدنانه نظام سرمایه داری غرب، تنها ویترینی برای ایجاد جذابیت و فریب دادن بینندگانی است که از

---

٤٦٨ -Friedrich Schneider(٢٠١٢) ,The Shadow Economy and Work in the Shadow: What Do We (Not) Know? ,IZA Discussion Paper No. ٦٤٢٣

٤٦٩ - Fade to Black? Get the Gist on the informal, grey, black, and terrorist economies ; https://www.justice.gc.ca/eng /rp-pr/jr/black-noir/p٢.html

پشت ویترین به ماجرا نگاه می کنند. اما برای درک واقعیت موجود در درون این جوامع و در روابطشان با دیگر جوامع باید به روابط و ساختارهای قدرت در آن جوامع نگاهی دوباره کرد.

بازار سیاه محلی است برای عرضه و تقاضای کالا و خدمات ممنوعه، مجرمانه و یا مشمول جریمه و یا فاقد مجوز رسمی و غیرقانونی. ازآنجا که محدودیت های قانونی قبلاً تعریف شده است، بازار سیاه مصداق مکانی است برای دور زدن قوانین و تمرد و سرپیچی از بازار رسمی. بازار سیاه مانند فرار مالیاتی محدود به درون یک کشور نیست و هرگز به مرزها احترام نمی گذارد. با تشدید جهانی شدن و فناوری های مربوط به آن، بازار سیاه فراملی شده و کمتر محلی است بلکه در مقیاس جهانی فعالیت می کند. در حال حاضر بازار سیاه جهانی را ۱٫۸۱ تریلیون دلار آمریکا تخمین زده اند. فعالیت‌ها در بازار سیاه دامنه وسیعی دارد و احتمال استفاده از آنها برای حمایت از سایر فعالیت‌های غیرقانونی (ازجمله تروریسم و پولشویی) بیشتر است. با توسعه سریع اینترنت، این فعالیت ها سازماندهی شده و امکانات و ظرفیت سازی برای فعالیت های بازار سیاه متنوع تر شده است.[۴۷۰]

هر روز افراد زیادی در سراسر جهان درگیر فعالیت های غیر رسمی و عمدتا غیر قانونی در بازار سیاه هستند. بخشی از این افراد معمولاً برای فرار از مالیات و صرفه جویی در هزینه های خود به زیرزمین می روند، زیرا تولید و عرضه محصولات و خدمات در زیر زمین به طور قابل توجهی سودآورتر هستند. تحلیل گران و سیاستگذاران راغب هستند ضمن برآوردی از فعالیت های اقتصاد سایه، جریان های درآمدی پنهان این گروه های غیر رسمی را شناسایی و رهگیری نموده و دست کم در صورت مجاز بودن، شناسایی نموده و برآن مالیات وضع کنند و در صورت غیرقانونی و شدیدا مجرمانه بودن آنها ، مانند قاچاق کالا و غیرو ، ثروت و درآمد حاصل از آن طریق را به نفع بخش رسمی اقتصاد مصادره نمایند، تا هم افراد به فعالیت های رسمی در اقتصاد سوق داده شوند ، هم دولت بتواند از طریق بستن راه های فرار از پرداخت مالیات و دیگر راه های فعالیت غیر قانونی اشخاص، منابع اقتصادی را به سمت فعالیت های قانونی سوق دهد و با تامین هزینه های جاری خود به تقویت خدمات تامین اجتماعی فراگیر درجامعه بپردازد.

در غالب مطالعاتی که هدف آن برآورد اقتصاد سایه هست، چنانکه اشاره شد ، دولت در یک طرف به عنوان مدعی العموم و بخش اقتصاد زیر زمینی در طرف مقابل آن قرار دارد. در پژوهش حاضر سعی شده است، سوء عملکرد دولت ها و سوء مدیریت بخش عمومی در رشد اقتصاد سایه مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و بطور خاص موضوع فساد و جرایم سازمان یافته دولتی و هنجارشکنی های بین المللی و رانت جویی در درون دولت ها و سهم دولت ها در رشد اقتصاد سایه مورد بررسی قرار گیرد و دولت ها بجای مدعی در جایگاه متهم قرار گیرند. متاسفانه شواهد فرآوانی وجود دارد که نشان می دهد در موارد مختلف دولت ها در نقش داروغه ناتینگهام در داستان معروف رابین

---

۴۷۰ - http://www.havocscope.com/market-value/ ; Hitha Prabhakar(۲۰۱۲),Black Market Billions, FT Press.

هود ظاهر می شوند[۴۷۱]، دزدسالاری ، فساد ، حیف و میل اموال و دارایی های عمومی، عدم پاسخگویی دولت ها در قبال هزینه های سنگینی که بابت اداره ناکارآمد بخش عمومی و ارائه حداقلی خدمات بی کیفیت خود به مردم و شهروندان تحمیل می کنند، بخشی از جامعه را به فعالیت های مجرمانه ، غیرقانونی و زیرزمینی و فرار از تعهدات و پرداخت دیون شان به دولت ها سوق می دهد. با این حال قبل از باز کردن بیشتر بحث خوب است ، عمده نگرانی مطرح در ادبیات مطالعات اقتصاد سایه در منابع موجود بررسی شود. چنانکه گفته شد عمده نگرانی در مورد افزایش فعالیت های اقتصادی در سایه ، تضعیف پایه های مالیاتی و البته ادعای یافتن راهی جهت تقویت نظام تامین اجتماعی فراگیر است.

برآوردهای اشتباه از حجم واقعی اقتصاد و نادیده گرفتن و به حساب نیاوردن فعالیت های زیر زمینی ممکن است به ارائه شاخص‌های رسمی اشتباه در مورد فقر و رفاه (بیش برآوردی فقر و کم برآوردی سطح رفاه و درآمد اشخاص در جامعه) بیانجامد و برآن اساس تصمیمات سیاسی ناکارآمدی توسط سیاستگذار(دولت) اتخاذ گردد، که به نوبه خود منجر به بروز خسارات بیشتر به بخش رسمی اقتصاد شود و اثرات مخرب بر فعالیت‌های قانونی و رسمی در اقتصاد داشته باشد. بی شک این دغدغه و نگرانی در نزد دولت های مردم سالار، پاسخگو و غیر رانتی و یا دولت رفاه به معنای واقعی و یا کشورهای دارای حکمرانی خوب، مطرح است، اما در مورد بسیاری از کشورهای فقیر و کمتر توسعه یافته [۴۷۲]و اقتصادهای در حال گذار[۴۷۳]، با نظام های سیاسی غیر دموکراتیک و شیوه حکمرانی فاسد و ناکارآمد و غیر پاسخگو، برآورد اقتصاد سایه بدون در نظر گرفتن سهم این دولت ها در رشد فعالیت های بازار سیاه و زیر زمینی، نتایج درستی ارائه نمی دهد، زیرا این دولت ها خود به مثابه یک مشکل مطرح هستند و خود آنها جزیی از مشکل هستند که در رشد اقتصاد سایه نقش مهمی دارند. گزارش های مستند بانک جهانی قبل از بحران اقتصادی آسیا نشان می دهد از حدود سه دهه پیش از ۱۹۹۴ م، کشورهایی با سیاستهای درست و نهادهای حکومتی کارآمد هر سال، ۳ درصد رشد داشته اند، در حالی که کشورهایی با سیاست های درست اما نهادهای ضعیف و ناکارآمد سالانه، فقط ۱،۴ درصد رشد داشته اند .(world bank, ۱۹۹۸ : ۸۹) بعلاوه مطالعات بعدی نشان داد ناتوانی نهادهای بخش عمومی و حکمرانی ضعیف در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از عوامل اصلی عدم تحقق برنامه های توسعه عادلانه بوده است.(World Bank, ۲۰۰۰, xi). از مصادیق عینی

---

۴۷۱ – ماجرای رابین هود، قصه دزدان معروف جنگل شروود در نزدیکی شهر ناتینگهام است. پس از اینکه شاه ریچارد شیردل، رهسپار جنگ می‌شود برادرش جان تخت شاهی را غصب می‌کند و مالیات‌های سنگینی را برای مردم مقرر می‌کند. ریچارد شیردل در این فاصله به اسارت پادشاه اتریش در می‌آید. رابین هود که یکی از تیراندازان زبردست است از دادن مالیات سر باز می‌زند و به جنگل شروود پناه می‌برد. او بـه همراه همدستانش دارایی‌های ثروتمندان را می‌دزدند و میان تهیدستان تقسیم می‌کنند.اگرچه نمی‌توان با اطمینان گفت که آنها همیشه آنچه را که از ثروتمندان می‌دزدیدند به نیازمندان می‌دادند، اما نقش منفی داروغه ها که مامور جمع آوری مالیات بودند، در این ماجرا برجسته تر است.

٤٧٢ - less developed countries (LDCs).

٤٧٣ -Transitional Economies.

ناکارآمدی در مورد نهادهای عمومی که به ضعف حکمرانی می انجامد، رانت و فساد در درون دستگاه های عمومی و دولتی است.[۴۷۴] از نظر بانک جهانی، یک بخش عمومی با عملکرد خوب که خدمات عمومی با کیفیت را مطابق با ترجیحات شهروندان ارائه می دهد و رشد بازار خصوصی را تقویت می کند و در عین حال منابع مالی را با احتیاط مدیریت می کند، برای مأموریت بانک جهانی در کاهش فقر و دستیابی به اهداف توسعه هزاره ضروری است. این مهم زمانی محقق می شود که روش های مقابله موثری با فساد و ناکارآمدی در شیوه حکومت به اجرا درآید. سوء عملکرد و سوء زمامداری در شیوه ی حاکمیت بخش عمومی به عنوان عامل اصلی فساد، ناکارآمدی و اتلاف منابع در کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته می شود و به فقدان برنامه های توانمندسازی شهروندان برای پاسخگوسازی دولت نسبت داده می شود.[۴۷۵]

اگرچه تفکیک فعالیت ها در اقتصاد سایه یا اقتصاد خاکستری دشوار است، زیرا در مواردی فعالیت‌های قانونی هم ممکن است در نهایت با فعالیت‌های غیرقانونی ترکیب و یا تبدیل شوند و آن در صورتی است که بار مالیاتی یا نظارتی دولت به سطح غیر قابل موجهی افزایش یابد. این امر به ویژه در بسیاری از اقتصادهای توسعه نیافته صادق است، جایی که حاکمیت قانون و استقلال قضایی وجود ندارد، در حالی که رژیم های نظارتی سنگین توام با فساد وجود دارند.[۴۷۶]

ارائه برآوردی دقیق از بخش پنهان اقتصاد یعنی اقتصاد در سایه چندان کار ساده ای نیست. اگرچه مطالعات انجام شده نشان می دهد که پیشرفت هایی در این حوزه حاصل شده است، اما هنوز کار دشوار است ، زیرا افرادی که در چنین فعالیت هایی شرکت می کنند مایل به شناسایی نیستند ، ضمن اینکه سهم و نقش دولت ها در رشد اقتصاد پنهان نیز اغلب مورد غفلت واقع شده است. در نتیجه برآورد اقتصاد سایه به یک علاقه علمی برای شناخت ناشناخته ها تبدیل شده است. امروزه تکنیک های مختلفی برای اندازه گیری اقتصاد سایه به کار گرفته می شود. همانطوری که اشاره شد ، این شامل رویکردهای مستقیم مانند بررسی و حسابرسی و استفاده از روش‌های مغایرت و همچنین روش‌های غیرمستقیم مانند رهگیری تراکنش ها یا رویکرد تقاضای ارز در بازار است. چنانکه پیش تر معرفی گردید روش معیارهای چندگانه –علل چندگانه یا MIMIC ، به عنوان نوعی روش آماری و اقتصادسنجی که از مدل معادلات ساختاری با وجود متغیرهای پنهان در برآورد اقتصاد سایه بهره می گیرد، یکی از روش های متداول برای این منظور است. تحقیق حاضر ضمن بررسی روشهای مختلف مطرح، برآوردی از اقتصاد سایه در ایران ارائه می کند که به دو اثر توزیعی و اثر تورمی فساد توجه دارد و به نقش دولت و اثر تحریم ها در رشد اقتصاد سایه

---

۴۷۴ –نسرین قنواتی و دیگران(۱۳۹۶)،بازتولید ساختار رانتی در ایران، فصلنامهٔ مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دورهٔ۷ ، شمارهٔ ۲۵ ، زمستان ۹۶.

٤٧٥- Anwar Shah(٢٠٠٧) editor,Performance accountability and combating corruption, The World Bank, Washington DC. ٢٠٤٣٣, Foreword & Overview.

٤٧٦ - Forest(٢٠٠٧),Ibid, p ٩٤٧

می پردازد. همچنین، به متغیرهای مکملی که نقش دولت پنهان یا دولت در سایه را در رشد بخش پنهان اقتصاد در نظر می گیرد توجه دارد. با این حال کتاب حاضر را باید تحقیقی در حوزه اقتصاد سیاسی با محوریت بررسی علل و آثار و پیامدهای مفاسد و جرایم اقتصادی سازمان یافته دولتی و غیر دولتی دریک اقتصاد جهانی شده روی اقتصاد ملی تلقی نمود، اما برای داشتن تصویر و چشم اندازی از وضعیت کشور در حوزه فساد و هزینه ها و خسارات ناشی از آن ، سعی می شود این تصویر در پس زمینه ای از واقعیت اقتصاد آلوده به جرم و فساد در ساحت جهانی و محرک ها و علل جهانی آن ترسیم شود.

(فردریش اشنایدر و رابرت کلینگل مایر، ۲۰۰۴) ، با استفاده از روش های آماری مختلف، برآوردهایی در مورد اندازه اقتصاد سایه در ۱۱۰ کشور در حال توسعه، در حال گذار و OECD ارائه داده اند. متوسط اندازه اقتصاد سایه (بر حسب درصد تولید ناخالص داخلی رسمی) طی سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۹ در کشورهای در حال توسعه ۴۱ درصد، در کشورهای در حال گذار ۳۸ درصد و در کشورهای OECD ۱۸,۰ درصد بوده است. بار فزاینده مالیات و سهم‌های تامین اجتماعی همراه با افزایش فعالیت‌های نظارتی دولتی، نیروهای محرک رشد و اندازه اقتصاد سایه تشخیص داده شده است. همچنین برآورد شده که اگر اقتصاد سایه یک درصد افزایش یابد، نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی "رسمی" یک کشور در حال توسعه۰,۶ ٪ کاهش می یابد[۴۷۷] و برای یک کشور صنعتی و/یا در حال گذار) به ترتیب ۰,۸ ٪و ۱,۰ ٪ کاهش می یابد.[۴۷۸] برهمین اساس می توان دریافت، هرچه سیاست های مالیاتی دولت در جهت افزایش بار مالیاتی بیشتر باشد ، به همان نسبت دولت به رشد اقتصاد در سایه و کوچک نمودن بخش اقتصاد رسمی کمک کرده است.

به رغم انتقاداتی که بر روش MIMIC وارد است، در هرصورت این روش به عنوان یک روش آماری در برآورد اقتصاد سایه در کشورهای مختلف مورد استقبال زیاد قرار گرفته است. در یک مقاله تحقیقی (هاشمی و هروی،۲۰۲۲) با همکاری اشنایدر، اندازه اقتصاد سایه و محرک های رشد آن برای اقتصاد ایران با روش MIMIC برآورد کرده اند. در این تحقیق عوامل و محرک های مهم تعیین کننده اقتصاد سایه در ایران ، تورم ، بیکاری ، باز بودن درهای تجارت و اندازه بخش مسکن و ساخت و ساز در نظر گرفته شده است. (بخش مسکن و ساخت و ساز احتمالا از این جهت به عنوان متغیر تعیین کننده در الگو آورده شده است که بیشترین نیروی کار غیر رسمی در این بخش شاغل است و بویژه در مقاطعی از دوره مورد اشاره ، کارگران اتباع کشورهای همسایه، افغانستان با دستمزدهای های ارزان در این بخش فعالیت داشته اند.) همچنین براساس نتایج همین مطالعه مشخص شده است که

---

[۴۷۷] - برهمین مبنا می توان، کاهش رشد تولید ناخالص ملی را مبنای رشد اقتصاد سایه مورد بررسی قرار داد.

۴۷۸ - Friedrich Schneider, Robert Klinglmair(۲۰۰٤), Shadow Economies around the World: What Do We Know?, Institute for the Study of Labor, IZA DP No ۱۰٤۳

رشد اقتصاد سایه رابطه مثبتی با نقدینگی و بویژه پول نقد و رابطه منفی با نرخ مشارکت نیروی کار و تولید ناخالص داخلی ایران دارد. چنانکه می دانیم نرخ مشارکت نسبتا پایین در بخش رسمی اقتصاد می تواند نشان دهنده رشد فعالیت در بخش غیررسمی باشد. با استفاده از داده های سالانه برای بازه زمانی ۱۹۷۹–۲۰۱۹، نتایج تجربی این مطالعه نشان می دهد که پس از یک افزایش اولیه ، اندازه اقتصاد سایه در طول جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰–۱۹۸۸)، کاهش یافته، اگرچه نوساناتی نیز وجود داشته است. در نهایت میانگین اندازه اقتصاد سایه در کل دوره مورد مطالعه ۱۹۷۹–۲۰۱۹، معادل با ۳۱٫۸۳ درصد تولید ناخالص داخلی برآورد شده است.[۴۷۹] به منظور کاهش اندازه اقتصاد سایه ، نویسندگان مقاله توصیه کرده اند، دولت تدوین سیاستهای اقتصادی خودش را معطوف به کاهش کانال محرک های اصلی اقتصاد سایه هدایت کند. به عبارت دیگر، کاهش اندازه SE می تواند از طریق ابتکارات و سیاستهایی حاصل شود که به دنبال کاهش نرخ تورم و بیکاری است. همچنین از طریق درجه باز بودن تجارت و مقادیر کمتر فعالیت های اقتصاد سایه در بخش ساخت و ساز محقق می شود. در حالی که نرخ تورم بالا در ایران به طور کلی ماهیتی پولی دارد و نتیجه رشد قابل توجه عرضه پول است، اما اهمیت عوامل دیگری مانند کسری بودجه و تحریم‌های اقتصادی ایران نیز توسط ادبیات موضوع برجسته شده است ، بنابر این اقتصاد ایران نه تنها نیاز به اصلاح سیاستهای پولی و مالی دارد، بلکه دولت باید مذاکرات و تعاملات در سطح بین المللی را در جهت کاهش و رفع تحریم ها بر اقتصاد افزایش دهد و خصوصا لغو تحریم‌ها اهمیت دو چندانی دارد، زیرا تحریم ها همچنین مانع مهمی برای تجارت آزاد است و مانع از باز بودن درهای اقتصاد بر روی تجارت با جهان خارج هست و ازآن طریق به رشد اقتصاد سایه منتهی می شود.[۴۸۰]

پیش از انجام این تحقیق، اشنایدر در یک مطالعه گسترده تر دیگر در مورد اندازه اقتصاد سایه در ۱۴۳ کشور جهان در بازه زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۴ و با کمک همین روش، متوسط اندازه اقتصاد سایه در ایران ۱۸٫۲ و حداکثر معادل ۲۰ درصد برآورد کرده بود. البته در آن مطالعه به بخش ساخت و ساز در ایران با توجه به ویژگی های خاص آن که رقم بالایی از اشتغال نیروی کار غیر رسمی را در خود دارد، توجه نشده است.[۴۸۱] در هر حال به نظر می رسد برای دستیابی به یک برآورد و ارزیابی دقیق و قابل دفاع ، باید ویژگی های خاص هرکشور را بطور مجزا درنظر گرفت، که در مطالعه هاشمی و هروی به این مهم توجه ویژه شده است.

---

۴۷۹ - Soroush Hashemi, Mohammad Mahdi Lotfi Heravi & Friedrich Schneider(۲۰۲۲), Size and Causes of the Shadow Economy in Iran: An Analysis with the MIMIC Approach , International Journal of New Political Economy ۳(۲): ۱۲۷-۱۵۷.

۴۸۰ - Soroush Hashemi, Mohammad Mahdi Lotfi Heravi & Friedrich Schneider(۲۰۲۲),Ibid.

۴۸۱ - Friedrich Schneider & Andreas Buehn(۲۰۱۸), Shadow Economy: Estimation Methods, Problems, Results and Open questions, Open Economics ۲۰۱۸; ۱: ۱–۲۹.

چنانکه می دانیم، بخشی از سرمایه و نیروی کار و سایر عوامل اقتصادی همانند زیر ساخت حمل و نقل هر کشور در زمینه فعالیت های قاچاق به استخدام در می آید . این بخش پنهان ، در سایه و یا خاکستری و فعالیت های آن غیرقانونی است. (منصور زراء نژاد و همکاران، ۱۳۹۲) در یک مطالعه به بررسی مهم‌ترین عوامل موثر بر قاچاق در ایران طی دوره زمانی ۸۸-۱۳۵۳ پرداخته اند و عملا سهم قاچاق در اقتصاد پنهان ایران را برآورد کرده اند. در این مطالعه برای برآورد ارزش قاچاق کالا در ایران از روش شاخص‌های چندگانه و علل چندگانه (MIMIC) استفاده شده است. بر اساس نتایج این مطالعه ، حجم قاچاق طی دوره مورد بررسی روند پر فراز و نشیبی داشته است. این میزان در سال ۱۳۵۳ به نسبت ۳۶/۵۲ درصد (حداکثر) از تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶) و در سال ۱۳۶۱ به نسبت ۱۵/۶۱ درصد (حداقل) از تولید ناخالص داخلی و به طور متوسط معادل با ۲۰/۸۸ درصد از تولید ناخالص داخلی در دوره مورد بررسی بوده است. نتایج این مطالعه همچنین نشان می دهد که نرخ تورم، آموزش، شاخص باز بودن اقتصاد و اندازه دولت ، مهم‌ترین عوامل موثر بر قاچاق کالا در ایران هستند. قاچاق کالا بر روی فرآورده‌های نفتی و تقاضا برای پول تأثیر گذاشته است، اما تاثیر آن بر فرآورده‌های نفتی در مجموع بیشتر از اثر آن بر روی تقاضای پول است.[۴۸۲] چنانکه می دانیم، صادرات قاچاق سوخت به کشورهای همسایه یکی از عمده ترین راه های درآمدی قاچاقچیان طی سالهای اخیر در ایران است و برحسب گزارش های مختلف ارقام برآوردی گوناگونی از قاچاق سوخت ارائه شده است.اختلاف قیمت سوخت در داخل کشور با کشورهای همسایه، انگیزه اصلی برای قاچاقچیان است تا به رغم تحمل خطرات فرآوان، وارد این فعالیت شوند. گزارش هایی از فساد در شبکه توزیع فرآورده های سوختی در کشور نیز وجود دارد که نشان می دهد، بخشی از قاچاق سوخت به خارج کشور از طریق همکاری و مشارکت نهادهای دولتی انجام می شود.[۴۸۳]

روش حساب های ملی

روش حساب های ملی برای دستیابی به جامعیت از دیگر روشهای برآورد اقتصاد سایه است. چنانکه اشاره شد همیشه برخی از فعالیت های اقتصادی و تولیدی وجود دارد که نمی توان مستقیماً آنها را مشاهده کرد.(OECD,۲۰۰۲) روش‌های غیرمستقیم برای جمع‌آوری حساب‌های ملی را توصیف می‌کند که می‌توان در مواردی که داده‌های پایه ای کافی در اختیار نیست ، اندازه‌گیری‌ها (تعدیل‌های NOE)[۴۸۴] را بر اساس سری‌های

---

۴۸۲ - منصور زراء نژاد؛ صلاح ابراهیمی؛ پویان کیانی، برآورد حجم قاچاق کالا در ایران به روش MIMIC ، مجله علمی پژوهشی سیاستگذاری اقتصادی، دوره ۵، شماره ۹، خرداد ۱۳۹۲، صفحه۱۰۹-۸۱

۴۸۳ - برای نمونه رجوع کنید به گزارش خبرگزاری تسنیم با عنوان : قاچاق روزانه ۹ میلیون لیتر سوخت از کشور/ قیمت گازوئیل در خلیج فارس ۶۰ برابر ایران است :

https://www.tasnimnews.com/fa/news/ ۱۴۰۰/۱۰/۰۶/۲۶۳۳۰۱۳

۴۸۴ - non-observed economy (NOE).

شاخص یا تخمین‌هایی از سایر بخش‌های حساب‌های ملی استخراج نمود و استفاده کرد.[۴۸۵] تمرکز این روش البته بر اندازه‌گیری آن دسته از فعالیت‌های تولیدی است که مشاهده نمی‌شوند، زیرا آنها فعالیتهای زیرزمینی یا فعالیت در بخش غیررسمی هستند که بطور مثال توسط خانواده‌ها برای استفاده نهایی خودشان تولید می‌شود و یا به دلیل نقص در برنامه جمع‌آوری داده‌های اولیه از دست رفته‌اند. اندازه‌گیری تولید غیرقانونی چالش‌های متفاوت دیگری را به همراه دارد که به طور صریح در این روش پوشش داده نمی‌شود، اگرچه به چندین روش گردآوری این فعالیت ها نیز اشاره شده است.در واقع روش شرح داده شده می تواند با برخی تعدیل ها، شامل فعالیت های تولیدی غیر قانونی هم باشد بدون اینکه آنها را به طور جداگانه شناسایی کنیم.[۴۸۶] روش‌های جمع‌آوری برای پوشش فعالیت‌های مشاهده نشده بر شاخص‌های این فعالیت‌ها که در داده‌های موجود ثبت شده‌اند، متکی هستند. هدف اصلی استفاده از داده های موجود برای برآوردی جامع از کلیه فعالیتهای تولیدی در اقتصاد است، در عین حال که باید از محاسبه و شمارش مضاعف اجتناب شود. بر اساس ارزیابی گستردگی و ماهیت NOE باید طیف وسیعی از داده های موجود را تجزیه و تحلیل کرد تا مشخص شود که چگونه می توان از آنها به عنوان شاخصی برای اندازه گیری موارد مشاهده نشده استفاده کرد . در این زمینه چندین ملاحظه وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. پوشش داده ها اغلب جزئی است. هر مجموعه از داده ، جامعه مرجع خود را دارد. برخی از منابع نشان دهنده کل فعالیت هستند، مانند بودجه خانوار در سراسر کشور یا نیروی کار خانوار براساس نظر سنجی. با این حال، بسیاری از منابع جمعیت مرجع خاصی دارند. بنابراین، شاخص‌های غیرمستقیم تولید به‌دست‌آمده از منابع موجود ممکن است هنوز ناقص باشد، به‌ویژه در مورد خانوارها و فعالیتهای غیرشرکتی. بنابراین، شناسایی فعالیتهایی که در داده های موجود نشان داده نمی شوند، مهم است.[۴۸۷] در فصل نهم از منبع پیشین، بطور تفصیلی درباره روش های برآورد فعالیتهای غیرقانونی بحث شده است. البته چنانکه اشاره شد اندازه گیری فعالیت های غیرقانونی از نظر ماهیت بسیار دشوار است. افراد درگیر در معاملات غیرقانونی دلایل واضحی برای پنهان کردن مشارکت خود دارند. هرچه این فعالیت‌ها توسط قانون و جامعه غیرقابل قبول و مجرمانه تلقی شود، جمع آوری منابع داده‌های متداول دراین باره دشوارتر می‌شود. بنابراین، روش های مرسوم گردآوری داده همچون نظرسنجی و اتکاء بر منابع داده‌های اداری و رسمی در مورد مناسب بودن، پوشش و قابلیت اطمینان آنها ، موضوع نگران کننده ای هست. بطور مثال تعداد پرونده های تشکیل شده در مورد قاچاق و حتی برآورد ارزش کالاهای قاچاق کشف شده نمی تواند ملاک قابل اتکایی برای برآورد حجم فعالیتهای قاچاق در یک اقتصاد باشد، زیرا باید بدانیم موارد کشف شده دقیقا چند درصد از کل فعالیت های قاچاق است. به عباراتی چند درصد از فعالیتهای قاچاق شناسایی و رصد شده است. هرچه یک سیستم

---

۴۸۵ - OECD(۲۰۰۲),Measuring the Non-Observed Economy ;A Handbook, OECD Publications Service,p۶۹
۴۸۶ - Ibid
۴۸۷ - Ibid

نظارتی، نظامی، انتظامی، پلیسی و امنیتی ناکارآمدتر و یا احیانا فاسد تر باشد[۴۸۸]، موارد کشف شده درصد کمتری از کل فعالیت های غیرقانونی را نمایندگی می کند. به عبارتی ، ناکارآمدی بیشتر در یک سیستم ، به امکان فساد بیشتر و رهگیری کمتر فعالیتهای غیرقانونی و در نتیجه به کم برآوردی حجم فعالیتهای غیرقانونی و کم برآوردی اندازه اقتصاد سایه منتهی می شود.

بررسی ادبیات موضوع نشان می دهد ، چالش دیگری که از آن غفلت شده است، شرایط خاص کشورهای مختلف، بویژه شرایط کشورهای صادر کننده ی نفت است. در این کشورها نفت و مشتقات آن سهم عمده در تولید ناخالص داخلی و درآمد صادراتی ایفا می کند و چون این رقم درآمدی در هزینه های جاری دولت ها جریان می یابد، آنها را از اتکاء به درآمدهای مالیاتی تقریبا بی نیاز می سازد و موضوع بار مالیاتی به عنوان عامل رشد اقتصاد سایه در این کشورها تا حدود زیادی منتفی است، اما ماهیت اغلب دولتها در این گروه از کشورها رانتی است و بسیاری از آنها بواسطه نوع نظام سیاسی و شیوه حکمرانی غیر دموکراتیک و غیرپاسخگو، دولتهای رانتیر و فاسدی هستند که به رشد اقتصاد سایه در کشورهایشان کمک می کنند. همچنین در مورد کشوری مانند ایران، موضوع تحریم ها و اثرات آن بر حضور ایران در بازارهای سیاه برای دور زدن تحریم ها و در نتیجه رشد اقتصاد سایه در این کشور حایز توجه است. در ادامه ابعاد بیشتری از این موضوع مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. اجمالا اشاره میشود که ایران، عربستان، عراق، لیبی، نیجریه و ونزوئلا کشورهای نفتی هستند که بررسی اندازه اقتصاد سایه در آنها نیازمند توجه بیشتر خواهد بود.

با کمی تامل بیشتر در مورد ارتباط میان فرهنگ جوامع با ساختار فعالیت های اقتصادی آنها خواهیم دید، در جوامع اسلامی به جهت وجود ممنوعیت ها، محدودیت ها و معذوریتهای شرعی ، فقط فعالیت های اقتصادی حلال رسمیت دارد و قانونی است، ولی در کشورهای غیر مسلمان، در مورد فعالیتهای اقتصادی ، محدودیتهای کمتری لحاظ میشود. لذا انتظار می رود، سهم بخش رسمی اقتصاد در کشورهای غیر مسلمان بزرگتر از کشورهای مسلمان باشد، زیرا فعالیت های محدود شده از لحاظ شرعی در کشورهای مسلمان به عنوان فعالیتهای غیر رسمی و غیرقانونی ارزیابی می شوند که در حسابهای ملی در اقتصاد رسمی کشورهای مسمانان جایگاهی ندارد. این فعالیت ها باید با روش های ابتکاری و غیر مستقیم برآورد گردند. نمونه هایی از این نوع فعالیت ها را می توان در صنایع غذایی و آشامیدنی(مانند تولید محصولات غذایی از گوشت خوک ، یا نوشیدنی هایی مانند مشروبات الکلی وغیرو...) و

---

۴۸۸ – ناکارآمدی لزوما به معنای فساد نیست ، ولی ناکارآمدی می تواند به رشد فساد کمک کند. ناکارآمدی می تواند ابعاد مختلف فنی و تخصصی، قانونی ، مدیریتی واجرایی و نظایرهم را شامل شود.گماردن افراد فاقد تخصص، در کنار قوانین مندرس و ناکارآمد و رویه های مبهم و عدم تناسب میان اختیارات با مسوولیت اشخاص و پاسخگویی آنان ، در کنار ناکارآمدی زیرساختی و سیستمی و فنی می تواند زمینه های فرار و سرپیچی از قوانین و تخلفات قانونی و ارتکاب گسترده به فساد را فراهم نماید.

سایر فعالیت های اقتصادی برشمرد. بدون شک ممنوعیت و معذوریتهای شرعی در مورد برخی فعالیت ها در کشورهای مسلمان به معنای این نیست که چنین فعالیتهایی وجود ندارد، بلکه آنها در سایه و پنهان فعالیت می کنند و مبادله ویا عرضه و تقاضا می شوند.[۴۸۹]

برای هر فعالیت غیرقانونی معین، داده ها باید تا آنجا که ممکن است به طور مستقل در هر یک از سه زاویه وقوع، یعنی عرضه، استفاده و درآمد ایجاد شده ، جمع آوری شوند. پس از آن، داده ها را می توان مورد مقایسه قرارداد و یکپارچه نمود. در بسیاری از موارد، دادههای یکی از زوایا ممکن است کاملاً وجود نداشته باشد یا کم و بسیار ضعیف باشد. در این صورت، از طریق انطباق و شناسایی می توان برای جمع آوری داده های از دست رفته استفاده کرد.[۴۹۰] به طور کلی، داده های اداره پلیس و داده های نظرسنجی در مورد فعالیت های مجرمانه، منابع اصلی برای جمع آوری و تحلیل و انجام این نوع برآوردها هستند. موسسات مراقبت های بهداشتی وشخصی و مراکز مراقبت، و نگهداری و بازپروری معتادان ، زندان ها و موسسات خیریه نیز ممکن است اطلاعات مفیدی را در مورد تعداد معتادان ، آمار کشفیات مواد مخدر یا تعداد روسپی ها و دزدها و سارقین و قاچاقچیان وغیرو ارائه دهند. علاوه بر این ممکن است از منابع داده ای مرسوم‌تر برای جمع‌آوری داده در حساب‌های ملی استفاده شود، به عنوان مثال. نظرسنجی از نیروی کار ویا نظرسنجی های از خانوارها و واحدهای صنفی و غیرو. با این حال، مشکلات جدی در رابطه با کم گزارش دهی و یا عدم پاسخگویی و غیره اجتناب ناپذیر است.[۴۹۱]

فعالیت های غیرقانونی پدیده ای است که اغلب توسط دانشگاه ها و موسسات تحقیقاتی مورد بررسی عمیق قرار می گیرد. اگرچه این مطالعات اغلب به جریان های پولی مربوط به فعالیت های غیرقانونی کمتر ورود می کنند، اما ممکن است اطلاعات مفیدی را ارائه دهند. آخرین راهها، انجام یک نظرسنجی با تمرکز بر جنبه‌هایی از تولید، توزیع، عرضه یا تقاضاهای غیرقانونی است که تلاش برای جمع‌آوری داده‌ها را امکان‌پذیر می سازد. مقایسه جداول منابع –مصارف[۴۹۲] برای جلوگیری از محاسبه مضاعف اهمیت دارد. اگر داده های کل اقتصاد، از جمله تولید غیرقانونی، در چارچوب عرضه و مصرف گنجانده شود، مشکل به طور خودکار حل می شود.[۴۹۳] مثال هایی

---

۴۸۹ – تا چند سال پیش، در ایران مطابق احکام و مقررات شرعی و اسلامی فعالیت برخی مراکز سرگرمی(entertainment) مانند سالنهای بیلیارد و بازی شطرنج ممنوع بود.همچنین خرید و فروش آلات موسیقی ممنوع بود، تئاتر و سینما محدود بود و برگزاری کنسرت هم اکنون در برخی شهرها ممنوع است. خرید و فروش ویدئو و گیرنده های دیجیتال ماهواره ای تا چندی پیش جرم بود و هنوز برخی از فعالان عرصه موسیقی بصورت زیر زمینی فعالیت می کنند.بسیاری از این فعالیت ها در قالب جشنوارها و رویدادهای فرهنگی هنری در کشورهای همجوار مانند ترکیه (اسلامی ولی سکولار) سالانه میلیاردها دلار بطور رسمی نصیب اقتصاد آن کشورها می کند. در ایران این فعالیت های ممنوعه در سایه و غیررسمی انجام می شود و یا ایرانیان زیادی پولهای خود را صرف رویدادهای فرهنگی نظیر کنسرتهای موسیقی در داخل و خارج می کنند.

٤٩٠ OECD(٢٠٠٢), Measuring the Non-Observed Economy,pp١٥٥-١٤٦.

٤٩١ - Ibid ,p١٥٦

٤٩٢ - supply and use table

٤٩٣ -Ibid.

از روش جمع آوری داده های مربوط به تولیدات غیرقانونی، می تواند شامل پایش و نظارت و گردآوری داده در مورد مثلا سطح زیر کشت خشخاش و دیگر کشتزارهایی که محصولاتشان در ساخت مواد مخدر مورد استفاده قرار می گیرد، باشد. همچنین آمارگیری از مراکز بهداشتی و درمانی در خصوص مبتلایان به HIV-AIDS ، که می تواند مبنایی برای ساخت مدلهای آماری جهت برآورد تعداد فعالان در حوزه تقاضای (یعنی مصرف و استعمال) مواد مخدر و روابط جنسی پرخطر مانند روسپی گری باشد.

رویکرد ایتالیایی در برآورد جامع GDP

چنانکه می دانیم ایتالیا در میان کشورهای اروپایی با یک اقتصاد بزرگ در سایه مواجه هست که عمدتا نه فقط به دلیل مسائل فنی و آماری بلکه به لحاظ پیشینه، به دلیل فعالیت های وسیع باندهای قاچاق و سایر فعالیت های اقتصادی غیرقانونی در سایه و پنهان مانند پولشویی و جنایت تجربه متفاوتی از دیگرکشورهای اروپایی دارد. در جوامعی با نرخ بالای فعالیت های غیرقانونی مانند قاچاق ، از دیدگاه مالیه عمومی، تا جایی که سیاستگذاران بتوانند درآمدهای با منشاء فعالیت غیرقانونی را شناسایی و یا به درآمدهای قانونی تبدیل کنند، اقتصاد زیرزمینی می‌تواند به‌عنوان یک منبع تامین درآمد تلقی شود تا یک محدودیت.[۴۹۴]

یکی از رویکردهایی که می تواند به برآوردی جامع و تجمیع شده از GDP بپردازد، روش ایتالیایی است. رویکرد ایتالیایی در طول دهه ۱۹۸۰ توسط Istat (موسسه گردآوری آمار متعلق به دولت ایتالیا) توسعه یافت تا به ویژگی های خاص اقتصاد ایتالیا بپردازد. Istat آشکارا اعلام کرد : " غیرقابل مشاهده به معنای غیرقابل سنجش و محاسبه نیست." ویژگی بارز این رویکرد، استفاده از روش مبتنی بر محاسبه ی ورودی (داده های) نیروی کار در فرایند فعالیت های اقتصادی است، البته این تنها ویژگی متمایز آن نیست، بلکه همچنین شامل اقدامات تصحیحی به منظور رفع نقصان های کم گزارش دهی از فعالیت های اقتصادی است و این در واقع بیش از یک کاربرد ساده از روش ورودی نیروی کار است، بلکه روشی برای تجمیع و تکمیل برآورد تولید ناخالص داخلی است که برای اقتصاد ایتالیا طراحی شده است. به طور مثال ، بسیاری از کسب و کارهای کوچک ، یا شرکت های کوچک و خانوادگی که ممکن است کسب وکار آنها ثبت نشده باشد ، یا به اشتباه طبقه بندی شده باشند ، یا به دلیل نرخ بالای گردش مالی آنها، یا حجم بالای کار نامنظم و کارهای ثبت نشده ،کم گزارش دهی شده باشد ، قابل توجه در میزان تولید شرکت ها و بررسی نیروی کار است و این شامل مواردی که افراد ممکن است، دو شغل رسمی و غیر رسمی همزمان داشته باشند، میشود. مثلا یک مهندس عمران در سازمان و شرکتی استخدام است،علاوه بر این در ساعات آزاد و پاره وقت خود، خدمات مهندسی مانند نقشه کشی و نظارت و غیرو انجام می دهد. یا یک پزشک زنان و

---

۴۹۴ -Maurizio Bovi(۲۰۰۴),THE DARK, AND INDEPENDENT, SIDE OF ITALY, Istituto di Studi e Analisi Economica ,Working paper No. ٤٦.

زایمان علاوه بر عمل جراحی سزارین در بیمارستان ، ممکن است در مطب شخصی خود عمل سقط جنین غیرقانونی هم انجام دهد. رویکرد ایتالیایی به طور خاص برای مواجهه با NOE طراحی شده است، به همین دلیل است که در اینجا مورد بحث قرارمی گیرد.[۴۹۵]

رویه های تخمین بر اساس فعالیت اقتصادی و با توجه به داده های موجود به گروه هایی بشرح زیر تقسیم می شوند:

• شاخه هایی که برآوردآنها بر اساس مقدار و قیمت انجام می شود –از جمله بخش کشاورزی، بخش انرژی و بخش ساختمان.

• شاخه هایی که برآورد آنها بر اساس داده های مخارج یا هزینه ها است –بخشی از ساخت و ساز، اجاره و خدمات خصوصی برای آموزش، پژوهش، بهداشت و درمان، سرگرمی و اوقات فراغت.

• شاخه هایی که برآورد آنها بر اساس هزینه ها و درآمد مستقیماً از صورت سود و زیان استخراج می گردد مانند، موسسات مالی اعتباری، صندوق ها، بیمه ها، برخی از شعبات متعلق به شرکت های دولتی.

• شاخه هایی که برآورد آنها بر اساس درآمدهای توزیع شده است؛ مانند انواع خدمات غیر بازاری.

• شاخه هایی که برآورد آنها بر اساس روش داده های ورودی نیروی کار است.

برخی از این تقسیم بندی‌ها نمونه‌ای از برآورد با رویکرد تولید است. آنچه که رویکرد ایتالیایی را متمایز می کند، این است که ۷۰ درصد تولید با استفاده از روش ورودی نیروی کار برآورد می شود.[۴۹۶]

اقدامات پایه ای در این رویکرد، بدین شرح است:

۱– تخمین‌هایی از عرضه نیروی کار (داده) به تولید ناخالص داخلی، برای فعالیت‌های اقتصادی منتخب با توجه به اندازه بنگاه و فعالیت اقتصادی، از نظرسنجی نیروی کار خانوار و/یا سایر منابع آمارجمعیتی بدست آورید.

۲) برآوردهای (ستانده) به ازای هر واحد (داده) نیروی کار و ارزش افزوده به ازای هر واحد (داده) نیروی کار را برای همان فعالیت به تفکیک اندازه بنگاه ها؛ از نظرسنجی سازمانی با هدف خاص یا منظم بدست آورید.

۳) تخمین های برآوردی ورودی (داده) نیروی کار را در نسبت‌های هر واحد ضرب کنید تا خروجی(ستانده) و ارزش افزوده برای هر یک دسته فعالیت ها و واحدهای بنگاهی برحسب اندازه آنها به دست آورید.

هدف برآورد نسبت تولید و ارزش افزوده به ازای هر واحد ورودی (داده) نیروی کار و برآورد سهم در تولید ناخالص داخلی به صورت نسبت ارزش محصول تولیدی به ورودی نیروی کار است. در رویکرد ایتالیایی فرض براین است که که درآمد یک کارگر تمام وقت خوداشتغال در یک کسب و کار خانگی، حداقل باید برابر با میانگین دستمزد کارگران عادی می باشد. (این رقم می تواند نزدیک به حداقل دستمزد مصوب وزارت کار فرض

---

۴۹۵ - Istat (۱۹۹۳), The underground economy in Italian economic accounts, Annali di Statistica, Series X, Vol. ۲, Rome.

۴۹۶ - OECD(۲۰۰۲), Measuring the Non-Observed Economy,p ۷۹.

گردد.). هم اکنون روش ایتالیایی یا همان ورودی نیروی کار برای برآورد سهم اقتصاد غیر رسمی در کشورهای آلبانی، بلغارستان، کرواسی، استونی، ایتالیا، قرقیزستان، لتونی، مولداوی، لهستان، رومانی، صربستان، ازبکستان مورد استفاده می باشد.

براساس نتایج مطالعات و مقالات مختلف و تایید گزارش های منتشره توسط Istat، حدود ۲۵٪ از اقتصاد سیاه یا به تعبیری ۲۵٪ از نیروی کار شاغل در اقتصاد پنهان ، به اشتباه تحت عنوان نیروی کار غیرفعال مورد ارزیابی قرار گرفته است. همچنین بخشی از افرادی که به عنوان خود کارفرما و (یا آنطوری که در فرهنگ ادبیات اقتصادی ما گنجانیده شده تحت عنوان شغل آزاد، یا اعلام نشده) در گزارش های رسمی آماری اعلام می شود، عملا در بخش اقتصاد غیر رسمی فعال هستند. یک مطالعه در درآمد خدمات داخلی در ایالات متحده، نشان می دهد از وضعیت شغلی ۴۷٪ کارگرانی که تحت عنوان پیمانکار مستقل[۴۹۷] طبقه بندی شده اند، هیچ درآمد مشمول مالیاتی گزارش نشده است.[۴۹۸](بویری و گاریبالدی،۲۰۰۱) نشان داده اند که رابطه میان بیکاری و اشتغال در سایه به لحاظ تئوریک ، دو روی یک سکه هستند. این یعنی درصد قابل ملاحظه ای از آنچه ما در آمارها و ارقام به عنوان بیکاری در اقتصاد رسمی می شناسیم، در واقع آمار اشتغال در اقتصاد سایه باید تلقی گردد. به تعبیر دیگر اقتصادهای با نرخ بالای بیکاری در اقتصاد رسمی، بدون شک، اشتغال در سایه بیشتر و به همان نسبت اقتصاد در سایه بزرگتری دارند.[۴۹۹]

Istat هم اکنون از جدیدترین ویرایش از استاندارد پذیرفته شده اروپایی برای حسابهای ملی[۵۰۰] تبعیت می کند. اختلاف میان (ESA۹۵) با ویرایش قبلی (ESA۷۹) نشان می دهد که ورودی نیروی کار غیر رسمی (معادل نیروی کارتمام وقت) فقط روی ترکیب اثر می گذارد ولی روی کل ورودی نیروی کار اثری ندارد. منطق مشابهی برای تولید ناخالص داخلی وجود دارد، زیرا با توجه به کل تولید ناخالص داخلی و اطلاعات جدید موجود، Istat اکنون قادر است بخشی از GDP غیرقانونی را از ESA۷۹ (که به اصطلاح به دلایل آماری زیرزمینی محسوب می شود) به تولید ناخالص داخلی رسمی و قانونی تخصیص دهد. به عبارت دیگر با محدود نمودن تحلیل به اقتصادغیرقابل مشاهده، آنطوری که ویرایش جدید ESA۹۵ بطور ضمنی آن را بصورت بازی جمع صفر وابسته به بخش FTE[۵۰۱] و GDP از بخش غیر قانونی به بخش قانونی در سیستم اقتصادکلان تلقی می کند، می توانیم رابطه زیر را بیان می کنیم :

---

٤٩٧ - independent contractors

٤٩٨ -Maurizio Bovi(٢٠٠٤),THE DARK, AND INDEPENDENT, SIDE OF ITALY, Istituto di Studi e Analisi Economica ,Working paper No. ٤٦.

٤٩٩ -Tito boeri & Pietro garibaldi (٢٠٠١), Shadow activity And Unemployment in the Depressd labor market, Bocconi University.

٥٠٠ - European System Account (ESA٩٥)

٥٠١ - total full time equivalent (FTE) labour input.

$$regular\ \mathrm{GDP} \equiv \mathrm{Yr} = (1-\frac{l_i}{l_t})*\mathrm{GDP}$$

$$irregular\ \mathrm{GDP} \equiv \mathrm{Yi} = \mathrm{GDP} - \mathrm{Yr}$$

که در آن l_t نمایانگر کل ورودی نیروی کار[۵۰۲] و l_i نیروی کار غیر رسمی در اقتصاد است.Yi : درآمد غیرقانونی و Yr؛ : درآمد رسمی و قانونی است. در معادله بالا نیروی کار ورودی پایه دستگاه معادلات است و اختلاف شدید در پویایی سهم واحد FTE زیر زمینی (li/lt) بین سری های زمانی رو به زوال می رود، وقتی که به Yr ارجاع می دهیم. همچنین توجه داشته باشیم که (li/lt–۱)، مبین نسبت ورودی نیروی کار در بخش رسمی اقتصاد به کل نهاده ی نیروی کار در اقتصاد است.

در صورت وجود داده های آماری کافی از نظام حسابهای ملی، امکان بسط رابطه بالا برای محاسبه سهم هر بخش از اقتصاد در قالب طبقه بندی آیسیک که مبنای تدوین جداول داده- ستانده در سطح ملی است، فراهم می گردد. در اینصورت برای هر بخش از اقتصاد می توانیم اشتغال رسمی/ غیر رسمی و متناظر با آن سهم اقتصاد سایه (ستانده غیر رسمی هر بخش) و اقتصاد رسمی (ستانده رسمی هر بخش) را به تفکیک محاسبه کنیم.

روش موازنه میان تزریقات – تراوشات

یکی از روش های محاسبه تولید ناخالص داخلی (GDP)، روش ترازیابی تزریقات و تراوشات است. در اقتصادهایی مانند اقتصاد ایران ، به طرق مختلفی نشتی و یا تراوشات از سیستم بیش از تزریقات به درون سیستم است و این موجب تضعیف اقتصاد شده است. فرار مالیاتی، قاچاق کالا و ارز، خسارات و زیانهای ناشی ازتحریم های اقتصادی و روند پر شتاب فرار سرمایه ، بانکداری در سایه و انتقال وجوه به خارج از طریق بانکداری فراساحلی از جمله عمده ترین تراوشات و نشتی هایی است که منابع و یا ارزش افزوده ها را از سیستم اقتصادی خارج می نماید. بررسی علل، ماهیت و پیامدهای هریک از این تراوشات و نشتی ها و نحوه محاسبات لازم برای تجمیع و برآورد GDP کل (رسمی و غیر رسمی) خود می تواند موضوع تحقیق جداگانه باشد. (پیتر لانگست،۲۰۰۱) به موضوع فساد از نقطه نظر نشت از سیستم اشاره دارد و بحث خود را با این پرسش اساسی آغاز می کند : چرا فساد باید اندازه گیری شود ؟ او استدلال می کند که فساد نشان دهنده یک "نشت"[۵۰۳] منابع از نهادهایی که قرار است از آنها برای تحقق اهداف امور عمومی و اجتماعی استفاده شود. خواه این نشت در مقیاس بزرگ باشد، مانند تقلب و کلاهبرداری در قراردادهای کلان ، یا در مقیاس کوچک مانند پرداخت های روان کننده و چرب برای پیشبرد فرایند بروکراتیک امور مانند رشوه. نشت، بستر مناسبی را برای فساد بزرگ ایجاد می کند ومنابع خدمات عمومی

---

۵۰۲ - total input of labour
۵۰۳ - Leakage

محدود و کمیاب را به امور دیگر منحرف می کند و عامل تخصیص ناکارآمد منابع، ایجاد نـابرابری در جامعه و ناترازی در حساب ها و رشد اقتصاد سایه می گردد. دلیل دیگر برای سنجش فساد این است که ممکن است منابع بطور کارآمد و اثر بخش و در جهت تحقق حداکثر انتفـاع عمـومی بکـار گرفتـه نشـود (ناکارآمـدی) و کـاربران خدمات عمومی حق دارند بدانند پول آنها بابت چه کالا و خدماتی هزینه می شود.[۵۰۴] به این ترتیب ناکارآمدی ها و نابرابری ها و ناترازی ها در عرضه خدمات عمومی نشان دهنده سوء استفاده از قدرت عمومی است و نتیجه نشت منابع اقتصادی به حوزه های جرم و فساد است. هم اکنون بسیاری از ناترازیهای در اقتصاد ایران ناشی از نشت و نشان دهنده گسترش فساد و عامل رشد اقتصاد سایه است.

لانگست در همین رابطه به مصادیقی از فساد مانند اختلاس، دزدی، تقلب و کلاهبرداری، رشوه و سوء استفاده از بودجه عمومی، دریافت زیر میزی ، غیبت، فروش داروها یا کودهایی که باید رایگان توزیع شوند یا فروش اوراق امتحانی و دادن حکم سبک قضایی در ازای رشوه یا دادن نمره در ازای پول و مواردی از این قبیل که همگی نشان دهنده سوء استفاده از بودجه عمومی برای سود و منفعت خصوصی و شخصی است اشاره می کند.[۵۰۵] اسـتفاده از روش حسابداری برای تأثیر بافت محلی بر پراکسی ها یک روش کشف فساد است. معاملات فاسد همیشه در یک محیط سازمانی و نهادی رخ می دهد. تعیین محدوده معیار یک سؤال درباره وجود یـا عـدم وجـود فسـاد مسـتلزم شناسایی شواهد و نشانه هایی است. برای مثال، میزان هماهنگی و سازماندهی و رعایت مقررات در پدیده های مورد نظر به ترتیب برای اندازه گیری معاملات مناسب و باز شناسی و تشخیص و تمایز آن از طریق موارد نقض مقررات در معاملات و یا موارد نقض هماهنگی و سازماندهی به عنوان شاهدی بر وقوع تخلف و استنتاج برای واقع شـدن سطحی از فساد ، یک رویه مستدل است. برای مثال، از سطوح غیرقابل توضیح افت کارایی و تخصیص ناکارآمد منابع و فقدان اثر بخشی اقدامات به عنوان شاهدی بر وقوع فساد استفاده می شود. در هرحال باید "نشت"، از منابع و تأثیری را که اقتصاد سیاسی ممکن است روی پراکسی های مورد استفاده بگذارد، در نظر گرفت. مانند بهره وری که به ویژه مستعد تغییرات زمینه ای بین کشورها (و حتی در داخل کشورها) است. در گونه شناسی سیاسـی فسـاد (مشتاق خان، ۲۰۰۰) معتقد است زمینه، "تسویه حساب سیاسی" و تخصیص حقوق (بابت جبران حمایت سیاسی یا

۵۰٤ - Langseth, P. (۲۰۰۱), 'Qualitative versus Quantitative Methods', in J. Andvig, O. Fjeldstad, and A. Shrivastava, Corruption: Critical Assessments of Contemporary Research – Report from a Multidisciplinary Workshop, Chr. Michelsen Institute Development Studies and Human Rights, Working Paper ۱۷.; Charles Sampford, Arthur Shacklock, Carmel Connors and Fredrik Galtung(۲۰۰٦), Measuring corruption, Ashgate Publishing Company, Chapter ۲,p۷

۵۰۵ - Langseth, P. (۲۰۰٦),Ibid. Chapter ۲.

حمایت مالی در انتخابات)تأثیر قابل توجهی در مورد پیامدهای مشاهده شده فساد خواهد داشت و اگر با یک بخش خصوصی غارتگر یا یک دولت غارتگر مواجه باشیم ، میزان فساد، به طور قابل توجهی فزاینده است.[۵۰۶]

در اینجا تنها به امکان بهره گیری از روش تزریقات – تراوشات برای سنجش و اندازه گیری بخش غیر رسمی اقتصاد اشاره می شود و مباحث فنی محاسبات در جای خود قابل بررسی است. از اقتصاد کلان می دانیم که براساس منطق حسابداری و منطق ریاضی رابطه اتحادی میان تزریقات و تراوشات در اجزای حسابهای اقتصاد کلان به شرح زیر برقرار است :

$$\text{تزریقات} \equiv \text{تراوشات}$$

$$S+T+M \equiv I+G+X$$

برای انجام محاسبات قابل اطمینانی از سهم اقتصاد سایه با کمک این روش نیازمند تحقیقات و بررسی هایی به منظور تخمین و برآورد اجزای مختلف تشکیل دهنده بخش تراوشات بطور کلی و تراوشات از طریق غیر رسمی و غیرقانونی از قبیل جرم و فساد وسایر موارد دیگر هستیم. بطور مثال سهم بانکداری در سایه از کل جریانات وجوه پس انداز شده در نظام بانکی(S) و بطور مشخص ارزش وجوه پس انداز و سپرده گذاری شده در نظام بانکداری سایه باید برآورد گردد. بعلاوه باید برآوردهایی از نشتی ها بصورت درصد و نسبت فرار مالیاتی از کل مالیات (T) در اقتصاد و ارزش پولی و رقم فرار مالیاتی محاسبه شود. همچنین لازم است برآوردی از ارزش کالاهای وارداتی قاچاق شده طی یک سال مالی بصورت درصدی از کل واردات در اقتصاد(M) ارائه شود. همه اینها نیازمند انجام مطالعات و بررسی آماری و شبه آماری و انجام تخمین های کارشناسی است. در سمت تزریقات به اقتصاد نیز باید برآوردی از فرار و انتقال جریان سرمایه [۵۰۷]ویا جریان خروج سرمایه و احتکار و انبار کردن بیش از حد متعارف ، بصورت نسبتی از کل جریان تغییرات در موجودی ها و سرمایه گذاری (I) طی سال مورد بررسی محاسبه گردد. برآوردی از فساد در بخش دولت، بطور مشخص بصورت درصدی از بودجه عمومی(G) که از طریق قراردادهای رانت و فساد و پرداخت های خارج از عرف مانند برداشت ها توسط نجومی بگیران و سایر موارد از سیستم اقتصاد رسمی خارج شده است، ارائه گردد. همچنین باید برآوردی از رقم صادرات که بصورت قاچاق در طول یکسال مورد نظر انجام شده است، بصورت درصدی از کل صادرات در اقتصاد رسمی (X) ارائه گردد. درصد کشفیات قاچاق توسط پلیس چه در مورد صادرات قاچاق و یا واردات قاچاق می تواند به عنوان شاخصی برای برآورد کل ارزش کالاهای قاچاق همراه با ضریب کارایی پلیس در کشفیات مبنای محاسبه قرار گیرد.

---

۵۰۶ -Charles Sampford, Arthur Shacklock, Carmel Connors and Fredrik Galtung(۲۰۰٦), Measuring corruption, Ashgate Publishing Company, p۱۳۳; Mushtaq and Jomo, K.S. (eds) (۲۰۰۰), Rents, Rent-Seeking and Economic Development: Theory and Evidence in Asia, Cambridge University Press, Cambridge, p. ۱۰

۵۰۷ - Capital outflows and inflows

بدون شک ارزیابی و برآورد داده های پنهان و غیر رسمی مشکلات خاص خود را دارد ، ولی در هرصورت نتایج برآورد شده در مورد هر یک از حسابهای ملی ، باید مبتنی بر روش های آماری و الگوهای اقتصادسنجی بوده و قابلیت راستی آزمایی و اعتبارسنجی و قابلیت دفاع از حیث توجیه فنی و گزارشات منابع جانبی داشته باشند. ازآنجا که فساد در ماهیت خود یک فعالیت پنهانی است، جمع آوری اطلاعات دقیق را سخت می کند و به بسیاری از کسانی که درگیر فساد هستند انگیزه ای برای تحریف یا جعل یا پنهان کردن داده ها و اطلاعات می دهد. بنابراین، برای به دست آوردن یک ارزیابی دقیق، ضروری است در گردآوری و به دست آوردن اطلاعات از هر پایگاه داده و یا منابع آگاه دیگر هر چه بیشتر بر اطمینان از تنوع در منابع اطلاعاتی و روش های مورد استفاده که سوگیری یا خطاهای ناشی از جعل و نمونه گیری را به حداقل ممکن می رساند و سایر مشکلاتی که باید شناسایی شوند و یا در نظر گرفته شوند ، مورد توجه قرار گیرد.[۵۰۸] در این کتاب به برخی از الگوهای رایج اقتصادسنجی جرم یا جرم سنجی و روش های برآورد اندازه اقتصاد سایه اشاره شده است. منابع تحقیق در این مورد شامل ارزیابی های قبلی توسط مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی و مقامات علمی دانشگاهی، گروه های ذینفع، مقامات دولتی، حسابرسان کل ، بازرسان، مراکز پلیس و نظام اطلاعاتی و آماری محاکم قضایی، گزارش نهادهای بین المللی مانند برآوردهای بانک جهانی و گزارش سازمان شفافیت بین الملل و دیگر نهادها، همچنین گردآوری اطلاعات از منابع رسانه ای و مطبوعات و گزارش های رسمی و غیر رسمی و انواع نظرسنجی های کتبی و شفاهی هستند که ترکیب همگی آنها ابزارهای مهمی را برای ارزیابی قابل قبول و قابل اعتمادی فراهم می کنند.[۵۰۹]

جرایم مالیاتی ، فرار مالیاتی و اندازه گیری آن :

در مورد زیان ها و خسارات ناشی از فرار مالیاتی مطالعات زیادی انجام شده و مطالب بسیاری می توان گفت. بدیهی است فرار مالیاتی زمانی رخ می دهد که افراد دارای درآمدهای بالا و یا بسیار ثروتمند تصمیم می گیرند مالیاتی را که به طور قانونی بدهکار هستند را پرداخت نکنند و از پرداخت آن طفره بروند و بدین گونه طبقات دیگر جامعه فشار بیشتری را متحمل می شوند. در نتیجه فرار از پرداخت مالیات ، بودجه دولت برای تجهیز امکانات و پروژه های زیرساختی فراهم نمی شود، جاده ها تعمیر نمی شوند، حق الزحمه معلمان مدارس و پرستاران تامین نمی شود و آنها ممکن است ، شغل خود را از دست بدهند. بیمارستان ها با تجهیزات پزشکی ناکافی مواجه می شوند و ما اغلب فقط در لحظات بحرانی، زمانی که دیگر برای حل مشکل دیر شده است، متوجه این کسری منابع می شویم. دولت دچار

---

۵۰۸ - Charles Sampford, Arthur Shacklock, Carmel Connors and Fredrik Galtung(۲۰۰۶),Ibid,p ۱۵.
۵۰۹ - Ibid.

کسری بودجه می شود و از طرق دیگری که عمدتا می تواند تورم زا باشد ، تامین اعتبار صورت می گیرد و همه جامعه زیان می کنند، این در حالیست که اغلب این فراریان مالیاتی بدون مجازات می مانند. به این ترتیب اجتناب از پرداخت مالیات منجر به تأثیر منفی بر اقتصاد می شود که در کاهش درآمدهای دولت و کسری بودجه دولت خود را نشان می دهد و توسعه اقتصادی با بن بست مواجه می شود.[۵۱۰]

موضوع کسری بودجه دولت از زاویه دیگری هم قابل توجه است. تنها یکی از جنبه های قابل توجه آن پدیده فرار از مالیات است .در صورت عدم پرداخت بموقع مالیات ها، درآمدهای پیش بینی شده دولت محقق نمی گردد و این فقط یک طرف ماجراست. سمت دیگر بودجه، هزینه ها یا مخارج دولت هستند. هزینه های بودجه همتای درآمدهای بودجه است و متاسفانه کمتر به آن توجه می شود. درصورتی که نباید تنها به موضوع فرار مالیاتی توجه صورت گیرد. کنترل و نظارت بر نحوه ی هزینه کرد بودجه از بروز فسادهای منتهی به کسری بودجه جلوگیری می کند. همچنان که فرار مالیاتی در طرف درآمدها باید مورد توجه باشد، پدیده مشابه در بخش مخارج بودجه به نحوه عملکرد دولت و نهادهای دولتی مربوط است. هرگونه دریافتی های نا بجا و نا مشروع ، برداشت های غیرقانونی وجوه و دارایی و انجام هزینه های غیر ضروری و نادرست که مصداق حیف و میل بودجه است ، در زمره ی پرداخت های دولت قابل رصد و پیگیری می باشد. متاسفانه مدیران و کارگزاران دستگاه ها و سازمانهای دولتی در ارتکاب جرایم و تخلفات اقتصادی و مالی همچون هزینه سازی و فاکتور سازی، گزارش های خلاف واقع و سوء استفاده از منابع در اختیارشان نقش چشمگیری دارند. همچنین ، در مقایسه بین مالیات‌های غیرمستقیم دریافتی و سوبسید و یارانه‌های پرداختی مشابهتی می‌یابیم که یکی از آنها منفی دیگری است. اقدامات مرتبط با دریافت غیرقانونی مخارج دولتی ممکن است با فساد مرتبط باشد. مثلاً دریافت درصدی از قراردادهای دولتی، دریافت مستمری برخلاف استحقاق، و با ادعای از کارافتادگی زمانی که فرد از کار افتاده نیست. همچنین پرداخت حقوق و مزایا و پاداش در ازای کارهای انجام نشده و گزارشکار های خلاف واقع و پرداخت دستمزد به ، به اصطلاح "کارگران شبح"، پدیده ای که در کشورهای در حال توسعه رایج است و مصداق فساد و سوء استفاده است، گرفتن مرخصی بر اساس تمارض و بیماری های ساختگی؛ و غیره این روی دیگر سکه فرار

---

۵۱۰ - Monica Violeta Achim & Sorin Nicolae Borlea ,Ibid ,P۲٤٦

مالیـاتی اسـت. وقتـی مالیـات پرداخـت نمـی شـود، دولـت ضـرر مـی کنـد، همچنـان کـه پرداخـت هـایی کـه نبایـد انجـام مـی شـود ، دولـت را متضـرر مـی کنـد. تئوریهـای اقتصـادی و قـانون بایـد بـا این دو پدیده به یک شکل برخورد کنند و اقتصاددانان به هر دو موضوع توجه نشان دهند.[۵۱۱]

برخـی بررسـی هـا دلالـت بـر ایـن دارنـد کـه در دولـت هـای فاسـد تـر، بـا وجـود وضـع قـوانین سـخت گیرانـه تـر ، فـرار مالیـاتی بیشـتری گـزارش شـده و ایـن کشـورها بـا اقتصـاد غیـر رسـمی بزرگتـر مواجـه هستند. بطـور نمونـه مجـازات هـا و تحـریم هـای فـرار مالیـاتی و تقلـب مالیـاتی در غالـب کشـورهای آمریکـای لاتـین بسـیار شـدیدتر اسـت. (تـا ۱۵ برابـر مبلـغ کلاهبـرداری شـده مجـارات تعیـین شـده اسـت)، بعـلاوه امکـان تعطیلـی احتمـالی بنگـاه هـا و موسسـات بـرای مـدت زمـان مشـخص، و یـا مجـازات هـای حـبس از چنـد مـاه تـا چند سـال در قـوانین پـیش بینـی شـده اسـت. همچنـین بـه اداره مالیـات بـرای تعطیلـی موسسـات بـرای چنـد روز بدون امکان تجدیدنظر اختیـارات ویـژه داده شـده اسـت، ایـن اقـدامات بـا آنکـه عوامـل بازدارنـده مـوثری بـرای فرار مالیاتی در آرژانتین و سایر کشـورهای آمریکـای لاتـین بـوده اسـت، امـا نتـایج بررسـی هـا نشـان مـی دهـد، مانع از رشد اقتصاد سایه در این کشورها نشده بلکه به رشد بیشتر اقتصاد سایه کمک کرده است.[۵۱۲]

فسـاد و لابـی گـری در تـدوین قـوانین مالیـاتی کـه در آن گـروه هـای خاصـی از عوامـل اغلـب بـدون نشـان دادن هیچ منطق آشکاری مورد حمایت قـرار مـی گیرنـد، آشـکار مـی شـود. تـا آنجـا کـه بـه مالیـات بـر درآمـد مربـوط مـی شـود ، در حـال حاضـر، بحثـی در سراسـر جهـان در جریـان اسـت، بـه عنـوان مثـال، در رابطـه بـا معافیـت هـا و یـا مزایـای مالیـاتی ارائـه شـده بـرای غـول هـای فنـاوری. حتـی زمـانی کـه صـحبت از مالیـات بـر ارزش افـزوده (VAT) و تعیـین نـرخ مالیـات کـاهش یافتـه بـرای گـروه هـای خاصـی از محصـولات و خدمات یا مثلاً معافیت برخـی صـنایع و بنگـاه هـای اقتصـادی بـه میـان مـی آیـد، نمـی تـوان از سـوء ظـن یـک سیستم مالیـاتی بهینـه تنظـیم شـده اجتنـاب کـرد. زمـانی کـه صـحبت از اعمـال قـوانین مالیـاتی، بـه ویـژه قـوانین اداره مالیـات، در بسـیاری از زمینـه هـا مـی شـود، فسـاد خـود را نشـان مـی دهـد. ایـن هـم بـه خـود حسابرسـی مالیـاتی و هـم بـه دادرسـی کیفـری احتمـالی بعـدی اشـاره دارد. نتـایج پـژوهش هـای مختلـف نشـان مـی دهنـد که در موارد گوناگون فساد ، رشوه و لابی گری به عنوان وسیله ای برای فرار مالیاتی عمل می کند.[۵۱۳]

---

۵۱۱ - Vito Tanzi and Parthasarathi Shome (۱۹۹۳),A Primer on Tax Evasion ,IMF Working Paper ,International Monetary Fund.p۱۳.

۵۱۲ - Friedrich Schneider & Andreas Buehn(۲۰۱۷), Shadow Economy: Estimation Methods, Problems, Results and Open questions, University of Cooperative Education, Bautzen, Germany. Open Access.

۵۱۳ -Daniel N ˇemec & etal(۲۰۲۱),” Corruption, Taxation and the Impact on the Shadow Economy “,e MDPI, Basel, Switzerland, Economies ۹, ۱۸; Fjeldstam ۱۹۹٦, ۲۰۰۳; Buehn and Schneider ۲۰۰۹; Kaufmann ۲۰۱۰; Ivanyna et al. ۲۰۱۰; Ghosh and Neanidis ۲۰۱۱

سهم افراد خبره و حرفه ای ها در فرار مالیاتی ثروتمندان و صاحبان کسب و کار موضوع دیگری است که در فهرست جرایم اقتصادی جای می گیرد.این نکته ای است که باید به آن توجه کرد، زیرا هم اکنون بسیاری از صاحبان مشاغل و کسب و کارها برای فرار مالیاتی، از خدمات حسابداران بهره می برند. برخی از حسابداران، برای این استخدام شده و می شوند که بگونه ای برای کارفرمای قانون گریز و مجرم خویش ، حساب سازی کنند تا امکان فریب ماموران مالیاتی فراهم باشد. بعلاوه کارپردازان و حسابدارانی هستند که وظیفه اصلی شان، انجام تبدیل پولهای کثیف به پولهای سفید کارفرمایانشان است. آنها در پاک کردن رد پولهای کثیف و معاملات غیرقانونی نقش دارند. ثروتمندان و سرمایه داران کلاهبردار و فاسد ، بدون کمک این حرفه ای ها نمی توانند از چنگ قانون بگریزند و از پرداخت مالیات طفره بروند. لذا اقدامات این حرفه ای ها برخلاف اصول اخلاقی، برخلاف قانون و به زیان جامعه است و آنها در ارتکاب جرایمی مانند پولشویی، رشوه ، کلاهبرداری و دیگرمفاسد اقتصادی و مالی، شریک جرم کارفرمایانشان هستند.

دولتها برای خدمات حرفه ای کارشناسان و حسابداران ضوابط و قوانینی وضع می کنند تا مانع از وقوع جرایم و تخلفات مالی از سوی آنها گردد. در ایران ، ماده ۱۴ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله بافساد مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۱۹ مقرر داشته که : " بازرسان، کارشناسان رسمی، حسابرسان و حسابداران، ممیزین، ذی حسابها، ناظرین و سایر اشخاصی که مسؤول ثبت یا رسیدگی به اسناد، دفاتر و فعالیت های اشخاص حقیقی و حقوقی در حیطه وظایف خود می باشند، موظفند در صورت مشاهده هرگونه فساد موضوع این قانون، چنانچه ترتیباتی در قوانین دیگر نباشد، مراتب را به مرجع نظارتی یا قضائی ذی صلاح اعلام نمایند. متخلفین به سه سال محرومیت یا انفصال از خدمت در دستگاههای مشمول این قانون و یا جزای نقدی به میزان دو تا ده برابر مبلغ معاملات بزرگ مذکور در قانون برگزاری مناقصات و نیز لغو عضویت در انجمنها، مؤسسات و اتحادیه های صنفی و حرفه ای و یا هر دو مجازات محکوم می شوند."

نهادهای مالیاتی ، به عنوان یکی از حوزه های کلیدی کنترل فساد و مقابله با جرایم اقتصادی و مالی نقش واسط در میان بخش های خصوصی و دولتی یک کشور ایفا می کنند. نظام مالیات ستانی در دولت های مدرن تنها مکانیزمی برای تامین درآمد دولت و یا تامین کسری بودجه و مخارج دولتی به هر قیمت نیست، بلکه سیاست های مالیاتی برای شکل دادن به رفتار اقتصادی بنگاه هاست ، قطع نظر از اینکه بنگاه ها دولتی هستند یا غیر دولتی و یا سایرشکل های دیگر. سیاست مالیاتی منصفانه شرایط رقابت آمیز قابل توجیهی را برای اقتصاد ایجاد می کنند و مزیت و منافعی برای مالیات دهندگان دارند ، در حالی که

سیاستهای مالیاتی ناعادلانه ، واکنش های منفی درپی خواهند داشت و مانعی بر سر راه توسعه اقتصادی کشور خواهند بود. یک نظام مالیاتی مطلوب، راهی برای تشویق و ترغیب کسب و کارها و فعالیت های اقتصادی سازنده و مفید در اقتصاد و فشار برای تغییر رفتار در مورد فعالیت‌های مخرب و نامطلوب اقتصادی است. بعلاوه یک نظام مالیاتی عادلانه گزینه مطلوبی برای کنترل فساد و برقراری عدالت در میان فعالان اقتصادی است.[۵۱۴] و بدون شک می تواند حجم فعالیت در اقتصاد پنهان را کاهش دهد. وظایف دولت ها در نظام مالیاتی باید معطوف به مبارزه با فساد مالی و اقتصادی باشد. زیرا فساد در سیستم مالیاتی بر محیط سرمایه گذاری تأثیر منفی می گذارد و رشد اقتصادی را کند می کند.[۵۱۵]

اداره مالیات استرالیا بطور مثال ، وجود اقتصاد سیاه در استرالیا را به عنوان "فعالیت های غیرصادقانه و مجرمانه ای که خارج از سیستم های مالیاتی و نظارتی انجام می شود یا شامل سوء استفاده از آن می شود" تعریف می کند.[۵۱۶]چنین تعریفی برای اقتصاد سیاه، مفاهیم نظارتی گسترده را در درون آن قرار می دهد. همچنین تعریف اقتصاد خاکستری، سایه یا پنهان به عنوان بخش هایی از اقتصاد که درآمدهای خاص از طریق جرایمی چون فرار مالیاتی و سایر جرایم مالی تولید می کند، وظیفه نهاد مالیاتی را در مواجهه با فعالیت های اقتصاد پنهان نشان می دهد.[۵۱۷]

جدیدترین یافته های ارائه شده توسط گروه ویژه اقتصاد سیاه که در زیر مجموعه اداره مالیاتی استرالیا قرار دارد، در سال ۲۰۱۷ به پارلمان آن کشور ارائه شد. برمبنای آن گزارش نهایی ، کارگروه مذکور تخمین‌هایی ارائه کرد که نشان می‌داد اقتصاد سیاه در استرالیا " می‌تواند به اندازه ۳ درصد تولید ناخالص داخلی (تقریباً ۵۰ میلیارد دلار) باشد" و " از سال ۲۰۱۲ تاکنون ۵۰ درصد افزایش یافته است". یافته هایی که حتی گروه ویژه را شگفت زده کرد.[۵۱۸]

در ایران ، ارقام مختلفی از فرار مالیاتی گزارش شده است . طبق برخی برآوردهای رسمی مربوط به سال ۱۳۹۳، رقم فرار مالیاتی ۸۰ هزار میلیارد تومان ذکر شده است. حسین راغفر یکی از اساتید بنام دانشگاه الزهراء معتقد است، نیمی از اقتصاد ایران مالیات نمی‌دهند. در همین مورد ، دژپسند وزیر اقتصاد در دولت حسن روحانی ۱۵ مهرماه سال ۹۸ در مصاحبه با خبرگزاری ایرنا ، میزان فرار مالیاتی کشور را بین ۳۰ تا ۴۰ هزار میلیارد تومان اعلام کرد و اخیرا هم طبق برآورد کمیسیون امور اقتصادی مجلس هم

۵۱۴- Abdul Rafay(۲۰۲۱) ,p۳۸٦
۵۱۵ - Simla Güzel(۲۰۲۰),The Role of Tax Systems in Preventing Corruption in Chapter ۲۰; Abdul Rafay, Ibid.
۵۱٦ - Australian Taxation Office :ATO, ۲۰۱۹
۵۱۷ - Vousinas, G. (۲۰۱۷). Shadow economy and tax evasion: The Achilles heel of Greek economy. Determinants, effects and policy proposals. Journal of Money Laundering Control, ۲۰(۴), ۳۸۶–۴۰۴.
۵۱۸ - Commonwealth(۲۰۱۷), Black Economy Taskforce: Final Report. Australian Government Printer.

اکنون (سال۱۴۰۱)، حدود ۵۰ – ۶۰ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی در اقتصاد ایران داریم.[۵۱۹] طبق اظهارات رییس کمیسیون اقتصادی ، بودجه شرکت های دولتی و بانک ها تقریباً سه برابر بودجه عمومی کشور است. اگر ۵۰۰ هزار میلیارد تومان بودجه فعلی را در نظر بگیریم ، سه برابر این بودجه بانک ها و شرکت های دولتی است. محاسبات آنها نشان می دهد که این رقم حدود دو و نیم تا سه برابر است و اگر معادل ده درصد صرفه‌جویی فقط در شرکت های دولتی و بانک ها انجام شود که متاسفانه ۶۰ درصدشان زیان‌ده هستند، عددی که حاصل می شود ۱۳۰ هزار میلیارد تومان یعنی معادل کل فروش نفت خام در شرایط عادی کشور است.

در مورد اقتصاد ایران یک ویژگی خاص دیگر که باید مورد توجه قرار گیرد، اثر نوسانات درآمدهای نفتی بر نظام مالیاتی کشور و بالتبع فشار(بار) مالیاتی(از سوی دولت) و فرار مالیاتی (از سوی فعالان اقتصادی) است. هرگاه بخواهیم سهم مالیات ها از بودجه دولت را در اقتصاد نفتی ایران مورد بررسی قرار دهیم و میزان فرار مالیاتی را برآورد کنیم، ناگزیر باید، نوسانات درآمد های نفتی ایران و اثر تحریم ها و تکانه های قیمتی بازار جهانی نفت را بر فروش نفت در نظر بگیریم. مطالعات مبتنی بر داده ها و شواهد گوناگون حاکی از این است که طی چهار دهه اخیر دولت ها هرگاه با تنگناهای درآمدی از محل فروش نفت چه براثر تکانه های قیمتی در بازار جهانی نفت و چه بر اثر تحریم های اقتصادی مواجه بوده اند ، فشار و بار مالیاتی را افزایش داده اند و در سایر مواقع در تحصیل درآمدهای مالیاتی سهل گیرانه تر برخورد کرده اند. این نشان می دهد صندوق ذخیره ارزی که از ابتداء با هدف تثبیت و کنترل نوسانات بهای نفت روی درآمد و بودجه دولت تاسیس و راه اندازی شد، عملا نتوانسته است، نقش مورد انتظار را ایفا نماید.

فرار مالیاتی از جمله مصادیق فسادهای اقتصادی / مالی است که ابعاد جهانی دارد. دلایل مختلفی برای فساد در سیستم های مالیاتی براساس نتایج مطالعات شناسایی و معرفی شده است. (سیملا گوزل،۲۰۲۰) که اقتصاد ترکیه را بررسی کرده است، این دلایل را چنین برمی شمرد : وجود عواملی مانند قوانین پیچیده مالیاتی و رویه‌های مالیاتی، حسابرسی ناکافی مأموران مالیاتی شاغل در ادارات مالیاتی، پاسخگویی ناکافی در نظام مالیاتی، عدم تمایل مودیان به پرداخت مالیات و محیط مناسب برای فساد اداری. در این راستا، ساده سازی قوانین مالیاتی حائز اهمیت است. همچنین عدم ایجاد تغییرات مکرر در قوانین و مقررات و رویه ها ، افزایش پاسخگویی و تشدید حسابرسی برای ادارات مالیاتی و مودیان مانع از فرارمالیاتی می شود. به منظور بهبود اعتماد در دولت، اتخاذ تدابیر احتیاطی برای به حداقل رساندن فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی از طریق کنترل بوروکراسی مالیاتی، حسابرسی مستقل و بازرس

---

۵۱۹ - https://www.farsnews.ir/news/۱۳۹۹۰۶۱۴۰۰۰۴۹۲ (مصاحبه با محمدرضا پور ابراهیمی رییس کمیسیون اقتصادی مجلس)

مالیاتی، برای استفاده مؤثرتر از دادگاه های مالیاتی برای حل و فصل سریع مالیات موثر خواهد بود. اختلافات، کنترل تخصیص منابع، در هر سطح ایالت، استفاده از موسسات اقتصادی مانند موسسات رتبه بندی اعتباری و شرکت های بیمه برای اطلاع رسانی به مردم، توسعه پایه مالیاتی با توجه به ویژگی های خاص کشور از دیگر راهکارهاست.[۵۲۰]

(مطلبی و دیگران،۱۳۹۸) در مقاله ای به برآورد اقتصاد سایه ومیزان فرار مالیاتی با استفاده از متغیرهای انضباط مالی دولت در ایران پرداخته اند. در این مقاله ابتداء اندازه مطلق و اندازه نسبی اقتصاد سایه برای دوره زمانی ۱۳۴۶ تا ۱۳۹۴ با روش MIMIC محاسبه شده است ، سپس میزان فرار مالیاتی برآورد شده است. نتایج این تحقیق نشان میدهد که میانگین اندازه نسبی اقتصاد سایه طی دوره زمانی مورد نظر بطور متوسط۳۰/۲۴ درصد است. حداکثر اندازه نسبی اقتصاد سایه در سال ۱۳۸۷ معادل با ۴۳/۳ درصد از GDP می باشد وحداقل مقدار آن مربوط به سال۱۳۴۷ و برابر با ۱۸/۰۱ درصد است. میانگین اندازه مطلق اقتصاد سایه ۳۸۸۷۱۹/۵ میلیارد ریال است و حداکثر مقدار اندازه مطلق اقتصاد سایه برای سال ۱۳۹۰ و معادل با ۸۸۵۶۴۲/۲ میلیارد ریال است. همچنین حداقل مقدار برای سال ۱۳۴۶ و معادل با ۸۸۶۸۷/۶ بوده است. میانگین فرار مالیاتی معادل با ۱۹۹۵۲/۸۵ میلیارد ریال و حداقل مقدار فرار مالیاتی مربوط به سال۱۳۴۶ و برابر با ۳۹۲۳/۸ میلیارد ریال و حداکثر مقدار آن در سال ۱۳۹۴ و معادل ۵۶۶۲۸/۶ میلیارد ریال است.[۵۲۱] در همین مطالعه با در نظرگرفتن سه متغیر نرخ تورم،کسری بودجه و حجم دولت به عنوان متغیرهای انضباط مالی دولت، یافته ها نشان می دهند که تورم و کسری بودجه اثر مثبت بر اندازه ی اقتصاد سایه و فرار مالیاتی دارند. در نتیجه، می توان با کاهش مخارج مصرفی و اندازه دولت در جهت کاهش کسری بودجه دولت و انضباط مالی بیشتر دولت حرکت کرد. باکنترل کسری بودجه و نرخ تورم می توان انضباط مالی را در دولت محقق نمود و درنهایت اندازه اقتصاد سایه در ایران و فرار مالیاتی را کاهش داد.

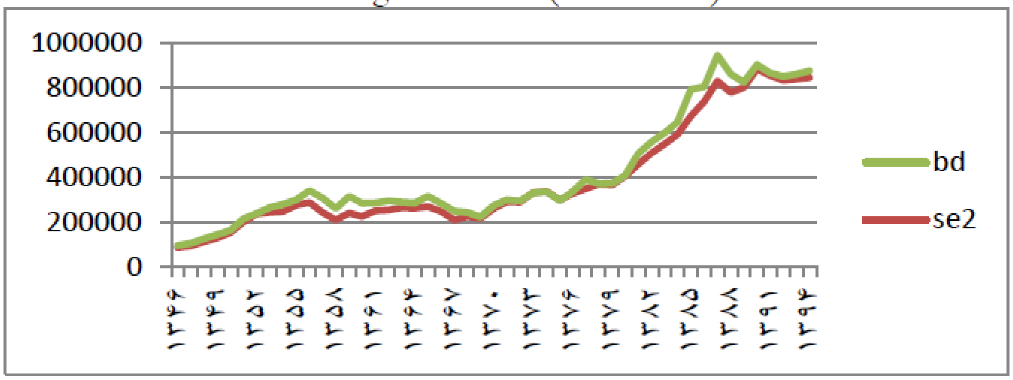
---

۵۲۰ - Simla Güzel (۲۰۲۰)Ibid.

۵۲۱ - معصومه مطلبی، محمد علیزاده، سجاد فرجی دیزجی(۱۳۹۸)، برآورد اقتصاد سایه و فرار مالیاتی بااستفاده از متغیرهای انضباط مالی دولت، فصلنامه ی اقتصاد مقداری(بررسیهای اقتصادی سابق) دوره ی ۱۶ ، ش ۴، زمستان ۱۳۹۸، صص۶۹-۱۰۰.

نمودار ۴: روند کسری بودجه و اقتصاد سایه در ایران طی سال‌های (۹۴-۱۳۴۶)

Chart 4: Trend of the budget deficit and shadow economy in Iran during the Period (1967-2015)



ماخذ : مقاله مطلبی و همکاران، 1398

(ایزدی و همکاران، ۱۳۹۵) درمقاله ای مقدار فرار مالیاتی در ایران بااستفاده از روش MIMIC برای دوره زمانی (۱۳۵۵-۱۳۹۵) را برآورد کرده اند. یافته های آنها نشان می دهد که روند اندازه نسبی فرار مالیاتی در طول این چهار دهه دارای فراز و نشیب هایی بوده و از ۸/۱۸ درصد تولید ناخالص داخلی شروع شده است و به کمترین مقدار خود یعنی ۳/۰۱ در سال ۱۳۶۶ رسیده است. بیشترین مقدار فرار مالیاتی در سال ۱۳۷۴ و معادل ۲۱/۹۷ درصد از تولید ناخالص داخلی می باشد. [۵۲۲] نتایج و یافته های این مقاله با توجه به اینکه نسبت به تاثیرات جنگ بر روند کاهش رشد تولید ناخالص داخلی بی تفاوت بوده است و بدین سبب ، نسبت فرار مالیاتی به تولید ناخالص داخلی را در سال پایانی جنگ، یعنی ۱۳۶۶، (میانه سال ۱۳۶۷ جنگ خاتمه یافته) به خطا کم برآورد نموده است. بعلاوه روند فرار مالیاتی عنوان شده با آنچه در یافته های دیگر مطالعات منعکس شده است، هم خوانی ندارد ، نتایج این تحقیق قابل تشکیک است. واقعیت این است که روند فرار مالیاتی در ایران تا سال۱۳۷۴ در سطح نسبتا پایینی بوده و روند با ثباتی داشته است، اما از سال ۱۳۷۵به بعد روند صعودی به خود گرفته است و در سال ۱۳۸۸ به بیش ترین مقدار رسیده است. میانگین فرار مالیاتی طی دوره مورد بررسی نیز حدود ۹۷۹۸/۸۴ میلیارد ریال بوده است.[۵۲۳] همچنین در مطالعه ای دیگر(امیدی پور و پژویان، ۱۳۹۶) با استفاده از رهیافت تابع تقاضای پولی تانزی و الگوی تصحیح خطای برداری برای دوره زمانی (۱۳۵۲-۱۳۹۲)، دریافته اند که مقدار فرار مالیاتی در پایه مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی طی دوره مورد بررسی روند صعودی داشته است.

---

۵۲۲ - افسانه ایزدی،مجید صامتی،نعمت اله اکبری، برآورد میزان فرار مالیاتی در ایران با استفاده از روش MIMIC (طی دوره۱۳۹۵-۱۳۵۵)، پژوهشنامه مالیات /شماره چهل و هشت(مسلسل) ۹۶ ، زمستان۱۳ .

۵۲۳ - اصغر مبارک(۱۳۹۰)، برآورد فرار مالیاتی ناشی از قاچاق کالا در ایران : روش مدلسازی معادلات ساختاری، مجموعه مقالات نهمین همایش سیاستهای مالی و مالیاتی ایران.

برای مواجهه موفقیت آمیز با اقتصاد سایه، اصلاحات همه جانبه و با دقت برای هر کشور بر اساس مرتبط ترین عوامل تعیین کننده آن، ضروری است. این اقدامات می تواند از اصلاحات نظارتی و نهادی گرفته تا مقررات و سیاست های مالیاتی و شیوه های مدیریتی متفاوت باشد. فهرست سیاست های مرتبط با اقتصادهای بازار نوظهور شامل کاهش بارهای نظارتی و اداری، ارتقای شفافیت و بهبود اثربخشی دولت و همچنین بهبود انطباق مالیاتی، خودکارسازی رویه‌ها و ترویج پرداخت‌های الکترونیکی می‌شود. علاوه بر این، یک مجموعه سیاستها و خط مشی خوب طراحی شده باید به انگیزه مندی شاغلان غیررسمی برای انتقال به بخش رسمی منتهی گردد.[۵۲۴]

در ایران، اخیرا دولت کسبه و فعالان اقتصادی در بخش های رسمی و خصوصا بخش غیر رسمی را به استفاده از دستگاه های پوز یا کارتخوان ترغیب و تشویق نمود و رقم قابل توجهی از فعالان اقتصادی خرد و کلان را که پیش تر سابقه پرداخت مالیات نداشتند، به فهرست مودیان مالیانی افزود. طبق گزارش های رسمی ، رئیس مرکز تنظیم مقررات نظام پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان سازمان امور مالیاتی کشور، از اتصال حدود ۲میلیون و ۳۲۷هزار دستگاه کارت‌خوان بانکی به پرونده مالیاتی تا تاریخ ۱۸ بهمن سال ۱۴۰۰ خبر داده و اعلام نمود : کلیه مالکان دستگاه‌های کارت‌خوان بانکی و درگاه های پرداخت ملزم به اتصال ابزار پرداخت‌های در اختیار به پرونده مالیاتی تا پایان بهمن ماه هستند. مبنای این اقدام ، قانونی موسوم به قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان است که در نیمه دوم سال ۱۳۹۸ به تصویب رسیده است. این مقام مسوول همچنین گزارش داد که طی ماه‌های اخیر، همکاری بانک مرکزی و سازمان امور مالیاتی کشور برای نظم بخشی به دستگاه‌های کارت‌خوان بانکی شدت گرفته است. وی البته خاطر نشان کرد که از حدود ۱۳میلیون دستگاه پوزی که در کشور وجود دارد قرار نیست همه مؤدی مالیاتی باشند. او اذعان نمود که به موازات طرح درخواست اتصال حدود ۲میلیون و ۳۲۷هزار پوز به پرونده مالیاتی توسط مالکان این دستگاه ها، دارندگان تعداد ۲میلیون و ۲۴۳هزار کارت‌خوان نیز درخواست غیر فعال شدن کارت خوان های خود را ثبت نموده اند. به هر ترتیب تاکنون ۲۰۳هزار مؤدی جدید از محل اتصال دستگاه‌های کارت‌خوان بانکی، پرونده مالیاتی تشکیل داده‌اند. همچنین بر اساس آخرین آمار دریافتی از بانک مرکزی، تعداد کل ابزارهای پرداخت فعال در کشور بالغ بر ۱۳میلیون است که متعلق به حدود ۶میلیون و ۱۵۹هزار نفر شخص حقیقی و ۸۷ هزار نفر شخصیت

۵۲٤ - Ben Kelmanson & etal(۲۰۲۱),Chapter۲ : Corinne Deléchat, Leandro Medina :editor(۲۰۲۱),The global informal workforce : priorities for inclusive growth ,p۸۱ .

حقوقی است که به تفکیک ۱۲میلیون و ۲۵۵هزار ابزار پرداخت برای اشخاص حقیقی و ۷۴۰هزار ابزار پرداخت برای اشخاص حقوقی فعال هست.[۵۲۵]

به نظر می رسد اقدام دولت در زیر پوشش قرار دادن جمع بیشتری از فعالان اقتصادی، از طریق اتصال به سامانه مودیان مالیاتی، می بایست در راستای تلاش برای نظارت بیشتر بر اقتصاد سایه یا همان ساماندهی اقتصاد غیر رسمی باشد. اما به رغم تلاش دولت در جلب و جذب مودیان مالیاتی بیشتر و نظارت موثرتر بر تراکنش های مالی از طریق وضع مقررات و هماهنگی با نظام بانکی کشور برای جلوگیری از فرار مالیاتی و نظارت موثر تر بر تراکنش های مالی و فعالیت فعالین اقتصادی ، همچنان یک مشکل بزرگ در اقتصاد ایران، مربوط به ابر ثروتمندان و بنگاه ها و نهادهای مالی و اقتصادی فراقانونی و حاکمیتی و شبه دولتی است که از جمله آنها می توان به نهادهای مالی و اقتصادی بزرگ مانند بنیاد مستضعفان، بنیاد علوی، بنیاد۱۵ خرداد وستاد اجرایی فرمان امام و همچنین موسسات بزرگ اقتصادی وابسته به نهادهای مذهبی همانند آستان قدس رضوی و فعالیت های اقتصادی اداره حج و اوقاف و امور خیریه و بنگاه های اقتصادی تحت نظر موسسات خیریه اشاره کرد. همه اینها از پرداخت مالیات بطور کامل معاف هستند و فعالیت های غیرشفافی در تمام بخش های اقتصادی و در سایه انجام می دهند و هیچ نهاد قانونی ناظری برعملکرد مالی و اقتصادی آنها نظارت موثر ندارد. همچنین فعالان اقتصادی مستقر در مناطق آزاد تجاری، که از برندینگ، رانت و زیر ساخت های دولتی بطور وسیع بهره برداری می کنند، برای سال ها از پرداخت مالیات معاف هستند. این به استثنای بخش نفت و بخش کشاورزی و زیر بخش های آن است که از پرداخت مالیات معاف هستند. به این ترتیب معافیت های گسترده ای که دایره شمول آنها نهادها و بنگاه های بزرگ اقتصادی عمدتا دولتی و شبه دولتی را در بر گرفته ، بار مالیاتی را بر دوش بخش های نحیف و ضعیف اقتصاد کشور انداخته است.[۵۲۶] رییس کل سازمان امور مالیاتی ایران در سال ۹۸ در مصاحبه ای با خبرگزاری ایرنا گفته بود : " لیست بانکی تراکنش‌های مالی حدود ۳۰۰ هزار نفر که درآمدهای بالای میلیارد داشتند در اختیار این سازمان قرار گرفته که بر اساس بررسی انجام گرفته نیمی از آنان مودی مالیاتی نبودند و نیمی دیگر از آنان که مودی

---

[۵۲۵] – نقل از دنیای اقتصاد: شماره خبر: ۳۸۴۱۵۸۶ : تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۲۱ : ر. ک به :
https://donya-e-eqtesad.com/fa/tiny/newspaper-۵۳۸۸

۵۲۶ – ر. ک به : سید محمدرضا سید نورانی(۱۳۸۸)، فرار مالیاتی و رشد اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش های مجلس ؛ محمدتقی ضیایی بیگدلی، فرهاد طهماسبی بلداجی(۱۳۸۳)، مالیات بر ارزش افزوده، مالیاتی مدرن، پژوهشکده امور اقتصادی.

مالیاتی بودند کمتر از آنچه لازم است مالیات می‌پرداختند." بر اساس این گزارش، نیمی از میلیاردهای ایران از پرداخت مالیات شانه خالی کرده اند.

فساد و اندازه اقتصاد سایه

نتایج بررسی های مختلف و برآوردهای موجود بسیاری از ایده های تعمیم یافته مرتبط با ارتباط بین فساد، رشد اقتصادی و عوامل رشد اقتصاد سایه را تأیید می کند. رشد فساد بدون شک نشانه ای از انتقال منابع و تخصیص به فعالیت های در بخش اقتصاد سایه می باشد. نتایج برخی مطالعات این موضوع را به‌ویژه با توجه به بحث انباشت سرمایه تأیید می کنند، تا جایی که به‌ویژه یک محیط فساد دائمی با تداوم بالای ادراک فساد موجب کاهش دائمی یا حداقل بسیار طولانی‌مدت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در بخش رسمی اقتصاد و افزایش شکل‌گیری و تشکیل سرمایه ثابت در بخش اقتصاد سایه می‌شود. به عبارتی رشد فساد به صورت محرک برای انتقال سرمایه به بخش غیر رسمی اقتصاد عمل می کند و این رابطه دو سویه است، یعنی این دو یکدیگر را تقویت می کنند، بطوری که فرصتهای موجود در اقتصاد سایه، به فساد بیشتر دامن می زند. فرار مالیاتی نیز همچنانکه اشاره شد یک جرم اقتصادی و مصداق فساد و چنانکه خواهیم دید، خود محصول فسادهای دیگری مانند رانت ، رشوه و اجرای قوانین تبعیض آمیز است.

تا آنجا که به موضوع فرار مالیاتی بصورت بالقوه مربوط می شود، به ویژه در مورد فرآورده های سوختی، دخانیات و مشروبات الکلی که همگی مشمول مالیات هستند، فساد فزاینده بر بخش اقتصاد رسمی به وضوح تاثیر منفی و حتی مخرب دارد. یافته‌های (دنیل نیمس و دیگران،۲۰۲۱)، این فرض را تأیید می‌کند که افزایش فساد ادراک شده از رشد اقتصاد سایه حمایت می‌کند، اما همچنین نشان می‌دهد که فساد و به‌ویژه درک آن تأثیر متفاوتی بر دو عامل کلیدی حامی رشد، انباشت سرمایه و اندازه نیروی کار دارد. (با کاهش تشکیل سرمایه در بخش رسمی اقتصاد ، اندازه نیروی کار در بخش غیر رسمی افزایش می یابد) همچنین بخش دیگری از اقتصاد را معرفی می کند که نشان دهنده کالاهایی است که تحت فشار مالیات قرار دارند (مالیات غیر مستقیم) و در عین حال استدلال می کند که فساد تأثیر بسیار مخرب تری بر این بخش از اقتصاد دارد. تحت شرایط خاص، این نتایج ممکن است برای سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپای پسا کمونیستی در وضعیت مشابه نیز تعمیم یابد.[۵۲۷]

۵۲۷ -Daniel N ˇemec & etal(۲۰۲۱), Corruption, Taxation and the Impact on the Shadow Economy; Economies ۲۰۲۱, ۹, ۱۸. https://doi.org/۱۰,۳۳۹۰/economies۹۰۱۰۰۱۸ .

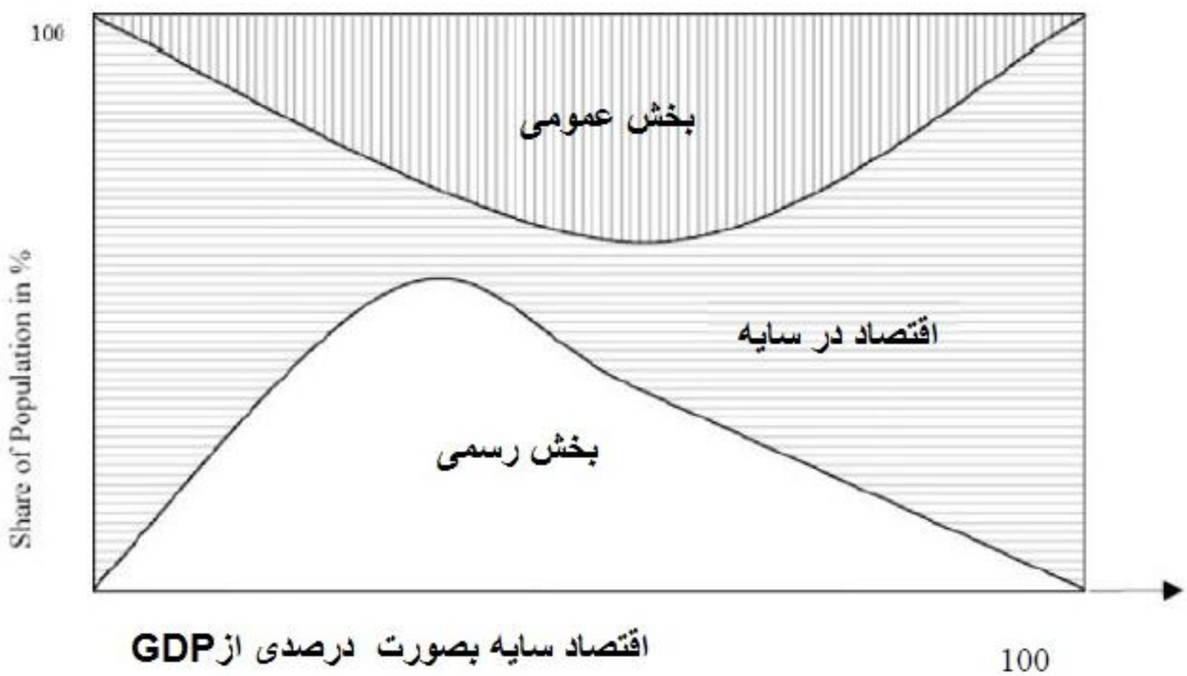
(جوزف ماریه و همکاران؛ ۲۰۰۶) از زاویه دیگری به موضوع اقتصاد سایه نگاه کرده اند.آنها معتقدند که برخی از گروه های اجتماعی، قومی یا مذهبی ممکن است تحت نوعی محرومیت اقتصادی یا سیاسی قرار گیرند و در این وضعیت فشار اقتصادی یا فشار سیاسی بیشتری را احساس می کنند و به همین جهت به سوی فعالیت های اقتصادی در سایه سوق داده می شوند.آنها از نظریه ای مبتنی بر رفتار سازمانی آلبرت هیرشمن برای توضیح نوعی از اقتصاد در سایه مدد گرفته اند.[528] در تایید این نظریه ، هم اکنون گزارش هایی دلالت براین دارد که در استان های مرزی ایران، از قبیل مناطق سنی نشین، کرد نشین در غرب کشور و منطقه سیستان و بلوچستان در شرق و مناطق جنوبی و بطور کلی در میان مرزنشین های کشور ناشی از نوعی محرومیت و بی توجهی دولت مرکزی به آن مناطق فعالیت در بخش اقتصاد سایه بیش از مناطق مرکزی تر است.

همه کشورها کما بیش بخشی از اقتصادشان در سایه هست، اقتصاد سایه و بزرگی آن صرفاً نشان می دهد که چه مقدار از فعالیت های اقتصادی خارج از قلمرو بخش"رسمی" و خارج از نظارت دولتی در حال انجام است. اما در برخی موارد، حتی خود دولتها ممکن است، بخشی از دایره فعالیت هایشان در اقتصاد سایه انجام گیرد. اگرچه گفته می شود، وجود اقتصاد سایه لزوماً منعکس کننده فقر نیست ، ولی اقتصاد سایه بزرگ انعکاسی از فساد و جرم است و جوامع با درصد بالای جرم و فساد ، عمدتا با فقر و نابرابری دست و پنجه نرم می کنند و یا دست کم دچار نوعی دوگانگی درونی هستند. جوزف ماریه تلاش کرده است، موضوع اقتصاد سایه را به عنوان ابزاری که می‌تواند توسط سازمان‌های تروریستی برای تأمین مالی تروریسم مورد استفاده قرار گیرد، تحلیل کند. زیرا فعالیت های اقتصادی گروه های تروریستی در قلمرو فعالیت های اقتصادی در سایه قرار می گیرد.[529] همچنین برخی مطالعات نشان داده اند که رشد فعالیت های قاچاق و لزوم اختفای درآمدهای ناشی خرید و فروش اجناس قاچاق ، به فرار مالیاتی منتهی می گردد. قاچاق پدیده ای مجرمانه و با منشاء فساد است و بدین ترتیب می توان نشان داد فساد به رشد اقتصاد سایه و افزایش فرار مالیاتی منتهی می گردد.

---

۵۲۸ - Joseph J. St. Marie, Shahdad Naghshpour, and Sam S. Stanton, "A Shadow Economy Model of Ethnic Conflict." Paper Presented at the Annual Meeting of the Midwest Political Science Association, Chicago, April ۲۰۰٦

۵۲۹ - Ibid



افزایش عوامل تشکیل دهنده اقتصاد سایه، راه های مشارکت در اقتصاد سایه را توسط حامیان سازمان های تروریستی یا خود تروریست ها افزایش می دهد. علاوه بر این، هر چه اقتصاد سایه بزرگ‌تر باشد، پتانسیل و راه های ایجاد زیرساخت برای حمایت مادی و مالی از سازمان‌های تروریستی بیشتر می‌شود. در نهایت، هر چه یک منطقه یا کشور فقیرتر باشد، نیاز مالی ، سازمان های تروریستی را بسوی فعالیت های اقتصادی در سایه می کشاند، به ویژه فعالیت های غیرقانونی بیشتر می گردد، زیرا تامین مالی تروریست ها برای فقرا دشوارتر است. وضعیت اخیر بیشتر در مورد سازمان هایی که فاقد بودجه خارجی (حامی مالی خارجی) هستند انطباق دارد.[۵۳۰]

به زعم این پژوهشگران ، شناسایی و ترسیم قلمرو فعالان اقتصاد سایه از این جهت اهمیت دارد که پس از شناسایی و ترسیم فعالیت های سایه، دولت می تواند سیاست هایی را برای کوچک کردن بخش سایه اقتصاد طراحی کند. توانایی کاهش یا حذف اقتصاد سایه از این جهت که به شناسایی منبع تامین مالی سازمان های تروریستی که در تلاش برای سرنگونی دولت هستند، کمک می کند، اهمیت بیشتری پیدا می کند. کشورهای غربی –به ویژه ایالات متحده –به این جنبه توجه زیادی دارند، زیرا اقتصاد سایه تروریسم جهانی را تامین مالی می کند.[۵۳۱]

مطالعات چندی به پیامدهای اقتصاد سایه روی ثبات بخش رسمی اقتصاد، و یا روی روند رشد اقتصادی در کشورهای مختلف توجه کرده اند. تجارب اقتصادهای مختلف نشان داده ، فساد و ناکارآمدی در بخش رسمی اقتصاد، به رشد اقتصاد سایه منتهی می گردد و بی ثباتی و بحران اقتصادی می انجامد، این روند مخرب، خود تکثیر

---

۵۳۰ - Joseph J. St. Marie, Ibid
۵۳۱ - Joseph J. St. Marie, Ibid

شوند و خود بازتولید کننده است.[۵۳۲] پس از بحران مالی ۲۰۰۸، وضعیت اقتصادی بسیاری از کشورها دچار نوسان شد. بررسی ها نشان داد، عوامل زیادی باعث بی ثباتی اقتصادی در این کشورها شده است، مانند بدهی بالا، اصلاحات کند اقتصادی، کیفیت پایین عملکردی نهادها و فساد و جرایم اقتصادی . از سوی دیگر، شرایط ضعیف بازار کار و عدم اطمینان نسبت به آینده در مورد بازارهای اوراق بهادار ، سرمایه و سهام، نوعی بی اعتمادی در مصرف کنندگان و سرمایه‌گذاران ایجاد کرد. در این راستا، یکی از عوامل مهم تعیین کننده ثبات، اقتصاد سایه است، زیرا مطالعات نشان می دهد که بحران های اقتصادی بسیاری از مردم را به سمت اقتصاد غیررسمی سوق می دهد.[۵۳۳] راه مقابله با اقتصاد سایه و محدود کردن آن، تقویت و رشد اقتصاد رسمی است. دولت ها باید با محدود کردن عواملی که محرک رشد اقتصاد سایه می شوند و بازگرداندن فرصتهای شغلی و ایجاد اشتغال مولد در بخش رسمی اقتصاد و جلب و جذب نیروی کار به جریان اصلی اقتصاد رسمی به مقابله با اقتصاد غیر رسمی بپردازند و ثبات را به اقتصاد برگردانند. اساسا به همین منظور است که یکی از اهداف اصلی سیاست اقتصادی هر دولتی، ثبات اقتصادی است و در همین راستا دولت ها برای به حداقل رساندن سطح بیکاری احتمالی، تثبیت قیمت ها و تثبیت نرخ ارز، رشد اقتصادی پایدار تلاش می کنند. هدف غایی از اعمال سیاست‌های اقتصادی از قبیل سیاست‌های مالیاتی، تنظیم مخارج دولت، قوانین و مقررات، و سیاست‌های پولی و مالی باید معطوف به باز گرداندن ثبات به اقتصاد و ایجاد رشد اقتصادی باشد. مداخله دولت در اقتصاد و پایه گذاری اقتصاد کلان اصولا با همین هدف توجیه شد. بنابراین اگرچه بخشی از هر اقتصادی در سایه هست، اما تنها دولت های فاسد، دولت های رانتیر، دولتهای تسخیر شده ، دولتهای دست نشانده، و نظامهای سیاسی فروپاشیده و دولت های رو به ضعف و اضمحلال هستند که از اقتصاد سایه ارتزاق می کنند و اراده یا توان لازم برای اعمال سیاست های اقتصادی تثبیتی مانند تثبیت نرخ ارز و تثبیت نرخ تورم و رشد با دوام در بخش رسمی اقتصاد را ندارند و بخشی از فعالیت های اقتصادی خود این دولت ها نیز در سایه است. ضمن اینکه سیاست های غلط مالیاتی و بویژه افزایش بار مالیاتی، فعالان اقتصادی را به سمت اقتصاد سایه و زیر زمینی و بازارخاکستری تا بازار سیاه هدایت می کند، در چنین شرایطی هدف مهم آنها دور زدن قوانین مالیاتی است، اما اختفای بنگاه های اقتصادی و قرار گرفتن آنها در سایه و رفتن به سمت فعالیت های خاکستری و زیر زمینی، بعید نیست که آنها را به فعالیت های غیرقانونی و خسارت بار دیگر همچون فعالیتهای ممنوعه از قبیل قاچاق و اقدامات غیرقانونی مانند پولشویی و کارهای سیاه دیگر سوق ندهد، تعبیری که اصطلاحا (Fade to Black) گفته می شود. در نتیجه کالاها و خدمات در اقتصاد رسمی کاهش می یابد و شرایط اقتصادی را بی ثبات می کند. به طور مشابه، تخصیص نامناسب هزینه های دولتی، حیف و میل منابع عمومی، فساد اداری و

---

۵۳۲ - Self-replicating
۵۳۳ - Bitzenis, A.; Makedos, I. The absorption of a shadow economy in the Greek GDP. Procedia Econ. Financ. ۲۰۱۴, ۹, ۳۲–۴۱.

کاهش مخارج دولت در حوزه های رفاهی همچون بهداشت ، آموزش و تامین اجتماعی بر شرایط اقتصادی تأثیر منفی می گذارد و مالیات دهندگان را ناراضی می کند و انگیزه فرار مالیات را افزایش می دهد ، همچنین افزایش مخارج جاری دولت و بزرگتر شدن و حجیم شدن آن بدون افزایش بهره وری به گونه ای که دولت تبدیل به رقیب جدی برای بخش خصوصی شود، تبعات منفی دارد. یکی از توجیهات این است که تخصیص نادرست منابع دولتی می تواند بر توسعه اقتصادی تأثیر سوء بگذارد و فرصت های ایجاد کسب و کار و مشاغل خصوصی را از بین ببرد ، همچنانکه تخصیص نامتناسب بودجه و مخارج دولت ، فرصت های سرمایه گذاری بخش خصوصی را از بین می برد و بر رشد اقتصادی تأثیر منفی می گذارد.[۵۳۴] همینطور بی ثباتی نرخ ارز تاثیرات مخرب روی رشد اقتصادی و عملکرد بنگاه های اقتصادی دارد.

(محط ضیاء الرحمان و دیگران،۲۰۲۲) در یک مطالعه با هدف بررسی تاثیر اقتصاد سایه روی رشد اقتصادی کشور پادشاهی عربستان سعودی که در زمره اقتصادهای با رشد شتابان است، اندازه متوسط اقتصاد سایه به روش اقتصادسنجی مورد بررسی قرار داده اند. ابزار اقتصادسنجی بکار رفته در این مطالعه، روش تفاضل دو مرحله‌ای گشتاورتعمیم‌یافته (GMM)[۵۳۵] و یک پانل دیتای حداقل مربعات معمولی (POLS)[۵۳۶] است که از مدل اثر ثابت (FE) و اثر تصادفی (RE) برای بررسی و آزمون فرضیات پژوهش استفاده شده است.

نتایج از دیدگاه روش شناختی و بر اساس یافته‌های تحلیل تجربی محکم و قابل دفاع بوده و نتیجه گیری شده که اقتصاد سایه با ثبات اقتصادی ارتباط منفی دارد. به عبارت دیگر، اندازه اقتصاد سایه در بی ثبات سازی اقتصاد رسمی تاثیر مهم و اثر گذار دارد. همچنین یافته های این مطالعه رابطه منفی بین اقتصاد سایه و ثبات اقتصادی برای نمونه مورد بررسی (کشورهای عضو سازمان همکاری های اسلامی و غیر عضو آن سازمان –مجموعا شامل ۱۴۱ کشور در فاصله ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۵) و یک نمونه فرعی (عربستان سعودی) را تایید می کند. به عبارت دیگر، یافته های بدست آمده در این تحقیق ، از دیدگاه آن دسته از پژوهشگرانی حمایت می کند که معتقدند اقتصاد سایه برای اقتصاد رسمی مضر است. بر اساس یافته‌های تجربی، این مطالعه توصیه می‌کند که سیاست‌گذاران باید همزمان با تدوین سیاست‌های ثبات اقتصادی در مورد نمونه بررسی شده و به ویژه در عربستان سعودی، به اقتصاد سایه اهمیت دهند. طبق نتایج همین بررسی ، به دنبال تصویب قوانین متعددی هستند، که هدف آن اطمینان از این است که تجارت و کسب و کار به صورت قانونی و با مجوزهای مناسب در قلمرو پادشاهی عربستان انجام شود. برای عربستان سعودی بزرگی اقتصاد پنهان برابر با ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) این کشور برآورد شده است. اقتصاد سایه در عربستان سعودی بخش قابل توجهی از نیروی کار داخلی را تشکیل می دهد، به ویژه مهاجرانی از

---

۵۳٤ - Swan, T.W(۱۹٥٦)," Economic Growth and Capital Accumulation". Econ. Rec, ۳۲, ۳۳٤
۵۳٥ - Generalized Method of Moments (GMM)
۵۳٦ - panel ordinary least square (POLS) fixed effect model (FE) and random effect (RE)

سایر کشورها که ممکن است به طور رسمی ثبت نام نکرده باشند. آمار رسمی نیروی کار، این کارگران شاغل در کشور را به حساب نمی آورد. همچنین با توجه به کنترلی که بر تراکنش های دیجیتال وجود دارد، بخش غیر رسمی از طریق تراکنش های دیجیتالی به رشد درآمد های عمومی اجتماعی-اقتصادی پادشاهی کمک کرده است. افزایش پرداخت های دیجیتال باعث بهبود شمول مالیاتی، ایجاد فرصت های شغلی بیشتر، کاهش فعالیت های سایه و ارتقای رشد اقتصادی شده است.[۵۳۷] عربستان سعودی دارای اقتصاد پر رونقی است که بخش مهم آن به ذخایر عظیم نفتی آن نسبت داده می شود. با درآمد نفتی که بیش از ۵۰ درصد از تولید ناخالص داخلی و ۷۰ درصد صادرات آن را تشکیل می دهد و طبق گزارش سازمان کشورهای صادرکننده نفت(اوپک-۲۰۲۱)، به عنوان یکی از صادرکنندگان عمده نفت در جهان شناخته می شود. اقتصاد عربستان سعودی از زمان ورود به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۵ به تدریج سرمایه‌گذاری بین‌المللی را جذب کرده است و با توجه به اهداف چشم‌انداز ۲۰۳۰، پیشرفت هایی در حوزه مالیاتی و نظارتی تحصیل کرده که مورد توجه عموم بوده است.[۵۳۸]

نتایج و پیامدهای اقتصاد سایه

برپایه مطالعات انجام شده می دانیم که یکی از پیامدهای اقتصاد سایه، تاثیرگذاری آن بصورت افزایش در عمق و گسترش فقر است، همچنین از پیش می دانیم در اقتصادهای توسعه یافته ، اندازه دولت کوچک است ، اما در اقتصادهای در حال توسعه، اندازه دولت ها بزرگ است. بررسی های چندی به نقش، کارکرد و اندازه دولت ها و پیامد و تاثیر آن بر میزان فقر در جوامع توجه کرده اند. برطبق دیدگاه توسعه ی نابرابر، میان رشد اقتصاد سایه و افزایش نابرابری و گسترش بیشتر فقر در میان طبقات تهیدست همبستگی متقابل و رابطه دوسویه برقرار است. [۵۳۹] مطالعات همچنین نشان داده که رانت و رشوه و فساد به افزایش نابرابری درآمدی و رشد اقتصاد سایه منتهی می شود. در مورد اقتصاد کشورهای آسیایی(کار و ساها،۲۰۱۲) نشان داده اند که رشوه به افزایش نابرابری درآمدی و رشد اقتصاد سایه منجر شده است.[۵۴۰] نابرابری درآمدی از اقتصاد سایه تأثیر می‌پذیرد. اثر اقتصاد سایه بر نابرابری درآمدی مثبت بوده و این به دلیل ضربه زدن اقتصاد سایه بر پیکر تولید، اشتغال و کارآفرینی در جامعه است. با رشد اقتصاد سایه، نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد و به منظور پوشش این نابرابری‌های

---

۵۳۷ - Mohd Ziaur Rehman & etal(۲۰۲۲), Advance Dynamic Panel Second-Generation Two-Step System Generalized Method of Movement Modeling: Applications in Economic Stability-Shadow Economy Nexus with a Special Case of Kingdom of Saudi Arabia, mathematics ۲۰۲۳, ۱۱, ۸۵. https://doi.org /۱۰,۳۳۹۰ /math۱۱۰۱۰۰۸۵.

۵۳۸ - Mohd Ziaur Rehman & etal(۲۰۲۲),Ibid

۵۳۹ - Portes, A., & Sassen-Koob, S. (۱۹۸۷). Making it Underground: Comparative Material on the Informal Sector in Western Market Economies. American Journal of Sociology, ۹۳: ۳۰–٦۱

٥٤٠ - Kar, S., & Saha, Sh. (۲۰۱۲),Corruption, Shadow Economy and Income Inequality: Evidence from Asia. IZA Discussion Paper No ۷۱۰٦: ۱-۲۸

درآمدی، افراد بیشتری به فعالیت‌های غیرقانونی و اقتصاد سایه گرایش می‌یابند که اثر دوباره‌ای بر بزرگ شدن بخش سایه‌ای اقتصاد دارد.(اسد زاده و جلیلی، ۱۳۹۳) در یک مطالعه با بررسی تاثیر اقتصاد سایه در ایران ، در هم زمانی با رشد اقتصادی و اندازه دولت بر نابرابری درآمدی نشان داده اند که با رشد اقتصاد سایه ، نابرابری های درآمدی افزایش می یابد. علاوه بر اثرات مستقیم اقتصاد سایه بر نابرابری درآمدی، اثرات غیرمستقیم آن از طریق رشد اقتصادی و اندازه دولت نیز بررسی شده است. در دوره مورد بررسی متغیر رشد اقتصادی معنادار نبوده است. اما معناداری متغیر اندازه دولت نشان داد که افزایش اندازه دولت بیشتر از حد بهینه به نابرابری‌های بیشتر درآمدی منتهی شده است.[۵۴۱]

در یک مقاله تحقیقی توسط(نیکوپور و شاه حبیب الله، ۲۰۱۰)، براساس نتایج تجربی نشان داده شده که در کشورهای در حال توسعه، رشد اقتصاد سایه با در نظر گرفتن بزرگی اندازه ی دولت به افزایش فقر منجر می شود و در کشورهای توسعه یافته با در نظر گرفتن این واقعیت که اندازه دولت کوچک است، وجود اقتصاد سایه باعث کاهش فقر می شود. براساس نتایج این تحقیق ، مقاله توصیه می کند، به منظور جمع آوری و تامین منابع لازم جهت تأمین مالی وظایف کلیدی توسعه که در اهداف توسعه هزاره ذکر شده است، دولت های در حال توسعه باید بر اقتصاد سایه غلبه کنند. همچنین عنوان کرده اند که اثرات توزیعی و رفاه اجتماعی اقتصاد سایه در کشورهای توسعه یافته را نباید دلیل موجهی برای حرکت کشورهای در حال توسعه به سمت اقتصاد سایه دانست. آنها در مقاله ی خود برای تبیین مکانیسمی که تاثیر اقتصاد سایه بر اندازه دولت و رشد اقتصادی را بر فقر نشان دهد از شاخص فقر انسانی (HPI)[۵۴۲] برای کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته استفاده کرده اند و براساس نتایج تجربی نشان داده اند که در کشورهای در حال توسعه افزایش اقتصاد سایه با در نظر گرفتن اندازه ی بزرگ دولت به افزایش فقر منجر شده و در کشورهای توسعه یافته ، به دلیل اندازه پایین دولت، اقتصاد سایه باعث کاهش فقر شده است. آنها به منظور دستیابی به نتایج تحقیق، از یک مدل تعامل سه جانبه ، با استفاده از داده های ۱۳۹ کشور در حال توسعه و ۲۳ کشور توسعه یافته به طور جداگانه طی سال های ۱۹۹۹-۲۰۰۷ استفاده کرده اند. آنها برای کشورهای در حال توسعه از سیستم پانل پویا GMM[۵۴۳] و برای کشورهای توسعه یافته از روش تخمین اثرات ثابت و تصادفی[۵۴۴] استفاده کرده اند.[۵۴۵]مقاله مورد اشاره به طور

---

۵۴۱ -احمد اسد زاده و زهرا جلیلی(۱۳۹۳)، اقتصاد سایه ونابرابری درآمدی در ایران، فصلنامه مدلسازی اقتصادی -سال دوم، شماره ۵، پیاپی ۶۳ صص:۴- ۴۳

۵۴۲ - human poverty index

۵۴۳ - Generalized Method of Moments

۵۴۴ - fixed and random effects method

ضمنی نشان می دهد که اندازه دولت باید بهینه باشد. نتایج این تحقیق از نقطه نظر اقتصاد سیاسی ، آنگاه که به نقش و رابطه میان کشورهای توسعه یافته با کشورهای درحال توسعه توجه کنیم، نکات حایز اهمیت بیشتری در بر دارد. چنانکه مشخص است وجه مشترک، هردو گروه از کشورهای (درحال توسعه و توسعه یافته)، وجود اقتصاد سایه درآنها است، اما در مورد کشورهای درحال توسعه، رشد اقتصاد سایه به دلیل بزرگی اندازه دولت، به افزایش فقر منتهی شده، ولی در کشورهای توسعه یافته، به دلیل کوچک بودن اندازه دولت، وجود اقتصاد سایه به کاهش فقر می انجامد. نتیجه گیری تبعی این است که مشکل وجود فقر در جوامع در حال توسعه به اندازه دولت مرتبط است، نه لزوما به وجود اقتصاد سایه. بزرگی اندازه دولت موجد فقر و خود عامل رشد اقتصاد سایه دولتی در کشورهای درحال توسعه شده است. دولت بزرگ، سهم بزرگ در اقتصاد ایفا می کند و مشخصه و ماهیت اغلب اقتصادهای درحال توسعه ، دولتی بودن آنها است، بنابراین، رشد فقر در این جوامع ریشه در بزرگی دولت در این کشورها دارد. این دولتهای بزرگ یک پایشان هم در اقتصاد سایه است. به عبارتی، هم چنان که در سراسر این کتاب و براساس شواهد و قراین مختلف نشان داده شده، حتی اقتصاد سایه هم در کشورهای در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته ، ماهیتی دولتی دارد . خصیصه ی دولت های با درجه فساد و رانت بالا این است که در بخش های زیادی از اقتصاد سایه نقش آفرین هسستند. لذا برای کاهش فقر باید اندازه دولت در کشورهای درحال توسعه کوچک شود و حدود اقتدار و اختیارات دولت محدود گردد، دولت پاسخگو گردد تا نقش آفرینی دولت در رشد اقتصاد سایه کاهش یابد. در واقع شاید بتوان چنین ارزیابی کرد که با وجود یک اقتصاد دولتی در کشورهایی همچون ایران که دولت بر حدود هفتاد درصد اقتصاد رسمی سلطه و تملک دارد ، اقتصاد سایه جان پناهی برای فعالان بخش خصوصی است، اما دولت برآن بخش نیز دست اندازی می کند و عملا تمامی منفذهای تنفس از فعالان اقتصادی خصوصی در بخش رسمی و غیر رسمی گرفته می شود. در اقتصادی که دولت بخش عمده ای از اقتصاد سایه را هم در تملک خود دارد ، دیگر مجال تنفس برای بخش خصوصی در فضای اقتصاد رسمی و غیر رسمی باقی نمی ماند. ضمن اینکه به نظر می رسد به رابطه غالب و مسلط کشورهای توسعه یافته با کشورهای درحال توسعه نیز باید توجهی ویژه معطوف گردد که در مقاله مورد اشاره و بسیاری تحقیقات دیگر کمتر به آن توجه شده است. برای کاهش فقر و نابرابری، رابطه سیاسی و اقتصادی و مناسبات میان کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته باید مورد باز بینی و ارزیابی مجدد قرار گیرد. متاسفانه سیاستمداران کشورهای ثروتمند و

---

۵۴۵ - Nikopour, Hesam and Shah Habibullah, Muzafar(۲۰۱۰), Shadow Economy and Poverty, MPRA Paper No ۲۳۵۹۹

توسعه یافته به طور طبیعی بیش از آنکه در جهت رفع نابرابری یا مقابله با فقر در مقیاس جهانی تلاش کنند، نگران نابرابری یا فقر در داخل کشور خود هستند.[۵۴۶] و اغلب به دنبال یک بازی برد-باخت، به سود خود و به زیان دیگر کشورها هستند و به عبارتی سیاست تامین رفاه شهروندان خود ، به قیمت فقیر کردن دیگر کشورها را دنبال می نمایند و سیاست های منفعت جویانه ی خود را بر کشورهای فقیر تحمیل می کنند.

چنانکه می دانیم، روندهای جهانی سازی که از نظریات، تفکرات و بایسته ها و ایده آل های تئوری پردازان کشورهای توسعه یافته نشات می گیرد، برای بسیاری از کشورهای درحال توسعه ، هم منافع و هم زیانهایی را به همراه داشته است. بررسی های مستقل گوناگون نشان داده جهانی شدن روابط بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه را تقویت کرده است و همه کشورها را بیش از پیش به یکدیگر وابسته تر نموده است، پیوند میان ملت ها را گسترش داده است، بر سرعت و حجم مبادلات تجاری و اقتصادی و فرهنگی افزوده است. جهانی شدن در کنار گسترش فن آوری های ارتباطی و جریان آزاد اطلاعات تا حدود زیادی به سرعت گردش اطلاعات و شفافیت اقتصادی افزوده است.طبق نظر(Thirlwall,۲۰۰۳:۱۳) " کشورهای در حال توسعه برای جریان منابع و فناوری به کشورهای توسعه یافته وابسته هستند و متقابلا کشورهای توسعه یافته برای تامین مواد خام، غذا و نفت و بازار فروش کالاهای صنعتی خود به شدت به کشورهای در حال توسعه وابستگی دارند". یکی از مهمترین مزیت های جهانی شدن ، حمل و نقل آسان تر و سریع تر کالاها و مردم است که در نتیجه تجارت آزاد بین کشورها افزایش یافته و احتمال جنگ بین کشورها کاهش یافته است. علاوه بر این، رشد ارتباطات بین افراد و شرکت ها در جهان به افزایش تجارت آزاد بین کشورها کمک کرده و این امر موجب رشد اقتصاد جهانی شده است. اما جهانی شدن همانطوری که مزیت های اقتصادی و تجاری بسیاری برای کشورهای در حال توسعه داشته، خسارات و آسیب ها و معایب زیادی را تحمیل کرده است و این خسارات بویژه برای کشورهای فقیر بیشتر بوده است. مناسبات جهانی شدن باعث افزایش نابرابری بین غنی و فقیر شده، که در نتیجه ی آن ثروتمندها ، ثروتمند تر شده و فقرا فقیرتر می شوند.[۵۴۷] مناسبات نابرابر جهانی میان کشورهای درحال توسعه و کشورهای توسعه یافته در کنار سهم و نقش بزرگ دولتها

---

۵٤٦ - Narcis Serra and Joseph E. Stiglitz, The Washington Consensus Reconsidered, Towards a New Global Governance ,Oxford university press ,p۳۱۷.

۵٤۷ -Thirlwall. A. P. (۲۰۰۳), "Growth & Development with special reference to developing economies", (۷th ed). Palgrave Macmillan: New York.;Ronald MacDonald & Muhammad Tariq Majeed(۲۰۱۱),Distributional and Poverty Consequences of Globalization: A Dynamic Comparative Analysis for Developing Countries, Royal Economic Society Annual conference, ۱۷-۱۹ April ۲۰۱۱, London UK.

در اقتصاد کشورهای کمتر توسعه یافته و پتانسیل رشد فساد سیاسی و اداری در کشورهای در حال توسعه موجب شده تا این کشورها متاثر از پیامدهای منفی جهانی شدن ، بیشتر آسیب پذیر گردند و در کاهش فقر و فساد و نابرابری توفیقی حاصل نکنند. بنابر این اگر چه روند جهانی شدن همه کشورهای جهان را متاثر نموده است، اما به جز چند کشور درحال توسعه ی جهش یافته در جنوب شرق آسیا و یا کشورهای بزرگی مانند چین ، هند و برزیل، (تحت عنوان اقتصادهای نوظهور) عمده کشورهای در حال توسعه از جمله کشورهای خاورمیانه ای وآفریقایی علاوه بر بی کفایتی حاکمانشان ، تحت تاثیرات منفی جهانی شدن هم قرار گرفته اند. اگرچه در برخی از آنها حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افزایش یافته و بسیاری از عادات و سنت‌های بد از بین رفته است، اما جهانی‌شدن معایب بسیاری را برای این کشورها به همراه داشته است. بسیاری از آداب و رسوم و فرهنگ‌های آنها از بین رفته‌اند، نوع پوشش و غذا و زبان و سبک زندگی آنها دچارتغییر شده است. بعلاوه خشونت، سوء مصرف مواد مخدر و ایدز دراین کشورها افزایش یافته است.[۵۴۸] در برخی از این کشورها، متاثر از سیاست های مداخله گرانه نظام سلطه از قبیل تحمیل قراردادهای اقتصادی یک جانبه و نفوذ و مداخلات سیاسی و یا تحریم های اقتصادی علیه کشورهای مذکور، علاوه بر فساد و نا کارآمدی دولت هایشان ، بی ثباتی و جنگ و ترور و تحریم به نا امنی و فرار سرمایه و فلج شدن اقتصاد و نابودی زیرساخت های آنها منجر شده است. در واقع خاورمیانه و اغلب کشورهایی که در زمره کشورهای غرب آسیا نام دارند بیش از ۵۰ سال است که گرفتار جنگ و ناآرامی و بی ثباتی سیاسی و درگیری های پایدار بوده اند. این منطقه میزبان برخی از خونین ترین و طولانی ترین جنگ ها در جهان بوده است، یعنی درگیری های دیرپای اسرائیل با فلسطینیان، دو جنگ در عراق (۱۹۹۱ و ۲۰۰۳)، جنگ داخلی در یمن (۱۹۹۴) و(۲۰۱۳)، درگیری در لبنان (۲۰۰۷)، جنگ در سوریه(۲۰۱۱) جنگ و بی ثباتی در افغانستان (۱۹۷۹تاکنون) و یکی از طولانی ترین و مرگبارترین جنگ های بین دولتی یعنی جنگ بین عراق و ایران (۱۹۸۸– ۱۹۸۰). این منطقه همچنین شاهد ظهور و فعالیت خشن ترین سازمان های تروریستی در قالب حماس و حزب الله ، داعش و القاعده و دیگر گروه های افراطی اسلامگرا بوده است. علاوه بر این، این بخش از جهان شاهد قیام های خونین و شورش های مردمی واعمال خشونت دولتی علیه شورشیان توسط رژیم های سرکوبگر، به ویژه در ایران، الجزایر و سوریه و عراق در زمان صدام حسین و لیبی در اواخر دوره زمامداری معمر قزافی بوده است. فراتر از خشونت سیاسی از سوی دیکتاتورهای وحشی و حکومت های تمامیت خواه علیه

---

۵٤۸ - Kotilainen, M & Kaitila, V. (۳/۲۰۰۲)."Economic Globalization in Developing Countries", journal of Economic in Developing Countries, pp ۷۰

ملت هایشان ، خاورمیانه و شمال آفریقا همانطوری که اشاره شد محل برخی از طولانی‌ترین درگیری‌ها در جهان بوده و میزبان چند کشور از شکست‌خورده‌ترین کشورها یعنی عراق و سوریه ، لیبی و یمن هست. تمامی این کشورها به نوعی درگیر خشونت سازمان یافته بوده اند.[۵۴۹]

جدای از ماهیت دولتی بودن اقتصاد در این کشورها که ، رشد اقتصاد سایه در آنها عمدتا به فقر و فساد بیشتر در این جوامع منتهی شده است، ماهیت خود دولت ها نیز در اغلب این جوامع در حال توسعه غیر دموکراتیک است. به عبارتی در کشورهای توسعه یافته با دولت های کوچک، ولی دموکراتیک و تحت کنترل و نظارت جامعه مدنی مواجه هستیم، اما در اغلب کشورهای درحال توسعه با دولتهای بزرگ و عمدتا غیردموکراتیک که سیطره کامل بر کلیه منابع اقتصادی را در اختیار دارند و اجازه عرض اندام به بخش خصوصی مستقل و جامعه مدنی نمی دهند، روبرو هستیم. همه اینها حقایق و شواهدی هستند که برمبنای آنها می توان به این قضاوت در مورد کشورهای در حال توسعه رسید که، عامل اصلی فقر و فساد در این کشورها، علاوه بر مناسبات نابرابر در سطح بین المللی به اندازه و عملکرد و ماهیت دولت هایشان مربوط است و نتایج مطالعات تجربی مختلف تاییدی بر این موضوع است.

(وان نوگن و دانگ،۲۰۲۱) که رابطه میان رشد اقتصادی، فساد و اقتصاد سایه در مورد کشورهای بریکس[۵۵۰] را بررسی کرده اند، براساس داده های مرکز شفافیت بین الملل و بانک جهانی، مربوط به دوره زمانی(۲۰۱۷– ۱۹۹۷) تاثیر فساد و اقتصاد سایه بر رشد اقتصادی این کشورها را مطالعه نموده اند. نتایج آنها نشان می دهد کنترل فساد بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارد ، ولی وجود اقتصاد سایه در این کشورها، تاثیر مثبت زیادی بر رشد اقتصادی آنها ندارد.[۵۵۱] یادآوری این نکته ضروری است که بر اساس نتایج و یافته های (اشنایدر،۲۰۱۱) تاثیر اقتصاد سایه بر رشد اقتصادی کشورهای مختلف یکسان نیست، به عبارتی اقتصاد سایه برای رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته و درحال گذار مفید است، اما اندازه بزرگ اقتصاد سایه برای کشورهای کمتر توسعه یافته و یا در حال توسعه مانع رشد اقتصادی آنها می گردد.[۵۵۲]

---

۵۴۹ - Tiffiany Howard (۲۰۱٤), Failed States and the Origins of Violence, Routledge,p٤۷.

۵۵۰ – پنج قدرت اقتصادی بزرگ درحال ظهور (یا شکننده) موسوم به بریکس : برزیل، هند، روسیه، چین و آفریقای جنوبی.

۵۵۱ - Diep Van NGUYEN, My Tien Ha DUONG (۲۰۲۱), Shadow Economy, Corruption and Economic Growth: An Analysis of BRICS Countries, Journal of Asian Finance, Economics and Business Vol ۸ No ٤ (۲۰۲۱).

۵۵۲ - Schneider, F. (Ed.). (۲۰۱۱), Handbook on the shadow economy, Cheltenham, UK: Edward Elgar.

فصل پنجم - برآورد اندازه اقتصاد سایه در ایران

برآورد اندازه اقتصاد سایه از کل اقتصاد کشور هدف اصلی این فصل است. بزرگی و حجیم بودن اقتصاد سایه در ایران موجب شده است تا GDP رسمی هم کوچک و هم دچار کم برآوردی گردد. این موضوع که علل حجیم شدن اندازه اقتصاد سایه در ایران چیست و چه عواملی گلوی اقتصاد رسمی در ایران را طی بیش از چهار دهه گذشته تحت فشار قرار داده است، از اهم موضوعات اصلی مورد توجه در این تحقیق است. شاخص های مختلف اقتصاد کلان نشان می دهند، اقتصاد رسمی ایران به شدت نحیف و ضعیف و فقیر و فلاکت زده شده است. عمده ترین گلوگاه هایی که اقتصاد رسمی ایران را تحت فشار قرارداده است، عبارتند از ۱-تحریم ها ، ۲- فساد ، ۳- قاچاق، ۴- فرار مالیاتی و معافیت بنگاه های بزرگ اقتصادی از مالیات و۵- تخصیص غیر بهینه منابع و بذل و بخشش ها و ریخت و پاش از منابع عمومی یا بودجه دولتی که ما به ازای اقتصادی در جهت تقویت بنیه اقتصادی کشور نداشته است.[۵۵۳]

اگرچه بسیاری از کشورها کما بیش با پیامدهای رشد اقتصاد سایه دست به گریبان هستند، اما به نظر می رسد در ایران ، تحریم ها مهمترین محرک رشد اقتصاد سایه بوده اند. اقتصاد ، اجتماع، سیاست و فرهنگ عناصر تشکیل دهنده ی یک پیکره است و عوامل گفته شده هریک بر دیگری اثر گذار بوده و به تشدید و تقویت فشارها منتهی می شوند. در این تحقیق نشان داده می شود که اگرچه تلاش حاکمیت سیاسی و اقتصادی در کشور آن بوده تا تهدید ها به فرصت تبدیل شوند و به رغم وجود گلوگاه های مذکور، دولت تلاش نموده گریزگاهی برای تنفس اقتصادی بیابد، اما در نهایت برآیند کلی تلاش ها برای مجموعه اقتصاد کلان ایران آثار و عواقب منفی بدنبال داشته است. اگر تحریم های اقتصادی را مهمترین عامل خارجی در تنگنا قرار گرفتن اقتصاد ایران در نظر بگیریم، حاکمیت بجای تعامل و گفتگو با کشورهای تحریم کننده و یا نهادهای بین المللی اعمال کننده تحریم برآن شده تا با توسل به روش های پنهانی و غیر رسمی و با هدف دور زدن و خنثی سازی اثر تحریم ها به باندهای بین المللی شبکه های قاچاق و مزدوران و نیروهای نیابتی خود متوسل شود، در این راستا مجبور به تن دادن به انواع روش های

۵۵۳ - با غلبه نگاه های امنیتی و فرهنگی بر کشور، احتمالا کارشناسان امور امنیتی و نظامی کشور استدلال خواهند کرد که برخی هزینه های نظامی ایران در کشورهای مختلف که تحت عنوان حمایت از محور مقاومت و یا حمایت از نهضت های آزادی بخش در جهان دنبال شده ، در جهت تقویت بنیه دفاعی و امنیتی کشور بوده است و یا برخی کارشناسان فرهنگی استدلال خواهند کرد که بطور مثال، بستن و محدود کردن فضای سایبری و کاهش پهنای باند اینترنت در کشور در جهت مقابله به تهاجم فرهنگی و حفاظت و صیانت از ارزشهای فرهنگ ملی –دینی بوده است.اما از نگاه کارشناسان اقتصادی، این اقدامات باید ما به ازایی داشته باشد که به لحاظ ارزش و منافع اقتصادی قابل تقویم و برآورد باشد.

غیر شفاف و پر مفسده پرداخت حق دلالی تا حق العمل کاری و اجیر نمودن و پرورش مزدور به واسطه هایی شده است که ارتباط با شرکای تجاری رسمی را با واسطه های چندی فراهم می کنند و به این ترتیب وارد بازار غیر رسمی یا بازار سیاه شده و در مواردی تن به مبادلات تهاتری با بازده تجاری صفر یا منفی داده است ، یا حتی فروش نسیه با واسطه ها انجام داده و برای پنهان نمودن مسیر مبادلات پولی و مالی خود ، از شفافیت دوری گزیده و تن به شبکه های پولشویی داده است ، در مواردی برای کسب وجه ظاهری در عرصه بین المللی و نشان دادن بی اثر بودن تحریم ها و افزایش صوری رکورد مبادلات تجاری خود و یا افزایشی نشان دادن حجم صادرات نفت و مشتقات آن ، تخفیف های کلان به مشتریان عمده خود مانند چین و هند و دیگر کشورها داده است، گاه مجبور به زد و بند و رانت و فساد در درون دستگاه دولتی میان خود نهادها یا مدیران و شرکت های وابسته و شرکت های پوششی و صوری شده است و برای نشان دادن وضعیت رونق و بهبود ظاهری در وضعیت اداره اقتصادی کشور علیرغم کسری سنگین بودجه ، در مواردی بنگاه های بزرگ اقتصادی و شبه اقتصادی و نهادهای فراقانونی را از پرداخت مالیات معاف نموده و خود به رقیب جدی بخش خصوصی تبدیل شده، و ناخودآگاه انگیزه فرار مالیاتی در میان کافرمایان بخش خصوصی را در کنار کشش فساد و رانت در سیستم بروکراسی ترغیب نموده است. برآیند همه این فعل و انفعالات، رشد اقتصاد سایه تحت زعامت و حمایت دولت بوده است.

برای درک وضعیت اقتصادی کشور و مقایسه حجم اقتصاد در سایه با بخش رسمی لازم است، گزارشی مستند از برآورد حجم اقتصاد رسمی کشور در اختیار داشته باشیم. برای این منظور به گزارش بانک جهانی استناد می گردد. بر اساس داده‌های بانک جهانی[۵۵۴]، پیش از اعمال تحریم‌های جدید ، ارزش جاری تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۷ میلادی حدود ۴۴۵ میلیارد دلار و در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ به ترتیب حدود ۲۹۴، ۲۵۸ و ۱۹۱ میلیارد دلار برآورد شده است و به این ترتیب کل حجم تولید اقتصاد ایران در سه سال گذشته حدود ۷۴۴ میلیارد دلار بوده است. این روند کاهشی اثر تشدید تحریم ها و اثرات هم افزایی آن از طریق تاثیر بر متغیرهای دیگر را بر اقتصاد کشور نشان می دهد.

روش های برآورد اندازه اقتصاد سایه در ایران

در این بخش روش های مختلف برآورد سهم و اندازه اقتصاد سایه در ایران بررسی می شود. اما پیش از آن لازم است به روشی که هم اکنون مبنای محاسبات توسط نهادهای ناظر همانند ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در ایران است اشاره گردد. طبق اظهارات مدیرکل برنامه ریزی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در ایران ، این نهاد با حضور تمام دستگاه های عضو، مراکز علمی تحقیقاتی و نمایندگان مرکز آمار ایران میزان حجم قاچاق کالا در

۵۵٤ - https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD?locations=IR

کشور را به روش علمی و از طریق تفاضل میزان تقاضا که شامل مصرف داخل و صادرات هر کالا می شود ، با میزان عرضه که با توجه به تولید داخل و واردات مشخص می گردد، بصورت اختلاف و شکاف بین عرضه و تقاضا تعیین می کنند و این شکاف را به عنوان حجم کالای قاچاق در کشور در نظر می گیرند.[۵۵۵] جزییات بیشتری در باره نحوه ی محاسبه ارائه نشده است، اما به نظر می رسد این روش مبتنی بر برخی مفروضات است که می تواند نتایج آن را زیر سوال ببرد. از جمله اینکه وضعیت تعادلی عرضه- تقاضا یک وضعیت آرمانی است و لزوما اختلاف آنها نمی تواند تبیین کننده میزان قاچاق کالا در کشور باشد. در بسیاری از مواقع در عمل اقتصاد در شرایط تعادلی قرار ندارد و نتیجه عدم تعادل لزوما قاچاق کالا نیست. ضمن اینکه قاچاق کالا تنها بخشی از اقتصاد زیر زمینی است و همچنانکه در این کارتحقیقی شرح داده شده است، برآورد اقتصاد سایه یا اقتصاد زیر زمینی موضوعاتی فراتر از پدیده قاچاق کالا و ارز را در بر می گیرد.

روش سهم مکانی بیکاری و ترکیب نیروی کار

این روش که به روش ایتالیایی هم موسوم است می تواند تخمین خوبی از اندازه اقتصاد سایه در ایران ارائه دهد. ترازنامه نیروی کار در ایران به مانند همه کشورها همچون پازلی است که باید با چیدن قطعات مختلف، آن را تکمیل کرد و قطعات مفقود و متغیرهای مجهول را براساس آنچه معلوم است، تعیین نمود. برآورد نیروی کار شاغل در بخش غیر رسمی در اقتصاد ایران هم از همین قاعده تبعیت می کند. طبق گزارشی که مرکز آمار ایران از نتایج اشتغال رسمی و غیررسمی در سال ۱۳۹۹ منتشر کرده است، سهم جمعیت شاغل ۱۵ ساله و بیشتر بر اساس تفکیک وضع اشتغال ، در بخش رسمی ۵۹,۹، در بخش غیر رسمی ۳۸,۷ و بخش خانوار ۱,۴ درصد بوده است. همچنین بررسی وضعیت اشتغال نشان می‌دهد که ۹۹,۱ درصد از جمعیت شاغل دارای اشتغال رسمی در بخش رسمی فعالیت می کنند این در حالی است که ۶۶ درصد جمعیت شاغل دارای اشتغال غیررسمی در بخش غیررسمی فعالیت می‌کنند. بر اساس این گزارش، جمعیت شاغل ۱۵ ساله و بیش‌تر بر حسب وضع اشتغال رسمی یا غیر رسمی در سال ۱۳۹۹، از بین ۲۳ میلیون و ۲۶۳ هزار نفر، حدود هشت میلیون و ۹۹۲ هزار نفر دارای اشتغال غیر رسمی و ۱۳ میلیون و ۹۴۰ هزار نفر دارای اشتغال رسمی و ۳۳۱ هزار و ۹۲۴ نفر در بخش خانوار هستند.[۵۵۶]

گزارش های دیگر نشان می دهند که سالانه ۸۰۰۰۰۰ الی ۹۰۰۰۰۰ ایرانی وارد بازار کار می شوند.حتی تا پیش از تشدید تحریم ها، اقتصاد کشور تنها قادر به ایجاد ۲۰۰۰۰۰ شغل در سال بود. رقم مذکور از زمان شدت

---

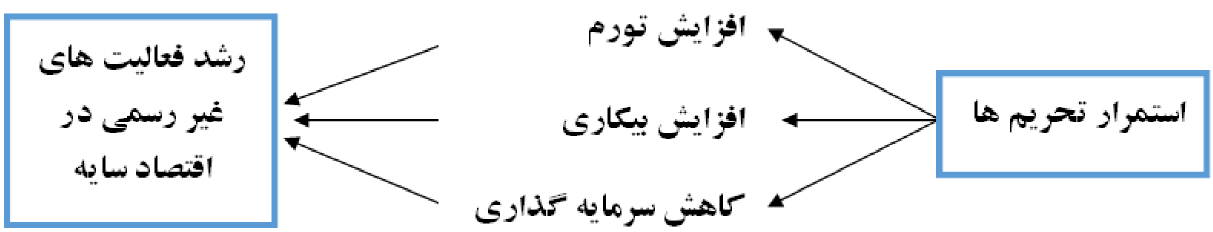
۵۵۵ - ابراهیم زارعی در گفتگو با ایمنا : ۱۷ تیرماه - ۱۳۹۶ (کد خبر ۳۰۹۷۷۶): https://www.imna.ir/service/economy/Macroeconomics

٥٥٦ - خبرگزاری ایرنا ، سه عامل شکل‌گیری اشتغال در بخش غیررسمی : ۶ دی ماه ۱۴۰۰

https://www.irna.ir/news/٨٤٥٩١٦٥٣

همچنین ر. ک.به : شهریار زروکی و همکاران(۱۴۰۰) ، محاسبه و تجزیه و تحلیل اشتغال غیر رسمی در بخش های اقتصادی..، فصلنامه تامین اجتماعی، ش ۵۹ :

گرفتن تحریم ها کاهش قابل ملاحظه ای داشته است. از آنجائیکه اثر فوری لغو تحریم ها بالا رفتن تولید در صنعت نفت خواهد بود و این صنعت سهم ناچیزی از بازار کار ایران را به خود اختصاص می دهد احتمالاً بطور مستقیم تأثیری بر تقاضا برای نیروی کار نخواهد داشت، اگرچه تقاضا برای سرمایه افزایش خواهد یافت. (بانک جهانی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، ۲۰۱۵) براساس تخمین های مدل CGE نشان داده اند که به عنوان پیامد لغو تحریم ها قیمت واقعی سرمایه حدود ۸ درصد در میان مدت افزایش خواهد یافت و به شرط هزینه شدن درآمدهای نفتی در جهت رشد و توسعه بخش هائی مانند خودروسازی، داروئی، عمرانی، گردشگری، بانکداری و ارتباطات و مخابرات که نیاز بیشتری به نیروی کار دارند، تقاضا برای نیروی کار زیاد خواهد شد.[۵۵۷] همچنین در سال ۲۰۱۵ بانک جهانی تخمین زده بود که با فرض رشد۵٫۵ درصدی GDP اقتصاد ایران باید در ۵ سال آینده پنج میلیون شغل ایجاد گردد تا بتواند نرخ بیکاری کشور را زیر ۱۰ درصد نگاه دارد و این به معنی اضافه شدن یک میلیون جویای شغل در سال به اقتصادی است که کمتر از یک پنجم این مقدار ظرفیت اشتغال زائی داشته است. تنها با رشد و توسعه بخش هائی که نیاز بیشتری به نیروی کار دارند، نرخ بیکاری می تواند نزولی شده و دستمزدهای واقعی امکان افزایش یابند. شبیه سازی های انجام شده با مدل CGE نشان می دادندکه در میان مدت، دستمزد واقعی نیروی کار ماهر۲ درصد و دستمزد نیروی کار غیرماهر ۰٫۵ درصد افزایش خواهد داشت. بدیهی است در صورت استمرار تحریم ها ، با توجه به ظرفیت محدود ایجاد اشتغال در بخش رسمی و ورود هر ساله چند صد هزار نفر جویای شغل به اقتصاد، شرایط بغرنجی برای اقتصاد ایران می توان متصور شد که پیامد اصلی آن افزایش نیروی کار در بخش غیر رسمی و در نتیجه رشد بیشتر اقتصاد سایه خواهد بود.



متاسفانه انتظارات در مورد رفع تحریم ها تا زمان به پایان رسیدن این گزارش تحقیقی ، محقق نگردیده و در گزارش های رسانه ای آمدکه برطبق اعلام مرکز آمار ایران از تابستان ۱۴۰۰ تا تابستان ۱۴۰۱ تعداد یک میلیون و سیصد هزار نفر از نیروی کار شاغل در بخش رسمی اقتصاد خارج شده اند. پرسش این است که این رقم نیروی کار کجا رفته اند؟ آیا همه آنها به جمعیت بیکار پیوسته اند؟ اساسا چرا این رقم عظیم از نیروی کار از بخش رسمی خارج شده اند؟ پاسخ این پرسش را باید در رشد اقتصاد سایه و پنهان در کشور جستجو نمود که بخشی از

۵۵۷ - گزارش بانک جهانی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، ۲۰۱۵

ریشه های آن به موضوع تحریم ها و رویکرد سیاسی حاکمیت در مواجهه با این مساله نیز برمی گردد. بدون شک بخشی از این جمعیت را باید در افزایش تعداد بیکاران ، بخشی را در سیل مهاجرت نیروی کار ماهر و متخصص به خارج از کشور جستجو نمود ، ولی شواهد نشان می دهند که بخش قابل توجهی از نیروی کار خارج شده از بخش رسمی اقتصاد وارد بخش غیررسمی شده و به اقتصاد پنهان یا اقتصاد در سایه کوچ کرده است. وقتی سرمایه های زیادی از کشور خارج می شود و اصطلاحا فرار سرمایه رخ می دهد و همچنین بخش قابل توجهی از سرمایه ها از بنگاه های تولیدی و فعالیت های مولد به سمت فعالیت های سوداگرانه منتقل می شود ، نیروی کار شاغل در بخش رسمی بیکار می شود و تعداد زیادی از آنها به تبعیت از جابجایی سرمایه به بخش غیر رسمی کوچ می کنند و برای تامین معاش خود به اقتصاد در سایه پناه می برد. این یعنی افزایش فعالیت های غیر رسمی و پنهان و یعنی بزرگ تر شدن اقتصاد سایه و افزایش سهم مشاغل کاذب و حتی رشد فعالیتهای غیر قانونی مانند فعالیت های قاچاق و کار سیاه در اقتصاد کشور. برای آسیب شناسی موضوع و یافتن راه های علاج این مشکل، باید علل خروج سرمایه از بخش رسمی و انتقال سرمایه ها به خارج ازکشور یا به خارج از بخش های رسمی اقتصاد را بررسی نمود، که خود بحث مجزایی را می طلبد. بدون شک نقد و ارزیابی سیاست های اقتصادی دولت، ساختار فساد و رانت در اقتصاد بشدت دولتی و ریسک و عدم اطمینان شرایط تحریمی ، شاخص هایی مانند شاخص بهبود فضای کسب و کار در کشور و تاثیر و پیامد سیاستهای داخلی و خارجی، تاثیر تحریم ها و سایر عوامل باید مورد ارزیابی قرار گیرند. در مباحث و فصل های آتی به تناسب موضوع به مواردی از این مسائل توجه خواهد شد.

هم اکنون گزارش های متواتر از منابع مختلف (رسمی و غیر رسمی) حکایت از این دارد که در چهار سوی مناطق مختلف ایران، بخش های قابل توجهی از منابع اقتصادی از قبیل کار و سرمایه به فعالیت های قاچاق ، غیرقانونی و سایر فعالیت های غیر رسمی اختصاص یافته اند. شمال کشور بطور عمده در کار جنگل زدایی و چوب بری و دست اندازی بر مراتع و اراضی ملی جنگلی و تغییر کاربری اراضی بصورت سازمان یافته و یا بصورت قاچاق و غیرقانونی فعال هستند. در جنوب کشور منابع عمده ای از کار و سرمایه به فعالیت های سوخت بری و قاچاق گازوییل و بنزین و دیگر فعالیت های قاچاق توسط لنج داران در بنادر غیر رسمی (ته لنچی) مشغول هستند واین علاوه بر مبادی رسمی و مناطق آزاد تجاری است که قاچاق بطور سازمان یافته در آن مناطق در حال انجام است. در غرب کشور حوالی مرزهای کردستان و آذربایجان ، علاوه بر کوله بری ، باندهای سازمان یافته قاچاق انسان پناهندگانی از ایران و افغانستان را در ازای پولهای هنگفت به آن سوی مرز در ترکیه رد می کنند. در شرق کشور، کار و سرمایه ی قابل توجهی که باید صرف تولید گردد، در استانهای پهناور خراسان و سیستان و بلوچستان با توجه به همجواری و هم مرز بودن با کشورهای افغانستان و پاکستان ، عمدتا در کار قاچاق مواد مخدر و قاچاق سوخت از ایران به افغانستان و پاکستان فعال هستند. وجود این شرایط در چهارسوی کشور نمی بایست منجر به این تلقی گردد

که نوعی آمایش سرزمینی در فعالیت های قاچاق در کشور وجود دارد ، هرچند که گزارش هـای موجـود نشـان دهنده این واقعیت است که هریک از استان های کشور در ترکیب و تنوع خاصی از فعالیت های غیر رسمی نقش عمده ایفا می کنند ، ولی هم در مناطق مرکزی و هم مناطق حاشیه ای تنوع گوناگونی از فعالیت های غیرقانونی و قاچاق کما بیش در جریان است. این گزارش در کناراظهارات مقامات و نهادهای رسـمی کشـور همچـون دبیـر قرارگاه مبارزه با مفاسد اقتصادی مبنی بر اینکه بر اساس گزارش رسمی شورای عالی امنیت ملی و سایر دستگاه‌های نظارتی و همچنین تحقیق و تفحص از ستاد مبارزه با قاچاق کالا که در اردیبهشت امسال(۱۳۹۹) در مجلس قرائت شده است : ۹۵ درصد از قاچاق کالا به کشور از مبادی رسمی و گمرکات صورت می‌گیرد و به عبارتی قاچاق از نوع آشکار است که با سند سازی و دستکاری و زد و بند و رانت و فساد از درگاه های رسمی وارد کشور می شود. همچنین ۳۵ درصد از حجم واردات به کشور را کالای قاچاق تشکیل می‌دهد که ۹۵ درصد آن از مبادی رسمی و بقیه آن از طریق غیررسمی مانند کوله‌بری، و روش های دیگر انجام می‌شود،[۵۵۸] به این ترتیب می توان نظریه دولتی بودن بخش غیر رسمی در اقتصاد ایران را به نوعی مورد تایید قرارداد. به عبارت دیگـر اقتصـادی کـه بـیش از ۷۰ درصد آن دولتی است ، بخش غیر رسمی و غیرقانونی آن نیز عمدتا در اختیار و کنترل نهادهای دولتـی و یـا شـبه دولتی قرار دارد، در غیر اینصورت امکان ندارد بتوان ۹۵ درصد از کالای قاچاق را از مبادی رسمی عبور داد.

روش اندازه گیری اقتصاد سایه با کمک شکاف مالیاتی یا اندازه گیری فرار مالیاتی

این روش عمدتا از رویکرد اقتصاد گزارش نشده استفاده می کند. منظور از اقتصاد گـزارش نشـده شـامل آن دسته از فعالیت‌هایی است که در آنها از قوانین اقتصادی مالیاتی سرپیچی شده است. بصورت خلاصه می‌توان گفت که اقتصاد گزارش نشده ، به برآوردی از درآمد حاصل از دارایی‌های گزارش نشده و مشمول مالیات اشاره دارد. همچنین اقتصاد گزارش نشده از شکاف مالیاتی بین مالیات قانونی و مالیات جمع شده به دست می آید. بدون شک این روش نمی تواند کل اقتصاد سایه را مورد ارزیابی و اندازه گیری قرار دهد، زیرا این روش فعالیت های اقتصادی غیر رسمی و غیرقانونی را مورد توجه قرار نمی دهد. بخش غیررسمی بر خلاف بخش رسمی قسمتی از اقتصاد است که نه مالیات می‌پردازد و نه توسط دولت مورد بررسی قرار می‌گیرد و نه حتی در تولید ناخالص ملی به حساب آمده است. در کشورهای توسعه یافته بخش غیررسمی با توجه به استخدام‌های گزارش نشده ارزیابی می‌شود. اخیرا بـا تشدید تحریم ها، دولت ایران توجه خود را بیش از گذشته به موضوع فرار مالیاتی جلب نموده است، اما همچنانکه پیش تر اشاره شد بارمالیاتی خود را بر دوش گروه های معینی تحمیل کرده است و بخش های زیادی عملا خارج از حسابرسی قرار گرفته اند و این مساله خود به مشکلات افزوده است. به اذعان کارشناسان، بار مالیاتی زیاد خود

---

۵۵۸ – اقتصادنیوز : آذرماه ۱۳۹۹ : کدخبر: ۳۷۹۰۷۸ ۱۳۹۹/۰۹/۲۴.

یکی از علل رشد اقتصاد سایه در ایران است. هنگامی که بار مالیاتی زیاد باشد برخی از فعالیت‌های اقتصادی برای فرار از مالیات پنهان شده و وارد فعالیت های غیرقانونی می‌شوند و بدین ترتیب اقتصاد زیر زمینی شکل می گیرد. این به جز موارد معافیت هایی است که به برخی بنگاه های بزرگ اقتصادی داده شده است. اخیرا دبیر قرارگاه مبارزه با مفاسد اقتصادی با بیان اینکه سالانه ۱۵۰ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی در کشور وجود دارد، گفت: عمده فرار مالیاتی در مناطق آزاد و ویژه و معافیت‌های بی‌حد و حصر انجام می‌شود.[۵۵۹] طبق برخی بررسی ها در حال حاضر حدود ۴۵ درصد مشمولین مالیات از پرداخت مالیات طفره می روند و فرارمالیاتی دارند، که نزدیک به ۲۵ درصد از آنها نهادها و سازمان‌هایی هستند که از پرداخت مالیات معاف هستند. وقتی در بودجه سال ۹۹ کل توان وصول مالیات حدود ۱۹۰ هزار میلیارد تومان اعلام شده است، اما حدود ۵۰ هزار میلیارد از آن طبق اعلام مقامات مسئول قابل دریافت نیست، یعنی چیزی حدود ۲۵ درصد از کل اقتصاد تحت کنترل دولت نیست و غیرشفاف است.[۵۶۰] در تحقیقی که (طیب نیا و محمدی، ۲۰۰۸) در مورد اندازه اقتصاد زیر زمینی در ایران با روش شکاف درآمد مالیاتی انجام داده اند، نتایج و یافته ها نشان داده است، اقتصاد زیر زمینی ایران ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی است که این برآورد تنها از نقطه نظر درصد فرار مالیاتی معتبر است و اندازه شکاف مالیاتی بالغ بر ۳۰ میلیارد دلار بوده است. دوره مورد بررسی ۱۹۶۳ تا ۲۰۰۲ بوده است.[۵۶۱] در تحقیق حاضر ابتداء اندازه اقتصاد زیر زمینی محاسبه می گردد، آنگاه با روش اشنایدر میزان فرار مالیاتی در اقتصاد محاسبه می گردد. بعلاوه در تحقیق حاضر مساله تحریم ها نیز به عنوان عاملی که مستقیما موجب هل داده شدن اقتصاد رسمی بسوی اقتصاد زیر زمینی می شود مورد توجه است، ضمن اینکه تحریم ها به عنوان محرک از طریق اثرگذاری بر رشد فساد و قاچاق، پولشویی، فرار سرمایه و فرار مالیاتی ، رشد اقتصاد زیر زمینی را تقویت می کند. چنانکه پیش تر اشاره شد (اشنایدر، ۲۰۰۶) برای محاسبه فرار مالیاتی ناشی از اقتصاد زیرزمینی، نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی را در حجم اقتصاد زیرزمینی ضرب می کند. برآورد مجموع رقم فرار مالیاتی و توزیع بخشی آن براساس سهم مالیاتی هر بخش می تواند رقم اقتصاد سایه را بصورت بخشی ارائه دهد و با آزمون های آماری اعتبارسنجی گردد. برای این کار از مقایسه با رقم برآوردی توسط اشنایدر در مورد اقصاد ایران و روش مبادلات پولی و مقایسه رقم برآوردی اقتصاد سایه از (طریق رابطه رشد و اقتصادسایه) بر کاهش رشد در بخش رسمی استفاده شده است.

---

۵۵۹ - همان: https://www.eghtesadnews.com

۵۶۰ - https://shoaresal.ir/fa/news/

۵۶۱ - Ali Taiebnia & Shapour Mohammadi(۲۰۰۸), Underground Economy and Tax Gap,Iranian Economic Review, Vol.۱۳, No.۲۲.

روش برآورد اثر کاهش نرخ رشد بر اقتصاد غیر رسمی

براساس نتایج و یافته های مطالعات مختلف نشان داده شد که، رشد اقتصاد سایه ، مانع از رشد اقتصاد رسمی می شود ، به این معنا که افزایش سهم اقتصاد سایه از کل اقتصاد ، به رشد تولید ناخالص داخلی رسمی آسیب می زند و به محدود شدن منابع درآمدی دولت و بروز بحران کسری بودجه منتهی می گردد. در مطالعات (اشنایدر،۲۰۱۱) ، نشان داده شده که در مورد ۲۱ کشور توسعه یافته ، اقتصاد سایه به رشد اقتصادی این کشورها کمک کرده است، ولی در مورد ۸۹ کشور در حال توسعه این وضعیت برعکس بوده است و رشد اقتصاد سایه در آن کشورها بر رشد اقتصاد رسمی آنها تاثیر منفی گذاشته است.[۵۶۲] پیش تر بحث شد و استدلال گردید که یک دلیل این وضعیت رابطه خاص میان کشورهای توسعه یافته با کشورهای در حال توسعه است که روندهای مختلف اقتصادی مانند تجارت، کار ، سرمایه و تکنولوژی اغلب به سود کشورهای توسعه یافته است. بعلاوه کشورهای توسعه یافته، بازارهای مالی توسعه یافته تر دارند و این مانع از رشد اقتصاد سایه در آنها می شود ، بلعکس، کشورهای در حال توسعه، بازارهای مالی توسعه یافته ای ندارد، سهم اقتصاد سایه از کل اقتصاد در آنها بسیار بزرگ است.[۵۶۳] یکی از دلایلی که روند فرار سرمایه و یا خروج سرمایه از کشورهای در حال توسعه به سمت کشورهای توسعه یافته است ، اختلاف ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه با کشورهای صنعتی و توسعه یافته است. اکثر کشورهای پیشرفته صنعتی نظام سیاسی و اقتصادی با ثبات با ترتیبات قانونی مدون و مشخص دارند، درحالی که کشورهای کمتر توسعه یافته و یا درحال توسعه از این مزایا محروم هستند. حتی زمانی که کشورهای درحال توسعه موفق به جذب سرمایه گذاری خارجی از سوی کشورهای توسعه یافته می شوند، منافع عمده اقتصادی آن به سود کشورهای توسعه یافته است. در یک تحقیق که با استفاده از مدل آماری ضربه و پاسخ و مدل P-VAR با علیت گرانجری، اثر اقتصاد سایه روی رشد اقتصادی بررسی شده است، نشان داده شده که یک انحراف معیار شوک از ناحیه رشد اقتصادی روی اقتصاد واقعی، با یک وقفه یکساله ، معادل با ۲ درصد شوک منفی و معنادار در رشد اقتصاد سایه به دنبال دارد و بر اساس همین الگو انتظار می رود با شوک وارده از ناحیه رشد اقتصادی بر اقتصاد سایه ، افزایش تولید و افزایش سرمایه انسانی از طریق جابجایی نیروی کار از بخش غیر رسمی به

---

۵۶۲ - Schneider, F. (۲۰۱۱). Handbook on the shadow economy. Edward Elgar Publishing.

۵۶۳ - Berdiev, A. N., & Saunoris, J. W. (۲۰۱٦). Financial development and the shadow economy: A panel VAR analysis. Economic Modelling, ۵۷, ۱۹۷–۲۰۷ ; Gharleghi, B., & Jahanshahi, A. A. (۲۰۲۰). The shadow economy and sustainable development: The role of financial development. Journal of Public Affairs, ۲۰(۳), e۲۰۹۹.

بخش رسمی و کاهش نرخ بیکاری در اقتصاد رسمی رقم بخورد. اندازه ی دولت ها و پتانسیل فساد پذیری آنها در کشورهای در حال توسعه از علل دیگر کاهش رشد اقتصاد رسمی ناشی از رشد اقتصاد سایه در این کشورها است.

روش اثر افزایش نرخ تورم و اقدام برای جبران قدرت خرید

به عنوان یک قاعده ثابت شده است که کشورهای با نرخ تورم بالاتر اقتصاد سایه بزرگتر دارند. مطالعات تجربی مختلف نشان می دهند، با افزایش تورم ، حجم قاچاق در اقتصاد افزایش می یابد و چنان که می دانیم رشد قاچاق یکی از مصادیق بارز رشد اقتصاد سایه است. یکی از دلایل و انگیزه های جذب نیروی کار به حضور در فعالیت های غیر رسمی و حتی غیر قانونی جبران قدرت خرید تحت شرایط تورمی است. با استفاده از مدل های اقتصادسنجی می توان نشان داد که معادل با شکاف تورم واقعی و نرخ افزایش حقیقی دستمزدها، انتظار می رود فعالیت های غیر رسمی در سمت نیروی کار افزایش یابد که به معنای رشد اشتغال در اقتصاد سایه و شیفت پیدا کردن نیروی کار بسوی فعالیت های غیر رسمی یا حتی غیر قانونی مانند فعالیت های قاچاق و نظایر آن است که معنای دیگر آن بزرگ تر شدن اقتصاد زیر زمینی است.

روش جبران نرخ بازده سرمایه گذاری ها و خروج سرمایه از بخش رسمی اقتصاد

یک نشانه از رشد اقتصاد سایه، جریان خروج سرمایه از بخش رسمی و انتقال سرمایه به بخش غیر رسمی و همچنین روند رشد فرار سرمایه از کشور است. هرچه محرک های قوی تری برای رشد اقتصاد سایه در جریان باشند، جریان خروج سرمایه از بخش رسمی نیز قوت می گیرد. با توجه به رابطه میان تورم با نرخ بهره می توان تفاوت نرخ بازده انتظاری سرمایه گذاری واقعی در بخش رسمی با نرخ بازده سرمایه در بخش غیر رسمی را در جریان خروج سرمایه از بخش تولیدی به بخش های غیر رسمی و فعالیت های سوداگرانه موثر دانست که با کمک مدل های اقتصادسنجی قابل برآورد است. اگر سیاست گذاری ها در جهت تقویت بخش رسمی در اقتصاد باشد، معمولا بازده حاصل از فعالیت ها در اقتصاد سایه از دو طریق مصرف خصوصی خانوارها و سرمایه گذاری بخش خصوصی بنگاه ها به تدریج به اقتصاد رسمی سرازیر می شود. اما در مورد اقتصادهای عمدتا دولتی همچون اقتصاد ایران، که نهادهای دولتی و خصولتی سهم عمده ای از اقتصاد غیر رسمی را در اختیار خود دارد، شرایط با وجود تحریم ها و فساد گسترده در بخش دولتی و شبه دولتی، بگونه ای پیچیده و بغرنج است. در این شرایط روند رشد اقتصاد سایه که عمدتا هم دولتی است، به سرمایه گذاری واقعی بخش خصوصی و مصرف خانوارها آسیب می زند و به خروج سرمایه از کشور منتهی می شود. بنابر این با افزایش اندازه اقتصاد سایه ، جریان خروج سرمایه از بخش رسمی به بخش غیر رسمی تشدید می شود، ضمن اینکه فرار سرمایه به خارج از کشور نیز تقویت می گردد.

بانک مرکزی ایران در آخرین گزارش خود از خروج بیش از ۹ میلیارد دلار سرمایه تا پایان سال ۱۴۰۰ حکایت دارد. از میانه دهه ۸۰ شتاب خروج سرمایه از کشور به تدریج افزایش یافته و همچنان تمایل ایرانی‌ها برای انتقال سرمایه‌هایشان به خارج از ایران بالاست. مقصد پول‌ها تقریبا مشخص است، اول از همه کشورهای همسایه. اما افرادی که سرمایه‌های بزرگتری دارند، به اروپا و آمریکا می‌روند. روایت ایرانی‌هایی که از ثروت هنگفت برخی از هموطنان در کشورهایی مثل کانادا یا آمریکا متعجب می‌شوند، کم نیست. کانادا یکی از مقاصد فرار سرمایه است. در این میان، نمی توان کتمان کرد که بخشی از سرمایه های فراری حاصل دزدی ، اختلاس و غارتگری است که توسط بستگان و وابستگان به مقامات درون حاکمیت سیاسی به خارج از کشور منتقل می شود. گزارش‌های مستند و گاه منابع اطلاعاتی غیر رسمی نشان می‌دهند که بخش بزرگی از سرمایه‌هایی که به کانادا و آمریکا منتقل شده ، از مسیرهای غیر رقابتی و رانت و فساد در اقتصاد ایران به‌دست آمده است. گزارش ها در مورد تعداد و رقم جرایم و مفاسد اقتصادی در طی دو دهه اخیر در اقتصاد ایران آنچنان افزایش یافته شده که موج نارضایتی عمومی گسترده را در کشور دامن زده است. این اقتصاد رانتیر که با درآمدهای نفتی و کسب و کار در شرایط تحریمی پیوند خورده، چه در دوران تحریم‌ها و چه قبل از آن منشأ تولید رانت و فساد بوده است.[۵۶۴] در میان آمارهایی که برای خروج سرمایه ارائه می‌شود، تنها سرمایه‌ای که ارزش‌گذاری نمی‌شود و اتفاقا خروج آنها آثار منفی عمیقی بر بدنه اقتصاد کشور وارد می کند، خروج سرمایه انسانی است و متاسفانه داده های منتشر شده نشان می دهد در سال‌های اخیر خروج سرمایه انسانی از کشور شدت گرفته است. مسعود خوانساری، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران اخیرا اعلام کرد که در سال گذشته حدود ۱۶۰ نخبه و متخصص قلب از کشور خارج شده‌اند. او هشدار می‌دهد که اگر اینگونه پیش برود در سال‌های آینده با کمبود متخصص مواجه خواهیم شد. گزارش های مشابهی در مورد خروج تعداد غیر متعارفی از پزشکان ، پرستاران و کادر درمانی از کشور منتشر شده است. نیروی انسانی یکی از مهمترین سرمایه‌های یک کشور به حساب می‌آید، سرمایه‌ای که در آمارهای اقتصادی زیان آنها محاسبه نمی‌شود و فقط به این بسنده می‌شود که خروج نیروی انسانی زیان‌آور است. درحالی که بررسی دقیقی از هزینه تحصیل هر ایرانی از مقطع دبستان تا دکترا وجود ندارد، برخی کارشناسان می گویند هر فرد تا مقطع دکترا حدود ۱۰ میلیارد تومان برای کشور هزینه در بر دارد. صندوق بین‌المللی پول پنج سال پیش اعلام کرد که ۱۸۰ هزار دانش‌آموخته از

---
۵۶۴ – رصدخانه مهاجرت ایران ، شتاب فرار سرمایه : ۱۲ / ۸/ ۱۴۰۱ . ر. ک به : https://imdp.info

ایران مهاجرت کرده‌اند ، آماری که رضا فرجی‌دانا، وزیر اسبق علوم و تحقیقات ، زیان سالانه آن را ۱۵۰میلیارد دلار اعلام کرده بود.[۵۶۵]

نمودار زیر خالص حساب سرمایه در اقتصاد ایران را نشان می دهد :

The image cannot be displayed. Your computer may not have enough memory to open the image, or the image may have been corrupted. Restart your computer, and then open the file again. If the red x still appears, you may have to delete the image and then insert it again.

منبع : روزنامه فرهیختگان ، ۱۴۰۰/۷/۲۹

تخمین های کلی نشان می دهند که پس از تشدید تحریم ها در ۲۰۱۲ ایران میلیاردها دلار سرمایه گذاری تنها در بخش نفت و گاز را از دست داد ، چون شرکت های بین المللی از برخی پروژه های ایران خارج شدند و از سرمایه گذاری بیشتر خودداری ورزیده یا سرمایه گذاری های موجود خود را به شرکت های دیگر فروختند . ایران برای توسعه میادین نفتی خود به شرکت های داخلی و تعداد محدودی شرکت آسیائی متکی شد. شرکت های چینی و روسی تنها شرکت هائی بودند که بطور مستقیم یا غیرمستقیم در توسعه میادین نفتی قول مشارکت داده اند، اما همین کشورها نیز بخاطر محدودیت های تحریمی در تجارت با ایران از یک سوی و ارزیابی هزینه – فایده سرمایگذاری در طرح های توسعه کشورهای منطقه ای رقیب ایران مانند عربستان و امارات، سرمایه گذاری خود را در ایران کاهش داده اند و رغبت چندانی به مشارکت در پروژه های سرمایگذاری در ایران ندارند.[۵۶۶]

---

۵۶۵ – همان.

۵۶۶ – فصلنامه گزارش اقتصادی منطقه خاورمیانه و شمال افریقا، ش ۵، جولای ۲۰۱۵ ، ص ۸.

تحت شرایط تحریمی، اقتصاد ایران نه تنها ناتوان از جذب سرمایه گذاری خارجی و انتقال فن آوری به داخل کشور بوده، بلکه با حجم زیادی از فرار سرمایه نقدی مواجه بوده است. (عبدالحسینی، ۱۴۰۰) طی گزارشی که ابعاد مختلف موجودی سرمایه را در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ مورد بررسی قرار داده ، نشان می‌دهد در این سال‌ها با خروج ۱۵۸میلیارد دلار سرمایه از اقتصاد، کشور با افول جدی حساب سرمایه روبه‌رو بوده است. بدترین سطح از خروج سرمایه، مربوط به سال۱۳۹۶ است که حدود ۲۰میلیارد دلار برآورد شده است . شواهد موجود نشان می‌دهد خالص حساب سرمایه کشور در دهه ۹۰ با تنزل ۹۳ میلیارد دلاری روبه‌رو بوده است. به اعتقاد این کارشناس، فرار سرمایه از کشور نشانه خالی شدن ظرفیت اقتصاد برای رشد و خلق ثروت است، خروج حدود ۱۵۸ میلیارد دلار سرمایه از کشور تبعات منفی بسیاری برای کشور در دهه پیش‌رو خواهد داشت.[۵۶۷]

بررسی آمارهای اعلام شده از سوی بانک مرکزی نشان می‌دهد که طی ۱۶ سال گذشته یعنی از سال **۱۳۸۴** تا **۱۳۹۹** حدود ۱۷۰ میلیارد و ۶۱۷ میلیون دلار سرمایه از کشور خارج شده که در چند سال اخیر اوج آن را در خرید و سرمایه‌گذاری مسکن در کشورهای همسایه مثل ترکیه، گرجستان و امارات توسط ایرانیان می‌بینیم[۵۶۸]

علاوه بر موضوع فرار سرمایه، شواهد گوناگون حاکی از انتقال حجم زیادی از سرمایه از بخش رسمی اقتصاد به سوی فعالیت های غیر مولد و سوداگرانه و حتی فعالیت های قاچاق و اقتصاد غیر رسمی است. اخیرا رییس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز اعلام کرد که بسیاری از کوله بران عملا برای سرمایه دار هایی در بازار سیاه و قاچاق بری کار می کنند که صاحبان آن سرمایه ها در خارج از کشور هستند، به این ترتیب نمی توان روند فرار سرمایه را بی ارتباط با موضوع قاچاق و بکار انداختن بخشی از سرمایه های خارج شده در قالب تجارت قاچاق در کشور دانست. بسیاری از کوله بران عملا از خود سرمایه ای ندارند و تنها نیروی کار عرضه شده در بخش غیر رسمی هستند. شوتی ها وکوله بران نیروی کار فعال در قاچاق کالا به تبع سرمایه های بکار گرفته شده در این بخش هستند.

برآورد اندازه اقتصاد سایه در ایران به روش تزریقات- تراوشات :

پیش تر به مبانی نظری این روش اشاراتی شد. در روش تزیقات و تراوشات برمبنای معادله حسابداری ملی

$$M+S+T=G+I+X$$

اجزای این معادله در یک اقتصاد سایه، بصورت درصد بشرح زیر بیان میشود :

عنوان	شرح	اجزأ
واردات قاچاق بصورت درصدی از کل واردات رسمی	واردات	M
سپرده های انتقالی به بانک های فرا سرزمینی و بانکداری سایه	پس انداز	S

۵۶۷ – فرهیختگان، ۱۴۰۰/۷/۲۹ : https://farhikhtegandaily.com/top-archive

۵۶۸ – همان.

فرار مالیاتی بصورت درصدی از کل مالیات	مالیات	T
رانت و فساد و رشوه بصورت درصدی از بودجه دولت	مخارج دولتی	G
فرار و یا خروج سرمایه بصورت درصدی از کل سرمایگذاری	سرمایه گذاری ب. خصوصی	I
صادرات قاچاق بصورت درصدی از کل صادرات رسمی	صادرات	X

در جدول زیر میانگین های کارشناسی شده و محاسبه شده براساس گزارش ها و داده های منتشره مربوط به بازه زمانی ده ساله (۱۳۸۶ - ۱۳۹۶) بصورت درصدی از GDP برای اقتصاد ایران ارائه شده است.

شرح	درصد از GDP
قاچاق سازمان یافته دولتی و شبه دولتی به منظور تامین مالی گروه های نیابتی	٪ ۱۵
قاچاق مرسوم از طریق باندهای قاچاق فعال در داخل کشور	٪ ۲۰
فرار مالیاتی	٪۲۰
فرار سرمایه	٪ ۱۰
رشوه و رانت و فساد و هزینه های تحمیلی از این طریق بر اقتصاد کشور	٪ ۵
عدم النفع ها ناشی از تحریم و محرومیت و محدودیت دسترسی به نظام مبادلات تجاری آزاد	٪ ۱۰
خالص اندازه اقتصاد سایه - به روش تزریقات- تراوشات	٪ ۶۰

روش داده- ستانده در برآورد بخش غیر رسمی

با توجه به اینکه چهار نوع اقتصاد زیر زمینی یا اقتصاد سایه را به ترتیب ۱-اقتصاد غیرقانونی ۲-اقتصاد گزارش نشده ۳-اقتصاد ثبت نشده و ۴-اقتصاد غیررسمی نام می برند که هریک تشابهات و تمایزاتی با یکدیگر دارند ، اما از ویژگی مشترک همگی آنها مداخله عوامل بازار و دخالت عوامل دولت در کنش –واکنش های آن ، همچون اقتصاد بخش رسمی است، لذا می توان استدلال نمود که از ابزارهای تحلیل اقتصاد کلان همچون روش داده- ستانده در مورد اقتصاد سایه نیز می توان استفاده کرد. هدف از این اقدام ارزیابی و بررسی فعالیت های غیررسمی قابل انتساب به هر یک از بخش های اقتصاد ملی براساس طبقه بندی مرسوم است . علاوه برآن ، فعالیت های خارج از طبقه بندی مرسوم مانند مزد در برابر جنایت و حمایت مالی از ترور و جنگ و هزینه های مترتب برآن نیز می تواند در این چارچوب مورد بررسی قرار گیرد. در نهایت هدف برآوردی از سهم و اندازه اقتصاد سایه بصورت درصدی از ارزش افزوده هر بخش است. هم اکنون شواهد مربوط به نتایج اندازه گیری بخش‌های خاص اقتصاد سایه در بسیاری از کشورها کمتر مورد توجه است و عمدتاً به برآوردهای کلی بصورت درصدی از GDP رسمی اکتفا می شود ، یک علت عمده این است که بخش اقتصاد سایه در غالب کشورها سهم

کمی از کل اقتصاد و درصدی ناچیز از GDP رسمی است و بعلاوه تلاش تحقیقی برای رهگیری فعالیت های اقتصادی در سایه اغلب پر چالش ، زمان بر و پر هزینه است. به همین جهت تلاشی برای تجزیه و تحلیل چگونگی ارتباط اقتصاد سایه با اقتصاد رسمی به تفکیک هر بخش صورت نگرفته اسست. اما برای کشورهایی که اقتصاد سایه در آنها سهم زیادی از کل اقتصاد را شامل می شود ، رویکرد بخشی برای ارزیابی و سنجش اقتصاد سایه برای هر بخش در ارتباط با اقتصاد رسمی می تواند مبنای قابل درکی برای تحلیل وضعیت اقتصادی آن کشور باشد، زیرا با این روش ترسیم وضعیت اقتصادی بصورت واقعی تری برای این کشورها امکان پذیر است. بطورمثال فعالیت های غیر رسمی مرتبط در بخش بهداشت و درمان، می تواند به حوزه فعالیت های زیر زمینی و پنهان و درسایه در زمینه تولید، صادرات و واردات و معاملات دارو و درمان و آرایشی و بهداشتی بصورت قاچاق و غیرقانونی و زیر زمینی ، بصورت درصدی از سهم ارزش افزوده و ستانده در این بخش برآورد گردد.

در این روش ابتداء ستانده هر بخش در اقتصاد رسمی مبنای ارزیابی قرار می گیرد و آنگاه سهم و اندازه اقتصاد سایه از هر بخش نسبت به ستانده رسمی در همان بخش تخمین زده می شود. این نوع بررسی کاری به شدت پیچیده و زمان بر خواهد بود و با توجه به ابعاد پنهان بسیاری از فعالیت های غیر رسمی ، غیرقانونی ، یا ثبت نشده و گزارش نشده ، مستلزم بررسی منابع داده های رسمی و غیر رسمی و تخمین های کارشناسی از طریق منابع مرتبط و سنجش متغیرهای مکنون از طریق متغیرهای آشکار است، اما از برخی روش های غیر آماری نیز می توان برای برآوردی قابل قبول در مورد سهم اقتصاد سایه در هر بخش بهره گرفت. بطور مثال در همین رابطه می توان از ضرب بردارضرایب نیروی کار غیر رسمی به تفکیک هر بخش که در مراحل قبل به روش ایتالیایی استخراج شده است، در ماتریس تبدیل یا ماتریس ضرایب داده –ستانده بخش رسمی اقتصاد با انجام برخی تعدیل ها در ضرایب و یا با فرض اینکه ضرایب داده- ستانده ملی می توانند بخش غیر رسمی را هم نمایندگی کنند تخمین هایی ارایه داد. همچنین با روش برآورد مستقیم بصورت درصدی از ستانده هر بخش ، ستانده غیر رسمی به تفکیک هر بخش را می توان برمبنای داده های تخمین زده شده از میزان تراوشات و نشتی ها و یا تفاضل جداول منابع و مصارف به دلیل فعالیت های اقتصادی در سایه برای هر بخش برآورد نمود.

هم اکنون ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز به منظور برآورد آمار قاچاق به عنوان بخشی از اقتصاد زیر زمینی از روش شکاف عرضه و تقاضا استفاده می‌کند. «متغیرمصرف» در این روش با استفاده از جدول داده – ستانده محاسبه می‌شود، اما درباره نحوه برآورد متغیر مصرف و جدول داده – ستانده چالش‌هایی وجود دارد.[۵۶۹] دو روش برای تهیه جدول داده – ستانده مورد استفاده در برآورد آمار قاچاق استفاده می‌شود. یکی "روش آماری" است که جدول اصلی داده و ستانده در سال پایه با استفاده از این روش تهیه می‌شود. روش دیگر نیمه آماری یا شبه آماری

---

۵٦۹ - https://masireqtesad.ir/tag

است که برای استفاده از جدول در سال‌های آتی، همان جدول قبلی را "به‌هنگام" می‌کند و از این جهت برای برآورد آمار قاچاق قابل اعتماد نیست. [۵۷۰] به نظر می رسد ضمن انتقاداتی که بر روش ستاد مبارزه با قاچاق در برآورد اقتصاد زیر زمینی وجود دارد ، برای برآورد دقیقی از اقتصاد سایه به تفکیک استان های مختلف با روش جدول داده – ستانده باید به جداول داده– ستانده منطقه ای با تلفیقی از رویکرد ایتالیایی در استخراج بردار نیروی کار غیر رسمی روی آورد.

بخش قابل توجهی از ماهیت وجودی اقتصاد سایه را باید به عنوان نتیجه ی واکنش فعالان اقتصادی نسبت به تحولات در اقتصاد رسمی در نظر گرفت و از این جهت اقتصاد سایه را باید انعکاسی از واکنش های طبیعی ناشی از فعل و انفعالات در اقتصاد رسمی دانست که در برابر شوک ها و عوامل اثرگذار بر بخش رسمی اقتصاد رخ می دهد. برای درک بهتر این موضوع خوب است نگاهی تحلیلی به ساختار اقتصادی کشور(جدول ص بعدی) مربوط به تغییرات در رشد هریک از بخش های عمده اقتصاد رسمی ایران داشته باشیم، خصوصا توجه خود را به ارقام منفی رشد در جدول زیر معطوف می کنیم تا علل آن را بطور کلی مرور کنیم.

در بخش کشاورزی عمده علل منفی بودن رشد تولید به دو عامل ۱- خشکسالی و کمبود منابع آبی و کاهش سطح زیر کشت، و ۲- عدم کارایی یا بی تاثیر بودن سیاست های حمایتی دولت از این بخش مانند تعیین بهای خرید تضمینی محصولات از کشاورزان و دامداران از قبیل خرید تضمینی گندم یا بهای فرآورده های دام و طیور و عدم تامین نیاز کشاورزان به نهاده های مورد نیاز می توان نسبت داد. رشد منفی در تولیدات بخش کشاورزی، آثار مختلفی برجای می گذارد. یک معنای آن افزایش بیکاری در این بخش است که انعکاس آن را می توان بصورت واکنش طبیعی در تحرک بخشی از نیروی کار بخش کشاورزی با اشتغال در فعالیت های غیر رسمی در اقتصاد پنهان یا فعالیت های اقتصادی در سایه ارزیابی نمود.

عمده علل منفی بودن رشد تولید در بخش صنایع و معادن (با نفت و بدون نفت)، را می توان به تاثیر و پیامد تحریم های اقتصادی نسبت داد. هرچند که سیاستهای ارزی دولت و نحوه ی حمایت آن از صنعت نیز حایز اهمیت است. در نتیجه ی تحریم ها، روند تولید در صنایع به دلیل شدت وابستگی آنها به واردات مواد واسطه و تجهیزات وماشین آلات و فن آوری خارجی، با اختلال، کندی و یا توقف تولید مواجه می گردد. همچنین صادرات محصولات تولیدی به دلیل قطع دسترسی به بازارهای جهانی با مشکل مواجه می گردد. پیامد رشد منفی تولید در بخش صنعت و معدن، بیکاری کارگران و سر ریز شدن نیروی کار این بخش به فعالیت های در سایه یا رشد اقتصاد

---

۵۷۰ - حکیمی پور کارشناس پژوهشکده آمار،(۱۴۰۱)، روش فعلی برآورد آمار قاچاق کالا قابل اعتماد نیست، مسیر اقتصاد – رسانه تصمیم سازان اقتصاد https://masireqtesad.ir /۱۳۲۴۳۰

سایه است. همچنین پیامد دیگر آن تعطیلی بنگاه های تولیدی به دلیل زیان دهی آنها و خروج سرمایه از این بخش به بخش های سوداگری و یا اقتصاد سایه و یا حتی تبدیل و انتقال سرمایه ها به خارج از کشور خواهد بود.

رشد تولید ناخالص داخلی و ارزش افزوده به تفکیک عمده بخش های اقتصاد رسمی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ به قیمت های ثابت ۱۳۹۰ (درصد)

شرح	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
گروه کشاورزی	-۰/۷	۳/۳	۵/۹	۳/۲	۳/۳	۱/۰	-۱/۵	۳/۰
گروه صنایع و معادن	-۱۴/۳	-۳/۷	۴/۸	-۲/۱	۲۰/۹	۲/۰	-۹/۵	-۱۵/۷
گروه صنایع و معادن بدون نفت	۰/۳	-۴/۳	۹/۰	-۳/۲	۱۰/۲	۲/۵	-۵/۲	۲/۲
استخراج نفت و گاز طبیعی	-۲۷/۵	-۳/۱	-۰/۳	-۰/۷	۳۵/۰	۱/۵	-۱۴/۱	-۳۷/۰
سایر معادن	۲۲/۰	۲/۷	۱۳/۰	۳۵/۸	-۲/۵	۲/۸	۰/۸	-۲/۶
صنعت	۷/۷	-۷/۷	۱۳/۰	-۸/۹	۶/۵	۳/۶	-۶/۵	-۲/۳
تأمین آب ، برق و گاز طبیعی	-۸/۴	۷/۵	۱۳/۴	۴/۲	۳۴/۳	۰/۲	-۴/۳	۷/۷
ساختمان	-۱۲/۲	-۷/۶	-۹/۵	-۴/۱	-۱۱/۶	۳/۷	-۴/۲	۹/۶
گروه خدمات	۱/۶	۲/۶	۰/۷	۱/۶	۵/۲	۶/۸	۰/۲	-۰/۱
عمده و خرده‌فروشی، هتل و رستوران	-۲/۲	-۳/۲	۳/۷	۲/۳	۴/۴	۴/۷	-۶/۰	-۴/۱
حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	-۱/۶	۳/۶	۷/۵	۱/۶	۱۰/۴	۸/۴	۱/۷	۱/۱
واسطه گری‌های مالی	-۷/۰	-۱/۲	-۳/۱	۵/۷	۱۰/۸	۹/۸	-۴/۵	۰/۷
مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار	۱۰/۸	۱۰/۰	-۵/۶	۲/۷	۴/۶	۶/۷	۱/۷	۴/۱
امور عمومی، آموزش، بهداشت و مددکاری	۰/۵	۰/۹	۱/۷	-۱/۰	۲/۱	۷/۴	۵/۳	-۲/۰
سایر خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی	۲/۴	۱/۱	۱/۵	-۲/۴	۴/۲	۸/۸	۳/۸	-۱/۵
محصول ناخالص داخلی (به قیمت بازار)	-۶/۲	-۰/۶	۲/۶	۰/۵	۱۲/۱	۳/۹	-۴/۷	-۷/۲
محصول ناخالص داخلی بدون نفت (به قیمت بازار)	۱/۱	۰/۰	۳/۲	۰/۸	۶/۹	۴/۶	-۲/۱	۰/۰

منبع : پژوهشکده آمار ۱۳۹۸

عمده علل منفی بودن رشد تولید در بخش نفت و گاز طبیعی، تاثیر مستقیم تحریم های نفتی و کاهش سرمایگذاری در این بخش است. چنانکه می دانیم از سال ۲۰۱۲ تحریم های نفتی علیه ایران تشدید گردید که پیامد مستقیم آن کاهش تولید و صادرات نفت و گاز بوده است.همچنین به دلیل تحریم ها، نه تنها امکان انتقال فن آوری و جلب و جذب سرمایه گذاری خارجی در پروژه ها توسعه میادین نفتی از میان رفته که امکان تجهیز و نوسازی شبکه تولید فرسوده به دلیل استهلاک تاسیسات تولیدی نیز از دست رفته است. تحولات بازار انرژی نیز بر فعال وانفعالات این بخش اثر گذار بوده است، اما آنچه می تواند توجیه گر فعالیت های نفتی در سایه باشد ، اثر تحریم های نفتی است.

براساس برخی برآوردها در مقاطعی تنها ۲۵ درصد از کاهش رشد تولید و صادرات نفت و گاز در بخش رسمی از طریق بازار سیاه و شبکه غیر رسمی فروش جبران شده است ولی تحریم ها توانسته است در مقاطعی تا ۸۰ درصد از رشد تولید این بخش بکاهد. هدف تحریم های حداکثری ایالات متحده در دوره دونالد ترامپ به صفر رساندن صادرات نفت ایران بود ولی این هدف هیچگاه محقق نشد، هرچند که در مقاطعی تحریم ها توانست تولید و صادرات نفت ایران را معادل با ۸۰ درصد کاهش دهد.

برآورد اندازه اقتصاد سایه در ایران همراه با تاثیر تحریم ها :

اندازه اقتصاد رسمی ایران طی بیش از چهار دهه گذشته، متاثر از شوکهای مختلف و متغیرهای اثرگذار گوناگون تحت فشار و انقباض بوده است که اصولا تفکیک و جدا سازی اثرات هریک از این شوک های مثبت و منفی بر اقتصاد رسمی دشوار است و بر اقتصاد سایه دشوار تر. اندازه اقتصاد سایه در ایران بطور مشخص تحت تاثیر تحریم ها، متاثر از فرار مالیاتی، متاثر از رانت و فساد ، متاثر از فعالیت های قاچاق و سایر فعالیت های غیررسمی ویا فعالیت های غیرقانونی بوده است که تفکیک تاثیر مستقل هریک از این موارد بطور جداگانه دشوار است.

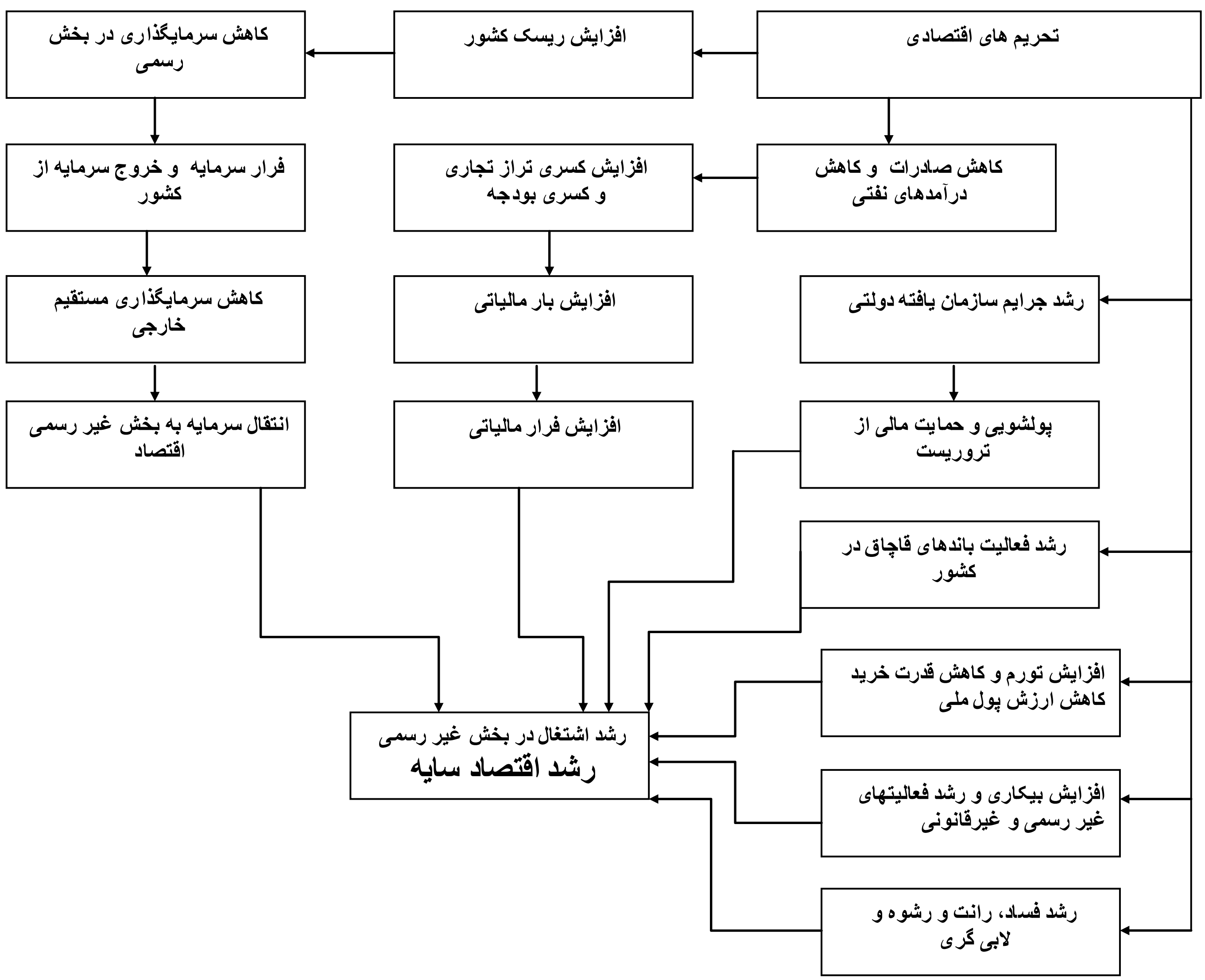
در مدل مفهومی زیر ، تحریم های اقتصادی به عنوان مهمترین محرک و عامل اصلی رشد اقتصاد سایه در ایران در نظر گرفته شده است. جداسازی و ارزیابی اثرات مستقل هریک از دیگر عوامل و متغیرها بر رشد اقتصاد سایه دشوار است، زیرا عوامل یاد شده بر یکدیگر هم افزایی داشته و همگی به رشد بیشتر اقتصاد سایه کمک کرده اند.

فرار مالیاتی (بصورت درصد از GDP)	٪۲۰
فرار سرمایه (بصورت درصد از GDP)	٪۱۰
قاچاق مرسوم توسط شبکه داخلی (بصورت درصد از GDP)	٪۲۰
عدم النفع و هزینه های فرصت از دست رفته در اقتصاد ناشی از تحریم[۵۷۱]	٪۲۵
هزینه (نشت از بودجه) بصورت رانت و رشوه و فساد (بصورت درصد از GDP)	٪۵
اندازه اقتصاد سایه در ایران (بصورت درصد از GDP)	٪٦۰

۵۷۱ - خود تحریم ها عمدتا متاثر از دو رویکرد دولت ایران -۱ تنش زایی در منطقه با حمایت از گروه های نیابتی و تامین مالی آنها و عدم پیوستن به کنوانسیون های بین المللی و هعدم مکاری و تعامل بین المللی ۲- پروژه ی گسترش تاسیسات هسته ای و برنامه غنی سازی بوده است و منظور از هزینه های فرصت از دست رفته و عدم النفع برآورد هزینه هایی است که از این بابت به اقتصاد کشور تحمیل شده است.

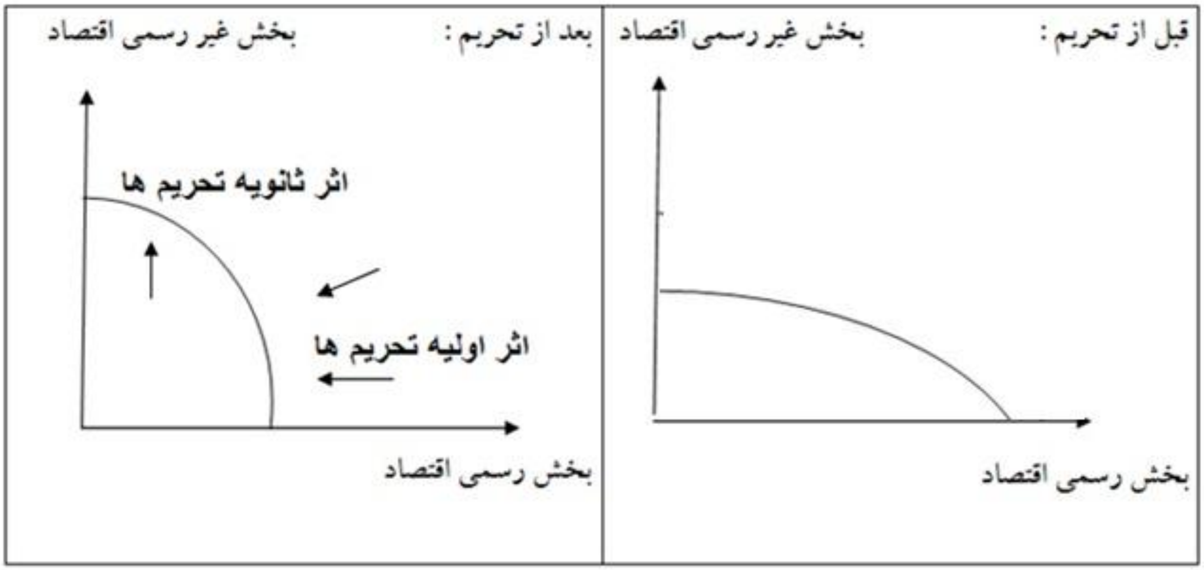
رانت و فساد و رشوه از طریق فرایند پیچیده پولشویی و نظام بانکداری در سایه و فراساحلی بصورت فرارمالیـاتی و فرار سرمایه و یا انتقال آن به خارج کشور و یا اختصاص به دیگر فعالیت های غیر رسمی و غیرقانونی تغییر ماهیـت می دهد و نقش روان کننده برای چرخ های اقتصاد سایه را برعهده دارد.

مدل مفهومی تحقیق



اثر تحریم ها روی اندازه ی اقتصاد سایه

اگر بخواهیم بصورت شماتیک اثر تحریم ها بر منحنی امکانات تولید کشور را نشان دهیم با توجه به اینکه تحریم ها بصورت یک شوک منفی معمولا اقتصاد رسمی کشور را هدف قرار می دهد، اثر آن بر منحنی امکانات تولید می تواند بصورت نمودار زیر در نظر گرفته شود :



از آنجا که هدف اصلی تحریم ها بستن راه های ارتباط و تبادلات اقتصاد رسمی یک کشور با دنیای خارج است، بیشترین اثر گذاری را بر اقتصاد رسمی خواهد داشت، اما اثرات آن بر اقتصاد غیر رسمی نیز قابل تسری است. تحریم ها بطور کلی دو اثر عمده بر اقتصاد کشور دارد. یک اثر اولیه که بصورت شوک منفی موجب می شود منحنی امکانات تولید کل کشور منقبض گردد و(رشد منفی) به سمت مبداء مختصات به عقب بنشیند و یک اثر ثانویه یا اثر جانبی دارد که موجب کمتر شدن امکان تخصیص منابع برای فعالیت های اقتصادی در بخش رسمی و بزرگ تر شدن بخش غیر رسمی اقتصاد را در پی خواهد داشت، اما افزایش رشد بخش غیر رسمی نمی تواند ، کاهش رشد در بخش رسمی را جبران نماید و در کل اقتصاد کشور رو به ضعف می رود. بعلاوه رشد اقتصاد غیر رسمی ، خساراتی را بر اقتصاد کلان در قالب اثرات توزیعی و تخصیصی در پی دارد. رشد اقتصاد غیررسمی در واقع نوعی واکنش تدافعی فعالان اقتصادی به فشار بر بخش رسمی اقتصاد و منجمله از ناحیه ی اثر تحریم هاست که آنها را به اقتصاد در سایه یا اقتصاد زیرزمینی سوق می دهد.

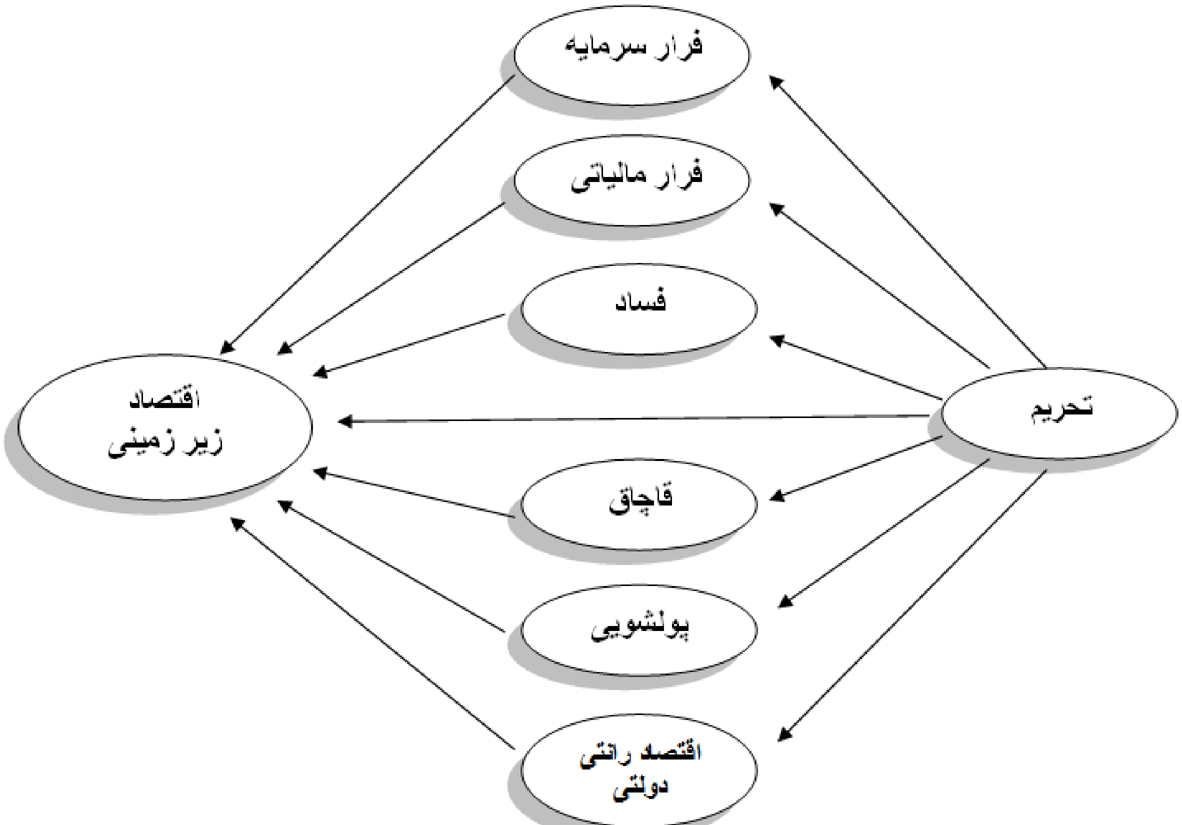
بیش از چهار دهه تحریم اقتصادی، اثرات مخرب و غیرقابل جبرانی بر اقتصاد ایران گذاشته است که در مورد آثار و پیامد این تحریم ها بر اقتصاد کتب و مقامات گوناگونی نگاشته شده است. اخیراً گزارشی توسط موسسه عالی مدیریت و برنامه‌ریزی منتشر شده که فهرست نسبتاً جامعی از میزان

اثرگذاری تحریم ها بر بخش‌های مختلف اقتصاد ایران درآن مندرج است. براساس این گزارش هرچند متوسط رشد اقتصاد در سه سال ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ منفی ۲/ ۷ درصد بود، اما با فرض نبود تحریم وکووید کرونا، رشد تولید غیرنفتی کشور در این دوره می‌توانست به طور میانگین مثبت ۹ /۳ درصد در سال باشد. (گیلانی،۱۴۰۰)در مقاله ای با عنوان ضررهای تحریم برای اقتصاد ایران ، بطور مبسوطی، آثار و پیامد تحریم های سال های اخیر به نقل از همان گزارش را نقل و بررسی نموده است.[۵۷۲] همچنین نتایج یک مطالعه دیگر در بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ م حاکی از این است که اثرات تحریم ها بر اقتصاد ایران به کاهش قابل توجه GDP سرانه به میزان ۳۳ درصد نسبت به وضعیت بدون تحریم منجر شده است و با ادامه تشدید تحریم ها بعد از سال ۲۰۱۶ اثرات منفی کاهش درآمد سرانه به ۴۴ درصد در سال ۲۰۲۰ رسیده است. همچنین در بررسی دیگری براساس برآورد تولید تحقق یافته سال ۱۳۹۰ شدت تاثیر تحریم‌ها کاهشی معادل ۳۰ تا ۵۰ درصدی در تولید ناخالص داخلی را در پی داشته که در منفی شدن رشد اقتصادی کشور نقشی موثر داشته اند.[۵۷۳] اینکه تلاش های انجام شده از سوی دولت برای دور زدن تحریم ها چقدر توانسته است، به عنوان ضربه گیر عمل کند و اثر کاهشی تحریم ها را بر تولید ناخالص داخلی جبران و یا خنثی نماید و چقدر ناکام بوده و خود به بروز فساد و مشکلات دیگر در اقتصاد و منجمله رشد اقتصاد در سایه و فساد و رانت منتهی شده است، درجای خود قابل بحث و ارزیابی خواهد بود، اما واقعیت این است که با وجود تحریم های اقتصادی تقریبا بخش های مهمی از اقتصاد رسمی ایران زمین گیر و فلج شده است . سیاست درهای باز که بطور شناخته شده ، به رشد تجارت و سرمایه گذاری منتهی می شود ، در شرایطی که یک کشور مواجه با تحریم های بین المللی است، درست عمل نمی کند، زیرا تحریم ها به بسته شدن درهای تعامل اقتصادی با بازارهای جهانی می انجامد و دسترسی به بازارهای رسمی دشوار می گردد . در چنین شرایطی مهمترین راه تنفس اقتصادی کشور پناه بردن به بازارهای غیر رسمی ، باندها و شبکه های بین المللی قاچاق و سایر فعالیت های زیر زمینی است که با هدف دور زدن تحریم ها انجام می شود و همین مساله دولت و بخش هایی از حاکمیت را مجبور نموده است که خود در اقتصاد سایه نقش آفرین اصلی باشند و بدین گونه است که در ایران بطور غیر متعارف، سهم بزرگی از اقتصاد در سایه تحت مدیریت وکنترل خود دولت قرار دارد.

---

۵۷۲ – پرویز گیلانی، ضررهای تحریم بر اقتصاد ایران، تجارت فردا : ۲۳ مرداد ۱۴۰۰ : https://www.tejaratefarda.com

۵۷۳ - سعید عیسی زاده و همکاران، (۱۴۰۰) ، اثر تحریم ها بر GDP سرانه در اقتصاد ایران با روش کنترل ترکیبی، نشریه علمی(فصلنامه)پژوهشها و سیاستهای اقتصادی شماره ۱۰۰ ، سال ۲۹ ، زمستان ۱۴۰۰ صص ۳۲۰– ۲۸۹ .



برآورد اثر تحریم ها بر اقتصاد ایران بصورت درصدی از GDP

٪ ۱۵	جبران شده از طریق روش های دور زدن با توسل به شبکه قاچاق دولتی و شبه دولتی
٪ ۱۵	قاچاق دولتی- شبه دولتی تزریق شده به صورت حق العمل به گروه های نیابتی در منطقه
٪ ۱۰	عدم النفع ناشی از محدودیت و محرومیت و تحریم دسترسی آزاد به بازارهای بین المللی
٪۵	نشتی از اقتصاد بصورت رانت و رشوه و فساد و زد و بند به جیب دلالان وکاسبان تحریم
٪۳۰	خالص اثر تحریم ها بر اقتصاد کشور بصورت درصد از GDP / سالانه

ازآنجا که تحریم ها به عنوان موتور رشد و گسترش فساد در اقتصاد دولتی و در درون دولت عمل کرده است ، هزینه های فساد در درون تاثیر خالص تحریم ها منظور شده است، اما این بدان معنا نیست که با حذف تحریم ها فساد به صفر می رسد اما انتظار کاهش قابل توجه در ارقام رانت و فساد وجود دارد. کارشناسان اقتصادی نقش کاسبان تحریم را در این باره برجسته می دانند.

اثر فساد و رانت و رشوه روی اندازه اقتصاد سایه

تحریم ها که به نوعی جنگ اقتصادی تعبیر شده است، در مقام تشبیه به مثابه این است که اقتصاد کشور را زیر بمباران خود قرار داده است. بدیهی است که در شرایط جنگی و بمباران ، عده ای به جان پناه روی می آورند. در شرایط تحریمی ، اقتصاد سایه با فراهم سازی امکان دور زدن تحریم ها و رانت و منافعی که حاصل می کند، برای گروهی از فعالان اقتصادی دولتی و شبه دولتی در ایران در حکم جان پناه عمل کرده است، ولی می دانیم همگان دسترسی به جان پناه مطمئن در شرایط تحریم ندارند، و زندگی و معیشت میلیون ها شهروند معمولی زیر فشار تحریم ها آسیب می بیند، اما برای کسانی که در این شرایط جنگی مدت ها به جان پناهی مانند اقتصاد سایه خو کرده اند، درد و رنج و فشارهای تورمی وارده بر زندگی مردم عادی کمتر مورد اعتناست .آنها احتمالا به این شیوه زندگی در جان پناه عادت کرده اند و این خود تبدیل به یک مشکل شده است. وقتی بخش های دولتی طی چندین دهه متاثر از فشار تحریم ها به اقتصاد سایه پناه بردند، حتی بعد از رفع احتمالی تحریم ها نیز به راحتی امکان بازگشت به شرایط قبل برای اقتصاد فراهم نمی شود، زیرا بسیاری از مدیران دولتی و شبه دولتی به رانت و فسادهایی که از قِبَل فعالیت در اقتصاد سایه نصیبشان می شده است، عادت کرده اند و حتی ممکن است در تعارضی آشکار میان منافع خود و منافع ملی ، در برابر سیاستهایی که منتهی به رفع تحریم ها می شود، کارشکنی کنند. اصطلاحی که برخی صاحب نظران برای توصیف این گروه عنوان کرده اند، "کاسبان تحریم" هست. در هرحال چه در شرایط تحریم و چه در نبود تحریم ها ، بسیاری از صاحب نظران، وجود فساد را از اصلی‌ترین نشانه های وجود اقتصاد زیرزمینی معرفی می کنند. برای ارزیابی میزان اثر گذاری ناکارآمدی و فساد بر یک ساختار اقتصادی ، شاخص های مختلف آن مورد بررسی و مقایسه قرار می گیرند. از جمله آنها شاخص رقابت‌پذیری توسط مجمع جهانی اقتصاد، شاخص ادراک فساد (CPI) توسط سازمان شفافیت بین‌الملل ، شاخص‌های حکمرانی توسط بانک جهانی، شاخص حقوق مالکیت بین‌المللی توسط اتحادیه حقوق مالکیت، شاخص کیفیت محیط کسب و کار توسط بانک جهانی و البته شاخص های مختلف دیگری که هریک به نوعی کارآمدی و عملکرد نظام حکمرانی اقتصادی را می سنجد.

در مورد اقتصاد ایران بطور اجمال بسیاری از کارشناسان معتقدند نیمی از مشکلات اقتصادی آن ناشی از ناکارآمدی و عدم شفافیت و بروکراسی فاسد و رانت جویی مقامات و مدیران و کارکنان دستگاهای دولتی است و نیم دیگر آن به تحریم های خارجی مرتبط است. هم اکنون بیش از هفتاد درصد اقتصاد ایران در سیطره دولتی است که آلوده به فساد و رانت است، و بخش خصوصی ضعیف و ناتوان و فضای کسب و کار نا مطمئن و نا مساعد مواجه با موانع بسیار است، در کنار محدودیت های تحریمی و جنگ اقتصادی که امکان هرگونه اصلاحات ساختاری در اقتصاد را ناممکن نموده است، چشم انداز مثبتی برای بهبود شرایط اقتصادی کشور دیده نمی شود.

واقعیت این است که در ایران گروهی صاحب نفوذ در درون حکومت، در پشت مواضع به ظاهر سیاسی ایدئولوژیک و انقلابی به دنبال منفعت طلبی های شخصی در اقتصاد هستند. حضور فعال آنها در جان پناهی بنام بخش پنهان اقتصاد یا اقتصاد در سایه، منافع شخصی را دنبال می کند. آنها در طی بیش از چهار دهه از جنگ افروزی ، بحران آفرینی و تحریم ها استقبال نموده و از قبل فعالیت های سیاسی خود با ژست انقلابی گری ،در واقع به لابی گری و رانت جویی و توسعه نفوذ خود در درون حاکمیت با هدف تسخیر تمام ارکان آن مبادرت ورزیده و در نتیجه ی اقدامات آنها بخش غیر رسمی یا پنهان اقتصاد ایران در مقایسه با بخش رسمی فربه تر و بزرگ تر شده بطوری که عملا هیچ نهاد نظارتی، حقوقی یا قانونی اگر هم اراده کند، یارای مخالفت با آنها را ندارد. اخیرا یکی از صاحب نظران اقتصادی کشور دلیل نوسانات شدید ارزی در کشور را نتیجه جنگ اقتصادی ویژه‌خواران با شبکه پولی کشور عنوان کرد ، جنگی که یک طرف آن بانک مرکزی و تیم اقتصادی دولت قرار دارد و طرف دیگر آن ذینفعان فعال در اقتصاد زیرزمینی و دلالان بازار ارز ایستاده اند. وی همچنین اعلام کرد ۶۰ درصد از اقتصاد ایران بطور زیر زمینی اداره می شود و بانک مرکزی مجبور شد در جنگ با اقتصاد زیرزمینی تسلیم شود، زیرا هرچه ارز وارد بازار می‌شد، این عده دلارها را می‌مکیدند و باید پذیرفت که بازار ارز در دست عده‌ای خاص افتاده است. [۵۷۴]

قاچاق و اندازه اقتصاد سایه در ایران

چنانکه پیش تر اشاره شد، یکی از عمده علل کم برآوردی در اقتصاد رسمی تخصیص بخشی از منابع اقتصادی از قبیل کار و سرمایه به فعالیت های غیرقانونی و غیر رسمی است. فعالیت شبکه های سازمان یافته پنهان و زیر زمینی و باندهای قاچاق یکی از عمده ترین دلایل کم برآوردی GDP رسمی هستند. در ایران با دو نوع پدیده قاچاق مواجه هستیم. یک - قاچاق سازمان یافته دولتی که عمدتا فراملی عمل می کند و دو- قاچاقچیان داخل کشور که عمدتا در درون قلمرو سرزمینی ایران و در تعارض با منافع اقتصاد ملی و دولتی عمل می کنند. به اذعان بسیاری کارشناسان و مقامات مسوول و منجمله اظهارت صریح رییس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تحریم ها یکی از علل رشد قاچاق کالا و ارز در کشور بوده است. اگر بخواهیم به یک ارزیابی واقعی از اندازه اقتصاد قاچاق در ایران بپردازیم ، باید در دو بعد این موضوع را بررسی کنیم. یک بعد آن همانطوری که ذکر شد، قاچاق سازمان یافته دولتی است و منظور از آن کلیه روش ها و طرق پنهانی است که حاکمیت برای گریز از گلوگاه های تحریمی با ایجاد شبکه ی قاچاق در سطح فراملی و تعامل و همکاری با باندهای بین المللی قاچاق و دلالان بازار سیاه وارد داد و ستد و معامله با شرکای تجاری خود می شود و یک بعد آن باندهای قاچاق داخل کشور

---

۵۷۴ – (عباس هشی ،۱۳۹۷)، ۶۰ درصد اقتصاد ایران زیر زمینی اداره می‌شود ، روزنامه آرمان امروز، تاریخ انتشار: ۷خرداد۱۳۹۷ : کدخبر: www.armandaily.ir:۲۲۲۴۸۳

هستند که علاوه بر تاثیر پذیری از فضای بین الملل ، متاثر از رویکردهای حاکمیتی در نحوه اداره اقتصاد در داخل کشور و شرایطی که دولت برای اعمال حاکمیت اقتصادی در پیش گرفته عمل می کنند و نهادها و سازمان هایی از قبیل پلیس مرزداری و اداره مبارزه با قاچاق ، اداره گمرک و نهاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز ماموریت دارند تا به رصد، کنترل و مقابله با آنها بپردازند. غلامرضا انصاری، مشاور وزیر امور خارجه در دیپلماسی اقتصادی همین موضوع را به شکل دیگری مورد اشاره قرار داده و معتقد است : " بخشی از قاچاق درکشور ما امنیتی و سیاسی است و بخشی دیگر از قاچاق ماهیت اقتصادی دارد."[۵۷۵] در مورد اول ، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز مسوولیتی متوجه خود نمی داند و اساسا وجود این نوع قاچاق در کشور عمدتا کتمان می شود و راههای آن پنهان گذاشته می شود، چون اساسا هدف حاکمیت، از این نوع فعالیت های قاچاق، دور زدن تحریم ها، خنثی سازی آنها و یافتن راه های تامین مالی دولت در شرایط تحریمی برای اداره دولت (نه لزوما اداره کشور) است. اما گزارش های منتشره از سوی برخی نهادهای بین المللی و برخی کشورهای خارجی اعمال کننده تحریم مانند، وزارت خزانه داری آمریکا از فعالیت چنین شبکه های قاچاق فراملی پرده برمی دارند. بطور مثال در یک مورد، خزانه داری ایالات متحده اعلام کرد که یک شبکه قاچاق با هدایت سعید الجمال، سرمایه دار حوثی ساکن ایران، از فروش کالاهایی مانند نفت خام ایران ده ها میلیون دلار درآمد داشته است.[۵۷۶] همچنین خزانه داری ایالات متحده اعلام کرد، بخش قابل توجهی از این درآمد از طریق شبکه پیچیده ای از واسطه ها و صرافی ها در چندین کشور به حوثی های یمن منتقل می شود. وزارت امور خارجه ایالات متحده نیز نام یازده فرد، شرکت، و کشتی دیگر که همراه الجمال تحریم شده اند را برملا نمود که در این شبکه غیرقانونی نقش هایی اساسی را ایفا می کنند. بنا بر اعلام خزانه داری آمریکا، الجمال شبکه ای از شرکت ها و کشتی های صوری را هدایت می کند که سوخت، فرآورده های نفتی، و سایر کالاهای ایرانی را به سراسر خاورمیانه، آفریقا و آسیا قاچاق می کنند. بخش قابل توجهی از این درآمد از طریق واسطه ها و صرافی ها در چندین کشور به تأمین مالی حوثی ها، نیروی قدس سپاه پاسداران، و دیگر گروه های مورد حمایت ایران، از جمله حزب الله، می رسد.[۵۷۷] گزارشاتی از این دست بسیار متنوع و زیاد است. حجم این نوع قاچاق به دلیل پیچیدگی و فراملی بودن آن ، قابل برآورد دقیق نیست و ارقام برآوردی گوناگونی ارائه شده است که تفکیک اجزای مختلف آن کار را برای تحلیل ما دشوار

---

۵۷۵ – در گفتگو با روزنامه شرق " تحریم با اقتصادایران چه می کند ": - https://www.sharghdaily.com/

۵۷٦ - https://almashareq.com/fa/articles/cnmi_am/features/۱۹/۱۱/۲۰۲۰/feature-۰۱

۵۷۷ - https://almashareq.com/fa/articles/cnmi_am/features/۱۹/۱۱/۲۰۲۰/feature-۰۱

می کند. به رغم این تلاش ها ، بر مبنای محاسبات و آمار اوپک، ایران در ۱۰ سال گذشته بیش از ۲۸۰ میلیارد دلار عدم‌النفع از افت تولید نفت (به تبع آن افت درآمد صادرات نفت) داشته است.[۵۷۸]

نوع دوم از قاچاق که بیشتر مورد توجه مقامات و نهادهای امنیتی و پلیسی در کشور است و اغلب مورد مطالعه مجامع اکادمیک قرار دارد ، فعالیت باندهای مرسوم قاچاق در کشور است، که برخی بررسی ها نشان می دهند نسبت این نوع قاچاق به GDP طی چهاردهه گذشته (تا سال ۱۴۰۰) بطور متوسط حدود ۱۳ درصد بوده در طی دوره ای طولانی از یک روند فزاینده برخوردار بوده و تا ۲۰ درصد GDP در نوسان بوده است.

ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۹۸ (آمار سال ۹۷) آمار رسمی قاچاق ورودی به کشور را ۱۲٫۵ میلیارد دلار اعلام کرد که ۲۸درصد از کل واردات را تشکیل می‌داد، در حالی که کارشناسان در همان سال میزان قاچاق کالا را ۲۵ میلیارد دلار ارزیابی کردند که ۳۷ درصد کل واردات را نشان می‌داد. همچنین یکی از اعضای کمیسیون صنایع و معادن مجلس در دی ماه ۱۴۰۱ میزان قاچاق کالا در کشور را سالانه ۲۶ میلیارد دلار عنوان کرده است. این در حالی است که علیرضا مناقبی، رئیس هیئت‌مدیره مجمع عالی واردات ایران، میزان قاچاق کشور را بیش از ۳۰ میلیارد دلار دانسته است. همچنین دبیر قرارگاه مبارزه با مفاسد اقتصادی میزان کل قاچاق کالا به کشور را سالانه ۲۱٫۵ تا ۲۵٫۵ میلیارد دلار عنوان کرده است. این در حالی است که میزان واردات رسمی کشور بطور مثال در سال ۹۷ معادل با ۴۰ میلیارد دلار بوده است. اختلاف این ارقام دلایل مختلفی می تواند داشته باشد که مهمترین آن منابع داده ای در اختیار هریک از آن نهادها است.[۵۷۹]

مستند به گزارش ارائه شده در سال ۱۴۰۰ توسط معاونت حقوقی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز حجم قاچاق کالای ورودی و خروجی کشور حدود ۲۰ میلیارد دلار کالایی بوده که ۶ میلیارد دلار آن قاچاق خروجی و ۱۴ میلیارد دلار آن قاچاق ورودی به کشور است. به عبارتی در سال‌های اخیر حدود ۵ میلیارد دلار به حجم قاچاق کشور در آمارهای رسمی افزوده شده است. رقم ۲۰ میلیارد دلار از آنجایی حائز اهمیت است که اگر با دلار ۲۷ هزار تومانی هم حساب کنیم، ارزش ریالی قاچاق کالا در سال ۱۴۰۰ به حدود ۵۴۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد. برای درک ارزش این مقدار قاچاق کالا کافی است بدانیم در سال ۱۴۰۰ ارزش کل صادرات بخش کشاورزی ایران حدود ۱۴۰ هزار میلیارد تومان، ارزش

---

۵۷۸ - نقل از به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری فارس : منافع الیگارش‌های آمریکایی در حفظ تحریم نفتی ایران ، ۲۳ مهرماه ۱۴۰۲
https://www.farsnews.ir/economy/energy

۵۷۹ - خبرگزاری مهر، نه نقل از سید جواد حسینی‌کیا، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، ۳ دی ماه ۱۴۰۱

صادرات فرش و صنایع دستی ایران ۵٫۸ هزار میلیارد تومان، ارزش صادرات بخش صنعت ایران ۱۲۲ هزار میلیارد تومان و ارزش صادرات بخش پتروشیمی و اقلام نفت پایه ۳۲۲ هزار میلیارد تومان بوده است. همچنین علی مویدی‌خرم‌آبادی، رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سومین همایش علمی‌پژوهشی اقتصاد پنهان ، آماری کلی درخصوص حجم تجارت خارجی کشور ارائه کرد، براساس اظهارات نظر وی قاچاق کالا یک‌پنجم تجارت ایران را شامل می‌شود. بررسی آمار گمرک نشان می‌دهد که در سال ۱۴۰۰ حجم تجارت کشور، ۱۰۱ میلیارد و ۴۳۶ میلیون دلار بوده است که با یک نسبت – تناسب ساده یک‌پنجم آن معادل با ۲۰ میلیارد و ۲۸۷ میلیون دلار خواهد بود.[۵۸۰]

نتایج یک مدل MIMIC اندازه متوسط قاچاق در ایران را معادل با ۲۱ درصد از تولید ناخالص داخلی باتوجه به قیمت‌های ثابت سال ۱۹۹۷ برآورد نموده است. نتایج این تحقیق نشان داده که ارزش مطلق قاچاق طی ۳۸ سال از ۱۹۷۴ تا ۲۰۱۰ روندی صعودی داشته است. کمترین میزان قاچاق در سال ۱۹۸۲ به ۱۵٫۹۵ درصد از تولید ناخالص داخلی رسید. اندازه قاچاق در سال ۲۰۱۰ به بالاترین میزان خود یعنی ۱۴۷۸۳۲ میلیارد ریال رسید و به طور متوسط حدود ۲۱ درصد از تولید ناخالص داخلی مربوط به قاچاق است.[۵۸۱]

(خسرو پیرایی و حسینعلی رجایی،۱۳۹۴) در مطالعه ای با هدف برآورد و بررسی ابعاد اقتصاد زیرزمینی در ایران در طول دوره زمانی ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۲ با استفاده از روش شاخص چندگانه– علل چند گانه [۵۸۲] سری زمانی از اقتصاد زیرزمینی در ایران نشان داده است که در دوره زمانی مورد بررسی، اقتصاد زیرزمینی دارای روند افزایشی بوده است، هرچند که در نیمه اول سری زمانی فراز و نشیب‌های دارد و شدت کمتری را نشان می‌دهد اما دردو دهه اخیر روندی کاملا صعودی را نشان می‌دهد. بطوری که اندازه آن از ۷٪ تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۵۳ شروع شده و به ۲۰٪ در سال ۱۳۷۲ می‌رسد و تا ۳۸/۵٪در سال ۱۳۹۲ افزایش می‌یابد.[۵۸۳] (مطلبی و علیزاده ،۱۳۹۸) در مطالعه خود برای بازه زمانی (۱۳۹۴–۱۳۴۶) به روش میمیک(MIMIC)، میانگین نسبی اندازه اقتصاد سایه در ایران را حدود ۳۳

---

۵۸۰ – روزنامه فرهیختگان : کد خبر ۷۶۹۶۴   تاریخ : ۱۸ دی ماه ۱۴۰۱ :
https://farhikhtegandaily.com/news//۷۶۹۶۴

۵۸۱ -Yazdan Naghdi, Soheila Kaghazian, Isa Zaghi Jojadeh,(۲۰۱۵); underground economy estimation in Iran by MIMIC method.

۵۸۲ - multiple indicators and multiple causes (MIMIC) models

۵۸۳ – خسرو پیرایی وحسینعلی رجایی(۱۳۹۴) ، اندازه گیری اقتصاد زیر زمینی در ایران و بررسی علل و آثار آن ، فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان ، بهار ۹۴ ، ش ۹ صص ۴۲-۲۱

درصد محاسبه نموده که مقدار حداکثر آن برای سال ۱۳۸۷ معادل ۴۳٫۳ ٪ برآورد شده است.[۵۸۴]، مطالعات گوناگون دیگر مورد اشاره در این تحقیق، کم و بیش ارقامی در حدود ۲۰ تا ۴۰ درصد را برای اندازه اقتصاد سایه برآورد کرده اند. در مطالعه حاضر با تمرکز بر تاثیر عمیق تحریم ها روی رشد اقتصاد سایه، اندازه اقتصاد سایه در ایران دست کم معادل با ۶۰ درصد GDP برآورد شده است.

برآورد حجم فعالیت های پنهان یا در سایه به تفکیک بخش های مختلف

بخش دفاع و امنیت : شامل ارائه خدمات مستشاری نظامی، انتظامی و امنیتی به خارجیان بر حسب برخی برآوردهای کارشناسی و بر پایه داده های مختلف از منابع گوناگون ، تا حدود ۲۵درصد یا یک چهارم از ارزش GDP کل کشور به دفاع و امنیت اختصاص دارد، که از این مقدار بطور متوسط طی سالهای اخیر حدود ۱۰ درصد آن در حسابهای ملی و در اقتصاد رسمی گنجانیده می شود و ۱۵ درصد دیگر در سایه قرار دارد که شامل تولید ، صادرات و واردات سلاح و مهمات و تجهیز و تسلیح و آموزش گروه های نیابتی از طریق شبکه بین المللی قاچاق سلاح و مهمات در بازار خاکستری و بازار سیاه و روش های پنهانی دیگری است که در هیچ گزارش رسمی منتشر نمی گردد. اما طبق برخی از برآوردهای کارشناسی و مستند به منابع اطلاعاتی و خبری کشورهای رقیب ، سالانه ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیارد دلار معادل با ۲۰۰۰ تا ۳۵۰۰ همت[۵۸۵] از ارزش افزوده این بخش بصورت تراوشات (سوبسید به خارجیان تحت عنوان حمایت مستشاری، کمک بلا عوض، کمک های امدادی، و غیرو) به خارجیان ارائه می گردد. در مقام مقایسه اگر این ارقام را با رقم بودجه دولت برای سال ۱۴۰۲ که معادل با ۵۰۰۰ همت هست، مقایسه کنیم، درک این ارقام برای خوانندگان محترم معنادار تر خواهد شد. این مقایسه نشان می دهد رقم کمک های غیر رسمی مرتبط با حوزه های دفاع و امنیت و خدمات نظامی مستشاری به گروه های نیابتی خارجی از سوی جمهوری اسلامی تقریبا با نیمی از بودجه رسمی دولت برابری می کند. تحولات ژئو پولیتیک و رقابت های منطقه ای نقش مهمی در نحوه ی توزیع این کمک ها دارد، اما بطور راهبردی طی سال های اخیر عمده این کمک ها به کشورهای موسوم به محور مقاومت یعنی لبنان، سوریه ، عراق ، فلسطین اشغالی (گروه های اسلامگرای فعال در باریکه غزه) و یمن، بحرین، افغانستان و برخی کشورهای دیگر در منطقه ارائه می شود. این ارقام به جز ارقامی است که بصورت کمک های رسمی بشردوستانه به دولت های خارجی دوست و همسایه ارائه می گردد و در حسابهای

۵۸۴- معصومه مطلبی، محمد علیزاده، سجاد فرجی دیزجی(۱۳۹۸)، برآورد اقتصاد سایه و فرار مالیاتی بااستفاده از متغیرهای انضباط مالی دولت، فصلنامه ی اقتصاد مقداری(بررسیهای اقتصادی سابق) دوره ی ۱۶ ، ش ۴، زمستان ۱۳۹۸، صص۶۹-۱۰۰.

۵۸۵ – همت : مخفف هزار میلیارد تومان.

ملی گزارش می شود. با وجود بیش از چهار دهه ارتباط سیاسی، نظامی و فرهنگی میان گروه های شبه نظامی شیعی مورد حمایت ایران در عراق و سوریه و لبنان و دیگر مناطق و ارتباط با برخی گروه های سنی فلسطینی همچون حماس، وجهاد اسلامی و یا ارتباط با مجاهدین افغانی تا گروه های شبه نظامی همچون طالبان، گزارش های مبسوط و غیرقابل انکاری از نحوه این نوع ارتباطات وجود دارد. تنها به عنوان نمونه به یکی از گزارش های اخیری که فارس العمران به نقل از منابع عراقی و سوری ارائه داده است اشاره می گردد. او می نویسد : کاروان پیوسته موشک های ساخت ایران از مدت ها پیش از طریق گذرگاه های غیرقانونی پر پیچ و خم از عراق وارد سوریه می شود و به دست گروه‌های نیابتی سپاه می رسد. مضر الاسعد، سخنگوی شورای عشایر و طوایف سوریه هم می گوید: " سرعت قاچاق سلاح ها و موشک های ایرانی از خاک عراق به سوریه طی دو ماه گذشته افزایش یافته است." او گزارش کرده که گروه های شبه نظامی همسو با ایران که در شرق سوریه مستقرند در اواسط اسفند ماه (سال ۲۰۲۱) علاوه بر تانک و نفربر، محموله های تازه ای از سلاح و مهمات نیز دریافت کرده اند. وی گفت که این محموله ها از طریق کامیون و با اسکورت گروه های شبه نظامی به ستاد سیدالشهداء، از گروه های شبه نظامی عراقی مورد حمایت ایران، در روستای الهری واقع در منطقه البوکمال تحویل داده شده است. این منبع مطلع گفت قاچاقچیان برای اینکه شناسایی نشوند از مسیرهای پیچ در پیچ و مخفی بین عراق و سوریه استفاده می کنند و کامیون هایشان را از دره ها و تپه های بیابانی منطقه مرزی و تونل های حفاری شده برای این منظور عبور می دهند و بعضی از سلاح ها بین بار میوه یا سبزیجات کامیون های غیرنظامی قاچاق می شود و این گونه محموله ها در انبارهای تجاری تخلیه می شود.[۵۸۶]

گروه های شبه نظامی همسو با ایران، خصوصاً کتائب حزب الله، لشکر فاطمیون، تیپ زینبیون، حرکۀ النجباء و سید الشهداء، در شهرهای مختلف از البوکمال گرفته تا المیادین و حاشیه استان های رقه و حلب متمرکزند. الاسعد گفت مستشاران سپاه و حزب الله لبنان هم در این مناطق حضور دارند و گروه های شبه نظامی سلاح های خود را در انبارهایشان در این مناطق نگه می دارند. همچنین دیدبان حقوق بشر سوریه گفت چهار کامیون بزرگ حامل موشک های ساخت ایران از عراق وارد سوریه شده و به سمت المیادین رفته اند و در آنجا تحویل لشکر فاطمیون شده اند. بعلاوه محموله دیگری از ۵۶ موشک ایرانی سطح به سطح کوتاه برد و میان برد از عراق به دست کتائب حزب الله رسید. این گروه در نزدیکی التبنی واقع در غرب استان دیرالزور مستقر است.[۵۸۷]

---

۵۸٦ - https://diyaruna.com/fa/articles/cnmi_di/features/۲۰۲۱/۰۲/۲۸/feature-۰۱

۵۸۷ – ورود موشک های ایرانی به شرق سوریه از طریق راه های مخفی قاچاق در عراق :

https://diyaruna.com/fa/articles/cnmi_di/features/۲۳/۰۳/۲۰۲۱/feature-۰۱

گزارش هایی مشابه از ارسال سلاح‌های ایرانی به طور قاچاق به سوریه از طریق کاروان‌های زیارتی منتشر شده است. براساس این گزارش و به‌گفتهٔ رسانه‌های محلی، اتوبوس‌هایی که با تمهیدات امنیتی ویژه از سوریه وارد عراق می شده و ظاهراً حامل زائران اماکن متبرکهٔ شیعیان بوده‌اند در واقع محموله‌های مرگبار داشته‌اند. [۵۸۸] بعلاوه گزارش هایی از گسترش تجارت سلاح‌های ایرانی از طریق حوثی‌ها در یمن به شاخ آفریقا وجود دارد. همچنین گزارش هایی وجود دارد که سپاه پاسداران در ایران از دزدان دریایی و دریانوردان فریب خورده برای قاچاق سلاح و سوخت در خلیج فارس بهره می گیرد. [۵۸۹]

در سال ۱۳۸۹ که مجموعه‌ای از مکاتبات دیپلماتیک وزارت خارجه آمریکا توسط وب‌سایت "ویکی‌لیکس" منتشر شد، در یکی از نامه‌ها به ادعاهای یک مقام مصری درباره کمک‌های ایران به حماس اشاره شده بود. در این نامه که تاریخ آن به بهار ۱۳۸۸ مربوط بود، آمده بود که رئیس سازمان اطلاعات مصر به طرف آمریکایی گفته است، ایران "ماهانه ۲۵ میلیون دلار" به حماس کمک می کند ، اما مصر موفق شده جلو ورود این کمک‌ها از خاک خود به نوار غزه را بگیرد. همچنین بر اساس ادعای رئیس سازمان اطلاعات مصر، "جمهوری اسلامی بیابان‌نشین های مصر را به استخدام خود درآورده بود تا بتواند برای حماس کمک‌های مالی و نظامی ارسال کنند." [۵۹۰] روزنامه خراسان هم در آذر ۱۳۹۱ به نقل از جواد کریمی قدوسی، یکی از اعضای سپاه و از نمایندگان مجلس، نوشت: "۵۰ هزار موشک و هزاران موشک ضد تانک به غزه فرستادیم." در همین رابطه ، محمدعلی جعفری فرمانده پیشین کل سپاه پاسداران نیز گفته بود: "ایران فناوری ساخت موشک فجر ۵ را به نوار غزه منتقل کرده است." [۵۹۱]

در صنایع دارویی ، محصولات آرایشی و بهداشتی : در زمینه قاچاق و تولید غیرقانونی مواد مخدر صنعتی و محصولات بهداشتی و آرایشی و شوینده های تقلبی و واردات صادرات و تولید انواع داروهای تقلبی، گزارش های مختلفی وجود دارد. قاچاق دارو به آن سوی مرزها و همچنین ورود داروهای تقلبی به بازار دارویی کشور، از جمله آسیب هایی است که همواره سلامت جامعه و به خصوص بیماران را تهدید می کند. طبق گزارش روابط عمومی سازمان تدارکات پزشکی جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی، سالیانه ۴ هزار میلیارد ریال دارو به صورت قاچاق وارد کشور می شود. طبق همین گزارش حجم کل داروی مصرفی کشور با یارانه ای که دولت به آن تزریق می کند، در حدود یک هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان است و در حال حاضر حدود ۹۶ درصد داروی مصرفی در بازار داروی

---

۵۸۸ – همان.

۵۸۹ – سایت خبری تحلیلی المشارق :

https://almashareq.com/fa/articles/cnmi_am/features/۱۸/۰۷/۲۰۲۲/feature-۰۱

۵۹۰ – گزارش علی رمضانیان، شبکه بی بی سی، ۲۵ مهرماه ۱۴۰۲ : https://www.bbc.com/persian

۵۹۱ – به نقل از همان گزارش .

ایران، توسط ۷۴ کارخانه داروسازی داخلی تولید می شود. برای ۹۶ درصد تولید دارو در داخل، حدودا ۲۵۰ میلیون دلار بصورت واردات مواد اولیه و بسته بندی آنها، ارز هزینه می شود. اما چهار درصد باقی مانده بازار دارویی کشور در اختیار داروهایی است که از خارج وارد می شود که مهمترین دلیل قاچاق دارو به خارج، وجود اختلاف بین قیمت دارو در بازار داخلی و بازارهای خارجی به ویژه کشورهای همسایه عنوان شده است. آمار و گزارش های وزارت بهداشت حاکی از این است که فروش سالانه دارو در ایران ۲,۵ میلیارد دلار است که ۳۵ درصد این مبلغ صرف واردات ۴ درصد نیاز دارویی بیماران خاص می شود. دبیر سندیکای تولید کنندگان مواد دارویی، شیمیایی و بسته بندی دارو، معتقد است که مافیای دارو در ایران همانند سایر کشورهای دیگر وجود دارد و همین مافیا ، بی کیفیت بودن داروی ایرانی را هم القاء می کنند.[۵۹۲] رئیس کمیسیون بهداشت مجلس هم اخیرا در مورد داروخانه‌های زنجیره‌ای که باعث مافیای دارو شده اند چنین گفت : " طبق اعلام یک منبع موثق ۷۰ درصد داروخانه‌ها در تهران و ۵۰ درصد در شهرهای بزرگ به صورت مافیای زنجیره‌ای فعالیت می‌کنند. " همین منبع اعلام کرد طبق برآوردها حدود ۷۰ درصد داروخانه‌های تهران و ۵۰ درصد داروخانه‌های شهرهای بزرگ هم‌اکنون توسط افرادی غیر از داروسازان اداره می‌شود که نشان می دهد سرمایه های کلانی بسوی حوزه سلامت و دارو وارد شده که بدون شک انتظار سودهای بالا خواهند داشت و همین مساله می تواند نظام سلامت و زنجیره تامین دارو که حیاتی ترین نیاز سلامت شهروندان است را تهدید کند.[۵۹۳] رییس سازمان غذا و دارو نیز اخیرا اعلام کرد : مافیای دارو گروه هایی هستند که به صورت زیرزمینی و خارج از ضوابط و چارچوب قانونی در زمینه دارو در ایران فعالیت می کنند ، اما اطلاق این کلمه به گروه هایی که با مجوز قانونی به تولید و واردات دارو می پردازند، بی انصافی است.[۵۹۴]

در مورد محصولات آرایشی و بهداشتی گزارش های رسمی نشان می دهد که تقریبا بیشتر بازار ایران در اختیار قاچاقچیان است. طبق آخرین آماری که از سوی رئیس سابق هیئت مدیره انجمن واردکنندگان فرآورده های بهداشتی و آرایشی و عطریات آرایشی و بهداشتی منتشر شده است ، گردش مالی لوازم آرایشی، کرم‌های مراقبتی و عطریات در مجموع ۳ میلیارد دلار است که از این رقم نیز متاسفانه در حال حاضر حدود ۶۵ تا ۷۰ درصد آن قاچاق و تقلبی هستند. بر اساس آخرین آماری که از سوی گمرک برای هشت ماهه امسال (۱۴۰۱) منتشر شده، کمتر از ۶۰۰ تن محصولات آرایشی و بهداشتی مراقبت از پوست و مو وارد کشور شده که این رقم بسیار کمتر از میزان به

۵۹۲ - سایت سازمان تدارکات پزشکی جمعیت هلال احمر ایران (۱۸ مهرماه ۱۴۰۲) : http://www.mpo-helal.org/

۵۹۳ - همشهری آنلاین، ۶ تیرماه ۱۴۰۱ : ۶۸۶۵۳۱ / https://www.hamshahrionline.ir/news

۵۹۴ - سازمان تدارکات پزشکی جمعیت هلال احمر ایران،، به نقل از خبرگزاری ایرنا.

فروش رسیده در بازار است. این در حالی است که واردات بخش زیادی از این اقلام از قبیل کرم و صابون ممنوع است و به گفته مسئولان مربوطه، مبدأ ورود آنها مناطق آزاد هستند، علاوه بر این بخشی از این کالاها به صورت فله و قاچاق واردکشور شده و با برچسب برندهای مختلف خارجی(بعضا در کارگاههای غیر مجاز و یا در شهرک های صنعتی) بسته‌بندی و در بازار عرضه می‌شوند. رئیس فعلی انجمن واردکنندگان فرآورده های بهداشتی و آرایشی نیز در این رابطه اعلام کرده است : حدود دو سالی می‌شود که واردات قانونی عطر به کشور ممنوع است و متأسفانه باید اعتراف کنیم که فضای کسب و کار در این حوزه به طور کلی در اختیار قاچاقچیان و تولیدکنندگان کالاهای تقلبی قرار گرفته است. این موضوع در خصوص سایر اقلام آرایشی و بهداشتی نیز صدق می کند و به طور کلی شاهد عرضه انواع کالاهای بی اعتبار و فاقد اصالت در فروشگاه ها هستیم و این موضوع می‌تواند برای سلامت مردم، عوارض و عواقب ناگواری را در پی داشته باشد.[۵۹۵] قاچاق این حجم از محصولات آرایشی و بهداشتی، علاوه بر زیان به اقتصاد کشور ، در راستای تهاجم فرهنگی تلقی گردیده وآسیب های فرآوان به فرهنگ ملی ایرانیان زده است.

در صنایع غذایی و دخانیات: تولید محصولات غذایی ممنوعه از مشروبات الکلی و غیر الکلی و غیر مجاز تا مواد و محصولات پروتیینی مانند ، سوسیس و کالباس وهمبرگر های تقلبی، محصولات صنایع غذایی غیرمجاز مانند افزودنی های غیرمجاز و شیرینی و شکلاتهای غیرمجاز و مضر بر سلامت و انواع سیگارهایی که قاچاق هستند، چای و قهوه رقم قابل توجهی را شامل می گردد. در اینجا به بازار قاچاق چای ، بازار قاچاق سیگار و بازار تولید و واردات و عرضه مشروبات الکلی و مواد مخدراشاره می گردد. در ایران شواهد قابل دسترس زیادی وجود دارد که نشان می دهد از سال ۱۳۷۳ روند رشد قاچاق افزایشی بوده است. بر اساس همین مشاهدات، اولاً حجم قاچاق هم به صورت اسمی و واقعی و هم به صورت نسبتی از تجارت رسمی در حال رشد است؛ ثانیاً رشد قاچاق با افزایش در میزان مالیات بر تجارت واقعی همخوانی دارد؛ ثالثاً بین فعالیت قاچاق و حاشیه سود بازار آزاد ارز نوعی همبستگی وجود دارد؛ و رابعاً وجود مقررات غیرضروری، ضعف نظام حقوقی و نظارت بر تجارت تمایل به قاچاق را افزایش داده است.[۵۹۶] علیرغم همه تدابیر و اقدامات و برنامه های مبارزه با قاچاق ، میزان کشفیات قاچاق تنها درصد کمی (حدود ۳ تا ۴ درصد) از کل قاچاق در کشور را شامل می شود.[۵۹۷]

---

۵۹۵ - گزارش روزنامه شرق ، ۲۴دی ماه ۱۴۰۱ با عنوان " ایران؛ بهشت قاچاقچی‌ها ": https://www.sharghdaily.com

۵۹۶ - غلامرضا حیدری و میرعبدالله حسینی(۱۳۸۵)، برآورد واردات غیر رسمی(قاچاق) چای در ایران ، اقتصاد کشاورزی وتوسعه، سال چهاردهم، شماره ۵۴ ، تابستان ۱۳۸۵.

۵۹۷ - گزارش خبرگزاری فارس به نقل از معاون سابق ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز : تنها ۳,۸ درصد قاچاق کشور کشف می شود. ۲۹/ دی ماه ۱۴۰۰

چای-طی سالهای ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ با موانع تجاری غیرتعرفه ای، واردات رسمی چای عملاً رقمی نزدیک به صفر بود اما در مقابل طی چند سال اخیر مقدار قابل توجهی از واردات چای بطور قاچاق وارد کشور شده است، که غفلت از آن موجب کاسته شدن از صحت و دقت محاسبه می شود. همچنین اختلاف واردات با صادرات چای نشان می دهد که ارزش هر واحد چای وارداتی بیش از چند برابر ارزش صادراتی آن بوده است و این نشان می دهد که چای صادر شده از ایران از کیفیت مرغوب و مشتریان خوبی بهره مند نیست. همین مطالعه نشان می دهد. میزان واردات غیر رسمی (قاچاق) چای به کشور بر اساس محاسبه شکاف عرضه و تقاضا و مطابق داده های آماری ارائه شده طی سالهای ۷۶-۸۱ پیوسته رو به افزایش بوده و در سال ۱۳۸۱ به رقم قابل ملاحظه ۸۹ هزارتن رسیده است.[۵۹۸] منابع آماری رسمی اختلافات معناداری در برآورد نیاز مصرفی ، تولید داخلی، واردات رسمی و واردات قاچاق چای را نشان می دهند. طبق گزارش ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۹۵ ارزش واردات قاچاق چای به درون کشور ۲۷۵ میلیون دلار برآورد شده است . طبق برآوردهای این گزارش مصرف سالانه چای کشور معادل ۱۱۰ هزار تن است که مستند به اظهارات کارشناسان جهاد کشاورزی تنها ۲۱ هزارتن تولید داخلی و مابقی از خارج بصورت رسمی و غیر رسمی (قاچاق) تامین می گردد. گزارش مذکور ضمن تایید کاهش میزان تولید چای در داخل کشور، برآورد چای قاچاق را حدود ۴۵ هزارتن سالانه اعلام کرده است.[۵۹۹] همچنین منابع رسمی دیگر به نقل از رییس سازمان چای کشور اعلام کردند، سالانه حدود ۳۰ تا ۳۵ هزارتن چای به صورت قاچاق وارد کشور می شود ، این منبع نیاز مصرفی کل کشور را ۷۵ تا ۸۰ هزار تن در سال برآورد نموده است.[۶۰۰]

اخیرا با افشای یک فقره فساد گسترده در واردات رسمی چای توسط شرکت توزیع و پخش محصولات غذایی دبش، معلوم شد قاچاق تنها بخشی از مشکل صنعت چای در ایران است و مشکل بزرگ دیگر انحصار و رانت و فساد در زمینه واردات رسمی چای است. مستند به نامه ای که مدیرعامل شرکت دبش سبز گستر به ابراهیم رییسی در تاریخ ۱۴۰۲/۸/۷ نگاشته است ، این شرکت انحصار عمده ی واردات چای به داخل کشور را در اختیار داشته است. این نامه یک ماه قبل از افشاگری قوه قضاییه ایران درباره یک فساد ۳٫۷ میلیارد دلاری در پرونده چای دبش تنظیم شده و درآن بابت " محدودیت‌هایی در مسیر تامین و واردات مواد اولیه این شرکت در حوزه گمرکات" و "توقیف بیش از ۳۰ هزار تن از مواد اولیه این شرکت حسب دستور قضایی صادره از بازپرس جرائم اقتصادی تهران شعبه ۱،" از رییس جمهور طلب استمداد شده است. اما بعدا معلوم شد ، واقعیت این است که شرکت مذکور عملا

۵۹۸ - غلامرضا حیدری و میرعبدالله حسینی(۱۳۸۵)، همان..

۵۹۹ - روزنامه کیهان، ۸ تیرماه ۱۳۹۵ همچنین ر. ک به : خبرگزاری میزان، ۴ اسفندماه ۱۳۹۴.

۶۰۰ - خبرگزاری ایسنا، ۸ آبان ماه ۱۳۹۶.

یک کاسب شرایط تحریمی بوده است که با هدف دور زدن تحریم ها و تامین ارز مورد نیاز کالاهای اساسی ، با دولت به این ترتیب همکاری می کرده است که از یک سوی قیر رایگان از یک شرکت دولتی دریافت می نموده و در بازارهای بین المللی می فروشد و از محل ارز حاصله از فروش قیر در بازارهای بین المللی ، چای مورد نیاز داخل کشور را وارد می کرده است و بدیهی است در این مسیر منفعت و رانت کلانی عاید این شرکت شده و فساد کلانی نیز رخ داده است و چندین میلیارد دلار از منابع ارزی کشور نیز حیف و میل شده است .[۶۰۱] از همه تعجب آورتر برای کارشناسان ، موضوع واگذاری امتیاز فروش فرآورده نفتی مانند قیر توسط یک شرکت فعال در حوزه مواد غذایی است که در این باره رئیس اتحادیه صادر کنندگان نفت و گاز و پتروشیمی به سوءاستفاده برخی شرکت‌ها از مجوز واردات در ازای صادرات برای برخی کالاهای خاص اشاره کرده و می گوید : با توجه به اینکه قیر جزو اقلامی بود که مجوز واردات در ازای صادرات به آن داده می‌شد ، بسیاری از شرکت‌هایی که نیاز به ارز داشته اند، اقدام به خرید محموله قیر می کنند و به همین دلیل بازار بسیار آشفته شده است. وی همچنین اذعان نمود که متاسفانه سیستم ارزی پیچیده و ناکارآمد کشور سبب بروز چنین فسادهایی شده است، بطوری که اغلب شرکت‌های تولیدی برای واردات مواد اولیه مجبور به چنین کاری هستند که نه به نفع آنهاست، نه به نفع صادرکننده تخصصی قیر و نه به نفع بازار. این‌شرکت ها تخصصی در بازار قیر و فرآورده های نفتی ندارند و فقط دنبال ارز صادراتی هستند.[۶۰۲] اعترافات این مقام مسوول مسائل و مشکلات عدیده ای را در فضای تجارت در ایران برملا می کند.

سیگار- بر خلاف میزان قاچاق این کالا ، روی تولید سیگار در کشور اتفاق نظر وجود دارد به طوری که طبق گزارش های رسمی ، سالانه رقمی حدود ۵۵ میلیارد نخ سیگار در کشور تولید می‌شود که حدودا ۹۰ درصد مصرف این کالا در کشور را تشکیل می‌دهد. از ابتدای سال تا پایان آذرماه ۱۴۰۰ معادل ۴۷میلیارد و ۱۰۰میلیون نخ سیگار در کشور تولید شده که این آمار در مقایسه با مدت زمان مشابه سال گذشته (تولید ۴۱ میلیارد و ۴۴۴ میلیون نخ) رشد ۱۴درصدی تولید را نشان می‌دهد. به رغم این میزان تولید، سالانه ۲۰ میلیارد نخ سیگار به درون کشور قاچاق می شود که با احتساب قیمت هر نخ سیگار وینستون یکهزار تومان و قیمت هر نخ سیگار مارلبرو ۲۵۰۰ تومان و با توجه به گستردگی توزیع و محبوبیت سیگار مارلبرو در کشور اگر میانگین هر نخ سیگار در کشور را ۲۰۰۰تومان تلقی کنیم، گردش مالی سیگار قاچاق در کشور سالانه ۴۰ هزار میلیارد تومان است.[۶۰۳] مناطق آزاد تجاری و کشورهای

---

[۶۰۱] – اصلاحات نیوز : جزییات نامه رحیمی به رئیس جمهور و سپاه/ مدیرعامل چای دبش چگونه صادرکننده قیر شد؟ (۲۹ آذرماه ۱۴۰۲)
https://eslahatnews.com/

۶۰۲ –همان.

۶۰۳ –روزنامه شرق، ۱۰ خرداد ۱۴۰۲ : با احتساب قلیان و سایر انواع دخانیات، تا ۶۰ هزار میلیارد تومان برآورد گردش مالی دخانیات در ایران است.

حوزه خلیج فارس منجمله امارات مهمترین منشاء واردات قاچاق سیگار به درون کشور هستند که طبق اظهارات معاون امور مقابله و هماهنگی حقوقی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، در شش ماه نخست سال ۱۴۰۰ ،۱۲۳میلیون نخ سیگار قاچاق به ارزش ۷۳ میلیارد تومان کشف و ضبط شده است.

مشروبات الکلی – طبق گزارش های رسمی بخش عمده از مشروبات الکلی درایران به‌صورت قاچاق وارد کشور می‌شود، به نقل از کوله بران مناطق مرزی کشور هزینه حمل مشروبات الکلی از خاک کشورهای همسایه به ایران چندین برابر کالاهای دیگر است. این کالاها توسط برخی از افراد در کردستان عراق خریداری شده و سپس به کوله‌بر اعلام می‌شود که بار مدنظر را از یک نقطه خاص در خاک عراق تحویل و در نقطه معلوم در خاک ایران تحویل دهند، هرچند تعداد کوله‌برانی که حاضر به جابه جایی این بار بوده در مقابل کوله‌برانی که کالاهای ممنوعه را وارد نمی‌کنند اندک است، ولی همین اندک کوله‌بران حجم بالایی از مشروبات قاچاق را وارد کشور می‌کنند. ارزش مشروبات الکلی قاچاق به درون کشور بالغ بر یک میلیارد دلار برآورد شده است. معاون اسبق ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز میزان قاچاق مشروبات الکلی به کشور را ۱,۱ میلیارد دلار عنوان کرده و در همین باره تشریح کرده است که عمده مشروبات قاچاق شده به کشور از طریق اقلیم کردستان به داخل کشور قاچاق می شود.[۶۰۴] علاوه بر مرزهای غربی کشور، گزارش هایی در مورد قاچاق مشروبات الکلی از طریق مرزهای دریایی در جنوب کشور و توسط لنج داران ارائه شده است. همچنین علاوه بر واردات قاچاق، گزارش هایی در مورد تولید مشروبات الکلی در کارگاه های خانگی غیرمجاز در کشور وجود دارد.[۶۰۵] طبق برخی گزارش های بین المللی ، ایران در مصرف مشروبات الکلی، به‌رغم حرمت و ممنوعیت، نهمین کشور جهان اعلام شده است. چندی پیش خبرگزاری "مهر" با استناد به گزارشی از روزنامه "فرهیختگان" نوشت که علی‌رغم ممنوعیت و جرم، مصرف نوشیدنی‌های الکلی ، ایران رتبه نهم را در میان ۱۸۹ کشور جهان دارد. بر اساس همین گزارش: " هر ایرانی بالای پانزده سال که به‌طور مرتب الکل می‌نوشد، در سال ۲۰۱۶ به‌طور میانگین ۲۸,۴ لیتر الکل نوشیده است... همچنین بنا به اظهارنظرهای رسمی سالانه بیش از پنج میلیون نفر در کشور الکل مصرف می‌کنند .این آمار از یک اقتصاد زیرزمینی حکایت دارد که یک سوی آن کارگاه‌های زیرزمینی ساخت مشروبات الکلی است و سوی دیگر آن قاچاق مشروبات الکلی که بر اساس اسناد موجود، برخی نهادهای دولتی و شبه دولتی در آن نقش

---

۶۰۴ – خبرگزاری فارس، ۲۲ شهریور ۱۴۰۱.

۶۰۵ – خبرگزاری مهر، ۱۸ آذرماه ۱۴۰۱.

دارند."[۶۰۶] همچنین طبق گزارشی که روزنامه شرق به نقل از اعتماد منتشر نموده است، نتایج و یافته های ۱۴ تحقیق در دو دهه اخیر (دهه ۸۰ و ۹۰ شمسی) نشان می دهد میزان و شدت مصرف مشروبات الکلی در ایران صعودی بوده است. به استناد نتیجه این تحقیق "مصرف مواد در کودکان خیابانی شهر تهران" که سال ۱۳۹۳ و توسط محققان دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، سازمان بهزیستی کشور و دانشگاه تهران و در گروه نمونه ۲۸۹ نفری انجام شد، ۲۵,۶ درصد کودکان خیابانی، سابقه مصرف سیگار، الکل و مواد مخدر داشتند و شیوع مصرف در پسران ۸,۹درصد و در دختران ۱,۴ درصد ثبت شد. ۵۶,۸درصد کودکان مورد مطالعه، مصرف مواد را پیش از سن ۱۴ سالگی آغاز کرده بودند و مصرف الکل با فراوانی ۶۵,۳ درصد، در رتبه سوم و بعد از مصرف سیگار و قلیان بود و شیوع مصرف مواد مخدر در رتبه چهارم و بعد از الکل قرار می‌گرفت.[۶۰۷] براساس گزارش های رسمی سالیانه صدها نفر بر اثرسوء مصرف مشروبات الکلی و یا مصرف مشروبات دست ساز در کارگاه های خانگی جان خود را از دست می دهند. بنا بر همین گزارش طبق آمار سازمان پزشکی قانونی ایران، تنها در هفت ماه نخست سال ۱۴۰۲ ه.ش، ۱۰۲ نفر به دلیل مصرف مشروبات الکلی دست‌ساز و آلوده جان خود را از دست داده‌اند و متاسفانه هیچ نظارت موثری بر تجارت زیرزمینی مشروب و کیفیت آنها در ایران وجود ندارد.

مواد مخدر - در گزارشی که به نقل از رییس پلیس مبارزه با مواد مخدر آمده است ، در همسایگی ما کشور افغانستان بیش از ۹۰ درصد کل تولیدات مواد مخدر را در جهان اختیار دارد و در کنار آن کشور ایران بیش از ۷۵ درصد کل کشفیات مواد مخدر را در جهان دارد. این نشان می دهد که مبارزه ای جدی با مواد مخدر در کشور در حال انجام است که هزینه های سنگینی را تحمیل می کند و به رغم این تلاش همچنان درصدی شکاف میان تولید تا کشفیات وجود دارد که نشان می دهد درصد قابل ملاحظه ای از مواد مخدر از طریق خاك ایران ترانزیت می شود. سردار سلیمانی با اشاره به آمار کشفیات مواد مخدر توسط پلیس اعلام کرد، به صورت طبیعی گرایش به مصرف موادمخدر صنعتی بیشتر شده است و این گرایش به دلیل آن است که این مواد را در هر جایی می‌شود تولید کرد و کم حجم است که البته در داخل کشور بحث تولید مواد صنعتی تحت کنترل است.[۶۰۸] دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۴ گزارش جامعی از قاچاق در سراسر جهان منتشر کرد که نتایج آن را پایه‌ای برای سیاستگذاری در جهت همکاری دو جانبه برای اجرای برنامه مبارزه با مواد

---

۶۰۶ - خبرگزاری دویچه ویله : ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۲: https://www.dw.com/fa-ir

۶۰۷ - روزنامه شرق به نقل از اعتماد، ۱۵ تیرماه ۱۴۰۲

۶۰۸ - همان.

مخدر قرار داده است. بر اساس همان گزارش ۷۴ درصد از کشفیات تریاک و ۲۵ درصد از کشفیات هروئین و مورفین جهان در ایران صورت می‌گیرد. به رغم چنین تلاش هایی برای مقابله با شیوع مصرف و تجارت مواد مخدر، آمار رسمی منتشر شده از سوی مراجع دولتی نشان می دهد مصرف‌کنندگان مواد مخدر در ایران دست کم معادل دو میلیون و هشتصد هزار نفر هستند وسخنگوی ستاد مبارزه با مواد مخدر اخیرا اعلام کرد ایران مسیر ترانزیت ۳۰ درصد از کل مواد مخدر به مقصد بالکان در اروپای شرقی است.[۶۰۹] بر اساس آمارهای غیر رسمی ارزش بازار سیاه مواد مخدر در ایران در حدود ۸ میلیارد دلار برآورد می‌شود که از این میزان بیش از ۳ میلیارد دلار آن به هروئین اختصاص دارد. ارزش جهانی بازار سیاه هروئین در حدود ۶۸ میلیارد دلار برآورد شده است.[۶۱۰]

علاوه بر ترانزیت مواد مخدر به عنوان یکی از طرق تامین مصرف داخلی کشور و صدور آن به کشورهای دیگر، در بخش کشاورزی ، تولید محصولاتی که مواد اولیه برای تولید مواد مخدر هستند، مانند ماریجوانا و خشخاش و غیرو به میزان کمی در حال انجام است. در واقع گزارش هایی از کشت پنهانی خشخاش برای تولید "تریاک خانی" در فارس، یزد و کرمان! وجود دارد. طبق این گزارش تریاک خانی نه از مزارع افغانستان می‌آید و نه توسط پیچیده‌ترین باندهای موادمخدر از میانمار و آزمایشگاه‌های پیشرفته قاچاقچیان. بلکه در بخش هایی از استان های فارس ، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، یزد و کرمان به عمل می آید. به گزارش روزنامه شهروند، تعدادی از کشاورزان سوداگر در ارتفاعات و یا در لابه‌لای مزارع گندم و ذرت یا هر کجا که دور از چشم ماموران باشد، محصول خشخاش را می کارند و بهترینش را به اسم تریاک "خانی" فرآوری نموده و می‌فروشند و این یک برند معروف ایرانی است که ظاهرا طرفداران بسیاری هم دارد، آنقدر که یک مقام مسئول که نمی‌خواهد نامش فاش شود، می‌گوید: " با وجود شدت مبارزات پلیس و نیروهای امنیتی با کاشت غیرقانونی خشخاش، متاسفانه این نوع کشت در حال افزایش است". مقام‌های ارشد کشور هنوز درباره کشت خشخاش در ایران چندان صحبت نکرده‌اند و حتی هشداری هم در این باره نداده‌اند ، اما هر از چند گاهی در لابه‌لای اخبار، این نوع کشت را تأیید کرده‌اند. از جمله بالاترین مقام‌هایی که تاکنون دراین‌باره سخن گفته‌اند، می توان به فرمانده سابق پلیس کشور اشاره کرد که چندی قبل از شناسایی تعدادی مزرعه کشت خشخاش به‌وسیله ماهواره خبر داده بود. شش ماه قبل هم حجت‌الاسلام اسماعیل

---

۶۰۹ – گزارش یورو نیوز :
http://fa.euronews.com/۱۹/۰٦/۲۰۱۸/official-statistics-of-drug-users-in-iran-two-million-and-eight-hundred-thousand

۶۱۰ – خبرگزاری دویچه ویله به نقل از منابع خبری داخل کشور : ۳ دی ماه ۱۴۰۱ : https://www.dw.com/fa-ir/

ملاکریمی، دادستان میاندرود از کشت مکانیزه در مزارع خشخاش خبر داد که به گفته او، در افغانستان هم به این شکل انجام نمی‌شود. کشاورزان محلی به‌سادگی در محفل‌های خصوصی خود از مکان این مزارع سخن می‌گویند. آنها معمولاً در شهرستان کازرون در استان فارس، پیچاب، گچساران و باشت در استان کهگیلویه، نقاطی از دشت‌های خوزستان، مناطق شرقی استان کرمان و بیشتر نقاط یزد را مناطق عمده کشت می‌دانند. بخش عمده‌ای از این مناطق پیش از انقلاب نیز زیر ۳۳ هزار هکتار کشت قانونی تریاک بوده است که بعد از انقلاب غیر قانونی اعلام شد، اما بسیاری از کشاورزان این مناطق با شیوه کاشت، داشت و برداشت خشخاش از قبل آشنایی داشته اند. البته هیچ برآورد دقیقی از میزان زمین‌های زیرکشت و میزان برداشت این محصول در دست نیست. طبق مجازاتی که قانون‌گذار در این باره وضع نموده ، جرم خشخاش‌کاران در ایران به این ترتیب است: بار اول، ۱۰ تا صد میلیون ریال جریمه نقدی، بار دوم، ۵۰ تا ۵۰۰ میلیون و ۳۰ تا ۷۰ ضربه شلاق. بار سوم، صد میلیون تا یک میلیارد، ۷۰ ضربه شلاق و ۲ تا ۵ سال حبس و بار چهارم، متخلف اعدام می‌شود. نگهداری بذر یا گرز خشخاش و شاهدانه هم یک تا ۳۰ میلیون ریال به‌علاوه یک تا ۷۰ ضربه شلاق را به‌عنوان جریمه در پی دارد.[۶۱۱] کاملا مشخص است که میزان جریمه و مجازات تعیین شده تناسبی با هزینه فرصت زمین های زیر کشت ندارد، وقتی دولت قیمت تضمینی گندم تولیدی توسط کشاورز را معادل ۱۲۰۰۰ تومان تعیین می کند، و جریمه ی کاشت خشخاش بسیار نازل است، برخی کشاورزان خلافکار وسوسه می شوند، بطور مخفیانه ، به جای گندم، خشخاش بکارند، یا در میان مزرعه ذرت خود، به کاشت خشخاش بپردازند و صدها برابر منافع حاصل از کشت سایر محصولات سود ببرد. با این حال به نظر می رسد در مجموع بخش کشاورزی در ایران، بخش پاکی است و فعالیت های سیاه یا غیرقانونی بسیار اندکی در این بخش گزارش شده است. منابع نزدیک به پلیس معتقدند، کشت خشخاش اگر باشد نادر و بصورت خود مصرفی و در مزارع خانگی و دور از چشم ها و دوربین های نظارتی صورت می گیرد و در اغلب مواردی که گزارش شده کشف و امحا شده اند.

دست اندازی به جنگل ها و قاچاق چوب برای صنایع چوب و سلولزی - از چوب به عنوان مصالح ساختمانی در احداث ساختمان ها، ساخت مبلمان خانگی و تجهیزات اداری و تولید کاغذ استقاده می شود. بخشی از نیاز بازار در ایران از طریق جنگل های شمال کشور تامین می شود که میزان و

---

٦١١ - https://payamema.ir/payam/articlerelation/١١٤٩٢

منبع خبر: خبرگزاری ایرنا و دیگر خبرگزاری های جمهوری اسلامی

تراکم جنگل های شمال کشور در نتیجه سال ها دست اندازی کارگاه ها و کارخانه های صنایع چوب و کاغذ به شدت آسب دیده است. قاچاق چوب از جنگل‌های شمال پدیده‌ای است که کمتر درباره ابعاد آن اطلاعات وجود دارد. اخیرا طبق گزارش های منتشره در مطبوعات کشور، تنها کارخانه تولید کاغذ تحریر، چوب قاچاق جنگل‌های شمال را خریداری نموده و از آن در خطوط تولید خود استفاده می کند.طبق اظهارات رئیس اداره منابع طبیعی شهرستان ساری، پرونده تخلفات شرکت چوب و کاغذ مازندران به تعزیرات تحویل شده است و در حال طی کردن مراحل قانونی است. درحالی که سازمان جنگل ها در ازای انجام وظیفه حفاظت به این کارخانه از محل اعتبارات دولتی هزینه پرداخت می کند، اما گویا شرکت چوب و کاغذ مازندران بودجه حفاظت می گیرد و چوب قاچاق هم می‌خرد. صدرالله صفایی، کارشناس امور جنگلها، تخلف‌های این شرکت و دیگر شرکت‌های بزرگ صنایع چوب را مسبوق‌به‌سابقه اعلام می کند. این شرکت‌ها قبل از اجرای قانون ممنوعیت بهره‌برداری از جنگل موسوم به تنفس، همواره بیش از حجم مجوزهای بهره‌برداری از جنگل چوب قطع می کردند و در واقع تخلف را با پوشش قانون انجام می‌دادند، اما اکنون که قانونی برای ممنوعیت برداشت از جنگل تصویب شده است، وارد فاز خریداری چوب قاچاق شده‌اند.طبق اظهارات یکی از جنگل بان های منطقه، منبع اصلی قاچاق خود شرکت‌های بزرگ چوب و کاغذ بودند ، همه‌چیز به ظاهر قانونی بود، ولی وقتی توی کار می‌رفتید، می‌فهمیدید که مشکل دارند.در سال‌هایی که نشانه‌گذاری (علامت‌گذاری درختان برای انجام بهره‌برداری) آزاد بود، مأمور بارگیری و قرقبان منطقه ، خود کارمند شرکت چوب و کاغذ بود ، برداشت چوب را در یک برگه یادداشت می کردند. در این برگه فقط تعداد گرده‌بینه (قسمتی از تنه درخت است که تقریبا استوانه‌ای‌شکل بوده و از آن انواع چوب یا روکش تهیه می‌شود) یا کاتین (قسمتی از تنه با قطر کمتر از گرده‌بینه) را یادداشت می کردند، اما طول، عرض، وزن و حجم محموله مشخص نبود. به‌این‌ترتیب عموما بیشتر از مجوزها، برداشت انجام می‌دادند. او می گوید که بارها به‌خاطر این تخلفات در ایست‌های بازرسی کامیون حامل چوب‌آلات متعلق به شرکت‌های بزرگ را متوقف کرده است، اما از بالا تماس گرفته اند و دستور آزادی بار این شرکت‌ها را صادر کرده‌اند.[۶۱۲] اگر چه اظهارات واحدهای تولیدی مبنی بر این است که تنها ده درصد از مواد اولیه آنها از جنگل های شمال کشور تامین می شود ، ولی گزارش های گوناگون نشان می دهد که سهم جنگل های شمال از تامین

۶۱۲ – روزنامه شرق، ۸ مهرماه ۱۳۹۸.

مـواد اولیـه ایـن کارخانجـات بسـیار بیشـتر از ایـن رقـم اعـلام شـده اسـت و برداشـت هـای بیشـتری صـورت می گیرد.[۶۱۳]

جنگـل هـای گـیلان همچـون مازنـدان در معـرض تهدیـد جـدی از سـوی قاچاچیـان چـوب اسـت. فرمانـده یگان حفاظـت اداره کـل منـابع طبیعـی و آبخیـزداری گـیلان گفـت: تعـداد پرونـده‌هـای قاچـاق چـوب در اسـتان گـیلان امسـال(۱۴۰۱) نسـبت بـه مـدت مشـابه سـال گذشـته (۱۴۰۰) ، ۸۶ درصـد و حجـم چـوب قاچـاق نیـز ۷۰ درصد افزایش یافتـه اسـت. حجـم چـوب قاچـاق کشـف شـده ۲۷۷ مترمکعـب بـوده و ۳۴۱ نفـر در همـین رابطـه در اسـتان گـیلان دسـتگیر شـده انـد و تعـداد ۲۳۱ وسـایل نقلیـه حامـل چـوب قاچـاق نیـز توقیـف شـده اسـت. بخشـی از قاچـاق چـوب در ایـن اسـتان در اثـر ایـن اسـت کـه افـرادی در اراضـی ملـی زراعـت چـوب مـی کننـد ولی اجرت‌المثل را پرداخت نکرده اند و این خود تحت عنوان کالای قاچاق محسوب می‌شود.[۶۱۴]

سـایه بـر بخـش انـرژی و نفـت و گـاز - در ایـن بخـش دو نـوع گـزارش قابـل تامـل اسـت، گزارشـهای منـابع مختلـف از بـازار انـرژی در مـورد میـزان نشـتی هـای درآمـدی ناشـی از فـروش نفـت و گـاز ایران در بازار سیاه که به منظـور دور زدن تحـریم هـا توسـط دولـت و نهادهـای شـبه دولتـی بـا توسـل بـه شـبکه سـازمان یافتـه بانـدهای قاچـاق بصـورت غیـر رسـمی عرضـه میشـود و مـواردی از قبیـل فسـاد ، رانـت، تخفیـف داده شـده بـه مشـتریان غیـر رسـمی، عـدم النفـع ناشـی از عـدم حضـور در بـازار رسـمی نفـت و گـاز بـه دلیـل تحـریم نفتـی ایـران و وجـوه بازگشـت داده نشـده بـه خزانـه از محـل فـروش نفـت خـام در بازارسـیاه توسـط واسـطه گـران و دلالان کـه ارقـامی بسـیار قابـل توجـه هسـتند از معضـلات آن و جلـوه هـایی از اقتصـاد در سـایه است و دوم گـزارش هـای مربـوط بـه ارزش قاچـاق سـوخت در داخـل کشـور توسـط بانـدهای داخلـی قاچـاق سوخت که از اخـتلاف قیمـت فـرآورده هـای نفتـی در داخـل بـا بهـای آن در کشـورهای همسـایه منـافعی را بـه جیـب مـی زننـد. در حـالی کـه برخـی کشـورهای همسـایه ایـران همچـون عـراق، خـود تولیـد کننـده و صـادر کننـده سـوخت هسـتند، کشـورهای دیگـری هماننـد پاکسـتان، افغانسـتان، ترکیـه یـا ارمنسـتان، یـا هـیچ گونـه منـابع سـوخت فسـیلی ندارنـد یـا منـابع آن‌هـا بسیار محـدود و انـدك اسـت. در نتیجه قیمـت سـوخت در ایـن کشـورها، بسـیار بـالاتر از ایـران اسـت. در نتیجـه طبیعـی اسـت کـه برخـی از سـودجویان در ایـن کشـورها، ترجیح می دهند که بـا توجـه بـه ایـن تفـاوت قابـل توجـه قیمـت، سـوخت را از ایـران قاچـاق کـرده و بـه کشـور خود منتقل نمایند.

---

۶۱۳ - همان.

۶۱۴ - خبرگزاری تسنیم : ۲۳ خرداد ۱۴۰۱ https://www.tasnimnews.com/fa/service

این رقم در شرایط مختلف اقتصادی و بسته به نرخ برابر دلار در برابر ریال تفاوت بوده و برخی منابع کارشناسی آن را در حدود ۵ میلیارد دلار برآورد کرده اند [۶۱۵] فعالان عرصه قاچاق سوخت در داخل کشور علاوه بر مرزنشینان جنوب و شرق کشور ، نهادهای نظامی و انتظامی مسوول حراست از مرزهای کشور نیز هستند.

تا پیش از طرح سهیمه‌بندی بنزین و توزیع کارت سوخت در کشور، سوخت‌بران می‌توانستند با مراجعه به پمپ های بنزین، با کمترین محدودیت بنزین یا گازوئیل را دریافت و آن را به کشور همسایه منتقل نمایند. اما پس از طرح سهیمه بندی بنزین علاوه بر افزایش قیمت سوخت، تهیه آن نیز دشوارتر شد و سوخت‌بران دیگر نمی توانند همچون گذشته و تنها با مراجعه به پمپ بنزین سوخت را خریده و قاچاق نمایند. در نتیجه سوخت بران با همکاری برخی نفرات دیگر از طرق مختلف همچون جعل سند یا کرایه کارت سوخت، بنزین یا گازوئیل را دریافت کرده و آن را پس از عبور از مرز، در اختیار خریداران قرار می دهند. سوخت‌بران اغلب میزان محدودی از سوخت را قاچاق می کنند، اما قاچاقچیان بزرگی نیز هستند که دست به قاچاق سوخت در ابعادی بزرگتر می‌زنند. این قاچاقچیان برای قاچاق میزان قابل توجهی از سوخت، نمی‌توانند به کارت‌های بنزین تکیه کنند. به جای آن اولویت اصلی قاچاقیان بزرگ، سوخت یارانه‌ای است که به برخی مراکز پالایشگاهی و یا نیروگاه ها برای تغذیه یا مصرف تخصیص داده می‌شود. همچنین دولت برای حمایت از برخی صنایع و کارگاه‌ها، سوخت را با قیمتی پایین‌تر از بازار در اختیار آنان قرار می‌دهد، اما این بنگاه‌های به جای استفاده از سوخت برای تولید کالا یا مانند آن، سوخت مذکور را به قاچاقچیان فروخته و از این راه مبالغ هنگفتی به جیب می‌زنند. نفت کوره و نفت سفید، مهمترین انواع سوخت قاچاقی هستند که با این روش، از سوی قاچاقچیان خریداری و به دیگر کشورها قاچاق می گردند. محموله های بزرگ قاچاق سوخت از طریق لوله گذاری یا بارگیری در لنج ها و با استفاده از شناورها از طریق جعل اسناد و مدارک به دیگر کشورها منتقل می‌شود.[۶۱۶] در مناطق جنوبی کشور حدود ۷ هزار و ۵۰۰ لنج با ظرفیت ۵۰ تا ۵۰۰ تن وجود دارد که یکی از منابع درآمدی این لنج‌ها، قاچاق فرآورده‌های نفتی است. شیوه کار آن‌ها به این صورت است که منبع دریافت سوخت قاچاق را با فاصله چند کیلومتری از ساحل قرار داده اند و با لوله کشی از کف دریا این سوخت را به لنج‌های مستقر بر روی دریا منتقل می‌کنند. در مناطقی از استان هرمزگان و میناب که امکان انتقال سوخت راحت تر است، قاچاقچیان با تعبیه مخازن بزرگ زیرزمینی سوخت را با لوله‌هایی که تا داخل

---

۶۱۵ – به نقل از خبرگزاری دویچه ویله :

۶۱۶ – خبرگزاری ایرنا: ۱۹ خرداد ۱۳۹۹ : براساس گزارش مرکز پژوهش های مجلس : https://www.irna.ir/news/ ۸۳۸۱۴۳۹۶

دریا امتداد دارد، به لنج‌ها پمپاژ می کنند و این لنج‌ها سوخت را به شناورهای بزرگی که در دریا پهلو گرفته اند، منتقل می‌سازند یا اینکه آن را به مشتریان خود در بنادر جنوبی خلیج فارس قاچاق می کنند.[۶۱۷]

طبق گزارش مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران ضمن گزارشی از تعداد پایشگاه های موجود و ظرفیت پالایش و برنامه های توسعه پالایشگاهی در کشور عنوان کرد با وجود ۱۰ پالایشگاه نفت و میعانات گازی، روزانه بیش از ۲,۲ میلیون بشکه نفت خام و میعانات را پالایش شده و به فرآورده‌های با ارزش‌تری تبدیل می شود. این ۱۰ پالایشگاه روزانه حدود ۱۱۰ میلیون لیتر گازوئیل تولید می کنند و ظرفیت تولید بنزین را نیز به ۱۱۵ میلیون لیتر در روز رسانده‌اند. به رغم تلاش هایی که برای کاهش میزان مصرف سوخت در کشور شده است، اما موضوع قاچاق همچنان یکی از چالش های اصلی است. بطور مثال با ساخت خط لوله تابش، ۶۰۰ کیلومتر مسافت جابه‌جایی در خطوط لوله را کاهش خواهد یافت و تردد یک هزار و ۷۰۰ نفتکش جاده‌پیما کم خواهد شد که تا ۲ میلیون لیتر کاهش مصرف گازوئیل را به دنبال خواهد داشت، اما از طرف دیگر با قاچاق روزانه ۱۰ میلیون لیتر گازوئیل از کشور مواجه هستیم.[۶۱۸]

طبق اظهارات سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس ، روزانه ۴ میلیون لیتر گازوئیل از نیروگاه ها قاچاق می شود. بخش اصلی و عمده قاچاق گازوئیل کشور مربوط به نیروگاه‌ها و به میزان ۱,۵ میلیارد لیتر در سال است. بعلاوه روزانه ۱۰ میلیون لیتر گازوئیل در سیستم حمل و نقل کشور قاچاق می شود. همچنین میزان قاچاق بنزین در کشور روزانه ۵ میلیون لیتر برآورد می‌شود.[۶۱۹]

کالا و محصولات فرهنگی در سایه - این بخش شامل رشته فعالیتهای مرتبط با رسانه و تصویر و سرگرمی و آگهی و بازاریابی و فروش محصولات و خدمات فرهنگی و تهاجم فرهنگی (فرهنگ بیگانه) از طریق اینترنت و ماهواره وسایر رسانه های صوتی و تصویری است. ورود ، تولید و عرضه کالاهای غیرمجاز فرهنگی(از لحاظ شرعی و قانونی –قوانین جاری کشور) بخشی از فعالیت های غیر رسمی و غیرقانونی را شامل می شود که شامل تولید و عرضه فیلم بصورت غیرقانونی و برخلاف مقررات مربوط به تکثیر و توزیع قانونی و رعایت حقوق متعلقه به تهیه کنندگان است ، به انضمام فیلم ها و محصولات فرهنگی مستهجن و ممنوعه مرتبط با اشاعه فحشا و هرزگی، تا واردات و خرید و فروش تجهیزات ماهواره ای، آلات موسیقی و تکثیر و توزیع نوار ، سی دی و د ی وی دی فیلم

۶۱۷ – سایت خبری تابناك : آبان ۱۳۹۷ : کد خبری : ۸۵۲۹۸۴ https://www.tabnak.ir/fa/news

۶۱۸ – خبرگزاری ایرنا : ۲ اریبهشت ۱۴۰۲ : ۸۵۰۸۷۵۹۹ https://www.irna.ir/news/

۶۱۹ – خبرگزاری فارس : ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ : https://www.farsnews.ir/economy/energy

و موسیقی های غیرمجاز و تصاویر و اشیاء مبتذل را در بر می گیرد. همچنین انواع گوناگون اسباب بازیها و لوازم تفریحی ورزشی وارد شده بصورت قاچاق را در برمی گیرد. حجم بالایی از محصولات و کالاهای فرهنگی خارجی به درون کشور نه تنها از جهت آثار و تبعات اقتصادی، بلکه از نقطه نظر فرهنگی نیز قابل تامل است. (کاظم یاوری،۱۳۸۶) در کتابچه ی با عنوان قاچاق کالاهای فرهنگی و برآورد آن در اقتصاد ایران، احتمالا اولین بار است که در تلاشی مستقل به ارزیابی آثار اقتصادی قاچاق کالاهای فرهنگی در ایران پرداخته است.[۶۲۰] وی در آن کتاب تلاش نموده تا با استفاده از روش منطق فازی، برای بازه زمانی (۱۳۸۱- ۱۳۶۲) یک شاخص کمی میان (۰-۱) برای نشان دادن حجم قاچاق کالاهای فرهنگی در ایران برآورد نماید. فرض او بر این است که میان حجم اقتصاد سایه و حجم قاچاق کالاهای فرهنگی یک همراهی یا همبستگی مثبت وجود داشته باشد. براساس یافته های آن تحقیق در آن بازه زمانی حجم اقتصادسایه از ۴ درصد تولید ناخالص داخلی تا ۱۷ درصد تولید ناخالص داخلی در سالهای مختلف متغیر بوده است. در آن گزارش از آمار کشفیات مفاسد اجتماعی در سه گروه ۱- خرید و فروش و قاچاق تجهیزات ماهواره ای ۲- اشیا و تصاویر مبتذل(عکس های غیرمجاز و مجلات غیرمجاز و پاسور و سایر اشباء) و۳- نوار های مبتذل (سی دی- دی وی دی و غیرو) و آلات موسیقی غیرمجاز به عنوان مبنایی برای برآورد حجم قاچاق کالاهای فرهنگی و ارزش کالاهای قاچاق استفاده شده است.[۶۲۱] از آن سال تاکنون تحولات زیادی درفضای فرهنگی و محصولات فرهنگی کشور رخ داده است. امروزه با وجود اینترنت و شبکه های فیلم خانگی آنلاین و امکان خرید و فروش آنلاین محصولات فرهنگی غیرمجاز قاچاق در حوزه تجهیزات سخت افزاری و تولید نرم افزاری با حجم و سرعت بیشتری انجام می شود. اخرین برآوردهای جدید تنها از ارزش بازار قاچاق فیلم و سریال و تکثیر غیرقانونی آنها بر پایه برخی آمار غیر رسمی ارزش این بازار در ایران، بالغ بر ۱۰۰ میلیون دلار است. به نظر می رسد باتوجه به آماری که از فیلم های توقیف شده و توزیع و تکثیرآنها در بازار غیر رسمی وجود دارد، می توان برآوردی از ارزش این بازار نسبت به بخش رسمی ارائه داد. علاوه بر این وقتی به صورت بخشی بخواهیم برآوردی از بخش فعالیت های فرهنگی در سایه ارائه دهیم ، باید به موضوع سرقت میراث فرهنگی و قاچاق و خرید و فروش آثار باستانی نیز اشاره گردد. متاسفانه داده های کافی در این مورد وجود ندارد و در این موارد نیز باید به تقریب و تخمین هایی مبتنی بر برخی قراین و شواهد غیر رسمی استناد نمود.

---

۶۲۰ - کاظم یاوری،(۱۳۸۶)، قاچاق کالاهای فرهنگی و برآورد آن در اقتصاد ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.

۶۲۱ - همان.

در بخش خدمات ، واسطه گری مالی و نقل و انتقال پول و پولشویی و تراکنش های مالی غیرقانونی و پنهان و بانکداری سایه- بخش پولی تابعی از بخش مالی است و این نتیجه ی تراز بودن مال با ارزش آن یعنی وجه مبادله برای تصاحب آن مال است. ارزش افزوده بخش بانکداری در سایه یا بانکداری غیر رسمی، نمی تواند مستقل از مبادلات واقعی در بخش غیر رسمی باشد. از قضا به دلیل ریسک بالاتر و بازده بالاتر، کارمزدهای بیشتری باید برای بخش بانکداری در سایه لحاظ گردد. ارزش افزوده بخش واسطه گری مالی در سایه همواره بیش از ارزش افزوده واسطه گری در بخش رسمی است. این بخش از ابزارهای پوششی و بیمه ای خاص و ترفندهای مختلف پولشویی و نقل و انتقال بهره می گیرد و البته در اقتصاد ایران بخش واسطه گری مالی طی دو دهه اخیر رشد قابل توجهی داشته است. اگرچه شاهد روند ورشکستگی و تجمیع و ادغام برخی موسسات پولی و مالی غیر رسمی بوده ایم، اما برخی از این ورشکستگی ها صوری و برای پنهان ماندن نقل و انتقالات و پوشش نا ترازی های بخش پولی با بخش مبادلات مالی در سایه بوده است. در هرحال ایران در بخش واسطه گری مالی غیر رسمی که در واقع عینیت آن را در سیستم بانکداری سایه می توانیم ببینیم بحران های گوناگونی را پشت سرگذارده و همچنان نیز با مشکلاتی مواجه است. چنانکه پیش تر اشاره شد بسیاری از موسسات مالی اعتباری خارج از نظارت بانك مرکزی، طی سالهای متمادی فعالیت می کردند که عمده فعالیت آنها ارائه سرویس به مشتریان عمده خود با اهداف فرار مالیاتی و پولشویی و تراکنش های پولی با هدف انتقال غیر قانونی وجوه به بهشت های مالیاتی بوده است. بعلاوه از پیامدهای عملکرد نا مطلوب این موسسات ، ارائه تسهیلات به مشتریان با ریسك بالا بوده که در نتیجه ی آن با انبوهی از سپرده گذارانی که مال باخته تلقی می شدند، مواجه بودیم. در این باره می بایست، درجه استقلال بانك مرکزی را به عنوان معیاری برای قدرت نظارتی آن بر نظام پولی کشور در نظر گرفت و بر همان مبنا درصدی معادل با استقلال از دست رفته را برای برآورد ارزش افزوده بخش واسطه گری مالی در نظام بانکداری در سایه اختصاص داد.

در بخش عمده فروشی، خرده فروشی، تجارت و بازرگانی - در این بخش با سه پدیده مرتبط و در عین حال متمایز مواجه هستیم. ۱-واسطه گری، ۲-قاچاق ۳- شبکه پیچیده و مافیایی نظام توزیع و پخش در کشور.

ایران چندین برابر استاندارد کشورهای توسعه یافته جهان ، دارای واحدهای صنفی واسطه گر است. رشد واسطه‌گری را باید شاخصی برای رشد اقتصاد سایه دانست. بعلاوه واردات و صادرات کالا بصورت قاچاق از مصادیق بارز اقتصاد غیر رسمی و زیر زمینی است. به اذعان برخی کارشناسان، در

اقتصاد ایران اشتغال در واسطه گری و دلالی نسبت به اشتغال در تولید هفت به یک است به این معنا که مثلا به ازای یک تولید کننده در بخش کشاورزی، هفت دلال وجود دارد که جنس را دست به دست می‌کنند بدون اینکه هیچ ارزش افزوده بیشتری داشته باشد. ما شاهد هستیم که برخی از محصولات کشاورزی در مزرعه بسیار ارزان است تا جایی که کشاورز به دلیل ارزانی بیش از حد از برداشت محصول منصرف می شود. اما همین محصول در بازار مصرف به شدت گران به دست مصرف کننده می رسد.[۶۲۲]

واسطه گری تنها در بخش توزیع و عرضه محصولات کشاورزی نیست، در بخش های دیگر اقتصاد همانند بخش صنعت و حتی مسکن نیز با این معضل مواجه هستیم. این فعالیت های واسطه گری اغلب سوداگرانه و از طریق احتکار و گرانی و دست به دست کردن اجناس و رانت و کنترل بازار صورت می گیرد که عملکردآنها به زعم برخی تحلیل گران بازار به عملکرد شبکه های مافیایی شبیه است.هم اکنون در بسیاری از بخش های صنعت با فعالیت های مافیایی مواجه هستیم. از مافیای خودرو تا مافیای سیمان و مفتول و میلگرد و پروفیل تا فولاد و حتی مافیای شکر. سود واسطه گران در این بخش ها ارقام قابل توجهی است.

قاچاق به عنوان سومین معضل در بخش واسطه گری و بازرگانی مطرح است. اخیرا معاون صنایع عمومی وزیر صمت اعلام کرد ، ارزش کل بازار لوازم‌خانگی در کشور ۶ میلیارد دلار بوده و بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، میزان کالای قاچاق در این بازار ۱,۷ میلیارد دلار بوده که حدود ۲۰ درصد کل بازار را شامل می شود. طبق اعلام معاون صنایع عمومی وزیر صمت، با ساماندهی این میزان واردات کالای قاچاق می‌توان حدود ۶۰ هزار شغل ایجاد کرد.[۶۲۳] همچنین طبق اظهارات دبیر کل انجمن لوازم خانگی ایران حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد از بازار لوازم‌خانگی کشور را کالاهای قاچاق در برمی گیرد.[۶۲۴] سیاست ممنوعیت واردات لوازم خانگی خارجی که با هدف حمایت از واحدهای تولیدی داخلی توسط دولت اجرا شده است ، هم به افزایش قیمت لوازم خانگی و هم به افزایش واردات قاچاق آنها کمک کرده است و در نهایت به انحصاری شدن این بازار و زیان مصرف کنندگان داخلی و رشد اقتصاد زیر زمینی از طریق افزایش قاچاق این نوع محصولات منتهی شده است.

مطابق آمارهای اعلامی در سال ۹۶ (مربوط به سال ۹۵)، خرید پوشاک در سال حدود ۱۴,۵ میلیارد دلار برآورد می شود که براساس اظهارات فعالان در این بازار ۷۰ درصد پوشاک درکشور بصورت

---

۶۲۲ – روح الله ایزدخواه، اقتصاد زیرزمینی؛ تهدید جدی برای تولید داخلی ، باشگاه خبرنگاران جوان، ۲ شهریور ۱۳۹۹، کد خبر: ۷۴۵۹۵۸۸، www. yjc.ir

۶۲۳ – گزارش روزنامه شرق ، ۲۴ دی ماه ۱۴۰۱ : ایران بهشت قاچاقچیان ، https://www.sharghdaily.com/newspaper

۶۲۴ – خبرگزاری ایرنا، ۳۱ شهریور ماه ۱۴۰۰.

قاچاق وارد می شود.[۶۲۵] رئیس سازمان تعزیرات حکومتی در گزارشی در سال ۱۳۹۴ اعلام کرد ، قاچاق کالا در ایران در مجموع حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیارد دلار برآورده شده که حدود سه میلیارد دلار گوشی موبایل، البسه و پارچه ۲/۷میلیارد دلار، لوازم خانگی دو میلیارد دلار، لوازم آرایشی ۱/۱میلیارد دلار و ۸۰ هزار قلم کالا و تجهیزات پزشکی بوده‌اند. در همان سال یکی از نمایندگان مجلس با ارائه آماری از میزان وسعت قاچاق در کشور اعلام کرد که بیش از یک سوم تجارت ایران را قاچاق تشکیل می‌دهد.[۶۲۶]

جرم زدایی از برخی فعالیت های اقتصادی غیر رسمی ، حجم اقتصاد رسمی را افزایش می دهد، هزینه ها و قیمت ها را کاهش می دهد. ولی در مجموع ممکن است بر ارزش آن یعنی مقدار ضربدر قیمت تاثیر چندان نداشته باشد.[۶۲۷] زیرا با کاهش قیمت ها ناشی از به رسمیت شناخته شدن فعالیت های پیش تر ، کمیت این نوع از فعالیت ها بیشتر می شود. مثلا در حوزه تجارت (واردات و فروش) ایجاد بازارچه های مرزی از حجم قاچاق و کولبری می کاهد و یا فروش گیرنده های دیجیتال ماهواره ای در بخش لوازم صوتی و تصویری، که هم اکنون جرم انگاری شده است با رفع ممنوعیت، قاچاق نخواهد شد. در صورتی که هم اکنون این کالا بطور قاچاق از مرزهای کشور وارد می شود و در سراسر بازار توزیع می گردد. در این شرایط فروشندگان کمی، به تعداد کمتری و با قیمت بیشتری این کالا را به مشتریان متقاضی از طرق غیر رسمی و غیرقانونی می فروشند ، به علاوه خرید و انتقال غیرقانونی این کالا ازمبداء (عبور از مرزها تا درون کشور) هزینه های آن را افزایش می دهد ، در شرایط ممنوعیت خرید و فروش ، عرضه و تقاضای کمتری برای آن وجود دارد. اما معدود فروشندگان این کالا با امکان فروختن کالا به قیمت های بازارسیاه ، سود و رانت قابل توجهی نصیب خود می کنند. حالا فرض کنید ممنوعیت خرید و فروش این کالا برداشته شود، در آن صورت هزینه های انتقال کالا به بازار داخلی کاهش می یابد، به دلیل رفع ممنوعیت مشریان بیشتری متقاضی خرید این کالا می شوند و فروشندگان بیشتری تعداد بیشتری از این کالا را عرضه می کنند، لذا قیمت کالا شکسته می شود و سهمی از تجارت قانونی این کالا به صورت عوارض گمرگی دریافت می شود و با این حال کالا با قیمت هایی پایین تر از حالت ممنوعه فروخته می شود ، هرچند که ممکن است درآمد تک تک فروشندگان در شرایط ممنوعیت و بعد از رفع ممنوعیت ، تغییری نکند.

دیگر فعالیت های ممنوعه و غیرقانونی و سیاه خارج از دسته بندی بالا –ایران طی سالهای اخیر هم شاهد سیلی از خروج مهاجر و پناهنده به کشورهای دیگر بوده است و هم به جهت همسایگی با کشورهای افغانستان و پاکستان، با پدیده ای بنام رد کردن انسان ها از مرز بصورت غیرقانونی مواجه بوده است. به این ترتیب قاچاق انسان

---

۶۲۵ –ایمنا، ۱۷ تیرماه ۱۳۹۶ : https://www.imna.ir/news/ ۳۰۹۷۷۶

۶۲۶ – نشریه میزان ، ۳۰ شهریور ۹۴.

۶۲۷ – (OECD,۲۰۰۲)، اندازه گیری اقتصاد پنهان ، صص ۱۴۰–۱۵۰

در ایران بازار سیاه خود را دارد. هزینه قاچاق یک نفر از ایران به کشورهای اروپایی در حدود ۲۴ هزار دلار برآورد می شود. هزینه قاچاق شهروندان افغانستان به درون کشور ایران در حدود ۷۰۰ دلار و به بریتانیا ۲۵هزار دلار است. باندهای قاچاق سالهاست در قالب آژانس های مهاجرتی در این کار فعالیت دارند.آنها بصورت سازمان یافته کار خود را انجام می دهند و بابت رساندن افراد از این سوی مرز به یک مکان امن در یک کشور همسایه مانند ترکیه یا هر کشور دیگری در اروپا ، با کمک اسناد جعلی مانند پاسپور جعلی و بصورت زمینی یا هوایی میلیون ها تومان از هر فرد دریافت می کنند.

همچنین گزارش هایی غیر رسمی در مورد خرید و فروش و قاچاق اعضای بدن انسان و اندامهای جسمی او ، مانند کلیه ، کبد و دیگر اعضا وجود دارد ؛ اما برآورد دقیقی از ارزش مجموع آن وجود ندارد. همچنین بازار سیاه "جنین و تخمک" نیز مدتی است مورد توجه واقع شده است. گزارش هایی از خرید و فروش نوزدان نیز وجود دارد و در همین رابطه نیز فیلمی ساخته شد. به نوشته رسانه‌های ایران مراکز مجاز درمان ناباروری با کمبود جنین و تخمک اهدایی روبه‌رو هستند و در این میان بازار اهدای غیرقانونی تخمک و جنین، داغ‌تر از قبل شده است

تن فروشی و روسپیگری از دیگر فعالیت های غیرقانونی و ممنوعه است. روسپی کسی است که شریک جنسی و عاطفی ثابتی ندارند و در طول روز یا هفته ممکن است با چندین نفر ارتباط داشته باشند. به همین خاطر در اصطلاح گفته می‌شود که آنها دست به تن‌فروشی می‌زنند. یعنی بدن خود را به یک منبع درآمد تبدیل کرده‌اند. هیچ آمار دقیقی از شمار کارگران جنسی در ایران وجود ندارد، اما برخی آمارهای غیررسمی و برخی گزارش‌های رسانه‌ای آمارهای تا یک میلیون نفر برای کارگران جنسی برآورد کرده اند. سال ۱۳۸۳ مسعود ده نمکی فیلمی مستند پیرامون موضوع فاصله طبقاتی و قاچاق زنان ایرانی بنام فقر و فحشا ساخت و یک سال پس از ساخت این مستند، کتابی با عنوان ناگفته‌هایی درباره فیلم فقر و فحشا منتشر نمود. امروز با گذشت نزدیک به دو دهه از آن زمان، آمار ها از گسترش بیشتر فقر و فحشا در جوامع شهری حکایت دارد. چنانکه می دانیم تن فروشی کسب و کاری غیر قانونی است که بیشتر در کلانشهرها ا امکان رشد و فعالیت دارد. پایگاه خبری تحلیلی " اقتصاد ۲۴" سه‌شنبه ۱۳ آوریل ۲۰۲۱ گزارش کرد که شبکه‌های تن‌فروشی تحت امکانات فضای آنلاین گسترش پیدا کرده و از فعالیت هزاران زن روسپی در تهران و میلیون‌ها زن تن‌فروش در سرتاسر ایران خبر داد. بر اساس این گزارش، یک کانال تلگرامی با ۸۱ هزار عضو که از مردان بابت هر آگهی بالغ بر ۴۰۰ هزار تومان دریافت می‌کند، در دی‌ماه سال ۱۳۹۹ بیش از ۱۵۰ مورد آگهی داشته که مجموعا از این بابت ۶۳ میلیون تومان درآمد داشته است. پایگاه خبری "آفتاب" نیز در تاریخ ۱۴اکتبر ۲۰۱۷ گزارش کرده بود که در یک آمار تقریبی از روسپیان جنوب شهر تهران، توسط یک مؤسسه خصوصی حدود ۱۰ هزار تن تخمین زده شده است. سایت "رویداد" هم در ۱۲۹کتبر ۲۰۱۹ به نقل از یک کارشناس آسیب‌های اجتماعی، گزارش کرده بود که آمار مراکز تن‌فروشی در سطح شهر تهران به ۸

هزار باند رسیده است و " طبق آمار در مدت ۷ سال متوسط سن تن‌فروشی از ۲۸ سال به زیر ۲۰ سال رسیده و در حال حاضر کف این سن تا ۱۳ سالگی پایین آمده یعنی در میان نوجوانان به طور روزافزونی گسترش یافته‌است" و به خاطر بحران اقتصادی زنان متأهل هم مجبور به این کار شدند.[۶۲۸]

بازار سیاه خرید و فروش مدارک دانشگاهی و پایان‌نامه‌های تحصیلی در ایران مدت هاست که داغ است. به نوشته خبرگزاری آنا ، قیمت مدرک کارشناسی یا لیسانس در ایران بدون استعلام ۶۰۰ هزار تومان و همراه با استعلام تایید مدرک از سوی مراکز اموزشی ۵۰ میلیون تومان است. این مبلغ برای مدرک فوق لیسانس ۸ تا ۱۰ میلیون تومان برآورد می‌شود. مدرک تحصیلی تقلبی ، پای مقامات سیاسی و برخی نمایندگان مجلس را هم به میان کشید. در بخش دامداری و فعالیت های کشتارگاهی و تولید گوشت دام و طیور، تخلفات و جرایمی از قبیل ذبح حیوانات غیر حلال برای عرضه کشتارگاهی در کشور وجود دارد . اگرچه گزارش ها حاکی از موارد برخورد قانونی با برخی مجرمان و متخلفان است ولی در هرحال آثار اقتصادی آن مورد توجه این گزارش خواهد بود. بی شک بخشی از تولیدات این نوع فعالیت های غیرقانونی به عنوان مواد اولیه به واحدهای تولیدی دیگر مانند کارخانجات تولید سوسیس وکالباس و همبرگر که احیانا زیر زمینی و خانگی فعالیت می کنند عرضه می شود . همچنین بخشی از تولیدات آنها در رستوران ها و هتل ها در سراسر کشور مورد استفاده قرار می گیرد و یا در شبکه توزیع گوشت کشور بصورت منجمد یا گرم توزیع می گردد. متاسفانه به دلیل وجود مافیا و انحصاری که در زمینه خوراک دام در کشور وجود دارد، تولید دام طی سال های اخیر مورد حمایت قرار نگرفته است ، بخش زیادی از دام های کشور به خارج از کشور و به کشورهای همسایه قاچاق شده است و بهای هرکیلوگرم گوشت گوسفندی با نرخی بسیار بالاتر از نرخ تورم افزایش یافته است، نتیجه اینکه گوشت برای بخش قابل توجهی از خانوارهای ایران از سبد خوراکی حذف شده است و در این شرایط نابسامان ، فعالیت های غیرقانونی همچون کشتار و عرضه گوشت چهارپایان غیرمجاز یا حیوانات حرام گوشت، افزایش یافته است.

---

۶۲۸ - https://farsi.alarabiya.net/fa

بخش دوم :

اقتصاد سیاسی جرم و فساد

مقدمه بخش دوم :

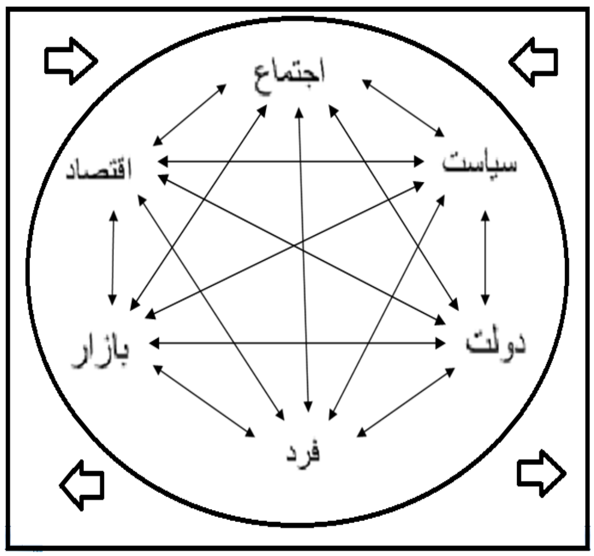
حوزه بحث اقتصاد سیاسی، نقد و بررسی سیاستهای اقتصادی از منظر تاثیرات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی در بستر تاریخی است. به تعبیری اقتصاد سیاسی محل ارائه تحلیل های سیاسی، اجتماعی، تاریخی از تصمیمات و سیاستها و فرایندهای اقتصادی است. اقتصاد سیاسی جرم، حوزه بحث را باز هم عمیق تر می کند و به چالش های دنیای امروز در حوزه های سیاست، اقتصاد، اجتماع، فرهنگ، حقوق و قواعد ومناسبات اجتماعی در بستر زمان و مکان با نگاهی جهانی به نقد و بررسی می پردازد. بررسی آثار و پیامدهای سیاسی و اجتماعی کنشگران اقتصاد و سیاست و بازیگران عرصه اقتصاد، از دولت، بازار و دیگر نهادهای اقتصادی مانند خانوارها ، ، بنگاه ها ، کارگران ، کارفرمایان، کارآفرینان و بانک ها و فعالان بازار سرمایه و نقد و بررسی سیاست ها و برنامه های اقتصادی آنها بحث را خواه و ناخواه به چالش های امروز جوامع یعنی موضوع مفاسد و جرایم اقتصادی می کشاند.

بطور مثال تحلیل گران اقتصاد سیاسی جرم می خواهند بدانند اعمال نفوذ، رانت و فساد مقامات تا چه اندازه در شکست سیاست تعدیل ساختار اقتصادی و یا برنامه خصوصی سازی تاثیر گذار بوده است و خسارات و زیان های اقتصادی ناشی از ارتکاب جرایم و مفاسد در روند واگذاری ها چقدر بوده است؟ [۶۲۹] تحریم های اقتصادی و تدابیر و برنامه های دولت برای دور زدن تحریم ها چقدر در رشد اقتصاد پنهان و غیر رسمی نقش داشته است و پیامدها و زیان ها و خسارات آن چقدر است؟ آیا یک سیاستمدار یا یک باند سیاسی شیاد که با دادن وعده های اقتصادی فریبنده به رای دهندگان در صدد جلب آرای شهروندان برای رسیدن به کرسی نمایندگی مجلس و یا حتی رسیدن به پست ریاست جمهوری است، مجرم نیست؟ آیا دولتی که همه ابزارهای رسانه ای، قانونی، پلیسی، و غیرو را برای توجیه سیاست های مداخله جویانه خود در بازار با هدف ایجاد یک رانت بزرگ جهت بهره مندی حامیان سیاسی و هم حزبی هایش بکار می گیرد و نام آن را"جراحی اقتصاد" می نامد وپیاده سازی و اجرای آن سیاست را عوام فریبانه به نفع اکثریت تبلیغ می کند، اما نتایج و پیامدهای آن به عمیق تر شدن بحران اقتصادی درکشور منتهی می شود، یک مجرم هست یا خیر؟ چه ابزارهای نظارتی برای جلوگیری و مقابله با اینگونه سواستفاده های سیاسی در قوانین تعبیه شده است و چه کسانی اراده اجرای آن را دارند؟ پیامدهای سیاسی و اقتصادی، اقدامات مجرمانه و مفسدانه دولت و دیگر بازیگران و فعالان بازار چیست؟ به هر ترتیب منظور از اقتصاد سیاسی جرم، از یک سوی بررسی ریشه های سیاسی و اقتصادی جرم و فساد است و از سوی دیگر بررسی آثار و پیامد اقدامات مفسدانه و

---

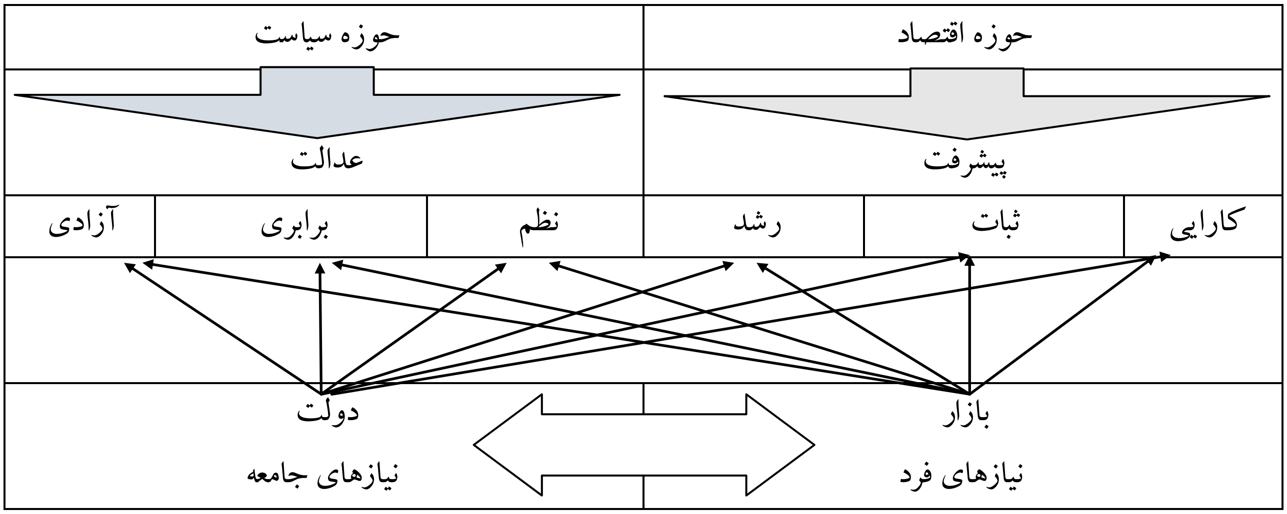
۶۲۹ –برای مثال ر.ک به : صادقی، کاظمی، مرادی، (۱۳۹۹)، اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی سازی در ایران پس از انقلاب اسلامی، مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، ۱۴۰۱ ، دورۀ پنجم، شمارۀ اول.صص ۲۸۷–۳۱۹.

مجرمانه بر شرایط اقتصادی و سیاسی جوامع است. اینها موضوعات مهمی در حوزه اقتصاد سیاسی با رویکرد جرم شناسی و جرم سنجی است. بخش مهمی از علل رشد اقتصاد سایه برآیند سوء عملکرد عوامل و بازیگرانی است که در چارچوب تئوری اقتصاد سیاسی، عوامل و بازیگران اصلی به حساب می آیند. در نمودار زیر : زمین بازی اجتماع است، بازیگران نهادی عبارتند از : دولت، بازار، افراد، ابزارها عبارتند از : سیاست و اقتصاد. همه اینها در یک میدان بزرگ – در مقیاس ملی بر یکدیگر تاثیر متقابل می گذارند و از فضای بیرون(جهان خارج) تاثیر می پذیرند و برآن تاثیر می گذارند.[۶۳۰]



اگرچه باری کلارک در کتاب اقتصاد سیاسی تطبیقی در پی مطالعه و بررسی تطبیقی نظریات مطرح در باب نهادها و بازیگران عرصه اقتصادسیاسی است، اما می توان از چارچوب ارائه شده توسط او برای طرح موضوع اصلی این کتاب یعنی علل بروز جرایم و مفاسد اقتصادی اینگونه بهره جست که علل بروز جرایم و مفاسد در اقتصاد را به سوء عملکرد افراد و نهادهای اثر گذار در این فضا نسبت دارد. کلارک مقوله های آزادی، برابری، نظم را در زمره مطالبات عدالت جویانه و دارای ماهیت سیاسی می داند و کارایی، رشد و ثبات را مطالبات پیشرفت گرایانه جوامع با ماهیت اقتصادی تعریف می کند. نیازهای عمومی اجتماع عمدتا از کانال دولت پیگیری و تعقیب می شود و نیازهای فردی افراد از کانال بازار تامین و تعقیب می گردد. در عین حال ممکن است بازار یا دولت نتوانند نقش و کارکرد مثبت خود را در هریک از حوزه های مطرح شده به نمایش بگذارند و در اینجاست که نابسامانی و مشکلات بروز می کند.

۶۳۰ – باری کلارک (۱۳۸۹)، اقتصاد سیاسی تطبیقی، ترجمه عباس حاتمی،انتشارات کویر.ص ۹.



اگرچه نمی توان همه ضعف های بازار و یا دولت را به جرم و فساد درآنها نسبت دارد، ولی بدون شک جرم و فساد بزرگترین آفت برای بازار و دولت است، زیرا مانع از تحقق وظایف و انتظارات از آنها در زمینه های عدالت و پیشرفت می شود. بطور مثال فساد در بخش های دولتی به صورت پاسخگو نبودن مقامات دولتی و بروکراسی اداری فاسد و حیف و میل منابع عمومی و سیاست گذاری های جانبدارانه به نفع یک طبقه اقلیت حاکم خود را نشان می دهد. چنین دولتی نمی تواند کارآمدی داشته باشد، نمی تواند به رشد اقتصادی کمک کند، ناتوان از برقراری نظم و اجرای قانون و تحقق برابری و آزادی است. نظام سیاسی و اقتصادی تحت اداره چنین دولتی بی ثبات است. چنین دولتی با انواع بحران های سیاسی و اقتصادی دست و پنجه نرم می کند.[۶۳۱]

انتقاد نسبت به عملکرد بازارها هم پیشینه ای طولانی دارد. بازارها همانطوری که می توانند عامل پیشرفت باشند ممکن است مانع از پیشرفت و عدالت در یک جامعه شوند. بسیار محتمل است که بازارها به جرم و فساد آلوده شوند. در یک اقتصاد رها شده در دست بازار با توجه به محدودیت در فرصت ها، رقابت برسر تصاحب فرصت بالا می گیرد ، رقابت گرایی شدید می تواند انسجام اجتماعی را بر هم می زند، اخلاق و ارزش های انسانی فدای رقابتهای فردی می شود. زمانی که رفتار منفعت طلبانه به خودخواهی افسارگسیخته تبدیل شود و پیوندهای اجتماعی شروع به ازهم گسیختن می کند، جامعه دچار واگرایی می شود. منبع بالقوه دیگر بی نظمی که در جوامع مبتنی بر اقتصاد بازار وجود دارد از تضاد منافع میان صاحبان سرمایه (کارفرمایان) وکارگران حقوق بگیر ناشی می شود که دامنه تنش ها را بالا می برد به خصومت و رویارویی منتهی می شود. در این وضعیت بازار نمی تواند کارآمد عمل کند و نمی توان انتظار تحقق عدالت از بازار داشت. بازار می تواند استقلال و آزادی نیروی کاررا سلب نماید. بازاری که در انحصار قرار گیرد و کامل نباشد، حتی ممکن است آزادی را از مشتریان هم سلب

۶۳۱ – باری کلارک (۱۳۸۹)، اقتصاد سیاسی تطبیقی، ترجمه عباس حاتمی،انتشارات کویر.ص ۳۹.

نماید. انحصارگرایی در بازار برجسته ترین نوع فساد و مصداق جرم تلقی می شود و به همین جهت است که در اغلب کشورها قوانین ضد انحصار وضع می گردد و انحصارگرایی جرم انگاری شده است. بازارها ممکن است تحت تاثیر القاء امواج مثبت و منفی روانی قرار گیرند و از ثبات بازمانند و در مواردی نیازمند مداخلات سازنده ، تعدیل کننده و تنظیم کننده هستند[۶۳۲] اما دولت ها نشان داده اند در بسیاری موارد صلاحیت مداخله سازنده در بازار ندارند و مداخلات آنها به فساد و انحصار و تامین منافع یک اقلیت حاکم منتهی می شود. برهمین اساس گفته می شود بدترین نوع فساد، ترکیب دولت فاسد و بازار فاسد است که برآیند آن در دولت غارتگر یا دولت تسخیرشده توسط عوامل و گردانندگان اصلی بازار قابل تصور است. فرمول فساد در این مورد معادل (انحصار) به اضافه (اختیار) منهای (پاسخگویی) است که حاصل تعامل، یا همخوابگی گروه های مستعد فساد بین بخش دولتی و خصوصی است.[۶۳۳]

فساد= انحصار+ اختیار – پاسخگویی

به منظور اندازه گیری فساد بطور کلی سه روش کلان، بخشی و خرد پیشنهاد شده است. در روش کلان، فساد تابعی از عملکرد کل اقتصاد یا به تعبیر دقیق تر، تابعی از اقتصاد غیر رسمی تعریف میشود. در روش بخشی، بطور جزیی تر فساد در یک بخش در اقتصاد ، مثلا بخش بهداشت و سلامت برآورد می شود و در روش خُرد، موارد تخلفات و جرایم مالی و فساد درسازمانها و ادارات و شرکت ها و بنگاه های اقتصادی مورد بررسی قرار می گیرد. هرسه از این روش ها مبتنی بر سنجش کمی فساد است و با رویکرد غیر ادراکی و بصورت کاملا واقعی ، میزان جرم و فساد مورد سنجش و برآورد کمی قرار می گیرد. در واقع روش های ذکر شده روش های اندازه گیری واقعی جرم و فساد است. روشهای غیر اداراکی جایگزین روش سنجش اداراکی فساد نیست ، بلکه مکمل روش های سنجش ادراک فساد است. این رویکرد کلان در اندازه گیری فساد بصورت رابطه زیر تعریف می شود که در آن فساد تابع مستقیمی از اندازه اقتصاد سایه است:

فساد =F(اندازه اقتصاد غیر رسمی)

کل فساد – فساد کوچک = فساد سازمان یافته یا کلان

---

۶۳۲ – باری کلارک (۱۳۸۹)، اقتصاد سیاسی تطبیقی، ترجمه عباس حاتمی،انتشارات کویر.صص ۲۶-۳۰

٦٣٣ - Clare Cohen, J. (٢٠٠٢), Improving Transparency in Pharmaceuticals Systems: Strengthening Critical Points against Corruption, Latin American and Caribbean Bank.

فصل ششم : لابی، رشوه، فساد، پولشویی

نقش نهادهای قانون گذاری در گسترش جرم و فساد

نهادهای قانون‌گذاری، که فرآیند سیاست‌گذاری را شکل می‌دهند، با شکل‌دهی به استراتژی‌های لابی‌گری که از سوی صاحبان منافع تجاری غنی از پول و ثروت به کار می‌رود، نقشی مهم و نادیده گرفته شده در درام فساد بازی می کنند. وقتی قواعد قانونی در مورد تنظیم دستور کار، اصلاحات و هزینه های فرار از رای در یک کشور کنترل ماهیت، زمان بندی و موفقیت سیاست را به احزاب سیاسی می دهد، احزاب را هم در سیاست گذاری و هم در اجرای سیاست تقویت می کنند. در کشورهایی که احزاب سیاستگذاران مؤثر قانونگذاری هستند، آنها به جای قانونگذاران منفرد در کانون لابی های تجاری قرار می گیرند. همانطور که بعداً در مورد لابی گری بحث خواهد شد ، چنین لابی های متمرکز بر احزاب به دلیل پویایی عوامل عرضه و تقاضا که از طریق تامین مالی حزب ، سیاستمدار را به سوی منافع خاص هدایت می کنند، به سطوح بالاتر فساد کمک می کنند. بنابراین، نهادهای قانونگذار با تأثیرگذاری بر هدف سیاسی استراتژی های لابی، تأثیر قابل توجهی بر نمایه فساد یک کشور اعمال می کنند.[۶۳۴]

از دو مجموعه داده اصلی برای آزمون فرضیه های به دست آمده توسط این چارچوب نظری استفاده شده است : از یک سوی از داده‌های جدید در مورد قوانین کنترل قانونگذاری بر تنظیم دستور کار، اصلاحیه‌ها و خروج از رأی برای شصت و چهار کشور با دموکراسی در حال توسعه از سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۴ استفاده می کند تا از فرضیه‌هایی حمایت کند که نهادهای قانون‌گذاری متمرکز بر حزب، سطوح فساد را افزایش می‌دهند. تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از نظرسنجی‌های گروه‌های تجاری در دو مورد از لحاظ نظری بحرانی است ، برزیل و هند. همچنین از این فرضیه حمایت می‌کند که سطوح بالاتر فساد در هند در مقایسه با برزیل با تفاوت‌های افراد متمرکز بر حزب و افراد غیر حزبی توضیح داده می‌شود. استراتژی های لابی متمرکز که به ترتیب توسط گروه های تجاری در این کشورها اتخاذ شده است. بر خلاف حجم قابل توجهی از آثار موجود، که تا حد زیادی فساد را به عنوان پیامد توضیح می دهد. در مورد احزاب شواهد موجود قویاً نشان می دهد که احزاب قوی می توانند مستقیماً مسئول فساد بیشتری در کشورهای در حال توسعه باشند[۶۳۵].

---

٦٣٤ - Vineeta Yadav(٢٠١١), Political Parties, Business Groups, and Corruption in Developing Countries, Oxford University Press, Inc,p٢٤.

٦٣٥ -Vineeta Yadav(٢٠١١),Ibid,p٤.

در این مطالعه، به طور سیستماتیک یک نظریه جایگزین فساد برای دموکراسی های کشورهای در حال توسعه ارائه شده است. آزمون اعتبار این نظریه در برابر طیف کامل نظریه های موجود با استفاده از مجموعه داده های مقطعی و سری زمانی سپس شواهد مستقیم ارائه می شود. (وینتا یاداو، ۲۰۱۱) در کتاب خود به ویژگی و شرایط رژیم های مختلف از دموکراسی های پیشرو و دموکراسی های حاکم بر کشورهای در حال توسعه تا رژیم های اقتدارگرای تمامیت خواه و خودکامه از حیث میزان جرم و فساد و ماهیت و نوع جرایم اقتصادی و آثار و پیامدهای آنها توجه نموده است.[۶۳۶]

مروری بر تعاریف ، ماهیت و تمایزات لابی، رشوه، رانت

طبق تعریف، رشوه مصداق فساد اداری است و عبارت است از وجه یا مال یا سندی که مستخدمین دولت، در قبال انجام دادن یا ندادن امری که مربوط به سازمان آن ها است، دریافت می کنند. در تعریف دیگر آمده که "رشوه اعطای منفعت به منظور تأثیرگذاری ناروا بر یک عمل یا تصمیم است."[۶۳۷] (رزآکرمن، ۱۹۹۹، ص ۹۱) در تعریفی از فساد که اشاره خاص به رشوه دارد : فساد (رشوه) را پرداخت غیرقانونی (وجه یا مال) به یک مامور دستگاه اداره امور عمومی برای به دست آوردن منافعی که ممکن است مستحق آن باشد یا نباشد تعریف می کند.[۶۳۸]
دو نوع مختلف از رشوه را می توان متمایز نمود. نوع اول، پرداخت های مرتبط با ارائه خدمات، و نوع دوم، پرداخت به افراد در موقعیت های ممتاز. در حالت اول، پرداخت ها ممکن است با کالاها و خدمات بازاری یا خدمات غیر بازاری مرتبط باشد. برای کالاها یا خدمات بازاری، رشوه معمولاً شامل پرداخت اضافی بالاتر از قیمتهای "رسمی" یا مصوب است. به عنوان مثال، مشتریان هتل ممکن است ملزم به رشوه دادن به پذیرش هتل برای تایید رزرو خود شوند. نمونه‌های مربوط به خدمات غیربازاری ، پرداخت مبالغی اضافی است که مثلا برای دریافت خدمات پزشکی از مراکز خدمات بهداشتی و درمانی با بودجه دولتی و یا پرداخت اضافی برای دریافت گذرنامه از کارمندان دولت است. نمونه‌هایی از پرداخت‌ها به افراد در موقعیت‌های ممتاز، رشوه هایی است که به مقاماتی انجام می‌شود که قراردادهایی را به بالاترین تامین کننده رشوه می‌دهند، و یا به سیاستمداران برای کسب موقعیت ممتاز و یا اخد مجوز انحصاری به عنوان تولیدکننده یا عرضه کننده ، یا به مقامات پلیس یا سایر مقامات دولتی مانند مقامات قضایی در ازای عدم تعقیب مجرمان و یا تخفیف مجازات آنها، رشوه می‌پذیرند.[۶۳۹]

---

۶۳۶ - Vineeta Yadav(۲۰۱۱),Ibid

۶۳۷ - Charles Sampford, Arthur Shacklock, Carmel Connors and Fredrik Galtung(۲۰۰۶), Measuring corruption, Ashgate Publishing Company, p۱۱.

۶۳۸ - Rose-Ackerman, S. (۱۹۹۹), Corruption and Government: Causes, Consequences and Reform,Cambridge University Press, Cambridge, p۹۱

۶۳۹ - OECD(۲۰۰۲),Measuring the Non-Observed Economy,p۱۵٤.

(سامفورد و دیگران، ۲۰۰۶)، هشت نوع متمایز از رشوه را بشرح زیر دسته بندی کرده است:[۶۴۰]

۱ -نفوذ فروشی توسط مقامات دولتی و سیاسی که با لابی گری و حمایت سیاسی مشروع متفاوت است.

۲ -تقدیم یا دریافت هدایا، انعام، لطف یا پورسانت ناروا که مرز میان رشوه و اخاذی[۶۴۱] درآن کمرنگ است.

۳ -رشوه برای اجتناب از مسئولیت مالیاتی یا سایر هزینه ها مانند جریمه یا عوارض گمرکی و غیرو

۴ -رشوه در حمایت از تقلب مانند پرداخت به ماموران و بازرسان بیمه تامین اجتماعی و بهداشت و غیرو

۵ -رشوه در حمایت از رقابت ناعادلانه برای کسب منافع

۶ -رشوه دادن به بخش خصوصی و بانک ها برای جلب وام های کلان

۷ -رشوه برای اجتناب از مسئولیت کیفری به افسران پلیس آگاهی و قضات و بازپرس ها

۸ -رشوه برای به دست آوردن اطلاعات محرمانه یا "داخلی" در امور صنعتی، اطلاعات مالی، امنیتی و غیرو.

تعداد افرادی که هر ساله با رشوه خواری مواجه می شوند بسیار زیاد است، زیرا کشورهای پاکی که حکمرانی خوب اعمال می کنند ، مانند کشورهای حوزه اسکاندیناوی، تنها درصد بسیار کمی از جمعیت جهان را در بر دارند. برعکس، فساد در پرجمعیت ترین کشورهای جهان بالاست. در هند، تخمین زده می شود که سالانه ۸۰۷میلیون نفر و در جمهوری خلق چین، ۲۹۰ میلیون نفر درگیر رشوه خواری می شوند. ده کشوری که رکورد بیشترین تعداد رشوه دهندگان را در کل جهان دارند ، کشورهای غیر دموکراتیک مانند روسیه و همچنین کشورهایی مانند مکزیک و هند هستند که انتخابات آزاد یا تا حدی آزاد برگزار می کنند.[۶۴۲]

لابی گری

به کلیه اقدامات قانونی و غیرقانونی اطلاق می شود که توسط گروه های دینفع در تلاش برای متقاعد کردن هر یک از بازیگران سیاسی ، اقتصادی و اداری برای دستیابی به اهداف و مقاصد خودشان انجام می شود. سطح فساد در یک کشور یکی از پیامدهایی است که می تواند از میزان این گونه اقدامات لابی گری ناشی شود. لابی، در زبان فارسی به معنای اعمال نفوذ تعریف شده است. باومگارتنر و لیچ (۱۹۹۸، ۳۴) آن را به عنوان "تلاشی برای تأثیرگذاری بر فرآیند سیاست" تعریف می کنند، در حالی که نونز (۲۰۰۶، ۵) آن را به عنوان "تلاشی طراحی شده برای تأثیرگذاری بر آنچه دولت انجام می دهد" تعریف می کند. در مطالعه ای پیرامون موضوع لابی گری در اتحادیه اروپا که توسط مؤسسه روابط عمومی ایرلند، مؤسسه منشور روابط عمومی و انجمن مشاوران روابط عمومی

---

۶۴۰ - Charles Sampford, Arthur Shacklock, Carmel Connors and Fredrik Galtung(۲۰۰۶),Ibid.

۶۴۱ – رشوه شامل استفاده از پرداخت ها یا سایر مشوق های مثبت است، اخاذی است متکی به اجبار است، مانند استفاده یا تهدید به خشونت یا قرار گرفتن در معرض آسیب و خسارات مالی.

۶۴۲ - Richard Rose & Caryn Peiffer(۲۰۱۹), Bad Governance and Corruption(Political Corruption and Governance), Publishing AG, part of Springer Nature.

(مالون، ۲۰۰۴) ارائه شده است، لابی‌گری به " تلاش‌های خاص برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری عمومی از طریق اعمال فشار برای تغییر در سیاست یا تلاش برای جلوگیری از چنین تغییری" اشاره دارد. این شامل ارائه نمایندگی به هر مقام دولتی در مورد هر جنبه ای از سیاست، یا هر اقدامی است که آن خط مشی را اجرا می کند، یا هر موضوعی که در حال بررسی است، یا احتمالاً توسط یک نهاد عمومی در نظر گرفته می شود (مالون ۲۰۰۴، ۶). هنگامی که لابی گری به سمت مقامات منتخب در قوه مقننه هدایت می شود، از این اقدامات بـه عنـوان "لابـی قانونگـذاری" (لابی که قوه مقننه را هدف قرار می دهد) یاد می شود. لابی‌گران ممکن است در سازمان‌هـای مختلفـی از جملـه انجمن‌های تجاری، شرکت‌ها، موسسات روابط عمومی و روابط دولتی، شرکت‌ها و موسسات حقوقی، سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های بخش عمومی و اتاق‌های فکر و نهادهای تصمیم ساز کار کنند. اقدامات آنها ممکن است شامل کمک مالی به کمپین های انتخاباتی، داوطلب شدن در کمپین ها، ارائه اطلاعات فنی به سیاسـت گـذاران، برپایی تظاهرات عمومی در حمایت یا مخالفت با موضوعی خاص ، حمایت از کمپین های رسانه ای، اهدای پول به طور قانونی یا غیرقانونی به احزاب و نامزدها در هر نقطه از چرخه سیاسـی باشـد و غیـره .[۶۴۳] ایـن فهرسـت شـامل اقدامات قانونی و غیرقانونی است که توسط افراد خاص در تعقیب اهداف سیاستی انجام می شود.

لابی، رانت ، رشوه و فساد بسیار به یکدیگر نزدیک و همبسته هستند. از این نظر لابی نوعی رفتار رانت جویانه[۶۴۴] است. همچنانکه طبق تعریف مورفی و همکاران (۱۹۹۳)، اصطلاح رفتار رانـت جویانـه شـامل همـه فعالیـت هـای بازتوزیعی می شود، یعنی آن دسته از فعالیت هایی که با هدف توزیع مجدد رفاه/ثروت و موقعیت انجام می شوند و منابع را درگیر می کنند. در این رابطه ، فساد و لابی گری به عنوان اشکال متمایز رانت جویی در نظر گرفته می شود. هرچند که تمایزات بسیار کمی میان لابی و فساد وجود دارد.[۶۴۵] (لامبدورف، ۲۰۰۲) نتیجه مـی گیـرد کـه "فساد زمانی رخ می‌دهد که یک نماینده یا کارگزار دولت از قوانین تنظیم‌شده توسط مدیرانش با تبانی با اشخاص ثالث برای ارتقای منافع خود تخطی کند".[۶۴۶]

یکی از مصادیق بارز فساد دریافت رشوه هست. معمولا با مقامات بلندپایه و مدیران بالا دستی لابی می شود و بـه ماموران پایین دست رشوه می دهند، اما در مواردی مدیران هم با کارگزاران پایین دست خودشان در انجام فساد و دریافت رشوه همکاری و شراکت دارند ، لذا لابی گری و فساد ، اگر چه متمایز هستند، اما برآینـد هـر دوی آنهـا برای منافع عمومی در مقیاس کلان اقتصاد ، خسارت بار است.

---

٦٤٣ - Richard L. Hasen(٢٠١٢), LOBBYING, RENT-SEEKING, AND THE CONSTITUTION , Stanford Law Review.Vol ٦٤.p ١٩١.

٦٤٤ - Rent Seeking.

٦٤٥ -Murphy, K.M., Shleifer, A. and Wishny, R.W. (١٩٩٣): Why is Rent-Seeking So Costly to Growth?, American Economic Review, Vol. ٨٣, Papers and Proceedings, pp. ٤٠٩-٤١٤

٦٤٦ - Lambsdorff, J.G. (٢٠٠٢a): Corruption and Rent-Seeking, Public Choice, Vol. ١١٣, pp. ٩٧-١٢٥

در حالی که فساد همیشه یک پدیده غیرقانونی است، لابی گری شامل اقداماتی است که لزوماً نباید فساد تلقی شود. مهم این است که فساد یک پدیده چند علتی است و لابی گری در حوزه قانون گذاری و سیاست گذاری و خط و مشی[۶۴۷] یک نمونه از بسیاری از رفتارهایی است که می تواند در بروز آن نقش داشته باشد. در دو دهه گذشته، مطالعات اقتصادی متعددی در مورد فساد و لابی گری –دو مفهومی که در ارتباط مستقیم با پدیده رانت خواری دارد، از اواسط دهه ۱۹۷۰ مورد توجه تحقیقات اقتصادی قرار گرفته و تا پایان قرن بیستم به طور کامل مورد بررسی قرار گرفته است. با این حال، مطالعاتی که هم فساد و هم لابی گری را به عنوان اشکال متمایز رانت خواری تحلیل می کنند، نسبتاً جدید بوده و اخیراً منتشر شده اند.[۶۴۸] پرنفوذترین گروه های لابی در ایالات متحده وجود دارند. "لابی گران واشنگتن"[۶۴۹] می توانند بر روند انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا تاثیر بگذارند. هم کنگره و هم دولت در زمان ریاست جمهوری اوباما بیشترین قوانین محدود کننده برای مقابله با لابی گری به تصویب رساندند. برای مثال، دولت اوباما لابیگران را از برقراری ارتباط شفاهی با دولت در مورد برخی مقررات و قوانین اقتصادی در طول بحران مالی اخیر منع کرد و ارتباط شفاهی آنها را ممنوع اعلام کرد و مقرر شد در موارد لزوم نظرات لابیگرها در وب سایت های دولتی منعکس گردد. پیش تر از آن در سال ۱۹۹۵ کنگره قانونی بنام "قانون افشای لابیگری" را به تصویب رسانده بود.[۶۵۰]

رانت

موضوع رانت به لحاظ پیشینه ادبیات بحث از جهات مختلف مورد توجه بوده است. رانت جویی بخشی از جستجوی غیرمتمرکز برای کسب منافع شخصی توسط بسیاری از افراد خصوصی و مقامات سطح پایین است. چنین فعالیت‌هایی نتیجه قوانین مبهم و محدودکننده، نرخ‌های مالیاتی و گمرکی بالا و کنترل قیمت‌های داخلی و ارز خارجی است که فرصت‌هایی را برای سود شخصی ایجاد می کند. به ویژه زمانی که شهروندان دولت را مشروع یا شایسته احترام نمی دانند، محتمل است.[۶۵۱] سیستم‌های خدمات کشوری که به مقامات برای صداقت و شایستگی پاداش نمی‌دهند، شبکه‌های رانت‌جو را تقویت می کنند.[۶۵۲] (جاگدیش باگواتی، ۱۹۷۴) فعالیت های رانت جویی

---

٦٤٧ -legislative lobbying

٦٤٨ -Boris Begović(٢٠٢١), Corruption, Lobbying and State Capture, CLDS Working Paper, Center for Liberal-Democratic Studies (CLDS), School of Law, University of Belgrade.

٦٤٩ - Washington lobbyists

٦٥٠- Richard L. Hasen(٢٠١٢), LOBBYING, RENT-SEEKING, AND THE CONSTITUTION , Stanford Law Review.Vol ٦٤.p ١٩١.

٦٥١ -Dia, Mamadou, Africa’s Management in the ١٩٩٠’s and Beyond: Reconciling Indigenous and Transplanted Institutions, Washington DC: The World Bank, ١٩٩٦,pp٢٨-٣٥

٦٥٢ - Susan Rose-Ackerman(١٩٩٦), High-Level Rent Seeking and Corruption in African Regimes, Yale University.

"مستقیماً غیرمولد"را هدر دهنده منابع می داند که می توانند به ناکارآمدی اقتصادی کمک کنند.[۶۵۳] فساد اداری مصداقی از رفتار رانت جویانه است که با دامنه و میزان مداخله دولت در مبادلات خصوصی مرتبط است.[۶۵۴] رانت جویی به کشورهای در حال توسعه محدود نمی شود و در اقتصادهای توسعه یافته نیز رواج دارد. علاوه بر این، نه تنها دولت بلکه فعالان مختلف بازار را هم شامل می شود. صاحب نظران میان رانت جویی در نظامهای دیکتاتوری با نظامهای دموکراتیک تفاوتهای قابل تاملی را مشاهده کرده اند. شکل غالب حکومت های دیکتاتوری در دنیای امروز از سلطنتی، شبه دیکتاتوری و یا حکومت مطلقه[۶۵۵] است. تقریبا در تمام دیکتاتوری ها و حکومت های مطلقه، موارد متنوع و زیادی از فعالیت های رانت جویی وجود دارد. اعطای هر نوع امتیاز و انحصار و جایگاه و موقعیت اجتماعی به دوستان و هواداران حاکم بسیار متداول است و شکل غالب بنگاه داری «درباری» حاکم به امید کسب چنین امتیازات ویژه ای است. تا حد قابل توجهی، تمایل این گونه دولت ها به فراهم کردن فرصت های رانت جویی برای شهروندان مختلف زیر نظر ایدئولوژی های مختلف از سوسیالیست تا تجارت آزاد پنهان شده است .در یک دیکتاتوری واقعی، منافع دولت و به ویژه حاکمیت به دقت محافظت می شود و از طبقه تجار و بازرگانان و سایر افرادی که امتیازات و انحصارات را دریافت می کنند ، انتظار می رود که برای تحکیم پایه حکومت هزینه کنند. در اغلب موارد ایدئولوژی تنها سرپوشی برای پنهان نمودن ماهیت اصلی قدرت و مناسبات درونی قدرت و توجیه انحصار و رانت جویی است.[۶۵۶] در نگاه اول شاید به نظر منطقی برسد که رانت و انحصار مصادیق بارز فساد ارزیابی شوند که برای ریشه کن نمودن آن باید تلاش کرد، اما وقتی موضوعاتی همچون صیانت از قلمرو سرزمینی، تامین حاکمیت ملی و منافع ملی آن هم در چارچوب ایدئولوژی های رقیب به میان می آید، باید راجع به حکم صادره تامل و تعلل نمود. ظاهرا در چنین مواردی، گریزی از رانت و انحصار نیست. نظام های سوسیالیستی و ایدئولوژی های ملی گرایانه اغلب با هدف تحکیم موقعیت اقتصادی خود در برابر رقبای ایدئولوژیکشان، به دنبال سیاست ملی کردن یا دولتی کردن صنایع پیش می روند، اما پیامد دیگر دولتی شدن صنایع و باز شدن دست شخصیت های دولتی و وابسته به دولت ، افزایش رانت و فساد و ناکارآمدی ناشی ازآن است. نظام سرمایه داری هم برای منافع خویش ، صیانت از منافع صاحبان سرمایه را در مواجهه با اقتصادهای نوظهور دیگراز طریق وضع تعرفه های حمایتی دنبال می کند، لذا تعرفه های حمایتی بخشی از نظام سرمایه داری ظاهرا برای صیانت از منافع ملی است، اما رانت و فساد هم در خود دارد. بعید به نظرمی رسد که یک غول بزرگ فولاد آمریکایی که سخت تلاش می کند تا فولاد ژاپن و برزیل را از ایالات متحده دور نگه دارد، احساس کند که تلاش برخی از کشورهای آمریکای جنوبی برای

---

٦٥٣ - Bhagwati, Jagdish N., ed., Illegal Transactions in International Trade, Amsterdam and New York: North-Holland-American Elsevier, ١٩٧٤.

٦٥٤ - Mbaku: Corruption and Rent-Seeking,p١٩٥

٦٥٥ - monarchy

٦٥٦ - Gordon Tullock(٢٠٠٥),The rent-seeking society, Liberty Fund, Inc.,p١٢٢

محافظت از صنعت خودروسازی غیر از جوهر واقعی سرمایه داری است. چنانکه می دانیم از نظر کارشناسان متمایل به نظام سرمایه داری، حذف تعرفه های حمایتی از صنایع به عنوان اقدامی که می تواند بیکاری را گسترش دهد تلقی می شود و مطمئناً این مورد به طور خاص قابل باور است ، زیرا در تعدادی از موارد حذف تعرفه های حمایتی واقعاً به یک انفجار موقت بیکاری انجامیده است، اما از سوی دیگر وضع تعرفه های حمایتی به رانت جویی و انحصار می انجامد. [۶۵۷] به این ترتیب تعیین مرز دقیق رانت جویی و انحصار با فساد و تشخیص موجه یا غیرموجه بودن رانت با محک منافع ملی تا حدودی دشوار است.

گوردون تالوک در کتاب خود با عنوان "جوامع رانت خوار" دلایل و مستنداتی را ارائه می دهد تا نشان دهدکه توزیع رانت در نظام های دیکتاتوری با هدف جلب حامیان و جلوگیری از سرنگونی وممانعت از انجام کودتا صورت می گیرد و در نظام های انتخاباتی و دموکراتیک، برای جلب حامیان مالی در قالب کمپین های انتخاباتی وحزبی با هدف پیروزی در انتخابات انجام می شود، ماهیت و مکانیزم این دو با هم تفاوت دارد ولی هدف تقریبا یکسان است و آن صیانت از قدرت است.[۶۵۸]

انواع رانت

عوامل گوناگونی می تواند به ایجاد رانت بیانجامد: موقعیت و جایگاه ، مالکیت، دانش و تخصص، زیرساخت، پلتفرم ، امتیاز، قرارداد برونسپاری و غیرو. بنابراین در یک دسته بندی می توان انواع رانت برمبنای منشاء ایجاد آن برشمرد :

- رانت ناشی از موقعیت و جایگاه و قدرت سیاسی، اداری و اختیارات فرد یا نهاد در آن جایگاه.
- رانت تخصص و دانش و اطلاعات، به ایجاد عدم تقارن آگاهی و اطلاعات و دسترسی ویژه به دانش و اطلاعاتی که دیگران ازآن محروم هستند منتهی می گردد.
- رانت قرارداد، امتیاز یا مجوز انحصاری ، مانند رانت ناشی از حق اختراع و حقوق مالکیت مادی یا معنوی
- رانت تسلط و مالکیت برمنابع طبیعی، مانند زمین، معادن و ذخایر زیر زمینی ارزشمند مانند طلا، بوکسیت، مس، نفت و گاز و کانی های ارزشمند در دست دولت ها یا مجوز بهره برداری معادن توسط بخش خصوصی
- رانت پلتفرم : گوگل و فیسبوک، هم اکنون یک رانتیریسم پلتفرمی در فضای مجازی و اینترنت هستند. انواع دیگری از پلتفرمهای جهانی و یا ملی را با همین ماهیت می توان برشمرد.[۶۵۹] مشابه این نوع رانت در صنایع مختلف هم وجود دارد.

---

٦٥٧ - Ibid,p ۱۲۳
٦٥٨ - Ibid
٦٥٩ - Brett Christophers(۲۰۲۰), RENTIER CAPITALISM :Who Owns the Economy, and Who Pays for It? Verso; First published.

رانت جویی و فساد در بازارهای مالی :

بازارهای مالی وظیفه بسیار مهم واسطه گری سرمایه را بر عهده دارند. بازارهای مالی مکانیزمی را ایجاد می کنند که سرمایه بیشترین بازدهی را درپی داشته باشد و تعادل سالم بین ریسک و بازده محافظت شود. رانت خواری، تا حدی که این تخصیص را مخدوش کند، برای یک اقتصاد پرهزینه تلقی می شود.

تصویری که غالبا از رانت جویی در بازارهای مالی در ذهن تجسم می یابد، عمدتا در مورد عملکرد برخی سیاستمداران فاسد در برخی کشورهای در حال توسعه است که پشت درهای بسته درگیر یک معامله مخفیانه با یک مدیر بانکی برای حمایت از یک سرمایه در معرض ریسک میشوند. در این دیدگاه، بازیگران دولتی در اقتصادهای در حال توسعه، انحرافات بازار را به نفع خود ایجاد کرده یا از آنها سوء استفاده می کنند. با این حال، رانت جویی نه به کشورهای در حال توسعه محدود می شود و نه تنها به حوزه کارمندان دولت و بانک ها منحصر می گردد. به طور گسترده تر، رانت‌جویی در بازارهای مالی می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد که هم بازیگران دولتی مانند بوروکرات ها و سیاستمداران و هم بازیگران بازار مانند کارگزاران بورس و مدیران و کارمندان بانک ها و سرمایه داران و سرمایه گذاران را شامل می شود. به جهت مداخله بیشتر دولت ها در بازارهای مالی در کشورهای درحال توسعه، رانت جویی در بازارهای مالی بیشتر بر بازیگران دولتی در اقتصادهای در حال توسعه متمرکز شده است. بررسی های نسبتاً کمی بر نحوه عمل بازیگران بازار به عنوان بازیگران فاسد در اقتصادهای توسعه‌یافته وجود دارد.، علی‌رغم وجود ادبیات گسترده در مورد سیاست‌های منافع ویژه، نقش دولت ها به‌عنوان یک بازیگر ایجاد کننده ی رانت در بازارهای مالی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در طول دوران رونق ، بازار سازان عموماً به عنوان بازیگران بدون رانت در نظر گرفته می‌شوند و این دیدگاه معتقد است که دخالت دولت و مقررات بهتر است در این شرایط در سطح حداقلی نگه داشته شود، زیرا بازیگران دولتی ناکارآمد و مستعد رانت هستند. برعکس، در بحران‌ها ، بازارسازان به عنوان بازیگرانی حریص، درنده و اهل زد و بند و تبانی به تصویر کشیده می‌شوند که از شکست‌های بازار و شرکت‌کنندگان بدآگاه ناآگاه در بازار سوء استفاده می کنند. در همیت رابطه نوآوری های مالی به عنوان تلاش هایی برای مبهم کردن، بهره برداری و حتی ایجاد تحریف و دستکاری در بازار در نظر گرفته می شود که باعث ایجاد رانت برای واسطه های مالی می شود. در چنین مواقعی، (همان) بازیگران دولتی به عنوان ناجی برای تنظیم مناسبات در میان بازیگران فاسد وارد بازار می شوند و مداخله می کنند.این تلقی البته مربوط به کشورهایی است که اصولا بازارهای مالی آن تحت سلطه و کنترل دولت نیست. هرگاه رانت جویی توسط بازیگران دولتی و بازیگران بازار هر دو شدید باشد ، ارزیابی تحولات سخت است.

یکی از رایج ترین انواع رانت در بازارهای مالی ، رانت اطلاعاتی ناشی از آگاهی و تخصص است، اما رانت ترکیبی هم وجود دارد. رانت جویی در بازارهای مالی. تنها منحصر به نفوذ مقامات و سیاستمداران فاسد در برخی از کشورهای در حال توسعه که پشت درهای بسته درگیر یک معامله مخفیانه با یک کارگزار نظام بانکی هستند، نمی شود. اگر چه در این موارد ، رانت غالب است، زیرا بازیگران دولتی در اقتصادهای در حال توسعه، انحرافات بازار را به نفع خود ایجاد کرده یا از آنها سوء استفاده می کنند. با این حال، رانت جویی تنها به کشورهای در حال توسعه محدود نمی شود و تنها حوزه کارمندان دولت را دربرنمی گیرد. لذا به طور گسترده‌تر، رانت‌جویی در بازارهای مالی می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد که هم بازیگران دولتی مانند بوروکرات‌ها و سیاستمداران و هم بازیگران بازار مانند بانک‌ها و سرمایه‌گذاران را درگیر می کند.[۶۶۰]رانت در بازارهای پولی و مالی بی ارتباط با موضوع بانکداری در سایه و بورس و بازارهای مالی در سایه نیست. (بازارهای مالی در سایه مانند بازار سیاه ارز و بازار سیاه سکه و بازارهای غیر رسمی مرتبط).

در دوران رونق ، بازارسازان عموماً به عنوان بازیگران بدون رانت در نظر گرفته می‌شوند، و دیدگاه این است که دخالت دولت و مقررات بهتر است در سطح حداقل نگه داشته شود، زیرا بازیگران دولتی ناکارآمد و مستعد رانت هستند. برعکس، در بحران‌های مالی(مانند بحران اخیر دربازارهای مالی جهانی)، همان بازارسازان به عنوان بازیگرانی حریص، درنده و اهل تبانی به تصویر کشیده می‌شوند که از موارد شکست بازار و عدم آگاهی و آماتور بودن سایر فعالان و شرکت‌کنندگان در بازار سوء استفاده می کنند. بعلاوه نوآوری های مالی به عنوان تلاش برای ایجاد ابهام ، بهره برداری و حتی ایجاد تحریف و دستکاری در بازار در نظر گرفته می شود که باعث ایجاد رانت برای واسطه های مالی همانند کارگزاران بورس و بازار گردانان می شود. در چنین مواقعی، (همان) بازیگران دولتی به عنوان ناجی برای تنظیم بازار و جلوگیری از ادامه روند کار بازیگران فاسد وارد بازار می شوند. به نظر می رسد در شرایط رونق و رکود بازار، تنها نقش بازیگران رانت جو تغییر می کند ، ولی رانت جویی در هردو حالت وجود دارد.[۶۶۱]

مورک و همکاران (۲۰۰۰) دریافتند که کشورهای فاسدتر هماهنگی بیشتری را در تحریک و تحرک قیمت ها در بورس های خود نشان می دهند که نشان دهنده دستکاری قیمت ها است.[۶۶۲]خواجه و میان (۲۰۰۴) شواهد مستقیمی برای چنین دستکاری ارائه می دهند، آنها نشان می‌دهند که کارگزاران برای دستکاری قیمت سهام و ایجاد حرکت مصنوعی در قالب طرح‌های پمپاژ و تخلیه (= مکانیزم وارد کردن شوک های تخلیه با هدف تکاندن جیب

٦٦٠- Asim Ijaz Khwaja & Atif Mian(٢٠١١),Rent Seeking and Corruption in Financial Markets, Annu. Rev. Econ. ٢٠١١. ٣:٥٧٩–٦٠٠

٦٦١ - Ibid.

٦٦٢ - Morck R, Yeung B, YuW.(٢٠٠٠). The information content of stock markets. Why do emerging markets have synchronous stock price movements? J. Financ. Econ. ٥٨:٢١٥–٦٠

سهامداران) شرکت می کنند. این منجر به یک بازار پرنوسان و انتقال قابل توجه وجوه از سرمایه گذاران فعال بازار بورس به کارگزارانی که اقدام به دستکاری قیمت ها می کنند، می شود.[۶۶۳]

فاچیو (۲۰۰۶) نشان می‌دهد که در طیف وسیعی از کشورها، شرکت‌ها ، وقتی که مدیران عامل آنها وارد سیاست می شوند، ارزش کسب می کنند.[۶۶۴] فیسمن (۲۰۰۱) و خواجه و میان (۲۰۰۵) به طور مستقیم ارزش رانت های به دست آمده توسط شرکت های دارای پیوندهای سیاسی در بازارهای نوظهور را تخمین می زنند (بطور نمونه در اندونزی و پاکستان). اگرچه مکانیسم در مورد اندونزی و پاکستان کمتر مشخص است ، اما نشان می‌دهد که شرکت‌های وصل شده با نهادهای سیاسی به دلیل دسترسی بیشتر به منابع اعتباری و اطلاعاتی با بهای کارمزدی کمتری ، از بانک‌های دولتی به شکل وام ترجیحی رانت دریافت می کنند.آنها تقریبا ۴۵ درصد بیشتر از شرکت‌های غیرمرتبط با نهادهای قدرت، وام می‌گیرند و ۵۰ درصد نرخ نکول بالاتری دارند.[۶۶۵]

در ایران به دلیل عدم شفافیت بازارهای مالی و عدم دسترسی مراکز مطالعاتی آکادمیک به داده های لازم جهت انجام مطالعات مشابه، موارد معدودی مطالعه در این زمینه منتشر شده است، اما منابع ژورنالیستی روایت ها، نقل قولها، اخبار و اطلاعاتی کلی در این زمینه به نقل از برخی مقامات مسوول در نهادهای نظارتی منتشر کرده اند که نشان از وجود رانت و فساد گسترده در نظام پولی و مالی درکشور دارد. بطور مثال در خردادماه ۱۴۰۱ در اخبار آمد که یک مقام وزارت اقتصاد ، آمار معوقات بانکی را ۲۷۰ هزار میلیارد تومان اعلام کرد. به رغم شعارهای سیاسی که ابراهیم رییسی در مورد مبارزه با فساد و رانت در ایام انتخابات مطرح می کرد، اما همچنان با گذشت بیش از یکسال از تصدی مسوولیت وی ، وزیر اقتصاد، رییس بانک مرکزی ومقامات در نظام بانکی کشور در اعلام فهرست ابربدهکاران به‌صورت قطره‌چکانی عمل می‌کنند و تاکنون علی‌رغم فشار افکار عمومی و ملت، بخشی از فهرست بلند بالای ابربدهکاران بانکی که سال ها از نکول و تعویق بدهی‌هایشان گذشته، بدهی خود را نمی پردازند و بانک ها نیز توان برخورد جدی با این مساله را ندارند. بعلاوه در ایجاد شرایط بوجود آمده، خود بانک ها ، اعضای هییت مدیره و مدیران عامل بانک ها مصداق همان وصل شدن به نهادهای سیاسی هستند و برای منافع خود، اقتصاد کشور را به یغما می برند. طبق برخی نظرات کارشناسی ، دلایل زیر برای نکول بدهی های بانکی برشمرده شده است :

---

٦٦٣ - Khwaja A, Mian A.(٢٠٠٤). Unchecked intermediaries: price manipulation in an emerging stock market. J. Financ. Econ. ٧٨:٢٠٣–٤١.

٦٦٤ - Faccio M. (٢٠٠٦). Politically connected firms. Am. Econ. Rev. ٩٦:٣٦٩–٨٦.

٦٦٥ -Khwaja A, Mian A. (٢٠٠٥). Do lenders favor politically connected firms? Rent provision in an emerging financial market. Q. J. Econ. ١٢٠:١٣٧١–٤١١; Fisman R. (٢٠٠١). Estimating the value of political connections. Am. Econ. Rev. ٩١:١٠٩٥–١٠٢.

۱ -بانک ها، بدهی معوق تسهیلات گیرندگان بانکی را به همراه جریمه دیرکرد ۶ درصد، در قالب یک بسته تسهیلاتی جدید، به بدهکاران اختصاص می‌دادند و به این ترتیب هم خود را از شر افزایش بدهی‌های مشکوک الوصول و سوخت شده رها می کردند و هم با افزایش سطح دارایی‌ها در ترازنامه، تصویری غیر واقعی از عملکرد خود به نمایش گذاشته اند.

۲ -شوک ارزی و اقتصادی در بازار دلیل دیگر نکول بدهی ها است. درحالی که دریافت کنندگان تسهیلات ارزی درآمدهایشان ریالی است، با نوسانات ارزی و کاهش ارزش ریال ، توان بازپرداخت را از دست می دهند و البته این به شرطی است که همان ارز دولتی را در بازار آزاد به قیمت بالاتر نفروخته باشند، که این خود رانت و فساد دیگری را رقم می زند

۳ -وقتی تورم ۴۰ درصد است و نرخ دریافت تسهیلات ۱۸ درصد که با ۶ درصد وجه التزام مجموعا معادل ۲۴ درصد می شود، عملا، با نرخ بهره منفی در اقتصاد مواجه هستیم که در این شرایط انگیزه اقتصادی برای دریافت وام با هدف سفته بازی در بازار دارایی‌ها و نیز برنگرداندن تسهیلات یک رویه رانت جویانه است.

۴ -ناترازی حسابهای دولت و دستگاه‌های حاکمیتی نظیر تامین اجتماعی و برخی شرکت‌های دولتی علت دیگر عدم بازپرداخت بدهی برشمرده شده است. بطوری که براساس گزارش اخیر بانک مرکزی از فهرست بدهکاران بانکی، شستا[۶۶۶] بیشترین بدهی معوق بانک ملت و شرکت بازرگانی دولتی بیشترین بدهی معوق بانک‌های رفاه کارگران و توسعه تعاون را به خود اختصاص داده اند.

۵ -بانک‌ها سال‌هاست خود بطور مستقیم و اغلب به‌صورت غیرمستقیم وارد فعالیت‌های سوداگرانه اقتصادی شده‌اند. این فعالیت‌ها، که ناظر بر سودآوری‌های سریع و کم‌زحمت است، برای مردم و اقتصادکشور بسیار زیان‌آفرین بوده است. خرید سهام واحدهای بزرگ اقتصادی و یا برخورداری از رانت ها در این بخش به هر بهانه‌ای که باشد، نقش آفرینی بانک‌ها در اعمال مدیریت مبتنی بر سودهای بی‌حساب و کتاب است، که افزایش قیمت محصولات تولیدی این واحدهای بزرگ را در پی دارد که مصادیق پرشمار آن را می‌توان در صنعت خودرو و پتروشیمی و...، یافت. بعلاوه شرکت‌های اقماری تحت پوشش بانک‌ها با روکش شرکتی اقدام به خرید یک‌جا و انبوه تولیدات واحدهای تولیدی و احتکار آن و تزریق تدریجی این محصولات به بازار با قیمت‌های غیرمتعارف می کنند که در ایجاد تورم و فشار بیشتر در جهت کاهش قدرت خرید مردم نقش آفرینی می کنند. بعلاوه بانک ها وارد بازار مسکن و مستغلات شده اند و طبق تازه ترین گزارش رسمی سازمان امور مالیاتی و مرکز پژوهشهای مجلس، چندین هزار واحد مسکونی خالی فقط متعلق به چند بانک است. اخیرا علی رسولیان رئیس سازمان صنایع

۶۶۶ -شرکت هلدینگ سرمایه گذاری متعلق به سازمان تأمین اجتماعی است، که در زمینه مدیریت سرمایه‌گذاری، تجارت و بازرگانی، مدیریت دارایی و مبادلات سهام شرکت‌ها، فعالیت می‌کند.

کوچک و شهرک‌های صنعتی در تیر ماه سال گذشته (سال ۱۴۰۰) گفته بود که قبلاً ۱۶۰۰ واحد بنگاهی از شهرک‌ها و نواحی صنعتی تحت تملک بانک‌ها بود که طبق آخرین آمار اخذ شده از خود شهرک‌ها، با رفع تملک از ۲۰۰ واحد در سال گذشته، همچنان حدود ۱۴۰۰ واحد تحت تملک بانک هاست، که البته همه این ۱۴۰۰ واحد صنعتی غیرفعال نیستند و احتمالا تنها بخشی از این واحدها با ظرفیتی بسیار پایین فعالیت می کنند.[۶۶۷]

ادبیات مرتبط ، بر چگونگی مشارکت شخصیتهای دولتی وام دهنده (و نه تنها وام گیرنده) بر تأمین منابع رانتی تمرکز دارد. این احتمالاً ناشی از دو عامل است . اول –محدودیت های بودجه ای نرم (اینکه مالیات دهندگان در نهایت هزینه وام های نکول شده بخش دولتی را به جای سپرده گذاران می پردازند) و دوم –نفوذ مستقیم سیاسی/اداری دولت بر بانک های دولتی است. کول (۲۰۰۹)، ساپینزا (۲۰۰۴) و دینک (۲۰۰۵) نشان می‌دهند که وام‌دهی بانک‌های دولتی در کشورهای نوظهور (چین، اندونزی، مالزی، ترکیه، روسیه، هند) به طور قابل‌توجهی تحت تأثیر ملاحظات سیاسی است. برای مثال، بانک‌های دولتی وام‌دهی خود را در طول سال‌های انتخاباتی افزایش می‌دهند (کول ۲۰۰۹، دینک ۲۰۰۵)، و اغلب قیمت‌گذاری ترجیحی در مناطق قدرتمند سیاسی مشاهده می‌شود. (Sapienza,۲۰۰۴). نقش دولت به عنوان ارائه‌دهنده رانت نیز می‌تواند به‌عنوان ترجیحی ضمنی‌تر در رفتار با واسطه های مالی و از طریق مقررات مالی نشان داده شود. قهوه ای و دینک (۲۰۰۵) در طیفی از اقتصادهای نوظهور نشان می دهند که بانک های در حال ورشکستگی احتمال کمتری دارد که مجوز فعالیت خود را پیش از انتخابات از دست بدهند ، یا قبل از انتخابات تصاحب شوند تا پس از اتمام انتخابات.[۶۶۸]

جانسون و میتون (۲۰۰۳) استدلال می کنند که کنترل سرمایه وسیله ای را فراهم می کند که از طریق آن شرکتهای دارای ارتباطات سیاسی در مالزی مورد توجه قرار گیرند. فاچیو و همکاران (۲۰۰۶) نشان داده اند که در ۳۵ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه، شرکت‌های مرتبط با نهادهای سیاسی به احتمال زیاد توسط دولت نجات پیدا می‌کنند، به‌ویژه زمانی که کشور کمک‌های چندجانبه دریافت می‌کند. بحران مالی اخیر الگوهای مشابهی را در کمک‌های مالی آشکار کرده است. ایگان و همکاران. (۲۰۱۰) نشان می دهند که بانک هایی که در مورد مسائل مربوط به وام‌های رهنی لابی می‌کردند، نه تنها توانستند وام‌های با کیفیت پایین‌تری (بالقوه) و بیشتری بدهند، بلکه به احتمال زیاد تحت تأثیر (مثبت) کمک‌های مالی بودند.

اگرچه به طور کلی به رسمیت شناخته شده است که فساد در بوروکراسی ها، به ویژه در کشورهای در حال توسعه رایج است ، اما نقش کارمندان دولت و بوروکرات ها به عنوان دریافت کنندگان رانت در بازارهای مالی کمتر مورد

---

۶۶۷ - https://www.bloghnews.com/report/٤٦١٩٣٥ :(۲۷۰ هزار میلیارد تومان معوقات بانکی چگونه بوجود آمد؟)

۶۶۸ - Asim Ijaz Khwaja١ and Atif Mian(٢٠١١),Rent Seeking and Corruption in Financial Markets, Annu. Rev. Econ.٣:pp٥٧٩-٦٠٠.

مطالعه تجربی قرارگرفته است. (بانرجی، ۱۹۹۷ و بانرجی و همکاران ،۲۰۰۹). فقدان نسبی مطالعات تجربی در بازارهای مالی در این مورد شگفت آور است واین حتی شگفت‌انگیزتر هم می شود زمانی که بدانیم برخلاف سیاستمدارانی که ممکن است انگیزه‌های غیرمالی مانند کسب وجه و محبوبیت در رقابت های انتخاباتی عامل حمایت از آنها باشد، بوروکرات‌ها و کارمندان ممکن است بیشتر با انگیزه‌های مالی محض هدایت شوند و شکل پایدارتری از فساد داشته باشند که کمتر تحت تأثیر چرخه‌های جابجایی قدرت و ملاحظات سیاسی مربوطه قرار می گیرد. علاوه بر این، می‌توان سایر بازیگران تأثیرگذار مرتبط با دولت، را تصور کرد مانند مقامات بلند پایه در میان ارگان های نظامی مانند ارتش، که ممکن است تامین کنندگان قابل توجهی از رانت در بازارهای مالی باشند، اما در ادبیات موضوع به مراتب کمتر مورد توجه قرار گرفته اند.[۶۶۹]

در تعدادی از مقالات این پرسش بررسی شده که آیا رقابت انتخاباتی رفتار رانت خواری را محدود می کند یا ترویج می دهد ؟ چند مقاله که بر تأثیر رقابت انتخاباتی بر رانت جویی تمرکز کرده اند، عدم تقارن جالبی را آشکار می کنند. رقابت انتخاباتی زمانی که رانت های مرتبط نشان دهنده منافع خصوصی یک شرکت دارای ارتباطات سیاسی باشد، تمایل به محدود کردن رانت جویی دارد.[۶۷۰] با این حال، زمانی که رانت ها از طریق اعتبار یارانه ای (کول ۲۰۰۹)، یا کمک های مالی (میان و همکاران b۲۰۱۰) به رای دهندگان انتخاباتی تعلق می گیرد، آنگاه رقابت انتخاباتی بیشتر منجر به رانت جویی بیشتر می شود.[۶۷۱]

حمایت از نظام سیاسی حاکم موضوعی است که هم توسط دولت و هم توسط شرکت های حمایتگر در کمپین های انتخاباتی توجیه می شود. شواهد تجربی متعددی در حمایت از ارزش تعهد و ترجیحات ایدئولوژیک وجود دارد. در نهایت، مجموعه ای از مقالات نشان می دهد که واگذاری مالکیت موسسات مالی به بخش خصوصی، میزان رانت جویی را محدود می کند. ساپینزا (۲۰۰۴)، خواجه و میان (۲۰۰۵)، کول (۲۰۰۹)، و دینک (۲۰۰۵) دریافتند که رانت جویی در بخش بانکداری عمدتاً در بانک های دولتی متمرکز است. با این حال، تفسیر این نتایج در معرض نقد لوکاس است. هنگامی که مالکیت همه بانک‌ها به دست بخش خصوصی منتقل می‌شود، عوامل رانت‌جو ممکن است انرژی خود را در عوض از طریق اقداماتی مانند وام‌دهی مرتبط، روی بانک‌های خصوصی متمرکز کنند (لا پورتا و همکاران ۲۰۰۳).[۶۷۲] گوردن تلوک در کتاب خود با عنوان "جامعه رانت خوار" اشاره می کند که اندازه صنعت رانت خواری در ایالات متحده به نظر می رسد خیلی کوچک است.[۶۷۳]

---

۶۶۹ -Asim Ijaz Khwaja and Atif Mian(۲۰۱۱), Ibid.
۶۷۰ - Khwaja A, Mian A. (۲۰۰۵). Do lenders favor politically connected firms? Rent provision in an emerging financial market. Q. J. Econ. ۱۲۰:۱۳۷۱–٤۱۱.
۶۷۱ - Asim Ijaz Khwaja and Atif Mian(۲۰۱۱), Ibid.
۶۷۲ - Ibid.
۶۷۳ - The Rent-Seeking Society.p۵

روابط در هم تنیده ی رانت، رشوه و لابیگری

از زمانی که مداخله دولت در اقتصاد توجیه شد، و دست مریی، به دلیل موارد شکست بازار، جای دست نامریی را گرفت، رانت، لابی گری و فساد بیش از پیش اقتصادها را در معرض تهدید قرار داد. امروز دیگر صحبت برسر این نیست که آیا دولت در اقتصاد دخالت بکند یا نکند؟ زیرا مداخله دولت امری پذیرفته شده است، اما صحبت بر سر این است که دولت باید تا کجا مداخله کند و به سود چه جریانانی ، چه طبقاتی و چه کسانی مداخله کند، که منفعت اکثریت اجتماع را تامین نماید و نه منافع یک اقلیت و گروه خاص. در هرحال در دایره جرایم اقتصادی ، رانت، رشوه و لابیگری[۶۷۴]ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند. لابی به اشتراک گذاری هزینه و همکاری از طریق انجمن های تجاری و ازدحام در مزایای رقابتی اشاره دارد و رشوه خواری از مهمترین عوارض جانبی(اکسترنالیتی) لابیگری است. این جرایم عمدتا توسط یقه سفیدها و کارمندان رده بالای دستگاه های دولتی و مقامات سیاسی و اداری در تبانی و زد و بند و معامله و بده بستان با شرکت های بزرگ ، صاحب منصبان و صاحبان مشاغل و کارفریان بزرگ در بخش خصوصی مطرح می شود. در حالی که لابیگری با اهداف تعقیب منافع جمعی و ایفای نقش نمایندگی از سوی اعضای کنگره و یا مجلس نمایندگان نمی تواند جرم تلقی گردد و مصداق فساد ارزیابی نمی شود، اما اگر این اشخاص برای تامین منافع فردی یا گروهی یا جریان و جناح سیاسی ، فکری و اعتقادی و اقتصادی و اجتماعی خاصی ، و در هرصورت بر خلاف منافع عمومی اکثریت جامعه لابیگری نمایند، مصداق جرم و فساد تلقی خواهد شد. بطور مثال در تبیین سیاست های تجاری و بازرگانی ، بویژه تجارت بین الملل ، حتی زمانی که یک دولت از اقدامات تلافی جویانه کشورهای خارجی به خاطر اعمال موانع تجاری نگران نباشد، مداخله دولت در عمل معمولاً مبتنی بر دانش و اطلاعات جهت دار و یا ناکافی است و توسط گروه‌های ذینفع به رانت و فاسد کشیده می‌شود. گروه های ذینفع خاصی با لابی گری و پول های کثیف ، دولت را وادار می کند که قیمت هر چیزی را که می فروشند ، افزایش دهد یا قیمت هر چیزی را که می خرند پایین بیاورد. مردود شمردن تمام مداخلات خاص ، مؤثرترین راه برای ممانعت از چنین رفتارهای رانت جویانه ای است.[۶۷۵]

در جریان همه گیری کووید ۱۹ خبرمربوط به بدترین نوع لابی گری به جهان مخابره شد. فینشیال تایمز در عنوان خبری خود آورده بود : در شرایطی که موج بیماری و مرگ و میر ناشی از کرونا ویروس در کشورهای فقیر جهان همانند هند و ایران به اوج خود رسیده ، درخواست معلق کردن حق مالکیت معنوی واکسن ویروس کرونا از سوی گروه‌ها و کشورهای مختلف شدت گرفته است. اما در برابر این درخواست‌ها، کمپانی‌های داروسازی آمریکایی و اروپایی بیش از ۱۰۰ لابی کننده را برای جلوگیری از این اتفاق و حفاظت از انحصار خود بر واکسن کرونا بسیج

---

۶۷۴ - Lobbying, Rent seeking, Bribery

۶۷۵ - Narcis Serra and Joseph E. Stiglitz(۲۰۰۲), The Washington Consensus Reconsidered, Towards a New Global Governance ,Oxford university press ,p۱۸٦

کردند. در آن روزها این کمپانی‌های بین‌المللی که به واسطه پاندمی کرونا سودهای چند میلیارد دلاری کسب کرده بودند، به بهانه امنیت ملی آمریکا و برای حفظ حق مالکیت معنوی خود دست به قوی ترین لابیگری زدند. آنها استدلال می کردند که آزادسازی تکنولوژی ام‌آران‌ای که برای ساخت واکسن‌های فایزر، مدرنا و نواوکس استفاده شده، می‌تواند به کشورهایی همانند چین و روسیه امکان کشف و تولید داروهایی را بدهد که در آینده سبب درمان بیماری‌هایی همانند سرطان و ناراحتی‌های قلبی می شوند و در نتیجه این اتفاق انحصار تکنولوژیک این کمپانی‌هادر بازار سلامت از میان خواهد رفت و این بر خلاف امنیت ملی آمریکا خواهد بود.[۶۷۶]

(ناوروکامپوس وفرانچسکو جیوانی، ۲۰۰۶) در مقاله ای با ارائه یک چارچوب نظری و تمرکز بر رابطه بین لابی و فساد ، وضعیت روابط مکملی و جایگزینی آنها را نسبت به یکدیگر بررسی می کنند .آنها نشان می دهند که لابی گری وسیله ای ارجح و مطلوب برای اعمال نفوذ سیاسی در کشورهای ثروتمند و شیوه ای مفسدانه از خرید فرصت و اعمال نفوذ در کشورهای فقیر است. آنها اگر چه بین لابی و فساد تمایز قایل شده اند ، ولی بطور ضمنی پذیرفته اند که لابی در کشورهای فقیر به اقدامات مفسدانه بیشتر تمایل دارد تا نوعی ابتکار عمل کارشناسانه و رایزنی [۶۷۷] برای جلب همکاری مثبت سیاست مداران از طرح و پروژه های اقتصادی. بنابراین تجزیه و تحلیل اثرات مشترک آنها به طور قابل درک نادر است. آنها در همان مقاله همچنین شواهد اقتصادی جدیدی در مورد لابی، فساد و نفوذ با استفاده از داده‌های حدود ۴۰۰۰ شرکت در ۲۵ کشور در حال گذار ارائه می‌کنند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که (الف) لابی و فساد، در صورت وجود، جایگزین هستند. (ب) اندازه شرکت، عمر شرکت، مالکیت، تولید ناخالص داخلی سرانه و ثبات سیاسی عوامل مهمی برای عضویت در لابی هستند. و (ج) به نظر می رسد که لابی ابزاری بسیار مؤثرتر برای نفوذ سیاسی نسبت به فساد باشد، حتی در کشورهای فقیرتر و کمتر توسعه یافته.

(هارستد و اسونسون، ۲۰۰۵) در مطالعه ی خود، مدلی ارائه می دهند که نشان می دهد ، شرکت ها می توانند با لابی کردن با سیاستمداران یا با دادن رشوه به بوروکرات ها نفوذ پیدا کنند. تفاوت در این است که شرکت ها با لابی کردن می توانند سیاستمداران را وادار کنند تا قوانین را به نفع آنها تغییر دهند، در حالی که با رشوه دادن به بوروکرات ها، بنگاه ها فقط می توانند امیدوار باشند که آنها را از اجرای قوانینی که منافع آنها را تهدید می کند و یا هزینه ها و زیان هایی را تحمیل می کند، بازدارند. بنابراین در این چارچوب، فساد و لابی ظاهرا جایگزین یکدیگر هستند. اولین فرض کلیدی در این مقاله این است که در حالی که بوروکراتهایی که رشوه می گیرند نمی توانند متعهد شوند که در آینده دوباره رشوه نخواهند گرفت ولی از آن سوی تغییر در قوانین از طریق لابی گری و با

---

۶۷۶ - https://meidaan.com/come : Financial Times : به نقل از

۶۷۷ – معنای رایزنی در فرهنگ لغت : خبردادن، اگاهی دادن، نصیحت کردن، مشورت دادن، اندرز، نظر، پند، رایزنی، مصلحت، صوابدید، اطلاع رسانی. بر خلاف رایزنی، لابی گری یک عمل سیاسی است که می تواند منافع جمع درآن لحاظ نشود بلکه نظرات و یا منافع یک جریان خواص نافذ گردد.

مداخله سیاستمداران بسیار دشوارتر است. آنها در مطالعه خود به صراحت در مورد تأثیر ثبات سیاسی بحث نمی کنند ، اما در چارچوب مدل خود نشان می دهند ، با افزایش بی ثباتی سیاسی ، لابی گری تاثیرگذاری کمتری دارد. این بدان دلیل است که در هر نظام سیاسی که در آن دولت ها نسبتاً زود به زود تغییر می کنند، هر امتیازی که از دولت کنونی به دست می‌آید، شکننده است و ممکن است توسط سیاستمداران دولت بعدی لغو شود، مگر اینکه دوباره با آنها لابی شود. بنابراین، مشکل فقدان تعهد که به رشوه گیرنده مربوط است به یک مشکل در زمینه لابی گری هم تبدیل می شود.[۶۷۸] با این فرض که لابی و فساد جایگزین یکدیگرند، لابی و فساد باید رابطه منفی داشته باشند و این یعنی اینکه شرکتی که برای اعمال نفوذ به بوروکرات ها رشوه می دهد، باید کمتر در لابی گری شرکت کند. ثانیاً، لابی باید به عنوان ابزاری برای اعمال نفوذ توسط شرکت‌های بزرگ‌تر در کشورهای توسعه‌یافته‌تر اهمیت نسبی داشته باشد، در حالی که احتمال فساد برای شرکت‌های کوچکتر یا شرکت‌های کشورهای کمتر توسعه‌یافته باید بیشتر مطرح باشد.[۶۷۹]

نکته دیگر به اندازه شرکت و میزان نفوذ آنها مربوط است. معمولا شرکت های کوچک به تنهایی نمی توانند در سطح کلان (در سطح مقامات ارشد اجرایی، قضایی و یا نمایندگان در قوه مقننه) لابی کنند و قوانین ، ضوابط و سیاست ها را به نفع خود تغییر دهند، در این موارد اغلب آنها ترجیح می دهند، به ماموران دولتی شاغل دردستگاه بروکراسی رشوه بپردازند تا جلوی اجرای قوانین خاص در مورد آنها گرفته شود ، اما شرکت های بزرگ و غولهای اقتصادی و یا ائتلاف و اتحادیه های متشکل از شرکت های کوچک و متوسط فعال در یک صنعت خاص ، مثلا اتحادیه های صنفی مانند اتحادیه شرکتهای قطعه سازی در صنعت خودرو یا صنعت پلیمر و یا هلدینگ های بزرگ از توانایی و قابلیت لازم برای چانه زنی ، لابی گری و یا حتی فشار بر سیاستگذاران و قانون گذاران در جهت تغییر قوانین به سود خود برخوردار هستند. در این صورت آنها لازم نمی بینند، با پرداخت رشوه به ماموران دستگاه های اجرایی، در جهت منافع خود از اجرای برخی قوانین جلوگیری کنند ، زیرا اساسا قوانین و ضوابط در جهت تامین منافع آنها از طریق لابی گری نوشته می شود. این البته به شرطی است که دولت اجازه شکل گیری اتحادیه ها و تشکل های صنفی در سطحی که قدرت چانه زنی ، لابی گری یا اعمال فشار بر دولت را داشته باشند ، بدهد. براساس شواهد تجربی چنین تشکل هایی معمولا در دموکراسی ها بیشتر امکان ظهور دارد ، تا دولت های توتالیتری که سلطه و حاکمیت خود را بر سایر نهادها مقتدرانه اعمال می کنند و اجازه عرض اندام به تشکل های صنفی و اتحادیه ها را نمی دهند. البته در نظام های اقتصادی مختلط همانند آنچه بر مناسبات سیاسی و اقتصادی ایران حاکم

---

٦٧٨ - Harstad, B. and J. Svensson (٢٠٠٥) “Bribe or Lobby? (It’s a Matter of Development)”. Mimeo. Northwestern University, p ١١

٦٧٩ - Nauro F. Campos & Francesco Giovannoni, Lobbying, Corruption and Political Influence, September ٢٠٠٦. Discussion Paper No. ٢٣١٣. IZA,p٧

است، مافیاهای اقتصادی قدرتمندی هم عرض با دولت و چه بسا قوی تر ازآن شکل گرفته اند که فراتر از منافع و خواست اکثریت مردم و اجتماع ، برای دولت و مجلس ، تعیین تکلیف می کنند.[۶۸۰] فراتر ازآن برخی کارشناسان در ایران معتقدند : در نبود احزاب سیاسی شناسنامه دار و پشتوانه دار، مجلس شورای اسلامی عملا تبدیل شده به یک نهاد لابی گری منطقه گرا، قوم گرا و مفسده انگیز و رانت خوار، در حوزه قانون گذاری و نظارت که تحت تاثیر گروه های فشار داخلی کشور وگاه خارج از کشور مواضع متنوعی را در سیاست و اقتصاد و اجتماع اتخاذ کرده و منافع گروهی خاص را تامین کرده است و حتی نظارت شورای نگهبان هم نتوانسته است، فساد را از این نهاد بزداید، اگر نگوییم چنین مجلس رانت جویی اساسا دستاورد همین سیستم نظارتی در شورای نگهبان است.

(دامانیا و همکارانش، ۲۰۰۵) در دیدگاهی متفاوت از دیدگاه هارستد و اسونسون، معتقدند نوع رابطه میان لابیگری و فساد یک رابطه مکملی است نه جایگرینی. به طور خاص، ایده آنها این است که لابی‌گری برای تغییر قوانین در جهت مطلوب و غیرضروری کردن رشوه انجام نمی‌شود، بلکه برای متقاعد کردن سیاستمداران به سرمایه‌گذاری ناکافی در اجرای قانون و در نتیجه تسهیل رشوه‌دهی انجام می‌شود. این بدان معناست که بر خلاف چارچوب قبلی، شرکت هایی که رشوه دادن به بوروکرات ها را انتخاب می کنند ، احتمالاً از طریق لابی گری نیز اعمال نفوذ می کنند. موضوع ثبات سیاسی بحث را در اینجا پیچیده تر می کند، زیرا در سیستم های سیاسی بی ثبات یا ناپایدار بیشتر احتمال دارد لابی انجام شود. توجیه این است که شرکت‌ها بیشتر از بی‌ثباتی احساس خطر می کنند، زیرا نگران هستند که دولت‌های آینده برای اجرای قانون مشتاق‌تر باشند و از آنجایی که اجرای قانون مستلزم سرمایه گذاری های قابل توجهی است، لابی امروز برای سرمایه گذاری کم در اجرای قوانین در فردای پس از تصویب ، به طور قابل توجهی تلاش های اجرای قانون توسط دولت آینده را تضعیف خواهد کرد.[۶۸۱]

لابی گری مثبت / منفی

رشوه و لابی گری هر دو فعالیتی رانت جویانه هستند، اما این دو تا حدود زیادی و در ابعاد مختلفی متفاوت از یکدیگرند .لابی گری به مفهوم مصطلح آن در بسیاری از کشورها یک فعالیت قانونی و تنظیم شده است، در حالی

---

۶۸۰ – تنها به عنوان نمونه ر.ک به گزارشی با عنوان : لابی گری صنایع خودرو سازی اقتدار محیط زیست را شکست. به نقل از خبرگزاری مهر:
https://www.mehrnews.com/news/۲۱۸۰۲۳۰
همچنین ر.ک. به گزارشی با عنوان : لابی پنهانی خودروسازان برای عقیم سازی واردات به نقل از خط بازار و راه امروز : روایت یکی از نمایندگان مجلس دهم از پشت پرده شکست طرح واردات خودرو:
https://khatebazar.ir/
همچنین رجوع کنید به گزارشی با عنوان " سایه خودروی شاسی‌بلند بر استیضاح وزیر صمت " روزنامه اعتماد از سایت پیشخوان :
https://www.pishkhan.com/Archive/۱۴۰۲۰۲۱۴/۰۲/۱۴۰۲/Etemaad۶۹۱۱۶۹۷۱۰۹۱۰۱۴۹۵۰۵۲۳۵۱۰۷.pdf
https://www.pishkhan.com/Archive/۱٤۰۲/۰۲/۱٤۰۲۰۲۱۰/Etemaad٦٩١١٦٩٧١٠٩١٠١٤٩٥٠٤٨٣٥١٠٥.pdf
https://www.pishkhan.com/news/۲۹٦٤۸۹

٦٨١ -Damania, R., Fredricksson, P.G. and M. Mani (۲۰۰٤), “The Persistence of Corruption and Regulatory Compliance Failures: Theory and Evidence” Public Choice vol. ۱۲۱, pp. ۳٦۳-۳۹۰

که رشوه و ارتشاء این گونه نیست و کاملا غیر قانونی است. بعلاوه تغییر در قوانین در نتیجه لابی گری اغلب بر کل یک صنعت یا یک بخش اجتماع تأثیر می گذارد، در حالی که رشوه دادن و رشوه خواری بیشتر به منافع یک گروه خاص، یا یک شرکت منحصر بفرد اختصاص دارد. به هرحال نمایندگان پارلمانی و بروکراتهای دولتی که به تغییر قوانین و دستورالعمل ها فکر می کند، ممکن است نگرانی های کاملاً متفاوتی نسبت به یک مدیر و کارمند داشته باشد که برای مستثنی نمودن یک شرکت ، رشوه در نظر می گیرد. علاوه بر اینکه لابی گری با رشوه دهی و رشوه ستانی متفاوت هستند، حتی میان انواع لابی گری نیز باید تفاوت هایی قایل شد. نمونه زیر علت این تمایز را آشکار می کند.[۶۸۲] در ژوئن ۲۰۰۴، قانونگذار در تایوان لایحه برجسته اصلاح حقوق بازنشستگی کار را تصویب کرد که سطح مشارکت های کارفرمایان در بازنشستگی و نحوه مدیریت این وجوه را تغییر داد. گروه های ذینفع از صنعت بازارهای مالی، بخش بیمه و اتحادیه های کارگری به شدت با قانونگذار لابی کردند تا بر جزئیات مختلف لایحه تأثیر بگذارند. علیرغم یک کمپین طولانی، سخت و پرمخاطره، هیچ ادعای قابل توجهی مبنی بر فساد در مورد این فرآیند لابی گری از هیچ منبعی ظاهر نشد. اما در وقایع مربوط به تصویب لایحه بحث برانگیز اصلاحات قانون کار توسط پارلمان آرژانتین در سال ۲۰۰۱، می توان یک تضاد کامل با نمونه تایوان را مشاهده کرد. لابی برای تأثیرگذاری بر این لایحه با اتهامات فساد و پیگرد قانونی بسیاری از سیاستگذاران قانونگذاری به اتهام فساد مشخص شد. این اتهامات مستقیماً به تعامل قانونگذار با لابی های تجاری در مورد این لایحه مربوط می شد. رسوایی حاصل تقریباً دولت رئیس جمهور فرناندو دلاروآ را سرنگون کرد. در هر دو کشور، بخش تجاری سهم زیادی در این موضوع تحت عنوان بررسی قانون داشتند و لابی گری شدید بود. اما چرا لابی تجاری منجر به معاملات بسیار فاسد در آرژانتین شد، اما در تایوان چنین نشد ؟ این نتیجه و آثار اقداماتی است که روندهای رایج در هر کشور را منعکس می کند. شرکت‌های تجاری به‌طور مداوم تشکیلات سیاسی و بخش عمومی در آرژانتین را فاسدتر می‌دانند و بیش از شرکت‌های تایوان در سیاست‌گذاری‌های آن تحت تأثیر قرار می‌گیرند. این مثال های متضاد یک معمای جهانی را منعکس می کنند. اگرچه به نظر می رسد ۱-منافع تجاری در همه جا به طور جدایی ناپذیری با سیاست مرتبط است، تعامل سیاسی آنها در برخی کشورها با فساد بسیار بالاتر از سایر کشورها همراه است. این پازل ما را به طرح سه سوال زیر سوق می دهد: چرا برخی از دموکراسی های در حال ظهور سطوح بسیار بالاتری از فساد را نسبت به سایرین تجربه می کنند؟ (دقت کنید ، بحث این نیست که در نظامهای دموکراتیک ، فساد وجود ندارد، بلکه بحث بر سر این است که چرا در برخی فساد کمتر و در برخی بیشتر است.) رفتار گروه های ذینفع تجاری

۶۸۲ -Bârd Harstad & Jakob Svensson(۲۰۱۱),Bribes, Lobbying, and Development, American Political Science Review, No. ۱ February ۲۰۱۱

چگونه با فساد سیاسی مرتبط است؟ چگونه نهادهای قانونگذاری حاکم بر فرآیند سیاست گذاری، فساد را از طریق قوانین تعاملی که برای بازیگران سیاسی و تجاری ارائه می کنند، ترویج یا مهار می کنند؟ [۶۸۳]

نفوذ و لابی گری در روند عفو و بخشودگی مجرمان و مفسدان کلان اقتصادی

گزارش ها و داده های متعدد در سطح جهانی نشان می دهد نه تنها در کشورهای اقتدارگرا و یا دارای رهبری خودکامه و دولتهای غیر دموکراتیک ، بلکه حتی در رژیم های دموکراتیک دارای نظام ریاستی مانند ایالات متحده آمریکا، رهبران کشورها، روسای دولت ها و رییس جمهورها از اختیارات قانونی خود برای عفو و بخشودگی مجازات محکومان در موارد مختلف سو استفاده نموده و یا تحت نفوذ جریانات سیاسی نزدیک به خود و یا با توصیه و سفارش اطرافیان مورد اعتماد خویش ویا براساس تمایلات و قضاوت خودشان و خارج از چارچوب های حقوقی و قضایی، افراد یا گروه هایی را مورد عفو و بخشودگی و تخفیف مجازات و یا منع تعقیب و مجازات قرار داده اند. درست پس از روز ولنتاین در سال ۲۰۲۰، دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا تعدادی از مجرمان و جنایتکاران با نفوذ و ثروتمند را عفو کرد. تخلفات آنها، عبارت بود از رشوه، تقلب در سرمایه گذاری، فرار مالیاتی، کلاهبرداری در حوزه دارو و سلامت ، فساد عمومی، هک کامپیوتر، پوشش اخاذی وکارچاق کنی، پولشویی، توطئه برای کلاهبرداری از دولت فدرال، ممانعت از اجرای عدالت، کلاهبرداری های پستی و سیمی. اعلامیه رسمی کاخ سفید بدون اشاره به نوع جرایم و جنایت این یقه سفیدها، چهار بار ، کلمه "موفق" را برای توصیف این "قانون شکنان نخبه"، بکار برد ، اما هیچ اشاره ای به مردم عادی که قربانی آنها شده اند نکرد. [۶۸۴]

در ایران اگر چه اغلب پرونده های رسیدگی به اتهامات کلان اقتصادی با عدم شفافیت همراه است و در کمتر مواردی موضوع بطور شفاف از طریق رسانه های رسمی اطلاع رسانی می گردد و به همین دلیل شایعات بیش از واقعیت ها دست به دست می شود، ولی طی یک دهه اخیر، موج مفاسد و تخلفات مالی و جرایم کلان اقتصادی مقامات بلندپایه به قدری افزایش یافته که بارها نظام قضایی تحت فشار افکار عمومی و افراد صاحب نفوذ مواردی را رسانه ای کرده است. همچنین در مواردی مقامات صاحب نفوذ سعی کرده اند، خارج از روال سیستم قضایی، مستقیم یا غیر مستقیم از طریق بیت رهبری و یا با واسطه و بی واسطه به شخص رهبر انقلاب نزدیک شده و از اختیارات قانونی و ویژه ایشان در مورد عفو و تخفیف مجازات متهمان به نفع اشخاص و گروه هایی بهره برداری نمایند و در مواردی نیز این اعمال نفوذ ها، اثرگذار بوده است. در اینجا تنها به ذکر آن مواردی که رسانه ای شده است، بسنده می گردد. براساس اخبار موثق منتشر شده توسط رسانه های رسمی داخل کشور رهبر جمهوری اسلامی در موارد گوناگون در روند دادرسی و مجازات و محکومیت مقامات و افراد پر نفوذ و دارای موقعیت ویژه در

---

۶۸۳ - Ibid

۶۸۴ - Taub, Jennifer (۲۰۲۰), Big dirty money, Penguin Random House LLC ,p 7.

کشور مداخله مستقیم نموده ویا سفارش های ویژه کرده اند. در یک مورد ولی الله سیف رییس بانک مرکزی و عراقچی معاون ارزی او به جرایم شغلی مرتبط با سو عملکرد در وظایفشان محاکمه شدند و حکم ده سال حبس دریافت کردند. اشخاصی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت با سفارش و اعمال نفوذ، به شخص رهبر انقلاب که دارای اختیارات ویژه قانونی در عفو و تخفیف مجازات محکومین اقتصادی هستند، متوسل شدند و ایشان، تاکید ویژه کردند که پرونده این آقایان بررسی شود وتخفیف مجازات داده شود، بلافاصله چند روز بعد، کل محکومیت آنها منتفی گردید و حکم تبرئه دریافت کردند.؟!! در مورد تعقیب قضایی متهمان پرونده فساد مالی کلان در وزارت نفت ، در زمان تصدی رستم قاسمی، رهبر جمهوری اسلامی شخصا در فرایند تحقیقات و رسیدگی قضایی مداخله نمودند و خط قرمز برای دادگاه تعیین کردند و به نظام قضایی و قضات تاکید کردند که مصلحت نیست ، پای وزیر به دادگاه و پرونده های فساد کشیده شود؟! همچنین در پرونده فساد کلان در قوه قضاییه در زمان ریاست شیخ صادق لاریجانی، و معاونت اداری و مالی آن دستگاه، با آنکه شائبه تاثیر گذاری جریانات سیاسی نیز وجود داشت، با ملاحظاتی که بیت رهبری و شخص رهبر انقلاب نسبت به موضوع داشتند، رییس قوه قضاییه از مسولیت فساد کلان در یکی از معاونتهای خود تبرئه شدند و معاون اداری و مالی آن دستگاه بنام اکبر طبری، با آنکه مورد محاکمه قرار گرفته و محکوم شده بودند، در نهایت پس از مدت کوتاهی اخبارآزادی او از زندان در رسانه های رسمی مطرح شد.

لابی گری، رانت جویی و سرمایه اجتماعی

برخی نظام های سیاسی اصولا سرمایه اجتماعی و اعتباری که کسب کرده اند را نقد نمی کنند و نمی فروشند، بلکه به عنوان پشتوانه نگه داری می کنند، اما برخی دیگرآن را ارزان می فروشند و برخی گران تر می فروشند. نتایج تعدادی از مطالعات اخیر نشانگر رابطه نزدیک فساد با سرمایه اجتماعی است. تعریف سرمایه اجتماعی به عنوان "هر چیزی" مانند اعتماد، همکاری یا هم افزایی که در شبکه‌ها و روابط اجتماعی وجود دارد، فاقد دقت است. با این وجود، رابینسون و همکاران. (۲۰۰۲) استدلال می کند که برخی از ویژگی های شبیه به سرمایه در روابط اجتماعی یا روابط عمومی وجود دارد. شولر (۲۰۰۷) بیان می کند که سرمایه اجتماعی باید در تعامل با عناصر دیگر مانند پیوند و پل زدن سرمایه اجتماعی با سرمایه انسانی و فرهنگی دیده شود. واقعیت این است که سرمایه اجتماعی به لحاظ مفهومی نزدیکی گیج کننده ای با سرمایه فرهنگی و انسانی دارد. "سرمایه اجتماعی و اعتماد، بسیار سیستمی هستند، با مکملی قوی بین منابع مختلف قابلیت اطمینان، در نهادها و روابط فردی، و در نتیجه، پُرکننده فقدان چنین منابعی" (Nooteboom,۲۰۰۷،۱۶). این عوامل اجتماعی و فرهنگی هر چه که هستند تأثیرات قوی بر

رفتارهای رانت جویانه و فساد بنگاه ها دارند. اما متاسفانه این عوامل اجتماعی اغلب مورد غفلت قرار می گیرند.[۶۸۵] بی شک نمایندگان پارلمان و مقامات ارشد اجرایی در دولت و مدیران دستگاه های دولتی و هیئت مدیره شرکت ها و غیرو هریک به فراخور جایگاه و رای اعتمادی که از شهروندان یا سهام داران یا مقامات بالاتر از خود کسب کرده اند، برای خود نوعی سرمایه اجتماعی قایل هستند. ورود این اشخاص در فرایند لابی گری با بخش های مختلف جامعه، حایز پیامدهایی برای آنها خواهد بود. این افراد در ازای دریافت چه میزان منافعی، حاضرند، این سرمایه اجتماعی را بکار اندازند؟ این پرسشی است که در قالب الگوهای رفتاری لابی گری راجع به آن بحث ، تحلیل و اظهار نظر می شود. گاهی اساسا این سرمایه اجتماعی یا پشتوانه آن ، یعنی رای اعتماد در ازای وعده های داده شده و یا در ازای پول هزینه شده است. ایجاد سرمایه اجتماعی با خرید رای!! یکی از رایج ترین این ترفندهاست. بنابراین موضوع سرمایه اجتماعی، فساد و لابیگری تنها از یک زاویه قابل بررسی نیست ، بلکه از زوایای مختلف می بایست مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. بطور نمونه اقدامات رئیس جمهور ژاک شیراک در فرانسه و رئیس جمهور رو تائه وو در کره جنوبی نمونه ای از آنهاست. این رهبران ادعا کردند که وجوه غیرقانونی که جمع آوری کرده اند به نفع احزاب مربوطه آنها بوده است (فردیناند ۲۰۰۳، ۶۶)، اما اقدامات آن‌ها شامل جمع آوری پول برای تامین هزینه های کمپین انتخاباتی ، از طریق وعده‌های غیرقانونی کمک‌های سیاسی بود که می بایست با استفاده از طرق قانونی در آینده تحویل داده میشد. موارد مشابه در این باره زیاد است. در ایران ، طی سالهای اخیر در انتخابات شوراها و انتخابات مجلس، و یا در روند تشکیل کابینه توسط دولت ها موارد متعددی گزارش در باره خرید و فروش رای به مراجع ذیربط ارائه شده است. اخیرا نیز اخبار و گزارشهایی از تلاش برخی مقامات در دولت های پیشین و فعلی به منظور جلب رای اعتماد نمایندگان جهت تصاحب کرسی برخی وزارتخانه های مهم در رسانه های رسمی داخلی شنیده شد. چندی پیش، سعید حجاریان در مصاحبه با رجانیوز اعلام کرد ، در دولت... یکی از وزرا میان معاونین خود تقسیم کار کرد و به آنان ماموریت داد که با نمایندگان لابی کند تا رای اعتماد آنها را بخرند.[۶۸۶]

ازآنجا که فساد حتی در دموکراسی ها هم وجود دارد، و بویژه در دموکراسی های پایدار نوعا فساد سیاسی بیش از فساد اداری است ولی در دموکراسی های نوظهور هر دو نوع فساد سیاسی و فساد اداری بطور توامان وجود دارد، اولین سوال این است که چه چیزی باعث ایجاد تنوع در سطوح فساد در دموکراسی های در حال ظهور و در کشورهای در حال توسعه می شود. یکی از مهم ترین عناصر بالقوه ، درک سیاست منافع تجاری و پتانسیل آن برای

---

۶۸۵ - Abbas Khandan, Lobbying, Bribery, and Compliance: An Evolutionary Model of Social Factors, Iran. Econ. Rev. Vol. ۲۲, No. ٤, ۲۰۱۸. pp. ۹٥٦ - ۹۸۹

٦٨٦ - https://www.rajanews.com/news/۲۷٥۰۳۳/(سه شنبه ۲۴ مرداد ۱۳۹۶)

افزایش فساد در یک کشور است. مطالعات در حوزه سیاست و مالیه، افزایش نقش تجارت به عنوان مهمترین منبع فساد سیاسی در کشورهای سراسر جهان را تأیید می کند. این پیوند و ارتباط عمیق تجارت با فساد سیاسی باعث تاسف فراوان در محافل دانشگاهی، مردمی و سیاستگذاری شده است. همچنین الهام بخش سرمایه گذاری قابل توجهی توسط سیاست گذاران بوده است.آژانس های همکاری بین المللی و موسسات چندجانبه برای توسعه اقداماتی برای رسیدگی به این مشکل ترتیب داده اند؛ با این حال، یک چارچوب تئوریک سیستماتیک برای درک شرایط و موقعیتی که تأثیر جستجوی رفتار سیاسی تجارت منجر به فساد کم و یا زیاد می‌شود، وجود ندارد. این مساله ما را به طرح یک سوال اساسی تر سوق می دهد : بر چه اساسی گروه های ذینفع تجاری استراتژی های سیاسی را برای تعامل و لابی گری با سیاست گذاران در سیستم های سیاسی مختلف توسعه می دهند؟ با کمال تعجب، این واقعیت که چرا بیشتر لابی های تجاری توسط نهادهای قانونگذار صورت می گیرد و اینکه چنین لابی گری هایی می‌تواند به طور بالقوه بر فساد تأثیر بگذارد مورد بحث قرار داشته است. ادبیات مربوط به فساد و لابی های قانونی تا حد زیادی از یکدیگر صحبت می کنند.

همزیستی سیاستمداران و بازرگانان و تجار در دنیای آزاد که به حاکمیت اقلیت ۲ درصدی و به قیمت فقر و تهیدستی اکثریت ۹۹ درصدی انجامیده، گزینه های رقیب را برای به چالش فراخواندن نظم لیبرال دموکراسی به میدان آورده است. هم اکنون روسیه و چین به عنوان کشورهایی که ساز مخالف در جهان آزاد می نوازند و مدعی رهبری دنیای ناهمسو با ارزش های نئولیبرالیسم و لیبرال دموکراسی در غرب هستند ، با استقبال یا دنبال روی کشورهایی همچون ایران و برخی کشورهای مشترک المنافع در ائتلافی بین المللی، برای تاسیس نهادهای پولی و مالی موازی و مشابه با صندوق بین الملل پول و بانک جهانی، و در عین حال در رقابت با آن نهادها، تلاشی مضاعف را شکل داده اند. از جمله ی آن تلاش ها می توان به ابتکارکمربند– جاده (BRI)[۶۸۷] از سوی دولت چین اشاره کرد. این کشور همچنین سازمان همکاری های شانگهای را در رقابت و موازی با سازمان تجارت جهانی راه اندازی کرده است. برخی کارشناسان معتقدند ایجاد نهادهای موازی و گزینه‌های جایگزین، تلاش برای خنثی کردن راهبردها و سیاستهای سازنده بانک جهانی وتضعیف وتخریب جایگاه نهادهای بین المللی همچون بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی است.آنها معتقدند این اقدامات ، تلاشهای بانک جهانی برای گنجاندن استانداردهای ضد فساد، کار و محیطزیست در اعطای وام به کشورهای در حال توسعه را کم اثر می کند. برخی ارزیابی ها نیز نشان می دهند که با رسیدن BRI به سالگرد ۵ ساله خود در اواخر سال ۲۰۱۸، ۱۴ درصد از پروژه های آن (که ۳۲ درصد ارزش پروژه جهانی BRI را تشکیل می دهد) به نوعی با مشکل مواجه شده و بسیاری از پروژه های BRI با عقب نشینی محلی ناشی از تاخیر در عملکرد ، فقدان مشارکت نیروی کار محلی، و شرایط غارتگرانه وام پروژه —از

---

۶۸۷ - Belt and Road Initiative

جمله در دولت های دوست مواجه هستند.[۶۸۸] آنچه مسلم است فساد در سطح سیاسی در هر جبهه و جریان ایدئولوژیک جهانی با به خطر انداختن حمایت نخبگان اقتصادی، تداوم و موفقیت اصلاحات اقتصادی را با چالش هایی مواجه می کند. شرکت‌های داخلی و خارجی فساد را به‌عنوان یک محدودیت بزرگ‌تر برای تجارت فهرست می کنند تا زیرساخت یا بوروکراسی. (مجمع جهانی اقتصاد ۲۰۰۴–۰۵، ۸۵).

پیامد فساد و سیاستهای پر مفسده در سطح ملی و بین المللی فقر و نابرابری گسترده بوده است. گزارش عمق و گسترش فقر در سطح جهانی برای سال ۲۰۰۴ نشان می داد ، نزدیک به یک میلیارد از جمعیت جهان با کمتر از یک دلار در روز زندگی می کنند و ۲,۷ میلیارد نفر با کمتر از ۲ دلار در روز زندگی می کردند. (چن و راوالیون، ۲۰۰۴). این یعنی بیش از یک سوم جمعیت جهان در فقر مطلق زندگی می کنند. واقعیت ها نشان می دهد، از سال ۱۹۸۰ تاکنون تعداد مطلق افراد فقیر کاهش نیافته است. با گذشت دو دهه از تجارب پر هزینه در سطح جهان، انتظار این بود که برای سال ۲۰۲۳ یعنی سالی که درآن قرار داریم وضعیت بهتر شده باشد، اما بررسی روند ها ، واقعیت های دردآوری را نشان می دهد.

در سال ۲۰۱۰، آکسفام[۶۸۹] گزارش داد که ۳۸۸ نفر از ثروتمندترین افراد جهان دارای ثروتی بیش از کل نیمه پایینی جمعیت جهان هستند –گروهی که حدود ۳,۳ میلیارد انسان را شامل می شود. در آن زمان، این یک آمار شگفت‌انگیز در نظر گرفته می‌شد و در سرتاسر جهان گزارش شد. اما در سال های پس از آن، این مشکل باز هم بدتر شده است. در ژانویه ۲۰۱۷، آکسفام اعلام کرد که گروه فوق ممتازی که دارای ثروتی بیش از نیمی از جمعیت پایین جهان است، به هشت نفر کاهش یافته است، این در حالی است که تعداد جمعیت در نیمه پایین درآمدی به حدود ۳,۶ میلیارد نفر افزایش یافته است.[۶۹۰]

هنگامی که شرکت های چندملیتی برجسته مانند زیمنس، آلکاتل و هالیبرتون در رشوه دادن به سیاستمداران و احزاب محلی دخیل هستند، حمایت از اصلاحات بازار و جهانی شدن به طور جدی در میان آنها آسیب می بیند. شرکت های داخلی ، امکانات لازم برای رقابت یا برای دسترسی یا نفوذ سیاسی هم سطح با شرکت های چند ملیتی ثروتمند را ندارند. اما شرکت‌های چند ملیتی هزینه های دستمزد بالاتری دارند، زیرا انجام تجارت در کشورهای فاسد به دلیل لزوم پرداخت رشوه، پر ریسک و هزینه بر بوده و بعلاوه آنها با خطر بیشتری برای پیگرد قانونی برای

---

۶۸۸ - Thomas F. Lynch III (editor),Strategic Assessment ۲۰۲۰, National Defense University, Institute for National Strategic Studies , Washington, D.C. p۸۹.

۶۸۹ -آکسفام یک کنفدراسیون بین المللی متشکل از هجده غیرانتفاعی است و سازمانی است که بر کاهش فقر جهانی متمرکز هستند.ر.ک به :

Muhammad Yunus & Karl Weber(۲۰۱۷), A world of three zeros : the new economics of zero poverty, zero unemployment, and zero carbon emissions, Perseus Books, LLC,p ۱۱

۶۹۰ - Just۸ Men Own Same Wealth as Half the World," Oxfam International ,https://www.oxfam.org/en/pressroom/pressreleases/۲۰۱۷–۰۱–۱۶/just-۸-menown-same-wealth-half-world.

چنین رفتارهای فاسدی در کشور خود و کشور میزبان مواجه هستند. بنابراین، درک انگیزه هایی که گروه های تجاری را به لابی برای نفوذ با استفاده از ابزارهای غیرقانونی سوق می دهد، برای ایجاد یک ائتلاف قوی در حمایت از اصلاحات، اجرای اصلاحات اقتصادی پایدار، و ایجاد ابزارهای منصفانه، کارآمد و مشروع برای نمایندگی در برابر منافع تجاری معدودی از ذینفعان مهم است.

در نهایت، نقش مهم و فزاینده تجارت در تامین مالی سیاست در سراسر جهان، درک زیر بنای فساد سیاسی و نقش تجارت در آن را به یک موضوع فوری امروزی تبدیل می کند که اهمیت رو به رشدی دارد. مطالعات نشان می دهد که کاهش عضویت در احزاب و فقر گسترده به طور فزاینده ای از اهمیت اعضا و حامیان مردمی به عنوان منابع درآمدی برای احزاب و نامزدها در اکثر کشورهای در حال توسعه کاسته است و ثابت شده است که بودجه دولتی در رفع این شکاف ناکافی است (هاگوپیان ۲۰۰۹؛ برایان و بائر ۲۰۰۵)، ، ۱۰، ۲۱؛ آستین و تجرنستروم ۲۰۰۳، ۸). این روند کاهش منابع جایگزین وجوه در دنیایی با افزایش هزینه‌های سیاسی نشان‌دهنده اهمیت استراتژیک فزاینده کمک های مالی تجاری در سیاست است. تلاش برای جلوگیری از استفاده نامشروع و بیش از حد از این افزایش قدرت می بایست با درک این موضوع آغاز شود که چه چیزی در وهله اول رفتارهای جستجوی نفوذ کسب و کار را تعیین می کند. این وظیفه همچنین با این واقعیت ضروری همراه است که ارتباط گسترده جامعه تجاری با فساد منجر به بیزاری فراگیر از هرگونه دخالت تجارت در سیاست یا دولت و هجوم مقررات بد استاندارد شده برای مهار لابی کردن شده است.

بطور گسترده اعتقاد بر این است که این اقدامات در هدف خود برای مهار فساد و ایجاد شفافیت در تعامل سیاسی برای کسب منافع تجاری شکست خورده اند. متأسفانه، آنها همچنین از دستیابی به مزایای مثبت لابی تجاری جلوگیری کرده اند. گروه های تجاری می توانند اطلاعات و تخصص فنی و سیاسی ارزشمندی را در اختیار سیاست‌گذاران قرار دهند، افکار عمومی را اطلاع‌رسانی و بسیج کنند، و حمایت یا مخالفت اعضا را در مورد مسائل سیاست بسیج کنند (۱۹۹۹Norton; گری و لوری ۲۰۰۴; ۲۰۰۶Nownes; OECD ۲۰۰۸، ۱۸). آنها می توانند پیوندی حیاتی بین سیاست گذاران و کسانی که بیشترین تأثیر را دارند و از پیامدهای سیاست مطلع هستند، به ویژه در زمینه اصلاحات اقتصادی امتحان نشده، فراهم کنند. بنابراین، لابی تجاری مشروع می تواند به سیاست گذاری بهتر منجر شود. همچنین می تواند رقابت سیاسی برنامه ای را تشویق کند و امکان نظارت بهتر شهروندان بر عملکرد دستگاههای سیاستگذاری را فراهم کند، بنابراین مسئولیت‌پذیری سیاسی بالاتری ایجاد می کند. علاوه بر این، مشارکت سیاسی و حمایت از این حوزه تاثیرگذار می تواند تفاوت قابل توجهی در ثبات رژیم های سیاسی ایجاد کند. بنابراین، بسیج کسب و کار و لابی کردن برای یک سیستم اقتصادی و سیاسی که در جهت منافع عمومی جامعه کار می کند، مطلوب و حیاتی است.

دولت رانتی یا رانتیر

با درک عوارض منفی رانت جویی برای یک نظام سیاسی و اجتماعی ، خطرناک ترین وضعیت برای یک جامعه، زمانی است که آن جامعه با یک دولت رانتیر مواجه باشد و به تعبیری یک دولت رانتیر زمام امور جامعه را در دست داشته باشد. دولت رانتیریسم، دارای دو مشخصهٔ عمده است. نخست این که رانت در کنترل نخبگان حاکم است و دوم اینکه نخبگان حاکم از این رانت برای جلب حمایت و کنترل جامعه استفاده می کنند تا ثبات سیاسی دولتی را محفوظ بدارند که حامی منافع آنهاست.(حاجی یوسفی، .۱۵۳ : ۱۳۷۶) تأثیر عمدهٔ کسب مقادیر عظیم رانت بر دولت زمانی قابل رؤیت است که دولت دریافت کنندهٔ مستقیم و تنها دریافت کنندهٔ رانت باشد. نخبگانی که بر اریکهٔ قدرت تکیه زده اند، اگر از قدرت انحصاری برای کسب و توزیع رانت برخوردار باشند، فساد و لابی گری سکه رایج می شود. این قدرت انحصاری به دو علت به وجود می آید. نخست اینکه دسترسی دولت رانتیر به مقادیر عظیم رانت موجب تقویت بی نیازی، استغنا و استقلال آن از بدنه جامعه می شود . این استقلال باعث می شود دولت قدرتِ انحصاری به دست آورد و در اتخاذ و اجرای سیاست های خود نیاز به مراجعه به آرای عمومی و جلب نظر اکثریت برای اجرای طرح و برنامه های خود را ندارد و بعلاوه مصلحت نظام و منافع جامعه را بر طبق تشخیص خودش پیش می برد و نه برمبنای خواست اکثریت و عموم افراد جامعه و یا جلب رضایت عامه یا جلب آرای عمومی . دولت رانتیر ضرورتی برای پاسخگو بودن در قبال هزینه کرد منافع رانتی نسبت به جامعه نمی بیند. دوم اینکه نخبگانی که رانت را در اختیار دارند، میتوانند از آن برای جلب همکاری و حمایت دیگر گروهها و نخبگان در جامعه استفاده کنند و معمولاً چنین می کنند. بنابراین، نخستین تأثیر عمده رانت بر دولت این است که استقلال آن را در برابر جامعه افزایش می دهد و دولت به علت دارا بودن قدرت انحصاری در استفاده از رانت، از آن برای حفظ و تداوم قدرت انحصاری خویش استفاده می کند(حاجی یوسفی، ۱۵۳.۱۳۷۶ :) دولت رانتیر برای کسب و حفظ مشروعیت خود به سمت تنظیم مناسبات خود با دیگر گروه ها ، اغلب در قالب و شکل پاتریمونیالیستی یا نئوپاتریمونیالیستی پیش می رود و از ارتباطات تبارسالاری، خانوادگی و خویشاوندی آشکارا استفاده می شود تا از افراد حامی دولت رانتیر حمایت شود.این حامی پروری می تواند به شکل اعطای امتیازات، موقعیت ها و مشاغل عالی رتبه، وامهای بدون بهره و دیگر مواهب و مزایا باشد. در واقع، دولت با استفاده از رانت میتواند حمایت اکثر نخبگان غیرحاکم و گروههای موثر و پر نفوذ جامعه از دولت رانتیر را تضمین و در نتیجه از بروز هرگونه چالش نسبت به قدرت دولت رانتیر جلوگیری کند و از تداوم بقای خودش اطمینان حاصل کند.[۶۹۱]

---

۶۹۱ – حاجی یوسفی، امیرمحمد(۱۳۷۸) ، دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران. تهران :مرکز اسناد انقلاب اسلامی. صص ۳۹–۴۰

آن دسته از پژوهش هایی که وضعیت رانت و فساد در کشورهای منطقه خاورمیانه و شما آفریقا (منا)[۶۹۲] را بررسی کرده اند، ویژگی های حاد و منحصر بفردی را برای آنها برمی شمرند. وضعیتی که در اغلب کشورهای نفت‌خیز این منطقه قابل مشاهده است، رابطه معکوس بین وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی است که در ادبیات توسعه، به عنوان پدیده نفرین منابع[۶۹۳] نام گرفته است که به دلایل متعددی مانند افزایش واردات بی‌رویه، ناپایداری درآمدهای دولت، شکاف روابط بین دولت –ملت در این کشورها ، ایجاد رانت منابع طبیعی و ... به وجود آمده است.[۶۹۴] مطابق مطالعات اندرسون (۱۹۸۷) و ببلاوی و لوسیانی(۱۹۹۰) کشورهای تولیدکننده نفت منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا شامل عربستان سعودی، امارات متحده عربی، عراق، ایران، کویت، قطر و لیبی که از اعضای اوپک به شمار می‌آیند، در زمره دولت‌های رانتیر قرار دارند.[۶۹۵] اما تئوری نفرین منابع در مورد تمام این کشورها صادق نیست. کشورهای عربستان سعودی، کویت، قطر، امارات متحده عربی، با اتکاء بر درآمد های سرشار نفت و منابع انرژی، رشد اقتصادی بالایی را تجربه کرده و می کنند و شهروندان آنها از رفاه و سرانه درآمدی بالایی برخوردارهستند، اما کشورهای لیبی، عراق، ایران، بعلاوه الجزایر و نیجریه به رغم برخورداری از منابع غنی انرژی و منابع طبیعی، وضعیت اقتصادی اسفباری دارند. تورم بالا ، بیکاری بالا و رشد اقتصادی پایین. این کشورها اخیرا علاوه بر نفرین منابع، دچار نفرین مذهبی شده اند. منظور از نفرین مذهبی، گرفتارآمدن این کشورها در چنگال ایدئولوژی اسلام سیاسی، گروه های افراط گرای جهادی و گروه های تروریستی است. ویژگی منحصر بفرد کشورهای اخیر "رانتیریسم اسلامگرا" یا "دولت اسلامگرای رانتیر" است. دولت هایی که هم رانتی هستند و هم تحت نفوذ اسلامگرایی افراطی. این پدیده ای است که موضوع پژوهش (کورتنی فرر،۲۰۱۸) در کتابی با همین عنوان است.[۶۹۶] دولت‌های نفت‌خیز در خلیج فارس مدت‌ها تحت تسلط نظریه دولت رانتی بوده اند. وی تلاش می‌کند سیاست داخلی این کشورها را با ویژگی اصلی اقتصادی آنها به عنوان دریافت‌کنندگان رانت نفتی قابل توجه توصیف کند. به همین ترتیب، وی نشان می دهد نظریه‌های اسلام سیاسی عمدتاً در پی ریزی جنبش‌های اسلام‌گرایانه در پادشاهی‌های رانتی و شیخ نشین های خلیج‌فارس شکست خورده‌اند، و در عوض بر کشورهایی مانند الجزایر، مصر

---

۶۹۲ - Middle East and North Africa (MENA)

۶۹۳ - Resource Curse

۶۹۴-ابراهیمی، محسن، سالاریان، محمد (۱۳۸۸). بررسی پدیده نفرین منابع طبیعی در کشورهای صادرکننده نفت و تأثیر حضور در اوپک بر رشد اقتصادی کشورهای عضو آن، فصلنامه اقتصاد مقداری، ۶ (۱): ۷۷-۱۰۰.

۶۹۵ - مهدی ادیب پور و سینا کرباسی زاده(۱۳۹۷)، رانت نفتی و فساد در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، فصلنامه مدلسازی اقتصادی،سال ۱۲، ش۴، صص ۴۷-۷۲

۶۹۶ - Courtney Freer(۲۰۱۸),Rentier Islamism :The Influence of the Muslim Brotherhood in Gulf Monarchies, Oxford University Press

و اردن و کشورهای لیبی، عراق، ایران و اخیرا نیجریه تمرکز کرده‌اند که از لحاظ تاریخی فضای بیشتری را برای فعالیت و مشارکت سیاسی نهادینه کرده‌اند.[۶۹۷]

در کشوری مانند بحرین ، برخلاف تمرکز اقتصاد سیاسی توسط جنبش‌های چپ‌گرا و ناسیونالیست عرب که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بر صحنه سیاسی مخالفان در کشورهای عرب نفت خیز تسلط داشتند. یکی از خواسته های اصلی اقتصادی مخالفان دولت، صرفاً پایان دادن به تبعیض فرقه ای در تخصیص رانت است. تصورات از فساد، به ویژه در مقیاس وسیع و بزرگ در خصوصی سازی اراضی ملی یا عمومی و همچنین سوء مدیریت و عدم شفافیت اقتصادی از عمده شکایات کلیدی هستند. برخی از منتقدان مخالف معتقدند که کل مدل اقتصادی مبتنی بر رانت باید تغییر کند و برخی کویت یا قطر را نمونه‌های بهتری از توزیع رانت می‌دانند و اساساً به جای اعتراض به ماهیت رانت‌داری توسط دولت نسبت به نحوه توزیع رانت ها در میان یک گروه بسیار محدود شکایت دارند.[۶۹۸]

ناآرامی و بی ثباتی از دیگر ویژگی های کشورهایی است که دارای دولتهای رانتیر هستند.خصوصا این مساله در مورد کشورهای نفتی خاورمیانه ای بیشترخود نمایی می کند. گروه‌های مخالف و منتقدی که اعتراضات ملایم‌تر دارند، از دولت می‌خواهند که به تبعیض و فساد رسیدگی کند، در حالی که گروه‌های اپوزیسیونی برانداز و مخالفان تندرو استدلال می‌کنند که کل سیستم فاسد است و ثروت کشور توسط اقلیت هییت حاکمه غارت و دزدیده می‌شود. تقریبا در همه کشورهای خلیج فارس با مشکلات تغییر انتظارات، از جمله آمال و آرزوهای غیراقتصادی، در میان جمعیت عمدتاً جوانی که در بحبوحه رونق اقتصادی در سطح منطقه رشد کرده اند، مواجه هستیم.[۶۹۹]

لوسیانی از نقش درآمد ثابت نفتی به عنوان عامل تداوم بخش حکومت خودکامه و استبدادی و نیز بحران مالی دولت به عنوان عامل افزایش تقاضا و نیاز به دموکراسی سخن می گوید. از نظر او و دیگر پژوهشگران ، دولت رانتیر از اصل "نه مالیات، نه نمایندگی"[۷۰۰] برای حذف شهروندان از روند سیاسی استفاده می کند.

در ایران، نفت و برخی عوامل تاریخی و فرهنگی، ساختاری رانتیری را برای دولت ها رقم زده است، که تأثیر زیادی بر ماهیت دولت، رابطهٔ دولت و جامعه و همچنین اقتصاد ایران برجاگذاشته است، به گونه ای که بسیاری محققان از دولت رانتیر به عنوان یکی از موانع اصلی توسعه در ایران یاد می کنند.[۷۰۱]ماهیت رانتی اقتصاد ایران به طور بالقوه از طریق اصطلاحی در ادبیات توسعه اقتصادی، به نام بیماری هلندی شناخته می شود (کاتوزیان ۱۹۷۸، کوردن و نری ۱۹۸۲، کوردن ۱۹۸۴، رومر ۱۹۸۵، ایوانز ۱۹۸۶). چنین سلطه‌ای پیوسته وجه مشترک رژیم‌های شاه و

---

٦٩٧ - Courtney Freer(٢٠١٨),Ibid ,p١٣
٦٩٨ - Larbi Sadiki(٢٠١٦),Oil States in the New Middle East Uprisings and stability , Routledge, p١١٩
٦٩٩ - Larbi Sadiki(٢٠١٦),Ibid,p١٢١
٧٠٠ - no taxation, no representation

۷۰۱ - نسرین قنواتی و همکاران، ۱۳۹۶، همان.

جمهوری اسلامی در ایران بوده است. برای تجزیه و تحلیل نظریه رانت نفت، نگاه کنید به بینا ۱۹۸۵ (چ. ۵)، ۱۹۸۹، ۱۹۹۰، b۱۹۹۲. او از طریق یک مدل اقتصادسنجی ساده اما قاطع نشان می‌دهد که درآمدهای نفتی با روند بلندمدت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی (GFDCF)[۷۰۲] در دوره دوم رژیم شاه در ایران رابطه مثبت و معناداری داشته است.[۷۰۳] (دیوید هولت و همکارانش ،۲۰۱۱) که نقش شرکت های ملی نفت(NOC) را در دولت های نفتی بررسی کرده اند، معتقدند ، عدم تقارن اطلاعاتی زیادی بین دولت و NOC وجود دارد، و این مساله فرصت‌های زیادی را برای رانت‌جویی توسط NOC ارائه می‌کنند. وی همچنین به تلاش دولت ها برای خنثی نمودن نقش NOC به مثابه دولت– در دولت اشاره می کند. [۷۰۴] در ایران پیش از انقلاب چالش های مربوط به نفت بـه نهضـت بـزرگ ملی اعلام کردن نفت انجامید، اما میان حکومت و شرکت ملی نفت از جهات مختلف همچنـان مشـکلاتی وجـود داشت. برخی اساسا موضوع نفت و جریانات منتهی به نهضت ملی شدن نفت و مداخلات خارجیان در سرنگونی دولت محمد مصدق را سرمنشاء انقلاب اسلامی می دانند. بعد از انقلاب اسلامی ، نفت همچنان به عنوان مهمترین فاکتوردر مناسبات و تحولات سیاسی کشور نقش عمده ایفا نموده است. به رغم اینکه جنگ و تحریم ها به انزوای ایران در بازار انرژی و کم اثر شدن نقش این کشور در اپک منتهی گردید ، همچنان حیات سیاسی دولت های بعد از انقلاب به درآمدهای نفتی وابسته بوده است و رانت و فساد در نفت نیز همچنان حرف اول را می زنـد.یکـی از اقداماتی که رانت درآمدهای نفتی را در ایران برجسته کرد، ایجاد صندوق مازاد درآمدهای نفتی با هدف کنترل و تثبیت نوسانات درآمدهای نفتی ناشی از تغییرات بهای نفت بود که اصطلاحات OSF[۷۰۵] گفته می شود. OSF که بعدها به صندوق توسعه ملی تغییر نام یافت ، به سرعت تبدیل به یک "قلک" شد که دولت و نهادهای فرا قانونی مرتباً به آن دستبرد می زنند. OSF در سال ۲۰۰۰ به عنوان یک حسـاب ذخیـره ارزش تأسیس شـد کـه هـدفش نگهداری مازاد درآمدهای نفتی بود، در زمانی که قیمت نفت در حدود ۱۶ دلار در هر بشکه بود. ایده این بود که از اثر گذاری نوسان بهای نفت در بازار روی بودجه دولت بکاهد و بودجه‌های سالانه دولت را تثبیت کند و در عین حال ابزار مالی برای بانک‌های تجاری برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اولویت‌بندی شده در برنامه‌های پنج ساله دولت فراهم کند. اما علاوه بر تاثیرگذاری تحریمها بر منابع صندوق ، عدم شفافیت و رانت دو ویژگی برجسته این صندوق بوده است.[۷۰۶] هادی نژاد حسینیان معاون سابق وزیر نفت در امور بین‌الملل خاطرنشان می‌کند: " بـه جـای

---

۷۰۲ - gross fixed domestic capital formation

۷۰۳ - Sousan Badiei and Cyrus Bina(۲۰۰۲),oil- rentier state –iran's capital formation۱۹٦۰-۱۹۹۷, Middle East Economic Association, Jauary, ٤-٦,

۷۰٤ - David R. Hults, Mark C. Thurber, David G. Victor.(۲۰۱۱), Oil and governance : state-owned enterprises and the world energy, Cambridge University Press ,p۱۹۲.

۷۰٥ - Oil Stabilization Fund.

۷۰٦ - David R. Hults, Mark C. Thurber, David G. Victor.(۲۰۱۱),Ibid,p۲٥۰

استفاده از این پول برای اعطای وام به بخش‌های خصوصی و دولتی، از منابع مالی آن برای جبران کسری بودجه دولت استفاده می‌شود... چالشی بزرگ برای اقتصاد. "

در حال حاضر دولت در حال رقابت با مردم برای کنترل اقتصاد است."یکی از ضعف های عمده صندوق تثبیت نوسانات بهای نفت در ایران، عدم شفافیت آن است. یک مؤسسه ناظر برای نظارت بر منابع مالی در سطح جهان، OSF ایران را به عنوان یکی از کم‌شفاف‌ترین صندوق‌های منابع در جهان رتبه‌بندی کرده است[۷۰۷].این صندوق در شاخص شفافیتSWF Linaburg-Maduell امتیاز ۱ از ۱۰ امتیاز ممکن را دریافت کرده است. به این ترتیب، ارقام اعلام شده در مورد موجودی پولی OSF صرفاً تخمینی هستند، زیرا مبلغ واقعی موجودی OSF ناشناخته است...بخش های زیادی از بودجه و منابع ارزی کشور توسط شبکه ای از بنیادها و نهادهای پراکنده اقتصادی و مذهبی بلعیده می شوند.[۷۰۸] طبق گزارش اخیری که مهدی غضنفری رییس این صندوق در پایان شهریور ۱۴۰۱ ارائه داده است : "صندوق توسعه حدود ۱۴۵ میلیارد دلار ورودی داشته که حدود نیمی از آن طی ۱۰ سال گذشته با مجوزهای خاص دولت‌ها برداشته شده است و حدود ۴۰ میلیارد دلار به بخش خصوصی و نهادهای غیردولتی وام داده شده است و ده میلیارد دلار باقی مانده است. به این ترتیب مطالبات صندوق توسعه ملی از دولت ۱۰۰ میلیارد دلار و از بخش خصوصی ۴۰ میلیارد دلار است که از این رقم بین ۶ تا ۷ میلیارد دلار سررسیده شده است است."[۷۰۹]

از نقطه نظر تئوریک ابزار و امکانات حقوقی و قانونی لازم فراهم است تا با کنترل های بودجه ای ، نظم و انضباط را بر دولت ها، بنیادها و دیگر موریانه های مالی در سیستم اعمال کند. (وجود سازو کارهای نظارتی و حقوقی مانند کمیسیون تحقیق و تفحص مجلس و دیوان محاسبات و غیرو وجود دارند)، اما وقتی خود این سیستم های نظارتی و حقوقی کما بیش سیاسی و رانتی عمل می کنند و کنترل ها و گزارش هایشان را با عدم شفافیت ارائه می دهند، بعلاوه اغلب این کنترل ها بعد از ارتکاب موارد فساد و حیف و میل منابع انجام می شود ، نه در حین آن و با هدف مقابله با بی کفایتی و جلوگیری از فساد ها ، لذا جنبه پیشگیرانه ندارند.

چنانکه می دانیم استفاده از موسسات غیرانتفاعی (نهادها و بنیادها) برای ارائه ظاهر قانونی به پول های به دست آمده از تجارت کثیف (پولشویی) و یا پوشاندن مصارف اعتبارات مالی در امور کثیف (جرم و جنایت و شرارت) ، یکی از مصادیق بارز جرایم اقتصادی سازمان یافته در سطح فراملی است و متاسفانه سیستم نظارتی موثری بر عملکرد بنیادها و موسسات غیر انتفاعی در برخی از کشورها منجمله در ایران نظارت نمی کنند. یکی از ضعیف ترین حلقه ها در این شبکه از نهادهای ناظر و ناظم ، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است که به اصطلاح بر مبنای قوانین ضد ربا کار می کند ولی عملا کار ضعیفی در ایجاد انگیزه برای ریسک قیمت انجام داده است. بنابراین به بانک

---

۷۰۷ - Sovereign Wealth Fund.

۷۰۸ - David R. Hults, Mark C. Thurber, David G. Victor.(۲۰۱۱), Ibid ,p۲۵۰

۷۰۹ - https://www.farsnews.ir/economy/macroeconomics.

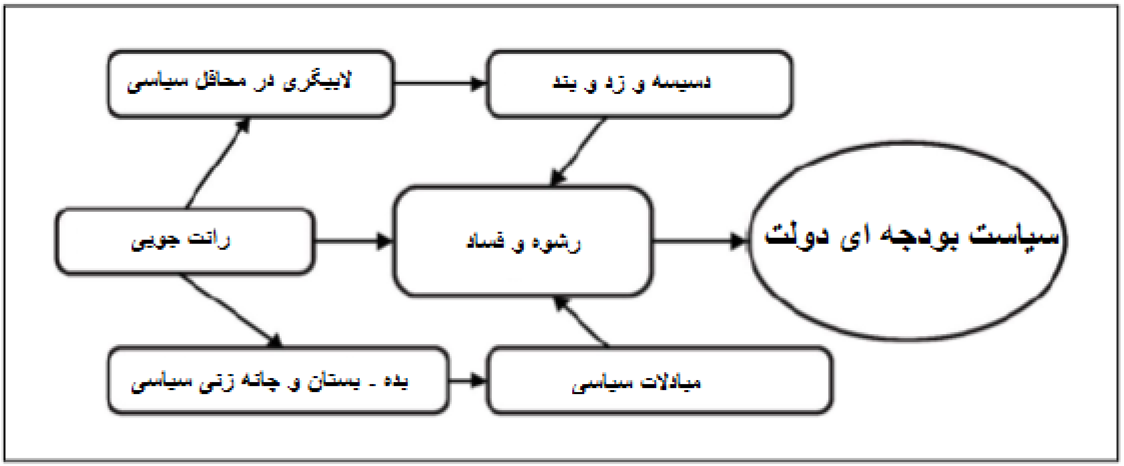
اجازه داده است تا روش‌های وام‌دهی پرمخاطره‌تری (با ریسک بالاتر) را که وام‌گیری سنگین از صندوق ذخیره ارزی را ترویج می کند، ایجاد کند، و این توهم را ایجاد کرده که دولت منابع ارزی عظیمی را بدون توجه به هزینه استفاده از آنها در اختیار دارد و این به بازیگرانی مانند بنیادها و موسسات و نهادهای فراقانونی اجازه می‌دهد تا سوداگرانه وارد جذب منابع صندوق توسعه و یا منابع تسهیلاتی بانک ها شوند.[۷۱۰]

وقتی از یکی از مدیران سابق شرکت ملی نفت ایران پرسیده شد که چگونه انقلاب ماهیت صنعت نفت را تغییر داد، گفت: "[در ایران پس از انقلاب] همه سرمایه‌گذاری‌های نفتی توسط سیاست هدایت می‌شوند و نه توجیهات تجاری"، حکومت ایران تلاش می کند از نفت برای ایجاد اتحادهای سیاسی موثر برای مقابله با فشار سیاسی فزاینده غرب، و نبرد با استکبار جهانی استفاده کند ، لذا تمامی تصمیمات اجرایی و مقننه در مورد شرکت ملی نفت ایران به شدت سیاسی شده است. اثربخشی این تلاش‌های سیاسی به ثبات حکومت دینی وابسته است، زیرا این امر بر افق زمانی حکمرانان سیاسی کشور تأثیر می‌گذارد.[۷۱۱] موضوع دور زدن تحریم های نفتی بر غیرشفاف بودن و مفسده آمیز شدن بیشتر فرایند بازاریابی ، فروش و واریز درآمدهای نفتی به خزانه افزوده است که در جای خود به آن اشاره خواهد شد. سرکوب اعتراضات داخلی در ایران ، بطور مثال در جنبش اعتراضی به افزایش بهای بنزین و یا سایر اعتراضات گوناگون دیگر نشان می دهد که حاکمیت در مواردی با فشار و سرکوب و در مواقع لزوم با انعطاف نشان دادن، می خواهد به حیات سیاسی خود ادامه دهد. برخلاف رژیم شاه (که او و وابستگان دربارش توانستند از کشور فرار کند) نخبگان فعلی گزینه های کمی در خارج از ایران دارند و احتمالاً تا زمانی که ممکن است، به حیات سیاسی خود ادامه خواهند داد.[۷۱۲]

اگرچه رانت تنها مختص جوامع غیر دموکراتیک نیست، اما دولت رانتیر شکل خاصی از مناسبات رانتی است که محصول جوامع غیر دموکراتیک است و مانعی بر سر راه دموکراسی و عامل انحصارگرایی و رشد فساد افسارگسیخته توام با عدم شفافیت ، به گونه ای که دولت رانتیر از یک سوی به ایجاد انحصار در بازار کمک می کند و از سوی دیگر به رشد فعالیت های اقتصادی در سایه و اقتصاد غیر رسمی و غیرقانونی منتهی می شود.[۷۱۳]

---

۷۱۰ - David R. Hults, Mark C. Thurber, David G. Victor.(۲۰۱۱), Ibid ,p۲۵۳
۷۱۱ - David R. Hults, Mark C. Thurber, David G. Victor.(۲۰۱۱), Ibid ,p۲۵۲
۷۱۲ - David R. Hults, Mark C. Thurber, David G. Victor.(۲۰۱۱),Ibid.
گاها اخباری وجود دارد که در برخی از سطوح مدیران دولتی و برخی از مقامات عالی نظام زمینه های لازم برای فرار خود در شرایط بحرانی فراهم کرده اند.
۷۱۳ - Jomo Kwame Sundaram & Mushtaq H. Khan(۲۰۰۰), Rents, rent-seeking and economic development : theory and evidence in Asia , Cambridge University Press,p۳۲-۲۹.



شکل - - چارچوب مفهومی برای فرایند سیاست گذاری رانت جویانه

منبع در زیر نویس:[۷۱٤]

فرار سرمایه، اختلاس و غارتگری

فرار سرمایه[۷۱۵] ممکن است به عنوان انتقال دارایی ها تعریف شود و این شامل تبدیل پول ملی به سایر انواع دارایی ها مانند طلا و ارزهای خارجی مانند دلار، چه در داخل و چه در خارج از کشور است، به روش هایی که بخشی از معاملات عادی نیست. به عبارت دیگر، انتقال دارایی به خارج از کشور و به بانک های خارجی یا به بازارهای بورس خارج و بازار اوراق بهادار خارجی که فراتر از تنوع پرتفوی عادی است ، فرار سرمایه را تشکیل می دهد. دارایی ها را می توان به روش های مختلفی منتقل کرد، به ویژه:

- انتقال دارایی های مالی به روش تبدیل به ارز خارجی به خارج از کشور.
- انباشت ارزهای خارجی در خارج از کشور و عدم بازگرداندن آنها و سودشان.
- تبدیل پول ملی با ارزهای خارجی به عنوان محافظی در برابر تورم[۷۱۶]

لاونگانی و مائورو (۲۰۰۰) خاطرنشان می‌کنند که در فدراسیون روسیه، دارایی‌ها از طریق کم گزارش دادن صورتحساب درآمدهای صادراتی، پیش پرداخت‌های جعلی وارداتی و نقل و انتقالات بانکی و با دور زدن کنترل‌های سرمایه از کشور خارج می‌شوند. آنها خاطرنشان می کنند که فرار سرمایه به دلیل یک محیط اقتصادی نابسامان، بی ثباتی اقتصاد کلان، نرخ های مالیاتی نسبتاً بالا و نابرابر و ناعادلانه و ورشکستگی ، نقص و ضعف و فساد سیستم بانکی و حمایت ضعیف از حقوق مالکیت می تواند رخ دهد. هزینه های فرار سرمایه اغلب برای جامعه

---

۷۱٤ - Salahudin(۲۰۲۲), Rent-seeking Practices in The Budget Policymaking Processes at Local Government: Case Studies in Indonesia,journal of governmemt& civil society ,Vol ٦, No۱

۷۱۵ - capital flight

۷۱٦ - OECD(۲۰۰۲),Ibid ,p۱٤۷

ممکن است بالا باشد و شامل کاهش پس انداز داخلی، کاهش پایه مالیاتی و کاهش ارزش پول گردد.[۷۱۷] در ایران، بسیاری از صادر کنندگان ارزهای خود را از طریق سیستم بانکی به داخل بازنمی گردانند، همچنین برخی واردکنندگان ارزهای دولتی برای کالاهای ضروری دریافت می کنند ، و رانت کلانی را که از این طریق عاید میشود باز نمی گردانند و حتی بخش های زیادی از ارزهای دریافتی را در بازار آزاد می فروشند و یا درقالب صورتحسابهای تقلبی بگونه ای گزارش می دهند که بتواند آنها را به بانکهای خارجی منتقل کنند. تحریم های اقتصادی و از جمله تحریم نظام بانکی و کانالهای غیررسمی برای انتقال وجوه جهت تامین مالی گروه های نیابتی و یا صورتحسابهای جعلی و ساختگی که مبین هزینه کرد منابع ارزی و اراسال شمش های طلا برای ساخت اماکن مقدسه در خارج کشور و دلایلی همچون بی اعتمادی و بی ثباتی سیاسی و اقتصادی در فهرست علل و راه های فرار سرمایه از کشور هستند.

(شکری و خدامرادی، ۱۳۹۹) در مقاله تحقیقی خود با موضوع برآورد میزان فرار سرمایه طی سال های ۱۳۵۵–۱۳۹۷ به این نتیجه رسیده اند که بیشترین میزان فرار سرمایه در طی دوره مورد بررسی، مربوط به سال ۱۳۹۰کمترین میزان، مربوط به سال ۱۳۷۶ است و روند فرار سرمایه در سالهای اخیر با توجه به نوسانات شدید ارزی، سیر صعودی داشته است. یافته های این تحقیق طبق مدل اقتصادسنجی برآورد شده ، نشان می دهد که بین فرار سرمایه و افزایش کسری بودجه دولت و افزایش تورم، رابطه مثبت وجود داشته و افزایش در خالص ذخایر ارزی خارجی، سبب جبران فرارسرمایه شده که در نتیجه کاهش فرار سرمایه را در برخی از مقاطع نشان می دهد.[۷۱۸] با توجه به اینکه مطالعات مختلف منجمله مقاله مورد اشاره رابطه مثبت میان فرار سرمایه و فساد را تایید می کنند، در اینجا باید این نکته را خاطرنشان کرد که با توجه به ساختار و ماهیت دولتی و شبه دولتی اقتصاد ایران، بخشی از فرار سرمایه در ایران خود مصداق بارز فساد حکومتی است و عملا بخش قابل توجهی از سرمایه های منتقل شده به خارج از کشور توسط مقامات رسمی درون حکومت و بستگان و وابستگان به آنها صورت می گیرد. هرچند که بخش دیگرآن نیز توسط کسانی منتقل می شود که شرایط سیاسی و اقتصادی کشور را بی ثبات و متلاطم می بینند و با توجه به تورم بالا و سیاست نا بسامان ارزی دولت ، باانتقال سرمایه های خود به خارج کشور ، ریسک نگهداری آن در ایران را به حداقل می رسانند. درحالی که کشورهای دارای اهداف و برنامه توسعه اهتمام خود را برجلب و جذب سرمایه گذاری خارجی می گذارند، در ایران طی سه دهه گذشته نه تنها در جلب سرمایه گذاری خارجی

---

۷۱۷ - Laungani, P., and P. Mauro (۲۰۰۰), Capital Flight from Russia, policy discussion paper, International Monetary Fund, Washington.

۷۱۸ – نعیم شکری، مرتضی سحاب خدامرادی(۱۳۹۹) ، برآورد فرار سرمایه و عوامل مؤثر بر آن در ایران با رویکردی جدید طی سالهای ۱۳۵۵–۱۳۹۷ ، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی(رشد و توسعه پایدار) سال بیستم شماره سوم، صص ۱۱۰–۷۹.

توفیقی حاصل نشده ، که روندی از فرار سرمایه از کشور بطور سازمان یافته شکل گرفته است که خسارات سنگین بر روند تشکیل سرمایه در جهت رشد اقتصادی را درپی داشته است.

پژوهشی که توسط برودا و همکارانش برای کشورهای عضو(OECD) انجام شده ، نشان می دهد که افزایش ۱۰ درصدی در درجه باز بودن تجارت، به ۳ درصد کاهش بی ثباتی نرخ واقعی ارز در این کشورها منجر می گردد. چنانکه می دانیم یکی از مهمترین آثار زیان بار اقتصادی تحریم ها ، بسته شدن درهای تجارت بر روی اقتصاد کشور بوده است ، متاسفانه همین مساله موجب شده که تحریم های اقتصادی ، از طریق اثر گذاری بر بی ثباتی نرخ ارز ، روند فرار سرمایه در ایران را تشدید و تحریک نماید.

(قنبری و همکاران، ۱۳۸۵) در پژوهش خود عوامل مؤثر بر فرار سرمایه در ایران را بررسی نمودند و سالهای ۵۹-۱۳۵۸ بیشترین رقم فرار سرمایه رخ داده است که ناشی از بی ثباتی سیاسی سالهای اولیه انقلاب است. سپس جنگ عامل اصلی فرار سرمایه بوده است هرچند که کنترلهای دولتی مانع از خروج سرمایه بصورت ارز از کشور می شد. در مجموع بی ثباتی سیاسی را یکی از مهم ترین عوامل مؤثر بر فرار سرمایه در ایران شناسایی کرده اند.[۷۱۹] نکته حایز اهمیت این است که تحریم های اقتصادی از قضا مانع انتقال دارایی اشخاص بصورت ارز از طریق نظام بانکی به خارج کشور شده است، اما در همین دوره، بخشهایی از منابع ارزی حاصل از فروش نفت و سایر موارد که در کنترل و اختیار اشخاص و نهادهای دولتی بوده، با دور زدن تحریم ها و روش های خنثی سازی تحریم توانسته اند به خارج منتقل شوند. به عباراتی تحریمهای اقتصادی تنها مانع از فرار سرمایه های بخش خصوصی شده ولی نتوانسته است، مانعی برای فرار سرمایه های دولتی و انتقال آن ها به خارج گردد. مقصد فرار سرمایه های ایرانیان به خارج از کشور عبارتند از کانادا، اروپا، استرالیا، امریکا (ایالات متحده آمریکا و کشورهای آمریکای لاتین). طبق گزارش مرکز آمار ایران متوسط رشد اقتصادی کشور در دهه ۹۰ صفر بوده و این مرکز در گزارش خود که برای ۱۳۹۹ منتشر کرده اعلام نمود، نرخ رشد اقتصادی کشور در نیمه اول سال جاری به نسبت نیمه اول سال قبل، دو درصد با نفت و ۴ دهم درصد بدون نفت کمتر شده است. این در حالی است که اقتصاد ایران از وضعیت کرونا عبور کرده و می‌شد فضای کسب و کار را رونق بخشید. علت اینکه رشد اقتصادی مناسب اتفاق نمی‌افتد این است که نه‌تنها جذب سرمایه خارجی اتفاق نیفتاده، بلکه فرار سرمایه هم رخ داده است. بطوری که تنها معادل ۷۰ میلیارد دلار فرار سرمایه طی یک دهه به کشور کانادا گزارش شده است.[۷۲۰] آمارهای دیگر حکایت از

---

[۷۱۹] - قنبری، علی؛ صادقی، حسین و سحاب خدامرادی، مرتضی(۱۳۸۶)، عوامل مؤثر بر فرار سرمایه در ایران .پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

۷۲۰ – روزنامه تعادل با عنوان فرار سرمایه ده ها میلیاردی از ایران : دوشنبه ۲۶ دی ۱۴۰۱ :

http://www.taadolnewspaper.ir

این دارد که در مجموع طی ۹ سال معادل ۹۸,۴ میلیارد دلار و به طور متوسط سالیانه ۱۱ میلیارد دلار از اقتصاد ایران خارج شده است. برخی کارشناسان معتقدند سال ۹۶ رکورد خروج سرمایه از ایران شکسته شده است. اما حادترین سال به لحاظ بحران خروج سرمایه از ایران، سال ۱۳۸۹ به‌وقوع پیوسته است که در آن برهه حساب سرمایه کشور منفی ۲۵ میلیارد دلار بوده است. بر اساس محاسبه صندوق بین المللی پول رکورد خروج سرمایه سال ۸۹ در سال ۹۶ شکسته شده است. برخی شواهد نیز حاکی از این هستند که در یک دهه منتهی به ۱۳۹۷، سالانه به‌طور متوسط، ۱۸ میلیارد دلار خروج سرمایه از ایران صورت گرفته است.افزون براین، برخی اقلام مثل هزینه‌های ارزی مصرف شده در حوزه های دفاعی و امنیتی محرمانه است و همین بر سختی تخمین میزان خروج سرمایه و فرار سرمایه از کشور می‌افزاید.

محمدرضا پورابراهیمی رییس کمیسیون اقتصادی مجلس در گفتگویی با خبرگزاری تسنیم از خروج ۳۰ میلیارد دلار سرمایه در ماه‌های پایانی سال ۹۶ خبر داده بود. صندوق بین‌المللی پول هم در گزارش دوره‌ای خود از اقتصاد ایران، میزان خروج سرمایه از ایران در سال ۹۷ را حدود ۲۷ میلیارد دلار برآورد کرده است. هر چند این موضوع با توجه به التهابات ارزی سال ۹۷ توجیه شد، اما معاون وقت وزیر اقتصاد اعلام کرد : در سال ۹۷، از مجموع بیش از ۴۴ میلیارد دلار ارز حاصل از صادرات غیر نفتی کشور، ۳۰ میلیارد دلار آن، نه به صورت کالا و نه در هیچ قالب دیگری وارد کشور نشده است.[۷۲۱]

درهرحال پیامدهای فرار سرمایه برای یک کشور واقعا وحشتناک است. خروج سرمایه به نوعی منجر به خروج مالیات از کشور می شود و حتی می تواند بحران شدید اقتصادی ایجادکند. روند فرار سرمایه در بلندمدت بر سرمایه گذاری در کشور تأثیر می گذارد. کسب و کارها دچار کمبود بودجه و منابع مالی خواهند داشت و برای صرفه جویی در هزینه ها مجبور می شوند، کارکنان خود را اخراج ومنفصل کنند، این بر روند تولید ملی اثر منفی می گذارد و منجر به کاهش تولید و درآمد ملی وکاهش مالیات کشور خواهد شد.

کاهش ارزش پول ملی یکی دیگر از دلایل خروج سرمایه از کشورهای مختلف است. کشورهایی مانند زیمبابوه و ونزوئلا و ایران عرضه ارز را برای مهار بحران اقتصادی افزایش دادند. اما منجر به تورم شدید در کشور شد. در شرایط تورمی به دلیل اینکه بطور مداوم ارزش پول ملی در حال کاهش است ، تقاضا برای ارزهای خارجی و تبدیل پول ملی به ارز خارجی بیشتر می شود. اگر منابع ارزی کشور محدود باشد، مداخله دولت در بازار ارز نیزگره گشا نخواهد بود و کشور دچار بحران می شود و از آنجا که سرمایه گذاران به چنین شرایطی حساسیت دارند، کاهش ارزش پول منجر به خروج سرمایه و فرار سرمایه ها می شود.

---

[۷۲۱] - گزارش تابناک به نقل از فرارو : چهارشنبه ۱۲ مرداد ۱۴۰۱ - http://www.tabnak.ir/fa/news/۹۹۶۲۵۱

میزان فرار سرمایه گاهی اوقات با استفاده از معیار پول داغ [۷۲۲]، که به عنوان خطاها و حذفیات خالص در تراز پرداخت ها به اضافه سرمایه گذاری خالص پورتفولیوی خصوصی در خارج از کشور محاسبه می شود، تقریب و تخمین زده می شود. یکی دیگر از معیارهای گسترده برای محاسبه میزان فرار سرمایه، انباشت خالص دارایی های خارجی توسط بخش خصوصی مقیم است. فرار سرمایه ممکن است با فعالیت های تولیدی زیرزمینی یا غیرقانونی همراه باشد یا نباشد، اما به خودی خود یک فعالیت مولد نیست و نمی تواند مستقیما در برآورد تولید زیرزمینی لحاظ شود.[۷۲۳]

فرار سرمایه ناشی از بی ثباتی سیاسی، در طول دهه ی گذشته در بسیاری از کشورهای عربی و مسلمان خاورمیانه ای تجربه شده است. ماتا و همکاران (۲۰۱۹) درمورد اعتراضات بهار عربی در تونس تخمین زدند که درآمد از دست رفته ناشی از بی ثباتی سیاسی بین ۵,۵ تا ۶,۴ درصد تولید ناخالص داخلی در دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۳ متغیر بوده است. مطالعات قبلی بین کشوری نیز نشان دهنده ی اثرات منفی قابل توجه بی ثباتی سیاسی و درگیری بر رشد اقتصادی است. (Collier,۱۹۹۹) تخمین می زند که کشورها در طول دوره جنگ داخلی به طور متوسط ۲,۲ درصد کمتر در مقایسه با زمان صلح رشد می کنند. اثرات منفی مشابهی علاوه بر رشد اقتصادی، روی تولید غذا و بار بدهی خارجی توسط استوارت و همکاران نشان داده شده است.

(حیدریان، پهلوانی و میرجلالی، ۲۰۲۲) در مقاله ای با عنوان پیامد تحریم های مالی روی جریان ورود و خروج سرمایه از کشور ایران، با استفاده از یک الگوی اقتصادسنجی و داده های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹ نشان داده اند که در مجموع، طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹، تحریم‌های مالی جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را کاهش داده و بلعکس خروج سرمایه از کشور را شدت بخشیده است.[۷۲۴]

همچنانکه اشاره شد، موضوع فرار سرمایه از چند بعد حایز توجه پژوهش گران بوده است. از یک سوی فرار سرمایه، در یک اقتصاد دولتی یا شبه دولتی، و رانتی و نفتی می تواند مصداق فساد و پیامد آن رشد اقتصاد سایه ارزیابی گردد و از سوی دیگر، این پدیده می تواند از طریق تحریم های اقتصادی تشدید شود.

(ایشاک و فرزانگان،۲۰۲۱) در مقاله ای به چگونگی تاثیر شوک های قیمت نفت بر بروز اعتراضات در کشورهای مختلف و اندازه اقتصاد سایه درآن کشورها پرداخته اند. آنها با استفاده از داده های تابلویی از ۱۴۴ کشور، طی دوره ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۵، شواهدی یافته اند که نشان می دهد شوک های منفی قیمت نفت به طور قابل توجهی اعتراضات را در کشورهای دارای اقتصاد سایه کوچک افزایش می دهد و این اثر با افزایش اندازه اقتصاد

۷۲۲- Hot money

۷۲۳ - OECD(۲۰۰۲),Measuring the Non-Observed Economy,p ۱٤۷

۷۲٤ - Samira Heydarian, Mosayeb Pahlavani & Seyed Hossein Mirjalili (۲۰۲۲), The Impact of Financial Sanctions on Capital Inflow and Outflow (case of Iran), Journal of Money and Economy, Vol. ۱۷, No. ۱.

سایه به تدریج از میان می رود و در نهایت در کشورهایی با رشد اقتصاد سایه ، که بیش از ۳۵ درصد از تولید ناخالص داخلی آنها را تشکیل می دهد، ناپدید می شود. این نشان دهندی نقش تعدیل‌کننده اقتصاد سایه بر اثرات شوک‌های منفی نفتی و از آن طریق بر بروز اعتراضات در اقتصادهای وابسته به نفت است.[۷۲۵] کاهش غیرمنتظره و قابل توجه در رانت نفت در یک اقتصاد بشدت وابسته به نفت می تواند چالش های مختلفی را بر قدرت سیاسی حاکم تحمیل کند (بجوراتن و فرزانگان، ۲۰۱۵). دولتی که رانت منابع را کنترل می کند ، اغلب از اشتغال بخش دولتی به عنوان ابزاری توزیعی و برای آرام کردن مخالفان و یا از طریق حمایت از بخش های خاص در جهت حامی پروری استفاده می کند. کاهش ناگهانی درآمدهای رانتی، توانایی دولت را برای ادامه نقل و انتقالات نقدی و ایجاد اشتغال عمومی تضعیف می‌کند. شوک‌های منفی رانت نفت، فشار بر دولت را برای کاهش یارانه‌ها، اجرای خصوصی‌سازی دارایی‌های عمومی، کاهش اندازه بخش دولتی و کاهش وسعت بخش دولتی افزایش می‌دهد. افزایش بار مالیاتی به عنوان مثال درکشورهای نفت خیز شورای همکاری خلیج فارس نمونه ای از این الگو است.[۷۲۶] این کشورها در نتیجه شوکهای نفتی منفی شروع به معرفی مالیات بر ارزش افزوده و تحمیل سایر هزینه ها بر مردم کرده اند (ادواردز، ۲۰۲۰). این مورد بویژه در باره ایران که تحت فشار تحریم های نفتی از سوی غرب قرار داشته، بیشتر خودنمایی کرده است و دولت ایران را با شوکهای منفی نفتی قابل توجه مواجه ساخته است. (فرزانگان و حبیب پور، ۱۳۹۶) معتقدند اعتراضات و شورش‌های سراسری سال ۲۰۱۹ در ایران ، در واکنش به افزایش قیمت بنزین توسط دولت در پی کاهش قابل توجه درآمد نفت تحت تحریم‌ها بود. کاهش یارانه ها و پرداخت های نقدی نیز می تواند اثرات نامطلوبی بر شاخص های نابرابری و فقر داشته باشد.[۷۲۷] کاهش پرداخت‌های نقدی می‌تواند بر اندازه طبقه متوسط تأثیر منفی بگذارد و آنها را به دهک‌های پایین درآمدی سوق دهد و در نتیجه هزینه فرصت پیوستن به اعتراضات ضد دولتی را کاهش دهد. بعلاوه اگرچه انتظار داریم کاهش ناگهانی رانت نفت در کشورهای وابسته به درآمدهای نفت موجب اعتراض و نارضایتی از نظام سیاسی شود، اما ظاهرا این اثر را می‌توان بطور موقت و کوتاه مدت با وجود اقتصاد سایه تعدیل کرد.[۷۲۸] بدون شک تحریم های نفتی موجب شده که دولت ایران در واکنش به شوک منفی رانت نفتی ، بسوی بازارسیاه روانه شود و سهم و نقش بیشتری در اقتصاد سایه درکلاس جهانی ایفا کند. چرا که به طور کلی، اقتصاد سایه فرصتی فراهم می کند تا تأثیر نوسانات قیمت نفت بر ثبات سیاسی کاهش یابد.[۷۲۹] در حال حاضر تحریم ها موجب شده تا دولت ایران نفت خود را از طریق دلالها و

۷۲۵ - Phoebe W. Ishak & Mohammad Reza Farzanegan (۲۰۲۰) ,Oil price shocks, protest, and the shadow economy: Is there a mitigation effect?; leyonlinelibrary.com/journal. economics and politics ;pp۲۹۸-۳۲۱.
۷۲٦ - Phoebe W. Ishak & Mohammad Reza Farzanegan,Ibid.
۷۲۷ - Farzanegan, M. R., & Habibpour, M. M. (۲۰۱۷). Resource rents distribution, income inequality and poverty in Iran. Energy Economics, ٦٦, ۳۵– ٤۲. https://doi.org/۱۰,۱۰۱٦/j.eneco.۲۰۱۷,۰۵,۰۲۹.
۷۲۸ - Ibid
۷۲۹ - Ibid

واسطه ها به مشتریان برساند وهزینه های بیشتری را برای صدور آن تحمل کند .پیامد ورود به بازار سیاه ، تن دادن به فسادهای کلان و رانت و کلاهبرداری، اختلاس و خسارات و زیان های دیگری است که در مجموع هزینه مبادله را بالا می برد. در همین باره غلامرضا انصاری، معاون پیشین اداره دیپلماسی اقتصادی وزارت امورخارجه ایران، طی یک مصاحبه مطبوعاتی ، گزارش مفصلی از تاثیرات تحریم ها را چنین بیان می کنند : " اساسا تحریم یعنی بالابردن هزینه های اقتصادی کشور چه از طرف خودی و چه از طرف دیگران و عقب ماندن از روند توسعه که هر دو برای منافع ملی کشور بسیار مخرب است و پایه‌های اقتصاد و ظرفیت‌های کشور را تضعیف می‌کند." او می افزاید : "....بطور مثال در حالت عادی برای حمل یک کانتینر از شرق آسیا به بندرعباس ۵۰۰ تا ۸۰۰ دلار پرداخت می‌شود، اما الان بیش از سه هزار دلار باید هزینه شود. هزینه اجاره کشتی، بیمه کشتی و پرسنل، و سایر هزینه ها بماند. اگر قرار باشد بتوانید در بندری وارد شوید، که تحریم هم هستیم ، باید هزینه ورود آن راهم بپردازیم. با این هزینه‌ها صادرات و واردات و تجارت غیراقتصادی می‌شود، اما در دنیا محل فرار هم وجود دارد که با هزینه بسیار زیاد امکان پذیراست، لیکن اگر این روند ادامه داشته باشد، با این روش صدور کالا ، حتی پول خودش را هم درنمی‌آورد. تازه وقتی کالا را تحویل دادید، چطور می‌خواهید پول را بگیرید. الان کشورهای دوست ما که میلیاردها پول‌مان در آنجاست، حتی اگر تصمیم بگیرد این پول را به ایران بدهد، نمی‌تواند..... در حوزه بحث اقتصادی و تحریم‌ها، هم کشورهای مختلف را دیده‌ام و هم با افراد مختلفی صحبت کرده‌ام، در هیچ کشوری چنین حجمی از تحریم وجود ندارد. یکی از آسیب‌های جدی تحریم این است که شما شفاف‌سازی نکنید و اگر نظارت هم کافی نباشد ، می‌تواند موجب فساد گسترده شود."[۷۳۰]

پرونده فساد کلان در وزارت نفت موسوم به پرونده ی بابک زنجانی یک نمونه از آنهاست. وی که خود را یک بسیجی اقتصادی معرفی می کرد ، از طریق شبکه ای که برای دور زدن تحریم ها ایجاد کرده بود ، مبالغ قابل توجهی را اختلاس کرده بود. در دادگاه رسیدگی به این پرونده ، پای برخی مقامات سیاسی و امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی از جمله فرمانده پیشین نیروی انتظامی سردار احمدی مقدم و رستم قاسمی وزیر نفت در دولت احمدی نژاد هم به میان کشیده شد که با وساطت شخصی رهبر انقلاب اسلامی، وی از فهرست متهمان پرونده کنار گذاشته شد.

طبق گزارش تحقیقی منتشر شده توسط نشریه بانک جهانی منطقه خاورمیانه، اقتصاد ایران علاوه بر کاهش سرعت رشد در طول سالیان تحریم دچار یک جابجائی بنیادین شده و صنایع نفت، خودروسازی، فن آوری و تسلیحات، ساخت و ساز و حوزه مالی کشور بیش از سایر بخش ها افت کردند. در سال مالی ۲۰۱۰/۲۰۱۱ ، پیش

---

[۷۳۰] – تحریم با اقتصاد ایران چه می‌کند؟، گفت وگو با غلامرضا انصاری، مشاور وزیر امور خارجه در دیپلماسی اقتصادی. ۵ مرداد ۱۴۰۰ :
https://www.sharghdaily.com/fa

از وضع تحریم های جدید ، تولید نفت نزدیک به ۳,۷ میلیون بشکه در روز بوده است که از این رقم ۲ میلیون بشکه در روز صادر می شد .در ۲۰۱۲/۲۰۱۳ ، کمی بعد از تشدید تحریم هسته ای، تولید و صادرات نفت خام به میزان ۱ میلیون بشکه در روز کاهش یافت که در نتیجه بخش عمرانی، صنایع و خودروسازی، یعنی بخش های اصلی اشتغالزا (به همراه بخش های خدماتی مرتبط با آن) شدیداً تحت تأثیر قرار گرفتند .آمار تولید در بخش خودروسازی به نصف کاهش یافت و بخش عمرانی نیز در سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ به ترتیب ۳,۶ و۳,۱ درصد کاهش نشان می دهد که عمدتاً به دلیل کاهش واردات مواد و تجهیزات و نیز کم شدن سرمایه گذاری بعد از توقف ورود سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) به کشور بوده است. میزان تقاضا برای مجوزهای ساخت و ساز به طور متوسط در این دوره ۳ درصد کاهش یافت. در حالیکه آمار رسمی بیکاری، معضلات از دست دادن شغل را نشان نمی دهند، اما تخمین نهادهای غیررسمی، بیانگر۲ درصد افزایش در نرخ بیکاری و رقم ۱۴ درصدی آن در سال ۲۰۱۴ هستند.[۷۳۱] براساس آخرین داده های مدینا و اشنایدر (۲۰۱۸)[۷۳۲]، میانگین سهم اقتصاد سایه از تولید ناخالص داخلی در کشورهای تولیدکننده نفت از ۱۱ درصد تا ۶۲ درصد در نوسان است و میانگین آن حدود ۳۱ درصد است که نشان دهنده نقش قابل توجه بخش غیر رسمی در اقتصادهای نفتی است. اندازه اقتصاد سایه در ایران با احتساب تاثیر تحریمها بر رشد آن ، حدود شصت درصد برآورد شده است.

سرویس بانکداری فراساحلی در خدمت جرایم اقتصادی

مجرمان اقتصادی فراملی که مبالغ قابل توجهی را از طریق فعالیت های مجرمانه ی خود تولید می کنند، مدت هاست که متوجه شده اند، اگر این وجوه را از طریق چندین کشور به حسابهای خود در خارج منتقل کنند، مسیر بسیار دشواری را برای سازمان های مجری قانون ایجاد می کنند و از تعقیب دور خواهند بود.[۷۳۳] لذا این مجرمان ، در اغلب موارد عواید حاصل از جرایم اقتصادی و سایر درآمدهای غیرقانونی به دست آمده را در مدت نسبتاً کوتاهی پس از تحصیل به خارج از کشور منتقل می کنند. هدف از این اقدام جلوگیری از شناسایی فعالیت های مشکوک یا سرمایه گذاریهای مرتبط است. برای تسهیل انتقال و نفوذ به اقتصادهای خارجی و سیستم های مالی جهانی ، تبدیل به ارزهای قابل قبول یا کالاهای قابل فروش اغلب ضروری است. در دسترس بودن چنین ارزها و راههایی که از طریق

---

۷۳۱ – پیامدهای اقتصادی لغو تحریم های ایران، فصلنامه گزارش اقتصادی بانک جهانی ، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا ، شماره ۵ ، جولای۲۰۱۵ :
brief-economic-quarterly-http://www.worldbank.org/en/region/mena/publication/mena uarterly-economoc-brief

۷۳۲- Medina, L., & Schneider, F. (۲۰۱۸). Shadow Economies around the World: What Did We Learn over the Last ۲۰ years. IMF Working Paper, No. ۱۸/۱۷, IMF.

۷۳۳ - Peter Lilley, Ibid.

آنها به دست می‌آید را می‌توان هم به‌عنوان ویژگی‌های آسیب‌پذیر در برابر جرایم اقتصادی و هم به‌عنوان شاخص‌های وقوع جرم پولشویی در نظر گرفت.

متاسفانه گزارش های متعدد نشان می دهند که نظام بانکداری خصوصی و به ویژه بانکداری فراساحلی در غرب روند انتقال پول های کثیفی که از طریق جرایم و فساد های مالی و اقتصادی از مبداء کشورهای آمریکای لاتین، دیکتاتورهای خاورمیانه ای و کشورهای افریقایی و دیگر کشورهای جهان سومی جریان دارد، را تسهیل می کنند. در واقع بانک های اروپایی ، امریکایی و کانادایی، مقصد اصلی پول های کثیف از کشورهای فاسد جهان سومی هستند. همین کشورهای مهد دموکراسی ، امنیت لازم برای اشخاص، مقامات، گروه های فاسد و مجرم و جنایتکار از کشورهای غیر دموکراتیک را فراهم می کنند تا ثروت های نجومی و سرمایه های نامشروع خود را که از راه غارتگری و فرصت طلبی و به فلاکت افکندن ملت هایشان بدست آورده اند ، به دنیای آزاد منتقل کنند. موارد گزارش ها در این زمینه متنوع و پرشمار است.

در یک مورد در دسامبر ۱۹۹۸، بازرسان کنگره ایالات متحده گزارشی را منتشر کردند که رابطه بین رائول سالیناس و سیتی بانک را تحلیل می کرد. این گزارش به این نتیجه رسید که سیتی بانک ، در حالی که تنها یک جنبه از سیاست های آن زمان خود را نقض می کرد، سیستم مدیریت انتقال پول را به گونه ای تسهیل می کرد که مبدأ، مقصد و مالک ذینفع وجوه مربوطه را پنهان کند. این گزارش می گوید : چک هایی که در یک بانک مکزیکی کشیده شده بود توسط همسر رائول سالیناس[۷۳۴] –با نام مستعار –در سیتی بانک مکزیک سپرده گذاری می شد. چک ها قبل از انتقال به سیتی بانک در لندن و سوئیس به نیویورک منتقل می شدند و در آنجا با سایر وجوه "ترکیب" یا مخلوط می شدند. گفته شده است که یکی از کارمندان بانک خصوصی سیتی بانک لندن سال ها با حساب سالیناس سر و کار داشت –اما نمی دانست که این حساب متعلق به او است، زیرا این حساب فقط با یک کد CC۲ ارجاع داده می شد. وجوهی که به این روش پرداخته شده است بین ۹۰ تا ۱۰۰ میلیون دلار بوده است.[۷۳۵] در گزارش دیگر در مورد یک شبکه ی جهانی قاچاق مواد مخدر نشان داده شده که کوکای کلمبیا به کوکائین تبدیل می شود و به ایالات متحده ارسال می شود. وجوه تامین شده به یک موسسه مالی در برزیل سپرده می شود. از آنجا پول ها به اروپای شرقی می رود، جایی که سرمایگذار های زیادی در صنایع محلی فعال هستند.تامین سرمایه ثابت و سرمایه جاری از طریق یک شرکت تجاری بین‌المللی (IBC) در باهاما ارائه می‌شود که مالیاتی پرداخت نمی کند و از طریق سهام بی‌نام مالکیت دارد. آنها به نوبه خود به یک بانک فراساحلی در اقیانوس آرام ، استرالیا مرتبط هستند.

---

[۷۳۴] –برادر رئیس جمهور سابق مکزیک، کارلوس سالیناس، که به اتهامات قتل و فساد و پولشویی در فوریه ۱۹۹۵دستگیر و زندانی شد.

۷۳۵ - Peter Lilley(۲۰۰۱), Dirty dealing : the untold truth about global money laundering, international crime and terrorism, Third edition ۲۰۰٦, published by Kogan Page Limited, pp۳٦-۳۷

برای اندازه گیری درجه خلوص محصولات ، برخی از شرکت های اروپای شرقی شرکت های سرمایه گذاری مشترکی را در وین اتریش راه اندازی و افتتاح کرده اند. گزارش مذکور نشان می دهد که این امپراتوری یک شرکت بریتانیایی را هم خریداری کرده که شرکت‌های وین ، وجوهی را به شرکت بریتانیایی منتقل می‌کنند، و اسناد نشان می دهند که این شرکت برای خدمات حرفه‌ای‌تر از آن‌ها صورتحساب دریافت کرده است. شرکت بریتانیایی ظاهرا شمش مس از آنها خریداری می کند و گواهی مالکیت صادر می کند تا در بازارهای فلزی لندن معامله شود. پول تامین شده سپس در بازار املاک تجاری بریتانیا و سوئیس سرمایه‌گذاری می‌شود، بنابراین درآمد اجاره ایجاد می‌شود که به نوبه خود توسط مشاوران املاک حرفه‌ای مدیریت می‌شود تا بدهی‌های مالیاتی به حداقل برسد و این تنها بخشی از یک امپراتوری مالی است.[۷۳۶]

در گزارشی دیگر کارلا دل پونته، دادستان کل سوییس در سال ۱۹۹۹ نقل کرد که باندهای جنایی سازمان یافته روسی به حدود ۳۰۰ شرکت سوئیسی نفوذ کرده و از کشور سوئیس به عنوان "قلک" استفاده می کردند. این اظهارات ، گزارش پلیس فدرال سوئیس را که دو سال قبل منتشر شد، تقویت کرد که نشان می‌داد در سال‌های آینده سوئیس می‌تواند به طور فزاینده‌ای از گسترش ساختارهای جرایم سازمان‌یافته، به‌ویژه از ناحیه کشور روسیه آسیب ببیند. استفاده از سوئیس توسط روس ها در اوایل دهه ۱۹۹۰ با جریان های زیاد پول از اتحاد جماهیر شوروی سابق که فروپاشید، آغاز شد ، زیرا ثروتمندان روسی سعی می کردند ارزش ثروت خود را با انتقال آن به یک کشور امن تضمین کنند. مقامات سوئیسی تخمین می زنند که در مجموع ۴۰ تا ۵۰ میلیارد دلار در بانک ها و سایر موسسات مالی سوئیس سپرده گذاری شده است.[۷۳۷]

سوئیس از هجوم اولیه این میزان پول استقبال کرد، زیرا بخش بانکی این کشور تحت رقابت مراکز فراساحلی و بانک‌های جریان اصلی در جهان بود که در حوزه سنتی سوئیس در مدیریت ثروت و بانکداری خصوصی فعال بودند. هیچ راهی وجود ندارد که بدانیم چه مقدار از این حجم اولیه ، پول آلوده به جنایت بوده است ، همانطور که هیچ راهی برای محاسبه چند درصد از کل مبالغ سپرده شده پول کثیف وجود ندارد. آنچه روش است، روس ها بعدا تصمیم گرفتند که نه تنها ثروت آنها در سوئیس باشد، بلکه خانواده های آنها نیز بهتر است به آنجا بیایند. لذا ثروتمندان روسی دست به خرید ملک زدند و با خانواده های خود با آنجا نقل مکان کردند و شروع به کمک به اقتصاد محلی نمودند. در سال ۱۹۹۶ سوئیس برای حدود ۷۰۰۰۰ شهروند روسیه ویزا صادر کرد. (در دهه ۱۹۷۰ تقریباً ۴۰۰۰ نفر بودند.) الگویی که در بالا توضیح داده شد، تا حد زیادی با آنچه که هم اکنون در لندن هست مطابقت دارد.

---

۷۳۶ - Peter Lilley(۲۰۰۱), Ibid
۷۳۷ - Peter Lilley(۲۰۰۱), Ibid, pp ۴۲-۴۳

مطمئناً هر ادعایی که سوئیس را به عنوان تنها کشور امن برای پولهای روسیه معرفی کند، استدلالی اساساً ناقص است. فقط باید به پرونده بانک نیویورک نگاه کرد تا متوجه موضوع شد. زیرا بدون پرداختن به شخصیت‌های درگیر – یا ادعا شده در آن ، ادعای دیگری پذیرفته نیست. نیویورک تایمز آن را بزرگترین عملیات پولشویی کشف شده در ایالات متحده دانست. این پرونده تقریبا همه موارد را در بر داشت :

- دخالت احتمالا توام باآگاهی کارکنان بانک
- ادعاهایی مبنی بر اینکه وام های صندوق بین المللی پول می تواند بخشی از این پولهای شسته شده باشد
- پیوندهای احتمالی با بوریس یلتسین،(رییس جمهور سابق) خانواده و حلقه اطرافیان او.
- انتقال پول شامل لندن، ایالات متحده، چین واسترالیا می شد
- دخالت شبکه ای از شرکت های مستقر درروسیه، لندن، سوئیس و جزیره مان در عملیات پولشویی
- افتتاح حساب در لندن، نیویورک، جزایر کانال و بسیاری مکان های دیگر

خوانندگان ایرانی وقتی این گزارش ها را می خوانند، به احتمال زیاد، ذهنشان نا خودآگاه بسوی فهرست اسامی گروهی از مسوولین و مقامات دولتی جمهوری اسلامی می رود که طی یکی دو دهه اخیر، خود و بستگان نزدیکشان از عروس و داماد و فرزندان ایشان و یا آقازاده ها و سایر اعضای خانواده ، پول ، دارایی و ثروت های نجومی قابل توجهی را به روش اختلاس وکلاهبرداری و فرار سرمایه و یا سایر جرایم مالی و اقتصادی به کشورهای انگلیس،کانادا و استرالیا و سایر کشورهای اروپایی و حتی امریکا منتقل کرده اند. صدور گرین کارت و تابعیت برای مقامات سیاسی ایرانی و وابستگانشان توسط کشورهای غربی، معنایی جز پهن کردن فرش قرمز توسط مقامات کشورهای غربی برای مقامات سیاسی فسادی که در ایران ژست استکبار ستیزانه می گیرند و شعارهای تند انقلابی می دهند و فرصت طلبانه ثروت ملتی فقیر و ساده لوح را غارت و در آنسوی اقیانوس اطلس، در اروپا و آمریکا و مهد دموکراسی لیبرال ساحل امنی را برای خود جستجو می کنند، تعبیر دیگری ندارد. آمارهای مختلفی از تعداد وابستگان مقامات سیاسی ایران که گرین کارت دریافت کرده اند و مبالغ کلانی که منتقل کرده اند، در منابع رسمی و غیر رسمی درج شده است.[۷۳۸] آیا اینها به تعبیر توماس نایلور، مزد جنایت نیست؟

۷۳۸ - گزارش های رسمی و غیر رسمی از منابع مختلف داخلی و خارجی ۱۵۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر از بستگان و وابستگان مقامات و مسوولین را نام می برند. برای نمونه ر.ك به : به متن کامل گزارش نهایی تحقیق و تفحص از بررسی وضعیت افراد دوتابعیتی و دارای گرین‌کارت در حوزه مسئولان و مدیران ارشد . همچنین به اظهارات غیر رسمی برخی از اعضای کمیسیون تحقیق و تفحص در مطبوعات و رسانه ها رجوع شود. هرچند که در رویه ای کثیف ، حکومت برای غیرشفاف ماندن چنین موضوعاتی، اخبار رسمی را ارائه نمی دهد و خبرهای درز کرده به مطبوعات را هم با بی اعتبار سازی مطبوعات و شایعه خواندن خبرها انکار می کند این یک اصل است که حکومت های فاسد ، مطبوعات فاسد می خواهند و مطبوعات فاسد پرورش می دهند و از شفافیت می ترسند.اگر همراهی نکنید باید در زندان بمانید. بی دلیل نیست که ایران بزرگترین زندان روزنامه نگاران و خبرنگاران شده است.در نظام های فاسد ، فاسدها آزادند وآزاداندیشان در زندان هستند.

هاجر چنارانی نماینده مردم نیشابور در مجلس شورای اسلامی اخیرا اعلام کرد : " فرزندان ۵۴۰۰ نفر از مسئولان دولت در خارج از کشور هستند. مسئولان ما حقوق و درآمد جمهوری اسلامی را دوست دارند ، ولی تابعیت کشورهای خارجی را می‌خواهند، اگر آمریکا دشمن است فرزندان مسئولین آنجا چه می کنند؟؟.. وی در جلسه رای اعتماد به یکی از کسانی که برای تصدی وزارت کار معرفی شده بود ، خطاب به ابراهیم رییسی گفت نمی‌شود که من وزیر کابینه‌ای انتخاب کنم که دو فرزند او در کانادا به دنیا آمده‌اند." جالب تر اینکه مدت کوتاهی بعد از این، خبرهایی منتشر شد که فرزندان انسیه خزعلی ، معاونت امور زنان رییس جمهور هم درکانادا صاحب کسب و کار و بیزنس در حوزه آی تی است و نمایندگی فروش VPN دارند. در هرحال آنچه معلوم است، ژست های انقلابی برخی از مقامات حکومتی در ایران کاملا ریاکارانه و فریبکارانه است و کشورکانادا بویژه در میان کشورهای مدعی حقوق بشر و دموکراسی ، بیش از دیگر کشورها مامن و بهشت امنی برای اختلاسگران و دزدان و مقامات فاسد وغارتگر از رژیم‌های فاسد و سرکوبگر خاورمیانه‌ای همانند مقامات حکومتی در ایران است. حضور کسانی همچون سردار طلایی رییس پلیس پیشین پایتخت جمهوری اسلامی با شلوارک در سالن ورزشی مختلط ، کسی که پیش تر در زمان تصدی مقام ریاست پلیس امنیت تهران، در قالب گشت ارشاد پایتخت ، مقررات سختگیرانه برای کنترل پوشش و حجاب خانم ها اعمال می کرد و یا اقامت محمود رضا خاوری کسی که محکوم به اختلاس ۳۰۰۰ میلیاردی از بانک ملی ایران است ، در کانادا ، تنها موارد غیر قابل کتمان و برجسته ای از خبرهایی است که چهره ریا کارانه برخی مقامات جمهوری اسلامی را برملا می کند. برای اینکه خوانندگان محترم درک واقعی تری از مبلغ ارزش و میزان اختلاس محمود رضا خاوری داشته باشند، کافی است بداند طبق برآورد سازمان برنامه بودجه ، کل رقم خسارات مستقیم جنگ تحمیلی ایران و عراق طی هشت سال در آن زمان معادل با ۳۰۸۱ میلیارد تومان تخمین زده شده است، که با نرخ دلار به ریال در سال ۱۳۵۹ معادل ۴۴۰ میلیارد دلار می شود. به عبارتی رقم اختلاس این شخص به تنهایی با رقم مجموع خسارات مستقیم جنگ هشت ساله ایران و عراق برابری می کند. وقتی این آگاهی ایجاد می شود، آنگاه به صحت شعارهای صدها کارگر معترضی که گاه بیش از شش ماه حقوق دریافت نکرده اند، می توان مهر تایید زدکه فریاد می زدند :" یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه." اگر تنها جلوی یک فقره از این نوع اختلاس های نجومی گرفته شود، حقوق کامل (سی سال / ماهانه) صدها کارگری که می توانند به اقتصاد این کشور خدمت کنند، تامین می گردد. در مورد دیگر، یکی از مقامات امور قراردادهای شرکت نفت جمهوری اسلامی ایران، طی یک پروسه زمانی چند ساله ، ارقام نجومی قابل توجهی سوء استفاده مالی انجام داده و پول ها را به خارج انتقال داده بود.[۷۳۹] این به جز مورد اختلاس کلان دو میلیارد و هفتصد

---

۷۳۹ - https://parsi.euronews.com/news/asia/iran "اختلاس ۱۰۰ میلیارد تومانی، این بار در شرکت ملی نفت ایران"

میلیون دلاری در وزارت نفت است که فردی بنام بابک زنجانی در جریان رسیدگی به آن دستگیر شد.[۷۴۰] مواردی از این نوع گزارش ها کم نیست.

فساد و بانکداری در سایه

تجربه خصوصی سازی در ایران به حوزه بانکداری هم کشیده شد که پیامد آن تاسیس و فعالیت قارچ گونه موسسات پولی، مالی و اعتباری خصوصی و بروز خسارات مالی سنگین به اقتصاد و بحران اعتبارات در سیستم بانکی ایران بود. اما برای بررسی و ارزیابی تجربه خسارت بار خصوصی سازی در بانک های ایرانی ابتدا باید به ماهیت و کارکرد و نقش بانکداری در سایه پرداخت. برچسب "بانکداری در سایه" به طور گسترده برای توصیف واسطه‌گری اعتباری خصوصی که خارج از سیستم بانکی رسمی اتفاق می‌افتد استفاده شده است.[۷۴۱] اصطلاح "بانکداری سایه" توسط مک کالی (۲۰۰۷)[۷۴۲] ابداع شد، با طبقه بندی هایی که اندکی پس از آن توسط پوزسار (۲۰۰۸) و آدریان و شین (۲۰۰۹، ۲۰۱۱) ارائه شد. از آن زمان ادبیات مرتبط با آن توسعه زیادی داشت.

هیئت ثبات مالی (FSB)[۷۴۳]، که مسئول تجزیه و تحلیل و تنظیم بانکداری سایه بود. در گزارشی در سال ۲۰۱۳، نوشت که "سیستم بانکداری سایه" (SBS)[۷۴۴] را می توان به طور کلی به عنوان " واسطه اعتباری شامل نهادهای خارج از سیستم بانکی عادی (به طور کامل یا جزئی)" یا به طور خلاصه "واسطه اعتباری غیربانکی" توصیف کرد.[۷۴۵] این تعریف از نظر فنی درست است، اما جای تامل دارد. اصطلاح "بانکداری در سایه" شاید تا حدی گمراه کننده باشد که دلالت بر اتفاقی شوم مانند "در سایه" یا بدتر از آن "پنهان" دارد. درست است، جنبه قابل توجهی از بانکداری سایه به تسهیل سازماندهی شده فرار مالیاتی، پول شویی، و یا نقل و انتقالات غیرقانونی وجوه از طریق بهشت های مالیاتی (مثلا جزایر کیمن، لوکزامبورگ،جزایر کارایب و غیرو) مربوط می شود و همانطوریکه مشخص است، در مقیاس نسبتاً گسترده ای رخ می دهد. اما این هنوز تا ویژگی مرکزی SBS فاصله دارد. این تعریف تداعی تقریباً اجتناب ناپذیری از جرم و جنایت را بدنبال دارد.[۷۴۶]

---

۷۴۰ – طبق اظهارات مستند بیژن زنگنه وزیر نفت دولت بعد، درویژه برنامه پایش در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

۷۴۱ – برای بررسی های اخیر، IMF,۲۰۱۴ و (Claessens and others,۲۰۱۵) را ببینید :

Claessens, Stijn, Douglas Evanoff, George Kaufman, and Luc Laeven.(۲۰۱۵), Shadow Banking within and across National Borders. World Scientific Studies in International Economics ۴۰. Singapore: World Scientific Publishing Company

۷۴۲ - Paul McCulley

۷۴۳ - Financial Stability Board

۷۴۴ - shadow banking system

۷۴۵ - Robert Guttmann(۲۰۱۶), Finance-led capitalism : shadow banking, re-regulation, and the future of global markets, Palgrave Macmillan, First published, p۱۲۳

۷۴۶ - Robert Guttmann(۲۰۱۶),Ibid.

بجز در نظام مبادلات تهاتری، همواره درچرخه مبادلات اقتصادی یک کشور، یک سو جریان مبادله کالا و خدمات است (عرضه/ تقاضا) و در سوی دیگر، جریان (دریافت/ پرداخت) پول و یا نقدینگی است. حال تصور کنید، مثلا درصد قابل توجهی از کل مبادله کالا و خدمت در اقتصاد یک کشور بطور پنهانی و در سایه رخ دهد ، ازآنجا که قاچاقچیان و باندهای مافیایی و دیگر فعالان اقتصاد سایه به هرحال برای نقد کردن کالا / خدمات خود وابسته به سیستم بانکداری در آن کشور هستند، این امید وجود دارد که بتوان برآن مبنا اولا حجم و اندازه اقتصاد سایه را از ارزش مبادلاتی کالا و خدماتی که تبدیل به نقد شده، تعیین و برآورد کرد و ثانیا از طریق تراکنش های مالی انجام شده، اشخاص و نهادهای فعال در اقتصاد سایه را رهگیری و رصد نمود. اما وقتی که فعالان اقتصاد سایه از یک حاشیه امن دیگر برخوردار باشند و آن وجود یک نظام بانکداری غیر رسمی و غیرشفاف و در سایه تحت عنوان موسسات پولی و مالی و اعتباری باشد که به موازات نظام بانکداری رسمی ، بدون هرگونه اخذ مجوز و یا تحت نظارت بانک مرکزی که به تعبیری بانک بانک هاست، فعالیت کنند، در آنصورت واقعا با چه ابزارهایی می توان حجم اقتصاد سایه را برآورد نمود ؟ و بر پایه چه داده ها و اطلاعاتی می توان فعالان اقتصاد سایه را رهگیری و شناسایی کرد؟ بانکداری سایه در واقع به نوعی ارائه خدمات بانکی به بخش خاکستری و سیاه و اقتصاد پنهان یا در سایه است و حاشیه امنی است برای ادامه فعالیت غیرقانونی قاچاقچیان ، سپرده گذاران پولهای کثیف، باندهای جرایم سازمان یافته و تروریست ها و سوداگران خلافکاری که سرمایه های خود را برای فرار از مالیات و حساب و کتاب از چشم نظام حسابرسی ملی پنهان می کنند. بدتر از آن فعالیت آزادانه موسسات پولی و مالی و اعتباری است که به رغم نداشتن هرگونه مجوز فعالیتی، این امکان را به آنها می دهد تا با جلب اعتماد عمومی و تبلیغات فراگیر وگسترده حتی توسط رسانه های ملی ، محلی و مطبوعات و غیرو بتوانند برای هرکس بدون منشاء درآمد افراد حساب پس انداز و سپرده گذاری افتتاح کنند و سپرده های همه اشخاص را بپذیرند و به اشخاص حقیقی و حقوقی وام بدهند ، زمینه را برای یک پولشویی گسترده فراهم می کند و مهمتر از همه آن امکان خلق پول دارند. بسیاری از ویژگی های مرتبط با بانکداری سایه از قبیل استفاده مجدد از وثیقه و زنجیره های طولانی وثایق و تمدید اوراق بدهی های استمحال شده و غیرشفاف بودن اهرم های مالی در بانکداری سایه آن را مفسده آمیز و بحران زا نموده و عملا بانکداری سایه را باید نوعی کلاهبرداری در روز روشن تلقی کرد. (ایفاتی، نازیه، ۲۰۲۰) در مقاله ای با عنوان " پتانسیل فعالیت های مجرمانه در بانکداری سایه "، جنبه های منفی بانکداری سایه را چنین برمی شمرد :

اولاً – بانکداری سایه به ایجاد ریسک بالقوه بیشتری در سیستم مالی منتهی می شود و دلیل آن ، این است که بانکداری سایه مانند یک بانک اما با حداقل نظارت عمل می کند. آنها ریسک سیستمی را افزایش می دهند زیرا از طریق زنجیره واسطه گری اعتباری با سیستم بانکداری سنتی پیوند دارند. اگر مشکلی در سیستم بانکداری سایه رخ دهد، ریسک به راحتی می تواند به سیستم بانکداری سنتی و رسمی سرایت کند.

دوم–مقررات سست و سهل گیرانه در پیش روی آنهاست. نظارت دقیق بر فعالیت های بانکداری سایه اغلب به دلیل عدم افشای اطلاعات دشوار است.

سوم –بیمه سپرده ندارند. برخلاف بانک‌های تجاری، وجوه تامین‌کنندگان سرمایه فاقد ضمانت اعتبار هست، بنابراین اگر اعتماد تامین‌کنندگان سرمایه کاهش یابد، می‌توانند وجوه خود را به یکباره برداشت کنند. این موضوع عملیات بانکداری سایه را مختل می کند و آنها را مجبور به فروش دارایی هایشان می کند. این باعث ایجاد شوک هایی می شود که می تواند سیستم مالی را دچار فروپاشی کند.

چهارم–ریسک نقد شوندگی در این نوع بانکداری بالاست. بانکداری سایه سرمایه های کوتاه مدت را جمع آوری می کند و از آنها برای سرمایه گذاری در دارایی های بلندمدت استفاده می کند. در نتیجه، در دوره‌هایی که بازارهای نقدینگی ندارند، می‌توانند ورشکست شوند ، زیرا از عهده اجرای تعهدات کوتاه‌مدت خود برنمی آیند. تمام این ویژگی ها بانکداری سایه را بطور بالقوه دارای خصوصیات مجرمانه و جرم خیز نموده است. در واقع جنبه های منفی این نوع بانکداری با اعمال بالقوه مجرمانه ای مرتبط و در هم تنیده است که بانکداری سایه را در فهرست فعالیت های غیرقانونی می تواند جای دهد، یکی از مهمترین آنها پولشویی است.[۷۴۷]

در واقع بانکداری سایه، انجام عملیات شبه بانکی در جهت خدمت به بخش پنهان اقتصاد است که بویژه برای پولشویی می تواند مورد بهره برداری وسیع قرار گیرد. متاسفانه بنگاه هایی که در حوزه ی بانکداری سایه فعالیت می کنند، بانک به معنای مصطلح آن محسوب نمی شوند، و جرایم رخ داده شده در آنها هم نمی تواند، جرایم بانکی لحاظ شود، اما به جهت نزدیکی و تقارن و تقارب زیاد عملیات آنها به نظام بانکداری مرسوم، این جرایم را ، "جرایم بانکی"[۷۴۸] نام گذاری می کنند.

جرایم بانکی دارای ابعاد مختلفی است:

(۱) جرم شخص علیه بانک، (۲). جرم یک بانک علیه بانک دیگر، (۳). جرم یک بانک علیه یک فرد

جرایم بانکی به یک مکان خاص محدود نمی شود بلکه می تواند در سراسر مرزهای سرزمینی کشور و حتی فراسرزمینی باشد. به همین ترتیب، بُعد زمان می‌تواند فوراً رخ دهد، و با فن آوریهای دیجیتال ، نهایتا عملیات بانکی می‌تواند چند لحظه طول بکشد. از جهت نوع و کیفیت ، جرایم بانکی عبارتند از :

- کلاهبرداری اعتباری
- اختلاس از منابع و بودجه ی عمومی
- سوء استفاده از بودجه عمومی

---

۷۴۷ - Iffaty Nasyiah(۲۰۲۰),Potential Criminal Action in Shadow Banking Practice, Advances in Social Science, Education and Humanities Research, volume ۵۲۹.

۷۴۸ -Banking Crime

- نقض مقررات ارزی
- پولشویی

الگوی جرایم بانکی غالباً پیچیده است، و اغلب موارد مقصر فردی است که در زمینه خود متخصص است و معمولاً بسیار محجوب ومعصوم به نظر می رسد، قصد خود را پنهان می کند و در خفاء مرتکب جرم می شود، از این رو جرایم بانکی اگر توسط یک یا چند مدیر یا کارمند بانک انجام شود جزء جرایم یقه سفید طبقه بندی می شوند.[۷۴۹] اما هرگاه جرایم بانکی ابعاد فراتری می یابد، می تواند در زمره جرایم سازمان یافته جای داده شود.

درحال حاضر حجم بسیارکلانی از نقدینگی در سراسر جهان از طریق نظام بانکداری فراساحلی و بانکداری در سایه دوشادوش هم در جریان پولشویی بکار انداخته شده است.۲۰ الی ۳۰ سال پیش، بهشت مالیاتی چندان مهم تلقی نمی شد، اما در حال حاضر مردم در مورد این مکان های عجیب و غریب، مانند کارائیب، جزایر عجیب و غریب در اقیانوس آرام و برخی از استراحتگاه های آلپ در اروپا صحبت می کنند و متوجه خطرآنها شده اند، آنها انگشت اتهام را روی مالیات برون مرزی گذاشته اند، به ویژه مکان هایی در کارائیب یا دیگر مکان های اقیانوس آرام. اما این مکان های فراساحلی زمانی بسیار دور از مراکز مالی عمده در اروپا و ایالات متحده بودند و اکنون به تدریج معلوم شده است که بخش مهمی از وجوه مالی متعلق به گستره ای از حوزه های مالیاتی است که بهشت مالیاتی ، بهشت پول های اختلاس شده و بهشت سرمایه های فراری (یا به تعبیری بهشت اختلاسگران و بهشت سرمایه داران غارتگر از سایر کشورها) در دل مرکز سرمایه داری مالی و در مرکز جرایم مالی قرار دارند. این بهشت های مالیاتی دیگر نقاطی ناشناخته و دور دست در کارایب نیستند، بلکه بهشت های مالیاتی واقعی در مرکز اقتصاد مالی جهان ، یعنی آمریکا، سوئیس، هنگ کنگ و احتمالا سنگاپور و مالزی قرار گرفته اند.[۷۵۰] آنها براساس قاعده (بانک های بزرگ ، پولشویی بزرگ) اجازه فعالیت های بزرگ پولشویی و اجتناب از پرداخت مالیات ، یا فرار از مالیات را فراهم می کنند. آنها همچنین راه هایی را برای پنهان کردن هویت صاحبان واقعی این ثروت های افسانه ای در اختیار ذینفعان قرار می دهند. آنها به برخی از مافیا یا افراد مشهورکمک می کنند تا پولشویی کنند و اغلب پول ها را در این مکان ها پنهان کنند. این افراد مشهور شامل مقامات سیاسی شناخته شده کشورهای غارت شده و جهان سومی هم می شود. آنها حتی پول تراکنش های مواد مخدر یا پول های قاچاق را می توانند پنهان کنند. به این ترتیب ، اکنون دامنه فساد و پولشویی و فرار مالیاتی گسترده تر شده است، و مرکز سود، همان مرکز اقتصاد سرمایه داری است. همه آنها تقریباً ۳۰ درصد از سود شرکت های آمریکایی را تشکیل می دهند که از چنین بهشت

۷٤۹ -Ida Nurhayati & Indianik Aminah(۲۰۲۰),Credit Fraud as One of the Dimensions in the Banking Crime; Advances in Social Science, Education and Humanities Research, volume ٥٤٤.

۷٥۰ - Yanping Liu, Minghai Tian ,Yanming Shao(۲۰۲۲),Cybercrimes and Financial Crimes in the Global Era, Springer,p۸.

مالی عبور می کنند.[۷۵۱] پولی که وارد بهشت مالی می شود اکنون ۳۶ تریلیون دلار آمریکا انباشته شده است که ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل می دهد. این یعنی بطور میانگین دست کم چهل درصد از کل اقتصاد جهان در سایه و پنهان است. ۸۸ تریلیون دلار آمریکا از چنین کانال هایی عبور می کند که برای فرار از مالیات استفاده می شود. این افراد یا شرکت های ثروتمند هستند که از پرداخت مالیات اجتناب می کنند و برخی نیز پول بانکی هستند. این نوعی معامله با پول نیمه غیرقانونی است نه کاملا غیرقانونی.[۷۵۲]

(مهشید شاهچرا، ۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان: " بانکداری سایه ، تهدیدها-فرصت ها" ، ویژگی های مهم بانکداری سایه را به شرح زیر برشمرده است[۷۵۳]:

۱ -واسطه گری مالی: بانکداری سایه از طریق جذب وجوه مالی کوتاه مدت از بازارهای مالی برای سرمایه گذاری در بخشهای دیگر(به وسیله انتقال سررسید یا نقدینگی) اقدام به واسطه گری مالی می کند.

۲ -وجوه تضمین نشده : وجوه کوتاه مدت در بانکداری سایه که به عنوان منبع استفاده می شوند، تضمین شده نیستند و به عبارت دیگر توسط دولت یا بیمه ها مورد حمایت قرار نمی گیرند و امکان بازگشت بدون ریسک را برای سپرده گذاران در صورت وقوع ضرر و زیان فراهم نمی آورند.

۳ -عدم دسترسی به منابع بانک مرکزی : هیچگونه امکان دسترسی به منابع و حمایت های بانک مرکزی در صورت بروز مشکل و کمبود نقدینگی وجود ندارد. ایجاد اعتبارات و افزایش نقدینگی برای بازارهای مالی با وجود عدم دسترسی به منابع و حمایتهای بانک مرکزی اتفاق می افتد.

۴ -استفاده از اهرم ها : در بانکداری سایه ای با تکیه بر اهرمهای جدید و متنوع با آنچه در بانکداری معمول است، به عنوان ابزار طبیعی در کسب و کار خود به فعالیت می پردازند.

۵ -اقلام خارج از خط: در بانکداری سایه ای اقلام خارج از خط مورد استفاده بسیاری قرار میگیرد و همین موضوع یکی از دلایل رشد بخش بانکداری سایه ای در سالهای قبل از بحران سال ۲۰۰۸ نیز عنوان شده است .از این رو اصلاح استانداردهای حسابداری در این زمینه در بانکداری سایه ای از اهمیت ویژه ای برخوردار است. استانداردهای حسابداری در آمریکا طی دهه ۱۹۸۰ اجازه دادند وامهای تضمین شده و بدهی های مربوطه را از ترازنامه بانک ها خارج و به دفاتر خاص به عنوان اقلام خارج از خط منتقل شوند و

---

۷۵۱ - Yanping Liu, Minghai Tian ,Yanming Shao(۲۰۲۲),Ibid

۷۵۲ – لئو خاطرنشان می کند که دانشجویان خواهان آزادی و دموکراسی درهنگ کنگ هستند، اما از بهشت مالیاتی چیزی گفته نمی شود. در حالی که مسئله اصلی هنگ کنگ از درجه اهمیت ساقط شدن به عنوان یک مرکز بزرگ مالی برای فرار مالیاتی و پولشویی است. او می گوید اولین باری که به هنگ کنگ رفتم در سال ۱۹۸۷ بود که تولید ناخالص داخلی هنگ کنگ ۲۷ درصد از تولید ناخالص داخلی چین را تشکیل می داد. اما امروز ۳ یا ۴ درصد شده است. زیرا نقش آن به عنوان یک مرکز مالی اکنون در حال تنزل است. پول بیشتری به شانگهای و شنژن می رود. وضعیت هنگ کنگ در حال تهدید است.همان: Yanping Liu, Minghai Tian ,Yanming Shao(۲۰۲۲),Ibid

۷۵۳ – همان، فصلنامه تازه های اقتصاد زمستان - ۹۳ بهار ۹۴ شماره۱.

این موضوع منجر به ایجاد ساختار بانکداری سایه ای و ابزارهای مورد استفاده آن شد. منظور از خارج از خط یعنی خارج کردن از صورت های مالی مرسوم ، البته باید توجه داشت دسترسی به اطلاعات و شفافیت در این زمینه در مورد فعالیت های مالی ساختاریافته و خارج از ترازنامه بسیار مشکل است.

۶ -بانکداری سایه ای منجر به افزایش رو به رشد بخش عمده ای از جریان اعتبارات در بخش های مالی که به خوبی تحت نظارت نبوده، می شود و منابع را بسوی فعالیت های اقتصادی که در سایه هستند، سوق می دهد.

۷ -بانکداری سایه ای به طور گسترده انتشار ریسک در بازارهای مالی را افزایش می دهد. این افزایش ریسک میتواند از طرق مختلف نظیر ایجاد فرصت برای آربیتراژ قانونی، ایجاد اهرم های خارج از سیستم بانکی تحت نظارت، ایجاد عدم قطعیت و نااطمینانی به وسیله ایجاد فرصتهای سرمایه گذاری جایگزین سپرده بانکی، منجر به وقوع بحرانهای مالی شود.

ویژگی های ساختاری موسسات اعتباری (شبه بانک ها) از نظر کارشناسان صندوق بین الملل پول عبارت است از :

۱ -قابلیت انتقال ویژگی های ریسک –فعالیت های بانکداری سایه می تواند شامل دگرگونی گسترده در ویژگی های ریسک باشد. کلید کار در این زمینه، افزایش اعتبار مرتبط با ادغام و تقسیم ریسک و/یا تضمین های ضمنی است. در حالی که سررسید و/یا تحول نقدینگی معمولاً با همه انواع واسطه گری اعتباری (بانکداری سایه، تامین مالی مبتنی بر بازار و بانکداری سنتی) مرتبط است، اهرم، پیچیدگی و غیرشفاف بودن در مورد بانکداری سایه بیشتر از سایر موارد است. شبکه‌های طولانی – تحولات ریسک ذاتی بانکداری سایه اغلب در امتداد زنجیره‌ای از واسطه‌های تخصصی و مرتبط انجام می‌شود و در نتیجه می‌تواند ترازنامه‌های بسیاری از نهادها را دربرگیرد. برای مثال، وام‌هایی که از یک شرکت مالی غیربانکی نشات می گیرد، توسط کارگزار ادغام و تجمیع می‌شوند. معامله‌گرانی در میزهای سندیکا هستند که آنها را به اوراق بهادار بدهی دارای پشتوانه و وثیقه (CDO) تبدیل می‌سازند، که توسط آژانس‌های رتبه‌بندی اعتبار (CRA) رتبه‌بندی می‌شوند و از این طریق تأمین مالی می‌شوند. بطور مثال از طریق انتشار اوراق سرمایه پذیری در بازار عمده فروشی که توسط صندوق های نقدی افزایش یافته خریداری می شود. یکی از ویژگی های مرتبط بانکداری سایه، استفاده مجدد از وثیقه و زنجیره های طولانی وثیقه است. در حالی که استقراض با وثیقه عموماً ایمن است، یک نقطه ضعف این است که استفاده مجدد از وثیقه های مکرر می تواند منجر به افزایش ارتباط متقابل و ضربدری بشود.

۲ -بانکداری سایه برپایه ی نوعی تامین مالی مبتنی بر بازار است که می تواند با کاهش دامنه سرریزها همراه باشد، جایی که ارتباط بین مؤسسات مالی بسیار کاهش یافته است. به عنوان مثال، مورد وام مستقیم به یک شرکت را که توسط مالک دارایی بلندمدت اعطا شده است (مثلاً یک وقف یا صندوق دارایی دولتی) در نظر بگیرید: ریسک

اعتباری توسط یک مؤسسه منفرد (محصور)، بدون اینکه باعث ایجاد اثرات بالقوه سرایت پذیر شود ، می تواند در حضور زنجیره های طولانی و مستمری از تمدید اعتبار براساس استفاده مجدد از وثیقه، ایجاد شود.

۳ -پشتیبانی ضمنی حامیان بخش خصوصی -فعالیت بانکداری سایه اغلب از فرض حمایت حامیان خصوصی، مانند ضمانت اعتبار ضمنی یا خط اعتباری به یک نهاد خارج از ترازنامه ارائه شده توسط نظام بانکی بهره می برد که در صورت عدم تحقق انتظارات بازگشت سرمایه توسط سرمایه‌گذار، متحمل آسیب به شهرت می‌شود. در جاهایی که فعالیت‌های بانکداری سایه دارای حاشیه‌ها کم مقدار هست بطوری که نمی‌تواند تمام هزینه های یک حامی را به تنهایی جذب کنند، به ظرفیت جذب ریسک خارجی یارانه‌ای (یعنی بیمه ارزان) نیاز دارد. جنبه انعطاف‌پذیرتر تامین مالی مبتنی بر بازار در "ساختار تامین مالی خودپشتیبان" بیان می‌شود، به این معنا که مدل کسب‌وکار زیربنایی برای کاهش هزینه‌های تامین مالی بر فرض حمایت حامیان مالی در کشورهای بد جهان متکی نیست.

۴ - دسترسی مستقیم و رسمی در مقابل غیر مستقیم به پشتیبان‌های رسمی -در حالی که نه بانکداری سایه و نه نهادهای مالی مبتنی بر بازار، به شیوه بانک های سپرده پذیر سنتی، به طور رسمی به پشتیبان‌های بخش رسمی (یعنی دسترسی به پنجره تخفیف و بیمه سپرده) دسترسی ندارند، اما بانک‌های سایه ممکن است از دسترسی غیرمستقیم (در پشتی) بهره ببرند. خصوصا اگر در پیوند با بانک های رسمی به تبادل پولی و مالی بپردازند و پیوندهای نزدیک با بانک های سنتی داشته باشند.

۵ -پایه تامین مالی -ویژگی غالب بدهی های بانکداری سایه این است که عمدتا برپایه ی ابزارهای کوتاه مدت (یا تعهدات بدهی کوتاه مدت) هستند، در حالی که پایه تامین مالی انعطاف پذیرترِ فعالیت های مبتنی بر بازار در اشکال بلندمدت و کمتر قابل اجرا تامین مالی منعکس می شود.[۷۵۴]

سابقه بانکداری غیر رسمی یا بانکداری در سایه و فعالیت صندوق های اعتباری در ایران و در خارج از چارچوب نظارتی بانک مرکزی به تحولات بعد از انقلاب اسلامی بر می گردد. مروری بر تاریخ بانکداری در ایران قبل و بعد از انقلاب ۵۷ و دهه اول تا میانه دهه سوم ، تاکنون نشانگر قبض و بسط نظام بانکداری درکشور است، بطوری که در خردادماه ۱۳۵۸ بر اساس مصوبه شورای انقلاب حکم به ملی شدن بانک‌ها داده شد و این مساله سبب شد که تعداد بانک‌های فعال در ایران از ۳۵ بانک به ۹ بانک تقلیل پیدا کند و همگی دولتی شوند. سپس در دهه دوم و همگام با برنامه های توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و رشد آن در دهه سوم ، با طرح موضوع خصوصی سازی[۷۵۵]،

---

۷۵٤ -Tobias Adrian and Bradley Jones(۲۰۱۸),” Shadow banking and market-based finance”, International Monetary Fund, Publication Services.pp۳-۵.

۷۵۵ - برای اولین‌بار ماده ۹۸ از فصل دهم قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی با عنوان "ساماندهی بازارهای مالی"، اجازه تاسیس موسسات مالی و اعتباری غیردولتی به اشخاص حقیقی و حقوقی را جهت افزایش شرایط رقابتی در بازارهای مالی، تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و ایجاد زمینه رشد و توسعه اقتصادی کشور را داد.

بطور قارچ گونه شاهد تاسیس بانک ها و موسسات مالی اعتباری مختلف در کشور بودیم.[۷۵۶] اما با انقلاب ۱۳۵۷ و همزمان با تحولات در نظام بانکداری کشور تحت عنوان بانکداری بدون ربا و بانکداری اسلامی، نوعی از بانکداری غیر رسمی و یا در سایه در قالب موسسات و صندوق‌های قرض‌الحسنه فعالیت گسترده خود را در سراسر کشور آغاز کردند که بدون آنکه تحت نظارت بانک مرکزی یا هر نهاد ناظر دیگری باشند، به دلیل یدک کشیدن عنوان "قرض الحسنه"، عملا از نوعی "مشروعیت، مصونیت و اعتبار مذهبی" برخوردار بودند، نام گذاری مذهبی موسسات و صندوق ها ، و یا شخصیت های ممتاز مذهبی همچون نام امامان شیعه و از این قبیل نیز بر اعتبار مذهبی آنها می افزود. اما به دلیل عدم دسترسی به منابع مالی کلان و عدم اتکاء بر اسپانسرها یا حامیان پرقدرت در بخش خصوصی، تاثیر چندان مهمی بر بازار پول و اعتبار نداشتند. هرچند که براساس برخی گزارش ها ، تعداد صندوق‌های قرض‌الحسنه که در سال ۱۳۵۷ به ۲۰۰ واحد می‌رسید، با رشدی قابل توجه مواجه بود و در سال ۱۳۶۷ به ۳ هزار شعبه رسید، اما سهم همگی آنها در اقتصاد ناچیز بود.

بعد از جنگ، برنامه تعدیل ساختاری و سیاست خصوصی سازی موج تحولات دیگری را در بانکداری کشور رقم زد. کسانی که اصلا از اصول اقتصاد و علم بانکداری هیچ آگاهی، دانش و اطلاعی نداشتند، وارد این حوزه شدند و پول های مردم را با وعده اعطای وام و تسهیلات کم بهره، جمع کردند و چون فعالیت اقتصادی مولد و سودآوری نداشتند، با ورشکستگی مواجه شدند و نظام بانکداری کشور را با انبوهی از سپرده گذاران مال باخته مواجه نمودند.[۷۵۷] یکی از کارشناسان اقتصادی و مدیران با سابقه بانکی درکشور[۷۵۸]، سابقه فعالیت موسسات پولی، مالی و اعتباری را به نیمه های دهه ۶۰ نسبت می دهد : " تجربه اولین موسسات مالی– اعتباری به شکل کنونی به پس از انقلاب و سال ۱۳۶۶ برمی‌گردد. در آن زمان، دو شرکت به نام‌های "بعثت" و "نبوت" تاسیس شد. این دو شرکت مضاربه‌ای قرار بود با استفاده از سپرده‌های مردم، به فعالیت‌های تجاری پرداخته و ماهانه سودی معادل ۴ درصد را به سپرده گذاران بپردازند، این شرکت‌ها پول ها را از مردم می گرفتند و چون درآمدی نداشتند، از محل سپرده‌های مردم، سود ۴ درصد را به مردم پرداخت کردند و این روند تا جایی ادامه پیدا کرد که این موسسات هیچ پولی برای

---

۷۵۶ – حسن سبحانی نماینده سابق مجلس و عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، در توصیف این وضعیت در همان زمان(۱۳۸۹/۱۲/۶) به مطبوعات گفت : " نرخ رشد تاسیس و ایجاد بانک در یکی دو سال اخیر به شدت افزایش یافته به طوری که هر نهاد یا سازمانی به دنبال تاسیس بانک است تا گوی سبقت را از سایر رقبا برباید و احیانا از بقیه عقب نماند. شاید در شرایط فعلی که رکود دامنگیر اقتصادکشور است بهترین گزینه برای سودآوری تاسیس موسسات خدماتی به ویژه بانک باشد. روندی که با تایید چنین رخدادی در اقتصاد کشور آن را متاثر از شرایط رونق درآمد از محل تجارت پول و نه لزوما تولید می دانم" : گفتگوی خبرآنلاین با حسن سبحانی : https://www.khabaronline.ir/news/۸۲۲۰۳۷ (کد خبر: ۱۳۲۶۸۴)

۷۵۷ – عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس در تاریخ ۲۳/ اردیبهشت ۱۳۹۷ طی نشستی در مجلس اعلام کرد : یکی از موسسات ۱۲ هزار میلیارد تومان پول مردم را درحالی جمع کرده بود که سرپرست آن دیپلم نداشت و مسلح وارد بانک مرکزی می‌شد. ر.ک به :

https://armaneghtesadi.com/۲۳/۰۲/۱۳۹۷/۱۵۸۱۹۹

۷۵۸ – احمد حاتمی یزدی، مدیرعامل اسبق بانک صادرات و کارشناس اقتصادی

پرداخت سود به مردم نداشتند. این امر موجب نارضایتی سپرده گذاران و هجوم مردم برای بازستاندن پولشان شد. از آنجا که بسیاری از سپرده های مردم بازپرداخت نشده و فعالیت این دو شرکت هم قانونی نبود ، مسئولان آن‌ها به عنوان کلاهبردار بازداشت شدند."[۷۵۹]

به نقل از همین کارشناس مطلع :" طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول، در مقطعی ، تعداد مراکز مالی-اعتباری غیرمجاز در ایران ۷ هزار مرکز ذکر شده که از این تعداد ۵ هزار واحد فعال و ۲ هزار مرکز فقط ثبت شده‌اند و تاکنون فعالیتی نداشته‌اند. البته به احتمال زیاد منظور این گزارش تعداد شعبات است، چون برای مثال هر موسسه مالی-اعتباری، خود به تنهایی ده‌ها یا صدها شعبه تحت پوشش دارد."

در دهه ۹۰ ، با افزایش تعداد پرونده های فساد و کلاهبرداری، اختلاس و ورشکستگی در بانک ها و موسسات پولی و مالی و اعتباری و مواجه شدن دولت با سیل سپرده گذاران مال باخته و معترض در اقصی نقاط کشور، طرح تجمیع و ادغام موسسات پولی و مالی مجاز و انحلال موسسات غیر مجاز را تصویب و اجرا نمود.

کارشناسان ریشه اصلی مشکلات موسسات مالی اعتباری را ضعف در اجرای قوانین دانسته و معتقدند:" طبق قانون اگر این موسسات بخواهند تاسیس شوند، باید از بانک مرکزی مجوز کسب کنند. بانک مرکزی نیز موظف است صلاحیت آن‌ها را از لحاظ اقتصادی، علمی و اخلاقی تایید کند که آیا می‌توانند مدیریت سپرده‌های مردم را بر عهده بگیرند یا خیر؟ اما متأسفانه اشخاص و نهادهای پرنفوذ و قدرتمندی در کشور وجود دارند که می‌توانند قانون‌شکنی کنند و با محدودیت‌ها و پیگیری‌های قانونی نیز روبه‌رو نشوند. این عناصر که خود را تابع قانون نمی دانند و از توان تاثیرگذاری بر مراکز قانونی نیز برخوردارند، زمینه رشد تخلفات این موسسات را ایجاد کرده اند."[۷۶۰]

از منظرجرم شناسی، این پرسش قابل طرح است که چگونه یک شهروند محروم از فرصت شغلی، اگر دکه یا بساطی در پیاده رو یک خیابان ، پهن کند، بلا فاصله ماموران سد معبر در شهرداری می روند و بساط او را به جرم نداشتن مجوز مصادره می کنند و چه بسا با خود او هم رفتار خشونت آمیز و برخورد فیزیکی می کنند، ولی در سراسر شهرهای کشور، ساختمان هایی تغییر کاربری داده می شود و تابلوهایی بنام فلان بانک یا موسسه مالی و اعتباری بالای سر در ساختمانها برای جلب اعتماد مردم نصب می شود، ولی هیچ نهاد مسوولی در سطح شهر و استان از آنها نمی پرسد،آیا شما مجوز فعالیت دارید یا خیر؟ بدیهی است مردم بر مبنای اصل برائت و صداقت و اعتماد و امنیتی که در شهر برای این شعب و مراکز تامین شده و متاثر از فعالیت تبلیغات رسمی که این موسسات با نصب بیلبردهای بزرگ تبلیغی در سطح شهرها و یا به خدمت گرفتن رسانه ملی در جهت جلب اعتماد مردم انجام می دهند، میلیاردها

---

۷۵۹ – همان

۷۶۰ – همان.

تومان پول و سپرده خود را به آنها می سپرند. به این ترتیب نقش دولت و نهادهای نظارتی همچون بانک مرکزی در این فساد و سو استفاده های کلان نمی تواند نادیده انگاشته شود.

معاون اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس در گفتگویی با خبرگزاری تسنیم در شهریور ماه ۱۴۰۱ یعنی بیست سال بعد از تجربه خسارت بار خصوصی سازی بانک‌ها در ایران چنین اظهار کرد : " خصوصی سازی بانک ها بیش از آنکه متاثر از تحلیل اقتصادی و نیازسنجی باشد، تحت تأثیر فضای خصوصی سازی در کشور بود و شناخت کافی از بانک حداقل بین قانونگذاران، سیاستگذاران و تصمیم گیرانی که داشتند این تصمیم را می گرفتند وجود نداشت. با خصوصی سازی بانک به مثابه خصوصی سازی یک بنگاه اقتصادی غیر پولی ، همچون یک کارخانه خودروسازی، یک شرکت فولاد، یک شرکت حوزه کشاورزی و... برخورد می شد. در حالی که بانک ماهیتش با همه شرکت‌های دیگری که در اقتصاد فعال هستند، متفاوت است ، زیرا بانک می‌تواند بدهی خلق کند و بدهی بانک پول رایج کشور است، نقدینگی کشور است. هیچ نهاد دیگری را شما ندارید که بدهی آن نهاد، وجه رایج کشور باشد و چیزی باشد که در معاملات من و شما ابزار تسویه قرار بگیرد. اما بدهی بانک اینطور است.اینکه یک چنین نهادی را ما با چه استانداردهایی با چه ضوابط کلی، با چه ساختارهای نظارتی و در چه شرایطی خصوصی می کنیم بر سرنوشتی که آن خصوصی سازی ، برای اقتصاد کشور رقم می زند ، بسیار تاثیرگذار است. اگر شناخت کافی از کارکرد و ماهیت بانک به مثابه خلق کننده واسطه مبادلات و خلق پول و بدهی در کشور وجود داشت، سیاستگذاران و قانونگذاران ما با تمهید مقدمات به مراتب بیشتری به خصوص در حوزه نظارت بانکی به سمت خصوصی سازی بانک ها باید حرکت می کردند، نه با آن تعجیل.... ما در حوزه خصوصی سازی بانک‌ها اصطلاحا بی‌گدار به آب زدیم."[۷۶۱]

در هرحال بانک مرکزی پس از ناکامی های مکرر در پی تلاش های گذشته اش برای اصلاح وضعیت شبکه پولی و بانکی کشور، برای نخستین بار در بهمن ۸۹، فهرست ۴۸ موسسه مالی و اعتباری در استان‌های مختلف را در رسانه‌ها منتشر کرد و با استناد به صورتجلسه ستاد عالی ساماندهی موسسات پولی غیربانکی که با حضور مسئولان امنیتی ـ قضایی و وزارت تعاون در تاریخ ۱۱ بهمن‌ماه ۸۹ در بانک مرکزی تشکیل شد، تعدادی از تعاونی‌های آزاد را فاقد مجوز و فعالیت آنها را ممنوع اعلام کرد. همچنین در ادامه روند برخورد با موسسات غیرمجاز ، در مرداد ماه ۱۳۹۰ پس از انحلال و ادغام حدود ۱۴۰۰ تعاونی اعتبار، صندوق قرض‌الحسنه و موسسه مالی بدون مجوز، اسامی ۱۴موسسه اعتباری مجاز را اعلام کرد که البته این ۱۴موسسه در تابلوی خود تنها مجاز به درج عنوان «موسسه مالی و اعتباری در شرف تاسیس» شدند و تا زمان دریافت مجوز قانونی از جابه‌جایی، افزایش شعبه و تبلیغات منع گردیدند. بر اساس این تصمیم، سه موسسه مالی اعتباری مهر (بسیجیان)، کوثر و ریحانه‌گستر نیز به فهرست ۱۱ موسسه مجاز

۷۶۱ - https://www.tasnimnews.com/fa/news/۱۴۰۱/

قبلی اضافه شد. در فهرست قبلی ۱۱ موسسه مالی و اعتباری مولی‌الموحدین، صالحین، فرشتگان، ثامن‌الحجج، پیشگامان، عسکریه، فردوسی، آینده، قوامین، میزان و ثامن‌الائمه مجاز شناخته شده بودند که سه سال پس از انتشار فهرست اولیه بانک مرکزی یعنی در سال ۱۳۹۳، برخی از این موسسات با تکمیل روند قانونی موفق به اخذ مجوز بانک شدند ، ولی برخی از آنها پس از سه سال به دلیل طی نکردن مراحل قانونی از دیدگاه بانک مرکزی غیرمجاز معرفی شدند. ثامن‌الحجج، ثامن‌الائمه، فرشتگان، میزان، فردوسی و مولی‌الموحدین که در سال ۹۰ به عنوان موسسه در شرف تاسیس اعلام شده بودند در فهرست بانک مرکزی به جمع غیرمجازها افزوده شدند و در این مدت دو موسسه نور و آرمان هم به آنها پیوستند. بحث ادغام بانک ها و موسسات مالی در شرایطی مطرح شد که مرکز پژوهش های مجلس از ورشکستگی تعدادی از موسسات مالی و اعتباری خبر می داد. کمک دولت و بانک مرکزی برای جلوگیری از سقوط نظام بانکی و ورشکستگی بانک ها ، بدون شک نشان از بروز فساد بزرگ و پولشویی کلان و در نتیجه تورم سنگینی داشت که بر مردم تحمیل شد. به نظر می رسد در اینجا نیز باید همان پرسشی را که منتقدان نظام سرمایه داری در امریکا بعد از بحران مالی ۲۰۰۸ مطرح کردند، مطرح نمودکه چرا بانکدارها باید نجات پیدا کنند ؟ و چرا هزینه های فساد و ناکارآمدی آنها را مردم باید پرداخت کنند؟[۷۶۲]

امروز بر کمتر کسی پوشیده است که موضوع ورشکستگی و انحلال و ادغام بانک های کشور با جرایم بزرگتری همچون پرونده های کلان پولشویی درکشور و پرونده های ابر بدهکارانی که بدهی خود را به نظام بانکی پرداخت نمی کنند، بی ارتباط نیست. اخیرا معاون وزیر اقتصاد از ۵۰ هزار گزارش مشکوک به پولشویی در نظام بانکی خبر داد که هزار مورد آن برای پیگیری قضایی به قوه قضاییه ارسال شده است. او همچنین از برنامه‌ریزی برای ۸۰۰ دستگاه و زیرمجموعه‌های آنها جهت جلوگیری از "ظهور و بروز معاملات مشکوک به پولشویی یا تأمین مالی تروریسم" خبر داده است. در حالی که جمهوری اسلامی از نظر سازمان های بین المللی ناظر در فهرست حامیان مهم گروه های افراطی اسلامگرا و متهم به تامین مالی تروریسم و پولشویی بزرگ در منطقه و جهان است، برخی کارشناسان معتقدند، ارائه این آمارها بیشتر در جهت تلاش جمهوری اسلامی برای خروج از فهرست سیاه FATF در کنار تلاش پشت پرده برای احیای برجام و برداشته شدن تحریم‌ها می باشد و اراده واقعی برای مبارزه با فساد در حکومت وجود ندارد. ساختار بانکی و اقتصادی ایران با وجود مافیاهای شبکه‌ای و موازی قدرتمند فعال که بخشی از آن به جریانات اصلی قدرت و مقامات ارشد حکومتی، بخشی به مراکز پر نفوذ مذهبی مانند آستان قدس و دیگر مراکز مهم مذهبی و علماء پر نفوذ در حوزه های علمیه و برخی از اعضای مجلس خبرگان و تعدادی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران متصل است، به شدت غیرشفاف عمل می کند .عدم شفافیت و فساد در شبکه بانکی و پولی جمهوری اسلامی در کنار ساختار اداری و رانتی در کشور، سبب شده حتی برخی افراد آگاه از اندرون نظام همانند

---

۷٦۲ - thomas piketty(۲۰۱٦),Why Save the Bankers?;houghton Mifflin Harcourt, boston new York.

احمد توکلی نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی ، فساد در جمهوری اسلامی را "فساد سیستماتیک"عنوان کنند. همچنین برخی از اعضای حقیقی و حقوقی این مافیا را می توان در فهرست ابر بدهکاران بانکی جستجو نمود. در حالی که احسان خاندوزی وزیر اقتصاد دولت سیزدهم وعده داده بود که فهرست کامل بدهکاران بانکی را منتشر خواهد کرد و مقدمتا فهرست ناقصی هم منتشر شد، بلافاصله دولت لایحه‌ای را تدوین نمود که به سرعت در مجلس تصویب شد و بر اساس آن نام افراد حقیقی و حقوقی که کمتر از ۱۰۰ میلیارد تومان بدهی دارند منتشر نشود. به معنای دیگر کسانی که حتی تا ۹۹ میلیارد تومان وام گرفته و آن را پس نداده اند، نام‌شان پنهان خواهد ماند. این در حالی است که بر اساس گزارش‌ها بیش از نیمی از تسهیلات پرداختی در نظام بانکی زیر ۱۰۰ میلیارد تومان است و با این مصوبه دولت، نام ۸۲ درصد از وام گیرندگان بانکی که بدهی خود را پس نداده‌اند ، منتشر نشد. این موضوع نشان می‌داد تا چه اندازه مافیاها قدرت تغییر اراده و تدوین یا لغو قوانین و لوایح در کشور را دارند.[۷۶۳]

طبق گزارش های رسمی مکانیزم تخصیص و توزیع تسهیلات بانکی در نظام بانکی کشور رانت جویانه، متاثر از نفوذ ، فساد ، لابی گری، پارتی بازی و بر خلاف ضوابط صورت می گیرد. بانک مرکزی نظارت موثری بر روند تخصیص اعتبارات و تسهیلات و هدایت آن بسوی بخش های تولیدی ندارد. شواهد بسیاری وجود دارد که در یک روند پر مفسده در موارد مختلف، چند واحد تولیدی و کارگاه و کارخانه بارها به عنوان ویترینی برای جلب و جذب اعتبارات در نظر گرفته شده و اعتبارات اخذ شده در بخش های غیر مولد و اغلب تاریک و غیر شفاف دیگر مورد بهره برداری قرار گرفته است. طبق همین گزارش ها، منابع اعتبارات بانکی تزریق شده به بازار در قالب وام و تسهیلات تا ۵۰ درصد رشد را نشان می دهد، اما رشد تولید صفر و یا منفی بوده است و این نشان می دهد که منابع بانکی و نقدینگی به فعالیتهای غیرمولد ، سوداگرانه، بخش هایی از آن به فعالیتهای زیر زمینی و غیر رسمی و یا غیرقانونی هدایت شده است. به تعبیری حدود سی تا چهل نفر اعضای هیئت مدیره در نظام بانکی کشور، کل منابع اعتبارات بانکی در کشور را که معادل ۴ هزار، (همت = هزار میلیارد تومان)است، بر مبنای یک روند توام با فساد، رانت و زد و بند توزیع نموده و تخصیص می دهند، این در حالیست که کل رقم بودجه دولت معادل هزار و پانصد همت است.[۷۶۴]

---

۷٦۳ - https://kayhan.london/category/kayhan-weekly/
موضوع ابر بدهکاران بانکی حتی به مناظره نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ هم کشیده شد ، ولی هیچکدام حتی ریاست قبلی قوه قضاییه کشور و رییس جمهور فعلی و یا رییس پیشین بانک مرکزی که از قضا جز نامزدها بود، جرات نکردند، اسامی را برای تنویر افکار عمومی افشا و یا منتشر نمایند.

۷٦٤ – برنامه زنده تلوزیونی، نود اقتصادی، رضا غلامی، تحلیل گرمسائل اقتصادی، آبانماه ۱۴۰۰

پولشویی

همانطوری که گفته شد یک سوی اغلب جرایم اقتصادی جریانات پولی هست و بیشتر جرایم سازمان یافته مرتبط با ارائه کالا مانند تسلیحات یا خدمات و یا مبادله گروگان یا قاچاق مواد مخدر یا قاچاق انسان و اقدامات تروریستی و جنایت بار در ازای پرداخت وجه نقد صورت می گیرد. در افراطی ترین انتهای این طیف، تجارت غیرقانونی مواد مخدر است و بعد از آن تجارت سکس یا مبادلات خدمات جنسی وجود دارد (که، بسته به کشور، ممکن است غیرقانونی باشد یا نباشد، همچنین ممکن است در کشور مقصد باشد یا نباشد. به این موارد خرید و فروش غیرقانونی اسلحه را هم باید اضافه کرد. همه این فعالیت‌ها به‌عنوان کسب‌وکار مجرمانه (و اغلب بسیار سودآور) توسط گروه‌های جرایم سازمان‌یافته اداره می‌شوند و جریان بی‌پایانی از پول، دارایی و سرمایه را برای شست‌وشو و رد گم کردن ایجاد می کنند. به غیر از تجارت مواد مخدر، در سایر موارد این احتمال وجود دارد که شرکت های تجاری قانونی در زمینه هایی مانند خط پایان تجارت جنسی (مانند فروشگاه های محصولات، مجلات، ویدئوها و غیره) فعال شوند و همچنین در مورد تجارت قانونی اسلحه حضور داشته باشند. یکی از پیامدهای گسترش جرایم سازمان یافته در چنین بخش های تجاری این است که فعالان قانونی تحت فشار، تهدید، نفوذ و یا هدف تطمیع آنها قرار خواهند گرفت و مطمئناً یکی از پیامدهای سطوح بالای فعالیت‌های جرایم سازمان‌یافته در کشورهای مختلف بی اعتباری دولت ها و آبروریزی ملی خواهد بود.[۷۶۵]

تحقیقات نشان داده است که ۸۰ درصد از کل معاملات پولشویی عمدتا کلان شامل یک جزء بین المللی است : مطمئنا مجرمان به طور کامل بازار جهانی جدید را پذیرفته اند. این مشکلات بیشتری ایجاد می کند، زیرا پول حاصل از فعالیتهای مجرمانه ای که برای سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار یا املاک و مستغلات می رسد، بیش از آنکه از یک کشور با پیوندهای قابل تشخیص بدست آید، از فعالیت های مجرمانه سازمان یافته و توسط یک موسسه مالی و اعتباری و بانک معتبر که با چندین کشور در جهان در داد- ستد مالی است ، بدست می آید. وجوه حاصل از جرایم و جنایات منتقل شده به نظام بانکی بصورت ، ابزارهای مالی جایگزین مانند مالکیت سهام و اوراق قرضه، و شرکت های کارگزاری که وجوه شسته شده یا نیمه شسته شده را دریافت می کنند معاوضه می شود و سپس برای خرید سهام یا خرید سایر انواع دارایی و یا تبدیل به سایر ابزارهای مالی استفاده می شوند.[۷۶۶]

بخشی از تجارت سیاه در جهان تجارت کالاهای تقلبی است. گروه مبارزه با جعل تخمین می زند که ارزش بازار جهانی کالاهای تقلبی بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار است و هر سال احتمالاً ۱ تریلیون دلار خواهد بود. اکنون پذیرفته شده است که بازیگران اصلی این تجارت گروه های جرایم سازمان یافته هستند. قاچاق سیگار در سراسر

---

۷۶۵ - Peter Lilley(۲۰۰۱), p ۷۲
۷۶۶ - Peter Lilley(۲۰۰۱), p ۷۰

جهان (و تجارت سیگارهای تقلبی) پولشویی را برای فروشندگان مواد مخدر و تروریست ها که با سرمایه خود سیگار می خرند، تسهیل می کند. سپس فروشندگان این وجوه را شستشو می دهند. خریداران سیگارها را در بازار سیاه مجدداً برای سود بیشتر می‌فروشند، بنابراین منافع مازادی ایجاد می کنند که یا مجدداً سرمایه‌گذاری می‌شوند یا شسته می‌شوند ، یا احتمالاً هر دو.[۷۶۷]

(لیو و همکاران، ۲۰۲۲) براساس تحقیقات و تجارب خویش معتقدند، در مبارزه با پولشویی یک اصل وجود دارد : "پولشویی کوچک، بانک های کوچک. پولشویی بزرگ، بانک های بزرگ. " او می گوید هیچ بانک بزرگی در جهان غرب وجود ندارد که پروند اتهام به پولشویی نداشته باشد یا در حال حاضر متهم به پولشویی نباشد. HSBC، سیتی بانک، دویچه بانک. بزرگترین بانک های جهان در مهمترین عملیات پولشویی شرکت دارند. بنابراین، این یک ویژگی ساختاری نظام بانکداری است و بسیار به نحوه عملکرد بازارهای مالی مرتبط است، زیرا سود غیرقانونی سرمایه های مالی بسیار بالاست. به همین دلیل است که سرمایه داری مالی بر سرمایه داری در سایر بخش ها مسلط است. سود در بخش مالی سه، چهار یا پنج برابر سودی است که می توانید در بخش تولید به دست آورید. بطور مثال اگر شما صاحب یک شرکت بزرگ هستید، فرض کنید یک شرکت بزرگ مانند یک فرانشیز یا لیزینگ خودرو یا یک شرکت فعال در اقتصاد واقعی، برای چنین شرکتی سود ۲٪ تا ۳٪، سود بسیار خوب یا سود بالایی محسوب می شود. البته نه در چین، جایی که داستان کاملاً متفاوتی وجود دارد. اما در اروپا و ایالات متحده، سود ۲ تا ۳ یا ۴ درصد به عنوان یک موفقیت بزرگ برای هر شرکت بزرگ در نظر گرفته می شود. اما در بخش مالی، یک بانک، یک شرکت بانکی یا یک نهاد و موسسه مالی و اعتباری ، سود ۱۵٪ به عنوان سود ناچیز در نظر گرفته می شود، هدف تحقق سودی معادل ۲۰ تا ۳۰٪ است. بنابر این در اینجا یک تفاوت بزرگ وجود دارد که این انحراف عظیم را در سیستم سرمایه داری ایجاد می کند. تمام پول به جایی می رود که شما بیشترین سود را انتظار دارید و البته این بخش از سرمایه داری پر ریسک ترین بخش است، زیرا شرایط در آن بسیار ناپایدار است و به همین جهت هر پنج یا ده سال یکبار دچار بحران می شود. آخرین بحران، که فقط ده سال پیش بود، تمام سیستم های مالی بین المللی را به نابودی کشاند. سرمایه داری مالی مبتنی بر نظام بانکداری از دویست سال پیش به عنوان پاشنه آشیل نظام سرمایه داری تلقی می شد.[۷۶۸] بحران مالی ۲۰۰۸ در ایالات متحده باعث تبخیر ۱۱ تریلیون دلار شد، بحران فرعی وام مسکن ۴ میلیون نفر را آواره خیابان ها کرد. بنابراین پیامدهای این بحران بسیار زیاد است و می تواند کل کشور را تضعیف کند.[۷۶۹]، بخشی از ریشه های این بحران ها، سودهای جعلی است.

---

٧٦٧ - Ibid

٧٦٨ -Yanping Liu, Minghai Tian ,Yanming Shao(٢٠٢٢),Cybercrimes and Financial Crimes in the Global Era, Springer.

٧٦٩ -Yanping Liu, Minghai Tian ,Yanming Shao(٢٠٢٢), Ibid.

اولین کلید دنیای پولشویی این است که برای خود یک حساب بانکی تهیه کنید و یا حداقل وارد سیستم بانکی شوید. حساب اتریشی اسپاربوخ[۷۷۰] (از Sparen آلمانی به معنای «ذخیره»، Buch به معنای «کتاب») مدت‌هاست که یک سند معتبر پولشویی بوده است و تا ۱ ژوئیه ۲۰۰۲ حساب بانکی انتخابی برای شویندههای بالقوه بود. این حساب در اصل یک دفترچه پس‌انداز بود که با نام رمزی باز می‌شد که به مشتری امکان واریز و برداشت پول نقد را می‌داد و فقط شخصاً (یا برای کسی می شد فرستاد) که با کلمه رمز امکان مراجعه و دسترسی به پول شما را فراهم می کرد. (هنگامی که شخصا آنجا هستید، می توانید صندوق امانات ناشناس خود را نیز در سرسرای بانک خالی یا پر کنید.) تخمین زده شده است که ۲۶ میلیون دفترچه از این نوع در کشوری با ۷ میلیون جمعیت وجود دارد. گفته می‌شود که کل موجودی این حساب ها بیش از ۵۰ میلیارد دلار است. اسپاربوخ اتریشی تنها می‌توانست با شیلینگ اتریش افتتاح شود، اما تا همین اواخر، نسخه جمهوری چک آن می‌توانست با واحد پول آلمان یا دلار آمریکا هم افتتاح حساب شود. ویژگی ها و مزیت های این نوع حساب آن را به ابزاری موثر و کارآمد در دست شویندگان حرفه ای پول تبدیل کرده بود. هیچ محدودیتی برای مقدار وجهی که می‌توانید سرمایه‌گذاری کنید وجود ندارد -و هیچ مکاتبه‌ای مانند صورت‌های نرخ بهره هرگز توسط بانک ارسال نمی‌شود ، زیرا آنها اصلا سرنخی از شما ندارند. یک اسپاربوخ در اینترنت با هزینه راه اندازی ۲۰۰ دلار در دسترس بود. یکی از وب‌سایت‌ها بیان کرد که وقتی این نوع حساب را باز می کنید، حتی بانک هم از هویت شما آگاه نیست. هر اسمی که دوست دارید به حساب کاربری خود می دهید. اگر هر نوع تحقیقاتی بخواهد انجام شود ، حتی اگر توسط یک آژانس بسیار قدرتمند انجام شود، بانک نمی تواند اطلاعات شما را تحویل دهد -زیرا بانک اساسا شما را احراز هویت نکرده و نمی داند شما کی هستید و کجا هستید. بانک اصولا نمی داند چه کسی سپرده گذاری و برداشت می کند. به عنوان امتیاز اولیه در برابر فشار بین المللی، دولت اتریش بسته شدن حساب را فقط به پول نقد محدود کرد، در حالی که قبلاً این حساب ها می توانستند به شکل چک بانکی هم بسته شوند. اسپاربوخ اتریشی چنان بدنام شد که در فوریه ۲۰۰۰، FATF، نهاد بین دولتی که در سال ۱۹۸۹ برای مبارزه با پولشویی تأسیس شده بود ، تهدید کرد که عضویت اتریش در FATF را در ژوئن همان سال تعلیق می کند، مگر اینکه این کشور این دفترچه های حساب با عبور ناشناس را حذف کند. اتریش در ۱ ژوئیه ۲۰۰۲ این کار را انجام داد. امروزه هیچ حساب جدیدی نمی توان افتتاح کرد و حساب های موجود باید از طریق دارنده حساب تولید کننده دفترچه عبور، رمز عبور و شناسه عکس شناسایی و احراز هویت شوند. اقدامات مشابهی در جمهوری چک انجام شده است، جایی که از پایان سال ۲۰۰۲، دارندگان اسپاربوچ مجاز به واریز وجوه بیشتری در این حساب ها نیستند و تا سال ۲۰۱۲ فرصت داشتند، وجوه خود را به نوع دیگری از حساب منتقل کنند.

---

۷۷۰ - Sparbuch

گزارشی از وضعیت پولشویی در مورد کشور هند نشان می دهد که اگرچه تخمین قابل اعتمادی از تولید پول سیاه در هند وجود ندارد و همچنین هیچ روش پذیرفته شده ای برای انجام چنین تخمینی هم وجود ندارد، اما همچنان پول سیاه/ در اقتصاد سایه در هند توسط منابع مختلف طی یک بازه ی زمانی بین ۲۰ تا ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی آن کشور تخمین زده شده است. گروه تحقیقات توسعه بانک جهانی که اقتصاد سایه در ۱۶۲ کشور را از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷ تخمین زده است، گزارش داد که میانگین وزنی اندازه اقتصاد سایه به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی رسمی این ۱۶۲ کشور در سال ۲۰۰۷ معادل با ۳۱ درصد بوده است. برای هند، این رقم ۲۳,۲ درصد بود. (منبع: کاغذ سفید در مورد پول سیاه، می ۲۰۱۲ منتشر شده توسط وزارت دارایی، دولت). به طور مشابه، بانک آمریکا مریل لینچ (BoAML) اقتصاد سیاه هند را ۲۵ تا ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی آن تخمین زده است. باتوجه به اینکه تولید ناخالص داخلی هند ۲,۳۰ تریلیون دلار است، رقم ۲۵ درصد به ۳۸ تریلیون INR (واحد پول هند) می رسد و این بسیار بیشتر از کل پول نقد در گردش در این کشور است.[۷۷۱]

هم در پولشویی مبتنی بر تجارت و هم در سایر جرایم مرتبط با تجارت، مجرمان می توانند در طیفی از فعالیت های بالقوه غیرقانونی دیگر مانند تهیه صورتحساب های جعلی، نامناسب کردن کالاها برای دور زدن کنترلها و سایر تخلفات گمرکی و مالیاتی شرکت کنند. یک نوع از پولشویی، پولشویی مبتنی بر تجارت (TBML)[۷۷۲] است که بر خلاف جرایم مرتبط با تجارت هدف آن جابجایی کالا نیست ، بلکه نقل و انتقال پول است که معاملات تجاری آن را تسهیل می کند. درست مانند هر شکل دیگری از پولشویی، پولشویی مبتنی بر تجارت به دنبال مشروعیت بخشیدن به منشاء غیرقانونی عواید حاصل از جرم است. قاچاق، کلاهبرداری و سایر جرایم مرتبط با تجارت به دنبال تولید ثروت غیرقانونی بیشتر از عواید حاصل از جرم هستند. در پولشویی های حرفه ای معمولاً از تکنیک های پولشویی مبتنی بر تجارت برای شستشوی عواید حاصل از جرم برای مشتریان خود استفاده می کنند. مجرمان درگیر در جرایم تجاری معمولاً ذینفع نهایی عواید حاصل از این جنایات هستند.[۷۷۳] یک روش برای پولشویی از طریق تجارت، صدور کالا به پایین تر از قیمت فاکتور شده است. مثلا در یک طرح فرضی TBML که شامل ارائه نادرست قیمت کالاها می شود، یک سازمان جنایی در کشور A می خواهد عواید حاصل از فعالیتهای مجرمانه خود را بشوید و این عواید را به کشور B منتقل کند. برای انجام این کار، سازمان جنایی از درآمدهای غیرقانونی خود استفاده خواهد کرد. خرید ۱۰۰۰۰۰ تلفن همراه به ارزش هر کدام ۱۰۰ دلار. سپس سازمان مجرم ترتیبی خواهد داد تا ۱۰۰۰۰۰ تلفن همراه را به یکی از شرکای خودش در کشور B صادر کند. با این

---

۷۷۱ -Varun Chandra(۲۰۱۷),the curious case of black money and white money , Notion Press ,p۲۱
وی در این کتاب مدلهای مختلف پولشویی را معرفی کرده است.

۷۷۲ - rade-based money laundering(TBML)

۷۷۳ -Trade-Based Money Laundering - Trends and Developments, FATF, Egmont Group (۲۰۲۰).

حال، سازمان جنایی در کشور A، تلفن های همراه را به طور تقلبی به جای ۱۰۰ دلار به قیمت ۱۰ دلار برای هر کدام فاکتور می دهد. بنابراین، همدست او در کشور B در مجموع یک میلیون دلار برای تلفن های همراه می پردازد، نه ارزش واقعی آنها که ۱۰ میلیون دلار است. سپس تلفن های همراه را به ارزش واقعی در بازار یعنی ۱۰ میلیون دلار در کشور B می فروشد و در نتیجه سازمان جنایتکار با موفقیت ۹ میلیون دلار ارزش را از کشور A به کشور B از طریق TBML منتقل می کند.[۷۷۴]

سازمان‌های قاچاق مواد مخدر در سرتاسر آمریکای لاتین، از جمله در کلمبیا و مکزیک، برای دهه‌ها از طرح‌های TBML برای شستشوی درآمد حاصل از فروش غیرقانونی مواد مخدر استفاده کرده‌اند. این سازمان ها میلیاردها دلار از فروش مواد مخدر غیرقانونی در آمریکا و جاهای دیگر به دست می آورند. اگرچه بسیاری از این درآمدها نزد فروشندگان نهایی مواد مخدر غیرقانونی در ایالات متحده باقی می ماند، مقادیر قابل توجهی از درآمدهای غیرقانونی به سازمان های قاچاق مواد مخدر در کشورهای عرضه کننده، از جمله از طریق طرح های TBML، بازگردانده می شود. به عنوان مثال، در فقره گزارش در سال ۲۰۱۷ در مورد اقتصاد کوکائین کلمبیا، خاطرنشان شده که سازمان های مجری قانون ایالات متحده و اقتصاددانان مستقل تخمین زده اند که بین ۵ تا ۱۰ میلیارد دلار درآمد کوکائین هر سال با استفاده از طرح های TBML به کلمبیا بازگردانده می شود. گزارش های دولت ایالات متحده، از جمله استراتژی ملی ۲۰۲۰ وزارت خزانه داری برای مبارزه با تروریسم و سایر روش های تامین مالی غیرقانونی و ارزیابی تهدیدات ملی مواد مخدر در سال ۲۰۱۹ DEA، و مقامات مختلف ایالات متحده خاطرنشان کردند که یک روند کلیدی مربوط به TBML که در سال های اخیر رخ داده است، دخالت فزاینده باندهای جرایم سازمان یافته چینی در TBML در سطح جهانی، از جمله در ایالات متحده است. شبکه های پولشویی چینی به طور فزاینده ای با کارتل های مواد مخدر مکزیکی همکاری می کنند تا به کارتل ها در پولشویی درآمدهای مواد مخدر کمک کنند. علاوه بر این، گزارش های دولت ایالات متحده، از جمله ارزیابی ریسک ملی پولشویی در سال ۲۰۱۸، و مقامات آمریکایی خاطرنشان کردند که باندهای جنایتکار چینی از طرح های TBML برای بازگرداندن درآمد حاصل از فروش مواد افیونی صنعتی در ایالات متحده و سراسر جهان استفاده می کنند.[۷۷۵]

مبارزه جهانی علیه پولشویی

پیامدهای جرایم مختلف اقتصادی مشتمل بر پولشویی می تواند به صورت بحران های بزرگ مالی در یک اقتصاد ظاهر شود و در اقتصادهای بزرگ، این بحران ها می تواند ابعاد بین المللی و جهانی داشته باشند و ثبات سیاسی و اجتماعی را در جهان برهم بزنند، لذا مبارزه با پولشویی به همکاری و اراده ای جهانی نیاز دارد.

---

۷۷٤ -Trade-Based Money Laundering ,Report to Congressional Requesters , April ۲۰۲۰

۷۷٥ - GAO-۲۰-۳۳۳ International Trade-Based Money Laundering,p۱۸

بخشی از گزارش استراتژی بین المللی کنترل مواد مخدر ایالات متحده در مورد مخاطرات پولشویی برای اقتصاد ملی آن کشور بدین شرح است : " پولشویی پیامدهای اجتماعی مخربی دارد و تهدیدی برای امنیت ملی است، زیرا پولشویی سوخت لازم برای فروشندگان مواد مخدر، تروریست ها، فروشندگان اسلحه و سایر مجرمان تامین می کند تا مشارکت های مجرمانه خود را گسترش دهند. برای انجام این کار جنایتکاران حتی به نفوذ و دستکاری در سیستم های مالی در ایالات متحده و خارج از کشور روی می آورند. بدون اقدامات کنترلی و نظارتی، پولشویی می تواند یکپارچگی یک ملت را از بین ببرد. پولشویی حتی می تواند موسسات مالی را به ورشکستگی بکشاند، امنیت اقتصادی را به مخاطره می اندازد و مردم، دولت و نهادهای دموکراتیک را تهدید می کند. پولشویی علاوه بر اینکه ما را در پیشبرد سیاست خارجی خودمان ناتوان می کند و مانع از ارتقای امنیت اقتصادی خودمان می شود ، برای شرکای دموکراتیک و بازار آزاد ما مانع رونق می گردد."[۷۷۶]

سیاست کلان و بین‌المللی مبارزه با پولشویی در اجلاس سران کشورهای G-۷ در پاریس در ژوئیه **۱۹۸۹** تثبیت شد. این گروه از کشورهای بزرگ صنعتی یک گردهمایی غیررسمی از سران کشورها، نخست وزیران، وزیران دارایی یا نمایندگان تشکیل دادند که یکی از مسائل آن مقابله با جرایم سازمان یافته منجمله پولشویی بود. اولین جلسات سران این کشورها ، در سال **۱۹۷۳** در کاخ سفید با پنج شرکت کننده آغاز شد و با توجه به ماهیت غیر رسمی این تجمعات، تعداد اعضا در هر رویداد بعدی تغییر کرد و در حال حاضر **۲۰** عضو دارد. [۷۷۷]

گزارش های مختلف در سطح جهانی از نهادهای مختلف ناظر و منابع مختلف اطلاعاتی نشان می دهند به دلایلی که اشاره خواهد شد، همچنان تا به امروز اهتمام همه دولت ها بر مقابله ی جدی با این پدیده ی مخرب نیست. اگر چه هیچ دولتی آشکارا از پولشویی حمایت نمی کند ، اما همه دولت ها یا مؤسسات مالی منتسب به آنها و یا مورد حمایت و وابسته به آنها ، به یک اندازه مشتاق مشارکت در همه ی جنبه های «جنگ جهانی علیه پولشویی» که گروه ویژه اقدام مالی : FATF[۷۷۸] (با صندوق بین المللی پول و آژانس ایالات متحده FinCEN در پشت آن) قصد راه اندازی آن را داشته و دارد، نیستند. دلیل آن این است که هر کشوری نقاط کور مالی مورد علاقه خود را داشته (و هنوز هم دارد)، به ویژه در مورد بنگاه های اقتصادی و بخش های مهمی که واقعاً در اقتصاد ملی کشورها ، دست کم از نظر دولت ها اهمیت دارند، این روزنه های فساد همچنان باز نگه داشته شده اند. برای مثال، ممکن است تعجب کنید که چه تعداد از "گزارش‌های فعالیت مشکوک" در مورد روس‌ها و نیجریه‌ای‌های ثروتمند که در غرب لندن ملک می‌خرند ، ثبت نشده است. یا "دیپلماسی خاویاری" رئیس‌جمهور آذربایجان و همسرش ، پس از چند سال فعالیت بانکی و ظاهراً پرداخت‌های مشکوک در بریتانیا و جاهای دیگر در سال‌های **۲۰۱۲-۲۰۱۴**

---

۷۷٦ - Peter Lilley(۲۰۰۲),Ibid
۷۷۷ - Petrus C. van Duyne & etAl (۲۰۱۸) ,The Critical Handbook of Money Laundering , Palgrave Macmillan, p ۳
۷۷۸ - Financial Action Task Force : " نیروی ویژه اقدام مالی "

آشکار شد.[۷۷۹] اما امروز می دانیم که از سال ۲۰۰۴ بدین سوی ، گروه اقدام مالی مشترک (FATF) درگستره جهانی پذیرفته شده و ظاهرا به استثنای ایران و کره شمالی، حتی کوچک‌ترین سرزمین‌ها مانند فاروها نیز تحت پوشش توصیه‌های این سازمان قرار گرفته اند.[۷۸۰]

اما این تمام واقعیت نیست. واقعیت این است که حتی با پذیرش اصل مقابله با جرایم سازمان یافته ای همچون پولشویی از سوی دولت ها ، هر یک از آنها با نگاه سیاسی که به تحولات جهانی دارند و با بی اعتمادی که نسبت به یکدیگر و به نهادهای بین المللی به ظاهرمستقل دارند، همچنان منافذ و راه هایی را برای دور زدن این نوع قوانین در جهت بهره برداری به نفع خود و به زیان رقبای سیاسی خود باز می گذارند.

رزومه کاری " احمد چلبی" [۷۸۱] به عنوان یک نمونه (مطالعه موردی) نشان می دهد، تا چه میزان، سیاست و فساد در بالاترین سطوح در هم تنیده است و چگونه امریکایی ها از یک مخالف رژیم صدام با پیشینه ای از فساد و پولشویی، در جهت مقاصد سیاسی خود، یعنی انجام تغییرات دلخواه در عراق و حذف صدام از قدرت سود جسته اند. در سال ۲۰۰۳ اردن توجه بین المللی را به احمد چلبی تاجر و سرمایه داری که به حکومت موقت عراق منصوب بود ، جلب کرد. پیش تر وی در اردن بطور غیابی و به اتهام اختلاس بیش از ۵۰۰ میلیون دلار در جریان رسوایی بانک البترا در دهه ۱۹۸۰ محکوم شده بود. او در آن زمان رئیس شورای اداری بانک البتراء بود. مقامات اردنی چلبی را به مهندسی معاملات مالی تقلبی و پولشویی که شامل عراق ، ایران، لبنان و سوئیس بود ، متهم کردند. برادران چلبی جواد و حازم به جرم کلاهبرداری از طریق حسابداری در سوئیس در سال ۱۹۸۹ محکوم شدند. اردن اعلام کرد، که قانون جدیدی تصویب کرده که اجازه می دهد چلبی در ازای بازگرداندن آن پولی که دزدیده است برای عفو رسمی مسترد گردد ، با این حال، مقامات معتقد بودند که ایالات متحده از استرداد چلبی به اردن جلوگیری می کند.[۷۸۲]

---

۷۷۹ - UK at centre of secret $۳billion Azerbaijani money laundering and lobbying scheme. *The Guardian*, ٤ September ۲۰۱۷.

۷۸۰ - Evidence supplied by Prof. Peter Alldridge to the UK House of Lords and referred to on pp. ۳–۸ of chapter ۲: 'The fora for international cooperation', House of Lords, Money laundering and the financing of terrorism - European Union Committee available at http://www.publications.parliament. uk/pa/ld۲۰۰۸۰۹/ldselect / ldeucom/۱۳۲/۱۳۲۰٥.htm. Accessed ۱۱ August ۲۰۱

۷۸۱ – (أحمد عبد الهادی الجلبی) عراقی شیعه مخالف صدام حسین، که در امریکا و بریتانیا زندگی ، تحصیل و فعالیت می کرد. تا مقطع دکترای در رشته ریاضیات از دانشگاه شیکاگو به تحصیل ادامه داد و کرسی استادی دانشگاه امریکایی در بیروت را برعهده گرفت ، همزمان در تجارت و سیاست فعالیت داشت. او در ترغیب امریکا به براندازی حزب بعث عراق نقش موثر داشته است و بعد از سقوط رژیم صدام ، به عرصه سیاست در عراق بازگشت .وی همزمان برای امریکا و برای وزارت اطلاعات ایران کار می کرد. مرور زندگی او نشان می دهد که چگونه ایرانیان و امریکایی ها از او به عنوان یک عراقی مخالف صدام و دارای اعتبار علمی و با پیشینه تجارت و معامله و البته فساد و زدو بند، در جهت اهداف سیاسی خودشان بهره برداری کرده اند و او خواسته یا ناخواسته متناسب با تغییر و تحولات سیاسی و علاق خویش به وطن اش، در خدمت اجانب قرارگرفته شده است.

۷۸۲ -Terrorism and the Politics of Response

چلبی که علاوه بر فعالیت مالی و تجاری در سیاست هم دست داشت ، بعدها پس از سرنگونی رژیم صدام که با دخالت مستقیم نظامی امریکا صورت گرفت ، در مصاحبه ای مفصل به عنوان یک فعال سیاسی مخالف رژیم صدام و دبیر کل کنگره ملی عراق اعتراف می کند که " کنگره ملی عراق از سال ۱۹۹۲ و بعد از کنفرانس صلاح الدین، برای اداره عملیات (عملیات آزاد سازی عراق و سرنگونی رژیم بعث عراق و برکناری صدام حسین) در کردستان عراق و همچنین توسعه روابط بین المللی (با شرکای قدرت در عراق بعد از صدام) ، شروع کرد از سی آی ای پول دریافت می کرد." کمک ها از ۱۸۰ هزار دلار در ماه شروع شدند، تا آخرینش به ۳۲۰ هزار دلار در ماه رسید، یعنی به طور میانگین نیم میلیون دلار برای چهار سال دریافت کردیم." [۷۸۳]

وی می گوید : در پاییز ۱۹۹۳ به واشنگتن رفتم. جلسه ای با من تشکیل شد که در آن ۱۰ مقام امریکایی از وزارت امور خارجه و وزارت دفاع و شورای امنیت ملی و سی آی ای حضور داشتند. از من خواستند طرحی برای سرنگونی صدام ارائه دهم. تنها بودم و به آنها طرح شهرهای سه گانه را دادم : موصل، بصره ، بغداد. تحرکی نظامی – سیاسی – رسانه ای از سوی نیروهای مخالف صدام با مشارکت نیروهای وابسته به ما در داخل ارتش عراق و با همکاری غرب در حال انجام بود.[۷۸۴] وی همچنین چند روز پیش از حملات آمریکایی ها به عراق و عملیات آزاد سازی عراق ، در ایران با هاشمی رفسنجانی رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام درآن زمان ، کمال خرازی وزیر خارجه وقت ، سردار قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس و تعدادی دیگر از مقامات سیاسی و نظامی و امنیتی ایرانی و با رهبر شیعه مخالف صدام ، سید محمدباقر حکیم دیدار و هماهنگی انجام می دهد. اظهارات او و اسناد و مدارک دیگر نشان می دهد که امریکایی ها برای حذف صدام علاوه بر جلب حمایت کردها در شمال و کمک به جریان مخالف در عراق از جمله چلبی و کنکره ملی عراق، حتی با عملیات های سپاه بدر در داخل عراق هم مخالفتی نداشتند و عملا آن را در جهت رسیدن به هدف خود ارزیابی می کردند. سپاه بدر متشکل از نیروهای مخالف رژیم صدام و مورد حمایت ایران بود.[۷۸۵]

شبکه قاچاق بین المللی مواد مخدر

قاچاق مواد مخدردر جهان نیازمند همکاری سازمان یافته شبکه ای متشکل از باندهای مافیایی در سطح جهانی است، آنها همه و از جمله عناصر پلیس مرزبانی در کشورهای مختلف را با تطمیع و تهدید به خدمت می گیرند.یکی از مناطق مهم در تولید و تامین مواد مخدر در جهان، کشور افغانستان است. در افغانستان، زمین داران سنتی و رهبران

---

۷۸۳ – سید علی موسوی خلخالی(مترجم) ، عراق از جنگ تا جنگ/صدام از این جا عبور کرد، ص ۳۳۶. اصل کتاب با عنوان " العراق من حرب إلى حرب صدام مرّ من هنا " نوشته غسان شربل روزنامه نگار لبنانی الحیات، مجموعه مصاحبه هایی با افراد با نفوذ در سیاست عراق قبل و بعد از صدام است.

۷۸٤ - عراق از جنگ تا جنگ ، ص ۲۹۹

۷۸۵ – همان، ص ۳۰۶

مذهبی مردم خود را به کشت تریاک تشویق می کردند . فرماندهان نظامی مجاهدین می توانستند از آن مالیات بگیرند. تریاک به آن سوی مرز به مناطق عشایری افریدی –منطقه ای خود مختار در پاکستان فرستاده می شود ، جایی که در ازای پرداخت سهمی از سود به رهبران قبایل، کنسرسیومی از رهبران سیاسی ، شورشیان افغان و بازرگانان پاکستانی مجاز به تأسیس کارگاه های تولید و پالایشگاه های هروئین شدند. سپس هروئین تولید شده به عنوان محموله برگشتی در خودروهای نظامی (که پلیس و گمرک مجاز به بازدید و بازرسی آنها نبودند) عبور داده می شدند ، همانگونه که واحدهای اطلاعات نظامی پاکستان ، سلاح برای مجاهدین ارسال می کردند. سپس این هروئین از چندین مسیر به بازار نهایی راه می یافت. مقداری از آن از طریق بندر کراچی حمل می شود. برخی از آنها توسط قاچاقچیانی که با چریک‌های جدایی‌طلب سیک در جریان شورش‌های دهه ۱۹۸۰ در ارتباط بودند و برای جلب حمایت به آنها پول می‌دادند ، از مرز هند عبور داده شده و به بمبئی فرستاده می شد. بخش عمده ی دیگر آن از بلوچستان به سمت غرب و به سوی مرزهای ایران هدایت می شود . این محموله های مواد مخدر با جلب همکاری برخی از اعضای پلیس، نیروی انتظامی و سپاه پاسداران در ایران به مقصد کشور ترکیه منتقل می شوند. این محموله ها در استانبول در اختیار هواداران چریک های کرد ترکیه قرار می گیرند. از استانبول، بخشی به آلمان می رود، جایی که دلالان اغلب به کادرهای تبعیدی گرگ‌های خاکستری ناسیونالیست ترک و جدایی‌طلب کرد پ.ک.ک پول حمایتی پرداخت می‌کردند. از سوی دیگر، بخشی از محموله مواد از استانبول از طریق یوگسلاوی، مسیر بالکان را طی می کنند. بخش اعظم این مسیر ترانزیتی، در زمان جنگ کوزوو به تسخیر حامیان ارتش آزادیبخش کوزوو درآمد که بر علیه رهبر کمونیست سابق صربستان می جنگیدند.[۷۸۶]

طبق گزارش نهادهای بین المللی ، در طی ۲۰ سال از ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ ، ، حجم تولید و تجارت مواد مخدر و انواع داروهای غیرقانونی و دسترسی به بازارهای مواد مخدر و روان گردان ها از طریق مسیرهای جدید قاچاق، همگی رشد چشمگیری داشته است. کشت خشخاش برای تولید تریاک و هروئین در حال افزایش است و افغانستان همچنان به تولید تقریباً ۸۵ درصد عرضه جهانی ادامه می دهد. شرکت‌ها در ایالات متحده از اواخر دهه ۱۹۹۰ یک اپیدمی بهداشتی ایجاد کردند که به نوبه خود منجر به بحران هروئین و فنتانیل شد. پس از کاهش مختصر تولید کوکائین بین سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۳، تولید در سال ۲۰۱۷ به بالاترین حد تخمینی خود یعنی ۱۹۷۶ تن رسید و بازارهای اروپا بخش عمده‌ای از تقاضا را به خود اختصاص دادند.[۷۸۷]

طبق گزارش بخش کنترل مواد مخدر– دفتر سازمان ملل ، قاچاقچیان مواد مخدر میلیاردها دلار سود در سال برداشت می کنند. حدود ۱۸۵ میلیون مصرف کننده مواد مخدر غیرقانونی در سراسر جهان وجود دارد. از این ۱۸۵

۷۸٦ - R.T.Naylor(۲۰۰٤),Wages of Crime, Black Markets, Illegal Finance, and the Underworld Economy, Cornell University Press ,p۷۱- ۷۲

۷۸۷ - The Global Illicit Economy, Global Initiative Against Transnational Organized Crime,p۷۹.

میلیون، ۲۵ میلیون مصرف کننده مواد مخدر در داخل مرزهای ایالات متحده زندگی می کنند. آمریکایی ها به تنهایی تقریباً ۶۵ میلیارد دلار در سال برای استعمال مواد غیرقانونی مخدر مستقیما هزینه می کنند، اما هزینه های مصرف مواد مخدر برای جامعه بسیار بیشتر از این مقدار است. بر اساس گزارش اخیر کاخ سفید، مواد مخدر غیرقانونی ۹۸,۵ میلیارد دلار درآمد از دست رفته، ۱۲,۹ میلیارد دلار هزینه مراقبت های بهداشتی و ۳۲,۱ میلیارد دلار هزینه های دیگر از جمله هزینه های رفاه اجتماعی و هزینه کالاها و خدمات از دست رفته به دلیل جرم و جنایت به اقتصاد ایالات متحده خسارت وارد کرده است. کشف و توقیف کنونی عواید مواد مخدر توسط همه سازمان‌های مجری قانون روی هم کمتر از یک میلیارد دلار در سال تخمین زده می‌شود که کمتر از یک درصد از مواد مخدر غیرقانونی معامله شده است.[۷۸۸]

رشد تجارت مواد مخدر در جهان لزوما نتیجه همکاری باندهای تبهکار بین المللی قاچاق نیست، بلکه در موارد زیادی نتیجه پیوند میان سیاست، رقابت و جادوی سودآوری در بازار بوده است. ایالات متحده در طول جنگ افغانها با ارتش شوروی سابق، تجارت و ترانزیت مواد مخدر از طریق افغان ها را تسهیل می کرد ، چون این تجارت به حفظ جنگ سالاران افغان در کنار آمریکا کمک می کرد. مواد مخدر در میان سربازان ارتش سرخ تلفات قابل توجهی را به همراه داشت و مقدار بسیار کمی هروئین از افغانستان به ایالات متحده می رسید ، بنابراین مزیت ها آمریکایی ها ترانزیت مواد را تحمل می کردند.[۷۸۹]، با این حال، هزینه های بلندمدت آن بسیار زیاد بود که شامل ویرانی افغانستان و تحمیل شکست خفت بار به ارتش شوروی در جنگ با افغان ها می‌شد. برژنسکی مشاور امنیت ملی آمریکا یکبار در مصاحبه ای گفته بود این ما بودیم که شوروی ها را تشویق (و یا تحریک) کردیم تا به افغانستان تجاوز نظامی کنند و در این پروژه پاکستان با ما همراهی کرد...هدف این بود که شوروی هم ویتنام خودش را داشته باشد.[۷۹۰] در واقع هدف آمریکا درحمایت از افراط گرایان مذهبی در افغانستان، زدن رقیب خویش یعنی شوروی بود و سرنوشت مردم افغانستان و خساراتی که برآنها وارد می شد برایشان اهمیتی نداشت. در نتیجه این جنگ ، از مجموع جمعیت ۲۳ میلیونی قبل از جنگ، ۱,۵ میلیون نفر جان خود را از دست دادند، صدها هزار نفر معلول شدند و ۵ میلیون نفر به عنوان پناهنده به ایران یا پاکستان گریختند و زیرساخت های اقتصادی ضعیف آن کشور تا حد زیادی از بین رفت. تنها چیزی که شکوفا شد خشخاش بود.[۷۹۱]

---

۷۸۸ - James J. F. Forest(۲۰۰۷), Countering Terrorism and Insurgency in the ۲۱st Century, VOL۲,p۱۷۸.

۷۸۹- R.T.Naylor,Ibid ,p۲۹۱.

۷۹۰ – به نقل از: و.آییژ، افغانستان الگوی دموکراسی آمریکایی،از تحمیل تروریسم تا صدور دموکراسی. دارالنشر افغانستان، ۱۳۸۴، ص ۱۷.

۷۹۱ - Ibid ,p۲۹۱.

تجارت غیرقانونی مواد مخدر مقدار زیادی پول و نفوذ ایجاد کرده است که هر دو می توانند شرایط سیاسی ، توسعه اقتصادی، امنیت دولتی و امنیت عمومی را با بی ثباتی مواجه کنند. البته بی ثباتی و درگیری می تواند به همان اندازه که فرصت های جدیدی را ایجاد می کند، قاچاق مواد مخدر را مختل کند. در سراسر ساحل، راهزنی و بی‌ثباتی ناشی از درگیری در لیبی و مالی، قاچاق مواد مخدر با ارزش بالا را مختل کرده است و رقابتی خشونت‌آمیز را برای کنترل آن ، نشان می‌دهد.[۷۹۲]

واکنش های نظامی به بازارهای مواد مخدر از آغاز هزاره شتاب گرفته است و به نظر می رسد همچنان در آینده ادامه یابد. به ویژه پس از پایان جنگ سرد، ایالات متحده همکاری نظامی در سرتاسر آمریکای لاتین را به سمت مقابله با قاچاق مواد مخدر هدایت کرده ، از جمله طرح کلمبیا در سال ۲۰۰۰ و طرح مریدا در سال ۲۰۰۷.

تخمین زده می شود، در فیلیپین، "جنگ علیه مواد مخدر" در زمان مسوولیت رئیس جمهور رودریگو دوترته منجر به تلفات غیررسمی ۲۰۰۰۰ نفر باشد که بیشتر آنها توسط نیروهای امنیتی و گروه های مسلح کشته شده اند. در مکزیک، از زمان آغاز جنگ علیه مواد مخدر، یعنی از سال ۲۰۰۶، ۶۰۰۰۰ نفر به دست کارتل ها و نیروهای امنیتی دولتی کشته و یا ناپدید شده اند.[۷۹۳]

مروری بر پیشینه فعالیت ها در این بازار نشان می دهد ، نواحی مرزی شمالی تایلند، برمه (میانمار) و لائوس موسوم به "مثلث طلایی" مناطق عمده تولید هروئین هستند. بخشی از این منطقه که ایالت های شان نام دارد، توسط ارتش تریاک متشکل از نوادگان نیروهای ملی‌گرای سابق چین کنترل می‌شود. "هلال طلایی" شامل مناطقی از ایران، افغانستان، پاکستان و ترکیه است که راه مواصلاتی قدیمی به فرانسه را تشکیل می دادند. دومی که اساس یک فیلم کلاسیک بود ، شامل قاچاق تریاک خام به مارسی، فرانسه برای تبدیل به هروئین بود و پس از آن برای فروش به ایالات متحده فرستاده می شد. منبع سوم، آمریکای لاتین، عمدتاً شامل کوکائین و ماری جواناست که، عمدتاً از کلمبیا بارگیری می شود.

یکی از قدرتمندترین سازمانهای بین المللی قاچاق مواد مخدر در جهان، کارتل مدلین کلمبیا بود، سازمانی که از M-۱۹ (جنبش ۱۹ آوریل، یک گروه انقلابی) به عنوان نیروی حفاظت از عملیات خود استفاده کرد (Gugliotta & Leen ,۱۹۸۹). این گروه تروریستی کارتل مدلین کلمبیا را به وجود آورد. در سال ۱۹۸۱، M-۱۹ دختر فابیو اوچوا، قدرتمندترین رئیس تجارت کوکائین را ربود. در پاسخ ، اوچوآها هم کارتلی متشکل از ۲۰۰ نفر را تشکیل داد. دیگر تشکل های قاچاق مواد مخدر در شهر مدلین هم آماده جنگ با M-۱۹ بودند. گروه دوم در اقدامی عاقلانه دختر اوچوآ را آزاد کردند و به سود کمتر رضایت دادند. این کارتل در ۱۹۸۵ ، از M-۱۹

---

۷۹۲ - The Global Illicit Economy, Global Initiative Against Transnational Organized Crime,p ۷۹
۷۹۳ - Ibid.

برای حمله به کاخ وزارت دادگستری استفاده کردند که در نتیجه ی آن ۱۲ قاضی از ۲۴ قاضی دیوان عالی را کشتند (اندرسون و ون عتا، b۱۹۸۸؛ ادی، سابوگال، و والدن، ۱۹۸۸). این گروه‌های تروریستی علاوه بر مواد مخدر همچنین به قاچاق اسلحه، پولشویی، ارائه کمک متقابل، قاچاق کالا و تبادل اطلاعات می‌پردازند. کارتل مدلین بعداً توسط کارتل کالی و سایرگروه های کلمبیایی یا کارتل های کوچک تر جایگزین شد. در دهه ۱۹۹۰، قاچاقچیان مواد مخدر مکزیکی شروع به جانشینی شرکای قبلی خود، کلمبیایی ها، به عنوان پایگاهی برای قاچاق مواد مخدر کردند. دکرو چیمن (۲۰۰۸) در مصاحبه با ۳۴ قاچاقچی سطح بالای مواد مخدر متوجه پراکندگی و عدم تمرکز رو به رشد قاچاقیان مواد شده است.[۷۹۴]

کارتل های مکزیکی ۹۰ درصد بازار کوکائین در ایالات متحده و بیشتر بازار دیگر انواع مواد مخدر را در اختیار دارند. برخی از کارتل های اصلی عبارتند از: کارتل سینالوآ، کارتل خوارز، کارتل تیجوانا، کارتل خلیج، لوس نگروس، لوس زتاس و لافامیلیا. بیشتر خشونت ها بین این گروه های رقیب و همچنین با دولت است. دو رقیب اصلی کارتل های تیجوانا و خلیج مخدر در مقابل کارتل های سینالوآ و خوارز هستند. شاخه مسلح کارتل خلیج، لوس زتاس است که توسط لوس نگروس، شاخه مسلح کارتل سینالوآ مقابله می شود. هر دوی اینها از شبه نظامیان نخبه سابق در ارتش مکزیک تشکیل شده اند. در سال ۲۰۰۸، بیش از ۶۲۰۰ مکزیکی در قتل های مرتبط با مواد مخدر جان خود را از دست دادند. رئیس جمهور آن کشور فیلیپه کالدرون پس از روی کار آمدن در سال ۲۰۰۶، ۴۰۰۰۰ سرباز و ۸۰۰۰ پلیس فدرال را برای مبارزه با کارتل های مواد مخدر مستقر کرد. بر اساس گزارش ها، ۹۰ درصد از سلاح های کشف شده در جنگ های مواد مخدر، ردیابی شده از ایالات متحده است.فعالیت این کارتل ها در ایالات متحده هم گسترش یافته است و اعضای این باند ها در بیش از ۲۰۰ شهر ایالات متحده حضور دارند . کارتل های مکزیکی بزرگترین تجارت مواد مخدر و جرایم مرتبط دیگر را در مکزیک دارند و در مقام مقایسه تخمین زده می شود که سود آنها بیش از کل بودجه دفاعی ایالات متحده برای جنگ در عراق بوده است. این کارتل ها که بیشتر از دولت مکزیک درآمد دارند، از سود خود برای رشوه دادن به سیاستمداران، قضات، پلیس، ارتش و سایر مقامات دولتی استفاده می کنند. پلیس مکزیک به لحاظ تاریخی دستمزد ضعیفی دریافت می کند و همین امر موجب شده که تشویق شوند تا حقوق خود را با همکاری کردن با باندهای مواد مخدر تکمیل کنند. شواهد موجود نشان می دهد رویه سخت گیرانه ای که برآن مبنا پلیس امنیت و مبارزه با مواد مخدر در چین توانسته تجارت و قاچاق مواد مخدر را برحسب گزارش های رسمی ، تقریبا در آن کشور به صفر برساند، در کشورهایی با

---

۷۹٤ - Frank E. Hagan, Leah E. Daigle(۲۰۲۰),Ibid, p۸٦۷

حکومت اقتدارگرا مانند ایران و یا کشورهای لیبرال دموکراسی همچون آمریکا هریک به دلیلی خاص به خود جواب نداده و نمی دهد. [۷۹۵]

قاچاق بین المللی انسان

فرصت های قاچاق انسان با پیشرفت تکنولوژی و افزایش روزافزون جمعیت های آسیب پذیر در سراسر جهان افزایش یافته است. تا سال ۲۰۱۷، تعداد کل قربانیان قاچاق انسان در سراسر جهان تقریباً ۴۰,۳ میلیون نفر تخمین زده شده است. اکثریت قریب به اتفاق زنان و دخترانی هستند که هم قربانی استثمار کار و هم بهره کشی جنسی هستند. نمایش‌های فاحش برده‌داری جنسی و بازارهای برده‌داری در سوریه، عراق، لیبی و نیجریه خطرات را در میان جمعیت‌های اشغالی، پناهندگان و آوارگان داخلی آشکار کرده است. اینترنت اساساً بازار استثمار جنسی، به‌ویژه کودکان را تغییر داده است، و کار پلیس را بسیار گسترده‌تر و در عین حال دشوارتر کرده است. بهره‌کشی جنسی آنلاین از کودکان، مدرن‌سازی تراکنش‌های پرداخت، بازاریابی زنان و دختران از طریق اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، و استفاده از گروه‌های چت برای ارتباط و درخواست در وبسایت های کثیف. [۷۹۶]

در ۲۰ سال گذشته شاهد افزایش جوامع آنلاین ساخته شده حول منافع جنسی جنایتکارانه بوده ایم و همچنین تسهیل این جوامع مجازی با به اشتراک گذاری و انتشار موارد سوء استفاده جنسی غیرقانونی، یک حس (نابجای) اعتبار و مشروعیت برای مجرمان جنسی بالقوه و فعلی ایجاد می کنند.

همچنین استثمار جدید انسان ها با استفاده از شیوه‌های استخدام متقلبانه و اسارت از طریق بدهکاری مرتبط است: افرادی که پول قرض می‌کنند یا در دام پرداخت هزینه‌های توام با بار تورمی برای غذا، مسکن و حمل‌ونقل گرفتار می‌شوند و سپس مجبورند تا زمان پرداخت آن کار کنند. همه‌گیری ویروس کرونا احتمال سوء استفاده را در جهان افزایش داد و شانس شناسایی و نجات را کاهش داد، به ویژه در بخش‌هایی که دسترسی به آنها سخت یا خطرناک است. کاهش بازرسی‌های کار و اجرای ضعیف قوانین در برخی کشورها و مناطق جهان به فعالیت های غیرقانونی از قبیل قطع غیرقانونی درختان، استخراج غیرقانونی معادن و ماهیگیری غیرقانونی و استخدام های غیرقانونی ، که در همگی شواهدی از قاچاق نیروی کار وجود دارد. همه‌گیری کووید این شرایط استثماری را تشدید کرد. [۷۹۷]

طی ۲۰ سال گذشته تا ۲۰۲۰ ، در نتیجه ی رشد بازار قاچاق مهاجر تعدادی از عوامل فشار از جمله درگیری و خشونت، نابرابری، تغییرات جمعیتی رشد کرده است. سیاست‌های مهاجرت به طور فزاینده‌ای با برنامه‌های امنیت ملی مرتبط شده و در مجموعه‌های امنیتی دولت‌ها به کار گرفته می‌شود. کشورهای ثروتمند مرزهای خود را تقویت کرده اند. در سال ۱۹۹۰، تنها ۱۵ کشور در سراسر جهان دیوارهای مرزی داشتند، در حالی که تا سال ۲۰۱۹ حدود

---

۷۹۵ - Frank E. Hagan, Leah E. Daigle(۲۰۲۰),Ibid, p۸٦۸
۷۹٦ - The Global Illicit Economy, Global Initiative Against Transnational Organized Crime,p٦۲
۷۹۷ - The Global Illicit Economy, Ibid,p٦۲

۷۰ دیوارحصارکشی شده ایجاد شده است. رفتارهای خشونت بار و خصومت با مهاجران آنها را به جمعیتی آسیب پذیر تبدیل کرده است : کشورهای پذیرنده ، فرصت های ورود قانونی از جمله درخواست پناهندگی را کاهش داده اند و در کشورهای مقصد ترانزیت مهاجران به طور فزاینده ای در معرض خطر خشونت و قربانی شدن توسط قاچاقچیان انسان قرار دارد. مهاجران بیش از قبل در مسیر مهاجرت خود به تعداد بیشتری جان خود را از دست می دهند. تشدید کنترل‌های مرزی مردم را مجبور به رفتن به مسیرهای پرخطرتر می‌کند و قاچاقچیان با تحقیر بیشتری با آنها رفتار می کنند.[۷۹۸]

دبی ، سوپر مارکت قاچاقچیان منطقه

حیات اقتصادی کشورهای شیخ نشین حاشیه خلیج فارس منجمله امارات برپایه تجارت آزاد با جهان پایه ریزی شده است. در این میان دبی بندری با داشتن جاذبه های تجاری در فاصله قابل توجه با ایران، پاکستان و هند که سواحل آن با قایق های کوچک قابل دستیابی است، به یک سوپرمارکت برای قاچاقچیان منطقه ای تبدیل شده است. این بندر با انبارهای آن مملو از ساعت ، پارچه های مصنوعی (که مدت ها در هند برای کمک به صنعت محلی پنبه و منسوجات محلی هند، تجارت آن محدود شده بود)، لوازم الکترونیکی، قطعات خودرو، ویسکی، عطر، سیگار، و فیلم های مستهجن، در عین حال، اشتهای آن برای طلا (تقریباً همه در شمش های تنتولا) در برخی مواقع برابر یا بیشتر از هنگ کنگ بوده است. تا چندی پیش دولت امارات تابعیت به هیچ اتباع خارجی نمی داد. این دولت فقط برای اقلیت ساکنانی که واقعاً در این کشور متولد شده اند ، مجوز تجارت صادر می کند. اما دریافت کنندگان می توانند این مجوزها را به بازرگانان هندی و پاکستانی بفروشند. این تجار می توانند طلا (و نقره) را از شعب محلی بانک های بزرگ سوئیس و بریتانیا خریداری کنند. قاچاق فلزات گرانبها به سرمایه جدی نیاز دارد ، اما جذب سرمایه گذار (چه از پول مشروع و چه از پول سیاه) آسان است. ریسک آن هم پایین است.[۷۹۹]

برپایه برخی گزارش ها، شهر بندری دبی، به عنوان "مرکزی برای معاملات ضد تحریمی یا سکویی برای دور زدن تحریم ها" نیز نقش ایفا می کند و در زمره شوالیه های سیاهی است که برای منافع خود، با سایر شرکای بین المللی در دور زدن تحریم ها به ایران کمک می کند. بسیاری از شرکت‌های منطقه‌ای، شرکت‌های آمریکایی و شرکت‌های چندملیتی که در دبی تجارت می‌کردند به مثابه یک شبکه در هم تنیده ، به شرکت‌های ایرانی در رفع تحریم‌ها کمک می کنند. دبی به عنوان میانجی، محصولات تحریم شده را به دو روش رسمی و غیرقانونی به ایران منتقل یا قاچاق می کند.روابط تجاری و بازرگانی مبتنی بر شرایط تحریمی بین دوبی و ایران عمدتاً ناشی از

---

۷۹۸ - Ibid, p ٦٣
۷۹۹ - R.T.Naylor(٢٠٠٤), Ibid ,p٢٣٣

سودآوری و سودجویی و سوداگری است.[۸۰۰] عوامل متعددی باعث ایجاد روابط ضد تحریمی بین ایران و دبی شد. از نظر جغرافیایی، امارات متحده عربی که در آن سوی خلیج فارس قرار دارد، ۹۵ کیلومتر با مرزهای ایران فاصله دارد و نزدیکی آن به بندرعباس، تجارت دریایی بین دو کشور را تسهیل می کند. در حالی که آب های خلیج فارس حمل و نقل سریع و ارزان کالا را برای بازرگانان فراهم می کند، طول کوتاه آب های عمدتاً تحت کنترل سرزمینی که دو کشور را از هم جدا می کند، برای قاچاق ایده آل است.[۸۰۱]

در چنین شرایطی، شرکت‌های ایرانی که حضور خود را در دبی تشدید و تثبیت کرده اند، درست در کنار کسب‌وکارهای دیگر کشورها فعالیت می‌کردند. آنها نه‌تنها به محصولات اصلی دسترسی داشتند، بلکه می‌توانند، مستقیماً با همه شرکت‌ها ارتباط برقرار کنند. در انجام تجارت با شرکت های آمریکایی ، ایرانی‌ها از شرکت‌های پوششی یا واسطه‌ها و یا شرکت های جلودار(ویترین دار) استفاده می‌کردند و سپس از طریق کانال‌های قاچاق محصولات آمریکایی را به ایران وارد می‌کردند.[۸۰۲]

از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹، تحقیقات آمریکا نشان داد که نیمی از تخلفات مربوط به دور زدن تحریم‌ها علیه ایران با کمک امارات اتفاق افتاده است. بنابراین، ایالات متحده تلاش کرد تا امارات متحده عربی را متقاعد کند که اقدامات ضد تحریمی خود را متوقف کند. ایالات متحده همچنین امارات را تهدید کرد که این کشور را به عنوان "مقصد نگرانی های انحرافی" معرفی می کند و تحریم های ثانویه علیه بانک ها و نهادهایی که به ایران در دور زدن تحریم ها کمک کردند، اعمال خواهد کرد. در نتیجه افزایش هزینه های مبادله تجارت قانونی با ایران، ایالات متحده موفق شد تحریم های رسمی در دوبی را کاهش دهد. با این وجود، این تلاش ها منجر به رشد بیش از حد کانال های قاچاق و تجارت غیرقانونی بین دوبی و ایران شده است.[۸۰۳]

گزارش های رسمی مختلف حاکی از این است که آنچه تحت عنوان راهبرد ایجاد مناطق آزاد تجاری در ایران به اجرا درآمده ، در راستای ایفای نقش تسهیل کنندگی قاچاق کالا به درون کشور و تضعیف اقتصاد داخلی و تغییر الگوی مصرف ایرانیان عمل کرده است. در واقع مقامات ایرانی با اختصاص بنادر- جزایری همانند قشم و کیش و سایر بنادر- مناطق آزاد تجاری جهت انبار و دپوی محصولات خارجی از پارچه تا لوازم آرایشی و هزاران قلم کالاهای مختلف دیگر، عملا شعبه ای از همان "سوپر ماکت قاچاقیان "را در درون کشور ایجاد کرده اند و احتمالا همانطوری که شیوخ عرب در امارات خرسند از رونق تجارت در آن بنادر هستند، مقامات ایرانی هم خرسند از

---

۸۰۰ - Azar Mahmoudi(۲۰۱۸),Ibid ; Bryan Early, Busted Sanctions,(۲۰۱۵),Explaining why economic sanctions fail ,Stanford: Stanford University Press,p۸۸.

۸۰۱ - Ibid, p۹۰

۸۰۲ - Ibid ; Dubai: A Booming Entrepot and Growing Diversion Risk" (last visited ۲۰ June ۲۰۱۸) online: Wisconsin Project on Nuclear Arms Control <www.wisconsinproject.org/dubai-a-booming-entrepot-and-growing-diversionrisk/>.

۸۰۳ - Azar Mahmoudi(۲۰۱۸),ibid,p۹۱

توسعه و عمران جزایر و بنادر خود از محل درآمدهای نجومی قاچاق کالا به درون کشور خود هستند. دست کم در مورد دبی، می توان گفت مقصد کالاهای قاچاق کشورهای همسایه است و شهروندان این شیخ نشین، فقط سود آن را می برند. اما در مورد سیاست دولت ایران در باره جزایر قشم و کیش، با توجه به اینکه مقصد قاچاق کالاها ، درون کشور مادر است ، از این جهت سیاست توسعه و عمران مناطق آزاد تجاری ، عملا به قیمت نابودی کل اقتصاد کشور و رشد پدیده ی قاچاق و رشد بخش غیر رسمی اقتصاد رقم می خورد.اخبار و مستندات نشان می دهند که روزانه صدها کانتینر بزرگ کالاهای قاچاق از مبادی رسمی و از طریق مناطق آزاد تجاری و از طریق رانت و نفوذ و بدون تعرفه گمرگی وارد کشور می شوند.

اخیرا رئیس اتحادیه فروشندگان لوازم خانگی علی اکبرپازوکی اعاام کرد : " دولت بازار و صنعت لوازم خانگی را به امان خدا رها کرده است، سایت‌های فروش آنلاین، لوازم خانگی قاچاقی را می‌فروشند که ورودش به کشور پنج سال است ممنوع شده! سوال من این است که این سایت‌ها، محصولات خود را از کجا تأمین می کنند؟" همچنین محمد مهدی برادران، معاون پیشین صنایع عمومی وزارت صمت، ارزش کل بازار لوازم‌خانگی در کشور را معادل ۶ میلیارد دلار اعلام کرد و اعلام کرد بر اساس بررسی‌های صورت گرفته ، میزان کالای قاچاق در این بازار ۱,۷ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود که معادل ۳۰ تا ۴۰ درصد بازار لوازم خانگی است. همچنین رئیس گروه تخصصی لوازم یدکی ماشین آلات و انواع خودرو در ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز به خبرگزاری بازار گفت : یکی از دلایل اصلی که به پیگیری طرح رهگیری لوازم یدکی در بازار منجر شد، حجم اقتصاد پنهان ۲,۵ میلیارد دلاری بازار لوازم یدکی بوده است. بنابر نظر خبرگان حدود ۶۰ درصد از این مقدار را قطعات تقلبی یا همان زیر پله ای تشکیل می دهند، معمولا این قطعات در جایی ثبت نشده و فاقد هر گونه استاندارد هستند و تقریبا ۴۰ درصد دیگر نیز مربوط به قطعاتی هست که به صورت قاچاق وارد کشور می شوند.[۸۰۴]

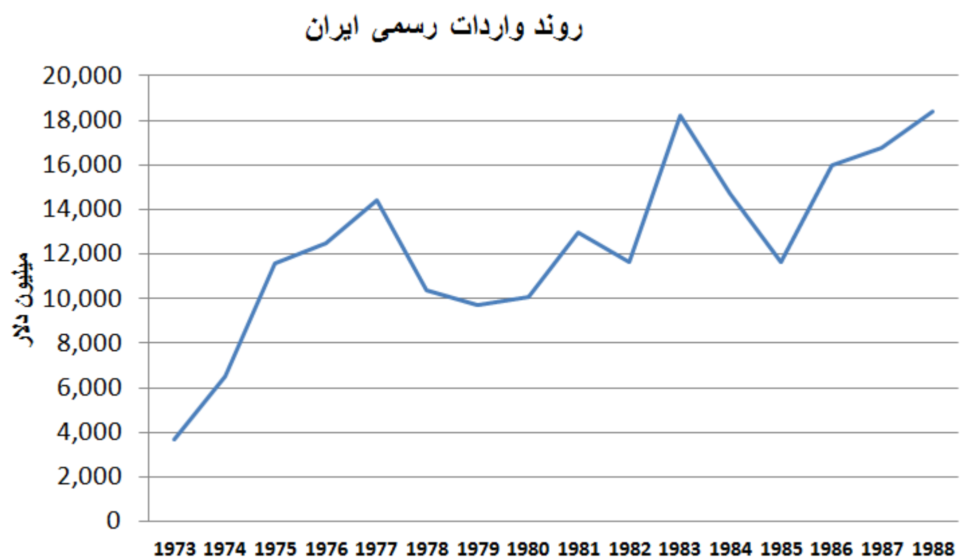
از قطع وابستگی به واردات تا گسترش پدیده ی قاچاق

یکی از اهداف اقتصادی رسمی و اعلام شده از بدو انقلاب اسلامی در ایران ، کاهش وابستگی اقتصادی به قدرت های بزرگ جهانی و بطور مشخص قطع وابستگی اقتصادی به غرب بوده است. قطع وابستگی به واردات در بسیاری از بخش ها ازآن جمله بوده است. اما گزارش آمارهای بین المللی نشان می دهند، این هدف تاکنون نه تنها محقق نشده بلکه محدودیت های صوری هم که اعمال شده تنها به رشد پدیده واردات قاچاق و در نتیجه افزایش سهم اقتصاد سایه در کشور کمک کرده است. تنها رقم مبادلات تجاری با ایالات متحده دستخوش تغییر و افت فاحش شده است که نتیجه قطع روابط دیپلماتیک و بالتبع قطع روابط تجاری و اقتصادی با آن کشور به عنوان پیامد

---

۸۰۴ – خرگزاری ایرنا، ۷ شهریورماه ۱۴۰۰ : ، همچنین ر.ک به : سایت تحلیل بازار (۳-آبان ۱۴۰۱ –کد خبر ۱۸۹۰۱۳) :
https://www.tahlilbazaar.com

و نتیجه تحریم ها بوده است. در تمام سالهای بعد از انقلاب روند واردات از کشورهای اروپایی و اتحاد شوروی سابق و ژاپن جز در مقطع کوتاه سالهای بحرانی ۱۹۷۹ -۱۹۸۰ روندی افزایشی را نشان می دهند. افت و خیزهای جزیی تنها تاثیر تحریم ها بر تجارت بوده است که آن هم به دلیل وجود تقاضای اشباع نشده برای کالاهای خارجی، تنها سهم واردات قاچاق کالا را در ایران افزایش داده است، لذا طرح این ادعا از سوی برخی مقامات حکومتی که در نتیجه انقلاب اسلامی کاهش وابستگی کشور به قدرتهای بزرگ اقتصادی و منجمله غرب محقق شده است، چیزی جز فریب افکارعمومی نیست.[۸۰۵] در سال های بعد (مقارن با دهه دوم انقلاب اسلامی ایران) با جهش اقتصادی کشور چین و ظهور آن به عنوان غول اقتصادی که ظرفیت صادراتی بسیار وسیعی دارد و قرار گرفتن آن در فهرست اولین شریک تجاری ایران، عملا بخش بزرگی از بازار واردات کشور به کالاهای چینی اختصاص یافت. سیاست ایجاد مناطق آزادی تجاری در ایران، که عملا رانت و انحصار آن مناطق در دست وابستگان به حکومت است، خود مصداق دیگری از فساد دولتی است و عملا واردات بدون هرگونه پرداخت عوارض گمرگی را به درون کشور رواج داده و سند سازی های جعلی برای قاچاق کالا به درون کشور شکل رسمی و قانونی به خود گرفته است.



اکنون اقتصادی که طی چند دهه با جنگ و تحریم و سیاست توسعه مناطق آزاد تجاری برای تسهیل مبادلات عمدتا با کشور چین مواجه بوده کارشناسان اقتصادی را با تحلیل و بررسی برخی گزارش‌های ستاد مبارزه با قاچاق کالا به نتیجه رسانیده که سیاست اعمال ممنوعیت ورود کالا به داخل کشور به قاچاق بیشتر کالا کمک کرده

---

۸۰۵ – در این باره نگاه کنید به آمارهای بین المللی تجارت جهانی. همچنین ر. ک به : منابع زیر :

International Financial Statistics & Kamran Mofid(۱۹۹۱),"Economic Consequences of the Gulf War" , Published ۲۰۱۷ by Routledge.

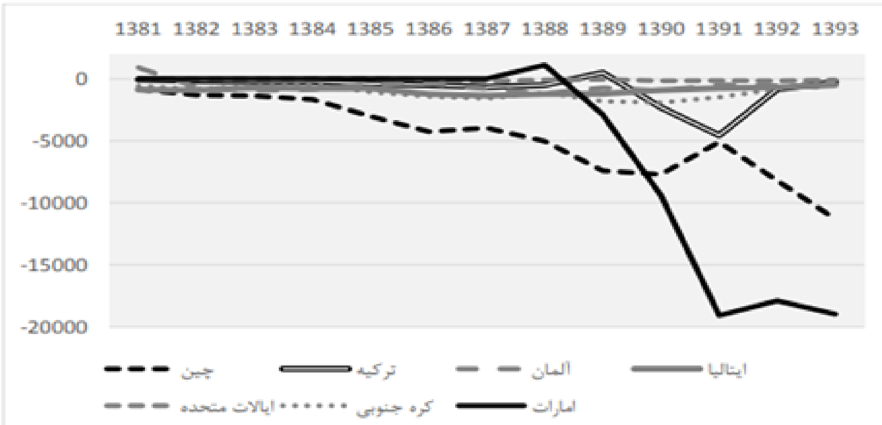
است. اخیرا نایب رئیس اتاق بازرگانی ایران در همایش مبارزه با فساد گفت تقریبا هر دولت، مجلس و رئیس قوه قضائیه‌ای که آمده است، به ضرورت مبارزه با فساد تاکید داشته است، اما باید به این مساله توجه داشت که در زمینه واردات با وجود قوانین و مقررات متعددی که برای ممنوعیت‌های غیرتعرفه‌ای وجود دارد، اعمال ممنوعینت برای واردات حدود ۲۰۰۰ قلم کالا موجب توسعه قاچاق این کالاها شده است ، که این خود یکی از مصادیق فساد است. وی اعلام کرد آمارها نشان می‌دهد که یک سوم واردات کشور از طریق قاچاق انجام می‌شود. کارشناسان همچنین معتقدند با توجه به اینکه کالاهای داخلی مشابه، کیفیت مناسب ندارند یا اینکه کفاف مصرف داخلی را نمی‌دهند، تقاضای اشباع نشده ، در کنار ممنوعیت واردات به قاچاق بیشتر در کشور منجر شده است که به گفته بسیاری از فعالان تجاری این روند واردات کالای قاچاق ، هم به خزانه دولتی صدمه می‌زند، چون برای واردات آنها حقوق گمرکی پرداخت نمی‌شود و هم به اقتصاد و بهداشت خانوار آسیب می‌رساند، زیرا این کالاها گارانتی و خدمات پس از فروش ندارند و در نمونه‌هایی، این اجناس تقلبی هستند و از کیفیت لازم برخوردار نیستند. عملا ما شاهد حقوق از دست رفته مشتری در این زمینه هستیم. زیرا ممنوعیت واردات، در کنار رشد پدیده قاچاق موجب می شود که مشتری کالای قاچاق را که فاقد گارانتی و اصالت است گران تر از برند اصلی خریداری کند و زیان بیشتری متحمل شود که این زیان در نهایت به اقتصاد رسمی کشور منتقل می شود. بدون شک بخش مهمی از زیان های وارده از این ناحیه را باید به سیاستهای غلط دولت در مورد واردات کالا نسبت داد . تاکید بر سیاست انقلابی و غلط قطع وابستگی به خارج از کشور که عملا در طول چهار دهه گذشته هیچگاه محقق نشده است ، تنها هزینه های سنگینی بر اقتصاد تحمیل کرده که هم از نقطه نظر رفاه مصرف کننده و هم رشد اقتصاد سایه و تضعیف اقتصاد رسمی کشور قابل تحلیل و بررسی است. این سیاست دولت متاسفانه نوعی خود تحریمی باید ارزیابی شود که در کنار تحریم های اقتصادی از سوی غرب، بیش از پیش به رونق قاچاق و رشد اقتصاد سایه کمک کرده است.

(عباس خندان،۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان" واردات قاچاق در ایران : برآورد شاخص، بررسی علل و آثارآن" با استفاده از روش تحلیل MIMIC و به منظور ردیابی قاچاق، به اختلاف گزارش واردات ایران و صادرات دیگر کشورها توجه کرده است. براساس نتایج به دست آمده، تحریم ها، دخالت های ارزی و نرخ ارز حقیقی، از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر واردات قاچاق بوده اند. شاخص برآورد شده نشان می دهد که قاچاق در دوران جنگ و سال های پس از آن کم و محدود بوده و علت عمده آن نیز اعطای یارانه های بزرگ دولتی به واردات رسمی در قالب ارز ارزان قیمت بوده، که حتی موجب گزارش بیش از حد واردات در برخی سال ها شده است. در سال های ۱۳۸۰ به بعد به دنبال یکسان سازی نرخ ارز و از میان رفتن یارانه ی ارزی[۸۰۶] اندازه حقیقی قاچاق به طور متوسط

[۸۰۶] – تفاوت رانت ارزی با یارانه ارزی در این است که یارانه ارزی جمعیت زیادی را بهره مند می کرد، ولی رانت ارزی فقط به گروه اقلیت خاصی تعلق می گیرد.

سالانه ۹/۵ ٪ افزایش یافته که البته چون این رشد کمتر از رشد واردات رسمی بوده، اندازه نسبی قاچاق روند نزولی دارد. در این میان تأثیرگذارترین عامل وقوع دور جدیدی از تحریم ها در سال ۱۳۹۰و تداوم آنها در سال های بعد است که موجب جهش قاچاق از ۴۲ درصد در سال ۱۳۸۹ به بیش از ۶۰ درصد واردات رسمی در سال ۱۳۹۰ و ۷۵ درصد در سال ۱۳۹۳ شده است.[۸۰۷]

شکل ۴. اختلاف در گزارش واردات حقیقی به قیمت های سال ۲۰۱۰
(میلیون دلار – سال های ۹۳-۱۳۸۱)



مأخذ: مقاله عباس خندان

جایگزین شدن برخی از سواحل و جزایر جنوبی ایران تحت عنوان مناطق آزاد تجاری به جای امارات (دبی)، می تواند بخشی از نمودار بالا مربوط به واردات از امارات را توضیح دهد. البته موضوع نقش مناطق آزاد تجاری یا آنچه که تحت عنوان مناطق ویژه اقتصادی تعمیم و گسترش یافت، نیازمند بررسی مجزاست. اگرچه تلاش مجلس شورای اسلامی برای تحقیق و تفحص از وضعیت مناطق آزاد تجاری به گزارش قابل انتشاری منتهی شده، اما برخی از مسائل و مشکلات و چالش های این مناطق بشرح زیر فهرست شده است که تا زمان رفع آنها نمی توان انتظار داشت تاثیر مثبتی در روند تجارت آزاد در کشور ایفا نمایند :

۱ - منطقه آزاد قشم : عدم توازن ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و وجود دو گانگی ناشی از محرومیت ، عدم کفایت درآمدهای سازمان منطقه آزاد ، جهت احداث زیرساخت‌ها ، عدم هماهنگی دستگاههای اجرایی در عمل، کمبود نیروی کار صنعتی و تجاری متخصص ، عدم اتصال به سرزمین اصلی تا وقتی که پل خلیج فارس[۸۰۸] احداث نشده باشد.

---

۸۰۷ – عباس خندان (۱۳۹۵)، واردات قاچاق در ایران: برآورد شاخص، بررسی علل و آثار، فصل نامه پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار). سال هجدهم، شماره دوم ـ تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۵۱–۱۸۰

۸۰۸ – طرح اتصال جزیره قشم از طریق پل به ساحل سرزمین اصلی، از سال ۱۳۴۵ در قالب نقشه ها و برنامه های توسعه و عمران مناطق ترسیم شده بود، اما مسائل جغرافیای سیاسی امنیتی در منطقه (مانند بحث جزایر سه گانه و آبراهه تنگه هرمز و چالش های مطرح مرتبط با آن) موجب شد تا ۱۳۵۶ به تعویق بیفتند، با وقوع

۲ – منطقه آزاد کیش : محدود بودن فعالیت نهادهای مالی و خصوصاً کندی در فعالیت نهادهای مالی و پولی خارجی ، فقدان زیرساخت‌های ارتباطی و مخابراتی، رقابت شدید با مناطق رقیب در کشورهای همجوار ، عدم ثبات مدیریت.

۳ – منطقه آزاد چابهار: محرومیت شدید منطقه و هجوم جمعیت مهاجر ، دوری از منابع انرژی در حال تولید ، نبود نیروی کار متخصص و ماهر، وجود تعارضات و تنازعات ارضی با نهادها و دستگاه ها ، فقدان شبکه‌ها و تجهیزات ارتباطی و ترانزیتی مثل راه آهن، کم توجهی به مسئله محور شرق توسط مراجع تصمیم گیر، ناکافی بودن امکانات زیربنایی و زیرساخت‌ها

۴ – منطقه آزاد اروند : خسارت‌ها و ویرانی‌های باقیمانده از جنگ تحمیلی، فقدان شبکه‌ها و تجهیزات شهری و امکانات زیرساختی، لایروبی نشدن اروند رود، عدم ثبات سیاسی در عراق، نرخ خیلی بالای بیکاری در منطقه.

۵ – منطقه آزاد ارس (جلفا) : فقدان زیرساخت‌های ضروری خصوصاً در زمینه ارتباطات و مخابرات ، بالا بودن هزینه‌ها و خدمات دستگاههای مختلف، شرایط نه جنگ و نه صلح بین کشورهای همجوار (آذربایجان/ ارمنستان)

۶ – منطقه آزاد انزلی : محدودیت شدید ارضی ناشی از موقعیت خاص منطقه ، فقدان فعالیت نهادهای مالی و پولی خارجی ، محدودیت‌های ناشی از وضعیت خاص زیست محیطی، فراهم نبودن زیرساخت‌ها.

گزارش دیگر از وضعیت قاچاق با توجه به حجم سنگین و آمار بالای قاچاق کالا در کشور حاکی از این است که : این قبیل کالاهای قاچاق ازطریق مبادی غیررسمی نظیر خورها، اسکله های غیرمجازو مناطق مخروبه و بدون نظارت ،کوره راه ها، مناطق مرزی روستاها ونظایر اینها انجام نمی شود، بلکه بررسی های به عمل آمده مبین این مطلب است که حجم سنگین ورودکالای قاچاق به داخل کشور از طریق مبادی رسمی علاوه بر منافذ غیررسمی انجام می شود. در همین باره مواردی نظیر:

۱ - خلأهای کنترلی و نظارتی

۲ -کمبود نیروی انسانی جهت اعمال دقیق قوانین و مقررات

۳ -کمبود امکانات و تجهیزات مورد نیاز جهت نظارت و کنترل

۴ -عدم هماهنگی وتعدد مدیریت ها در این مبادی

۵ -فساد و نفوذ برخی از نهادها و اشخاص در گمرکات و بنادر و مبادی ورود – خروج مرزی

انقلاب اسلامی و رخداد جنگ هشت ساله ، این پروژه به مدت ده سال دیگر متوقف ماند و ازآن زمان نیز غلبه رویکرد نظامی –امنیتی در منطقه موجب شده جزایر هرمز، لارک و قشم بیش ازآنکه ارزش تجاری –اقتصادی برای کشور داشته باشند، وزن سیاسی ، نظامی و امنیتی داشته باشند و در چنین فضایی اجرای پروژه هایی همچون احداث پل خلیج فارس که اتفاقا چه بسا توجیه نظامی امنیتی بالایی هم می تواند داشته باشد، به دلیل عدم توجیه اقتصادی کنار گذاشته شده‌و می شود.

همه اینها باعث شده است که قاچاقچیان کالا ازاین راه ها نهایت بهره برداری را انجام دهند و با شگردهایی نظیر جعل و سوء استفاده از اسناد و مدارک گمرکی که حاکی از انجام تشریفات گمرکی می باشد، نظیرپروانه و پته گمرکی، اظهارخلاف واقع درخصوص کالاها، سو استفاده از تسهیلات و معافیت های گمرکی و رویه های ترانزیتی، ضعف و فساد سیستم بازرسی به جاسازی و نقل و انتقال غیر قانونی کالاها به داخل کشور اقدام کنند.[۸۰۹]

یک قاچاقچی کلکسیونی از انواع جرایم دیگر را یدک می کشد. او به تعبیری، روحیه قانون شکنی، اعمال نفوذ، پارتی بازی، فریبکاری ، جعل، سندسازی و پرداخت رشوه و آلوده کردن مجریان قانونی را دارد.[۸۱۰] قاچاق با فساد دردستگاه بروکراتیک و نبود حکومت قانون رابطه مستقیم دارد. قاچاق کالا به طور مستقیم با جرایمی مانند عدم پرداخت عوارض کالاهای وارداتی وفرارهای مالیاتی –رشوه دهی و فساد مقامات رسمی و پولشویی به طور مستقیم درارتباط است. احتمال کشف کالای قاچاق ، احتمال دستگیری ومجازات از سوی مراجع قانونی تا حدودی به حکومت قانون درکشوربستگی دارد. درحکومت سالم و صالح اصل حاکمیت قانون باعث می شود قاچاق کالا دارای سودکمی باشد.[۸۱۱]

گزارش رسمی قاچاق کالا و ارز در ایران

گزارش کمیسیون اقتصادی مجلس (سال ۱۳۹۹) درباره "تحقیق و تفحص از بررسی سیاست‌های دولت در مقابله با قاچاق و دلایل ناکارآمدی در این مقابله" روز دوشنبه ۲۳ اردیبهشت در صحن علنی مجلس خوانده شد. بر اساس این گزارش که خبرگزاری فارس و ایرنا ، آن را منتشر کرده اند، آمارهای رسمی نشان می‌دهند که "کالای قاچاق در سال‌های مختلف از ۲۲ تا ۳۳ درصد از کالاهای وارداتی کشور را تشکیل می‌دهد"، اما از کل این میزان تنها یک تا هشت درصد آن کشف شده است .به عبارت دیگر می‌توان گفت" به طور متوسط بخش اعظم کالای قاچاق به بازار داخلی راه پیدا می کند. نتیجه این تحقیقات نشان می‌دهد که میزان قاچاق کالا در سال‌های ۹۵ و ۹۶ بین ۲۱،۵ تا ۲۵،۵ میلیارد دلار بوده، در حالی که آمار اعلامی از سوی ستاد یاد شده در سال ۹۵ حدود ۱۲،۵ و در سال ۹۶ حدود ۱۳،۱ میلیارد دلار بوده است. کمیسیون تحقیق و تفحص می گوید: "این اختلاف فاحش، سؤالات و شبهات متعددی را در خصوص شیوه برآورد میزان قاچاق مطرح می‌سازد." این گزارش پدیده قاچاق کالا و ارز را به عنوان "یکی از چالش‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی "دانسته و یکی از "مظاهر فساد اقتصادی "که "تـأثیر سوء مستقیم در تولید و اشتغال و همچنین عرصه پولی و مالی می گذارد."

---

۸۰۹ – غلامحسین بیابانی،محمدرضا باباپور(۱۳۹۰)، قاچاق کالا، ابعاد آشکاروپنهان آن، مجله کارآگاه، دوره دوم، سال چهارم، ش۱۵.

۸۱۰ – غلامحسین بیابانی،محمدرضا باباپور(۱۳۹۰) همان.

۸۱۱ – همان.

اولین کسی که در باره قاچاق کالا و ارز بطور علنی گزارش هایی ارائه داد ، مهدی کروبی بود که در دوران ریاست خود بر مجلس ششم آن را مطرح کرد. او از ۳۳ اسکله غیرمجاز خبر داد و گفت که تعدادی از آنها در دست نهادهایی است که با آن اقدام به واردات و صادرات کالا می‌کنند. همچنین تیرماه سال ۹۱ محمود احمدی نژاد در همایشی در جمع فرماندهان نظامی و انتظامی کشور با موضوع پیشگیری از قاچاق کالا از تعبیر"برادران قاچاقچی" استفاده کرد و از درآمدهای کلان قاچاق سیگار پرده برداشت. او گفت: " بین ۵۵ تا ۶۰ میلیارد نخ سیگار در ایران مصرف می شود که معادل ۲ هزار میلیارد تومان است. این رقم همه قاچاقچیان درجه یک دنیا را به طمع می اندازد، چه رسد به برادران قاچاقچی خودمان." ، آن زمان سخنان وی با واکنش محمدعلی جعفری، فرمانده وقت سپاه مواجه شد. او به خبرگزاری مهر گفت: "این یک بحث انحرافی است که توسط افرادی که به نظر ما ذینفع هستند، مطرح می شود. این ارگان همچون سایر نهادهای نظامی اسکله‌هایی در اختیار دارد اما هیچ گونه مبادله تجاری در آنها انجام نمی دهد. نیروهای مسلح به طور طبیعی به دلیل وضعیت نظامی‌ای که دارند، اسکله هایی نظامی در اختیارشان است". اما در اوایل آذرماه سال ۹۳ این بار ، حسن روحانی در همایشی با عنوان "مبارزه با فساد" که با حضور سران سه قوه برگزار شد ، گفت: " اگر اطلاعات، تفنگ، پول، روزنامه، خبرگزاری و دیگر مظاهر قدرت در یک نهاد جمع شود، ابوذر و سلمان هم باشد، فاسد می‌شود." کنایه او به نیروهای امنیتی و بطور مشخص سپاه بود.

بر اساس آماری که سازمان تعزیرات در خصوص میزان جرائم وصولی پرونده‌ها ارائه کرده است" جرائم وصولی از سال ۹۲ تا ۹۶ کمتر از یک درصد، حدود ۲۵ صدم درصد بوده است و در مقابل حجم عظیمی از قاچاق در کشور، قاچاقچیان کمتر از یک درصد جریمه مالی خواهند داشت.“ گزارش هیئت تحقیق و تفحص به «عملکرد ضعیف» ۱۲ دستگاه اشاره کرده است که شامل اتاق بازرگانی، سازمان گمرک، وزارت اقتصاد، دبیرخانه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، اتاق اصناف، وزارت خارجه، سازمان جمع آوری و فروش املاک تملیکی، اتاق تعاون، وزارت کشور، سازمان صدا و سیما، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌شود.

براساس برآوردهای کارشناسی، سهم مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در قاچاق و فرار مالیاتی قابل توجه است. کارشناسان مرکز پژوهش های مجلس اخیرا اعلام کردند : معافیت این مناطق زمینه ایجاد فساد و فرار مالیاتی گسترده را فراهم آورده است.[۸۱۲]

معافیت مالیاتی مناطق آزاد به ماده ی ۱۳ قانون چگونگی اداره ی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی برمی گردد. این ماده ی قانونی می گوید: اشخاص حقیقی و حقوقی که در منطقه به انواع فعالیت های اقتصادی اشتغال دارند، نسبت

---

۸۱۲ – ۱۴ مهر ۱۳۹۸ –روزنامه اعتماد : https://www.etemadnewspaper.ir/fa/main

به هر نوع فعالیت اقتصادی در منطقه آزاد از تاریخ بهره برداری مندرج در مجوز به مدت بیست سال از پرداخت مالیات بر درآمد و دارایی موضوع قانون مالیاتهای مستقیم معاف خواهند بود و پس از انقضاء بیست سال تابع مقررات مالیاتی هستند که با پیشنهاد هیئت وزیران به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید.

طبق ارزیابی کارشناسان، حدود ۹۰ درصد از قاچاق سالیانه کشور یعنی ۱۱,۵ میلیارد دلار، از مبادی مناطق ویژه اقتصادی صورت می گیرد. در هر حال حتی اگر ۱۵ درصد از این ۱۱,۵ میلیارد دلار به عنوان مالیات اخذ می شد، رقم مالیات مستقیم که از این مناطق می توانست به دست آید ۱,۶ میلیارد دلار، معادل ۱۳ هزار میلیارد تومان و مالیات غیر مستقیم بین ۲۰ تا ۳۰ هزار میلیارد تومان بود. این حجم از فرار مالیاتی مناطق آزاد تجاری در حالی رخ می دهد که دولت ها هر ساله با کسری بودجه روبرو بوده یا بودجه را از خام فروشی نفت تأمین کرده اند. جلوگیری از این حجم از فرار مالیاتی و فساد بدون شک می تواند بخشی از کسری بودجه دولت را جبران کند.[۸۱۳] دادستان کل کشور هم در ۱۹ آبان ۱۳۹۸ اعلام کرد مناطق آزاد متاسفانه به مرکزی برای قاچاق کالا تبدیل شده است و این برخلاف فلسفه تشکیل مناطق آزاد است که هدف آن رونق تولید و صادرات کشور بود.[۸۱۴]

کنترل قاچاق از طریق کنترل مرزها

بطور سنتی کنترل مرزها از دیرباز تاکنون به عنوان یک روش پیشگیری از فعالیت قاچاقچی ها و باندهای قاچاق اهمیت خود را برای دولت ها حفظ کرده اند. کنترل گذرگاه های مرزی و مرزداری ها اهمیت زیادی در کنترل قاچاق دارند. این یک وظیفه با ماهیت نظامی ، انتظامی و در مواردی غیرنظامی است. اگرکنترل ها ضعیف باشد، اقتصاد رسمی کشور آسیب می بیند و اقتصاد سایه و زیر زمینی رشد فزاینده می یابد. برای مقابله با پدیده ی قاچاق ، مراقبت از مرزهای دریای، زمینی و هوایی نیازمند توجه است. این توجه هم از نقطه نظر تجهیزات و تاسیسات زیر ساختی و هم به لحاظ تشکیلات سازمانی و هم از نقطه نظر تامین نیروی انسانی حایر اهمیت است. نصب دور بین های مراقبتی، ایجاد خطوط مواصلاتی و مخابراتی و تجهیزات نظارت گمرکی ، امنیتی و نظامی و پلیسی برای این امر ضروری است. مساله کنترل مرزها مساله ای جهانی است و همه کشورها بسته به شرایط جغرافیایی، سیاسی و امنیتی، با آن مواجه هستند.بطور مثال، منطقه دریای سیاه در مسیر تجاری غیرقانونی قابل توجهی قرار دارد که از آسیای مرکزی به اروپا می رود. هروئین از افغانستان، پاکستان، و ایران ترانزیت می شود و از طریق ترکیه و از راه های دریایی عبور داده می شود و به قاره اروپا منتقل می گردد.به چند دلیل رایج ترین مقصد هروئین از ترکیه، بلغارستان است. تنها در سال ۲۰۰۳، ۶۶۲ کیلوگرم هروئین در مرزهای بلغارستان با ترکیه کشف و ضبط شد. هروئین

---

۸۱۳ – محمد علی نژاد ، عضو انجمن مستقل در دانشکده اقتصاد، نشریه عیار، ش۱۷، اسفند ۱۴۰۰ – ر. ک به :
https://atna.atu.ac.ir/fa/news/۳۰۳٦۳٥

۸۱۴–نقل از وبسایت خبربان : ر.ک به :
https://khabarban.com/a/۲٥۷٤۹٥٤۷

ترکیه که گمان می‌رود از بلغارستان ترانزیت شده باشد، در مقادیر زیاد تا شمال روتردام و در آلبانی و مقدونیه کشف و ضبط شده است. تخمین زده می‌شود که ۸۰ درصد هروئین در اتحادیه اروپا از طریق بلغارستان قاچاق می‌شود. با پیوستن بلغارستان به رژیم شینگن اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۷، تروریست ها و قاچاقچیان به طور یکسان مجبور به ایجاد و بهره برداری از مسیرهای جایگزین یا توسعه یافته شده اند.[۸۱۵]

بسیاری از کشورهای شرق اروپا تا همین اواخر در زمینه کنترل مرزهایشان دچار ضعف بوده و کمابیش نیز دچار ضعف هستند و انتقادهای زیادی برعملکرد آنها وجود دارد. در گزارشی از وضعیت مرزداری در کشور آلبانی نشان می دهد، کنترل مرزهای کوهستانی این کشور یک وظیفه کاملا غیرنظامی زیر نظر وزارت نظم عمومی است، اما کنترل بسیار ضعیف است. به طور معمول، یک جفت مرزبان با پای پیاده در یک منطقه کوهستانی به طول ۱۵ مایل گشت می زنند. آنها به ندرت وسایل نقلیه دارند (و حتی به ندرت سوخت دارند)، و فاقد تجهیزات پیشرفته مانند سنسورهای حرکت زمینی یا عینک دید در شب هستند... با تمهیداتی برای "چشم بستن" در گذرگاه های رسمی، که در برخی موارد با پیش پرداخت رشوه نهادینه شده است، فساد مشکل را تشدید می کند. شواهد حاکی از آن است که با وجود ماهیت تقریباً باز مرزهای سبز، اکثریت قریب به اتفاق کالاهای قاچاق وارد شده به کشور همچنان از طریق گذرگاه های مرزی رسمی با کمک برخی از مرزبانان و افسران گمرک فاسد انجام می شود. فساد در آلبانی بومی و سیستماتیک است. مرزبانان کمتر از ۲۰۰ دلار در ماه حقوق می گیرند و به گفته یکی از مقامات آلبانیایی بسیار مستعد اخذ رشوه هستند. مرز بین آلبانی و همسایگانش مقدونیه، کوزوو و مونته نگرو بسیار متخلخل است. در جریان بحران کوزوو در سال ۱۹۹۹ و تنش‌های مقدونیه در سال ۲۰۰۱، بالکان شاهد بود که بیشترسلاح‌های سبک و مهمات مورد استفاده آلبانیایی‌ها از مرز آلبانی عبور می کرد که اغلب به تعداد کمی روی حیوانات بارکش یا گاری‌های کوچک می‌رفتند.[۸۱۶]

جرایم سایبری

تا چند دهه پیش غیرقابل تصور بود، که هر نوع ذخیره سازی و تبادل و به اشتراک گذاری اطلاعات، از حساس ترین و محرمانه ترین داده های شخصی افراد گرفته تا انواع قراردادهای تجاری، مذاکرات سیاسی و مبادلات بازرگانی در فضای مجازی ممکن گردد. این یک انقلاب واقعی تکنولوژیک است که علاوه بر جامعه ، ساختار دولت‌ها را هم عمیقاً تحت تأثیر قرارداده است. انقلاب صنعتی چهارم که با تحولات فن آوری دیجیتال همراه بوده است ، تأثیر زیادی از نظر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی بر جوامع داشته است. در حوزه اقتصاد دیجیتال ، نمونه‌های آن عبارتند از: ذخیره‌سازی داده‌های محاسباتی، پول دیجیتال، پول مجازی، سیستم‌های حمل‌ونقل اشتراکی و شبکه

---

۸۱۵ - Leonid Polyakov, “New Security Threats in the Black Sea Region,” Razumkov Center, European Consortium for Political Research, September ۲۰;۲۰۰۳.; Forest(۲۰۰۷),Ibid,p۸٤۰.

۸۱٦ - Forest(۲۰۰۷),Ibid, pp۸۳۸-۸٤۰

شتاب، بانکداری الکترونیک. از این زیرساخت های فن آورانه ، مجرمان اقتصادی، فعالان اقتصاد سایه و بانکداری سایه‌ای نیز بهره مند می شوند که پیامدهای منفی نیز به همراه دارد.

ادغام سیستم های مخابراتی و اطلاعاتی در جامعه مدرن، ذخیره و انتقال داده‌ها را بر روی انواع ارتباطات ممکن می‌سازد و فرصت های جدیدی برای سوء استفاده در فضای مجازی ایجاد می کند. این سوء استفاده‌ها مرتبط با به خطر انداختن یکپارچگی، در دسترس بودن یا محرمانه بودن شبکه‌های رایانه‌ای و سیستم‌های مخابراتی و داده‌های مرتبط است، یا به استفاده از چنین شبکه‌ها و سیستم‌هایی برای ارتکاب جرایم "سنتی" مربوط می‌شود. همه این سوء استفاده ها را می توان مجموعاً جرایم رایانه ای نامید.[۸۱۷]

قاچاقچیان، کلاهبرداران، ارائه دهندگان سرویس های هرزگی و محصولات مستهجن ، فروشندگان مواد مخدر و افیونی وهکرها و کلاهبرداران فعال در معاملات ارزهای دیجیتال و بسیاری از گروه های مفسده جو و مجرمان بخشی از فضای سایبری را اشغال نموده و در تصرف خود دارند وکنترل این وضعیت به وضع قوانین شفاف‌تر، محکم‌تر و جامع‌تر نیاز دارد. همچنین گروه هایی دیگر از مجرمان سازمان‌یافته در فضای مجازی ، صنعت یا بازار جرایم سایبری را اداره نمی‌کنند، بلکه با سرمایه‌گذاری و فروش مهارت‌های خود، جریان‌های درآمدی جدیدی را از طریق جرایم سایبری و یا کلاهبرداری و سو استفاده از ناآگاهی سایر کاربرانی که در فضای سایبری فعالیت دارند برای خود فراهم می کنند. ازآن جمله می توان به کلاهبرداری اینترنتی، کلاهبرداری از طریق معاملات ارزهای دیجیتال ، باج خواهی اینترنتی، سایتهای شرط بندی، قمارخانه های آنلاین و سرقت اطلاعات کاربران، سوء استفاده از احساسات کاربران با جمع آوری اعانه و کمک های خیرانه بدون شفافیت گزارش مالی ، یا خرید انبوه جزئیات اطلاعات کارت های اعتباری مشتریان آنلاین و غیرو اشاره کرد.

برای سازمان ملل متحد ، جلب همکاری دولت ها برای رسیدگی به جرایم سایبری به شیوه ای منسجم ، با افزایش استفاده از ابزارها و پلتفرم‌های سایبری در جهت اهداف سیاسی و نظامی توسط دولت‌ها که به عدم اعتماد بین دولت‌ها در مورد مسائل مربوط به سایبری منتهی شده ، چالش برانگیزترین موضوع است. در حالی که دولت ها توافق دارند که جرایم سایبری یک نگرانی مشترک بین المللی است، درک مشترکی از نحوه همکاری برای مقابله با این چالش ندارند و خود آنها در مواردی به نوعی رویارویی و جنگ در فضای سایبری روی می آورند. از بسیاری جهات، این عدم همکاری میان دولت ها ، نقش مرکزی را به ارائه دهندگان خدمات آنلاین بخش خصوصی، از جمله پلتفرم های شبکه های اجتماعی، در به اشتراک گذاری داده ها با اجرا و حذف محتوای مربوط به بازارهای غیرقانونی داده است.[۸۱۸]

---

۸۱۷ - Yanping Liu, Minghai Tian ,Yanming Shao(۲۰۲۲),Cybercrimes and Financial Crimes in the Global Era, Springer,p۵۳.

۸۱۸ - The Global Illicit Economy, Ibid,۸۷

در فاصله سال‌های ۲۰۱۵–۲۰۱۸، بیشتر کشورها شاهد افزایش قابل توجه در حملات سایبری به شبکه‌های خصوصی و شرکتی خود بودند. در آغاز سال ۲۰۲۰، مقامات امنیت سایبری در اروپا، یک کلاهبرداری در مقیاس بزرگ در یارانه‌ها را کشف کردند که طی آن گروه هایی از مافیای سیسیلی میلیون‌ها یورو از بودجه کشاورزی اتحادیه اروپا را برداشته بودند، که نشان دهنده پیشرفت قابل توجه به سمت سوداگرایی کم‌خطر است.، فعالیت‌های یکی از بدنام‌ترین گروه‌های جنایتکار در جهان.[۸۱۹]

در بیشتر موارد مجرمان سایبری از ابزارها و خدمات شناخته شده ای استفاده می کردند. اکثر حملات سایبری حاوی برنامه های مخرب ویژه‌ای بودند –بد افزار، باج‌افزار، جاسوس‌افزار و همچنین انواع دیگر نرم‌افزارها که اعتبار پروتکل های ایمنی سیستم های پرداخت را تضعیف می کنند. واضح‌ترین تهدید نرم‌افزارهای مخرب، استفاده از باج‌افزار رمز عبور است که ضررهای قابل توجهی را به کاربران شرکتی و خصوصی وارد می کند. تاثیر مخرب چنین نرم افزاری باعث افزایش آسیب کلی تروجان های بانکی شده است. در حال حاضر، دو رویکرد کاملاً متفاوت برای استفاده از باج افزار وجود دارد. مجرمان سایبری جوان‌تر از باج‌گیری خودکفا استفاده می‌کنند، در حالی که گروه‌های کوچکی از هکرها معمولاً آنها را با انواع دیگر بدافزارها ترکیب می کنند تا به حساب کاربری دسترسی پیدا کنند تا بتوانند نرم‌افزارهای جاسوسی و سپس چنین بدافزارهایی را نصب کنند تا مسیر پرداخت‌ها را تغییردهند. بسیاری از انواع پرسود جرایم سایبری از آسیب‌پذیری‌های متعددی که برای چندین دهه وجود داشته استفاده می کنند. یکی از بارزترین نمونه ها در این زمینه مایکروسافت آفیس است که به طور گسترده در سراسر اروپا استفاده می شود و آسیب پذیری های آن به طور فزاینده ای توسط مجرمان سایبری هک می شود. علاوه بر این، می بینیم که جنبه هایی مانند ناشناس بودن و سرویس های رمزگذاری اغلب مورد حمله قرار می گیرند تا در تحقیقات پلیس و روند دادگاه تداخل ایجاد کنند.[۸۲۰] با این مقدمه انواع جرایم سایبری را می توان بصورت زیر دسته بندی کرد :

جنگ سایبری دولت ها علیه یکدیگر

در سطح حکومت ها ، جرایم سایبری می تواند تبدیل به یک جنگ سایبری شود. جنگ سایبری بخشی از یک جنگ ترکیبی است و فقط جنگ تبلیغاتی، روانی و رسانه ای تلقی نمی شود، بلکه می تواند شامل عملیات پیچیده و حساب شده و واقعی علیه دولت دیگر باشد. این حملات سایبری می تواند شامل جاسوسی سایبری و سرقت اسناد و اطلاعات محرمانه از طریق هک نمودن سرور ها و سایتهای دولتی و هک کردن سامانه های کنترلی مراکز زیر بنایی

۸۱۹ - گزارش ابتکار جهانی علیه جرایم سازمان یافته فراملی از وضعیت جهان در ۲۰۲۰: Taub, Jennifer(۲۰۲۰),Ibid,p۱۱

۸۲۰ -Yanping Liu, Minghai Tian ,Yanming Shao(۲۰۲۲),Cybercrimes and Financial Crimes in the Global Era, Springer ,p۳۰.

و تاسیساتی یک کشور باشد. سند راهبرد ملی امنیت سایبری اسپانیا فضای سایبری را به عنوان "میدان نبرد" توصیف می کند که در آن اطلاعات و داده‌های حریم خصوصی دارایی‌های با ارزشی هستند که به‌ویژه به دلیل اتصال و وابستگی رو به رشد به شبکه‌ها و سیستم‌ها، آسیب‌پذیر هستند و محافظت از آن‌ها دشوار است.[۸۲۱] در آن سند ، امنیت سایبری به عنوان یک عنصر امنیت ملی شناخته شده است. براساس برخی پیش بینی های کارشناسی، در آینده‌ای نزدیک، فناوری‌های شهرهای دیجیتال و یا شهرهای هوشمند مانند مدیریت خودکار ترافیک و روشنایی، دوربین‌های کنترل سرعت، سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی و تامین برق، سیستم‌های کنترل ترافیک هوایی و غیره به یک هدف محبوب برای هکرها تبدیل خواهند شد. بر اساس همین برآوردها، جهان تا سال ۲۰۲۰ حدود ۹,۶ میلیارد دستگاه متصل آنلاین خواهد داشت که توسط زیرساخت شهرهای هوشمند استفاده می شود. با این حال، بسیاری از این دستگاه ها به اندازه یک روتر خانگی دارای خطاها وآسیب پذیری های کد نرم افزاری هستند. اگر کار چنین دستگاه هایی غیرفعال شود و در آنها اختلال ایجاد شود، می تواند منجر به خسارات زیادی شود (پیش بینی تهدیدات سیستم های متصل در سال ۲۰۱۸)[۸۲۲] تهدیدهای جدیدی مانند جاسوسی سایبری، چه از سوی باندهای جرایم سازمان یافته و چه از سوی دولت‌ها نیازمند هوشیاری بیشتر است. شاید یکی از تهاجمی‌ترین و مخرب‌ترین اشکال جرایم سایبری دولتی، از سوی اسراییل گزارش شده است. آلودگی سانتریفیوژهای مراکز هسته ای ایران به کرم استاکس‌نت در سال ۲۰۱۰-با نام رمز عملیاتی " بازی‌های المپیک" که ظاهراً حدود ۱۰۰۰ سانتریفیوژ از ۵۰۰۰ سانتریفیوژ ایرانی را در تلاشی برای خرابکاری و از بین بردن نیروگاه‌های هسته‌ای ایران ازکار انداخت.[۸۲۳]

اخیرا طی گزارشی رییس پلیس فتا (تولید و تبادل اطلاعات) در ایران اعلام نمود ، روزانه بین ۶ تا ۷ میلیون حملات یا تهاجمات کوچک و بزرگ سایبری در کشور انجام می‌شود که اکثریت آنها دفع می گردد. بطو مثال در سال گذشته (۱۳۹۶)، ۲۹۶ حمله سایبری جدی به کشور انجام شده که مبدأ و منشاء ۵۰ درصد از این حملات سایبری از سوی آمریکا، چین و ۳۰ درصد از سوی برخی از کشورهای اروپایی مانند هلند و آلمان بوده است. بانک ها و موسسات پولی و مالی در اولویت و هدف اصلی حملات سایبری قرار دارند. همچنین زیرساختهای مخابراتی، حوزه های انرژی مثل برق و گاز، صنایع پالایش و پخش فرآورده های نفتی نیز جزء اهداف حملات سایبری اخیر بوده اند.[۸۲۴]

---

۸۲۱ - National Cybersecurity Strategy ۲۰۱۹ (ENC ۲۰۱۹).
۸۲۲ -Yanping Liu, Minghai Tian ,Yanming Shao(۲۰۲۲),Ibid,p۳۱
۸۲۳ -Hafezi, P. (۲۰۱۸). “Iran Accuses Israel of Failed Cyber Attack,” Reuters, November ۵, www.reuters.com/ article/ us- iran- israel- cyber- idUSKCN۱NA۱LJ.
۸۲۴ – نقل از خبرگزاری ایرنا ، ۹ اردیبهشت ۱۳۹۷ :
https://www.irna.ir/news/۸۲۹۰۰۶۴۰

جرایم سایبری اشخاص علیه منافع هموطنان خود و یا شهروندان دیگر کشورها

اغلب حملات سایبری دارای اهداف اقتصادی هستند. جمع آوری اطلاعات و داده های شخصی از طریق اینترنت، اغلب برای تجارت، حتی بیش از هزینه آن از نظر اقتصادی نگران کننده است، زیرا تأثیر بی ثبات کننده ای بر اقتصاد دارد که می تواند منجر به از دست دادن اعتماد به سیستم های پرداخت الکترونیکی شود. امروزه مجرمان سایبری به سلاح های سایبری تهاجمی تر و مخرب تری متوسل می شوند که بسیار پیشرفته تر از تروجان های رایج بانکی هستند. گروه‌های جنایتکار سازمان‌یافته که در سراسر جهان پراکنده شده‌اند ، تمایل دارند جرم را به عنوان یک خدمت ارائه دهند. در چنین مدلی، آنها ابزار و خدماتی را در مورد طیف وسیعی از جرایم سایبری – از پایین‌ترین تا بالاترین سطوح، ارائه می کنند. علاوه بر این، مجرمان سایبری سازمان‌یافته با دنیای زیرزمینی جنایتکاران بزرگی که در بازار مهاجرت غیرقانونی به کشورهای اتحادیه اروپا، قاچاق مواد مخدر و بازار سکس سیاه و همکاری با شبکه‌های تروریستی بین‌المللی و همچنین با سرویس‌های امنیتی چنین کشورهایی که اغلب به دنبال تخریب هستند، همسو می‌شوند. آنها اهداف معینی را نسبت به برخی کشورها دنبال می کنند و خطوط تمایز میان جنایات سازمان‌یافته، تروریست‌ها و سرویس‌های مخرب، از جمله گروه‌های هک پروکسی، روز به روز مبهم‌تر می‌شوند.[۸۲۵]

در یک مورد هکرها در یک جنایت بزرگ که ردپای آن را در اندونزی دنبال کردند، موفق به سرقت بین ۲ تا ۳ میلیارد دلار در یک کلاهبرداری از خودپردازها شدند. این حادثه به کشورهای عربی در مورد آسیب پذیری هایشان هشدار داد.کارشناسان جرایم سایبری تشخیص داده اند که ایران، کویت، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، و مصر در میان ۱۰ کشور اول جهان از لحاظ درجه آسیب پذیری در فهرست آسیب پذیرترین کشورها در برابر حملات هکرهای کامپیوتری هستند.[۸۲۶]

با توجه به فرامرزی شدن جرایم با وجود بستر اینترنت ، فهرست جرایم سایبری شهروندان علیه یکدیگر در جهان در حال افزایش است. براساس گزارش اخیر FBI که در مورد جرائم اینترنتی منتشر شده، ۲۴۱ هزار و ۳۴۲ آمریکایی سال گذشته (۲۰۲۰م) قربانی حملات "فیشینگ"، "ویشینگ" (فیشینگ از طریق تماس) و "اِس‌میشینگ" (فیشینگ از طریق پیامک) شدند که این امر را به رایج‌ترین نوع جرائم اینترنتی تبدیل کرده است. "عدم پرداخت وجه یا عدم تحویل کالا" با ۱۰۸ هزار و ۸۶۹ نفر در رتبه دوم و "اخاذی" با ۷۶ هزار و ۷۴۱ قربانی در رتبه سوم رایج‌ترین جرائم قرار گرفتند. همچنین طبق این گزارش "نقض اطلاعات شخصی" با ۴۵ هزار و ۳۳۰ نفر، "سرقت هویت" با ۴۳ هزار و ۳۳۰، "حمله جعل" (Spoofing) با ۲۸ هزار و ۲۱۸، "سوءاستفاده" با ۲۴ هزار و

---

۸۲۵ -Yanping Liu, Minghai Tian ,Yanming Shao(۲۰۲۲),Cybercrimes and Financial Crimes in the Global Era, Springer,p ٤٦.

۸۲٦ - Encyclopedia of white-collar and corporate crime, p٦٩

۲۷۶ نفر و "کلاهبرداری عاشقانه" با ۲۳ هزار و ۷۵۱ نفر در رده‌های بعدی رایج‌ترین جرائم سایبری قرار گرفته‌اند. مجموع زیان وارده بر قربانیان این جرایم در مجموع ۱ میلیارد و ۶۴ میلیون دلار برآورد شده‌است.[۸۲۷]

در ایران، رئیس پلیس تولید و تبادل اطلاعات ناجا (فتا) ، سردار هادیان فر، اعلام کرد: جرایم سایبری در کشور از سال ۱۳۹۰ تاکنون (= سال ۱۳۹۷)، ۹۰۰ درصد افزایش یافته است. این رشد همراه با نرخ رشد در تعداد کاربران اینترنتی بوده است که در سال ۹۲ این عدد ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر بوده و امروز بر اساس آمار وزارت ارتباطات به ۵۶ میلیون نفر افزایش یافته است.

براساس اعلام این مقام مسوول، از بدو تأسیس پلیس فتا تاکنون(طی ۶ سال گذشته) به ۱۲۰ هزار فقره پرونده رسیدگی شده و بیش از ۸۶ درصد پرونده ها در حوزه جرایم سایبری کشف و بیش از ۷۰ هزار مجرم سایبری دستگیرشده اند. برداشت های غیرمجاز از حساب های بانکی، مزاحمت های اینترنتی، کلاهبرداری های رایانه ای، هتک حیثیت و نشر اکاذیب و انتشار فیلم های خصوصی افراد در شبکه های اجتماعی در صدر جرایم سایبری هستند که برداشت های غیر مجاز از حساب بانکی افراد در سال ۹۶ نسبت به سال ۹۵، ۶۱,۵ درصد، مزاحمت های اینترنتی، ۶۰ درصد ، کلاهبرداری رایانه ای بیش از ۵۵ درصد، هتک حیثیت و نشر اکاذیب بیش از ۳۱ درصد، انتشار فیلم های خصوصی و خانوادگی بیش از ۲۲ درصد افزایش داشته که بیشترین جرایم سایبری مربوط به تهران بزرگ، خراسان رضوی، فارس و اصفهان و کمترین جرایم نیز در استان های یزد، لرستان، ایلام، کهکیلویه و بویراحمد و جزیره کیش اتفاق افتاده است.[۸۲۸]

جرایم سایبری دولت ها علیه شهروندانشان

رویکرد دولت های مختلف با گسترش فن آوری های سایبری متفاوت بوده است. به استثنای برخی از کشورهای پیشرو در حوزه گسترش زیرساخت سایبری، برخی دیگر آن را فرصت تلقی نموده و با وضع مقررات آن را در جهات مقرون به صرفه با هدف توسعه اقتصادی کشورو حمایت از کسب و کارهای اینترنتی و استارت آپی هدایت کرده اند . دولتهایی که با تاخیر به تحولات تکنولوژیک در حوزه فن آوری ارتباطات و اطلاعات واکنش نشان داده اند، به دلیل عدم آمادگی، بیش از دیگر کشورها متاثر از پیامدهای منفی این تحولات بوده اند. لذا نحوه مواجه این دولت ها با پدیده مذکور، به مثابه تهدید خارجی بوده و با آن به مقابله برخاسته اند. با آنکه گزارش های جهانی نشان می دهد همه کشورها کم و بیش درجاتی از آسیب پذیری سایبری را تجربه می کنند، اما برخی دولتها

---

۸۲۷ - نقل از خبرگزاری علم و فناوری خبرگزاری آنا (وابسته به دانشگاه آزاد) اردیبهشت ماه ۱۴۰۰: (کد خبر : ۵۷۷۶۵۲)
https://ana.press/fa/subservice//۱۰/۱

۸۲۸ - نقل از خبرگزاری ایرنا ، ۹ اردیبهشت ۱۳۹۷ :
https://www.irna.ir/news/۸۲۹۰۰۶۴۰

به جای سیاستگذاری، وضع مقررات و ساماندهی فعالیت هـای کـاربران، از اسـاس هدفگـذاری خـود را بـر قطـع دسترسی کامل شهروندان به اینترنت گذاشته اند. کره شمالی را در زمره این کشورها ارزیابی می کنند. کشورهایی همانند چین، روسیه و ایران کما بیش راهی میانه با غلبه رویکرد سیاسی و امنیتی در مواجه با کاربران فضای مجازی اتخاذ کرده اند.

بطور کلی رویکرد امنیتی در رفتار و سیاستهای دولتهای مختلف در مواجه با فعالیت شهروندان در فضای مجازی کمابیش وجود دارد. اما نمونه بارز جرایم سایبری دولت ها علیه شهرندان شان را می توان در نقض حق جریان آزاد اطلاعات و بهره مندی از زیرساخت سایبری دانست. این نگرانی بارها ابراز شده که دولـت هـا از ایـن ابـزار بـرای مقاصد امنیتی و پلیسی به منظور کنترل رفتار شهروندان خود استفاده می کنند که به نقض حریم شخصی افراد منتهی می شود و این موارد شامل اسطراق سمع ، کنترل حسابهای کاربران و شهروندان در فضای مجازی و شـبکه هـای اجتماعی و محدود کردن و مسدود کردن دسترسی آنان به اینترنت و ضبط و تفتیش محتوای گوشی های هوشمند و کامپیوترهای خانگی شهروندان می شود. این رویه کما بیش در بسیاری از دولت های غیر دموکراتیک مانند ایران، افغانستان، کره شمالی و چین و روسیه بیش از دیگر کشورها گزارش شده است. در ایران، از یـک سـوی شـاهد تلاش دولت با صرف سالانه میلیاردها تومان بـه منظـور فیلترینـگ اینترنـت ، جـرم انگـاری اسـتفاده از تجهیـزات ماهواره ای و اخیرا اینترنت ماهواره ای و عملیات گسترده در جمع آوری تجهیزات گیرنده های دیجیتال ماهواره ای و اخیرا کشف و ضبط تجهیزات ماینرهای استخراج ارز دیجیتال و در مواردی قطع کامل اینترنت و یا کاهش پهنای باند و کاهش سرعت اینترنت و اخلال در روند تبادل داده در شبکه سراسری اینترنت بوده ایم و از سوی دیگر شاهد گزارش هایی از استفاده میلیون ها نفر از ایرانیان از انواع فیلترشکن ها و وی پی ان ها و تجهیزات ماهواره ای هستیم. حکومت ایران ، اخیرا با توجه به تهدیدهای رو به رشد سایبری، موضوع "لندینگ رایت"[۸۲۹] یا حقوق سرزمینی را برای اجازه فعالیت سرویس دهندگان اینترنتی همچون استارلینک و دیگران مطرح کرده است که براساس این قانون هرکس بخواهد در قلمرو سرزمین دیگری به فعالیت و ارائه خدمت یا سرویس بپردازد، باید مقررات آن کشـور را بپذیرد. دولت ایران با وضع قوانین سخت گیرانه در زمینه کنترل فضای سایبری و با کنترل و اعمال محـدودیت در دسترسی آزاد مردم به اینترنت، و جرم انگاری استفاده از ماهواره و فلیتر شکن، عملا میلیون ها شهروند را به قانون شکنی آشکار سوق داده است. در پی موج اعتراضات مردم نسبت به سیاست های دولت در حوزه های اقتصـاد و فرهنگ و سیاستهای خارجی و داخلی، در سالهای ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ ، بارها دولت اقدام به قطع کامل دسترسی بخش های زیادی از کشور به اینترنت کرد و اخیرا هم با راه اندازی شورای عالی فضای مجازی با همکاری سایر نهادهای حاکمیتی و تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرحی موسوم به "صیانت از حقوق کاربران در

۸۲۹ - landing right

فضای مجازی" را در مجلس مطرح نمودکه عملا با هدف نقض حقوق کاربران و محدود کردن آن ، با صرف هزینه های سنگین سعی در جایگزین نمودن پلتفرم های داخلی با نمونه ی خارجی مانند واتس آپ و اینستاگرام و تلگرام و غیرو دارد. همچنین تلاشی گسترده برای عملیاتی نمودن طرح اینترنت ملی را آغاز نموده بود، اما به دلیل محدودیتهای فن آورانه و ناکارآمدی پلتفرمهای داخلی و فساد بروکراتیک این تلاش ها خسارت بار بوده و در نتیجه ی سیاست محدود کردن دسترسی شهروندان به اینترنت با فیلترینگ و کاهش سرعت اینترنت، صدها استارت آپ و فعالان اقتصادی در فضای مجازی که از طریق تولید انواع اپلیکیشن ها و یا تبلیغات و بازاریابی محصولات و خدمت خود امرار معاش می کردند، آسیب جدی دیده اند. برآوردهای مختلفی از خسارات وارده براستارت آپ ها و کسب و کارهای اینترنتی در پی اعمال این محدودیت ها ارائه شده است. نت بلاکس خسارت وارده بر اقتصاد ایران ناشی از هرساعت قطعی اینترنت را معادل ۱,۵ میلیون دلار (معادل با ۴۵ میلیارد تومان زیان اقتصادی –روزانه ۱۰۸۰ میلیارد تومان) برآورد نمود و انجمن تجارت الکترونیک تهران از در معرض نابودی قرار گرفتن ۴۰۰ هزار کسب و کار که به نوعی وابسته به اینترنت است، و به خطر افتادن معاش یک میلیون نفر ناشی از فیلترینگ پلتفرم های پرکاربرد و قطعی های مکرر اینترنت در ایران خبرداد. معاونت پژوهشی سازمان امور مالیاتی ایران نیز میزان خسارات وارده را روزانه تا ۳۰۰۰ میلیارد تومان برآورد نموده است. همچنین اخیرا (مهرماه ۱۴۰۱) رییس رصدخانه ملی مهاجرت ایران در گفتگو با سایت خبری انتخاب عنوان کرد : شرایط ناپایدار اینترنت در ایران به مهاجرت گروهی استارت آپ ها از ایران به کشورهای حوزه خلیج فارس و ترکیه منجر شده است.[۸۳۰]

ناگفته نماند بخشی از دلایل و انگیزه های دولت ایران در اعمال محدودیت برای کاربران فضای مجازی، و جرم انگاری استفاده از رسانه های دیجیتال مانند شبکه های ماهواره ای ، تامین امنیت سایبری و یا امنیت روانی جامعه نیست، بلکه اعمال سانسور خبری با هدف ممانعت از انتشار اخبار جرایم و مفاسد کلان اقتصادی و مفاسد اخلاقی مدیران و مسوولان و کارگزاران نظام وآگاهی مردم نسبت به ریاکاری های مسوولین و مقامات جمهوری اسلامی است. اساسا گسترش دامنه و برد رسانه های دیجیتال با وجود تجهیزات ماهواره ای موجب شده تا دولتهای اقتدارگرا و توتالیتر احساس خطر کنند. در عین حال رسانه ها کارکردی دو گانه را برعهده دارند و به همین جهت بخشی از تلاش باندهای تروریستی و حکومت های فاسد در جهت بهره برداری از ظرفیت این فضا برای پیشبرد اهداف خودشان است. دولت ها بطور کلی ابزارهای رسانه ای را برای توجیه سیاستها، برنامه ها و عملکرد خودشان

---

۸۳۰ – طبق گزارش مرکز آمار ایران یازده میلیون کسب و کار اینترنتی شناسایی شده که دست کم ده میلیون از آنها بطور مستقیم یا غیر مستقیم از اینستاگرام استفاده می کنند. براساس همین آمارها ۴۱۵ هزار فروشگاه اینترنتی فقط برپایه پلتفرم اینستاگرام فعالیت دارند که با فیلترینگ آن در معرض خطر هستند. همچنین آمارها از کاهش ۶۰ درصدی تراکنش های مالی و پرداختهای اینترنتی ناشی از محدودیتهای یاد شده حکایت دارد. به نقل از پایگاه خبری تحلیلی مرور –۲۶ مهرماه ۱۴۰۱

نیاز دارند و افکار عمومی جامعه و فعالان رسانه ای نیز تلاش می کنند ابزار رسانه را از انحصار دولت خارج کنند. دولت ها در عین حال که تلاش می کنند، رسانه های خودشان را داشته باشند، سعی می کنند با وضع مقررات و پروتکل های ویژه بر عملکرد سایر رسانه ها کنترل و نظارت خودشان را اعمال کنند. در ایران بطور خاص حکومت سعی نموده تا انحصار رسانه را در اختیار خود داشته باشد و به رسانه های نسل جدید مانند شبکه رسانه های اجتماعی(سوشیال مدیا) و شبکه های ماهواره ای اجازه عرض اندام نمی دهد. بر اساس ارزیابی های انجام شده از وضعیت رسانه ها در ایران ، تمامی مطبوعات زیر نظر دولت فعالیت می کنند و احتمالاً با توجه به نظارت و کنترل شدیدی که بر رسانه ها و جامعه مدنی اعمال می شود، دولت عملا به دنبال ایجاد یک حاشیه امن برای مجرمان و مفسدان اقتصادی است و انتظار می رود با اعمال فشار و سانسور و تعقیب و مجازات کسانی که اخبار مفاسد و جرایم بزرگ اقتصادی و خشونت و جرایم پلیس یا نیروهای غیر رسمی و در سایه را پوشش می دهند، این دسته از اخبار جرایم و مفاسد باید کمتر آگاهی رسانی شود. به همین جهت به نقل از خانه آزادی، ایران از نظر آزادی سیاسی و آزادی مدنی نزدیک به ۱۰ درصد پایین ترین کشورها در رتبه بندی جهانی قرار دارد.[۸۳۱] بنابراین منطقی به نظر می رسد که انتظار داشته باشیم با برداشتن فشار بر روی رسانه‌ها و جامعه مدنی، نه تنها تعداد رسوایی‌های فساد در ایران به شدت افزایش یابد، بلکه جایگاه ایران از نظر شاخص ادراک فساد نسبت به سایر کشورها از این که هم اکنون هست بدتر شود و حتی می‌تواند با کشورهایی مانند افغانستان و سومالی برابری کند. در واقع، زندانی کردن و مجازات اشخاص و خبرنگارانی که پرونده‌های فساد و جرایم مقامات دولتی را افشا می‌کنند، به جای تعقیب و مجازات مقاماتی که مرتکب جرم و یا اعمال فاسد شده‌اند، یک رویه ثابت در قوه قضاییه ایران است.[۸۳۲]

رابطه حکومت و رسانه فقط در ایران اینگونه نا متعارف و توام با ارعاب و فشار سیاسی و امنیتی نیست، رویکرد بسیاری از دولت ها با رسانه ها کما بیش مورد انتقاد است. رویکرد دنیای غرب با ارباب رسانه از نوع دیگری است که همان هم منتهی به گسترش جرم و فساد شده است. دولت های غربی از رسانه ها به عنوان پدیده ای مربوط به عصر تحولات مدرن استقبال نموده و نسل جدید رسانه ها نیز در آن کشورها کاربرد فراگیر یافته است، اما این دولت ها رسانه ها را همواره در جهت اهداف سیاسی و ایدئولوژیک غرب مورد بهره برداری قرار داده اند. هالیوود به عنوان سمبل رسانه در غرب ، فساد را جهانی کرده است، زشتی و قبح فساد را از میان برده است. انحصار رسانه های بزرگ آمریکایی در دست ثروتمندان و افراد پر نفوذ در ساختار قدرت است. ایالات متحده همواره سعی نموده با عمده ترین رسانه های در اختیارش، سلطه خبری و مرجعیت رسانه ای خود را بر جهان حفظ کند و سیاستهای خود را توجیه کند و روایت خود را بر جهان سیطره ببخشد. با این حال دولت ایالات متحده بطور خاص

---

۸۳۱ - Freedom in the World (۲۰۱۸), Freedom House, Washington DC

۸۳۲ - Pooya Azadi(۲۰۲۰),The Structure of Corruption in Iran, Stanford University , publication at: https: // www .researchgate net/publication/۳۴۳۶۹۹۶۰۵.

جلوی فعالیت رسانه های مستقل و مطبوعات آزاد را نگرفته که در نتیجه ی آن ضمن اینکه سیاستهای غرب توسط مطبوعات مستقل و روشنفکران متعهد به اصول و ارزشهای جامعه آزاد مورد نقد آشکار قرار می گیرد، نوعی بی بندو باری در حوزه رسانه و مطبوعات در غرب نیز به چشم می خورد.

جرایم سایبری اشخاص علیه مراکز دولتی

این نوع جرایم با دو هدف سیاسی و یا اقتصادی توسط اشخاص و یا باندهای جرایم سازمان یافته انجام میشود. گاهی برای اینکه آن را از جرایم سایبری معمولی مانند یک کلاهبرداری معمولی اینترنتی متمایز نمایند، از اصطلاح "تروریسم سایبری" استفاده می کنند. اصطلاح تروریسم سایبری[۸۳۳] اولین بار در مقاله "آینده تروریسم سایبری: جهان های فیزیکی و مجازی در کجا همگرایی دارند" نوشته بری کالین، محقق ارشد مرکز مطالعات استراتژیک و بین المللی (CSIS) مطرح شد و در مجله ی International Justice and Crime منتشر گردید. (کالین،۱۹۹۷) معتقد است که تروریسم سایبری محصولی از ترکیب اینترنت و تروریسم است، جایی که سازمان های تروریستی حملات سایبری مخرب از پیش برنامه ریزی شده ای را علیه سیستم های اطلاعات رایانه ای، برنامه ها یا داده ها انجام می دهند. از آن زمان این واژه به دلیل تنوع معنایی ناشی از دیدگاه‌ها و مبادی مختلف و نیز نظام‌های مختلف سیاسی و حقوقی، به طور مداوم توسط مراکز دولتی، محققان و کارشناسان در کشورهای مختلف، بدون اجماع ، بازتعریف و تفسیر شده است.[۸۳۴] با دسته بندی که از جرایم سایبری ارائه شد، به نظر می رسد موضوع تروریسم سایبری باید به تهاجمات سایبری برنامه ریزی شده توسط اشخاص و باندهای تروریستی به زیرساختهای اینترنتی و تاسیسات مخابراتی و ارتباطاتی ملی- دولتی منحصر گردد و از جرایم متعارف اینترنتی متمایز گردد. همچنان که جنگ سایبری به تهاجمات سایبری یک یا چند دولت به زیرساختهای فن آورانه ی دولتهای یکدیگر اشاره دارد.

در ایران اخیرا مواردی از این نوع عملیات تروریستی سایبری گزارش شده است. هک یا ازکار انداختن دوربین های پلیس راهور ، هک سایت هواپیمایی کشوری، هک سایت فروش بلیط مترو و سامانه خدمات شهری در شهرداری تهران و هک و ازکار انداختن سامانه توزیع فرآورده های سوختی در جایگاه های سوخت و پمپ بنزین ها از جمله این موارد است. متاسفانه گزارشی از انگیزه های ارتکاب این اقدامات توسط اشخاص و گروه ها و برآورد میزان خسارات وارد شده ارائه نشده است. ظاهرا در برخی از دیگر کشورها نیز موارد مشابهی از چنین اقدامات خرابکارانه و مجرمانه گزارش شده است.

---

۸۳۳ - Cyberterrorism

۸۳۴ - Collin, B. C. (۱۹۹۷). The future of cyber-terrorism: Where is physical and virtual worlds converge, Crime and Justice International, ۱۹۹۷(۳), ۱۵–۱۸.

در تشخیص مرزهای تمایز و تماس میان تروریسم و تروریسم سایبری ذکر این نکته ضروری است که اگر چه ترور و اقدام تروریستی تعریف مشخصی دارد ، ولی از وقایع یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به این سوی ، عمده تمرکز قدرتهای رسانه ای غربی در این جهت بوده است که تروریسم را منحصرا در تقابل اسلامگرایان با دنیای غرب و بطور خاص تقابل فرهنگ و اندیشه ی مرگ طلبانه و جهادی بنیادگرایان مسلمان با فرهنگ زندگی توام با آرامش و رفاه و لذت گرایی غربی در قالب روایتهای هالیووی خود به تصویر بکشند. در این روایت ها غربی ها با استعاره از اسطوره های باستانی و ترویج اندیشه های قهرمانانه و حماسی که نمایانگر مبارزه ی پیروزمندانه ی نیروهای آزادی خواه در مقابل نیروهای اهریمنی، شیطانی و پلید است، خود را منجی و نجات دهنده مردم دنیا معرفی کرده اند. لذا در ارزیابی شیوه ی مبارزه با تروریست باید به نقش رسانه ای غرب توجه داشت، هرچند که در این جنگ رسانه ای هر دو سوی میدان به استدلالهای ایدئولوژیک خاص خود متوسل می شوند. در این میان حکومت های افراط گرای سر برآورده از رقابت های جنگ سرد وگروه های بنیادگرای برآمده از تحولات سیاسی و امنیتی جهان بعد از رخدادهای یازده سپتامبر نیز سعی کرده اند از قافله روایت گری و حضور در رسانه های نوین عقب نمانند و ابزارهای رسانه ای خودشان را داشته باشند تا روایت خودشان را بیان کنند و اهداف خودشان را از آن طریق دنبال کنند. مارگارت تاچر، سیاستمدار برجسته و نخست وزیر انگلیس زمانی گفته بود "رسانه اکسیژن تروریست ها است."[۸۳۵] و بی شک این یعنی برای مبارزه با تروریست ها باید راه رسیدن اکسیژن را برآنها بست و سیاست غرب همواره در این جهت بوده است.

نسل جدیدی از گروه های مذهبی افراط گرا و گروه های تروریستی برای تبلیغ و گسترش اندیشه های سیاسی و مذهبی خویش بیش از پیش تمایل به استفاده از رسانه های فراگیر مانند اینرنت و شبکه های ماهواره ای دارند و تا حد توان تلاش می کنند رسانه های جدید را در جهت اهداف خود به خدمت بگیرند. در واقع آنها تلاش کرده اند ، نوعی ارتباطی ذاتی بین تبلیغ اندیشه های راهبردی خود از طریق رسانه های دیجیتال را دنبال کنند. جدای از بُعد تبلیغاتی، آنها به بعد تاثیرات روانی اقدامات خود برجامعه مخاطب نیز توجه دارند. کارشناسان حوزه امنیت سایبری استفاده از اینترنت برای انتشار اطلاعات و فعالیت های تروریستی را یکی از بارزترین جلوه های واقعی جرایم تروریسم سایبری می دانند. تبلیغ جنایات تروریستی از طریق اینترنت می تواند به راحتی از مرزهای ملی عبور کرده و با دسترسی به اینترنت به هر گوشه جهان سرایت کند. تحت پس‌زمینه کنونی جهانی‌سازی، اطلاع‌رسانی و شبکه‌سازی، تروریست‌هایی که از اینترنت استفاده می‌کنند می‌توانند ایده‌های تروریستی، تصورات افراطی و اطلاعات و عملیات تروریستی را در گوشه و کنار جهان پخش کنند تا نفوذ نیروهای تروریستی را بیشتر گسترش

---

۸۳۵ -UK prime minister Margaret Thatcher said, media exposure is the “oxygen of terrorism” (Wilkinson, ۱۹۹۷, p۵۳ , One of the core goals of terror is to win attention

دهند. تروریست های سایبری از اینترنت برای ارسال فیلم های تروریستی خشونت آمیز، آموزش روش های جنایتکارانه تروریستی، تحریک اقدامات تروریستی و انتشار اطلاعات نادرست تروریستی برای ایجاد فضای ارعاب و ترس استفاده می کنند. در حال حاضر، با بلوغ شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه ابزارهای پیام‌رسانی فوری، شبکه‌های اجتماعی در حال تبدیل شدن به یک رسانه مهم توسط سازمان‌های تروریستی و تروریست‌ها برای انتشار مطالب مورد نظر خود هستند.[۸۳۶]

نمونه های برجسته ای از بهره گیری باندهای تروریستی از فضای مجازی و فعالیت های گروه های تروریستی در اینترنت را می توان در زمینه های زیر مورد تامل قرار داد :

۱ -آموزش اقدامات خرابکاری مانند بمب گذاری و عملیات انتحاری.

۲ -تبلیغ ایدئولوژی افراط گرایی مذهبی و جذب اعضای جدید.

۳ -جلب کمک های مالی (خیریه آنلاین)و نقل و انتقالات پولی آنلاین (تامین مالی گروه های تروریستی)

۴ -استفاده از روش های جدید فراخوان اعضا و صدور فرمان و دستورالعمل به افراد و بیعت گیری.

۵ -جمع آوری اطلاعات از سراسر جهان و تجزیه و تحلیل آنها برای طرح ریزی عملیاتهای تروریستی.

۶ -همکاری و تبانی با گروه های هکری و باندهای متخصص در جرایم سایبری.

۷ -انتشار و پخش فیلم از اقدامات خشونت بار تروریستی مانند گردن زدن گروگان ها، برای ارعاب مخاطبان.

القاعده اولین سازمان تروریستی بود که از اینترنت استفاده کرد. از اواخر دهه ۱۹۹۰، القاعده به منظور مدیریت موثر سازمان تروریستی بزرگ و غیرمتمرکز خود و ترویج فعالیت های تروریستی در سطح جهان با رهبری بن لادن که عمدتاً متوجه ایالات متحده بود، برنامه ریزی کرده و به طور هدفمند افراط گرایان مسلمان با تخصص کامپیوتری را به خدمت گرفته بود. در ماه می ۲۰۰۱، طالبان یک حساب توییتر باز کرد و به سرعت ۷۰۰۰ دنبال کننده داشت. دولت اسلامی (داعش) ماهرترین سازمان تروریستی در استفاده از اینترنت است و عناصر آن در استفاده از ابزارهای پیام رسانی فوری مانند شبکه های اجتماعی مهارت دارند. در سال ۲۰۱۴، "دولت اسلامی" ۷۰۰۰۰۰ حساب کاربری در شبکه اجتماعی برای شرکت در فعالیت های تروریستی ایجاد کرده بود. در سال ۲۰۱۵، زمانی که تعداد زیادی از حساب های شبکه اجتماعی آنها بسته شد، "دولت اسلامی" هنوز بیش از ۴۰۰۰۰ حساب کاربری داشت.[۸۳۷] در سال ۲۰۱۴، یک حساب کاربری رسانه های اجتماعی جنگ تبلیغاتی بین گروه تروریستی داعش (دولت اسلامی) و واحدهای ارتباطی مبارزه با تروریسم در کشورهای مختلف را از طریق ویدئوها در یوتیوب، توییت ها، پیام‌ها در فیس‌بوک و غیره از منابع مختلف و همه افراد پست می‌نمود و در سراسر جهان تصاویر

---

۸۳٦ -Yanping Liu, Minghai Tian ,Yanming Shao(۲۰۲۲),Cybercrimes and Financial Crimes in the Global Era, Springer,p۱۰٦

۸۳۷ -Yanping Liu, Minghai Tian ,Yanming Shao(۲۰۲۲),Ibid.

وحشتناکی از گردن زدن خبرنگاران و پیوستن داوطلبان به جهادگران داعش مشاهده می شد. این نشان می دهد که تروریست ها به دیده شدن از طریق رسانه های دیجیتال باور دارند. به باور کارشناس مسائل تروریسم، نیومن (۲۰۰۹) چگونگی ساختار، هدف و روش‌های تروریسم در مدرنیته متاخر تغییر کرده و می تواند به تروریسم قدیم و جدید تقسیم شود، بطوری که می توان گفت تروریسم جدید علاوه بر فراملیتی بودند، وحشیانه تر و نسبت به قبل رسانه ای تر است.[۸۳۸]

اقدامات مقابله با جرایم سایبری : کنوانسیون جرایم با فناوری پیشرفته

در ادبیات جرم شناسی، این درک وجود دارد که جرایم سایبری بخشی از جرایم اقتصادی است، اما همچنین این درک وجود دارد که این از نوع جرایم دارایی است و جرایم رایانه ای نزدیک ترین ماهیت به جرایم دارایی را دارند. اگر داده و اطلاعات را نوعی دارایی در نظر بگیریم ، دستبرد به آنها نوعی جرایم دارایی تلقی می گردد. از سوی دیگر جرایم رایانه ای صرفاً یک شکل کلی است که از طریق آن اشکال مختلف فعالیت مجرمانه صورت می گیرد، همچنین نوعی جرم خاص است که علیه سیستم های رایانه ای به طور کلی یا سیستم ها در یک بخش به طرق مختلف و با ابزارهای گوناگون به منظور کسب منفعت و یا خرابکاری و بروز خسارت انجام می شود که به خود یا دیگران آسیب می رساند.[۸۳۹] گسترده ترین تعریف در جرم شناسی، جرایم سایبری را مجموعه ای از رفتارهای بزهکارانه تعریف می کند که توسط دستگاه های پردازش داده های الکترونیکی انجام می شود که می تواند مجازات بدنبال داشته باشد و یا با هدف مستقیم یک عمل تنبیهی استفاده می شود.[۸۴۰]

وزارت دادگستری ایالات متحده اولین تعریف از جرایم سایبری را در کتابچه راهنمای منابع عدالت کیفری در مورد جرایم رایانه ای در سال ۱۹۷۹ ارائه کرد که به موجب آن جرایم سایبری هر عمل غیرقانونی را نشان می دهد که پیگرد موفقیت آمیز برای آن مستلزم دانش خوب فناوری رایانه است. گروه کاری کارشناسان سازمان ملل هم جرایم سایبری را در یازدهمین کنگره پیشگیری از جرم و عدالت کیفری که در بانکوک، تایلند در سال ۲۰۰۵ برگزار شد، با توجه به میزان وقوع و خطر ناشی از آن، به عنوان یک اصطلاح کلی که جرایم ارتکابی با استفاده از یک سیستم یا شبکه کامپیوتری، در یک سیستم یا شبکه کامپیوتری، یا در برابر یک سیستم یا شبکه کامپیوتری تعریف کرد.[۸۴۱]

---

۸۳۸ -W. Timothy Coombs, Jesper Falkheimer, Mats Heide and Philip Young (۲۰۱٦), Strategic Communication, Social Media and Democracy. p٤۰۰.

۸۳۹ - Parker, D. B. (۱۹۹۸). Fighting computer crime, WILLY, p۷۰.

۸٤۰ -Konstantinovi´c-Vili´c, S., Nikoli´c-Ristanovi´c, V. (۲۰۰۳). Criminology.Niš. Law on Ratification of the Convention on High-Tech Crime (Official Gazette of RS, no. ۱۹. March ۲۰۰۹), p۱۷۸.

۸٤۱ -Yanping Liu, Minghai Tian ,Yanming Shao(۲۰۲۲),Cybercrimes and Financial Crimes in the Global Era, Springer, p٤۳

فصل هفتم : جرم و فساد، امنیت و اقتصاد

رشد جرایم و مفاسد اقتصادی تهدیدی جدی برای امنیت اقتصادی است. فساد اقتصادی به نا امنی اقتصادی و به بی ثباتی اقتصادی و در نهایت بی ثباتی سیاسی و بحران مشروعیت سیاسی منجر می شود و منافع ملی را به خطر می اندازد. مفاسد اقتصادی و جرایم اقتصادی به فرصت های رشد اقتصاد سایه کمک می کند و اقتصاد رسمی را تضعیف می نماید و منافع ملی را به چالش می کشد. نشانه های بی ثباتی سیاسی، وجود خشونت سیاسی، تروریسم و نا امنی و جرم و فساد است که به نا امنی اقتصادی و تهدید منافع ملی منتهی می گردد. بلعکس ، ثبات سیاسی منجر به سیاست های اقتصادی قابل پیش بینی می شود. در شرایط ثبات سیاسی، متغیرهای اقتصادی قابل پیش بینی هستند، اما بی ثباتی موجب می شود که ریسک تصمیمات اقتصادی افزایش یابد و فرار و کوچ سرمایه افزایش یابد و انتقال منابع اقتصادی از بخش رسمی اقتصاد به بخش غیر رسمی شدت می گیرد. رشد اقتصاد سایه ، برنامه های توسعه را عقیم می نماید و ثبات سیاسی را تضعیف می کند. به عبارت دیگر، بی ثباتی سیاسی و اقتصاد سایه یکدیگر را تقویت می کنند و رشد اقتصاد سایه، ثبات سیاسی را تضعیف می کند[۸۴۲]بطور کلی خطی از ادبیات موضوع مرتبط با بحث جرایم اقتصادی و اقتصاد سایه ، تأثیرات اقتصاد سایه بر بی ثباتی سیاسی و بروز خشونت، اعتراض، جرم و جنایت را مورد بحث قرار می دهند. پژوهش های مختلف تلاش کرده اند نشان دهند که رشد اقتصاد سایه تا کجا می تواند بحران زا نباشد و از کجا به بعد می تواند خطر بی ثباتی و هرج و مرج، افتادن در چنگال بحران های شدید اجتماعی همچون خشونت و اعتراض، نابسامانی و سایر انواع جرایم سازمان یافته را برای زمانی که بخش رسمی اقتصاد تحت فشار و شوک هست، افزایش دهد. ازآنجا که جریان های جمعیتی جویای کار در شرایط شوک بر بخش رسمی، به دلیل بارهای نظارتی و هزینه های بیشتر جذب بازار رسمی کار نمی شوند، افزایش بیکاری در اقتصاد رسمی به عرضه نیروی کار بیشتر دامن می زند و این امر مشارکت نیروی کار و افزایش سهم اشتغال در اقتصاد سایه را در پی دارد. به این ترتیب، وجود یک اقتصاد سایه که تحت چارچوبهای نظارتی بسیار کمتر است ، احتمالا فرصت های درآمدی بیشتری را برای جمعیت بیکار فراهم می کند که تقاضای عمومی را در اقتصاد تحریک کند. در نتیجه نقش و کارکرد اقتصاد سایه در کشورهای نفتی همراه با کاهش بهای نفت و یا کشورهای مواجه با شوک های تحریمی و یا تحت شوک های منفی درآمدی و رانتی اینگونه تعریف می شود که می توانند ، مصائب و رنج های اقتصادی ناشی از بیکاری بالا در اقتصاد رسمی را با پناه بردن به فعالیت در اقتصاد زیر زمینی

---

۸۴۲ - Alam Siddik & etAl ,(۲۰۲۱)," Impacts of Political Stability on Shadow Economy: Evidence from Bay of Bengal Initiative for Multi-sectoral Technical and Economic Cooperation Countries ",journals .sagepub .com /home/vis.

بطور موقت و در کوتاه مدت کاهش دهند و از بروز اعتراضات و اعتشاش های بزرگ مردمی بکاهند.[۸۴۳] اما برخی مطالعات و یافته های دیگر به پیامدهای منفی طولانی مدت رشد اقتصاد سایه در کشورها و تاثیر و پیامدهای منفی آن برای اقتصاد هم توجه کرده اند. استمرار شوک های تحریمی و درآمدی در بلند مدت می تواند، پیامدهای مخربی همچون بی ثباتی سیاسی و اجتماعی و رشد خشونت و ترور را در پی داشته باشد. بدون شک اگر رشد اقتصاد سایه در پیوند با ثبات سیاسی دولت ها قابل توجیه باشد، می تواند سیگنالی ارزیابی شود که به دولت های دارای درآمد رانتی و دولت های وابسته به درآمد نفتی و یا دولت های تحت تحریم مانند ایران این پیام را انتقال دهد که ثبات سیاسی خود را در رشد بازار سیاه و بازگذاردن دست عوامل اقتصادی در فعالیت های اقتصاد غیررسمی و رشد اقتصاد سایه دنبال کنند. این توصیه به ظاهرو در کوتاه مدت هم به نفع مردم و هم به نفع حاکمیت آن کشورهاست، هرچند که پیامدهای منفی بلند مدت رشد اقتصاد سایه ، هم برای اقتصاد و ثبات سیاسی آن کشورها و هم در مقیاس جهانی برای امنیت سیاسی و اقتصادی در جهان پر مخاطره خواهد بود.

چنانکه اشاره شد کاهش رانت نفت در اقتصادهای نفتی، دولت را مجبور به افزایش مالیات ها و کاهش یارانه ها وکاهش خدمات و مشاغل عمومی می کند. شوک های منفی در رانت و درآمد های نفتی ممکن است بودجه های دولت برای آموزش و بهداشت را کاهش دهد و همچنین ظرفیت و توانایی دولت را برای برقراری نظم و امنیت لازم برای جذب سرمایه گذاری خارجی کاهش می دهد و سهم بخش رسمی اقتصاد را کاهش می دهد و اقتصاد رسمی را منقبض می کند و بلعکس اقتصاد غیر رسمی و در سایه رشد می کند. رشد اقتصاد سایه شاید بتواند در کوتاه مدت به فروکش کردن اعتراضات کمک کند و به بی ثباتی سیاسی منتهی نشود ، ولی تضمین کننده ثبات پایدار نخواهد بود، بلکه دولت و جامعه را از درون فاسد و متلاشی می کند.

چنانکه می دانیم موضوع ثبات سیاسی و اقتصاد سایه حیاتی ترین دغدغه برای توسعه پایدار است. کارشناسان بانک جهانی اذعان دارند که ادعای عدم امکان تحقق پیشرفت قابل توجه در بهبود شیوه حکومت‌داری یا محدود کردن فساد در کوتاه‌مدت که خود توجیه گر مدارا کردن با فساد و همراهی کردن با اقتصاد پنهان است، به دلیل آمارهای موجود تطبیقی در فواصل زمانی مختلف قابل اثبات نیست. این نشان می دهد که کسانی در درون حکومتهای رانتیر، در پی توجیه فسادهای خود، رشد اقتصاد سایه را اجتناب ناپذیر و بلکه برای حیات نظام سیاسی لازم می دانند. اما یک اقتصاد غیررسمی بزرگ نه تنها پایه مالیاتی را تهدید می‌کند، بلکه پیامدهای منفی برای سیاست تثبیت اقتصادی دارد. در این شرایط، دولتی که در مورد پایه درآمدی خود نامطمئن است، به احتمال زیاد به اقدامات کوتاه مدت در سیاستهای تثبیتی متوسل می شود. اقتصاد سایه بر نتایج سیاست پولی نیز تأثیر می گذارد زیرا

۸۴۳ - Lucifora, C., & Moriconi, S. (۲۰۱۲). Political instability and labour market institutions. IZA Discussion Paper No. ٦٤٥٧, Bonn; Phoebe W. Ishak & Mohammad Reza Farzanegan (۲۰۲۰), Ibid.

با تقاضای بیشتر برای ارز همراه است و نتایج سیاستهای مالی نیز متاثر از اندازه درآمدهای مالیاتی خواهد بود. لذا در مجموع وجود اقتصاد سایه حتی در صورت وجود ثبات سیاسی، نتایج سیاست ها را تضعیف می کند.[۸۴۴]

(مازار و جافری، ۲۰۱۷) در مقاله ای به بررسی رابطه تجربی بین سیاست های تثبیتی معطوف به کنترل تورم در حضور اقتصاد سایه پرداخته و پیامدهای آن را مورد ارزیابی و محاسبه قرارداده است. با استفاده از یک نمونه بزرگ داده از ۱۲۲ کشور در دوره ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷، نشان داده شده که همبستگی منفی بین ثبات سیاسی و تورم تنها در صورتی برقرار است که اندازه اقتصاد سایه کم باقی بماند و در سطوح بالاتر اندازه بخش غیررسمی ، این رابطه منفی وجود ندارد. به این ترتیب براساس نتایج ارائه شده، این امکان وجود دارد که رابطه بین ثبات سیاسی و اقتصاد سایه اهمیت خود را در سطوح بالاتر اقتصاد سایه از دست بدهد. همچنین نتایج نشان می دهد تأثیر ثبات سیاسی بر تورم زمانی که اندازه اقتصاد سایه در صدک ۲۵ (یعنی برابر با ۳۲ درصد تولید ملی) باشد، از نظر آماری و اقتصادی بسیار قابل توجه است. اما اگر اهمیت تأثیر ثبات سیاسی بر تورم را در سطوح بالاتر اقتصاد سایه ارزیابی کنیم، به عنوان مثال در صدک ۷۵، کاهش قابل توجهی در اندازه و اهمیت تأثیر ثبات سیاسی وجود دارد. به عنوان یک نتیجه مهمتر، در حداکثر مقدار اقتصاد سایه (بصورت درصدی از GNP) در نمونه بررسی شده ، (یعنی جایی که اندازه اقتصاد سایه برابر با ۷۲ درصد تولید ملی است) رابطه ای بین ثبات سیاسی و تورم وجود ندارد. این نتیجه ، کاملا قابل انتظار است ، چرا که اساسا در کشوری که ۷۲ ٪ و بیش تر آن را اقتصاد غیر رسمی تشکیل می دهد، یا باید تصور کرد که عملا دولت بخش زیادی از حاکمیت خود بر منابع اقتصادی را از دست داده است و اقتصاد رسمی تضعیف شده است ، یا اینکه دولت خود اقتصاد غیر رسمی و اقتصاد قاچاق را در دست گرفته است که در آن صورت سیاست تثبیتی محلی از اعراب ندارد و متغیر اثرگذاری نیست که بتواند بر تورم اثر گذارد، بلکه این اقتصاد سایه است که متغیر اثر گذار و توزیع دهنده تورم است. بعلاوه اقتصاد سایه بزرگ به عنوان انگیزه ای برای سیاست گذاران و سیاستمداران چنین دولت هایی عمل می کند تا صرف نظر از درجه ثبات سیاسی، از مالیات تورمی برای کسب درآمد بیشتر استفاده کنند. بنابراین، سیاستهای تثبیتی تنها در صورتی به کاهش تورم کمک می کند که یک اقتصاد سایه کوچک وجود داشته باشد.[۸۴۵] این نتایج همچنین نشان می دهند در مواردی که دولت ها به هر دلیل منجمله دلایل سیاسی و امنیتی ، یا مثلا تحت فشارهای تحریمی و نظایرهم، در تنگنا قرار می گیرند، چشم خود را بر رشد فعالیت های غیر رسمی در اقتصاد و اقتصاد سایه مانند قاچاق و پولشویی و غیرو به قیمت تحمل پیامدهای دیگر آن می بندند، اما بر درآمدهای حاصله از تراکنش های مالی که در بخش غیررسمی عاید می شود مانند منابع ناشی از جرایم نقدی و مصادره کشفیات و مالیات و عوارض هایی که بطور علی الراس و یا به طرق مستقیم یا غیر مستقیم،

---

۸٤٤ - Besley, Timothy, and Torsten Persson (۲۰۱۳), Taxation and development. Discussion Papers ۹۳۰۷. CEPR

۸٤٥ - Ummad Mazhar & Juvaria Jafri(۲۰۱۷),Can the Shadow Economy Undermine the Effect of Political Stability on Inflation? Empirical Evidence, Journal of Applied Economics, Vol XX, No. ۲ ,PP۳۹۵-٤۲۰

از محل درآمدهای مالیات های تورمی عاید می شود ، ادامه حیات می دهند و بدین ترتیب، سیاست های تثبیتی برای کنترل تورم در پایین ترین ردیف در فهرست اولویتهای این دولت ها قرار می گیرد. در مجموع مطالعات نشان می دهند که ثبات سیاسی عامل مهمی در تورم است ، دولت‌های با ثبات کمتر ، تمایل بیشتری به استفاده از مالیات بر تورم (درآمد مالیاتی از تورم) دارند ، این دولت ها یا ناتوان و یا فاقد اراده لازم برای اجرای اصلاحاتی هستند که هدف آن کنترل تورم باشد، زیرا بخشی از درآمد این دولت ها از محل ایجاد تورم است . تورم بالاتر و شکست‌های سیاستی احتمالاً در اقتصادی با فعالیت‌های سایه بیشتر رخ می‌دهد که ثبات سیاسی درآن خنثی عمل می کند.[۸۴۶] این یافته به ادبیات موجود در مورد مالیه عمومی کمک می کند که اهمیت ویژه ای به عوامل سیاسی تعیین کننده تورم می دهد. نتایج در برابر فرصیات جایگزین قوی هستند و فرضیات معمول یک استنتاج آماری معتبر را برآورده می کنند.[۸۴۷]

(الم سیدیک ودیگران،۲۰۲۱) در مقاله ای به ابتکار کشورهای حوزه ی خلیج بنگال در زمینه ی همکاری های فنی و اقتصادی چندبخشی (BIMSTEC)، و پیامدهای آن در ابعاد ثبات سیاسی و اقتصاد سایه پراخته اند و رابطه ثبات سیاسی با اقتصاد سایه در کشورهای آن حوزه را بررسی کرده اند. این مطالعه با استفاده از داده های تابلویی از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۵، به طور تجربی بررسی شده که آیا ثبات سیاسی بر اقتصاد سایه تأثیر می گذارد یا خیر؟ یافته‌ها حاکی از آن است که ثبات سیاسی تأثیرات منفی معناداری بر اندازه اقتصاد سایه دارد. یافته ها نشان می دهند که آزادی مقررات، آزادی مالی، آزادی کسب و کار، آزادی تجارت، یکپارچگی دولت، هزینه های دولت و رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) اثرات منفی قابل توجهی بر اندازه اقتصاد سایه دارند، در حالی که بیکاری اثرات مثبت قابل توجهی بر اقتصاد سایه دارد.

---

۸٤٦ - Ummad Mazhar & Juvaria Jafri(۲۰۱۷), Ibid.

۸٤۷ - Ibid

اگرچه به نظر می رسد عامد اظهر و جوالیا جافری، عبارت political stability را بجای Stabilization policy بکار برده باشند، اما این دو معنای یکسانی ندارند، هرچند که بی ارتباط با یکدیگر نیستند، چنانکه سیاست های تثبیتی به ثبات سیاسی هم کمک می کند .در نتیجه ی رشد تورم ناشی از رشد اقتصاد سایه (به دلیل توسعه بخش واسطه گری و فعالیتهای اقتصادی کاذب) می توان نتیجه گرفت که دولت تلاش می کند با توسل به اقدامات کوتاه مدت از طریق سیاستهای تثبیتی از بی ثباتی سیاسی جلوگیری کند، هرچند که سیاستهای تثبیتی دارای آثار کوتاه مدت با وجود یک اقتصاد سایه بزرگ چندان نمی تواند موثرو کارآمد باشد. بی سبب نیست که در ایران هرچند سال یکبار دولت مجبور می شود دست به یک جراحی اقتصادی(شوک قیمتی) به تعبیر خودش بزند، که تنها می تواند با یک بازتوزیع درآمدی فشارها را از دولت بردارد و بی ثباتی سیاسی را هم به تعویق اندازد و بعد از چند سال مجددا این چرخه باید تکرار گردد.حل ریشه ای مشکل تنها با سیاستی که معطوف به کوچک کردن سهم اقتصاد سایه و غیر رسمی از کل اقتصاد است و برچیدن ریشه های رانت و فساد و ناکارآمدی از اقتصاد ممکن است.

دولت، مقررات نظارتی ، تامین امنیت اقتصادی ، مبارزه با جرایم و مفاسد اقتصادی

از نقطه نظر پیشینه تحقیقاتی موارد شکست بازار و ضرورت مداخلات دولت با نظریه دست مرئی (دولت) در مقابل دست نامرئی (بازار) آغاز توجیه علمی و قانونی شمردن مداخله دولت در اقتصاد بوده است. در علم اقتصاد، "دست مرئی" به طور کلی به عنوان سیاست کلان مالی جان مینارد کینز در نظر گرفته می شود که در دهه ۱۹۳۰ به عنوان درمانی برای کاستی های "دست نامرئی" آدام اسمیت ظاهر شد و از مداخله دولت در اقتصاد حمایت کرد. در دهه ۱۹۳۰، کینز و سایر اقتصاددانان به وضوح از مشکلات اقتصاد بازار آگاه شدند. او این مشکلات را "شکست بازار" نامید و ایده افزودن "دست مرئی" به جای "دست نامرئی" اسمیت را برای تقویت مقررات اقتصاد بازار مطرح کرد. به این ترتیب از آغاز قرن بیستم ، قوانینی در کشورهای غربی به سرعت گسترش یافته است تا روند محدود سازی دخالت دولت در امور اقتصادی یا لایسسز فیر (laissez faire) که در سراسر قرن نوزدهم تقریبا حاکمیت مطلق داشت را معکوس کند. دولت دیگر نه تنها در برابر تعدی به حقوق و مالکیت افراد و اموال از طریق قتل، تجاوز، یا دزدی کلاهبرداری و غیرو محافظت می کند، بلکه در مورد تبعیض علیه اقلیت های خاص، ترتیبات تجاری از قبیل رشوه و تبانی، تا مقررات راهنمایی و رانندگی ، تا ضوابط در مورد نوع مصالح مورد استفاده در ساخت و سازها و هزاران فعالیت دیگر را تحت نظارت درآورده و محدود می کند. فعالیت‌های محدود شده نه‌تنها متعدد هستند، بلکه دامنه وسیعی نیز دارند و بر افراد در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سطوح تحصیلات، سن، نژاد و غیره تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این، احتمال کشف و محکومیت مجرم و ماهیت و میزان مجازات ها از فردی به فرد دیگر و فعالیتی به فعالیت دیگر بسیار متفاوت است. بنابراین اینکه گفته می شود در غرب اقتصاد بازار حاکم است و مداخله دولت حداقلی است، نباید موجب بد فهمی شود. دولت از طریق وضع مقررات و نظارت برآن بر روند فعالیت بنگاه های اقتصادی نظارت موثرتری حتی از کشورهای دیگری که اصطلاحا خود را تابع مقررات بازار نمی دانند، اعمال می کند. به این ترتیب اگرچه کم و بیش فساد و جرم و تخلف وجود دارد، اما دولت با وضع و اجرای مقررات نظارتی، مسوول تامین امنیت اقتصادی جامعه و در خط مقدم مبارزه با جرایم و مفاسد اقتصادی قرار دارد. اما این رویکرد دولت با رویکرد امنیتی سازی اقتصاد کاملا متفاوت است، موضوعی که در نزد مقامات سیاسی در کشور ایران ، هنوز درک نشده است و حکمرانی اقتصادی دولت در ایران، رویکرد امنیتی سازی اقتصاد را با ایجاد امنیت اقتصادی اشتباه گرفته است. متاسفانه رویکرد امنیتی سازی در بسیاری از حوزه های اقتصادی کشور، نا امنی اقتصادی ایجاد کرده است. نگاه امنیتی به فضای سایبر و اینترنت، سرمایه گذاری در استارت آپ های برپایه فن آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) را محدود نموده است.نگاه امنیتی به حوزه گردشگری موجب شده که آمار

تعداد گردشگران طی سالهای اخیر به شدت کاهش یابد.[۸۴۸] نگاه دولت به بازارهای مختلفی از قبیل ارز و سکه و طلا امنیتی است و در موارد گوناگون افرادی را بنام برهم زنندگان اصلی بازار ارز و سکه بنام سلطان سکه یا اخلاگر بازار ارز (جمشید بسمالله) دستگیر و اعدام کرده اند ، دولت حتی به بخش مسکن هم نگاه امنیتی دارد و خیلی ها به خاطر دارند که رییس دولت نهم ، برای تنظیم بازار مسکن در کشور به جای دادن ماموریت بـه وزارت مسـکن و شهرسازی، صراحتا به وزیر اطلاعات ماموریت داد تا بررسی کند چه توطئه ای از سوی دشمنان !؟ در کار است که مسکن در کشور گران شده است؟! این در حالی است که براساس یافته های موجود، اساسا بخشی از مشکل اقتصاد ایران، سیطره، نفوذ و فعالیت گسترده نهادهای نظامی و امنیتی بر بخش های مهمی از اقتصاد این کشور است.

پلیس امنیت اقتصادی در ایران :

در ایران شناسایی و برخورد با مجرمان اقتصادی که باعث اختلال در نظم اقتصادی کشور می شوند از مهم ترین و اصلی ترین وظایف پلیس امنیت اقتصادی تعریف شده است. پلیس امنیت اقتصادی از یگانهای تخصصی نیروی انتظامی است که در فروردین سال ۱۳۹۸ تشکیل و مستقل از فرماندهی پلیس آگاهی ناجا شروع به کار کرده است و جزو ضابطین خاص دادگستری هست. عمده ماموریت این پلیس مقابله با جرایم عمده اقتصادی بشرح زیر است :

۱. فرار مالیاتی.

۲. وام ها و تسهیلات غیرمجاز بانکی.

۳. کلیه جرایمی که عنوان اقتصادی دارند.

۴. زمین خواری.

۵. پولشویی.

۶. احتکار و قاچاق کالا.

فهرست برخی از مهمترین ماموریتهای اخیرا انجام شده توسط این اداره پلیس بشرح زیر گزارش شده است :

۱ -بررسی و شناسایی سایت‌های قمار و شرط بندی در فضای مجازی

۲ -بررسی و شناسایی اخلاگران در بازار ارز، خودرو، سکه، طلا

۳- دستگیری هم دست سلطان سکه.

۳ -کشف میلیاردی سامانه استخراج ارز دیجیتال.

۴ -رسیدگی به تخلفات مالی کاندیداهای مجلس.

۵ -کشف محموله ۳۰ میلیارد ریالی پارچه قاچاق در اهواز.

---

۸۴۸ - نگاه امنیتی به گردشگران و ناگاه وضعیت «لاک‌داون»! : تمامی تورهای گردشگری خارجی به مقصد ایران لغو شدند (۲۸ آبان ۱۴۰۱) ، همچنین ر. ك. به سایت خبری تحلیلی توسعه ی ایرانی : https://www.toseeirani.ir/ و https://roozno.com/fa/news/٥٤١٧٦٣

۶ -کشف بیش از ۲ میلیون ماسک و دستکش از یک کارگاه.[۸۴۹] در ایام همه گیری کووید و....

واحد دیگری از پلیس که به جرایم اقتصادی و مالی مرتبط می پردازد، موسوم به بنام "پلیس فتا" مجرمان در فضای سایبری را تحت تعقیب قرار می دهد و به شکایات افراد از انواع جرایم مالی و کلاهبرداری های اینترنتی رسیدگی می کند.

جرایم حکومتی[۸۵۰]:

علیرغم دستاوردهای دموکراتیک قابل توجه در چند دهه اخیر، قوانین و نهادها در بسیاری از جوامع در حال توسعه هنوز به اندازه کافی اختیارات دولت ها را محدود نمی کنند و در نتیجه، کارمندان بخش عمومی از جمله پلیس و مقامات ادارای و نخبگان سیاسی قادر به اعمال مجرمانه و سو استفاده از موقعیت خود و قوانین و مقررات همراه با مصونیت از مجازات و انجام رفتارهایی (مانند جرم و فساد) هستندکه رشد و توسعه اقتصادی را محدود می کند و همچنین حقوق اساسی شهروندان را نقض می کند. در مدل اقتصاد سیاسی بوکانان[۸۵۱]، فراگیر شدن فساد ماموران دولتی مانند پلیس و در واقع دیگر اشکال فرصت طلبی سیاسی مانند رانت جویی را می توان به عنوان براندازی موفقیت آمیز قوانین موجود توسط ماموران دولتی و افسران پلیس برای کسب درآمد غیرقانونی و سایر منافع شخصی توسط آنها تلقی نمود. بنابراین، مؤثرترین راه برای به حداقل رساندن و/یا ریشه کن کردن فساد ماموران دولتی را اصلاح و بازسازی دولت از طریق قانون اساسی دموکراتیک و سایر فرآیندهای حاکمیت قانون برای ارائه ترتیبات نهادی می داند که به اندازه کافی دولت را محدود می کند و در نتیجه مصونیت از مجازات را از روی عوامل آن به حداقل می رساند.[۸۵۲]

ساموئل هانتینگتون، در مورد ارتباط میان فساد و خشونت دولتی در اولین تز خود که آن را در مورد کشورهای درحال نوسازی یا به زعم او کشورهای خواهان مدرنیزاسیون مطرح می کند، معتقد است که وقتی کشورهای در حال مدرنیزاسیون ، سرعت مدرنیزاسیون اجتماعی را به قیمت زوال نهادهای سیاسی می خرند، فساد و خشونت دوگانه هایی هستند که به ابزارهای جایگزینی در پاسخ به تقاضاها از سیستم تبدیل می شود. در حالی که خشونت بیش از پیش تهدید مستقیمی برای سیستم است، فساد ممکن است به طور همزمان خواسته های بخشی از جامعه را برآورده کند و موجب جلب رضایت عده ای شود، کاری که خشونت نمی تواند انجام دهد. "کسانی که فساد می کنند کارگزاران دولتی و افسران پلیس هستند." نویسنده استدلال می کند، " احتمالاً کسانی که بیشتر با سیستم

---

۸۴۹ - گروه وکلای مهر پاسیان(۲۲/۰۴/۱۳۹۹) https://vakileonline.com/

۸۵۰ - Penny Green and Tony Ward(۲۰۰٤),State Crime: Governments, Violence and Corruption, Pluto Press.
۸۵۱ - Buchanan’s political economy model
۸۵۲ - Kempe Ronald Hope(2016),Police Corruption and Police Reforms in Developing Societies, CRC Press,p35

هم ذات پنداری می کنند ادارات و پاسگاه های پلیس آن را به تسخیر خود درمی آورند." و از این نقطه نظر ، فساد اداری واقتصادی می تواند مفید واقع شود زیرا مضرات کمتری در بین سایر انحرافات رایج در کشورهای در حال توسعه دارد. منظور او از تسخیر پاسگاه های پلیس و ادارات، این است که در آن نهادها نفوذ می کنند و کنترل آن را به دست خود می گیرند.[۸۵۳]

از نظر گونار میردال، ، برخلاف هانتینگتون ، فساد چندان قابل ستایش نیست. او در کتاب خود [۸۵۴]، برگرفته از مطالعات انجام شده در مورد علل فقر و نابرابری در کشورهای آسیایی، فساد را مانع و مزاحم برای نوسازی و یا مدرنیزاسیون می داند و معتقد است که سطوح فساد عمومی در اکثر کشورهای جنوب شرق آسیایی پس از دستیابی به استقلال به جای کاهش ، افزایش یافته است. او این افزایش فساد را به رشد بدبینی عمومی نسبت به عدم تمایل حاکمیت به برگشتن به وضعیت سابق پس از استقلال نسبت می دهد. از نظر او الگوهای اجتماعی – فرهنگی که اقدامات فاسد را به جای پیشرفت واقعی تحریک و تشویق می کند، ، مانع از فرآیند نوسازی و پیشرفت می شوند. بطور مثال برای یک جوان اهل فن و جاه طلب راحت تراست که از راه سیاست وزیر کابینه شود و میلیونر شدن از راه سیاست را تجربه کند و نه از راه تجارت و کسب و کار. در نتیجه، برخلاف رویه آمریکایی، کشورهای در حال مدرن شدن ممکن است استفاده گسترده از مناصب دولتی را برای به دست آوردن ثروت خصوصی به عنوان یک روش متعارف بپذیرند و در عین حال دیدگاه سخت گیرانه تری نسبت به استفاده از ثروت خصوصی برای کسب مناصب دولتی داشته باشند. بعلاوه فساد، مانند خشونت، زمانی حاصل می شود که فرصت های تحرک خارج از سیاست، با فقدان ویا ضعف همراه است و نهادهای سیاسی انعطاف ناپذیرند و انرژی ها را به سمت رفتارهای منحرف سیاسی هدایت می کند . فساد در کشورهایی که فاقد معیارهای کارآمدی و اثر بخشی سیاسی برای رشد و ترقی است ، بیشترین شیوع را دارد و این بویژه مختص جوامعی است که پیوندهای خویشاوندی و فامیلی در آنها اصالت دارد و منافع فرد، خانواده، دسته یا طایفه غالب است. این نوع پیوندها در یک نظام سیاسی مدرن، ضعیف تر و کمتر پذیرفته شده است.[۸۵۵]

(پنی گرین و تونی وارد، ۱۳۹۷) در کتاب "جرم حکومتی دولت‌ها، خشونت و فساد"، شکل های متنوعی از فساد در درون پیکره دولت ها را به مثابه جرم حکومتی تلقی نموده و بحث‌های درهم‌تنیده‌ای از حقوق، جرم‌شناسی، حقوق بشر، روابط بین‌الملل و علوم سیاسی درباره جرم حکومتی مطرح می کنند. آن‌ها برای بیان مفهوم

---

۸۵۳ - Arnold. Heidenheimer & Michael Johnston(۲۰۰۷), Political Corruption : Concepts & Contexts; Transaction Publishers ;pp۲۵۱-۲۶۵

۸۵۴ -Gunnar Myrdal, "Corruption: Its Causes and Effects," in G. Myrdal, Asian Drama: An Enquiry into the Poverty of Nations, vol.۲ (New York: Twentieth Century ۱۹۶۸). pp. ۹۳۷—۵۸; Gunnar Myrdal,chapter ۱۶ : Corruption as a Hindrance to Modernization in South Asia.; Arnold. Heidenheimer & Michael Johnston(۲۰۰۷), Political Corruption : Concepts & Contexts; Transaction Publishers ;pp۲۵۱-۲۶۵.

۸۵۵ -Arnold. Heidenheimer & Michael Johnston(۲۰۰۷), Ibid.

جرم حکومتی از مفاهیم انحراف و حقوق بشر بهره می برند و تحقیق‌ها و مطالعات موردی بسیاری را درباره خشونت و فساد بیان می کنند. تعریف آنها از جرایم حکومتی عبارتست از جرائم ارتکاب یافته توسط دولت‌ها یا با همکاری دولت‌ها وکارگزاران دولتی. اغلب این جرائم به رفتارهایی اشاره دارد که با هر معیار معقول حقوقی یا اخلاقی جرم به شمار می‌آیند، مانند نسل‌کشی، جرائم جنگی، شکنجه، قتل و فساد.[۸۵۶]

پنی گرین و تونی وارد ، جرم حکومتی را یک نوع انحراف سازمانی حکومت که مستلزم نقض حقوق بشر است، تعریف می کنند. این تعریف زمانی اهمیت بیشتر می یابد که ما با برخی از رفتارها و اقدامات از سوی دولتها مواجه می‌شویم که در ظاهر جرم نیستند، اما عملا نقض قوانین و حقوق اساسی و اولیه انسان ها هستند، مانند محدود کردن سطح دسترسی افراد جامعه به اینترنت وشبکه های مجازی و یا رهگیری فعالیت افراد بصورت آنلاین و یا نقض حریم خصوصی اشخاص از طرق مختلف ونقض آزادی های مشروع دیگر اشخاص و شهروندان.

سه ویژگی پدیده جرم حکومتی عبارتاند از:

۱ - سازمان‌هایی که ما با آن‌ها مواجه هستیم، سازمان‌های حکومتی هستند. حکومت‌ها دارای تعدادی از آژانس ها هستند که معمولاً تا اندازه‌ای خودمختاری داشته و در سطوح مختلف سازمانی ممکن است به صورت جمعی در فعالیت‌های مجرمانه مشارکت داشته باشند.

۲ - از آنجا که جامعه مدنی بر اعمال و هنجارهای مربوط به حکومت نظارت دارد و آنها را تحلیل و تفسیر و ارزیابی می کند، فشار قابل‌توجهی را به دولت‌های ناقض هنجارها وارد می‌سازند و متقابلا فشارهای زیادی را از سوی دولت های متهم به جرم و فساد متحمل می شوند.

۳ - جرایم حکومتی جنبه های حقوق بشری دارد. جرم شناسان با تعهد به رعایت حقوق بشر می‌توانند مشخص کنند که چه نوعی از کنش‌های حکومت‌ها از نقطه نظرجرم‌شناسی و با رویکرد توجه به حقوق اساسی انسان ها ، به‌مثابه جرم تلقی می شوند.[۸۵۷]

فساد سیاسی و اداری، که در واقع همان "جرایم یقه‌سفید" است، توسط افراد دولتی علیه حاکمیت و به نفع شخصی افراد مجرم انجام می‌شود، اما جرم حکومتی به سایر رفتارهای فساد آمیز و مجرمانه ای هم دلالت دارد که در راستای پیگیری اهداف سازمانی نهادهای حکومتی و تحقق مقاصد حکومت ارتکاب یافته‌اند و یا برای اهداف سازمانی انجام شده‌اند. از نظر پنی گرین و تونی وارد، فساد به عنوان یک شکل تبادل اجتماعی غیرقانونی به صورت تنگاتنگ با سایر تبادلات غیررسمی توسط کنشگران سیاسی مثل کلاینتالیسم[۸۵۸] (حامی پروری) و پاتریمونیالیسم[۸۵۹]

---

۸۵٦ - گرین، پنی؛ تونی وارد (۱۳۹۷) جرم حکومتی (دولت‌ها، خشونت و فساد)، مترجم نبی اله غلامی، تهران: مجد

۸۵۷ - پنی گرین و تونی وارد(۱۳۹۷)، همان..

۸۵۸ - clientelism

۸۵۹ - patrimonialism

(پدر میراثی یا سلطه موروثی) مرتبط است. پاتریمونیالیسم نوعی حامی پروری وحامی گرایی است، سیستمی از فساد در جامعه ای که شرایط اقتصادی و اجتماعی در آن آشفته است و فقدان شفافیت دولت، نهادهای ناکارآمد، و سوء استفاده از منابع و مناصب دولتی برای منافع خصوصی در آن وجود دارد.

فساد می‌تواند به عنوان یکی از سه شکل انحراف سازمانی در نظرگرفته شود:

۱ -به عنوان راهکاری برای هدف سازمانی (مثل زمانی که افراد به خاطر خدمت به اهداف عمومی مجبور به نقض استانداردهای قانونی شوند)

۲ -فساد تحمل شده (مثل زمانی که مقامات رسمی از فساد دیگر مقامات چشم‌پوشی می‌کنند)

۳ -فساد به عنوان یک هدف سازمانی یا تبدیل "منفعت نامشروع" به هدف یک سازمان دولتی، که از آن به عنوان کلپتوکراسی [۸۶۰] یا دزدسالاری یاد می‌شود.

تقریبا تمامی دولت ها علیه ملت خودشان ویا سایر ملت ها کما بیش به ارتکاب هریک از این نوع جرایم دست می زنند، اما نوع مخرب تر این نوع جرایم ، جرایم حکومت ها در سطح بین المللی است که قابلیت تعقیب قضایی در سطح بین المللی دارد. این جرایم می تواند شامل جنگ افروزی و ترور و قتل عام ، آدم کشی ، ناامنی و فقرتحمیلی به شهروندان خود و دیگر کشورها باشد که همگی آنها مصداق جنایت علیه بشریت است. حکومت لیبی در عصر معمر قزافی، حکومت عراق در عصر صدام حسین، حکومت آلمان در عصر هیتلر و حکومت های نظامی و دیکتاتوری های منطقه ای و حکومت های استبدادی ، ایدئولوژیک و مذهبی مانند طالبان در افغانستان و حکومت جمهوری اسلامی در ایران از آن جمله اند.

یکی از شکل های جرم حکومتی، "جرم حکومت- شرکت" است. مبین نوعی از جرایم است که شرکت‌های دولتی و یا شبه دولتی یا خصوصی و یا فراملیتی با پشتیبانی و جلب حمایت دولت ها مرتکب می شود. بویژه حضور برخی از شرکت های بزرگ چند ملیتی در کشورهای دارای منابع طبیعی غنی و یا منابع سرشار انرژی مانند افریقا و خارمیانه و یا دارای مازاد نیروی کار ارزان قیمت مانند چین، که بدون پشتیبانی و حمایت و شراکت دولت ها امکان فعالیت نداشته اند، به لحاظ تاریخی سبب اعتراضات گوناگون بوده که ریشه های آن به نقض حقوق اساسی و اولیه ملت و صاحب اصلی آن سرزمین و یا اهالی و ساکنان محلی و مناطق مربوطه است. مشکل از آنجا ایجاد می شود که منافع سیاسی و تجاری مشترک این دولت- شرکت ها گاه موجب می شود، به حقوق اهالی محلی و ساکنان بومی مناطق بی توجهی گردد وکارگزاران دولتی که در منافع با این شرکت ها سهیم هستند، حقوق اهالی محلی را نادیده می گیرند. دولت- شرکت ها، مسئول اکثریت قریب به اتفاق نقض‌های حقوق بشر در سراسرجهان هستند. شرکت‌هایی که علیه شهروندان کشور خود یا دیگر کشورها مرتکب نقض حقوق بشر می‌شوند، ممکن است توسط

---

۸۶۰ - kleptocracy

حاکمان سرزمینی و حکومت‌هایی که در آن فعالیت می کنند از تعقیب و پیگرد مصون باشند. با شناسایی رفتار آن‌ها به عنوان رفتار مجرمانه و اختصاص دادن نقش انحرافی به حکومت در حمایت کردن از این رفتارها، قابلیت و پتانسیلی برای جامعه مدنی به منظور تحمیل ضمانت اجرای غیررسمی بر آن دسته از نهادهایی که به خاطر جرائم و صدمات بسیار و تخریب محیط‌زیست مسئول هستند، ایجاد می‌شود.[۸۶۱]

نوع دیگری از جرایم حکومتی ،" جرایم در ارتباط با صیانت از میراث فرهنگی و حفاظت از منابع طبیعی است." که در مورد میراث فرهنگی کمتر توجه صورت گرفته است. ولی پنی گرین و تونی وارد در کتاب خود به موضوع مخاطرات طبیعی به مثابه جرم حکومتی توجه کرده اند. آنها ضمن تعریف این جرم ، اشکال و مقیاس مخاطرات طبیعی بررسی شده وبرای ارتباط آن با جرائم حکومتی، به موضوعات آسیب‌پذیری جمعیت، حقوق بشر، زیست‌بوم، اقتصاد سیاسی وتشکیلات حکومتی پرداخته اند و دو مطالعه موردی قحطی و زمین‌لرزه را مطرح کرده اند و نتیجه گرفته اند که حکومت‌ها متهم ردیف اول در اختلالات زیست محیطی هستند و به هنگام وقوع فاجعه هم علاقه چندانی به محافظت و حمایت از شهروندان خود ندارد و این مسئله باید به عنوان نتیجه مستقیم جرم حکومتی مورد توجه قرار گیرد. در ایران، موارد گوناگونی از کیفرخواست جرایم علیه دولت ها در این زمینه می توان مطرح کرد. ترور حکومتی به عنوان یک تکنیک حکمرانی با توسل به زور است. حذف مخالفان و منتقدان از طرق فیزیکی و سخت علاوه بر روش های بی اعتبارسازی و نرم و بکارگیری روش های دسیسه چینی ، یکی از ترفندهای حکومت های فاسد است. پنی گرین و تونی وارد ، تروریسم حکومتی را به عنوان یک تکنیک که در آن ترور حکومتی با انکار همراه است را مورد بررسی قرار داده اند. شواهد نشان داده است که هر دو رژیم‌های اقتدارگرا و دموکراتیک از تکنیک‌های تروریستی به عنوان پاسخی منطقی به تهدیدات سیاسی علیه خود استفاده کرده‌اند.[۸۶۲] (نبی اله غلامی و همکاران ،۱۴۰۱) در مقاله ای با عنوان" تحلیل جرم‌شناختی جرم حکومتی بر مبنای نظریّهٔ بازی"، تلاش کرده اند تا مفهوم "جرم حکومتی" را که به مثابه نقض نظام‌مند حقوق شهروندان توسط حکومت تعریف می شود، ذیل "نظریّهٔ بازی"[۸۶۳] که به عنوان یکی از نظریّه‌های راهبردی برای تبیین پدیده‌ها و وقایع درعرصه‌های علوم اجتماعی و روابط بین‌المللی است مورد بررسی قرار دهند. در چارچوب این نظریه چنین تلقی می شود که حکومت و شهروندان به مثابه دوکنشگر اصلی عرصه‌های مختلف، دارای عقلانیّت بوده و با محاسبهٔ سود و زیان احتمالی خود و با بهره گیری از اصول و ارکان نظریّهٔ بازی، در فرآیند بازی شرکت کرده و در پی کسب حداکثر سود و حداقل زیان هستند. این کنشگران در نقطه‌ای موسوم به نقطهٔ زین اسبی – که در آن هر یک از کنشگران میزانی از سود و زیان را

---

۸۶۱ –گرین، پنی؛ وارد، تونی (۱۳۹۷) ،همان.

۸۶۲– همان.

۸۶۳- Game Theory

به دست آورده‌اند – به تعادل می‌رسند، نقطه تعادل، نقطه‌ای است که دیگر امکان دریافت سود بیشتر و زیان کمتر برای هیچ کدام از طرفین وجود ندارد و در صورت ادامهٔ بازی هر دو طرف یا دچار کاهش سود و یا متحمل افزایش ضرر خواهند شد. اما حکومت ها گاهی با ارتکاب جرم بازی را برهم می زند و با ابزارهایی نظیر وارد ساختن کنشگران دیگر به عرصه بازی خود با شهروندان، استفاده از رانت‌ها و ابزارهای اطلاعاتی، تغییر دادن قواعد و مقررات حاکم بر بازی، باعث بر هم خوردن تعادل و جابه‌جایی نقطه بهینه و تعادل به سوی خود شده و بدین سان موجبات نقض نظام‌مند حقوق شهروندان را فراهم می‌آورند.[۸۶۴]

جرایم و جنایات خشونت بار سیاسی[۸۶۵]

قرن بیستم به عنوان قرنی در حافظه تاریخ ثبت شده که فجیع ترین جرایم و جنایات خشونت بار سیاسی در آن رخ داده است.[۸۶۶] سیاستمداران و صاحبان قدرت همواره سعی می کنند، جرایم و جنایات خود علیه بشریت و سوء استفاده های خود از قدرت را در پشت انگیزه هایی اخلاقی و ظاهرا موجه پنهان کنند تا اذهان و افکار عمومی ملت خویش و جامعه بین الملل را فریب دهند. اما این روش همیشه پاسخ نمی دهد و به هرحال روزی پرده ها کنار زده می شود و همه چیز عیان می گردد. مرامنامه بسیاری از احزاب سیاسی مملو از تعابیر الهام بخش اخلاقی و انسانی است، ولی رفتار و عملکرد آنها در عمل ، برخلاف ارزش های اخلاقی و انسانی مورد ادعا است. مبانی فکری و ایدئولوژی سیاسی در اغلب رژیم های سیاسی و دولت ها سرشار از شعارهای ارزشمند اخلاقی و انسانی است ، ولی عملکرد تعدادکمی از آنها همسو با آن ارزشهای اخلاقی و انسانی است. رژیم های سیاسی و دولت ها هرگاه که احساس کنند دیگر نمی توانند گروهی از منتقدانشان را با شعارهای فریبنده متقاعد کنند، از روش خشونت سیاسی و سرکوب بهره می گیرند.

منظور از خشونت سیاسی، هرنوع خشونتی است که توسط یک نهاد سیاسی مشروع شناخته شود. این نهاد سیاسی می تواند دولت باشد و یا گروه ها و احزاب سیاسی مخالف دولت باشند.[۸۶۷] در تعریفی دیگر خشونت سیاسی هر خشونتی است که برای دستیابی به اهداف سیاسی انجام می شود. این می تواند شامل خشونتی باشد که توسط یک دولت علیه سایر کشورها استفاده می شود(جنگ)، یا خشونتی که توسط یک دولت علیه غیرنظامیان و بازیگران غیردولتی استفاده می شود.(مانند سربه نیست کردن مخالفان یا ناپدید کردن اجباری، جنگ روانی ، خشونت ورزی از سوی پلیس نسبت به معترضان ، ترورهای هدفمند شکنجه، پاکسازی قومی، نژادی و مذهبی، یا نسل کشی) و یا خشونتی که توسط بازیگران غیردولتی خشمگین، علیه دولت ها و

۸۶۴ – نبی اله غلامی، تحلیل جرم‌شناختی جرم حکومتی بر مبنای نظریّهٔ بازی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۱۰، شمار ۳۸، فروردین ۱۴۰۱، صفحه۳۶-۹

٨٦٥ -Political murders & Homicide- Violent political crimes

٨٦٦ -Demet Ulusoy(٢٠٠٨),Political Violence, Organized Crimes, Terrorism and Youth, IOS Press.

٨٦٧ -Paul Dumouchel(٢٠٢٢), political violence and Democracy,

نظامیـان و مـاموران دولتـی و یـا علیـه غیرنظامیـان دیگـر اسـتفاده مـی کننـد. (ماننـد آدم ربـایی ، ترورهـای هدفمند ، حملات تروریستی ، شکنجه ، جنگ روانی و/یا حملات چریکی). خشونت سیاسی همچنین می تواند هرگونه خشونت با انگیزه های سیاسی را توصیف کند که توسط بازیگران غیردولتی یا شبه دولتی بطور خشـونت آمیز علیه یک دولت بکار می رود. (مانند شورش، قیام، خیانت، کودتا) و یا می تواند خشونتی را توصیف کند که علیه سایر بازیگران غیر دولتی، دولتی و/یا غیرنظامیان به کار می رود. همچنین بی عملی، سکوت و یا عـدم اقـدام پیشگیرانه از سوی یک دولت در مواجه با رفتارهای خشونت گرایانه و آزار و اذیت یک گروه از افراد در آن جامعه علیه گروه دیگر ویا ترغیب و تحریک ضمنی به انجام آن ، شکلی از خشونت سیاسی قلمداد می گردد.[۸۶۸]

هم اکنون نیز در تیتر خبرهای جهان، بطور روزانه شاهدیم که ، ده ها و بلکه صدها نفر معترض در اقصی نقاط جهان در کشورهای مختلف، چه در خیابان و چه در دفتر و محل کارشـان توسـط پلیس محلـی دسـتگیر و یـا احضـار می شوند، چون علیه سیاستهای دولت و اقدامات جنگ افروزانه آنها و یا قوانین تبعیض آمیز و یا عدم اجرای صحیح قوانین ، توسط دولتهایشان اعتراض کرده اند. در این موارد چه کسانی واقعـا مجـرم هسـتند؟ هزینـه سیاسـت هـای مداخله گرایانه و جنگ افروزانه دولت ها، عدم اجرای صحیح قوانین و یا وضع قوانین تبعیض آمیز را چه کسـانی باید بپردازند؟

پیش تر گفته شد که جرایم ارتکابی توسط مقامات ارشد سازمان ها چه درون دولت یا وابسته به دولت و چه خارج از دولت و بطور کلی جرایم صاحبان قدرت بسی سنگین تر از جرایمی است که توسط عده ای ولگرد و یا اراذل و اوباش و یا مردمان عادی درکوچه و خیابان رخ می دهد. بی شک اکثر عقلای جامعه علت نابسامانی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به وجود قوانین تبعیض آمیز، نقض قوانین توسط مجریان و زیرپا نهادن اصـول اخلاقـی در شیوه حکمرانی از سوی کارگزاران و مقامات سیاسی در دولت ها نسبت می دهند و بدین ترتیب است که برخـی وارد عرصه کنشگری و انتقاد و اعتراض نسبت به عملکرد حاکمیت و زیرسوال بردن عملکرد مقامـات سیاسـی بـه اشکال مختلف و با ابزار گوناگون می شوند. دولت ها در برابر چنین معترضانی کوتاه نمی آیند و تلاش می کنند رسانه و تریبون را به هر نحو ممکن ، از دست منتقدان خود بگیرند. آنها در مواردی برای اینکـه بـر رسـوایی هـای سیاسی خود سرپوش بگذارند، مخالفان جدی سیاست های خود را به شیوه های پلیسی-امنیتی آشکارا و یا در خفابا حذف فیزیکی از میان می برند. از اینجا موضوع جرایم خشونت بار سیاسی ، به دو طریق رخ می دهـد: روش اول بکارگیری آشکار خشونت دولتی در خیابان ها با حضور پلیس و گارد ضد شورش و سرکوب خـونین معترضـان خیابانی و کارگران و دانشجوان و جنبش زنان وسرکوب اقلیت های معترض به شرایط نابرابر که در اغلب این موارد

---

۸۶۸ - https://en.wikipedia.org/wiki/Political_violence; Armed Conflict Location & Event Data Project (ACLED) Codebook.

توسل به زور و ضرب و شتم و خشونت و حتی شکنجه و تهدید و ارعاب جزیی از عملیات پلیسی و اطلاعـاتی و امنیتی است. روش دوم ، بکارگیری غیرمحسوس و غیررسمی باندهای اشرار و اراذل و اوباش و نیروهای آمـوزش دیده ی حامی حکومت که در قالب لباس شخصی و یا گروه های شبه نظامی ماموریت می یابند تا مخالفان دولت و معترضان را بدون هرگونه باقی گذاشتن سرنخی ساکت نموده و سر به نیست نمایند. به این ترتیب جرایم خشونت بار سیاسی عمدتا معطوف به حذف و سرکوب آن دسته از معترضان و فعالان سیاسی است که به عملکرد سیاستمداران و صاحبان قدرت معترض هستند. پرسش این است که این گروه از جرایم در کدام دسته بندی قرار می گیرند؟ آیا باید آنها را در فهرست جرایم یقه سرخ جای داد و یا در زمره جرایم سازمان یافته و یا اقدامات تروریستی و یا در دسته بندی جدیدی تحت عنوان جرایم سیاسی خشونت بار؟ در هرحال فرقی نمی کند. بررسی ها نشان می دهند ، قربانیان این نوع جرایم دانشجویان، روزنامه نگارن، نویسندگان و فعالان و کنشگران اجتمـاعی و در برخـی مـوارد شهروندان عادی هستند.

در ایران علاوه بر بازدداشت و زندانی کردن روزنامه نگاران و فعالان شبکه های اجتماعی مجازی ، که یک روند جاری است، مواردی همچون قتل های زنجیره ای نویسندگان از جرایم برجسته در این باره بود. اخیـرا بـا اهمیـت یافتن هرچه بیشتر فضای مجازی به عنوان یک رسانه پرمخاطب، منتقدان سیاست هـای حکـومتی از ایـن بسـتر در فضای مجازی و در قالب شبکه های اجتماعی همچون واتساپ ، اینستاگرام و تلگرام، کلاب هوس و یوتیـوب و توییتر و دیگر رسانه های اینترنتی به سیاست های دولتی می تازند. دولت ها نیز کنترل خود را بر این فضاها بیشـتر نموده اند و برخی از قربانیان خشونت سیاسی در واقع فعالان فضای مجازی هستند.

خطر رسانه های اینترنتی در رسوا سازی و بی اعتبار کردن مقامات سیاسی و صاحبان قدرت به قدری جدی شده که اغلب دولت ها با اشترک مساعی خویش، سعی کرده اند تا بجای برخورد با کاربران منتقدی کـه روز بـه روز بـر تعدادشان افزوده می شود، سلطه و کنترل خود را بر فضای مجازی از طریق تدابیر و اقدامات سایبری نظیر فیلترینگ و بستن سایت ها و وبلاگ ها و حسابهای کاربری اشخاص و در مواردی قطع کامل شبکه ی اینترنت، بگونـه ای کامل نمایند که در این فضا جز صدا و تصویر موافق و مورد تایید سیاست های دولت، هیچ صدای اعتراضی شنیده نشود. برخی دولت ها برای تحقق این هدف صحبت از ایجاد ارتش سایبری می کنند و این واقعیت دیگری است که جای تامل بسیار دارد. در واقع عصر حاضر، عصر بالا گرفتن جنگ سـایبری توسـط دولـت هـای رقیـب علیـه یگدیگر هم هست. این می تواند شامل فعالیت های سایبری دولت در سایه ، علیه جناح حاکم (دولت مستقر) ، یـا فعالیت سایبری دولت های خارجی علیه رژیم حاکم بریک کشور و یا احزاب سیاسی رقیب علیه یکدیگر باشد. در واقع دولت ها و مقامات سیاسی دعواهای سیاسی پر مفسده خود را به فضای مجازی کشـانده و انتقـال داده انـد و فضای مجازی عملا تبدیل شده است به صحنه افشاگری و رسوا سازی جرایم و مفاسد مقامات سیاسی در دولـت

های مختلف علیه یکدیگر و یا رقبای سیاسی در گروه ها و احزاب مختلف علیه احزاب و گروه های رقیب. با فراگیر شدن استفاده از ابزارهای دیجیتال و گسترش بُرد و دامنه اینترنت به سطح پایین ترین طبقات اجتماع ، مردم و جامعه نیز تنها نظاره گر این افشاگری ها و منازعات سیاسی در فضای مجازی نخواهند بود ، بلکه به این دعواهای سیاسی دعوت، تحریک و فراخوانده می شوند تا از یک طرف دعوا جانبداری کند و بر طرف دیگر بتازند. بدون شک همه کاربران فضای مجازی هم در مورد ترفندهای کثیف سیاسی اشخاص و نهادهای قدرتمندی که بعضا با هدف انتقام گیری از رقبای سیاسی خود اخبار و روایت هایی را در مورد رقبای خود مطرح می کنند ، آگاهی و دانش عمیق ندارند و از بازیهای سیاسی و رقابت های پشت صحنه سیاست بی اطلاع هستند و به همین جهت ممکن است در روند باز نشر اخبار و گزارش ها و تصاویر و روایت ها ، بازیچه دست گروه های مختلف سیاسی قرار گیرند و ناخواسته درگیر دعواهای سیاسی شوند، که اغلب هیچ منفعتی هم برایشان ندارد. متاسفانه کنترل فضای مجازی را هم همان مقامات سیاسی و دولت هایی در دست دارند که آلوده به فاسد هستند .آنها این سیاست کنترل فضای مجازی را با ادعای برگرداندن آرامش روانی به جامعه دنبال و تبلیغ می کنند. حتی ممکن است همانند طرحی که در مجلس شورای اسلامی در ایران مطرح شد ، اسمش را بگذارند: " طرح صیانت از حقوق کاربران فضای مجازی "، اما به دلیل اصل وجود فساد و رانت و زد و بند در میان حکمرانان، ادعای مذکور از سوی قاطبه ی افکار عمومی جامعه پذیرفتنی نیست. به نظر می رسد بجای قطع اینترنت و بستن فضای مجازی، باید ریشه های فساد را خشکاند و پیوند میان یقه سفیدها با یقه سرخ ها را قطع کرد. در هرحال تجربه نشان داده ، دولت هایی که خود سهم عمده در فساد و جرایم مختلف دارند، صلاحیت کنترل فضای مجازی و تعیین سطح دسترسی کاربران را ندارد.

نقش پلیس و نیروهای امنیتی در خشونت دولتی[۸۶۹]

واقعیت دنیای امروز نشان می دهد که در بسیاری موارد خشونت در رویارویی با فساد تعریف نمی شود ، بلکه خشونت و فساد در حمایت از یکدیگر قرار دارند و پلیس یکی از ابزارهای اعمال خشونت سیاسی علیه مخالفان حکومتی است. هر رژیم سیاسی خواه دموکراتیک یا غیر دموکراتیک حداقل گروهی از مخالفان سیاسی خود را تحت عنوان مجرم و جنایتکار معرفی می کند، چه افراط گرایان های مذهبی در غرب، چه فعالان حقوق بشر در چین، چه اعضای گروه های اپوزیسیونی در ایران، هریک از این بازیگران سیاسی توسط حکومتهایی که آنها را سرکوب می کنند، به رسمیت شناخته نمی شوند و فعالیتهای آنها مجرمانه تلقی می گردد و اعضا و عناصر این گروه ها از سوی پلیس مورد تعقیب و دستگیری و خشونت قرار می گیرند. نوع رفتار پلیس و دامنه اختیارات قانونی اعضای پلیس از موضوعاتی است که در قالب بررسی "جرایم پلیس" مورد مطالعه پژوهشگران بوده است. از نظر این پژوهشگران ،"جرایم پلیسی" نوعی از جرایم حکومتی است که اساس اعتبار دولت ها و مشروعیت آنها

---

۸٦۹ - state violence

را می تواند زیر سوال ببرد. براساس بررسی های مختلف چنین نتیجه گرفته می‌شود که خشونت پلیس و فساد سیاستمداران و هیبت حاکمه در یک شبکه همکاری قرار دارد ،که مانع گزارش دادن در خصوص هرگونه سوءاستفاده و فساد و در نتیجه موجب ترویج و گسترش بیشتر فساد و خشونت می‌شود. بعلاوه فساد در درون پلیس هم به شدت با جرائم سازمان‌یافته و جرایم حکومتی سایر بخش های امنیتی و سیاسی در ارتباط است و این رابطه گسترده‌تری را بین جرائم سازمان‌یافته و بخش های مختلف حکومت فراهم می سازد.[۸۷۰] در جرایم خشونت بار سیاسی ، متهم ردیف اول معمولا پلیس هست. چرا؟ چون پلیس را می توان به عنوان یک ارگان سیاسی مظهر دولت مدرن در نظر گرفت که عمدتاً به منظور عبور از چالش برخوردهای سیاسی و اجتماعی در جامعه شکل گرفته است. از راه های مختلفی می توان رابطه و نسبت میان پلیس و دولت را ترسیم و تبیین کرد. نوع اول : پلیس سیاسی که اجرای نقش پلیسی در مواجهه با مخالفان سیاسی دولت و حکومت را به شیوه ای خاص نشان می دهد .این بخش از سازمان پلیس با تهدیدات مستقیم علیه دولت و نظمی که آن را بازتولید می کند، سروکار دارد. از این زاویه، نیروی پلیس یک ارگان مبارزه با جرم نیست، بلکه یک سازمان قهری است که از دولت محافظت می کند و نظم آن را در برابر دشمنان سیاسی آن حفظ می کند. ماموریت پلیس در این حالت برخورد با کنشگران سیاسی و منتقدان و مخالفان دولت است و نه با مجرمان. نوع دوم : پلیس مقابله با جرایم است. با این حال، همانطور که بسیاری از محققان استدلال می کنند، پلیس جرایم رایج نیز خود یک نوع فرآیند سیاسی است. کنترل جرم و جنایت، توسط سازمان پلیس ، نیازمند اختیارات دولتی است و از این جهت فرایندی سیاسی است. به علاوه اگر ماموریت پلیس را برخورد با جرایم با هدف تامین امنیت در جامعه هم تعریف کنیم ، زمانی که معترضان و مخالفان دولت سطح ابراز مخالفت شان را به برهم زدن اساس دولت و برچیدن نظام سیاسی ارتقا دهند ، عملا مرتکب جرم شده اند، زیرا امنیت ، در فقدان دولت و حاکمیت سیاسی، معنا ندارد. ازسوی دیگر دولت و پلیس به عنوان کارگزارآن با جرم و جنایت نه به عنوان میانجی بین بازیگران مختلف، بلکه به این دلیل که ، جرم و جنایت نظم موجود و اعمال قدرت و اقتدار دولت را تهدید می کند، برخورد می کند. با این تعبیر شاید بتوان گفت اگر جرم و جنایت بگونه ای انجام شود که منتهی به ورود خدشه بر قدرت و اقتدار حاکمیت نشود، حکومت چندان مشکلی با آن ندارد. این نوع توجیه گری از نقش و کارکرد و رابطه میان پلیس و دولت ، همانی است که امروز بر بسیاری از نظام های سیاسی با درجات مختلف از فساد حاکم است. ارتکاب هرگونه جرم و فساد از سوی خودی ها توسط دولت و حکومت تحمل می شود، چون تهدیدی علیه اقتدار دولت و حاکمیت نیست، اما افشاگری فساد و جرایم دولتی ها ، مزموم و

---

۸۷۰ - گرین، پنی؛ وارد، همان.

ناپسند است و پلیس باید به شدت با این چنین مواردی برخورد کند. در هرحال تعریف جرم و کنترل آن به این معنا همیشه یک مشکل سیاسی تلقی می شود ، بنابراین عملکرد و مسوولیتهای پلیس به حوزه دولت و سیاست تعلق دارد. از نظر مفهومی، رابطه بین پلیس و دولت را می توان از طریق مطالعات فوکویی که علاقه مند بـه تجزیـه و تحلیـل شجره نامه پلیس است و به گفته پاسکوینو به عنوان "علم پلیس" که در اروپای پیشامدرن توسعه یافت، در نظـر گرفت. "پلیس" به معنای تاسیسات و ابزار لازم برای ایجاد دولت مدرن و حکومت است. پلیس نهاد زاییده شده از تحولات بعد از فروپاشی فئودالیسم در اروپاست. با گذشت زمان ، سازمان پلیس در پایان قرن نوزدهم به نهادی برای پیشگیری از جرم و برقراری امنیت تبدیل شد، در حالی که عملکردهای مدرن اولیه پلیس شامل بسیاری از جنبه های دیگر زندگی اجتماعی می شد.[۸۷۱]

"قانون"، نظام حقوقی، پلیس، دادگاه و نظام زندان ، آشکارا بخشی از سازمان قضایی در دولت سرمایه داری مدرن است. . . مسائل کلی قانون و جنایت، کنترل اجتماعی و رضایت، قانونی بودن و غیرقانونی بودن، مطابقت، مشروعیت و مخالفت، متعلق به این سازمان است و جایگاه پلیس ، در نهایت بدون ابهام می بایست در رابطه با مسـئله دولـت سرمایه داری و مبارزات طبقاتی، با پر رنگ شدن نقش طبقه کارگر در معادلات و مناسبات اجتماعی بعد از انقلاب صنعتی و قدرت گرفتن نظام سرمایه داری مطرح شود.

در حالی که نیروی پلیس را می توان به عنوان یک پروژه تاسیسی برای ایجاد دولت مـدرن توصـیف کـرد کـه از برآیند کشمکش های طبقاتی و تضاد منافع گروه های اجتماعی تشکیل شده است، اما از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به عنوان یک آژانس مبارزه با جرم و جنایت قویاً تثبیت شده است و بر نقش پلیس در پیشگیری از وقوع جرم و دستگیری مجرمان تاکید شده است، با این حال، این در واقع یک ایدئولوژی است که نئوکلئـوس پیشـنهاد می کند: پلیس به غیر از مبارزه با جرایم، نقش ها و وظایف مختلف دیگری دارد که لازم می نماید همچنان رابطه بین جرم و جنایت و پلیس را بیشتر مورد تعمق قرار داد. از نظر جامعـه شناسـان، سوسیالیسـت هـا و جـرم شناسـان مارکسیست، جرم و جنایت لزوما عملی که از سوی افراد ضد اجتماع ، بزهکاران یا جنایتکارها و افرادی که بیماری روانی و انحراف اجتماعی دارند، نیست، بلکه مقوله ای رابطه ای است که در پیچیدگی های فرآیندهای اجتماعی و تاریخی شکل می گیرد.[۸۷۲]

ترتیبات حکومتی قرن نوزدهم که مبتنی بر هنجارهای ایدئولوژی نظام سرمایه داری بود ، فقرا را به دو دسته متمایز می کرد: فقیران غیرمولد ، شامل ولگردها و بیکارها از یک سو و فقرای واقعی از طرف دیگر. "فقیرهای بی لیاقت" "طبقات خطرناکی" بودند که از کارکردن طفره می رفتند و از پیروی کردن از نظم بورژوازی خودداری میکردند.

---

۸۷۱ - Zeynep Go¨ nen(۲۰۱۷),The Politics of Crime in Turkey, Neoliberalism, Police and the Urban Poor ,london, I.B.Tauris & Co. Ltd, p۲٤-۲۷.

۸۷۲ - Zeynep Go¨ nen(۲۰۱۷),Ibid.

آنها در شهر که نماد یک سبک زندگی صنعتی بورژوایی بود ، مرتکب جرم و جنایت می شدند و بطور روزمره برای نظم بورژوازی مشکل می آفریدند. آنها همچنین در توانایی خود برای شورش علیه طبقات سرمایه دار و اقتدار آنها "خطرناک" تلقی می شدند. جنایتکاران و مجرمان بی کفایت ، چیزی بیش از تهدیدی برای امنیت فردی در یک اجتماع مدرن نبودند. آنها تهدیدی جدی برای نظم اجتماعی بودند. آنها با رد "فضیلت‌های" جامعه یعنی مقررات کار "منظم"، در طبقه ی "فقیران نا لایق" پدیده ای مشکل ساز و ضایعات نظام صنعتی و "پسمانده ای در جامعه صنعتی" را تشکیل می دادند که باید کنترل و بعدا بازپروری شوند. به این ترتیب در حالی که قرار بود "فقیران نالایق= ولگرد، لات ها- اراذل و اوباشان – گداها ، فاحشه ها و بیکارها" از طریق مداخله کیفری (پلیس، دادگاه‌ها، اردوگاه های کار اجباری و غیره) مدیریت و تنبیه شوند، ، فقرای واقعی هدف فعالیت‌های بشردوستانه و بعداً دولت رفاه قرار می گرفتند.[۸۷۳]

اما چالش دنیای امروز دولتهای ناکارآمد و فاسدی هستند که نمی توانند به وظیفه حکمرانی خوب یعنی ایجاد فرصتهای شغلی برابر، مناسب و در شان همه افراد ، تامین بهداشت و مسکن و رفاه اجتماعی برای عامه مردم و خصوصا برای کسانی که مطیع قانون هستند، یا طبق قانون کار می کنند و مالیات می پردازند، عمل نمایند. امروزه این دولتهای فاسد و ناکارآمد بجای دولت رفاه ، خود به مشکل اصلی جامعه تبدیل شده اند. این دولت ها در سیاست داخلی خود با شهروندانشان مستبدانه رفتار می کنند و در روابط خارجی، شرارت و جنگ افروزی و ترور و خشونت و جنایت و نسل کشی را ترویج می دهند. فراتر ازآن ، چالش بزرگتر عصر ما وجود دولتهایی است که اساسا در تسخیر باندهای مافیایی و جرایم سازمان یافته بین المللی قرار دارند، هر چند که ممکن است، به ظاهر دموکراتیک به نظر برسند و کارگزاران آنها با یک فرایند انتخاباتی نمایشی منصوب شوند .

چنانکه می دانیم، زن ها، بچه ها و افراد مسن بیشتر قربانیان خشونت هستند، آنها نه در سازمان دولت و نه در سازمان پلیس نقشی را ایفا نمی کنند. وقتی به تاریخ یک قرن گذشته نگاه می کنیم، خشونت و جنایت در مقیاسی که هرگز پیش تر تجربه نشده بود، و هرگز در تاریخ بشر امکان تحقق نداشته است، در یک قرن گذشته علیه زنان، بچه ها و افراد مسن رخ داده است. این نگاه به یک صد سال گذشته موجب شده بیستم قرن خشونت لقب بگیرد. تا پایان این قرن تقریبا معادل ۱۹۱ میلیون نفر به دلیل خشونت جان خود را از دست داده اند که نیمی ازآنها غیرنظامی بوده اند.[۸۷۴] جنگ های جهانی ، جنگ های منطقه ای و ناآرامی های سیاسی توام با خشونت، زندگی همه ساکنان زمین را تحت تاثیر قرار داده است. همه در سراسر جهان به نوعی این خشونت ها را درک و لمس کرده اند. در این یک قرن گذشته ، هیچ کشوری، شهری و یا جامعه ای مصون از خشونت نبوده است. در این میان جوانان، هم قربانیان این

---

۸۷۳ - Zeynep Go¨ nen(۲۰۱۷), Ibid.
۸۷٤ -M. Demet Ulusoy(۲۰۰۸),Political Violence, Organized Crimes, Terrorism and Youth, IOS Press,p۲

خشونت هستند و هم مشارکت کنندگان در این خشونت. با ورود به قرن بیست و یکم وضعیت بهتر نشده، بلکه در مواردی خشونت و جرایم خشن فزونی هم یافته است. روند تحولات اخیر نشان می دهد که متاسفانه مشارکت فزاینده جوانان در جنایات سازمان یافته، با مشارکت در خشونت سیاسی از طریق عضویت در سازمان های سرکوب دولتی مانند پلیس و یا عضویت در گروه های تروریستی و جرایم خشونت بار دیگر در سراسر جهان بیشتر هم شده است و این روند هم آینده و رفاه جوانان را به سرقت برده، هم زیرساخت های جوامع را نابود کرده است. [۸۷۵]

موضوع دیگر میزان مدارا و مدیریتی است که حکومت و نهاد اعمال اقتدار آن یعنی پلیس در مواجهه با برخی از هنجارشکنی ها باید داشته باشد. در برخی از کشورها نحوه برخورد پلیس با مجرمان خیابانی، خود مصداق مجرمانه دارد و حتی در مواردی که توام با حمایت و چراغ سبز حکومت است، می تواند خشونت سازمان یافته حکومتی تلقی گردد. مطالعات متعدد بریتانیایی، آمریکایی و استرالیایی نشان داده‌اند که خشونت فراقانونی، شهادت دروغ و جعل مدرک، در شرایط خاص و علیه افراد خاص، بخش‌های پذیرفته‌شده‌ای از "فرهنگ شغلی" پلیس است. جرم پلیس از دستگیری غیرقانونی مردان جوان طبقه کارگر متغیر است تا گاه گاه کتک زدن آنها، تا استفاده معمول از شکنجه توسط پلیس در بسیاری از مناطق ، تا بتوانند "انضباط اجتماعی" را در یک شهر حفظ کنند (ر. ک به : چونگ ۱۹۹۷)، همچنین قتل کودکان خیابانی ، روسپی ها و همجنس گرایان وغیرو تحت عنوان "پاکسازی اجتماعی" در کلمبیا ، (Neild ۲۲۷:۲۰۰۰). با این حال، اگر چه چنین رفتارهایی نه تنها ناقض حقوق بشر است، بلکه در بسیاری از موارد آشکارا غیرقانونی است، اما به ندرت به عنوان "جنایت" نامیده می شود. در کشورهایی که سیستم‌های قضایی نسبتاً باز دارند، جلسات دادگاه علنی و تحقیقات رسمی گاهی اوقات می‌توانند بینشی واقعی از انحراف پلیس و نقض قوانین توسط پلیس ارائه دهند، اگرچه "آنچه واقعاً اتفاق افتاده" اغلب باقی می‌ماند. [۸۷۶]

در مواردی که اعتراض به نحوه عملکرد حکومت است و یا بقای رهبری سیاسی در خطر است و با ابزارهای مسلحانه از آن دفاع می شود، اغلب حوزه عمل و اختیارات وسیع تری به پلیس اختصاص داده می شود. قدرت به سازمان‌های عمومی ، امنیتی و انتظامی منتقل می‌شود که با افزایش سطح خشونت ، حرکت های اعتراضی را دفع کنند. این به پلیس و نیروهای مسلح نوعی مصونیت از پاسخگویی و فرصت های بیشتری برای تعقیب منافع خصوصی و همچنین اقدامات فراقانونی و خطرناک تر هم می دهد. معمولا در رابطه با درگیری‌های مسلحانه، نقش تاریخی و معمول پلیس در روندی است که درگیری‌ها راآغاز می کند و پس از آن، نه در اوج مبارزه مسلحانه. به ویژه، نقش و کارکرد پلیس در پیامدهای ناشی از درگیری ها مورد توجه رسانه ها و مجامع بین المللی قرار می گیرد.

---

۸۷۵ -Ibid,,Preface.

۸۷٦ - Penny Green and Tony Ward (۲۰۱۲), State Crime,Governments, Violence and Corruption , Pluto Press, p٦۸

در ایران ، محمود احمدی نژاد، رییس جمهور پیشین، یکبار به صراحت اعلام کرد که نیروهای انتظامی و امنیتی در اعتراضات تعمدا افرادی را به میان جمعیت معترض می فرستند تا حرکت های اعتراضی را به خشونت و خرابکاری و تخریب و آتش زدن اموال بکشانند، که بعدا بتوانند افکار عمومی را برای سرکوب معترضان مجاب نمایند و مجوزهای لازم را برای برخورد خشونت آمیز با سلاح گرم علیه معترضان دریافت نمایند. موارد خشونت پلیس در ایران بعد از انقلاب اسلامی به جز دهه اول انقلاب که دهه بی ثباتی و جنگ بوده است، از برخوردهای خشونت آمیز علیه اعتراضات دانشجویی در ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ آغاز گردید که به واقعه کوی دانشگاه معروف است و در آن پلیس و نیروهای نظامی و انتظامی بطور نمادین مجرم شناخته شدند، هرچند که ماموران پلیس و مقصران دولتی این واقعه خونین با حکام قضایی بسیار سبک بعدا مورد عفو قرار گرفتند. بعد ازآن هم تقریبا در مقاطع مختلف تاریخی ، اعتراضات دانشجویی با خشونت پلیس و نیروهای شبه نظامی و لباس شخصی ها بشدت سرکوب شده است که جرایم پلیس و لباس شخصی ها در اغلب موارد محرز بوده ، اما مورد اغماض حکومت قرار گرفته است. همچنین خشونت واحدهای گشت ارشاد در مرگ و یا مصدومیت زنان و دخترانی که پوشش اسلامی مورد نظر حکومت را نداشته اند، مصداق ارتکاب جرم و خشونت دولتی است، اما پلیس هیچگاه محکوم نشده است. در حالی که در بسیاری ازکشورهای مسلمان، نوع پوشش زنان امری اختیاری است و ماهیت آن فرهنگی و اجتماعی تلقی می گردد و پلیس تنها با مواردی که به برهنگی و اشاعه فحشاء و فساد منجر می شود، به عنوان یک مجرم و مطابق قانون با برخورد می کند، اما جمهوری اسلامی و حکومت طالبان دو دولتی هستند که نوع پوشش زنان را نه تنها امری اختیاری نمی دانند و ماهیت آن را صرفا فرهنگی و اجتماعی تلقی نمی کند، بلکه کشف حجاب و پوشش نامناسب را اقدامی سیاسی در اعتراض به قوانین شرعی حکومت اسلامی و جرم سیاسی تلقی می کند و به عنوان یک شیوه ابراز مخالفت با نظام سیاسی و مذهبی حاکم ارزیابی نموده و به جهت ماهیت سیاسی که برای آن قائل می شوند، مجازاتهای سنگینی برآن اعمال می کنند. این عدم مدارا در مورد بسیاری از منکرهای دیگر تا این اندازه وجود ندارد، هرچند که دامنه منکرات و فهرست جرایم شناسایی شده ، در جمهوری اسلامی بسیار گسترده است. (بیش از دو هزار و پانصد عنوان مجرمانه در نظام قضایی کشور تعریف شده است.) اما بدون شک بار سیاسی دادن به هر نوع منکری، بیش ازآنکه به بهره گیری از ظرفیت مدیریت و مدارای نهاد اقتدارگرای دولت، یعنی پلیس و دستگاه قضایی منتهی شود، کلیت نظام سیاسی حاکم را در مقابل بخش های بیشتری از جامعه قرار می دهد و از دامنه تحمل نظام سیاسی می کاهد و نهاد اقتدار آن را به زوال و فرسودگی می کشاند ، چنانکه موضوع پوشش و حجاب زنان در ایران طی سالهای اخیرا به یکی از چالش های سیاسی نظام جمهوری اسلامی تبدیل شده است و دولت های مختلف هزینه های سنگینی را در قالب گشت ارشاد و سایر اقدامات تنبیهی بر جامعه و مردم تحمیل کرده اند که نتیجه و دستاورد آن به هیچ وجه نه خوشایند حکومت و نه مردم و نهادهای بین المللی ناظر بوده است.

به جز تحمیل هزینه های سیاسی و اجتماعی ناشی از تبعات اعتراضات گسترده زنان به موضوع حجاب اجباری ، پس از مرگ مهسا امینی، دولت با همه ابزارهای در اختیار ، همه توان و امکانات خود از محاکم قضایی تا دوربین های نظارتی، تا پلمپ اماکن تجاری و مراکز خرید، و ارسال پیامک تذکر به خودروهای سواری، تا اخیرا بکارگیری هوش مصنوعی و غیرو برای پیروزی در جنگ با زنان و دختران و برای تحمیل حجاب اجباری به میدان آورده است و تقریبا از شهریورماه ۱۴۰۱ تاکنون موضوع حجاب زنان به اصلی ترین دغدغه دولت و مجلس و نهادهای حاکمیتی در ایران تبدیل شده است. این مساله موجب شده تا توجه بدنه کارشناسی و مدیریتی در کشور از رسیدگی به مسائل و موضوعات مهم اقتصادی همچون تورم و بیکاری و رکود عمیق اقتصادی و موضوعات سیاسی امنیتی همچون ناامنی در مرزهای شرقی با وجود طالبان و سیل پناهندگان افغان به درون کشور ، امتناع طالبان از همکاری در تامین حق آبه ایران از رودخانه هیرمند و توجه به سایر مسائل آب و محیط زیست در استان های مختلف مانند احیای دریاچه ارومیه و سایر تالاب ها و بسیاری مسائل مهم دیگر مانند حقوق و منافع کشور در میادین مشترک نفتی در خلیج فارس (مشترک با قطر و کویت و عربستان، امارات، عراق)و طرح ادعای امارات در مورد جزایر سه گانه تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی و چاه های نفتی فلات قاره و مسایل مرزی با دولت آذربایجان منحرف گردد. بعلاوه حکومت موضوع حجاب را به یک چالش سیاسی علیه خود تبدیل نموده است که به رویارویی و تقابل خشونت بار با نیمی از جامعه(زنان) منجر شده است، چنانکه برخی کارشناسان بزرگنمایی موضوع حجاب و امنیتی کردن بحث پوشش زنان و سیاسی کردن آن را نوعی تلاش خود حکومت برای در حاشیه ماندن مسائل و مشکلات بزرگتری که تا آستانه بحران شدن پیش رفته اند، تلقی می کنند. خصوصا که در همین رابطه تعدادی از کارشناسان و اخیرا نمایندگانی در مجلس به صراحت عنوان کردند که ده ها نهاد مرتبط و اثر گذار بر موضوع حجاب زنان ، وظایف فرهنگی و اجتماعی خود را به درستی انجام نداده اند و همه آن را بر دوش پلیس انداخته اند.[۸۷۷] واقعیت این است که در بدبینانه ترین سناریو می توان گفت ، کشف حجاب ارتکاب یک جرم معمولی و خیابانی است که با خشونت سازمان یافته دولتی توسط پلیس، که جرمی به مراتب سنگین تر است، پاسخ گفته شده است. از این زاویه رفتارهای خشونت آمیز ماموران گشت ارشاد با زنان و دختران در خیابانهای ایران مصداق عینی خشونت سازمان یافته دولتی علیه عده ای از شهروندان است که نافرمانی مدنی کرده اند و مجرم خیابانی تلقی می شوند. در واقع پلیس و حکومت در ایران در این مورد جرم را با جرم پاسخ می دهد و نه با اجرای قانون. وقتی که مطلع شویم در کلانشهری مانند تهران با جمعیت چند ده میلیونی ، براساس برخی از بررسی های میدانی و ارزیابی های خود نهادهای حکومتی ، دست کم قریب به بیست درصد زنان و دختران کشف حجاب می کنند و در خیابان ها حاضر

---

۸۷۷ - https://www.eghtesadnews.com/ اگر آمار کشف حجاب روبه کاهش است، نگران چه چیزی هستیم؟

می شوند[۸۷۸] رویارویی خشونت بار پلیس و گشت ارشاد و سایر نیروهای حکومتی با این جمعیت قابل توجه که دستکم روزانه دو میلیون نفر را شامل می شود ، نشانه نوعی فروپاشی ارزشهای اجتماعی و فرهنگی در جامعه است. همچنان که در جای جای این کتاب استدلال شد، رشد جرایم خیابانی، معلول، جرایم بزرگتری است که صاحبان قدرت و دولت ها درآن نقش اصلی و مهم ایفا می کنند و شیوه حکمرانی در این زمینه حایز اهمیت فرآوان است. در این مورد خاص ، پرسش این است که چرا قصور و تقصیر و کم کاری ده ها نهاد مسوول در زمینه های فرهنگی و اجتماعی و عملکرد آنها زیر ذره بین نمی رود و اثربخشی برنامه ها و میلیاردها تومان بودجه عمومی و امکاناتی که هزینه کرده اند، مورد حسابرسی قرار نمی گیرد؟ بدون شک اثربخش نبودن برنامه های این نهادها در ناکارآمدی آن دستگاه ها و فساد آنها ریشه دارد. مقامات حکومتی و برخی کارشناسان دینی خود بارها اعتراف کرده اند که برنامه های نهادهای مذهبی طی چهاردهه گذشته با آن همه بودجه های کلان و با وجود انحصار رسانه ای نتوانسته است در باورمندی جوانان به مذهب و التزام آنها به رعایت شعایر مذهبی همچون نماز و روزه و حجاب اثربخش باشد، هرچند که برخی از همین نهادهای مذهبی برای اینکه بودجه بیشتری را به خود اختصاص دهند، سعی کرده اند، نقش خود و برنامه های مذهبی را در کاهش جرم و فساد در جامعه برجسته و مهم ارزیابی نمایند. البته در تاثیر خداباوری، باورمندی به اخلاق و مذهب بر کاهش جرم و فساد نمی توان شک داشت، ولی اساسا موضوع بحث ما نیست، بحث ما بر سر ارزیابی علل ناکارامدی و اثربخشی برنامه های نهادهای متولی فرهنگ و مذهب در کشوراست. مشکل اصلی تبدیل شدن دین به ابزاری در دست نهادهای دولتی است که خود متهم به جرم و فساد از قبیل رانت و رشوه هستند.

موضوع دیگر نحوه ی آموزش و تربیت قوای نظامی و انتظامی، پلیس و نیروهای امنیتی است. طرز تلقی و تصویری که پلیس از جامعه دارد، بسیار مهم است. پلیس نباید آزادانه هرطور که مایل بود، در مورد احاد افراد جامعه به قضاوت بنشیند و هرگونه تمایل داشت با افراد جامعه برخوردکند، بلکه این تصویر ذهنی و طرز تلقی در سیستم ادارکات حسی و بصری پلیس از رفتار آحاد افراد جامعه باید در چارچوب پروتکل های حقوقی و قانونی و ضابطه مند ترسیم شود. اگرچه نمی توان انتظار داشت پلیس جامعه شناس باشد، اما می توان انتظارداشت، که پلیس محدوده اختیارات و چارچوب های قاعده مند رفتارهای کنش-واکنش خود را درک کند و از چارچوب های قانونی تعریف شده و معین شده فراتر نرود.

---

۸۷۸ – مجید امامی دبیر شورای فرهنگ عمومی در یک مناظره تلویزیونی اعلام کرد که در تهران هر روز ۱۵ تا ۲۰ درصد زنان «کشف حجاب» می‌کنند. دبیر شورای فرهنگ عمومی در یک مناظره تلویزیونی با محمدتقی نقدعلی، دبیر کمیسیون قضایی مجلس به موانع برخورد مجرمانه با جمعیت گسترده زنان بدون حجاب اشاره کرد و گفت: "در مواجهه با جمعیتی چند هزار نفره در روز نمی‌توان برخورد مجرمانه کرد."

متاسفانه موضوع جرایم و تخلفات نیروهای پلیس و سوء استفاده نهادهای نظامی، انتظامی و امنیتی کمابیش در تمام کشورها خود به یک چالش بزرگ امنیتی تبدیل شده است. رفتارهای پلیس و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی با گروه هایی از شهروندان در مواردی مصداق جرایم سازمان یافته دولتی است. در ایران، موارد متعددی از خشونت نیروهای پلیس که منجر به ضرب و جرح و حتی منتهی به مرگ شهروندان در خیابان ها گردیده ، در اخبار و رسانه ها انعکاس یافته است، که مرگ مهسا امینی ،کیان پیرفلک و مهران سماک تنها موارد معدودی ازآنهاست که اخیرا رسانه ای شد. همچنین اخیرا فیلمی از رسانه های اجتماعی منتشر شد که رییس پلیس و فرمانده انتظامی یک استان، صراحتا به نیروهایش فرمان می داد، گردن هنجارشکنان را بشکنند!؟ جدای از اینکه یک اشکال اساسی این فرمان آن است که تشخیص مصادیق رفتار واقعا هنجارشکنانه، برعهده فرد فرد نیروهای پلیس در ساحت جامعه گذارده شده ، خود ادبیات بکار رفته توسط رییس پلیس و فرمانده انتظامی یک استان مبنی بر دستور به شکستن گردن هنجارشکنان، مصداق قانون شکنی و هنجارشکنی و مصداق یک جرم محرز توسط یک مقام رسمی دولتی است. موارد متعددی از فیلم و عکس های گزارش شده از رفتار خشونت آمیز پلیس ضد شورش و گروهی دیگر از شبه نظامیانی که از سایر نهادهای امنیتی و انتظامی در لباس پلیس و یا لباس شخصی برای کمک به پلیس در سرکوب اعتراضات اعزام شده بودند، در خیابان های ایران در شش ماه دوم سال ۱۴۰۱ و در پی جنبش زن، زندگی، آزادی، خشونتی عریان را در خیابان های شهرهای مختلف ایران ، به جهانیان نشان داد. این نوع خشونت های پلیسی تنها مختص یک کشور جهان سومی همانند ایران نیست. در فرانسه در جریان جنبش جلیقه زرد ها که از ۱۷ نوامبر ۲۰۱۸ آغاز گردید، صدها معترض مورد خشونت شدید پلیس قرار گرفتند. در ژوئن ۲۰۲۳ ، پلیس فرانسه یک نوجوان ۱۶ ساله الجزایری را به قتل رساند، اقدام خارج از ضابطه پلیس در شلیک منجر به مرگ این نوجوان موجب شد به مدت یک هفته سراسر کشور فرانسه با یک اعتراض و آشوب سراسری مواجه گردد. در ایالات متحده نیز موارد گوناگونی از خشونت پلیس علیه شهروندان گزارش شده است که پیامد آن اعتراضات گسترده در ایالت های مختلف علیه رفتار پلیس ایالتی بوده است. در بسیاری از این موارد منشاء آغازین اعتراضات به سوء رفتار پلیس بر می گردد. یک علت این است که برخی از افسران پلیس بطور کلی بر این باور هستند که خشونت تنها زبانی است که طبقات محروم جامعه و فقرا و حاشیه نشینان و معترضین خیابانی می فهمند.(شوینی، ۱۹۹۶: ۲۷) دریافت که حاشیه نشینان در برزیل (این اصطلاح هم به معنای حاشیه نشینان اجتماعی و هم قانونی اشاره دارد.) از ملاحظات عقل و اخلاق مصون هستند. یک دادستان سابق گفته بود ، پلیس معتقد است که وقتی فرد مظنون به دزدی ، فقیر و سیاه پوست است، بدون شک مجرم است و اجازه کشتن او را دارند. (به نقل از Chevigny ۱۹۹۶: ۲۷).[۸۷۹] این نوع تصویرسازی های کلیشه ای در میان نیروهای پلیس در اغلب کشورها بسته به وضعیت آن کشور از حیث

---

۸۷۹ - Penny Green and Tony Ward (۲۰۱۲),Ibid,p۶۹-۷۰

گرایش های فرهنگی، مذهبی، نژادی و غیرو وجود دارد. در مورد ایران ، برخی گزارش های مستند حکایت از این دارد که شهروندان استان های کرد نشین ، مناطق سنی نشین شرق کشور مانند سیستان و بلوچستان و ساکنان مناطق جنوب شهر و حاشیه نشین کلانشهرها و شهرهای متوسط ، رفتارهای خشونت آمیز بیشتری از سوی نیروهای پلیس تجربه می کنند تا دیگر مناطق . مرگ مهسا امینی، دختر کرد ساکن شهرستان سقز که در یک سفر با برادرش به تهران آمده بود ، تنها یک نمونه از آن است. اگر چه رفتار خشونت آمیز از هرنوع آن و در مورد هرکس و در هرکجا ممنوع و غیرقانونی است، اما گزارش های موثق نشان می دهند، معمولا رفتارهای خشونت آمیز کمتری با زنان و دخترانی که ساکنان مناطق مرفه نشین شمال تهران گزارش شده است، که معمولا محل سکونت خانواده های با نفوذ و متمولینی است که وابستگی به طبقات بالایی حکومت و افراد با نفوذ دارند.

پنی گرین و تونی وارد با بررسی شرایط و موقعیت هایی که خشونت پلیس گزارش شده است، براساس تحقیقات انجام شده به این نتیجه رسیده اند که خشونت پلیس معمولاً در موارد زیر اعمال می شود[۸۸۰] :

۱ –علیه حاشیه نشینان و افراد با موقعیت و جایگاه و اعتبار حاشیه‌ای
۲ –علیه معتادان به مواد مخدر و الکل و افراد دارای بیماری‌های روحی و روانی ، ولگردها و بی خانمان ها
۳ –علیه کسانی که سرپیچی از فرمان پلیس کرده اند ، چه در یک تعقیب و گریز تمام عیار با ماشین یا صرفاً به دلیل امتناع از حرکت از گوشه خیابان و یا بی توجهی به ایست و بازرسی پلیس
۴ –علیه کسانی که مورد سوء ظن و بدبینی پلیس قرار گرفته اند.

در یک مطالعه مهم در مورد جنایات پلیس و سایر جنایات قدرتمندان، (استیون باکس،۱۹۸۳) استدلال می کرد که اندیشه ورزی، انگیزه های فردی و فرهنگ پلیس برای پاسخ به این سوال مهم است که "چرا این کار را انجام می دهند؟"، اما همچنین مهم تر این است که بپرسیم "چرا اجازه دارند این کار را انجام دهند؟" ، او استدلال می کرد که سؤال آخر را می توان تنها با " قرار دادن پلیس در یک چارچوب گسترده تر و آگاهی تاریخی" و بررسی نقش و کارکرد آن در "حمایت و بازتولید اشکال سلطه" پاسخ داد، یعنی سرکوب، شکست دادن و تضعیف اشکال مقاومت.[۸۸۱] چنانکه مشخص است، تحلیل تاریخی آگاهانه از تاسیس پلیس در بریتانیا و ایالات متحده نشان می دهد که پلیس نهاد برآمده از قدرت است و از بدو تاسیس در خدمت طبقه اشراف و قدرتمندان بوده است. توسعه سازمان پلیس، در قرن نوزدهم بیشتر ناشی از ترس و وحشت نخبگان[۸۸۲]از تهدید از ناحیه "طبقات خطرناک" بود تا ملاحظات مربوط به پیشگیری از جرم با هدف تامین امنیت عمومی و یا رفاه اجتماعی.[۸۸۳]

---

۸۸۰ -Ibid,p۶۸-۷۸.
۸۸۱ - Ibid, p ۷۸
۸۸۲ - elite : طبقه قدرتمند و ثروتمند و متمولین، اشراف و ثروتمندان و متنفذین و طبقه ممتاز آقازاده ها (نجیب زادگان) در جامعه
۸۸۳ - Box, S. (۱۹۸۳) Power, Crime and Mystification, Basingstoke: Macmillan: ۱۱۱–۱۳; Phillips ۱۹۸۵.

(باکس،۱۹۸۳ و ۱۹۸۸) استدلال می کند که خشونت پلیس با ترس طبقات نخبه در جامعه از بی‌نظمی افزایش می‌یابد، و هر چه جامعه نابرابرتر باشد، ترس نخبگان از بی‌نظمی حادتر است و خشونت پلیس احتمالا بیشتر. بنابراین هرچه نخبگان نگران تر باشند، افزایش قدرت سرکوب توسط پلیس و تحمیل خشونت غیرقانونی علیه گروه های بالقوه خطرناک بیشتر است. استدلال باکس بر اساس تحقیقات جاکوبز و بریت (۱۹۷۹) در مقایسه ایالت‌های مختلف ایالات متحده است، که نشان می‌دهد پلیس در نابرابرترین ایالت‌ها به احتمال زیاد از نیروی مرگبار و خشونت بیشتر استفاده می کند. تحقیقات بعدی توسط سورنسون و همکاران. (۱۹۹۳، به نقل از وایت ۲۰۰۲) این ارتباط را تایید می کند.[۸۸۴]

نظریه باکس همچنین با این واقعیت تأیید می‌شود که دولت‌هایی با ساختارهای اجتماعی بسیار نابرابر، مانند دولت های آمریکای لاتین، معمولاً با سطوح بالاتری از خشونت پلیس -و گاهی نیروی نظامی -علیه فقرا و محرومان ظاهر می‌شوند که با بی‌تفاوتی نخبگان نسبت به خشونت پلیس (یا مصونیت از مجازات، چنانکه سازمان‌های غیردولتی مدافع حقوق بشر توصیف می کنند : برای مثال نگاه کنید به دیده‌بان حقوق بشر ۱۹۹۷ a) همراه است. نمونه بارز آن نحوه برخورد با گروه های حاشیه ای در اقتصادهای در حال توسعه یا در حال گذار و خشونت مستند شده در بسیاری از نقاط جهان علیه کودکان خیابانی است. (دیده بان حقوق بشر e۱۹۹۹، b۲۰۰۳). به نظر می رسد وحشیگری، تجاوز و قتلی که علیه نوجوانان بی خانمان صورت می گیرد، عموماً هم از سوی مقامات دولتی و هم از سوی طبقه متوسط به بالای جامعه که آنها را چیزی بیش از یک آفت اجتماعی می دانند ، با بی تفاوتی مواجه می شود.[۸۸۵] در ایران، توجیهات مذهبی و ایدئولوژیک حکومتی هم بر وخامت اوضاع می افزاید. چندی پیش، یکی از تئوریسین های خشونت دولتی در ایران که ماموریت داشت، خشونت ماموران پلیس علیه معترضان به وضعیت فقر و فساد درکشور را توجیه کند، سرکوب و کشتار معترضان را با "حجامت"،که هر از چند گاهی لازم است برای سلامت بدن، خونهای کثیف و فاسد از بدن بیرون ریخته شود، تشبیه کرد.[۸۸۶]

جرایم سازمان های اطلاعاتی و امنیتی

مهمترین فلسفه وجودی دولت ها تامین امنیت است، زیرا امنیت اصطلاحا یک کالای عمومی است که نمی توان تامین آن را برعهده مکانیزم بازار گذاشت. اگرچه ممکن است، همه ما درک درستی از مفهوم امنیت نداشته باشیم ، اما واقعیت این است که از نگاه اقتصادی، این کالا امروزه به گران ترین و کمیاب ترین کالا تبدیل شده است. مهمترین اهداف و ماموریت های سازمان های اطلاعاتی و امنیتی در هر کشور ، اقدامات پیشگیرانه و مقابله با هرگونه تهدید در حوزه امنیت ملی و امنیت شهروندان است. اما گزارش های متواتری هم وجود دارد که

---

۸۸٤ - Penny Green and Tony Ward (۲۰۱۲),Ibid, p ۷۹.
۸۸٥ - Penny Green and Tony Ward (۲۰۱۲),Ibid, p ۷۹.
۸۸٦ - https://eshtrak.wordpress.com/۲۰۲۱/۱۱/۱۸ ٪۸٦-۲۰۲; https://aftabnews.ir/fa/news/٦٢٧٤٤٩

نشان می دهد، در موارد گوناگون خود این نهادها مرتکب جرایمی سنگین علیه امنیت ملی و علیه امنیت شهروندان می شوند که در اصطلاح می توان آنها را در زمره جرایم سازمان یافته دولتی طبقه بندی نمود. تقریبا تمام کشورها دارای یک واحد مرکزی اطلاعات و امنیت با سازوکارهایی پیچیده برای اجرای ماموریت های خود هستند و در این رابطه وظایف متنوع و گوناگونی برعهده دارند. کمتر دولتی است که چنین سازوکاری نداشته باشد و اغلب آنها از روی دست هم یاد می گیرند و با هم رقابت می کنند و بسته به روابط سیاسی و امنیتی نزدیکی که با یکدیگر دارند، در موارد گوناگون به یکدیگر مشاوره و آموزش می دهند و حتی همکاری های اطلاعاتی و امنیتی دارند. قدرتهای بزرگ ، از مخوف ترین و پیچیده ترین سازمان های اطلاعاتی –امنیتی برخوردارند. سازمان اطلاعات و امنیت مرکزی آمریکا(CIA)، (MI۶) بریتانیا ، و(KGB) شوروی سابق و بقایای بازسازی شده آن سازمان در روسیه فعلی معروف ترین آنها هستند. در خاورمیانه اسراییل یکی از قوی ترین سازمان های اطلاعاتی و امنیتی (موساد) را در اختیار دارد. رژیم شاه پیش از انقلاب اسلامی در ایران سازمان اطلاعات و امنیت موسوم به (ساواک) را تحت تعالیم و آموزش افسران سازمان اطلاعات و امنیت آمریکا ایجاد کرده بود که کما بیش روایت های هولناکی از شیوه رفتار و عمل آنها با مخالفان حکومت در میان افکار عمومی جامعه پیش از انقلاب اسلامی مطرح بود. بعد از انقلاب اسلامی، به تاسی از همان سازو کار رژیم سابق و با ارتقاء جایگاه آن نهاد در درون دولت، وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی ایجاد شد. بعد از رخدادهای سیاسی و امنیتی معناداری از قبیل سرقت حجم زیادی از اطلاعات مراکز هسته ای ایران ، علاوه بر درز اطلاعات فوق محرمانه و سری از پرونده هسته ای این کشور و انجام ترورهای هدفمند کارشناسانی که در پروژه های موشکی و هسته ای ایران نقش داشتند و برخی رویدادهای دیگر که حکایت از شکاف اطلاعاتی در دستگاه امنیتی ایران و نفوذ دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی دولت های متخاصم منجمله دولت اسراییل در این سازمان داشت ، رهبری جمهوری اسلامی با توصیه و ترغیب مشاوران خود در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اخیرا یک نهاد موازی دیگر در کنار وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی تحت عنوان سازمان اطلاعات سپاه تاسیس نموده است.

در این مجال مروری کوتاه بر ابعاد اقدامات مجرمانه سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا بخشی از ابعاد تاریک اقدامات مجرمانه این سازمان را به عنوان یک الگوی نمونه برای کشورهای دیگر روشن می نماید. بدیهی است سازمان های اطلاعاتی و امنیتی بسیاری از کشورها کما بیش ، همگی از رویه ای مشابه با سازمان سیا در اجرای ماموریت های اطلاعاتی –امنیتی در کشور متبوع خود استفاده می کنند. در نهایت خواهیم دید در شرایط نا ایمن

دنیای حاضر، این نهادها خود به بخشی از مشکل تبدیل شده اند، ضمن اینکه هزینه های سنگینی را بابت ایجاد امنیت به جامعه و مردم کشورشان تحمیل می کنند.[۸۸۷]

گزارش ها و فیلم های مستند و مقالات و کتابهای زیادی در مورد نحوه عمل سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) تهیه و نوشته شده است، که ابعاد مختلف رسوایی ها و جنایات و اقدامات خلاف قانون این سازمان مخوف را برملا می نماید، یا نحوه عمل آن سازمان را زیر ذره بین برده و مورد نقد قرارداده است. (والنتینه، ۲۰۱۷)، یکی از پژوهشگران مطرح در این حوزه است که در کتاب خود با عنوان "CIA، به مثابه یک باند سازمان یافته جرایم" به بررسی نقش و عملکرد غیر قانونی این سازمان در داخل و خارج آمریکا که توام با فساد و جنایت است، می پردازد.[۸۸۸] فهرستی از رویه های کاری و اقدامات این سازمان مستند به منبع یاد شده بشرح زیر است :

۱ -کنترل و سانسور مطبوعات

۲ -بازدداشت خودسرانه اشخاص تنها به جرم مظنون بودن

۳ -اختیار بازکردن هرگونه نامه و مرسوله که از خارج به شهروندان ایالات متحده پست می شود.

۴ -تحت فشار قرار دادن فعالان مدنی و سیاسی و اقلیت های نژادی و قومی، فعالان محیط زیست، فعالان ضد جنگ، گروه های لابی اسلامگرا، فعالان ضد سقط جنین، فعالان مخالف با مجازات اعدام و گروهی از تحلیل گران و فعالان رسانه ای و مطبوعات، با ابزارهای مختلف مانند احضار بازجویی ، محرومیت ، تهدید.

۵ -به استخدام درآوردن شهروندان آمریکایی که به خارج از کشور سفر می کنند برای امر جاسوسی.

۶ -پیشنهاد خریدن دیپلمات ها، دانشجویان، دانشگاهیان، تاجران خارجی (کشورهای هدف) برای کار با سازمان اطلاعات امنیت آمریکا به منظور ضربه زدن از پشت سر.

۷ -همکاری با سازمان نیروهای مسلح (ارتش و پنتاگون) و پلیس(FBI) در سرکوب شورش های شهری.

۸ -تحکیم خشونت ساختاری برای نمایش اقتدار و فساد سیستماتیک و سرکوب جامعه مدنی به نمایندگی از نخبگان سیاسی حاکم و ثروتمندان.

۹ -استفاده از ابزارهای مختلف برای ایجاد رعب ، وحشت و دلهره در عامه مردم برای اینکه احساس کنند، همواره زیر نظر هستند.

---

۸۸۷ - اگر چه دستیابی به گزارش عملکرد نهادهای اطلاعاتی امنیتی کشورها به لحاظ انجام ماموریت های بعضا سری و فوق محرمانه آنها ممکن نیست، اما در این مورد همچون سایر موارد بیش از هر سازمان اطلاعاتی امنیتی در مورد سازمان اطلاعات امنیت آمریکا انبوهی از داده و اطلاعات در اختیار پژوهشگران است، متاسفانه در مورد سایرکشورها این دسترسی وجود ندارد و باید به منابع وگزارش های غیر رسمی معدودی استناد کرد.

۸۸۸ - Douglas Valentine(۲۰۱۷), The CIA as organized crime : how illegal operations corrupt America and the world, Atlanta, GA : Clarity Press, Inc.

داگلاس والنتینه یک نویسنده منتقد است که به ادعای خودش با بسیاری از افراد ارشد در سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا) از طرق مختلف ارتباط گرفته و امکان دسترسی از داخل برای او فراهم بوده است، بویژه او از ابعاد مختلف برنامه موسوم به ققنوس پرده برداشته است.

۱۰ -اجرای طرح باج خواهی بزرگ از مردم جامعه ، با تهدید به اینکه : "اگر کاری را که ما می خواهیم انجام ندهی، با دشمنان ما همراه هستی."

۱۱ -افراد شاغل را وادار می کند در ترس اخراج شدن زندگی کنند، آنها اظهارات مشکوک می کنند و مقامات فاسد به بازوهای آنها پاداش می دهند.

۱۲ -ایفای نقش به عنوان سازمانی که مهمترین ماموریت آن" قتل عام سیاسی " است.[۸۸۹]

مواردی که گفته شد شمه ای از رئوس کلی وظایف و عملکرد واحد امنیت داخلی سازمان سیا در درون قلمرو کشور آمریکاست. علاوه بر موارد یاد شده، واحدهای مختلف در حوزه امنیت خارجی سازمان سیا ، در کشورهای مختلف ماموریت های ویژه ای را انجام می دهند که نمونه های آن را می توان در برخی از فیلم ها و مستندات و گزارش های منتشر شده در مورد ویتنام، عراق و افغانستان مشاهده نمود. "ترور ضمنی" ، "تبلیغات مسلحانه" و طرح ریزی "جنگ اقتصادی" از جمله ماموریت های سازمان سیا است. کادرهای امنیت داخلی بطور ضمنی و صریح "متخصص ایجاد وحشت" هستند. بررسی ها نشان داده بود: " بسیاری از افرادی که در سرکوب اعتراضات داخلی جوانان را می زنند کهنه سربازانی هستند که تکنیک های آرام سازی را یاد گرفته اند، انجام جستجوهای خانه به خانه توسط آنها که افغانستان و عراق را به صحنه ی فجایع انسانی تبدیل کرد ، در مطبوعات ایالات متحده هم گزارش نشده است. آنها خود را به عنوان "لگدزنان در" معرفی می کنند. [۸۹۰]در فیلم مستندی که فیلمبردار همراه گروه گشت زنی بود که خانه به خانه دنبال مظنونان به همکاری با جنگجویان القاعده در افغانستان بودند، یکی از اعضای گروه یک افسر زن آمریکایی بود، که تنها ماموریت او در آن گروه، القاء حس آرامش به زنان و بچه ها در هر خانه مورد یورش ماموران بود. سپس اعضای خانواده و بویژه مردها مورد بازجویی تخصصی قرار می گرفتند. اداره زندان ها در کشورهای تحت اشغال در اختیارگروهی متشکل از افسران سیا است. شکنجه های زندانیان در زندانهای گوانتانامو در کوبا و ابوغریب در عراق و مشابه آن در افغانستان، از موارد گزارش شده است. به تعبیر والنتیه ، " حاکمان هیولای ما می دانند که چگونه مداخلات فاجعه بار خود در دیگر کشورها را توجیه کنند: " با شیطان جلوه دادن رهبران آن کشورها در رسانه ها."[۸۹۱] به باور والنتینه، امروزه سیستم جزایی در آمریکا شبیه رژیم های زندان در ویتنام، عراق و افغانستان تحمیل می شود. همان زندانبانان با همان نگرش های فوق العاده در اینجا مسئول هستند و کار خود را خوب بلدند. مانند جنگ و ترور، حبس هم یک صنعت در حال رشد است. از

---

۸۸۹ - قتل عام سیاسی عبارتست از خفه کردن صدای هرگونه مخالف و منتقد سیاسی با هرگونه روش ممکن. قتل عام سیاسی ابزار و سازمان می خواهد. در آمریکا سازمان سیا این وظیفه را برعهده دارد و ابزارهای آن برنامه هایی است که اجرا می کند. یکی از مهمترین آنها موسوم به برنامه فونیکس یا ققنوس است. هدف این برنامه خنثی کردن سیاستمداران و فعالان مخالف رژیم های دست نشانده یا فعالان ضد جنگ و طرفداران صلح و غیرو می باشد.

۸۹۰ - Douglas Valentine(۲۰۱۷), Ibid, pp ۳۲۲.

۸۹۱ - Douglas Valentine(۲۰۱۷), Ibid, p۳۲۴.

زمانی که نیکسون در سال ۱۹۷۰ علیه مواد مخدر اعلام جنگ کرد ، جمعیت زندانیان در امریکا از چند صد هزار به چندین میلیون نفر ، عمدتا سیاه پوستان افزایش یافته است. طبق گزارش ACLU، از هر ۳۱ بزرگسال، یک نفر در این کشور یا زندانی بوده است، یا در آزادی مشروط است. با تنها ۵ درصد از جمعیت جهان ، آمریکا ۲۵ درصد از جمعیت زندانیان جهان را دارد و باید از خود بپرسید چگونه می‌توانیم با داشتن رکورد بزرگترین زندانبان جهان و با بالاترین سرانه زندانی، خود را سرزمین آزادگان و مهد آزادی بدانیم. زندان های خصوصی و عمومی سنگ بنای این مهم هستند، زیرساخت صنعت سرکوب داخلی، و همچنین منبع بی حد و حصر ثروت برای سرمایه گذاران در دستگاه امنیت داخلی مجرمانه قانونی.[۸۹۲]

فساد در نهادهای سیاسی و نظام های حزبی

اعتقاد بر این است که نهادهای سیاسی از طریق سه کانال بر فساد تأثیر می گذارند: با تأثیرگذاری بر قدرت حزب، با ایجاد خطوط پاسخگویی، و با ایجاد سطوح مختلف رقابت سیاسی. استدلال می شود که فساد زمانی کمتر خواهد شد که احزاب قوی باشند ، زیرا رهبران حزب افق استراتژیک طولانی تری نسبت به اعضای فردی دارند و به بازده بلندمدت تری اهمیت می دهند. در این موارد رهبران حزب ، فساد فرصت طلبانه کوتاه مدت توسط اعضا را مهار می کنند تا اعتباری قابل توجه کسب و ایجاد کنند که در درازمدت بازده سیاسی بالاتری را برایشان به همراه داشته باشد (مانو ۲۰۰۵). اگر رهبران حزب فاسد هم باشند ، فساد همچنان کمتر خواهد بود زیرا رانت متمرکز توسط رهبران قوی حزب کارآمدتر از استخراج غیرمتمرکز رانت توسط اعضای آن است (Shleifer and Vishny ۱۹۹۳ Kang ;۲۰۰۲). بنابراین انتظار می رود حکومت هایی که نهادهای سیاسی و احزاب قوی ایجاد می کنند ، شاهد کاهش سطوح فساد نسبت به سیستم‌هایی شوند که در آن نهادهای سیاسی و احزاب ضعیف‌تری برای اعمال چنین کنترلی ایجاد می کنند. فقدان احزاب در یک نظام سیاسی و یا تک حزبی بودن که به انحصار قدرت منتهی میشود ، فساد افسارگسیخته بدنبال دارد. با این منطق، سیستم‌های فدرال و ریاست‌جمهوری با قانون‌گذارانی که از طریق کثرت یا قوانین تناسبی با فهرست باز انتخاب می‌شوند، باید ضعیف‌ترین احزاب را ایجاد کنند و از این رو، باید از بالاترین سطوح فساد رنج ببرند. با این حال، از نظر تجربی، در حالی که برخی از مطالعات نشان می‌دهند که سیستم‌های ریاستی فساد بالاتری را تجربه می کنند، برخی دیگر متوجه شده اند که چنین نیست. به طور مشابه، برخی از مطالعات نشان می دهد که سیستم های انتخاباتی با لیست بسته منجر به فساد بیشتر می شود، در حالی که برخی دیگر این کار را نمی کنند. مانو(۲۰۰۵) شواهدی پیدا کرد که احزاب قوی منجر به فساد کمتر می شوند در حالی که (Panizza,۲۰۰۱) دریافت که آنها منجر به فساد بیشتر می شوند. بنابراین، شواهدی که قدرت حزب را مستقیماً و همچنین از طریق نهادهای تشکیل دهنده آن به فساد مرتبط می کند، مختلط به نظر می رسد.

---

۸۹۲ -Ibid ,p ۳۲۵

همچنین استدلال می شود که پاسخگویی در قبال رای دهندگان منجر به کاهش فساد می شود. به نظر می رسد که بحث در مورد پیوند بین نهادها و فساد به این بستگی دارد که چه کسی در کاهش فساد موثرتر است –سیاستمداران یا احزاب. اعتقاد بر این است که رای دهندگان وقتی احزاب را در سیستم هایی بـا احـزاب قـوی قـرار مـی دهنـد، پاسخگو می دانند، اما زمانی که احزاب ضعیف هستند ، سیاستگذاران و قانونگذاران را مسئول می دانند. مطالعات تئوریک کنونی در مورد این موضوع هم تشکیلات حزبی و هم شخصیت فردی را در مورد پاسخگویی بـا فسـاد بالاتر و پایین تر مرتبط دانسته است. در حالی که برخی استدلال کرده‌اند که سیستم‌های انتخاباتی نمایندگی تناسبی (PR) با فهرست‌های بسته کمترین میزان مسئولیت‌پذیری فردی را ارائه می‌کنند و باید منجر بـه فسـاد بیشـتر شـوند (Kunicova و Rose-Ackerman : ۲۰۰۵)، برخی دیگر استدلال کرده‌اند که آنها بـالاترین میـزان مسـئولیت پذیری حزب را تولید می‌کنند و بنابراین باید کمترین فساد را ایجاد کند (Myerson,۱۹۹۳). سیستم‌های روابـط عمومی با فهرست باز، فضایل و نقایص کثرت و فهرست‌های حزبی را ترکیب می‌کنند و بنابراین از طریق تأثیر آنها بر انگیزه‌های فردی برای مشارکت در فساد، مورد بحث‌های مشابهی قـرار گرفتـه‌انـد (Kunicova and Rose-Ackerman ,۲۰۰۵؛ Chang and Golden,۲۰۰۴). همانطور که در بالا مورد بحث قرار گرفت، نتایج تجربی در مورد اثرات قوانین انتخاباتی بر فساد نیز با مطالعاتی که بسیاری از استدلال های متناقض را پشتیبانی می کننـد، آمیخته شده است.

در نهایت، طرفداران رقابت سیاسی استدلال می کنند که سیستم هایی با ساختارهای نهادی که منجر به رقابت بین شاخه ای و بین دولتی بالاتر می شود، باید فساد را کاهش دهند. سیستم های فدرال و ریاست جمهـوری بیشـترین رقابت را در بین واحدهای ایالتی و بین قوه مجریه و مقننه ایجاد می کنند. از این رو، آنها باید بیشترین پاسخگویی را برای رای دهندگان فراهم کنند و یک سیستم کنترل و تعادل سیاسی در شاخه ها و سطوح توسط خود کارگزاران سیاسی ایجاد کنند. بنابراین به پایین ترین سطوح فساد منجر می شود. از سوی دیگر، نظام‌های پارلمانی و واحد، فاقد رقابت قوی در سطوح و شاخه‌های حکومت و سیاست هستند و ساختار سیاسی واحدی را در هر دو حزب و دولت ایجاد می‌کنند. این سیستم کمترین پاسخگویی را به رای دهندگان دارد و همچنین از ایجاد یک سیستم قوی کنترل و تعادل سیاسی توسط خود عوامل سیاسی جلوگیری می کند. بر این اساس پیش بینی می شود کشورهای دارای این نهادها بیشترین سطوح فساد را تجربه کنند. با این حال، شواهد در مورد پویایی رقابت مخلوط شده است. مطالعات متعدد بین کشوری که بیشتر کشورهای در حال توسعه را در بر می گیرد نشان می دهد که این انتظـارات در اکثـر دموکراسی های در حال توسعه برآورده نشده است. علاوه بر این، دموکراسی‌های کشورهای توسعه‌یافته ثروتمند با اقتصادهای بازار تثبیت‌شده ، تنوع مشابهی را نشان می‌دهند، که تردید بیشتری را در مبانی نظری این پیش‌بینـی‌هـا ایجاد می‌کند.

تسخیر دولت ، فساد فراگیر و سیستماتیک :

تسخیر دولت[۸۹۳] را نوعی فساد سیاسی سیستماتیک می دانند که در آن منافع خصوصی یک اقلیت در پیوند با حاکمان به طور قابل توجهی بر فرآیندهای تصمیم گیری دولت و حاکمیت تأثیر می گذارد. بانک جهانی مفهوم "تسخیر دولت" را برای استفاده به عنوان ابزاری جهت سنجش بی ثباتی سیاسی در مورد اقتصادهای در حال گذار به سوی توسعه قرار داد ولی عمدتاً به وضعیت کشورهای اروپای شرقی اطلاق می شد. این نهاد بین المللی، تسخیر دولت را اینگونه تعریف می کند : "اقدامات افراد، گروه ها یا شرکت ها در بخش عمومی و خصوصی برای تأثیرگذاری بر شکل گیری قوانین، مقررات، فرامین و سایر سیاست های دولت به نفع خود "بنابر این تسخیر دولت معمولاً شامل فعالیت‌های بازیگران سیاسی و قدرت های بزرگ اقتصادی فاسد می‌شود که تغییردهنده ی مقررات و رفتار نهادهای دولتی به نفع منافع گروه خاص و متحدان سیاسی و حامیان آنهاست.[۸۹۴] تسخیر دولت در واقع شکل سومی از فساد است که کمتر شناخته شده است ، اما همچنان بسیار فراگیر است که اغلب اما نه منحصراً در کشورهای در حال گذار یافت می شود. تسخیر دولت زمانی اتفاق می‌افتد که نخبگان سیاسی حاکم و قدرتهای حاکم بر بازار و بازرگانان بزرگ و قدرتمند ، شکل گیری سیاست‌ها را به نفع خودشان دستکاری می کنند و قوانین نوظهور بازی (از جمله قوانین و مقررات اقتصادی در حال تدوین) را به نفع خود تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این شرایط اقتصاد در چنگال این قدرت های فاسد که در حال تبانی و معامله با یکدیگر هستند، اسیر می شود و در یک دور باطل گرفتار می شود که در آن شرایط هرگونه اصلاحات نهادی لازم برای بهبود حکمرانی با تبانی بین قدرتهای بزرگ اقتصادی در بازار و شرکت های پرنفوذ و قدرتمند و مقامات دولتی که منافع شخصی قابل توجهی را از فقدان حاکمیت قانون بطور شفاف بدست می آورند، تضعیف می شود.

تسخیر دولت به زغم (کافمن و هلمن،۲۰۰۱) شکل جدیدی از فساد عمدتا در اقتصادهای در حال گذاراست که درآن به اصطلاح الیگارش ها در شکل گیری سیاست ها دستکاری می کنند و حتی قواعد بازی را به نفع خود شکل می دهند، اگرچه این شکل از فساد بزرگ به طور فزاینده ای به عنوان مخرب ترین و حل نشدنی ترین مشکل در اقتصاد سیاسی شناخته می شود، اما تلاش های سیستماتیک کمی برای تشخیص علل و پیامدهای آن از سایر اشکال فساد انجام شده است. علاوه بر این، هیچ تلاشی برای سنجش این نوع خاص از فساد و مقایسه آن در بین کشورها صورت نگرفته است. آنها تسخیر دولت را به عنوان تلاش شرکت ها برای شکل دادن به قوانین، سیاست ها و مقررات ایالتی به نفع خود از طریق ارائه منافع خصوصی غیرقانونی به مقامات دولتی تعریف می کنند و روشی را

---

۸۹۳ - State Capture

۸۹٤ - WORLD BANK, ANTICORRUPTION IN TRANSITION: A CONTRIBUTION TO THE POLICY DEBATE xv (۲۰۰۰) (emphasis in original). Zhang & Vargas-Hernández, supra note ۲۵, at xiii, xiv; see also Hellman & Kaufmann, supra note ۱۷, at ۳۱ (referring to state capture as behavior of "oligarchs manipulating policy formation and even shaping the emerging rules of the game to their own, very substantial advantage").

برای اندازه گیری این شکل از فساد بزرگ بر اساس یافته ها و تجزیه و تحلیل یک نظرسنجی از نزدیک به ۴۰۰۰ شرکت در ۲۲ کشور در حال گذار توسعه داده اند.[۸۹۵]

تسخیر دولت را می توان با انواع نهادهای متمایز مشمول تصرف (قوه قانون گذاری، مجریه، قوه قضائیه، نهادهای نظارتی) توضیح داد. در برخی منابع تعریف حداقلی از تسخیر دولت ارائه شده است و در برخی منابع، تعریف حداکثری. برخی اعمال نفوذ شرکت‌ها بر فرایند شکل‌دهی و تأثیرگذاری روی قواعد اساسی بازی (یعنی قوانین، ضوابط و نظارت ها و احکام) از طریق پرداخت‌های خصوصی به مقامات را در قالب تسخیر دولت بررسی کرده اند، عده ای دیگر فراتر از آن ، دولت برآمده و دست نشانده ی باند مافیای حاکم بر منابع اقتصادی و سرمایه داران و جریان قدرتمند حاکم بر بازار را دولت تسخیر شده می دانند. برخی تسخیر دولت را به معنای ایجاد یک چارچوب قانونی ارزیابی کرده اند که متناسب با منافع اقلیت اقتصادی خاص باشد. این مفهوم تا حدودی با مفهوم ارائه شده از تسخیر دولت، توسط (هلمن و کافمن، ۲۰۰۱) و (هلمن و همکاران، ۲۰۰۳) و (گری و همکاران، ۲۰۰۴)، متفاوت است، که تنها وجود تأثیر غیرقانونی بر سیاست‌های عمومی، یعنی تحمیل غیرقانونی را پیش‌فرض می گیرند. بر خلاف آن، مفهوم تسخیر دولت می تواند، امکان نفوذ مشروع بر سیاست های عمومی را به عنوان شرط لازم برای تحلیل مقایسه ای نفوذ قانونی و غیرقانونی از این نوع فراهم کند. با معرفی نفوذ قانونی برسیاست های عمومی، مفهوم تسخیر دولت می تواند به مفهوم تسخیر نظارتی نزدیک شود.[۸۹۶] بررسی شکل های دیگری از تسخیردولت نیازمند دقت و توجه بیشتر است. چنانکه گفته شد تسخیر دولت "شکل شدید فساد" است. اگر تعبیری از فساد را کنار زدن و براندازی قوانین و ضوابط موجود توسط بروکراتهای دولتی و نخبگان سیاسی حاکم با هدف جلب منافع غیرقانونی برای خودشان تعریف کنیم، همانند این است که آنها عملا دولت را در تسخیر و تصرف خود گرفته اند و اراده دولت، همان اراده آنهاست و آنها هستند که قواعد بازی را تعیین می کنند و نحوی اجرای آن را خود تعیین می کنند و خود برآن نظارت می کنند. این مستلزم در اختیار گرفتن فرآیندهای "تصویب قوانین" و "تفسیر قوانین"، "نظارت بر اجرای قوانین" و" نحوه اجرای قوانین" در جهت منافع شخصی و خصوصی است. مطالعات تسخیر دولت می‌تواند به ما کمک کند تا بفهمیم تا چه حدی " شرکت‌ها و شبکه‌های پر نفوذ مرتبط که آن‌ها را کنترل می کنند" توانایی "شکل دادن به قوانین، سیاست‌ها و مقررات" را به دست آورده‌اند ، تا بعدا بتوانیم راه مقابله با آن

---

۸۹۵ - Joel Hellman and Daniel Kaufmann(۲۰۰۱), Confronting the Challenge of State Capture in Transition Economies , Finance & Development

۸۹٦ - Boris Begović (۲۰۰۵), Corruption, Lobbying and State Capture , Center for Liberal-Democratic Studies (CLDS) , CLDS Working Paper #۰۱۰٦ ; Posner, R.A. (۱۹۷۱): Taxation by Regulation, Bell Journal of Economics and Management Science, Vol. ۲, pp. ۲۲-۵۰; Stigler, G.S. (۱۹۷۱): The Theory of Economic Regulation, Bell Journal of Economics and Management, Vol. ۲, pp. ۳-۲۱

را پیدا کنیم.[۸۹۷] در مواردی بطور مثال شرکت‌های تسخیر کننده ممکن است با خرید حمایت از حقوق مالکیت خود از دولت، نه تنها در قالب افزایش فروش، بلکه در تأمین کالاهای عمومی مانند حقوق مالکیت، مزایای بیشتری دریافت کنند. یک نمونه آن اقدامات شرکتهای بزرگ خودروسازی در داخل کشور ایران هست، که عملا با خرید حمایت حقوق مالکیت از دولت ، توانسته اند بازار داخلی خودرو را بطور انحصاری در اختیار خودشان بگیرند. با این حال، این تسخیر، هزینه اجتماعی قابل توجهی دارد: سیاستمداران و بوروکرات ها می توانند با فروش خصوصی چنین کالاهای عمومی ، به چند شرکت منفرد در ازای منافع و دریافتی های اقتصادی، حمایت آنها را هم جلب و ریسک ماندن در جایگاه سیاسی خود را به حداقل برسانند[۸۹۸]، ضمن اینکه می دانیم این حمایت به عموم جامعه نخواهد رسید. توجه به این نکته نیز حایز اهمیت است که، کلیه اختیارات ناشی از جایگاه سیاستمداران و بروکراتها، خود ناشی از نمایندگی از طرف عام (جامعه) است و به تعبیری حمایت سیاستمداران و اختیارات آنها خود یک کالای عمومی تلقی می گردد که همه شهروندان واجد شرایط قانونی، باید ازآن سهم ببرند، اما آنها می تواند آن را در جاهایی که منافع شخصی شان بیشتر اقتضا کند، آن را نقد کند و به حمایت همان بخش ها متکی بمانند.

مشکل سوء استفاده از موقعیت و جایگاه توسط مقامات سیاسی و اداری و اجرایی، در همه جوامع کما بیش وجود دارد. اما پرسش این است که چرا تسخیر دولت در کشورهای در حال گذار بیشتر از جاهای دیگر وجود دارد؟ عوامل متعددی وجود دارد که منافع تسخیر کنندگان را در معرض خطر قرار می دهد. یکی از آنها این است که اکثر این کشورها اصلاحات اقتصادی جزئی و ناقصی را انجام داده اند که باعث ایجاد انحراف به نفع یک گروه خاص در بازار شده و از این رو الگویی از سودهای متمرکز و زیان های پراکنده در کوتاه مدت ایجاد کرده است. گروه کوچکی از مردم می توانند رانت های قابل توجهی را از این دستکاری ها و مداخلات و تحریف ها استخراج کنند. برای مثال، چنین تحریف‌هایی شامل شرکت‌های دولتی است که با قیمت‌های پایین به سیاستمداران و نزدیکان و بستگانشان فروخته می‌شوند، یا قوانین و ضوابط جدیدی هستند که به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به نفع فعالان اقتصادی خاص دریک بخش خاص به قیمت از دست رفتن رقابت آزاد و منصفانه برای همه می باشد. تمرکز قدرت اقتصادی و سیاسی در جایی که معمولاً جامعه مدنی ضعیف است، با احتمال بیشتری منجر به تسخیر جدی دولت می شود.[۸۹۹]

---

۸۹۷ - Daniel C. Bach, State ‘Capture’ Without State Control: Regionalization Through Trans-State Networks, in STATE, POWER, AND NEW POLITICAL ACTORS IN POSTCOLONIAL AFRICA ۲۳۵, ۲۳٦ (Alessandro Triulzi & M. Cristina Ercolessi eds., ۲۰۰٤

۸۹۸ - Boris Begović (۲۰۰۵),Ibid

۸۹۹ -https://www.imf.org/external/pubs/ft/fandd/۰۹/۲۰۰۱/hellman.htm” Confronting the Challenge of State Capture in Transition economics.“

بدون شک یکی از اقدامات کسانی که حکومت را در تسخیر خود دارند، تضعیف جامعه مدنی است، چون آنها نمی خواهند از منافع حداکثری خود کوتاه بیایند. علاوه بر تضعیف جامعه مدنی پیامد دیگر تسخیر دولت ، ایجاد یک طبقه به حاشیه رانده شده، اکثریت طرد شده و طبقه محروم گسترده در جامعه است و مصون ماندن اقلیتی که بیشترین منافع را از حکومت می برند.[۹۰۰] به عبارتی یک طبقه سودجو پستان های اقتصاد را به عنوان یک گاو شیرده چسبیده و رها نمی کنند. پیامد محرومیت و در حاشیه ماندن طبقات طرد شده،کشیده شدن آنها به منجلاب فسادهای سطح پایین وجرایم خیابانی و یا انجام حرکت های اعتراضی و شورش علیه حکومت است.[۹۰۱]

در کشوری که متولیان دولتی به خوبی توسط قانون محدود شده اند، تعقیب منافع تجاری خصوصی بسیار بعید است بتواند از طریق تسخیر دولت به فاسد منتهی شود. به عبارت دیگر وقتی ترتیبات نهادی حاکمیت قانون و حقوق اجتماعی و مدنی را تضمین می کند که خدمتگزاران و سیاستمداران (یعنی متولیان دولتی) به اندازه کافی توسط قانون محدود شده اند (بطوری که امکان سوء استفاده از موقعیت و مقام برایشان مقدر نباشد)، فساد و سایر اشکال جرایم و معافیت ها از مجازات به حداقل خواهد رسید.[۹۰۲] از نقطه نظر حقوقی ، این امکان از طریق اصل حاکمیت قانون محقق می شود .حاکمیت قانون شامل سه مفهوم مهم میباشد: (۱) قانون عالی ترین مرجع است. (۲) همه شهروندان در برابر قانون برابرند. و(۳) حقوق افراد باید از طریق تصمیمات دادگاه صالح احراز شود و احکام آن پذیرفته و محترم شمرده شود.[۹۰۳]

تا آنجا که به سیاستمداران مربوط می شود، ترس از بی ثباتی اجتماعی، که معمولاً به دنبال دوره ای از حکمرانی بد یا خطر شکست در انتخابات بعدی می آید، به طور بالقوه می تواند بر کاهش منافع شخصی در نهادهای دولتی تأثیر بگذارد. دعاوی کیفری یکی دیگر از انگیزه های منفی قوی است که به جای حکومت داری خوب عمل

---

۹۰۰ -John Mbaku(۲۰۱۸), Rule of Law, State Capture, and Human Development in Africa, American University International Law Review, Volume ۳۳ Issue ٤, Article ٤

۹۰۱ - نقش رسوایی های فساد – جدا از سطوح پیشینه فساد – در بسیج مخالفان مردمی و شکل گیری حرکت های اعتراضی خود یک موضوع جالب برای بررسی است. اولا– رابطه بین فساد و اعتراض در کشورهایی که سطوح بالایی از فساد دارند، اما رسوایی‌های کمی دارند (که شاید به دلیل محدودیت‌های شدید در آزادی مطبوعات کمتر امکان انعکاس اخبار مربوط به فساد مقامات ممکن باشد) نسبت به کشورهایی که با سطوح عموماً پایینی از فساد که گاه به گاه یا به ندرت رخ می دهد ، اما به خوبی توسط رسانه ها و مطبوعات اطلاع رسانی می‌شوند، متفاوت است. ثانیاً، برخی از محققان بین اعتراضاتی که به طور خاص ماهیت "ضد فساد" دارند از یک سو و اعتراضاتی که ناشی از طیف وسیعی از نارضایتی ها و شکایات است که ممکن است به فساد هم مرتبط باشد، از جمله در مواردی مانند انتخابات تقلبی، دستمزدهای پرداخت نشده و عملکرد ضعیف اقتصاد کلان ، تمایز قائل می‌شوند. (لوئیس ۲۰۲۰: ۴). در حالی که معترضان در مورد دوم ممکن است همیشه در شناسایی فساد به عنوان هدف اصلی اقدام خود صریح نباشند،اما اغلب همان فساد نقش اساسی را به عنوان محرک نارضایتی آنها ایفا می کند. علاوه بر این، معترضان در جنبش‌هایی که در واکنش به نارضایتی‌های اقتصادی-اجتماعی مختلف رخ می دهد، اغلب آگاهانه تصمیم می‌گیرند که شکایات و نارضایتی های خود را بیان کنند.ر.ک به :

Matthew Jenkins and Isabelle Büchner(۲۰۲۱),The relationship between corruption and protest, Transparency International Anti-Corruption Helpdesk Answer.

۹۰۲ - John Mbaku(۲۰۱۸), Ibid,p ٤۹

۹۰۳ - Ibid

می کند. اما از آنجایی که بخش دادگستری نیز غالباً تسخیر می شود، متأسفانه این آخرین راه حل است. بازیگران خوب عرصه بین الملل متوجه شده اند که فشار یا پاداش بین‌المللی (مانند پیوستن به ائتلاف های جهانی، اتحادیه های منطقه ای و یا سازمان های بین المللی) می‌تواند ابزار بسیار قدرتمندی برای اصلاح نظام حکمرانی باشد، همانطور که کشورهای عضو جدید اتحادیه اروپا ، تلاش‌های بزرگ و سریعی را در حوزه حکمرانی برای رسیدن به هدف (ورود به اتحادیه اروپا) انجام داده‌اند.[۹۰۴]

با شناخت ابعاد مختلف پویایی تسخیر دولت، امروزه درک بسیار واضح تری از عوامل زیربنای تداوم فساد در بسیاری از کشورهای در حال گذار به دست آمده است. برمبنای همین شناخت گفته می شود که مبارزه با فساد در اقتصاد تسخیر شده بسیار دشوار است. در واقع اگرچه وجود فساد معمولاً به عنوان نشانه‌ای از نهادهای دولتی ضعیف تلقی می‌شود، تحلیل ها، نیروهای قدرتمندی را برجسته می‌کند که علاقه زیادی به پرورش و حفظ همین نهادهای دولتی ضعیف و به عباراتی نهادهای دولتی مطیع ، تحت کنترل و تحت امر و فرمان (قدرتهای در سایه یا پشت پرده) دارند. هر گونه اصلاحاتی برای بهبود چارچوب نهادی، که ممکن است این مزیت های بسیار متمرکز را تضعیف کند، به شدت با مخالفت و مانع تراشی تسخیر کننده هایی که نفوذ سیاسی دارند مواجه می شود و آنها در برابر هرگونه اصلاحاتی خواهند ایستاد، در نتیجه، مقابله با مشکل تسخیر دولت، نه از طریق انجام اصلاحات بلکه خود پیش نیاز انجام اصلاحات به منظور بهبود حکمرانی و تقویت محیط قانونی، قضایی و نظارتی است. اقتصاد تسخیر شده ، وجه بارزی از دولت تسخیرشده است. اما هنگامی که اقتصاد تسخیر شده است، چگونه کشور می تواند از دور باطل آن خارج شود؟[۹۰۵]

یک تلقی دیگر از موضوع تسخیر اقتصادی این است که فرض کنیم تلاش های شرکت ها برای تأثیرگذاری بر قوانین، سیاست ها و مقررات محیطی که آنها در آن فعالیت می کنند، یک فرآیند عادی و در واقع سالم را تشکیل دهند که برای همه کشورها مشترک است، اما آنچه این گونه تعاملات را در اقتصاد تسخیر شده متمایز می کند، طرد شدگی است. به این معنا که برخی از شرکت ها از امتیازات انحصاری برای تأثیرگذاری بر تصمیمات عمومی برخوردار هستند ، در حالی که برخی دیگر به طور سیستماتیک کنار گذاشته می شوند و مقامات را قادر می سازد تا انتخاب هایی را انجام دهند که منافع را بر کسانی متمرکز کند که همراهی و دسترسی بیشتری با دستگاه دارند و هزینه های بالا برای کسانی است که کنار گذاشته شده اند و یا نادیده انگاشته شده اند. اگرچه راه‌حل‌های کلی برای

---

۹۰٤ - Joel Hellman and Daniel Kaufmann(۲۰۰۱), Confronting the Challenge of State Capture in Transition Economies , Finance & Development.

۹۰٥ -Ibid

رفع چنین مشکلاتی شفافیت و رقابت است و تاکنون به طور فزاینده‌ای مورد تایید قرار گرفته اند. راه‌های خاص و منحصر بفردی که از طریق آن اصلاحات بتوان مانع از تسخیر دولت شد چندان آشکار نیست.[۹۰۶]

فقدان شفافیت با رقابت ناکافی بین شرکت‌ها و سایر حوزه‌ها برای تأثیرگذاری بر فرآیندهای مشورتی دولت همراه است. در اقتصاد تسخیر شده، نفوذ سیاسی در انحصار شرکت‌های قدرتمند در سطوح مختلف دولت است، با حداقل کنترل‌ها و توازن‌هایی که توسط منافع جمعی اعمال می‌شود. در چندین کشور در حال گذار، انحصار کانال های نفوذ سیاسی نشان دهنده ساختار زیربنایی اقتصاد این کشورها است، به ویژه کشورهایی که تمرکز بالای در تسلط بر منابع طبیعی و ملی مانند نفت و سایرمعادن توزیع بسیار نابرابر قدرت را در بین شرکت‌ها و بخش‌های مختلف ایجاد می کند. در کشورهای دیگر، چنین انحصاری منعکس کننده محدودیت های مستمر در میزان رقابت سیاسی است. تقویت رقابت در اقتصاد و در بازار برای نفوذ سیاسی چالش اصلی در جلوگیری و مبارزه با تسخیر دولت است. در اینجا توافق گسترده ای در مورد گام های مورد نیاز برای دستیابی به اصلاحات وجود دارد، مانند تجدید ساختار انحصارها برای افزایش رقابت، تشویق تجارت، و ایجاد یک محیط تجاری مطلوب تر.[۹۰۷]

(رزآکرمن ، ۱۹۹۹) میان دزدسالاری هایی که فساد در آنها از بالاترین مقامات دولت تا پایین سازماندهی شده است با دولتهایی که رشوه خواری در میان تعداد زیادی از مقامات سطح پایین آنها رواج دارد ، تمایز قائل هست.[۹۰۸]
او چهار گونه دولت فاسد را مطابق جدول زیر از هم متمایز می کند :

انواع دولت های فاسد

رشوه ستانی کم	رشوه ستانی مضاعف	
انحصار دوجانبه	دولت دزدسالار : ۱ –حالت زورگو/ زیاده ستان/ اخاذ ۲ –حالت ضعیف / کم رمق/	هییت حاکمه رشوه ستان در راس دولت متمرکز هستند.
دولت : تحت سلطه مافیا	رشوه خواران متعدد، رشوه دهندگان اندک چندین رشوه گیرنده درحال رقابت با یکدیگر	رشوه ستان های متعدد در سطوح پایین دولت قرار دارند.

(پویا آزادی، ۲۰۲۰) در مقاله ای با عنوان "ساختار فساد در ایران"، معتقد است در میان پنج گروه گسترده فساد که امروزه در ایران رایج است، فساد سیاسی که از آن به عنوان "فساد بزرگ" یا " تسخیر دولت" یاد می‌شود، با اختلاف بسیار مهم‌ترین نوع فساد است. فساد سیاسی در ایران بصورت مجموعه وسیعی از فعالیت ها از جمله پارتی

---

۹۰۶ -Ibid
۹۰۷ - Ibid
۹۰۸ - Susan Rose-Ackerman(۱۹۹۹),Corruption and Government: Causes, Consequences, and Reform, Cambridge University Press,p ۱۱٤.

بازی، تبارسالاری و انتصابات فامیلی ، فساد در انتخابات، قاچاق و پولشویی ، دستکاری در بازار بورس ، دستکاری در نظام آمارگیری ،انواع فسادهای کلان مالی وجود دارد و شواهد نشان می دهند، صرف نظر از اینکه ایران در کجای نردبان فساد جهانی قرار دارد، قطعا ، فساد در ایران سیستماتیک شده است، یعنی فساد عمیقاً در سیستم های سیاسی و اداری جا افتاده است و دیگر نمی توان آن را تنها به رفتار سرکش تعداد محدودی از بوروکرات ها نسبت داد.[۹۰۹]

شاید برای برخی تعجب آور باشد، ولی واقعیت این است که خطرتسخیر دولت، حتی ساختار قدرت در کشورهای دموکراتیک غربی همچون ایالات متحده آمریکا و برخی کشورهای اروپایی را هم تهدید می کند و این موضوع بسیاری را نگران کرده است. (توماس پیکتی،۲۰۱۶) استاد برجسته اقتصاد مدرسه لندن و دانشگاه پاریس نگرانی خود را چنین مطرح می کند : "آیا الیگارشی یا پلوتوکراسی آینده آمریکا خواهد بود؟ او معتقد است، تصمیم اخیر دادگاه عالی که تمام محدودیت‌های مربوط به بودجه خصوصی برای کمپین‌های سیاسی را لغو کرد، این نگرانی را دوباره برانگیخت. صدها میلیون دلاری که توسط برادران کوچ میلیاردر بیش از حد جمهوری خواه برای تبلیغات تلویزیونی و اتاق های فکری که از کاندیداهای راست افراطی حمایت می کنند، به نماد ثروت همه جانبه تبدیل شده است. شبح لغزش به سمت ابر نابرابری و سیاستی که به طور فزاینده ای خطر تسخیر دولت توسط "یک درصد" را افزایش می دهد، موجب بالا گرفتن بحث های سیاسی داغی در سراسر اقیانوس اطلس شده که هرگز قبلاً چنین نگرانی هایی وجود نداشته است. اکنون چندین سال از جنبش اشغال وال استریت می گذرد و شعارهای عجیب آنها ("ما ۹۹ درصد هستیم") اروپا را غافلگیر کرد. قاره ما (اروپا) به مراتب بیشتر درگیر آن است – تا حدی به دلایل خوب مدرنیزه کردن دولت رفاه و اختلالات پول واحد آن(یورو واحد پول اتحادیه). او می گوید اگر پرزیدنت اوباما توانست نابرابری را "چالش تعیین کننده زمان ما بداند"، بیش از همه به این دلیل است که افزایش نابرابری در ایالات متحده به طور غیرقابل مقایسه ای گسترده تر شده است. ابتدا کشور شاهد افزایش بی سابقه ای در حقوق سوپرمدیران بود. (مدیران بلند مرتبه و نجومی بگیران پرنفوذ) و اکنون تمرکز فزاینده ثروت است که به نظر می رسد به موضوع اصلی تبدیل شده است. سهم ثروت ملی در اختیار یک درصد ثروتمندترین افراد در آمریکا به قله و ارتفاعات خطرناکی که در رژیم باستانی یا (Belle Époque) اروپا دیده می شود نزدیک می شود. برای کشوری که تا حد زیادی به عنوان نقطه مقابل جوامع پدری اروپا تأسیس شده است، هشدار بیدار باش بی ادبانه است.[۹۱۰]

۹۰۹ - Pooya Azadi,(۲۰۲۰),The Structure of Corruption in Iran, Stanford University, https://www.researchgate .net /publication/۳۴۳۶۹۹۶۰۵

۹۱۰ - thomas piktty (۲۰۱۶), Why Save the Bankers? ,boston .new York,p۱۱۴.

(آدام گارفینکل، ۲۰۱۲) در کتاب خود با عنوان "پلوتوکراسی و دموکراسی : چگونه پول ، سیاست و فرهنگ را به فساد می کشد."، از ماجرای کشاکش و رویارویی میان اکثریت مردم آمریکا و طرفداران دموکراسی با اقلیت ثروتمند و سرمایه داران پر نفوذ در تاریخ پرفراز و نشیب آمریکا و از امواج مختلف پلوتوکراسی می گوید. او معتقد است از بدو تاسیس آمریکا، ثروتمندان وسرمایه داران به‌طور نامتناسبی بر سیاست آمریکا تأثیر گذاشته‌اند، دموکراسی در آمریکا بطور مداوم تحت تاثیر دموکراسی توده ای یا پوپولیسم از یک سو و پلوتوکراسی از سوی دیگر بوده است و امروزه یقه آبی ها و طبقه متوسط بالا و صاحبان حرفه و اهل فن مانند پزشکان، اساتید دانشگاه و وکلا و روزنامه نگاران با خشم پوپولیستی در مورد ثروتمندان و وال استریت همذات پنداری می کند.[۹۱۱] فرانسیس فوکویاما در فصل سوم همان کتاب با عنوان "ضعف پوپولیسم لیبرال "، به این سوال که "آیا آمریکا یک پلوتوکراسی است؟" اینگونه پاسخ می دهد : فرهنگ لغت می گوید پلوتوکراسی به سادگی به معنای "حکومت ثروتمندان" است. اگر پرسش شما به معنای واقعی کلمه به این معنی است که غیر ثروتمندان یعنی اکثریت قریب به اتفاق شهروندان آمریکایی - هیچ تأثیری در دموکراسی آمریکایی ندارند و یا اینکه کشور خودآگاهانه توسط برخی نخبگان از طریق یک تبانی پنهان اداره می شود، پاسخ بدیهی این است که " خیر"، اما اگر این سؤال به این معنا در نظر گرفته شود که : " ثروتمندان نفوذ سیاسی نامتناسبی در ایالات متحده دارند؟ "، پاسخ بدیهی این است که "بله" است و این پاسخ به عنوان یکی از پاسخ های واجد شرایط است، زیرا بطور غیر قابل تصوری ، افراد ثروتمند بطور نامتناسب در اکثر سیاستگذاری ها و در بیشتر ادوار تاریخ این کشور نفوذ داشته اند.[۹۱۲]

دولتهای گانگستر

(تئودور دارلیمپل، ۲۰۱۰) براساس شواهد تاریخی و داده های مختلف علمی معتقد است : بسیاری از فقرای جهان، ذاتاً فقیر نیستند، فقط بارها مورد سرقت و یا غارت قرار گرفته اند. آنها چیزی ندارند چون ثروتشان در این مورد، توسط مقامات غارتگر خودشان به یغما رفته است. [۹۱۳] این زبان حال مردم در دولت تسخیر شده هم هست. این وضعیت را با کشوری که توسط دشمن خارجی متجاوز اشغال شده و تصرف شده، اشتباه نگیرید. در این موارد اصطلاح "فساد" نشان می دهد که این جوامع آمال و آرزوی دموکراتیک بودن را هم دارند ، اما به نوعی توسط نیروهای بدخواه دارای روحیه حرص و طمع یا رفتارهای رانت جویانه از سوی مقامات دولتی خودشان به بیراهه کشیده شده اند.

نوعی دیگر از دولت‌های تبهکار، غارتگر یا دزد سالار در توصیف برخی از اقتصادهای سیاسی در حال گذار تعریف می‌شود که به طور موقت انحصارات اقتصادی استخراجی (مانند امتیاز استخراج معادن) را در قلمرو

۹۱۱ - Adam Garfinkle(۲۰۱۲),plutocracy and democracy , The American Interest, Washington, DC.pp۳-۲۰
۹۱۲ - Ibid, Chapter ۳: Francis Fukuyama,The Weakness of Liberal Populism,p۳۵
۹۱۳ - Dalrymple, Theodore (۲۰۱۰) Life at the Bottom. London: Monday Books. Kindle edition.

جغرافیایی مشخص شده ای رسمیت می‌دهند. هنگامی که مرزهای سرزمینی تثبیت می شود، تاسیسات غارتگرانه شبیه به یک دولت دزدسالار ابتدایی شکل می گیرد که با اتکاء بر نیروهای امنیتی که فراتر از اعمال انحصاری به فعالیت هایی که معمولاً مرتبط با دولت هستند، تغییر کاربری داده و در اموری همچون سازماندهی تولید اقتصادی، حل مناقشه و دفاع ارضی فعالیت دارند.[۹۱۴] قلمروی دولت دزدسالار ثابت یا ساکن نیست و در صورت مساعد بودن شرایط، نخبگان دزدسالار به دنبال گسترش نفوذ و افزایش دامنه قلمروهای استعماری اطراف یا اکسپانسیونیسم(توسعه طلبی) خواهند بود. از سوی دیگر، هسته استخراجی دزدساری انگیزه ای برای درگیری با گروه های همسایه و همچنین تهی شدن همه جانبه منابع ایجاد می کند که ممکن است در نهایت منجر به افول یا سقوط سیاسی-اقتصادی شود.[۹۱۵]

(کاترین هیرشفیلد،۲۰۱۵) در کتابی با عنوان "دولت های گانگستر" ، گانگستریسم را به انحصاردرآوردن خشونت آمیز منابع تعریف می کند. در این معنا روحیه گانگستریسم می تواند در هر رفتار فردی استبداد منشانه ای هم وجود داشته باشد. وی این تعبیر را از نظریه انتخاب طبیعی و نظریه تکامل داروین اقتباس نموده است. به زعم او سیاستمداران و شیادان انسان های تکامل یافته طبق نظریه انتخاب طبیعی داروین هستند. به اعتقاد وی دولت های گانگستری و دزد سالار امروزی در واقع از تکامل باندهایی که پیش تر در کار غارتگری و انحصار خشونت آمیز اموال و منابع دیگران بودند، شکل گرفته است، با همین منطق استعمار نو شکل تکامل یافته استعمار کهن است. با این حال، او معتقد است تعبیر "دولت‌های گانگستر یا دولت های تبهکار و غارتگر"[۹۱۶]، دولت‌های وستفالیایی نیستند که توسط بازیگران بد فاسد شده باشند. بهره برداری غارتگرانه اقتصادی، گسترش سرزمینی و استخراج منابع و ثروت اصول سازماندهی وجودی دولت های دزدسالار یا غارتگر و گانگستر است.[۹۱۷]

با اتکاء بر توصیف و تعبیری که او در کتاب خود بکار برده است می توان دریافت که هم اکنون نیز در دنیایی بسر می بریم که انواع گوناگونی از دولت های دزدسالار، غارتگر و گانگستری، از شکل بدوی آن در مناطق عقب مانده تا شکل مدرن و پیشرفته آن در جهان مدرن مواجهیم. شکل بدوی آن در واقع باندهای فاسد و غارتگری ، کمی تکامل یافته تر در شکل دولت های فاسد یا تسخیر شده می توانند دسته بندی شوند. آنها عملا بر سرنوشت و منابع ملت های خودشان سیطره دارند و با فریبکاری و باج خواهی و چپاول ثروت آنها بر آنها حکومت می کنند. لیکن ویژگی دولت های گانگستری تکامل یافته و مدرن جالب توجه تر است که از قضا همکاری هایی با دزدسالاران حاکم بر دولت های گانگستر بدوی دارند. دولتهای دزد سالار بدوی اغلب در نقش

---

۹۱۴ – شکل ابتدایی تاسیسات دزدسالاری غارتگرانه کمپانی هند شرقی نماینده دولت بریتانیا است که برمنابع هند و خاورمیانه دست اندازی داشت.

۹۱۵ - Katherine Hirschfeld,(۲۰۱۵),p ٦٨.

۹۱٦ - gangster-states

۹۱۷ - Katherine Hirschfeld,(۲۰۱۵),Ibid, p ١٦.

حاکمان دست نشانده از سوی دولت های دزدسالار مدرن ظاهر می شوند. با همین تعبیر کلیه دولت هایی که طی بیش از نیم قرن گذشته سابقه مداخله و تجاوزگری ، تهاجم نظامی و اعمال تحریم های اقتصادی یک جانبه علیه ملت های دیگر، توطِئه سیاسی و کودتا ، حمایت از حکومت نظامیان و جنگ سالاران و ایجاد دولت های دست نشانده در پرونده خود دارند ، باید در زمره دولت های گانگستری تکامل یافته به حساب آورد .آنها هنر فریب افکار عمومی جهان از طریق تاثیر و نفوذ بر نهادها و سازمانهای بین المللی همچون سازمان ملل را هم در کارنامه خود دارند. در پیشینه و سابقه این دولت ها، اشغالگری، غارت منابع طبیعی کشورهای ضعیف، تحمیل قراردادهای تجاری یکطرفه، توسعه طلبی، جنگ سالاری و رفتارهای امپریالیستی و استفاده از زور و قدرت نظامی برای به تمکین واداشتن دیگر کشورها ، اعمال تحریم های یکجانبه، سوء بهره برداری از حق وتو در جهت منافع خویش به جای اهتمام به موضوع امنیت جهان وجود دارد.

رویکرد این دولت ها باج خواهی ، زورگویی ، تحمیل اراده خویش به کشورهای ضعیف و جهان سومی بوده است. این کشورها به تعبیری محور اصلی شرارت در دنیا هستند که از جمله آنها می توان به ایالات متحده آمریکا، روسیه، انگلیس ، فرانسه ، برخی دیگر از کشورهای اروپایی دارای سابقه مستعمراتی اشاره کرد. عمده تلاش سیاسی آنها، اشغالگری، توسعه طلبی ، ایجاد حکومت های دست نشانده ، تحریک یا تحریم کشورهای خارج از چارچوب بازی و بحران آفرینی در آنها و دامن زدن به سیاست های مداخله گرایانه ای بوده است که نتیجه اش بویژه در کشورهای اسلامی، رشد افراط گرایی مذهبی و تروریسم بوده است.

میان دولت های گانگستر و دولت های دموکراتیک تنها می توان با کمک برخی معیارهای قابل اعتبار تمایز قایل شد، زیرا دولت های گانگستر هم ممکن است به ابزارها و رویکردهای به ظاهر دموکراتیک متوسل شوند. یکی از عناصر کلیدی که دولت های گانگستری را از دولت های دموکراتیک متمایز می کند ، استفاده از نیروهای امنیتی (پلیس و ارتش) است ، آن هم نه برا ی دفاع یا حمایت از حقوق شهروندان ، بلکه به عنوان ابزار اعمال انحصار، جمع آوری ثروت برای نخبگان و توسعه طلبی.[۹۱۸] در یک دولت گانگستری بدوی ، اگر یک خبرنگار پرده از فساد و یا جنایات مقامات دولتی و امنیتی برداشت، خبرنگار را بازداشت و او روانه زندان می کنند ، ولی در یک دولت دموکراتیک با ثبات، مطبوعات آزاد ناظر بر عملکرد سیاستمداران هستند ، و مقام دولتی فاسد یا مجرم سریعا برکنار می شود ، یا استعفا می دهد. در این میان دولت های گانگستری تکامل یافته و بهره مند از ابزارها و رویکردهای به ظاهر دموکراتیک ، انحصار کل شبکه خبری و مطبوعاتی کشور را در سیطره

۹۱۸ - Katherine Hirschfeld,(۲۰۱۵),Ibid

خود دارند و افکار عمومی جامعه را با نحوه ارائه اخبار از سوی خود نسبت به تحولات سیاسی و نحوه حکمرانی خود در جهت مطلوب و دلخواه خویش به گونه ای مدیریت و هدایت می کنند، که اصل سیستم از پیامدهای سوء رفتار کارگزاران مصون بماند. در میان دولت های مدرن گانگستری ، ایالات متحده امریکا تکامل یافته ترین است، زیرا مدرن ترین ابزارهای دموکراتیک (مانند شبکه های خبری بزرگ و رسانه های اجتماعی) را در خدمت اهداف گانگستری خود به خدمت گرفته است. رفتارهای زورگویانه دولتمردان آمریکا تاکنون واکنش چندین صاحب نظر از محافل داخلی امریکا و تعدادی از مقامات سیاسی دیگر کشورها را در پی داشته است. بطور مثال دیوید فروم ، ستون نویس نشریه آتلانتیک، دونالد ترامپ را رییس جمهوری قانون شکن و با ذهنیت یک گانگستر توصیف کرد و نوشت : تا زمانی که وی در رأس قدرت است، کاخ سفید را یک گانگستر اداره می کند.[۹۱۹] در موضع گیری دیگری نیکولاس مادورو ، رییس جمهوری ونزوئلا دولت آمریکا را به بحران آفرینی در کشورش متهم کرد و دولت واشنگتن را یک "گروه گانگستری افراط گرا" توصیف کرد.او که کشورش سالها تحت تحریم های شدید آمریکا بوده است و اثرات تحریم اقتصادی از طریق افزایش تورم و کاهش ارزش پول ملی آن کشور بر مردم ونزوئلا فشار مضاعف آورده است، در مصاحبه‌ای با شبکه خبری بی‌بی‌سی گفت: دولت آمریکا یک دولت زورگو و جنگ سالار است که به دنبال تسلط و به دست آوردن کنترل ونزوئلا است. او همچنین گفت : دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا یک "برتری جوی سفید پوست" است .آنها از ما متنفر هستند. آنها ما را حقیر می کنند، چون منافع خودشان را برتر می‌دانند.[۹۲۰] سخنگوی وزارت خارجه چین هم ، در پی مداخله دولتمردان آمریکا در امور تایوان، امریکا را گانگستر و قلدر خواند و واشنگتن را عامل بی ثبات کننده و مانع اصلی صلح در منطقه معرفی کرد.[۹۲۱]

فساد ، دشمن حکمرانی خوب

باآنکه شواهد گوناگون نشان داده که فساد حکومت داری خوب را تا سرحد نابودی ، تهدید می کند و علل اصلی سقوط بسیاری دولت ها فساد است. اما گاهی اوقات مشکلات و پیامدهای فساد توسط افرادی در درون حاکمیت کوچک انگاری و توجیه می شود. آنها می گویند: " همه کشورها، از جمله حتی کشورهای ثروتمند، دارای فساد هستند. هیچ کشوری مصون از فساد نیست. پس چرا در مورد آن غوغا سالاری می کنید؟ " برخی افراد

---

۹۱۹ – به نقل از خبرگزاری ایرنا : ۸ دی ماه ۱۳۹۸
https://www.irna.ir/news//۸۳۶۱۳۰۰۵

۹۲۰ – به نقل از خبرگزاری ایسنا : ۲۴ بهمن ماه ۱۳۹۷ : https://www.isna.ir/

۹۲۱ – خبرگزاری فارس : ۱۴۰۱/۵/۲۷ : چین خطاب به آمریکا: شما گانگستر و قلدرید : https://www.farsnews.ir/world/asia-pacific

حتی با ژستی کارشناسانه و روشنفکرانه نمونه هایی از آن را ذکر می کنند که کشورهایی ظاهراً از طریق فساد راه شکوفایی پیموده اند، گویی به این معناست " فساد صرفاً راهی برای چرب کردن چرخ‌های جامعه و اداره روان تر آن است." و از آن گریزی نیست.[۹۲۲]

به نظر می رسد این توجیهات روشی برای پاک کردن صورت مساله است تا حل مساله. درست است که فساد یک مشکل گسترده در سطح جهانی است. فساد در سطح شخصی عملاً در هر جامعه ای وجود دارد، همچنین رسوایی های فساد انگیز شخصی و باندی در کشورهایی که از نظر اقتصادی پیشرفته هستند نیز نسبتاً صادق هستند. اما در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، فساد تقریبا امری بومی شده کاملاً نهادینه شده و عمیق و گسترده است بگونه ای که واکنش افراد جامعه در برابرآن بی تفاوتی است. بخش زیادی از جامعه از اعتراض نسبت به آن دست کشیده و در عوض آن را به عنوان بخشی از زندگی روزمره خود پذیرفته است. در این کشورها ، فساد بیماری فراگیر لاعلاجی شده است که قاتل حکمرانی خوب است. به راحتی می توان به ارقام تکان دهنده ای در مورد میزان فساد و حیف و میل و سوء استفاده ی همه ساله از منابع و بودجه عمومی در این کشورها اشاره کرد، اما این تنها بخشی از داستان تلخ این جوامع است. فاجعه بارتر این است که فساد کل سیستم حکومتی را ناکارآمد و بی اعتبار می کند. سطح فساد در این جوامع به طور مستقیم سطح حاکمیت قانون را تعیین می کند. هرکسی میتواند با کمک پول هر تصمیم دولتی، سیاست ملی یا حکم محاکم قضایی و دادگاه ها را خریداری کند، در این جوامع عملا حاکمیت قانون به سخره گرفته شده. در این جوامع به چنگ آوردن قدرت سیاسی به بلیط رایگانی برای کسب ثروت تبدیل می شود ، مردم بویژه ثروتمندان و متنفذین برای به دست آوردن آن دست به هر خباثت و جنایت و فسادی می زنند. به رغم وجود برخی ظواهر دموکراتیک ، این یکی از دلایلی است که مبارزات انتخاباتی در بسیاری از این کشورها اغلب با فساد ، خشونت ، جنایت ، زد و بند ، تقلب و فریب همراه است.[۹۲۳]

دیدن اینکه چگونه فساد سیاسی در سال های اخیر پیچیده تر شده است ، مایوس کننده است. رهبران فاسد دولتی و شرکای تجاری آنها یاد گرفته اند که از تکنیک های روابط عمومی هوشمند برای توضیح دادن شواهد جنایات خود از طریق افسانه های چشمگیر استفاده کنند – چیزی که برخی اکنون آن را "حقایق جایگزین" می نامند – که حاکمیت فاسد از طریق کنترل و انحصار خود بر رسانه ها و متحدان آنها در جامعه روشنفکری همان روایت خود را پخش می کند. عملا سطح منازعات بجای مبارزه واقعی با ریشه های فساد به نوعی تبدیل به یک جنگ تبلیغاتی بر سر اتهامات و رفع اتهامات، و آنچه که تحت عنوان "جنگ روایت ها" گفته می شود، تقلیل می یابد. هرجریان و

---

۹۲۲ - Julien Hanoteau & Virginie Vial(۲۰۱٤),Grease or Sand The Wheel? The Effect Of Individual Bribes On The Drivers Of Aggregate Productivity Growth, Journal of Indonesian Economy and Business. Volume ۲۹, Number ۱, pp۱ – ۱٦

۹۲۳ - Muhammad Yunus & Karl Weber,(۲۰۱۷), A world of three zeros : the new economics of zero poverty, zero unemployment, and zero carbon: First edition., New York , Public Affairs, p۱۵۸

جناح سیاسی برای کسب قدرت تلاش می کند روایت خود را رسمیت ببخشد و روایت دیگری را باطل بداند. سخنگویان حاکمیت در مقابل معترضان و اپوزیسیون می ایستند و بر این باورند که هرکس با روایت آنها مخالفت کند، خائنی است که مزدور دشمن است و شایسته اشد مجازات و محاکمه می باشد.آنها به این ترتیب قدرت را دو دستی و سفت می چسبند و برای حفظ قدرت خود ، فساد را پاس کاری می کنند.[۹۲۴]

فساد و فرهنگ سازمانی

فساد در هر نظام سیاسی و اداری همچون لایه های مختلف یک پیتزا به هم وابسته و چسبیده است و یک کل واحد را تشکیل می دهد. جرم شناسان علاقه مند به مطالعه تخلفات شغلی و شرکتی استدلال کرده اند که یک جزء مهم هر سازمان تجاری، فرهنگ یا فضای اخلاقی آن است. یک کسب‌وکار مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های هنجاری را به کارکنان خود ارائه می‌کند که رفتار غیراخلاقی یا غیرقانونی را تحت شرایط خاص تجویز می‌کنند، و همچنین مجموعه‌ای از مشوق‌ها و تحریم‌ها را با هدف تضمین تبعیت ایجاد می‌کنند.

شواهد تجربی حاکی از این واقعیت است که برخی از صنایع نسبت به سایرین دارای نرخ بالاتری از تخلفات کیفری و مقرراتی هستند و در یک صنعت معین برخی از شرکت ها بیش از سایرین دست به تخلف و جرم می زنند. جرم شناسان توضیح می دهند که چنین نظم های تجربی نمی تواند ناشی از موضع گیری های انگیزشی متفاوت بازیگران فردی باشد، بلکه می تواند به دلیل شرایط فرهنگی موجود در صنایع و یا شرکت ها باشد. به این ترتیب فرهنگ سازمانی به عنوان عامل مهمی در تبیین تنوع در بزهکاری یقه‌سفیدها ، متعاقباً به نظریه‌پردازی و تحقیق جرم‌شناسی تبدیل شده است.[۹۲۵] (جی یز ۱۹۶۷ و جی یز و می یر، ۱۹۷۷) در تجزیه و تحلیل خود از نقض قوانین ضد انحصار در صنعت تجهیزات الکتریکی سنگین، تقلب را به عنوان پدیده ای دانست که او آن را "روش ثابت زندگی" نامید و به گونه ای تثبیت شده به رفتاری تجویز شده می ماند که در صورت ارتکاب با تایید و در صورت اجتناب از سوی مافوق با مجازات مواجه می شد. [۹۲۶]انواع مشابهی از مشوق ها و انگیزه های فرهنگی برای نقض قوانین توسط اعضای تجارت در صنعت خودرو (فاربرمن ۱۹۷۵؛ لئونارد و وبر ۱۹۷۰)، صنعت مشروبات الکلی (دنزین ۱۹۷۷)، و صنعت هوافضا (ووگان ۱۹۹۶، ۱۹۹۸) یافت شده است. برجستگی مطالعات در مورد اهمیت اخلاقیات یا فرهنگ شرکتی، در گزارشهای نظری اخیر در مورد جرایم یقه سفید ، آنها را به طور گسترده به ویژگیهای هنجاری سازمان ها به عنوان عامل اصلی در ایجاد جرایم شرکتی و یقه سفید تبدیل کرده است. (هاوکینز ۲۰۰۲؛ شوور و هوچستلر ۲۰۰۶).[۹۲۷]

---

۹۲٤ - Ibid.

۹۲٥ -Sally S. Simpson & David Weisburd .Ed(۲۰۰۹),The Criminology of White-Collar Crime , Springer Science+Business Media, LLC, P۲۰

۹۲٦ - Geis, G. and Meier, R.F. (۱۹۷۷). White-Collar Crime (Revised Edition). New York: Free Press

۹۲۷ - Sally S. Simpson & David Weisburd .Ed(۲۰۰۹), Ibid

لایه های مختلف جرم و فساد در درون یک سازمان از پایین به بالا و بلعکس با یکدیگر در ارتباط و پیوسته هستند و منافع و ریسک آن بطور بالقوه از کم به زیاد در نوسان است.[۹۲۸] فساد کارکنان در رده های پایین و میانی سازمان ، ماهیتا و از نقطه نظر ابعاد و اندازه و ارزش مادی عمدتا با فساد مدیران رده بالای سازمان متفاوت است. جرایم کارکنان دون پایه عمدتا از کم کاری و دیر حاضر شدن در محل کار تا زدن از کمیت و کیفیت کار و برخی تخلفات اداری کوچک و یا مواردی پارتی بازیهای کوچک در حد سفارش انجام یک کار برای دوست و آشنا به همکاران در اداره ، تا اخذ مبالغی رشوه در ازای انجام کارهای روتین اداری برای فلان ارباب رجوع می تواند متغیر باشد ولی اگر او در ارتباطی دوستانه با مدیران رده بالا قرار گیرد و یا اعتماد بالادست ها را جلب نماید ، می تواند با ، یا بدون کمک آنها فسادهای بزرگ و جرایم سنگین رقم بزنند.

ترس از ارتکاب جرم و قبول ریسک و خطر سرپیچی از قوانین موضوع دیگری است که توجه جرم شناسان سازمانی را به خود مشغول کرده است. این موضوع قابل تامل است که در یک سازمان هریک از مدیران و کارکنان تا چه حد و تاکجا حاضرند، ریسک و خطر ارتکاب جرایم را بپذیرند؟ بدیهی است مسوولیت نهایی ارتکاب جرم و جنایت در نهایت متوجه شاغل است نه شغل، لذا تنها مدیران کسب و کار و کارکنان آنها – نه خود مشاغل – می توانند از جرم و جنایت بترسند یا نگران آن باشند. چندین ویژگی مدرنیته متأخر – به ویژه الزامات مربوط به شرکت‌های خدمات مالی و متخصصان برای گزارش تقلب‌های "مهم" به تنظیم‌کننده‌های خدمات مالی و "فعالیت‌های مشکوک" (SAR) به واحدهای اطلاعات مالی (مانند FinCEN در ایالات متحده و آژانس جرایم سازمان‌یافته جدی در بریتانیا) ، سرپوش نهادن کامل بر اطلاعات مربوط به جرایم مالی را عملاً دشوارتر و از نظر قانونی خطرناک تر از گذشته می کند. همچنین "معیارسازی" مشترکی برای مواجه با خطرات تقلب و پولشویی وجود دارد. اگرچه بیشتر این گونه فعالیت‌ها ، خصوصی باقی می‌مانند و همکاری علیه کلاهبرداری ممکن است در کشورهایی مانند ایالات متحده کمتر رایج باشد، جایی که ترس از اقدام نظارتی/ دادستانی برای رفتار «ضد رقابتی» وجود دارد.[۹۲۹]

در نهایت، یک تفاوت مهم بین جرایم مالی و جرایم متعارف این است که اولی پیوند ضروری و طبیعی نزدیکی جغرافیایی بین قربانی و مجرم را می شکنند. در مواردی اعمال فساد، کلاهبرداری، تقلب در ساخت و تولید محصول، و حتی نقض ایمنی مصرف کننده، ممکن است توسط مدیر کارگاه و کارخانه و یا کارگری رخ دهد که کیلومترها با شهری که قربانی درآن است و جرم درآنجا احساس شده است ، فاصله داشته باشد. در حالی که ساختار عادی احساس خطر "خطر غریبه" را متوجه مجرمان ناآشنا به یک منطقه می داند ، یک کلاهبردارمی تواند یک مجرم

---

۹۲۸ - Sally S. Simpson & David Weisburd .Ed(۲۰۰۹), Ibid ,p۹۷
۹۲۹ - Sally S. Simpson & David Weisburd .Ed(۲۰۰۹), Ibid ,p۹۶

فراملیتی باشد که خود را محلی نشان می دهد. بسیاری از خطرات و ترس‌های جرایم تجاری فقط به طور متناوب به محل سکونت دفتر مرکزی شرکت یا محل سکونت کارگران مربوط می‌شوند. جهانی شدن تجارت و خرده فروشی و انجام نقل و انتقالات پولی و خدمات مالی مشکلاتی را برای این ساختارهای سنتی و فیزیکی ایجاد می کند.[٩٣٠] اما موضوع کسب و کار و ناامنی در مورد جرم و جنایت در فضاهای شهری را می توان به اشکال مختلف بازنمایی کرد. اول، از نظر تهدیدات پیش روی تجارت : عمدتاً جرایم مرتبط با دارایی در انواع مختلف (سرقت و کلاهبرداری توسط افراد خارجی، سرقت و کلاهبرداری توسط خودی - شاید تبانی با افراد خارجی - و خسارت جنایی) و جنایت خشن (صرفاً برای ایجاد صدمه، بدون انگیزه مالی) و هر دو جنایت دارایی و خشونت آمیز (یعنی سرقت ، که به عنوان جنایت خشونت آمیز تجربه می شود، اما هدف ابزاری و اقتصادی دارد) شامل میشود.

دوم ، از نظر تأثیر این امر بر تجارت و جامعه : برای مثال، تأثیرگذاری بر تصمیمات مکان کسب و کار، از جمله نقل مکان کردن از داخل شهر و مناطق آسیب‌دیده، یا تأثیرات متعاقب آن بر فرصت‌های اشتغال و خرید (و همچنین جرم و جنایت). اما ترس از تقلب بعید به نظر می رسد چنین پیامدهایی داشته باشد، اگرچه تجربه جرم/ ترس از فساد / اخاذی می تواند مشاغل را به جای دیگری هدایت کند.

سوم ، از نظر نگرانی افراد در لایه‌های مختلف سازمان تجاری ، از کارگران یقه آبی گرفته تا مدیران ارشد: هم ریسک‌ها و هم ترس‌های آنها ممکن است کاملاً متفاوت باشد، تا حدی به منافع اقتصادی آنها و تا حدی به توانایی آنها برای خرید امنیت مربوط است . در واقع، هنگام برخورد با یک زنجیره فرماندهی در یک بوروکراسی باید با احتیاط با اصطلاح «ترس» برخورد کرد. کارکنان خط مقدم و کارکنان امنیتی که در حال کار، زندگی و/یا سفر در مناطق «خشن» هستند ممکن است رویکرد شناختی بسیار متفاوتی نسبت به خطر داشته باشند.

چهارم، در مورد جرایم ناشی از تجارت و تأثیراتی که می تواند داشته باشد، به عنوان مثال تاثیر تقلب بر مصرف کننده، آسیب های زیست محیطی، و سلامت و ایمنی در محل کار. و در نهایت، مشکلات مفهومی برای معنای موضوعی در رابطه با خطرات جرایم سایبری وجود دارد که در جریان رشد سریع خرده فروشی الکترونیکی به جای خرده فروشی حضوری ایجاد می شود.[٩٣١]

مسائل و چالش های مرتبط با جرایم سازمانی و جرایم یقه سفید، درکشورهای در حال توسعه ، با اقتصادهای بی ثبات و نظام های سیاسی فاسد و لرزان ، متفاوت از کشورهای توسعه یافته صنعتی است. در فهرست چنین کشورهایی نه تنها کشورهای امریکای لاتین و کشورهای افریقایی و یا کشورهای مسلمان خاورمیانه ای مانند ایران ، بلکه حتی هند و پاکستان و بنگلادش تا میانمار و نپال هم قرار می گیرند. فساد در انواع مختلف آن بخصوص فساد

---

٩٣٠ - Whimster, S. (ed.) (١٩٩٢) Global Finance and Urban Living: A study of Metropolitan change, London: Routledge,

٩٣١ - Sally S. Simpson & David Weisburd .Ed(٢٠٠٩), Ibid ,p٩٦-٩٧

سازمانی و جرایم یقه سفیدها در کشورهای اخیر ریشه دوانیده و فرهنگ فساد ریشه دار است. بدون شک ریشه کن کردن فساد زمانی سخت می شود که فرهنگ فساد ، چپاول، غارتگری و فرصت طلبی حاکم شود و به هر سطحی از جامعه گسترش یابد. هرکسی که برای دولت کار می کند برای هر خدمتی که ارائه می دهد انتظار رشوه دارد و نوعی "حقوق شخصی" بیش از حقوق معمولی برای خود قایل است. برای توجیه هزینه ، اطمینان از پرداخت آن، و اخاذی پول اضافی، کارمندان در طراحی مشکلات برای شهروندانی که برای دریافت خدمات مراجعه می کنند، مبتکر می شود. مبلغی که برای تأیید هویت شخصی یا پذیرش فرم پر شده درخواست می شود ممکن است اندک باشد، بنابراین کارگزار دولتی برای افزایش درآمد خود، کار را برای شهروند پیچیده تر و دشوارتر می کند. مثلا آن را در نوبت انجام برای روزهای آتی می گذارد و آنگاه در ازای مبلغی اضافه ، آن را زودتر انجام می دهد. در سطوح بالاتر سازمانی ، برخی از مقامات با وعده دادن ، فساد می کنند. آنها ادعا می کنند که می توانند تحولاتی بزرگ رقم بزنند و یا خدماتی بزرگ ارائه دهند که دیگران نمی توانند و غیرممکن ها را ممکن می کند، و این نشان می دهد که هیچ قانون یا قاعده ای نمی تواند مانعی برای آنان ایجاد کند. مجوزهای تجاری که به سختی به دست می آیند، قراردادهای رقابتی دولتی، احکام مالیاتی مطلوب، احکام ملایم صادره توسط محاکم قضایی، همه سوژه های مناسبی برای معامله ای چرب ، در دسترس هستند و اگر از قیمت آن شکایت دارید، دوست شما در بوروکراسی پاسخی آماده دارد: "می دانم که این گران به نظر می رسد، اما نمی توانم با کمتر از این رقم کمکی بکنم. پول باید با تمام افراد بالاتر در زنجیره انجام تقسیم شود، تا سطح وزیر، مدیرکل، رئیس سازمان ! یا قاضی ای که مسوول رسیدگی به پرونده و صدور حکم نهایی است ". در معاملات بسیار کلان ، وزیر یا نماینده ی ویژه ی او مستقیماً با "مشتری" قرار مذاکره می گذارد و مذاکره می کنند.[٩٣٢]

علاوه بر این مذاکرات داخلی فساد انگیز در درون یک سازمان یا یک نهاد عمومی دولتی ، فساد سیاسی اغلب به این موارد نیز تسری پیدا می کند و شامل عوامل بی شماری خارج از دولت که خود را مشاوران، بازرسان، نمایندگان، لابیگران، کارچاق کن ها، وکلاء و کارشناسان رسمی ، در ارتباط با محاکم قضایی و ادارات، ارائه دهندگان خدمات مدیریت و غیره می نامند، می شود." دوستان سرمایه دار"[٩٣٣] که رفقا ، وابستگان، اقوام یا شرکای مالی سیاستمداران قدرتمند هستند، مدعی قبول و انجام سود آورترین قراردادها برای پروژه های سنگین در زمینه زیرساخت ها و پروژه های دیگر می شوند که سهم عظیمی از بودجه ی دولت یا درآمد ملی را به این "بخش فساد انگیز" منحرف می کنند. هزینه هر قرارداد دولتی برای انجام یک پروژه با محاسبه رشوه و سایر انواع پول های هدر رفته، متورم شده و این بار تورمی که از طریق کسری بودجه دولت خود را نشان می دهد باید از جیب مردم جبران

٩٣٢- Muhammad Yunus & Karl Weber,(٢٠١٧), A world of three zeros : the new economics of zero poverty, zero unemployment, and zero carbon emissions: First edition,New York : Public Affairs,p ١٥٩

٩٣٣ -Crony capitalists

گردد. نتیجه این می شود که مردم از یک سو با زیرساخت های بی کیفیت مانند پروژه های نا ایمن در حوزه ی راه سازی یا سد سازی که مخرب محیط زیست بوده است ،مواجه می شوند که قابل استفاده یا با دوام نیستند و یا خدمات دولتی ای مثلا در حوزه دارو و درمان دریافت می کنند که مخاطرات بهداشتی آن بالاست و از سویی دیگر بار تورم ناشی از گران بودن این خدمات دولتی را هم باید تحمل کنند.[۹۳۴]

فساد، نفت و خاورمیانه

وقتی ادبیات موضوعی مرتبط با سیاست و نفت در خاورمیانه را بررسی می کنید، متوجه می شوید که نفت در بسیاری از معادلات سیاسی قدرتهای بزرگ در این منطقه از ابتدای قرن بیستم تاکنون نقش مهم بازی کرده است. این مساله بیشتر از آن جهت اهمیت می یابد که در طی یک قرن اخیر کشورهای نفت خیز خاورمیانه ای کما بیش کانون بحران ، جنگ ، بی ثباتی و نماد حاکمیت دولت های فاسد و اقتصادهای فاسد و جنبش های اعتراضی و مدنی بوده است. اغلب این کشورها در قلمرو نفوذ و اقتدار سیاسی و یا مداخله سیاسی قدرتهای بزرگ قرار داشته اند. آیا نفت در بروز تمام این مسائل، نقش داشته است؟ آیا حکومت ها، قدرت های بزرگ و تشکلهای مدنی معترض در این سرزمین ها، هریک سعی کرده اند از متغیر نفت در جهت خواسته های خویش سود ببرند؟

چنانکه پیش تر گفته شد، دولت های وابسته به درآمدهای نفتی، دولت های رانتی گفته می شوند. این دولت ها بیش از هرنظام سیاسی دیگری فساد پذیر هستند و عمده ی این کشورها کانون بی ثباتی بوده اند. بی ثباتی های سیاسی گسترده با ریسک بالاتر سرمایه گذاری و فرار سرمایه [۹۳۵]، جابجایی جمعیت و تخریب زیرساخت ها و زوال سرمایه اجتماعی همراه هستند. اینها ممکن است اثرات منفی قابل توجهی بر رشد اقتصادی داشته باشد، کاهش رشد اقتصادی به بزرگ شدن اقتصاد سایه منتهی می شود.

از سوی دیگر تقریبا تمامی کشورهای نفتی دچار پدیده فساد هستند. درنگی در باره وضعیت فساد در تاریخ صنعت نفت در ایران نشان می دهد که این صنعت همواره مستعد بیشترین انواع رانت و فساد در سطح کلان بوده است و این فقط مختص کشور ایران نیست.اکثر دولت های نفتی، بار فساد سنگینی را با خود حمل می کنند. نظام

---

۹۳٤ - Muhammad Yunus & Karl Weber,(۲۰۱۷),Ibid.

۹۳۵ – تنها سرمایه مادی مورد نظر نیست. فرار مغزها در واقع باید نوعی فرار سرمایه فکری(intellectual capital) تلقی گردد. سرمایه فکری در سطح کلان و ملی را به عنوان تمام منابع نامشهود موجود برای کشور می توان توصیف کرد که برای رشد و توسعه اقتصادی لازم است و می توان آنها را با هم ترکیب کرد و آینده را ساخت. این منابع نا مشهود "دانش، خرد، توانایی و تخصص" توصیف می شودکه توسعه اقتصادی و اجتماعی آینده را رقم می زنند. همچنین سرمایه فکری یک ملت، از جمله شامل ارزش‌های نهفته در اشخاص، مشاغل، مؤسسات، جوامع و مناطق است که برای ایجاد و شکل‌دهی رفاه ملی مورد نیاز است. متخصصان، اندیشمندان، نخبگان، دانشوران،دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهی و کارآفرینان ، سرمایه های معنوی جامعه در حال توسعه مبتنی بر اقتصاد دانش بنیان هستند.ر.ک به :

Toan Pham-Khanh Tran, Phuc Van Nguyen, Quyen Le-Hoang-Thuy-To NguyenID, Ngoc Phu TranID, Duc Hong VoID(۲۰۲۲), Does national intellectual capital matter for shadow economy in the Southeast Asian countries?, PLoS ONE ۱۷(۵): e۰۲٦۷۳۲۸. https://doi.org/۱۰,۱۳۷۱/journal.pone . ۰۲٦۷۳۲۸.

سیاسی در دولت های نفتی، عمدتا اقتدارگرا و غیردموکراتیک یا شبه دموکراتیک هست، این دولت ها آگاهانه و تعمدا جامعه مدنی و مطبوعات پرسشگر ، مطالبه گر و حسابگر را تضعیف نموده و سرکوب می کنند، این دولت ها از نظارت و حسابرسی فراری هستند. دولت های نفتی، دولت های رانتی هستند که خود را در قبال استخراج درآمدها و نحوه هزینه کرد دلارهای نفتی ، پاسخگوی مردم خود نمی دانند.[۹۳۶] اگرچه راهکارهایی برای مولد سازی رانت در دولت های رانتیر ارائه شده است، اما واقعیت این است که دولت رانتیر، دولتی است که خواه ناخواه مسیر فساد و ناکارآمدی را پیش روی دارد و کمتر پیش می آید که دولت رانتیر به انواع فساد و ناکارآمدی آلوده نگردد. پژوهشگران بسیاری در این باره تحقیق کرده اند و در مورد نوع خاصی از آن یعنی دولت رانتی ، که به رانت درآمدهای نفتی متکی است، تحقیقات جامع و فرآوانی در قالب پایان نامه، مقاله علمی و مقاله کاری انجام شده است.[۹۳۷] اما ساختار رانتی در تمام دولت های نفتی موجب نارضایتی عمومی نمی شود. همه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس شامل کویت، قطر، امارات متحده عربی و عربستان رانتی هستند و اغلب آنها شیخ نشین ، قبیله ای و به لحاظ جمعیتی کم شمار و با حداقل تنوع قومی و قبیله ای، و در تمام آنها سهم یکسانی از رانت نفت میان همه شهروندان ساکن توزیع می گردد و کمترین اصطحکاک میان دولت –مردم وجود دارد. اما مشکل عمده در آن دسته از کشورهایی بیشتر خودنمایی می کند که علاوه بر جمعیت قابل توجه ، ترکیب جمعیتی ناهمگن است و تنوع قومی ، قبیله ای، نژادی و مذهبی بیشتری وجود دارد. کشورهایی مانند اتحاد جماهیر لیبی ، عراق و ایران.

در ایران بطور تاریخی اگر چه نهضتی بنام ملی شدن صنعت نفت در حافظه تاریخی مردم ثبت شده و عموم مردم روز ملی شدن صنعت نفت را جشن می گیرند، اما در عمل نفت برسر سفره مردم نیامده است، بلکه تمامی تصمیمات حوزه نفت و درآمدهای نفتی و دخل و خرج نفت کاملا در اختیار و تملک دولت است و حکومت خود را حتی در قبال نمایندگان مردم هم راجع به رقم واقعی درآمد فروش نفت و نحوه ی هزینه کرد آنها پاسخگو نمی داند. نفت در ایران عملا دولتی است و نه ملی. تعبیری که محمد غرضی یکی از وزرای پیشین نفت ایران دارد چنین است: " نفت متعلق به ملت ایران است، دولت می آید مدیریت کند، به جای اینکه مدیریت کند تصاحب می کند. درآمد نفت به جای اینکه در بدنه جامعه تزریق بشود، در دولت تزریق می شود."[۹۳۸] با وقوع انقلاب

۹۳۶ – سید احمد موثقی،دلآرام غنیمی فرد(۱۳۹۱)، نفت و دموکراسی : کشورهای صادر کننده نفت، فصلنامه سیاست،دوره ۴۲،ش۲،تابستان ۹۱.

۹۳۷ – به عنوان نمونه ن.ک .به : حاجی یوسفی، امیرمحمد . ۱۳۷۸ .دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران– تهران :مرکز اسناد انقلاب اسلامی ؛ نسرین قنواتی و دیگران، ۱۳۹۶ : بازتولید ساختار رانتی در ایران، فصلنامهٔ مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دورهٔ۷ ، شمارهٔ۲

۹۳۸ – مهدی احمدی(۱۳۹۸)، انقلاب و نفت– روایت وزیران نفت جمهوری اسلامی از اقتصادسیاسی نفت، انتشارات دنیای اقتصاد، ص ۹۲

اسلامی در ایران، اگرچه با تاسیس وزارت نفت قرار بود ، کارگزار و نفت جدا از هم باشند[۹۳۹] ولی عملا شرکت نفت بطور کامل دولتی شد و هیچ مقام ناظری حق پرسش در باره عملکرد این وزارتخانه را ندارد.[۹۴۰]

این شرایط در بسیاری از کشورهای نفتی وجود دارد. اگر بخواهید صحت و سقم ادعاهای مطرح در بالا را مورد سنجش قرار دهید، کافی است، به وضعیت کشورهای نفت خیز خاورمیانه و شمال آفریقا تا آمریکای لاتین توجه کنید: عراق، لیبی، ونزوئلا ، ایران و نیجریه همگی کشورهای نفتی ، همگی عضو سازمان اپک و همگی دارای ثروت بالقوه بسیار زیاد ، اما همگی دارای اقتصادهایی ورشکسته، وضعیتی بحران زده، جنگ زده، تحت تحریم، با حکومت هایی فاسد و رو به زوال ، شرایط اقتصادی یا سیاسی بی ثبات با تورمی وحشتناک و بیکاری بالا و مردمانی که اکثرا در وضعیت معیشتی دشوار و نابهنجار زندگی می کنند و آن سو، یک طبقه اقلیت حاکم مرفه و رانتخوار. آیا وجود چنین شرایطی، جز رانت و فساد و سوء حکمرانی علت دیگری می تواند داشته باشد؟

(توماس پیکتی، ۲۰۱۶) در کتابش در توصیف شرایط این کشورها می نویسد :" با نگاهی به منطقه ای که از مصر تا ایران امتداد دارد و از سوریه، عراق و شبه جزیره عربستان با جمعیتی که بالغ بر ۳۰۰ میلیون نفر است ، متوجه می شویم که در این حکومت های های نفتی مجموعاً ۶۰ تا ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی منطقه در اختیار تقریباً ۱۰ درصد از جمعیت است و این منطقه را به نابرابرترین منطقه روی کره زمین تبدیل کرده است. باید روشن شود که چرا اقلیتی از جمعیت در حکومت های نفتی سهم نامتناسبی از این نعمت خدادادی را به خود اختصاص می دهند، در حالی که گروه های بزرگی از اقشار مردم در همین کشورها در محرومیت و فقر شدید و در برخی مناطق در حالت نیمه بردگی و یا بدوی زندگی می کنند. این رژیم‌ها عمدتا از نظر نظامی و سیاسی توسط قدرت‌های غربی حمایت می‌شوند و به تعبیری بقای سیاسی شان به نفع قدرت های غربی است و از پس گرفتن چند خرده پول برای تامین مالی تیم‌های فوتبال خودشان یا خرید و فروش سلاح بسیار خوشحال هستند. تعجب آور نیست که موعظه های ما (کشورهای مدعی دموکراسی و حقوق بشر) در مورد دموکراسی و عدالت اجتماعی در میان جوانان خاورمیانه اهمیت چندانی ندارد. لذا برای کسب اعتبار از دست رفته هم که شده ، باید به این جمعیت ها نشان دهیم که بیشتر به توسعه اجتماعی و یکپارچگی سیاسی منطقه اهمیت می دهیم تا به منافع مالی خودمان و روابط مان با مقامات و هییت حاکمه های این کشورها.[۹۴۱]

---

۹۳۹ – مهدی احمدی(۱۳۹۸)، همان.

۹۴۰ – مهدی احمدی در طرح تحقیقی ارزشمند خود با عنوان انقلاب و نفت آنجا که به دوره تصدی مهندس آقازاده بر وزارت نفت اشاره می کند ، می نویسد ایشان دوازده سال همزمان هم مدیرعامل شرکت ملی نفت بوده است و هم وزیر نفت و این دوره در اوج جنگ و تحولات بعد از آن است و از قضا تنها وزیری است که از مصاحبه پیرامون تشریح موضوعاتی که در اخبار و مطبوعات در حوزه نفت در دوره تصدی ایشان مطرح است،شانه خالی می کند. همان، ص۱۲.

۹۴۱ - thomas piktty (۲۰۱۶), Why Save the Bankers? ,boston .new York,p ۱۳۹

در مورد صنعت نفت ایران ، مشکلات چندگانه است. صنعت نفت ایران تحت تاثیر جنگ، تحریم ، فساد و سوء مدیریت و رانت دولتی است که هریک درجای خود نیاز به بررسی و تحلیل جداگانه دارد. براساس آمار کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی تهران که به نقل از گزارش اخیر اوپک بیان شده است ، در ۱۰ سال گذشته، تحریم‌ها باعث شده‌اند نفت ایران درآمدی معادل ۴۵۰ میلیارد دلار را از دست بدهد. طبق پیش‌بینی‌های سازمان اپک، کنار گذاشتن سوخت‌های فسیلی همچنان برای سالهای آتی ناممکن است و جهان بدون نفت نمی‌تواند زندگی کند. در حال حاضر براساس اعلام سازمان اوپک، مجموع تولید نفت خام و سایر میعانات نفتی ۱۳ عضو اوپک از ۳۱٫۶ میلیون بشکه در روز به ۳۸٫۳ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۳۵ خواهد رسید. بنابر پیش‌بینی‌های اوپک، این میزان همچنان در حال افزایش است و یک دهه بعد به ۴۲٫۴ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. در این میان ، صنعت نفت ایران برای توسعه زیرساخت ها ، نوسازی ، سرمایگذاری و احیا ظرفیت و افزایش تولید، نیازمند ۳۰۰ میلیارد دلار سرمایگذاری است و ایران با وجود تحریم ها، تنها چشم امید خود را به سرمایه‌گذارانی از روسیه و چین بسته است. [۹۴۲]

اما مشکل ایران فقط تحریم ها نیست. اگر به زبان ساده بخواهیم بپرسیم منابع ارزی و دلارهای نفتی کشور تحت تحریمی همچون ایران که مهمترین منبع درآمدش فروش نفت است و بخش قابل توجهی از آن را با هزاران ترفند توام با فساد و توسل جستن به شبکه قاچاقچیان بین المللی و نصب پرچم کشورهای مختلف روی کشتی ها و دور زدن تحریم ها فروخته می شود، و مقامات آن کشور، مردم را به ریاضت و مقاومت اقتصادی توصیه می کنند، به چه کسانی تخصیص داده شده و درکجاها هزینه می شود؟ برای پاسخ باید علاوه بر دلارهایی که تقریبا بی حساب و کتاب و فله ای و چمدانی ، برای حمایت مالی از گروه های نیابتی در منطقه توسط فرماندهان محور مقاومت هزینه می شود، به عناوین مخارج غیر ضروری دیگری اشاره کنیم. ریچارد نفیو ، از افراد موثر در طراحی بسته های تحریمی امریکا علیه ایران آنها را چنین برمی شمرد :"واردات کالاهای مصرفی لوکس، تجملی، غیر توسعه‌ای و ضد توسعه‌ای". اما این تعبیر او کمی مبهم است. برای مصداقی تر بیان کردن عناوینی که منابع ارز دولتی به آنها اختصاص یافته شاید لازم باشد به ارز مسافرتی و رانت مربوط به آن که سبب ایجاد صف های طولانی در پشت صرافی ها و بانک ها شده است و ارز تخصیصی بابت واردات داروهای ضروری که به قول مقامات وزارت بهداشت بجای آن محصولات آرایشی بهداشتی، غذای سگ، زین اسب و دسته بیل وارد کشور شده است و ارز دولتی جهت

---

۹۴۲ – روزنامه مردم سالاری به تاریخ یکشنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۱ :

https://www.mardomsalari.ir/news/۱۸۰۴۴۲

توجه به این نکته ضروری است که وقتی صحبت از سرمایه گذاری می شود، فقط بحث پول و تامین مالی نیست. بلکه بحث خرید و نوسازی تجهیزات فرسوده و انتقال فن آوری و تکنولوژی و خدمات مستشاری مورد نیاز برای ایجاد ظرفیت در این بخش مطرح است که با تحریم سرمایه گذاری در صنعت نفت ایران، عملا این امکان برای ایران فراهم نیست.

واردات موز و گوشی تلفن همراه (آیفون و غیرو) و انجام سفرهای زیارتی و سیاحتی و غیرو اشاره کنیم.[۹۴۳] همچنین باید به رانت و نفوذ اشخاص، نهادها و بنیادها برای برداشت از حساب ذخایر ارزی و بازنگرداندن آنها اشاره شود. آیا مردم با مشاهده گزارش های این نوع حیف و میل منابع ارزی در کنار ادعای مقامات حکومتی که می گوید کشور در جنگ اقتصادی است و راهبرد اقتصاد مقاومتی را توصیه می کنند، اعتماد خود را به حکومت از دست نمی دهند ؟

معضل فساد با وجود دلارهای نفتی و رانت فقط مختص ایران نیست. کشور عراق با وجود فراوانی مالی و منابع سرشار نفتی و ثروت فرآون ، بیش از ۷۰ میلیارد دلار بدهی داخلی و خارجی دارد. سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که پس از تغییراتی که با اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳ ایجاد شد و در طول این ۱۸ سال، ثروت های عراق که از یک و نیم تریلیون دلار فراتر بوده است به کجا می رود؟ "احمد چلبی"، رئیس کمیته مالی پارلمان عراق، چند ماه پیش از مرگ مرموز خود، راز ناپدید شدن بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار از بودجه دولتهای متوالی و هدر دادن ثروت ملت عراق را فاش کرد و گفت: ما شاهد بزرگ ترین عملیات فساد در تاریخ هستیم و از دولت وقت خواست جلوی این هدر رفت منابع را بگیرد."ناجی الغزی"، روزنامه نگار و تحلیل گر عراقی هم معتقد است: با توجه به اینکه دولت عراق ، دولتی رانتیر (رانت خوار) است، در بودجه سالانه خود ، حدود ۹۵ درصد به نفت وابسته است، ولی بر اساس گفته مقامات دولتی، عراق با وجود ثروت فرآوان نفت، از بدهی های خارجی که به بیش از ۲۰ میلیارد دلار می رسد و همچنین بدهی های داخلی به میزان تقریبا ۵۰ میلیارد دلار رنج می برد و این امر به دولت عراق اجازه نمی دهد پروژه های خدماتی و توسعه ای خود را اجرا کند و یا به اولویت های اقتصادی، همچون رفع بیکاری و توسعه بازارهای کار توجه کند.[۹۴۴]

جرایم اقتصادی و پیامدهای اقتصادی

به عنوان یک گزاره کلی، همه جرایم قطع نظر از ماهیت و نوع آنها ، دارای پیامدهای اقتصادی مخرب و خسارت بار برای جامعه و اقتصاد هستند و از این نظر نتیجه و پیامد هر جرم و جنایتی به طور بالقوه از نظر اقتصادی (تحلیل هزینه-فایده) قابل سنجش، اندازه گیری و برآورد و تخمین است. اما برای درک بهتر ماهیت هر یک از جرایم ، همه آنها را به دو دسته جرایم اقتصادی و جرایم غیر اقتصادی تقسیم می کنند. مرتکبین جرایم غیر اقتصادی مثلا گروه های تروریستی و خرابکارانه ، اگرچه انگیزه ی اقتصادی برای ارتکاب جرم ندارند ، ولی خسارات و

---

۹۴۳ - نقل از روزنامه همشهری ، آذرماه ۱۳۹۱ : سایر مطبوعات کشور همچون روزنامه مشرق و خبرگزاری مهر نیز همین خبر را انعکاس داده بودند.
https://www.hamshahrionline.ir/news/١٩٤٣٠٤

۹۴۴ - سایت تحلیلی خبری دیپلماسی ایرانی با عنوان خبری : کشوری غرق در باتلاق رانت : یک و نیم تریلیون دلار عراق کجا رفته است؟
http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/٢٠١٥٣٩٩

هزینه هایی را بر اقتصاد تحمیل می کنند ، اما مرتکبین جرایم اقتصادی با انگیزه های کاملا منفعت طلبانه دست به ارتکاب جرم می زنند و البته از قِبَل آن هزینه ها و خساراتی را بر اقتصاد تحمیل می کنند. به این ترتیب همه جرایم به منظور کسب منافع مستقیم مادی (قدرت یا ثروت) توسط مرتکب یا مرتکبین انجام می شوند و این انگیزه ی به دست آوردن درآمد یا دارایی های مشهود است که مجرمان اقتصادی را از دیگر مجرمان متمایز نموده و تحریک به انجام جرم و فساد می کند. جرایم اقتصادی نیز خود بر دو نوع جرایم بازار محور و جرایم فرصت محور تقسیم می شوند.

جرم شناسان برای درک بهتر ماهیت جرایم اقتصادی تمایزی را میان جرایم اقتصادی بازار محور و جرایم اقتصادی فرصت محور قابل هستند. آنها ارتکاب مفاسد و جرایم چپاول گرایانه را منوط به برخورداری از زمان ، موقعیت و فرصت جویی و فرصت طلبی می دانند که برای ارتکاب آن فراهم می شود : مانند فرار مالیاتی، رشوه ، اختلاس و دستبرد ، سرقت و کلاهبرداری ، ولی جرایم اقتصادی بازار محور پایدار تر هستند و مرتکبین آنها ، این جرایم را به عنوان یک شغل و حرفه و روش کسب درآمد دنبال می کند و ارتکاب آنها مستلزم وجود بازار و مشتری برای آن است. مانند قاچاق کالا ، ارز، مواد مخدر و قاچاق انسان و حیوان ، قاچاق اشیا عتیقه و باستانی و رد کردن غیر قانونی افراد از مرزها. بدیهی است این تقسیم بندی ها تنها برای شناخت بهتر ماهیت جرایم انجام می شود و نه اینکه مرزبندی و شکاف مشخصی میان آنها وجود داشته باشد. در واقعیت ، یک فرد مجرم در ارتکاب یک عمل مجرمانه گاه ملزم می شود چند جرم را همزمان مرتکب شود و برخی از انواع جرایم سلسله وار به هم مرتب هستند. لذا توجه به این نکته حایز اهمیت است که حتی مجرمان غیر اقتصادی برای ارتکاب اعمال خود، گاه به ارتکاب جرایم اقتصادی هم سوق داده می شوند، بطور مثال ، گروه های تروریستی و باندهای مافیایی قتل و ترور برای تامین مالی خود دست به ارتکاب جرایم مالی و اقتصادی می زنند. تامین مالی گروه های تروریست مستلزم انجام عمل مجرمانه ی پولشویی و قاچاق کالا و ارز و انجام تراکنش های مالی پنهان و نقل و انتقال غیرقانونی ارز از مرزهای کشور هست و گروه های تروریستی برای انجام جنایات خود مجبور به یارگیری و همکاری با سایر مجرمان اقتصادی و غیر اقتصادی می شوند. همچنین جرایم اقتصادی غارتگرانه و جرایم مبتنی بر بازار در موارد گوناگون می توانند همزیستی داشته باشند ، زیرا مناطقی از همپوشانی بین آنها وجود دارد. قاچاق مواد مخدر این واقعیت را به خوبی نشان می دهد. همچنین فساد ، حتی در سطح کلان و در سطح مقامات سیاسی و الیت جامعه نشان‌دهنده ارتباط و همزیستی بین شکارچی و بازار است. مثلا در جایی که رشوه و ارتشاء شامل یک شرکت و مؤسسه بزرگ و مقامات دولتی می شود، اشخاص حقیقی و حقوقی که مقامات دولتی را با پرداخت رشوه به فساد ترغیب می کنند،

احتمالاً مجرمانی با سابقه قبلی در این موارد هستند و می توان گفت که احتمالا درگیر جرایم مبتنی بر بـازار هـم هستند ، در حالی که دریافت کنندگان رشوه تنها به جرایم فرصت طلبانه و بزهکاری موقت آلوده شده اند.

- نمودار زیر تاثیر و تاثر متقابل، جرایم مالی و اقتصادی و بی ثباتی اقتصادی را بر یکدیگر نشان می دهد.

جرایم مالی و اقتصادی

سرقت و کلاهبرداری
اختلاس
رشوه
پولشویی
فرار مالیاتی
جعل اسناد و مدارک و حساب سازی
گران فروشی، کم فروشی ، احتکار
خرید و فروش کالای تقلبی
انتقال غیرقانونی سرمایه به خارج از کشور
مهاجرت غیرقانونی و پناهندگی
قاچاق کالا و ارز و قاچاق انسان
قاچاق مواد مخدر
فعالیت های غیرقانونی و جرایم دیگر مرتبط
فساد و فحشاء و جرایم مرتبط
جنگ و ترور ، شرارت و تجاوزگری

نابسامانی اقتصادی

افزایش فقر و نابرابری
کاهش رفاه
کاهش ارزش پول ملی و کاهش قدرت خرید
بازده منفی سرمایه گذاری مولد
افزایش بیکاری
افزایش تورم
رکود و کسادی
افزایش هزینه های کسب و کار
کاهش سرمایه گذاری مولد
کاهش سرمایه گذاری خارجی
افزایش ریسک و فرار سرمایه
افزایش بی اعتمادی و نا امنی اقتصادی
رشد مشاغل کاذب
رشد اقتصاد زیر زمینی
تحریم اقتصادی و فرسایش و نابودی زیر ساخت ها

همانطوری که در الگوی بالا نشان داده شده ، میان بی ثباتی اقتصـادی و جـرایم مـالی و اقتصـادی رابطـه ای دوسویه برقرار است و این دو یکدیگر را تقویت می کنند. اکنون این پرسش مطرح می شود که نقـش دولـت در رابطه متقابل میان جرایم مالی و اقتصادی و بی ثباتی اقتصادی چیست ؟ آیا واقعا دولت ها مبرا از پاسخگویی و قبول مسوولیت در مواجهه با جرایم مالی و اقتصادی و یا بی ثباتی اقتصادی هستند؟ خیر. دولت بیشترین مسوولیت را در این شرایط دارد. الگوی بالا نظام اقتصادی را ترسیم می کند که در آن یا باید فرض را بر نبود دولت گرفـت و یـا فرض را بر وجود دولتی فاسد و ناکارآمد گذاشت که خود عامل ایجاد این شرایط اقتصادی است، زیرا بـا وجـود دولتی سالم وکارآمد ، شرایط باید کاملا متفاوت باشد. وجود ثبات اقتصادی و و سلامت نظام اقتصادی نشانه های حاکمیت یک دولت کارآمد است. اگر این گزاره که جرایم اقتصادی در همان محیطی رخ می دهند که فعالیـت اقتصادی قانونی انجام می شوند، پذیرفته شود، نتیجه این است که جرایم اقتصادی بر شرایط کسب و کار و مناسبات اقتصادی تأثیر دارد. روش‌های دقیقی که از طریق آنها بتوان تاثیرات و پیامدهای اقتصادی جرایم را بررسی کـرد،

بستگی به ارتباط بخش پنهان و پیدای اقتصاد با یکدیگر دارد.[۹۴۵] در یک انتهای طیف نوظهور این تصور وجود دارد که عواید حاصل از فعالیت های غیرقانونی مانع از رقابت عادلانه برای فضای تجارت قانونی می شود. عبارت زیر این دیدگاه را خلاصه می کند:

" جرایم سازمان یافته و باندهای فاسد مافیایی[۹۴۶] در اقتصاد و آنهایی که فقط با کالاها و خدمات غیرقانونی سروکار دارند، تهدید اصلی علیه کشور نیستند. خطر جنایات سازمان‌یافته به این دلیل اهمیت دو چندان می یابد که سود هنگفتی که از معاملات پشت پرده و فروش کالاها و خدمات غیرقانونی به دست می‌آید در بنگاه‌های قانونی، هم در حوزه تجارت و بازرگانی و هم در حوزه عمومی و دولتی سرمایه‌گذاری می‌شود و رشد می یابد و نظام اقتصادی ازآن پس ، به تزریق آن پول ها برای ادامه رشد و حیاتش وابسته می شود، بخش رسمی اقتصاد در یک نابرابری واقعی با بخش غیر رسمی قرار می گیرد، آنگاه زمان آن فرا رسیده که تشکل ها، باندهای مافیایی و سندیکاهای جنایتکار شروع به تضعیف قواعد و سنت های اساسی اقتصادی و سیاسی کنند و دردسر واقعی تازه شروع می شود."[۹۴۷] باندهای جرایم سازمان یافته ازآن پس می توانند کل نظام اقتصادی و حتی کل نظام سیاسی را به تسخیرخود درآورند و دولتی دست نشانده تعیین کنند.

یک گرایش فکری در ادبیات جرم شناسی برای تبیین آثار و پیامدهای جرم بر اقتصاد ، از نظریه موسوم به "استهکاک چرخ‌ها در میان شن و ماسه ها " حمایت می کند که در توصیف آثار و پیامد جرم به " چوب لای چرخ اقتصاد گذاشتن " تعبیر می شود و به اثر اصطحکاکی فساد بر اقتصاد بصورت ناکارآمدی اشاره دارد. این دیدگاه ، نقطه مقابل دیدگاهی است که معتقد است فساد در نظام اقتصادی در حکم گریس و روغنکاری چرخ دنده های اقتصاد است و کارکرد مثبت دارد.

جرم و فساد به هر شکلی که باشد، همیشه به نفع یک طرف و به زیان گروه هایی دیگر تمام می شود و اغلب منجر به ضعیف تر شدن نهادها، رفاه کمتر، محرومیت از خدمات اولیه، اشتغال کمتر و فجایع زیست محیطی

---

۹٤٥ - Charles Goredema(۲۰۰۷),“Measuring the Impact of Economic Crime: Can Indicators Assist?”, Institute for Security Studies, South Africa.

۹۴۶ – کایدن و الکساندر اصطلاح "مافیا" را به عنوان دلالت بر وجود "توطئه بیگانه" مورد انتقاد قرار داده اند. . . از ریشه سیسیلی که با واقعیت تاریخی گروه های جنایت سازمان یافته و فعالیت آنها در ایالات متحده و دیگرکشورها مطابقت ندارد.(۱۹۸۵:۱) (۱). اما در گفتمان عامه، این اصطلاح هنوز به صورت محاوره ای برای اشاره به سیسیلی ها یا ایتالیایی–آمریکایی هایی استفاده می شود که در قاچاق غیرقانونی، دستفروشی یا قمار فعالیت دارند. معمولاً با یک حرف معین استفاده می‌شود، مانند "مافیای....."، که به این معنی است که تنها یک مافیا وجود دارد. این نگرش ها همچنان بر تفکر مجریان قانون تأثیر می گذارد. همانطور که مویسس نیم گفته است، "آگاهانه یا ناآگاه، محققان در سراسر جهان الگوی مافیای آمریکایی و سیسیلی را به عنوان طرح باندهای جرایم سازمان یافته انتخاب کرده اند. در فرهنگ عامه ، جنایت سازمان‌یافته اغلب در قالب‌های قومی به‌عنوان مترادف با «مافیا» به تصویر کشیده می‌شود و از تعابیری همچون پدرخوانده یا گادفادریا دیگر عناصر گروه مافیایی برای توصیف نقش های مجرمانه اعضا باند استفاده می شود. ر.ک به : Katherine Hirschfeld,۲۰۱۵,Ibid,p۵

۹٤۷ - Donald R. Cressey(۱۹٦۹), Theft of the Nation, Harper & Row, New York, p ۳-٤.

بیشترمی شود.[۹۴۸] جرم و فساد در واقع نوعی نقض قانون و قانون شکنی است که موجب بی‌نظمی و از بین رفتن امنیت و آرامش در جامعه می شود، در نتیجه وقوع جرم و فساد آثار منفی برای جامعه در پی دارد. ارتکاب رفتارهای مجرمانه و فساد ، کیفیت زندگی را کاهش می دهد و ریسک انجام فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی مفید و سازنده را افزایش می‌دهد که به این ترتیب، سطح رفاه کاهش و هزینه‌های زندگی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، وقوع جرم در هر منطقه دولت را مجبور می‌سازد برای مقابله با آن و برقراری نظم و امنیت و تأمین حقوق شهروندان، به توسعه کمّی و کیفی نهادهای مبارزه با جرم بپردازد و هزینه‌هایی را در جهت تعقیب، دستگیری و نگهداری مجرمان متحمل شود که موجب کاهش منابع عمومی برای دیگر امور اجتماعی و اقتصادی، مانند: توسعه زیرساخت‌های اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی می‌شود. در واقع، با افزایش هزینه‌های مبارزه با جرم در جامعه، نحوه تخصیص منابع و امکانات اقتصادی تحت تأثیر قرار می گیرد، به گونه‌ای که با رشد این هزینه‌ها، منابع کمتری برای سرمایه‌گذاری بر منابع انسانی و فیزیکی در اختیار دولت قرار می گیرد و این وضعیت در نهایت موجب کاهش سطح تولید و سرمایه‌گذاری در جامعه می‌شود.[۹۴۹]

از نقطه نظر تحلیل گران مسائل اقتصاد سیاسی جرم و فساد و خصوصا پژوهشگران مسائل اقتصادی در کشورهای درحال توسعه ، مقابله با فساد باید دنبال شود، نه صرفاً به این دلیل که یک موضوع اخلاقی است، و نه فقط به این دلیل که برای کسب و کار و اقتصاد خسارت بار است (که این چنین است)، بلکه به این دلیل که مردم همه جا هزینه فساد را به هر طریقی می پردازند، و بیشترین هزینه و خسارات فساد متوجه مردم در کشورهای در حال توسعه و کشورهای در حال گذار است.[۹۵۰]

دیدگاه مخالف جرم و فساد، معتقد است : "پیامد نامطلوب فساد این است که هزینه های مبادله را افزایش می دهد، عدم اطمینان در فضای کسب و کار را تقویت می کند، باعث تخصیص نادرست منابع و آسیب به سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی به نهادهای رسمی می شود."[۹۵۱] بر اساس بیانیه دبیر کل سازمان ملل متحد، آنتونیو گوترش، در روز جهانی مبارزه با فساد، ۹ دسامبر (به نقل از جانسون ۲۰۱۸)، هزینه های سالانه فساد در سطح بین المللی بالغ بر **۳,۶** میلیارد دلار در قالب رشوه خواری و پولهای دزدیده شده گزارش شده است ، که این پول ها به هر طریقی به بودجه

---

٩٤٨ - Monica Violeta Achim & Sorin Nicolae Borlea(٢٠٢٠) , Economic and Financial Crime, Springer, p٢٤٥; Johnson, S. (٢٠١٨). The global economy loses $٣,٦ trillion to corruption each year, says U.N., available at https://bigthink.com/politics-current-affairs/corruption-costs-world-٣-٦-trillion. Accessed on ٢٨ Feb ٢٠٢٠

۹۴۹ – مداح، م. (۱۳۹۰). « تحلیل اثر فقر و نابرابری درآمدی بر جرم (سرقت) در سطح استان های کشور»، *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، سال یازدهم، شماره سوم، ص ۳۰۳- ۳۲۴.

٩٥٠ - Charles Sampford, Arthur Shacklock, Carmel Connors and Fredrik Galtung(٢٠٠٦), Measuring Corruption , ASHGATE, Athenaeum Press,p١٨.

٩٥١ - Abdul Rafay(٢٠٢١), Handbook of Research on Theory and Practice of Financial Crimes, University of Management and Technology, Pakistan,p٨٠

دولت آسیب می رساند. مطالعات تخصصی منعکس کننده تأثیر منفی فساد بر کارایی سیاست مالی است.[۹۵۲] در این راستا، کافمن (۲۰۱۰) رابطه قوی بین فساد و کسری بودجه در کشورهای صنعتی یافته است.[۹۵۳] در مقاله ای دیگر، گری و کافمن (۱۹۹۸) اثرات منفی فساد را به شرح زیر فهرست کرده اند :

- هزینه های مبادله را افزایش می دهد و منجر به عدم اطمینان اقتصادی می شود.
- به طور کلی منجر به نتایج نامطلوب اقتصادی می شود. از سرمایه گذاری های بلندمدت بین المللی و داخلی جلوگیری می کند، منجر به تخصیص غیر بهینه منابع و جابجایی منابع و استعدادها از طریق تلاش های رانت جویانه، جابجایی اولویت های صنعتی و ترجیحات فناوری می شود. جذابیت اقتصاد خاکستری را تقویت می کند، درآمدهای عمومی را کاهش می دهد و منجر به وضع نرخ های مالیاتی بالاتر به دلیل کاهش تعداد مالیات دهندگان می شود. بنابراین، توانایی دولت برای ارائه کالاها و خدمات عمومی بطور قابل توجهی کاهش می یابد ، همچنان که فساد و فعالیت های اقتصاد خاکستری افزایش می یابد.
- رشوه عدالت را مختل می کند. این منجر به افزایش بار مالیاتی به ویژه بر تجارت و خدمات در شرکت های کوچک می شود.
- فساد، مشروعیت دولت را ازمیان می برد.[۹۵۴]

در حالی که بیشتر انواع فساد به سمت تغییر نحوه اجرای قوانین یا مقررات موجود از طریق رشوه دادن است، تسخیر دولت نوع خطرناک تری از فساد ریشه دار است که به تلاش های مفسدانه برای تأثیرگذاری بر نحوه شکل گیری، تدوین و ابلاغ قوانین و مقررات اشاره دارد. رشوه به نمایندگان مجلس برای "خرید" آرای آنها در مورد قوانین مهم، رشوه به مقامات دولتی برای تصویب مقررات یا احکام مطلوب، رشوه به قضات برای تأثیرگذاری بر تصمیمات دادگاه -اینها نمونه های کلاسیک فساد بزرگ هستند که از طریق آنها شرکت ها می توانند منافع خود از طریق پایه گذاری حقوق اساسی و ساختار نظارتی اقتصاد، تضمین کنند.[۹۵۵]

دیدگاهی که اساساً بستر پاسخ‌های مبتنی بر سیاست‌های اقتصادی مناسب برای مواجه با جنایات سازمان‌یافته را تشکیل می‌دهد، به دنبال جذب و یا برگرداندن وجوه غیرقانونی به دست آمده به سیستم مالیه عمومی، از طریق مالیات ستانی و مصادره ی اموال و دارایی‌های نا مشروع هست. هدف از این اقدامات ، محروم کردن مجرمان از مزیت رقابتی است که از درآمدهای نامشروع و ارتکاب جرایم اقتصادی کسب نموده اند. همانطور که بسیاری از

---

۹۵۲ - Fjeldstad ۱۹۹٦, ۲۰۰۳; Kaufman ۲۰۱۰; Ivanyna et al. ۲۰۱۰

۹۵۳ - Kaufman, D. (۲۰۱۰). Can corruption adversely affect public finances in industrialized countries?, April ۱۹, Washington., available at https://www.brookings.edu/opinions/can-corruptionadversely- affect-public-finances-in-industrialized-countries/. Accessed on March ۲۰۱۷.

۹۵٤ -Gray, C. W., & Kaufmann, D. (۱۹۹۸). Corruption and development. Finance & Development, ۳٥(۱), ۷–۱۰

۹٥٥ - joel hellmam & Daniel Kaufmann(۲۰۰۱), Ibid.

اقتصاددانان اشاره کرده اند، گاهی اوقات این امر ذاتی در تجارت کالاهایی است که از طریق دزدی، تقلب یا قاچاق به دست می آید. کالاهای قاچاق می توانند تقاضا برای کالاهایی را که مطابق با قوانین مالیاتی و مقررات وارداتی از کانال های قانونی وارد و یا تولید شده و به بازار عرضه می شوند را از رونق بیندارد و آنها را از بازار کنار بزنند و به تدریج موجب تعطیلی صنایع و کسب و کارهای داخلی شده و به صنعتی زدایی سرعت ببخشد که بیکاری ناگزیر را در اقتصاد ملی نتیجه می دهند. هزینه های بیکاری از نظر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می تواند بسیار سنگین تمام شود.[۹۵۶] همچنانکه واردات قاچاق کالا به تولید کنندگان داخلی آن محصولات لطمه وارد می سازد و موجب ورشکستگی و تعطیلی کارگاه ها و در نتیجه افزایش بیکاری در اقتصاد می شود ، صادرات قاچاق، به مصرف کنندگان داخلی آسیب می رساند. صادرات قاچاق کالاهای استراتژیک و اساسی مانند فرآورده های سوختی و آرد و سایر مایحتاج ضروری مصرف کنندگان داخلی موجب می شود که مصرف کنندگان داخلی از یارانه و سوبسیدی که روی این کالاهای استراژیک یا اساسی وجود دارد ، محروم گردند و این یارانه ها نصیب باندهای قاچاقی گردد که آن محصولات را در کشورهای هم جوار به قیمت های بالاتری صادر می کنند. بدیهی است در صورتیکه کنترل موثری بر صادرات قاچاق این نوع کالاها صورت نگیرد، با توجه به ظرفیت محدود تولیدات داخلی این محصولات، احتمال کمبود در داخل و در نتیجه افزایش قیمت آنها وجود دارد که به افزایش تورم در اقتصاد منتهی می گردد. (مبارک، ۱۳۹۰)، در مقاله ای به بررسی ارتباط میان قاچاق کالا و فرار مالیاتی در ایران پرداخته و از طریق یک الگوی معادلات ساختاری فرار مالیاتی ناشی از قاچاق کالا را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. نتایج تحقیقات او نشان می دهد، در بازه زمانی ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۹ ، میانگین حجم قاچاق کالا ، به طور متوسط، ۲۰/۸۸ درصد از تولید ناخالص داخلی بوده است. نتایج این تحقیق هم چنین بیانگر آن است که میانگین فرار مالیاتی طی دوره مورد بررسی حدود ۹۷۹۸/۸۴ میلیارد ریال بوده است.او برای برآورد فرار مالیاتی ناشی از قاچاق کالا، از روش (اشنایدر، ۲۰۰۵) استفاده کرده که نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در حجم قاچاق کالا ضرب می شود.[۹۵۷] در مجموع جرایم اقتصادی همچون قاچاق ، اشکال دیگری از آسیب و خسارت به تجارت قانونی و فعالیت های اقتصادی رسمی می رساند. از جمله هزینه هایی که جرم و فساد ، به طور منظم به دولت و کسب و کارهای سازمان یافته و رسمی تحمیل می شود عبارتند از :

- هزینه های ایجاد و نگهداری سیستم های امنیتی و کنترلی که فعال، واکنشی و قانونی باشند.
- حق بیمه های گران تر که ریسک افزایش یافته و سطوح بالاتر جرم را در نظر می گیرد.

---

۹۵٦ - Charles Goredema(۲۰۰۷), Ibid.

۹۵۷ –اصغر مبارک(۱۳۹۰)، برآورد فرار مالیاتی ناشی از قاچاق کالا در ایران : روش مدلسازی معادلات ساختاری، مجموعه مقالات نهمین همایش سیاستهای مالی و مالیاتی ایران.

• نرخ های مالیاتی سنگین تر برای حمایت از هزینه های عمومی جهت مبارزه با جرم و جنایت.

هزینه های دیگر ناشی از جرایم و مفاسد اقتصادی ، شامل بی اعتمادی به فضای کسب و کار و ایجاد نا امنی اقتصادی است که واکنش های آن را در رفتار فعالان اقتصادی می توان با شاخص هایی مانند : کاهش میزان تشکیل سرمایه، واحدهای تولیدی تعطیل شده ، افزایش در تعداد بیکاران ، تعدیل نیروی انسانی در بنگاه ها، خروج بنگاه ها از صنعت ، خروج سرمایه از کشور و غیرو اندازه گیری کرد. معاملات متقلبانه با پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری‌ها، ناگزیر زیان‌هایی را برای سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کند. گاهی اوقات، این نوع معاملات منجر به ورشکستگی و فروپاشی مؤسسات مالی و اعتباری می شوند.[۹۵۸] در مباحث آتی به مواردی از فسادهای کلان ، اختلاس و سوء مدیریت در نظام بانکداری ایران،که به ورشکستگی چندین موسسه مالی و اعتباری منتهی گردید، اشاره خواهد شد. در اینجا برآوردی در مقیاس جهانی از گردش مالی ناشی از انواع جرم و فساد را مرور می کنیم. طبق برآوردی که (لیو و همکاران، ۲۰۲۲) ارائه داده اند، اندازه بازار مواد مخدر در سراسر جهان حدود ۳۰۰ میلیارد دلار است و سهم داروهای توهم زا از بازار جرایم مواد مخدر در سراسر جهان حدود ۳ میلیارد دلار است. اما فقط یک رسوایی در مورد پولشویی حدود ۲۰۰ میلیارد دلار است. بازار پولشویی در سراسر جهان را حداقل باید شش یا هفت برابر این رقم ارزیابی کرد و براساس برخی برآوردها معادل ۲ تریلیون دلار ارزیابی شده است. اگر همه بازارهای جنایی را کنار هم بگذاریم : مواد مخدر، کلاهبرداری، قاچاق انسان، محصولات تقلبی و نامرغوب و انحرافات بازار و دیگر بازارهای مجرمانه در مجموع، رقمی در حدود ۶۰۰ میلیارد دلار برآورد می شود این درحالی است که فرار مالیاتی به تنهایی دو یا سه برابر این رقم یعنی معادل با ۱۸۰۰ میلیارد دلار است. این ارقام یک واقعیت نگران کننده را نشان می دهد و آن تعمدی است که بر اغراق در مورد جرایم عادی صورت می گیرد. معمولا روزنامه ها گرایش به بزرگنمایی جرایم و جنایت معمولی و متعارف دارند و مثلا وقتی از جرایم عادی صحبت می کنند، وضعیت آن را اغراق می کنند، در حالیکه ارقام واقعی حدود ۱به۱۰ است. تمرکز دولت ها و پلیس و نیروهای امنیتی کشورها بر کنترل جرایم عادی است و جرایم بزرگ اغلب مورد اغماض قرار می گیرند.[۹۵۹]

دیدگاه کلاسیک این است که جرایم اقتصادی در کشورهایی که در چالش‌های دوران گذار غرق شده‌اند یا گرفتار بحران‌های سیاسی هستند، بومی است. در این مقاطع، سطح آسیب پذیری حاد است. ویژگی‌های یک حالت انتقالی که آسیب‌پذیری حاد ایجاد می‌کند را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد[۹۶۰]:

• کاهش کنترل اجتماعی، شامل عدم اجرا (یا اجرای ضعیف) قوانین علیه جرایم اقتصادی

---

۹۵۸ - Charles Goredema(۲۰۰۷), Ibid

۹۵۹ - Yanping Liu, Minghai Tian ,Yanming Shao(۲۰۲۲),Cybercrimes and Financial Crimes in the Global Era, Springer.

۹۶۰ - Charles Goredema(۲۰۰۷), Ibid

- تحرک بیشتر نیروی فعال اقتصادی در داخل کشور و فراملی.(مهاجرت درونی- بیرونی)
- فساد ناشی از کاهش دستمزدها، افزایش فرصت های مجرمانه، کاهش مجازات و سقوط ارزش های اخلاقی.
- ارتباط نزدیک بین قدرت سیاسی و دسترسی به فرصت های اقتصادی.
- عدم تعادل در منابع بین ساختارهای مجری قانون و سازمان های رسیدگی به جرایم (پلیسی و قضایی)
- ناامیدی از کارگزاران مجری قانون و جذب آنها در بخش خصوصی یا گروه های جرایم سازمان یافته
- باز شدن راه ها برای رشد فرصت طلبی های لجام گسیخته

تاثیر فساد بر کیفیت زندگی

از زمانی که معلوم شد ، رشد شاخص تولید ناخالص داخلی (GDP) که معرف رشد اقتصادی است، نمی‌تواند معیار مناسبی برای قضاوت در مورد کیفیت زندگی مردم تلقی شود و در بررسی و افکارسنجی از مردم در کشورهای توسعه یافته، معلوم شد، تنها با افزایش درآمد سرانه به عنوان یک معیار صرفا اقتصادی، احساس خوشبختی و آرامش برای آحاد افراد جامعه فراهم نمی شود و همچنان عده زیادی از مردم احساس رضایت مطلوب از کیفیت زندگی خود ندارند، برای نخستین بار، در سال ۲۰۰۵ میلادی، واحد اطلاعاتی اکونومیست (EIU)، شاخص اقتصادی و اجتماعی جدیدی را به منظور رتبه‌بندی کشورهای جهان ارائه کرد، که به شاخص "کیفیت زندگی"[۹۶۱] موسوم است. این شاخص از ترکیب معیارهایی همچون سرانه تولید ناخالص داخلی، برابری قدرت خرید (به $)، هوشمندی نظام اقتصادی، امید به زندگی(بهداشت و سلامت)، آزادی سیاسی و اجتماعی(آزادی فعالیت و کنشگری سیاسی اجتماعی)، امنیت شغلی (قراردادهای شفاف کاری، شرایط و کیفیت محیط کار،)، ثبات و امنیت سیاسی و اجتماعی (مقابله با تروریست و افراط گرایی، خشونت سازمان یافته، رفتار پلیس، خشونت دولتی و..)، آرامش و ثبات خانوادگی (طلاق و ناسازگاری)، شرایط جغرافیایی و تغییرات اقلیمی(گرمایش، کم آبی،بحران های زیست محیطی)، برابری جنسیتی (برابری فرصتهای شغلی زنان با مردان و برابری درآمدی و دستمزدهای آنها)، کیفیت زندگی جمعی (صلح و آرامش در جوامع محلی و همزیستی مسالمت آمیز اقوام مختلف کنار یکدیگر) بدست می آید. تحقق این معیارها ، در کشورهای مختلف، متاثر از عوامل مختلف است که یکی از عمده ترین آنها به عملکرد نهادهای ذیربط در مقابله با جرم و فساد مرتبط است.

(اینگل هارت و ولزل، ۲۰۰۵) بررسی کرده اند که چگونه نهادهای سیاست‌گذار و قانون‌گذار فساد را از طریق قوانین تعاملی که برای بازیگران سیاسی و تجاری ارائه می‌دهند، ترویج یا مهار می کنند.آنها همچنین این موضوع را بررسی کرده اند که چرا این معما برای جرم شناسان و تحلیل گران مسائل اجتماعی مهم است؟ تأثیر مستقیم و منفی فساد بر ابعاد اساسی کیفیت زندگی (فقر، برابری و عدالت) به خوبی مستند شده است و نیازی به بازگویی آن به

---

۹۶۱ - Quality of Life

عنوان انگیزه ای برای فساد وجود ندارد. آنچه که زیانبارتر است، شیوه ای است که در آن فساد می تواند به موفقیت سیاست هایی مانند دموکراسی سازی و اصلاحات بازار را که دقیقاً برای رسیدگی به این مشکلات اتخاذ شده اند، آسیب بزند. شهروندان در سراسر جهان به طور فزاینده ای احساس می کنند که حقوقی که به طور رسمی توسط نهادهای یک کشور به آنها اعطا می شود در عمل با تبانی مفسدانه و تبهکارانه بین نخبگان تجاری و سیاسی تضعیف می شود.[۹۶۲] آنها همچنین فساد را به عنوان عاملی موثر تر در تنزل بخشیدن به سطح استانداردهای زندگی ناشی از سیاست‌های نامطلوب اقتصادی معرفی می‌کنند (گرینبرگ و روزنر۲۰۰۶). این دیدگاه‌ها توسط نهادهایی مانند بانک جهانی منعکس می‌شوند، که مطالعات آن نشان می‌دهد کشورهایی با نرخ بالاتری از تسخیر مشاغل توسط دولت ، رشد اقتصادی کمتر و توزیع مجدد کمتری را تجربه می‌کنند(کافمن ، ۲۰۰۶ : ۲۵). هر دو گرایش به افسون‌زدایی مردمی فزاینده و خطرناک اشاره دارند.

تاثیر فساد بر رشد و توسعه اقتصادی

مطالعات بسیاری نشان می‌دهند که فساد می‌تواند اثرات مخرب و نامطلوبی بر رشد و توسعه پایدار اقتصادی داشته باشد.[۹۶۳] هاج، شانکار، رائو، و دوس (۲۰۱۱) در مطالعات خود نشان دادند که فساد بر سرمایه‌گذاری و سرمایه انسانی تأثیر منفی می‌گذارد و به بی ثبات سیاسی منجر می شود که به نوبه خود مانع رشد اقتصادی می‌شود.[۹۶۴] گروندلر و پوترافکه (۲۰۱۹) داده های ۱۷۵ کشور را در دوره ۲۰۱۲-۲۰۱۸ تجزیه و تحلیل کردند تا رابطه بین فساد و رشد اقتصادی را بیابند. آنها به این نتیجه رسیدند که یک افزایش انحراف معیار در شاخص ادراک فساد معکوس شفافیت بین‌الملل منجر به کاهش تقریباً ۱۷ درصدی در تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی می‌شود. آنها می افزایند که فساد با کاهش سرمایه گذاری مستقیم خارجی و افزایش تورم بر رشد اقتصادی تأثیر منفی می گذارد.[۹۶۵] با این وجود، برخی از نویسندگان استدلال می کنند که رابطه ی اخیر می تواند در مورد برخی کشورها مثبت باشد (پل، ۲۰۱۰؛ جیانگ و نی، ۲۰۱۴؛ نگوین و لونگ، ۲۰۲۰). هوانگ (۲۰۱۶) استدلال می کند که

---

٩٦٢ - Ronald Inglehart and Christian Welzel (٢٠٠٥), Modernization, Cultural Change, and Democracy :The Human Development Sequence , Cambridge University Press.

٩٦٣ - Hodge, Shankar, Rao, & Duhs,٢٠١١, Dridi,٢٠١٣, d'Agostino, Dunne, & Pieroni, ٢٠١٦,Cieślik & Goczek,٢٠١٨ Baklouti & Boujelbene, ٢٠١٩.; Abdul Rehman, Laura Mariana Cismas & Ioana Anda Milin(٢٠٢٢) ,The Three Evils": Inflation, Poverty and Unemployment's Shadow on Economic Progress—A Novel Exploration from the Asymmetric Technique, sustainability: https://www.mdpi.com/journal/sustainability.

٩٦٤ - Hodge, A., Shankar, S., Rao, D. P., & Duhs, A. (٢٠١١). Exploring the links between corruption and growth. Review of Development Economics, ١٥(٣), ٤٧٤–٤٩٠. https://doi.org/١٠,١١١١/j.١٤٦٧- ٩٣٦١,٢٠١١,٠٠٦٢١.x

٩٦٥ -Diep Van NGUYEN, My Tien Ha DUONG, Shadow Economy, Corruption and Economic Growth: An Analysis of BRICS Countries, Journal of Asian Finance, Economics and Business Vol ٨ No ٤ (٢٠٢١); Gründler, K., & Potrafke, N. (٢٠١٩). Corruption and economic growth: New empirical evidence. European Journal of Political Economy, ٦٠, ١٠١٨١٠. https://doi.org/١٠,١٠١٦/j. ejpoleco.٢٠١٩,٠٨,٠٠١

در کره جنوبی، فساد و رشد اقتصادی احتمالا ارتباط مثبتی داشته باشند.[۹۶۶] در همین حال (وردیر و حکیم اوغلو، ۱۹۹۸) پیش بینی می کنند که ممکن است یک آستانه بهینه برای سطح فساد وجود داشته باشد.[۹۶۷]در این راستا، ژوماشف (۲۰۱۴) تأثیر شیوه حکمرانی، هزینه های عمومی و توسعه اقتصادی را بر رابطه بین فساد و رشد اقتصادی بررسی می کند و نشان می دهد که " فساد تنها زمانی کارایی اقتصادی را بهبود می بخشد که اندازه واقعی دولت بالاتر از حد مطلوب باشد. این نشان می‌دهد که یک سطح معینی از فساد برای به حداکثر رساندن رشد اجتناب ناپذیراست." [۹۶۸] اما در مجموع به غیر از یک شرایط خاص و در کشورهای خاص، فساد عموما بر رشد اقتصادی تاثیر منفی می گذارد، زیرا فساد موجب رشد اقتصاد سایه و از آن طریق کاهش پایه مالیاتی می شود که بر بودجه های تامین سرمایه گذاری برای زیر ساخت و ارائه خدمات عمومی تاثیر منفی می گذارد و همه اینها به رشد اقتصادی کشور آسیب می زند.[۹۶۹]

---

۹٦٦ – آنها ایده ، نگوین و لونگ (۲۰۲۰) را تایید می کنند که می گویند: " فساد باعث اصطحکاک نمی‌شود، بلکه چرخ‌های رشد اقتصادی را چرب می‌کند»

(Nguyen & Luong، ۲۰۲۰، ص ۹۲). همچنین ر.ک به :

Huang, C. J. (۲۰۱٦). Is corruption bad for economic growth? Evidence from Asia-Pacific countries. The North-American Journal of Economics and Finance, ۳٥, ۲٤۷–۲٥٦. https://doi. org/۱۰,۱۰۱٦/ j.najef. ۲۰۱٥.

۹٦۷ -Acemoglu, D., & Verdier, T. (۱۹۹۸). Property rights, corruption and the allocation of talent: A general equilibrium approach. The Economic Journal, ۱۰۸(٤٥۰), ۱۳۸۱–۱٤۰۳.

۹٦۸ - Dzhumashev, R. (۲۰۱٤). Corruption and growth: The role of governance, public spending, and economic development. Economic Modelling, ۳۷, ۲۰۲–۲۱٥. https://doi.org/۱۰,۱۰۱٦/j. econmod.۲۰۱۳,۱۱,۰۰۷.

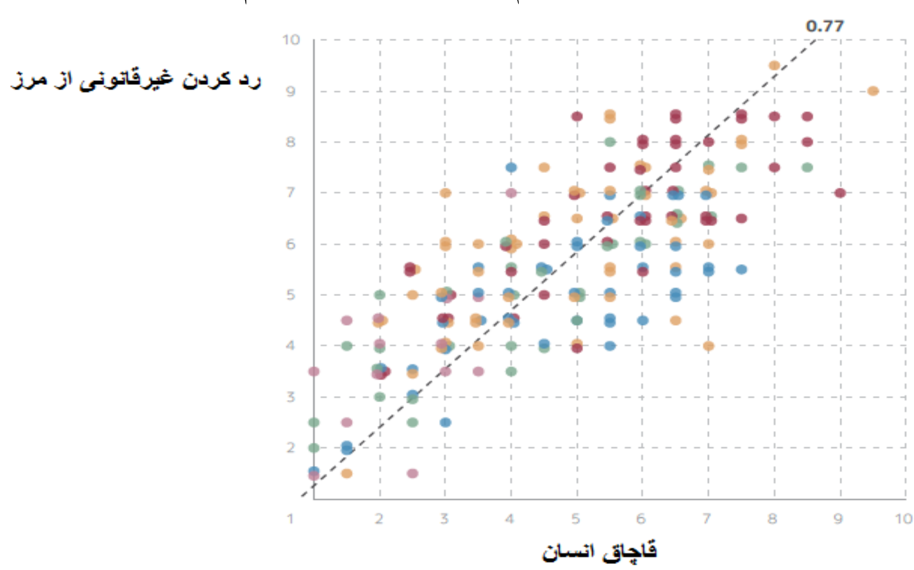
۹٦۹ - Baklouti, N., & Boujelbene, Y. (۲۰۱۹). Shadow Economy, Corruption, and Economic Growth: An Empirical Analysis. The Review of Black Political Economy, ٤۷(۳), ۲۷٦–۲۹٤.

فصل هشتم : بازار، جرم و فساد

براساس قانون شناخته شده در اقتصاد که عرضه، تقاضای خود را بوجود می آورد، در مورد فعالیت های غیرقانونی که در اقتصاد سایه و اقتصاد زیر زمینی انجام می گیرد و از منظر قانونی جرم تلقی می شود، همین قانون عرضه و تقاضا وجود دارد و بسیاری از قواعد بازار برآن حاکم است. به طور کلی، دو نوع بازار جنایی وجود دارد: بازارهایی که تقریباً در همه جا وجود دارند، البته با درجات متفاوتی از شدت و ضعف ، و آنچه که می‌توان آن را به عنوان "تیمچه"[۹۷۰] یا "بازارچه " توصیف کرد. در سرتاسر جهان ، بازار جرایم ، نمایانگر طیف وسیعی از فعالیتهای غیرقانونی سود محور و درآمدزا مانند قاچاق کالا، قاچاق انسان ، رد کردن غیر قانونی از مرز، قاچاق منابع طبیعی تجدید ناپذیر مانند عاج فیل و حیوانات نادر، قاچاق مواد مخدر، قاچاق سلاح و تولید و عرضه کالاهای تقلبی و وطیف وسیع دیگری از جرایمی است که در اقتصاد غیر رسمی انجام می شود.[۹۷۱]

"بازارچه" یا "جاویژه" بخش حاشیه‌ای کوچکی از بازار است که بر روی یک نیاز ویژه یا یک کالای ویژه متمرکز شده‌است. این اصطلاح به گونه ای از مدیریت بازاریابی اشاره دارد که در آن ، بازار هدف خود را بر پایه نیازی بسیار ویژه، دامنه قیمتی مشخص ، کیفیت معینی از کالا و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی معین تعریف کرده‌است.[۹۷۲]

نمودار زیر همپوشانی و رابطه همبستگی میان دو جرم مجزا ولی نزدیک به هم را نشان می دهد :



منبع : Global Organized Crime Index - 2021

۹۷۰ - ‘niche’ markets
۹۷۱ - Global Organized Crime Index(۲۰۲۱)
۹۷۲ - https://fa.wikipedia.org/wiki “ **جاویژه :** niche’ markets “

نظام کنترل سازمانی و فساد :

گفته شد که مجرمین یقه سفید کسانی هستند که با سوء استفاده از موقعیت و نفوذ اداری خود مرتکب جرایم سودآور غیرخشن می شوند. مهم ترین مصادیق جرایم ارتکابی مجرمین یقه سفید عبارتند از: کلاهبرداری، فساد مالی (شامل ارتشا)، جرایم کاری و استخدامی، جرایم مربوط به نقض حقوق مصرف کنندگان، جرایم مربوط به مواد غذایی و دارویی، جرایم زیست محیطی، جرایم رایانه ای و جرایم گمرکی. برخی از جرایم یقه سفید بزه دیده مستقیم دارند و برخی بزه دیده مستقیم ندارند ولی به هر حال جامعه و اعضای آن بزه دیده تلقی می شوند. از این رو، کلیه افراد جامعه باید تشویق به همکاری در مقابله با این جرایم شوند و به اندازه کافی تحت حمایت قانونی واقع شوند. در ایران بیشتر مصادیق جرایم یقه سفید جرم انگاری شده ولی تناسب لازم میان مجازات و جرم در مقام مقایسه بین مصادیق مختلف این جرم با توجه به آثار آنها صورت نگرفته است.[۹۷۳]

به طور سنتی، کنترل در سازمان‌ها با رویکردهای از بالا به پایین مرتبط است، جایی که مدیران تلاش می کنند توجه، رفتار و عملکرد کارکنان خود را در راستای همسویی با اهداف و مقاصد سازمان هدایت کنند. اما اخیراً، دیدگاه کنترل گسترش یافته است تا شامل سفارشی سازی و تغییر مکانیسم‌های کنترلی شود ، جایی که تغییر شکل این ایده را در بر می گیرد که واحدهای سازمانی رژیم‌های کنترلی ای را اجرا می کنند که با مکانیسم کنترل اجباری مدیریت متفاوت است. (Chown, ۲۰۲۱: ۷۱۱)

دیدگاه دیگر رویکرد پایین به بالا است که برای انطباق اجرایی بر اقدامات سازمانی تمرکز دارد ، تا جرایم یقه سفید را برای مجرمان بالقوه کم خطرتر تطبیق کند (هینز و همکاران، ۲۰۲۲). انطباق به اطاعت از قوانین و مقررات رسمی در زمان و مکان معین اشاره دارد (دوراند و همکاران، ۲۰۱۹). کنترل مربوط به اختلاف منفی بین وضعیت مطلوب و وضعیت فعلی امور است. مکانیسم‌های کنترل تلاش می کنند تا از طریق کنش تطبیقی در قالب واکنش‌های رفتاری، اختلاف را کاهش دهند (Direnzo & Greenhaus, ۲۰۱۱). مکانیسم‌های کنترلی تلاش می کنند بر فرآیند، محتوا و نتیجه کار تأثیر بگذارند و مدیریت کنند (Kownatzki و همکاران، ۲۰۱۳). کنترل شامل فرآیندهای مذاکره است که در آن استراتژی های مختلفی برای تولید نتایج خاص ایجاد می شود. بنابراین کنترل یک فرآیند پویا است که رفتار را برمبنای مجموعه ای از حالت ها، قوانین یا استراتژی ها تنظیم می کند و شکل می دهد.(گیل، ۲۰۱۹). انواع مختلفی از مکانیسم های کنترلی با اهداف مختلف وجود دارد.

به عنوان مثال، چارچوب‌های برجسته، کنترل‌ها را بر اساس رسمی یا غیررسمی، اجباری، هنجاری، مبتنی بر همتایان یا هماهنگی مشخص می کنند. همچنین کنترل‌ها بر سه اساس تقسیم می‌شوند (کنترل ورودی – کنترل خروجی –

۹۷۳ - صادق سلیمی(۱۳۸۷)، مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری در ایران، فصلنامه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، ش ۴.

کنترل فرایند) مثلا آیا رفتار و عملکرد کارکنان با اجرای فرآیندها یا قوانینی که تضمین می کند افراد وظایف را به شیوه‌ای خاص انجام می‌دهند منطبق است، همچنین آنها خروجی‌های خود را با ارزیابی عملکرد کارکنان بر اساس موارد قابل اندازه گیری مانند سود یا تولید هدفگذاری شده مورد تطبیق قرار می‌دهند یا ورودی‌ها را برای ارزیابی میزان تولید هدف قرار می‌دهند. همچنین فرآیند را با کنترل سرمایه انسانی و ورودی های مادی مورد استفاده سازمان مورد بررسی قرار می دهند.

کنترل جرایم یقه سفید شرکتی عمدتاً بر تلاش برای پیشگیری، کشف و کاهش اختلاف منفی بین وضعیت مطلوب و فعلی امور اجرایی متمرکز است. کنترل تلاش می کند تا بر روند کار به روش های هنجاری تأثیر بگذارد. کنترل رفتار اجرایی را هدف قرار می دهد تا اطمینان حاصل کند که افراد اجرایی وظایف را به شیوه ای قانونی انجام می دهند. همانطور که Kownatzki و همکارانش استدلال کردند. (۲۰۱۳)، کنترل رفتار بر معیارهای ذهنی و مرتبط سازمانی برای ارزیابی فعالیت های اجرایی و اندازه گیری عملکرد در زمینه پیشرفت بلندمدت به سمت توسعه یک روش خاص برای انجام کارها متکی است. کنترل رفتار نه تنها کنترل‌ها و تعادل‌هایی را برای عملکرد اجرایی فراهم می کند، بلکه واژگان مشترکی را نیز فراهم می کند که گفت‌وگو میان ذینفعان را تسهیل می کند و ایجاد هنجارهای رفتاری بلندپروازانه را تقویت می کند. هنگامی که رفتار به جای نتیجه مورد توجه قرار می گیرد، کنترل ها ممکن است یک ضربه گیر(بافر) برای فشارهای کوتاه مدت خارجی فراهم کنند.[۹۷۴]

جرایم یقه سفیدها

چانکه اشاره شد، جرایم یقه‌سفیدها در اشارات حقوقی و قانونی دلالت بر سوءاستفاده افراد بلندپایه از موقعیت و مقام خود است که بیشتر با جرایم اقتصادی و مالی همراه است و گفته شد که این نظریه نخستین بار در مبحث جرم‌شناسی توسط جرم‌شناس آمریکایی ادوین ساترلند در دهه ۵۰ میلادی مطرح گردید. جرایم یقه سفید را می توان بر اساس وضعیت مجرمان، دسترسی آنها به مشاغل قانونی، حضور مشترک شکل سازمانی و میزان هزینه ها و زیان آور بودن چنین جرمی از جرایم عادی ("جرایم خیابانی") متمایز کرد (کالن و همکاران، ۲۰۲۰). در حالی که مجرمان خیابانی خود را پس از یک تخلف پنهان می کنند، جنایتکاران یقه سفید در حالی که در همان موقعیت (شغلی/ سازمانی) می مانند، آثار جرم و تخلف خود را پنهان می کنند (Michel,۲۰۱۶) ، به این دلیل که آنها برای ارتکاب جرم اقتصادی و مالی خود به امکانات و سیستم های قانونی لازم برای اختفای جرم و یا توجیه و لاپوشانی آن دسترسی دارند (بنسون و سیمپسون، ۲۰۱۸).[۹۷۵]

---

۹۷٤ -Financial Crime Issues

۹۷٥ - Financial Crime Issues .P ۱۳۹

برخورد با جرایم یقه سفید به یک چالش مستمر در دولت ها تبدیل شده ست. زمانی ریچارد تورنبورگ، دادستان کل در ایالات متحده ، گزارش وزارت دادگستری پیرامون موضوع پس انداز و تقلب در اعطای تسهیلات وام را با این قول به مردم آمریکا ارائه کرد : "مردم آمریکا می توانند اطمینان داشته باشند که تعقیب جرایم یقه سفید در مجموعه ها و به ویژه جرایم پس انداز و قرض، اولویت اصلی وزارت دادگستری خواهد بود." پرزیدنت بوش هم در یک سخنرانی برای وکلای ایالات متحده در ژوئن ۱۹۹۰ اظهار داشت: "تا زمانی که متقلبان و شیادان و شارلاتان‌ها [مسئول رسوایی S&L] [۹۷۶] بخش بزرگی از زندگی خود را پشت میله‌های زندان فدرال سپری کنند، آرام نخواهیم گرفت و آرامش برقرار نخواهد شد." ، این در حالی است که تحقیقات در مورد کلاهبرداری های مالی کلان از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۱، ۵۴ درصد افزایش یافته است. FBI هر ماه بیش از ۲۶۰ پرونده اصلی را باز می کند و تا اوایل سال ۱۹۹۲ بیش از ۴۳۰۰ مورد کلاهبرداری مالی را آغاز می کند.[۹۷۷]

به حداقل رساندن فساد دولتی و سرمایه داری دوستانه کار آسانی نیست. چالش تاریخی نشان می دهد در جایی که پول و قدرت با هم ترکیب می شوند، رفتار انسان تمایل به فاسد شدن دارد. قوانین ملی و بین المللی و معاهداتی که فساد در معاملات تجاری را منع می کند، مورد عمل قرار نمی گیرد و بسیاری از شرکت ها همچنان به نقض قوانین و مقررات اخلاقی ادامه می دهند و استانداردهای تعیین شده توسط قانونگذاران ملی زیرپا گذارده میشوند و اقداماتی مانند پولشویی و نگهداری پول نقد در خارج از کشور از طریق فعالیت های غیرقانونی رشد داشته است. رسوایی های دوره ای در ایالات متحده و کشورهای غربی نشان می دهد که حتی نظام های دموکراتیک از این مشکل مصون نیستند. اما با وجود این رسوایی ها، برخی جوامع نسبت به سایرین سابقه کلی پاک تری دارند. این تفاوت زمانی بیشتر خودنمایی می کند که قوانین روشنی در مورد تعارض منافع و خویشاوندی وجود داشته باشد و به صورت قانون نوشته شده و مکتوب در اختیار باشد و به طور دقیق و منصفانه اجرا شود. ایجاد جامعه ای پاک که در آن حکومت تنها با صداقت و تعهد به جای قانون و هنجار تعریف شده اداره شود، یک استثناست که نیاز به تعهد ملی فراگیر و نهادهای مدیریتی سالم و پاک دارد. عناصر زیادی در این میان نقش دارند و مراکز قدرت مستقلی در داخل حکومت ، برای مثال، یک قوه قضاییه مستقل لازم است که بتواند وقتی مقامات قانون را زیر پا می گذارند ، حسابرسی و محاکمه نماید. بعلاوه چنین جامعه ای نهادهای قوی جامعه مدنی مستقل و خارج از بدنه دولت نیاز دارد، روزنامه های مستقل، سازمان های دیده بان مدنی، سازمان‌های اجتماعی غیرحزبی و دانشکده‌ها و دانشگاه‌های حساس و معتبری که بتوانند نقش مفیدی در افشای فساد ایفا نموده و مقامات را دعوت به اقدام

---

۹۷۶ – S&L: یکی از بزرگترین سو استفاده های کلان مالی در آن دهه بود

۹۷۷ - Calavita, Kitty.; Pontell, Henry N.;Tillman, Robert(۱۹۹۷),Big Money Crime : Fraud and Politics in the Savings and Loan Crisis, University of California Press,pp۱۳۰-۱۳۱.

اصلاحی و جبرانی نمایند، بعلاوه خود رهبران ، مقامات ، مدیران و کارگزاران دولت باید الگوی خدمت صادقانه و فداکارانه و میهن پرستانه باشند ، که در نتیجه به ایجاد توقع عمومی کمک می کند. این خدمتگزاران باید برای منافع عموم مردم کار کنند، نه برای طبقات ممتاز و ثروتمند شدن خود یا وابستگانشان.

در ایران جرایم اقتصادی بصورت ناملموسی در هم تنیده و سازمان یافته هستند. در این باره یقه سفیدها با سایر مجرمان اقتصادی بمانند حلقه های یک زنجیر به هم متصل اند. آمار بسیار بالای اختلاس، سوءاستفاده های کلان مالی، دست اندازی بر اموال و دارایی های عمومی و حتی قاچاق بدون مراودات با افراد فاسد در داخل دستگاه های مسوول ممکن نیست. بنابراین مقامات قضایی و دستگاه پلیس در ایران با شرایط بسیار پیچیده ای برای مقابله با جرایم مواجه هستند. رییس پلیس امنیت اقتصادی ناجا در بهمن ماه ۱۳۹۸ طی گزارشی ضمن تاکید بر این نکته که یکی از الزامات رونق تولید و رشد اقتصادی برقراری و ایجاد امنیت اقتصادی است، اعلام کرد طی ۹ ماهه گذشته در مجموع ۶۸۰ درصد افزایش ریالی پرونده‌های اخلال در نظام اقتصادی داشته ایم. (این یعنی رشدی معادل با ۶٫۸ برابر نسبت به سال گذشته که اگر در بدبینانه ترین حالت ۳۰٪ افزایش رشد ریالی ناشی از تورم را از آن کم کنیم همچنان رشدی معادل ۴٫۷ برابری یعنی ۴۷۰ درصدی در جرایم اقتصادی را نشان می دهد که بسیار نگران کننده است.) وی همچنین اعلام کرد در کشف پرونده های پولشویی ۲۶۸ درصد رشد ریالی پرونده ها بوده است. همچنین در پرونده های رباخواری ۱۵۳ درصد رشد داشتیم. در پرونده های زمین خواری ۱۹۵ درصد و در پرونده های مربوط به احتکار ۵۹ درصد رشد داشتیم. وی همچنین گزارش داد که ارزش ریالی پرونده ها در حوزه قاچاق کالا ۵۵ درصد رشد داشته است. در پرونده های بیش از ۵۰۰ میلیون تومان نیز ۴۴ درصد و در پرونده‌های بیش از ۱۰۰ میلیون ۵۳ درصد رشد داشتیم. وی با ابراز تاسف از وضعیت موجود اعلام کرد:" متاسفانه در جرایم اقتصادی وضعیت مطلوبی نداریم و آمارها و تعداد پرونده‌ها این را نشان می‌دهد و باید بیشتر کار کنیم.[۹۷۸]

باید توجه داشته باشیم که ارقام اعلام شده ، مربوط به جرایم کشف شده است و بدون شک باید انتظار داشت درصد قابل ملاحظه ای از این جرایم تاکنون منتهی به کشف جرم نشده است که باید در نظر گرفته شوند، در این مورد اگر، ضریب عملکرد نهادهای نظارت، پیشگیری، مراقبت و امنیت و ضریب کارایی پلیس و گمرکات در کشفیات جرایم اقتصادی مانند قاچاق را معادل ۲۰ درصد از کل ارزش کالای قاچاق در نظر بگیریم، همچنان باید انتظار داشت که رقم واقعی ارزش کالاهای قاچاق قابل توجه باشد.

درحالی که رشد اقتصاد رسمی (بدون نفت و فرآوده های نفتی) در کشور ارقام منفی را طی سال های منتهی با سال ۱۳۹۹ به ثبت رسانیده ، گزارش رشد سه رقمی در وقوع جرایم کلان اقتصادی که امنیت اقتصادی را هدف قرار داده

---

۹۷۸ –نقل از خبرگزاری ایلنا (۱۳۹۸/۱۱/۰۱) :آمار جرایم اقتصادی وضع مطلوبی ندارد. ر.ک به :

https://www.ilna.ir

است بسیار وحشتناک است و حکایت از رشد قابل ملاحظه ی بخش غیر رسمی و غیر قانونی در اقتصاد کشور دارد. وقتی این آمارها در کنار وضعیت رشد اقتصاد رسمی کشور و خصوصا این واقعیت که درآمدهای نفتی با وجود تحریم ها و عدم امکان دسترسی به درآمد ارزی حاصل از فروش نسیه آن ، که اغلب محقق نمی گردد، وضعیت بسیار ناگواری را برای حاکمیت اقتصادی درکشور و چشم انداز پیش روی آن ترسیم می کند. واقعیت نگران کننده تر این است که بر خلاف تصور رایج در نزد بسیاری از متولیان امور اقتصادی کشور ، در صورت ادامه تحریم های نفتی، با توجه به وابستگی ۶۵ تا ۸۰ درصدی واردات کل کشور به منابع ارزی حاصل از صادرات نفت و مشتقات آن، اتکاء به درآمدهای مالیاتی برای اداره دولت و اتخاذ سیاست اداره اقتصادی کشور منهای نفت در شرایط موجود کشور، تقریبا امری محال است، زیرا هم دولت و هم بنگاه های اقتصادی برای ادامه حیات اقتصادی خود نیاز به منابع ارزی دارند تا بتوانند مواد اولیه و مواد واسطه و ماشین آلات و تجهیزات و فن آوری لازم برای ادامه فعالیت خود وارد کنند و تحریم ها دسترسی ایران را به منابع تامین ارز شدیدا دچار مشکل می کنند و اتکاء به روش های پنهانی و در سایه و بازار سیاه برای تامین منابع ارزی مورد نیاز کشور اغلب پر هزینه و فسادآور است. در گزارش تازه تری که رئیس کل دادگستری استان تهران در فروردین ماه ۱۴۰۱ در مورد رسیدگی به جرایم اقتصادی ارائه داده است، اگرچه آمار و ارقام حکایت از کاهش سرعت ورودی پرونده های جرایم از سرعت رسیدگی به پرونده هاست، اما همچنان باید نگران بود. این مقام ارشد قضایی با تشریح آمارعملکرد چهار ماهه مجتمع ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی اظهار کرد: در بازه زمانی اول آذر تا پایان اسفند ۱۴۰۰ موجودی ابتدایی این مجتمع سه هزار و ۲۸۵ پرونده، میزان ورودی در طول این بازه زمانی دو هزار و ۹۳۲ پرونده و میزان مختومه سه هزار و ۴۴۰ پرونده بوده‌است و موجودی این مجتمع در حال حاضر دو هزار و ۷۷۷ پرونده است. رئیس کل دادگستری استان تهران با اشاره به کاهش ۵۰۸ پرونده از موجودی مجتمع ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی با اقدامات انجام شده در طول بازه زمانی فوق‌الذکر تصریح کرد : ۶۹۳ مورد از پرونده‌هایی که با تلاش همکاران مختومه شد، از پرونده‌های قدیمی بوده‌است و در حال حاضر تلاش همکاران بر این است که پرونده‌های قدیمی هرچه سریع‌تر طی ماه‌های آینده تعیین تکلیف، رسیدگی و رفع نقص شود.[۹۷۹] بدون شک ورود ۲۹۳۲ پرونده جرایم اقتصادی طی یک بازه زمانی چهارماهه با توجه به اینکه این رقم نشان دهنده موارد کشف شده است و نه مواردی که جرم واقع شده ولی همچنان از چشم سیستم نظارتی نامکشوف مانده است و چه بسا همچنان نادیده و نامکشوف بماند، واقعا نگران کننده است. چنانکه می دانیم یکی از ویژگی های جرایم و مفاسد اقتصادی، تلاش اشخاص آلوده به فساد برای اختفای جرم و پاک کردن آثار جرم است. در یک مورد که مربوط به اختلاس ۱۰۰ میلیارد

---

۹۷۹ – خبرگزاری ایسنا: فروردین ماه ۱۴۰۱ :
https://www.isna.ir/

تومانی در بخش اکتشافات وزارت نفت، در سال ۱۳۹۶ بود، رسانه های رسمی کشور اعلام نمودند فردی طی ۱۰ سال، سالانه بطور متوسط ۱۰ میلیارد تومان اختلاس می کرده است. سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس در این مورد سوال کرد که چگونه سیستم سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و سایر دستگاه های نظارتی که حساب ها را سالیانه بررسی می کنند، نتوانستند طی این مدت طولانی تخلفات و اختلاس یک فرد را کشف کنند، یا این فرد از چنان تبحر و مهارتی برخوردار بوده که توانسته نزدیک به ۱۰۰ میلیارد تومان اختلاس، یعنی سالانه حدود ۱۰ میلیارد تومان تخلف کند، یا او همدستانی داشته که با او مشارکت داشته اند؟ جالب است که در اخبار اعلام شد ۳ ساعت بعد از کشف جرم، فرد مورد نظر از کشور خارج شده است.[۹۸۰]

مشارکت عمومی – خصوصی و زمینه های فساد

در حال حاضر مشارکت های دولتی و خصوصی[۹۸۱]، ساختار سازمانی رو به رشدی را برای اجرای پروژه های بزرگ زیرساختی فراهم کرده است.در این چارچوب همکاری ، یک شرکت خصوصی یا کنسرسیوم با دولت وارد شراکت می شود تا بطورمشارکتی، مثلا یک بزرگراه، یک تونل، یک پروژه قطار شهری ، یک نیروگاه یا یک فرودگاه را بسازند و مورد بهره برداری قرار دهند. در این نوع همکاری به طور کلی، بخش خصوصی تمام سرمایه گذاری را به شرطی انجام می دهد که حق انحصاری مدیریت و درآمد حاصل از سرمایه گذاری را در یک دوره مشخص برای مدتی طولانی، معمولاً بیست و پنج سال یا بیشتر دریافت کند. متاسفانه همیشه این خطر وجود دارد که پروژه های زیربنایی می توانند به جای اینکه به نفع اجتماع باشند، به نفع سیاستمداران و دوستانشان تمام شود.

پروژه های بزرگ زیربنایی مانند طرح های بزرگ در مقیاس ملی که از نظر سیاسی بسیار جذاب هستند، در عین حال از پتانسیل لازم برخوردارند که برای رشوه های کلان به تصمیم گیرندگان مسیری امن و راحت برای فساد مقامات دولتی فراهم کنند. کارفرمایان فاسد این معاملات محرمانه را به گونه ای تنظیم می کنند که کشف فساد چنان دشوار شود که سیاستمداران درگیر احساس کنند از هرگونه نظارت عمومی مصونیت کامل دارند. در ایران این نوع همکاریهای اغلب در پروژه هایی انجام می شود که شرکت های پیمانکار و شرکت های مشاور نفوذ فرآوانی در دستگاه یا وزارت خانه مربوطه دارند و اغلب مدت زمان اجرا و اتمام یک پروژه بزرگ عمرانی به اندازه عمر سه دولت ، یعنی ۱۲ سال و گاه بیشتر به طول می انجامد.[۹۸۲]

---

۹۸۰ – نقل ازخبرآنلاین، بهمن ماه ۱۳۹۶: ر. ک به :

https://www.khabaronline.ir/news/۷٤۷۹۲۹

۹۸۱ - public-private partnerships

۹۸۲ – گزارش مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸

اینجاست که عناصر حیاتی حکمرانی خوب به محک راستی آزمانی درمی آیند.کشورهای نوظهور که از لحاظ تاریخی فاقد زیرساخت هستند، برای مشارکت کامل در اقتصاد جهانی نیاز به ایجاد امکانات مدرن دارند. شهروندان صرفاً باید اصرار داشته باشند که منابع اساسی حکمرانی خوب برای به حداقل رساندن خسارات و بی‌عدالتی که فساد ایجاد می کند به کار گرفته شود. هیچ جایگزینی برای امنیت مستمر از سوی تشکل های مدنی، آژانس های مراقبتی، سازمان های مردم نهاد برای مواجه با این رخداد وجود ندارد.[۹۸۳]

دستکاری بازار ، فریب و سو استفاده از بازار

دستکاری بازار[۹۸۴] هر نوع مداخله ی سودجویانه و برهم زننده تعادل در بازار و سوء استفاده از شرایط بازار است. بطور کلی بازارها همواره از سوی دو گروه مورد تهدید دستکاری هستند : ۱-فعالان غیر دولتی در بازار ۲-مافیای وابسته به نهادهای دولتی مسلط بر بازار. موارد دستکاری منحصر به بازار های مالی یا بازار بورس نیست بلکه در بازارهای دیگری همچون بازار مسکن و بازار انرژی ، بازار کالا و خدمات و محصولات خاص مانند خودرو و مصالح ساختمانی، فلزات ،گوشت و مرغ و حتی خدمات سرویس اینترنت پرسرعت و غیرو می تواند رخ دهد. در تمام این موارد دستکاری مصداق جرم و فساد است.

دستکاری بازار مجموعه اقدامات مجرمانه ای است که عملا به عنوان بخشی از جرایم مالی تلقی شده و به منظور ارتکاب آنها انجام می شود. این جرایم عبارتند از فریب و کلاهبرداری که امروزه می تواند ماهیت جرایم الکترونیکی از جمله جرایم سایبری هم به خود بگیرد، بعلاوه پولشویی، ارتشاء، و فساد.

دستکاری بازار اشکال مختلفی دارد. بازارها را می توان با معاملات یا با سفارش گذاری در بازارها دستکاری کرد. اما می توان آنها را با انتشار اخبار و اطلاعات نادرست در فضای جامعه یا انجام اقدامات گمراه کننده نیز دستکاری کرد. برخی از اشکال دستکاری بازار شامل افزایش قیمت ها، برخی شامل کاهش قیمت ها، و برخی شامل هر دو، اما در زمان های مختلف است. برخی از طرح‌های دستکاری در یک بازار واحد اعمال می شوند، اما برخی دیگر شامل بازارهای مرتبط متعدد (مثلاً یک بازار زیربنایی و مشتق، یا یک بازار شفاف و یا بازار سیاه) است. اهداف دستکاری کنندگان یا جلوگیری از زیان خودشان در یک بازار است و یا دنبال سود هستند. به ندرت مداخلات دستکاری شده در بازار به منافع جمعی فعالان در بازار ها می اندیشد. مثلا اوراق بهادار مالی در بازارها را می توان به اشکال گوناگون دستکاری کرد، اما شاخص ها و معیارهای مالی نیز می توانند دستکاری شوند. همچنین دولت ها اغلب تمایل دارند، ناکارآمدی خود را از طریق دستکاری در شاخص های مختلف اقتصادی همانند شاخص تورم،و بیکاری و رشد اقتصادی و غیرو پنهان کنند. دستکاری بازارها در بسیاری از ابعاد و جوانب گوناگون امکان تحقق

۹۸۳- A world of three zeros : the new economics of zero poverty, zero unemployment, and zero carbon emissions / Muhammad Yunus, with Karl Weber. Description: First edition. | New York : PublicAffairs, [۲۰۱۷],p۱۵۹

۹۸٤ -market manipulation

دارد. درحالی که اجرای برخی دستکاری ها سال ها زمان می برد، در برخی موارد ممکن است، در عرض چند ثانیه انجام می شوند. دستکاری می تواند به صورت دستی انجام شود، برنامه ریزی شده و به طور خودکار توسط یک الگوریتم کامپیوتری اجرا شود، یا شامل همکاری انسان و کامپیوتر باشد. برخی از طرح‌های دستکاری بازار توسط یک فرد انجام می‌شود، اما برخی دیگر شامل همکاری‌های پیچیده توسط تیم‌های دستکاری‌کننده بازار است.[۹۸۵] باندهای جرایم سازمان یافته اقتصادی، مافیای رانت خوار در بازارها ونهادهای دولتی عمده ترین عامل های دستکاری در بازارها هستند. دستکاری در بازارهای مالی اگر بطور سازمان یافته صورت گیرد ، می تواند منشاء بسیاری از بحران های مالی شود. دستکاری در این مورد خود شامل مصادیق بسیاری است. به عنوان مثال، انتشار اطلاعات نادرست در بازار، وارد کردن هر دو سفارش خرید و فروش برای یک کالا و یا یک اوراق بهادار با یک قیمت، یا پنهان کردن مالکیت زمانی که افشای آن طبق قانون الزامی است. دستکاری بازار مصداق رفتار ممنوعه در بازار است. از آنجایی که سلامت بازارهای مالی برای سیستم اقتصادی از اهمیت محوری برخوردار هستند، تنظیم قوانین و مقررات مناسب برای نظارت بر هر نوع مداخله در بازار بسیار مهم است. دستکاری و سوء استفاده از بازار یکی از بزرگترین تهدیدها برای کارایی و اعتماد و تخصیص بهینه و رفاه از طریق مکانیزم بازارها است. در مواردی مداخله ی مستقیم دولت می تواند پیامد مضر داشته باشد و به فساد منجر شود. معمولا مداخله دولت اگر ضابطه مند و با نظارت موثر و شفافیت همراه نباشد، موجب دو یا چند نرخی شدن کالا و خدمات در بازار می شود و قیمت کالا و خدمات دولتی معمولا پایین تر از قیمت تعادلی در بازار تعیین می گردد و چنانکه نظارت موثری بر عملکرد فعالان و نهادهای مداخله گر نباشد، این مساله می توان به ایجاد رانت برای افراد درون و یا نزدیک به دولت شود و از طریق رشوه و ارتشاء و یا ایجاد صف و بوجود آمدن بازار سیاه ، رقابت برای به دست آوردن آن کالاها و خدمات و یا ارز دولتی، افزایش می یابد که به تدریج فسادهای اقتصادی گسترده‌ای را ایجاد می کند. حتی اگر فرض را بر مداخله خیرخواهانه دولت بگذاریم ، شواهد گوناگون نشان داده است که مداخله دولت در بازار با هدف حمایت از طبقات محروم جامعه می تواند نتیجه عکس داشته باشد و به زیان این طبقات منتهی گردد. کلیدی ترین سوال در مورد مقررات دستکاری بازار این است که چگونه می توان مرزی میان مبادلات و تجارت مضر با مبادلات و تجارت استراتژیک پیدا کرد.[۹۸۶]

رژیم های مقررات در مورد دستکاری بازار :

- این مقررات باید عملکردهای کارای بازار را تضمین کند.
- به افزایش اعتماد سرمایه گذاران و کارایی بازار منتهی شود.

---

۹۸۵ - Carol Alexander & Douglas Cumming ,Corruption and Fraud in Financial Markets : Malpractice, Misconduct and Manipulation , John Wiley & Sons Ltd , p ۱۵.

۹۸۶ - Rebecca Söderström,Regulating Market Manipulation

- ممنوعیت ها باید مصداقی و مختص اقدام خاص و طبقه بندی شده باشد و به طور عمومی و جامع نباشد.
- تنها تامین نظر مصرف کننده نباید انگیزه اصلی برای قانون گذاری در این زمینه باشد، بلکه باید همه ذینفعان را در نظر داشته باشد.

نظام اقتصادی در اتحادیه اروپا برای مبارزه با دستکاری بازار و اطلاعات داخلی تجارت – که معمولاً به عنوان سوء استفاده از بازار از آن یاد می شود – پس از بحران مالی ۲۰۰۸/۲۰۰۷ به طور قابل توجهی تجدید سازمان شد و ابزارهای قانونی جدید برای مبارزه با سوء استفاده از بازار تا پایان سال ۲۰۱۴ به تصویب رساند. همچنین تدابیر مقابله با سوء استفاده و دستکاری بازار در چارچوب گسترده تر مبارزه با جرایم مقامات دولتی و صاحبان قدرت و جرایم یقه سفیدها ارزیابی شده است.[۹۸۷]

دستکاری بازارها و نوآوری در ابزارهای مالی

همزمان که موضوع صیانت از حقوق همه ذینفعان در بازارها مورد توجه قانون گذاران است و با وضع مقررات در تلاش برای جلوگیری از مداخلات فرصت طلبانه و سودجویانه یا سو استفاده از شرایط بازارها توسط عده ای سوداگر مطرح است و مقرراتی را برای ممانعت از دستکاری بازارها وضع می کنند، آن سوی تر برخی از نهادهای پولی و مالی از قبیل بانک ها و مدیران و روسای موسسات اعتباری و سرمایه گذاری (سرمایه پذیری)، سرمایه داران بزرگ و فعالان بازارهای سرمایه از ضرورت معرفی و ارائه ابزارهای جدید مالی یا نوآوری های مالی به منظور رشد بازارها و بالتبع رشد اقتصادی دفاع می کنند. اما واقعیت های دنیای امروز بعد از ده ها بحران مالی که پشت سر گذارده شده است، اغلب صاحب نظران را به این نتیجه گیری رسانده که نوآوری های مالی را باید نوعی تلاش برای سرپوش نهادن بر مداخلات سود جویانه و نوعی دستکاری توسط گروهی سوداگر در بازارها معرفی کرد و یا دست کم آنها را ابزارهایی بالقوه خطرناک که امکان سو استفاده و دستکاری و مداخلات مفسده آمیز در اقتصاد فراهم می کند، معرفی نمود. به این ترتیب با آنکه گروهی همچنان نوآوری های مالی را به عنوان شیوه ای مفید فایده برای رونق اقتصادی و عبور از چالش های رکودی در بازار توجیه می کنند، برخی کارشناسان و متخصصان مسائل مالی نگران عواقب و پیامدهای فسادآمیز این ابزارها هستند و برخی از اندیشمندان بزرگ اقتصادی مشهور و صاحب اعتبار، از نوآوری‌های مالی به‌عنوان مسبب بسیاری از بحران‌های ایجاد شده تا به امروز یاد می‌کنند. به عنوان مثال پل والکر[۹۸۸] وابستگی کارایی و توسعه سیستم‌های نوآورانه بانکی به رشد بهره‌وری را کاملاً بی‌ربط می‌داند و پل کروگمن (۲۰۱۰)[۹۸۹] برنده جایره نوبل اقتصاد ، نیز از نوآوری‌های مالی بیشتر به‌عنوان ابزاری برای فرصت‌طلبی

---

۹۸۷ - Ester Herlin-Karnell & Nicholas Ryder (۲۰۱۹), Market Manipulation and Insider Trading, Bloomsbury Publishing Plc

۹۸۸ -volcker.paul. Jr.

۹۸۹ - Krugman, P., and Wells, R. (۲۰۱۰). The slump goes on: Why? New York Review of Book

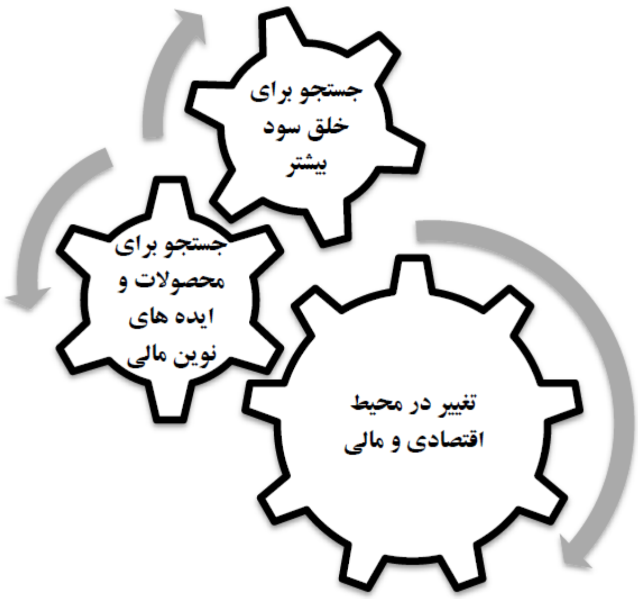
نام می برد تا رشد بهره‌وری. در هرحال آنچه مسلم است، بحران های مالی جهانی اخیر، محدودیت‌هـا و خطـرات نوآوری مالی را در حالی که احتمال کشف منافع اصلی آن برای یک اقتصاد، ضعیف است، برجسته نموده است.[۹۹۰] کامینگ و همکاران(۲۰۱۹) با بررسی اختراعات و استنادات ثبت اختراع در ۹ کشور، به ویژه استرالیا، کانادا، چین، هند، ژاپن، نیوزیلند، سنگاپور، سوئد و ایالات متحده، تأثیرات دستکاری بازار مشکوک بـر نـوآوری شـرکت را بررسی کرد و دریافت که سوء رفتار مالی موجب کاهش نوآوری به دلیل جهت گیری کوتاه مدت شرکت هـا و اختلال در انگیزه های کارکنان برای اختراعات و نوآوری های فنی شده است.[۹۹۱]

متاسفانه در توصیف بازارهای پولی و مالی و اعتباری جمهوری اسلامی، که مصادیق مداخله های زیان بار نهادهای دولتی، مداخلات و دستکاری مافیای شبه دولتی رانت خوار و مدیران موسسات مالی اعتباری که بانکداری در سایه را در ایران به راه انداخته اند و سرمایه های بسیاری از مردم را به تباهی و نـابودی کشـانده انـد، برخـی مقـالات و گزارش ها با اضافه کردن یک پسوند اسلامی و یـا بـدون ربـا، همـان ابزارهـای مداخلـه و دسـتکاری بحـران زای بازارهای مالی را که درنظام سرمایه داری غرب تجربه تلخ آن به سقوط بازارهای مالی انجامیده را با آب و تـاب فرآوان در همایش های بی محتوا و پر زرق و برقی تحت عنوان همایش بانکداری اسلامی ارائه مـی دهنـد، بـدون آنکه به پیامدهای آن در بازار توجه کنند و البته بابت آن مقالات جایزه هم دریافت می کنند. اما نتیجه کاربرد این ابزارها تاکنون به ظهور ابر بدهکاران بانکی و نکول بدهی های سنگین و ورشکستگی بانک هـا و سـپرده هـای از دست رفته صدها هزار سپرده گذار انجامیده که و پیامدهای بعدی آن بی اعتباری نظام بانکی و تورم افسارگسیخته بوده است. در هرحال عده ای همانطور که وجود فساد را به عنوان گریس چرخ دنده های اقتصاد توجیه می کنند و تحمل آن را توصیه می کنند، از هرگونه ابزارهای نوآورانه برای دستکاری بازار به منظورکسب سود و منفعت ، به هر قیمت دفاع می کنند.

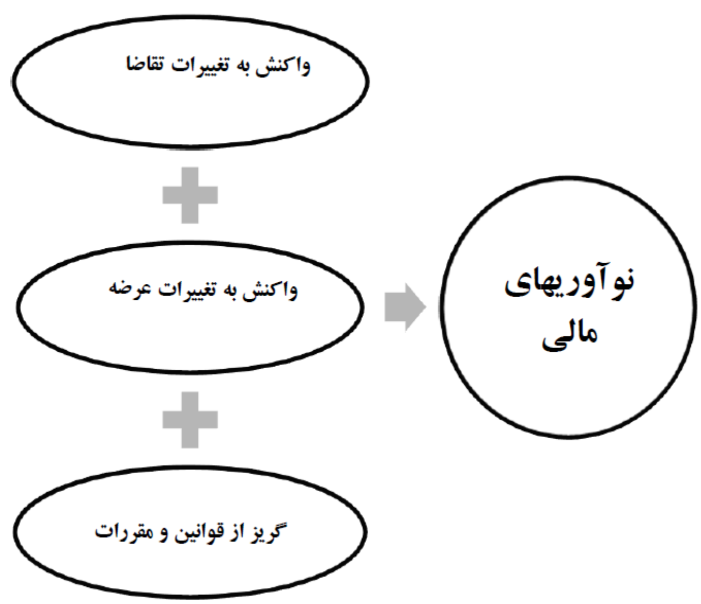
---

۹۹۰ – لیلا زمانیان فر، زهرا کهن دل(۱۴۰۱)، نوآوری مالی و نقش آن در رسوایی قراردادهای معاوضه‌ای نرخ بهره، ماهنامه بورس.

۹۹۱ - Cumming, D.J., Ji, S. and Peter, R. (۲۰۱۹), Market manipulation and innovation. Working Paper.



علت اصلی خلق ابزارهای مالی (فردریک میشیکین، ۲۰۰۷)



دلایل و انگیزه های نوآوری های مالی در نظام پولی/ مالی و بانکداری (فردریک میشکین، ۲۰۰۷)

از میان دلایل معرفی شده، در نمودار بالا - دو دلیل ماهیتی صرفا اقتصادی دارد و اگر فرض بگیریم که واکنش ها به تغییرات در طرف عرضه و تقاضا از طریق ارایه و معرفی ابزارهای مالی در چارچوبی منطقی و مشروع و توام با رعایت منافع جمعی برای یک سیستم اقتصادی ارائه شود، ماهیت اقتصادی و مباح آنها از نظر حقوق اجتماعی و منافع جامعه قابل توجیه است، اما چنان که روشن است، به صراحت یکی از دلایل نوآوری های مالی گریز از قوانین

و مقررات یا دور زدن قوانین و مقررات (دست و پا گیر!!) عنوان شده است که اساسا انگیزه ای حقوقی، قانون شکنانه، مجرمانه و یا مفسده آمیز دارد. این ویژگی اخیر موجب می شود نوآوری های مالی همواره از نقطه نظر اینکه ممکن است ، منافع کل جامعه را به سود منافع اقلیتی خاص مورد دستکاری قرار دهد ، مورد اتهام و سوء ظن باشند. خصوصا که در تجزیه و تحلیل دلایل استفاده از برخی ابزارهای مالی نوین و نوآوری های مالی ، انگیزه هایی همچون فرار از مالیات و دور زدن قوانین ، انگیزه های فریب کارانه و سوداگرایانه در بازار بورس ، پاک کردن هرگونه اثرات تراکنش های مشکوک مالی مانند پرداخت رشوه از طریق حساب سازی و معاملات جعلی - صوری، و در پوشش اهدای هدایا و پرداخت پاداش، حق المشاوره و سایر عناوین همچون قراردارد. در مواردی حتی کمک خیرخواهانه به موسسات دینی -مذهبی و موسسات عمومی غیر انتفاعی و غیرو.. ، و با هدف تلاش برای رد گم کردن منشاء پول های کثیف با پولشویی و غیرو در بهره گیری از نوآوری های مالی قراردارد. همه اینها ضرورت وجود نوآوری های مالی را با هدف گریز از قوانین نظارتی و کنترلی و حسابرسی توجیه می کند که عملا ماهیت این ابزارها را مفسده آمیز و مجرمانه می کند.

ممنوعیت دستکاری بازار در قوانین اروپا و ایالات متحده ریشه دارد، در جایی که دادگاه ها آن را بر اساس قوانین و مقررات رایج به عنوان مصداق کلاهبرداری توسعه داده اند. رژیم حقوقی اتحادیه اروپا برای مبارزه با دستکاری بازار و تجارت داخلی - که معمولاً به عنوان سوء استفاده از بازار شناخته می شود -به طور قابل توجهی در پی بحران مالی ۲۰۰۸/۲۰۰۷ تجدید نظر کرد و یک دستورالعمل و مقررات جدید در سال ۲۰۱۱ پیشنهاد شد و متعاقباً در سال ۲۰۱۴ به تصویب رسید. در تمام چارچوب های اتحادیه اروپا، ایالات متحده و بریتانیا، پس از پایان بحران مالی، نگرانی های امنیتی و افزایش قوانین و پاسخ‌های سیاستی به مبارزه با بی‌نظمی‌ها و شکست‌های بازار نشان می‌دهد که ما باید پاسخ‌های نظارتی در این زمینه را درک کنیم. (هرلین ورایدر، ۲۰۱۹) چگونگی تغییر واکنش‌های نظارتی از آغاز بحران مالی ۲۰۰۸/۲۰۰۷ و قرار گرفتن مبارزه با سوء استفاده از بازار در تصویر گسترده‌تر مبارزه با جرایم یقه سفید در اتحادیه اروپا، ایالات متحده و بریتانیا را بررسی کرده است.[۹۹۲]

پیشینه ایجاد و تقنین نهادهای قانونگذاری در ایران درمقایسه با بسیاری از کشورهای منطقه بسیار طولانی است. در مورد ایران، اگر بخواهیم منصفانه و با بررسی جامع و کامل به ارزیابی بپردازیم، واقعیت این است که با قانون جنگل یا بی قانونی مواجه نیستیم، بلکه برعکس با جنگلی از قوانین و مقررات تنظیمی مواجه هستیم و از قضا برای بسیاری از موضوعات و چالش های از این دست هم قوانین و هم نهادهای حقوقی، اداری و نظارتی و تنظیمی مختلف ایجاد شده است. معضل اصلی در ایران همین است که قانون در بسیاری از موارد وجود دارد، نهادهای

---

۹۹۲ - Ester Herlin-Karnell & Nicholas Ryder(۲۰۱۹), “Market Manipulation and Insider Trading “,Bloomsbury Publishing Plc

حقوقی برای پیاده سازی و نظارت بر اجرای قانون هم ایجاد شده، ولی به دلیل ریشه دار بودن فساد، قوانین عملا تعطیل هستند و نهادهای قانونی و نظارتی هم به دلیل همان مساله فساد بروکراتیک و البته قرار داشتن این نهادها تحت فشار نهادهای بالادستی و به عبارتی قرار داشتن در زیر سیطره نهادهای سیاسی و فرا قوه ای و امنیتی و اعمال نفوذی که برآنها می شود ، عملا بطور سلیقه ای و رانتی با موارد تخلفات قانونی و جرایم و مفاسد اقتصادی برخورد می کنند. در جای خود به فهرست بلندی از نهادهای نظارتی و عملکرد آنها در ایران اشاره خواهد شد. اما اجمالا نگاهی به وضعیت شاخص های فساد و جرایم اقتصادی در کشور نشان می دهد که برآیند عملکرد اغلب این نهادها حکایت از ناتوانی شان در نظارت موثر بر اجرای قوانین دارد. البته موضوع خلاهای قانونی در برخی موارد و یا وجود قوانین ضعیف و ناکارآمد از جمله اشکالات غیر قابل کتمان در نظام اقتصادی ایران است. بطور مثال دی ماه ۱۳۸۳، قانونی بنام ، "قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی" به تصویب رسیده که ماده اول آن مقرر می دارد : "اشتغال به عملیات بانکی توسط اشخاص حقیقی و یا حقوقی تحت هر عنوان و تأسیس و ثبت هرگونه تشکل برای انجام عملیات بانکی، بدون دریافت مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ممنوع است. عملیات بانکی در این قانون به امر واسطه‌گری بین عرضه‌کنندگان و متقاضیان وجوه و اعتبار به صورت دریافت انواع وجوه، سپرده، ودیعه و موارد مشابه تحت هرعنوان و اعطاء وام، اعتبار و سایر تسهیلات و صدور کارتهای الکترونیکی پرداخت و کارتهای‌اعتباری اطلاق می‌شود." و در ادامه تبصره ۴ همان ماده ، قانون تصریح می کند : اشخاص حقیقی یا حقوقی موضوع این ماده که به عملیات بانکی اشتغال دارند در صورتی که موفق به اخذ مجوز فعالیت تحت عنوان موجود یا عنوان مناسب دیگر ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون نشوند، بنا به اعلام بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران حق ادامه فعالیت نخواهند داشت. متخلفین از اجرای این حکم درصورت شکایت بانک یاد شده ازطریق مقامات قضائی صلاحیتدار به مجازات حبس تا شش ماه محکوم خواهند شد." در سرفصل بانکداری در سایه گفته شد که بانک مرکزی جمهوری اسلامی، علیرغم وجود قانون، دقیقا به دلیل همان مسائلی که اشاره شد، به عنوان ناظر بر نظام و شبکه بانکی کشور عملا در یک بازه زمانی طولانی ، ناتوان از جلو گیری از فعالیت و یا اعمال نظارت بر موسسات پولی و مالی و اعتباری غیر مجاز بوده و یا اراده ای برای جلوگیری از فعالیت های مخرب موسسات فاقد مجوز نداشته است و از ظرفیت های این قانون استفاده نکرده است، هرچند که باید به این واقعیت هم اشاره کرد که مجازات تعیین شده در تبصره چهار این ماده قانونی در پیشگیری از وقوع جرم بسیار ضعیف و سبک است. کافی است پیامدها و امکان سواستفاده های کلان ناشی از فعالیت شعب مختلف یک موسسه مالی اعتباری فاقد مجوز در جلب و جذب میلیاردها تومان سپرده های هزاران مشتری را مقایسه کنید با مجارات جرم یک سارق خیابانی. کاملا محرز است که هیچ تناسبی میان جرم و مجازات در این تبصره وجود ندارد.

در مورد فعالیت سازمان بورس هم وضعیت مشابه است.گزارشی از وضعیت بازار بورس اوراق بهادار ، مربوط به نیمه دوم سال ۱۳۹۹ که کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار به کمیسیون اقتصادی مجلس ارائه داده ، حکایت از این دارد که شاخص کل بورس در نیمه دوم آن سال قریب به ۸۰۰،۰۰۰ واحد سقوط کرد و بسیاری از سرمایه گذاران، مخصوصاً سرمایه‌گذاران تازه وارد بخش اعظمی از سرمایه‌های خود را از دست دادند. کم نبودند سهامدارانی که در شش ماهه دوم سال بیش از ۵۰٪ از ارزش پرتفوی خود را از دست رفته یافتند و دردناک‌تر آنکه بعضاً قادر به فروش و نقد کردن دارایی‌های خود به علت قفل شدن بخش زیادی از نمادهای بازار در صفوف فروش نبودند. اقدام شورا عالی بورس و سازمان بورس در نامتقارن کردن دامنه نوسان نیز نه تنها قادر به جلوگیری از خروج جریان پول نشد که نقد شوندگی بازار را هم تحت تاثیر قرار داد.این شرایط ناگوار به ما ههای ابتدایی سال ۱۴۰۰ تسری پیدا کرد و همچنان با صفوف فروش در نمادهای شرکت‌های کوچک و افت قیمت سهام شرکت‌های بزرگ با حداقل حجم معاملات مواجه شدیم.[۹۹۳] در همان گزارش ضمن تحلیل برخی از علل بروز این رویداد، پیشنهاداتی ارائه شده که در محورهای مختلف آن بر موضوع ، فساد، دستکاری، تقلب و عدم تقارن اطلاعات و پنهان کاری به عنوان ریشه برخی از علل بروز بحران سقوط ارزش سهام در بورس تهران ، انگشت گذارده شده و بر لزوم تدوین مقررات و شفافیت تاکید شده است و منجمله رسیدگی به موارد زیر درخواست شده است:

- ارتقاء نظام حاکمیت شرکتی به منظور حمایت از منافع سهامدارن اقلیت و به حداقل رساندن تضاد منافع بین مدیران و سهامدارن و محدود کردن امکان فساد در شرکت‌ها.
- افزایش شفافیت ناشرین در منعکس کردن سریع اخبار با اهمیت و ارتقاء کیفیت و انتشار به موقع گزارشات مالی به بازار به منظور جلوگیری از معاملات بر مبنای اطلاعات نهانی و ضربه زدن به اعتماد و رقابت منصفانه در بازار سرمایه.
- نظارت دقیق و سیستمی (بر مبنای نرم‌افزار و با حداقل قضاوت شخصی) بر معاملات و برخورد قاطع با دستکاری بازار و کسانی که به هر نحوی قصد گمراه کردن و سوء استفاده از بازار را دارند.
- افزایش شفایت در نهادهای ناظر و گزارشگری منظم سازمان و بورس‌ها در خصوص چگونگی ایفای نقش خود در حفاظت از مکانیزم بازار و ارتقاء جریان آزاد و غیرتبعیض‌آمیز اطلاعات برای تمامی فعالین.

در موردی دیگر، در گزارش تحقیق و تفحص مجلس در مورد فولاد مبارکه ، از یکی از تازه ترین موارد تخلفات گسترده مالی، در قالب ارقام قابل توجهی که در پوشش هدیه و پاداش پرداخت هایی صورت گرفته بود، پرده برداشته شد. بر اساس این گزارش: " حداقل ۱۲۰۰ تخلف در فعالیت‌های فولاد مبارکه در فاصله سال‌های

---

۹۹۳ – نامه کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار به رییس کمیسیون اقتصادی مجلس/ سال ۱۴۰۰:

https://www.seba.ir/news-trainin

۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ کشف و این تخلفات ابعاد و زمینه‌های گسترده‌ای از رانت و فساد تا هدیه و پرداخت پول های بی‌رویه به نهادهای امنیتی، نظامی، انتظامی و مذهبی از وزارت اطلاعات و دفاتر ائمه جمعه و رسانه‌ها، و همچنین حیف و میل سرمایه ها و عقد قراردادی با بیش از یک رقم واقعی با یک شرکت چینی غیر متخصص دارد. در بخشی از این گزارش به واریز وجوهات مالی به حساب نیروی انتظامی استان اصفهان به ارزش ۱٫۵ میلیارد تومان و به حساب سپاه صاحب الزمان استان اصفهان، پایگاه‌های بسیج و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به ارزش بیش از ۶ میلیارد تومان اشاره و گفته شده‌است ۱٫۵ میلیارد تومان نیز به دفاتر ائمه جمعه و نزدیک به یک میلیارد تومان به حوزه علمیه، بنیاد بین‌المللی غدیر و ستاد برگزاری نماز جمعه و ۳۰۰ میلیون تومان برای تجهیز ساختمان دادگستری استان اصفهان پرداخت شده‌است. در این گزارش همچنین به پرداخت ماهانه ۶۰ میلیون تومان به مشاورانی که در استان دیگری غیر از اصفهان سکونت داشتند و خدماتی ارایه نمی‌دادند و پرداخت ۲۲ میلیارد تومان به صدا و سیما بدون هیچ قراردادی اشاره شده ، پرداخت دو و نیم میلیارد تومان به اداره اطلاعات استان اصفهان و خرید خودروهای خارجی، تخلف ۷ هزار میلیارد تومانی در حوزه بورس و سرمایه‌گذاری و پرداخت ۴۱۷ میلیون تومان به افراد تأثیر گذار در انتشار توییت برای جو سازی علیه تحقیق و تفحص مجلس نیز اشاره شده‌است.[۹۹۴]

اخیرا کمیسیون اقتصادی مجلس ، قانون شفافیت اطلاعات مالی را در دست تدوین و تقنین دارد. طبق اظهارات رییس این کمیسیون، :" ...الان خیریه هایی در کشور داریم. اسامی‌شان در جاهای مختلف وجود دارد و آدم های سیاسی هم بعضاً پشت آن هستند. ...متاسفانه معلوم نیست خیر اینها به کجا می رسد؟ این که کجا کار می کنند و منابع خود را از کجا می آورند هم مشخص نیست . بنابراین در اقتصاد کشور مبارزه با فساد با قانون شفافیت اطلاعات مالی امکان پذیراست و شفافیت اطلاعات یعنی صورت های عملکرد مالی شرکت ها و موسسات خیریه و نهادهای مختلفی که از بودجه عمومی و نذورات و کمک های مردمی استفاده می کنند، منتشر شوند و در اختیار عموم قرارداده شوند. در همه دنیا همین طور است." [۹۹۵]

یکی از موارد مداخله و دستکاری دولت در بازارهای مالی، تعیین دستوری نرخ ارز است. این مساله از چند جهت قابل تامل است. دستکاری دولت در نرخ ارز از طریق تعیین دستوری نرخ ارز به نفع خود و به زیان ارزش پول ملی، یک جرم اقتصادی محرزاست. این اقدام بدون سلب استقلال بانک مرکزی ممکن نیست و سلب استقلال بانک مرکزی خود دومین جرم اقتصادی دولت می توان محسوب گردد. عملا بانک مرکزی بانک دولت است و کارگزار اوست. در تمام دنیا مسوولیت و وظیفه اصلی بانک مرکزی "حفظ ارزش پول ملی کشور است." اساسنامه تمام بانک های مرکزی در دنیا یک جمله دارد و اولین جمله‌شان "حفظ ارزش پول ملی است" و این یعنی کنترل تورم.

---

۹۹۴ – خبرگزاری فارس(۲۹ مردادماه ۱۴۰۱) : https://www.farsnews.ir/economy/business

۹۹۵ – خبرگزاری فارس(۱۴شهریورماه ۱۳۹۹) : https://www.farsnews.ir/news/۱۳۹۹۰۶۱۴۰۰۰۴۹۲

متاسفانه وابستگی وتبعیت بانک مرکزی از دولت به قدری در ایران شدید است، که دولت فکر می کند، صاحب اختیار بانک مرکزی است. بانک مرکزی عملا به کارگزار دولت و بانک دولت تبدیل شده است.بطوری که در خبرها اعلام شد :" بانک مرکزی خود پیشنهاد می کند برای این که به دولت کمک کند، مابه‌التفاوت نرخ ارز را به عنوان درآمد دولت محسوب می کند." این از نظر بسیاری کارشناسان اقتصادی و منجمله رییس کمیسیون اقتصادی مجلس واقعا یک فاجعه برای اقتصاد ملی است . یعنی بانک مرکزی برخلاف رسالت و مسوولیت اصلی خودش ، به دولت سیگنال می دهد که برای همراهی با دولت، حاضر است ارزش پول ملی را کاهش دهد و با کاهش آن مابه التفاوت را تبدیل به درآمد دولت کند! این کار را اخیراً دولت با همکاری بانک مرکزی و به زیان منافع جمعی احاد افراد جامعه و به بهای افزایش شدید تورم انجام داده است." با تایید این خبر، دولت و بانک مرکزی متفقا مرتکب یک جرم اقتصادی به زیان کل اقتصاد کشور شده اند. به باور رییس کمیسیون اقتصادی مجلس ، "دولت برای این که ارزش پول ملی کاهش یافته است و مردم متضرر شدند و تورم سنگین تر شده باید جوابگو باشد. متاسفانه در ایران بجای اینکه دولت را توبیخ کنند، او را تشویق می کنند و می گویند، دولتی که دلار هزار تومانی را سه هزار تومان کردید، این مابه‌التفاوت را به عنوان درآمد خود محسوب کنید! "[۹۹۶]

در ادبیات اقتصاد بانکداری، یکی از الزامات کنترل تورم ، وجود بانک مرکزی مستقل است. مباحث مربوط به استقلال بانک‌های مرکزی در دهه ۱۹۹۰ به خوبی شناخته شد و به تعدادی از بانک‌های مرکزی در اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه استقلال داده شد. با این حال، همانطور که توسط (اکرمن، ۱۹۹۲) مطرح شده است، رابطه منفی بین استقلال بانک مرکزی و تورم برای کشورهای در حال توسعه نمی تواند حفظ شود.[۹۹۷] این یافته به ضعف‌های نهادی نسبت داده می‌شود که شکافی بین استقلال رسمی و عملی ایجاد می کند.(حکیم اغلو و همکاران، ۲۰۰۸) شواهدی ارائه می دهند که اصلاحات نهادی عملی برای دستیابی به هدف تورم پایین کافی نیست، مگر اینکه توسط سطح مورد نیازی از اراده سیاسی مورد حمایت قرار گیرد.[۹۹۸]

هوانگ و وی (۲۰۰۶) در مقاله خود با عنوان "سیاستهای پولی در کشورهای درحال توسعه : کیفیت نهادی"، آنجا که فساد را تحت عنوان "ضعف و ناتوانی دولت ها در جمع آوری درآمدهای مالیاتی از طریق کانال های رسمی اقتصادی مدل می کنند."، فساد را به عنوان نماینده ای جهت توصیف نهادهای ضعیف اجرایی و نظارتی و مالیاتی در نظر می گیرند و به این ترتیب ناکارآمدی و سو مدیریت نهادی و فساد را عامل ناکارآمدی در سیاست های

---

۹۹۶ – همان. پور ابراهیمی ، رییس کمیسیون اقتصادی مجلس . متاسفانه آن روز جلویش را نگرفتند و این اقدام خلاف قانون و منافع ملی به عنوان یک سنت مرسوم به دولت های بعدی منتقل شده و امروز باید شاهد دلار پنجاه، شصت هزار تومانی باشیم.

۹۹۷ - Cukierman, Alex, Steven B. Webb, and Bilin Neyapti (۱۹۹۲a). Measuring the independence of central banks and its effect on policy outcomes. The World Bank Economic Review ٦: ٣٥٣-٣٩٨

۹۹۸ - Acemoglu, Daron, Simon Johnson, Pablo Querubín, and James A. Robinson (۲۰۰۸). When does policy reform work? The case of central bank independence. Brookings Papers on Economic Activity ۱: ٣٥١-٤١٧.

تثبیتی مانند کنترل تورم در این کشورها معرفی می کنند. از جمله نتایج مهمی که به آن می‌رسند این است که سیاست هدف‌گذاری کنترل و تثبیت تورم برای کشورهای در حال توسعه به دلیل وجود گسترده فساد اداری ، نابهینه است. با توجه به اینکه فساد و اقتصاد سایه مکمل یکدیگر هستند، استقلال بانک مرکزی (CBI) ممکن است در حضور یک اقتصاد سایه بزرگ، امکان تحقق نیابد و یا تحت نفوذ قرار گیرد و اثربخش نباشد و یا اساسا با وجود اقتصاد سایه بزرگ ، استقلال بانک مرکزی از دست برود. این نتیجه با مطالعات قبلی که رابطه بین استقلال بانک مرکزی با تورم را بررسی می کردند، مطابقت دارد.[۹۹۹] کیفیت نهادی شامل عوامل فرعی مختلفی همچون : حکمرانی مطلوب، کنترل فساد، کیفیت بوروکراتیک، حاکمیت قانون و ثبات سیاسی است. ضعف این عوامل، به عنوان محرکی برای رشد اقتصاد سایه عمل می کند. [۱۰۰۰]

(ویلم بویتر،۲۰۲۱) در اثر تازه تالیف خود با عنوان "بانک های مرکزی به مثابه بازیگران مالی، محرک های فضای سیاست پولی و مالی "می گوید :"میزان استقلال عملیاتی یک بانک مرکزی هر چه باشد، همچنان پنجره نقدینگی خزانه داری است که مالک ذی نفع آن است. تنش اجتناب ناپذیری بین مالکیت ذینفع بانک مرکزی یعنی خزانه داری کل کشور و استقلال عملیاتی بانک مرکزی وجود دارد. استقلال عملیاتی نیز مستلزم حسابرسی و پاسخگویی است. حداقل استقلال عملیاتی برای یک بانک مرکزی مستلزم شفافیت است و شفافیت در مورد تمامی معاملات مالی و شبه مالی آن ضروری است. محرمانگی موقت ممکن است در طول تحولات مالی معنی داشته باشد، اما افشای کامل عملیات پس از احیای نظم مالی باید یک قاعده باشد.[۱۰۰۱]

نمودار زیر شاخص موزون CBI را در برابر میانگین نرخ تورم ۲۵ ساله برای سه کشور ایران، سوریه، امارات ترسیم می کند. در حالی که مبادله بین شاخص استقلال بانک مرکزی و تورم را نمی توان به وضوح تبیین و شناسایی کرد، اما می توان استدلال کرد که بانک های مرکزی کمتر مستقل (در این مطالعه سوریه و ایران) به طور قابل ملاحظه سطح بالاتری از تورم را در مقایسه با امارات تجربه کرده اند.

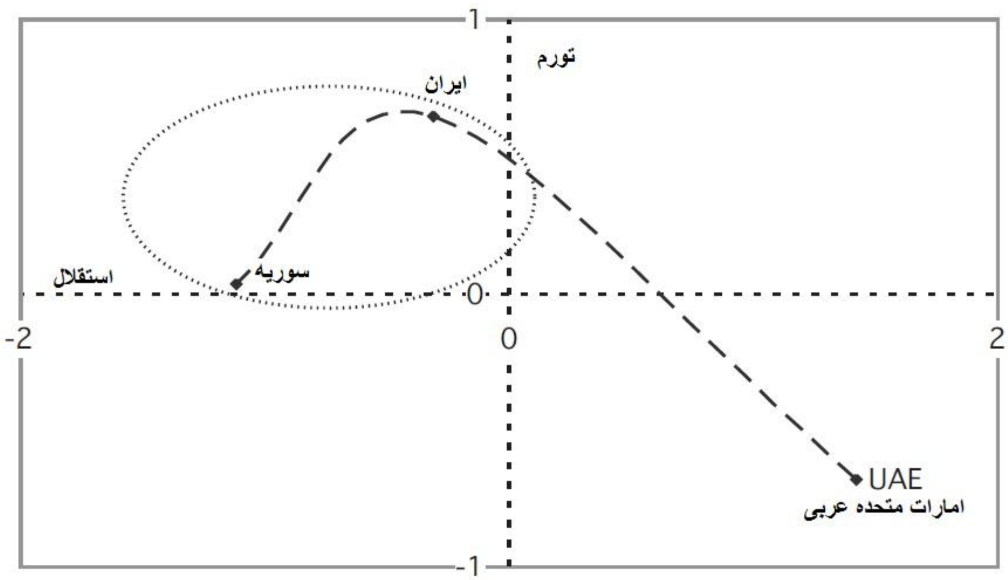
بانک مرکزی ایران اگرچه در مقایسه با سوریه استقلال نسبی بیشتر دارد، ولی تورم بسیار بیشتری هم دارد، بلعکس بانک مرکزی سوریه، با آنکه استقلال نسبی کمتری دارد، تورم کمتری هم تجربه کرده ، اما بانک مرکزی کشور امارات هم در مقایسه با ایران و هم سوریه تورم بسیار کمتر و استقلال عمل بسیار بیشتری دارد. یکی از دلایل عدم استقلال بانک مرکزی در ایران، حجم و اندازه بزرگ دولت در اقتصاد ایران است که با حجم پول در دست دولت که بصورت سپرده در نزد بانک مرکزی نگهداری می شود، قابل سنجش و ارزیابی است.

---

۹۹۹ -Huang, Haizhou, and Shang-Jin Wei (۲۰۰۶). Monetary policies for developing countries: The role of institutional quality. Journal of International Economics ۷۰: ۲۳۹-۲۵۲

۱۰۰۰ - Dreher and Schneider, ۲۰۰۹; Dreher et al., ۲۰۰۹a; Elbahnasawy et al., ۲۰۱٦; Torgler and Schneider, ۲۰۰۹

۱۰۰۱ - Willem Buiter (۲۰۲۱), Central Banks as Fiscal Players, Cambridge University Press,p۳٤



نمودار: شاخص وزنی استقلال در مقایسه با تورم .(1981–2005) :UAE ، ایران، سوریه

منبع : David Cobham & Ghassan Dibeh: Monetary policy and central banking in the Middle East and North Africa

براساس بررسی انجام شده سپرده های دولتی نقش مهمی در ترازنامه بانک های مرکزی در الجزایر، ایران، عربستان سعودی و سوریه ایفا می کنند. بعلاوه ترازنامه بانک های مرکزی الجزایر، ایران، کویت و عربستان سعودی نشان می دهد، اولا این کشورهای عضو اوپک به شدت به درآمدهای صادرات نفت وابسته هستند و ثانیا هر چهار بانک مرکزی، بانک های مرکزی بدهکار هستند. نقدینگی مازاد عمدتاً از طریق ذخایر مورد نیاز و همچنین از طریق عملیات بازار آزاد در (مورد کویت) جذب می شود.[۱۰۰۲]

دستکاری در بازارها و بحران های مالی در آمریکا :

وال استریت تاکنون بحران های مالی مختلفی را پشت سر گذارده است. پس از بحران وال استریت در سال ۱۹۲۹، کنگره ایالات متحده قانون موسوم به "مقررات جدید معامله" را تصویب کرد. هدف کاهش تقلب با اطمینان از بهبود جریان اطلاعات بود، به طوری که سرمایه گذاران در بازارهای مالی گمراه نخواهند شد. نیاز به قانونگذاری شدید بود. مهمترین "مقررات جدید معامله" قانون اوراق بهادار ۱۹۳۳ (SA۱۹۳۳) بود. و قانون مبادله ۱۹۳۴ (SEA ۱۹۳۴). این دو قانون نه تنها اجزای اصلی سیستم نظارتی ایالات متحده برای بازارهای اوراق بهادار را تشکیل می‌دهند، بلکه مدت‌ها الگویی برای قوانین اوراق بهادار در سراسر جهان غرب بوده اند. SA۱۹۳۳ دو هدف عمده دارد. الزام سرمایه گذاران به دریافت اطلاعات مالی و سایر اطلاعات مهم در مورد اوراق بهادار ارائه شده برای فروش عمومی و منع فریب، اظهارات نادرست و سایر تقلب ها در فروش اوراق بهادار. SEA۱۹۳۴ نیز انواع

۱۰۰۲ - David Cobham & Ghassan Dibeh(edit), Monetary policy and central banking in the Middle East and North Africa, Routledge ۲۰۰۹, p۷۵.

خاصی از رفتارها را در بازارها شناسایی و ممنوع می کند. همچنین مستلزم گزارش دوره ای اطلاعات توسط شرکتهای دارای اوراق بهادار قابل معامله است. پس از آن نیز تاکنون مقررات گوناگون برای جلوگیری از فریب وتقلب و دستکاری بازار تصویب و به اجرا گذاشته شده است.[۱۰۰۳] اما با این حال بویژه در تحلیل شرایط بحرانی پای شکل هایی از سوءاستفاده و مداخله در بازارهای مالی و استفاده از نوآوری های مالی همچنان هویدا می شود. بطور مثال درحالی که پس از بحران مالی ۲۰۰۷ ، قوانین و مقررات جدید در ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا تصویب شدند، نسل جدیدی از رسوایی مالی ایجاد شده از طریق فروش گمراهانه پوشش بیمه‌ای پرداخت‌ها (مربوط به بازپرداخت وام‌ها)، دستکاری متقلبانه نرخ بهره لایبور (نرخ بهره استقراض بین‌بانکی لندن) و نیز بدفروشی قراردادهای معاوضه‌ای نرخ بهره با توالی سریع، در حال آشکار شدن بود.[۱۰۰۴]

منشأ بحران مالی که از آگوست ۲۰۰۷ بازارهای ایالات متحده و بسیاری از بخش های جهان را در نوردید، حباب قیمت دارایی ها بود که با انواع جدیدی از نوآوری‌های مالی که ریسک را پنهان می کرد، در تعامل بود. شرکت هایی که نتوانستند رویه های مدیریت ریسک خود را دنبال کنند در کنار ناکارآمدی ضوابط تنظیم‌کننده و ناظرانی که نتوانستند ریسک‌پذیری بیش از حد را مهار کنند، به گسترش و سرایت پذیری بحران منجر شد. با افزایش قیمت مسکن در سراسر ایالات متحده از اواسط دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۶، حباب در بازارهای مسکن شکل گرفت . افزایش هر ساله قیمت ها از شرایط بنیادی مانند درآمد خانوارها خارج شد. مانند حباب‌های سنتی قیمت انواع دارایی، انتظارات افزایش قیمت برای آینده ایجاد شد و عامل مهمی در افزایش قیمت مسکن گردید. از آنجایی که افراد شاهد افزایش قیمت‌ها در همسایگی خود و در سراسر کشور بودند، انتظار داشتند که این قیمت‌ها به افزایش خود ادامه دهند، حتی در سال‌های پایانی حباب که تقریباً به اوج خود رسیده بود. افزایش سرعت اعطای وام به وام گیرندگان دارای اعتبار پایین به افزایش حباب قیمت مسکن کمک کرد. تا قبل از سال ۲۰۰۰، وام‌های (ساب پرایم) عملاً وجود نداشت، اما پس از آن به‌طور تصاعدی رشد کرد. افزایش مستمر قیمت مسکن، همراه با نوآوری‌های مالی جدید، ناگهان وام‌گیرندگان ارزان قیمت را – که قبلاً از بازارهای وام مسکن خارج شده بودند – مشتریانی جذاب برای وام‌دهندگان وام مسکن کرد. وام دهندگان خرید مسکن وام‌های ابتکاری رهنی با نرخ قابل تعدیل (ARM) ابداع کردند[۱۰۰۵] – با «نرخ‌های تبلیغاتی و تیزری» پایین، بدون پیش‌پرداخت، و برخی حتی به وام‌گیرنده اجازه می‌دهند تا بخشی از سود سررسید هر ماه را به تعویق بیندازند و آن را به اصل وام اضافه کنند، خصوصا با توجه به این انتظار که قیمت مسکن همچنان در حال افزایش خواهد بود. اما نوآوری در طراحی وام رهنی مسکن به تنهایی باعث نمی شد

۱۰۰۳ - Rebecca Söderström(۲۰۱۱), Regulating Market Manipulation, Working paper, Uppsala.

۱۰۰۴– لیلا زمانیان فر، زهرا کهن دل(۱۴۰۱)، نوآوری مالی و نقش آن در رسوایی قراردادهای معاوضه‌ای نرخ بهره، ماهنامه بورس، ۲ آذر ۱۴۰۱
https://tsemag.ir

۱۰۰۵ -innovative Adjustable Rate Mortgages (ARMs)

که بسیاری از وام گیرندگان گران قیمت بدون نوآوری های دیگر در فرآیند موسوم به "ثبات سازی"وام مسکن – یا ادغام وام مسکن در بسته ها و سپس فروش اوراق بهادار با پشتوانه آن بسته ها به سرمایه گذارانی با اعتبار دسترسی داشته باشند. دو شرکت اصلی تحت حمایت دولت که به وام‌های رهنی اختصاص داده شده بودند ، فانی می و فردی مک، این تکنیک تامین مالی را در دهه ۱۹۷۰ توسعه دادند و تضمین‌های خود را به این "اوراق بهادار با پشتوانه وام مسکن" (MBS) اضافه کردند تا از قابلیت فروش آن اطمینان حاصل کنند. تقریباً برای سه دهه، فانی و فردی ضمانت‌های خود را به وام‌گیرندگان "اصلی" که وام‌های "منطبق" یا وام‌هایی با اصل سرمایه کمتر از یک آستانه دلاری خاص و وام‌گیرندگانی با امتیاز اعتباری بالاتر از حد معین بودند، محدود کردند. در طول مسیر، بخش خصوصی MBS را با حمایت وام های غیر منطبق که ابزارهای دیگری برای "افزایش اعتبار" بودند، توسعه داد، اما این بازار تا اواخر دهه ۱۹۹۰ نسبتاً کوچک باقی ماند. به این ترتیب، سرمایه گذاران وال استریت به طور موثری به خریداران خانه های برخیابان کمک مالی کردند. بانک‌ها، صرفه‌جویی‌ها و صنعت جدیدی از دلالان وام مسکن، وام‌ها را به وجود آوردند، اما آن‌ها روش شناخته شده و «قدیمی» تأمین مالی برای مالکیت خانه را حفظ نکردند. در طول دهه گذشته، بانک‌های تجاری و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی روش‌های جدیدی را برای تبدیل کردن وام‌های رهنی به اوراق بهادار ابداع کردند: با بسته هایی تحت عنوان " تعهدات بدهی وثیقه‌شده" (گاهی اوقات با سایر اوراق بهادار دارای پشتوانه دارایی)، و سپس تقسیم جریان‌های نقدی به قسط‌های مختلف و برای طبقات مختلف سرمایه گذاران با تحمل ریسک متفاوت. با سفارشی سازی حقوق جریان های نقدی، توسعه دهندگان CDO[۱۰۰۶] (و متعاقباً سایر اوراق بهادار ساخته شده بر اساس این مدل)، توانستند آژانس های رتبه بندی اعتباری را متقاعد کنند که بالاترین رتبه های خود را به اوراق بهادار در بالاترین قسمت یا طبقه ریسک اختصاص می دهند. در برخی موارد، بیمه‌گران اوراق قرضه موسوم به "مونولاین" (که قبلاً بر بیمه اوراق قرضه شهرداری تمرکز داشتند) بیمه حمایتی را به سرمایه‌گذاران CDO می‌فروختند که در صورت عدم پرداخت وام‌ها پرداخت می‌شد. در موارد دیگر، به خصوص ، شرکت‌های بیمه، بانک‌های سرمایه‌گذاری و سایر طرف‌ها با فروش "سواپ تعریف شده اعتباری " (CDS) تقریباً معادل همان کار را انجام دادند، که در اصل مشابه بیمه‌های مونولاین بود، اما از نظر ریسک متفاوت بود، زیرا فروشندگان CDS سرمایه کمی برای پشتوانه معاملات آنها پیشنهاد می کردند.

این نوآوری‌های جدید وال استریت را قادر ساخت تا همان کاری را که قبلاً برای وام‌های رهنی منطبق انجام داده بود، برای وام‌های ارزان قیمت انجام دهد، و رونق وام‌های گران‌قیمت را که پس از سال ۲۰۰۰ رخ داد، تسهیل کرد

۱۰۰۶ - Collateralized Debt Obligations (تعهد بدهی وثیقه)

و افراد بیشتری را واجد شرایط دریافت اعتبار برای وام مسکن نمود. این گروه جدید از وام گیرندگان واجد شرایط، تقاضای مسکن را افزایش دادند و به افزایش قیمت مسکن کمک کردند.

این نوآوری های مالی جدید در محیطی با سیاست های پولی آسان توسط فدرال رزرو و سیستم نظارتی ضعیف رشد کردند. با نرخ های بهره بسیار پایین و با چشم پوشی نهادهای مالی، موسسات مالی بیشتر و بیشتر پول قرض کردند (یعنی اهرم مالی خود را افزایش دادند) تا خرید اوراق بهادار مرتبط با وام مسکن خود را تامین مالی کنند. بانک‌ها برای خرید دارایی‌های مرتبط با وام مسکن که مشمول الزامات سرمایه نظارتی نبودند، نهادهای وابسته خارج از ترازنامه مانند وسایل سرمایه گذاری ساختاریافته (SIV) ایجاد کردند. تا سال ۲۰۰۶، بانک‌های سرمایه گذاری به‌طور متوسط هر شب بیش از یک چهارم ترازنامه خود را می‌چرخانند. در طول سال‌های افزایش قیمت دارایی‌ها، این بدهی کوتاه‌مدت می‌توانست مانند عقربه‌های ساعت از بین برود. این وضعیت ضعیف پس از ایجاد وحشت در سال ۲۰۰۷ متوقف شد، با این حال، عدم اطمینان ناگهانی در مورد قیمت دارایی ها باعث شد وام دهندگان به طور ناگهانی از بازپرداخت بدهی خود امتناع کنند و بانک های دارای اهرم بیش از حد خود را در معرض کاهش قیمت دارایی ها با سرمایه بسیار کم قرار دادند.

در حالی که می توانیم به طور قطع بگوییم که افزایش پول قرض گرفته شده در سراسر سیستم غیرمسئولانه بوده و منجر به فاجعه شده است، اما این که مصرف‌کنندگان، مالکان بالقوه و بانک‌هایی که سود را به حداکثر می‌رسانند، هنگام افزایش قیمت دارایی‌ها، پول بیشتری قرض می کنند، تکان دهنده نیست. در واقع، کاملاً شهودی است. با این حال، آنچه به ویژه تکان دهنده است، این است که چگونه مؤسسات در هر حلقه از زنجیره اوراق بهادار به شدت در ارزیابی ریسک کافی در مورد دارایی های مرتبط با وام مسکن که در اختیار داشتند و معامله می کردند، شکست خوردند. از مبتکر وام مسکن، تا ارائه دهنده وام، تا صادرکننده اوراق بهادار با پشتوانه رهنی، تا صادرکننده CDO، تا فروشنده حفاظت CDS، تا آژانس های رتبه بندی اعتباری، و تا دارندگان همه آن اوراق بهادار، هیچ مؤسسه ای هرگز این مهمانی را متوقف نکرد و برخی از مدل‌های ریسک رایانه ای بدستی درک نشدند و ناپایداری آشکار شرایط برای اعطای وام‌های مسکن زیربنایی که نشانه بدتر شدن اوضاع بود را مورد سوال قرارندادند.[۱۰۰۷]

مقررات اتحادیه اروپا در حوزه مالی، درست همانند ایالات متحده، اعمال شده است و تعداد و جزئیات مقررات در آن افزایش یافته است. با این حال، بر خلاف توسعه قانونی ایالات متحده ، نیرویی که در پس گسترش تنظیم مقررات بازارهای مالی در اروپا قرار دارد بحران‌های مالی یا رقابت بین آژانس‌ها و دولت‌ها نبوده است، بلکه میل به ایجاد بازار مالی رقابتی‌تر اروپایی بوده است. از همان آغاز پروژه اتحادیه اروپا، موضوع ادغام و تقریب بازار داخلی

۱۰۰۷ -Martin Neil Baily, Robert E. Litan, and Matthew S. Johnson, “The Origins of the Financial Crisis”, NOVEMBER ۲۰۰۸

یکی از اهداف اصلی بوده است. این جاه طلبی سیاسی همراه با توسعه فنی قابل توجه در دهه های اخیر، منجر به یکپارچه شدن بازارهای مالی اروپا شده و به عنوان یک بازار واحد، توسط قانونگذار اتحادیه اروپا و همچنین توسط سرمایه گذارانی که در فراسوی مرزهای ملی تجارت می کنند، تلقی می شود. مقررات سوء استفاده از بازار در کشورهای اروپایی عمدتاً منحصر به اروپا است. رژیم سوء استفاده از بازار اتحادیه اروپا شامل مجموعه قوانین منسجمی است که برای اجرای برنامه اقدام خدمات مالی [۱۰۰۸] توسط کمیسیون اقتصادی اتحادیه اروپا اتخاذ شده است. دستورالعمل هایی که در نتیجه FSAP تصویب شده اند، دستورالعمل سوء استفاده از بازار و راهنمای افشای عمومی اطلاعات داخلی [۱۰۰۹] و مجموعه ای از ضوابط و مقررات دیگر هستند.

از جمله مهمترین تخلفاتی که مقررات دستکاری بازار (ممنوعیت دستکاری) جلوی آنها را می گیرد عبارتند از :

- تراکنش، معاملات یا دستورات مبادلاتی که سیگنال‌های نادرست یا گمراه‌کننده در مورد عرضه، تقاضا یا قیمت ابزارهای مالی می‌دهند یا احتمالاً می‌دهند.
- تراکنش، معاملات یا دستورات مبادله ای که توسط شخص یا اشخاصی که با هم همکاری می کنند، قیمت یک یا چند ابزار مالی را در سطح غیرعادی یا مصنوعی تعیین و یا تضمین می کند.
- تراکنش، معاملات یا دستورات مبادله ای که از وسایل ساختگی یا هر شکل دیگری از فریب یا تبانی و تدلیس استفاده می کنند.
- انتشار اطلاعات از طریق هر نوع ابزار رسانه ای و ...که سیگنال های نادرست یا گمراه کننده در مورد ابزارهای مالی از جمله انتشار شایعات و اخبار نادرست یا گمراه کننده می دهد یا احتمالاً می دهد.

سوای بحث های فنی مربوط کارکرد نوآوری های مالی و پیامدهای دستکاری در بازار ، از نقطه نظر جرم شناسی ، رسوایی پس انداز و وام، با خسارات تخمینی ۵۰۰ میلیارد دلار، بزرگترین و پرهزینه ترین مجموعه جنایات یقه سفیدها در تاریخ ایالات متحده را نشان می دهد، که بسیار فراتر از ماجرای گنبد چای در دهه ۱۹۲۰ یا کلاهبرداری نفتی در دهه ۱۹۷۰ است. این رقم معادل ارزش مجموع سایر جرایم اقتصادی -مالی در طی حدود ۴۰ سال در این کشور است و همچنین نشان دهنده پرهزینه ترین آنها است. بعلاوه نشان دهنده ی شکست سیاست عمومی در تاریخ ایالات متحده است. رقم پانصد میلیارد دلار بیشتر از رقم تمام سرقت های بانکی در ایالات متحده از زمان تأسیس تا آن زمان است. دادستان کل ایالات متحده، FBI و دفتر حسابداری عمومی تخمین می زنند که حداقل یک سوم از این خسارات ناشی از غفلت مقرراتی یا تقلب جنایی بوده است. رسوایی پس انداز و وام (S&L) [۱۰۱۰] منعکس کننده فرصت های جنایی افزایش یافته ناشی از یک بحران اقتصادی و نتیجه مقررات زدایی

۱۰۰۸ -Financial Services Action Plan (FSAP)
۱۰۰۹ -Public Disclosure of Inside Information
۱۰۱۰ - savings and loan scandal

است که توسط خودی های حریص که به طور دسته جمعی موسسات مالی را غارت کرده و صورتحساب ها را برای مالیات دهندگان ایالات متحده ارسال می کردند و ازآنها سوء استفاده می کردند. این یک شکست عدالت کیفری با ابعاد رکورد شکنی بود.[۱۰۱۱] در یک نمونه دیگر کمیسیون ملی ایمنی محصولات مصرفی ایالات متحده تخمین می زند که ۲۰ میلیون آسیب جدی و ۳۰۰۰۰ مرگ در سال به دلیل محصولات مصرفی ناایمن ایجاد می شود(کلمن، ۱۹۹۴). در سال ۲۰۱۸، ولز فارگو موافقت کرد که یک میلیارد دلار به عنوان جریمه به قانونگذاران فدرال بپردازد تا هزینه های مربوط به شیوه های وام مسکن و وام خودرو را تسویه کنند. این جریمه بزرگ‌ترین جریمه‌ای است که تاکنون توسط اداره حمایت مالی از مصرف‌کنندگان (سازمانی مشابه سازمان حمایت از مصرف کنندگان در ایران که خود عملکردی غیر شفاف دارد.) وضع شده است. ولز فارگو اذعان کرد که معادل میلیون‌ها دلار مشتریان خود را فریب داده و با محدودیت‌های بی‌سابقه‌ای در توانایی خود برای انجام تجارت اعتراف کرده است. ولز فارگو اعتراف کرد که کارمزد وام‌های رهنی را به‌طور نادرست از وام‌گیرندگان دریافت کرده و ده‌ها هزار مشتری را به وام‌های خودروی ترکیبی و بیمه اضافی غیرضروری مجبور کرده است.[۱۰۱۲]

به دلیل پیوندهای قوی و ادغام در اقتصاد جهانی، نگرانی ها بعد از گذشت بیش از یک دهه از بحران همچنان وجود دارد و این نشان می دهد که ما نیازمند اصلاحاتی در نظام پولی و مالی در مقیاس جهانی هستیم. (لیو و همکاران، ۲۰۲۲) این نگرانی را چنین ابراز می کنند : بسیاری از موسسات مالی اعتراف می کنند که در گذشته اشتباهاتی مرتکب شده اند. برخی گفته اند اشتباه کردند، از جمله روسای برخی بانک ها می‌گویند خیلی ریسک کردند، خیلی رادیکال و حریص بودند، قانون را زیر پا گذاشتند و خواهان اصلاحاتی در سیاستهای خود هستند و غیره. آنها همچنین پیشنهادهای قانونی زیادی مانند بازنگری قانون در هسته بازار مالی و تکمیل قوانین ارائه کرده اند، اما واقعیت چیست؟ احتمالا پس از پایان بحران، شاید ۲ تا ۳ سال بعد، همه آن را فراموش کنند. اما این بحران ها موجب سلب اعتماد شده است و مردم اعتمادی به سیستم مالی جدید به خصوص در زمینه های مالی و سیاسی ندارند. امروز شاید بتوان گفت با گذشت بیش از ۱۰ سال، ممکن است به زودی با یک بحران جدید مالی جهانی در مقیاس بزرگ تر روبرو شویم و این جزیی از یک چرخه مالی است و متاسفانه در یک اقتصاد، این طبقات ضعیف، به ویژه شهروندان عادی و کارگران هستند که ، قربانیان اصلی دور بعدی بحران اقتصادی خواهند بود."[۱۰۱۳]

۱۰۱۱ - Frank E. Hagan, Leah E. Daigle(۲۰۲۰),Ibid,٦٦٤
۱۰۱۲ - Frank E. Hagan, Leah E. Daigle(۲۰۲۰),Ibid,p٦٦٦
۱۰۱۳ -Yanping Liu, Minghai Tian ,Yanming Shao(۲۰۲۲),Cybercrimes and Financial Crimes in the Global Era, Springer,p۹

مشارکت صاحبان کسب و کار در جرم و فساد

صاحبان تجارت و کسب و کار ابزار و انگیزه ای برای مشارکت در جستجوی نفوذ در دموکراسی های در حال توسعه دارند. مطالعات یکی پس از دیگری، نقش آنها را به عنوان یکی از منابع اولیه سرمایه های سیاسی در این کشورها نشان می دهد. بنابراین، محققان شروع به تحلیل مثمر ثمری کرده‌اند که دریابند نحوه سازماندهی تجاری و قدرت منافع تجاری نسبت به دولت و تشکیلات سیاسی آن برای ایجاد انواع و سطوح مختلف فساد چگونه در تعامل است (کانگ ۲۰۰۲؛ جانستون ۲۰۰۶). با این حال ، مطالعات اندکی در مورد فساد تجزیه و تحلیل می کنند که آیا عناصر نهادی سیستمی وجود دارد که الگوهای مشارکت سیاسی منافع تجاری را با سطح و نوع فساد مشاهده شده در یک کشور مرتبط کند. از سوی دیگر، ادبیات غنی در مورد رفتارصاحبان کسب و کار، با همان علاقه خاصی که به بررسی الگوهای رفتار سیاسی توسط گروه‌های تجاری می پردازد ، ارتباط آنها با فساد را بررسی نمی کند. ادبیات نوظهور کوچکی اکنون شروع به بررسی جنبه خاصی از این سوال کرده است، یعنی پیوندهای بین لابی سیاسی توسط تجارت و فساد اداری.

علیرغم اجماع عمومی مبنی بر اینکه دخالت تجاری در سیاست می تواند منبع مهمی برای فساد سیاسی در دموکراسی های در حال توسعه باشد، هنوز کار نظری کمی وجود دارد که به طور سیستماتیک ویژگی های نهادی سیستم سیاسی یک کشور و به ویژه سیستم سیاست گذاری آن را با رفتار تجاری فساد زا مرتبط کند ، همچنین تحلیل مقایسه‌ای کمی از تغییرات در زمان‌بندی و الگوی مشارکت‌های تجاری در مراحل مختلف چرخه سیاسی یا منطق آنها برای انجام این کار وجود دارد. بی‌توجهی به نهادهای قانون‌گذاری در این زمینه به قلب بحث‌های مربوط به سطوح فساد و لابی گری با نهادهای سیاسی می‌رود. قوانین مقننه در کشورهای در حال توسعه به طور سنتی به عنوان نهادهای حاشیه ای یا موسسات تمبر لاستیکی- ژلاتینی توصیف می شوند و یا به عنوان منابع مؤثر قدرت سیاسی یا منابع سیاسی تضعیف شده ارزیابی می شوند.

در برخی تحقیقات نشان داده است که : " اعطای کمك های خارجی از سوی موسسات مالی بین المللی و کشورهای OECD در بسیاری از کشورهای کم درآمد تنها به نفع طبقه ممتاز و گروه های اقلیت و وابسته به قدرت سیاسی و اقتصادی بوده است. آنها بخشی از منابع مالی و پولها را صرف خرید ساختمان های لوکس و کالاهای لوکس و تجملی مصرفی وارداتی کرده اند تا یك زندگی لاکچری برای خودشان فراهم کنند .آنها همچنین بخشی از منابع در اختیار را به گونه ای مدیریت و مهندسی کردند که مبالغ هنگفتی را صرف خرید سخت افزارهای نظامی و توسعه خدمات دفاعی غیرمولد از قبیل تامین تجهیزات مورد نیاز برای نیروهای سرکوب گر برای مواجهه با اعتراضات احتمالی کردند و تلاش نمودند تا تصویری از یك قدرت نظامی بزرگ در منطقه به نمایش

بگذارند. یا پولها را برای فعالیت های «ساخت بنای یادبود» مانند ساختن شهرهای فوق مدرن با ساختمان های لوکس و برج ها و آسمان خراش ها برای طبقه نخبه در درون حکومت خرج کردند.

از نگاهی دیگر توسعه نیافته گی جوامع و فساد در آنها همزاد یکدیگر هستند و فساد علت توسعه نیافته گی این کشورها معرفی شده است. عوامل جمعیت شناختی نیز در این ادبیات مورد توجه قرار گرفته تا توضیح دهد که چرا کشورهای کم درآمد قادر به توسعه سریع و رسیدن به مرحله "جهش" نیستند. افزایش درآمد سرانه واقعی در کشوری مثلاً ۳ درصد در سال، با افزایش سالانه ۳ درصدی جمعیت به طور کامل جبران می شود. بنابراین، ممکن است استدلال شود که یک سیاست کنترل دقیق جمعیت شاید پاسخی برای برعکس کردن روند نرخ بسیار کند رشد اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه یافته باشد. در واقع، برخی از این کشورها با "انفجار جمعیت" روبرو بودند ، نه به دلیل افزایش نرخ زاد و ولد، بلکه به دلیل کاهش چشمگیر نرخ مرگ و میر در دوره ای موسوم به دوره ی پسااستعماری (دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰) و بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم.

با این حال، نظریه عمومی انتقال جمعیتی بیان می کند که خود توسعه اقتصادی، در مرحله اولیه خود، باعث جهش در رشد جمعیت می شود و نرخ زاد و ولد نیز به سمت کاهش می رود، به همراه کاهش نرخ مرگ و میر. فرآیند توسعه از مرحله اولیه به مرحله نهایی خود می رسد. در حالی که سیاست کنترل جمعیت یک نیاز ضروری برای توسعه پایدار است، اما اکنون مشخص شده است که چنین سیاستی به خودی خود، هر چند مؤثر باشد، شرط کافی برای رشد اقتصادی نخواهد بود. در اوایل دهه ۱۹۹۰، بین اقتصاددانان و دانشمندان علوم سیاسی اتفاق نظر وجود داشت که شکست توسعه اقتصادی در بسیاری از کشورهای آفریقایی و آسیایی باید به طریق دیگری توضیح داده شود. در سال ۱۹۹۲، بانک جهانی گزارش خود را در مورد حکمرانی و توسعه منتشر کرد که در آن توجه خود را بر موضوع حکمرانی به عنوان پیش شرط ضروری برای توسعه متمرکز کرد. در آن گزارش، بانک جهانی معنای حکمرانی و چرایی اهمیت آن برای توسعه پایدار بلندمدت را بررسی کرد. این نهاد ، حکمرانی را به معنای شیوه اعمال قدرت برای مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور در جهت توسعه تعریف کرده است.

بانک جهانی در گزارش (۱۹۹۴) برمبنای تجارب و توصیه های خود، در توصیف شیوه ی حکمرانی شایسته و یا حسن زمامداری اعلام نمود : " حکمرانی خوب با سیاست گذاری پیش بینی پذیر ، باز و روشنگرانه (و فرآیندهای شفاف) توصیف و تجسم می شود." نظام اداری باید متعهد به اخلاق حرفه ای باشد و به عنوان بازوی اجرایی دولت در قبال اقدامات خود پاسخگو باشد. بعلاوه یک جامعه مدنی قوی که در امور عمومی مشارکت دارد در کنار دولت و ناظر بر عملکرد آن و همگی باید تحت حاکمیت قانون رفتار کنند. در هرحال حکمرانی شایسته یک عنصر مهم در فرآیند پیچیده تحولات و برنامه های اقتصادی است. پس انداز و سرمایه گذاری و اقدامات کنترل جمعیت نمی تواند توسعه را بدون مدیریت کارآمد منابع از طریق حکمرانی خوب تضمین کند و برای دستیابی به یک روند

توسعه بلندمدت ، داشتن یک مدیریت باز، شفاف و پاسخگو و عاری از فساد ضروری است. به عبارت دیگر، حکمرانی خوب کلید توسعه پایدار است.[۱۰۱۴]

فساد در غرب، پیش از صنعتی شدن کامل که منجر به بهبودهای بسیار اساسی در استانداردهای زندگی مردم عادی شود، گسترده بود. فساد خرد عملاً در کشورهای توسعه یافته غرب تنها پس از افزایش قابل توجه درازمدت درآمد واقعی و استانداردهای زندگی ناپدید شد. می توان استدلال کرد که فساد را نمی توان با قانون گذاری و موضع گیری های سیاسی از بین برد.

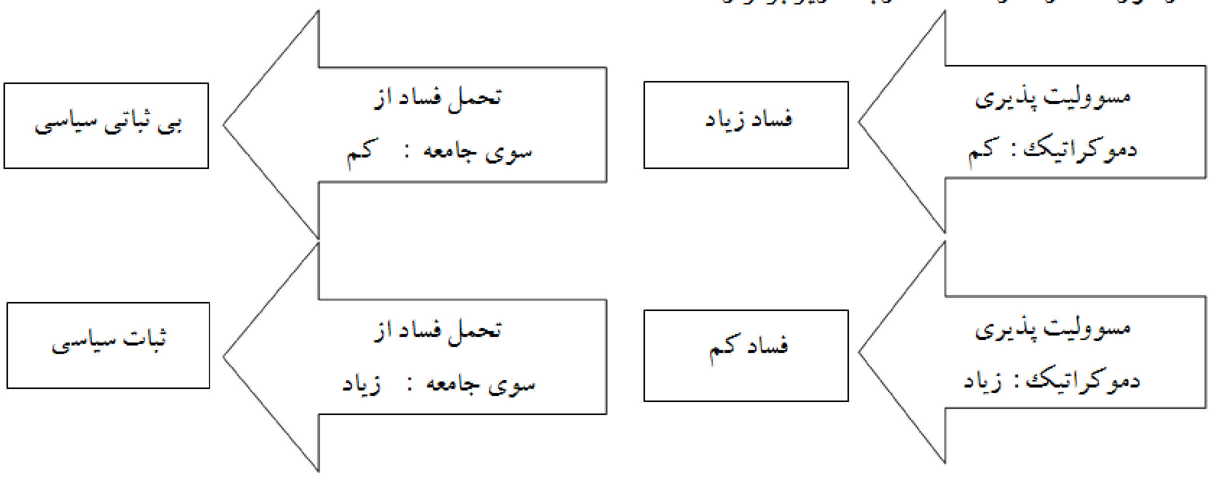
در زندگی واقعی، ما باید بین فساد "کلان" و "خرد" تمایز قائل شویم. در حالی که یک فساد "بزرگ" شامل افراد ثروتمند و با نفوذی است که میلیون ها دلار را به عنوان رشوه می پذیرند، یا هدایای هنگفتی را در نوع خود می پذیرند و باید به صراحت محکوم شود، اما وقتی مطمئن نیستیم که سطحی از فساد "کوچک" برای انجام این کار وجود داشته باشد، بدون خط قرمز، کاملاً غیرقابل قبول است. در واقع، بسیاری از کشورهای در حال توسعه که در هر شاخص فساد رتبه ضعیفی دارند، از بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته عقب‌تر هستند، نه به دلیل فساد "بزرگ‌تر" بلکه به دلیل فساد "کوچک" که مقامات دولتی یا افراد با حقوق ضعیف آن را به عنوان "فساد بزرگ" در نظر می‌گیرند. "سیبیلش را چرب کنید"، اشاره به سطوح "کوچک" فساد دارد که از زمان های بسیار قدیم در بسیاری از جوامع و فرهنگ ها وجود داشته است.

فساد "کوچک" همانند سنت دادن «نازرانا» در شبه قاره هند است. به عنوان مثال، دادن مقداری انعام یا شیرینی به مقامی که صلاحیت تصویب قبوض برای پرداخت را دارد در برخی فرهنگ ها کاملاً محکوم نیست. اما فساد به هیچ وجه به مقامات دولتی محدود نمی شود. افراد در شرکت های خصوصی نیز ممکن است برای ارائه کالاها و خدمات رشوه بگیرند، در صورتی که این کالاها کمبود داشته باشند. کمیابی منجر به جیره بندی می شود و جیره بندی یا سهمیه بندی فساد را تشویق می کند. اگر همه خدمات و کالاها به وفور در دسترس باشند، هم برای رشوه گرفتن و هم برای دادن رشوه فرصت کمتری وجود خواهد داشت.[۱۰۱۵]

۱۰۱٤ - R. N. Ghosh, Md. Abu Bakar Siddique(۲۰۱۵),Corruption, Good Governance and Economic Development, World Scientific Publishing Co. Pte. Ltd.,p۵.

۱۰۱۵ - R. N. Ghosh, Md. Abu Bakar Siddique(۲۰۱۵), Ibid

در مورد اندازه درک فساد رابطه زیر برقرار است :





اگرچه حالت های ۳ و ۴ موارد نادری را در بر می گیرد، ولی از این رابطه می توان نتیجه گرفت که در جوامع غیردموکراتیک که مسوولیت پذیری دموکراتیک در مقامات حکومتی پایین است ، ممکن است حاکمیت با دستکاری افکار عمومی جامعه و افزایش سطح تحمل جامعه در قبال فساد ، علیرغم گسترش فساد و بی اخلاقی در مقامات ، ثبات سیاسی را حفظ کند . براساس نتایج بررسی های مختلف کشورهایی که با فساد گسترده مواجه

هستند، اما همچنان از ثبات سیاسی نیز برخوردار هستند، اغلب دارای سطوح پایین مسئولیت پـذیری دموکراتیـک هستند ، اما در جامعه تحمل بالای فساد وجود دارد. بلعکس در جوامع دموکراتیک ، با افزایش میزان مسـوولیت پذیری دموکراتیک در مقامات حکومتی ، فساد کنترل می شود و حتی اگر تحمل فساد در چنین جامعه ای کم باشد ، آن جامعه دچار بی ثباتی سیاسی نمی شود. براساس همین نتایج فساد تنها در صورتی منجر به بی ثباتی سیاسی می شود که تحمل نشود.[۱۰۱۶] بدیهی است جوامع با آستانه تحمل بالا در ادراک فساد، در اثر رشد و گسترش واقعی فساد هم دچار بی ثباتی سیاسی نخواهند شد. از آنجایی که سطوح واقعی فساد را نمی توان به طور مستقیم تعیین و اندازه گیری کرد، ادراک فساد ممکن است تنها معیاری باشد که باید ما را راهنمایی کند. با این حال، این رویکرد حداقل تا حدی تضعیف شده است، خصوصا اگر ادراکات از منـابعی جمـع آوری شـوند کـه مغرضـانه باشـند یـا سوگیری داشته باشد. متأسفانه در طول دو دهه گذشته، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به طور فزاینده‌ای از تعریف فساد به شیوه‌ای یکسان در همه کشورها صرف نظر از تفاوت های فرهنگی اسـتفاده کـرده‌انـد. در برخـی جوامع ممکن است، بسیاری از اقدامات مالی فاسد و غیراخلاقی وجود داشته باشد ، اما تا زمانی کـه توسـط یـک دولت در قدرت تایید می شود ، به لحاظ حقوقی و قانونی فساد تلقی نمی شود و بلعکس آن هم ممکن است، یعنی اقداماتی ممکن است در بسیاری جوامع مصداق فساد تلقی نشود، ولی تا زمانی که توسط یک دولت در قـدرت ، فساد ارزیابی می شود، به لحاظ حقوقی و قانونی در آن جامعه فساد ارزیابی می شود.

۱۰۱٦ - Charles Sampford, Arthur Shacklock, Carmel Connors and Fredrik Galtung(۲۰۰٦), Measuring corruption, Ashgate Publishing Company,p۸۳.

فصل نهم : جرایم سازمان یافته فراملی

تقریبا تمام جرایم سازمان یافته، مولفه ای بنام " مزد در ازای جنایت " دارند و همگی آنها دارای آثار و پیامدهای اقتصادی هستند. برخی از آنها حتی دارای بازارهای سازمان یافته چند جانبه با بازیگران مختلف هستند. همچنین اغلب جرایم سازمان یافته، دارای تعداد زیادی قربانی هستند. برخی از آنها فراملی و برخی در محدوده قلمرو یک کشور فعالیت دارند.

جرایم اقتصادی سازمان یافته

انواع جرایم اقتصادی سازمان یافته که در مورد آنها اتفاق نظر وجود دارد ، عبارتند از:

- پولشویی
- حمایت مالی از گروه های تروریستی و باندهای تبهکاری و ترور
- سرقت مسلحانه، از جمله سرقت پول نقد.
- سرقت وسایل نقلیه موتوری.
- تقلب تجاری جدی.
- ایجاد کارگاه جعل ارز.(چاپ اسکناس و پول تقلبی (عمدتا دلار) و یا تولید کارتهای اعتباری تقلبی)
- تاسیس و اداره باندهای اخاذی و باج گیری.
- قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان و اعضای بدن انسان
- قاچاق منابع گرانبها، عمدتاً الماس، طلا، الوار و حیات وحش و .. دستبرد به منابع طبیعی
- قاچاق سلاح و مهمات متعارف و نا متعارف
- جرایم مرتبط با حملات سایبری به زیر ساختهای اقتصادی یک کشور
- باند فساد اداری (بویژه رشوه ، رانت و لابیگری، جعل و اخاذی و غیرو).
- راه اندازی مراکز اشاعه فحشاء و فساد اخلاقی منافی عفت.

این جرایم در سطح محلی ، ملی، فراملی قابل بررسی است. در فهرست بالا جرایمی وجود دارد که در سطح فراملی بیشتر مورد توجه است. بعلاوه فهرست عناوین بالا همچنان در حال افزایش است.

گروه های جنایتکار سازمان یافته :

توماس نایلور در کتاب خود با عنوان "مزد جنایت" ، پنج ویژگی : تخصص در جرایم مبتنی بر بازار، ساختارهای سلسله مراتبی و بادوام ، استفاده از خشونت و فساد برای دستیابی به قدرت انحصاری، نرخ بازدهی بالا و نفوذ در اقتصاد قانونی را از مهمترین مولفه هایی می داند که گروه های جنایتکار سازمان‌یافته در سطح ملی و بین المللی ازآن برخوردارند.[۱۰۱۷] اگر بخواهیم گروه های جنایتکار سازمان یافته و یا جرایم سازمان یافته را براساس اهمیت و اولویت اهداف آنها بررسی کنیم. این اهداف به ترتیب شامل : اهداف اقتصادی ، اهداف سیاسی و سایر اهداف باشد. براساس داده های موجود در سطح جهانی، بیشترین انگیزه و هدف گروه های جنایتکار سازمان یافته ، انگیزه ها و اهداف اقتصادی است ، بعد از آن اهداف و انگیزه های سیاسی قرار دارد و در انتها سایر اهداف گروهی را در بر می گیرد. در واقع تلاش‌های قابل توجهی در سطح جهانی برای تمایز بین گروه‌های جنایتکار سازمان‌یافته، باندها و گروه‌های قاچاق مواد مخدر انجام شده است. آنها اغلب با هم همپوشانی دارند و معمولاً تشخیص تمایز بین آنها دشوار است و به همین جهت در برخی گزارش های منتشره توسط نهادهای بین المللی، اغلب در ارزیابی کلی ، میان باندهای مافیایی دارای انگیزه های سیاسی ، باندهای قاچاق مواد مخدر و گروه های تروریستی خشن تمایز چندانی قایل نمی شوند. این هم پوشانی از طریق روابط در هم تنیده و همکاری دوسویه ی سازمان های جنایی و شبکه های تروریستی به طور برجسته در کشورهای ضعیف یا در حال شکست یافت می شوند ، بنابراین جای تعجب نیست که این کشورها نقشی کلیدی در تجارت جهانی مواد مخدر و اسلحه ایفا می کنند، خصوصا با وجود آسیب‌پذیری‌های امنیتی حیاتی –مرزهای متخلخل، فساد، اجرای ناکافی قانون، و محیطی با کمبود شدید که در آن هر وسیله‌ای برای کسب سود بهتر از هیچ دیده می شود.[۱۰۱۸]

در حالی که ممکن است در برخی موارد مرزبندی مشخصی میان گروه های مختلف بازیگران جنایتکار آشکار باشد، اغلب ماهیت گروه‌های جنایتکار مختلف در زمینه‌های خاص کمتر مشخص است. برای مثال، طیفی از بازیگران ممکن است تحت عنوان "گروه‌های مافیایی" طبقه بندی شوند، از جمله باندهای خیابانی، شبه‌نظامیان و تروریست‌ها وگروهی دیگر به عنوان سازمان هایی که برای سودجویی در فعالیت های غیرقانونی شرکت می کنند. این بازیگران ممکن است در فعالیت های غیرقانونی در زنجیره تامین بازار جنایی شرکت داشته باشند و با گروه های مجرمانه و جنایتکاران سازمان یافته دیگر تعاملات و یا درگیریهایی داشته باشند، اما در این زمینه منحصر به فرد هستند.[۱۰۱۹] ویژگی های همگی آنها عمدتاً شامل روابط حامی و مشتری، اجبار، کنترل سرزمینی به دلیل ناهمگونی و

۱۰۱۷ - R. T. Naylor(۲۰۰۲), Wages of Crime: Black Markets, Illegal Finance and the Underworld Economy , Cornell University ,p. ۱٦.

۱۰۱۸ - James J. F. Forest(۲۰۰۷),Ibid, p۷۳۳

۱۰۱۹ - Global Organized Crime Index(۲۰۲۱) ,p ۲۸

پویایی پدیده ها در مناطق مختلف دارای ساختارهای سلسله مراتبی است. بیشتر بحث ها بر درجه سازماندهی یا پیچیدگی در عملیات گروه و نحوه استفاده از خشونت توسط این گروه ها متمرکز است. تصور می شود که باندهای خیابانی نسبت به گروه های جنایتکار سازمان یافته پیچیده تر هستند. آنها استفاده از خشونت را بر اهداف کوتاه مدت و تاکتیکی تر و بزهکاری متمرکز می کنند، در حالی که گروه های جنایتکار سازمان یافته به عنوان شرکتهای جنایی نسبتاً پیچیده منفعت طلب و سود محور شناخته می شوند که از انواع مختلف خشونت به صورت استراتژیک برای پیشبرد اهداف خود و اعمال قدرت استفاده می کنند. علیرغم اینکه استفاده از خشونت یکی از ویژگی های اصلی گروه های جنایتکار سازمان یافته است، اما ترجیحاً به عنوان آخرین راه حل از آن استفاده می کنند، زیرا خشونت موجب می شود توجهات به عملیات آنها جلب شود، در حالیکه این گروه ها چندان تمایلی ندارند، خود را با اعمال خشونت عریان در جامعه بشناسانند. هدف گروه‌های جنایتکار سازمان‌یافته ، محافظت از فعالیت‌های غیرقانونی خودشان در برابر توجه مجریان قانون است، و از خشونت تنها به صورت ابزاری و در مواقع ضروری و برای حفاظت از منافع گروه استفاده می‌کنند.[۱۰۲۰]

اگرچه همانطوری که گفته شده ، کشورهای اقتدارگرا به جهت رشد فساد مستعد همکاری با سازمان های مافیایی و حمایت از گروه های سازمان یافته جرایم هستند و یا کشورهای رو به زوال به جهت عدم مشروعیت و عدم حاکمیت قانون، کانون فعالیت گروه های تروریستی هستند، اما فعالیت گروه های جرایم سازمان یافته و یا گروه های تروریستی محدود به این وضعیت نیست. امروزه کشورهای گوناگونی در سراسر جهان، خواسته یا ناخواسته در جهت حمایت مالی و تسلیحاتی از تروریستها و جرایم سازمان یافته قرار دارند. هم اکنون علاوه بر افغانستان و پاکستان، بسیاری از کشورهای آسیای جنوب شرقی (بویژه کشورهای مسلمان) مانند اندونزی و مالزی، بهشتی برای فعالیت های تامین مالی تروریسم هستند. آنها مقررات بانکی سست، بوروکراسی های فاسد، اجرای قانون عقب مانده، و مرزهای متخلخل و نفوذ پذیر دارند. این شرایط بستر مناسبی برای بهره برداری از فرصت ها توسط باندهای جنایتکار و جرایم سازمان یافته فراهم می کند. بخش مالی آسیای جنوب شرقی شهرت بدنامی در پولشویی دارد، و این منطقه برای مدت طولانی مرکز فعالیت های مجرمانه فراملی بوده است. سازمان های تروریستی بین المللی مانند القاعده و جماعت اسلامیه (JI) از این حقایق برای توزیع و انتقال کمک های مالی و تدارکات در سراسر منطقه و در سطح بین المللی بهره برداری کرده و می کنند.[۱۰۲۱] به این ترتیب گروه های تروریستی و دیگر جرایم سازمان یافته منحصر به جغرافیای خاصی در سطح جهان نیستند، هرچند که تروریست های به اصطلاح جهادی اسلامگرا برای جلب حمایت های مالی خود به جغرافیای سرزمین های اسلامی بیشتر اتکا و وابستگی دارند.

۱۰۲۰ - Global Study on Homicide ۲۰۱۳, UNODC Research, p ۴۲
۱۰۲۱ - James J. F. Forest(۲۰۰۷),Ibid, p۸۰۵

برای مثال، جمال احمد الفضل، یکی از اعضای سابق القاعده، شهادت داد که بن لادن اغلب از بانک های اسلامی در مالزی برای جابجایی پول های آن سازمان استفاده می کرد. مالزی به عنوان یکی از برجسته ترین مراکز بانکداری اسلامی در جهان شناخته می شود که پیوندهای عمیقی با مشاغل، بانک ها و موسسات خیریه خاورمیانه ای دارد. القاعده برای اولین بار در اوایل دهه ۱۹۹۰ شروع به انتقال سرمایه از طریق آسیای جنوب شرقی کرد. برادر بن لادن مسئول سازمان امداد بین‌المللی اسلامی در فیلیپین بود، صندوقی که برای انتقال اسلحه و پول استفاده می‌شد. (جامعه الاسلامیه= JI) شرکت هایی تأسیس کرد و از طرفداران خود کمک های مالی تحت پوشش قراردادهای تجاری دریافت می کرد.آنها سپس عواید را از طریق صندوق ویژه ای به نام "انفاق فی سبیل الله" یا"کمک در راه خدا" ، به سازمان باز می گرداندند.[۱۰۲۲]

در کشور پاکستان گروه های تروریستی در خدمت سرویس اطلاعاتی و امنیتی این کشور هستند. هرچند که پاکستان همسو با جامعه جهانی ، به جنگ علیه تروریسم متعهد شده است، اما مقامات بین المللی ضد تروریسم در حال یافتن شواهد فزاینده ای هستند که نشان می دهد ستیزه جویان پاکستانی و اعضای طالبان از عناصر سرویس های اطلاعاتی پاکستان کمک دریافت کرده و می کنند. آی اس آی (اطلاعات و امنیت ملی پاکستان) میزبان اردوگاه های آموزشی تروریستی زیادی در خاک پاکستان بوده و از گروه هایی مانند حزب المجاهدین، حرکات المجاهدین، حرکات الجهادی اسلامی، تحریک جهادی اسلامی، لشکر طیبه و جیش محمد حمایت می کند. – این گروه ها جنگ مقدسی را علیه هند، رقیب اصلی پاکستان به راه انداخته اند، اما برای خود پاکستان نیز یک عنصر بی ثبات کننده محسوب می شوند.[۱۰۲۳]

ایالات متحده نیز در ایفای نقشی دوگانه ، از یک سو خود را در جبهه نبرد با تروریسم جهانی تعریف می کند و از سویی دیگر در رشد و تقویت برخی گروه های تروریستی بطور مستقیم و غیر مستقیم به ایفای نقش می پردازد. طالبان "بنیادگرا"، یکبار سوار بر خشم عمومی مردم ناشی از طمع ورزی و وحشیگری جناح های مختلف مجاهدین، با توطئه های آی اس آی پاکستان که برای گسترش نفوذ پاکستان در آسیای مرکزی دنبال می شد به قدرت رسید[۱۰۲۴] باردیگرسوار برخشم عمومی ناشی از ناکارآمدی و فساد دولت های به ظاهر دموکراتیک همسو با ایالات متحده که بعد از اشغال این کشور توسط آمریکا، بر سرکارآمده بودند ، با بیگانه هراسی و ابراز نارضایتی از حضور و اشغال افغانستان توسط آمریکا و البته با چانه زنی و معامله ای که پاکستان ، عربستان و طالبان با دولت ایالات متحده بر سر افغانستان داشتند، به قدرت رسیدند. در هر دو مقطع، تلاش های سازمان سیا معطوف به کاهش

۱۰۲۲ - Zachary Abuza, “The War on Terrorism in Southeast Asia,” Strategic Asia, ۲۰۰۳–۲۰۰٤: Fragility and Crisis, eds. Richard Ellings and Robert Scalapino (Seattle, WA: The National Bureau of Asian Research, ۲۰۰۲), ۳۲۱–۳٥٤; James J. F. Forest(۲۰۰۷),Ibid.

۱۰۲۳ - Forest(۲۰۰۷),Ibid

۱۰۲٤ - R.T.Naylor(۲۰۰۲), Ibid,p ۲۹٥

نفوذ ایران در افغانستان بود. در مورد اخیر، واگذاردن مدرن ترین تجهیزات نظامی در پایگاه های نظامی افغانستان از سوی آمریکایی ها تحویل کشور افغانستان به طالبان ، برخلاف روندی دموکراتیک، نشان از همنوایی آمریکا با بنیادگرایی در منطقه دارد و پرده از چهره مزورانه آمریکا علیه کشورهای منطقه برمی دارد.آمریکا حتی به بهانه اینکه طالبان برای ریشه کن کردن مواد مخدر در افغانستان برنامه دارد ، در مقاطعی به آنها پول وکمک مالی رسانده است.[۱۰۲۵]

اقدامات بین المللی برای مقابله با جرایم سازمان یافته بین المللی

در سال ۲۰۰۰، ایالات متحده و ۱۲۰ کشور دیگر کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی (TOC) را همراه با پروتکل های آن در مورد قاچاق انسان (از جمله نقل و انتقال مهاجران) امضا کردند. امضاکنندگان موافقت کردند که اقدامات TOC را جرم انگاری کنند و در تحقیقات با یکدیگر همکاری کنند. TOC شامل موضوعاتی همچون قاچاق و سوء مصرف مواد مخدر، قاچاق اسلحه، پولشویی، قاچاق مهاجر و سایر قاچاق انسان، سرقت مالکیت معنوی، و فساد مقامات خارجی و غیرو است. اگرچه کنوانسیون جرائم سازمان‌یافته فراملی (کنوانسیون پالرمو) در سال ۲۰۰۰ در سازمان ملل مطرح شد، ولی بحث‌های مربوط به کنوانسیون مبارزه با مفاسد (مریدا) چند سال بعد یعنی در سال ۲۰۰۳ در سازمان ملل آغاز گردید.

کنوانسیون ملل متحد علیه جرائم سازمان‌یافته فراملی (پالرمو) از معاهده‌های چندجانبه مورد حمایت سازمان ملل متحد در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰ با قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است و سه پروتکل تکمیلی بشرح زیر دارد :

- پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص مخصوصاً زنان و کودکان
- پروتکل علیه قاچاق مهاجرین از طریق زمین، دریا و هوا
- پروتکل علیه تولید غیرقانونی و قاچاق مهمات

همه این ابزارها دارای عناصری از قوانین بین‌المللی کنونی در خصوص قاچاق انسان، قاچاق اسلحه و جرایم دیگر هستند. دفتر مقابله با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد به عنوان عهده دار این کنوانسیون و پروتکل‌های آن عمل می‌کند. کنوانسیون در ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۳ به اجرا درآمد. تا ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۷، ۱۸۹ کشور آن را امضا کرده‌اند که شامل ۱۸۴ عضو سازمان ملل متحد بعلاوه جزایر کوک، سریر مقدس، نیووی، دولت فلسطین، و اتحادیه اروپا می‌شود. نه کشور عضو سازمان ملل، هنوز عضو این کنوانسیون نیستند.[۱۰۲۶] دولت ایران کنوانسیون را امضا

۱۰۲۵ - R.T.Naylor(۲۰۰۲), Ibid,p ۲۹۵

۱۰۲۶ - بوتان، کنگو، ایران، پالائو، پاپائو گینه نو، جزایر سلیمان، سومالی،سودان جنوبی، توالو

کرده، ولی به تصویب پارلمان خود نرسانده‌است[۱۰۲۷] بدیهی است تا زمانی که به تصویب پارلمان نرسد ، امضاء تعهد آور نبوده و پذیرش آن ضمانت اجرایی فراهم نمی کند. در عین حال کنوانسیون مقابله با جرایم سازمان یافته فراملی سازمان ملل می پذیرد که جرایم سازمان‌یافته مفهومی است که تعریف آن بسیار دشوار است. اگرچه این آگـاهی وجود دارد که این پدیده در همه جای دنیا وجود دارد، اشکال متعددی از جرم وجود دارد کـه توسـط بـازیگران مختلف فعال می شود که در نوسان هستند و با محیط های مختلف سازگار می شوند. در سال ۲۰۰۳، کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان‌یافتـه فراملـی (UNTOC)، بـه عنـوان سـند بـین‌المللـی اصـلی علیـه جـرایم سازمان‌یافته، لازم‌الاجرا شد و کشورهای عضو را مجبور به بررسی و تعریف جرم سازمان یافته نمود ، با این حال، UNTOC در این مورد قادر به دستیابی به تعریف مورد اجماع همه کشورها نیست و به همین جهـت تعریفـی از جنایت سازمان یافته ارائه نمی کند، اما شفافیت را در مورد دو موضوع ثابت در زمینـه جـرایم سـازمان یافتـه ارائـه می کند :

اصطلاحات "گروه جنایتکار سازمان‌یافته"[۱۰۲۸] و "جرم سنگین"[۱۰۲۹] که در کنوانسیون ذکر شـده اسـت، شـرایط اساسی را برای تلقی یک فعالیت به عنوان جرم سازمان‌یافته و انعطاف‌پذیری برای رسیدگی به گسترده‌ترین طیف ممکن از نگرانی‌ها ارائه می‌دهد. به عنوان مثال، یک گروه جنایتکار سازمان یافته ممکن است به طیف گسترده ای از باندها و انجمن های جنایی، از ساختارهای سلسله مراتبی گرفته تا شبکه های بدون اتصال اشـاره کنـد. بـه همـین ترتیب، تمرکز کنوانسیون بر اصطلاح "جرم سنگین" تضمین می کند که بین جرم و جنایت سطح پایین و فعالیت مجرمانه سازمان یافته تمایز وجود دارد. علاوه بر این، کنوانسیون به طور خاص در مورد فعالیت‌هایی صحبت می کند که منفعت طلبانه و سود محور هستند، و اجازه می‌دهد تا سیاست‌ها و پاسخ‌هایی برای تمایز جنایات سازمان‌یافته با اهداف مالی و اقتصادی از اقدامات صرفاً با انگیزه سیاسی، مانند تروریسم وجود داشته باشـد. امـروزه اجمـاع بـین کشورهای عضو کنوانسیون به طور فزاینده ای بر این است که از بحث های تعریفی پیرامون اصطلاح "جرم سازمان یافته" خودداری کنند و بپذیرند که این اصطلاح انعطاف پذیر باشد و به طیف وسیعی از فعالیت هـای مجرمانـه و شرایط دائما در حال تغییر اشاره کند، و اینکه راه های زیادی وجود دارد تا در آن برچسب "جرم سازمان یافته" قابل درک و مفهوم سازی باشد. با این وجود، برای اینکه یک شاخص بینش و ارزش واقعی ارائه دهد، نوعی از تعریف ضروری است.

۱۰۲۷ – دانشنامه ویکی پدیا : (کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی)

https://fa.wikipedia.org/wiki/

۱۰۲۸ - organized criminal group

۱۰۲۹ - serious offence

از نظر شاخص جهانی جرایم سازمان‌یافته، "جرایم سازمان‌یافته": به فعالیت‌های غیرقانونی گفته می‌شود که توسط گروه‌ها یا شبکه‌هایی که به طور هماهنگ عمل می‌کنند، از طریق درگیر شدن در خشونت، فساد یـا فعالیـت‌هـای مرتبط و به منظور به دست آوردن مستقیم یا غیرمستقیم، منافع و سود مادی و کسب مـال و دارایـی ، در داخـل یـا خارج از یک کشور انجام می شود.[۱۰۳۰]

"باندهای مافیایی " : به یک دسته از گروه های جنایتکار سازمان یافته اشاره دارد که از نظر نـوع شناسـی شـامل گروه های شبه نظامی و چریکی مسلح و خشونت گرا هم می شود ، که عمدتاً از طریق فعالیت های غیرقانونی تأمین مالی می شوند. چهار ویژگی تعیین کننده برای یک گروه مافیایی وجود دارد: نام شناخته شده، رهبری مشـخص، کنترل سرزمینی و عضویت قابل شناسایی.[۱۰۳۱]

"شبکه جنایتکار" : به شبکه‌ای با همکاریهای مجرمانه اشاره دارد که در فعالیت‌های مجرمانه شرکت می کنند. آنها شامل گروه های نسبتاً کوچکی می شوند که قلمرو سرزمینی معینی را در کنترل ندارند و به طور گسترده و پراکنده فعالیت می کنند و با نام یا رهبر شناخته شده ای هم شناخته نمی شوند. شبکه های جنایتکار در قاچاق غیرقـانونی کالاها دخالت دارند ،(شبکه قاچاق) ، اما کنترل سرزمینی یا هیچ یک از ویژگی های تعیین کننده دیگر گروه های مافیایی را ندارند. در اصل، شبکه‌های جنایی و کارآفرینان شان با عدم رعایت ویژگی‌های تعیین‌کننده گروه‌هـای مافیایی تعریف می‌شوند.[۱۰۳۲]

"بازیگران دولتی" [۱۰۳۳] : به کارپردازان و به بازیگران مجرم و جنایتکاری اشاره دارد که از درون دسـتگاه دولـت عمل می کنند و با شبکه های جنایتکار همکاری دارند و بابـت خـدمات خـود ازآنهـا درآمـدهای نامشـروعی را دریافت می کنند. این بازیگران می توانند در بدنه اجرایی وزارتخانه های دولتی، در پلیس ، در درون دولت محلی مانند شهرداری ها و دفاتر دادگاه ها و شوراهای شهر و غیرو با گروه های سازمان یافته جرایم همکاری و مشارکت نمایند.

"بازیگران خارجی " : به بازیگران جنایی دولتی و/یا غیردولتی که در خارج از کشور خود فعالیت می کنند، گفته میشود .آنان در واقع به خارجیانی که در داخل کشور میزبان ، در فعالیت های مجرمانه شرکت دارند و با شبکه های جنایتکار و مجرمان سازمان یافته داخلی و باندهای جرم و جنایت ، همکاری می کنند اشاره دارد. این می تواند نه تنها شامل اتباع خارجی در کشور میزبان، بلکه همچنین شامل گروه های مختلف بی خانمان ها و رانـده شـدگاه، پناهندگان و دیاسپوراها نیز باشد که در طول نسل های مختلف در کشور ریشه کرده اند.[۱۰۳۴]

۱۰۳۰ - Global Organized Crime Index(۲۰۲۱) , p۱٤۳
۱۰۳۱ - Global Organized Crime Index(۲۰۲۱) ,p۱٤٦
۱۰۳۲ - Ibid
۱۰۳۳ - STATE-EMBEDDED ACTORS
۱۰۳٤ - Ibid

(دانش جعفری، ۱۴۰۰)[۱۰۳۵] در مقایسه ای که میان دو کنوانسیون مذکور انجام داده به این نظر رسیده که این هر دو از جهات مختلفی شبیه به هم هستند و جمهوری اسلامی ایران الحاق به کنوانسیون مریدا که تکالیف بیشتری دارد را پذیرفته است و در واقع بسیاری از مواد کنوانسیون پالرمو در کنوانسیون مریدا تکرار و در واقع وسعت نیز داده شده است. هر دو کنوانسیون دارای یک نظام هماهنگ اجرایی، قضایی و تقنینی هستند ولی کنوانسیون مریدا از استقلال عمل بیشتری برای جلوگیری از اعمال نفوذ برخوردار است. از نظر شیوه واکاوی وضعیت مشترک هستند (CDD) هر دو کنوانسیون در مورد پولشویی و فساد و ممانعت از اجرای عدالت مثل هم عمل می کنند ، ولی در کنوانسیون پالرمو، جرم‌انگاری مربوط به جرائم سازمان‌یافته، شدیدتراست. دولت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۸۷/۰۷/۲۰ قانون الحاق ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد را تصویب کرده و رسما تکالیف مقرر در این کنوانسیون را مورد پذیرش قرار داده است. اما یک حق شرط به شرح زیر برای پذیرش این کنوانسیون قرار داده است:" جمهوری اسلامی ایران خود را ملتزم به ترتیبات موضوع بند ۲ ماده ۶۶ کنوانسیون درخصوص ارجاع هرگونه اختلاف ناشی از تفسیر یا اجرای آن که از طریق مذاکره حل و فصل نشود ، به داوری یا دیوان بین‌المللی دادگستری نمی‌داند. ارجاع اختلاف به داوری یا دیوان بین‌المللی دادگستری صرفا درصورت رضایت کلیه طرف‌های اختلاف ممکن است [۱۰۳۶]

مصوبه مجمع تشخیص در مورد کنوانسیون مربدا به این شرح است : " در جلسه روز شنبه مورخ ۲۰ / ۷/ ۱۳۸۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح و نظر مجلس شورای اسلامی عینا به تصویب رسید و مقرر شد : " جمهوری اسلامی ایران تطهیر عواید اموال به‌دست‌آمده ناشی از جرائم موضوع ماده ۲۳ کنوانسیون را منحصرا ناشی از عواید جرائم مندرج در این کنوانسیون می‌داند."

گستردگی و ماهیت باندهای جرایم سازمان یافته در جهان

به لحاظ ماهیت ، باندهای جرایم سازمان‌یافته در سطح بین‌المللی، به هیچ ساختار و یا نوع نظام سیاسی خاصی منحصر و محدود نمی‌شوند و در هر نوع فضای سیاسی از دموکراسی‌های لیبرال تا دیکتاتوری‌های فاسد و حکومتهای تمامیت خواه یا توتالیتر رشد می کنند. از آنجا که در قوانین دموکراسی های لیبرال مانند ایالات متحده ، کانادا، ژاپن پس از جنگ جهانی دوم، و دیگر کشورهای اروپای غربی و کشورهای مشترک المنافع سابق بریتانیا اولویت بر آزادی های مدنی فردی است، کنترل جرایم دشوار است و جامعه در برابر جرایم سازمان یافته آسیب پذیرند. در نظام های حقوقی آزاد و قوانین لیبرال که اولویت را بر آزادی های مدنی –فردی نهاده است، سرکوب

۱۰۳۵ – دنیای اقتصاد، شماره روزنامه ۵۶۸۴؛ پنجشنبه ۱۱ اسفند ۱۴۰۱

۱۰۳۶ – رویه حقوقی شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، در مورد اکثر کنوانسیون های بین المللی گذاشتن شرط پذیرش است و در اغلب موارد گذاشتن همان شرط کل ، پذیرش کنیوانسیون مذکور را کان لم یکن و یا ناقص می نماید.

باندهای جنایتکار و سازمان یافته و حامیان و متحدان سیاسی آنها دشوار است. چنین کشورهایی همچنین بر اصول تجارت آزاد و سرمایه گذاری خصوصی و بازار آزاد و اصول نظام سرمایه داری لیبرال تأکید می کنند که تقریبا حد و مرز قانونی معینی ندارد.[۱۰۳۷] در رژیم های دیکتاتوری، مطلقه و تمامیت خواه ، اساسا جنایت های سازمان یافته تحت نظارت و کنترل خود دولت است و دولت در تسخیر باندهای جنایتکار و فاسد است و هرگونه فعالیت های جنایتکارانه تحت نظر و حمایت بخشی از خود مقامات حکومت انجام می شود ، زیرا آنها بر ارکان دولت نفوذ و سلطه دارند.

مجرمان سازمان‌یافته در ژاپن : گزارش های گوناگونی از جرایم سازمان یافته در اغلب کشورها وجود دارد. یک نمونه آن مربوط به یاکوزاهای ژاپنی است. "یاکوزا"[۱۰۳۸] اصطلاحی ژاپنی برای تبهکاران وگانگسترهاست (به معنای واقعی کلمه، "بی لیاقت ها یا بی مصرف ها"[۱۰۳۹] گفته می شوند.)، آنها، سندیکای جرایم سازمان یافته با تقریباً ۵۳۵۰۰ عضو در پایان سال ۲۰۱۴ داشتند. (ادلشتاین، ۲۰۱۵). آنها همچنین به عنوان گروه بوریوکودان (خشونت طلب ها) هم شناخته می شوند، قدرت این باندها –قدرتمندترین آنها یاماگوچیگومی است – را می توان با رسوایی بازار سهام در ژاپن نشان داد که در آن شرکت های بزرگی مانند Nomura و Nikko Securities به شرکت های وابسته اجازه تامین مالی را دادند. فعالیت های یاکوزا (کاپلان، ۱۹۹۱) متنوع است. سوسومی ایشی، رئیس وقت سندیکای ایناگاواکای، ۲۵ میلیارد ین (۱۸۰ میلیون دلار) از این شرکت ها دریافت کرد. یکی از مشاوران مالی ایشی در ایالات متحده ، شرکتی بود که پرسکات بوش جونیور، برادر جورج اچ دبلیو بوش، که در آن زمان رئیس جمهور ایالات متحده بود، او را به استخدام خود درآورد . اگرچه پرسکات بوش مدعی بود که نمی دانسته با چه کسی معامله می کند، اما شرکت های امنیتی ژاپن از این موضوع کاملا آگاه بودند.[۱۰۴۰]

به لحاظ پیشینه و زمینه مجرمان سازمان‌یافته در ژاپن ظاهری کنجکاو دارند ، بریدگی‌های روی دست و بازو، خالکوبی‌های استادانه، و نداشتن نوک انگشتان کوچک از ویژگی ظاهری آنهاست.آن‌ها اغلب به‌عنوان نیروی حراست، بادیگارد ، محافظ یا نگهبان در شرکت ها کار می‌کنند ، این نقشی استراتژیک است که آنها را قادر می‌سازد تا اطلاعاتی را جمع‌آوری کنند که با آن از مقامات شرکت ها باج‌گیری کنند("ژاپن"، ۱۹۷۷؛ رم، ۱۹۷۵) یاکوزاها که نماینده بخشی سنتی از جامعه ژاپن هستند، در اصل پس از جنگ جهانی دوم توسط رهبران تجاری

۱۰۳۷ - Frank E. Hagan, Leah E. Daigle(۲۰۲۰),Introduction to Criminology, Theories, Methods, and Criminal Behavior, SAGE Publications, Inc, p۷۷۶
۱۰۳۸ - Yakuza
۱۰۳۹ - good-for-nothings
۱۰۴۰ - Frank E. Hagan, Leah E. Daigle(۲۰۲۰),Introduction to Criminology, Theories, Methods, and Criminal Behavior, SAGE Publications, Inc, p۷۷۷

جناح راست به خدمت گرفته شدند تا مخالفان جناح چپ را مرعوب کنند. در دهه ۱۹۸۰، نگرانی فزاینده ای در مورد گسترش حضور یاکوزاها در ایالات متحده ابراز شد (دوبرو، ۱۹۸۲). طبق گزارش‌ها، چنین گروه‌هایی ۱۰۰ میلیون دلار در املاک هونولولو داشتند، جایی که رستوران‌ها، کلوپ‌ها و مغازه‌های پورنوگرافی آن‌ها به گردشگران ژاپنی خدمات ارائه می‌دادند . فعالیت آنها در کالیفرنیا، در زمینه قاچاق مواد مخدر به ایالات متحده و انتقال سلاح به ژاپن و همچنین جذب زنان "سرگرم کننده" آمریکایی به عنوان روسپی در ژاپن بود.[۱۰۴۱]

امروزه مانند بسیاری از کشورها، ژاپن (کشوری با اقتصاد پیشرو توسعه یافته و با کمترین احتمال بروز فساد) با درصد بالایی از زندانیان دارای سوء سابقه که پس از ارتکاب جرم و جنایات مجددا به زندان بازمی‌گردند ، کنار آمده است. آمارها نشان می دهد که نرخ تکرار جرایم در سطح ملی اخیراً از حدود ۳۰ درصد به بیش از ۴۶ درصد رسیده است.[۱۰۴۲] یک دلیل آن را تغییر سیاست توسعه در ژاپن از توسعه صنعتی به سوی توسعه مالی از طریق گسترش نظام واسطه گری مالی یا همان موسسات اعتباری و بانکداری عنوان شده است. همین تغییر رویکرد سبب شد تا ژاپن دچار یک حباب مالی گردد.کارشناسان معتقدند دلیل مواجه شدن ژاپن با بحران مالی این بود که پس از دهه ۱۹۹۰، دولت ناگهان تصمیم گرفت که مسیر توسعه سریع سرمایه داری صنعتی را که ۳۰ سال طی نموده بود ، مسیری اشتباه ارزیابی کند و درعوض، تلاش نماید همانند بسیاری از مراکز مالی در اروپا به یک مرکز مالی برای جلب منابع پولی و مالی تبدیل شوند، زیرا عواید و بازده در این حوزه بسیار بالاست. اما بعدها معلوم شد که این اساساً یک خودکشی بوده و تأثیر مخربی بر بازارهای مالی ژاپن داشته است. نتیجه اینکه بازار مالی ژاپن سقوط کرد و متعاقب آن نرخ جرایم ، جنایات افزایش یافت. بدون شک در تغییر و انتخاب راهبردهای توسعه در هر کشور گروه های فاسد سودجو، سوداگران و باندهای جرایم سازمان یافته با تبانی ، لابی گری رشوه ، فساد و رانت بیشترین اثر گذاری را به زیان اکثریت جامعه دارند. (لیو و همکاران، ۲۰۲۲).[۱۰۴۳]

گروه مجرمان سازمان یافته درچین : آن ها تحت عنوان تریادها [۱۰۴۴] نامگذاری شده اند و دارای منشأیی باستانی‌هستند. تاریخ پیدایش تریادها شباهت عجیبی به افسانه مافیا در سیسیل دارد (برسلر، ۱۹۸۰؛ مورگان، ۱۹۶۰). ظاهرا اولین انجمن های مخفی سه گانه (باور به سه گانه : خدا–زمین —انسان) ۲۰۰۰ سال پیش در چین برای مقابله با جنگ سالاران تأسیس شدند.(داراول، ۱۹۶۹؛ رابرتسون، ۱۹۷۷).

۱۰۴۱ - Frank E. Hagan, Leah E. Daigle(۲۰۲۰),Ibid.

۱۰۴۲ -Lowering the Recidivism Rate,” editorial, Japan Times, November ۲۴،۲۰۱۴,http://www.japantimes.co.jp/opinion/۲۰۱۴/۱۱/۲۴/editorials/loweringrecidivism- rate/#.WNjw۳hjMyqB.

۱۰۴۳ -Yanping Liu, Minghai Tian ,Yanming Shao(۲۰۲۲),Cybercrimes and Financial Crimes in the Global Era, Springer,p۱۰.

۱۰۴۴ - Triads

اما خواستگاه تریادهای مدرن به اواخر قرن هفدهم بازمی گردد، زمانی که اعضا آنها به عنوان یک گروه مقاومت در برابر سلسله مانچو ظاهر شدند، مهاجمان وحشی ای که سلسله مینگ را شکست دادند. افسانه ها، تاریخ تاسیس اولین سه گانه مدرن را به ۱۲۸ راهب بودایی در صومعه ای در نزدیکی فوچو، استان فوکین، در سال ۱۶۷۴ می رساند. آنها در هنرهای رزمی آسیایی، (و از جمله نوعی که خود را به کمال رسانده بودند – کونگ فو) به خوبی آموزش دیده بودند(برسلر، ۱۹۸۰). سه‌گانه‌ای به نام مشت های هماهنگی و عدالت (برگرفته از آموزش هـای رزمـی)، شـورش باکسرها علیه قدرت‌های اروپایی را از سال ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۱ رهبری کرد.[۱۰۴۵]

با سقوط سرزمین اصلی چین به دست کمونیست ها در سال ۱۹۴۹، بسیاری از تریادها به هنـگ کنـگ مهـاجرت کردند. بزرگترین این گروه ها عبارت بودند از گرین پنگ (گرین گنـگ)، چـوی آشـوب (چیـو چـاو)، و K۱۴. اگرچه گرین پنگ در ابتدا توزیع هروئین را در این کشور کنترل می کرد که در آن زمان مستعمره بریتانیا بود، اما آنها برای تامین مورفین و تریاک تایلندی به چوی آشوب متکی بودند (مک کوی، ۱۹۷۲). چیوچاو ارتباطـات و حتی اعضای مهمی در داخل پلیس هنـگ کنـگ داشـت. آنهـا حجـم بسـیار بـالایی از قاچـاق مـواد مخـدر را از "مثلث طلایی" (شمال برمه، لائوس، و تایلند) در سراسر آسیای جنوب شرقی کنترل می کنند. سه گانه های شناخته شده در هنگ کنگ در قرن ۲۱ عبارتند از سان یی اون، وو شینگ و ۱۴کا (K۱۴).[۱۰۴۶]

با بازگشت هنگ کنگ توسط بریتانیا در سال ۱۹۹۷ به جمهوری خلق چیـن (PRC)، پـیش بینـی مـی شـد کـه تریادهای سه گانه هنگ کنگ برای فرار از اجرای قانون سخت گیرانه به غرب مهاجرت خواهند کرد. اما برعکس، شواهد نشان می‌دهند که حداقل برخی از گروه‌های سه‌گانه در حال پیشرفت هسـتند و حتـی عملیـات خـود را بـه مناطقی مانند Huizhou، به اصطلاح "پالرموی چین"، که در آن پول نقد ، بلند تر از ایدئولوژی صحبت می‌کند، گسترش داده‌اند (ویویانو، ۱۹۹۷). خودروهای دزدیده شده از هنگ کنگ به لطف سه گانه ۵۶۰۰۰ نفـری Sun Yee On (انضباط جدید و صلح) که بـه مـواد مخـدر، پولشـویی، قمـار و فحشـا نیـز مـی پـردازد، فراگیـر اسـت. چو(۲۰۰۵) دریافت که از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۴، تریادها به طـور فزاینـده ای وارد بـازار و بروکراسـی دولتـی چیـن شده اند و از جمله در مشاغل قانونی فعالیت می کنند.[۱۰۴۷] و چنانکه شواهد نشان می دهد چرخ های توسعه اقتصادی این کشور را چرب می کنند.

برخلاف این تصور که چین با افتادن در مسیر رشد اقتصادی فزاینده، موانع فقر و بی عدالتی را از سر گذارنده و یا فساد درآن کمتر شده ، شواهد مختلف نشان می دهد، توسعه پایدار به مفهوم بهبود نسبی در شرایط زندگی آحاد مردم آن کشور همچنان با چالش های زیادی همراه است. تشدید فساد در دهه ۱۹۹۰، تابع درونزای اصلاحات عمیق

۱۰٤٥ - Frank E. Hagan, Leah E. Daigle(۲۰۲۰),Ibid, p۷۷۹
۱۰٤٦ - Finckenauer & Chin,(۲۰۰٤), Frank E. Hagan, Leah E. Daigle(۲۰۲۰),Ibid, p۷۷۹
۱۰٤۷ - Ibid,p ۷۸۰

و گذار به اقتصاد مبتنی بر بازار بود، زیرا تا حدی ناشی از کالایی سازی منابع دولتی و انتقال ارزش از اقتصاد بود. بازیگران تجاری دولتی به غیردولتی، از جمله ایجاد طبقه مدیریت دولتی نوظهور از دستاوردهای آن بود. این بدان معنا نیست که تشدید فساد در دهه ۱۹۹۰ برای اقتصاد این کشور مضر نبود ، اما به نظر نمی‌رسد که این امر منجر به هزینه‌های اقتصادی قابل توجهی شده باشد، زیرا به باور برخی کارشناسان مسائل توسعه در چین ، هزینه های فساد کمتر از دستاوردهای مثبت رشد اقتصادی آن کشور بوده است، در نتیجه فساد به جای اینکه سهم بزرگی از منافع حاصل از رشد را مصرف کند، از حاشیه سود ناشی از رشد اقتصادی تغذیه کرده است.[۱۰۴۸]

همه انواع فساد را نمی توان در فرآیند کالاسازی، کمبودها یا کارهای عمومی ردیابی کرد. تا حد قابل توجهی، سطوح بالای فساد پایدار را می توان به همان عواملی نسبت داد که باعث فساد در جاهای دیگر می شود، از جمله : تشریفات اداری بیش از حد، قوانین و رویه هایی که تعریف ضعیف دارند و یا ناقص اجرا شده اند. بوروکراسی و دیوانسالاری سست و یا بیش از حد نظارتی، عدم شفافیت، و بالاتر از همه، پاسخگویی ناکافی.[۱۰۴۹]

مطالعات نشان می‌دهد که فساد و پارتی بازی مشخصه گذار چین به اقتصاد بازار بوده و به انباشت سرمایه توسط بورژوازی داخلی نوظهور کمک کرده است.[۱۰۵۰] مانند مدل روسی، آزمون و خطای چین با اقتصاد بازار در ابتدا شامل غارت ثروت عمومی توسط کسانی بود که در موقعیت‌های قدرت قرار داشتند. هنگامی که چین تحت رهبری دنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۷۸ آزمون اقتصاد بازار را در آنچه به عنوان "سوسیالیسم بازار با ویژگی های چینی" توصیف می شود ، مجاز اعلام کرد (Walker,۲۰۰۶.p۶) ، دارایی بسیاری از صاحبان قدرت سیاسی در میان چیزهای دیگر باعث غارت مردم شد. همانطور که چینگلیان هی، اقتصاددان معروف در شانگهای شرح می دهد، در رقابت سریع برای انباشت سرمایه، این دلالان قدرت که منابع دولتی و واسطه ها را مدیریت می کردند، خود در غارت چنین منابعی و انتقال ثروت عمومی به سمت منافع خصوصی غوطه می خوردند.[۱۰۵۱]

جنبش اصلاحی چین، که در دهه ۱۹۸۰ آغاز شده است، هنوز کمک قابل توجهی به تحول دموکراتیک یا ثبات اجتماعی آن نکرده بود. رهبران جدید در دهه ۱۹۹۰ بر اصلاحات اقتصادی لیبرال تمرکز کردند و در عین حال اصلاحات سیاسی را سرکوب و حتی خفه کردند. در نتیجه، گروه‌های ذینفع اقتصادی با موفقیت توانستند اتحادی را با مقامات حزب کمونیست چین برای کنترل مؤثر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و به اشتراک گذاشتن حاکمیت سیاسی ایجاد کردند. اعضای حزب کمونیست، سهم بخش شرکت‌های خصوصی را از ۱۲ درصد در سال ۱۹۹۳ به ۱۷ درصد در سال ۱۹۹۷ و به بیش از ۲۰ درصد در سال ۲۰۰۲ افزایش داده‌اند. مجموع اعضای حزب استقرار

۱۰٤۸ - Andrew Wedeman(۲۰۱۲),Double paradox : rapid growth and rising corruption in China, Cornell University Press,p۹

۱۰٤۹ - Andrew Wedeman(۲۰۱۲),Ibid ,p۱۰

۱۰۵۰ - Walker, ۲۰۰٦; Holmstrom and Smith, ۲۰۰۰.

۱۰۵۱ - Ifeanyi Ezeonu(۲۰۱۸),Ibid, p۹٤

تشکیلات قدرت در کنار سرمایه، فساد را به عنوان پیامد منطقی توسعه اقتصادی چین نهادینه می کنند. در دهه ۲۰۰۰، فساد به یکی از عناصر کلیدی نهاد قدرت- سرمایه با سه راه ارتباطی بین سیاست و تجارت تبدیل شد : کسب درآمد از طریق سوء استفاده از قدرت. قدرت طلبی با پرداخت رشوه و دنبال کردن قدرت و/ یا کسب پول با گرو گذاشتن سرمایه فکری.[۱۰۵۲] اما در سال ۲۰۰۰، مقدار پول نقد انتقال یافته به خارج از کشور چین معادل ۴۸ میلیارد دلار بود و تا سال ۲۰۱۱، این رقم به ۶۵ میلیارد دلار رسیده و چین چهارمین کشور با رشد بالای خروج سرمایه در جهان پس از ونزوئلا، مکزیک و آرژانتین ثبت شده است. طبق گزارش بانک خلق چین (بانک مرکزی چین) در سال ۲۰۰۸، بیش از ۱۸۰۰۰ مقام دولتی و مدیران عامل شرکت های دولتی از چین فرار کرد ند و از اواسط دهه ۱۹۹۰ معادل ۸۰۰ میلیارد یوان یوان (حدود ۱۳۳ میلیارد دلار) پول نقد به کشورهای خارجی بردند.[۱۰۵۳]

علیرغم تلاش برای بهبود قوانین، در کشورهای شرق آسیا بویژه در چین و ویتنام و دیگر کشورهای منطقه (آسیا –پاسیفیک)، قوانین کیفری و آیین دادرسی کیفری همچنان دارای نقاط ضعف یا مقررات مبهمی است که مانع از تعقیب مؤثر فساد و رشوه می‌شود. در بسیاری از این کشورها، اصلاحاتی که به دنبال مدرنیزه کردن این قوانین هستند - که گاهی اوقات منعکس کننده وضعیتی است که در یک قرن پیش تهیه شده بود ، همچنان برای بازدارندگی موثر از فساد حیاتی است.[۱۰۵۴] رشوه خواری فعال مقامات دولتی خارجی تنها در تعداد کمی از این کشورها جرم انگاری شده است، کشورهایی مانند استرالیا، ژاپن، کره و سنگاپور. اما جمهوری خلق چین (PRC) همچنان به دنبال مهار رشوه خارجی توسط شرکتهای بزرگ خود در خارج از کشور است و هنوز این قانون را تصویب نکرده است. هنگ کنگ، چین و سنگاپور از معدود حوزه های قضایی هستند که رشوه خواری فعال و غیرفعال اعضای پارلمان را جرم انگاری نموده و برای آن مجازات تعیین کرده اند. رشوه و فساد بین نهادهای بخش خصوصی، که معمولاً به عنوان فساد خصوصی به خصوصی نامیده می شود، تقریباً در همه کشورهایی که برنامه اقدام مشترک را تأیید کرده اند، جرم نیست.[۱۰۵۵]

هم اکنون در حالی که سرمایه داری دولتی در چین رشد اقتصادی حیرت انگیزی را در این کشور به ثبت رسانده و چین را به سمت یک اقتصاد جهانی پیشرو سوق داده است، این معماری مدرج سرمایه داری بدون ویرانی های خاص خود نبوده است. در واقع مطالعات نشان می دهد که این رشد اقتصادی ، بدون هزینه های اجتماعی و زیست محیطی هنگفت، از جمله دفن زباله های سمی صنعتی خطرناک در جوامع روستایی فقیر، به ویژه در

۱۰۵۲ - Qiang Fang and Xiaobing Li(۲۰۱۹), Corruption and Anticorruption in Modern China ,Published by Lexington Books,p۱۸۷

۱۰۵۳ - Qiang Fang and Xiaobing Li(۲۰۱۹),Ibid ,p۱۸۸

۱۰۵٤ - Anti-Corruption Initiative for Asia and the Pacific, pp۱۳-۱٦

۱۰۵۵ - Ibid

زمین های کشاورزی، نقض مقررات زیست محیطی از قبل ضعیف ، توسط شرکت های دولتی و خصوصی، و سرکوب وحشیانه فعالان محیط زیست ، کشاورزان و کارگران معترض به این تخلفات محقق نشده است.[۱۰۵۶]

مجرمان سازمان یافته در روسیه :

در دوران اتحاد جماهیر شوروی، کم اهمیت جلوه دادن وجود جنایات سازمان‌یافته در داخل مرزهای آن کشور امری غیرمجاز بود. اما تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که پایه‌های جرایم و جنایات سازمان‌یافته روسیه به خود نظام کمونیستی اتحاد شوروی و به بیش از ۷۰ سال پیش بازمی‌گردد. بین دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۹۰، اردوگاه‌های کار شوروی، یا گولاگ‌ها، یک اتحادیه جنایتکاران نخبه یا vory-v-zakone را به وجود آوردند که طبق قوانین نانوشته دزدان رفتار و زندگی می کردند. در طول زمامداری برژنف در دهه‌های ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰، به طور فزاینده‌ای آشکار شد که کشور در دست بوروکرات‌های فاسد کمونیستی است که برخی حتی جرأت آن را داشتند که "دزدسالار" نامیده شوند. حتی مد شد که این فساد را "مافیا" نامگذاری کنند که با این حال، به جای اشاره به یک سلسله مراتب ساختار یافته سنتی، به نابرابری های روزمره سیستم کمونیستی روسیه اشاره می کرد. به گفته یک روزنامه‌نگار روسی، "ما کلمه مافیا را عملاً برای توصیف جرم و جنایت در هر زمینه ای به کار می‌بریم —در بازاریان ، اتحادیه‌های خلاق، بیمارستان‌ها، دیپلمات‌ها، روسپی‌ها، قصابان، شطرنج‌بازان، شهرها، مناطق و جمهوری‌ها" (به نقل از سریو ۲۰۰۸، ۱۳). با این وجود، نظام اتحاد جماهیر شوروی در واقع فرهنگ فساد و دزدی و همچنین اقتصاد زیرزمینی را نهادینه کرد.[۱۰۵۷] در طول دهه ۱۹۹۰، گروه‌های جنایی سازمان‌یافته ای که بیشترین شهرت را داشتند، روسی بودند. حدود ۱۲ تا ۱۵ گروه بزرگ "مافیایی" وجود دارد که هر کدام دارای سازمانی متشکل از صدها گروه کوچکتر هستند. دو باند بزرگ آنها عبارتند از Solntsevo مستقر در مسکو که شامل گروه Organisatsiya مستقر در ایالات متحده است و Tambov موسوم به گروه سنت پترزبورگ که کمتر در ایالات متحده فعال است. فعالیت های اصلی آنها شامل تولید و توزیع محصولات بهداشتی تقلبی، قاچاق مواد مخدر و انسان، تجارت از راه فحشا، و کلاهبرداری مالی است (Krane,۱۹۹۹). با سقوط اتحاد جماهیر شوروی سابق، این گروه ها در برخی مناطق روسیه و جمهوری های شوروی سابق، دولت را به عنوان منبع قدرت به چالش کشیدند. صدها باند از اخاذی، کلاهبرداری و قتل برای فعالیت های غیرقانونی و همچنین قانونی خود استفاده می کنند. در سال ۱۹۹۵، آنها حدود ۴۰۰ بانک را تحت کنترل داشتند، که تا حدی توضیح می دهد که چرا مسکو، با نرخ انفجاری اش در انواع جرایم، در آن زمان سرقت های کمی از بانک داشته است. (Hockstader,۱۹۹۵). این گروه ها اغلب مسلح و بی رحم هستند. اگرچه آنها به زبان روسی صحبت می کنند ، اما از مناطقی از اتحاد جماهیر

۱۰۵٦ - Ifeanyi Ezeonu(۲۰۱۸),Ibid, P۷۷

۱۰۵۷ -Mitchel P. Roth(۲۰۱۰),Global Organized Crime:A Reference Handbook, ABC-CLIO LLC,p ۹۸

شوروی سابق یا اقمار آن آمده اند، گروه های متعددی که به عنوان مجرمـان سـازمان یافتـه روسـی برچسب زده می شوند، از پیشینه های قومی مختلفی هستند، از جمله آلبانیـایی، ارمنـی، چچنـی، گرجـی، یهـودی، لتونیـایی، لیتوانیایی، تاتاری و اوکراینی (Finckenauer & Waring, ۱۹۹۸). گـروه هـای جنایتکـار روسـی در ایـالات متحده سیال هستند و عضویت موقت در هر گروه از ۵ تا ۲۰ نفر متغیر است. آنها ساختار ضعیفی دارند و اغلب بـر اساس پس زمینه های منطقه ای یا یک شرکت خاص شکل می گیرنـد.(Finckenauer & Waring, ۱۹۹۸ ; Kenney & Finckenauer, ۱۹۹۵).[۱۰۵۸] در ایـالات متحـده، گـروه‌هـای جنایتکـار روسـی در دزدی بـزرگ جواهرات و همچنین کلاهبرداری بیمه و بهداشت، واردات هروئین و کنترل توزیع بنزین در شهر نیویورک دست داشته اند. تنها در دومی، آنها بیش از ۵ میلیارد دلار در سال فرار مالیاتی داشته اند. (اس. اندرسون، ۱۹۹۵). به گفته یک منبع ، پلیس شهری گزارش داده که آنها به عنوان کوله بران، روسپی و فاحشه خانه دار و زورگیر و شوفرهایی کـه در کلاهبـرداری هـای تصـادفات سـاختگی (جهـت اخـذ خسـارت از بیمـه) شـرکت مـی کننـد، فعالیـت دارند.(فریدمن،۱۹۹۴)

مافیای روسی یک اصطلاح عمومی برای توصیف انواعی از اقدام جنایتکارانه مانند (فعالیت در بازار سیاه، گانگستر، قاچاقچی مواد مخدر و هر گونه ارتکاب جرم و فساد) است که برخاسته از نیروهای اجتماعی، اقتصادی و تاریخی در روسیه است. زمانی که کنترل اقتصاد بطور کامل در دست دولت و همه کالاها در اختیار دولت بود، سرقت آنها به یک ضرورت زندگی تبدیل شده بود ، موسوم به "شیوه جرم و جنایت شوروی" (Albini et al.,۱۹۹۵). چنین گروه‌هایی اغلب با بوروکرات‌های دولتی (نومنکلاتورا) در چیزی که می‌توان آن را مجتمع صنعتی گانگستری نامید (شلی، ۱۹۹۵) همکاری می‌کردند. اجرای برنامه ی خصوصی سازی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ، روسیه را به چیزی تبدیل کرد که رئیس جمهور سابق آن ، بوریس یلتسین آن را "ابر قدرت جنایت" نامید. اتحاد جماهیر شوروی خود شبیه یک سازمان مافیایی و جنایتکارانه اداره می شد و مقامات فاسد آن برای خصوصی سازی آماده نبودند. (کلی، شاتزبرگ و رایان، ۱۹۹۵) . سوخارنکو (۲۰۰۴) نشان می‌دهد کـه گـروه‌هـای روسـی تـا (۲۰۰۴ م) تماس‌های سیاسی در ایالات متحده برای تأثیرگذاری بر روند سیاسی را ایجاد نکرده‌اند. فعالیت‌های آن‌ها به‌جای آن ، دخالت در جرایم سازمان‌یافته سنتی، شامل پولشویی، طرح‌های فرار مالیاتی، کلاهبرداری بیمه‌ای و سایر جـرایم یقه سفید می‌شود.[۱۰۵۹]

گروه شبه نظامی پرنفوذی که در خدمت سیاست های توسعه طلبانه کرملین ، در ارتکاب جرایم سازمان یافته فعالیت می کند، گروه شبه نظامی واگنر است که بصورت یک ارتش خصوصی و در قالب قرارداد همکاری با وزارت دفاع

۱۰۵۸ - Frank E. Hagan, Leah E. Daigle(۲۰۲۰),Ibid, p۷۷۹
۱۰۵۹ - Frank E. Hagan, Leah E. Daigle(۲۰۲۰),Ibid, p۷۸۲

روسیه، در ماموریت های داخلی، امنیتی و خارجی –برون مرزی شرکت می کند. رفتار وحشیانه گروه واگنر در اوکراین و در سراسر جهان سوالاتی را در مورد مسئولیت روسیه در قبال اقدامات PMC[۱۰۶۰] در نقض بالقوه LOAC ایجاد کرده است. واگنر متشکل از شبکه ای از مزدوران، یا یک ارتش خصوصی است که از چهره ی متحد نزدیک رئیس جمهور روسیه ولادیمیر پوتین، یوگنی پریگوژین، فرمان می برد. این گروه فراتر از قانون در روسیه فعالیت می کند، جایی که شرکت های نظامی خصوصی رسماً ممنوع هستند. گروه واگنر از آنجایی که در حمایت از منافع روسیه عمل می کند، تجهیزات خویش را از وزارت دفاع روسیه دریافت می کند و از تاسیسات وزارت دفاع برای آموزش نیروهایش استفاده می کند. همچنین گفته می شود که گروه واگنر یکی از واحدهای بالفعل وزارت دفاع یا آژانس اطلاعات نظامی روسیه، GRU است. در حالی که خود گروه واگنر از نظر ایدئولوژیک هدایت نمی‌شوند، عناصر مختلف واگنر با نئونازیسم و افراط‌گرایان راست افراطی مرتبط دانسته شده اند. در حال حاضر، اگرچه فعالیت های PMC به وضوح در بالاترین سطوح دولت روسیه تأیید شده است، این واقعیت در قوانین روسیه منعکس نشده است. قانون اساسی روسیه تمام مسائل دفاعی و امنیتی را به دولت محدود و منحصر می‌دارد (ماده ۷۱) و ایجاد "واحدهای مسلح" را ممنوع می‌کند (ماده ۱۳) در همین حال، قانون جزایی روسیه، شرکت در درگیری های خارج از کشور را برای دریافت پاداش های مادی مجازات می کند (ماده ۳۵۹). نمایندگان پارلمان در دوما در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند تا قوانین ملی روسیه را برای اجازه فعالیت‌های PMC به‌روزرسانی کنند، اما موفق نشده اند.[۱۰۶۱]

جرایم سازمان یافته در امریکا :

پیشینه جرایم سازمان یافته در آمریکا به باندهای جنایتکار و باج گیرها موسوم به باندهای مافیا و جرایم خشونت بار (به جز قاتلان سریالی)یعنی گانگسترها برمی گردد. زمانی نه چندان دور در جامعه آمریکا زبان گفتگو زبان زور و توسل به اقدامات گانگستری بود. گانگستر را گروهی از افراد تعریف می کنند که یک عملیات جنایتکارانه را کنترل می کنند یا در آن شرکت می کنند. گروه سازمان یافته ای که از خشونت و وسایل غیرقانونی برای کسب پول و قدرت استفاده می کند.[۱۰۶۲] در اوایل دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، کارفرمایان از گانگسترها برای سرکوب جنبش های کارگری و شکستن اعتصابات و مبارزه با اتحادیه ها استفاده می کردند و برای این منظور گانگسترها را به استخدام خود می گرفتند. در مواردی حتی خود اتحادیه ها هم گانگسترها را به خدمت می گرفتند. همچنین

۱۰۶۰ - private military company (PMC)

۱۰۶۱ - https://en.wikipedia.org/wiki/Wagner_Group

سرکرده گروه واگنر در رویدادهای تابستان ۲۰۲۳ که منتهی به اعتراضات بخشی از مردم روسیه به تجاوزگری پوتین و ارتش روسیه به کشور اوکراین گردید، به خیانت و کودتا متهم شد، و به فاصله کوتاهی پس از آن بطرز مشکوکی هواپیمای حامل پریگوژین سقوط کرد و علت آن نقص فنی عنوان شد.

۱۰۶۲ - Nate Hendley(۲۰۱۰), American Gangsters, Then and Now, Santa Barbara, California.

جناح های رقیب احزاب سیاسی محلی برای تسویه حسابهای سیاسی و حل و فصل اختلافات خود ازگانگسترها استفاده می کردند. همچنین از گانگسترها برای کنترل اتحادیه های کارگری در شیکاگو ، در کنترل فعالان صنعت فیلم سازی در هالیوود و در صنعت خودروسازی در دیترویت و سایر صنایع در مناطق مختلف ایالات متحده استفاده شده است. فورد و جنرال موتورز از نیروهای بدنام موسوم به لوژیون های سیاه "Legion Black" استفاده می کردند. نمونه دیگر استفاده و "حمایت" دولت آمریکا از گانگسترها در زمینه ی کنترل تجارت هروئین است، که در این مورد اختلاط فساد سیاسی و سیاست های جنگ سرد بسیار برهنه تر است. آسیای جنوب شرقی (هندو چین- لائوس –ویتنام) عمده صحنه عملیات نظامی آمریکا در دهه شصت و اوایل دهه هفتاد- تبدیل به تامین کننده اصلی هروئین برای بازار آمریکا می شوند که این روند متاثر از سیاست های نظامی آمریکا و دخالت سیا در حمل و نقل تریاک با خطوط هوایی آمریکاست.[۱۰۶۳]

هم اکنون نیز برخلاف برخی تصورات خوش بینانه از دنیای آزاد غرب و علیرغم تبلیغات رسانه ای که آگاهانه و تعمدا تلاش می کند، نظام لیبرال دموکراسی در ایالات متحده را یک سمبل بی عیب و نقص حکمرانی به دیگر جوامع اصطلاحا غیر آزاد معرفی کند، در ایالات متحده جرایم سازمان یافته زیادی رخ می دهد . این واقعیت نشان می دهد که میزان وقوع جرایم سازمان یافته در کشورها لزوما ارتباطی با نوع رژیم سیاسی در آن کشورها ندارد. نه تنها جرم و فساد در ایالات متحده کمتر از دیگر کشورهای جهان نیست، بلکه هییت حاکمه در ایالات متحده نیز پاک تر از دیگر کشورهای غیردموکراتیک نیستند. تنها یک ویژگی متمایز را، برای جامعه آمریکا نسبت به سایر جوامع غیر دموکراتیک می توان برشمرد و آن شفافیت گزارش وقوع جرایم است که به یمن وجود مطبوعات متکثر و آزاد و نظام حقوقی و قضایی حساس، پیگیر و مطالبه گر در این کشور است. مافیای اقتصادی و مالی در آمریکا متشکل از کلاهبرداران، اوباشان، مدیران حریص بانک ها و برخی فعالان بازار سرمایه و سرمایه گذاران و سپرده گذاران کلان، از ضعف‌های نظارتی ناشی از مقررات زدایی و سیاستهای حمایتی جهت تسهیل در امر سرمایه‌گذاری سوء استفاده های کلان می کنند. این موضوع در کنار سایر عوامل اقتصادی (مانند کاهش شدید قیمت نفت در تگزاس و ایالت‌های اطراف) بارها به تشدید بحران‌های اقتصادی در آن کشور کمک کرده است.[۱۰۶۴] از نقطه نظر تاریخی ، پیتر آندریاس[۱۰۶۵] معتقد است که جرایم سازمان‌یافته، به ویژه قاچاق، برای جنبش استقلال آمریکا و متعاقب آن توسعه اقتصادی ایالات متحده از جنبه‌های مختلف بسیار مهم بوده است. آندریاس خاطرنشان می کند

۱۰٦۳ - David F. Greenberg(۱۹۹۳), Crime and capitalism, Temple University Press, Philadelphia, ۱۹۱۲۲.
۱۰٦٤ - Frank E. Hagan, Leah E. Daigle(۲۰۲۰),Ibid
۱۰٦٥ - Peter Andreas

که جان هانکوک[۱۰۶۶]، یکی از قاچاقچیان برجسته ملاس در ایـالات متحـده، همچنـین اولـین امضـاکننده اعلامیـه استقلال و یکی از معماران قانون اساسی پر افتخار ایالات متحده بوده است.

اتحاد بین هانکوک و صاحبان کسب و کارهای دیگر و نخبگان سیاسی در مستعمرات بریتانیا نتیجـه ادغـام و تبدیل هانکوک به یک شبکه ناوبری حمل و نقل بود که شامل کالاهای قانونی و غیرقانونی (قاچاق) می شد. در اصـل، هـانکوک همـان چیـزی بـود کـه در آمریکـای مرکـزی امـروزی مـا آن را "ترانزیـت= transportista " می نامیم[۱۰۶۷] و پیش ازآن نه فقط در مورد آمریکا بلکه در مورد تمام مستعمرات کشورهای استعمارگر، غـارتگری بصورت سازمان یافته جریان داشت و باندهای جرایم سازمان یافته متشکل از قاچاقچیان، دزدان دریایی، و بازاریان در بازار سیاه فعال بودند. از نیمه دوم قرن ۱۷ که قوانین محدود کننده ای وضع شد، باندهای سازمان یافته جرایم و غارتگری همچنان امیدوار بودند که این موانع را با قیمت مناسب به چالش می کشیدند. قوانین نـاوبری مربـوط بـه مقابله با دزدی دریایی و باندهای قاچاق سازمان یافته در قرن هفدهم که در مورد ممنوعیت تجارت الکل و مـواد مخدر وضع شده بود، قوانینی قرن بیستمی بود. آمریکایی های مستعمره از انحصار بریتانیا در کشتیرانی و تجـارت رنجیده بودند و هیچ ابایی از تجارت با دزدان دریایی نداشتند و در واقع بازاری نامحدود و غیرقانونی برای کالاهای ارزان تر با آنها ایجاد کردند و اندازه ی بازارهای قانونی را در این فرآیند کاهش دادند.[۱۰۶۸] بعد از استقلال آمریکا، از پیوند منافع گانگسترها با صاحبان مشاغل و سیاستمداران پر نفوذ ، باندهای جرایم سازمان یافته شکلی فرا ایالتی و فراملی یافت. مفهومی که ما درک خود از نخبگان را در آن پایه گذاری می کنیم، آنچنان که از سی رایت میلز[۱۰۶۹] برمی آید، او از طریق تحلیل تاریخی در مورد ساختار نخبگان در ایالات متحده، گروه های کلیدی را در دوره های مختلف شناسایی کرد. استدلال او بر اساس شواهد و قراین تاریخی این است که اواسط دوره پس از جنگ جهانی دوم فرآیند نفوذ قدرت سیاسی توسط "رهبران شرکت‌ها" و "مردان مسلح یا گانگسترها "ایجاد شد که به نخبگانی متشکل از سیاستمداران ، رهبران نظامی و سرمایه‌داران تبدیل شدند که به جز در شرایط خاصی که منافع یک گروه غالب بود ، در سایر موارد با هم متحد و هم نوا بودند و تصمیمات واحد می گرفتند.[۱۰۷۰] موسسه تحقیقات جـرایم اینسایت در گزارش خود منتشر شده در سال ۲۰۲۳ عنوان می کند که میزان جرم و جنایات در برخی ایالـت هـای آمریکا با کشورهای آمریکای لاتین برابری می کند . او می گوید بطور مثال در جلسـه اسـتماع کمیتـه فرعـی کـه درباره شیکاگو بود، به راحتی می توانستند درباره گواتمالا، کلمبیا، هندوراس یا نیکاراگوئه صـحبت کننـد، زیـرا

۱۰٦٦ - John Hancock

۱۰٦۷ - InSight Crime (۲۰۲۳), Elites and Organized Crime: Introduction, Methodology, and Conceptual Framework. www.InSightCrime.org: pp۲۹-۳۳.

۱۰٦۸ - Mitchel P. Roth(۲۰۱۰), Global Organized Crime: A Reference Handbook, ABC-CLIO LLC, p٤

۱۰٦۹ - C. Wright Mills

۱۰۷۰ - InSight Crime (۲۰۲۳), Ibid.

مالیات های خیابانی، طرح های رشوه، فساد در قراردادهای بخش عمومی، و تأمین مالی کمپین های انتخاباتی با پول های غیرقانونی، همه بخشی از جرایم سازمان یافته در هر دو مکان هستند. شباهت‌ها بین موضوعات ارائه شده در جلسه استماع کمیته فرعی سنا و مواردی که در تحقیقات دو ساله در مورد نخبگان و جرایم سازمان‌یافته درآمریکای مرکزی و کلمبیا با آن‌ها مواجه می شدیم، چشمگیر است. نکته اینجاست که جرایم سازمان یافته دموکراسی را تضعیف کرده و اقتصاد را مخدوش می کند. این به باندهای کوچک و سندیکاهای جنایتکار بین المللی فرصت می دهد که از پول و سلاح خود برای همکاری با یکدیگر و یا مقابله با نیروهای امنیتی استفاده کنند. ویلیام اف. رومر، مامور سابق اداره تحقیقات فدرال (اف بی آی) و مشاور کمیسیون جرایم و جنایات در شیکاگو طی بیانیه ای اعلام کرد : جنایت سازمان‌یافته در هیچ کجا نمی‌تواند بدون همدستی مقامات دولتی به طور مؤثر عمل کند. این شامل افسران مجری قانون، قانونگذاران، قضات و مقامات کلیدی در بخش عمومی هم می شود. ما معتقدیم که در هیچ کجای ایالات متحده این موضوع به اندازه شیکاگو صادق نبوده است.[۱۰۷۱] روسای باندهای جرایم سازمان‌یافته به اندازه‌ای که با طبقه نخبگان سیاسی و غول‌های تجاری ترکیب می‌شود، به بخش‌های پایین تر جامعه چنین نفوذ نمی کند. این شامل "نخبگان"، یعنی تصمیم گیرندگان، تأثیرگذاران، فعالان سیاسی و کسانی که سرمایه و ابزار تولید را کنترل می کنند هم می شود. مخصوصا ابهام کمتری در رابطه با تأثیر بسیار منفی جرایم سازمان‌یافته بر نظام سیاسی و حکومت در ایالات متحده وجود دارد. جنایتکاران به درون احزاب سیاسی نفوذ کرده اند یا آنها را با کمپین های بزرگ یا انواع مشارکت های دیگر همراهی نموده اند و در برخی موارد، آنها خود احزاب سیاسی را ایجاد کرده اند. در تمام این موارد، به نظر می‌رسد که آنها از سیستم‌های سیاسی غیرمتمرکز فزاینده یا سیستم‌های متمرکز استفاده می کنند تا دایره امنی را ایجاد کنند که در آن جنایتکاران قدرت را در دست دارند. اعمال قدرت در این جزایر امن به جای منافع عمومی به منافع جنایتکاران پاسخ می دهد، فعالیتهای سیاسی را خنثی می کند، دموکراسی را تضعیف می کند و منافع اقلیت ها، زنان و گروه های قومی را در این فرآیند تحت سلطه خود در می آورد.[۱۰۷۲]

یکی از عواملی که کمتر گزارش شده مربوط به فساد سیاسی در سیاست آسیایی ایالات متحده، شامل دریافت پول، از جمله پول مواد مخدر، از دولت های خارجی از طریق لابی گران و شرکت‌های روابط عمومی بوده است. پیتر دال اسکات، در کتاب خود با عنوان " مواد مخدر، نفت و جنگ : ایالات متحده در افغانستان و کلمبیا و هندوچین " در مورد پول نقد تزریق شده توسط لابی چین به سیستم سیاسی ایالات متحده صحبت می کند که گفته می شود با

۱۰۷۱ - Ibid
۱۰۷۲ - Ibid.

تامین مالی مواد مخدر از سیاستمداران طرفدار KMT[۱۰۷۳] مانند ریچارد نیکسون جوان حمایت می کردند. آیو با کاهش لابی چین در دهه ۱۹۶۰، جای خود را به کره ای ها داد. در این کتاب نشان داده شده که چگونه ایالات متحده تحت عنوان مبارزه با تروریست و مواد مخدر، عملا جنگ های خود را در مناطق مختلف جهان ، از طریق ارتباط گیری و رابطه بی واسطه یا با واسطه با باندهای مواد مخدر و گروه های تروریستی تامین مالی می کند. تامین تسلیحاتی کنتراها که در کار قاچاق مواد مخدر بودند و طی ماجرای ایران– کنترا در مورد آنها افشاگری شد و یا تامین تسلیحاتی کامین تانگ های برمه که یک شبکه توزیع مواد مخد بودند موسوم به KMT و همچنین حمایت از مجاهدین افغانی که علیه شوروی می جنگیدند و همزمان در کار تولید تریاک و هروئیین بودند ، از آن جمله است. در سال ۱۹۵۱ تصمیم برای ارسال تسلیحات و تدارکات به ارتش برمه که بخشی از شبکه مواد مخدر بود گرفته شد. این منجر به افزایش پنج برابری تولید تریاک برمه در کمتر از یک دهه شد، از هشتاد به چهارصد تن . همچنین در سال ۱۹۹۹، یکسال قبل از ممنوعیت اعمال شده بر طالبان، تولید تریاک در جهان به ۷۰۰۰ تن رسیده بود. از این میزان، ۴۷۰۰ تن، یعنی معادل ۷۰ درصد آن در افغانستان کشت می‌شد و توسط وارثان مجاهدینی که در دهه ۱۹۸۰ توسط سازمان سیا حمایت مالی، تسلیحاتی می شدند، قاچاق می‌شد.[۱۰۷۴]

باندهای جرایم سازمان یافته در ایران

پیشینه فعالیت باندهای جرایم سازمان یافته در ایران نه تنها با سیاست و اقتصاد که با مذهب در هم تنیده است. فعالیت باندهای سازمان یافته در جرایم اقتصادی و جرایم سیاسی در ایران در سه گروه متمایز قابل دسته بندی است. گروه هایی از آنها در جهت خدمت به پیشبرد اهداف و منافع حکومت و دفاع از سیاستهای حاکمیت به عنوان نیروی در سایه عمل کرده اند، گروه هایی دیگر با گرایش سیاسی ضد حکومت مستقر در نقش اپوزیسیون ظاهر شده اند که علاوه بر روش های غیر قانونی و فعالیت های غیر رسمی ، از سوی مخالفان و برخی دولت های خارجی تامین مالی شده و می شوند و احتمالا پروژه های آنها را خواسته یا ناخواسته اجرا می کنند. علاوه بر اینها گروه های مافیایی و باندهای کمتر شناخته شده ای هم هستند که احساس تعلق به هیچ جریان سیاسی و مذهبی معینی ندارند و حوزه فعالیت آنها اغلب محلی و ملی و اهداف آنها صرفا اقتصادی است. بطور مثال در مناطق معینی از استان های مرزی و یا در محلات خاصی در شهرهای بزرگ فعالیت دارند این گروه ها اهداف و منافع اقتصادی اعضای باند خود را با جرایمی همچون دستبرد و غارتگری و تبانی و همکاری و نفوذ ، رشوه و تهدید و ارعاب و سایر روش

۱۰۷۳- مخفف Kuomintang کومین تانگ (نام حزبی که در ۱۹۱۱ تاسیس شد و بعدا به رهبری چیانکای چک جزیره ی تایوان را به دست آورد.

۱۰۷٤-Peter Dale Scott(۲۰۰۳) ,Drugs, Oil, and War The United States in Afghanistan, Colombia, and Indochina, Rowman & Littlefield Publishers Inc,preface.

های غیر قانونی دنبال می کنند. اما مروری بر پیشینه تاریخی دو گروه عمده و اصلی از باندهای جرایم سازمان یافته قابل توجه است.

تقریبا ازگذشته های دور در نظام ملوک الطوایفی ایران ، اراذل و اوباش و گنده لات ها در محلات و شهرهای ایران، یاغی ها، چماق دارها، راهزن ها و باج گیرها در خارج از چهاردیواری شهرها ، بصورت باندهای سازمان یافته به راهزنی و چپاول و غارت مشغول بودند و البته یک سری اصول اخلاقی هم میان آنها بر گرفته از باورهای مذهبی و یا روحیات خاص سرکردگانشان حاکم بود. اما در کل آنها همواره مخل امنیت جامعه و تضعیف کننده دولت مرکزی بوده اند. تاریخچه سوءاستفاده ازآنها به عنوان گروه فشار علیه جریانات و رویدادهای سیاسی از زمان قاجار و پیش تر هم وجود داشته است. بعد از سقوط سلسله قاجارها و با روی کارآمدن رضاخان سردار سپه بسیاری از آنها سرکوب شدند و آرامش نسبی در سراسر کشور حاکم شد، اما از اوایل سلطنت محمدرضا شاه مجددا جان تازه گرفتند و شرایط سیاسی بعد از جنگ جهانی دوم نیز بر وخامت اوضاع می افزود. در نیمه دوم سلطنت محمدرضا پهلوی، از آنجا که به دلیل اقتدار پلیس و ژاندارمری ، امنیت برکشور حاکم شده بود، امکان جولان دادن از این باندهای اشرار و جنایتکاران سازمان یافته گرفته شده و دیگر نمی توانستند همچون گذشته به غارتگری و چپاول و دست اندازی بر اموال و دارایی مردم بپردازند. گروه هایی ازآنها رام شده و حتی برخی ازآنها به خدمت سازمان اطلاعات و امنیت کشور درآمدند و در نقش گروه فشار علیه جنبش های ضد سلطنت ظاهر گردیدند. از جمله آنها می توان به باند بزن بهادرهای چاله میدونی به رهبری شعبان جعفری موسوم به شعبان بی مخ و یا دارو دسته برادران رشیدیان علیه دولت ملی گرای مصدق اشاره کرد، گروه های دیگر هم عمدتا متاثر از تحولات سیاسی و مذهبی جامعه ، وارد کنشگری سیاسی علیه دولت و حکومت شدند. (سلیمی نمین،۱۳۹۸)

پژوهشگر تاریخ معاصر می نویسد انگلیسی‌ها علاوه بر اینکه احزابی مانند سومکا یا آریا را در اختیار داشتند که از طریق خانم لمبتون آن‌ها را اداره می‌کردند (لمبتون مدتی بعد به‌دلیل جاسوسی توسط مصدق دستگیر و از ایران اخراج شد)، افرادی مانند برادران رشیدیان را بکار گرفته بودند که هرکدام یک عده سرکوبگر و چماق دار سازمان داده و استخدام کرده بودند و دنبال منافع نفتی خود بودند که بحث ملی شدن صنعت نفت مطرح شد. انگلیسی ها در سیاستمداران هم نفوذ کرده بودند و عده ای ازآنها را حقوق بگیر خود کرده بودند و از محل درآمد نفت مستمری به این اشخاص می‌دادند تا منافع انگلیس را تضمین و صیانت کنند.[۱۰۷۵] در واقع اولین ائتلاف یقه سفیدها و یقه سرخ ها و ایجاد باندهای سازمان یافته جرم و جنایت در ایران مدرن (یعنی ایران بعد از قاجار) با سیاست انگلیس ها که در تعقیب منافع نفتی شان از هر فساد و جنایتی فروگذار نبودند ، رقم خورده است.[۱۰۷۶] در همین رابطه ذکر بخشی

۱۰۷۵ - https://www.tasnimnews.com/fa/news/۱۳۹۸/۰۶/۱۳/۲۰۹۰۵۴۷ "گفتگو با سلیمی نمین"

۱۰۷۶ – ر.ک به : زندگینامه نواب در ویکی پدیا.

از زندگی نواب صفوی (موسس گروه فداییان اسلام) حایز تامل و توجه است : " در ۱۳۲۲ مجتبی (نواب صفوی) به استخدام شرکت نفت درآمد و پس از مدت کوتاهی به آبادان منتقل شد. مدتی بعد برخورد شدیدی از سوی یکی از تکنسین های انگلیسی شرکت نفت با یکی از کارگران صورت گرفت که به دنبال آن، نواب کارگران را به اعتراض و اجرای قصاص دعوت کرد که با دخالت پلیس و نیروهای نظامی، اعتراضات کارگران سرکوب شد، نواب نیز فرار کرده و شبانه به وسیله قایق از آبادان به سوی بصره و سپس نجف روانه شد و برای امرار معاش به فروش عطر در بازار روی آورد. " این فراز از زندگی نواب هم قلدری و سرکشی و توانایی او برای تاثیر و نفوذ بر افراد و بسیج و تهییج آنها را به تصویر می کشد و هم رفتار و منش انگلیسی ها در رفتار با کارگران ایرانی را نشان می دهد. نواب بعدا سازمانی شبه مخفی بنام جمعیت فداییان اسلام را پایه گذاری می کند که به ترور سیاسی مقامات حکومت از قبیل ، احمد کسروی ، هژیر و رزم آرا و تنی چند از دیگر مقامات سیاسی دولت دست می زنند.[۱۰۷۷]
رسول جعفریان پژوهشگر تاریخ می گوید : " ترکیب فداییان اسلام از دو گروه بازاری و طلبه های جوان بود. عالم برجسته‌ای در میان آنها نبود. آنقدر تند بودند که کسی از علمای بزرگ جرأت نزدیک شدن به آنان را نداشت. کارهای آنها هم خصلت جوان گرایانه داشت."

اتحاد بخشی از چماق داران و بزن بهادرها و اوباشان و کسانی که روحیه تمرد و سرکشی از قوانین دولتی داشتند، با بخشی از طلاب جوان ، به تاسیس و تشکیل گروه های انقلابی خشونت گرا و افراط گرای مذهبی همچون فداییان اسلام سرعت بخشید. بعدها باندهای مخوف و جرایم سازمان یافته دیگری هم به تاسی از فعالیت آنها شکل گرفت. ترکیبی از فعالیتهای غیرقانونی مانند خرید و فروش و حمل و نگهداری غیرقانونی سلاح و مهمات، در کنار اهداف و انگیزه های سیاسی و اعتقادی در این گروه ها برجسته است.

ارتباط و پیوند نواب صفوی با اخوان المسلمین در مصر، موجب شد تا فداییان اسلام به مسائل سیاسی در چشم انداز جغرافیایی وسیع تری مانند کشورهای مسلمان منطقه همانند سوریه، مصر، لبنان، سرزمین های اشغالی، فلسطین نگاه کنند. این ارتباطات نگاه آنها را به مسائل جهان اسلام بازتر نمود و زمینه را برای گسترش روابط با رهبران جنبش های آزادی بخش در مناطق اشغالی و الگوگیری از آنها فراهم کرد. بیژن جزنی در کتاب تاریخ سی ساله ی ایران می نویسد: " نواب عقاید خود را از اخوان المسلمین تقلید کرده بود و حکومت شرعی اسلام را تبلیغ می کرد"[۱۰۷۸] با این حال برخی گزارش ها نشان می دهد که شاه برای حذف هژیر و کاشانی برای کنار زدن مصدق

۱۰۷۷ – این رساله قصد پرداختن به موضوعات تاریخی را ندارد. خوانندگان محترم به منابع تاریخی مرتبط با ین عصر و زمان رجوع نمایند. به عنوان نمونه برای درک پیچیدگی روابط و ارتباطات درونی گروه های اسلامی و اختلافات کاشانی و مصدق، کاشانی و فداییان اسلام و سایر جریانات سیاسی آن دوره ر.ک به : و. رازی (فریدون ایل بیگی)، فداییان اسلام.

۱۰۷۸ – جزنی، بیژن (۱۳۵۷)، تاریخ سی ساله ایران، بی جا، بی نا، ص ۹۱.

زمانی که اختلافاتشان بالا گرفته بود، از نواب و گروه فداییان اسلام در جهت مقاصد سیاسی خود بهره برداری کرده اند و این نشان می دهد که گروه نواب بیش ازآنکه از پشت پرده ی بازی های سیاست چیزی بدانند، تنها یک گروه فشار و ضربت در دست مردان اهل سیاست بوده است. آنها به تعبیری بیشتردغدغه اجرای احکام شرع را داشتند و از زیر و بم سیاست درک روشنی نداشتند.[۱۰۷۹] و در نتیجه بازیچه سیاست بازان شدند. ارزیابی رسول جعفریان هم به نوعی همین موضوع را تایید می کند : " آنچه فدائیان می خواستند چیزی شبیه آن بود که اخوان المسلمین می خواستند. اینها کاری به این که نظام حکومتی چه باشد نداشتند، برای آنها مهم اجرای احکام شرعی بود."[۱۰۸۰] ولی آیت الله کاشانی که علاوه بر جایگاه ممتاز مذهبی در منطقه، یک سیاستمدار پر نفوذ بود که مدتی ریاست مجلس شورای ملی را هم بر عهده داشت، می دانست چگونه فدائیان اسلام را در جهت مقاصد سیاسی خود بکار بگیرد. فداییان متشکل از آدم هایی بودند که تقریبا تمام شرایط را برای ایفای نقش در قالب یک گروه فشار یا گروه سرکوب و ترور داشتند و باندهای قدرت در دربار و یا گروه ها و جریانات سیاسی با حمایت مالی و نظامی ازآنها ، از پتانسیل این گروه در جهت اهداف سیاسی خود بهره می گرفتند.

این تجربه در دهه چهل با گروه های مذهبی و انقلابی همانند مجاهدین خلق تکرار شد که ساختار آنها چندان تفاوتی با فداییان اسلام ندارد، جز این که مجاهدین در بطن نوعی انقلابی گری مارکسیستی پدید آمدند. از قضا اینها هم در آغاز بچه های مسجد و مذهبی بودند و از طبقات توده و متوسط جامعه، اما مسجدی که در دهه بیست فدائیان اسلام را درست کرده بود ، در دهه چهل تجربه دیگری را در ارتباط با اوضاع و احوال رقم زده بود. هرچند که روش ها، تندی کار، توسل به ترور، نثر و ادبیات متفاوت و بسیاری از چیزها در یک چهار چوب بود.[۱۰۸۱] بعد از رویدادهای سال ۳۲ بقایای همین گروه های مذهبی تندرو در کنار چماقداران ، بزن بهادرها و کسانی که روحیه خشونت و آشوبگری یا سابقه قتل و ترور و سایر اقدامات مجرمانه داشتند، حول محور روحانیت و برخی خوانین و در اعتراض به برنامه اصلاحات اجتماعی و یا رفرم موسوم به " انقلاب سفید شاه و ملت" که اصلاحات ارضی و کوتاه کردن دست خوانین و بزرگ مالکان و ساماندهی مداخله روحانیون بر موقوفات و سیستم قضایی کشور را هدفگیری کرده بود، به جریانات و گرایشات سیاسی اسلامگرا، چپ گرا و ملی گرای مخالف سلطنت پیوستند. آنها شاه را بویژه بعد از کودتای ۲۸ مرداد، دست نشانده امپریالیزم آمریکا می دانستند.

از نیمه دهه چهل تا پنجاه با توسعه ظرفیت مراکز دانشگاهی کشور، بخش های بیشتری از دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهی دارای خواستگاه طبقه متوسط به پایین و از خانواده های مذهبی در دانشگاه ها امکان

۱۰۷۹ – ر.ک به : و. رازی (فریدون ایل بیگی)، فداییان اسلام.

۱۰۸۰ – دفتر ادبیات انقلاب اسلامی ، مصاحبه با رسول جعفریان، اردیبهشت ۹۲

۱۰۸۱ – رسول جعفریان، همان، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.

تحصیل یافتند. همچنین فضای سیاسی آزاد در دانشگاه ها امکان می داد تا تعداد بیشتری از همین طبقه اجتماعی به انجمن های اسلامی و سایر تشکل های منتقد یا حتی ضد حکومتی بپیوندند. این تشکل ها بویژه از ترکیب آموزه های سوسیالیسم ،کمونیسم با آموزه های مذهبی تشیع و مرجعیت آن که پیشینه تاریخی اپوزیسیون و منتقد دربار داشت، ایدئولوژی انقلابی مبارزه با رژیم شاه و مبارزه با امپریالیسم را بوجود آوردند[۱۰۸۲] برنامه ها و اقدامات آنها منحصر به نقد سیاسی حکومت نبود، بلکه به اقدامات خرابکارانه، مسلحانه و حذف فیزیکی و ترور هم وارد شدند و بدین ترتیب باندهای جرایم سازمان یافته و شبه نظامی یا چریک های مسلح در کشور با اعلام حضور و فعالیت آنها بیش از پیش گسترش یافت. در این دوره ، ائتلاف گروه های انقلابی چپ دارای مشی مسلحانه مانند مجاهدین خلق با اسلامگرایان سنتی مانند فداییان اسلام، مجاهدین انقلاب اسلامی و هییت موتلفه اسلامی و دیگر گروه ها، به تهدیدی جدی علیه امنیت و حاکمیت سیاسی در کشور تبدیل شدند. شاه مخالفان خود را محصول اتحاد سرخ و سیاه لقب داد و بعدها معلوم شد بسیاری از انقلابیون سال ۱۳۵۷ و طرفداران آیت الله خمینی در گذشته عضو فدائیان اسلام هم بوده اند. آنها رژیم سلطنتی و وفاداران به آن را دین ستیز، سلطه پذیر و بیگانه پرست می دانستند.

خاطرات محسن رفیق دوست، یکی از انقلابیون و از فرماندهان پیشین سپاه که بعد از پیروزی انقلاب به پست وزارت سپاه رسید (بعدا تبدیل به وزارت دفاع شد)، ابعاد مختلفی از پیچیدگی روابط میان بخش های سنتی جامعه با روحانیون را نشان می دهد. او می گوید : "در سال ۱۳۲۹، ده‌ساله بودم که در منزل مرحوم آیت‌الله کاشانی چای می‌دادم. در همان سن و سال، رفت وآمدهای مرحوم نواب صفوی و اطرافیانش را زیر نظر داشتم و دقیقاً یادم است که با مرحوم کاشانی در مورد ترور رزم‌آرا و نخست‌وزیری مصدق صحبت می کردند." محسن رفیق دوست در جای دیگر و در خاطراتش، به نحوه ارتباط نزدیکش با رژیم معمر قزافی قبل و بعد از انقلاب هم اشاره دارد و اینکه چگونه در زمان تصدی مسوولیتش در وزارت سپاه از طریق لیبی کانالی برای قاچاق سلاح و مهمات در شرایط تحریم تسلیحاتی ایران در جنگ با عراق ایجاد کرده بود.[۱۰۸۳] سال ها بعد از جنگ ، نام وی که برای چندین سال ریاست بنیاد مستضعفان و جانبازان (یکی از ثروتمندترین نهادهای انقلاب اسلامی که تملک اموال مصادره شده بازماندگان رژیم سابق و تملک نهادهایی مانند بنیاد پهلوی را در اختیار دارد)، را عهده داربود، در کنار نام برادرش در یکی از اولین پرونده های فساد کلان اقتصادی در جمهوری اسلامی رسانه ای شد.

کسانی که تاریخ وقایع روزشمار مربوط به سالهای اولیه انقلاب اسلامی را می خوانند تایید خواهند کرد که در آن مقطع در خلاء یک حکومت مقتدرمرکزی، مناطق مختلف ایران عملا عرصه فعالیت و اقدامات باندهای جرایم

۱۰۸۲ - یرواند ابراهامیان ، اسلام رادیکال، مجاهدین ایران،ترجمه فرهاد مهدوی، آلمان، نشر نیما، ۱۳۸۶.

۱۰۸۳ - نقل از ، خاطرات محسن رفیق دوست، انتشارات سپاه پاسداران.

سازمان یافته گوناگون با گرایشات سیاسی و اعتقادی مختلف بود و ترور و جرم و جنایت درمناطق مختلف کشور بیداد می کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری ازکسانی که با روحانیون مذهبی همراهی و همکاری و همدلی داشتند و در کسورتهای مختلف، حتی خدمتکار و آبدارچی بیوت و محافل مذهبی آنها بودند، در دولت انقلابی تازه تاسیس منصبی را عهده دار شدند و با تکیه بر ایدئولوژی مذهبی اهداف و مقاصد سیاسی و انقلابی به رهبری روحانیت را به پیش بردند و به نوعی در قدرت سیاسی حاکم شریک شدند. آنها به تدریج ولی تقریبا با سرعت توانستند، گروه های سیاسی و ایدئولوژیک غیر همسو با خود را بی رحمانه حذف نمایند و به همین دلیل بود که بلافاصله بعد از انقلاب نزاع برسر قدرت میان جریانهای سنتی مذهبی با جریان های نوگرای متاثر از تفکرات مارکسیستی ، کمونیستی و التقاطی که در پیروزی انقلاب سهیم بودند ، بالا گرفت و به حذف گروه های چپ، کمونیستها ، ملی گراها و ملی –مذهبی ها و گروه هایی مانند نهضت آزادی ایران و یا گروه های افراط گرای التقاطی همچون مجاهدین خلق منتهی شد. این روند از تقابل ، نزاع و حذف بدون ترور و اعدام های دسته جمعی ممکن نبود و به تلافی این حذف ها ، سال های اولیه دهه شصت شمسی، ایران عرصه ی فعالیت های تروریستی ، بمب گذاری و خرابکاری توسط باندهای جرایم سازمان یافته ای همچون مجاهدین خلق و دیگر گروه های چپ شده بود. اهداف عمده ی آنها حمله به اماکن مذهبی و محل اجتماعات گروه های مذهبی مانند مساجد ، حسینیه ها و محل های اقامه نماز جمعه و دیگر مراکز سیاسی حکومت همچون ساختمان حزب جمهوری اسلامی بود. علاوه بر این گروه هایی از جوانان خشمگین و انقلابی هم تحت عنوان دانشجویان پیرو خط امام ، متاثر از فضای پر التهاب جامعه ، حمله به سفارتخانه برخی کشورهای خارجی منجمله حمله به سفارت آمریکا در تهران را از همان روزهای اول انقلاب در برنامه کاری خود گذاشتند و در تاریخ ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸ سفارت امریکا را اشغال نموده و کارکنان سفارت آمریکا را به گروگان گرفتند که اقدام ناپخته ولی مورد حمایت آنها از سوی رهبر جمهوری اسلامی در آن مقطع ، به بالا گرفتن یک تنش دامنه دار تاریخی میان ایران و آمریکا منتهی شد.

از آن زمان تاکنون تقریبا برای بیش از چهار دهه ، عرصه سیاست و قدرت در ایران، کم و بیش به صحنه ی کشاکش میان جریان های سیاسی رقیب بر سر قدرت اختصاص دارد، که یک بازیگر آن گروه های فشار و باندهای جرایم سازمان یافته و مافیایی و گروه های افراطی ، خارج از قلمرو دولت مستقر است و این چالشی است که نه فقط دولت های مهندس مهدی بازرگان و سید ابوالحسن بنی صدور، بلکه دولت های پس از آنها نیزکم و بیش با آن درگیر بوده و هستند.اما حاکمیت در جمهوری اسلامی همواره سعی کرده در راستای سیاست حامی پروری (= نوچه پروری) ، علاوه بر نهادهای رسمی نظامی، انتظامی و امنیتی، از پتانسیل باندهای مافیایی و گروه های افراط گرای دارای ایدئولوژی مذهبی، در قالب بچه هیئتی ها ، اعضای کانون های مساجد و هییت های مذهبی ، چماق دارانی همچون انصار حزب الله و یا " لباس شخصی ها "را پرورش دهد که به مثابه یک گروه فشار علیه مخالفان

خود از آنها سود ببرد و آنها را به عنوان یک قدرت سرکوبگر در سایه در جهت حمایت از خود و ارعاب مخالفان خود ، ترغیب، تشویق، تحریک و حمایت نماید.

طی چهار دهه اخیر روحانیون شیعه ، ولایتمداری و تابعیت محض و نوچه پروری یا حامی پروری را نوعی کار تشکیلاتی القا نموده اند که در آن روابط بر ضوابط اولویت دارد، دور زدن قوانین بر تبعیت از قانون و سلسله مراتب اولویت دارد، تعهد بر تخصص اولویت دارد، تبعیت محض بر اندیشه ورزی و تحلیل شرایط اولویت دارد، تکلیف گرایی بر وظیفه گرایی اولویت دارد. تبار سالاری و فرصت طلبی بر شایسته گزینی اولویت دارد و حتی پیش دستی کردن و آتش به اختیاری ارزش قلمداد شده و همه این معیارها سبب شده طی سال های اخیر بیش از پیش شاهد نفوذ و میدان داری فرصت طلبانی با تزویر و ریا با نام "حزب اللهی" و "باند خودی ها" باشیم، کسانی که با تکیه بر تعابیر رهبر انقلاب ، کشور را از آن خود می دانند . آن دسته از نیروهای وفادار به حاکمیت که در چنین چارچوب های ارزشی نزج و پرورش و رشد یافته اند و در قالب گروه های فشار، شبه نظامیان ذوب در ولایت، سر دسته هییت های مذهبی و کسانی که خود را از ارادتمندان رهبر انقلاب می دانند و مورد توجه ایشان هستند و از سوی ایشان آتش به اختیار توصیف شده اند ، درکنار ساختار رسمی قدرت یعنی نیروهای امنیتی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و با اتکاء برحمایت قوه قضاییه و با در اختیار داشتن تریبونهای رسمی و ابزار های رسانه ای در انحصار مانند صدا و سیما همواره برای سرکوب معترضان ، مخالفان و ساکت کردن منتقدان و بستن دهان مطبوعات و کنار زدن احزاب و گروه های منتقد و فشار بر تشکل های دانشجویی و جنبش های برابری خواهانه کارگران و زنان و دیگر گروه ها و اصناف و در جهت تهدید و ارعاب کلیه منتقدان نظام جمهوری اسلامی از همه گونه ابزارهای جرم و خشونت سازمان یافته ، مانند ترور، قتل مشکوک، پرونده سازی امنیتی برای زندانی کردن مخالفان ، اخراج و تبعید و حصر خانگی اشخاص منتقد و معترض استفاده کرده اند.[۱۰۸۴] برخی صاحب نظران در توصیف این باند قدرت که بسیاری از نهادهای سیاسی و ارکان دولت را در تسخیر خود دارند ،آنها را به "دولت پادگانی" یا شکلی از دولت گانگستری تشبیه کرده اند. منظور از دولت پادگانی، دخالت مستقیم امنیتی ها و نظامیان در امر سیاست داخلی و خارجی کشور است.[۱۰۸۵] همین باند خودی ها بر بخش های زیادی از منابع اقتصادی کشور بصورت رانت و فساد و اشکال دیگر سلطه و نفوذ ، با غارتگری و دست اندازی منتفع می شوند و نقش آنها در اقتصاد سایه به عنوان کاسبان تحریم ها نیز برجسته است. در واقع برای توصیف دقیقی از فساد در ایران باید به دولت

۱۰۸۴ – پیرامون تحولات سیاسی معاصر در ایران و تحولات در چهاردهه اخیرکتاب های گوناگون تالیف شده است.برای نمونه ر.ک.به : اصغر شیرازی (۱۳۹۳) ، نظام حکومتی جمهوری اسلامی ایران : دین، قانون، مطلقیت قدرت.خصوصا در مورد تحولات در شیوه حکمرانی در سالهای اخیر به مباحث آخر کتاب بویژه تکمله ۱ تا ۴ و الی اخر رجوع کنید. همچنین به گزارش قتل های زنجیره ای، ترور سعید حجاریان، سایر ترور ها و قتلهای مشکوک رجوع کنید.

۱۰۸۵ – (سعید حجاریان، ۱۳۸۹)، دولت پادگانی، همچنین ر. ک به : روزنامه اعتماد ، ۱۳۹۷/۵/۳ :

https://www.pishkhan.com/rooznameh/Etemaad

تسخیر شده استناد کرد، دولتی که در آن "باند خودی ها" عملا سیاستهای داخلی، خارجی و سیاستهای اقتصادی و اجتماعی آن را متناسب با منافع خودشان تبیین و ترسیم و اجرا می کنند و سیاستهای کلی نظام همسو با منافع آنها پیش می رود.

با طرح ایده صدور انقلاب، و حمایت از نهضت های آزادی بخش و جنبش های اسلامگرا از همان ابتدای انقلاب اسلامی، بخشی از تلاش جمهوری اسلامی معطوف به صدور و انتشار الگوی قیام و نهضت اسلامی به کشورهای مسلمان منطقه بوده است و هم اکنون جمهوری اسلامی به همین منظور از ده ها گروه و باند و نهاد سیاسی و مذهبی و شبه نظامی در اقصی نقاط جهان و منطقه حمایت مالی، تسلیحاتی ، فکری ، فرهنگی و مستشاری می کند. این سیاست اعلام شده ، فقط به کشورهای اسلامی منحصر نمی شود بلکه مستضعفان در سراسر جهان از قبیل کشورهای آمریکای لاتین مانند کوبا و ونزولا را هم شامل می شود. پروژه صدور انقلاب اسلامی ، تاکنون هزینه های سنگینی بر مردم ایران و احتمالا بر مردم منطقه تحمیل کرده است و تجربه بیش از چهار دهه گذشته نشان داده ، همانطوری که پروژه صدور دموکراسی توسط دولت های غربی درکشورهای منطقه با شکست مواجه شده است ، پروژه صدور انقلاب اسلامی به کشورهای منطقه و جهان هم موفق نبوده است ، بلکه به نزاع فرقه ای و مذهبی در کشورهای منطقه و رقابت منطقه ای میان کشورهای ثروتمند نفتی مانند ایران و عربستان بیشتر دامن زده است.[۱۰۸۶] یکی از برجسته ترین تلاش ها در راستای گسترش نفوذ انقلاب اسلامی، تاسیس و تقویت گروه های شبه نظامی همانند حزب الله لبنان بوده است.[۱۰۸۷] هم اکنون برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که تلاش ایران برای ایجاد شبکه ای از اعضا، شبیه حزب‌الله لبنان ، در عراق بین ۷۵۰ هزار تا ۳ میلیون دلار در ماه برای واحد قدس سپاه

۱۰۸۶ - ادعای یکی از تئوریسین های صدور انقلاب(سیدهادی خسروشاهی) : اجتهاد سیاسی امام خمینی شکاف چندصدساله ای را که در اندیشه اسلامی بر سر مسأله حساس رهبری وجود داشت، از میان برداشته است، و اینک جمهوری اسلامی ایران بدون چون و چرا حق دارد و موظف است امت را رهبری کند، و اینک همه مسلمانان جهان باید بدون قید و شرط با جمهوری اسلامی ایران و به ویژه امام خمینی و جانشینان ایشان بیعت کنند، و همگی ما به طور انفرادی و جمعی به مثابه شاخه های جمهوری اسلامی ایران هستیم، و اسلام مرز جغرافیائی ندارد و لذا مرزهای معنوی و عقیدتی انقلاب اسلامی کلیه بخش های امت اسلامی را دربر می گیرد، و ما نهضت های حزب اللهی دیگری در کلیه نقاط جهان بوجود خواهیم آورد، و بالاخره اینکه ما امکانات و منافع معنوی، مادی و انسانی خود را در یک جا جمع می کنیم تا در حمایت از تلاش مسلمانان مستضعف در سرتاسر جهان برای عملی کردن هدف انقلاب اسلامی در کلیه بخش های امت، به کار رود. خاطرات سیدهادی خسروشاهی، به کوشش امیر قربانی ، نشر الکترونیک، ، ۱۳۹۴.

۱۰۸۷ - ایران در اوایل دهه ۱۹۸۰ به تشکیل حزب الله کمک کرد و در دهه های بعدی آن را مسلح نمود و آموزش داد. ایران به طور منظم و سالانه بیش از ۱۰۰ ها میلیون دلار به حزب الله کمک می کند.کمکهای نظامی ایران به حزب الله شامل کمک تسلیحاتی نسبتاً پیشرفته مانند موشک های کروز ضد تانک و ضد کشتی و همچنین هزاران موشک و سامانه توپخانه ای است که حزب الله را به یکی از مهیب ترین گروه های شبه نظامی فرعی در جهان تبدیل می کند و هم اکنون نزدیک ترین رابطه ایران با حزب الله لبنان است که شاید تواناترین گروه تروریستی در جهان است. گروه حزب الله مسئول حملات تروریستی متعدد علیه آمریکایی ها و غربی ها است، از جمله بمباران سفارت ایالات متحده در لبنان در سال ۱۹۹۳ که منجر گروگان گیری و کشته شدن ۶۳ نفر از جمله ۱۷ آمریکایی شد. ر.ک به :

Walter Enders &Todd Sandler(۲۰۰۶), The Political Economy of Terrorism, Cambridge, New York, p۲۳۵ ;
Matthew Levitt(۲۰۱۳), Hezbollah: The Global Footprint of Lebanon’s Party of God (Georgetown, ۲۰۱۳).

پاسداران ایران هزینه در پی داشته است. (هنسی فیسک و ساسمن ۲۰۰۷). آنها اگر چه در این مورد حمایت دولت ایران را دارند ، اما گروه های مذهبی دیگر از چنین حمایتی برخوردار نیستند و باید به روشهایی از قبیل ارتکاب جرم و جنایت و ترور تکیه کنند و یا به رقبای منطقه ای ایران، مانند ترکیه و عربستان و دیگر کشورها برای تامین مالی خود تکیه نمایند. آنچه در مورد همگرایی این گروه ها با سایر باندهای جرایم سازمان یافته واضح است این است که این گروه ها از هر راه مقتضی بهره برداری می کنند و برای کسب منافع از قِبَل فعالیت های خود نیاز به حمایتهای دولتی و غیر دولتی دارند که ترکیبی از موارد زیر را شامل شوند: استخدام قانونی، پذیرش کمک های داوطلبانه یا خیرانه، جلب کمک های مردمی از اجتماع و استفاده از روش های مجرمانه و مزدوری برای کشورهای ثروتمند ویا انقلابی و مدعی همچون ایران. اهداف همگی آنها اغلب درجمع آوری پول به هم نزدیک است. به عنوان مثال، قاچاق مواد مخدر از طریق مناطق درگیری داخلی آسان تر است و افراط گرایان مختلف دریافته اند که قاچاق مواد مخدر منبع مهمی برای خرید سلاح، سازماندهی حملات تروریستی و حفظ هسته های تروریستی مسلح است.[۱۰۸۸]

پیامدهای جرایم سازمان یافته فراملی :

بی ثباتی سیاسی ، بی اعتباری دولت وحکومت، سقوط و متلاشی شدن نظم و حاکمیت قانون از پیامدهای مخرب جرایم سازمان یافته و بطور خاص جرایم سازمان یافته فراملی است. نمی توان احتمال روی کارآمدن دولت های دست نشانده توسط دولت های گانگستر و یا ایادی آنها و برآمدن حاکمیت سیاسی دیکتاتورها ، جنایتکاران و دولت های اقتدارگرا را با استفاده از عواید حاصل از جرایم سازمان یافته و اختلال در روندهای قانونی انتخابات از طریق تقلب و پیروزی متقلبانه در انتخابات را رد کرد.[۱۰۸۹] این خطر ممکن است در مورد نظام های پارلمانی، دموکراسی های شناخته شده و جوامع دارای تعدد احزاب و جامعه مدنی فعال کمتر به چشم بخورد ، ولی درجات کمتری از فساد درآن جوامع هم وجود دارد. بررسی های مختلف در کشورهای گوناگون نشان داده که ارقام قابل توجهی از پول های کثیف برای تبلیغات درکمپین های انتخاباتی و قبل از آغاز انتخابات هزینه می شود. احزاب سیاسی و باندهای جرایم سازمان یافته به جهت اشتراک منافعی که دارند با یکدیگر همکاری می کنند. این مفسدان اقتصادی پس از پول زدایی، در انتخابات میان دوره ای و در ایالت های خاص از کمک به احزاب سیاسی به عنوان روشی برای تبدیل پول های سیاه خود استفاده می کنند. در برخی از مناطق ، احزاب یا اشخاص سیاسی برای کسب آرای خود میان تعداد قابل توجهی از رای دهندگان پول نقد توزیع می کنند و به برخی از رای دهندگان وام بدون بهره با شرط استرداد مبلغ پس از یک سال وعده می دهند .همچنین رای دهندگان موافق برای رای موافق خود

۱۰۸۸ - Mitchel P. Roth (۲۰۱۰),Ibid ,p۴۸

۱۰۸۹ -Majozi Sithole, ‘Taking Action Against Money Laundering’, in C. Goredema (editor) Profiling Money Laundering in Eastern and Southern Africa (۲۰۰۲) ISS Monograph series, number ۹۰, p. ۲.

، حق کمیسیون دریافت می کنند. این نوع مفاسد سیاسی –اقتصادی به استثنای معدودی از کشورها، تقریبا در تمام نظام های سیاسی شناخته شده، از لیبرال دموکراسی به ظاهر ناب در ایالات متحده تا نظام های به ظاهر دموکراتیک، تا نظام های شبه دموکراسی و حکومت هایی که تنها ظاهری از روندهای انتخاباتی را به نمایش می گذارند، کما بیش وجود دارد. واقعیت این است که صرف برچسب دموکراسی یا لیبرال دموکراسی نمی تواند، نشانگر سلامت یک نظام سیاسی باشد. مطالعات در مورد دموکراسی ها ، میان انواع "دموکراسی‌های غیرلیبرال"، "دموکراسی‌های انتخاباتی"، "دموکراسی‌های ناقص" و "دموکراسی‌های با کیفیت پایین"، تمایز قایل است و استدلال می‌کند بسیاری از موارد جدید دموکراسی های موج سوم فقط نام دموکراتیک با خود یدک می کشند و حقوق مدنی و سیاسی لزوماً و در عمل واقعا درآنها وجود ندارد. این دموکراسی ها می توانند با رفتار فاسد نخبگان که حاکمیت قانون را نقض می کنند، بی اثر شوند. لذا صاحب نظران این حوزه استدلال می کنند که باید از شاخص‌های رفتار نخبگان مطیع قانون (به عنوان مثال، "صداقت نخبگان") برای سنجش میزان مؤثر بودن دموکراسی استفاده شود.[۱۰۹۰]

سازمان های بین المللی، جرم و فساد

انسان به این دلیل موجودی اجتماعی است که از دیرباز فهمیده است، راه مقابله با تهدیدها و خطرات بزرگ ، ایجاد آبادانی، سازندگی و خلق تمدن های بزرگ و زندگی توام با امنیت ، اجتماعی زیستن و جلب همکاری جمعی است و در طول تاریخ در آن راستا تلاش کرده است، اما این تلاش ها بدون مانع نبوده است. در مباحث گذشته به نقش ایدئولوژی های فراگیر مذهبی و افراط گرا و همچنین به نقش قدرت های جهانی سلطه گر در تشدید افراط گرایی و خطر رو به افزایش تهدیدهای تروریستی اشاره شد. متاسفانه و به رغم تجارب تلخ دو جنگ های جهانی اول و دوم و جنگ های منطقه ای و بحران های فراگیر دیگر، ما حتی همین امروز و در قرن بیست و یکم ، در دنیایی زندگی می کنیم که سایه جنگ و بحران های مختلف همچنان بر سرمان سایه افکنده و این نگرانی ، ضرورت همکاریهای بین المللی میان جوامع برای گذار از بحران های بزرگ پیش روی را بیش از پیش برجسته می کند. اگر از دیدگاه تاریخی هم به موضوع نگاه کنیم، ضرورت همکاری های بین المللی در مقابله با چالش های زندگی به هنجار در کره زمین برای همه نسل های انسانی ، دهه هاست که درک شده است، اما همچنان سایه مداخلات و اعمال نفوذ قدرت های بزرگ به صورت باج خواهی و زیاده خواهی ، در قالب سازمان های بین المللی از یک سوی و مانع تراشی کشورهای اقتدارگرا، گانگسترها و کشورهای شرور، یاغی و هنجارشکنان در مسیر همکاریهای بین المللی و سرپیچی یا نقض قوانین و مقررات بین المللی از سوی همه این کشورها، موجب شده

۱۰۹۰ - Ronald Inglehart and Christian Welzel(۲۰۰۵), Modernization, Cultural Change, and Democracy ,Cambridge University Press ,p۹.

تا نقش و کارکرد نهادهای بین المللی در تحقق اهداف صلح ، عدالت و امنیت جهانی کمرنگ و همکاری دولت ها در سطح جهانی با چالش جدی همراه باشد.

با این حال ریشه کن نمودن انواع تهدیدها، مخاطرات، جرایم ، و همه اشکال متفاوت فساد از طریق رویکرد جامع آگاهی رسانی ، پیشگیری و اجرا، نیاز امروز بشر است و همچنان دولت ها ، سازمان های غیر دولتی و نهادهای بین المللی خود را در خط مبارزه جهانی علیه مخاطرات ، تهدیدها ، مفاسد و جرایم در سطح بین المللی می بینند. این نهادها با همکاری اکثر دولت‌های عضو برای ساده‌سازی چارچوب‌های قانونی، نهادهای نظارتی، ظرفیت سازی های کنترلی و استاندارد سازی و هماهنگی ها در سطح بین المللی کار می کنند و به عنوان دستاورد، بسیاری از کنوانسیون ها / معاهدات / استانداردهای بین المللی و الزامات حقوقی را برای مقابله و مبارزه و کنترل تهدیدهایی که صلح و عدالت و امنیت را به مخاطره می اندازد تنظیم نموده ، امضا و تعهد می کنند.

در مورد نقش نهادهای بین المللی در حل چالش های مختلفی که نیازمند همکاری در سطح جهانی است، کشورها به دو گروه تقسیم می شوند. یک گروه کشورهایی هستند که خود در تاسیس نهادهای بین المللی ابتکار عمل را در دست داشته اند و پیشرو در جلب همکاری های بین المللی هستند، این کشورها ، نقش همکاری های بین المللی در قالب سازمان های مذکور را کارآمد ، اثربخش و بلکه ضروری می دانند، اما گروهی دیگر از کشورها نسبت به نقش اثربخش و سازنده ی نهادهای بین المللی به دلایل مختلفی که به برخی ازآنها اشاره شد ، ابراز تردید دارند. اختلاف در مورد نقش و کارکرد نهادهای بین المللی از سطح مقامات سیاسی کشورها به سطح مجامع آکادمیک و دانشگاهی هم کشیده شده است.

مدتهاست که به نظر گروهی از صاحب نظران مسائل توسعه درسطح بین الملل، رشد نا امنی و نابرابری و فساد و جرایم اقتصادی و یا ریشه های بروز و ظهور آن در برخی از کشورها ناشی از تشدید نابسامانی های سیاسی و اقتصادی است که آن جوامع با دنباله روی و تبعیت از سیاست های توصیه شده از سوی نهادهای بین المللی گرفتار آن شده اند. آنها به این دلیل نقش سازمان های بین المللی در بروز بحران های مذکور در برخی جوامع را مخرب ارزیابی می کنند و دلیل آن را هم به اعمال نفوذ و سلطه قدرت های بزرگ بر ساختار، سازمان و ساز و کارها و مقررات نهادهای بین المللی همچون بانک جهانی و صندوق بین الملل پول مرتبط می دانند. در واقع این ادعا که نهادهای بین المللی اقتصادی اثرگذار تحت نفوذ قدرتهای بزرگ هستند، چندان هم بدور از واقعیت نیست. شواهد و ادله های مختلف نشان می دهد که منجمله ایالات متحده از طرق مختلف بر این نهادها اعمال نفوذ دارد.

۱ – اعمال نفوذ از طریق القاء و ابلاغ سیاستهای کلی برای تبیین خط و مشی و جهت گیری این نهادها که به زعم برخی اصطلاحا مانیفست نئولیبرالیسم تلقی می گردد، همچون سیاستهای ده گانه ای که تحت عنوان

اجماع واشینگتن[۱۰۹۱] شناخته می شود، ولی عملا هیچ اجماعی درآن مورد نه از قبل وجود داشته و نه اکنون وجود دارد.

۲ – اعمال نفوذ سیاسی بر نهادهای مذکور بطور موردی در باره تصمیمات برای کشورهای خاصی که تمکین و همراهی و همسویی با سیاستهای کلی ایالات متحده در عرصه های مختلف ندارند. در واقع استفاده از این نهادها به عنوان یک ابزار اعمال تحریم و تنبیه و محدودیت برای برخی کشورها.

در همین باره ، برخی تحلیلگران و صاحب نظران و مقامات دولتی در کشورهای مختلف ، منجمله در کشورهای فقیر و در حال توسعه، به عملکرد نهادهای مالی بین المللی همچون بانک جهانی و صندوق بین الملل پول و بانک های توسعه منطقه ای و نهادهای مرتبط دیگر انتقادات و گاه اتهاماتی را با ماهیت جرایم اقتصادی وارد می کنند. این انتقادات فقط از ناحیه کشورهای فقیر مطرح نشده است و حتی در توصیه به ریاضت اقتصادی برای خروج از بحران بدهی که متوجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا همانند یونان بود، این انتقادها مطرح شد و بالا گرفت جورج مون بویت در روزنامه گاردین، بکار بردن نامشروع قدرت غیردموکراتیک، برای اداره کشورهای وام‌گیرنده را یادآور می‌شود و می‌نویسد: "صندوق بین المللی پول را در نظر بگیرید. توزیع قدرت به این صورت است: تصمیم گیری به اکثریت ۸۵٪ نیازمند است و ایالات متحده به تنهایی ۱۷ درصد آرا را در اختیار دارد"...وی سپس به نقش صندوق بین‌المللی پول در ایجاد بحران‌های اقتصادی دهه اخیر اشاره می کند و می‌نویسد " صندوق از سوی ثروتمندان برای اداره دولت‌های فقیر کنترل می‌شود."، او گام را فراتر می نهد و بنیادگرایی بازار را همان

۱۰۹۱ -John Williamson(۲۰۰۰),What Should the World Bank Think about the Washington Consensus? World Development Report

اجماع واشینگتن(Washington Consensus) مجموعه ای از ده نسخه سیاست های کلی اقتصادی است که به عنوان بسته اصلاحی "استاندارد" ارائه شده برای کشورهای در حال توسعه بحران زده توسط موسسات مستقر در واشنگتن مانند صندوق بین المللی پول(IMF) ، بانک جهانی و وزارت خزانه داری ایالات متحده در نظر گرفته شده است. این اصطلاح اولین بار در سال ۱۹۸۹ توسط اقتصاددان انگلیسی جان ویلیامسون استفاده شد. این نسخه ها شامل سیاست های ترویج بازار آزاد ، مانند آزادسازی تجارت، خصوصی سازی و آزادسازی مالی بود. این سیاست ها توسط جورج سوروس نوعی بنیادگرایی در عرصه بازار ارزیابی شده است. ویلیامسون بابت استفاده از کلمه" واشنگتن" در تعبیر"اجماع واشنگتن" ابراز تأسف کرد، زیرا به اشتباه نشان می‌داد که سیاست‌های توسعه از واشنگتن سرچشمه می‌گیرد و از بیرون بر دیگران تحمیل شده است. ویلیامسون در سال ۲۰۰۲ گفت: "عبارت "اجماع واشنگتن" یک نام گذاری نامناسب است... به نظر می رسد مخاطبان در سراسر جهان معتقدند که این نشان دهنده مجموعه ای از سیاست های نئولیبرالی است که توسط موسسات مالی بین المللی مستقر در واشنگتن بر کشورهای بدبخت تحمیل شده است و آنها را به سمت بحران و بدبختی سوق داده است. افرادی هستند که نمی توانند این اصطلاح را بدون کف کردن به زبان بیاورند. البته دیدگاه خود او کاملاً متفاوت است. ایده های اساسی که او سعی کرد در اجماع واشنگتن خلاصه کند همچنان مورد پذیرش گسترده تری قرار گرفته است. استیگلیتز هم معتقد است : از بسیاری جهات، اجماع واشنگتن یک اجماع برای آزادسازی و جهانی شدن بود تا اجماع برای رشد عادلانه و توسعه پایدار. کاهش فقر، برابری، و حفظ محیط زیست اصلا بخشی از اجماع نبود. اجماع واشنگتن تنها خواستار باز شدن کشورها به روی جهان خارج شد.بعلاوه از حیث دستاورد و نتایج حتی در کشورهایی که به نظر می‌رسد سیاست‌های اجماع واشنگتن باعث رشد اقتصادی آنها شده است، چنین رشدی اغلب با کاهش قابل توجه فقر همراه نبود. .ر.ک به :

- Williamson J. (۲۰۰۲). Did the Washington Consensus Fail? ; Narcis Serra and Joseph E. Stiglitz, The Washington Consensus Reconsidered, Towards a New Global Governance ,Oxford university press ,pp۴-۶.

نئولیبرالیسم می داند و معتقد است که نئولیبرالیسم با دموکراسی سازگاری ندارد، زیرا مردم همواره بر علیه سیاست‌های ریاضت اقتصادی توصیه شده از سوی نئولیبرالیسم در حال طغیان و اعتراض هستند و عاقبت دنبال کردن سیاست های دیکته شده از سوی ثروتمندان ، چیزی جز بندگی نیست : " نابود کردن دموکراسی به نمایندگی از نخبگان" [۱۰۹۲] نگاهی به ارزیابی های برخی از سازمان های بین المللی هم گویای همین واقعیت است. دبیرکل سازمان (OECD) اخیرا در گزارشی با عنوان " نقش این سازمان در مقابله جهانی با فساد "، در ۲۰۱۶ اعلام کرد که رویدادهای سیاسی و اقتصادی اخیر پایه های اعتماد بین دولت ها و شهروندان را متزلزل کرده است و با آنکه می توان تا حدی آن را با وقوع بحران مالی و اقتصادی و افزایش نابرابری ها توضیح داد، اما خود این بحران منتهی به تشدید نابرابری ها ناشی از فساد شده است. پرونده های فساد در بسیاری از کشورها ، اعتماد میان دولت –ملت ها را از بین برده است. همچنین، دبیرکل همین سازمان معترف شد که اجرای نابرابر ضوابط و استانداردهای جهانی در این زمینه بی اعتمادی ها را تقویت نموده و به سطح بین المللی هم سرایت داده است. در نتیجه امروز بسیاری از صاحب نظران و حتی شهروندان عادی ، توانایی مجامع و سازمان های بین المللی و نهادهای جهانی برای ارائه مؤثر اقتصاد جهانی پاک تر و عادلانه تر را زیر سوال می برند. [۱۰۹۳] جوزف استیگلیتز، استاد برجسته اقتصاد در دانشگاه کلمبیا معتقد است، با آنکه صندوق بین‌المللی پول از کشورهای در حال توسعه خواست که صبر و تحمل پیشه کنند و به آنها گفته شد که رشد نزدیک است و اگر سیاست‌های اجماع واشنگتن را کنار بگذارند، تمام درد و رنجی که تجربه کرده‌اند بیهوده خواهد بود. اما حتی قبل آنکه بحران ناشی از این سیاست ها در برخی از کشورهایی که امتیاز بالایی از نحوه عملکرد منطبق با استانداردهای صندوق بین المللی دریافت کرده بودند ، خودش را نشان دهد، آگاهی فزاینده‌ای وجود داشت که برخی از سیاست‌هایی که آنها اعمال کرده بودند ناقص به نظر می‌رسیدند : برای مثال خصوصی‌سازی‌هایی که با فساد همراه بودند و یا منجر به انحصار و رشد تورم برای مصرف‌کنندگان شد. متاسفانه وقتی هم چنین مشکلاتی پیش می‌آمد، صندوق بین‌المللی پول می‌گفت مشکل از خصوصی‌سازی نیست، بلکه مشکل از نحوه اجرای آن سیاست ها بوده است. اما این پاسخ غیر صادقانه بود : آنها از کشورها خواسته بودند که " به سرعت خصوصی‌سازی کنند، مثل اینکه بگویند حتی خصوصی‌سازی ناقص –و هر چه خصوصی‌سازی شتاب‌زده‌تر باشد، با آنکه احتمال نقص آن بیشتر است ، اما ارزیابی آنها این بود که باز بهتر از این است که خصوصی‌سازی به تعویق بیفتد؟! " در هرحال زمانی که کشور به کشور با مشکلات مشابهی در "اجرا" مواجه

۱۰۹۲ - به نقل از خبرگزاری فارس : http://www.farsnews.com

۱۰۹۳ - OECD Strategic Approach to Combating Corruption and Promoting Integrity, ۲۰۱۶

شدند، مشخص شد که ریشه‌های مشکل عمیق‌تر است.[۱۰۹۴]در نتیجه ی همین سیاست های تبعیض آمیز و اعمال نفوذهای سوگیرانه و سیاست های پرمخاطره و مفسده برانگیز توصیه شده توسط نهادهای بین المللی است که نماینده سازمان تجارت جهانی در کنفرانس ملل متحد در سال ۲۰۲۱، اعلام کرد که کشورهای کمتر توسعه یافته هنوز نتوانسته اند به سهم ۱ درصد در تجارت جهانی برسند و در انتهای زنجیره ارزش باقی مانده اند وتا زمانی که سهم این کشورها ارتقا نیابد، وضعیت موجود برای آنها، استمرار فقر و فساد و بیکاری بیشتر در این کشورهاست. واقعیت این است که مناسبات سیاسی و اقتصادی کشورها در سطح جهانی کاملا تبعیض آمیز است و برمبنای فرصت های برابر شکل نمی گیرد. بطور مثال کشورهای بزرگ صنعتی شرایط خود را برای ورود سرمایه هایشان به کشورهای ضعیف یا کشورهای صادر کننده مواد اولیه یک طرفه به آنها دیکته می کنند و یا اجازه حضور و نفوذ محصولات کشورهای ضعیف در بازارهای خود را با شرایطی یک طرفه و نا عادلانه تعیین می کنند و در غالب موارد، بسیاری از کشورهای فقیر و ضعیف یا محروم از امتیازات می شوند و یا مجبور به قبول شرایط قدرتهای اقتصادی بزرگ می گردند.کشورهای ضعیف یا صادر کننده مواد خام حتی در پیمانهای منطقه ای باید نقش طفیلی را بازی کنند و همین که در کلوپ کشورهای قدرتمند و اقتصادهای برتر پذیرفته شوند، احساس غرور می کنند. اخیرا با تحولاتی که در عرصه اقتصاد جهانی شاهد هستیم، مجمع اقتصاد های نوظهور موسوم به بریکس(BRICS) از میان داوطلبان فرآوان عضویت در این پیمان اقتصادی، تنها ایران و عربستان را به دلایل کاملا روشن ، به عضویت در این نهاد پذیرفتند. ایران و عربستان، دو رقیب در اوپک و در بازار عرضه نفت و انرژی هستند و اقتصادهای نوظهور بیش از هر زمان دیگر به انرژی نیازمندند.

متاسفانه در مورد ایران، روابط با جهان و تعامل این کشور با اقتصاد جهانی و با نهادهای بین المللی مالی و پولی به واسطه خصومت میان ایران و آمریکا پر تنش تر و پرچالش تر است. ریچارد نفیو که به اعتراف خودش دستی هم در پرونده تحریم های آمریکا علیه ایران داشته است، در کتابش بنام "هنر تحریم ها" به صراحت عنوان می کند : " مؤسسات مالی بین المللی نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به دلیل نفوذ آمریکا، به صورت خاص ایران را از شمول برنامه های حمایتی خودکنار گذاشته بودند ، یعنی عملاً آمریکا کاری کرده بود که ایران در این نهادهای بین المللی نمی توانست پروژه جدیدی را آغاز کند یا آن را پیش ببرد. بعلاوه شورای امنیت سازمان ملل نیز با هشدارهای مکرر خود در مورد منع افزایش حمایت از قراردادهای سرمایه گذاری و تجاری با ایران، روند جدا کردن این کشور از اقتصاد جهانی را شتاب بخشید."[۱۰۹۵] او در ادامه از پرده پوشی های بانک جهانی

۱۰۹۴ - Narcis Serra and Joseph E. Stiglitz, The Washington Consensus Reconsidered, Towards a New Global Governance ,Oxford university press,p۴۴.

۱۰۹۵ - ریچارد نفیو(۱۳۹۷) ، هنر تحریمها، نگاهی از درون میدان، انتشارات مرکز پژوهش های مجلس-معاونت پژوهشهای اقتصادی ، ص ۵۵.

راجع به وضعیت بغرنج اقتصادی ایران نیز چنین می گوید : " با آنکه صندوق بین المللی پول از این نکته نگران بود که اصلاحات ساختاری که در اقتصاد ایران درحال وقوع بود، کفایت لازم را نداشته و روند خصوصی سازی نیز به نحوی اتفاق می افتاد که شرکت ها و نهادهای مختلف درواقع به دست بازیگران شبه دولتی می افتادند که بعدها مشخص شد بسیاری از این نقش آفرینان به سپاه پاسداران وابسته بودند ، با این همه در گزارش های رسمی صندوق بین المللی پول هیچ نشانه ای از اینکه مشکل جدی در افق اقتصاد ایران وجود داشته باشد دیده نمی شد، .. و این در حالی بود که تحریم ها شرایط زندگی را برای ایرانی ها بشدت سخت تر کرده بود."[۱۰۹۶]

شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می دهد، منطق زورگویی و تحمیل شرایط کما بیش مبنای مناسبات میان کشورهاست و به نابرابری های جهانی دامن می زند و در این مورد ، بویژه ایالات متحده، نه تنها در مواجهه با کشورهایی مانند ایران ، که با آن ناهمسویی ایدئولوژیک دارد، بلکه حتی در مورد کشورهای دوست و یا کشورهای بی آزار و مستقلی که اساسا سطح تنش و اصطحکاکی هم با منافع مستقیم آمریکا ندارند، شرایط خود را مغرورانه ، دیکتاتور مآبانه و سلطه گرانه تحمیل می کند. در همین رابطه AGOA[۱۰۹۷] اذعان دارد که تجارت و سرمایه گذاری می توانند ابزار قدرتمندی برای ارتقای رشد اقتصادی پایدار باشند و تعدادی امتیاز دسترسی به بازار را برای کشورهای جنوب صحرای آفریقا[۱۰۹۸] فراهم می کند. اما برای واجد شرایط بودن جهت دریافت این مزایا، یک کشور SSA باید توسط رئیس جمهور ایالات متحده به عنوان کشور ذینفع تعیین شود. شرایط لازم برای این امر اگرچه به ظاهرممکن است موجه بنماید، اما عملا دست امریکا را برای مداخلات در این کشورها باز می گذارد.[۱۰۹۹] همچنین از نقطه نظر کارکردی ، نهادهایی همچون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در عین حال که به عنوان وام‌دهنده به کشورهایی که نیاز به کمکهای مالی دارند، عمل می‌کنند، از طریق پیش شرط ها و یا برنامه های اصلاحات سیاستی که آنها را برای رشد و توسعه کشورها مناسب می دانند ، از موقعیت چانه‌زنی قدرتمندی برای نفوذ و تاثیر بر سیاست داخلی کشورها بهره مند هستند. به همین جهت سالهاست، به عنوان بخشی از علل عدم موفقیت کشورهای وام گیرنده در فرایند گذار به سوی توسعه مطلوب، انگشت اتهام برخی کارشناسان به

۱۰۹۶ – ریچارد نفیو، همان.

۱۰۹۷ -African Growth and Opportunity Act (U.S.)

بخشی از قانون تجارت و توسعه ایالات متحده مصوب سال ۲۰۰۰ است که شامل دو بخش مهم برای دسترسی ترجیحی به بازار ایالات متحده است. بخش اول این قانون شامل قانون رشد و فرصت آفریقا (AGOA) است که به اصطلاح مزایای تجاری قابل توجهی را برای کشورهای جنوب صحرای آفریقا فراهم می کند(البته با شرایط یک طرفه ای که آمریکا برای آن کشورها تعیین می کند.)

۱۰۹۸ - Sub-Saharan Africa (SSA).

۱۰۹۹ -Bernard Hoekman, Aaditya Mattoo, and Philip English(۲۰۰۲),development trade and the WTO -handbook , The World Bank, p ۱۱۵

جهت نوع اعمال نفوذها و مداخلات این سازمان ها در امور داخلی کشورهای بحران زده ، بسوی نهادهای بین المللی وام دهنده نشانه رفته است.

صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در کنفرانس برتون وودز در ۱۹۴۴ ، با دستورات مربوطه برای حفظ ثبات مالی و مالی بین المللی در پروژه های توسعه تأسیس شدند. در حالی که ماموریت اولیه محدود به مسائل اقتصاد کلان و بطور خاص اهدافی مانند سقف های مخارج بود، اما به ترتیب تا سال ۱۹۷۴ و ۱۹۸۰، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی اصلاحات یکپارچه ای را با هدف بازسازی اساسی اقتصادهای دریافت کننده وام انجام دادند.از آن پس این سازمانها ، تجسمی از "اجماع واشنگتن" یا الگوی توسعه ی "نئولیبرال" شدند و یا بهتر است بگوییم استراتژی‌های رشد مبتنی بر مکانیزم بازار (آزاد)، که از طریق هر دو نهاد ، مستقیما در سطح جهانی ترویج می نمودند و این سیاست را از طریق وضع مقررات در قراردادهای وام و تأثیر از طریق ارایه مشاوره به طور کلی تر دنبال کردند.[۱۱۰۰]

وام های تعدیل ساختاری به کشورهایی که دارای وضعیت مالی وخیم یا اقتصاد کلان دارای تنگنا هستند ، ارائه می شد، در مقابل کشورهای دریافت کننده ملزم به اصلاح اقتصاد کلان خود در ابعاد مختلف و اجرای سیاستهای مالی بر اساس مبانی نئولیبرالی توصیه شده از سوی نهاد وام دهنده هستند که معمولاً بطور منسجم پیرامون ثبات اقتصادی ، آزادسازی تجارت و آزادسازی مالی، مقررات زدایی[۱۱۰۱] و خصوصی سازی[۱۱۰۲] است.[۱۱۰۳] پیش تر راجع به نحوه مواجه صندوق بین الملل پول با کشوری همچون یونان که با بحران بدهی مواجه بود، اشاره کردیم. به استناد برخی از مطالعات و بررسی های تحقیقاتی، پیامد بسیاری از سیاست های توصیه شده از سوی نهادهای اعطا کننده وام به کشورهای در حال توسعه، برای بخش های مختلف خسارت بار بوده است. بی شک بخشی را البته باید به نحوه عمل کارگزاران آن دولت ها در اجرای سیاست های توصیه شده نسبت داد ، ولی بدون شک مسوولیت بخشی از خسارات و زیان ها را هم باید متوجه توصیه ها و برنامه های سازمان ها و موسسات مالی اعتباری بین المللی مانند صندوق بین الملل پول و بانک جهانی دانست. حتی برخی از صاحب نظران خطاهای کارشناسی و مشاوره ای نهادهای مالی بین المللی را به نوعی جرم تلقی کرده اند. [۱۱۰۴] بی شک بدفهمی ها و برداشت های اشتباه و اجرای

۱۱۰۰ -Williamson J. What Washington means by policy reform. In: Latin American adjustment: how much has happened? Washington. DC: Institute for International Economics; ۱۹۹۰. p. ۷–۲۰.

۱۱۰۱ - همانطوری که مقررات زدایی می تواند موجب گشایش در امور گردد، مقررات زدایی افراط گرایانه می تواند منتهی به فساد و انحراف بازار از عملکرد متوازن گردد.

۱۱۰۲ - stabilisation, liberalisation, deregulation, and privatisation

۱۱۰۳ -Thomson et al(۲۰۱۷), Structural adjustment programmes adversely affect vulnerable populations: a systematic narrative review of their effect on child and maternal health, Public Health Reviews ۳۸:۱۳

۱۱۰۴ -Thomson et al(۲۰۱۷), Ibid.

نادرست و توام با مفسده و بی نظمی در برنامه های اصلاحات ساختاری توسط کارشناسان اقتصادی کشورهای دریافت کننده وام ها و مشاوره ها نیز باید در زمره جرایم اقتصادی آن دولت ها لحاظ گردد.

برنامه‌های اصلاحات ساختاری اولیه در طول بحران‌های بدهی دهه ۱۹۸۰ در کشورهای با درآمد کم و متوسط پیشنهاد شد. همچنانکه اشاره شد ، بسته‌های اصلاحی تعدیل اقتصادی حول چهار اصل اساسی نئولیبرالیسم تمرکز یافته اند : ثبات اقتصادی، آزادسازی، مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی. تثبیت به سیاست هایی اشاره دارد که به دنبال محدود کردن نوسانات نرخ ارز، کنترل نرخ تورم و تراز پرداخت ها منوط هستند. آزادسازی شامل اقداماتی است که برای تسهیل جریان آزاد تجارت و نقل و انتقال آزاد سرمایه طراحی شده اند، مانند حذف تعرفه ها و ایجاد مناطق آزاد تجاری با هدف گسترش آزاد تجارت و توسعه اقتصادی مناطق و تسهیل در سرمایه گذاری های مفید اقتصادی. مقررات زدایی شامل حذف بوروکراسی زاید دولتی در مقابل شیوه های تجاری، مانند مقررات در قانون روابط کار است و بالاخره خصوصی سازی که به انتقال مالکیت یا مدیریت بنگاه اقتصادی از دولتی به مالکیت خصوصی را توصیف می کند و در نتیجه رقابت و کارایی بازار را تقویت می کند.

گزارش های بانک جهانی عدم موفقیت این برنامه ها را در اغلب موارد تایید می کنند. بطور مثال در یکی از این گزارش ها آمده : " هدف ایجاد یک طبقه متوسط صاحب دارایی قوی از طریق فرآیند خصوصی سازی در کشورهای مورد بررسی به دلایل مختلفی محقق نشد. اولا برنامه‌هایی که برای حمایت از خرید اموال دولتی توسط کارمندان و مشاغل کوچک در نظر گرفته شده بود، و موضوع واگذاری به بخش خصوصی در مقیاس کم و متوسط را در بر می گرفت ، ضعیف بود، بعلاوه دولت‌ها که ظاهراً به این هدف متعهد نبودند، برای تضعیف مخالفان خصوصی‌سازی از سوی این گروه‌های اجتماعی، کاری بیش از سخن گفتن انجام ندادند. مشکلات فنی نیز وجود داشت که منجمله می توان به نبود بازار سرمایه منسجم و مناسب اشاره کرد."[۱۱۰۵] در مجموع فرایند خصوصی سازی در اغلب کشورها مفسده آمیز اجرا شد. مشخص شد که دولت ها فرآیندهای خصوصی سازی را ضعیف مدیریت کرده اند. شفافیت در روش های واگذاری وجود نداشت و رویه ای که برای خصوصی‌سازی شرکت‌ها اتخاذ شده بود ، معمولاً شامل یک رویکرد از بالا به پایین برای تنظیم قوانین بود و جای تعجب نیست که منافع خصوصی‌سازی تقریباً به طور کامل به سمت کسانی که این فرآیند را مدیریت می‌کنند سرازیر شده و در نتیجه توزیع ثروت را بدتر کرده است. تعدیل نیروها، که معمولاً با فرآیند خصوصی سازی همراه است، سطح اشتغال ملی را کاهش داد، نابرابری ها را افزایش داد و فقرا به طور کلی در وضعیت بدتری قرار گرفتند.[۱۱۰۶]

۱۱۰۵ - SAPRIN (۲۰۰۴),Ibid,p ۱۲۶
۱۱۰۶ - Ibid,p ۱۲۸.

در پاسخ به انتقادات گسترده از این مدل توسعه در طول دهه ۱۹۹۰ ، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی مدعی شدند که جهت‌گیری خود را با ترکیبی از برنامه ها و اقدامات حمایتی از فقرا و رفع فقر تغییر ماهیت داده اند.[۱۱۰۷] با این حال، مطالعات اخیر نشان می دهد که این تغییرات صوری و ظاهری در عمل تغییر و تحولات چندانی در ماهیت اهداف نئولیبرالیستی و سرمایداری مدرن ایجاد نکرده است و بر خلاف شعارها، توصیه ها و پیش شرط های گذاشته شده ، همچنان به پیشبرد مفهوم نئولیبرالی از توسعه اقتصادی منتهی می شوند.[۱۱۰۸]

براساس تحلیل و بررسی (ایفونی ایزونی، ۲۰۱۸) ، برنامه تعدیل ساختاری در قاره آفریقا در طراحی و تأثیر و پیامد جرم زا بوده است. زیرا اخراج گسترده کارگران از خدمات دولتی و کاهش درآمد کسانی که از تعدیل جان سالم به در می برند، از طریق یک سیاست همزمان کاهش ارزش پول برای کشورهای مربوطه را ترویج و تضمین می کند. پیامدهای این سیاست هم برای کارگران و هم خانواده هایشان پر مخاطره بوده است. چالش‌های مالی ناشی از چنین سیاست‌هایی، کارگران تعدیل‌شده و کارگران با دستمزد پایین را مجبور می کند تا به دنبال روش های جایگزین برای امرار معاش دور از خانواده‌های خود باشند. بار عاطفی، مالی و سلامتی چنین مهاجرت هایی غیرقابل ارزیابی است. (O'Manique۲۰۰۴)، به عنوان مثال، چنین تصمیمات مهاجرتی به تشدید HIV و همه گیری ایدز در این قاره منتهی شده است، رقم کارگران جنسی تجاری را افزایش داده است. کارگران مهاجر در حالی که همسران خود را در خانه رها می کنند، در گیر مشکلات این بیماری شده ، در معرض عفونت HIV قرار می گیرند وآن را به همسران خود منتقل کنند. به همین ترتیب، همسرانی که در خانه تنها گذاشته می شوند ممکن است مستعد شوند برای حمایت عاطفی یا مادی خود به روابط خارج از ازدواج بپردازند. (بکر، ۱۹۹۰؛ هانتر، ۱۹۸۹؛ برومر، ۲۰۰۲ را ببینید). چنین فعالیت های جنسی شناخته شده ای برای بقا در کشورهایی مانند گامبیا و جامائیکا انجام می شود، جایی که برنامه تعدیل ساختاری ویرانی به بار آورده است. فراتر از چنین فعالیت هایی که در میان شهروندان فقیر و ثروتمندتر انجام می شود، این کشورها از جمله تعداد فزاینده ای از اقتصادهای فقیری هستند که سیاست های نئولیبرالی محیطی مناسب را برای گردشگران جنسی غربی در آنها ایجاد کرده است تا از افراد دارای تنگناهای مالی از هر دو جنس، از جمله افراد زیر سن قانونی سوءاستفاده جنسی کنند.[۱۱۰۹]

در اوایل دهه ۱۹۹۰، بین اقتصاددانان و دانشمندان علوم سیاسی این اتفاق نظر ایجاد شد که شکست توسعه اقتصادی در بسیاری از کشورهای آفریقایی و آسیایی باید به طریق دیگری توضیح داده شود. در سال ۱۹۹۲، بانک جهانی گزارش خود در مورد شیوه حکمرانی و توسعه را منتشر کرد که در آن توجه خود را بر موضوع حکمرانی به عنوان

۱۱۰۷ - Moghadam R. Creating policy space—responsive design and streamlined conditionality in recent low-income country programs. Washington, DC: International Monetary Fund; ۲۰۰۹

۱۱۰۸ - Thomson et al. Public Health Reviews (۲۰۱۷) ۳۸:۱۳

۱۱۰۹ - Ibid,Market criminology ,p۷۰

پیش شرط ضروری برای توسعه متمرکز نمود. در آن گزارش، بانک جهانی معنای حکمرانی و چرایی اهمیت آن برای توسعه پایدار بلندمدت را بررسی کرد. این بانک حکمرانی را به معنای شیوه اعمال قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور برای توسعه تعریف کرد. گزارش ۱۹۹۲ بانک جهانی به این نتیجه رسید که اگر قرار است توسعه پایدار اتفاق بیفتد ، باید یک چارچوب شفاف و قابل پیش بینی از قوانین و نهادها برای انجام مشاغل دولتی و خصوصی وجود داشته باشد.

اینکه چرا بانک جهانی برای توضیح شکست برنامه های توسعه در کشورهای مختلف، و ناتوانی در کاهش فقر و فساد و تبعیض که ریشه های بروز جرایم مختلف هستند ، انگشت اتهام را بسوی شیوه حکمرانی دولت ها دراز می کند و متقابلا نخبگان سیاسی و دانشگاهی در دولت های فقیر یا در حال توسعه ، علل شکست برنامه های توسعه را به ارشادات و توصیه های سازمان های بین المللی همچون بانک جهانی و صندوق بین الملل پول متوجه می دانند، به نظر می رسد نوعی فرار از زیر بار قبول مسوولیت شکست از سوی هردوی آنها باشد. برخی بد بینانه معتقدند تجویز بایسته های نظام لیبرال دموکراسی در بسته بندی جدیدی بنام شیوه مطلوب حکمرانی برای کشورهای در حال توسعه ، می تواند تلاشی از سوی این نهادهای بین المللی برای پیشبرد برنامه ی جهانی کردن نئولیبرالیسم تلقی شود. متاسفانه بی اعتمادی در سطح بین المللی و توهم توطئه از هر سوی اردوگاه های رقیب ، به پیچیدگی بیشتر مسائل سیاسی و امنیتی در جهان منتهی شده که پیامد آن، بین المللی شدن ابعاد مختلف جرم، فساد، خشونت و گسترش نابرابری و جنگ و افراط گرایی و رشد تروریسم بوده است.

اگرچه تقریبا تمام کشورهای جهان تلاش دیپلماتیک خود را در چارچوب منافع ملی خویش، و در سایه ی همکاریهای بین المللی با سایراعضای جامعه جهانی معطوف به ایفای نقش مکمل و بازی سازنده در چارچوب قواعد پذیرفته شده و مورد توافق جهانی و همگانی جهت دستیابی به دنیایی امن و آباد ، قرار داده اند و برای این منظور سازو کارهای بین المللی لازم پیش بینی شده است که سازمان ملل و مهمترین نهاد اثر گذار آن شورای امنیت سازمان ملل نمادهای برجسته آن هستند. چنانکه می دانیم روندهای جهانی صلح و رفاه محصول همکاریهای بین المللی دولت – ملت ها در سطح جهانی است، و روند های مخرب و ضد صلح نیز حاصل رقابتهای غیرسازنده و صف بندی های قدرت های بزرگ و اقمار آنها مقابل یکدیگر است. به باور بسیاری کارشناسان ، وفاق، همدلی و مشارکت سازنده در روندها و نرم های جهانی، از طریق انطباق و سازگاری با قواعد مورد پذیرش اکثریت اعضای جامعه ی جهانی، تلاش درخورستایشی است که تامین کننده منافع ملی هر کشور است و هر اقدامی برخلاف آن تحمیل هزینه و از دست دادن فرصت و برهم زننده صلح و امنیت جهانی خواهد بود. از مصادیق این اقدامات دیپلماتیک ، تلاش در انطباق پذیری و عضویت در سازمان های بین المللی و پذیرش قوانین و مقررات و کنوانسیون های بین االمللی است. بدون شک این همکاری های در سطح بین المللی می تواند، امنیت و ثبات و آرامش در

سطح جهانی را به همراه آورد و از جرم ، فساد ، نا امنی و خشونت و جنگ و ترور در سطح بین المللی بکاهد. اما پرسش این است که چرا به رغم این عقلانیت جمعی ما همچنان در دنیای امروز با انواع تهدیدهای امنیتی از قبیل جنگ، ترور، و چالش های برهم زننده صلح و رفاه ، یعنی بی عدالتی، نقض حقوق بشر و جرم و جنایت و فساد مواجه هستیم . به نظر می رسد میزان و سطح همکاری های بین المللی ناکافی ، روابط غیرصادقانه و بعضا خصمانه، یا شکننده و در معرض تهدید است و توسعه و امنیت جهانی از سوی نیروهای اهریمنی و مخربی که یا با هرگونه همکاری در سطح بین المللی مخالف هستند ودست به یکه تازی و یاغی گری در دنیا می زنند، و یا زیاده خواهی و استکبار و تمامیت خواهی می ورزند و تمایل دارند خواست و اراده خود را به دیگر ملل تحمیل کنند، مورد تهدید است. برای حل مسائل بزرگ تر ابتداء باید ماهیت و ابعاد این چالش را شناخت و راه مواجه با آن را دریافت. بی شک تقویت و اصلاح ساختار در نهادهای امنیتی در سطح بین الملی همچون شورای امنیت سازمان ملل و جلب همکاری های بین المللی همه اعضای ملل متحد و ایجاد ائتلاف های جهانی علیه خشونت و ترور و جنایت ، مهمترین گزینه پیش رو برای مقابله با هرگونه تهدید و خطر امنیتی در جهان است.

هم اکنون صلح ، عدالت و امنیت بین‌الملل با تهدیدهای بالقوه و بالفعلی نظیر تروریسم، نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی، سرکوب‌های خشن دولت‌های خودکامه و غیره در معرض تهدید قرار دارد. به این جهت تقویت جایگاه نهادهای بین‌المللی نظیر شورای امنیت سازمان ملل متحد که از یک سو مورد اجماع جهانی باشند و نظریات و مصوبات آنها لازم‌الاجرا باشد و از سوی دیگر ابزار و قدرت مقابله با موضوعات نقض کننده امنیت و عدالت کیفری بین‌المللی را داشته باشند می‌تواند به عنوان یک راهکار متناسب تلقی گردد. شورای امنیت با استفاده از ابزارهایی نظیر مسئولیت و حمایت و همینطور ظرفیت ارجاع پرونده‌های خاص به دیوان کیفری بین‌المللی و همینطور حق توسل به نیروی نظامی و انتساب آن به سازمان ملل که مورد اجماع کشورهای جهان می‌باشد، می تواند علیه مظاهر تهدید کننده عدالت و امنیت کیفری بین‌المللی وارد عمل گردد، که مصادیق مختلفی از آن به رغم برخی انتقادات ، در پرونده‌های رواندا، یوگسلاوی، لیبی و عراق قابل توجه است. به نظر می رسد لازم است در سازوکار همکاریهای بین المللی دولت ها نیز اصلاحاتی انجام شود که بتواند ریشه های بی اعتمادی را از میان بردارند. اراده ی سازمان های بین المللی، نمی بایست چیزی جز اراده واقعی اکثریت اعضای آن باشد و نباید فساد و زد و بند و خرید و فروش رای و لابی گری های مفسده آمیز درآنها نشر و گسترش یابد. استقلال عمل و رای دولت ها باید در همگرایی کامل با راه حل های جهانی باشد و هر دولت بتواند به اندازه سهم و نقش خود در سطح بین المللی اثرگذار باشد. بدون شک ارزشهای دموکراتیک و اصول حکمرانی مطلوب اول از همه باید در نحوه ی اداره خود سازمان ها و نهادهای بین المللی حاکمیت یابد. مسوولیت وماموریت

هیچیک ازسازمان های بین المللی نمی بایست تحت نفوذ و تاثیرگذاری جانبدارانه قدرت های بزرگ ، بویژه تحت الشعاع منافع هریک از پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل و یا سایر قدرت های نوظهور قرار گیرد.

در سطح ملی نیز می توان استدلال کرد که حکمرانی خوب به سه بازوی اعمال حاکمیت یعنی قوه مجریه، مقننه و قضائیه و اصل تفکیک قوا نیاز دارد. این سه بازو باید مستقل از یکدیگر و به صورت شفاف کار کنند. به دنبال رهبری بانک جهانی، اکنون یک اجماع عمومی به وجود آمده است که حسن زمامداری یا حکمرانی خوب (good governance) یک عنصر مهم در فرآیند پیچیده اصلاحات و تحولات اقتصادی است. پس انداز و سرمایه گذاری و اقدامات کنترل جمعیتی نمی توانند توسعه را بدون مدیریت کارآمد منابع و از رهگذر حکمرانی خوب محقق نمایند. برای دستیابی به یک روند بلندمدت توسعه ، داشتن یک مدیریت باز، شفاف و پاسخگو و عاری از فساد ضروری است. به عبارت دیگر، حکمرانی خوب کلید توسعه پایدار معرفی شده است.[۱۱۱۰]

شاعر نامدار پارسی، سعدی شیرازی هفتصد سال پیش می فرمایند: "دوصد گفته چو نیم کردار نیست."، همایش و سخنرانی و کنفرانس های زیادی با موضوع مبارزه با فساد چه در مقیاس ملی و چه درسطح بین المللی با حضور افراد شاخص و توسط سازمان ها بین المللی برگزار می گردد که در همه آنها سخنرانان از شخصیتهای برجسته تا نمایندگان کشورهای مختلف از ضرورت مبارزه با فساد و برقراری صلح و عدالت و امنیت سخن می رانند، اما در عمل مسیر دیگری طی می شود. اخیرا در کنفرانس ملل متحد برای مقابله با فساد در ۲۰۲۳ ، نماینده هر کشوری از تلاش و برنامه های خودش برای مبارزه با فساد گزارش می داد. نمایندگان سازمان های بین المللی هم از دغدغه های خود در باره صلح و عدالت ، چالش های محیط زیست و تلاش ها و برنامه هایشان برای مبارزه با فساد و جرایم سازمان یافته از قبیل تروریست و پولشویی می گفتند. وزیر اقتصاد و برنامه ریزی عربستان در همین کنفرانس به حاضرین چنین گزارش می دهد : " صندوق عربستان سعودی بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۲۲ برای تامین مالی پروژه‌های توسعه در ۳۵ کشور از فهرست کشورهای کمتر توسعه یافته ، عمدتاً آسیایی و آفریقایی، ۳۳۰وام پروژه به ارزش ۶,۲۶ میلیارد دلار ارائه کرده است. " گزارش هایی مانند این برگ افتخاری است درکارنامه کشورهایی که در راستای صلح و عدالت و توسعه ، تلاش بین المللی قابل ستایشی را انجام می دهند، اما وقتی در کنار چنین گزارشی، اخبار ائتلاف به رهبری عربستان در کشتار غیر نظامیان در یمن مخابره می شود و یا حمایت های این کشور از افراط گرایان مذهبی درآفریقا شنیده می شود و یا فساد و زد و بند شاهزاده های سعودی در بازار تجارت اسلحه را می خوانیم، تمام آن تصاویر امید بخش در ذهن ما، مخدوش می گردد. چنانکه در گزارشی می خوانیم :" نقش شاهزاده بندر در واشنگتن و لندن منحصر به فرد بود : دیپلمات و صلح طلبی فوق العاده که چمدان بدست برای عملیات های مخفی سیا و دلالی اسلحه نقش ایفا می کند. او رابطه ویژه ای بین واشنگتن، ریاض و لندن ایجاد کرده

۱۱۱۰ - R.N. Ghosh ,Corruption, good governance and economic development,p۵

و در این فرآیند ثروت بسیار زیادی را برای خود دست و پا کرده است. ایرباس ۷۵ میلیون پوندی که به رنگ های کابوی ها دالاس محبوب شاهزاده رنگ آمیزی شده است. هدیه ای از سوی شرکت تسلیحاتی بریتانیایی BAE Systems است. این نشانه قدردانی از نقش شاهزاده، به عنوان پسر وزیر دفاع کشور، در بزرگترین معامله تسلیحاتی بود که جهان به خود دیده است. قرارداد الیمامه[۱۱۱۱] "کبوتر" - که در سال ۱۹۸۵ بین بریتانیا و عربستان سعودی امضا شد و بیش از ۴۰ میلیارد پوند ارزش داشت. این احتمالاً فاسدترین معامله در تاریخ معاملات سلاح بوده است.[۱۱۱۲] بیش از یک میلیارد پوند به حساب های تحت کنترل بندر واریز شد. بخش قابل توجهی از بیش از یک میلیارد پوند به حساب های شخصی و سفارت عربستان سعودی در بانک ریگز[۱۱۱۳] در مقابل کاخ سفید واریز شد. خیابان پنسیلوانیا، واشنگتن دی سی. بانک منتخب با رئیس جمهور، سفرا و سفارتخانه ها با سازمان سیا و با چندین کارمند بانکی که دارای مجوز امنیتی کامل آژانس بودند ، روابط نزدیکی داشت. جاناتان بوش، عموی رئیس جمهور، در آن زمان یکی از مدیران ارشد بانک بود. اما بانک ریگز و کاخ سفید از افشای اینکه از سال ۱۹۹۹ به طور ناخواسته از حساب همسر شاهزاده بندر به دو نفر از پانزده سعودی که در بین هواپیماربایان ۱۱ سپتامبر بوده اند، پولهایی واریز شده است، حیرت زده شدند.[۱۱۱۴] در بخش های دیگر این کتاب از سایر اقدامات مفسده آمیز و مجرمانه شاهزادگان سعودی و سایر مقامات و سیاستمداران دیگرکشورهایی که هریک خود را مدافع حقوق بشر، منادی آزادی در جهان ، پیام آور صلح و امنیت و عدالت و یا مدافع مستضعفین عالم معرفی می کنند، گفته خواهد شد.

تجربه اندونزی در برنامه تعدیل اقتصادی

در زمان دولت سوهارتو(دیکتاتوری نظامی)، شرکت های تحت مالکیت دولت[۱۱۱۵](SOE) به عنوان (گاوهای شیرده)[۱۱۱۶] شناخته می شدند و درجهت تامین مالی رژیم و ثروتمند کردن مقامات دولتی مورد بهره برداری واقع می شدند. با توجه به این توصیه های کارشناسی که کاهش نقش دولت در اقتصاد می تواند هم عملکرد را بهبود بخشد و هم فساد را کاهش دهد، دولت دموکراتیک اندونزی ، تحت دستورالعمل سیاست صندوق بین المللی پول (صندوق بین المللی پول)، شروع به خصوصی سازی برخی از شرکتهای دولتی در سال ۱۹۹۹ کرد. دیدگاه عمومی

۱۱۱۱ - Al Yamamah

۱۱۱۲ - Paul Holden &Barnaby Pace(۲۰۱۱) ,The Shadow World: Inside the Global Arms Trade, Published by the Penguin Group, p۱۵

۱۱۱۳ - Riggs Bank

۱۱۱٤ - Paul Holden &Barnaby Pace(۲۰۱۱), Ibid

۱۱۱٥ - State Owned Enterprises

۱۱۱۶ - Cash cow: اصطلاحی حرفه‌ای در ادبیات سرمایه‌گذاری تجاری است که آن : سرمایه بازدهی ثابتی دارد، بسیار بیشتر از هزینه نقدی مورد نیاز برای خرید یا شروع به ایجاد آن. بسیاری از کسب‌وکارها تلاش می‌کنند چنین سرمایه‌گذاری‌هایی را ایجاد کنند یا خریداری کنند، زیرا می‌توان از آنها برای افزایش درآمد کلی شرکت و حمایت از تلاش‌های کم‌سود دیگر کسب‌و کارها استفاده کرد. اصطلاح گاو نقدی استعاره‌ای از گاو شیردهی است که در مزارع برای تولید شیر استفاده می‌شود و جریان ثابتی از درآمد را با هزینه نگهداری معین ارائه می‌دهد.

این بود که خصوصی‌سازی ضروری است و اظهار نظرهای رسمی متعددی در مورد برنامه‌های تجدید ساختاراقتصادی و برنامه‌های خصوصی‌سازی ارائه گردید. در طول دهه اول دموکراسی‌سازی و مردم سازی اقتصاد ، سالانه حدود ۱۰ تا ۱۵ شرکت دولتی برای خصوصی‌سازی صف می کشیدند. بر اساس مشورت صندوق بین‌المللی پول، دولت معمولاً در بخش‌های مخابرات، معدن، سیمان، صنایع هوایی و دریایی(فرودگاه ها و بنادر)، جاده‌های عوارضی، فولاد، مزارع، نقشه‌برداری و تجارت دارویی ، اقدام به خصوصی‌سازی می‌کرد.اما واگذاری ها به بنگاه های اقتصادی دولتی محدود نماند و دولت وارد فاز واگذاری قدرت از طریق ایجاد نهادهای حکومتی مستقل فرا دولتی شد. سیاست تمرکز زدایی در داخل دولت ، یکی از مهم‌ترین اصلاحاتی بود که اندونزی از طریق آن قدرت را به نهادهای مستقل مردمی همچون شوراهای محلی و منطقه ای و سازمانهای مردم نهاد واگذار کرد. آن دسته از وظایف دولتی که قبلاً تحت اختیار دولت بود به نهادهای مردمی واگذار شدند و معمولاً مؤسسات تحت مقررات تشکیل می‌شدند و اعضای آن‌ها از طریق فرآیندهای گزینش با نظارت دولت و قوه مقننه به موقعیت خود دست یافتند. اعضای مؤسسات معمولاً نمایندگان تشکل های مدنی، گروه‌های حرفه‌ای و گاهی هم دولت هستند. اندونزی تاکنون حدود ۴۶ نهاد انتقالی و فرادولتی ایجاد کرده است که نسبتاً مستقل از دولت هستند. آنچه عملا در اندونزی رخ داده است تلاش دولت برای بازگرداندن حاکمیت به مردم از طریق به رسمیت شناختن حقوق شهروندی و حق مشارکت واقعی مردم در فرایند انتخابات عمومی بوده است.

اما علیرغم دستاوردهایی که در تدوین نهادهای اساسی دموکراتیک حاصل شده و به رغم تلاش برای تقویت چارچوب های پاسخگویی که در بالا توضیح داده شد گزارش ها نشان می دهد حاکمیت در اندونزی هنوز هم قادر به مقابله با فساد نبوده است.هورنیک (۲۰۰۱: ۹) بیان می کند، شواهد زیادی نشان می دهد فساد در دوران پس از سوهارتو علیرغم مجموعه عظیمی از قوانین وضع شده که آن را ممنوع می کند، و با وجود چندین پیگرد قانونی موفق و مشهور مقامات فاسد همچنان در همه جا وجود دارد. اگرچه اصلاحات انجام شده، به بخش‌های خاصی از مشکل فساد پرداخته‌اند، اما شکست‌ها مشهود است. نشانه های بسیاری نشان می دهد که فساد همچنان گسترده است، سیستمی شده و در قدرت و ساختار اجتماعی کشور ریشه دوانده است.[۱۱۱۷]

تجربه ایران در برنامه تعدیل اقتصادی و فسادهای مترتب برآن :

مشابه تلاشی که در اندونزی و بسیاری از کشورهای مورد مشورت صندوق بین المللی پول و کارشناسان مربوطه صورت گرفت، در ایران بعد از پایان جنگ هشت ساله، و برگشتن امنیت و آرامشی نسبی به داخل کشور و تثبیت نظام جمهوری اسلامی، برنامه های اصلاحات اقتصادی از دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی تحت عنوان دولت سازندگی آغاز شد. پس از آن در دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی با شعار توسعه سیاسی و با

۱۱۱۷ - R.N. Ghosh & Md Abu Bakar Siddique,Ibid, p۲۲۷-۲۲۹

بحث انتخابات شوراهای شهر و روستا اصلاحاتی چند ادامه پیدا کرد، اما نه خصوصی سازی بنگاه های اقتصادی و نه واگذاری قدرت به نهادهای مدنی هرگز بصورت واقعی شکل نگرفت. زیرا رویکرد حاکمیت بر واگذاری حقیقی قدرت و اختیارات به مردم نبود ، بلکه تنها بر واگذاری وظایف و امور تصدی گری برخی فعالیتهای اقتصادی و مشارکت سیاسی محدود و کنترل شده مردم تاکید داشت، بخش هایی از حاکمیت حتی از مشارکت بالای مردم در انتخابات ریاست جمهوری همان سال ها که محمد خاتمی در آن با رای بالغ بر بیست میلیون نفری انتخاب شد، به نوعی احساس وحشت و ابراز نگرانی کردند. به هر روی فرایند مردم سالاری به رغم شعار در عمل هرگز محقق نشد و دولت های بعدی نیز همچنان سیطره خود را برهمه شئونات اقتصاد و سیاست حفظ کردند.
ایرانیانی که در حافظه تاریخی خود تجربه تلخ رژیم های استبدادی و دیکتاتوری را داشتند، با یک انقلاب پر هزینه، و تحمل هزینه های جنگی هشت ساله، بعد از جنگ و در بدو اجرای برنامه های تعدیل اقتصادی، با حکومتی اسلامی که منادی عدالت در جامعه و مدافع حقوق محرومین و مستضعفین بود، مواجه بودند. اغلب مردم امید و انتظار و برخی حتی ایمان داشتند به اینکه این کارگزاران نماز شب خوان، جبهه و جنگ و جهاد رفته ، بعد از این همه خون های ریخته شده پای ارزشهای انقلاب، به آرمان های آن که استقلال و آزادی جز لاینفک آن بود، خیانت نخواهند کرد و به نحوی اجرای برنامه تعدیل ساختاری در اقتصاد توسط دولت اعتماد نمودند، اما به تدریج در روند اجرای برنامه ها و با انعکاس پیامدهای آن سیاست ها بر روی زندگی و معیشت خودشان دریافتند، دولتهایی که در قالب اجرای برنامه های توسعه اقتصادی وتعدیل ساختاری به کار توزیع مجدد ثروت و منابع درکشور مشغول هستند، کاملا جانبدارانه و با معیارهای غیر شفافی چون خودی و غیر خودی، اموال و منابع و ثروت های ملی و عمومی را میان بستگان و وابستگان و نوچشمی های خودشان تقسیم و توزیع می کنند. در این بلبشوی تقسیم و توزیع بی ضابطه، عده ای هم برای اینکه از قافله عقب نمانند ، یا خود را انقلابی دو آتشه جا زدند و یا خود را به هر طریقی به مقامات و مراکز قدرت و نفوذ در درون حاکمیتی که اکنون دچار لغزش و فساد شده بود، وصل کردند، تا از خوان گسترده شده بهره ببرند و بی نصیب نمانند و بدین گونه بود که فساد و جرم و بی قانونی و زد و بند و رانت و لابی گری ، سکه رایج در مناسبات اقتصادی ایران شد و به این ترتیب ، برنامه اصلاحات ساختاری که در لوای برنامه های پنج ساله توسعه کشور بعد از پایان جنگ ، تعقیب و دنبال شدند هیچگاه به کارآمدی و اثر بخشی و رشد مثبت و پایدار اقتصادی در کشور نیانجامید، بلکه فساد و رانت را در دولت گسترده تر از شرایط زمان جنگ کرد. در پی برنامه تعدیل ساختاری، عمده کارشناسان دولتی و مقامات سیاستگذار اقتصادی در کشور تعمدا یا ناآگاهانه، مفهوم آزادسازی اقتصادی را صرفا به آزاد سازی قیمت ها محدود و تقلیل داده اند که در پی آن عملا کلید واژه آزاد سازی قیمت ها به معنای افزایش قیمت ها هم سنگ با قیمت های جهانی تفسیر و ترجمه می شد، بی آنکه هزینه هایی مانند دستمزد کارگران نیز به قیمت های جهانی تعدیل گردد. استمرار این سیاست رانت جویانه

، موجب شد که در مورد بسیاری از کالاهای اساسی هر ساله روندی فزاینده از افزایش یکباره و چند صد درصدی در قیمتها منجمله در حامل های انرژی و سوخت و اثرات آن بر دیگر اقلام و کالاها و خدمات اقتصادی تجربه شود که در نتیجه ی آن ، به باور بسیاری از اقتصاددانان آگاه به شرایط ، اقتصاد ایران هم اکنون در مرز ابرتورم گرفتار آمده است. در مورد خصوصی سازی، آنچه عملا انجام شد، واگذاری واحدهای تولیدی صنعتی و بعضا زیر ساختی به شرکت هایی بود که ماهیت شبه دولتی داشتند و یا اعضای هیئت مدیره و مدیران آنها اغلب از بستگان و وابستگان و آشنایان دور و نزدیک و یا گماشتگان مقامات سیاسی درون حکومت بودند که در نتیجه ی آن اغلب واحدهای صنعتی واگذار شده ورشکسته و تعطیل و مستهلک شده ، اموال و املاک و ماشین آلات آنها فروخته شده و کارکنان آنها بیکار ، بازخرید و یا بازنشسته زود هنگام شده ند که پیامدهای خسارت باری برای اقتصاد کشور و برای صندوق های بیمه ای همچون بیمه تامین اجتماعی داشته است. خصوصا بررسی و ارزیابی تجربه خصوصی سازی در اقتصاد ایران بعد از انقلاب اسلامی، بسیار دردآور و زجرآور است و جا دارد برایش مرثیه خوانی کرد و البته مرثیه خوانی هم شده است. چه خیانت ها و چه غارتگری ها شده و چه سرمایه هایی که تلف شده و چه کارگران و مهندسان و متخصصانی که بیکار شده اند. جالب اینکه سیاستگذاران و مدیران دولتی اغلب بدون آنکه نامی از خصوصی سازی به عنوان یکی از ارکان اصلی راهبردهای سیاست تعدیل اقتصادی توصیه شده از سوی نهادهایی همچون صندوق بین الملل پول و یا بانک جهانی ببرند ، این برنامه را تحت عنوان سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ابلاغی رهبر انقلاب مطرح کردند تا شائبه دنباله روی از توصیه های نئولیبرالیسمی از سوی منتقدین مطرح نشود و مسئوولیت های سیاسی کمتر متوجه مجریان گردد و اصل برنامه تعدیل ساختاری موجه تر و پذیرفته شده تر و البته انقلابی تر به پیش برده شود ، ولی عملا نه آن اهداف سیاست های کلی اصل ۴۴ اجرا شد و نه حتی آن راهبرد خصوصی سازی توصیه شده توسط کارشناسان صندوق بین المللی پول ، که منجمله پیش شرط لازم برای عضویت در سازمان تجارت جهانی نیز ارزیابی می شد.[۱۱۱۸] نتیجه اینکه امروز عملا همچنان حدود هفتاد درصد اقتصاد ایران دولتی و شبه دولتی است و دولت به عنوان یک کارفرمای بزرگ همچنان زیر بار کسری بودجه ناشی از تحمیل هزینه های مختلف این سیاست مجبور است دست در جیب مردم بکند و فشار تورمی زیادی بر مردم وارد کند تا با همان ناکارآمدی که خصیصه موسسات و نهادهای دولتی و شبه دولتی است، به اداره امورکشور بپردازد. عملا بخش خصوصی مستقلی هنوز شکل نگرفته است و بخش عمده ای از آنچه تحت عنوان

۱۱۱۸ – سازمان تجارت جهانی به کشورهای در حال توسعه مدت ده سال و به کشورهای پیشرفته پنج سال مهلت داد تا سیاست‌های تعدیل اقتصادی را جهت سامان دهی اقتصادی به انجام برسانند و پس از آن موضوع پیوستن آن کشورها مورد تایید قرار گیرد. با توجه به‌اینکه‌ایران به طور رسمی در سال ۱۹۹۷ تقاضای عضویت داده است، مهلت ایران جهت انجام سیاست‌های تعدیل سال ۲۰۰۷ بود، بنابراین تنها زمان محدودی فرصت وجود داشت تا شرایط ایران با شرایط سازمان تطبیق پیدا کند.این شرایط همچنان تاکنون تحقق نیافته است ، ولی ایران ظاهرا با تلاش های دیپلماتیک توانسته به عضویت ناظر سازمان درآید.

بخش خصوصی در اقتصاد ایران وجود دارد، (خصولتی) هایی هستند که انگل وار به دستگاه های دولتی چسبیده و وابسته به دولت هستند و به نوعی از بودجه عمومی ارتزاق می کند.

(مرادی و همکاران،۱۴۰۱) در مقاله ای با عنوان " اقتصاد سیاسی رانت گرا و خصوصی سازی در ایران پس از انقلاب اسلامی"، ضمن مروری بر روند خصوصی‌سازی در ایران نشان می دهند که در نتیجه ی ۳۰ سال تلاش به اصطلاح برنامه ریزی شده برای کوتاه کردن دست دولت در اقتصاد، امروز نه تنها مردم مالک شرکت‌های بزرگ نیستند، بلکه دولت نیز از اداره آن‌ها و کنترل بخش قدرتمندی از اقتصاد کشور محروم است و بخشی بنام شبه دولتی درکنار بخش دولتی و خصوصی تشکیل شده است. مطالعه ی آنها با استفاده از روش نظری-تحلیلی و مبتنی بر نظریه "خشونت و نظم اجتماعی" داگلاس نورث، جان جوزف والیس و بری وینگا که بر توزیع آگاهانه رانت در بین نخبگان به صورت محدود استوار است، انجام شده است و سعی در یافتن پاسخی برای این سوال نموده اند که چه چیزی باعث انحراف خصوصی سازی و واگذاری اموال دولتی که سرمایه ملی محسوب می شود به بخش شبه دولتی شده است. به این معنا می توان گفت که در نظم محدود، ائتلاف مسلط برای کنترل نظم اجتماعی و جلوگیری از بروز نارضایتی در میان اعضا و باندهای اصلی قدرت به اعطای امتیازات سیاسی و اقتصادی (رانت) برای اعضای مورد عنایت خود شده است. در این زمینه، واگذاری اموال ، دارایی ها ، بهره برداری از منابع و معادن به بخش هایی که در ایران نه دولتی هستند و نه خصوصی، بر اساس همین روند بوده است.[۱۱۱۹]

روند برونسپاری [۱۱۲۰] به عنوان بخشی دیگر از سیاست خصوصی سازی در ایران مفسده آمیز بوده و آنچه تحت عنوان واگذاری امور تصدی گری دولت به بخش خصوصی با هدف کوچک سازی دولت انجام شده، به ایجاد شرکتهای اقماری پروژه محور ویا پیمانکاری حول وزارت خانه های دولتی منتهی شده است. این شرکت ها در شرایطی انحصاری و بی رقیب با چینشی از مدیران سابقا دولتی و یا بازنشسته و بازخرید شده و جدا شده از دولت تاسیس و راه اندازی شده و از طریق شرکت در مناقصه هایی که اغلب موارد در آن تنها خودشان رقیب خودشان هستند، بودجه عمومی و عمرانی دولت را با تبانی و همدستی شرکای وزارتخانه ای و کارمندان ستادی شاغل در دستگاه دولتی، که اصطلاحا امور حاکمیتی را در دست دارند، هزینه می کنند و پاسخگوی فساد و ناکارآمدی های خود هم نیستند. روند پر تعلل تامین اعتبارات پروژه ای و آثار تورمی افزایش قیمت ها و فساد و رانت و لابی گری، سبب شده گاه همین شرکت های خصولتی هم از شرایط همکاری با دولت ناراضی باشند. زیرا عملا دولت وجوه هزینه شده ی این شرکت ها بابت اجرای هر پروژه را با تاخیری چندماهه و گاه به صورت تهاتری و غیر نقدی

۱۱۱۹ - حدیث مرادی،سید شمس الدین صادقی، مسعود اخوان کاظمی(۱۴۰۱)،اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی سازی در ایران پس از انقلاب اسلامی، مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، ۱۴۰۱ ، دورهٔ پنجم، شمارهٔ اول،صص : ۲۸۷-۳۱۹

۱۱۲۰ - outsourcing

تسویه می کند و در این بین نیز مبالغ دیگری هزینه سازی ، حساب سازی و فساد مالی و حیف و میل رخ می دهد. بعلاوه شرکتهای پیمانکار دولت به دلیل بدحسابی دولت در اجرای تعهدات مالی اش ، گاه مجبور می شوند، چندین ماه حقوق کارکنان و کارگران خود را به تعویق بیندازند و این مساله موجی از نارضایتی را در طبقات مختلف جامعه کارگری ایجاد کرده که از پیامد های دیگر این سیستم فاسد و ناکارآمد شبه دولتی است. این نارضایتی ها در مقاطع زمانی مختلف در قالب اعتصاب و اعتراض و راهپیمایی و تجمع ابراز می شود که گاه با برخوردهای امنیتی از سوی حکومت نیز مواجه می گردد.

نوع دیگری از برونسپاری بعد از اجرای طرح تعدیل نیروی انسانی در سازمانهای دولتی و از طریق واگذاری کار به نیروهای شرکتی دنبال شده است که طی آن نهاد دولتی با یک شرکت تامین کننده نیروی انسانی قرارداد تنظیم می کند. تجارب چند سال اخیر نه تنها موفقیت چشمگیری در این باره نشان نمی دهد بلکه موارد متعددی از شکایات و دعاوی حقوقی مطرح شده ، نشان دهنده ی ناکارآمدی این روش و مفسده آمیز بودن آن است. امروزه حفظ نیروهای شرکتی به وضع موجود و یا تبدیل وضعیت آنها به وضعیتی دیگر، به معضلی در نظام مناسبات کارگری- کارفرمایی میان دولت و جامعه کارگری تبدیل شده است که هم برای دولت و هم برای کسانی که در قالب این نوع قراردادها برای دولت مشغول به کار هستند، دردسرهایی ایجاد کرده است. هر روز در اخبار وعده‌های جدیدی از سوی مسئولان برای حل مشکل نیروهای شرکتی منتشر می‌شود. گاه سخن از استخدام آنها می‌شود، بعضی اوقات از تغییر نوع قرارداد استخدامی آنها صحبت می‌شود، برخی بر ممنوعیت استخدام نیروهای شرکتی تاکید می‌کنند و خبرهایی از این دست که نشان می دهد دولت هنوز نتوانسته است مشکل را به صورت ریشه‌ای حل کند. تعداد زیادی از کارگران شرکتی از شیوه ی تبعیض آمیز در گزینش و استخدام و تبدیل وضعیت خود معترض هستند و عده ای هم معترض هستند که "با آنکه حقوق و سرویس و غذا و لباس کارو غیرو توسط شرکت کارفرما پرداخت می شود و ما در کنار همکاران رسمی و قراردادی در پروژه های نفت و گاز در شرایط و محیط کاری یکسان در منطقه کار می کنیم و سابقه کار و مدرک تحصیلی مشابه با همکاران رسمی و قراردادی داریم ، یک ششم حقوق و مزایای همکارن رسمی و قراردادی از سوی پیمانکار به ما پرداخته می شود، این چه عدالتی هست ؟" طبق گزارش اخیر ایران اکونومیست، مصوبه مجلس درباره تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی به علت آن که تقریبا دو میلیون نفر را شامل می‌شود، اما منابعی برای اجرای آن لحاظ نشده، با اما و اگر مواجه است و میثم لطیفی رئیس وقت سازمان اداری و استخدامی پیش از تصویب طرح در مجلس، اعلام کرده بود که اجرای این طرح ۱۲۰ هزار میلیارد تومان بودجه می‌خواهد.[۱۱۲۱]

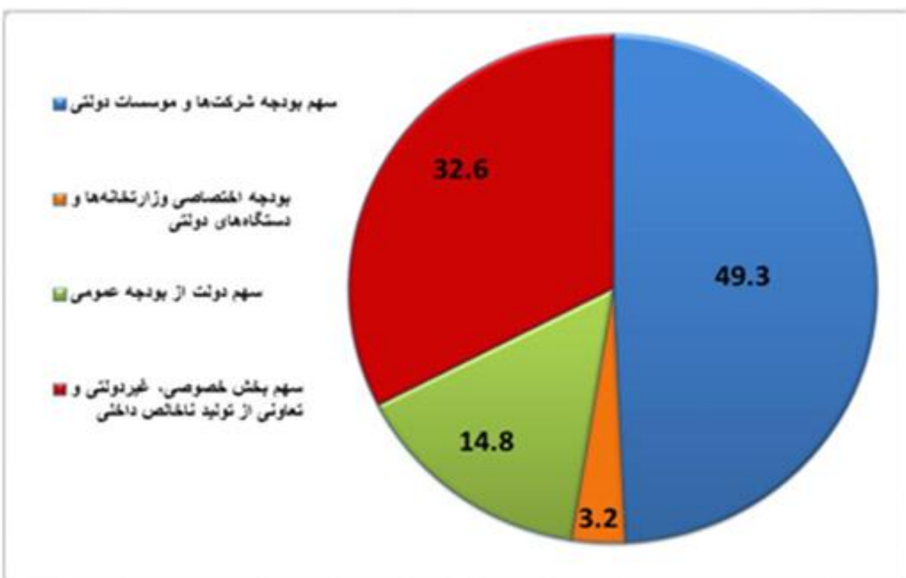
۱۱۲۱ - به نقل از سایت خبری خبربان : ۳ اردیبهشت ۱۴۰۲ :

https://۳۷۲۴۵۸۳۲.khabarban.com/

(فرشاد مومنی و شیما حاجی نوروزی، ۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان " اقتصاد سیاسی خصوصی سازی همراه با فساد"، نتایج تحقیقات خود را چنین جمع بندی کرده اند :" نتایج خصوصی سازی در کشور نشان می دهد که با شعار کوچک سازی دولت و تقویت مشارکت بخش خصوصی در فعالیت های اقتصادی، عملا نسبت بودجه شرکتهای دولتی، بانک ها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت به بودجه کل روندی افزایشی را طی این سالها داشته است."[۱۱۲۲] این یعنی ایجاد همان بخش خصوصی وابسته به دولت، خصولتی ها . اگر در هر جای دنیا دولت نوکر بخش خصوصی است، درایران ، بخش خصوصی وابسته و جیره خوار دولت است. برای مطالعه بیشتر در مورد نتایج سیاست خصوصی سازی در ایران رجوع کنید به منابع و گزارش هایی که در این باره موجود است.[۱۱۲۳]

به باور نگارنده، رشد جرایم و مفاسد اقتصادی و رشد اقتصادسایه در ایران ، دو علت مهم دارد. اولین علت، دنبال کردن سه دهه سیاستهای غلط اقتصادی است که تحت عناوین مختلف آزادسازی اقتصاد ، سیاست تعدیل اقتصادی و اخیرا با عنوان جراحی اقتصادی دنبال شده و میشود. دومین علت، تحریم های اقتصادی است که خود پیامد سیاستهای حاکمیت در عرصه روابط خارجی با جهان و قدرت های بزرگ جهانی بوده است. دهه اول انقلاب اما با آنکه دهه بی ثباتی و جنگ است، به حسب نتایج مطالعات و بررسیهای مختلف، کمترین میزان جرایم و مفاسد اقتصادی گزارش شده و اندازه اقتصاد سایه درکمترین مقدار خود قرار دارد.

سهم بخش های مختلف از تولید ناخالص داخلی



۱۱۲۲ - فرشاد مومنی و شیما حاجی نوروزی،(۱۳۹۶) ، " اقتصاد سیاسی خصوصی سازی همراه با فساد" ، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۶۷ ،زمستان ۱۳۹۶ ،صفحات ۲۵۲ –۲۲۱

۱۱۲۳ – بطور نمونه ر. ک. به : کمیجانی، اکبر؛ ارزیابی عملکرد سیاست خصوصی‌سازی در ایران، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۳

(محمد مساعد، ۱۳۹۸) در یک گزارش ژورنالیستی تحت عنوان سرنوشت یک خصوصی سازی سیاه می نویسد : "هپکو، این غول ماشین سازی صنعتی در خاورمیانه، حالا افتاده بر خاک اراک ، نفس های آخرش را می کشد. یکی از کارگران می گوید: سالن غذاخوری اینجا برای غذا دادن به هشت هزار کارگر ساخته شده اما امروز تعطیل شده ، چون شرکت ۷۰۰ کارگر دارد که کاری برای انجام دادن ندارند. هپکو چهار دهه ماشین آلات راهسازی تولید کرده، اما حالا با خبر تلاش ناموفق کارگری برای خودکشی و مسدودکردن مسیر راه آهن شمال –جنوب توسط کارگران معترضش به صدر خبرها برگشته است. هپکو آن قدر قدمت دارد که رنگ شخصیت های داستانش از خاکستری دنیای واقعی ما به سیاه و سپید قصه ها پهلو بزند و ۱۲۰ هکتار زمین در دل اراک را به صحنه نبرد قهرمان ها و بَدمَن ها تبدیل کند. داستانی که از دولت احمدی نژاد تا بیژن زنگنه ، وزیر اسبق و فعلی نفت در آن نقشی دارند و البته نمونه ای مثال زدنی از خصوصی سازی در ایران است. نمونه ای که می توان آن را یکی از سیاه ترین خصوصی سازی تاریخ ایران دانست. شرکتی که ۱۳۵۴ با کارخانه ی ماشین سازی عظیم الجثه، کاتر پیلار در آمریکا قرارداد همکاری داشت. بعدها با چند شرکت معتبر دیگر مانند کوماتسوی ژاپن، لیبهر آلمان، ولووی سوئد و یک شرکت ایتالیایی همکاری می کرد. در طول جنگ هشت ساله ایران و عراق اهمیت استراتژیک خود را در جبهه جنگ نشان داده بود، در پاییز۱۳۸۵ روی میز فروش سازمان خصوصی سازی آمد و به قیمتی مفت به کسانی که اصلا چیزی از ماشین سازی نمی دانستند، فروخته شد.[۱۱۲۴] اخیرا، بعد از طی فراز و نشیبی پرماجرا، اخباری از منابع دولتی منتشر شده که نشان می دهد این کارخانه بار دیگر به روند تولید خود بازگشته است و امید است که بتواند به حیات اقتصادی توام با شکوفایی ادامه دهد.

جرایم سازمان یافته فراملی و همه گیری کرونا

چهره جهان در سال ۲۰۲۰ به گونه ای متفاوت بود. صداهای مختلفی از غرب و شرق عالم بلند بود که ادعا می کردند، کووید ۱۹، یک طرح کشتارجمعی بیولوژیک از طریق انتشار ویروس توسط آزمایشگاه های مخوف متعلق به قدرتهای جهانی است. کووید توطیه و یک جنایت سازمان یافته جهانی است. در هرحال مقتضیات این سال جنایت سازمان یافته را به طرق مختلفی شکل داد. COVID-۱۹ جهان را به آشفتگی کشاند. از محدوده منازل و صفحه نمایش‌هایمان، شیوع ویروس را از قاره‌ای به قاره دیگر دنبال کردیم که همچنان در حال افزایش بود و تعداد قربانیان تنها در سال ۲۰۲۰ به ۲ میلیون نفر رسید. در حالی که اقتصاد رسمی جهانی تحت قرنطینه ها و محدودیت های سفر دچار رکود شده بود ، مجرمان در حال بررسی چگونگی دور زدن موانع و سوء استفاده از وضعیت بودند. فرصت‌های جدید به زودی در تجارت غیرقانونی تجهیزات حفاظت فردی، داروهای تقلبی و

۱۱۲۴ - https://meidaan.com/archive/author/mohamadmosaed :

واکسن‌های تقلبی و احتمال فساد در زمینه تدارکات عمومی آشکار شد. فعالیت‌های مجرمانه سایبری رکورد زد و میلیون‌ها نفر را که برای کار، سرگرمی و تجارت مجبور به کوچ کردن به اینترنت شده بودند را شکار کرد. قاچاقچیان مواد مخدر راه‌های جدیدی برای حمل و نقل کالای قاچاق خود پیدا کردند و کالاهای غیرقانونی خود را در بسته ها و محموله‌های ضروری برای مقابله با همه‌گیری کرونا از طریق بنادر کم‌پرسنل عبور می دادند و منتقل می کردند، در حالی که از دست دادن امکات تامین معاش ناشی از اقدامات قرنطینه ای و ضد سرایت، برخی از آسیب‌پذیرترین افراد جهان را تحت فشار مضاعف قرار می داد، قاچاق انسان و سایر اشکال استثمار کما بیش انجام می شد. در اواخر سال هم که، قیمت نفت سقوط کرد و تا حد زیادی به دلیل کاهش تقاضا بود، باعث شد کشتی های حامل محموله های نفتی در معرض دزدی دریایی قرار بگیرند.[۱۱۲۵] همه گیری کرونا برای هر کس در جهان تهدید بود، برای فعالان قاچاق دارو و درمان، برای یقه سفیدهای مراکز دولتی مرتبط با صنعت تولیدات دارویی و تحقیقات پزشکی و برای مدیران فاسد و فرصت طلب دولتی در کشورهای مختلف ، و حتی برای برخی سیاستمداران و مقامات ارشد سیاسی دولت ها ، فرصت سوء استفاده وکلاهبرداری، رانت خواری و فساد و یا نفرت پراکنی های هدفمند سیاسی بود. در اینجا فقط به مواردی از این سوء استفاده ها در ایران و آمریکا اشاره می شود. ایران، ایتالیا، امریکا بیشترین تلفات کرونا نسبت به جمعیت خود را داشتند، سه کشور با باندهای مافیایی قوی در درون دستگاه های دولتی و بدنه نظام سیاسی، اقتصادی فاسد خود.

رییس جمهور آمریکا رسما دولت چین و سازمان بهداشت جهانی را متهم به مخفی کاری و عدم اطلاع رسانی به موقع در زمینه کووید ۱۹ کرد. در ۲۳ ژانویه، دولت چین تمام شهر ووهان، شهری با ۱۱ میلیون نفر را که تصور می‌شد ویروسی مرگبار برای اولین بار در آنجا ظاهر شده بود، قرنطینه کرده بود. کارشناسان باید نشانه های یک بیماری همه گیر جهانی بالقوه را دیده باشند، اما بقیه این را نمی دانستند. در آن روز، دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا در توییتی نوشت: "چین سخت تلاش کرده است که منتقل کننده ی ویروس کرونا به دیگر نقاط جهان باشد و دیگر اینکه سازمان جهانی بهداشت تا نزدیک به یک هفته بعد، در ۳۰ ژانویه، این وضعیت را یک شرایط اضطراری و اورژانسی برای سلامت و بهداشت جهان اعلام نکرد و تا ۱۱ فوریه بود که به بیماری ناشی ازکروناویروس جدید نام کووید۱۹داده شد . متقابلا گزارش هایی هم وجود دارد که نشان می دهد تعدادی از سناتورها و رییس جمهور بجای اینکه اطلاع رسانی همگانی برای سلامت افراد جامعه کنند، سعی می کردند، موضوع را بی اهمیت جلوه دهند.[۱۱۲۶]

۱۱۲۵ - گزارش ابتکار جهانی علیه جرایم سازمان یافته فراملی از وضعیت جهان در ۲۰۲۰:

۱۱۲۶ - Taub, Jennifer(2020),Ibid,p۱۵۰

در مارس ۲۰۲۰، با گسترش ویروس کرونای جدید، افرادی مانند الکس جونز به فروش داروهای ساختگی پرداختند. او یک "خمیر دندان سوپرآبی" را تبلیغ کرد که وب سایت InfoWars او گفته بود " کل خانواده ویروس های خطرناک سارس – کرونا (SARS-corona) را در یک محدوده زمانی معین از بین می‌برد." اما هیچ مدرک و مستند پزشکی پشتیبان این ادعا وجود نداشت. خوشبختانه، دفتر دادستان کل ایالت نیویورک برای او اخطار توقف ارسال کرد.[۱۱۲۷]

ایران یکی از پر تلفات ترین کشورهای منطقه در زمینه کرونا بود و با مجموع هفت میلیون و ۵۶۱ هزار و ۵۸ مورد ابتلا و ۱۴۴ هزار و ۶۸۲ مورد فوت ناشی از بیماری کووید۱۹- در رتبه هجدهم در جدول جهانی کرونا قرار دارد.[۱۱۲۸] اما آمارهای غیر رسمی ارقام بیشتری را گزارش می دادند. بخش مهمی از افزایش تلفات را باید به ناهماهنگی های نهادهای مختلف دولتی و عدم اطلاع رسانی به موقع و ممنوعیت-محدودیت های رسمی واردات واکسن و رقابت های مخرب میان باندهای مافیای دارو و سلامت در کشور نسبت داد. در ایران رقابت میان مافیای واردات واکسن و مافیای تولید داخلی واکسن برای کرونا چنان بالا گرفت که از یک سو همزمان چندین نهاد مدعی شدند که وارد چرخه آزمایشات بالینی برای تولید واکسن شده اند و از هشت نوع واکسن ایرانی رونمایی شد که تقریبا هیچیک به مرحله تولید انبوه نرسید. همزمان چون تلفات روزانه در حال افزایش بود و روند وعده داده شده برای تولید واکسن داخلی، بسیار زمان بر شد، فشارهای جامعه بر دولت افزایش یافت و برخی اشخاص حقیقی و حقوقی متقاضی مجوز واردات واکسن از برندهای تایید شده سازمان بهداشت جهانی شدند. در درون خود وزارت بهداشت و درمان ایران، دو جریان رقیب یعنی طرفداران تولید داخلی واکسن و طرفداران واردات واکسن به مثابه دو مافیای فرصت طلب در این حوزه به جدالی واقعی می پرداختند. سخنگوی وقت وزارت بهداشت، کیانوش جهانپور در کلاب هاوس و در جمع فعالان بخش خصوصی درباره واکسن کرونا صراحتا عنوان کرد :" نگران واکسن گیت در ایران هستیم" و این بحث مرتبط با ظرفیت بخش خصوصی مطرح می‌شود. وقتی برای واردات چندین میلیون دوز واکسن، برای هر دوز واکسن ۴ – ۵ دلاری ، (فاکتور=) پروفورم ۵۰ دلاری ، مثلا واکسن آسترازنکا ، را یک شرکت ارائه می کند، آن هم به وسیله یک شرکت واسطه دیگر، مسئله دار است و معلوم است مابه التفاوت این ارقام پورسانتی است که باید به واسطه ها پرداخت شود. بسیاری از پروفورم‌ها به دست ما می‌رسد که کار گروه و ماموریت آن شرکت در حوزه واکسن نیست و مشخص نیست که رابطه آنها با

۱۱۲۷ - Taub, Jennifer(2020),Ibid,p ۱۱

۱۱۲۸ – خبرآنلاین (۱۰ دی ماه ۱۴۰۱) : آمار تلفات تا تاریخ مذکور است.

https://www.khabaronline.ir/news/1713571

شرکت های واکسن ساز چیست و اغلب موارد تردید جدی درباره پروفروم‌های خرید واکسن وجود دارد. معلوم است، عده ای می خواهند واکسن را به ۱۲ برابر قیمت وارد کنند.[۱۱۲۹]

بی اعتمادی توصیف درست و دقیقی است که بیانگر رابطه ی میان دولت و بخش خصوصی در ایران است به این معنا که نه دولت ، بخش خصوصی را قابل اعتماد می داند و نه بخش خصوصی دولت را معتمد می داند. وجود این مساله بطور آشکار در بحث واردات واکسن برجسته و آشکار شد و پیدا بود که دولت یا دست کم بخشی از بدنه دولت در وزارت بهداشت نمی خواهد بخش خصوصی رقیب او در بحث واردات یا حتی تولید واکسن باشد. لذا در موضع گیری دیگری از سوی سخنگوی بهداشت چنین عنوان می شود که : " اغلب موارد دوستانی در دقیقه ۹۰ می گویند به ما نامه بدهید. ما در روسیه و چین و هند مذاکره کننده رسمی داریم. پیشانی مذاکرات سفیر ایران است و خرید درخواست شده را سفیر تایید نمی کند، چرا باید به بخش خصوصی یا غیردولتی به موازات سفیر خودمان نامه یا مجوز واردات واکسن بدهیم ؟ این در حالی است که به طور رسمی سفیر از طرف دولت یا وزارت بهداشت می‌خواهد مذاکره کند، استفاده از بخش خصوصی برای زمانی است که بخش دولتی نتواند آن ظرفیت را فعال کند. نامه‌ای می‌خواهند که بعد آن می‌شود مذاکره کننده موازی سفیر ایران در روسیه و هند و چین."[۱۱۳۰] جالب است که سخنگوی وزارت بهداشت خود معترف است که : الگوی غلبه بخش خصوصی بر بخش دولتی، ایالات متحده آمریکاست و عنوان می کند که در این کشور حداقل ۳ واکسن تولید می‌شود. کدام شرکت آمریکایی آماده است بگوید که واکسن فایزر یا مودرنا را می‌خریم تا افراد ته صف نایستند.[۱۱۳۱] این موضع گیری ها در حالی مطرح می شد که یک شبکه تلویزیونی فارسی زبان و در اواخر اردیبهشت سال ۱۴۰۱ در گزارشی مستند از واگذاری انحصار واردات واکسن اسپوتنیک روسیه به شرکت مدیریت آتیه بهمن خبر داد. در این گزارش اختصاصی آمده که این شرکت تحت مدیریت شخصی است، وابسته به شرکت دانش‌بنیان برکت و زیر نظر بنیاد برکت فعالیت می کند. همان شرکتی که مدعی تولید واکسن برکت در ایران هم بود.؟! آیا دولت تلاش می کرد تولید و واردات واکسن را در انحصار خود داشته باشد؟ یا آنکه بنیاد برکت ، برچسب واکسن تولیدی بر واکسن وارداتی می زند تا بگویند تولید داخلی است، تا بطور پنهانی از رانت واردات واکسن بهره مند شود؟

در نتیجه ی محدودیت ها و ممنوعیت های اعمال شده ، علاوه بر ایجاد بازار سیاه در زمینه واکسن کرونا شاهد افزایش تلفات انسانی و تحمیل هزینه های سنگین به اقتصاد کشور بودیم . مقامات مسوول و شهروندان ایرانی از یک

1129 - http://akharinkhabar.ir/(2/1400)

۱۱۳۰ – همان

۱۱۳۱ – همانطوری که می دانیم، در بازار خودرو ایران این وضعیت هم اکنون وجود دارد و عملا شرکت هایی که انحصار تولید را در اختیار دارند، واردات انحصاری خودروهای خارجی را نیز از طریق شرکت های اقماری خود در اختیار گرفته اند و اساسا انحصار جز لاینفک اقتصاد دولتی ایران است و با لابیگری در مجلس و دولت، اجازه واردات به غیر از خودشان را نمی دهد.

سو با ممنوعیت خرید واکسن‌های انگلیسی و آمریکایی با تحریم رهبر جمهوری اسلامی مواجه بودند و از سوی دیگر با محدودیت ظرفیت تولید و صادرات واکسن از روسیه و چین مواجه بودند و از سوی دیگر با ممنوعیت فروش واکسن هندی به ایران توسط عالی ترین مقام قضایی هند مواجه شدند. زیرا به علت افزایش شمار تلفات کرونا در هند، دولت این کشور با انتقادات جدی از سوی مردم کشورش مواجه شد و بالاترین مقام قضایی در هند حکم به ممنوعیت صادرات واکسن از سوی کشور هند صادرکرد.

در هرحال براساس آمار رسمی گمرک، تا ۲۶ تیرماه ۱۴۰۰ در مجموع بیش از ۱۱ میلیون دُز واکسن خارجی وارد کشور شد که به گفته معاون فنی گمرک، همه آن‌ها از برندهای مختلف از جمله روسی بوده‌اند. با وجود واردات این تعداد دُز واکسن مشخص نیست که چرا در آن بازه‌ی زمانی تنها نزدیک به دو میلیون و ۳۰۰ هزار نفر واکسن دریافت کردند. با شدت گرفتن کرونا در بهار و تابستان ۱۴۰۰ و مرگ و میر ده‌ها هزار نفری، رسانه‌ها گزارش‌هایی را در نقد واکسیناسیون منتشر کردند. براین اساس، مقامات وزارت بهداشت متهم شدند که دُز واکسن‌های واردشده را به گروه‌های هدف نرسانده و یا از بیمارستان‌ها به بیرون "درز" داده که سر از بازار سیاه درآورده است، اتهامی که مقامات بهداشتی آن را تکذیب کردند. با این حال تصاویری از بازار سیاه واکسن کرونا در تهران در شبکه‌های مجازی دست به‌دست می شد. سایت تجارت‌نیوز در یک گزارش میدانی نوشت: " دلال بازار ناصر خسرو به متقاضیان خرید واکسن کرونا می گوید باید با رابطم در بیمارستان تماس بگیرم. او باید واکسن را بکشد بیرون." در این گزارش به نقل از یک دلال دیگر نوشته شده که او می‌تواند دو دُز واکسن اسپوتنیک روسی تهیه کند: "... میری بیمارستان واکسن رو می‌زنی. قیمتش ولی ۵۰ تا ۶۰ میلیون تومان است. حالا دو میلیون کمتر یا بیشتر". در اوایل تابستان ۱۴۰۰، قیمت واکسن کرونا در بازار سیاه تا ۷۵ میلیون تومان هم گزارش شد.[۱۱۳۲]

علی خضریان، سخنگوی کمیسیون اصل نود مجلس در شهریور ماه ۱۴۰۰ اعلام کرد : " ضروری است که نهادها و متصدیان حوزه امنیتی و قضایی کشور، سیاسی‌کاری عده‌ای را که در پی منازعه بر سر قدرت و ثروت باعث اخلال در نظام سلامت و تأخیر در واکسیناسیون عمومی کرونا در کشور شد ، در ترازوی تحقیق و بازپرسی قرار دهند." او تلویحا از اینکه جرم دولتی در این زمینه رخ داده است و باید به این جرایم رسیدگی شود، اشاره می کرد، اما هیچ نهاد امنیتی و قضایی به موضوع ورود پیدا نکرد و موضوع ترخیص واکسن ها به دعواهای انتخابات ریاست جمهوری هم کشیده شد.

تنها موضوع واکسن کرونا نبود که فساد و نفوذ گروه های مافیایی در حوزه بهداشت و درمان ایران را برملا کرد، در تیرماه ۱۳۹۸، حسین نقوی حسینی، نماینده مردم ورامین در مجلس اعلام کرد که سعید نمکی، وزیر بهداشت در دیدار یکشنبه‌اش با اعضای "فراکسیون نمایندگان ولایی "گفت هنگامی که وی در سال ۹۷ این وزارتخانه را تحویل

۱۱۳۲ - https://wikifesad.com/۳۰۶۰

گرفت "فساد در حوزه دارو به‌طور زجرآوری حاکم بود" و علاوه بر "وقوع فساد ۵۰ هزار میلیارد تومانی در حوزه سلامت"، "نمی‌دانیم یک میلیارد دلار بودجه برای تجهیزات پزشکی را کجا هزینه کردند." وزیر بهداشت همچنین به "مافیای قدرتمند فساد در این حوزه" اشاره کرد و گفت : "۸۰ میلیارد تومان هزینه رسانه‌ای علیه وزارت بهداشت صورت گرفت." وزیر بهداشت در توئیتر خود نیز موضوع نامعلوم بودن سرنوشت یک میلیارد و سیصد میلیون دلار ارز برای تجهیزات پزشکی را تکرار کرد. اگر چه پاندمی یا همه‌گیری کرونا در ۲۰۲۰ تیتر اصلی بسیاری از روزنامه‌ها در سراسر جهان بود ، اما این و حاشیه های اطراف آن تنها رویداد در سال ۲۰۲۰ نبود که براقتصاد غیرقانونی در جهان تأثیر گذاشت.

تحریم اقتصادی و جنگ اقتصادی

تحریم اقتصادی نوعی سلاح جنگی است که اقتصاد یک کشور را هدف قرار می دهد. تحریم اقتصادی و جنگ اقتصادی ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند و این دو به نوعی ترجمان یک معناست. شکل های اولیه جنگ اقتصادی یا محاصره اقتصادی ریشه در جنگ های باستانی و قرون وسطایی دارد. هرگاه مهاجمان می خواستند، قلعه ای را به تسخیر درآورند، بسته به مقتضیات و شرایط برای مدتی دور آن قلعه حلقه می زدند و آن را در محاصره نگه می داشتند، تا آذوقه ساکنان تمام شود و مقاومت قلعه داران در هم شکسته شود. ساکنان اغلب یا تسلیم خواست دشمن می شدند و یا از درون دچار اختلاف و فرسودگی می شدند و یا همگی تن به مرگ می دادند. هم اکنون نیز در دنیایی به سر می بریم که دولت ها از تحریم اقتصادی، جنگ اقتصادی و محاصره اقتصادی به طور گسترده علیه یکدیگر استفاده می کنند. این اقدامات علاوه به اینکه مصداق جرم ، جنایت و خشونت است، به افزایش فساد و تشدید خصومت، رشد و تقویت باندهای مافیایی ، تحکیم موقعیت گروه های تروریستی و شکل گیری جرایم سازمان یافته و رشد اقتصاد زیر زمینی کمک می کند و برای همه طرف ها خسارت بار است. مروری بر پیشینه نه چندان دور این اقدامات ، جدای از رویارویی های تنش زای میان دو بلوک قدرت شرق و غرب در دوران جنگ سرد، موارد اخیر آن روایت اوج گیری جنگ اقتصادی دولت های اسلامی دارای منابع غنی نفت و انرژی فسیلی علیه دولت های غربی و جنگ اقتصادی دولت های غربی علیه کشورهای مسلمان است. همچنین باید به جنگ اقتصادی میان چین و ایالات متحده و تحریم های اقتصادی روسیه توسط امریکا و اروپا اشاره کنیم.

ما هم اکنون در دنیایی از بی اعتمادی بسر می بریم، از این جهت که ممکن است، هر کشوری بسته به موقعیت استراتژیک و جایگاه خود در زنجیره تامین جهانی، از اقتصاد و تجارت و سیطره ی پولی خود به عنوان یک سلاح علیه کشورهای دیگر استفاده کند. داده ها و گزارش های موجود نشان می دهند که امریکا در کارنامه عملکردی خود بیش از سایر کشورها، از اقتصاد به عنوان سلاح جنگی در قالب تحریم اقتصادی و یا محاصره اقتصادی و جنگ تمام عیار اقتصادی علیه دیگر کشورها استفاده کرده است و جالب است که کارشناسان حوزه امنیت در آن

کشور خود همواره از امکان استفاده سایر کشورها از اقتصاد به عنوان سلاح جنگی علیه امریکا آشکارا ابراز نگرانی کرده اند. این ابراز نگرانی البته ازسوی کشوری که بیشترین فهرست کشورهای تحریمی را به لحاظ اقتصادی در لیست سیاه خود دارد، جای شگفتی دارد.آنها معتقدند که دشمنان امریکا برای مقابله مستقیم با ارتش امریکا و یا کشتن هزاران سرباز آمریکایی در میدان نبرد به مقدار زیادی پول، سلاح و نیروی انسانی نیاز دارند که ممکن است تامین آن در توان آنها نباشد ، اما حمله به زیرساختهای اقتصادی آمریکا به منابع متفاوتی مانند پول و کمی خلاقیت نیاز دارد. این کار نیاز چندانی به بمب گذاران انتحاری یا جنگجویان قوی بنیه و یا زرادخانه ی بزرگ تسلیحاتی ندارد، بلکه فقط به انگیزه، ابزار و فرصت نیاز دارد.[۱۱۳۳] واقعیت تحولات اقتصادی در آن کشور نشان داده است که اقتصاد بزرگ آمریکا، همچون هر کشور دیگری، از جهات مختلف اقتصادی آسیب پذیراست. این کشور در سه حوزه : بازار انرژی ، بازار سرمایه و سهام و بازار کالاهای مصرفی تجربه بحران های مشابه با یک جنگ اقتصادی را پشت سر گذارده است.

تهاجم مستقیم اقتصادی به خزانه داری و دلار آمریکا از طریق دامپینگ اوراق خزانه داری ایالات متحده، اقتصاد آمریکا را به سقوط و تنزل سوق می دهد و احتمالاً منجر به کاهش رتبه بدهی ایالات متحده می شود. این امر میتواند منجر به افزایش سریع نرخ بهره و به طور قابل تصور، فروپاشی کل اقتصاد آن کشور شود. در واقع، وزرای دارایی در کشورهای بزرگ بازارهای نوظهور –از جمله چین، روسیه، ایران و کشورهای عربی –قبلاً چنین سناریویی را در مجامع بین‌المللی و در داخل کشورهای خود مورد بحث قرار داده‌اند.

در قالب استراتژی جنگ بی نهایت[۱۱۳٤] یا جنگ بی پایان ، یک مطالعه اساسی درباره استراتژی نظامی چین که جنگ اقتصادی را به عنوان ابزار اصلی حمله به ایالات متحده در پیش گرفته ، توسط دو افسر ارتش چین توصیه شد[۱۱۳۵]. آنها اظهار کردند که " تقریبا از ابتدای دهه ۱۹۹۰ و در طول این دهه ما شروع به دریافت یک تصور از نوعی جنگ غیر نظامی کردیم که توسط نوع دیگری از افراد حرفه ای و غیر حرفه ای در نقش جنگجویان اصلی این میدان تعقیب می شد.....این جنگجو شاید یک تحلیلگر سیستم یا یک مهندس نرم افزار، یا یک سرمایه دار با حجم زیادی از سرمایه و تلفن همراه یا یک سفته باز سهام باشد .... فلسفه زندگی او با فلسفهٔ زندگی برخی از عوام و تروریست های ضد بشر متفاوت است. او غالباً دارای فلسفه زندگی است و ایمان او از نظر تعصب به هیچ وجه از عقاید اسامه بن لادن کمتر نیست. علاوه بر این، او انگیزه یا شجاعت لازم برای ورود بی پروا و آشکار به دعوا را ندارد. با این نوع معیار قضاوت، چه کسی می تواند بگوید که مثلا کسی مانند جورج سوروس که به باور ماهاتیر

۱۱۳۳- Kevin Freeman(۲۰۱۲), Secret Weapon How Economic Terrorism Brought Down the U.S. Stock Market and Why It Can Happen Again, Regnery Publication Inc, p ٤۸

۱۱۳٤ - Unrestricted Warfare

۱۱۳۵ - Qiao Liang and Wang Xiangsui

محمد در سقوط ارزش پول ملی برخی کشورهای آسیای جنوب شرقی مانند مالزی نقش داشته ، یک تروریست مالی نیست.[۱۱۳۶]

اگرتا چندی پیش، حمله به منافع تجاری و نمادهای نظام سرمایه داری مانند برج های تجارت جهانی در منهتان نیویورک اهداف مهمی برای القاعده بودند و یا داعش و طالبان گروه هایی به شمار می روند که منافع و هژمونی آمریکا را در منطقه و جهان هدف قرار داده اند، امروزه گروه های تروریستی گوناگونی با حمایت مالی کشورهایی مانند جمهوری اسلامی ایران ، اراده حمله به اقتصاد های نئو لیبرال و منافع امریکا و هم پیمانانش در منطقه همچون اسراییل را دارند که از جمله می توان به حماس، شاخه فلسطینی اخوان المسلمین اشاره کرد. همچنین حزب الله، یک گروه شبه نظامی تحت حمایت ایران مستقر در لبنان، ابوسیاف در فیلیپین و تعداد بیشماری از سازمان های دیگر به همراه شعب و شاخه های مختلف آنها را می توان در این فهرست نام برد. گروه های تروریستی در سراسر جهان اکنون به قدرت هدف قرار دادن زیرساخت های مالی و تجاری پی برده اند. در ژوئیه ۲۰۱۱، اعضای گروه تروریستی نیجریه ای جماعت اهل سنه،" دعوت الجهاد" به چندین بانک در این کشور حمله کردند. سخنگوی آنها اعلام کرد: ما این اقدام را به این دلیل انجام دادیم که نحوه عملکرد بانک ها بر اساس موازین اسلامی نبود.

حمله به شعب بانک ها وآتش زدن آنها در کشورهای مسلمان به دلیل عدم انطباق با قوانین شریعت و ربوی بودن مناسبات بانک ها با مشتریانشان ، اقدام تازه ای نیست. انقلابیون مسلمانی که در سال ۱۹۷۹ در ایران، با عصبانیت و خشم فرآوان ، رژیم شاه را مصداق یک رژیم شیطانی و طاغوتی می دانستند، همین رفتار را دقیقا با همین منطق انجام دادند، اما امروز بعد از گذشت، بیش از چهاردهه حاکمیت اسلامی فقهای شیعه بر این کشور، نظام ولایت فقیه، شاهد فاسدترین و ناکارآمدترین و به باور خود مقامات روحانی بلند پایه در نظام جمهوری اسلامی، رباخوارترین و غیراسلامی ترین نظام بانکداری در منطقه هستیم.[۱۱۳۷]

در آمریکا علاوه بر اینکه مردم آن کشور اسیر یک نظام مالی فاسد و سیستم بانکداری ناعادلانه هستند، هم از طریق وزارت خزانه داری و هم از طریق اقدامات خودسرانه و غیرقانونی نظام بانکداری و سیستم مالی سوداگرانه محاصره مالی علیه کشورهایی مانند ایران، سوریه و ونزویلا دنبال می شود. در توصیف این وضعیت (لیو و همکاران، ۲۰۲۲) می نویسند : "چرا ونزوئلا در وضعیت بد اقتصادی قرار دارد، با تولید ناخالص داخلی که تنها در چهار سال ۱۵ درصد کاهش یافته است؟ چون دولت ونزوئلا بد است؟ چون مسئولین آنها فاسد هستند؟ نه! بحران در ونزوئلا به این دلیل است که ارزش پول این کشور توسط آژانس های رتبه بندی و اعتبارسنجی آمریکایی

١١٣٦ - Col. Qiao Liang and Col. Wang Xiangsui, Unrestricted Warfare (Pan American Publishing Co, ٢٠٠٢), p. ٣٦.
١١٣٧- https://www.tasnimnews.com/fa/news/١٣٩٥/٠٩/٢٩/١٢٧٠٦٢٦/

خبرگزاری تسنیم (۲۹/آذرماه / ۱۳۹۵) :واکنش همزمان ۵ مجتهد و مرجع تقلید به «نظام بانکی ربوی»/گزینه‌های نظامی خدا روی میز است.

و برخی از دلالان و سرمایه گذاران به طور کامل از بین رفته است. آنها شرط بندی کردند که ارزش پول ونزوئلا کاهش یابد. این آژانس‌های رتبه بندی، ونزوئلا را بیشتر از سوریه که در اثر جنگ داخلی ویران شده، در وضعیت تحریم و سختی قرار دادند. این آژانس ها ریسک و خطر ونزوئلا را بالاتر از سوریه قرار می دهند. این امر دسترسی بانک های بین المللی ونزوئلا را به شبکه بین المللی بانک ها در جهان قطع کرد و در همان زمان، گروهی از دلالان و سرمایه گذاران وب سایتی به نام "دلار امروز" ایجاد کردند. این وب سایت مرتباً نرخ برابری دلار در بازار سیاه را در برابر بولیوار(واحد پول ونزوئلا) آگهی می کرد و باعث تورم شدید می شد و بر اساس محاسبات دقیقی که انجام شده بود، همین مساله منشا ۴۰ درصد مشکلات اقتصادی ونزوئلا بود. درست در همان زمان، تحریم های ترامپ بر ونزوئلا اعمال شد، تمام پولی که ونزوئلا در سراسر جهان و در ۱۵ کشور عمده داشت، مسدود شده بود. به همین ترتیب در همان زمان سیستم مالی آمریکا، سرمایه مالی که توسط وال استریت اداره می شد ، در عرض سه هفته، ۵ میلیارد دلار از پول ونزوئلا را به روشی کاملاً غیرقانونی مسدود کرد."[۱۱۳۸] البته می دانیم که هیچکس نمی تواند پول هیچکس را تصاحب کند. اگر شما در بانک پول دارید، بانک نمی تواند بدون دستور قضایی پول شما را مسدود کند. برای مسدود کردن پول شما باید دستور قضایی صادر شود. در غیر این صورت، بانک تنها می تواند بگوید: "من نمی خواهم با شما معامله کنم. برو به یک بانک دیگه و حساب شما را می بندد."، این رفتار عادی است. بانک ها اگر دلیلی برای فعالیت های مشکوک شما داشته باشند حساب شما را با اطلاع شما می بندند و شما باید پول خود را جای دیگری سپرده گذاری کنید. اما بانک های بین المللی پول ونزوئلا را به روشی کاملاً غیرقانونی مسدود کردند. یا بطورمثال بانک انگلیس تقریباً ۲ میلیارد یورو از طلای ونزوئلا را در اختیار داشت و آنها با این توجیه که این پول ها تحت تحریم های آمریکا است، به روشی کاملاً غیرقانونی آن را فریز(منجمد) کردند. درصورتی تحریم های ایالات متحده در خارج از ایالات متحده اعمال نمی شود که هیچ قدرت فراسرزمینی همسو یا خزانه داری ایالات متحده برای متحد کردن تحریم ها علیه یک کشور وجود نداشته باشد ، اما ایالات متحده از فشار و نفوذ و قدرت چانه زنی خود برای همراه کردن کشورهای دیگر بهره می برد و فرض را براین می گذارد که همه کشورهای دیگر جهان موقعیت او را می پذیرند، در صورتیکه فقط تحریم های سازمان ملل که احکام آن توسط شورای امنیت صادر می شود، جهانی است و ونزوئلا مانند بسیاری از کشورهای دیگر تحت این رژیم تحریمی قرار ندارد. ایران نمونه مهم دیگری است. زمانی که ترامپ تصمیم گرفت از توافق هسته‌ای در ۲۰۱۵ خارج شود، بانک‌های بین‌المللی شروع به رسیدگی نکردن به تراکنش‌های ایران کردند، حتی زمانی که تراکنش‌های این کشور مطلقاً به لحاظ ماهیتی قابل تحریم نبودند. همه کارشناسان مطلع ، منجمله کارشناسان حقوق بین‌المللی به خوبی

۱۱۳۸ -Yanping Liu, Minghai Tian ,Yanming Shao(۲۰۲۲),Cybercrimes and Financial Crimes in the Global Era, Springer,pp۶-۷.

می دانند که مواردی مانند دارو، مواد غذایی اساسی، محصولات کشاورزی و مشابه آن قابل تحریم نیستند. آنها ممنوعیتی را برای تحریم آنها تعیین کرده اند. حتی سازمان ملل هم وقتی تحریم می کند، هیچوقت غذا و دارو را تحریم نمی کند و این اقلام همیشه مستثنی هستند. حتی تحریم های ایالات متحده (دست کم روی کاغذ) شامل غذا و دارو نمی شود. اما نظام مالی جهانی و بانک های بزرگ چه کردند؟ تمام بانک های بزرگ بین المللی، تراکنشها را مسدود کردند و از تامین مالی برای داروی مورد نیاز ایران و تامین داروی مورد نیاز در ونزوئلا خودداری کردند. بنابراین، وضعیت وحشتناک است، وقتی بیمارستان یک کشور تحت تحریم نمی تواند بیماران خود را درمان کند و در روزنامه می خوانید که دلیل آن کمبود دارو و تحریمهاست.[۱۱۳۹] این به این دلیل است که آنها نمی توانند مثلاً داروی سرطان را وارد کنند، سپس بیماران بر اثر سرطان می میرند، زیرا بانک های بین المللی از معامله با هر گونه بازرگان و تاجر و معامله گر مرتبط با ونزوئلا و یا ایران خودداری می کنند. این در واقع یک نوع محاصره مالی است که یک کشور در حال مبارزه با آن است. ونزوئلا و ایران کشورهایی هستند که هم اکنون تنها با فروش نفت خود به چین و روسیه روی پای خود مانده اند. آن کشورها نفت ونزوئلا را می خرند و تحریم های آمریکا برایشان مهم نیست. اما این محاصره مالی امروز ادامه دارد، بنابراین وقتی در این مورد صحبت می شود و می گوییم بخش عظیمی از اقتصاد بین الملل نمی تواند دوام بیاورد، یعنی اینکه سرمایه مالی بدون فضای غیرقانونی بسیار بزرگ که با رفتار غیرقانونی بانک ها و مؤسسات مالی نشان داده می شود، زنده نمی ماند. در واقع نظام مالی بین الملل تحت نظام سرمایه داری برای ادامه حیات خودش بطور غیرقانونی دست به راهزنی و مصادره سرمایه های کشورهای مختلف می زند و از این راه دوام و بقای خود را تضمین کرده است.[۱۱۴۰]

جنگ اقتصادی تمام عیار با سلاح نفت : (اوپک ۱۹۷۳)

اگر کمی به عقب برگردیم، سابقه راه اندازی یگ جنگ تمام عیار اقتصادی علیه غرب را باید به اوپک به رهبری و ائتلاف پادشاه ایران و پادشاه عربستان سعودی و استفاده از نفت به عنوان یک سلاح جنگ اقتصادی مورد اشاره قرار دهیم، این اعلام جنگ در واکنش به تحرکات اسراییل در منطقه و حمایت امریکا و غرب ازآن کشور بالا گرفت.[۱۱۴۱] اگرچه برخی این جنگ اقتصادی را تنها به منازعه میان اعراب-اسراییل منحصر می دانند. حمایت عربستان از مصر در دعوای میان اعراب و اسراییل ، با سفر سادات به عربستان سعودی و حمایت ملک فیصل از جنگ با اسرائیل حاصل شد. فیصل یک خواسته داشت: "ما می خواهیم شاهد نبردی باشیم که برای مدت زمان کافی برای بسیج افکار جهانی ادامه یابد." در ماه اکتبر، در مقدس ترین روز سال یهود، اسرائیل توسط همسایگان

۱۱۳۹ - Yanping Liu, Minghai Tian ,Yanming Shao(۲۰۲۲),Ibid,p ۷

۱۱٤۰ - Ibid.

۱۱٤۱ - Andrew Scott Cooper(۲۰۱۱) , The oil kings : how the U.S., Iran, and Saudi Arabia changed the balance of power in the Middle East.

عرب خود مورد حمله قرار گرفت. زمانی که نیروی هوایی مصر مواضع اسرائیل در سینا را در هماهنگی با حملات سوریه از شمال بمباران کرد، دولت یهودی اسراییل غافل گیر شد. علیرغم ابهامات قبلی، ایالات متحده از اسرائیل در درگیری حمایت کرد. اما مدیران شرکت های بزرگ نفتی ایالات متحده از ترس تلافی اقتصادی اعراب علیه ایالات متحده، با موضع نیکسون در طرفداری از اسرائیل مخالفت کردند. روسای اکسون موبیل، تکساکو و استاندارد کالیفرنیا خطاب به رئیس جمهور نوشتند : "کل موقعیت ایالات متحده در خاورمیانه در مسیر آسیب جدی قرار دارد، منافع ژاپن، اروپا و شاید روسیه تا حد زیادی جایگزین حضور ایالات متحده در منطقه و به ضرر اقتصاد و امنیت امریکاست."[۱۱۴۲] این نگرانی وجود داشت که اوپک از جنگ اقتصادی این گونه استفاده کند که قیمت را تا حدی پایین بیاورد، که وابستگی بیشتری در اقتصاد کشورهای غربی منجمله امریکا ایجاد کند و سرمایه گذاری در منابع جایگزین را از بین ببرد. بعد دوباره قیمت ها را بالا ببرند و این کشورها بیشتر از همیشه به آنها وابسته شوند.[۱۱۴۳]

زمانی که ایالات متحده آشکارا تدارکات نظامی به اسرائیل فرستاد، اوپک از مذاکرات نفتی خارج شد و یک طرفه شروع به تعیین قیمت کرد. این کارتل تصمیم گرفت تولید نفت خود را به میزان ۵ درصد کاهش دهد و متعهد شد که هر ماه ۵ درصد کاهش اضافی اعمال کند تا زمانی که اسرائیل را مجبور به امتیازدهی کند. زمانی که نیکسون بسته کمکی ۲,۲ میلیارد دلاری به اسرائیل را اعلام کرد –این کمک برای اسرائیل کافی بود تا برابری با کشورهای عربی را حفظ کند ، اما برای پیروزی قاطع کافی نبود. –سعودی ها اعلام کردند که به طور کامل مخازن نفت خود را بر روی آمریکا می بندند و بعداً تحریم را به سایر ملل تمدید می کنند. مرحله بعدی برنامه ریزی شده، بنابر گزارش ها، ملی اعلام کردن تمام منافع نفتی متعلق به ایالات متحده در خلیج فارس توسط اعراب بود.[۱۱۴۴]

در سپتامبر ۱۹۷۳، با افزایش تنش‌های خاورمیانه، ایالات متحده شروع به خروج از اسرائیل کرد و دستیار وزیر امور خارجه امریکا در تلویزیون اسرائیل گفت: " در حالی که منافع ما از بسیاری جهات موازی با منافع اسرائیل است، اما مترادف با دولت اسرائیل نیست. بعلاوه در مورد بحث انرژی در کشور ما، نگرانی فزاینده ای وجود دارد، و من فکر می کنم احمقانه است که باور کنیم این عاملی اثرگذار در وضعیت نیست.[۱۱۴۵]

پس از پیوستن ایالات متحده در قطع عرضه نفت به اروپا در جریان بحران سوئز ، حاکمان مسلمان کشورهای منطقه خاورمیانه ، از قزافی تا شاهزاده ی سعودی تا پادشاه ایران شروع کردند به بلوف زدن و کرکری خواندن. این منطقه در سال ۱۹۶۰ با ایجاد اوپک، در ابتدا توسط ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی و ونزوئلا و بعداً لیبی، امارات متحده عربی، و قطر و سایرین ، با گذشت زمان قدرت بیشتری یافت. از آنجایی که اوپک کنترل سهم

۱۱۴۲ - Daniel Yergin, The Prize (Simon & Schuster, ۱۹۹۱),p۶۰۴
۱۱۴۳ - Andrew Scott Cooper(۲۰۱۱),Ibid ,p ۲۴۹
۱۱۴۴ - Daniel Yergin,Ibid,pp ۶۰۹-۶۱۱
۱۱۴۵ -Kevin Freeman(۲۰۱۲), Secret Weapon How Economic Terrorism Brought Down the U.S. Stock Market and Why It Can Happen Again, Regnery Publication Inc, p ۴۳

بیشتری از تولید نفت جهان را در دست گرفت و آن را به خود اختصاص داد. اعضا متوجه شدند که می توانند به شدت برامور بین المللی تأثیر بگذارند. اوپک در دوران دولت نیکسون، زمانی که ایالات متحده دلار را از قیمت طلا جدا کرد و اجازه داد دلار آزادانه در برابر سایر ارزها شناور شود، وزن خود را به اقتصاد ایالات متحده انداخت. دلار به سرعت ارزش خود را از دست داد و اوپک که نفت را به دلار قیمت گذاری می کرد، عرضه را کاهش داد و قیمت ها را افزایش داد. نتیجه آن نابسامانی اقتصادی در ایالات متحده - یک "شوک نفتی" بود که دولت نیکسون را وادار کرد تا به طور مستقیم تری در اقتصاد مداخله کند.[۱۱۴۶]

جنگ اقتصادی کشورهای نفت خیز خاورمیانه علیه امریکا برای به زانو درآوردن اسراییل ، در نهایت به دلیل خیانت ها و اختلافات داخلی سران کشورهای عرب، مسلح نبودن آنها ، ترس و بی اعتمادی که نسبت به همکاری سایر کشورهای دوست همچون محمدرضا شاه در ایران داشتند و البته جنگ روانی و تهدیدهایی که غرب علیه ائتلاف آنها راه انداخته بود، با شکست مواجه شد.[۱۱۴۷]

ایالات متحده قدرت نظامی خود را برای کنترل منابع نفتی در کشورهای خارجی همانند عراق و ونزوئلا قبلا پیش بینی کرده و از آن به موقع استفاده نمود. ایالات متحده همچنین استفاده از نیروی نظامی را برای حفظ عرضه ثابت نفت از سوی اعضای عرب اوپک مانند عربستان سعودی، کویت و ابوظبی در سال های ۱۹۷۳-۱۹۷۴، به دنبال تحریم نفتی این کشورها بر ایالات متحده و سایر کشورها و برای تحت فشار قرار دادن آنها در نظر گرفت.[۱۱۴۸] امریکایی ها همچنین از آنجا که علاقه وافر شاه ایران به ایجاد ارتشی قدرتمند در منطقه برای دفع خطر نفوذ و تهدید همسایه شمالی(اتحاد شوروی) و تهدیدات مرزی از سوی عراق را می دانستند، سعی کردند، او را به شکستن تحریم نفتی غرب در قبال دریافت هر مقدار سلاح که بخواهد ترغیب کنند و با این سیاست هم نوعی بی اعتمادی میان جریان ائتلافی علیه خود در منطقه بوجود آوردند و هم مسابقه ای تسلیحاتی را برای فروش هرچه بیشتر تسلیحات خود در خاورمیانه در طول جنگ سرد به راه انداختند.[۱۱۴۹]

١١٤٦ -Kevin Freeman, Ibid , p٤٣

۱۱۴۷ -اسرائیلی ها با کمک لجستیکی و محموله های تسلیحاتی از تعدادی از کشورهای اروپایی ارتشی ساختند که به زودی از قدرت آتش اعراب پیشی گرفت. در عرض یک سال، اسرائیل ۷۸ درصد از فلسطین تحت فرمان سابق بریتانیا، از جمله اورشلیم غربی را تحت کنترل داشت، در حالی که اردن اکنون کنترل کرانه باختری، از جمله بیت المقدس شرقی و شهر قدیمی محصور شده آن را بر عهده دارد، و مصر نیز نوار غزه را تحت کنترل داشت. اعراب فلسطین را از دست داده بودند، این یک فاجعه بود که آن را روز نکبت نامیدند، چند صد هزار فلسطینی مجبور شدند از داخل کشور به کشورهای همسایه فرار کنند. فلسطینی‌ها احساس می‌کردند که با قربانی کردن سرزمین آنان، اروپاییان گناهان خود در هولوکاست را جبران می‌کنند.ر.ک به :

Kim Ghattas (٢٠٢٠),Black wave: Saudi Arabia, Iran, and the forty-year rivalry that unraveled culture, religion, and collective memory in the Middle East, Henry Holt and Co,p٢٩

١١٤٨ - Harvey, David (٢٠٠٥). A Brief History of Neoliberalism. Oxford: Oxford University Press.; Harvey, David (٢٠٠٤). "The 'New Imperialism': Accumulation by Dispossession." Socialist Register. ٤٠: ٦٣–٨٧

١١٤٩ - Scott Cooper , Ibid , p٢٥٢-٢٥٤; Latif Wahid(٢٠٠٩),Military Expenditure and Economic Growth in the Middle East, Palgrave Macmillan, p ٥٧.

یکی از مهم ترین پیامدهای افزایش قیمت نفت در سالهای ۴-۱۹۷۳ رشد سریع هزینه های نظامی در میان کشورهای صادرکننده نفت خاورمیانه بود. ایران با اتکاء بر دلارهای نفتی در اواسط دهه ۱۹۷۰در جهت تقویت قوای نظامی خود با هدف ایجاد قدرتمندترین ارتش تلاش کرد تا به قدرت نظامی "مطلق" در خلیج فارس تبدیل شود. افزایش واردات تسلیحات و تجهیزات نظامی توسط این کشور تحت هزینه‌های نظامی (Milex)[۱۱۵۰]، و تلاش‌ها برای نظامی‌سازی یک کشورتحت عوامل "کشش" و "فشار" هستند. یکی از ویژگی های Milex بالا در خاورمیانه که تأثیر جدی بر اقتصاد سیاسی این کشورها دارد، واردات بسیار بالای آنها است. دو دلیل اصلی برای این امر وجود دارد. یکی این که پس از افزایش قیمت نفت، "دلارهای نفتی" می بایست بازیافت شوند. بنابراین تسلیح کشورهای صادرکننده نفت تبدیل شد به وسیله ای که از طریق آن می توان به هدف مذکور دست یافت.[۱۱۵۱]

نفت مجددا و در طول انقلاب ۱۹۷۹ (۱۳۵۷ ش) و به دنبال ماجرای گروگانگیری کارمندان سفارت امریکا در تهران توسط جوانان دانشجوی انقلابی در ایران به عنوان یک سلاح تحریمی مورد استفاده قرار گرفت ، از آن زمان قیمت نفت به اوج خود رسید و برای نزدیک به سه دهه از نظر تورم قابل پیشی گرفتن نبود. قطع صدور نفت به آمریکا پس از اشغال سفارت از سوی دانشجویان و همزمانی آن با اعلام ممنوعیت واردات نفت ایران به آمریکا از سوی کارتر سوالات فراوانی ایجاد نموده است.[۱۱۵۲]آیا ما آمریکا را تحریم نفتی کردیم یا آمریکا خرید نفت از ایران را تحریم کرد؟ اگرچه تحریم های اولیه آمریکا برعلیه ایران تنها شامل بلوکه کردن منابع ارزی کشور در بانک های آمریکایی بود، اما به تدریج تحریم ها به حوزه نفت و انرژی هم رسید. بعلاوه جنگ ایران–عراق بر ظرفیت تولید و صادرات نفت هردو کشور اثر گذارد و بازار انرژی را دچار بحران کرد. در سالهای بعد آمریکا تحریم نفتی ایران را به عنوان ابزار کنترل و مقابله با حکومت این کشور در برنامه های خود قرار داد. به طور خلاصه، نفت از اواسط قرن بیستم به طور مکرر به عنوان یک سلاح موثر در جنگ اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته است. جامعه بین الملل نمونه های دیگری از تحریم های نفتی را علیه لیبی و عراق با هدف تنبیه و مجازات رژیم های حاکم بر این دو کشور اعمال نموده است. تحریم نفتی عراق برای آنکه تبعات بشر دوستانه نداشته باشد ، تحت عنوان "نفت در برابر غذا" علیه رژیم صدام دنبال می شد.[۱۱۵۳]

نگاه پژوهش حاضر به موضوع استفاده از ابزارهای تحریمی همچون نفت و یا تحریم اقتصادی ورای قضاوت های ارزشی با رویکرد ملی گرایانه یا مذهبی و ایدئولوژیک ، معطوف به این است که تحریم های نفتی و استفاده از آن به عنوان نوعی سلاح در جنگ اقتصادی چه پیامدها، چه منافع و چه زیان هایی برای اقتصاد کشورهای مربوطه

۱۱۵۰ - Military expenditure (Milex),

۱۱۵۱ - Kamran Mofid(۱۹۹۰),The Economic Consequences of the Gulf War, Routledge : Published ۲۰۱۷

۱۱۵۲ – مهدی احمدی(۱۳۹۸)،انقلاب و نفت– روایت وزیران نفت جمهوری اسلامی از اقتصادسیاسی نفت، انتشارات دنیای اقتصاد.ص ۱۱.

۱۱۵۳- Kevin Freeman, Ibid

داشته است؟ به نظر می رسد قضاوت واقعی را باید بر آن مبنا انجام داد. از نظر نگارنده، و براساس داده های اقتصادی زیان های این جنگ اقتصادی برای کشورهای تحریم کننده و تحریم شونده بیش از منافع آن بوده است و باخت هردو طرف را به دنبال داشته است. این منطق تمام جنگ هاست که هردو طرف جنگ در نهایت بازنده هستند. در همین باره کافی است نگاهی به کتب و مقالاتی بیندازید که پیرامون موضوع نفت و تحریم ها و اقتصاد ایران نگاشته شده است.[۱۱۵۴]

رابطه نفت با دنیای خارج در ذهن اکثر مبارزان انقلابی در چارچوب نظریه وابستگی توجیه می شد. فرضیه اصلی در ذهن این افراد دائمی شدن تقسیم کار به وسیله قدرت اقتصادی و سیاسی دنیای توسعه یافته بود. به باور مدیران انقلابی، جوامع صنعتی و در راس آنها آمریکا با تحمیل تولید نفت خام به ایران، نظام نابرابری مبادلات را حفظ کرده و ما را ناگزیر به وابستگی به بازار جهانی و تن دادن به بی ثباتی ونوسان می کردند. به هم زدن این رابطه نابرابر از دید سیاستمداران جمهوری اسلامی ، اقدامی انقلابی بود که با کاهش صادرات نفت عملی می شد. کاهش شدید تولید و صدور نفت اگرچه در فضای تند و انقلابی سا های ۵۸و ۵۹ با این استدلال که به اندازه نیاز بودجه ای، نفت تولید و صادرمی کنیم، قابل قبول مینمود؛ اما مدیران، مسئولان و ایـدئولوگهای انقـلاب در برابر این چالش که نفت تنها یک کالای اقتصادی نیست و خروج چهار میلیون بشکه نفت ایران از بازار جهانی به همان اندازه مناسبات کشور با نظام بین الملل را دستخوش تغییرات اساسی خواهد کـرد، پاسـخی نداشـتند.[۱۱۵۵] شورای انقلاب به عنوان مهمترین رکن قدرت تحت تاثیر فضای انقلابی که چپ ها بـر سـرعت دادن بـه همـه اقدامات تاکید می کردند، به یک باره تمام قراردادهای نفتی را کان لم یکن تلقی کرد. تصویب کنندگان ایـن قانون احتمالا تصور می کردند می توانند در تهران بنشینند و شعار سر دهند که کشورهای دنیا یا امپریالیسم اند یا نوکر امپریالیسم ولی ما یکطرفه قراردادها را لغو کنیم.[۱۱۵۶]

در مورد ایران، دست کم پیامد استفاده از نفت به عنوان سلاح جنگی در جنگ اقتصادی با غرب ، می تواند از گسترش رانت و فساد در دستگاه حاکمه، ماجراجویی و بلند پروازی هـای هسـته ای و گسـترش صـنایع نظـامی و

[۱۱۵۴] –بطور مثال ر.ک. به : اقتصاد ایران بدون نفت، تالیف حسن نفیسی راد.همچنین ر.ک به : فهرست تحریم های نفتی آمریکا :

کلینتون در اسفند ماه ۱۳۷۳ فرمان اجرایی شماره‌ی (۱۲۹۵۷) مبنی بر ممنوعیت برخی معاملات مربوط به توسعه‌ی منابع نفتی ایران را امضا نمود. بدین ترتیب شرکت های آمریکایی از سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز ایران منع شدند. رئیس جمهور آمریکا بار دیگر در اردیبهشت ۱۳۷۴ طی فرمان شماره‌ی (۱۲۹۵۹) تحریم های جدیدی را برضد ایران اعمال کرد. بر این اساس شرکت‌های آمریکایی از خرید نفت از ایران منع شدند. همچنین در مرداد ۱۳۷۵ قانون مجازات‌ها برضد ایران و لیبی در کنگره تصویب شد. طبق این قانون که به «داماتو» معروف شد، شرکت‌های غیرآمریکایی که در بخش نفت و گاز لیبی و ایران سرمایه گذاری کنند، مجازات خواهند شد. بنابراین علاوه بر شرکت‌های آمریکایی، تمامی شرکت‌های خارجی دیگر از سرمایه‌گذاری بیش از ۲۰ میلیون دلار در ایران منع شدند.

۱۱۵۵ – مهدی احمدی(۱۳۹۸)،انقلاب و نفت- روایت وزیران نفت جمهوری اسلامی از اقتصادسیاسی نفت، مقدمه.انتشارات دنیای اقتصاد.

۱۱۵۶ – مهدی احمدی، همان.

موشکی و پهبادی و تامین مالی گروه های اسلامگرای مورد حمایت در قالب جنگ های نیابتی در منطقه از قبیل تامین مالی و تسلیحاتی حوثی های یمن و حزب الله لبنان و گروه های شیعه در عراق و حمایت از حکومت بشار اسد در سوریه ، حمایت از گروه های فلسطینی ، و اخیرا همراهی مستشاری ، نظامی و پهبادی با روسیه در جنگ اوکراین را برشمرد که به عنوان اقدامات مقابله جویانه ی بعدی علیه اردوگاه غرب و به تبع آن تحمل تحریم های اقتصادی بیشتر از ناحیه کشورهای غربی و در راس آنها آمریکا ، نام برد.

براساس برآوردهای کارشناسی، ایران برای ادامه حمایت خود از گروه های نیابتی و اندک متحدان منطقه ای خود در خاورمیانه به درآمدهای نفتی وابسته است. با وجود تحریم‌های اقتصادی طاقت‌فرسا، ایران تحت شرایط مختلف از روزانه پانصد هزار تا یک میلیون بشکه نفت به شش کشور (چین، ژاپن، کره جنوبی، تایوان، هند و ترکیه) صادر می کند، زیرا این کشورها معافیت هایی از ایالات متحده آمریکا برای واردات نفت از ایران دریافت کرده اند. بر اساس ارزیابی های صندوق بین المللی پول (IMF) درآمد نفت و گاز ایران در سال مالی ۱۴-۲۰۱۳ بالغ بر تقریباً ۵۶ میلیارد دلار آمریکا بوده است و این رقم نسبت به رقم گزارش شده برای سال قبل تر ازآن که ۶۳ میلیارد دلار بوده است، روندی کاهشی را نشان می دهد.[۱۱۵۷] در سالهای بعدی فشار حداکثری تحریم ها ، عملا صادرات روزانه نفت ایران را به دویست و پنجاه هزار بشکه در روز آن هم بصورت مخفیانه و از طرق بازارهای غیر رسمی و انجام مبادلات تهاتری نفت در قبال کالا با کشور چین سوق داد.

در هرحال نگاه کلی پژوهش حاضر این است که جنگ اقتصادی از هر نوع آن و سویه های مختلف آن مانند تحریم اقتصادی ، بی توجه به اینکه توسط چه کشوری علیه کشورهای دیگر بکار گرفته می شود، باید در زمره جرایم اقتصادی سازمان یافته فراملی دسته بندی و ارزیابی شود. تحقیق حاضر تحریم اقتصادی ، محاصره اقتصادی و جنگ اقتصادی را در ردیف جرایم اقتصادی قلمداد می کند. هزینه های یک جنگ اقتصادی، از طریق خسارات ناشی از تورم و بیکاری که به گترش فقر و فلاکت در میان بخش های زیادی مردم عادی در کشور هدف و توزیع نابرابر امکانات و منابع و رشد باندهای مافیایی و اتکاء بر رویه های پنهانی ارتکاب جرایم خشونت بار و ترور منتهی می شود، کمتر از یک عملیات تروریستی سازمان یافته و یا کشتار غیر نظامیان در جنگ واقعی نیست.

نیکولاس مالدر در کتابی که اخیرا با نام" سلاح اقتصادی" منتشر کرده این باور غلط و رایج را زیر سوال می برد که تحریم جایگزین یا پادزهر جنگ است. او نشان می‌دهد که هدف تحریم‌ها از حفظ روابط میان کشورها و یا تغییر رفتار آنها، به براندازی رژیم‌های سیاسی تغییر کرده است. اما به باور او تحریم‌ها ، بر خلاف آنچه تحریم‌کنندگان انتظار دارند، غالباً هدف دلخواهِ تغییر رژیم را تحقق نمی‌بخشند بلکه ضربهٔ سنگین به مردمی می‌زنند که در معرض آن تحریم ها قرار می گیرند. او با به کارگیری تحقیقات دقیق و گسترده درس‌هایی مهم برای مورخان

۱۱۵۷ - Kristina Kausch (Ed.),Ibid,p ٤١

و سیاست‌گذاران عرضه می‌کند. اصولاً صِرف پیش‌بینیِ تحریم موجب اقداماتی می‌شود که جلوی کارایی‌اش را می‌گیرد: کشورهایی که خطر تحریم را احساس می‌کنند ، به دنبال منابعی جایگزین می گردند تا در برابر محرومیت‌های حاصل از تحریم احتمالی مصون بمانند وهمین باعث می‌شود جاه‌طلبی‌هایشان از قبل هم بیشتر گردد. تاریخ بر پیش‌فرض تحریم (اینکه جوامع تصمیمات سیاسی خود را بر اساس عقل‌گرایی اقتصادی می‌گیرند، مثلاً ترس از افت استانداردهای زندگی) صحه نگذاشته است و مردم تا حد ممکن ، تحمل شرایط بد را به حاکمیت اجنبی ترجیح می‌دهند.[۱۱۵۸]

کاسبان و دلالان تحریم و رشد فساد

چنانکه اشاره شد، تحقیقات، گزارش ها و داده های منتشره از تجارب اعمال تحریم حتی از نوع تحریم های سازمان ملل نشان داده است که میان تحریم ها و گسترش فساد اقتصادی و زد و بند و سوء استفاده و رانت و دلالی ، رابطه وجود دارد، بطوری که تحریم سبب گسترش فساد می شود. تحریم ها نه تنها کشور مورد تحریم را با فساد مواجه می سازد، بلکه حتی کارگزاران سازمان های بین المللی را هم به فساد آلوده می کند.[۱۱۵۹] علت این است که با اعمال محدودیت و تحریم در مورد فعالیت های متداول و در چارچوب مکانیزم بازار ، انگیزه های قوی برای دستیابی به مسیرهایی غیر قانونی و غیر رسمی جهت بی اثر سازی تحریم ها و دور زدن آنها از طریق اقدامات مجرمانه و جنایتکارانه و جنایتهای کارآفرینانه دیگر فراهم می شود و معمولا در چنین معاملاتی سودی بیش از سود معمول برای دلالان و واسطه ها به دست می آید.[۱۱۶۰] بنابر این تحریم ها و فعالیت بازار سیاه در کنار هم قرار می گیرند و اقتصاد در سایه یا اقتصاد قاچاق را در سطح بین المللی فربه تر می کنند.

رشد اقتصاد زیر زمینی و ظاهر شدن آن به عنوان رقیب اقتصاد رسمی، تازه اول دردسرهای بزرگ است. اقتصاد سایه می تواند آنقدر بزرگ شود که از داخل آن دولت در سایه سر برآورد. بسیار محتمل است که اقتصاد سایه، کارگزاران دولت تحت تحریم را به فساد و رانت و منافعی که از فعالیت در اقتصاد سایه عاید می گردد ، آلوده کند. در این صورت پدیده ای بنام دلالان تحریم ظهور می یابند. کسانی در درون حکومت که منافع خویش را در شرایط تحریمی جستجو می کنند. آنچه که غلامرضا انصاری ، معاون پیشین اقتصادی وزیر خارجه ایران ، از آن تحت عنوان "خود تحریمی" یاد می کند و منظور او کسانی است که از تحریم ها منفعت می برند و از تحریم استقبال

۱۱۵۸ - Nicholas Mulder(۲۰۲۲), The Economic Weapon “ The Rise of Sanctions as a Tool of Modern War, Yale University Press.

۱۱۵۹ -Daniel W. Drezner, Sanctions Sometimes Smart: Targeted Sanctions in Theory and Practice, International Studies Review (۲۰۱۱) ۱۳, ۹۶–۱۰۸..

۱۱۶۰ - Ibid

می کنند.[۱۱۶۱] همسو با همین دیدگاه، جهان آبادی ، عضوکمیسیون امنیت ملی در مجلس شورای اسلامی ایران می گوید : " منافع عده‌ای در این است که کشور همیشه در حالت تحریم و تنش و فقر و فشار اقتصادی و سیاسی و چالش با دیگر کشورها باشد تا آنها بتوانند از طریق اقتصاد رانت و اقتصاد مخفی و غیرشفاف پول بیشتری به جیب بزنند."[۱۱۶۲] با آنکه برکمتر کسی پوشیده است که امروز دولت آمریکا با تحریم اقتصادی و جنگ اقتصادی ، ظلم و جنایاتی بزرگ بر علیه ملت ایران روا داشته است، اما برخی از مقامات در درون حکومت ایران مسائل مرتبط با تحریم ها را یا بدرستی تحلیل و ارزیابی نمی کنند و یا از تحریم ها منتفع می شوند و برای فریب افکار عمومی اثر تحریم ها بر اقتصاد ملی را کوچک نمایی می کنند و آن را بی اثریا کم اثر می دانند . بدون شک نابودی اقتصاد ایران و زمین گیر کردن اقتصاد این کشور، هدف تحریم های همه جانبه اقتصادی از سوی آمریکا است. دستیاران و مشاوران آنها، اسم آن را " هنر تحریم ها"[۱۱۶۳] گذاشته اند ، که به تعبیر این پژوهش در واقع " هنر جنایت" است. امروز اگر بگوییم اقتصاد ایران در محاصره ی کامل وزارت خزانه داری آمریکاست، سخنی به گزاف نگفته ایم. با این حال برخی با انگیزه های مختلف سیاسی و یا از سر عدم آگاهی و یا با انگیزه های منفعت جویانه ، رجزخوانی می کنند و به مردم دلداری بیهوده می دهند و می گویند تحریم ها هیچ تاثیری نداشته و ندارد. آنان با عادی جلوه دادن شرایط کشور همچنان سعی دارند اثر تحریم ها را بر اقتصاد کشور کوچک جلوه دهند. در حالی که ایرانیان از یک سو با سوء مدیریت کارگزاران نظام ، از سویی با فساد و زد و بند و غارتگری و رانت خواری گروهی فاسد در اداره کشور مواجه هستند، رجز خوان ها تلاش می کنند، خود را پیروز و برنده میدان معرفی کنند. آنها در دوره احمدی نژاد بخشی از ارکان قدرت رسمی را در دست گرفتند، سپس در دوران زمامداری حسن روحانی ، توانستند با گرد هم آوردن گروه های فشار و همسو کردن برخی از طیف های اصول گرا از جبهه پایداری تا دیگران، تلاش دیپلماتیک دولت برای برداشتن فشارهای تحریمی بر اقتصاد ایران که حول گفتگوهای برجامی و به تعبیر دولت گفتگوهای برد- برد در حال پیشرفت بود را خنثی کردند و سعی نمودند به اشکال گوناگون موانع مختلفی را برسر راه دولت امید ایجاد کنند و دولتی را در سایه تشکیل دادند و تلاش کردند در انتخابات ۱۴۰۰، آشکارا آن را بر مسند کار بگمارند و بنام ملت ایران منافع خودشان را تعقیب کنند. آنها تلاش نمودند در انتخاباتی غیرآزاد و غیر رقابتی با پایین‌ترین میزان مشارکت و بالاترین میزان آرای باطله در تاریخ انتخابات‌های ریاست‌جمهوری ایران ، رای ملت را بنام خود بزنند.[۱۱۶۴]

۱۱۶۱ - https://www.sharghdaily.com "تحریم با اقتصاد ایران چه می‌کند؟" : ۵ ۱۴۰۰ مرداد

۱۱۶۲ - https://www.sharghdaily.com/fa - "مشکل، منافع کاسبان تحریم است" :۱۴۰۱ – ۶دی ماه

۱۱۶۳ -ریچارد نفیو(۱۳۹۷)،هنر تحریمها، نگاهی از درون میدان، ترجمه معاونت پژوهشهای اقتصادی- مرکز پژوهش های مجلس.

۱۱۶۴ - https://fa.wikipedia.org/wiki/ ۱۴۰۰ انتخابات ریاست جمهوری ایران

تحلیل گران سیاسی برای توضیح علل کاهش مشارکت در آن انتخابات عوامل مختلفی بشرح زیر برشمرده‌اند:

بحران اقتصادی ، نا امیدی اکثریت معترض جامعه به وضعیت کشور از پیگیری مطالباتش در چارچوب نظام فعلی جمهوری اسلامی و بی‌اعتمادی مردم به هر دو جناح حاکمیت ، فساد گسترده ، شمار بالای زندانیان سیاسی، اعتراضات سراسری دی ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸، تحریم‌های آمریکا، نبود آزادی‌های سیاسی همچون آزادی بیان و نقض حقوق بشر، عدم شفافیت امور و پنهان‌کاری های گسترده از جمله در ماجرای شلیک به هواپیمای اوکراینی، عدم مقبولیت و مشروعیت برای گفتگو با حکومت، اصلاح‌ناپذیری ساختار سیاسی ، انتخابات نمایشی و غیرآزاد، تداوم محدودیت های شدید سیاسی، اجتماعی و مذهبی، رد صلاحیت های گسترده و حذف چهره‌های مهم و نامزدهای شاخص توسط شورای نگهبان.[۱۱۶۵]

امروز مردم ایران از سویی با رجزخوانی عده ای ناآگاه به مسائل کشور که چشم خود را بر واقعیت های جامعه بسته اند و نمی خواهند مشکلات مردم و جمعیت قابل توجهی که زیر خط فقر هستند را ببینند و از سویی با گروهی طماع و فرصت طلب سیاسی که کاسبان و دلالان تحریم خوانده می شوند مواجه هستند. آنها کسانی هستند که از این آب گل آلود، منافع کلان خود را بنام دور زدن تحریم ها از راه پولشویی و تحمیل هزینه های سنگین بر اقتصاد کشور تعقیب می کنند و با باج دهی به کشورهایی که کمترین نگاهی به مسائل حقوق بشری و حقوق شهروندان در ایران نداشته و ندارند، تنها منافع خودشان را دنبال می کنند و همچنان بر ادامه شرایط موجود پافشاری می کنند. در هم تنیدگی اقتصاد جهانی، موجب شده طرف های تجاری با کشورهای تحت تحریم از روشهای پنهانی برای معامله با آن کشور سوء استفاده کنند و بصورت دلالی و سوداگری منتفع شوند و سود ببرند. بطور مثال براساس گزارش های متواتر در مطبوعات و موسسات تحلیل بازار انرژی ، ایران برای اثبات بی اثر بودن تحریم ها در بازار نفت و انرژی، چوب حراج بر ثروت ملی زده و بیشترین تخفیف های قیمتی را روی فروش هر بشکه نفت به مشتریان خود در بازار سیاه اعمال کرده ، تا بتواند رکورد بیشترین میزان فروش نفت در طی چهار دهه گذشته را به ثبت برساند.[۱۱۶۶] همچنین ایران برای دور زدن تحریم ها به فروش نسیه، و تهاتر و مبادله نفت در برابر کالا با طرف های

۱۱۶۵ - Ibid.

۱۱۶۶ – روزنامه تعادل به نقل از بلومبرگ می نویسد : ایران نفت خود را ۱۲ تا ۱۵ دلار ارزان‌تر می‌فروشد. او می افزاید، کشورهای تحت تحریم شرایط متفاوتی در عرضه نفت دارند و تنها راه فروش محصولاتشان در گرو ارائه تخفیف است. نرخ تخفیف نیز برای عرضه نفت هر یک از کشورهای تحریم‌شده یا تحریم‌نشده متفاوت محاسبه می‌شود. به گفته کارشناسان، کشورهای تحریم‌شده عرضه نفت خود را با تخفیف‌های حداقل ۱۰ دلاری به بازار عرضه می‌کنند در حالی که دیگر کشورها با شرایط عادی نهایتا یک دلار روی عرضه نفت خود تخفیف می‌دهند.

https://www.taadolnewspaper.ir/: ۱۴۰۲ شنبه ۲۷ خرداد ۱۷ June ۲۰۲۳

همچنین اقتصادنیوزبه نقل از یک تحلیلگر بازار چین بنام لی، از شرکت ردیاب نفتکشVortexa Analytics می نویسد: " تخفیف خوب نفت ایران و سهمیه‌های واردات جدید، تقاضای پالایشگاه‌های مستقل چینی را تامین و پشتیبانی می‌کند......

https://www.eghtesadnews.com/

تجاری خود مانند ترکیه، عراق، چین و سایر کشورها روی آورده است. در واقع یکی از پیامدهای تحریم ها، غیر شفاف شدن کانال های تامین و توزیع کالاهای تحریمی و عدم شفافیت در کانال های مبادلاتی و نقل و انتقال پول و تراکنش های مالی است. به عبارت دیگر اعمال تحریم ها به گسترش فساد و عدم شفافیت در روابط تجاری و اقتصادی میان دولت ها منتهی می گردد. در همین باره حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس دهم عنوان کرد : مسئولان حوزه نفت کشور ما افتخار می کنند که نفت را دارند به صورت تاراج گونه‌ای می‌فروشند و برای اینکه نفت ایران به فروش برود، روزانه هزاران میلیارد تومان تخفیف می‌دهند.[۱۱۶۷]

همچنانکه نشان داده شد تحریم ها در تناقضی آشَکار با اهداف اصلی شان که تنبیه مجرمان و مفسدان است، خود عامل گسترش فساد و جرایم سازمان یافته و رشد باندهای قاچاق در سطح بین المللی هستند و می توانند انگیزه و موتور محرکی برای ارتکاب سایر جرایم باشند. این نگرانی در نزد بسیاری از آگاهان و کارشناسان وجود دارد که حتی پس از برداشته شدن تحریم ها چه بسا همچنان بقایای باندهای فاسدی که از تحریم ها ارتزاق می کردند ، مانع از حاکمیت قانون و برگشتن ثبات و امنیت به اقتصاد در جامعه ی هدف گردند. شاید برای برخی همچنان جای تعجب داشته باشد، ولی واقعیت این است که تحریم ها از هر نوع آن منجمله تحریم اقتصادی، یا بانکی و یا حتی تحریم تسلیحاتی و نظایرهم از جهات مختلف برای عده ای در درون کشورهای تحریم شونده و تحریم کننده و طرف های ثالث ، دارای رانت و منافع است. دور زدن تحریم ها نیازمند دور زدن قوانین از طریق ترفندهای مختلف و بکار گیری روش های فریبکارانه و متقلبانه مانند سند سازی و انتقال و جابجایی پول از کانالهای غیر شفاف و غیر رسمی و انجام معاملات بگونه ای است که اثری از آن بر جای نماند. همین مساله موجب می شود که نهادها، سازمان ها ، اشخاص و حتی دولتها به استفاده از روش های غیر قانونی در تجارت و به شبکه های بین المللی قاچاق کالا و ارز و باندهای مافیایی جنایت و ترور پناه ببرند و در این راه منافعی هم به جیب خود بزنند . به این ترتیب در شرایط تحریمی اقتصاد در سایه فربه تر از شرایط پیش از تحریم خواهد شد. بی شک منتفعین از این شرایط ، بدون در نظر گرفتن هزینه ها، خسارات و زیانهای تحمیل شده از سوی تحریم ها بر اقتصاد کشور و مشکلات فرآوانی که برای اکثریت مردم و یا دولت مستقر فراهم می آورد، خواهان استمرار وضعیت تحریمی هستند. در اغلب موارد سود و منافع افراد درگیر در فرایند دور زدن تحریم ها به اندازه ای هست که اگر با مجازات و جریمه های سنگین هم مواجه شوند، باز همچنان بر استمرار شرایط تحریمی پافشاری کنند. در چنین شرایطی همچنانکه اشاره شد، شاهد ظهور دولت در سایه و بروز نوعی روابط پر چالش، رویارویی و رقابت میان دولت رسمی و دولت در سایه خواهیم بود. دولت در سایه ، دولتی است که منافعش را در رشد اقتصاد در سایه یا اقتصاد تحریمی دنبال می کند.

۱۱۶۷ – سایت خبری فرارو : مواضع رییس کمیسیون امنیت ملی مجلس: حشمت الله فلاحت پیشه : ر. ک به :

https://fararu.com/fa/news//۵۹۴۷۷۶

ارزیابی و مقایسه میزان فساد در ایران، مشخص می‌سازد که سطح فساد نسبت به سطح قبل از تشدید تحریم‌ها نه تنها کاهش نیافته بلکه شدت هم یافته است، به عبارتی تشدید تحریم ها به تشدید فساد منتهی شده است. در سال ۲۰۱۶، یکی از نمایندگان مجلس اعلام کرد: "در هشت سال گذشته عده‌ای که مدعی دور زدن تحریم‌ها بودند، بشکه‌های نفت را از وزارت نفت دریافت کردند و در بازارهای بین‌المللی فروختند، در حالی که پول را به خزانه دولت واریز نکردند. بدیهی است که اگر ما جای آنها بودیم، تلاش می‌کردیم برجام را خراب کنیم یا نتایج آن را زیر سوال ببریم.....رانت خواران تحریم، مخالفان برجامند."[۱۱۶۸]

به این ترتیب نگرانی آن دسته از کارشناسانی که به چالش های پسا تحریم توجه دارند ، بجاست. آنها معتقدند پس از لغو تحریم ها در ایران، بقایای فساد همچنان در دولت، در میان جامعه و شهروندان و در سراسر منطقه می تواند وجود داشته باشد. از آنجایی که دولت کانال‌های قاچاق را برای دور زدن تحریم‌ها برای مدتی حمایت و هدایت می‌کرد، یکی از چالش‌های اصلی در دوران پساتحریم، شکستن این شبکه‌های غیرقانونی و حذف رویه ها، اقدامات و طرد افراد فساد از درون دولت است. در نتیجه استمرار تحریم ها ، فساد حتی در میان مردم نهادینه شده و با پذیرش رفتارهای فاسد از سوی جامعه ممکن است پس از پایان تحریم ها ، تغییر آنها در جهت انطباق با رویه های قانونی مشکل میشود. با ریشه دار شدن فساد ، مبارزه با آن مشکل خواهد شد و باندهای قاچاق ممکن است همچنان به فعالیت خود ادامه دهند یا به سایر بخش‌های اقتصاد منتقل شوند.[۱۱۶۹] بدیهی است هنگامی که سیستم های سیاسی از روش ها و ابزارهای فاسد استفاده می کنند و مصونیت از مجازات را تقویت می کنند، امکان ورود و رشد و پرورش باندها و گروه های مجرم و جنایتکار را ایجاد می کنند و مجازات و پیامدهای ارتکاب فساد را برای دیگران در جامعه که به این روش عمل کنند، کاهش می دهند و واکنش های دولت به فساد منفعلانه خواهد شد و که پیامد آن مشروعیت زدایی از دولت است. پدیده ای که اخیرا در فضای سیاسی ایران از آن تحت عنوان کاسبان تحریم یاد شد، نمونه ای از شکل گیری یک توده سرطانی فساد در کشور است. روزنامه دنیای اقتصاد به نقل از جمهوری اسلامی چندی پیش در یادداشتی کاسبان تحریم را چهار دسته معرفی کرد : دسته اول: کشورهای تحریم کننده غربی و در رأس آن‌ها آمریکا و همچنین رژیم صهیونیستی که با کنترل منابع عظیم ایران و با ایجاد تنگناهای اقتصادی و سیاسی توانسته‌اند سلطه خود را بر منطقه و دنیا تحکیم بخشند و از ایران به مانند کارت بازی در معادلات سیاسی و اقتصادی بهره گیرند.

۱۱۶۸- Morteza Golpour, “Mottahari: Rent-seekers in Sanctions time became the opponents of the JCPOA” [رانت خوران دوران تحریم مخالفان برجامند](۲۰ April ۲۰۱٦), online: Iran <irannewspaper.com/Newspaper/BlockPrint/۱۲۵۹۵۸> [translated by author

۱۱٦۹ -Azar Mahmoudi(۲۰۱۸),Ibid, p ۹۳

دسته دوم : کشورهایی مثل چین و هند که با تخفیف‌های خوب از جیب ملت ایران ، نفت می‌خرند و در ازای آن ایران مجبور است فقط کالاهای آن کشورها را خریداری و وارد کند. حتی کشورهایی همانند کره جنوبی از آن جمله اند.

دسته سوم: کشورهای دوست و همسایه مانند عراق و روسیه و ترکیه که باید مجاری تنفس ایران باشند ، ولی هر یک به نوعی از این آب گل آلود در حال شکار شاه ماهی‌های اقتصادی و سیاسی خود هستند. عراق که برق خود را از ایران دریافت می کند، به بهانه ی وجود تحریم های بانکی پولهای ایران را برای سال ها بلوکه می کنند و هزینه های فرصت بیشتری را به ایران تحمیل می کنند

دسته چهارم : کاسبان داخلی تحریم که خوب می‌دانند برای دور زدن تحریم‌ها نیاز به عدم شفافیت است و این عدم شفافیت در بروکراسی و مبادلات مالی می‌تواند دستاویز مناسبی برای سودجویی هرچه بیشتر آن‌ها باشد. آنها در عین حال از مخالفان پیوستن ایران به FATF هستند.[۱۱۷۰] توصیف واضح تر و دقیق تری از هزینه های تحمیلی ناشی از شرایط تحریمی را عباس آخوندی وزیر پیشین راه و شهرسازی در دولت روحانی چنین ارائه داده است : "اقتصاد غیر رسمی یا قاچاق در ایران که دست کم به ۲۵ میلیارد دلار در سال بالغ می‌شود، کشور را اسیر درصد بگیرهایی کرده که به نام آنها خرید و فروش‌ها انجام می‌شود و زیان‌هایی که از این بابت به اقتصاد کشور طی دست کم پانزده سال اخیر وارد آمده غیرقابل محاسبه و جبران ناپذیر است. مخالفت بی وقفه با برجام یا با الحاق ایران به معاهدهٔ مبارزه با پولشویی و حمایت مالی از تروریسم ثمرهٔ کار کاسبان تحریم و صاحبان اقتصاد غیر رسمی یا قاچاق در کشور است." [۱۱۷۱] دیگر مقام ارشد جمهوری اسلامی ، اسحاق جهانگیری معاون اول دولت یازدهم که در دوران مسوولیتش ، ریاست ستاد مقابله با تحریم ها را هم برعهده داشته و اصطلاح جنگ اقتصادی را ظاهرا خود او برای توصیف شرایط رویارویی ایران با تحریم های حداکثری امریکا در مطبوعات ایران رواج داد ، در مجموعه خاطراتش از آن دوران که با عنوان "هزار درد بی درمان " گردآوری و تدوین شده است، در مورد پیامد تحریم ها برای اقتصاد کشور می گوید : " حاصل تحریم، فساد است. حجم تجارت ایران ۷۰ میلیارد دلار است. ۲۰ درصد این رقم در جیب کسانی می‌رود که در داخل کشور دنبال تحریم هستند. همین‌ها گروهی را در امارات بسیج می کنند که به ایران برای دور زدن تحریم ها سرویس بدهند و درازای آن چندین برابر معمول مطالبه مالی می کنند. گروه سومی در چین شرکت تأسیس می کنند و فقط قصدشان این است که مشتری ایرانی داشته باشند که در دوران

۱۱۷۰ - https://donya-e-eqtesad.com : ۱۴۰۱/۰۹/۱۷

۱۱۷۱ – همان.

تحریم، آن‌ها را سر کیسه کنند. مشخص است که کانال‌های ارتباطی آن‌ها کجاست. پشتوانه آن‌ها قدرت سیاسی در داخل ایران است. این‌ها با تحریم کاسبی می‌کنند. کاری هم به وضعیت فلاکت بار مردم ندارند."[۱۱۷۲]

با این توصیف اگر بخواهیم اثر توزیعی تحریم ها را به عنوان عاملی در رشد اقتصاد سایه در ایران ارزیابی کنیم، بدون شک باید ببینیم منافع تحریم ها و دور زدن آنها به جیب چه کسانی رفته است و چه گروه هایی از تحریم ها زیان دیده اند؟ افزایش نابرابری ها می تواند بخشی از رشد اقتصاد سایه در ایران را توضیح دهد. رانت می تواند مولد نابرابری در جامعه شده منجر به توزیع نابرابر فرصت ها و درآمدها و منافع شده و به رشد اقتصاد سایه منتهی گردد. همچنانکه تحریم ها به ایجاد منافع و رانت برای یک اقلیت خاص در جامعه منتهی می شود، تشدید تحریم های اقتصادی ، فقر مطلق در کشور را افزایش می دهد.[۱۱۷۳] اثر تحریم ها بر افزایش نابرابری اقتصادی هم در مورد ایران و هم سایر کشورهای تحت تحریم تایید شده است. (مصیب پهلوانی و همکاران،۱۴۰۰) در مورد تاثیر تحریم های مالی بر اقتصاد ایران با یادآوری این نکته که ، رشد اقتصادی ، ضریب جینی را در طول زمان بهبود می بخشد، نشان می دهند، با توجه به اینکه تحریم های مالی بر نرخ تورم، نرخ ارز و بیکاری و همچنین افزایش بدهی های خارجی بانک مرکزی تأثیر نامطلوب داشته است، می توان نتیجه گرفت که تحریم ها ضریب جینی را تشدید کرده و از آن طریق نابرابری درآمدی را افزایش داده است. در واقع افزایش تحریم های مالی مانع از انتقال درآمدهای نفتی و واردات کالاهای اساسی می شود. همچنین تحریم ها نرخ تورم را افزایش داده و منجر به نابرابری بیشتر در توزیع درآمد شده است. بنابراین، تحریم ها در کل بر ضریب جینی و نابرابری در ایران تأثیر نامطلوبی گذاشته است.[۱۱۷۴]

مهدی آیتی فعال سیاسی اصلاح طلب و صاحب نظر در مسائل اقتصاد ایران نیز در گفتگو با تهران تایمز معتقد است، در حال حاضر حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد مردم با درآمد کم و هزینه های زیاد دست و پنجه نرم می کنند. او می گوید ، ما با یک هرم توزیع درآمد اقتصادی ناسالم مواجه هستیم که در رأس آن تعدادی ثروتمند قرار دارند که دارای ثروت زیادی در داخل و خارج از ایران هستند و اکثریت زیادی از مردم زیر خط فقر اعلام شده به سر می برند و این شرایط پیامد وجود تحریم ها در کنار سوء مدیریت و فساد در درون حکومت است.[۱۱۷۵]

۱۱۷۲ – خبرانلاین(۱۴ شهریور ۱۴۰۱) : ناگفته های جهانگیری از «هزار درد بی‌درمان» : ۲۰ درصد حجم تجارت ایران به جیب کسانی می‌رود که داخل کشور دنبال تحریم هستند.

https://www.khabaronline.ir/news/١٦٧٠٢٨٦

۱۱۷۳ – یونس نادمی و داریوش حسنوند(۱۳۹۸)، شدت تحریمها و فقر در ایران: لزوم لغو تحریم ها از منظر حقوق بشر ، مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری.

۱۱۷۴ - مصیب پهلوانی، سمیرا حیدریان، سید حسین میرجلیلی(۱۴۰۰)،بررسی تأثیر تحریمهای مالی بر نابرابری درآمد در ایران: مدل FAVAR-TVP، نشریه علمی سیاستگذاری اقتصادی، سال سیزدهم، شماره بیست و پنجم.

١١٧٥ - https://www.tehrantimes.com/news/٤٧٩٨٢٩/Sanctions-are-main-cause-of-inequality

درهرحال مطالعات در سطح بین المللی هم نشان می دهد، پیامدهای تحریمی برای مردم و شهروندان کشورهای تحت تحریم فاجعه بار است، هرچند که حاکمان این کشورها، آن را نعمت ارزیابی کنند و یا از قبل آن برای خود منافعی را جستجو نمایند. یونیسف در آخرین گزارش خود پیرامون تاثیر و پیامد تحریم ها روی زندگی و شرایط کودکان در کشورهای سوریه، ایران و ونزوئلا، عنوان می کند : کشورهای تحریم شده اغلب با چالش‌های همزمانی مواجه می‌شوند که بر کیفیت زندگی کودکان تأثیر منفی می‌گذارد، مانند ناآرامی‌های مدنی، درگیری‌های مسلحانه، حکومت‌داری ضعیف، رشد فساد و نقض حقوق بشر. بدیهی است در چنین شرایطی، جدا بررسی کردن اثرات تحریم‌ها دشوار است. همین عوامل ممکن است مانع جمع‌آوری داده‌های مستقل شوند یا منجر به دستکاری داده‌ها شوند و ارزیابی شرایط و وضعیت را همچنان چالش‌برانگیزتر کنند.[۱۱۷۶]

کشورهایی که هدف تحریم‌های گسترده قرار می‌گیرند، معمولاً شاهد افزایش قیمت کالاها هستند که ناشی از محدودیت‌های واردات و کاهش ارزش پول است و در نتیجه قدرت مصرف خانوارها کاهش می‌یابد. این اثرات می تواند به ویژه برای خرید غذا و دارو که بسیاری از آن کشورها به واردات آن وابسته هستند، شدید باشد. بعلاوه کشورهایی که هدف تحریم‌ها قرار گرفته‌اند، نااطمینانی اقتصادی، کاهش تقاضا برای صادرات و فرار سرمایه خارجی را تجربه می‌کنند که به کاهش فعالیت‌های تجاری، کاهش دستمزدها و افزایش بیکاری منجر می‌شود. شواهد تاریخی حاکی از آن است که زنان دراین جوامع در برخی موارد به طور نامتناسبی بیشترین فشارها را متحمل می شوند. این امر فشار بیشتری را بر مصرف کالاها و خدمات خانواده برای کودکان وارد می کند و راهبردهای مقابله ای منفی مانند رژیم غذایی ناکافی، فروش دارایی، کار کودکان یا ترک تحصیل آنها را تشویق می کند.[۱۱۷۷]

پیامد تحریم های اقتصادی از نگاه گزارشگر ویژه

در مورد پیامد تحریم های اقتصادی ایران بر زندگی مردم مستندترین گزارش ، را گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد (خانم النا دوهان) که اخیرا درتاریخ هفتم تا ۱۸ می ۲۰۲۲ به ایران سفر کرده بود ارائه داد. او که گزارش ارزیابی آثار و پیامدهای تحریم ها را بر زندگی و معیشت مردم با عنوان "تاثیر منفی تحریم‌ها بر حقوق بشر"و با اتکاء بر منابع اطلاعاتی مختلف (اعضای جامعه مدنی، دانشگاهیان، بازاریان، نمایندگان بخش های خصوصی و دولتی، آژانس های تخصصی سازمان ملل و نمایندگان دولت) تهیه کرده بود، اعلام کرد : تحریم‌ها بر گروه‌های آسیب پذیر و سرپرستان خانوارها و زندگی مردم عادی تاثیر گذاشته است. ارائه کمک‌های بشردوستانه از طریق آژانس‌های بین‌المللی به خاطر مشکل در نقل و انتقال پول صورت نگرفته است و زندگی عادی مردم دچار مشکل شده و وضعیت را ازآنچه که پیش تر بوده ، بحرانی‌تر نموده است. کاهش درآمد دولت ناشی از تحریم صادرات

۱۱۷۶ - Zoë Pelter, Camila Teixeira, Erica Moret(۲۰۲۲),Sanctions and their Impact on Children, UNICEF,p۲۲
۱۱۷۷ - Zoë Pelter, Camila Teixeira, Erica Moret(۲۰۲۲),Ibid .

نفت و سایر فرآورده های ایران باعث تورم و افزایش شدید قیمت ها شده و این موضوع امنیت غذایی مردم و سلامت آنها را به خطر انداخته و به فقر در جامعه دامن زده و باعث کاهش کیفیت زندگی مردم شده است. منع واردات داروها باعث مشکلات زیادی در ایران شده و این نقض قواعد مدنی است، ایرانی ها به خاطر تحریم‌های یکجانبه، تحریم‌های ثانویه و تحریم بانک‌ها و موسسات خصوصی ناچار شدند به دنبال راه‌های جایگزین از طریق طرف های ثالث باشند که همین امر باعث کاهش کیفیت و افزایش قیمت و هزینه‌ها شده است. حتی تبادل علمی میان مراکز دانشگاهی ایران با دیگر نقاط جهان دچار مشکل شده است. وی همچنین از دولت آمریکا خواست که بلافاصله تحریم‌ها علیه مردم ایران را لغو و ازکشورهایی که اقدام به بلوکه کردن دارایی‌های ایران کرده‌اند تقاضا کرد که این دارایی‌ها را آزاد کنند.[۱۱۷۸]

حتی اگر اعزام گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد تاثیر و پیامد تحریم ها بر حقوق بشر را تصمیمی سیاسی متاثر از تهاجم روسیه به اوکراین و امید اروپا و امریکا به انجام توافق هسته ای با ایران برای کاهش تاثیر وابستگی اروپا به گاز روسیه و برداشتن تحریم ها ارزیابی نکنیم، چنانکه برخی کارشناسان چنین ارزیابی هایی ارائه داده بودند، باید بگوییم، گزارش النا دوهان، بیش از آنکه دولت آمریکا را از شرایط پیش آمده برای ایران متاثر و ناراحت کند، برخی مقامات سیاسی آمریکا را بابت تاثیرگذاری شدید و عمیق تحریم ها بر اقتصاد ایران خوشحال کرده است. آمریکایی ها امیدوار هستند، فشار تحریم ها به نارضایتی های وسیع مردم علیه حاکمان مستقر و تغییر رفتار آنها منجر شود. اما واقعیت این است که رفتار ، روش ، منش و اندیشه ایدئولوژیک حاکمان مستقر در ایران نه تحت تاثیر تحریم ها و نه حتی تحت تاثیر پیامدهای منفی ناشی از تحریم ها بر کیفیت زندگی میلیون ها شهروند ایرانی که به افزایش اعتراضات آنها به وضعیت اداره کشور هم انجامیده ، چندان تاثیر شگرفی نداشته است و نهایتا در مواردی با برخی انعطاف های سیاسی، معاملات پشت پرده و مذاکرات پنهانی میان مقامات سیاسی جمهوری اسلامی با دولت امریکا، مانند تبادل زندانیان یا توقف موقت غنی سازی در ازای برداشتن و توقف اجرای برخی از

۱۱۷۸ - نحوی واکنش ها با سفر گزارشگر ویژه سازمان ملل به ایران از چند جهت تاسف بار است. این سفر از سوی آن دسته از مخالفان نظام جمهوری اسلامی که طرفدار تحریم به عنوان راه حل تنبیهی علیه دولت ایران هستند و برخی از جریانات سیاسی افراط گرا در داخل کشور که از سفر گزارشگر حقوق بشر به ایران واهمه دارند واکنش هایی درپی داشت. بطوری که خانم دوهان مجبور شد اعلام کند: "گزارشگر ویژه حقوق بشر نیستم. قبل از سفر به ایران جریانی علیه سفر من راه افتاد و از من خواستند به ایران نیایم و پیش شرط هایی برای سفرم بگذارم. همیشه همین طور است .در کشورهای دیگری هم که رفتم در ونزوئلا و زیمبابوه همیشه کارزاری علیه سفر من راه می‌افتاد که این ماموریت نباید انجام شود، چون معتقد بودند تحریم‌ها راهکار است و فراموش می‌کنند ماموریت من در چه موضوعی است و حوزه‌های دیگر حقوق بشر را مطرح می‌کنند. بعلاوه کشورهایی که تحریم کرده‌اند هم با ماموریت و سفر من مخالف بودند. " او در انتها گفت تحریم‌ها چه خوب است یا بد نباید به صورت سیاه و سفید ببینیم و باید آن را در چارچوب مستندات بررسی کنیم و اگر چنین کنیم می‌توانیم به نتیجه برسیم. خبرگزاری فارس، ۲۸/اردیبهشت ۱۴۰۱ : با موضوع سفر گزارشگر ویژه سازمان ملل :ر.ک به وبسایت خبرگزاری فارس :
https://www.farsnews.ir/news/١٤٠١٠٢٢٨٠٠٠٤١٢

تحریم ها علیه مقامات سیاسی کشور، در نهایت، تحول مثبتی در وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران رخ نداده است و کاملا پیداست که حکومت عملا از فشار تحریم ها شانه خالی کرده و بار فشارها را بـر دوش مـردم ایـران انداخته است. در طول دوره تحریم ها هیچگاه کمک مالی به نیروهای به اصطلاح محور مقاومت قطع نگـردده و حتی پولهای بلوکه شده، به محض آزادسازی روانه غزه و لبنان شده و صرف تامین مالی گروه هـای فلسـطینی و لبنانی گردیده است. در نتیجه ی تحریم ها آنکه زیان کرده مردم ایران بوده اند کـه تحـت سـخت تـرین شـرایط معیشتی گرفتار تورم و بیکاری و فلاکت و فقر و فساد شده اند. دولت جمهوری اسلامی به دلیل کنترل و تسلط خود بر بیش از ۷۰ درصد منابع اقتصادی کشور، ازظرفیت های رشد اقتصاد سایه در ایران به عنوان یک ضـربه گیـر در برابر فشار تحریم ها بهره برداری کرده است. اقتصاد سایه دوگان و همزماد [۱۱۷۹] اقتصاد رسمی و برآیند و انعکاسی از عملکرد اقتصاد رسمی است و برپایه داده های مختلف اقتصادی و آماری می توان ادعا نمود، همین ساختار اقتصاد رسمی حدود ۷۵ درصد(بخش دولتی)، ۲۵ درصد (بخش خصوصی) در ایران به بخش غیر رسمی اقتصاد هم قابل تعمیم است و سهم دولت در اقتصاد سایه حدودا سه برابر بخش خصوصی است و مهمتر اینکه محرک اصـلی در رشد اقتصاد سایه در ایران، دولت و سیاست های اقتصادی دولت است. امروز پیامد رشد اقتصاد سایه که محصول اقتصاد بشدت سیاسی و دولتی است، به ریشه دار شدن فقر و فساد در پیکره اقتصاد ایران و در نتیجه رشد تـورم و بیکاری در بخش رسمی و تشدید نابرابری ها انجامیده است.

در یک مطالعه کمی پیرامون تحریم‌های ایالات متحده بین سال‌های ۱۹۸۲–۲۰۱۱، نوین کیرش و نویمایر (۲۰۱۶) دریافتند که تحریم‌های ایالات متحده بر فقرا تأثیر منفی می‌گذارد و منجر به افزایش میانگین ۳٫۸ درصدی شکاف فقر می‌شود (متوسط کسری از خط فقر ۱٫۲۵ دلار PPP/ یک روز) در مقایسه با یک گروه کنترل شده که در آن پویایی تا حد ممکن مشابه کشورهای تحت تحریم بود. علاوه بر این، نوین کیرش و نویمایر استدلال می کنند که این تحریم‌ها در ۶۵ تا ۹۵ درصد مواردی که اعمال می‌شوند، به اهداف خود نمی‌رسند و این فقیرترین‌ها هستند که از طریق اجرای آن‌ها بیشترین آسیب ها را می‌بینند، نه نخبگانی که هدف تحریم‌ها هستند. آسیب هـای اقتصـادی تحریم ها، در نهایت بیشترین تأثیر مخرب را بر روی زندگی مردم عادی دارد، تولید ناخالص داخلی سرانه با نرخ فزاینده ای کاهش می یابد، صادرات و واردات کاهش می یابد، سرمایه بین المللی کاهش می یابد و تورم افزایش می یابد. با توجه به اقتصاد شکننده کشورهای تحت تحریم، تحریم ها خطر سقوط اقتصادی این کشورها را به دنبال دارد که به نوبه خود منجر به فقیرتر شدن بیشتر اقشار آسیب پذیر جامعه می گردد. [۱۱۸۰]

۱۱۷۹ - dual

۱۱۸۰ - Dylan O'Driscoll(۲۰۱۷), Impact of Economic sanctions on poverty and economic growth,UK Department for International Development,p۳.

برخی از یافته های کلیدی تحقیقات (مارینو،۲۰۰۵) که در آن پرسیده است :" آیا تحریم های اقتصادی به بی ثباتی و تزلزل در موقعیت رهبران منتهی میشود؟"، بشرح زیر است[۱۱۸۱]:

- تحریم های اقتصادی منجر به افزایش شکاف فقر می شود و اقشار محروم جامعه بیشترین تأثیرپذیری را احساس می کنند.
- در بیشتر موارد تحریم ها به اهداف خود دست نمی یابند و نخبگان موفق می شوند تا اثرات نامطلوب آن را در سطحی بسیار بیشتر از شهروندان فقیرتر مذاکره کنند و از سر بگذرانند.
- تحریم ها تأثیر مخربی بر نابرابری درآمد دارد و بر مردم عادی بیش از نظام حاکم بر کشورهای تحریم شده تأثیر می گذارد.
- تحریم‌ها بیشتر به مناطق روستایی و غیرصنعتی آسیب می‌رسانند، زیرا منابع در مراکز قدرت و تولید متمرکز می‌شوند.
- تحریم های اقتصادی تاثیر منفی بر هزینه بازسازی و رشد اقتصادی پس از لغو تحریم ها یا تغییر رژیم دارند.
- رژیم های تحریم شده اغلب سعی می کنند اثر منفی تحریم ها را بر اقتصاد بزرگ کنند تا از شورش مردم جلوگیری کنند و یا فساد و ناکارآمدی های خود را بپوشانند.
- بین سال‌های ۱۹۷۶ و ۲۰۱۲ تحریم‌های سازمان ملل منجر به کاهش ۲۵,۵ درصدی کل تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای تحت تحریم شده است[۱۱۸۲]
- تأثیر منفی تحریم ها ، اقشار آسیب پذیر و ضعیف و به حاشیه رانده شده در جامعه مانند ، زنان، جوامع اقلیت قومی و نژادی، مذهبی و سایر گروه های به حاشیه رانده شده را به میزان بیشتری تحت تأثیر قرار می دهد.
- تحریم ها تأثیر منفی قابل توجهی بر استانداردهای زندگی و وضعیت حقوق بشر و انسان دوستانه جمعیت در کشور تحریم شده دارد.

اکثر مطالعات بر تأثیر منفی تحریم‌های اقتصادی بر طبقه ی متوسط جمعیتی تأکید می‌کنند، در حالی که استدلال می‌کنند که نخبگان سیاسی عموماً راه‌هایی برای مذاکره و معامله درباره تحریم‌ها پیدا می‌کنند. علاوه بر این، مطالعات همچنین عدم موفقیت تحریم‌ها را در رسیدن به نتیجه دلخواه خود در بیشتر موارد نشان می‌دهد، و هنگامی که با رنج انسانی که اعمال می‌کنند همراه شوند، اغلب با مداخلات مسلحانه مقایسه می‌شوند، اما بدون همان میزان موفقیت در تغییر رژیم.تنها اختلاف واقعی در ادبیات تحریم‌های معاصر به میزان شکست تحریم‌ها به عنوان ابزاری برای وادار کردن تغییرات در رفتار کشورهای هدف مربوط می‌شود.

۱۱۸۱ - Marinov, N. (۲۰۰۵). Do Economic Sanctions Destabilize Country Leaders? American Journal of Political Science, ٤٩(٣), ٥٦٤-٥٧٦ .

۱۱۸۲ - Neuenkirch & Neumeier(۲۰۱٥), The impact of UN and US economic sanctions on GDP growth. European Journal of Political Economy, ٤٠, Part A, ١١٠-١٢٥.

(ارلی و پکسن، ۲۰۲۱) در مطالعه اقتصاد سایه و موفقیت تحریم های اقتصادی به توضیح این موضوع که چرا کشورهای دموکراتیک در مواجه با تحریم ها در معرض آسیب بیشتری هستند، پرداختند.آنها در این راستا دو نظریه متفاوت ارائه دادند تا به طور بالقوه توضیح دهند که چگونه رشد بخش سایه بر نتایج تحریم ها تاثیر می گذارد. "نظریه تخفیف نارضایتی" استدلال می کند که رشد فعالیت ها در بخش سایه باعث کاهش فشار سیاسی بر رهبران برای تسلیم شدن در برابر تحریم ها می شود، در حالی که " نظریه دموکراسی محروم" ادعا می کند که اقتصادهای سایه کسری منابع بودجه ای ایجاد می کنند که به طور نامتناسبی توانایی کشورهای دموکراتیک هدف را در مقاومت برابر تحریم ها مختل می کند.[۱۱۸۳] به این ترتیب تحریم های اقتصادی روی رفتار حکومت های اقتدارگرا و توتالیتر با ماهیت ایدئولوژیک –مذهبی و غیر دموکراتیک کمترین اثر دارد ، ولی برای مردم آن کشورها حامل بیشترین هزینه ها و خسارات است، در حالی که برای حاکمیت های دموکراتیک چنین نیست.

گزارش ها و شواهد مختلف نشان می دهند ، رفتار ، روش ، منش و اندیشه ایدئولوژیک حاکمان مستقر در ایران نه تحت تاثیر تحریم ها و نه حتی تحت تاثیر پیامدهای منفی ناشی از تحریم ها بر کیفیت زندگی شهروندان که به افزایش اعتراضات آنها به وضعیت اداره کشور انجامیده ، کمترین تغییری ایجاد نکرده است و تنها در مواردی که تحریم ها بطور هدفمند افراد و یا نهادهای وابسته به حاکمیت را مستقیما تحت تاثیر قرارداده است، با برخی انعطاف های سیاسی، معاملات پشت پرده و مذاکرات پنهانی میان مقامات سیاسی جمهوری اسلامی با دولت امریکا، مانند موافقت با تبادل زندانیان دو تابعیتی یا کاهش سطح غنی سازی اورانیوم در ازای برداشتن توقف اجرای برخی از تحریم ها، فرصت های دوباره ای برای خود ایجاد کرده اند و نهادهای حکومتی عملا از فشار تحریم ها شانه خالی کرده و بار فشارها را بر دوش مردم عادی انداخته اند. در طول دوره تحریم ها هیچگاه کمک مالی به نیروهای به اصطلاح محور مقاومت قطع نگردده و حتی پولهای بلوکه شده، به محض آزادسازی مجددا روانه غزه و لبنان شده و یا صرف تامین مالی گروه های نیابتی گردیده است. بنابراین در نتیجه ی تحریم ها آنکه زیان کرده مردم ایران بوده اند که تحت سخت ترین شرایط معیشتی گرفتار تورم و بیکاری و فلاکت و فقر و فساد شده اند. جمهوری اسلامی به دلیل کنترل و تسلط خود بر بیش از ۷۰ درصد منابع اقتصادی کشور، از ظرفیت های رشد اقتصاد سایه در ایران به عنوان یک ضربه گیر در برابر فشار تحریم ها بهره برداری کرده است و نسبت به پیامدهای خسارت بار آن برای منافع ملی ایرانیان نیز چندان حساسیتی نشان نداده است. این شیوه حکمرانی موجی از نارضایتهای گسترده را در میان جامعه در پی داشته است.

۱۱۸۳ - Early, B. R., Peksen, D. (۲۰۲۰). Shadow economies and the success of economic sanctions: Explaining why democratic targets are disadvantaged. Foreign Policy Analysis, ۱٦(۳), ۳۵۳-۳۷۲.

شواهد نشان می دهند ، تلاش های بیش از سه دهه ی گذشته مردم ایران در تغییر موقعیت و شرایط خود با هدف بهبود رابطه با جهان، تنش زدایی در منطقه، توجه دادن حکومت به لزوم اهتمام به مشکلات داخلی به جای پرداختن به رقابت های منطقه ای راه به جایی نبرده است. دوره بحرانی سالهای اول انقلاب و هشت ساله جنگ تحمیلی به دلایل مختلفی که در جای دیگری قابل بحث است، استثنا شده است. اما در سه دهه اخیر نه تنها تجربه اصلاحات و توسعه سیاسی راه به جایی نبرد، بلکه بخش تمامیت خواه حاکمیت، از طریق مهندسی انتخابات و دستکاری و تقلب در انتخابات سعی کرد، بر روند انتخاب مردم اثر بگذارد. حکومت عملا جنبش اعتراضی مردم در سال ۱۳۸۸ با شعار " رای من کجاست؟"را با خشونت و ارعاب و حبس و زندانی کردن مخالفان و منتقدان سرکوب نمود. رشد فسادهای کلان اقتصادی درمیان مقامات سیاسی و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و گرانی افسارگسیخته ، بیکاری و رکود و اعمال محدودیتهای مختلف در جامعه در مورد فضای مجازی ، زنان و جوانان و اقلیتهای قومی و مذهبی و زندانی کردن فعالان سیاسی و مدنی و روزنامه نگاران، و سرکوب چندین جنبش اعتراضی دانشجویی و خیابانی از سال ۱۳۸۸ تا۱۴۰۱ تنها شمه ای از رفتارهای خشونت بار حکومت در بی اعتنایی به خواست مردم و تعقیب آرمان ها و اهداف ایدئولوژیک و اقتدارگرایانه خود در منطقه بوده است، که به رشد فزاینده ی اقتصاد زیر زمینی ، تحمیل شرایط زندگی سخت بر مردم و وجود تورم و بیکاری، گستردگی فقر و فساد و جرم و جنایت و البته بی ثباتی سیاسی و نارضایتی گسترده در میان احاد افراد جامعه منتهی شده است.

پیامد تحریم ، رشد فساد و بزرگ شدن سهم اقتصاد سایه

امروز باید از کسانی که با هدف مقابله با سلاح های کشتار جمعی، تحریم علیه ملت ها اعمال می کنند، پرسید : آیا خود تحریم ها نوعی سلاح کشتار جمعی نیست؟ پیامدهای مفسده آمیز و مجرمانه تحریم ها از موضوعات مورد بررسی و در زمره انتقادات وارده بر تحریم هاست. اگرچه رابطه ی متقابل تحریم‌های اقتصادی و فساد برای دهه‌ها موضوع پژوهش بوده است، اما تلاش‌های بسیار کمی برای تعیین رابطه بین این دو موضوعِ تا حدی بحث برانگیز صورت گرفته است. تحقیقات در مورد رابطه بین تحریم ها و فساد به طور قابل توجهی پراکنده است. تأثیر تحریم های اقتصادی بر روی کشورهای هدف، به ویژه برای کشورهای در حال توسعه، می تواند بسیار زیاد باشد. به گفته دیویس و انگمران (۲۰۰۳)، در اکثر موارد نسبت و اندازه نهاد یا کشور تحریم کننده در اعمال تحریم های اقتصادی تحمیلی، بیش از ۱۰ برابر اقتصاد هدف است و این نسبت در برخی موارد می تواند تا ۴۰۰ برابر نیز برسد. این رابطه نامتناسب بین نهاد یا کشور تحریم کننده و کشور هدف نشان‌دهنده تأثیر اساسی تحریم‌های اقتصادی بر کشورهای تحریم‌شده است. بنابراین، نیاز به بررسی دقیق اثرات مستقیم و غیرمستقیم تحریم ها بر کشورهای هدف وجود دارد.

در همین راستا، تأثیر تحریم های اقتصادی بر مردم عادی و غیرنظامیان بارها توسط متخصصان بهداشت عمومی و آژانس های تخصصی سازمان ملل متحد (UN) مورد مطالعه قرار گرفته است. (مارکس، ۱۹۹۹) در مقاله ی خود ، مشکلات مطرح پیرامون این ادعا که تحریم ها نقض حقوق بشر است را بررسی کرده است.او معتقد است، محرومیتی که مردم غیرنظامی تحت رژیم های تحریم متحمل می شوند اغلب نقض حقوق بشر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. با این حال، انتساب مسئولیت آن نقض‌ها به اعمال کنندگان یا فرستندگان تحریم‌ها (مثلاً شورای امنیت سازمان ملل یا دولت ایالات متحده) به‌ویژه با توجه به تلاش‌های انجام شده توسط این نهادها برای ارائه معافیت‌های بشردوستانه و یا کمك های بشردوستانه ، دشوار است. با این حال یك رویکرد سازنده تر برای جلوگیری از آسیب رسیدن به غیرنظامیان، ترجیح دادن تحریم های تسلیحاتی، قطع روابط دیپلماتیك و تعقیب کیفری بین المللی مقامات کشور هدف بجای اعمال تحریم های تجاری و اقتصادی است که دامن مردم عادی را می گیرد. در همین راستا توصیه‌های امیدوارکننده‌ای در مورد "تحریم‌های هدفمند یا هوشمند" که رژیم‌ها را به جای مردم هدف تحریم قرار می‌دهند و "تحریم‌های مثبت" در قالب مشوق‌ها تدوین شده است. متخصصان بهداشت و حقوق بشر وظایف مشخص و مهمی در اجرای چنین رویکرد تجدید ساختاری برای تحریم برعهده دارند.[۱۱۸۴]

(کمالی، مشایخ و جندقی،۲۰۱۶) در مقاله ای به بررسی رابطه معنادار بین تحریم های اقتصادی و فساد در کشورهای هدف پرداخته اند. آنها با استفاده از نمونه‌ای شامل ۷۳ کشور تحریم‌شده و ۶۰ کشور غیرتحریم‌شده و همچنین داده‌های فساد از سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۲، تلاش کرده اند تا رابطه‌ای بین تحریم‌های اقتصادی و فساد در کشورهای هدف بیابند. نتایج آزمون t مستقل فرضیه آنها را تایید کرده و نشان می دهد، کشورهایی که هدف تحریم‌های اقتصاد قرار گرفته اند ، فاسدتر از کشورهایی هستند که در همان بازه زمانی تحریم را تجربه نکرده‌اند. آنها همچنین تایید کرده اند که کشورهایی که تحت تحریم های اقتصادی جامع قرار گرفته اند، فاسدتر از کشورهایی که تحت تحریم های اقتصادی جزئی قرار دارند، هستند. فرضیه آنها در مورد مدت زمان تحریم اقتصادی در نهایت رد شده است. آزمون همبستگی پیرسون، نتایج متفاوت آماری معنی داری بین تحریم های بلندمدت و کوتاه مدت از نظر ایجاد فساد در کشورهای هدف نشان نمی دهد. در حالی که انتظار این بوده که کشورهایی که تحت فشار اقتصادی طولانی‌مدت قرار می گیرند، احتمال بیشتری دارد که ابزارهای غیرقانونی را برای فرار از تحریم‌ها بسازند که منجر به فساد بیشتر می شود، اما یافته‌های آنها این فرض را تأیید نکرده است.

۱۱۸٤ - S P Marks(۱۹۹۹),Economic sanctions as human rights violations: reconciling political and public health imperatives, https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/۱۰۵۱۱۸۳۲/

سازوکارهای تعدیل اتخاذ شده توسط کشورهای تحریم شده پس از تحریم های بلندمدت اقتصادی می تواند عامل این نوع ناهماهنگی باشد.[۱۱۸۵] همچنین معافیت هایی که نهادهای بین المللی یا کشورهای تحریم کننده بعد از اعمال تحریم ها صادر می کنند، احتمالا اثر تعدیل کننده در خصوص پیامدهای تحریم ها خواهد داشت. آنها پس از گنجاندن چهار عامل تعیین کننده فساد در الگوی تحلیل شان ، دریافتند که این متغیرها تأثیر کاهنده معناداری بر همبستگی بین تحریم‌ها و فساد دارند. سپس یک مدل رگرسیونی برای تعیین فساد به عنوان متغیر وابسته و تحریم های اقتصادی متغیر مستقل استخراج کرده اند، منشاء نظام حقوقی، درصد جمعیت پروتستان، دموکراسی و تولید ناخالص داخلی سرانه به عنوان متغیرهای مستقل در الگو بوده اند. مدل به دست آمده رابطه خطی بین فساد و تولید ناخالص داخلی سرانه، جمعیت معترض و دموکراسی را نشان می دهد.

(روکسانا نیکنامی و دیگران،۲۰۲۰) در مقاله ای با عنوان تحریم های مالی –اقتصادی اتحادیه اروپا علیه ایران و پیامدهای حقوق بشری آن ، بر این عقیده هستند که تحریم های اتحادیه اروپا به طور غیرمستقیم بر حق تعیین سرنوشت ایرانیان که به عنوان یک حق اساسی و اولیه در نسل سوم حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است، تأثیر منفی گذاشته است و آن را نقض نموده. حق تعیین سرنوشت رابطه پیچیده ای با اصول اساسی حاکمیت و حکومت داری دارد. این حق و الزام به احترام و حمایت از آن ، متأسفانه هنگام اعمال تحریم های یکجانبه و ثانویه نقض می شوند. با توجه به اهداف اتحادیه اروپا از اعمال تحریم ها که در نهایت بر تعداد زیادی از مردم و همچنین شاخه های نیروهای مسلح ایران فشار وارد می کند، می توان نتیجه گرفت که تحریم های یکجانبه اروپا علیه ایران به طور غیرمستقیم به حق تعیین سرنوشت و استقلال ملت ایران که با قطعنامه ها و اعلامیه های مختلف به رسمیت شناخته شده است لطمه می زند.[۱۱۸۶] به دلیل افزایش فقر، وقفه در ارائه خدمات اجتماعی و کمبود دارو در نتیجه تحریم ها، میزان مرگ و میر در ایران افزایش یافته است. تاثیر تحریم ها از طریق افزایش تورم، زندگی مردم ایران را تحت تاثیر قرار داده است. تحریم ها باعث کاهش عرضه ارز در کشور شده است که منجر به افزایش نرخ ارز و در نتیجه گران شدن کالاهای وارداتی برای ایرانیان شده است. تحریم ها دسترسی مناسب به بهداشت، غذا و دارو و همچنین حق داشتن امنیت اجتماعی را تحت تاثیر قرارداده. تحریم های اتحادیه اروپا علیه ایران، اثر منفی بر تولید، اشتغال و درآمد ملی داشته است و منجر به افت کارایی اقتصادی ، سطح درآمد پایین و شکاف های اجتماعی شده است و به طور کلی سطح زندگی ایرانیان را پایین آورده است. همه اینها مصادیق مجرمانه ای از اقدامات تحریم کنندگان و پیامدهای ضد حقوق بشری تحریم هاست.[۱۱۸۷]

۱۱۸۵ - Tahereh Kamali , Maryam Mashayekh & Gholamreza Jandaghi(۲۰۱٦),The Impact of Economic Sanctions on Corruption in Target Countries: A Cross Country Stud, Available online at www.worldscientificnews.com

۱۱۸٦- Roxana Niknami(۲۰۲۰),EU Economic & Financial Sanctions against Iran and their Human Rights Implications , Journal of World Sociopolitical Studies| Vol. ٤| No. ٣|

۱۱۸۷ - Roxana Niknami(۲۰۲۰),Ibid

(کریستفر فرتلند، ۲۰۱۷) در پایان نامه اش تحت عنوان "تاثیر تحریم ها بر وضعیت حقوق بشر در کشورها " براساس یافته های تحقیقی دریافته که تحریم‌های اقتصادی تأثیر مخربی بر حقوق تمامیت فیزیکی [۱۱۸۸]در کشورهای هدف دارد. این یافته‌ها با گسترده‌ترین داده‌های موجود درباره تحریم‌های اقتصادی تا به امروز تقویت می‌شوند. همچنین نشان داده است که تأثیر منفی تحریم‌ها به زیرمجموعه‌ای از حقوق مدنی و سیاسی، مانند آزادی بیان گسترش می‌یابد، و این تأثیر منفی با تأثیر منفی بر حقوق تمامیت فیزیکی برابری می کند.[۱۱۸۹]

(آذرمحمودی، ۲۰۱۸)در پایان نامه خود با عنوان "تشدید فساد در رژیم های تحت تحریم –مطالعه موردی ایران " نشان می دهد که تحریم ها به رشد پدیده قانون شکنی، ایجاد شبکه قاچاق سازمان یافته در سطح بین المللی ، فعالیتهای بازار سیاه و اقتصاد زیر زمینی و رشد بیشتر فساد و غوطه ور شدن کشورهای هدف و کشورهای ثالث در فساد و گسترده شدن دامنه فساد در سطح بین المللی کمک می کند. منظور ازکشورهای ثالث، کشورهایی هستند که به کشور هدف (کشور تحت تحریم)، در دور زدن تحریم‌های اقتصادی کمک می کنند. این کشورها عمدتا یا دارای انگیزه سیاسی هستند یا دارای انگیزه ها و منافع تجاری هستند و یا هردو. کشورهای ثالث در سناریوی دوم به تعبیری "شوالیه‌های سیاه"[۱۱۹۰] هستند که به کشور هدف کمک می‌کنند تا از شرایط تجاری نامتعادل آن تحت تحریم‌ها به نفع خود بهره‌برداری کنند و سود و منفعت بیشتری ببرند. در این موارد دولت کشور ثالث نمی خواهد از کشور هدف حمایت کند ، بعلاوه او قصد دارد از در معرض تحریم های ثانویه قرار گرفتن ، خودداری کند ، لذا فرار از تحریم ها را از طریق کانال های قاچاق و فعالیت های غیرقانونی فراهم می کند.[۱۱۹۱]

اگرچه تحریم‌ها روابط تجاری رسمی بین یک کشور هدف و همسایگان و طرف های تجاری اش را مختل می کند، اما فعالیت‌های زیرزمینی و شبکه‌های تحریم‌گریز همزمان در سراسر منطقه به وجود می‌آیند. در نتیجه، قاچاق و فعالیت‌های غیرقانونی به‌عنوان شیوه‌ای از تجارت و فعالیت‌های تجاری فاسد، از جمله پرچم‌گذاری مجدد کشتی‌ها، پرداخت رشوه، استفاده از شرکت‌های جلودار، یا مبادله کالا به کالا (مبادلات تهاتری) جای معامله تجاری، نهادینه را در سراسر منطقه و فراتر از آن می گیرد.[۱۱۹۲]

پس از اعمال تحریم ها علیه ایران، کشورهای غربی و شرکت های بزرگ ، تجارت با دولت و شرکت های ایرانی را متوقف کردند. با این وجود، کشورها و شرکت‌هایی که منافع مالی بیشتری در تجارت با ایران داشتند، نقش

۱۱۸۸ - Physical integrity rights (این حقوق به ممنوعیت هرگونه تعرض به جان و مال وعرض و ناموس و خشونت نسبت به افراد دلالت دارد)

۱۱۸۹ -Kristoffer Fretland Øygarden(۲۰۱۷),The Effect of Sanctions on Human Rights: Assessing the Impact of Economic Sanctions on Human Rights Violations in Targeted Countries. Print: www.grafiske.as, Oslo.

۱۱۹۰ - black knights.

۱۱۹۱ -Azar Mahmoudi(۲۰۱۸),The Proliferation of Corruption in Sanctions Regimes: The Case of Iran; McGill University, Montreal, p۸۸ .

۱۱۹۲ -Azar Mahmoudi(۲۰۱۸),Ibid.

شوالیه‌های سیاه را برای تحریم‌های ایران بازی کردند. کشورهایی مانند امارات متحده عربی، ترکیه، چین، پاکستان، بحرین، هند، ونزوئلا، برزیل، اکوادور و اروپای شرقی شکاف شرکای تجاری اصلی در حال خروج را پر کردند. اگر چه ایالات متحده رایزنی و تلاش دیپلماتیک خود برای متقاعد کردن این کشورها برای محدود کردن تجارت خود با ایران، از طریق فعالیت‌های زیرزمینی برای شکستن تحریم‌ها را ادامه دادند. اما حتی در صورت قطع تجارت با این کشورها، ایران در حال یافتن جایگزینی برای آن کشورهاست. بدیهی است کشورهایی که هیچ رابطه تجاری با ایالات متحده نداشتند، بیشتر تشویق شدند تا با ایران وارد تجارت شوند، زیرا آنها هیچ نگرانی برای نظارت آمریکا نداشتند. در نتیجه کانال‌های قاچاق و شبکه‌های ضد تحریم توسعه یافت و به شدت در سراسر خاورمیانه و حتی فراتر از منطقه گسترش یافته است. در نهایت به نظر می رسد تحریم ها، مشکلات یک کشور را بـه مشـکلی در سـطح مناسبات و روابط بین الملل تبدیل می کند. تحریم ها کشورهای ثالث را درگیر خود کرده و به شبکه فساد و قاچاق و پولشویی ابعاد بین المللی داده است. بعلاوه پیامد تحریم ها تشدید رقابت پنهان و آشکار قـدرت هـای بـزرگ اقتصادی مانند روسیه ، چین و ایالات متحده آمریکا را در مواجهه با کشورهای هدف تحریم فراهم آورده است. ازآنجا که این قدرت های بزرگ اقتصادی، اعضای ثابت شورای امنیت سازمان ملل هستند، کشورهای تحریمی و موضوع تحریم ها توانسته اند، خود را به موضوعات و چالش های امنیت جهانی پیوند بزنند.

بطور مثال ایران در واکنش به تلاش‌های آمریکا که به موضوع دور زدن تحریم‌ها در دوبی پرداخته بود، روابط خود را با سایر کشورها برای مقابله با تحریم‌ها گسترش داد. چین که از کاهش قیمت نفت در بازار ایران سود می برد، به ایران در واردات کالاهای تحریم شده کمک کرد. در سال ۲۰۱۲، یکی از مقامات اعلام کرد: " پولی که ایران از فروش نفت به دست می‌آورد به بانک‌های چین می‌رود و سپس برای خرید کالاهـا و مـواد دیگـر از سـوی ایـران استفاده می‌شود. این یک راه بسیار خوب برای دور زدن تحریم ها است." نتیجه تحریم ها این شده است که تجارت چین با ایران از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ بیش از پانزده برابر افزایش یافته.[۱۱۹۳]

یکی دیگر از کشورهایی که تحریم ها را به سخره گرفته و در دور زدن آن با ایران همکاری داشته و دارد ، کشور همسایه ، ترکیه است. چندین پرونده و سوابق و شواهد نشان می‌دهند دولت، بانک‌ها، شرکت ها و بازرگانان ترکیه به دولت و بازرگانان ایرانی برای دور زدن تحریم‌های اقتصادی از طریق روش‌های غیرقانونی و کانال‌های قاچـاق کمک کرده و می کنند. پرونده رضا ضراب یکی از آن مـواردی بـود کـه در مطبوعـات ایـران و ترکیـه و برخـی کشورهای دیگر جهان مطرح شد. این پرونده نشان می داد که موضوع دور زدن تحریم های آمریکا و قاچـاق بـه

۱۱۹۳-Azar Mahmoudi(۲۰۱۸),Ibid ; Con Caughlin, “Turkey and China ‘helping Iran evade UN sanctions’” (۱۹ February ۲۰۱۲), online: The Telegraph <www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast /iran/۹۰۹۱۷۳۶/ Turkey-and-China-helping-Iran-evade-UNsanctions. html>; see also Peter Fritsch, “Chinese Evade US Sanctions on Iran” (٤ January ۲۰۱۰), online: The Wall Street Journal <www.wsj.com/articles /SB۱۲٦۲٥ ٦٦۲٦۹۸۳۹۱٤۲٤۹>.

سطوح بالای دولت ترکیه رسیده است. به ویژه ضراب مدعی شد که رئیس جمهور ترکیه شخصاً در طرح وی برای مقابله با تحریم های ایران دست داشته است. نخست وزیر ترکیه هم اعلام کرد که دولت ترکیه برنامه دارد تا تجارت خود با ایران را تا پنج سال آینده سه برابر کند و تحریم ها نمی توانند مانعی برسر روابط تجاری دو کشور باشند.[۱۱۹۴]

اما واقعیت این است که منافع تجاری عاید شده در شرایط تحریمی برای ترک ها بیش از منافع آن ها در شرایط تجارت عادی است. بعلاوه شرایط تحریمی منافع غیرقانونی و غیرشفاف حاصل از راه های قاچاق عاید دولت ها و عوامل فاسد و رانت خوار دو طرف معامله می کند. پرونده رضا ضراب و بابک زنجانی نمونه هایی از صدها پرونده در مورد اشخاصی است که در سایه تحریم ها ، به منافع کلان اقتصادی رسیده اند.

علاوه بر چین و ترکیه، اسناد یک پرونده در دادگاه دائمی داوری اخیراً نشان داد که بانکی در بحرین به ایران در رفع تحریم ها کمک کرده است. در سال ۲۰۰۴، بانک آینده در بحرین به عنوان سرمایه گذاری مشترک بین دو بانک بزرگ ایرانی و یک بانک بحرینی تأسیس شد. با این حال، این بانک توسط تنظیم کننده های مقررات در بحرین در سال ۲۰۱۶ تعطیل شد. متعاقبا، مالکان ایرانی بانک آینده ادعایی را به داوری آنسیترال ارائه کرد. دولت بحرین با ارائه بیانیه دفاعی خود، با اسنادی پاسخ داد که از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۵، بانک آینده حداقل هفت میلیارد دلار از تراکنش‌هایی را که از طریق حساب‌های مخفی قاچاق شده بود، پنهان کرده است. این اتهامات نشان می‌دهد که بانک آینده در نقش "اسب تروا" عمل می‌کند.[۱۱۹۵]

سیاست های منطقه ای تنش زای جمهوری اسلامی درکنار تحریم‌های اقتصادی توانایی دولت ایران را برای فراهم کردن فرصت‌های شغلی مولد برای جمعیت جوان محدود کرده است. در سال ۲۰۰۶، ایران پنجره جمعیتی خود را با تسلط جوانان بر جمعیت تجربه کرد، در حالی که فرصت شغلی مناسب برای جوانان فراهم نبود.[۱۱۹۶] در نبود فرصت های شغلی در بازار رسمی، بخش قابل توجهی از مردم به بازارهای غیررسمی و مشاغل کاذب، فعالیتهای غیر رسمی، غیرقانونی و حتی شبکه های قاچاق روی آوردند و به همین دلیل بخش غیر رسمی در اقتصاد ایران در نتیجه تحریم ها و بی توجهی دولت ها رشد قابل ملاحظه داشته است.[۱۱۹۷]

١١٩٤ - Azar Mahmoudi(٢٠١٨),Ibid,p ٩٢.

١١٩٥ - Richard Gibbon & Sassi Riar, “Iran’s ‘Trojan Horse’ Bank”, (٢٦ April ٢٠١٨), online: The Anticorruption Blog <www.anticorruptionblog.com/anti-terrorism-financing-laws/irans-trojan-horse-bank/>.

١١٩٦ -Hatam Hosseini, “Demographic Transition, Window of Opportunity, and Population Bonus: Toward a New Population Policy in Iran.” (Paper delivered at the European Population Conference, Stockholm, Sweden, ١٤ June ٢٠١٢), online (pdf): <profs.basu.ac.ir/ hhoseini/upload_file/conf.٤٦٧٩.pdf

١١٩٧-Azar Mahmoudi(٢٠١٨),Ibid;“Billion-dollar smuggling industry drains Iran’s economy” (١٢ August ٢٠١٥), online: Almonitor <www.almonitor. com/pulse/originals/٢٠١٥/٠٢/iran-smuggling-trafficing.html> (quoting Habibollah Ghanbari’s announcement on ٢٢ January ٢٠١٥).

پیامد دیگر تحریم ها وقوع یک جنگ اقتصادی در عرصه بین المللی است. استفاده بیش از حد آمریکا از ابزارهای تحریمی در پیشبرد سیاست های منطقه ای و جهانی، و ابتکار عمل کشورهای هدف موجب شده در کنار یافتن راه های دور زدن تحریم و انجام معاملات تحریم گریز، موضوع حذف دلار و جایگزینی ارزهای محلی و یا معامله با ارزهای کشورهای بزرگ اقتصادی مانند چین ، مطرح گردد و این مساله ، تحریم های اقتصادی را به نوعی جنگ ارزی میان کشورهای متخاصم تبدیل نموده است. سوای پیامدهای دیگر تحریم ها، درصورت پافشاری بر راهبرد تحریمی از سوی آمریکا، شکسته شدن هژمونی دلار در بازار ارزهای خارجی، رخداد دور از انتظاری نخواهد بود. در همین باره اظهارات معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت خارجه ایران، غلامرضا انصاری در پاسخ به سوال خبرنگار روزنامه اعتماد حایز توجه است :

پرسش : در مدت یک سال و اندی که تحریم‌های امریکا بازگشته، به خصوص در بحث رابطه تجاری با همسایگان و شرکای اصلی تجاری؛ ما با عباراتی مانند «تهاتر»، «تجارت با ارز محلی»، مثلا در مورد پاکستان و افغانستان تلاش برای ایجاد بانک مشترک بیش از پیش آشنا شده‌ایم. آیا بطور خلاصه می‌توانید برای ما بگویید در کدامیک از این حوزه‌ها به هدف نهایی و مرحله اجرا نزدیک شده‌ایم؟

پاسخ : امروز دیگر هیچ کدام از اینها صرفا حرف نیست بلکه به مرحله عمل درآمده است. استفاده از پول محلی، تهاتر، کار مشترک و بانک مشترک، به مکانیسم‌هایی تبدیل شده‌اند. اینها مواردی است که ما در یک سال و نیم گذشته شروع به اجرا و عمل کرده‌ایم و نتایج آن را نیز دریافت کرده‌ایم.

پرسش : می توانید مشخص کنید که با کدام کشورها در این اهداف به مرحله اجرای این مکانیسم‌ها رسیده ایم؟

پاسخ : اولا –ما تنها کشور تحریم شده در دنیا نیستیم. شاید در یک دورانی در بحث تحریم در دنیا کسی در اطراف ما نبود اما امروز در بحث تحریم کشورهای زیادی مانند ما هستند: چین، روسیه، ترکیه، کوبا، ونزوئلا و... تحریم شده‌اند. هر کشوری که ۱۰۰ درصد در برابر خواسته‌های امریکا تعظیم نکرده در تحریم است. ثانیا–امروز ما در دنیا عناوینی را راه انداخته‌ایم که در دراز مدت، تبعات و خطرات جدی برای غرب خواهد داشت، مانند استفاده از ارز محلی. این ادبیاتی که امروز شما و همه همسایگان و کسانی که در تحریم هستند، با محوریت آن با هم صحبت می کنند جدید است. اینکه دوکشور مانند روسیه و ترکیه از تجارت با ارز محلی حرف می‌زنند یا هنگامی که با تهدید تحریم سوییفت روبه‌رو می‌شوند به دنبال راه‌اندازی سوییفت جدید و ملی خود و بدون امریکا می‌روند همه و همه تهدیدی برای دلار است. امروز چین با روسیه، روسیه با همسایگان و شرکای خود از جمله ترکیه به دنبال مکانیسم‌های جدید می گردند. اینها قبلا در ادبیات اقتصاد بین‌الملل وجود نداشت.

جمع بندی که از پیامد و آثار تحریم ها می توان ارائه کرد این است :

اولا - چون نتایج و پیامد سوء تحریم ها اغلب بجای رژیم های سرکش، متوجه معیشت و زندگی مردم و شهروندان عادی کشورهاست ، خود مصداق اقدام مجرمانه ، جنایتکارنه و مفسده آمیز است و ظلم فاحش و نقض آشکار حقوق بشر است.

ثانیا - بررسی ها نشان می دهد، تحریم ها عمدتا در مورد حکومت هایی اعمال می شود که سابقه و پیشینه بدی در نقض فاحش حقوق بشر و نادیده گرفتن حقوق شهروندان خود و خشونت و سرکوب آنها دارند و تحریم ها در مورد آنها اغلب موجب افزایش جرم و فساد بیشتر درآن کشورها می شود. عراق، لیبی، ایران نمونه های از این نوع هستند.

ثالثا- تحریم ها به تعمیق بیشتر فساد در کشورهای هدف و قدرتمندترشدن باندهای مافیایی قدرت و ثروت درآن کشورها منتهی می گردد و بعلاوه به گستردگی بیشتر دامنه ی فساد در سطح بین المللی و روابط میان کشورهای تحریم شده با طرف های تجاری او منتهی می شود.

رابعا- مسائل تحریم خود را از سطح مسائل اقتصادی به سطح مسائل سیاسی و امنیتی در مقیاس جهانی ارتقا می دهد و به جنگ و رقابت پنهان و آشکار میان قدرت های بزرگ منتهی می شود که نتیجه آن تشدید مشکلات و چالش های جهانی در حوزه های مختلف امنیتی، سیاسی و اقتصادی است.

تروریسم اقتصادی

برخلاف "جنگ اقتصادی" که توسط یک دولت علیه دولت دیگر اجرا می شود، "تروریسم اقتصادی" توسط بازیگران فراملی و غیردولتی و دولتهای حامی ترور انجام می شود. پیامد و هدف تروریسم اقتصادی، وارد نمودن خسارت و ضربات سنگین به اقتصادجهانی است و نه فقط اقتصاد یک کشور هدف. این امر می‌تواند مستلزم اقدامات بی‌ثبات‌کننده متنوع، هماهنگ و پیچیده یا گسترده باشد تا ثبات اقتصادی و مالی یک دولت، گروهی از دولت‌ها یا یک جامعه (مانند جوامع یا اقتصادهای غربی بازارمدار) و یا اتحادیه ای تجاری منطقه ای ، یا مسدود کردن مبادله تجاری با اهداف ایدئولوژیک، و اقتدار پولی را بر هم بزنند. بستن و یا تهدید به بستن آبراهه های بین المللی و شاهرگ های حیاتی اقتصاد در دنیا مانند بستن و یا نا امن نمودن تنگه هرمز یا تنگه باب المندب و نظایرهم می تواند در فهرست اقدامات ترویسم اقتصادی جای گیرد. همچنین حملات به برج های تجارت جهانی را از یک زاویه تروریسم اقتصادی ارزیابی کرده اند. هم اکنون سطحی از رقابت های میان ایالات متحده و چین را می توان در قالب تروریسم اقتصادی مورد ارزیابی قرار داد و سطح بالاتر از آن را باید جنگ اقتصادی تلقی نمود.

جنگ و پیامدهای خسارت بار آن

جنگ را باید محصول آزمندی و آمال های خام رهبران سیاسی کشورها علیه دیگر کشورها ارزیابی کرد که توسط رهبران و هیبت حاکمه دولت ها ابتداء فرموله و توجیه گری می شود، سپس با توسل به مستمسکهای قابل توجیه و اقناع ساز در نزد افکار عمومی ، مشروعیت بخشی میشود و جرم زدایی می گردد ،آنگاه با تسلیح، تدارک و

تجهیز راه اندازی و اداره می شود. در راه اندازی هر جنگ، تنها یک آغازگر وجود ندارد، بلکه آتش هر جنگ از سوی تحریک کنندگان مختلف با انگیزه های گوناگون ، مشتعل می گردد وعوامل مختلف در آن به ایفای نقش می پردازند. طی نیم قرن گذشته ، خاورمیانه همواره در آتش جنگ خانمان سوز قرار داشته است. ایران، عراق، افغانستان، لیبی، یمن، سوریه، کویت، طی سه چهار دهه اخیر تجربه جنگ و ناآرامی و پیامدهای خانمان سوز آن را از سرگذرانده اند. لبنان، فلسطین، اسراییل تقریبا بی وقفه به مدت بیش از هفتاد سال است که کانون آتش افروزی جنگ و نزاع های مختلف است. در بحث حاضر، ضمن اشاره به پیامد برخی این جنگ ها، تنها به برآوردی از خسارات و هزینه های مادی و معنوی جنگ در آن کشورها اشاره می شود. چنانکه می دانیم ، کشورهای عراق، سوریه و یمن و افغانستان، لیبی صحنه ی منازعات چندین کشور و گروه های مختلف تروریستی در قالب جنگ های نیابتی بوده است. آنچه در ادامه اشاره خواهد شد، تنها هزینه های آمریکا در این جنگ هاست. اگر هزینه هایی که دیگر کشورها مانند ایران، پاکستان، ترکیه، عربستان، روسیه و سایر کشورهای منطقه، بعلاوه برخی کشورهای اروپایی در افغانستان، سوریه و عراق و یمن و لیبی متحمل شده اند را هم به حساب آوریم، به اعداد و ارقام بسیار بالاتری خواهیم رسید.

بی شک پیامدهای جنگ برای ساکنان اغلب کشورهای درگیر، ویرانی، آوارگی، بی خانمانی، ورشکستگی اقتصادی، افزایش جرم و فساد و بی ثباتی سیاسی است. تنها استثنا در این موارد برخی کشورهای منطقه با در اختیار داشتن منابع آزاد و مازاد (کشورهای نفتی مانند ایران وعربستان) و قدرت های بزرگ جهانی مانند آمریکا، روسیه و دیگر کشورهای صنعتی و اروپایی، تامین کننده سلاح و جنگ افزار هستند که از راه فروش تسلیحات و مهمات و از راه ناامن سازی دیگر کشورها و راه اندازی جنگ های نیابتی در دیگر مناطق منافع اقتصادی نصیب خود کرده و می کنند. هرچند که حضور و مشارکت در جنگ ، حتی برای همان کشورها نیز براساس برآورد های کارشناسی و گزارش های مستند منتشر شده ، پرهزینه بوده است. البته در مورد ایران و عربستان، موضوع از جهت دیگری هم متفاوت است و آن رخداد جنگ در جغرافیای تحت نفوذ آنها(خاورمیانه) است. هم رژیم ایران با ایدئولوژی الهام بخش انقلاب اسلامی و هم عربستان با نقش رهبری که در میان کشورهای عربی برای خود قایل است و نگاه ایدئولوژیک مذهبی – اسلام سنی که دارد، آینده ی تحولات سیاسی در منطقه خاورمیانه برایشان اهمیت راهبردی دارد. رقابت ژئوپولیتیک میان دو کشور ایران و عربستان ، بعد از سقوط رژیم صدام و تمایل عربستان به حضور غرب در منطقه افزایش یافته است. در جنگ یمن و تحولات سیاسی در سوریه، لبنان و عراق عملا این رقابت سیاسی به نوعی رویارویی غیرمستقیم نظامی و جنگ نیابتی میان دو کشور ایران و عربستان منجر شد.

امروزه جنگ در اوکراین به یکی از جدی ترین تهدیدهای بزرگ امنیتی برای کل جهان تبدیل شده است. در این جنگ روسیه آغازگر تجاوز به اوکراین است و ایران متاسفانه به رغم مشکلات فراوان اقتصادی که مردمش با

آن دست و پنجه نرم می کنند ، در نقش حامی و هم پیمان روسیه در جنگ ظاهر شده است.آمریکا و کشورهای اروپایی نیزآن سوی معرکه و در دفاع از اوکراین قرار گرفته اند. دستاورد این جنگ نیز همانند هر جنگ دیگری ، ویرانی، آوارگی و جرم و جنایت و ورشکستگی اقتصادی برای کشورهای درگیر بوده است. اگرچه درحال حاضر اکثر کشورهای حوزه ی بالکان در صلح هستند. اما مردم این منطقه همچنان در تنگناهای اقتصادی ناشی از پیامدهای جنگ و نا امنی دو دهه پیش گرفتارند. تولید ناخالص داخلی سرانه در آلبانی، صربستان، و سایر کشورهای بالکان غربی حدود یک چهارم کشورهای اروپای غربی مانند آلمان، فرانسه و ایالات متحده است. سال‌ها غفلت از توجه به سرمایه گذاری زیربنایی و نرخ کم سرمایه‌گذاری در کنار ویرانی های جنگ در منطقه موجب آسیب جدی به زیرساخت‌های کشورهای منطقه شده که به رشد آسیب‌های شدید اجتماعی و ساختارهای نامناسب اقتصادی انجامیده و علیرغم تلاش برای ارتقای فیزیکی، اقتصادی و بازسازی اجتماعی، نرخ بیکاری به عنوان مثال در بوسنی و هرزگوین، ، ۴۰ درصد تا سال ۲۰۰۷ بوده که به طرز تکان دهنده ای بالا است.[۱۱۹۸]

اقتدارگرایی نظامی و جرم و جنایت

ارتش و نیروهای مسلح در هر کشور همانطوری که می تواند امنیت ساز باشد ، می تواند مخل امنیت باشد. تقریبا دو قرن پیش کارل.ون.کلاوزویتز[۱۱۹۹] نوشت : " دنباله روی و تبعیت دیدگاه سیاسی از دیدگاه نظامی احمقانه خواهد بود ، زیرا این سیاست است که جنگ را به وجود آورده است و نه برعکس و تنها با سیاست می توان آتش جنگ را فرونشاند. هوشمندی در سیاست است و جنگ تنها یک ابزار است ، پس هیچ امکان دیگری جز تابع ساختن دیدگاه نظامی از دیدگاه سیاسی وجود ندارد."[۱۲۰۰] اما به نظر می رسد بسیاری از دولت ها همچنان همان راهبرد احمقانه را در پیش می گیرند. غلبه میدان بر دیپلماسی[۱۲۰۱]در ایران که مغرورانه از آن به عنوان رویکرد انقلابی یاد میشود، نمونه ی از این حماقت است.

می توان دریافت که این دیدگاه به طرز روشنی حکومت های میلیتاریستی و حاکمیت نظامیان بر اداره کشورها را عامل اصلی بروز جنگ و گسترش جرایم و جنایات مرتبط با آن می داند و حاکمیت نظامیان بر دستگاه دیپلماسی و سیاست ورزی در یک کشور را احمقانه می داند. تاریخ تخاصمات و جنگ های جهانی و منطقه ای نشان می دهند در عمل بسیاری از فرماندهان نظامی اغلب ملاحظات سیاسی را به عنوان عاملی که مانع از به ثمر رسیدن تاکتیک های ضروری برای پیروزی در میدان جنگ می شود ، کنار گذاشته اند و دست به جنایت و قتل عام زده اند. این مساله در برخی کشورها همچون ایران که با پافشاری بر راهبرد جنگ – جنگ تا پیروزی و جنگ –

۱۱۹۸- Muhammad Yunus & Karl Weber(۲۰۱۷),Ibid.
۱۱۹۹ - Clausewitz
۱۲۰۰ - Carl von Clausewitz, On War (New York: Alfred A. Knopf, ۱۹۷٦), ۷۳۳. Hereafter, On War
۱۲۰۱ – اشاره ای به اظهارات جنجال برانگیز وزیر خارجه ایران محمد جواد ظریف در فایل صوتی معروف و در نقد سیاست خارجی ایران.

جنگ تا رفع فتنه در عالم ، عملا رویکرد دفاع مشروع در برابر یک متجاوز را به یک جنگ تمام عیار منطقه ای و جهانی تبدیل کرده بود، که مدعی بود اگر بیست سال هم به درازا بکشد خواهند ایستاد ، سبب گردید، طولانی ترین جنگ قرون اخیر با بیشترین شمار تلفات، جنایات و کشتار و بزرگترین خسارات رقم بخورد. چنانکه میدانیم، در نتیجه جنگ ها ، زیر ساختهای اقتصادی، عوامل و منابع اقتصادی فرآوانی آسیب می بینند و پیامد بسیاری از جنگ ها، فقر ، بیکاری ، فلاکت و ورشکستگی اقتصادی و رشد جرایم و جنایات است.

این وضعیت منحصر به ایران نیست. گزارش ها ، منابع اطلاعاتی و داده های مختلف نشان می دهند در عمل ، نه تنها رژِیم اقتدارگرایی همچون ایران که نظامیان و فرماندهان نظامی بر دستگاه دیپلماسی نفوذ و تاثیرگذاری فزاینده دارند با چالش اولویت دیپلماسی بر تقابل نظامی توام با توجیهات ایدئولوژیک مواجه هست که حتی کشوری همچون امریکا بارها با غلبه رویکرد میلیتاریستی بر سیاست گرایی ، با چالش امنیت ملی و گسترش دموکراسی در جهان مواجه بوده است.این رویکرد موجب شده تا امریکا نه به عنوان یک کشور حامی دموکراسی آزاد در جهان که در چهره یک متجاوز اشغالگر به دنیا معرفی شود. امریکایی ها نه با زبان سیاست که تنها با فرو فرستادن دو بمب اتمی بر شهرهای ژاپن توانستند به جنگ جهانی دوم خاتمه دهند. آنها در ویتنام تا توانستند بر راهبرد نظامی برای پیروزی تاکید کردند و تنها وقتی که تلفات و هزینه های نظامی شان بالا رفت و انتقادات افکار عمومی بشدت برآنها فشار آورد، به راهبرد دیپلماتیک برای خاتمه جنگ رضایت دادند. در افغانستان و عراق نیز همین تجربه را تکرار کردند. اختلافات شدید میان مقامات وزارت خارجه و مقامات وزارت دفاع امریکا در موضوع عراق و افغانستان و ایران در طی چند دهه اخیر وجود داشته و همچنان تا به امروز وجود دارد و هزینه های زیادی را برآن کشور و مردم آن تحمیل کرده است.

تبیین و تشریح علل طولانی شدن جنگ هشت ساله ایران و عراق و سیاست های سرسختانه مقامات جمهوری اسلامی با پافشاری بر استمرار جنگ و نقش دولت های غربی همچون آمریکا در فرسایشی شدن آن خود به ترسیم یک تابلوی جنایت و یک بازی کثیف سیاسی در مقیاس منطقه ای – جهانی منتهی خواهد شد، که در اینجا مجال پرداختن به همه ابعاد مختلف آن نیست. تنها در این باره و متناسب با موضوع اصلی کتاب به تابانیدن نور بر بخش هایی از آنچه تحت عنوان رسوایی " ایران گیت" یا "ایران –کنترا "[۱۲۰۲] مشهور است ، بسنده می شود. اسناد و شواهد تاریخی گوناگونی از دست های پنهان غرب منجمله آمریکا برای استمرار و فرسایشی شدن جنگ هشت ساله عراق و ایران می توان ارائه داد. اما برجسته ترین مورد را باید در رسوایی ایران گیت جستجو نمود. فرسایشی شدن جنگ ، به تضعیف هردو دولت ایران و عراق و واردآمدن بیشترین خسارات جانی و مالی بر هر دو اقتصاد گردید. در نتیجه استمرار این جنگ، دولت های دیگر جهان هریک منافع خود را به گونه ای دنبال می کردند.

۱۲۰۲ - Iran Contra affair

ماجرای ایران گیت یا ایران کنترا از جهات مختلف قابل توجه است. نقض فاحش قوانین توسط مقامات سیاسی، معاملات سیاسی کثیف و پشت پرده با تروریست ها ، آدم ربایان و گروگان گیران و دولتهای حامی آنها ، دخالت سیاسی در امور سایر کشورها با هدف تغییر یک رژیم سیاسی مطلوب از طریق کمک به مخالفان ، فعالیت دولت ها و مقامات دولتی در بازار معاملات سیاه اسلحه و مهمات و فسادهای مترتب برآن از دیگر ابعاد زشت و کریه جرایم سیاسی و اقتصادی در این رسوایی بود که هر یک در جای خود قابل تامل است.

این ماجرا که زلزله ای سیاسی در هر دو نظام سیاسی، یعنی ابالات متحده و دولت ایران ایجادکرد، از جهات مختلف قابل توجه است. بویژه این موضوع در ایران به بروز شکاف و اختلافی عمیق میان رهبران مذهبی انجامید و دو بیت رهبران دینی – سیاسی انقلاب ایران (ایت الله خمینی– ایت الله منتظری) را در تقابل با یکدیگر قرارداد. هرچند که شاید ریشه های اختلافات میان این دو شخصیت به علل دیگری هم مربوط می شد، ولی این ماجرا شکاف میان این دو رهبر مذهبی را بطرز فاحشی عمق و وسعت بخشید و سرنوشت سیاسی دیگری را برای آینده رهبری در نظام جموری اسلامی ایران رقم زد.

ماجرای ایران گیت برای نظام سیاسی در امریکا هم پر هزینه بود، اما آنها به خبرهای این گونه رسوایی ها در فضای سیاسی و رسانه ای خود بسیار عادت دارند. پیش تر از آن رسوایی واتر گیت در امریکا رخ داده بود. اما ماجرای ایران – کونترا ظاهرا در پی موضوع معامله ایران– غرب بر سر گروگان های آمریکایی در لبنان واقع شد. ایران کونترا بیشتر از این جهت قابل توجه رسانه های امریکایی بود که در واقع نقض قوانین کنگره و سازمان ملل در مورد فروش اسلحه به ایران در زمان تحریم تسلیحاتی بود، که درآن زمان درگیر یک جنگ خونین علیه عراق بود و بر ادامه جنگ به رغم میانجی گری های مختلف پافشاری می کرد. ماجرای ایران کونتراها در واقع از این جهت نمادین شد که مصداق معامله با تروریست ها و کاسبی و معامله در سایه تحریم بود!؟ پرونده ایالات متحده آمریکا بطور خاص موارد گوناگونی از معامله با گروه ها و دولت هایی را نشان می دهد که آنها را ترویست و یا حامیان دولتی آنها می داند. در اغلب این موارد در دو سوی این معاملات پای تجارت غیرقانونی سلاح و مهمات، پولشویی ، نقل و انتقال غیرقانونی وجوه و دارایی و انواع دیگری از فساد و زد و بند مشاهده میشود.

رسوایی ایران–کُنترا که به ماجرای مک‌فارلین نیز معروف است، در ایالات متحده آمریکا از ۲۰ اوت ۱۹۸۵ تا ۴ مارس ۱۹۸۷ (۲۹ مرداد ۱۳۶۴ – ۱۳ اسفند ۱۳۶۵) به‌مدت یک‌سال و نیم، ریاست جمهوری رونالد ریگان را با چالش جدی مواجه ساخت. مقامات دولت ریگان به طور مخفیانه، با فروش تسلیحات به ایران، که در تحریم تسلیحاتی بود، کمک‌رسانی کردند. آنان امیدوار بودند که بدین وسیله آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان را تضمین کرده و از قبل فروش آن تسلیحات شورشیان کنتراهای نیکاراگوئه را هم تأمین مالی کنند. تأمین بودجه کنتراها از سوی دولت آمریکا بر اساس لایحه بولند، از سوی کنگره ممنوع اعلام شده بود. رسوایی ایران–کنترا

بزرگ‌ترین بحران داخلی در دوران ریاست جمهوری رونالد ریگان بود و افشای آن در ایران همچنانکه گفته شد ، تأثیرات قابل توجهی برجای گذاشت. این رسوایی با عملیاتی که به منظور آزادسازی هفت گروگان آمریکایی که در لبنان در دست گروه عماد مغنیه اسیر بودند، آغاز شد. این گروه شبه نظامی پیوندهایی با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی داشت و انتظار می رفت که ایرانیان از نفوذ خود برای آزادسازی گروگان ها استفاده کنند. برای انتقال سلاح های امریکایی به ایران طوری برنامه‌ریزی شده بود که از موجودی انبارهای سلاح در اسرائیل، تسلیحاتی را به ایران ارسال کنند و آنگاه آمریکا انبارهای تسلیحات اسرائیل را از نو تأمین کرده و وجه آن را از اسرائیل دریافت کند. به این ترتیب اسراییل نیز در فهرست کمک کنندگان تسلیحاتی به جنگ ایران علیه عراق قرار می گرفت. دریافت کنندگان ایرانی باید قول می‌دادند هر چه در توان‌شان باشد برای آزادسازی گروگان‌های آمریکایی انجام دهند.

سرگرد الیور نورث از شورای امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در اواخر ۱۹۸۵ اصلاحاتی در نقشه تعبیه کرد، که بنابرآن بخشی از عواید حاصل از فروش سلاح برای تأمین بودجه مخالفان جبهه آزادی‌بخش ملی ساندینیستا، یا همان کنتراها، در نیکاراگوئه هدایت می‌شد. یادداشت‌های دست‌نویس کاسپار واینبرگر در ۷ دسامبر ۱۹۸۵، نشان می‌دهند که ریگان از انتقال احتمالی گروگان‌ها به ایران، و نیز فروش موشک‌های ام‌آی‌ام۲۳- هاوک و بی‌جی‌ام-۷۱ تاو به عناصر "میانه‌رو"!؟ در ایران مطلع بوده‌است. پس از افشای فروش تسلیحات به ایران در نوامبر ۱۹۸۶، ریگان در تلویزیون ملی ظاهر شد و گفت که انتقال تسلیحات رخ داده، ولی ایالات متحده در قبال گروگان‌ها تسلیحات داد و ستد نکرده است. تحقیقات بیشتر در پی نابود کردن و عدم ارائه حجم بزرگی از اسناد در خصوص این رسوایی، از سوی دولت ریگان کُند شد. ۴ مارس ۱۹۸۷ ریگان ، در تلویزیون ملی مسئولیت کامل همه اقداماتی که از آن مطلع نبوده را پذیرفت و اعتراف کرد : " آنچه به عنوان گشایشی استراتژیک با ایران شروع شد ، در هنگام اجرا، به تبادل اسلحه در قبال گروگان‌ها رو به زوال گذاشت."

در ایران، یک ماه بعد از آمریکا، این ماجرا را منوچهر قربانی‌فر دلال اسلحه ، با نامه‌ای به فتح‌الله امید نجف‌آبادی از اطرافیان آیت الله منتظری اطلاع داد. علت این بود که آمریکایی‌ها و دولت ایران تلاش کرده بودند او را از اخبار معاملات کنار بگذارند و بدین ترتیب برای اولین بار موضوع تبادل سلاح و رابطه با امریکا و سفر مک فارلین ، در بیت منتظری که در آن موقع قائم‌مقام رهبری بود، افشا شد. ظاهرا کسانی او را از این جریان آگاه نکرده بودند. گفته می‌شود سید مهدی هاشمی مسئول نهاد نهضت‌های آزادی‌بخش سپاه که داماد منتظری بود، به وسیله روزنامه الشراع لبنان این ماجرا را فاش کرد. ابعاد دیگری از این ماجرا در ادامه بحث درباره موضوع تامین مالی تروریسم و قاچاق اسلحه و مهمات به عنوان فهرست جرایم سازمان یافته مورد بررسی بیشتر قرار خواهد گرفت.

ورود نظامیان به عرصه سیاست و اقتصاد همواره فسادآور بوده است. بررسی پیشینه اقتدارگرایی نظامیان در اقصی نقاط جهان نشان می دهد که ورود نظامیان در قدرت در موارد گوناگون به بهانه مبارزه با فساد و بی ثباتی سیاسی ناشی از گسترش فساد بوده است. اما همین تجارب نشان داده که در این موارد عملا یک نظام سیاسی متهم به فساد کنار زده شده و نظام سیاسی دیگری با رویکرد نظامی و با درجه بیشتری از فساد جای آن را گرفته است. در این باره نمونه های زیادی نام برده شده است. بطور مثال کشور بزرگی که از اواسط دهه ۱۹۹۰ با خطر کودتای نظامی مواجه بود ، پاکستان بود. فساد گسترده در زمان بی نظیر بوتو و نواز شریف ، توجیه انجام کودتا توسط ژنرال پرویز مشرف و تسخیر دولت توسط نظامیان در سال ۱۹۹۹ بود.

در یک نظرسنجی که در سال ۲۰۰۲ در پرو انجام شد، فساد گسترده به عنوان یکی از دو دلیل متداول برای اعتراضات ذکر شده است. این علاوه بر ناآرامی های داخلی بود که یک کودتای نظامی را توجیه می کند (به نقل از "کارگاه آموزشی حکومت داری و اقدامات فساد، CIDE، مکزیکو سیتی، ۱۷ آوریل ۲۰۰۲). در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، این مورد در بولیوی (هوگو بانزر)، ونزوئلا(هوگو چاوز)، بنین (ماتیئو کرکو) و نیجریه (اولوسگون اوباسانجو) بود.[۱۲۰۳] درکشورهای مسلمان خاورمیانه و شمال آفریقا، اگر چه اعتراض به فساد دستگاه حاکمه عامل جنبش سراسری موسوم به بهار عربی بود، نه تنها نظامیان نقش چشمگیری در ساقط سازی دولت ها نداشتند، بلکه پیشینه حکومت در برخی از خود این کشورها از قبیل مصر، لیبی و سوریه حاکمیت نظامیان بوده است. در برخی ازکشورهای دیگر مانند ایران (سپاه پاسداران)، لبنان(شبه نظامیان حزب الله) ، میانمار(ارتش) و برخی کشورهای دیگر نیز کما بیش نظامیان یا شبه نظامیان با توجیه مقابله با فساد و ناکارآمدی دولت، تلاش نمودند تا ارکان حکومت را به تسخیر خود درآورند.

(افشین شاهی وحسام فروزان،۲۰۱۷) در مقاله ای با عنوان "نظامیان و دولت در ایران : فراز آمدن سپاه پاسداران از اقتصاد"، معتقدند که قدرت فزاینده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیشتر در نقش یک پراتورین[۱۲۰۴] بوده است. گارد پراتورین، یک گروه نظامی در روم باستان بود که در درجه اول وظیفه حفاظت از امپراتور را بر عهده داشت و با عزل و نصب امپراتورها بر روند جانشینی امپراتوری ها تأثیر می گذاشت. مفهوم پراتوریسم در دهه ۱۹۶۰ توسط محققان نهادگرا برای روشن کردن پدیده مداخله مستقیم نظامی در سیاست و جامعه ایجاد شد.[۱۲۰۵] جوامع پراتوری در حال توسعه یا از قبل تأسیس شده ، به دلیل فقدان نهادهای سیاسی کارآمد و ناتوانی دولت در مدیریت مسائل سیاسی و اجتماعی-اقتصادی شاهد دوره های مکرر مداخله نظامیان در سیاست بوده اند، زیرا در چنین جوامعی،

۱۲۰۳ - Charles Sampford, Arthur Shacklock, Carmel Connors and Fredrik Galtung(۲۰۰٦), Measuring corruption, Ashgate Publishing Company,p۱۲۵.

۱۲۰٤ - praetorian

۱۲۰۵ - Hesam Forozan and Afshin Shahi(۲۰۱۷), The Military and the State in Iran: The Economic Rise of the Revolutionary Guards, Middle East Journal ,VOL۷۱, NO. ۱.

ارتش (نظامیان) تنها نهادی بوده اند که به دلیل استفاده از زور و ضعف نهادهای سیاسی توان سلطه بر دولت را داشته است.[۱۲۰۶] الیوت هن‌توف و ناتان گونزالس در مطالعات خود ایران را به‌عنوان " دولت پساپراتوری" یا یک نظام سیاسی تحت رهبری نظامیان طبقه‌بندی کرده اند که "تبدیل نهادی" سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از یک سازمان صرفا نظامی به "شبکه‌ای از نهادهای سیاسی و اقتصادی" را نشان می‌دهد.[۱۲۰۷] به همین ترتیب، (روزبه صف شکن و فرزان ثابت، ۲۰۱۰) سپاه را به عنوان یک بازیگر پراتوری معرفی کردند که به یک نیروی اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی گسترده تبدیل شده است. از اواسط دهه ۲۰۰۰، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با یک ائتلاف محافظه کار نوظهور موسوم به اصولگرایان همسو شد که نشان دهنده رویکرد سیاسی این نیروی چند لایه بود که می خواست از طریق دستکاری و تقلب و مهندسی انتخاباتی تسلط سیاسی خود را بر دولت کامل کند. صف شکن و ثابت، استدلال کردند که این رویکرد جدید شباهت زیادی به یک کودتای سنتی داشته است.[۱۲۰۸]

در حالی که داده های بودجه ای در ایران به‌طور فاحشی مبهم و توام با عدم شفافیت است، اما به نظر می رسد سهم سپاه پاسداران از بودجه رسمی دفاعی کشور تقریبا همه ساله با رشد قابل توجه مواجه بوده است. در سال ۱۳۹۴ این رقم تقریباً ۶۲ درصد افزایش یافته است، اگرچه منابع غیررسمی آن بسیار بیشتر از مبالغ تخصیص یافته از سوی مجلس است. جداول زیر ارقام اعتبارات دفاعی –امنیتی و سهم سپاه پاسداران و نهادهای زیر مجموعه آن از کل بودجه سال ۱۴۰۲ نسبت به ۱۴۰۱ را نشان می دهد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و برخی از فرماندهان و سرداران بازنشسته و پر نفوذ آن نقش قابل توجهی در اقتصاد ایران ایفا می کنند .آنان هلدینگ های اقتصادی ، مجتمع های بزرگ صنعتی و قرارگاه های بزرگی را که بر پروژه های انرژی و زیرساختی ایران تسلط دارند، تحت کنترل دارند. بنابرگزارش ها، قرارگاه خاتم الانبیا، خود به تنهایی بیش از ۸۰۰ شرکت را زیر فرمان و کنترل دارد و بیش از ۲۵۰۰۰ نفر را در استخدام خود دارد. سپاه پاسداران همچنین ده ها میلیارد دلار درآمد از طریق ده ها بندرکوچک (اسکله) تحت اختیار خود در سراسر ایران به دست می آورد که مشمول تعرفه و عوارض گمرگی نمی شوند. علاوه بر این طبق گزارش‌ها ، برخی از فرودگاه‌های بین‌المللی ایران (که توسط سپاه کنترل می‌شوند) دارای بخش‌هایی خارج از قلمرو گمرک هستند. بر اساس برخی برآوردها، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سالانه ۱۲ میلیارد دلار تنها از فعالیتهای قاچاق درآمد کسب می کند.[۱۲۰۹] به اذعان و اعتراف برخی از طراحان اتاق فکر و تئوریسین های درون

۱۲۰۶ - Hesam Forozan and Afshin Shahi(۲۰۱۷),Ibid.

۱۲۰۷ - Ibid.

۱۲۰۸ - Roozbeh Safshekan and Farzan Sabet(۲۰۱۰), “The Ayatollah’s Praetorians: The Islamic Revolutionary Guard Corps and the ۲۰۰۹ Election Crisis,” The Middle East Journal, Vol. ٦٤, pp. ٥٤٣–٥٨ .

۱۲۰۹ - Kristina Kausch (Ed.),Ibid,p٤٠; J. Gewirtz, ‘Revolutionary Guard Has Tight Grip on Iran’s Economy’, CNBC, ٨ December ٢٠١٠; reported in A. Alfoneh, ‘How Intertwined Are the Revolutionary Guards in Iran’s Economy?’, Middle East Outlook ٣, Washington, DC: American Enterprise Institute, ٢٢ October ٢٠٠٧, available at: http://www.aei.org/publication/how-intertwined-are-the-revolutionary-guards-inirans- economy/

حکومت، باید باج گیری در ازای آدم ربایی و گروگان گیری دو تابعیتی ها را هم در زمره راه هـای تـامین مـالی بودجه دفاعی کشور توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تلقی نمود، چنانکه اخیرا حسن عباسی به عنوان یکی از این تئوریسین ها ، در سخنانی در باره شیوه تامین بودجه توسط سـپاه پاسـداران گفتـه بـود :"ببینیـد شـیوه بودجـه درآوردن سپاه چگونه است؟ یک جاسوس می گیرد(جیسـون رضـاییان) و درقبـال آزادی اش دولـت ایـران یـک میلیارد و هفتصد میلیون دلار از آمریکا می گیرد یا در قبال خونبهای شهید قاسم سـلیمانی ۳ میلیـارد دلار درآمـد خالص از قطر داشته است!؟ "[۱۲۱۰] بی شک امثال او خسارات سنگینی که ناشی از پیامد این نوع گروگان گیری ها و از طریق وضع تحریم های اقتصادی بر پیکره اقتصاد نیمه جان ایران وارد می شود را در نظر نمی گیرند و احتمـالا بابت این نوع توجیحات خود در مراکز استراتژیک نظام از رانت و مزایای کافی بهره مند هسـتند و نمـی داننـد یـا نمی خواهند بدانند که تاثیر این اقدامات حکومت بر زندگی و معیشت مردم و جوانانی که در اعتراض بـه تـورم و بیکاری و فلاکت اقتصادی به خیابان ها می آیند و فریاد اعتراضشان را بالا می برند، چیست؟ به همین جهت بر همان کرسی طراحی عملیاتی تکیه می زنند و توصیه می کنند که خون جوانان معترض در خیابان ها را همانند حجامت و ریختن خونهای کثیف از بدن ، بر زمین بریزید.

اعتبارات دفاعی - امنیتی در لایحه بودجه ۱۴۰۲

هزار میلیارد تومان

عنوان	لایحه بودجه ۱۴۰۱	لایحه بودجه ۱۴۰۲	تغییرات (درصد)
امور دفاعی و امنیتی	۱۹۷	۲۷۲/۶	۳۸/۵
حفظ نظم و امنیت عمومی	۵۷/۸	۸۰/۲	۳۸/۷
امور دفاعی	۱۳۸/۵	۱۹۱/۶	۳۸/۳
تحقیق و توسعه در امور دفاعی و امنیتی	۰/۵۳۵	۰/۶۳۲	۱۸/۱

۱۲۱۰ - البته بعدا روابط عمومی سپاه پاسداران سخنان وی را برداشت های شخصی او وادعاهای خلاف واقع عنوان نمـود.ر. ک بـه : روزنامـه ابتکـار ۲۰ آبـان مـاه ۱۳۹۸ : www.ebtekarnews.com

اعتبارات برخی از نهادهای نظامی در لایحه بودجه ۱۴۰۲

میلیارد تومان

نام دستگاه اصلی	لایحه بودجه ۱۴۰۱	لایحه بودجه ۱۴۰۲	تغییرات / درصد
وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح	۹۵۴۹۹	۱۵۰۹۵۲	۵۸/۱
ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی	۳۳۹۶۸	۴۹۰۵۵	۴۴/۴
ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	۹۲۹۸۸	۱۱۹۴۴۱	۲۸/۴
ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح	۴۶۲۹	۵۳۵۲	۱۵/۶
قرارگاه مرکزی حضرت خاتم الانبیا	۷۷۲	۹۱۵	۱۸/۵
قرب بقیه الله	۵۷۴	۸۸۸	۵۴/۷
فرماندهی کل نیروی انتظامی	۴۳۲۳۷	۶۲۰۰۰	۴۳/۴

۱۲۱۱-منبع جداول بودجه ای – داده های باز ایران

اعتبارات برخی از نهادهای امنیتی در لایحه بودجه ۱۴۰۲

میلیارد تومان

نام دستگاه	لایحه بودجه ۱۴۰۱	لایحه بودجه ۱۴۰۲	تغییرات / درصد
وزارت اطلاعات	۱۴۵۲۲	۲۱۹۸۵	۵۱/۴
سازمان حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران	۱۵۲/۵	۱۸۳	۲۰/۰
اداره حفاظت اطلاعات ستاد کل	۱۲	۱۴/۳	۱۹/۲
حفاظت اطلاعات وزارت دفاع	۱۴۴/۵	۱۹۵/۶	۳۵/۴
سازمان مرکزی حفاظت اطلاعات ارتش	۱۰۷	۱۴۲	۳۲/۷
شورای عالی امنیت ملی	۴۶/۲	۷۰/۱	۵۱/۷

ارقام کمک ها و حمایت های مالی و تسلیحاتی ایران به نیروهای نیابتی

در حالی که کمک های مالی ایران برای بقای رژیم بشار اسد نقش اساسی ایفا نموده است، ارقام دقیق آن به طور گسترده مورد مناقشه قرار دارند. استفان دی میستورا فرستاده ویژه سازمان ملل متحد در امور سوریه گفته است، جمهوری اسلامی تا سقف ۳۵ میلیارد دلار به سوریه کمک کرده است. حشمت الله فلاحت پیشه رییس کمیسیون امنیت ملی در دوره دهم مجلس نیز در همین باره طی اظهاراتی که پوشش رسانه ای وسیع داشت اعلام کرد: " باز هم تکرار می کنم ما شاید ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار به سوریه پول دادیم و باید از سوریه پس بگیریم. پول این ملت آنجا

۱۲۱۱ – منبع جداول بودجه دفاعی : (داده های باز ایران)

https://iranopendata.org/fa_IR/pages/...billion-toman-budget-security

هزینه شده است." [۱۲۱۲] در همین حال ارقام دقیق در مورد حمایت مالی ایران از حزب الله نیز مبهم است، ارزیـابی کمک های ایران بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار آمریکا در سال متغیر بوده است. ایران و حزب‌الله با هم به ایجاد یک گروه شبه‌نظامی سوری به نام جیش الشعبی کمک کرده‌اند که بنا بـه گـزارش‌هـا متشکل از ۵۰۰۰۰ نفـر نیـرو در حمایت از بشاراسد هستند. نقل قولی از سردار قاسم سلیمانی فرمانده پیشین سپاه قدس هم وجود دارد که او به رهبر جمهوری اسلامی ایران گفته بود : "هشت ارتش در منطقه تحت فرمان شما راه انـدازی کـرده ام !" بـدیهی اسـت تامین مالی این حجم از نیروهای شبه نظامی قراردادی، مزدور و نیابتی که به گسترش نفوذ منطقه ای ایران کمـک خواهند کرد، ارقام بسیار قابل توجهی خواهند بود که تحت شرایط تحریمی تامین آنها فشار مضاعفی بر اقتصاد کم رمق و نحیف و ضعیف ایران وارد می کند. درحالی که برخی از مسوولین نظام جمهوری اسلامی معتقد هستند که "دشمنان نظام" برای کنترل نفوذشان در منطقه، از جنگ اقتصادی بر علیه جمهوری اسلامی استفاده می کند ، ظاهرا خود مقامات سیاسی در نظام نیز زمام امور اقتصادی کشور و بخصوص دخل و خرج بودجه را به دست فرماندهان سپاه و نیروهای نظامی داده و همچنان بر جذب حداکثری نفرات و نیروهای نیابتی با تامین بودجه سنگین آن از جیب مردم ایران که تحت فشارهای شدید اقتصادی قرار دارند ، از حضور نظامی درمناطق مختلف از سـوریه و عـراق و یمن و لبنان تا دیگر کشورهای منطقه، سودای گسترش نفوذ سیاسی و ایدئولوژیک یا اکسپانسیونیسم مذهبی (به اصطلاح توسعه مذهبی) را دنبال می کنند . هزینه سرانه سالانه تامین حقوق و سایر مایحتاج هر نیروی نیابتی برای ایران معادل ۳۸۰۰۰ دلار برآورد می شود.[۱۲۱۳]

در هرحال از نظر کارشناسان مسائل حقوق بین الملل، پرسش این است که آیا حمایت (مالی و تسلیحاتی و پشتیبانی و آموزشی) یک دولت از گروه‌های مسلح غیردولتی(شبه نظامیان غیر دولتی در کشوری دیگر) در ایـن کشـور بـه عنوان ابزاری برای تهدید تمامیت ارضی یا نقـض اسـتقلال سیاسـی آن کشـور و اقـدامی مجرمانـه و قابـل تعقیـب محسوب می شود یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت است، برای مردم و افکار عمومی جامعه این پرسش مطرح است که چرا ما باید متجاوز باشیم و تمامیت ارضی و استقلال کشور همسایه را تهدید کنیم؟ و اگر پاسخ منفی است و این مداخله

۱۲۱۲ - https://www.hamshahrionline.ir/news/۵۱۳۷۱۴/ (روزنامه همشهری آنلاین،اردیبهشت ۱۳۹۹)

۱۲۱۳ –این ارقام بجز وعده ها و یا تعهداتی است که برخی مقامات بلند پایه همچون رییس جمهور ایران در قبال کشورهای همسایه و یا کشورهای دوست و برادر مسلمان انجام می دهند. چنانکه به نقل از رییس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس :"سفیر فلان کشور را به هزار بهانه آوردیم و گفتیم آنجا سد ساختیم، پولش را بدهید. آقای سفیر هم گفتند، فلان مقام حکومتی گفته این سد هدیه به شماست! و این سد را که هدیه کردید، پولش را ما نمی‌دهیم. باید متن سخنرانی را طـوری تنظیم کنیم که پول مملکت هدر برود؟". متاسفانه این رویه یکبار دیگر اخیرا در (خردادماه ۱۴۰۲) در سفر ابراهیم رییسی به انـدونزی تکـرار شـده و ایشـان قـول ساخت چند واحد بیمارستانی را به مردم مسلمان آن کشور دادند، این در حالی است که برخی از استانهای کشور مانند سیسـتان بلوچسـتان و منـاطقی از کردسـتان، فاقد بیمارستان مجهز و برخی شهرستانهای آن حتی فاقد یک واحد درمانگاهی و کادر درمانی مناسب و کافی است. بطوری که یکـی از نماینـدگان اسـتان سیسـتان بلوچستان، نسبت به وعده های رییس جمهور در سفر به اندونزی اعتراض نمود.

اساسا تهدید و تجاوز محسوب نمی شود و دفاعی مشروع در چارچوب توافق با دولت آن کشور است ، سوال افکار عمومی این است که چرا ما باید هزینه تامین استقلال و دفاع از تمامیت ارضی کشور دیگری ، (حتی کشور همسایه) را متحمل شویم؟[۱۲۱۴] در تناقضی آشکار در همین باره ، حشمت اله فلاحت پیشه، رییس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس اظهار داشت : " زمانی که موضوع FATF مطرح شد، بنده حق شرط‌های قوی‌ای را مطرح کردم؛ مثلاً حمایت از گروه‌های مقاومت و... را در آن گنجاندیم ، ولی آنجا اصل اساسی که دنبال کردم این بود که ملت باید بدانند که پول‌شان کجا هزینه می‌شود."[۱۲۱۵]. پرسشی که مطرح است و ایشان خود باید پاسخ آن را بدهند این است که " آیا صرف اینکه مردم بدانند پولشان کجا خرج می شود، کفایت می کند؟ آیا رضایت آنها اهمیتی ندارد؟ هرچند برخی در درون حکومت لازم نمی دانند که تا همین اندازه هم مردم را نسبت به هزینه کرد منابع بودجه ای دولت برای گسترش نفوذ منطقه ای و تامین مالی شبه نظامیان و هزینه ی نیروهای نیابتی، در جریان بگذارند. احتمالا دولت امپریالیسم آمریکا هم که سیاست های منطقه ای اش مداخله گرایانه و استکباری است و مورد انتقاد جدی ماست، تنها تا همین اندازه برای مردم خود حق قایل است که بدانند چقدر در عراق و افغانستان هزینه شده است، زیرا توجیه حضورشان همین است که منافع امریکا اقتضا می کند به این کشورها نیروی نظامی اعزام کنند.

شبه نظامیان[۱۲۱۶] ، سیاست جنگ افروزانه ، خشونت و جنایت

شبه نظامی ظاهرا یک پدیده تاریخ معاصراست. پدیده‌ای که در میان فرهنگ‌ها، ملت‌ها، انواع رژیم‌ها و نظام‌های سیاسی ریشه داشته است ، اما همیشه در سایه دولت بوده است. (امیدآنگور، ۲۰۲۰) درکتاب" شبه نظامیان" نقش و کارکرد شبه نظامیان طرفدار دولت ها را بررسی کرده و به چگونگی ارتباط آنها با سیاست ، جنایت، و جامعه و نقش آنها در درگیری‌های خشونت‌آمیز مانند جنگ‌های داخلی و نسل‌کشی پرداخته است. او با ارائه اولین تحلیل تاریخی و جامعه شناختی گسترده از چگونگی و چرایی اعمال خشونت‌های جمعی علیه غیرنظامیان توسط دولت‌ها به دنبال ارائه یک چشم انداز کلی از این پدیده پیچیده است که تاکنون هیچ بررسی اجمالی مقایسه ای و گسترده ای برای آن انجام نشده است.[۱۲۱۷] او از نقش شبه نظامیان در دو طرف جنگ ارمنستان – آذربایجان، نقش شبه نظامیان کرد وابسته به حزب کارگران کردستان پ ک.ک در جدال با دولت ترکیه و شبه نظامیان ترک و از شبه نظامیان چچنی تحت تعلیم ارتش روسیه در ناآرامی های آن منطقه و از پیشینه ایجاد حشد الشعبی و سپاه بدر تحت حمایت دولت ایران درآن کتاب بطور مفصل بحث می کند. در مورد حشد الشعبی براساس وقایع تاریخی

۱۲۱٤ - Keith A. Petty (۲۰۰۷),"Veiled Impunity : Irans Use of Non-State Armed Groups", Denver Journal of International Law & Policy, Volume ۳٦ ,Number ۲ Spring, Article ٤.

۱۲۱٥ - https://www.hamshahrionline.ir/news/۵۱۳۷۱۴/(روزنامه همشهری آنلاین،اردیبهشت ۱۳۹۹).

۱۲۱٦ -Ugur Umit Ungor(۲۰۲۰),paramilitarism, Mass Violence in the Shadow of the State,Oxford University Press

۱۲۱۷ -Ugur umit ungor(۲۰۲۰);Ibid.

معاصر می نویسد: آیت الله العظمی علی سیستانی در ۱۳ ژوئن ۲۰۱۴ فتوایی نادر برای بسیج گسترده مردان عراقی علیه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) صادرکرد. این مرجع بزرگ جهان تشیع، وظیفه جمعی (واجب کفایی) مردان عراقی را برای دفاع از ملت در برابر تهدید داعش چنین اعلام کرد : "بنابراین، این وظیفه بر عهده شهروندانی است که قادر به حمل سلاح و مبارزه با تروریست‌ها هستند. برای دفاع از کشور، مردم و اماکن مقدس خود، باید داوطلبانه در نیروهای امنیتی (القوات الأمنیة) برای این هدف مقدس خدمت کنند." کاملا مشخص است که فتوای این مرجع دینی استقلال عمل برای تاسیسات شبه نظامی قایل نیست و ادای تکلیف شرعی ازسوی آنها را به تحت امر نیروهای امنیتی کشور عراق بودن ، منوط کرده است. فتوای سیستانی به دنبال پیگیری دولت عراق برای بسیج شبه نظامیان بود. در ابتدا، دولت حاکم حزب الدعوه با تکثیر شبه نظامیان مخالف بود، اما ظهور داعش نگرش آنها را تغییر داد. هنگامی که ارتش عراق در ژوئن ۲۰۱۴ فروپاشید، نوری المالکی، نخست وزیر، فرمانی را برای تشکیل کمیسیون نیروهای حشد الشعبی (PMF) امضا کرد که به تاسیس گروه شبه نظامی "بسیج مردمی" (الحشد الشعبی) منتهی شد. اگر چه فتوای سیستانی برای ایجاد انگیزه در مردان برای پیوستن به نیروهای امنیتی حکمی شرعی بود و نه حکمی قانونی برای ایجاد نهادهای شبه نظامی، اما این دو فرمان نخست وزیر ، حداقل هفت واحد شبه‌نظامی از قبل موجود در عراق را مشروعیت بخشید و چندین واحد جدید را هم تاسیس کرد. در نتیجه، گروه‌های شبه‌نظامی قدیمی شیعه اکنون می‌توانستند در آزادی و شفافیت کامل فعالیت کنند و تقریباً ۱۰۰۰۰۰ مرد زیر پرچم جدید حشد تجمع کردند. دولت حیدر العبادی، نخست وزیر بعدی، برای کنترل حشد تلاش کرد، اما به جای ادغام آن در ارتش، "حزب الحشد الشعبی" را به عنوان یک نیروی "وابسته به دولت"مشروعیت بخشید. بدون شک ارتش فروپاشیده عراق که متعلق به بقایای رژیم سابق بود نمی توانست، نهاد مناسبی برای بهره گیری از پتانسیل نیروهای مردمی عراق علیه تروریست های تکفیری داعش فراهم نماید و این تصمیم دولت شیعه ی عراق تصمیمی از سر مصلحت اندیشی و البته الگوگیری از سازمان بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ایران بود. یک حزب سیاسی و شبه نظامی با کارکردهای انتظامی و امنیتی.[۱۲۱۸] در ایران، با سقوط رژیم سلطنتی پهلوی و به دلیل اینکه انقلابیون حاکم ، ارتش ایران را بقایای تاسیسات رژیم طاغوتی ارزیابی می کردند، دست به یک تصفیه کامل در ارتش زدند و دوسال بعد ، زمانی که صدام حسین به خاک ایران تجاوز نظامی کرد، بقایای ارتش ایران بسیار ضعیف تر از آن بود که بتواند مقابل ارتش پرقدرت و مسلح عراق بجنگد و بنابراین تاسیسات جدیدی بنام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج مستضعفین متشکل از نیروهای داوطلب مردمی برای مقابله با تجاوز دشمن ایجاد شد که بر پایه ی فتوای ایت اله خمینی مبنی بر واجب کفایی بودن دفاع از کشور برهمه مردان مکلف بود.

۱۲۱۸ - Ugur umit ungor(۲۰۲۰),Ibid ,p۱۸٤

در مورد عراق ، اما تشکیل حشد، بصورت یک نهاد مستقل به موازات ارتش عراق و به عنوان یک حزب سیاسی نظامی ، رسماً نقض آشکار قانون اساسی ۲۰۰۵ عراق بود (بند ب ماده ۹) که " تشکیل شبه نظامیان خارج از چارچوب نیروهای مسلح" را منع کرده است (و جالب است که نقض فتوای سیستانی هم هست چون وی نیروهای مردمی را تحت امر قوای امنیتی کشور عراق تایید می کند) اما پس از سال‌ها فساد سیستمی، حامی پروری فرقه‌ای و قبیله ای ، سیاست زدگی و فساد در بوروکراسی دولتی، و غلبه فرهنگ‌های ریشه‌دار حمایت و وفاداری بر شایستگی در نهادهای دولتی عراق (از جمله نیروهای امنیتی)، به دولت عراق ثابت کرد که (بدون کمک خارجی) قادر به دفع تهدیدی بین المللی مانند تروریست و داعش نیست. با این حال، این یک مغالطه است که حشد و دولت عراق را نیروهای اساساً متضاد ببینیم.در واقع، حشد را می توان به بهترین وجه به عنوان یک کارکرد و بازتاب فرا نهادی دید که به طور گسترده نشانه ای از دولت عراق پس از سال ۲۰۰۳ است. حداد گفت: " از بدر گرفته تا پیشمرگه‌ها تا جیش‌المهدی تا شوراهای بیداری و گروه‌های شبه‌نظامی مختلف که خلاء های امنیتی، سیاسی و جنایی عراق را پر کرده‌اند، چنین گروه‌هایی واقعیت دائمی عراق پس از سال ۲۰۰۳ بوده‌اند. از این منظر، حشد الشعبی پدیده جدیدی نبود، بلکه نشان دهنده احساس قوی تداوم در "دولت شبه نظامی"عراق بود. آنگونه که (امیدآنگور، ۱۸۴: ۲۰۲۰) تحلیل می کند ، رشد نفوذ شبه نظامیان در عرصه های مختلف سیاسی ، نظامی، امنیتی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، می تواند به مثابه یک خطر ارزیابی شود. زیرا دولت ها را وامدار حمایت شبه نظامیان می کند و خطر شبه نظامی گرایی دولت وجود دارد.

طی تحولات سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ ، دیگر در میان چهره‌های مقامات کشور جدید عراق، از کارفرمایان اطلاعاتی صدام خبری نبود که عراق بعثی را توصیف وحشت کرده بودند، بلکه رهبران شبه نظامی بودند که از قدرت بسیار زیادی برخوردار بودند. به عنوان مثال، قیس الخزعلی، رئیس گروه عصائب اهل الحق، محبوبیت گسترده حشد را جشن گرفت و پیشنهاد کرد که از بخش امنیتی فراتر رفته و سایر وظایف دولتی را بر عهده بگیرند. او در پایان گفت: "ما همه حشد هستیم." یکی دیگر از نمونه‌های قدرتمند یک رهبر شبه‌نظامی، هادی العامری، وزیر اسبق حمل‌ونقل، نماینده مجلس و جانباز شورای عالی انقلاب اسلامی عراق (SCIRI) است. پس از سال ۲۰۰۳، العامری سازمان بدر را تأسیس کرد، گروه شبه نظامی اصلی طرفدار ایران در عراق که قدرت آن فراتر از امور نظامی است و نمونه آخر ابومهدی المهندس (بود) است که روابط دیرینه ای با سپاه پاسداران ایران داشت. در دهه ۱۹۸۰ و پس از سال ۲۰۰۳ به عضویت حزب الدعوه در مجلس و نایب رئیس کمیسیون حشد منصوب شد. ابومهدی کتائب حزب الله را راه اندازی کرد، نمونه ی عراقی حزب الله لبنان که در لیست گروه های تروریستی آمریکا قرار دارد.[۱۲۱۹]

۱۲۱۹ - Ugur umit ungor(۲۰۲۰),Ibid ,p۱۸۵

بخش اعظم شبه‌نظامی گری در عراق انعکاسی از نقش و کارکرد شبه‌نظامی گرایی و نفوذ فراملی ایران است که توسط قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران ایران عینیت یافته است. اهداف سلیمانی با ترکیب پیچیده ای از ناسیونالیسم ایرانی، ملاحظات ژئوپلیتیکی ضد اسرائیلی و ضد آمریکایی، انتقام جویی[۱۲۲۰] برای جنگ ایران و عراق، و تعصب فرقه ای (نوعی خاص از شیعه گری) هدایت می شد.[۱۲۲۱]

در قرن بیست و یکم، سوریه و عراق، کشورهایی با تاریخ و پویایی نسبتاً موازی در زمینه دولت و جامعه و تفاوت‌های چشمگیری که با یکدیگر داشتند ، در درگیری‌های خشونت‌آمیز فرو پاشیدند. عراق توسط نیروهای خارجی اشغال شد و سوریه یک قیام مردمی را تجربه کرد. یکی از رخدادهای اصلی در هر دو کشور که با انفجار جنگ داخلی برجسته شد و باقی ماند: پدیده ی شبه نظامی گری بود. البته تفاوت‌های واضحی بین این موارد وجود دارد: سوریه هنوز یک کشور امنیتی است، جایی که سازمان‌های اطلاعاتی مختلف در آن حکومت می‌کنند و روسیه از ارتش سوریه به عنوان یک حامی خارجی قدرتمند حمایت می‌کند. اما شباهت هایی نیز وجود دارد : نفوذ قوی ایران، توانمندسازی شبه نظامیان به دلیل درگیری های مداوم، و فرقه گرایی به دلیل رفتار شبه نظامیان طرفدار دولت. گذشته‌های اخیر هر دو کشور اهمیت شبه‌نظامی گرایی را تأیید می‌کند: پدیده ای که می‌ماند و بعدا باید آنها را سهامدار در قدرت کرد.[۱۲۲۲]

امیدآنگور، برپایه تحقیقاتش در مورد تشکیلات شبه نظامیان و شبه نظامی گری در اقصی نقاط جهان معتقد است : "مقامات دولتی، شبه نظامیان و باندهای جرایم سازمان یافته درکنار یکدیگر دولت در سایه ایجاد می کنند." او در اثر تحقیقی خود تاریخ جهانی شبه نظامی گری ، ارتباطات جنایی، و ترتیبات درونی دولت با آنها را بررسی می کند و به این جمع بندی می رسد که نیروهای شبه‌نظامی در طول زمان تکثیر شده‌اند، نیروهای متقابل نیز افزایش یافته اند ظرفیت‌های دولت‌ها در طول زمان به دلیل پیوندهای پیچیده‌تر با بازیگران جامعه مدنی و باندهای جرایم سازمان‌یافته ، گسترش یافته و از امکانات پیچیده برای پنهان کردن خشونت شبه‌نظامیان استفاده کرده‌اند. اما در عین حال، پنهان‌کاری خشونت شبه‌نظامیان به دلیل افزایش تعامل بین‌المللی بین دولت‌ها و نهادهای ناظر بر موضوعات مرتبط با حقوق بشر و ناظر بر عملکرد دولت‌ها، و همچنین نیروهای داخلی مانند روزنامه‌نگاران حقیقت‌جو و حساسیت‌های رای‌دهندگان همانند قبل امکان‌پذیر نیست. (امید آنگور، ۲۰۲۰: ۱۸۷) در رابطه میان دولت و شبه نظامیان به بررسی جرم و جنایات نیز پرداخته است. استدلال کرده است که روابط دولت و جنایت یادگار گذشته نیست، بلکه موضوعی کاملا امروزی و بسیار زنده نه فقط در تجسم سرمایه داری مدرن است. برای دولت‌هایی که درگیر

۱۲۲۰ - revanchism
۱۲۲۱ - Ugur umit ungor(۲۰۲۰),Ibid
۱۲۲۲ - Ibid,p۱۸۶.

جنگ‌های داخلی هستند، تماس با جنایتکاران کاملاً معمول است و "مردان قوی" برای اهداف مختلف، به ویژه وظایف حساس خنثی سازی تهدیدهای خشونت آمیز تربیت و به استخدام گرفته می شوند.

بدون شک با اهمیت یافتن نقش و کارکرد شبه نظامیان و نوع روابط شان با دولت ها و تجربه فروپاشی چندین دولت- ارتش درمنطقه خاورمیانه از ایران ۱۹۷۹ تا عراق ۲۰۰۳ و سوریه امروزی ، باید علاوه بر هزینه های نظامی گری که به تاسیس ارتش مدرن می انجامد، به هزینه های شبه نظامی گری که در تاسیس دولت جایگزین و نقش آلترناتیو ارتش یا در کنار آن نقش ایفا می کند، توجه شود، ضمن اینکه شبه نظامیان ماندگارند و کارکردی چند گانه دارند و تمایل دارند نه فقط در خط مقدم جنگ با مهاجمان ، بلکه در سرکوب معترضان و مخالفان داخلی دولت ها در جنگ های داخلی و در حوزه های دیگر مانند سیاست و اقتصاد و فرهنگ مداخله کنند و نقش یک حزب سیاسی را در رقابت با سایر رقبای سیاسی ایفا نمایند و خود را منحصر به انجام ماموریت های انتظامی و امنیتی نمی کنند. احتمال تسخیر دولت یا ایجاد دولت سایه با تثبیت قدرت شبه نظامیان و توسعه و تقویت رویکرد شبه نظامی گری از سوی مقامات پر نفوذ دولتی افزایش می یابد. به همین جهت ارزیابی نقش و کارکرد شبه نظامیان به امری دشوار تبدیل شده است.

در سوریه ، شبه نظامیان طرفدار رژیم اسد نقش کلیدی در حملات نظامی و برقراری امنیت محلی در طول جنگ داخلی سوریه برعهده داشته اند. آنها ابزارهای مهمی در تضمین بقای رژیم اسد بوده اند و روند جنگ را شکل دادند. با فروکش کردن عملیات گروه های تروریستی و شکست آنها ، دولت بشار اسد و متحدانش در پی آن هستند که با شبه نظامیان وفادارشان "جنگ علیه تروریسم" را علیه نیروهای شورشی باقی‌مانده به پایان برسانند. اکنون نقش آتی شبه نظامیان طرفدار رژیم در نظم سیاسی سوریه موضوعی است که بین رژیم سوریه و حامیان اصلی بین المللی آن -ایران و روسیه -مناقشه درگرفته است.[۱۲۲۳] دولت بشار اسد عملا حضور شبه نظامیان کشورهای حامی را بصورت نیابتی و مزدور در قالب توافقنامه هایی با دولت های حامی خودش منجمله ایران و روسیه پذیرفته و جنگ را برونسپاری کرده بود، اما با برونسپاری جنگ به شبه نظامیان دولتهای حامی ، رژیم اسد عملا آینده سیاسی خود را به دست آن دولت ها سپرده است. مشابه همین وضعیت در عراق به نحو دیگری رقم خورد . گروه های زیادی از عراقی ها زمانی که دریافتند، بهای کمک های ایران در جنگ با داعش و ایجاد و تقویت سازمان شبه نظامیان شیعه در عراق، باید بصورت تاثیرگذاری و نفوذ ایران بر سیاست های داخلی عراق تحمل شود، برآشفته شدند و اعتراض کردند، زیرا احساس کردند دولت عراق استقلال سیاسی خود را به گروه های شبه نظامی تحت نفوذ ایران فروخته است. این مساله اخیرا چالش هایی را در روابط این دو کشور ایجاد کرده است.

۱۲۲۳- Samar Batrawi & Nick Grinstead(۲۰۱۹), Six scenarios for pro-regime militias in 'post-war' Syria, CRU Policy Brief.

با رشد و قدرت گرفتن گروه های شبه نظامی، متاسفانه موضوع برونسپاری امنیت توسط دولت ها به این گروه ها خود به یک چالش امنیتی بزرگ در بخشی از دنیا خصوصا در خاورمیانه بحران خیز تبدیل شده است. پیش تر بعد از جنگی که میان ارتش مسیحی لبنان با شبه نظامیان شیعه در گرفت و تا اوایل دهه ۱۹۹۰ ادامه داشت، آینده سیاسی لبنان دستخوش تحولاتی شد. درگیری مذکور تا حد زیادی به عنوان یک رویارویی بین ایران و سوریه در مورد اینکه چه کسی شیعیان لبنان را کنترل می کند، تلقی می شد. در دوران حافظ اسد، حزب الله یک سازمان تروریستی نیابتی تحت نفوذ و کنترل سوریه بود و سوریه قدرت حاکم در لبنان بود و فعالیت های عناصر مختلف لبنان از جمله حزب الله را کنترل می کرد.[۱۲۲۴] در حالی که طرف های متخاصم با میانجیگری عربستان سعودی در مورد یک معامله موسوم به توافق طائف مذاکره کردند، نظمی دوباره تحت سلطه سوریه شکل گرفت.

ارتش سوریه حمله ای را علیه ارتش لبنان به رهبری ژنرال میشل عون رئیس جمهور لبنان آغاز کرد . عون پس از شکست، به سفارت فرانسه پناه برد و سپس به پاریس گریخت. آنگاه سوریه توافقی را با عربستان سعودی انجام داد که درپی آن شاهد صعود رفیق حریری تاجر لبنانی-سعودی به سمت نخست وزیری بودیم، و یک توافق نامه امنیتی طولانی مدت و قوی تر هم با ایران منعقد کرد که به حزب الله اجازه می داد تا زرادخانه خود را برای مبارزه با اشغال گری اسرائیل در جنوب لبنان گسترش دهد. درسال ۲۰۰۵ رژیم سوریه نیروهای خود را پس از ترور رفیق حریری، نخست‌وزیر سابق لبنان در ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ از این کشور خارج کرد و حزب‌الله هم متوجه شد که خود موظف به پیوستن به روند سیاسی در حال تحول در آن کشور است. در نبود ارتش ملی مقتدر ، کشور لبنان برای تامین امنیت خود در قبال تهدیدهای خارجی به قدرت نظامی حزب الله وابسته شد که در نهایت، این به معنای تضعیف انحصار دولت در حوزه امتیتی و برون سپاری دفاع از کشور به گروهی منحصرا شیعه در جنوب لبنان و تحت حمایت ایران بود. بقای حزب الله در جنگ ۲۰۰۶ و نقش آن در بازسازی ویرانی های جنگ با دریافت تسهیلات و کمک های مالی از سوی حکومت ایران ، دولت لبنان را بیش از پیش تضعیف کرد. حزب الله پرداخت های نقدی قابل توجهی را بین افراد آسیب دیده در آن جنگ توزیع نمود. این امر نقش و وجهه آن را به عنوان محافظ و ارائه دهنده خدمات به جامعه عمدتا شیعی جنوب لبنان تقویت نمود.[۱۲۲۵] هم اکنون شبه نظامیان شیعه حزب الله در ایجاد شبکه تروریستی جهانی از سوی جمهوری اسلامی ایران تامین مالی می شوند و عملا در

۱۲۲٤ -Adrian Hänni, Thomas Riegler & Przemyslaw Gasztold(۲۰۲۱),Terrorism in the Cold War, Bloomsbury Publishing Plc. Great Britain, p۱۹۳

۱۲۲٥ - Ranj Alaaldin, Federica Saini Fasanotti,Arturo Varvelli,Tarik M.Yousef(۲۰۱۹),The Rise and Future of Militiasin the MENA Region, Ledizioni Ledi Publishing,Brookings Doha Center (BDC); Mohanad Hage Ali, Hezbollah: The Superior Militia,p۲۲

استخدام ایران هستند. ایران همچنین به این سازمان کمک می کند تا شبکه خود را با عوامل نیروهای امنیتی و سپاه پاسداران ایران که از طریق سفارتخانه های ایران در سرتاسر جهان فعالیت می کنند، اداره کند.[۱۲۲۶]

(رنج علاالدین، ۲۰۱۹) درگزارش تحقیقاتی که به موضوع قدرت گرفتن سازمانهای شبه نظامی در خاورمیانه و شمال آفریقا اختصاص دارد، می نویسد: " منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با درگیری و بی ثباتی سیاسی غریبه نیست، اما در دهه های اخیر به طور فزاینده ای درگیر نوعی بحران اقتدار شده است که توسط بازیگران مسلح غیردولتی (شبه نظامیان) سرمایه گذاری شده است. گروه‌های مسلح زنده می‌مانند، تکثیر می‌شوند و تکامل می‌یابند نه لزوماً به دلیل سلاح‌ها، منابع مالی و حامیان خارجی‌شان، بلکه به این دلیل که ظهور و استقرار آنها ریشه در شرایط سیاسی و اجتماعی از هم گسیخته، متزلزل و شکننده در این منطقه دارد. در حالی که اصول حاکمیت از لحاظ تاریخی با مسئله به رسمیت شناختن و با این اصل که دولت ها قلمرو یکدیگر را نقض نمی کنند یا در امور داخلی یکدیگر مداخله نمی کنند، تضمین و تثبیت شده است، این اصول روابط بین الملل از پایان جنگ سرد تضعیف شده است. از زمانی که جنگ های داخلی به عنوان یکی از ویژگی های مشترک سیستم بین المللی پس از جنگ جهانی دوم ظاهر شد، دولت سرزمینی تحت فشار قرار گرفته است. نحوه ی سیاست گذاری ابرقدرت‌ها در طول جنگ سرد و بعد ازآن در منطقه ، منجر به رشد گروه های شبه نظامی و پدیده شبه نظامیگری شد، زیرا منابع عظیمی در نبرد برای تسلط جهانی در اختیار نیروهای نیابتی مشتاق قرار گرفت."[۱۲۲۷]

رخدادهای پس ازحملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱، از جمله اشغال افغانستان و عراق، اگرچه با هدف مقابله با چالش تروریسم فراملی بود ولی هنجارهای بین المللی و حاکمیت دولت ها را متزلزل نمود. مداخلات غرب در کوزوو و عراق راه را برای تضعیف نظام بین‌الملل هموار کرد، تا حد زیادی به این دلیل که این مداخلات اصول حاکمیت را تضعیف کرد. فضایی که به دیگر قدرت‌های جهانی مانند روسیه جرات می‌داد تا در پوشش همان استدلال‌های قانونی و هنجاری غرب، به دنبال منافع خود باشند. مداخلات روسیه در گرجستان، (اشغال کریمه) و مداخله در اوکراین و بعداً در سوریه در جریان جنگ داخلی (و تجاوز مجددا به اوکراین) نمونه‌هایی از این امر است. امروز شاهد کارکردهای مختلف از سوی گروه های شبه نظامی هستیم. ویژگی‌های فراملی گروه‌های شبه‌نظامی، چه گروه‌های مسلح تجزیه طلب مانند کردهای سوریه یا عراق یا حتی ایران ، چه سازمان‌های جهادی فراملی مانند دولت اسلامی(داعش) و چه شبه‌نظامیان شیعه که به‌دنبال تغییر موازنه قوا در منطقه مطابق خواست دولت ایران هستند، نقش و کارکردهای آنها را به شدت متفاوت نموده است. با حضور این شبه نظامیان، مشارکت در هر گونه

۱۲۲۶ - Adrian Hänni, Thomas Riegler & Przemyslaw Gasztold(۲۰۲۱),Ibid.

۱۲۲۷ - Ranj Alaaldin, Federica Saini Fasanotti,Arturo Varvelli,Tarik M.Yousef(۲۰۱۹),The Rise and Future of Militiasin the MENA Region, Ledizioni Ledi Publishing,Brookings Doha Center (BDC);Ranj Alaaldin, The Past, Present & Future of Militias.

تلاش معنادار بازسازی در کشورهای درگیر دشوار شده است. آنها همچنین سیاست هایی را تولید و دنبال می کنند که در تناقض و سردرگمی فرو رفته است. هزینه های سنگینی که آنها بر اقتصاد کشورها و بر امنیت بین الملل تحمیل می کنند، به راحتی قابل تخمین ، برآورد و محاسبه نیست. با این حال دولت هایی وجود دارند که حیات سیاسی خود را در گرو حمایت از گروه های شبه نظامی قرار می دهند و هزینه های این حمایت را بیش از منافعی که از آنها انتظار می رود، می پردازند، و عملا تا آنجا پیش می روند که حیات سیاسی خود را فدای آن گروه ها می کنند، بدان امید که از طریق آن گروه ها تکثیر و بازتولید شوند ، یا آن گروه ها به نیابت ازآنها اهداف ایدئولوژیک شان را پیش ببرند. اما تئوری مبتنی بر منابع عنوان می کند که گزینه حمایت (یا پیوستن) به گروه های شبه نظامی، سازمان های انقلابی یا شورشی ها یا جنگ سالاران به تحلیل هزینه –فایده میان احتمال موفقیت آنها و هزینه های فرصت خشونت سیاسی بستگی دارد. ضمن اینکه تکیه بر اقدامات قهرآمیز یا به حاشیه راندن سیاسی می تواند هزینه های بیشتری نسبت به منافع برای نهادهای دولتی شکننده و جمعیت های خسته از درگیری به همراه داشته باشد. در این راستا، محاسبه هزینه –فایده برای خشونت و جنگ مشابه مدل‌های انتخاب عقلایی برای سایر فعالیت‌های مجرمانه است.[۱۲۲۸]

موضوع بهره گیری از گروه های شبه نظامی از زاویه ای دیگر هم مورد توجه است. (اولسوی،۲۰۰۸) به کودک سربازهایی که در اقصی نقاط بحران زده و توام با ناآرامی و خشونت در جهان مانند افغانستان، جمهوری دموکراتیک کنگو،کلمبیا، عراق ، سوریه، آنگولا ، اسراییل، فلسطین اشغالی، میانمار، سومالی، سریلانکا، رواندا ونپال، فیلیپین، روسیه ، سودان و اوگاندا و نقاط مختلف دیگر مورد بهره کشی دولت ها و یا گروه ها و باندهای جرایم سازمان یافته و گروه های تروریستی قرار گرفته اند، توجه نشان داده است.[۱۲۲۹] دولت های مختلف با استخدام و بکارگیری کودکان و نوجوانان در گروه های شبه نظامی، تلاش می کنند تا آنها جنگ و خشونت را از نزدیک تجربه کنند. هم اکنون جوانان و نوجوانان در زیر سن قانونی به عنوان سرباز یا اغلب با عنوان نیروی داوطلب مردمی در ۷۵ درصد از جنگ و درگیری های سراسر جهان به خدمت گرفته شده اند. حدود ۳۰۰۰۰۰ نفر سرباز کودک در ۸۵ کشور جهان، یا در سازمان نیروی مسلح آن کشورها و یا در گروه های مسلح مخالف دولت ها به خدمت گرفته شده اند. کودک سربازان در طیف وسیعی از فعالیت های نظامی و شبه نظامی بکار گرفته می شوند، از مین گذاری و کارگذاشتن سایر مواد منفجره تا خنثی سازی میادین مین و مواد منفجره ، کمین، جاسوسی، طئمه گذاری و عملیات فریب، پیک و نگهبانی، آموزش، تدارکات، پخت و پز و کارهای حمل بار و حتی بردگی جنسی. شرکت آنها در جنگ و درگیری موجب محرومیت آنها از تحصیل و کار شرافتمندانه می گردد.[۱۲۳۰]

۱۲۲۸ - Ibid.
۱۲۲۹ - M. Demet Ulusoy(۲۰۰۸),Political Violence, Organized Crimes, Terrorism and Youth, IOS Press ,p۳
۱۲۳۰ - M. Demet Ulusoy(۲۰۰۸),Ibid.

می توان نیروهای شبه نظامی را در زمره نیروی کار غیر رسمی در اقتصاد سایه به حساب آورد، زیرا آنها نیروهای داوطلب و غیر رسمی هستند. رشد و فعالیت این گروه ها با فعالیت باندهای جرایم سازمان یافته، باندهای قاچاق، گروه های تروریستی و مافیای فروش سلاح و جنگ افزار در جهان و مناطق ناآرام و جرایم و جنایات دولت ها در مناطق مختلف در ارتباط است.[۱۲۳۱]

تجارت غیرقانونی سلاح و تسلیحات کشتار جمعی

جهان ما در قرن بیست و یکم ، ترکیبی مرگبار از پیشرفت‌های فناوری، تروریسم و جنایت جهانی شده (جرایم بین المللی سازمان یافته) است که خشونت‌های دولتی و نابرابری اقتصادی واجتماعی و بی‌ثباتی و نا امنی را به سطح هشدار رسانده است. در عین حال، موتوری که این روند را تشدید کرده و به پیش برده است، تجارت جهانی اسلحه است که با وجود باندهای دلال و معامله گر و قاچاقچیان تسلیحات، عملیات ها پیچیده‌تر، پیامدها و تاثیرات عمیق تر و گسترده تر و مخاطرات و تهدیدها بیشتر می‌شود.

برآورد می شود که هزینه های نظامی جهانی برای سال ۲۰۱۰ در مجموع ۱,۶ تریلیون دلار باشد، معادل ۲۳۵ دلار برای هر نفر در این سیاره که یک افزایش ۵۳ درصدی از سال ۲۰۰۰ داشته است و این رقم ۲,۶ درصد از کل تولید ناخالص داخلی جهانی را تشکیل می دهد. امروزه، ایالات متحده تقریباً یک تریلیون دلار در سال برای امنیت ملی با بودجه دفاعی بیش از ۷۰۳ میلیارد دلاری هزینه می کند. ارزش تجارت تسلیحات متعارف، اعم از بزرگ و کوچک، حدود ۶۰ میلیارد دلار در سال است. ایالات متحده، روسیه، انگلستان، فرانسه ، آلمان، سوئد، هلند، ایتالیا، اسرائیل و چین به طور منظم به عنوان بزرگترین تولید کنندگان وتاجران سلاح و مهمات هستند.[۱۲۳۲]

امروزه یکی از تهدیدهای عمده در جهان که از سلاح های کشتارجمعی و تسلیحات نا متعارف پیامدهای واقعا مخاطره آمیزتری دارد، گسترش روز افزودن افراد و گروه های مسلح کوچک با سلاح ها سبک متعارف مانند مسلسل کلاشینکف است. بسیاری از گروه ها و اشخاص مجرم و جنایت کار و تروریست ها، در زمره این نوع از باندهای مسلح قرار می گیرند.(کریستوفر کار،۲۰۰۰)[۱۲۳۳] از کالج جنگ هوایی ایالات متحده، به موضوع گسترش بین المللی کاربران سلاح های متعارف های سبک (SALW)[۱۲۳۴] پرداخته است. او به این مساله توجه نموده که چطور این گروه ها به تعداد کافی و در چارچوب دولت های ضعیف، می توانند یک معماری نا امن از جوامع ایجاد کند که شرایطی را تقویت می کند که از فرهنگِ تروریسم ، خشونت و جنایت حمایت وپشتیبانی می کنند. در یمن، در استان مرزی شمال غربی پاکستان، در محله‌های فقیرنشین شهری جامائیکا و در کوه‌های قفقاز، گسترش

۱۲۳۱ - M. Demet Ulusoy(۲۰۰۸),Ibid.
۱۲۳۲ - Holden &Barnaby Pace(۲۰۱۱) ,Ibid,p ۲۱ .
۱۲۳۳ - Christopher Carr(۲۰۰۰), Associate Professor of International Security at the U.S. Air War College.
۱۲۳٤ - small arms and light weapons(گروه های مسلح کوچک و سلاح ها سبک متعارف)

سلاح های سبک میان گروه‌های مسلح کوچک این توانایی را ایجاد کرده که اولویت هـای دولـت را بـه چـالش بکشند و شرایط بی‌ثباتی را ایجاد کنند که مطلوب و مناسب گروه های جنایتکار و جوامع تروریستی است. در چنین شرایطی قاچاقچیان مواد مخدر، قاچاقچیان انسان و اسلحه با جنگ سالاران، رهبران شبه‌نظامی و فرصت‌طلبان سیاسی در محیطی زندگی می کنند که مانع از حکومت‌داری خوب و حاکمیت قضایی عادلانه می‌شوند. پس از پرداختن به منشأ این مشکلات، او پیشنهاداتی را برای مقابله بـا گسـترش SALW از جملـه توافق‌هـای چندجانبـه، ترتیبـات منطقه‌ای و دوجانبه و مشارکت با سازمان‌های غیردولتی برای جمع آوری داده‌ها در مـورد مکـان و جابجـایی ایـن سلاح‌ها ارائه می کند.[۱۲۳۵]

منشأ عمده تکثیر SALW ، رخدادهای سال ۱۹۴۵ است. در ارتفاعات پاپوآ گینه نو و سایر نقاط آسیای جنـوب شرقی، هنوز انبارهای تسلیحاتی باقی مانده از جنگ جهانی دوم وجود دارد. بقایای سلاح های جنگی از ویتنام هنوز از هندوچین بیرون می آید و از طریق برمه به بنگلادش و فراتر از آن سرازیر می شود. وارثان رژیم های استعماری در آفریقا و جنوب آسیا همچنان به تامین و عرضه ی سلاح های قابل استفاده برای نظامیان محلی، شبه نظامیـان، باندهای جنایتکار و شکارچیان غیرقانونی ادامه می دهد. اما بخش عمده ای از سلاح هـای موجـود امـروز میـراث رقابت های جنگ سرد هست. غرب و شرق در جنگ های نیابتی خود علیه یکدیگر، از طریق ارسال ارزان قیمت سلاح های سبک به عنوان ابزاری کم خطر وکم هزینه برای حمایت از متحدان و تضعیف مخالفان خـود اسـتفاده می کردند. این واقعیت که اسلحه کلاشینکف شوروی در سراسر جهان رایج تر از اسلحه آمریکایی M۱۶ اسـت، یکی از نشانه های حمایت اتحاد جماهیر شوروی از شورشیانی است ،که سلاح های اصلی آنها اسلحه های سبکی بودکه علیه دولت های مرکزی بکار می برند ، در حالی که ایالات متحده با دارا بودن سیسـتم هـای تسـلیحاتی بزرگتر در بیشتر موارد کمتر امکان ارائه این حمایت را داشت. در هرحال این سلاح های باقیمانده از جنـگ سـرد امروزه در سومالی، موزامبیک، افغانستان، پاکستان، نیکاراگوئه و بسیاری از میدان‌های نبرد نیـابتی دیگـر بـه‌عنـوان شواهد باقی مانده‌اند.[۱۲۳۶]

قاچاق اسلحه در بازار خاکستری و سیاه نیز به تکثیر SALW کمک کرده است . بازار خاکستری که با مشارکت فعال آژانس های ملی مشخص می شود، به ویژه تحت تأثیر پایان جنگ سرد قرار گرفت. دولت‌های سوسیالیستی سابق که یک شبه به بازار آزاد رانده شدند، دریافتند که کالاهای تولیدی کمی دارند که با کالاهای غربی قابـل رقابت باشد. اما تجهیزات نظامی ساخته شده در کشورهای سابق پیمان ورشو ارزان و قـوی بـود و بـه ویـژه بـرای دولت – ملت های فقیرتر، دولت‌های منسوخ شده و بازیگران غیردولتی مانند شبه‌نظامیانی که در بسیاری از مناطق

۱۲۳۵ - Ibid

۱۲۳۶ - James J. F. Forest,Ibid,p۸۵۲

جنوب صحرای آفریقا سربرآوردند، جذاب بود. اوکراین، رومانی، لهستان، و جمهوری‌های چک و اسلواکی همگی در طول دهه ۱۹۹۰ مقادیر زیادی تسلیحات سبک به دیگر نقاط صادر می کردند و اغلب احساس می کردند که قوانین بین‌المللی هیچ محدودیتی ندارند. شاید بدترین قاچاقچیان جدید در بازار خاکستری سلاح ، در بلغارستان باشند. در دهه آخر پس از پایان جنگ سرد، بازرسان سازمان ملل (در میان دیگر ملیت ها) بلغاری‌ها را دریافتند که سلاح‌های خود را به شیوه‌ای بی‌سابقه به مناطق درگیری در سراسر آفریقا و جاهای دیگر می‌فرستند و تنها پس از اینکه بازیگران خارجی، به ویژه کشورهای اروپای غربی، شرط الحاق به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و اتحادیه اروپا (اتحادیه اروپا) را بر جلوگیری از قاچاق اسلحه توسط بلغارستان مرتبط کردند، مقامات صوفیه شروع به اعمال کنترل بر تجارت تسلیحات کنترل نشده کردند . منظور از "کنترل بر تجارت تسلیحات کنترل نشده "، دقیقا به معنای این است که ناتو به اعضای خود توصیه می کند منبعد باید تجارت تسلیحات با اطلاع ناتو و در کنترل دولت های عضو باشد.[۱۲۳۷] به این ترتیب ناتو بطور کلی با اصل تجارت سلاح و تکثیر و گسترش تسلیحات متعارف و احیانا سلاح های نامتعارف مخالفتی ندارد ، بلکه می خواهد اطمینان حاصل کند که انحصار تجارت اسحله در دست دولت های عضو و در واقع در انحصار خودش هست.

بطورکلی مذاکرات و توافقات درباره ی معاملات تسلیحاتی تقریباً همیشه در پوشش ، در سایه و بطور پنهان انجام می شود و قراردادها اغلب بین دولت ها منعقد می شوند وسپس به تولیدکنندگان سفارشات داده می شود و چنانکه می دانیم در اغلب کشورها ، شرکت های تولید سلاح تحت مالکیت خصوصی اداره می شوند. در برخی موارد، دولت‌ها مستقیماً با تأمین‌کنندگان تجاری قرارداد منعقد می کنند و گاهی هم شرکت ها با یکدیگر یا اشخاص ثالث که برخی از آنها حتی اشخاص حقوقی نیستند، تجارت می کنند. اینها شامل بازیگران غیردولتی –از شبه نظامیان مسلح گرفته تا گروه های شورشی و گروه های غیررسمی "تروریست ها" و افراد و نمایندگانی از دولت های فاسد و منحوس هم می شود. فروش و عرضه اسلحه اغلب شامل واسطه های مبهم یا عواملی هستند که نقش دلالی و واسطه گری را ایفا می کنند. بسیاری از معاملات تسلیحاتی حاوی عناصری از همه این ترتیبات گفته شده هستند که در سراسر یک زنجیره قانونی و اخلاقی از تجارت رسمی یا حقوقی و قانونی تا تجارت غیر رسمی و آنچه که به عنوان دنیای تجارت در سایه یاد می شود، یا به عنوان بازارهای خاکستری و سیاه نیز شناخته می شود، امتداد می یابد. بازار خاکستری به معاملاتی اشاره دارد که از طریق مجاری قانونی انجام می شود، اما به صورت مخفیانه انجام می شود. آنها اغلب توسط دولت ها و برای پرهیز از پیامدهای غیرقانونی آن بر سیاست خارجی شان مورد استفاده قرارمی گیرند. معاملات بازار سیاه در تئوری و اجرا غیرقانونی است ولی هر دو معامله سیاه و خاکستری

۱۲۳۷ - James J. F. Forest,Ibid

اغلب با تحریم های تسلیحاتی، قوانین ملی و چندجانبه، موافقت نامه ها و مقررات بین المللی مغایرت دارند. در عمل، مرزهای بین سه بازار مبهم است و توام با رشوه خواری و فساد اداری همراه می باشد.[۱۲۳۸]

روش فاسد و مخفیانه حاکم بر صنایع تولید ، توزیع ، خرید و فروش تسلیحات و مهمات ، دموکراسی و پاسخگویی را هم در کشورهای خریدار و هم در کشورهای فروشنده تضعیف می کند. تجارت اسلحه بیش از ۴۰ درصد فساد در کل تجارت جهانی را به خود اختصاص می دهد. ترکیب و حجم بسیار زیاد قراردادها از لحاظ ارزش ، تعداد بسیار کمی از افرادی که بویژه تصمیمات خرید را اتخاذ می کنند و شیوه ای که با آن تامین امنیت ملی خود را با رشوه و فساد آلوده می کنند، واقعا مجرمانه و فاسد است.تقریباً همه تصمیمات مربوط به خرید های عمده ی تسلیحاتی با پیامدهای مالی عظیم را دولت‌ها می‌گیرند که نه مقرون به صرفه است و نه به نفع کشورهایشان و اغلب کالاهای خریداری شده ، بسیار بیش از قیمت پیشنهادی اولیه هستند، نمی توانند طبق وعده قبلی تحویل شوند و سالها با تاخیر تولید یا تحویل می شوند.[۱۲۳۹]

طبق گزارش مجامع بین المللی درسال ۲۰۰۰ ارزش تجارت قانونی سلاح حدود ۴ تا ۶ میلیارد دلار تخمین زده می شد، اما تجارت غیرقانونی را هم تا یک میلیارد دلار تخمین زده اند. ظاهرا این یک میلیارد دلار در دامن زدن به درگیری های محلی و منطقه ای نقش مهمی ایفا می کنند. بیش از ۶۰۰ کارخانه و شرکت در کار تولید قانونی سلاح و مهمات هستند، این به استثنای مراکز و کارگاه های تولید سلاح های شخصی و غیرقانونی است. همچنین تخمین زده می شود حدود ۵۵۰ میلیون سلاح سبک در سراسر جهان در گردش است. عرضه ، تقاضا را تحریک کرده بطوری که امروزه رشد تمایل جوانان در سنین مدرسه در کشورهای توسعه یافته برای حمل و بکار گیری سلاح خطر ناامنی در این جوامع را بیش از پیش افزایش داده، بطوری که طبق برخی گزارش ها، هر ۴۰ ثانیه یک مرگ براثر شلیک تیر گزارش شده است.[۱۲۴۰]

رابطه بین صنعت دفاعی و دولت در کشورهای غیر دموکراتیک یا کمتر دموکراتیک با همزیستی بیشتری توام است. در بسیاری از این کشورها، کارخانه های تولید تسلیحات کاملا دولتی یا شبه دولتی است و بودجه های آنها محرمانه است. تجارت اسلحه جزء مهمی از امپراتوری تجاری گسترده و رو به رشد ارتش آزادیبخش خلق چین است که به ویژگی تعیین کننده سرمایه داری مستبد به سبک چین تبدیل شده است. در حالی که سلاح همیشه ابزار سیاست خارجی بوده است، استفاده چین از فروش تسلیحات ارزان قیمت برای گسترش نفوذ خود به سطوح بی سابقه ای رسیده است. همچنین کسانی که اهرم های قدرت در دولت روسیه را در دست دارند و اطراف ولادیمیر پوتین قرار

۱۲۳۸ - Holden &Barnaby Pace(۲۰۱۱) ,Ibid,p ۲۱

۱۲۳۹ - Holden &Barnaby Pace(۲۰۱۱) ,Ibid, p۲٦

۱۲٤۰ - M. Demet Ulusoy(۲۰۰۸),Political Violence, Organized Crimes, Terrorism and Youth, IOS Press, P۳; Small Arms Survey (۲۰۰۱) Profiling the problem", Graduate Institute of International Studies in Geneva, Oxford University Press.

گرفته اند ، کنترل کاملی بر تجارت تسلیحاتی این کشور دارند که منبع مهم حیات اقتصادی آن دولت و حمایت از رژیم های وابسته و دنباله رو است.[۱۲۴۱]

اما فقط روسیه و چین در ردیف متهمان گسترش بازار سلاح و مهمات نیستند. همانطوری که گفته شد تولیدکنندگان عمده سلاح، قدرت های بزرگ صنعتی هستند که بسیاری از آنها خود را در فهرست کشورهای حامی و مدافع دموکراسی هم بشمار می آورند. امریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا و برخی دیگر از کشورهای اروپایی بعلاوه دو کشور روسیه و چین عمده ترین تولید کنندگان و عرضه کنندگان سلاح در جهان هستند. خریداران عمده سلاح نیز اغلب حکومت های غیر دموکراتیک در سراسر کره زمین بعلاوه شبکه بین المللی و غیررسمی قاچاق و خرید و فروش سلاح و مهمات هستند ،که علاوه بر دولت ها به باندهای جرایم سازمان یافته و سازمان های تروریستی سلاح و مهمات می رسانند. چین و روسیه به بسیاری از دولت های مستبد و غیر دموکراتیک در جهان از جمله سودان، سوریه، برمه، ایران، کره شمالی و زیمباوه سلاح می فروشند.[۱۲۴۲] ائتلاف ناتو در حملات خود به عراق در زمان صدام حسین و حملات به لیبی در زمامداری معمر قزافی، نه تنها انبارهای تسلیحات روسی، بلکه سلاح هایی را که فرانسه، آلمان، ایتالیا و انگلستان و دیگران به این دو دیکتاتور فروخته بودند را نابود کردند.[۱۲۴۳] فراموش نکنیم، اعضای ناتو همان بزرگترین تولید کنندگان و تامین کنندگان سلاح هستند و ناتو خود بزرگترین خطر و تهدیدی است که محرک جنگ های مستقیم و نیابتی در جهان بوده است. در واقع اعضای ناتو خود سلاح ها را به دولتهای یاغی می فروشند و بعد خودشان در یک جنگ خسارت بار علیه همان دولت ها، انبارهای سلاح های فروخته شده توسط خودشان را نابود می کنند. شاید خیلی خنده دار و مضحک باشد که باور کنیم حاکمان ایران یکی از مهمترین دشمنان سرسخت آمریکا و اسرائیل هستند، وقتی بفهمیم معاون رئیس جمهور جورج اچ دبلیو بوش، همراه با دوست عربستانی خود، شاهزاده بندر و اسرائیلی ها و تعدادی دیگر از دلالان اسلحه ، نقش اصلی را در ایران – کنترا برعهده داشته اند، ماجرای افتضاح و رسوایی که نشان می داد ، در نهایت امریکایی ها به همان ایرانی هایی که آنها را تحریم کرده بودند ، اسلحه می رساندند. اسناد و مکاتبات نشان می دهد، مرکس (Merex – یک شرکت تجاری و تولیدی معروف در حوزه محصولات دفاعی و فروش اسلحه و مهمات) که در قضیه ایران –کنترا نقش داشته ، برخلاف سیاست های ایالات متحده و علیرغم ارتباطش با سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) ، درگیر معاملات تسلیحاتی با چین هم بوده است. مکاتبات دیگر همچنین نشان می دهد که صدام حسین تنها دو سال قبل از رسوایی ایران–کنترا، در میانه جنگ ایران و عراق، مشتری بالقوه مرکس بوده است. ماجرای ایران– کنترا تنها یک نمونه از نقش هماهنگ ، خباثت بار، جنایتکارانه و غیر بشری دولت ها در همدستی با

۱۲۴۱ - Ibid, p ۲۷
۱۲۴۲ - Ibid
۱۲۴۳ - EU Arms Exports to Libya: Who Armed Libya?', dataset spreadsheet downloaded from www.guardian.co.uk.

دلالان اسلحه و تولید کنندگان و تامین کنندگان سلاح و مهمات برای فروش اسلحه به هر دو طرف درگیر در یک جنگ خانمان برانداز بوده اند. دولت های خریدار هم اغلب از نقش و کارکرد مافیای ضد بشری که با فروش سلاح به همه طرف های درگیر جنگ ، تجارت مرگ می کنند، کم اطلاع نیستند. آیا سازمان یافته تر از این هم فساد و جنایتی در جهان وجود دارد؟ بازی کثیفی که دولت ها در آن نقش اصلی را دارند و دلال ها و سوداگران هم اغلب از بدنه خود همان دولت های فاسد سر برمی آورند. پُل هلدن و همکارش بارنابی پیس در گزارش تحقیقی خود که با عنوان " دنیای سایه– نگاهی به درون تجارت جهانی سلاح"، از نقش دلالان اسلحه و دولتهای غربی و منجمله شاهزادگان عربستانی، که چگونه در سراسر جنگ هشت ساله ایران–عراق به تجارت اسلحه و دلالی و فسادهای مرتبط با آن مشغول بودند پرده بر می دارد و می نویسد تنها زمانی که قیمت نفت در سال ۱۹۸۹ کاهش یافت، معامله سلاح تحت تأثیر آن قرار گرفت، و به این معنی بود که ۴۰۰۰۰۰ بشکه نفت در روز برای پرداخت هزینه سلاح و تجهیزات کافی نیست. کاهش قیمت نفت همچنین به بحران بودجه در عربستان سعودی دامن زد و هزینه های هنگفت تسلیحاتی سعودی ها که تمایلی به استقراض قابل ملاحظه از خارج نداشتند ، آنها را در معرض تهدید قرار داد. آنها تصمیم گرفتند برخی از تجهیزات خریداری شده در فاز اول الیمامه را به عراق بفروشند ، اما پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۸ سعودی ها را بدون خریدار گذاشت.[۱۲۴۴]

تجارت اسلحه در بازار سیاه

امروزه خریداران سلاح در بازار سیاه دیگر صرفاً شورشیان و ارتش های چریکی نیستند. بلکه همچنین کشورهای مشتاقی هستند که به دلیل عدم به رسمیت شناخته شدن توسط سازمان ملل و یا به دلیل تحریم های بین المللی از دسترسی به بازار قانونی جنگ افزار و مهمات محروم شده اند. همچنین کشورهایی که رسماً شناسایی شده اند ولی نمی توانند یا نمی خواهند آشکارا خرید کنند، در بازار سیاه به آنها ملحق می شوند. دولت‌های مذکور ممکن است به دلایل لجستیکی برای به دست آوردن جنگ افزارهایی که دیگران نمی‌توانند یا نمی‌خواهند آنها را بفروشند به بازار سیاه و زیرزمینی رجوع کنند. این امر به ویژه در مواردی که شکستن تحریم ضروری باشد، صادق است. شکستن تحریم ها یا دور زدن آن، دقیقاً همان چیزی بود که اسرائیل را در دهه ۱۹۶۰ و آفریقای جنوبی را در دهه ۱۹۷۰ به بازار سیاه اسلحه سوق داد ، و آنها ازآن پس شالوده بازار سیاه مدرن تسلیحات را ایجاد کردند که بعدا توسط ایران و عراق در طول دهه ۱۹۸۰ و در جریان جنگ هشت ساله تکمیل شد.[۱۲۴۵] برهمین اساس نقش نهادهای بین المللی، از طریق اعمال تحریم علیه کشورها و سوق دادن آنها به بازار سیاه را نمی توان از نظر دور داشت. ایران بارها و به صراحت فعالیت پنهانی خود در حوزه فن آوری هسته ای و خرید مواد و تجهیزات مورد نیاز از بازار سیاه

۱۲٤٤ - Holden & Barnaby Pace(۲۰۱۱) ,Ibid, p۲٦

۱۲٤٥ - R.T.Naylor(۲۰۰٤),Wages of Crime, Black Markets, Illegal Finance, and the Underworld Economy, Cornell University Press ,p۹٤

را ناشی از اعمال تحریم های هسته ای عنوان کرده است. تحریم ها فعالیت هسته ای ایران را به مسیر انحرافی بیرون از حوزه نظارت بازرسان آژانس انرژی هسته ای سوق داده است. در پاییز سال۲۰۰۷ آژانس و ایران تلاش کردند اختلافات مربوط به عدم انطباق و پایبندی ایران درگذشته را به سرانجام برسانند و بـه نتیجـه ای در مـورد رفـع مشکل عمده نقض مکرر تعهدات شورای امنیت توسط ایران برسند که باعث تعلیق غنی سازی و سایر فعالیتهای هسته ای این کشور شده بود. تحقیقات آژانس نشان می داد که ایران به صورت تعمدی از مکانیسم های کنترلی صادرات بین المللی فرار کرده تا به مقاصد خود برسد و از حضور خود در سیستم یکپارچه اقتصاد بین المللی نیز برای اهداف دیگر استفاده کرده است. استدلال ایران برای دفاع از خود در این زمینه این بود که تحـریم هـای بین المللی عملاً توانایی این کشور برای مشارکت در فعالیت های تجاری معمول را محدود می کرد. مقامات این کشور اساساً اذعان کردند که به صورت گسترده از تحریم ها فرار کرده اند و حتی اثبات کردند که نه تنها این انحراف از تحریم ها اتفاق افتاده، بلکه ادعا می کردند که تبعیت از این تحریم ها نمی توانسته مفید به فایده باشد. ایران با دنباله روی از روش دور زدن تحریم ها فعالیت خود را ادامه داد و توانست واسطه های جدیدی را برای خرید تجهیزات مورد نیاز خود پیدا کند و به این ترتیب بخش های بزرگتری از اقتصاد ایران به دام فعالیت های غیرشفاف هم در حوزه تجارت فن آوری های هسته ای غیر مجاز بطور قاچاق افتاد و هم در سایر بازارهای سیاه مانند بازار سیاه انرژی . بعلاوه این باعث شد آن بخش ها نیز در معرض تحریم های گسترده تر قرار گیـرد و بـه عبارتی تحریم ها و تلاش بیشتر حکومت ایران برای دور زدن آنها ، اقتصاد ایران را درگرداب فاسد و همکاری با باندهای بین المللی قاچاق و دردسرهای بعدی آن گرفتار کرد.[۱۲۴۶]

به رغم نزدیکی روابط سیاسی و اقتصادی ایران و چین ، تاکید اخیر چین بر ضـرورت همکـاری ایـران بـا آژانـس بین‌المللی انرژی اتمی در بیانیه مشترک صادره با عربستان سعودی نشان داد که حتی چین هم نمی تواند به عنوان یکی از نقاط اتکای دولت ایران در سیاست نگاه به شرق و مقابله با سیاست های غرب ستیزانه این کشور قابل اعتماد باشد. از طرفی چین هـم نشـان داده کـه عنصـر ثبـات را در روابـط بـا شـرکای خـود حیـاتی مـی‌دانـد و ریسـک همکاری‌های اقتصادی با ایران درگیر تحریم را به جان نخواهد خرید.[۱۲۴۷] وضعیت امروز ایران ، برخی کارشناسان و تحلیل گران را به این نتیجه رسانیده است که این کشور در نتیجه ارزیابی های اشتباه از فضای روابط بین الملل ، با رجحان بخشیدن امنیت ملی به جای منافع ملی ، عملا از بازی اقتصاد محور در خلیج فارس با دلالت‌های معنادار در

۱۲۴۶ – ریچارد نفیو، همان، ص ۵۵.

۱۲۴۷ – دنیای اقتصاد، ۱۹ آذرماه ۱۴۰۱ : ایران در کجای بازی چین قرار دارد؟

حوزه‌های سیاسی و امنیتی آن جا خواهد ماند و پکن را به سمت توسعه بیشتر همکاری‌ها با دولت‌های عربی خلیج فارس که نمونه اخیرا آن را در قرارداد ۲۷ ساله گازی میان قطر و چین مشاهده نمودیم ، متمایل‌تر خواهد کرد.[۱۲۴۸] بی شک کنار گذاشته شدن ایران از اقتصاد رسمی در منطقه و محروم شدن از مواهب آن، در نتیجه تحریم ها ، خصوصا محرومیت از منافع تجارت دریایی در خلیج فارس، این کشور را بیش از پیش به کام باندهای قاچاق و فعالیت در اقتصاد پنهان و حضور در بازار سیاه در حوزه انرژی و یا تامین مالی و تجارت غیرقانونی سلاح برای نیروهای نیابتی مورد حمایتش و چالش های بعدی آن سوق خواهد داد. اگر ایران از بازی اقتصادی در منطقه کنار گذاشته شود، این امکان و احتمال وجود دارد که جمهوری اسلامی بازی را برای دیگر بازیگران منطقه ای برهم بزنند که نتیجه آن برای کل منطقه می تواند خسارت بار باشد. این گمانه زنی ها در حالی مطرح می شود که با افزایش امیدها برای ورود خاورمیانه به یک دوره صلح و ثبات ، از یک سو شاهد اقدام دیپلماتیک چین در میانجی گری و آشتی میان ایران و عربستان، و از سوی دیگر شاهد ذوب شدن یخ های روابط میان اعراب و اسراییل بودیم و می رفت تا تلاش ها برای برقراری روابط رسمی میان عربستان سعودی با اسراییل درحال به ثمر رسیدن باشد ، که ناگهان چند روز بعد از هشدار رهبر جمهوری اسلامی به سران کشور عربستان، که : " عادی سازی رابطه با اسراییل شرط بندی روی اسب بازنده هست"[۱۲۴۹] ، عملیات غافلگیرانه هفتم اکتبر توسط گروه حماس ، گروه تحت حمایت دولت ایران ، علیه اسراییل آغاز شد که پیامدهای بعدی آن حملات ، کل معادلات و ارزیابی ها از وضعیت خاورمیانه را برهم زد و بی شک روی اقتصاد کشورهای منطقه نیز تاثیر زیادی خواهد گذاشت. نشریه اکونومیست و برخی تحلیل گران اقتصادی از هم اکنون وارد تحلیل پیامدهای این جنگ روی اقتصاد کشورهای منطقه شده اند.[۱۲۵۰]

در هرحال آنچه باید نتیجه بگیریم این است که محروم کردن یک کشور از روابط سالم تجاری و اقتصادی با سایر کشورها ، از طریق اعمال تحریم می تواند پیامدهای مخاطره آمیز برای صلح و امنیت جهانی داشته باشد. هیچ تضمینی وجود ندارد که ورود یک کشور به بازار سیاه با انگیزه شکستن تحریم ، تنها به دوره کوتاه و چند ساله ی تحریم ها محدود شود. کشورهای تحریم شده از آن پس همواره نگاهی تردیدآمیز به عملکرد نهادهای بین المللی همچون سازمان ملل و نقش و نفوذ قدرتهای رقیب و دشمنان آنها برآن سازمان ها خواهند داشت و همچنین با بی اعتمادی به روابط با کشورهایی که از شرایط دوران تحریم به نفع خود سوء استفاده کرده اند ، نگاه خواهند کرد و چه بسا در سال های بعد حضور خود در بازار سیاه ، رهبری بخشی از بازار سیاه را در حوزه تجارت اسلحه یا بازار

۱۲۴۸ – همان.

۱۲۴۹ – خبرگزاری فارس، ۲۹ مهرماه ۱۴۰۲.

۱۲۵۰ – ر. ک به : دنیای اقتصاد : ۱۶ /آبان ماه/ ۱۴۰۲ : ضربه جنگ به اقتصاد خاورمیانه.

انرژی و غیرو برعهده بگیرند و به تحکیم روابط خود با باندهای تجارت غیرقانونی سلاح و مهمات بپردازند و یا به تربیت، حمایت و پشتیبانی از گروه های شبه نظامی همسو با اهداف خود در جهت ضربه زدن به مناسبات جهانی که به زعم آنان ناعادلانه تلقی می گردد برآیند و بدین ترتیب صلح و امنیت جهانی را به خطر اندازند.[۱۲۵۱] به این ترتیب می توان نتیجه گرفت عملا تحریم ها در تناقض با اهداف اولیه خود بوده و هستند. سازمان های بین المللی با هدف تامین امنیت جهانی ، تحریم هایی علیه برخی دولت ها اعمال می کنند که نتیجه اش کاهش ضریب امنیت جهانی ، گسترش بازار قاچاق اسلحه و و مهمات و رشد گروه های تروریستی و رشد اقتصاد زیر زمینی و دیگر مخاطرات از قبیل رشد افراط گرایی و جنگ و نا امنی است.

موارد گوناگونی از نقض تحریم های بین المللی فروش اسلحه و گزارش فروش و معاملات پنهانی اسلحه و مهمات و دلالی و واسطه گری در این حوزه توسط هالدن و همکارش ارائه شده است. شواهد و گزارش های ارائه شده نشان می دهد ، در موارد گوناگون مقامات سیاسی درون دولت های همان کشورهایی که خود تحریم کننده هستند ، در کار فروش مخفیانه و قاچاق اسلحه و مهمات فعالند.

نمی توان نقش رهبران سیاسی کشورها را در بالا گرفتن نرخ جرایم و جنایات جنگی و گسترش بحران های منطقه ای از نظر دور داشت. نفرت و دشمنی ، بدبینی، آزمندی و توهمات ذهنی و کیش شخصیتی رهبران در اغلب کشورها به بالا گرفتن تخاصم و درگیری های منطقه ای منجر شده و بر روند صلح و امنیت جهانی تاثیرات سوء داشته است. همه این ها انگیزه هایی برای حضور در بازار سیاه است. انگیزه های سیاسی و استراتژیک ، مثلا برای جلوگیری از اطلاع دقیق همسایگان یکی از دلایل حضور در بازار سیاه است. این حداقل یکی از عواملی بود که عراق در زمان صدام حسین را بر آن داشت تا از طریق شبکه ای جهانی از شرکت های اصلی و حساب های بانکی مخفی، فناوری مورد نیاز برای ایجاد مجموعه ای پیچیده از تسلیحات متعارف و غیر متعارف را به دست آورد. بویژه صدام به عنوان یک نمونه از رهبران متوهم کشورهای جهان سومی بعد از به قدرت رسیدن همواره با توهم ایفای نقش رهبری جهان عرب، سعی می کرد، از خود شخصیتی پرنفوذ و اثربخش همچون جمال عبدالناصر رهبرفقید مصر تداعی کند. او همچنین شخصیت خود را در نقش سردار قادسیه در نبرد با ایرانیان و یا در نقش صلاح الدین ایوبی ، فرمانده سپاه مسلمانان در جنگ های صلیبی قرون وسطا، در مقابله با اسراییل برای آزادی بیت المقدس تداعی و بازآفرینی می کرد. او که علاقه وافری به تقویت قوای نظامی و امنیتی تحت امر خود داشت ، از ناحیه ی کردها در شمال و شیعیان در جنوب عراق همواره احساس خطر می کرد و به خاک کشورهای همسایه همچون کویت و ایران چشم داشت و برای ارضای تمایلات خویش هزینه های سنگینی در حوزه نظامی و تسلیحاتی بر ملت عراق تحمیل کرد و در نهایت همه منابع انسانی ، اقتصادی و زیرساختی عراق را در جنگ هایی که به راه انداخت،

۱۲۵۱ - Ibid

مستهلک و نابود کرد و در آخر همان کشورهایی که تکنولوژی و کمک های تسلیحاتی پیشرفته به او کرده بودند، رژیم او را متهم به انباشتن سلاح های کشتار جمعی نمودند و به این بهانه رژیم او را ساقط کردند. اما او در دوران زمامداری اش برای حفظ چنین ماشین جنگی وحشیانه ای، مقادیر عظیمی از ثروت کشورش را صرف واردات تسلیحات از اتحاد جماهیر شوروی سابق در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و بعد از آن از کشورهای اروپای غربی کرد. علیرغم این واقعیت که داده های هزینه های نظامی در عراق همیشه غیر قابل اعتماد بوده است، داده های اندک موجود نشان می دهد که این کشور بیشترین اولویت را به ارتش و عملیات نظامی خود داده است. بالاترین هزینه های نظامی در دهه ۱۹۸۰ رخ داد که طی آن حدود ۱۹۱٫۱ میلیارد دلار هزینه شد که به طور متوسط ۴۶٫۷ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور بود. این مقدار در طول دهه ۱۹۹۰ به ۵۳٫۳ میلیارد دلار کاهش یافت که به ۱۷٫۸ درصد تولید ناخالص داخلی رسید. این ارقام ، هزینه‌های ارتش موسوم به ارتش مردمی (جیش الشعبی) که در اوایل دهه ۱۹۸۰ به حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر رسید، (المرعشی و سلامه ۲۰۰۸) و همچنین نیروهای کمکی کرد که در اواخر دهه ۱۹۸۰به بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر رسید، در نظر نمی گیرند.[۱۲۵۲]

گاهی انگیزه های مالی در کنار سایر انگیزه ها مانند فرار از نظارت های تنبیهی و تحریمی که امکان مصادره محموله ها را به دولت های تحریم کننده و ناظر می دهد، برای حضور در بازار سیاه تسلیحات و مهمات مطرح است. دولت‌هایی مانند ایران، لیبی، عراق یا صربستان هریک سعی کرده اند از طریق ایجاد یک بودجه ی مخفی(صندوق خزانه مخفی) برای تامین هزینه های نظامی- تسلیحاتی خود اقدام کنند که توسط قوانین رازداری بانک داری فراساحلی یا بهشت‌های محافظت شده ، از مسدود شدن دارایی‌های تنبیهی جلوگیری می کند. به هر حال، دلایلی که خریدار را به فعالیت های زیرزمینی می کشاند، هر چه باشد، سلاح هایی که به صورت مخفیانه خریداری می شوند، عموماً برای استفاده مستقیم در آینده نزدیک در نظر گرفته شده اند.[۱۲۵۳] در بازار سیاه تسلیحات، یک طرف مشتریان و خریداران عمده هستند (عمدتا سرکردگان گروه های چریکی ، وابستگان به گروه های شبه نظامی و مقامات و دلالان و بازرگانان برخی کشورهای جهان سومی و کشورهایی در شرق اروپا) و طرف دیگر فروشندگان و عرضه کنندگان (کشورهای سازنده سلاح –امریکا و کشورهای اروپای غربی و روسیه) قرار دارند. از زمان پایان جنگ جهانی دوم تا قبل از دهه ۷۰ م هنوز اروپا با کمک های آمریکا درگیر بازسازی زیرساخت های آسیب دیده از جنگ جهانی دوم بود. در عین حال جنگ سرد به بالا گرفتن یک مسابقه تسلیحاتی میان دو بلوک شرق و غرب تبدیل شده بود. در طول دهه ۱۹۷۰، فشارهای مالی قدرت های بزرگ را وادار کرد که به سمت فروش تجهیزات و سلاح های درجه دوم به متحدان ثروتمندتر در کشورهای در حال توسعه روی بیاورند

۱۲۵۲ - Latif Wahid(۲۰۰۹),Ibid,p۱۰۵
۱۲۵۳ - R.T.Naylor(۲۰۰۴), Ibid.

که پس از آن انگیزه ای برای مقایسه قیمت ها و کیفیت آن داشتند. در این میان، رقبا در قالب سازندگان اروپایی سلاح‌های بزرگ ظهور کردند. این دوران مصادف با رسوایی‌های لاکهید و مشابه آن و ظهور طبقه جدیدی از دلالان- دوره گرد بین‌المللی[۱۲۵۴] بود که به جایگاه کشورهای دارای قدرت خرید نزدیک شده بودند. با این وجود، بازار سیاه به خودی خود هنوز یک نگرانی جزئی به نظر می رسید - تا اینکه یک سلسله تحولات انقلابی در دهه ۱۹۸۰ رخ داد و تقاضا به معنای واقعی کلمه اوج گرفت.جنگ و درگیری‌های عمده ای در آند، دلتای جنوبی، آمریکای مرکزی، آسیای جنوب شرقی، جنوب آفریقا، شاخ آفریقا، شام (سوریه- لبنان- اسراییل- بخش هایی از ترکیه -منطقه لوانت)، خلیج فارس و هلال بحران[۱۲۵۵] (از ترکیه تا پاکستان) در جریان بود. پس از آن در دهه ۱۹۹۰، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ، درون و میان کشورهایی که ثبات خود را تا حد زیادی مدیون سیستم اتحاد و آتش بس جنگ سرد بودند، مجموعه جدیدی از درگیری ها سربرآورد.[۱۲۵۶] اقدامات چریکی به شورش های تمام عیار و به نوبه خود به جنگ های داخلی تبدیل شدند که امکان سرایت به کشورهای همسایه را داشتند ، نتیجه افزایش تقاضا برای سلاح بود. در نتیجه این افزایش تقاضا عملا تمایز میان خریداران دولتی- خصوصی و تمایز بین سلاح‌های سبک و سنگین در بازار سیاه که تا پیش از این معنای تجاری داشت ، از دهه ۱۹۸۰ به بعد عملاً از بین رفت.[۱۲۵۷]

با این توصیف هیچگاه نمی توان گفت بازار سیاه تسلیحات ، تا به امروز به یک بازار آشکار تبدیل شده است. باندهای قاچاق، برای رد کردن و عبور دادن غیر قانونی تجهیزات نظامی و تسلیحات و مهمات ، باید علاوه بر به جان خریدن خطرات مختلف، و تحمل هزینه های مختلف و منجمله پرداخت رشوه های کلان و یا توسل به راه های نفوذ، از ترفندهای مختلفی برای رد گم کردن فعالیت هایشان و مصون نگه داشتن محموله ها تا مقصد بهره ببرند. اعلام محموله سلاح به عنوان قطعات خودرو یک شیوه رایج است. برای مثال، یکی از شرکت‌های زیر مجموعه دیترویت از جاسازی کردن تفنگ بجای شفت‌های متحرک با بیلنگ استفاده می کرد، با این حال، این روش بی‌خطر نیست. در یک مورد دیگر، در طول جنگ ایران و عراق، یکی از مأموران با سابقه گمرک ایالات متحده ، به محموله ای از موتورهای تراکتور مجهز به سوپرشارژر مشکوک شد ، در نتیجه عملیات قاچاق موتورهای تانک به ایران شکست خورد. در موردی دیگر دولت آلمان از ارسال تانک‌های مدل شوروی به اسرائیل در پوشش تجهیزات کشاورزی خبر داد.[۱۲۵۸]

۱۲۵٤ - international wheeler- dealers
۱۲۵٥ - Arc of Crisis
۱۲٥٦ - R.T.Naylor(۲۰۰٤), Ibid ,p۹٥-۹٦
۱۲٥۷ - R.T.Naylor(۲۰۰٤), Ibid ,p۹٦
۱۲٥۸ - Ibid.

یکی از نام‌گذاری‌های مؤثر دیگر برای اختفای محموله های بزرگ قاچاق سلاح ، استفاده از عنوان " تجهیزات حفاری نفت" بوده است که تحت آن همه چیز از پرتابگر موشک گرفته تا بشکه‌های توپخانه حمل می‌شود. همچنانکه برای محموله های ایران - کنترا از آنها استفاده می شد. مواد شیمیایی کشاورزی نیز پوششی عالی هستند. حتی می‌توان برخی از آن‌ها را برای ساختن مواد منفجره و گازهای سمی مجدداً استفاده کرد.[۱۲۵۹]

رسوایی ایران - کنترا[۱۲۶۰] یکی از مواردی است که نقش و ماهیت دوگانه ایالات متحده به عنوان یک قدرت بزرگ را در مناسبات جهانی به خوبی برملا می کند. ایالات متحده از یک سوی در شورای امنیت سازمان ملل رای به تحریم تسلیحاتی یک کشور می دهد و از سوی دیگر از طرق غیرقانونی و با نقض مقررات و شکستن تحریم ها و دور زدن آنها و با ورود به بازار سیاه ، سلاح و مهمات خود را به کشور تحریم شده ارسال می کند.

در نوامبر ۱۹۸۶ "هفته نامه لبنانی الشریعه "مقاله ای منتشر کرد که محتوای آن افشای یک خبر بود : " مقامات عالی رتبه در دولت رونالد ریگان، رئیس جمهور ایالات متحده، به ایران تحت تحریم ، سلاح فروخته بود و سود حاصل از آن را به نیروهای ضد انقلابی که با دولت نیکاراگوئه می جنگیدند هدایت نموده بود. طی بیست و چهار ساعت بعد ، اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس ایران، در یک سخنرانی عمومی در تهران، اصل این گزارش را تایید کرد. او رئیس هیئت مخفی را رابرت مک فارلین، مشاور سابق امنیت ملی رئیس جمهور رونالد ریگان معرفی کرد و جزئیات عجیبی از پاسپورت های جعلی ایرلندی و هدایای تپانچه، کیک و کتاب مقدس ارائه داد.[۱۲۶۱] هر دو این حقایق نشان دهنده این بود که دولت ایالات متحده قوانین داخلی خودش و قوانین بین المللی را نقض نموده است. آنچه در پی این رسوایی رخ داد ، تقریباً به ریاست جمهوری ریگان پایان داد و اعتبار سیاست خارجی ایالات متحده را به خطر انداخت. ظاهرا یک ریشه افشای این ماجرا هم به طرح شکایتی که نیکاراگوئه علیه ایالات متحده در آوریل ۱۹۸۴ در دیوان عدالت بین الملل ارائه کرد، برمی گردد.[۱۲۶۲]

مالکوم بیرن، معاون آرشیو امنیت ملی آمریکا ، اخیرا در کتابی در باره این رسوایی ، نشان می دهد که همه اعضای ارشد حکومت رونالد ریگان —از جمله رئیس جمهور- اطلاع داشتند که با فروش سلاح به کشوری که از نظر آمریکا در صدر فهرست دولت های حامی تروریست است، در حال زیر پا گذاشتن قانون کشور خودشان هستند.[۱۲۶۳] ادعای تماس با ایران مشکل بزرگی را برای دولت آمریکا ایجاد کرد. پرزیدنت ریگان از زمان تسخیر

۱۲۵۹ - R.T.Naylor(۲۰۰٤), Ibid ,p۹٦

۱۲٦۰ - Iran-Contra Scandal

۱۲٦۱ - Malcolm Byrne(۲۰۱٤),Iran-Contra : Reagan's scandal and the unchecked abuse of presidential power , University Press of Kansas, p۲۵

۱۲٦۲ - Andrea Onate-Madrazo(۲۰۲۲), The World Court and the Iran-Contra Scandal: Nicaragua, the International Court of Justice, Public Opinion, and the Origins of Iran-Contra, Histories ۲: ۵۰٤–۵۱۵.

۱۲٦۳ -https://www.al-monitor.com/fa/contents/articles/originals/۲۰۱٤/۰۸/iran-contra-arms-deal-lebanon-hostages-us-official-ignorance.html#ixzz۷vbg۰e۳bn. ; The Iran-Contra Affair [Washington, D.C., ۱۹۸۷]

سفارت آمریکا و گروگان گیری اعضای آن سفارتخانه در ایران، و بعدا هم گروگان گیری تعدادی از نیروهای آمریکایی در لبنان توسط گروه های مورد حمایت ایران، مرتباً تروریست های بین المللی را محکوم می کرد و متعهد شده بود که ایالات متحده هرگز با آنها مذاکره نخواهد کرد و در ژانویه ۱۹۸۴، واشنگتن رسما ایران را به عنوان کشور حامی تروریسم معرفی کرده بود.[۱۲۶۴]

اما همین دولت در یک بازی کثیف وارد معامله با دولت ایران شد. تحت یک توافق مشترک میان سازمان سیا و ارتش ایالات متحده ، با اسم رمز "میوه زرد"، برای تامین مالی جدایی طلبان نیکاراگوئه (موسوم به کنترا) در اوایل دهه ۱۹۸۰، ارتش فاکتورهای اسلحه‌هایی را که ظاهرا به گواتمالا و هندوراس و به ایران فروخته می‌شد، افزایش می داد و پول را به حساب‌های خارج از کشور برای یک نیروی چریکی نوپا که تازه ایجاد شده بود(کنتراها)، هدایت می کرد. نیروهای مسلح کشورهای آمریکای مرکزی از پرداخت هزینه های اضافی خوشحال بودند. به هر حال، این صورتحساب از مالیات دهندگان آمریکایی تحت عنوان کمک های نظامی خارجی دریافت شد. هرگونه شک و تردید اخلاقی باقیمانده نیز با اجازه دادن به ارتش محلی برای برداشتن بخشی از سلاح‌ها و با بازگرداندن مقداری از پول اضافی به حساب‌های بازنشستگی فرماندهان برطرف میشد. به عبارت دیگر از صورتحساب متورم در یک معامله بازار سیاه برای تامین مالی یک گروه شبه نظامی که علیه دولت دیگر در حال جنگ بود، استفاده می شد.[۱۲۶۵]

در ۱۳ نوامبر ۱۹۸۶ ، ریگان در یک سخنرانی تلویزیونی سراسری اعتراف کرد :" مقدار کمی سلاح دفاعی و قطعات یدکی"به جمهوری اسلامی ارائه کرده است، با این حال، او این محموله‌ها را به عنوان "باج" رد کرد و تأکید کرد: "دولت ما سیاست محکمی برای تسلیم نشدن در برابر خواسته‌های تروریست‌ها دارد. ... ما – تکرار می کنم – نه اسلحه و نه هیچ چیز دیگری را با گروگان‌ها معامله نکردیم، و نه خواهیم کرد."[۱۲۶۶]

به هر حال سوی دیگر هر معامله پنهانی، رد و بدل کردن پول و ارزش معامله یا انجام سایر تعهدات مرتبط است. در بازار سیاه تسلیحات هم یک طرف خریداران و طرف دیگر فروشندگان هستند، تلاش های غیر قانونی فروشنده معطوف به رد گم کردن نحوه انتقال تجهیزات و تسلیحات به مقصد مشتری است و نلاش های غیرقانونی خریدار برای رد گم کردن، نحوه انتقال ارزش معامله یا انتقال پول است. غالبا در این چنین مواردی هم هیچیک از طرفین اعتمادی به طرف مقابل ندارد ، چون هر دو می دانند معامله ای غیرقانونی را رقم می زنند که اگر هریک از طرفین کلاه سرش رفت ، در هیچ کجا نمی توانند بر سرآن دعوایی را مطرح کنند. در جریان رسوایی ایران-کنترا به نظر می رسید یک طرف معامله به خاطر عدم اعتماد بین اسرائیل و ایران نگران است (اسرائیل اصرار بر پرداخت

۱۲٦٤- Malcolm Byrne(۲۰۱٤),Ibid,p ۲٦
۱۲٦٥ - R.T.Naylor(۲۰۰٤), Ibid ,p۱۱۱
۱۲٦٦- Malcolm Byrne(۲۰۱٤),Ibid

پیشاپیش داشت و فرصت برای ایران ، در آتش دلالان تیزبینی که اصرار بر تراکنش C.O.D داشتند ، می سوخت)[۱۲۶۷]، بانک اعتبار و تجارت بین المللی - شعبه موناکو بن بست را شکست. از عدنان خاشقجی، دلال عربستانی تسلیحات ، چک‌های صادر شده به تاریخ گذشته را که توسط یک مامور ایرانی به او واگذار شده بود، پذیرفت و بلافاصله حساب خاشقجی اعتبار داده شد. این به نوبه خود به او اجازه داد تا بهای سلاح های فروخته شده را به اسرائیل بپردازد.[۱۲۶۸] در ماجرای ایران کنترا، البته از یک دلال ایران بنام منوچهر قربانی فر هم نام برده شده که از نظر سازمان سیا یک تأمین کننده ی زنجیره ای بود. او فکر فروش سلاح های آمریکایی و قطعات یدکی از طریق اسرائیل به ایران را ارائه داد، چرا که ظاهرا و طبق ادعای مطرح شده ، اسرائیل در آن زمان ایران را تهدید کمتری نسبت به عراق تحت حاکمیت صدام حسین می دانست. رهبران اسرائیل ، از جمله نخست وزیر وقت شیمون پرز، مشتاقانه از این معامله فروش حمایت کردند و «امیرمنیر» از مقامات اسرائیلی گروه عالی رتبه ی آمریکایی را در سفر به تهران در ماه مه ۱۹۸۶ (اردیبهشت ۱۳۶۵) همراهی کرد.[۱۲۶۹]

تجربه ایران -کنترا و بسیاری شواهد دیگر نشان می دهند که تجارت در بازار سیاه ، خصوصا بازار اسلحه ، به رغم سودهای هنگفت ، مخاطرات ، نامنی ها، بی اعتمادی ها و رسوایی های تا سطح مقامات سیاسی کشورها را به دنبال دارد، که گاه آنها را تا سرحد یک قمار سیاسی بزرگ ، پر ریسک و خطر می رساند. بسته به اینکه طرف های معامله ، دولت ها هستند یا گروه های سازمان یافته کوچکی که تابعیت خاصی نسبت به هیچ دولتی ندارند ، پیامدها متفاوت خواهد بود. در بالاترین سطح، بی اعتمادی می تواند به رسوایی های بزرگ و زلزله های سیاسی در تراز به خطر افتادن امنیت ملی و یا تعمیق شکاف میان دولت ها و روابط آتی آنها بیانجامد ، همانند رسوایی ایران –کنترا که پیرامون آن کتابهای زیادی نگاشته شده است. اما در سطوح پایین تر هم ، بی اعتمادی ها می تواند مرگبار و خطرناک باشد. زیرا بطور معمول ، پای دلالانی در چنین معاملات پنهانی باز می شود، که بالقوه مجرم و جنایتکارند. در یک مورد گفته شده که یک ایرانی مقیم لندن، به دولت ایران هشت هزار موشک انداز تاو (TOW-(لوله پرتاب، ردیابی نوری)) پیشنهاد داده بود. موشک‌های ضدتانک هدایت شونده سیمی که ظاهراً در کشتی ای در آنسوی کانال مانش منتظر هستند. سه افسر ایرانی که برای بازرسی "سلاح‌ها" تحت پوشش (سی و چهار کانتینر ضایعات آهن) فرستاده شده بودند، ربوده شدند و تحت فشار تهدید شدند که دستور دهند، پیام‌هایی مبنی بر مجوز

۱۲۶۷ -از میان دلایل ایجاد این عدم اعتماد دو طرفه می توان به این مورد اشاره کرد که : اساساً سلاح هایی که از سوی اسرائیل به ایران داده شد مدل های پیشرفته ایی که ایرانیان سفارش داده بودند، نبود و نیز درخلال معامله ، ایرانی ها بطور مرتب اضافه مبلغ های در خواستی را پرداخت کردند که سود آن به جیب قربانی فر ، خاشوقجی و در نهایت شبه نظامیان ضد کمونیست نیکاراگوئه رسید که معروف به کنتراها بودند.

۱۲۶۸ - R.T.Naylor(۲۰۰٤), Ibid ,p۱۱٦

۱۲۶۹ - https://www.al-monitor.com/fa/contents/articles/originals/۲۰۱٤/۰۸/iran-contra-arms-deal-lebanon-hostages-us-official-ignorance.html#ixzz۷vbg۰e۳bn

پرداخت به شعبه لندن بانک ملی ایران ارسال کنند. وقتی آنها نپذیرفتند، معمار این طرح امضای آنها را جعل کرد. وقتی رئیس بانک شعبه لندن هم مخالفت کرد ، او را نیز ربودند. افسران بعدا از دست ربایندگان فرار کردند و اسکاتلند یارد، بانکدار را قبل از اینکه پول جابجا شود، از دست ربایندگان آزاد کرد.[۱۲۷۰]

تروریسم و تامین مالی تروریسم :

اگرچه امروزه تروریسم را در زمره جرایم خطرناک سازمان یافته تلقی می کنند، اما متاسفانه هم از حیث تعریف و هم به جهت تعیین ماهیت از موضوعات چالش برانگیز است. " تروریسم" به عنوان یک جرم و جنایت جدی بیش از هر جای دیگر در جهان غرب بر ضرورت مقابله با آن تاکید و برای آن تدابیر اندیشیده شده است، اما خود این مفهوم در سطح جهانی آنقدر بحث برانگیز است که حتی در فهرست جرایم جدی که دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) صلاحیت رسیدگی به آن را دارد، قرار ندارد. علت این است که این جرم بیشتر دارای یک بار سیاسی است و ماهیت آن دارای ابعاد سیاسی است و در زمره جرایم سیاسی می تواند دسته بندی شود و چه بسا نوعی خشونت سیاسی هم می تواند تلقی گردد. حتی گاهی گفته می‌شود یک تروریست یک انسان مبارز در راه عقیده و یا مبارز در راه آزادی است.[۱۲۷۱] کسی را که یک کشور ممکن است، تروریست بداند، کشور دیگری ممکن است، یک مبارز راه آزادی یا یک مجاهد در راه خدا تلقی نماید. از این رو تشخیص و تمیز میان گروه های تروریستی با گروه های فعال در نهضت های آزادیبخش، یک چالش سیاسی در گفتمان های جاری شده است.

بطور متداول"تروریسم" را یک عنوان برای تلاشی نامشروع از سوی گروه‌های مخفی و گروه های مخالف یک نظام سیاسی و یا گروه های سیاسی، عقیدتی، ملی و یا فراملی برای خرابکاری در سیستم‌های حاکمیت موجود وآسیب رساندن به غیرنظامیان واقدامات خرابکارانه در تاسیسات عمومی تعریف می کنند. همچنین تروریسم استفاده از خشونت از پیش برنامه ریزی شده یا تهدید به استفاده از خشونت توسط افراد یا گروه های سازمان یافته برای دستیابی به یک هدف سیاسی یا مذهبی و اعتقادی از طریق ارعاب مخاطبان زیادی فراتر از قربانیان فوری تعریف شده است. تعریف مدرن از تروریسم دو جزء اساسی را مشخص می کند: اول : وجود یا تهدید به خشونت و دوم : انگیزه سیاسی/ اجتماعی.

بدون اعمال خشونت یا تهدید به اعمال خشونت تروریست ها نمی توانند تصمیم گیرنده سیاسی را برای پاسخگویی به خواسته های خودشان وادار به واکنش نمایند. در غیاب انگیزه سیاسی یا اجتماعی یا اعتقادی و مذهبی یک عمل خشونت‌آمیز تنها یک جنایت است نه یک عمل تروریستی. بنابراین هر نوع جنایتی که این دو عنصر انگیزه را نداشته باشد ، اقدام تروریستی محسوب نمی شود. تروریست ها مخاطبان خود را فراتر از قربانی فوری خود

۱۲۷۰ - R.T.Naylor(۲۰۰۴), Ibid ,p۱۱۸
۱۲۷۱ - Market criminology ,p۶۵

قرار می دهند و اعمال خود را تصادفی نشان می دهند، به طوری که همه احساس اضطراب می کنند. اما برخلاف تیراندازی در خیابان های شهر توسط یک مجرم خطرناک ، اقدامات تروریستی تصادفی نیستند، بلکه حملاتی هستند که به خوبی برنامه ریزی شده اند و اهداف و قربانیان حساب شده انتخاب می شوند و طرح ترور اغلب با سازماندهی قبلی صورت می گیرد و بنحوی اجرا می شوند که در آن تروریست ها خطرات و هزینه های مرتبط با آن و همچنین منافع احتمالی را به حساب می آورند.[۱۲۷۲]

علاوه بر این، کلمه "ترور" به طور متعارف به عنوان یک مشخصه برای توصیف رژیم های بسیار خشن هم بکار می رود، که به منظور حذف فیزیکی و هدفمند مخالفان سیاسی حکومتی خود، دست به استخدام افراد مزدور و یا ایجاد باندهای تروریستی و یا حمایت از سازمان های تروریستی می زنند. مانند ترورهای دولتی اتحاد جماهیر شوروی در دوران استالین، رایش سوم هیتلر، رژیم خمرهای سرخ در کامبوج، اوگاندا در زمامداری ایدی امین، و انقلاب فرهنگی در چین وحکومت مائو . نوع متمایز و جدیدتری از تروریست با ظهورگروه های بنیادگرای اسلامی که در جهت حذف فیزیکی و هدفمند رهبران سیاسی غیر همسو و یا مخالفان عقیدتی خود و یا ضربه به اعتبار نظام های سیاسی حاکم اقدام می کنند، مانندگروه های تکفیری که حملات تروریستی یازده سپتامبر را طرح ریزی و اجرا نمودند ، بازتعریف و شناسایی شده اند.[۱۲۷۳] فعالیت های تروریستی توسط افراط گرایان مذهبی پیش تر هم سابقه داشته است، مانند برنامه های تروری که فداییان اسلام در ایران انجام داده اند و یا ترورهایی که شاخه نظامی اخوان المسلمین انجام داده اند و اشخاصی را بطور هدفمند و برنامه ریزی شده ترور می کردند، مانند ترور حسنی مبارک رییس جمهور فقید مصر.

تعریف ترور همچنین می تواند به اقدامات سازمان های اطلاعاتی و امنیتی کشورهایی اطلاق شود که از طریق استخدام مزدوران و انجام عملیات خشونت بار تروریستی نسبت به حذف فیزیکی افراد منتقد، مخالف و اپوزیسیون دولت حاکم اقدام می کنند. در این تعریف جدید بوروکراسی ترور، توصیفی از کارکرد آژانس های اطلاعاتی کشورهایی مانند پاکستان، اسراییل (موساد) و آژانس های نظامی – امنیتی قدرتمند در ایران ، مصر، سوریه و عربستان سعودی تا عملیات جهانی CIA در آمریکا و MI۶ در انگلیس و برخی کشورهای دیگر است.[۱۲۷۴]

با همان تعریف مرسوم ، ارتکاب جرایم هدفمند و جنایات جنگی از طریق اقدامات تروریستی آسان تر از حملات علیه اهداف سرسخت یا رهبران محافظت شده است، و از آنجایی که بعید است که این اقدامات در کشور علیه خودی ها ، حمایت سیاسی به دست آورند، احتمال بیشتری وجود دارد که علیه خارجی ها درون مرزهای کشور و یا در خارج از مرزهای کشور حامی انجام شوند . ظاهرا بیش تر اقدامات تروریستی علیه دموکراسی ها، و اندکی بر

۱۲۷۲ -The Political Economy of Terrorism. p۴۳
۱۲۷۳ - Martin A. Miller (۲۰۱۳) ,The Foundations of Modern Terrorism, p۲
۱۲۷۴ - Martin A. Miller (۲۰۱۳),Ibid, p۲۴۴

علیه دولت های توتالیتر و اقتدارگرای ناکارآمد یا دیکتاتوری ها، هدایت شده است. اگر چه سازمان ترور در مقیاس گروه دسته بندی می شود، اما اقدامات تروریستی زیادی تحت حمایت یک دولت انجام می شود و در مواردی دولت ها خود عامل ترور هستند که بدین مناسبت ، آنها را دولت های تروریست و اقداماتشان، تروریسم دولتی نامگذاری می شود. امروزه بیشتر اقدامات تروریستی اصطلاحا نیابتی و با نیروهای مزدور انجام می شوند بطوری که تروریسم به شیوه ای از جنگ ارزان قیمت تبدیل شده است.[۱۲۷۵]

اگرچه گروه های تروریستی و اقدامات تروریستی تقریبا بسته به شرایط زمانی- مکانی در سراسر جهان گستردگی دارند، اما سوابق تاریخی اخیر(از جنگ سرد به این سوی) نشان می دهد که تروریست ها اغلب توسط دولت های روسیه، کوبا، لیبی و الجزایر و ایران حمایت شده و یا می شوند (به Sederberg، ۱۹۸۹ مراجعه کنید). به این فهرست می بایست اسراییل، سوریه، لبنان ، عراق و عربستان را هم افزود. از نگاهی دیگر تروریسم غالباً اقدام انقلابیون و گروه های مبارز مستأصل است،کسانی که فاقد ابزارهایی موثر تر برای ابراز نارضایتی های خود از طریق شیوه های مسالمت آمیزتر و روش های غیرخشونت بارهستند. در زمان تسلط بریتانیا بر فلسطین، مناخیم بگین رهبر گروهی از تروریست ها به نام ایرگون بود که هتل کینگ دیوید در اورشلیم را منفجر کردند و قربانیان بی گناهی را کشتند. بعداً، بگین به عنوان رئیس‌جمهور ملت جدید اسرائیل، با یاسر عرفات، رهبر جنبش آزادی بخش فلسطین، برای مذاکرات صلح درکمپ دیوید پشت یک میز نشست.[۱۲۷۶] در پاره ای مواردی طرح های تروریستی اهداف چندگانه ،هوشمندانه یا زیرکانه ای را در بر می گیرد . اخیرا روایات و شاهدان و مستنداتی ارائه شده که حکایت از این دارد که در اقدام جنایت بار و تروریستی به آتش کشیدن سینما رکس آبادان در سال ۵۷ ، انقلابیون خشمگین با برنامه ریزی این طرح را اجرا نمودند تا بعدا انگشت اتهام را متوجه نیروهای امنیتی رژیم شاه نمایند و اتفاقا در اجرای این ترفند موفق بودند ، چون در آن فضای تنفر از رژیم شاه در ایران ، بسیاری از مردم باور کردند که عوامل رژیم شاه سینما را به آتش کشیده اند. در جریان انقلاب اسلامی، سینماها به عنوان یکی از مراکز اشاعه ی فساد و فحشا از سوی انقلابیون مذهبی تلقی می شدند و در سراسر کشور سینماهای زیادی به آتش کشیده شدند. در هرحال روایت غالب همان است که مردم چهار دهه باور داشتند که ساواک به فرمان شاه این اقدام جنایت کارانه را انجام داده است.

واقعیت این است که تلاش های صورت گرفته برای تمایز و مرزبندی میان خشونت سیاسی با سایر جرایم خشونت بار مانند طرح های تروریستی به جایی نرسیده است. این دو در بسیاری موارد به هم نزدیک هستند. رقبای سیاسی دو جریان سیاسی مخالف گاهی عناصر و اعضای موثر در گروه رقیب را با حذف فیزیکی سر به نیست می کنند. در این

۱۲۷۵ - Frank Hagan,Ibid,p۷۳۹

۱۲۷۶ - Frank Hagan,Ibid,p۷۴۰

موارد چگونه ی توان خشونت اعمال شده از سوی یک گروه را مشروع خواند؟ بنابراین خشونت سیاسی حتی اگر خشونت قانونی و مشروع هم تصور شود، باز نوعی جرم است و با جرایم خشونت بار دیگر تفاوتی ندارد. هر رژیم سیاسی خواه دموکراتیک یا غیردموکراتیک ، تمایل دارد حداقل برخی از مخالفان سیاسی خود را با برچسب هایی مانند تروریست ، اغتشاشگر، شورشی، فتنه گر و امثال آن از صحنه حذف کند و اقداماتش را مجرمانه ارزیابی کند ، به این دلیل که قدرت سیاسی حاکم را به رسمیت نشناخته و یا علیه برنامه ها، اقدامات و تصمیمات آن به مخالفت پرداخته است و به دنبال آن به خود اجازه داده تا علیه آنها خشونت، جنایت و به اصطلاح مجازات اعمال کند. به این ترتیب حتی خود دولت ها هم میان مخالفت سیاسی با خشونت جنایی تمایزی قایل نیستند و مخالفان سیاسی خود را هم ردیف با سایر مجرمان جنایی و جنایتکاران قرار می دهد. بطور مثال بشار اسد ، رئیس جمهور سوریه، از ابتدای قیام سوریه، تلاش کرده است تا مخالفان خود را به عنوان " تروریست" معرفی کند تا آنها را از بین ببرد.[۱۲۷۷] تنها در برخی موارد و به ندرت دولت هایی یافت می شوند که مخالفان سیاسی خود را مادام که مبادرت به انجام رفتارهای خشونت آمیز (مانند به آتش کشیدن و تخریب و ترور و خرابکاری و سایر اقدامات جنایی) نکرده اند، ابراز وجودشان را تحمل می کنند. اما برخی دولت ها تعمدا مخالفان سیاسی خود را به انجام اقدامات خشونت بار تحریک می کنند و یا اعتراضات آرام مخالفان را به خشونت می کشانند.[۱۲۷۸]

بیوگرافی سیاسی نلسون ماندلا بهترین تجسم این مشاهده است. او قبل از آزادی از زندان در آفریقای جنوبی، رسما توسط رژیم آپارتاید و دولت ایالات متحده به عنوان یکی از خطرناک ترین تروریست های جهان معرفی شد. ملیت آفریقایی او و تشکل سیاسی که او درآن فعال بود، کنگره ملی افریقا (ANC)[۱۲۷۹]. بدون تردید جنبش آزادیبخش پیشرو در مبارزه با آپارتایدآفریقای جنوبی نیز توسط خیلی از کشورها به عنوان یک سازمان تروریستی توصیف و با آن رفتار می شد. اما کشورهای غربی ، پس از انجام معامله با آپارتاید دولتی آفریقای جنوبی و احتمالاً برای جلوگیری از تهدید منافع سرمایه داری هنگام انتخاب شدن به قدرت، ماندلا را از زندان آزاد کردند. چهره عمومی او در غرب بازسازی شد، و از یک تروریست خطرناک به یک سمبل نمادین که برای صلح تلاش می کند، تبدیل شد و رسول بزرگ مدارا لقب گرفت. او توسط همان وسترن و توسط همان رسانه هایی تجلیل شد که پیش تر او را شیطانی معرفی کرده بودند. به او جایزه صلح نوبل اعطا کردند و از او در مجالس ایالتی و پارلمان های غربی، از جمله کنگره ایالات متحده تقدیر شد. نلسون ماندلا تا زمان مرگش در دسامبر ۲۰۱۳ به یک نماد بین المللی صلح و مدارا که در سراسر جهان مورد تجلیل و احترام قرار می گرفت تبدیل شده بود. تشییع جنازه او در آفریقای جنوبی یک تجمع سیاسی از رهبران جهان بود. با این حال، باید توجه داشت که بازسازی غربی شخصیت ماندلا از یک

۱۲۷۷ - dirasat,p۳۵

۱۲۷۸ - Paul Gomberg, Political Violence and Democracy, Springer 2015.

۱۲۷۹ -African National Congress

تروریست خطرناک به یک دولتمرد جهانی طالب صلح ، تنها توسط یک چیز ممکن شد : امتیاز او، به خاطر ساختن یک جامعه چند نژادی جدید، نه برای تهدید منافع غارتگرانه سرمایه داری که مردمش را به خاطر آن منافع نابود کرده است. دهه هاست که یک رویداد مشابه در فلسطین وجود دارد، جایی که برای ملاحظات سیاسی یک دولت قانونی آن سرزمین و منتخب مردم آن، توسط برخی از کشورهای غربی تروریست معرفی شده است.[۱۲۸۰]

این رویدادها در حوزه جرم و جرم شناسی ؛ مهر تأییدی است برآنچه برخی جرم شناسان برآن تاکید داشتند : اینکه جرم یک ساختار قانونی است و جرم شناسی به عنوان یک رشته برای خدمت به منافع صاحبان زر و زور و تزویر است که در جهت تامین منافع صاحبان قدرت و ثروت و سرمایه و حمایت از دولت های سرکوبگر تنظیم شده است. به تعبیر (ایفونی ایزونی ، ۲۰۱۸) جرم‌شناسی به‌طور ارگانیک فاقد حس عدالت است. در حالی که بسیاری از محققان به این ترتیب خواستار انحلال این رشته شده اند (هیلیارد و تومز، ۲۰۰۴؛ کوهن، ۱۹۸۸)، اما دیگران از آن برای بازسنجی چارچوب معرفت‌شناختی و برای خدمت به عدالت حمایت کرده اند.(فردریش، آگوزینو، کوونی).[۱۲۸۱]

برخی تحلیل گران جرایم تروریستی، میان تروریست هایی که پول می گیرند و ماموریت کشتن دیگران را انجام می دهند با تروریست های انتحاری تمایز قایل می شوند. بمب گذاری انتحاری به عنوان یک تاکتیک خشونت آمیز دارای تعدادی ویژگی است،که برخی از آنها منحصر به فرد هستند. یک ویژگی منحصر به فرد موجود در آنها، برچسب "انتحاری بودن" است. از منظر عملکردی، تروریست ها یا شورشیانی که این عمل را به طور هدفمند انجام می دهند ، قصد دارند جان خود را به عنوان بخشی از حمله قربانی کنند. این با حملاتی که صرفا به قصد " بمب گذاری با هدف کشتن دیگران " انجام می شود، متفاوت است. کشتن دیگران از طریق بمب گذاری، اقدامی جنایت بار است که قربانیانی دارد. اما "بمب‌گذاری انتحاری" عمق اعتقاد و حتی شرافت دلیل را هم نشان می‌دهد و اینکه بالاخره فرد از خود این پرسش را می کند که چه انگیزه ها و دلایل ارزشمندی می تواند وجود داشته باشد که در راه تحقق آن باید جان خود را بدهم و جان دیگران را بگیرم ؟ به نظر می رسد این نوع بمب گذاری بیشتر مرتبط با نوع خاصی از تروریسم است که باری از مفاهیم اعتقادی و ذهنی را هم در بر دارد. اصطلاح "بمب گذاری انتحاری" یک ویژگی کلیدی را ارائه می دهد که "بمب گذاری دیگر کشی" آن ویژگی را ندارد : مرتکب این اقدام خود در عملیات می میرد و این کار را انجام می دهد تا شانس موفقیت و تأثیر روانی کارش را افزایش دهد. این نوع بمب گذاری در جهادگران مسلمان بیشتر دیده می شود.[۱۲۸۲] البته این تمایز صرفا برای بازشناسی انواع

۱۲۸۰ - Market Criminology ,p۶۵

۱۲۸۱ - نگاه کنید به Agozino؛ Friedrichs and Friedrichs

۱۲۸۲ -James J. F. Forest(۲۰۰۷), ibid,p۱۳۶

روش های ترور است و هیچ ارزش و اعتباری برای بمب گذاران انتحاری نسبت به سایر بمب گذارها قایل نیست، خصوصا که می دانیم ، هر بمب گذار انتحاری لزوما برای باور ها و اعتقاداتش، اقدام به انتحار نمی کند، بلکه در موارد گوناگون رهبران گروه های تروریستی، از نوجوانان و جوانان با شستشوی مغزی و یا افراد مستاصل و بسیار فقیر با وعده تامین معاش خانواده و بازماندگانشان، در چنین مواردی بهره کشی می کنند.

به منظور حمل وزن بیشتر مواد منفجره در خشکی، در برخی موارد تا چند هزار پوند مواد منفجره، گروه های تروریستی و شورشی از وسایل حمل و نقل مختلفی از جمله دوچرخه و موتورسیکلت (جهاد اسلامی فلسطین یا PIJ و LTTE)، واگن (حماس)، اتومبیل (جهاد اسلامی مصر)، وانت (جامعه اسلامیه) و کامیون ها (القاعده، حزب‌الله و...) استفاده کرده اند. برخی از این گروه‌های تروریستی و شورشی از مواد ثانویه مانند مخازن استیلن، میخ‌ها و بلبرینگ‌ها برای افزایش اثرات انفجار و افزایش ترکش های انفجاری بمب و افزایش قدرت و اثر کشندگی آن ها استفاده کرده‌اند.[۱۲۸۳]

تروریسم دولتی

اگر چه پیشینه تاریخی تروریسم به جنگ های صلیبی می رسد[۱۲۸۴] برخی پژوهشگران نشانه هایی از آن را در عصر استعمارگری اروپاییان برمی شمرند، و برخی دیگر معتقدند موضوع تروریسم عمدتا پدیده ای جدید است که بطور بی رویه ای در دوران اخیر با تولید و گسترش سلاح و جنگ افزارهای موثرتر و رسانه های جمعی مدرن مانند تلوزیون های ماهواره ای و اینترنت گسترش یافته است. (راچ بلیکلی، ۲۰۰۹) معتقد است که اهداف قدرت‌های اروپایی در دوران استعمار و نحوی استفاده آنان از زور و اجبار، مصداق تروریسم دولتی، برای دستیابی به اهدافشان بوده است و با آنکه معترف است که فهرست کاملی را ارائه نمی دهد، ولی نشانه هایی از استفاده گسترده از ترور را در شیوه رفتار قدرت های استعماری برمی شمرد و تاکید می کند که این شیوه‌های استعمارگری در جنگ آمریکا علیه فیلیپین در اوایل دهه ۱۹۰۰ تکرار شد.[۱۲۸۵]

(لاکوور ، ۱۹۷۷)، ویژگی های زیر را برای شناسایی تروریسم به طور مرسوم برمی شمرد[۱۲۸۶] :

۱. تروریسم موضوعی جدید و بی سابقه است.

۱۲۸۳ - Ibid

۱۲۸۴ - پیشینه تروریسم را به جنگ های صلیبی نسبت می دهد اما موضوع تروریسم نباید به رویارویی تاریخی اسلام و مسیحیت منحصر شود. زیرا تروریسم منحصر به دین اسلام و ملت عرب نیست. از نظر برخی پژوهش گران مانند فرانگ هاگان(۲۰۰۹)، گروه ۱۹ مارس کلمبیایی ، خمرهای سرخ، جدایی طلبان باسک ، بخشی از ارتش سرخ ژاپن، جدایی طلبان ایرلندی ، افراط گرایان تامیل، جدایی طلبان سیک هم در فهرست گروه های تروریستی قرار دارند.

۱۲۸۵ - Ruth Blakeley, Ibid ,p۸۹

۱۲۸۶ - Laqueur (۱۹۷۷),p۲۲۲ ; Frank Hagan,Ibid.

۲. از آنجا که تروریست یک فرد است و آزادی خواه یا آزادی بخش فرد دیگری است، لذا این اصطلاح که دارای "بار سیاسی" است ، باید کنار گذاشته شود.
۳. تروریسم در بیشتر موارد و تقریبا همیشه اقدام"جناح چپ" یا جریان انقلابی و برانداز است.
۴. تروریسم در هر زمان که نارضایتی های مشروع وجود داشته باشد رخ می دهد و اصلاح شرایط موجب توقف تروریسم می شود.
۵. تروریسم همیشه بسیار مؤثر بوده است.
۶. تروریست ها ایده آلیست هستند.
۷. تروریسم سلاح فقرا است(کشورهای فقیر، محرومین سیاسی، کنار زده شدگان و رانده شدگان از قدرت)
۸. تروریسم عمدتا انگیزه و خواستگاه سیاسی معطوف به قدرت دارد. از این جهت سهیم نمودن آنها در قدرت موجب کنترل و کاهش اقدامات تروریستی آنها می شود، اما تسلیم نمودن کامل قدرت به دست تروریست هایی که عمدتا بنیادگرا و توتالیتر (= تمامیت خواه) هستند، راهبرد غلطی است، مانند واگذاری افغانستان در دست طالبان و یا واگذاردن ایران به دست جریانات افراط گرا و بنیادگرای شیعه طرفدار ولایت مطلقه فقیه، زیرا تجربه نشان داده که این راهبرد می تواند مشوقی باشد که گروه های مذکور را به باج خواهی و توسعه طلبی سوق دهد تا با اتخاذ راهبردهای تروریستی خود اهدافشان را در سایر نقاط جهان گسترش دهند.

او اما در عین حال شناخت تروریسم را منحصر به داشتن ویژگی های بالا نمی داند، بلکه معتقد است برخلاف تصور عمومی، تروریسم پدیده ای جدید یا کاملاً بی سابقه نیست. قدمت آن حداقل به اندازه نارودنایا وولیای روسی، پرتاب کنندگان بمب های نیهیلیستی قرن نوزدهم است. همچنین عنوان میکند که درمواردی سرکوبگرترین رژیم ها و ناعادلانه ترین جوامع عاری از تروریسم بوده اند. بعلاوه ، تروریسم به طور کلی در صورتی موثر است که بخشی از یک استراتژی بزرگتر باشد و به تنهایی موثر نخواهد بود. نکته دیگر اینکه تروریست ها اغلب حقوق بشر و حیات انسان ها را قربانی اهداف انقلابی خود می کنند و از افراد غیر نظامی سپر انسانی برای پیگیری اهداف ایدئولوژیک خود می سازند و به رغم اینکه تروریسم سلاح فقرا معرفی می شود ، اما بیشتر رهبران تروریست ها از خواستگاه و پیشینه ای مرفه به لحاظ اقتصادی و پایگاه اجتماعی بالا از جهت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی برخوردار هستند.[۱۲۸۷]

چنانکه گفته شد ، تروریسم دولتی یکی از انواع ابزارهای قهری است که به طور مرتب در رویه های سیاست خارجی کشورهای لیبرال دموکرات برای توصیف دیگر کشورها از آن استفاده شده است. تروریسم دولتی را باید به عنوان یک تهدید یا اقدام خشونت آمیز توسط عوامل یک دولت درک کرد که هدف آن ایجاد ترس و

۱۲۸۷ - Laqueur, W. (۱۹۷۷). Terrorism. Boston: Little, Brown.

ارعاب شدید در مخاطبان هدف است، به طوری که آنها مجبور به تغییر رفتار خود شوند. نمونه بارز آن را می توان در ناپدید شدن شهروندان و سایر غیرنظامیان به دست دولت ها دانست. ناپدید شدن ها ابزار کلیدی تروریسم دولتی است و در طول جنگ سرد به طور گسترده توسط بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین و یا برخی کشورهای خاورمیانه ای مورد استفاده قرار گرفته است. آنها برای ارعاب مخالفان ، منتقدان و یا گروه های اپوزیسیونی هدف از طریق ربودن یک فرد طراحی شده اند. بستگان به ندرت از محل اختفای قربانی مطلع می شوند و در نتیجه اضطراب شدیدی در مورد سرنوشت آنها ایجاد می شود. مخاطبان گسترده‌تری نیز از طریق این اعمال مورد هدف قرار می گیرند، زیرا همکاران و سایر آشنایان قربانی، هم نگران مکان قربانی هستند و هم از این که ممکن است قربانی بعدی خود آنها باشند، مرعوب می شوند و می‌ترسند. تروریسم دولتی همچنان در میان جریان های اصلی سیاسی، فعالان رسانه ای و محافل دانشگاهی، تمایل دارد با هدف قرار دادن هواداران، اعضا یا منافع دولت‌های لیبرال دموکرات خودنمایی کند. این نوع اقدامات تروریستی عمدتا توسط گروه‌های متعصب و عناصر خود سر و سرکش که توسط دولت‌ها یا گروه های مورد حمایت دولتهای تروریستی تأمین مالی و کنترل می‌شوند، انجام می گردد. امروزه البته تروریسم به ابزاری برای اتهام زنی های سیاسی دولت ها علیه یکدیگر هم تبدیل شده است و تفکیک و تمایز میان دولتهای حامی تروریست دشوار گردیده، بطور مثال آمریکا مدعی است حضور او در سوریه برای نبرد تا نابودی داعش، که یک گروه تروریستی است، ادامه خواهد داشت، در حالی که دولت سوریه، معتقد است، دولت امریکا خود از حامیان گروه های تروریستی مخالف دولت در این کشور است. به نقل از اسپوتنیک، اخیرا وزارت خارجه سوریه در بیانیه‌ای اعلام کرد که دمشق غارت نفت و ثروت سوریه از سوی آمریکا را محکوم می کند. در بیانیه وزارت خارجه سوریه آمده بود که اقدامات آمریکا از جمله راهزنی و توقیف نفت سوریه، با قوانین بشردوستانه بین‌المللی در تعارض است. در این بیانیه تاکید شده که سوریه از آمریکا می‌خواهد دست حمایتش را از گروه های تروریستی و شبه نظامیان جدایی طلب بردارد و از خاک سوریه عقب نشینی کند. پیش از این نیز خبرگزاری رسمی سوریه (سانا) گزارش داده بود : " نظامیان اشغالگر آمریکایی هم چنان به سرقت منابع نفتی سوریه ادامه می‌دهند به طوری که اخیراً دهها تانکر حاوی صدها تُن نفت سرقتی از چاه‌های واقع در استان‌های الحسکه و دیر الزور و رقه در شمال و شمال شرق این کشور را به عراق منتقل کرده اند." در حالی دمشق بارها بر ضرورت خروج نظامیان اشغالگر آمریکایی از سوریه تاکید کرده است که ستاد فرماندهی مرکزی این نیروها اعلام کرده که تا زمانی که از شکست داعش در سوریه مطمئن نشده از این کشور خارج نخواهد شد.[۱۲۸۸]

۱۲۸۸ – به نقل از خبرگزاری مهر: ۲/ ۲/ ۱۴۰۲

https://www.mehrnews.com/news/۵۷۶۱۳۰۰

بی شک نه غرب می تواند معلم شرق باشد و نه شرق می توان معلم غرب. ملت ها خود معلم خود هستند و باید از تاریخ و فرهنگ و گذشته خودشان درس بیاموزند. ادواردو گالیانو، روزنامه‌نگار اروگوئه‌ای، در کتابی که با استقبال خوب مواجه شد اقتصاد سیاسی غارتگرانه ی غربی ها در آمریکای لاتین به مدت پنج قرن را شرح داده است. او در این کتاب با عنوان " رگ های باز آمریکای لاتین: پنج قرن غارت یک قاره "[۱۲۸۹] که برای اولین بار در سال ۱۹۷۱ به زبان اسپانیایی منتشر شد، فعالیت های غارت گرانه شرکت ها و دولت های غربی در آمریکای لاتین و اثرات ناتوان کننده این فعالیت ها را ، حتی در دوران مدرن در کل قاره مستند می کند. در این غارت، تکنوکرات‌های اروپایی (وبعداً آمریکایی)، بازرگانان، رهبران نظامی و سیاسی و پیشقراولان صنعت و سایر بازیگران نقش داشتند. همانطور که گالیانو (۱۹۷۳) نشان می‌دهد، این استعمارگران غربی نه تنها ثروت و منابع کشورهای آمریکای لاتین را غارت کردند، بلکه جمعیت بومی آن را نیز به عنوان بردگی و با بی‌رحمی و بی احتیاطی تمام از بین بردند تا به دنبال سود خود باشند. این غارت اقتصادی تقریباً به طور کامل بر روی گورستانی از آزادی‌های مدنی ساخته شد که با ریاکاری که اکنون برای نظام سرمایه‌گذاری آزاد غرب آشنا است، همسو شد. این تجارت ، محموله های انسانی از آفریقا را به همراه داشت که میلیون ها آفریقایی را به عنوان کالا و نیروی کار ارزان به آمریکای لاتین می آورد تا در سخت ترین شرایط کار کنند.[۱۲۹۰] نسل کشی غیر بومیان مصداق عینی تروریسم در عصر استعمارگری بوده است.

منافع غرب و جنگ علیه تروریسم

بعد از حملات تروریستی به برج های دوقلوی تجارت جهانی در منهتن نیویورک، امریکا خود را اصلی ترین هدف برای گروه های تروریستی دید و خود در خط مقدم مبارزه با تروریسم در جهان تعریف کرد. مقامات سیاسی و امنیتی آن کشور دریافتند که ایالات متحده و متحدانش با یک شورش جهانی اسلام گرا علیه ارزش های خود روبرو هستند. اسلامگراها به دنبال "تغییر نظم سیاسی موجود" از طریق براندازی، فعالیت سیاسی، شورش، درگیری مسلحانه بودند. از نظر آنها القاعده یک تهدید غیرمتمرکز بود که از یک جنبش جهانی پراکنده با اهداف منطقه‌ای متفاوت تشکیل شده است. در حالی که القاعده نماینده یک گروه شورشی اسلامگرای جهادی است، مبارزه با آن بیشتر به عنوان "جنگ علیه تروریسم" نامیده شد. این انتقاد البته از سوی برخی از کارشناسان آگاه به مسائل تروریسم مطرح است که تروریسم نشان دهنده یک تاکتیک است و اعلام جنگ علیه یک تاکتیک غیرمنطقی است. تروریسم نشان دهنده تاکتیک برجسته ای است که "جهادی ها" از آن برای به راه انداختن شورش جهانی علیه نظم لیبرال دموکراسی موجود استفاده می کنند. توصیف نادرست مبارزه با القاعده به عنوان "جنگ علیه

۱۲۸۹ - Open Veins of Latin America: Five Centuries of the Pillage of a Continent
۱۲۹۰ - market criminology

تروریسم" – در مقابل ضد شورش –ایالات متحده را تشویق کرده است تا در استراتژی کلان خود به شدت بر عنصر نظامی قدرت تکیه کند."[۱۲۹۱]

انتقاد دیگری که بصورت طرح پرسش مطرح می شود این است که : آیا ریشه های افراط گرایی مذهبی که معطوف به برنامه ریزی حملات تروریستی علیه ارزش ها و منافع امریکایی، آن هم در خاک خود آمریکاست، نتیجه و پیامد سیاست های توسعه طلبانه ی آمریکا در کشورهای مسلمان نبوده است؟" می دانیم که برای نزدیک به پنج دهه قبل از جنگ خلیج فارس، ایالات متحده از طریق متحدان منطقه ای خود و برای محافظت مؤثر از منافع ایالات متحده با انجام مداخلات نظامی اندک و تقریباً بدون هیچ پایگاه نظامی دائمی در منطقه ی خاورمیانه حضور خود را تثبیت نموده بود. تا سال ۱۹۸۹، ایالات متحده کمتر از ۷۰۰ پرسنل نظامی در بحرین، کویت، عمان، عربستان سعودی و امارات داشت. اما از سال ۲۰۰۶، ایالات متحده بیش از ۲۰۰۰۰۰ سرباز، ملوان و تفنگدار دریایی در خاورمیانه داشته است. یعنی حضور امریکا بعد از یازده سپتامبر در منطقه پر رنگ تر هم شده است.[۱۲۹۲] این میزان افزایش نیرو و گسترش پایگاه های نظامی نشان از پر هزینه شدن حفاظت از منافع ایالات متحده در خاورمیانه دارد. امروزه کاملا آشکار است که توازن قدرت بین غرب و منافع کشورهای حوزه خلیج فارس تغییر کرده و با افزایش تهدید تروریسم و فروپاشی امنیت در منطقه تسریع شده است. استفاده بیشتر از سیاست پاسخگوسازی در سراسر خلیج فارس بعید است به نتیجه برسد ، زیرا اولویت های امنیتی غالب شده است. بعلاوه افزایش خشونت و فرقه‌گرایی و حضور بازیگران غیردولتی ، بازگشت به ثبات در منطقه را که تنها از عهده ی رژیم‌های اقتدارگرا بر می آید ، دشوارتر خواهد کرد."[۱۲۹۳] با انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹ ، تنها جزیره ثبات در خاورمیانه دستخوش ناآرامی شد و ازآن پس هزینه های حفاظت از منافع آمریکا همواره رو به افزایش نهاد. از این نقطه نظر اگر بخواهیم وزن درستی برای حکومت محمدرضا پهلوی در آن زمان که در نقش ژاندارمی خلیج فارس و در جهت حفاظت از منافع غرب ، در شرایط جنگ سرد، بر سرکار بود ، در نظر بگیریم ، باید بگوییم ، ایالات متحده در آن زمان هزینه های حضور خود برای حفظ منافعش در منطقه را بر کشورهای دوست و هم پیمان همانند ایران و عربستان تحمیل می کرد. تقریباً برای ۳۵ سال، ایالات متحده یک روابط سیاسی و نظامی قوی با ایران، و با امضای اولین قرارداد نظامی بین دو کشور در ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ تا زمان فروپاشی رژیم شاه در اوایل سال ۱۹۷۹ برقرار نموده بود. در این دوره، ایالات متحده یک رژیم طرفدار قوی آمریکا و غرب را پرورش داد تا امنیت عرضه نفت از منطقه حیاتی خلیج فارس تامین شود. ایران نیز در جناح جنوبی اتحاد جماهیر شوروی سابق قرار داشت و شاه نسبت به

۱۲۹۱ - James J. F. Forest(۲۰۰۷),p۴٦
۱۲۹۲ - Ibid,p ٤٤
۱۲۹۳ - Kristina Kausch (Ed.), Geopolitics and Democracy in the Middle East, First published in Spain in ۲۰۱۵ , FRIDE, p ۸۷.

نیات اتحاد جماهیر شوروی در ایران، به ویژه پس از عدم تمایل آن کشور به عقب نشینی از ایران پس از جنگ جهانی دوم، محتاط بود. این خصومت با اتحاد جماهیر شوروی، فضای سیاسی مناسبی را جهت تحکیم روابط با آمریکا برای این کشور فراهم کرد.[۱۲۹۴]

بعد از سقوط رژیم شاه و سپس فراگیر شدن بحران انرژی و به دنبال رویدادهایی که بالا گرفتن آتش جنگ در خلیج فارس و گسترش آن که به بالا گرفتن جنگ نفتکش ها و ضرورت اسکورت کشتی های حامل نفت کشورهای منطقه توسط نیروی دریایی کشورهای غربی در طی جنگ هشت ساله میان ایران و عراق ، تا دو جنگ اول و دوم خلیج فارس، منجرشد ، ایالات متحده به تدریج برای حفظ منافعش در منطقه متحمل هزینه های نظامی بیشتری شده است. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، نه تنها حکومتی برسرکارآمد که مخالف حضور آمریکا در منطقه بود ، که حامی و الهام بخش جنبش های مذهبی اسلامگرای مخالف غرب بود. از آن پس تمامی گروه های اسلامگرا با هژمونی و نظم سیاسی که منافع آمریکا را در منطقه تامین می کرد، در تخاصم قرار گرفتند. یکی از آنها سیاست راهبردی آمریکا در حمایت از اسراییل بود.

تروریسم و رقبای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی

از اواسط دهه ۱۹۹۰، بن لادن و همقطارانش از بحران فلسطین به عنوان ابزاری برای جذب اعضا و الهام بخشی به اعضای موجود برای انجام حملات تروریستی استفاده کرده است. در واقع بن لادن از سال ۱۹۹۴ به طور مداوم و علنی از طرف فلسطینی ها صحبت کرده است. اولین بیانیه عمومی بن لادن که برای مخاطبان گسترده تر در نظر گرفته شده بود شامل نامه ای است که در دسامبر ۱۹۹۴ با عنوان "خیانت به فلسطین." نوشته شده و به این ترتیب ؛ بن لادن هفت سال قبل از حملات ۱۱ سپتامبر در این نامه به یک مقام ارشد اسلامی در عربستان سعودی، در باره رنج فلسطینیان در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه گفتگوکرده است. در حالی که "آرمان فلسطین" در ابتدا به اندازه حضور نیروهای آمریکایی در عربستان سعودی نقش برجسته ای در ترغیب بن لادن برای در دست گرفتن سلاح نداشت و بحران فلسطین به هیچ وجه با تفکر بن لادن یا دعوت او به "جهاد" مرتبط نبود. اما بن لادن در مصاحبه ای در سال ۱۹۹۷ به خبرنگار سی ان ان پیتر آرنت گفت : " ما علیه دولت ایالات متحده اعلام جهاد کردیم، زیرا ایالات متحده مرتکب اعمالی شده است که به شدت ناعادلانه، زشت و جنایتکارانه است، هم مستقیماً و هم از طریق حمایت از اشغال سرزمین سفر شبانه پیامبر (ص) توسط اسرائیل (فلسطین) و ما معتقدیم که ایالات متحده مسئول مستقیم مرگ کسانی است که در فلسطین، لبنان و عراق کشته شده اند."[۱۲۹۵]

۱۲۹٤ - Latif Wahid(۲۰۰۹) ,Military Expenditure and Economic Growth in the Middle East, p٥٦

۱۲۹٥ - James J. F. Forest(۲۰۰۷),p ٤٦

پس از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر، بن لادن برای جلب حمایت مسلمانان، جذب نیرو و الهام بخشیدن به عوامل القاعده و توجیه حملات علیه ایالات متحده به طور فزاینده ای از رنج فلسطینیان یاد کرد و یک سال پس از ۱۱ سپتامبر او از نامه‌ای که در اینترنت منتشر شده بود برای پاسخ به اخبار رسانه‌های غربی در مورد بررسی علل حملات ۱۱ سپتامبر استفاده کرد و چنین نوشت : " چرا با شما می جنگیم و مخالفت می کنیم؟ پاسخ بسیار ساده است: زیرا شما به ما حمله کردید و همچنان به ما حمله می کنید. شما در فلسطین به ما حمله کردید. فلسطین که بیش از ۸۰ سال است تحت اشغال نظامی تأسیس شده است. انگلیسی ها با کمک و حمایت شما فلسطین را به یهودیانی که بیش از ۵۰ سال آن را اشغال کرده اند، تحویل دادند. فلسطینی ها سالهای سرشار از ظلم،، جنایت، کشتار، اخراج، ویرانی و آوارگی را تحمل کرده اند." [۱۲۹۶]

به نظر می رسد وقوع انقلاب اسلامی در ایران و هدفگذاری آرمانی آن تحت عنوان " آزادی قدس شریف و سرزمین های اشغالی" علاوه بر اینکه الهام بخش حرکت های جهادی همسو با اهداف ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در خاورمیانه بوده، زمینه ظهور ایدئولوژی های رقیب و همچنین بهره برداری از آرمان فلسطینی ، توسط گروه های جهادی غیر همسو با ایدئولوژی شیعی مذهب در ایران را فراهم نموده است.

ایمن الظواهری، دومین فرمانده بعد از بن لادن، تأکید بن لادن بر بحران فلسطین را در کتاب " ملازمان زیر پرچم پیامبر "[۱۲۹۷] در دسامبر ۲۰۰۱ تکرار کرد. در این کتاب ، الظواهری درک پیچیده‌ای از مرکز ثقل القاعده را نشان می‌دهد و تأثیر رادیکال‌سازی مرکزی بحران فلسطین را چنین آشکار می‌کند : " حرکت جهادی باید به توده ها نزدیک شود. ما باید اعتماد، احترام و محبت مردم را جلب کنیم. . . . تنها شعاری که ملت [مسلمان] به خوبی درک کرده و در ۵۰ سال گذشته به آن پاسخ داده است، دعوت به جهاد علیه اسرائیل بوده است. این واقعیت را باید پذیرفت که مسئله فلسطین عاملی است که در ۵۰ سال گذشته احساسات ملل مسلمان را از مراکش تا اندونزی برانگیخته است. علاوه بر این، این یک نقطه عزیمت و صف آرایی برای همه امت عرب است، چه مؤمن و چه غیر مؤمن" [۱۲۹۸]

تهاجم امریکا به عراق و افغانستان بعد از حملات یازده سپتامبر موجب شد ایالات متحده به سرعت از قربانی یک جنایت هولناک به عامل یک عمل ظالمانه بزرگتر تبدیل شود و لقب اشغالگر بگیرد.[۱۲۹۹] تعقیب نیروهای القاعده و بن لادن توسط امریکایی ها در خاک افغانستان به مرگ صدها شهروند غیر نظامی افغانی بی گناه انجامید و امریکا به بهانه اینکه افغانستان مرکز تحرکات گروه های تروریستی علیه منافع آن کشور است ، تقریبا توانست به

۱۲۹۶ - Ibid
۱۲۹۷ - Knights under the Prophet's Banner
۱۲۹۸ - James J. F. Forest(۲۰۰۷), Countering terrorism and insurgency in the ۲۱st century : international perspectives, Greenwood Publishing Group, Inc.,p ۷۲-۷۳
۱۲۹۹ - James J. F. Forest(۲۰۰۷), Ibid ,p ۵۹

مدت بیست سال، افغانستان را در کنترل خود داشته باشد و در نهایت در ۲۰۲۱ م ، بدون تقریبا هیچ دستاورد درخشانی از آن کشور خارج شود. به نظر می رسد اگر چه امریکا با سیاست دموکراتیزه کرده نهادی در افغانستان ، به دنبال رفع زمینه های پرورش تفکرات جهادی در افغانستان بود ، اما تلاش بیست ساله آن کشور در نهایت به دلایل مختلف با شکست مواجه شد، هر چند که نشانه های برخی پیروزی های چشمگیر در طی این دوره نیز نمایان شد، بطوری که جان لوئیس گادیس مورخ برجسته سیاست خارجی ایالات متحده می گوید: " دولت بوش با پیروزی بر طالبان در پایان سال ۲۰۰۱ طعم آگین کورت را چشید ، افغان ها با شادمانی ریش های خود را تراشیدند، زنان برقع های خود را کنار گذاشتند و... و به نظر می رسید که ارزش های آمریکایی حتی به دورترین و بیگانه ترین نقاط زمین قابل انتقال است."[۱۳۰۰]

اما از دیدگاه امریکایی ها، برای جلوگیری از ۱۱ سپتامبری دیگر، خطر تروریسم باید از ریشه قطع می شد و علت اصلی تروریسم خشکانده می شد. رئیس جمهور وقت امریکا ، وجود رژیم های مرتجع و استبدادی در خاورمیانه را عامل اصلی پرورش تروریسم معرفی کرد. از نظر او این رژیم‌ها - که هم متحدان سنتی آمریکا و هم دشمنان قسم خورده‌اش را شامل می‌شدند - به‌عنوان بوته‌های ترور و تروریست تلقی می‌شوند، زیرا نسل به نسل شهروندانی تولید می کنند که هم به دلیل تحت استخدام بودن و هم تحت انقیاد بودن توسط دولت‌هایی که ویژگی‌های آن‌ها با همدستی و فساد همراه است، به آسانی توسط امثال بن لادن و گروه های جهادی دیگر جذب رایکالیسم می شوند. راهبرد بلند پروازانه و جسورانه کاخ سفید (در دوره ریاست جمهوری بوش) برای مقابله ریشه ای با تروریسم تغییر نقشه خاورمیانه یا تغییر ماهیت خاورمیانه بود. راهبردی که گدیس آن را "یک استراتژی بزرگ تغییر" توصیف می کند. طرحی برای دگرگونی کل خاورمیانه مسلمان.[۱۳۰۱] اما همچنان که گفته شد این راهبرد بعد از بیست سال حضور آمریکا در افغانستان و نفوذ در عراق بعد از صدام، منتج به نتایج دلخواهی برای ایالات متحده نشد. پیامدهای اقتصادی جنگ و ناآرامی در کشورهای خاورمیانه در بخش پایانی کتاب (مورد عراق، افغانستان، لیبی، سوریه، یمن و ایران) بطور اجمال مورد بررسی قرار گرفته است.

پیامدهای تروریسم بر اقتصاد کشورهای آفریقایی

بررسی و مطالعات انجام شده در قالب پروژه برنامه توسعه ملل متحد در مورد وضعیت هجده کشور آفریقایی با عنوان "پیشگیری و پاسخ به افراط گرایی خشونت آمیز در آفریقا : رویکرد توسعه"، نشان می دهد که این کشورها از سال ۲۰۰۶ بدین سوی به مدت ده سال شاهد افزایش و تشدید فعالیت های افراطی خشونت آمیز و تروریستی

۱۳۰۰ - James J. F. Forest(۲۰۰۷), Countering terrorism and insurgency in the ۲۱st century : international perspectives, Greenwood Publishing Group,p۵۹; John Lewis Gaddis, "A Grand Strategy of Transformation," Foreign Policy, November–December ۲۰۰۲. Bold and emphasis added.

۱۳۰۱ - grand strategy of transformation

بوده اند و حملات تروریستی از سال ۲۰۰۷، به این سوی هفت برابر شده است و تلفات مرتبط با تروریسم پنج برابر افزایش یافته است. افزایش شدت فعالیت های تروریستی پیامدهای خسارت بار اقتصادی برای ۱۸ کشور مورد بررسی را افزایش داده است. خسارات وارده بیش از ۱۷۰۰ درصد در دوره ده ساله بین سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۶، و از ۷۵۳ میلیون دلار در سال ۲۰۰۷ به ۱۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ رسیده است و در مجموع ۱۱۹ میلیارد دلار هزینه و خسارات از ناحیه تهدیدهای تروریستی تحمیل شده است.[۱۳۰۲]

از سال ۲۰۰۷ چهار کشوری که به عنوان کشورهای کانونی برای افراط گرایی خشونت آمیز در آفریقا شناخته می شوند، نیجریه، مالی، سومالی و لیبی، ۹۴ درصد معادل ۱۰۳ میلیارد دلار از کل تأثیر اقتصادی تروریسم را به خود اختصاص داده اند. کشورهای سرریز شده ۳,۲ میلیارد دلار (۳ درصد) و کشورهای در معرض خطر ۲,۷ میلیارد دلار (۲,۸ درصد) از کل تأثیر اقتصادی تروریسم طی ده سال بین ۲۰۰۷ و ۲۰۱۶ متحمل شده اند. پیامدهای اقتصادی کلان تروریسم روی کشورهای آفریقایی مورد بررسی نشان می دهد علاوه برتحمیل هزینه های سنگین بر دولت ها در حوزه های امنیتی ، موجب شده کشورهایی که با سطوح بالاتری از افراط گرایی خشونت آمیز مواجه بوده اند رشد اقتصادی ضعیف تری از سایر کشورها در داخل گروه کشورهای مرکز بحران داشته اند. ۶۴ درصد تفاوت در رشد تولید ناخالص داخلی بین کشورهای دارای سطوح بالا و پایین تروریسم مشاهده شده است.از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۶ به طور متوسط، کشورهای در معرض خطر ، رشد تولید ناخالص داخلی سرانه حدود ۴۷ درصد و کشورهای دارای سرریزخشونت، ۳۶ درصد رشد داشته اند. در مقابل، در کشورهای کانون خطر به طور متوسط تولید ناخالص داخلی سرانه ۱۷ درصد کاهش یافته است. علاوه بر این تروریسم روی جذب سرمایگذاری خارجی، توریسم و تولید در بخش کشاورزی آفریقا و اشتغال و کسب و کار تاثیر منفی داشته است. این اثرات همچنین شامل اختلال در عملکرد عادی بازار کار از جمله نرخ بالقوه بالاتر بیکاری، کم کاری یا افزایش اشتغال در بخش غیر رسمی اقتصاد است که می تواند ترکیب بازار کار را تغییر دهد.[۱۳۰۳]

یکی دیگر از هزینه‌های ملموس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و ترور ، تخریب زیرساخت‌ها و اموال و دارایی‌های خصوصی است که اثرات طولانی‌مدتی بر تجارت و فعالیت‌های اقتصادی دارد. جاده ها، سیستم حمل و نقل و مخابرات تحت تأثیر قرار می گیرند و توانایی کسب و کار را کاهش می دهند. نتیجه این هزینه ها می تواند شامل افزایش هزینه های عملیاتی با تلاش برای دور زدن زیرساخت های از دست رفته، از دست دادن سهام و سرمایه و همچنین هزینه فرصت درآمدهای از دست رفته می باشد. حملات به زیرساخت ها شامل مواردی است که تاسیسات، مخابرات و ارتباطات و تامین آب و شبکه راه ها را هدف قرار می دهد. در کشورهای آفریقایی مورد

۱۳۰۲ - UNDP(۲۰۱۹), MEASURING THE ECONOMIC IMPACT OF VIOLENT EXTREMISM LEADING TO TERRORISM IN AFRICA(report ۲۰۱۹).

۱۳۰۳ - Ibid

بررسی ، حملات به زیرساخت ها و مشاغل به طور متوسط سیزده درصد حملات را بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ تشکیل داده است.[۱۳۰۴]

مقامات برخی کشورهای آفریقایی از رشد افراط گرایی و نفوذ کشورهای حامی گروه هـای تروریسـتی همچـون ایران اظهار نگرانی کرده اند. اخیرا نماینده مراکش در سازمان ملل در نشستی خبـری در نیویـورک بعـد از جلسه شورای امنیت درخصوص مساله صحرا مدعی شد که ایران و حزب الله لبنان نفوذ بی سابقه ای در کشورهای مغرب عربی دارند و این امر تهدیدی خطرناک برای امنیت ملی این کشورها به شمار می رود. وی مدعی شد که ایران و حزب الله در منطقه «تندوف» واقع در جنوب الجزایر و شمال آفریقا حضور دارند. عمر هلال با طرح ادعای حمایت ایران از جبهه پولیساریو[۱۳۰۵] گفت که ایران درصدد انتقال از مرحله آموزش این جبهه به مرحله ارسال سلاح و پهپاد است. نماینده مراکش در سازمان ملل گفت که ایران به دنبال ایجاد بی ثبـاتی نـه تنهـا در مـراکش بلکـه در تمـام کشورهای مغرب عربی است و این یک تحول بسیار خطرناک است و تمام دنیا باید این مساله را درک کنـد.[۱۳۰۶]

نیجریه دیگر کشور آفریقایی است که گرفتار تروریسم و افراط گرایی مذهبی است. در نیمـه نخسـت سـال ۲۰۲۳ اسلامگرایان تندرو فولانی، بوکوحرام و سایر گروه‌های تندرو اسلامی در نیجریه حمام خون به راه انداختند و دست به کشتار ۲۵۰۰ نفر زن و مرد مسیحی زدند. در حالی که ۴۰ درصد ساکنان این کشور مسیحی هستند، گزارش هایی از حملات گروه های افراط گرای اسلامی به کلیساها و همچنین کشتن کشیشان و روحانیون مسیحی منتشـر شـده است. کمیسیون ایالات متحده در امور آزادی مذهبی بین‌المللی در گزارش سالانه خود اعلام کرده بود که نیجریه به " کشتارگاه مسیحیان" تبدیل شده است. براساس گزارش سالیانه سازمان مسیحی «درهای باز» (اوپن دورز)« بیشتر مسیحیان در نیجریه به دلیل ایمانشان کشته می شوند.[۱۳۰۷] یکی از خطرناک ترین گروه های اسـلامگرای فعـال در نیجریه ، بوکو حرام است که در زبان محلی به معنی "حرام بودن آموزش غربی و هرگونه زیستن به سبک غربی" است، از نظر این گروه شرکت در انتخابات، پوشیدن پیراهن و شلوار و تحصیل در مدرسه غیر اسلامی، رفتارهایی به سبک غربی و مصداق فعل حرام است. به لحاظ پیشیه ی تاریخی ، تا سال ۱۹۰۳ میلادی، خلافت اسلامی سوکوتو، بر منطقه شمال نیجریه، نیجر و جنوب کامرون امروزی حکومت می کرد، که بدست بریتانیا ساقط و آن مناطق بـه

۱۳۰٤ - Ibid

۱۳۰۵ – جبهه پولیساریو سازمانی سیاسی نظامی در صحرای غربی است. این گروه در سال ۱۹۷۳ به عنوان یـک گـروه مقاومـت علیـه تسـلط اسـتعماری اسـپانیا بـر صحرای غربی و با هدف استقلال این منطقه ایجاد شد. پولیساریو پس از خروج اسپانیا در سال ۱۹۷۶ از این منطقه و تقسیم آن بین مراکش و موریتانی به مخالفت با این دو کشور پرداخت. موریتانی و پولیساریو در سال ۱۹۷۹ با یکدیگر صلح کردند اما مراکش تمام منطقه صحرای غربی را ضمیمه خاک خود کرد. از آن پـس جبهه پولیساریو به مقاومت علیه مراکش ادامه داده‌است. حملات پولیساریو علیه مراکش بیشتر از طریق پایگاه‌های این سازمان در الجزایر هدایت مـی‌شـود. منبع : دانشنامه ویکی پدیا.

۱۳۰۶ – https://www.didbaniran.ir: ۱۰/۲۸/۲۰۲۲ –اخبار تحولات بین المللی –

۱۳۰۷ - https://mohabatnews.com/?p=٥٣٣٤٩

کنترل بریتانیا درآمدند، ولی بسیاری از مسلمانان این منطقه تاکنون در مقابل آموزش‌های غربی مقاومت نشان داده‌اند و بسیاری از خانواده‌های مسلمان هنوز هم حاضر نیستند فرزندان خود را به مدارس دولتی بفرستند که سبک تدریس آنها "سبک غربی" است.[۱۳۰۸] به این ترتیب سابقه استعماری یکی از علل رویگردانی اکثریت مسلمان این کشور از آموزش های غربی است. استعمارگر نیجریه دولت انگلستان بود که متعاقب آن با فعالیتهای تبلیغی مذهبی ، مسیحیت را در جنوب این کشور گسترش داد ، اما همواره باعث بروز تنش بین شمال و جنوب بوده و تقریباً در هیچ دوره‌ای میان مسلمانان و مسیحیان در نیجریه سازگاری پایداری وجود نداشته است. [۱۳۰۹]علاوه بر این فساد ، فقر، تبعیض وفقدان اهمیت تحصیل در مدارس به عنوان عامل رشد و تعالی افراد، که دستاورد شیوه حکمرانی نخبگان حاکم بوده است ، به رشد بنیادگرایی اسلامی در کشور نیجریه افزوده است.

گروه اسلامگرای بوکوحرام در سال ۲۰۰۲ در شهر میدوغوری توسط یک روحانی دارای نفوذ کلام و کاریزماتیک بنام محمد یوسف تشکیل شد. او مجتمعی اسلامی ایجاد کرد که دارای یک مسجد و مدرسه اسلامی بود. بسیاری از خانواده‌های فقیر نیجریه و کشورهای همسایه، فرزندان خود را برای تحصیل به این مدرسه فرستادند. اما بوکوحرام فقط به آموزش و پرورش اسلامی علاقه‌مند نبود. هدف سیاسی آن ایجاد یک دولت اسلامی بود و به همین دلیل مدرسه اسلامی را به محلی برای پیدا کردن افراد مناسب برای شرکت در "جهاد" علیه دولت تبدیل کرده بودند. این گروه در سال ۲۰۰۹، تعدادی ایستگاه پلیس و ساختمان‌های دیگر دولتی را در میدوغوری هدف یک رشته حملات خود قرار داد. نتیجه این حملات درگیری‌هایی مسلحانه در خیابان‌های میدوغوری بود که در پی آن صدها تن از هواداران بوکو حرام در این درگیری‌ها کشته شدند و هزارن نفر هم از این شهر گریختند و نیروهای امنیتی نیجریه سرانجام پس از دستگیری پیکارجویان مسلح این گروه، اداره مرکزی آنرا تصرف کردند و محمد یوسف را کشتند، اما پس از مدتی جانشینان او ادعای خلافت کردند و همچنان تا به امروز فعالیت این گروه نا امنی هایی را ایجاد کرده است.[۱۳۱۰] بی شک کشورهای اسلامی مختلف از برخی از فرق مذهبی و گروه های اسلامگرا در این کشور حمایت می کنند. جمهوری اسلامی ایران نیز به رشد و حمایت از جریان شیعه در این کشور می پردازد که رهبری آنان را اکنون یک روحانی نزدیک به حکومت ایران، شیخ ابراهیم الزکزاکی برعهده دارد. منازعات مذهبی میان فرق مختلف بخشی دیگر از علل خشونت و نا امنی در نیجریه است ، زیرا بسیاری از گروه اسلامگرا ، حذف رقبای ایدئولوژیک و کشتن اعضای دیگر گروه های رقیب را از فرایض جهاد می دانند.

پراکندگی جغرافیایی و در هم تنیده گی عملیاتی گروه های تروریستی اسلامگرا

۱۳۰۸- https://www.bbc.com/persian ; به روز شده در ۶ شهریور ۱۳۹۰ – ۲۸ اوت ۲۰۱۱

۱۳۰۹ – اسلام در نیجریه : ویکی فقه : https://fa.wikifeqh.ir

۱۳۱۰ - https://www.bbc.com/persian ; به روز شده در ۶ شهریور ۱۳۹۰ – ۲۸ اوت ۲۰۱۱

برای درک روابط در هم تنیده و پراکندگی جغرافیایی گروه های اسلامگرا ، تنها به ذکر نمونه گزارش هایی چند بسنده می شود :

دولت سودان به ژنرال محمد ایدید، فرمانده جنگ سومالی، تسلیحات داد و بن لادن با حرکت ۳۰۰۰ مجاهد برای کمک به ایدید – با هزینه ۳ میلیون دلار، نیروهای کمکی را فراهم کرد. PAIC[۱۳۱۱] از طریق ترابی و بن لادن در سال ۱۹۹۳ با تامین جنگنده به بوسنی موافقت کرد. در سال ۱۹۹۶، PAIC طرحی را برای ترور حسنی مبارک رئیس جمهور مصر مجوز داد و حداقل پنج تلاش برای انجام این تعهد انجام شد. مجاهدین برای جنگ به چچن و تاجیکستان فرستاده شدند، در حالی که عوامل القاعده در سودان به آموزش اعضای جبهه مورو فیلیپینی پرداختند و یک دفتر جهاد در باکو، آذربایجان افتتاح کردند.[۱۳۱۲]

در سال ۱۹۹۶ همکاری بین بن لادن و سودان شروع به کاهش کرد. بن لادن بـه افغانسـتان نقـل مکـان کـرد، سیاست مهاجرتی سودان با عنوان "درهای باز" برای همه اعراب پایان یافت و ستیزه جویان مصری دستور خروج از کشور را گرفتند. با این حال، شبکه بن لادن به نقطه خودکفایی رسیده بود و آماده استفاده از کشور میزبان بعدی خود افغانستان بود. بن لادن نه تنها در این دوره شبکه ای از ترور ایجاد کرد، بلکه تدابیر و سازماندهی لازم را برای تأمین مالی عملیات های خود ایجاد کرد.[۱۳۱۳]

حسن الترابی کنگره خلق اسلامی را در سال ۱۹۹۵ سازماندهی کرد و در این نشست بود که اسامه بن لادن و القاعده با عماد مغنیه و حزب الله همسو شدند.[۱۳۱۴] در نتیجه، اختلاف تاریخی اهل سنت در مقابل اسلام شیعی کنار گذاشته شد و مبارزه با اسرائیل و آمریکا در صدر قرار گرفت و ایران شروع بـه ارسـال سـلاح و مـواد منفجـره بـه القاعده کرد و "شرکت تروریستی" بن لادن با گروه اسلامی مصر، جهاد مصر، شعبه نظامی گروه اسلامی الجزایر، گروه مبارزان لیبی، سیف الاسلامی در جنوبی یمن و جماعت جهاد سوریه ارتباط برقرار کرد.[۱۳۱۵]

نقش سپاه قدس در حمایت از شاخه های نظامی احزاب اسلامگرا و حمایت مالی از گروه های اسلام گرا در منطقه چشمگیر بوده است. راهبرد صدور انقلاب اسلامی که از همان روزهای اول انقلاب اسلامی ایران مطرح شد تنها منحصر به حمایت معنوی و صدور پیام و ایدئولوژی انقلاب و الهام بخشی آن نبوده، بلکه جمهوری اسـلامی ایران طی سالهای متمادی به حمایت مالی و مخفیانه تسـلیحاتی از گـروه هـای مختلـف اسـلامگرا و جنـبش هـای اسلامگرا در منطقه اقدام نموده است.

هزینه های اقتصادی تروریسم برای جامعه و جهان

۱۳۱۱ - Pan Arab Islamic Conference (PAIC)
۱۳۱۲ - Ibid,p ۱۰۰
۱۳۱۳ - Ibid
۱۳۱٤ - Ibid,p ۱۰۱
۱۳۱٥ - Ibid,p ۱۰۱

تروریسم پیامدهای اقتصادی مستقیم و غیرمستقیمی را بصورت هزینه یا خسارات برای هر کشور ایجاد می کند. این پیامدهای اقتصادی می تواند به راحتی به کشورهای دیگر سرایت کند. هزینه ها و خسارات فوری و مستقیم اقدامات تروریستی از دست رفتن جان انسان ها، تخریب اموال و زیرساخت ها و کاهش فعالیت های اقتصادی در کوتاه مدت است. علاوه بر این، تروریسم باعث ایجاد عدم اطمینان، کاهش اعتماد و افزایش درک خطر می شود. منجر به کاهش نرخ سرمایه گذاری و کاهش رشد اقتصادی می شود. اکثر مطالعات موجود تایید می‌کنند که حملات تروریستی داخلی و فراملی پرهزینه هستند، اما اغلب آن‌قدر جدی نیستند که واکنش‌های هراس انگیز سرمایه‌گذاران پس از یک حمله بزرگ را نشان دهند.

(میکل بوئسا و همکارانش، ۲۰۰۷) در مقاله ای هزینه های مستقیم اقتصادی حمله تروریستی ۱۱ مارس ۲۰۰۴ در مادرید را اندازه گیری کرده اند. هزینه های مستقیم بلافاصله پس از یک حادثه تروریستی ایجاد می شود و شامل خسارات فیزیکی و زیرساختی و خسارات اقتصادی می شود که در نتیجه کشتار و آسیب رساندن به غیرنظامیان، پرسنل نظامی و سیاستمداران ایجاد می شود. به عنوان مثال، مطالعه بوئسا برآورد کرد که در کوتاه مدت هزینه های اقتصادی بمب گذاری مادرید از ۲۱۱,۵۸ میلیون یورو فراتر رفت. هزینه های مستقیم ۰,۱۶ درصد از GDP منطقه اطراف مادرید و به سختی ۰,۰۳ درصد از GDP ملی اسپانیا در آن سال بود. مطالعات دیگر تأیید می کند که هزینه های خسارات اقتصادی مستقیم حملات تروریستی نسبتاً کوچک، کوتاه مدت و گذرا است، اما هزینه های غیر مستقیم و بلند مدت حملات تروریستی بزرگ و یا گسترده ، عمیق و پایداراست.[۱۳۱۶]

مبارزه با تروریسم و دیگر جرایم سازمان یافته برای همه کشورهای مستلزم تحمل هزینه های سنگین و اتخاذ ترتیبات مدیریتی لازم از قبیل سازماندهی، برنامه ریزی و هماهنگی های مختلف است. تاسیس سازمان ها و نهادهای مختلف تخصصی در حوزه های امنیت و عدالت از زمره این اقدامات است.

(رافی الدور و رافی ملنیک، ۲۰۰۴) در مقاله ای با عنوان "بازارهای مالی و تروریسم" تأثیر حملات تروریستی فلسطینی ها بر ارزش سهام در بورس و نرخ ارز در اسرائیل را بین سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ تجزیه و تحلیل کردند. آنها دریافتند که این بازارها به مرور زمان نسبت به حملات تروریستی حساسیت زدایی کردند و پس از حوادث تروریستی به عملکرد خود ادامه داده اند. در واقع فعالان اقتصادی دراسراییل چه در بازار کسب و کار یا سهام و سرمایه خود را به شرایط نا امنی ناشی از رخدادهای تروریستی وفق داده اند. همچنین شواهدی نشان می دهند که بازارهای سرمایه مدرن و متنوع نسبت به بازارهای کمتر رقابتی، انعطاف پذیرتر هستند و زودتر بهبود می یابند. حتی تأثیرات کلان اقتصادی حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اگر ایالات متحده آمریکا را به عنوان چارچوب مرجع در نظر

۱۳۱٦ - Buesa, Mikel, Aurelia Valino, Joost Heijs, Thomas Baumert, and Javier Gonzales G٦mez. "The Economic Cost of March ١١; Measuring the Direct Economic Cost of the Terrorist Attack on March ١١, ٢٠٠٤ in Madrid." Terrorism and Political Violence ١٩ (٢٠٠٧); ٤٨٩-٥٠٩.

بگیریم، نسبتاً اندک بوده است. هزینه های برآورد شده ۴۸,۷ میلیارد V.S. دلار تنها حدود ۰,۵ درصد از تولید ناخالص داخلی D.S. بوده است. مطالعاتی که بر خسارات کوتاه مدت حملات تروریستی تمرکز دارند، توانایی یک منطقه برای پاسخگویی را دست کم می گیرند. اغلب در مناطق تحت تاثیر تروریسم یک "عامل ققنوس" وجود دارد و پس از شوک اولیه، اقتصاد نسبتاً سریع ترمیم می شود. با این حال، بسیاری از اثرات منفی تروریسم غیر مستقیم و بلند مدت و پایدار است. برای مثال، این هزینه ها به شکل هزینه های تشدید تدابیر امنیتی و حق بیمه هایی است که پس ازیک حادثه تروریستی افزایش می یابد. باید دید که کدام حملات تروریستی تاثیر فلج کننده بلندمدت بر اقتصاد دارند، و برای کدام یک اثر مجموع منفی فقط گذرا بوده است.[۱۳۱۷]

(بلومبرگ و دیگران،۲۰۰۴) در یک بررسی تجربی از پیامدهای کلان اقتصادی تروریسم بین‌الملل و تعامل با اشکال جایگزین خشونت جمعی با کمک مجموعه داده‌های پانل نامتعادل غنی با مشاهدات سالانه ۱۷۷ کشور از سال ۱۹۶۸ تا ۲۰۰۰، که اطلاعاتی از مجموعه داده‌های جدول جهانی پن، مجموعه داده‌های ITERATE برای رویدادهای تروریستی و مجموعه داده‌های درگیری خارجی و داخلی را گرد هم می‌آورد، نتیجه گیری شده که به طور متوسط، وقوع تروریسم از نظر اقتصادی تأثیر منفی و قابل توجهی بر رشد اقتصادی داشته است ، هرچند که به طور قابل توجهی کوچکتر ولی پایدارتر از جنگ های خارجی یا شورش ها و ناآرامی های داخلی است. همچنین، تروریسم با تغییر جهت فعالیت اقتصادی به دور از هزینه های سرمایه گذاری ، به سمت افزایش مخارج دولتی همراه است. این بررسی همچنین تفاوت‌های مهمی را هم در مورد بروز و هم پیامدهای اقتصادی تروریسم در میان مجموعه‌های مختلف کشورها نشان می‌دهد. به ویژه بررسی در آن دوره نشان می دهد اقتصادهای OECD، به طور قابل توجهی (کشورهای اروپایی و آمریکا) بیشترین حوادث تروریستی را در مقایسه با سایر کشورها تجربه کرده اند ، اما تأثیر منفی این حوادث بر رشد آنها کمتر بوده است. داده‌های این پژوهش با تحلیل رگرسیون رشد مقطعی و تابلویی و یک مدل VAR ساختاری مورد بررسی قرار گرفته است.[۱۳۱۸] یافته های این مقاله نشان می دهد که از سال ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۰، پس از لبنان با میانگین ۲۵,۵ رویداد تروریستی در سال، ایالات متحده با میانگین وقوع ۲۰,۴ رویداد تروریستی در سال ، دومین کشور است و آلمان و فرانسه به ترتیب با ۱۹,۳ و ۱۷,۹ واقعه در سال در رده های بعدی رویدادهای تروریستی قرار دارند.

از سال ۲۰۰۱ و با رخداد تروریستی یازده سپتامبر، و تحولات بعد ازآن ، روند فعالیت گروه های تروریستی در جهان شدت یافت و مبارزه با تروریسم نیز شدید شد. همچنین به محض اینکه گرد و غبار بر منهتن نشست، مطالعات در

۱۳۱۷ - Eldor, Rafi, and Rafi Melnick. "Financial Markets and Terrorism." European Journal of Political Economy ,۲۰ (۲۰۰٤); ۳٦۷-۳۸٦.

۱۳۱۸ - S. Brock Blomberg , Gregory D. Hess, Athanasios Orphanides , (۲۰۰٤), The macroeconomic consequences of terrorism, CESifo Working Paper No. ۱۱۵۱

مورد هزینه های انسانی و اقتصادی تروریسم شروع به رشد قارچی کردند. گلوریا آرویو، همتای جورج دبلیو بوش در فیلیپین ، به بی‌بی‌سی نیوز گفت " تروریسم و فقر دو قلوهای همزاد هستند". اما آیا فقر و نابرابری ریشه‌های تروریسم هستند؟ مطالعه علل اقتصادی تروریسم علیرغم پیوندی که برخی از نظریه پردازان و سیاستمداران بین توسعه نیافتگی و تروریسم پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ایجاد کردند، ظاهرا به هیچ نتیجه معقولی منجر نشده است. اما فقر و نابرابری مولد تروریسم را می توان حداقل در ادبیات اجتماعی-علمی دهه ۱۹۷۰ درباره محرومیت و شورش های اجتماعی جستجو کرد. بر اساس این خط فکری و استدلالی، تبعیض و نابرابری اقتصادی و سیاسی در گروه‌های اجتماعی یا قومی قدرتمند به ناآرامی، خشونت سیاسی و در نتیجه تروریسم دامن می‌زند.[۱۳۱۹]

در میان فهرست کشورهایی که محل زایش ، رشد و ظهور گروه های تروریستی نسل جدید، از ۲۰۰۰ میلادی به بعد هستند، هم کشورهای فقیری مانند افغانستان وجود دارد و هم کشورهایی که بالقوه ثروتمند هستند، مانند عراق جنگ زده و لیبی بی ثبات به لحاظ سیاسی بعد از قزافی و گروه های تروریستی در دو کشور اخیر همواره سعی کرده اند کنترل منابع و چاههای نفت را در دست بگیرند و از آن ارتزاق نمایند. اما این باور تقریبا پذیرفته شده است که سازمان های تروریستی باید داوطلبان میدانی خود را درکشورهای فقیر و از میان افراد بی سواد ، نا آگاه و محروم پیدا کنند، زیرا محرومان فرصت های شغلی جذاب زیادی ندارند و به راحتی جذب باندهای افراط گرا، شورشی و تروریستی می شوند. سرکردگان گروه های تروریستی هزینه های سنگینی بابت آموزش نیروهایشان متحمل نمی شوند، زیرا آنچه محتوای آموزش تروریست ها را شکل می دهد تلقین یک سری باورهای خرافی است و نه آموزش علم وآگاهی. براساس همین استدلال گفته می شود افرادی که هزینه‌های فرصت استفاده از خشونت برای آنها نسبتاً کم است، احتمال بیشتری برای پیوستن به یک سازمان شورشی یا تروریستی دارند. همچنین داوطلبان تحصیل کرده ای که بصورت محدود و معدود به گروه های تروریستی می پیوندند، به احتمال زیاد انگیزه‌های سیاسی دارند.آنها در ارتکاب اقدامات تروریستی موفق‌تر عمل می کنند و، تعجب آور نیست که مردان جوانی که توسط القاعده برای انجام حملات ۱۱ سپتامبر انتخاب شده بودند، عمدتاً به طبقه متوسط تعلق داشتند.[۱۳۲۰]

اینکه حملات تروریستی و اقدامات ضد تروریستی چقدر برای جامعه و برای خود تروریست ها پرهزینه هستند، از موضوعات مورد توجه دیگر است. رویکرد بازدارندگی نسبت به تروریسم، که توسط دانشمندان پیشگام تد سندلر و هاروی لاپن[۱۳۲۱] مطرح شد، یک مدل منسجم برای تجزیه و تحلیل این پرس و جوها را نشان می‌دهد و اینکه چگونه سازمان‌های تروریستی هزینه‌های اقدامات خود را در مقایسه با بهایی که باید برای اقدامات خود بپردازند،

۱۳۱۹ - Tahmina Sadat Hadjer and Gerald Schneider(۲۰۱۱),Economics and Terrorism,The Sage encyclopedia of terrorism / Gus Martin (Ed.). - ۲. ed. Los Angeles [u.a.] : SAGE, ۲۰۱۱. pp. ۱۷۳-۱۷۹

۱۳۲۰ - Tahmina Sadat Hadjer and Gerald Schneider (۲۰۱۱),Ibid

۱۳۲۱ - Todd Sandler و Harvey E. Lapan

برای دشمن به حداکثر می‌رسانند. چارچوب نظری یکپارچه همچنین به جامعه پژوهشی کمک می کند تا بفهمند سیاست‌های ضد تروریسم درکشور هدف چگونه بر محاسبات هزینه و فایده تأثیر می گذارد. بر اساس برآورد سال ۲۰۰۴ توسط جاشوا گلدشتاین، بطور میانگین در ایالات متحده ، هر خانواده معادل ۵۰۰ دلار در سال برای مبارزه یا "جنگ علیه تروریسم" می پردازند. همچنین برآوردی از هزینه تربیت و تجهیز نیروهای ضد ترور جهت مقابله با تروریسم در جهان نشان می دهد که یک دوره آموزشی تایید صلاحیت شده ضد ترور بین ۴۰۰۰ تا ۶۰۰۰ دلار به ازای هر افسر هزینه در بردارد، در حالی که تجهیز مناسب یک تیم سطح III ممکن است بیش از ۲۵۰۰۰۰ دلار هزینه داشته باشد.[۱۳۲۲]

"لایحه تروریسم" شامل هزینه های جان باختگان، عملیات نظامی و آسیب های وارد شده به زیرساخت ها می شود، و هزینه فرصت برای تعاملات اقتصادی که پس از یک حمله تروریستی یا به دلیل مرتبط با آن رخ نمی دهد، را در برمی گیرد. یک فرض مفید (اما نه لزوما منطبق با واقعیت) برای درک تروریسم این است که هم مهاجم و هم مدافع هدف گرا هستند و بنابراین در مفهوم اقتصادی، هر دو بازیگران منطقی ای هستند. درحالی که سازمان تروریستی تلاش می کند تا منافع ناشی از یک عملیات تروریستی خاص را در مقایسه با هزینه های این اقدام به حداکثر برساند، مدافع هدف گرا بطور بالقوه تلاش می کند، خسارات و هزینه های اقدامات تروریستی را برای تروریست ها در یک واکنش به حمله تروریستی افزایش دهد، به این امید که تروریست ها عبرت بگیرند و برای بار دیگر از توسل به زور خودداری کنند.[۱۳۲۳]

واکنش بازار یکی دیگر از راه‌های واضح برای ارزیابی این موضوع است که آیا اقدامات ضدتروریستی از سوی سیاستمداران به اندازه‌ای که رای‌دهندگان انتظار داشتند، مؤثر بوده است. ارزیابی ترورهایی که اسرائیل علیه تروریست های مظنون انجام داد، نشان می دهد که ارزش بازار سهام اسرائیل پس از ترور رهبران ارشد سیاسی کاهش یافت، اما پس از ترور رهبران ارشد نظامی افزایش یافت.[۱۳۲۴]

مطالعه دیگر در مورد پاکستان به عنوان یکی از کشورهایی که هم مورد تهدید گروه های تروریستی بوده و هم میدان فعالیت مخفی آنها بوده است، نشان می دهد بر اساس برآوردهای رسمی ، نه تنها جان ها و زیرساخت های ارزشمندی را از دست داده است ، از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ حدود ۳۵ تا ۴۰ میلیارد دلار خسارت دیده است[۱۳۲۵] رشد اقتصادی پاکستان در سال مالی ۲۰۰۹، نه تنها در نتیجه بحران مالی جهانی، بلکه همچنین به دلیل نا امنی های داخلی ، تقریباً در حدود ۲,۰۰ درصد متوقف شد. اینها شامل جنگ علیه تروریسم بود که توسط نیروهای امنیتی در

١٣٢٢ - James J. F. Forest(٢٠٠٧), ibid,p ١٦٨
١٣٢٣- Tahmina Sadat Hadjer and Gerald Schneider(٢٠١١),Ibid.
١٣٢٤ -Tahmina Sadat Hadjer and Gerald Schneider(٢٠١١),Ibid
١٣٢٥ - Arshad Ali(٢٠١٠), Economic cost Of trrrorism: A case study Of Pakistan, Islamabad, Research Associate at the Institute of Strategic Studies.

استان مرزی شمال غربی (NWFP) و مناطق قبیله ای اداره فدرال (FATA) در مرز افغانستان انجام شد و در نتیجه به آواره شدن حدود سه میلیون نفر از خانه های خود انجامید. هم جنگ علیه تروریسم و هم بازپروری آوارگان داخلی بخش بزرگی از منابع مالی دولت را مصرف کرد و در نتیجه کسری مالی را افزایش داد و رشد اقتصادی را متوقف کرد. به گفته تحلیل گران اقتصاد بین الملل، تصاویر مثبت از شرایط یک کشور مانند یک دارایی قابل نقد است ، زیرا منبع مهمی برای جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) است. جنگ ، ناآرامی ، بی ثباتی و ترور تصویر بدی از جوامع ارائه می دهد و آثار زیانبار برای اقتصاد آنها دارد. حوادث مکرر تروریستی در پاکستان، تصویر بدی از این کشور در بازارهای جهانی و بین المللی ترسیم نموده است. سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سه ماهه اول سال ۲۰۰۹ در مقابل ۱,۱۱۶ میلیارد دلار در مدت مشابه سال قبل به ۴۶۳ میلیون دلار کاهش یافت که ۵۸,۵ درصد کاهش نشان می دهد. متاسفانه تروریسم در سطوح مختلف به اقتصاد، سیاست و جامعه پاکستان آسیب رسانده است.[۱۳۲۶]

افغانستان به عنوان کشوری که قریب پنج دهه نا امنی، بی ثباتی و ناآرامی را تجربه کرده و سرزمینی است که محل زایش و رشد و پرورش تروریست (دهشتگرد[۱۳۲۷]) در منطقه بوده ، بیششترین آسیب های انسانی، اقتصادی، اجتماعی و زیرساختی را از شرایط نابسامان ناشی از فعالیت گروه های بنیادگرای اسلامی و تجاوز و دخالت دو کشور شوروی سابق و امریکا متحمل شده است. این کشور حتی برای ده ها سال دیگر هم نخواهد توانست از شرایط موجود و پیامدهای آن نجات یابد و متاسفانه نسل های بعدی همچنان گرفتار وضعیت بغرنج و نا امن و ناآرام و بی ثبات آن خواهند بود.

گرچه حملات به مرکز تجارت جهانی یا نمادهای مشابه نظام سرمایه‌داری در جهان، ابتدا ، غیرمنطقی به نظر می‌رسیدند، اما مطالعاتی که در زمینه اقتصاد تروریسم انجام شده و می‌شود به آشکار کردن منطق چنین حملاتی کمک می‌کند. درک محاسبات هزینه و فایده شبکه های تروریستی نه تنها برای سیاست گذارانی که سعی در طراحی اقدامات موثر ضد تروریسم دارند، الزامی است. جنبه های اقتصادی تروریسم در نهایت برای هر فردی نگران کننده است ، زیرا حتی مصرف کنندگان و مالیات دهندگان هم باید صورتحساب تلاش های بازدارنده و هزینه های ناشی از حملات تروریستی را بدانند و بپردازند. [۱۳۲۸]

۱۳۲٦ - Arshad Ali(۲۰۱۰),Ibid.

۱۳۲۷ – کلمه دهشتگری ترکیبی از واژه های اردو و فارسی به معنای ایجاد وحشت و آزار و اذیت است. کلمه متناظر در انگلیسی برای "دهشت"، "ترور" است ، در حالی که کلمه "دهشتگرد" همان "تروریست" است. تعریف ترور در فرهنگ لغات آکسفورد عبارتست از : استفاده از خشونت برای اهداف سیاسی یا وادار کردن دولت به اقدام به ویژه به دلیل ترسی که اقدامات وحشتناک تروریستی در بین مردم ایجاد می کند.

۱۳۲۸ -Tahmina Sadat Hadjer and Gerald Schneider(۲۰۱۱),Ibid

نهاد حامی قربانیان جرم و جنایت و ترور : موسسه ملی برای عدالت[۱۳۲۹]

در ایالات متحده این موسسه به عنوان بازوی تحقیق، توسعه و ارزیابی توسط وزارت دادگستری در ۱۹۶۸ با مجوز از سوی کنگره تاسیس شده است و مسئولیت های آن شامل خدمت به عنوان نقطه کانونی برای برقراری قانون و عدالت است. فن آوری اجرا و توسعه استانداردها و بهترین شیوه ها به هدایت کار متخصصان عدالت کیفری در استفاده از فناوری، و همچنین توسعه و بهبود فناوری های علوم پزشکی قانونی و کمک به آزمایشگاه های جرم و جنایت برای افزایش ظرفیت دسترسی و استفاده تکنولوژی جدید. زمینه های تحقیقاتی شامل سلاح های مرگبار کمتر، حوادث بحرانی و یشگیری و واکنش، ارتباطات متقابل، حسگرها و نظارت (از جمله تشخیص سلاح های دوربرد و یا دوربین های نظارتی برای تشخیص مجرمان)، اشتراک گذاری اطلاعات ، کشف جرایم الکترونیکی، حفاظت از پرسنل، و پزشکی قانونی NIJ DNA.۴۶ همچنین موظف به انجام تحقیقات در مورد تجهیزات برای استفاده خاص در مبارزه با تروریسم، از جمله دستگاه ها و فن آوری های غیرفعال کردن تجهیزات و وسایل تروریستی است.

پنج محور اصلی تحقیقات علوم اجتماعی در مورد تروریسم که توسط NIJ دنبال می شود عبارتند از :

(۱) توسعه پایگاه داده برای اهداف تجزیه و تحلیل.

(۲) بهبود اجرای قوانین پاسخگوسازی ، از جمله از طریق توسعه روابط با جوامع مسلمان.

(۳) تقویت اهداف بالقوه با ریسک بالا، مانند ارزیابی امنیتی مراکز مهم اقتصادی و تجاری منجمله مراکز خرید.

(۴) آسیب پذیری ها و پاسخ اضطراری به حملات احتمالی به صنعت دام؛

(۵) پیوندهای تروریستی با پولشویی، سیستم های انتقال غیررسمی مالی (شامل حواله ها) و سازمان های تروریستی، استخدام و انگیزه ها [۱۳۳۰]

زیر ساخت حمل و نقل یکی از مهمترین اهداف حملات تروریستی :

سیستم حمل و نقل بویژه حمل نقل ریلی و هوایی و کشتیرانی، همواره یکی از اهداف حملات تروریستی بوده است. بویژه شورشیان، باندهای تبهکاری و تروریست ها همواره یکی از اهدافشان، هواپیماربایی بوده است. ایالات متحده، اداره امنیت حمل و نقل: TSA[۱۳۳۱] را در واکنش به حملات ۱۱ سپتامبر ایجاد نمود. قبل از ایجاد این اداره ، پست های بازرسی امنیتی فرودگاه ها توسط شرکت های خصوصی که با خطوط هوایی یا اپراتور فرودگاه ها قرارداد داشتند، اداره می شد. به عبارتی امنیت حمل و نقل هوایی برونسپاری شده بود، که تدبیری نابخردانه بوده است. TSA در ابتدا در وزارت حمل و نقل ایالات متحده قرار داشت، اما بعدا در سال ۲۰۰۳ به

۱۳۲۹ - National Institute of Justice
۱۳۳۰ - James J. F. Forest(۲۰۰۷), ibid,p ۱٦٨
۱۳۳۱ - The Transportation Security Administration (TSA)

DHS ایالات متحده منتقل شد و بودجه تحقیقات ضد تروریستی آن، حدود ۱۴۰ میلیون دلار، نیز به DHS واگذار شده است. غربالگری موثر و سریع مسافران خطوط هوایی اولویت بالایی برای TSA دارد و تعداد زیاد مسافران (حدود ۲ میلیون نفر در روز) از فرودگاه های ایالات متحده ، نشان از حجم و اهمیت کار آنها دارد.[۱۳۳۲] بخشی از مأموریت عملیاتی DHS، به اداره هوانوردی فدرالFAA[۱۳۳۳]، واگذار شده است که به ویژه در تاریخچه این اداره ، سازماندهی مجدد و تکامل دولت فدرال از ۱۱ سپتامبر را منعکس می کند. بخش امنیت حمل و نقل در سال ۱۹۷۴ پس از یک سری هواپیماربایی توسط کوبایی ها و فلسطینی ها تأسیس شد. پس از ۱۱ سپتامبر، وظایف آن از وزارت حمل و نقل به آژانس امنیت حمل و نقل تازه تاسیس، و به عنوان بخشی از تلاش برای متمرکز کردن بیشتر تلاش های تحقیق و توسعه CT به اداره علوم و فناوری DHS منتقل شده است. درخواست بودجه سال مالی ۲۰۰۷ این سازمان شامل ۱۷۳ میلیون دلار برای "ادامه ارتقاء و اعتبار بخشی امکانات، تهیه و پیاده‌سازی سیستم‌های امنیتی اضافی، و ارتقاء تجهیزات ارتباطات فرماندهی و کنترل برای برآورده کردن افزایش تقاضای امنیت ملی از زمان رخ داد حملات ۱۱ سپتامبر به این سوی است.[۱۳۳۴]

تأمین مالی تروریسم

تروریست ها فعالیت های خود را از چهار طریق متمایز تأمین مالی می کنند . ۱- حمایت دولتی، ۲-افراد ثروتمند / موسسات خیریه، ۳-مشاغل قانونی، و ۴-فعالیت های غیرقانونی و در عمل ممکن است ترکیبی از همه این راه ها مورد استفاده باشد. بررسی های اخیر نشان می دهند که میزان وابستگی به این منابع در طول زمان تغییر کرده است. اگر چه هریک از این منابع مالی همیشه وجود داشته اند، اما اخیراً تغییر به سمت فعالیت های غیرقانونی به عنوان غالب ترین منبع تامین مالی صورت گرفته است ، در نتیجه به فشار بیشتری از طریق اقدامات سیاسی و ضد تروریسم نیاز است. (اسلامی، ۱۳۹۵: ۵۴) معتقد است، تامین مالی تروریسم که خود به عنوان یک اقدام مجرمانه شناخته می شود، بیشتر با سه روش انجام می گیرد:۱-جلب کمک های مالی (دولتی-غیردولتی)؛ ۲-تولید سرمایه و ۳-انتقال سرمایه .

تامین مالی تروریست بی ارتباط با پولشویی نیست و در بسیاری موارد از سازو کار پولشویی برای رد گم کردن منابع تامین مالی تروریسم استفاده می شود. به طور کلّی تأمین کنندگان مالی تروریست‌ها به دو دستهٔ دولتی و غیردولتی تقسیم می‌شوند. منشأ درآمد تأمین کنندگان دولتی از بودجهٔ کشورها است و منشأ درآمد تأمین کنندگان غیردولتی یا از طرق قانونی مانند درآمدهای مشاغل قانونی، امور خیریّه، هبه یا از طریق غیرقانونی مانند قاچاق، اختلاس، تصرّف عدوانی و غیره است (فامیل‌زوار جلالی، ۱۳۹۵: ۹۱)

۱۳۳۲ - James J. F. Forest(۲۰۰۷), Ibid.
۱۳۳۳ - Federal Aviation Administration(FAA)
۱۳۳۴ - James J. F. Forest(۲۰۰۷), ibid,p ۱۷۰

از نظر برخی نویسندگان تأمین مالی تروریسم دارای سه مرحله است : مرحلهٔ استقرار، مرحلهٔ لایه‌گذاری و مرحلهٔ انتقال. در مرحلهٔ اسقرار که حسّاس‌ترین و مهم‌ترین مرحله است وجوه و اموال مورد نظر برای تأمین مالی تروریسم وارد سیستم مالی می‌شوند. نهادهای نظارتی می‌توانند به راحتی با ابزارهای کنترلی و نظارتی مانند احراز هویّت مشتری، گزارش نقل و انتقالات پولی غیرمتعارف و غیره باعث پیشگیری در این مرحله شوند. مرحلهٔ بعدی لایه‌گذاری است که در این مرحله با انجام نقل و انتقالات بین بانکی و معاملات عدیده و پیچیده تلاش می‌شود منشأ مال قابل شناسایی نباشد. برای پیشگیری در این مرحله می‌توان سیستم‌های بانکداری را طوری تنظیم کرد که تمام نقل و انتقالات قابل ردیابی باشند. در مرحلهٔ انتقال که آخرین مرحله است اموال و وجوهی که از طرف حامیان تأمین شده به تروریست‌ها منتقل می‌شوند، که در این مرحله هم می‌توان با ابزارهایی مانند مصادره از آن پیشگیری کرد (اسلامی، ۱۳۹۵: ۶۸-۷۰). این تقسیم بندی نشان می دهد تامین مالی تروریست چقدر با مراحل سه گانه پولشویی منطبق است.

دانیل بایمن، محقق تروریسم معتقد است ، حمایت مالی دولتی در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ غالب ترین منبع برای تامین مالی تروریست ها بوده است. در این مدت تقریباً هر گروه تروریستی مهمی حداقل به یک دولت حامی پیوندهایی داشت. حمایت دولتی به دو شکل فعال و غیرفعال است و شامل دسترسی به پول، سلاح، فراهم سازی آزادی عمل، پناه دادن، حمایت اسنادی، حفاظت، حمایت زیرساختی ، مدارا و آموزش است. کشورهای زیادی از تروریسم حمایت فعال کرده‌اند که شامل لیبی، ایران، کره شمالی، سوریه و اتحاد جماهیر شوروی و حتی هند، می‌شود. اگرچه این نوع حمایت برای یک سازمان تروریستی بسیار سودمند است ، اما هم برای دولت ها و هم برای تروریست ها هزینه هایی در بر دارد.[۱۳۳۵]

یکی از هزینه‌ها برای گروه‌های تروریستی این است که دولت‌های حامی تقریبا بدون اینکه ردپای مشخصی از دخالت مستقیم خود باقی بگذارند، از آن‌ها برای پیشبرد منافع سیاسی و ایدئولوژیک و نفوذ منطقه ای خودشان سوءاستفاده می کنند. تروریست ها نیز با بهره مندی از توانایی انجام عملیات های خود با کمک مالی خارجی از این رابطه سود می برند. با این حال، اگر دولت ها در رابطه با گروه های تروریستی به "نقطه اوج" تساهل و مدارا برسند ، به عنوان حامیان بین المللی تروریست در معرض تحریم و فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی قرار می گیرند و هزینه های بیشتری بر آنها تحمیل می شود. در واکنش به این فشارها، دولت های حامی، شروع به اعمال کنترل بیشتر بر گروه های تروریستی می کنند و در نتیجه رابطه همزیستی آنها با تروریست ها تضعیف شده و یا برهم خواهد خورد.[۱۳۳۶]

۱۳۳۵ - James J. F. Forest,Ibid ,p ۹۲۱
۱۳۳۶ -Ibid

امروزه یکی از مهمترین راه‌های مقابله مؤثر با تروریسم، محروم کردن تروریست‌ها از منابع تامین مالی آنها عنوان می شود، به ویژه از طریق قطع دسترسی آنها به پول مورد نیاز برای انجام اقدامات مرگبار سیستماتیک. البته تحقیقات نسبتا کمی به این موضوع اختصاص داده شده است که چگونه سازمان های تروریستی فعالیت های خود را تامین مالی می کنند، که این موضوع با توجه به مشکلات گردآوری داده های موثق، تعجب آور نیست. حوادث تروریستی عظیم سال ۲۰۰۱ با این وجود هشداری هولناک فرستاد که مبارزه با تروریسم بدون تخلیه منابع انسانی و مالی آنها واقعا امکان پذیر نیست. اکثر مطالعاتی که به بررسی این موضوع می پردازند، پایگاه منابع گروه های تروریستی اسلامی، در درجه اول القاعده را بررسی کرده اند. این مطالعات جریان های مالی القاعده را به طور متوسط از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۶ بین ۲۰ تا ۵۰ میلیون دلار آمریکا در سال برآورد می کند. بنابراین، در نهایت، این مرگبارترین سازمان های تروریستی به اندازه یک بخش خصوصی/شرکت در حد متوسط است. به گفته محقق فریدریش اشنایدر، درآمد غیرقانونی این شبکه فعال فراملی علاوه بر جلب کمک های مالی از دیگر منابع همانند بسیاری از سازمان های تروریستی دیگر، ناشی از فعالیت های مجرمانه از قبیل قاچاق مواد مخدر است.[۱۳۳۷]

(پل اسمیت، ۲۰۰۷) که از کالج جنگ نیروی دریایی ایالات متحده ، جنبه های تامین مالی تروریسم و مبارزه با تروریسم را بررسی کرده است معتقد است، در طول چند دهه گذشته و به ویژه از سال ۱۹۹۹، مقررات و قوانین زیادی در سراسر جهان تدوین و اجرا شده است که عمدتاً بر نحوی تأمین مالی تروریسم متمرکز است[۱۳۳۸]. برهمین اساس، برخی از ناظران ممکن است ارزیابی کنند که "اکسیژن مالی" که فعالیت های تروریستی را سرپا نگه می دارد تقریباً تمام شده است، اما متاسفانه چنین نیست و تروریست ها بسیار متنوع و خلاقانه عمل می کنند. آنها در حال بازگشت به روش های بنیادی تر و در مواردی ابتدایی تر برای انتقال پول هستند، مانند استفاده از سیستم های غیررسمی انتقال ارزش، مانند درگیر شدن در قاچاق پول نقد فله (مثلا حمل دستی کیف های پر از دلار! با پروازهای اختصاصی از کشور تامین کننده) ، یا به سادگی انتقال "ارزش" به صورت ناشناس از طریق پول نقد الکترونیکی (یا e-gold) در اینترنت و (یا اخیرا بیت کوین و ارز دیجیتال). به عنوان نمونه نیویورک تایمز، اخیرا به نقل از وزارت دارایی آمریکا نوشت، تبادل ارز دیجیتال (رمزارز) به یکی از شیوه‌های پولشویی و دور زدن تحریم‌ها تبدیل شده . این وزارت خانه در حال تحقیق از فعالیت شرکت رمزارز کراکن یکی از بزرگترین صرافی‌های ارز دیجیتال جهان به دلیل احتمال نقض تحریم‌ها و اجازه معاملات به کاربران ایرانی است و اداره کنترل سرمایه‌های خارجی وزارت دارایی آمریکا (OFAC) از سال ۲۰۱۹ در حال تحقیق درباره این شرکت است و انتظار می‌رود این صرافی به دلیل نقض تحریم‌های ایران و چند کشور دیگر جریمه شود. دولت آمریکا سال گذشته هشدار داده

۱۳۳۷ - Tahmina Sadat Hadjer and Gerald Schneider(۲۰۱۱), Ibid.
۱۳۳۸ - Paul Smith(۲۰۰۷), terrorism and financial networks ; James J. F. Forest,Ibid ; Vol۲

بود تجارت رمز ارز به صورت بالقوه، کارآیی تحریم‌ها را کاهش داده و صرافی‌های ارز دیجیتال باید برای شناسایی مکان مشتریان از ابزارهای تشخیص موقعیت جغرافیایی استفاده کنند. از سوی دیگر سقوط بازار ارز دیجیتال در ماه های اخیر و اعلام ورشکستگی چند شرکت بزرگ درآمریکا موجب دقت بیشتر دستگاه‌های نظارتی شده است.[۱۳۳۹] در هرحال با پیشرفته‌تر شدن رژیم‌های پولشویی درکشورهای ثروتمند و توسعه‌یافته (و امکان بهره گیری برخی کشورهای محل تامین مالی ترور، از تجهیزات و فن آوری جدید رمز ارز)، سازمان‌های تروریستی همیشه این گزینه را دارند که به "فضاهای کمتر تحت نظارت دولتها" روی بیاورند - به عبارت دیگر، در مناطقی از جهان خارج از حوزه کنترل و اختیارات دولت ها و تنظیم کننده های مقررات مالی فعالیت کنند. به همین جهت اسمیت نتیجه می گیرد که از آنجایی که تروریسم یک پدیده پیچیده و سیاسی است که نمی توان آن را به سادگی با محصور کردن و محرومیت دادن از بین برد ، مقابله با تروریسم در دراز مدت مستلزم آن است که همه دولت ها صادقانه عمل کنند و صراحتاً به سؤالات یا موضوعات حساسی که "اکسیژن سیاسی" تروریسم بین‌المللی را فراهم می کنند، بپردازند. تروریست ها همیشه راهی برای تامین مالی عملیات خود خواهند یافت، مگر اینکه با این واقعیت صادقانه مواجه شویم.[۱۳۴۰]

کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم مصوّب ۱۹۹۹[۱۳۴۱] و قطعنامهٔ ۱۳۷۳ شورای امنیّت مصوّب ۲۰۰۱ از جمله مهم‌ترین اسناد جهانی برای مقابله با تأمین مالی تروریسم هستند. مجمع عمومی سازمان ملل چندین کنوانسیون ضدّ تروریستی تصویب کرده که از میان آنها کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم ۱۹۹۹ مستقیماً راجع به این موضوع است. همچنین، در این خصوص می‌توان به قطعنامهٔ شمارهٔ ۱۲۶۷ شواری امنیّت سازمان ملل اشاره کرد. در قسمت (ب) بند ۴ قطعنامهٔ شمارهٔ ۱۲۶۷ شواری امنیّت آمده است که تمام دولت‌ها باید منابع مالی متعلّق به یا تحت کنترل مستقیم یا غیرمستقیم طالبان یا شرکت‌های متعلّق به یا تحت کنترل آنها را مسدود و توقیف کند (Security Council Resolution, ۱۹۹۹: ۱۲۶۷). بندهای ۱ و ۲ قطعنامهٔ شمارهٔ ۱۳۷۳ شورای امنیّت به لزوم پیشگیری و سرکوب تأمین مالی اقدامات تروریستی و جرم‌انگاری این رفتار و انسداد و توقیف منابع مالی مربوط اشاره دارند (Security Council Resolution, ۲۰۰۱: ۱۳۷۳).

توصیهٔ شمارهٔ ۸ از مجموعه توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی (FATF) به این امر اشاره دارد که سازمان‌های غیرانتفاعی ممکن است پوششی برای تأمین مالی تروریسم باشند و کشورها باید مقرّرات مربوط به این نهادها را مورد بازنگری قرار دهند تا از این امر پیشگیری کنند (FATF Recommendations,۲۰۱۲:۱۱). الگوی تأمین

۱۳۳۹ - خبرگزاری بورس ، بورس پرس ، کد خبر ۱۹۸۰۱.

۱۳۴۰ - James J. F. Forest,Ibid ,p۷۱۱-۷۱۲

۱۳۴۱ -International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, (۱۹۹۹)

مالی تروریسم در سال‌های اخیر تغییر کرده و گروه‌های تروریستی برای تأمین هزینه‌های خود به شیوه‌های جدید متوسّل می‌شوند. یکی از این شیوه ها می تواند تأمین مالی جمعی باشد.

به عنوان نمونه‌ای از تأمین مالی تروریست توسّط اشخاص حقوقی می‌توان به دولت‌ها اشاره کرد. حمایت مالی از تروریست‌ها توسّط دولت‌ها مصداق جنایات علیه بشریّت است، که این معاونت در جنایات علیه بشریّت متوجّه رهبران این کشورهاست. طبق مادّۀ ۲۵ اساسنامۀ دیوان بین المللی کیفری، رهبران دولت‌های حامی گروه‌های تروریستی مسؤولیّت کیفری دارند و شورای امنیّت سازمان ملل متّحد می‌تواند موضوع را برای شروع به تعقیب به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع دهد (رهامی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۲۹ و ۲۳۳).

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود اینکه اگر دولتی از تروریست‌ها حمایت کند، فارغ از مواجه شدن با تحریم‌ها و اقدامات قهری شورای امنیّت سازمان ملل، آیا می‌توان اعمال تروریستی را منتسب به دولت کرد؟ در پاسخ باید قائل به تفکیک شد. حالت اوّل اینکه فرد یا گروه مورد حمایت سازمان‌یافته نیست. در این حالت اقدام صورت‌گرفته را نمی‌توان به دولت حامی آن فرد یا گروه منتسب کرد مگر اینکه اثبات شود آن دولت کنترل مؤثّری بر اعمال فرد یا گروه تروریستی غیرسازمان‌یافته داشته است. کنترل مؤثّر به این معناست که علاوه بر تأمین مالی باید حمایت‌های لجستیکی، آموزش و نظارت هم به عمل آمده و فرامین و دستورهای خاصّی برای انجام اقدامات تروریستی صادر شده باشد. اگر دولتی حامی تروریست‌ها کنترل مؤثّر بر آنها نداشته باشد فقط مشمول تحریم‌های شورای امنیّت قرار می‌گیرد. حالت دوّم اینکه فرد یا گروه مورد حمایت سازمان‌یافته و دارای تشکیلات و سلسله‌مراتب است. در چنین حالتی صرف تأمین مالی از سوی دولت یا آموزش و نظارت بر آنها (کنترل کلّی) برای انتساب اعمال تروریست‌ها به دولت های حامی کفایت می کند و نیازی به کنترل مؤثّر یا صدور دستورهای خاص و هدایت مستقیم آنها نیست (الهویی نظری و فامیل‌زوار جلالی، ۱۳۹۶: ۷۴۲).

جدا از شایعاتی که پیرامون شبکه القاعده و فعالیت های بن لادن در رسانه ها بعد از یازده سپتامبر وجود داشت، یک گزارش واقع بینانه تر از ماهیت عامیانه، اما همچنان خطرناک تامین مالی تروریسم در سطح پایه از یک مطالعه دو ساله توسط گروهی در بخش اطلاعات پلیس اسلو در نروژ که در ژانویه ۲۰۰۴ عمومی شد : این گزارش به آغاز عادی و فروتنانه شبکه های مالی ترور – از کیوسک های خرده فروشی کوچک و کباب فروشی ها اشاره می کند. هدف از این مطالعه تعقیب جریانات انتقال پول به مقصد نهایی آنها بود. در این مورد، مانند بسیاری از پروژه های دیگر، مطالعه با شکست مواجه شد، زیرا نتوانست مقصد نهایی وجوه جمع آوری شده در نروژ را تایید کند. با این حال اسامی ۲۵ فرد در آن کشور که گمان می رفت از سازمان های تروریستی خارجی حمایت مالی می کنند را برجسته کرد. گفته می شود که اکثر این مظنونان دارای اقامت قانونی در نروژ بودند ، تعدادی از آنها تابعیت نروژی داشتند و برخی نیز با هویت های جعلی مختلف فعالیت می کردند. از شش گروه جنایتکار خارجی که شناسایی

شدند، دو گروه به عنوان منابع احتمالی تروریسم معرفی شدند. یک گروه به ویژه شامل افرادی از افغانستان، سوریه، پاکستان، ایران و الجزایر بودند که مظنون به تأمین مالی برای طالبان، القاعده و سازمان‌های مشابه بودند.[۱۳۴۲]
حماس یکی از گروه های تروریستی شناخته شده است که از انواع روش های تامین مالی بهره می برد. ده ها میلیون دلاری که هر ساله از طرف حماس جمع آوری می شود از خارج از سرزمین های فلسطینی مـی آیـد. جـدولی از کمک کنندگان که در سال ۲۰۰۴ در دفاتر کمیته خیریـه رام الله البیـره ضـبط شـد، نمونـه ای بـارز از نماینـدگی نامتناسب جبهه های خارجی است که به شبکه رفاه اجتماعی و تروریسم حماس کمک مالی می کند. از چهارده اهداکننده ذکر شده، دو مؤسسه خیریه اسرائیلی-عربی، یکی حامی مالی "داخلی" از کرانه باختری، و بقیه بنیادهای خارجی هستند که شامل اردن، قطر، کویت، عربستان سعودی، بریتانیا، آلمان، ایالات متحده آمریکا، امارات متحده عربی، ایتالیا و فرانسه می گردد. تمرکز بر منابع دقیق بودجه خارجی حماس نشان می دهد همانطور که ممکن است از سازمانی که خود را به عنوان یک موسسه خیریه در درجه اول معرفی می کند انتظار داشـته باشـیم، بیشـتر پـول حماس توسط موسسات خیریه خارجی جمع آوری شود که بر همدردی صمیمانه اهداکنندگان وجوه برای مصیبت آوارگان فلسطینی تمرکز می کنند. در برخی موارد آنها به طور خاص بر همدردی توام با ادعاهـای ایـدئولوژیک اسلام رادیکال و جهاد تمرکز دارند. اما حماس بـه طـور مسـتقیم در سراسـر جهـان و از افـراد ثروتمنـد، نهادهـا و شرکت‌های مجرمانه،پول جمع آوری می کند و در نهایت به شـبکه‌هـای مـالی بـزرگ‌تـری کـه سـایرگروه هـای تروریستی بین‌المللی از جمله القاعده را پشتیبانی می‌کنند، نفوذ می‌کنند. کمک‌های مالی خارجی که کمک‌های "خیرانه یا خیرخواهانه " گفته می شود، در پروژه تروریستی حماس از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است. دولت ایران یکی از مهمترین حامیان مالی حماس و دیگر گروه های فلسطینی مانند جهاد اسلامی است. در سـال ۲۰۱۶، گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، که بهترین شیوه‌ها برای مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم (AML/CFT) را به اشتراک می‌گذارد، ایران را به عنوان "حوزه قضایی پرخطر" معرفی کرد. FATF در ژوئن ۲۰۱۶، از "برنامه اقدام" ارائه شده توسط ایران برای رسیدگی به کاستی‌های استراتژیک AML/CFT و "اقدامات متقابل" -عمدتاً توصیه‌های داوطلبانه در مورد افزایش دقت در معاملات ایران - استقبال کرد.[۱۳۴۳]

به توجه به گستردگی ابعاد غیرنظامی فعالیت های حماس، بسیاری از فلسطینی ها از آن به عنوان یک سازمان خیریه یاد می کنند - با تمرکز بر احداث مدارس و بیمارستان ها به جای فعالیت های تروریستی. اعتقاد بر این است

۱۳۴۲ - Dirty dealing, p ۱۴۲
۱۳۴۳ - Ibid
ایران "قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم " را در پاسخ به فشارهای بین المللی به تصویب رسانده که بطور مثال در مادّهٔ ۲۰ آیین‌نامهٔ این قانون مصوّب ۱۳۹۶ به امکان سوءاستفاده از سازمان‌های غیرانتفاعی و خیریّه‌ها به عنوان پوششی برای تأمین مالی تروریسم و لزوم اتّخاذ تدابیری برای پیشگیری از این امر اشاره شده است. اما ایران هنوز به FATF نپیوسته است و همچنان در لیست سیاه این سازمان است.

که حماس از طریق جمع آوری کمک مالی در اروپا و ایالات متحده همراه با دریافت کمک های مالی از فلسطینی های مقیم خارج، از دولت ایران و از خیرین خصوصی در سایر نقاط خاورمیانه ادامه حیات می دهد. در مورد کمک های مالی ارائه شده از کشورهای حوزه خلیج فارس به این گروه ارقام مختلفی به دلار تخمین زده شده است. در سال ۲۰۲۰، وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که بر اساس برآوردهایش، میزان کمک های سالانه ایران به گروه حماس معادل ۱۰۰ میلیون دلار است. اما در مرداد ۱۳۹۸ کانال ۱۲ تلویزیون اسرائیل گزارش کرد: "طی جلسه‌ای که بین نمایندگان حماس و آیت الله خامنه‌ای برگزار شد، تهران تمایل خود به افزایش حمایت مالی ماهانه به حماس به مبلغ بی‌سابقه ۳۰ میلیون دلار در ماه آشکارا اظهار کرده است. همین کانال خبری در سال ۱۳۹۷ گزارش داده بود که جمهوری اسلامی ماهانه حدود ۶ میلیون دلار ماهانه، یعنی سالانه ۷۲ میلیون دلار به این گروه کمک مالی می کند. در دی ماه ۱۴۰۰ اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس، گفت: "جمهوری اسلامی ایران ۷۰ میلیون دلار به این جنبش فلسطینی پول داد تا «قوای بازدارندگی» خود را در برابر اسرائیل بسازد و راکت‌هایی که نیروهای حماس در باریکه غزه تولید کردند، بخشی از این «توان راهبردی» است."[۱۳۴۴]

رهبر جمهوری اسلامی در ۲۴ آبان ۱۳۹۸ صراحتا اعلام کرد : " ما از فلسطین حمایت کردیم، به فلسطینی‌ها کمک کردیم و باز هم کمک می کنیم، هیچ گونه ملاحظه و رودربایستی هم در این قضیه نداریم. باید همه دنیای اسلام به فلسطین کمک کنند. این کمک‌ها از چشم جهان پنهان نمانده است" رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا اخیراً گفت: " ایران سال‌های طولانی است که از حماس حمایت مالی می‌کند و به آن‌ها آموزش‌های نظامی می‌دهد." روابط جمهوری اسلامی و حماس از سال ۱۳۶۷ و بعد از اینکه سازمان آزادی‌بخش فلسطین، اسرائیل را به رسمیت شناخت گرم شد، ولی به گفته یکی از اعضای ارشد حماس، حمایت مالی ایران از این گروه از سال ۱۳۸۵ آغاز شد. محمود الزهار، عضو ارشد گروه فلسطینی حماس در مصاحبه با تلویزیون العالم، شبکه عربی تلویزیون ایران در سال ۱۳۹۹ گفت که پس از دیدار اول خود با قاسم سلیمانی در سال ۱۳۸۵ "حدود ۲۲ میلیون دلار" دریافت کرده ، به شکلی که چمدان‌هایشان " پر شده بود و دیگر جایی نداشت". او گفت قرار بود قاسم سلیمانی، مبلغ بیشتری به آن‌ها پول پرداخت کند، اما چون ۹ نفر بودند و هر ساک ۴۰ کیلوگنجایش داشته و نمی توانستند بیشتر حمل بکنند ، فقط ۲۲ میلیون دلار گرفتند.[۱۳۴۵] چنانکه اشاره شد ایران تنها حامی مالی حماس نیست، اخیرا شبکه BBC طی اسنادی جدید فاش نمود که دولت قطر میلیاردها دلار به سازمان‌ها و افرادی پرداخت کرده که در فهرست سیاه تروریسم قرار دارند که یکی از آنها گروه حماس است.[۱۳۴۶]

۱۳۴۴ – شبکه بی بی سی– گزارش علی رمضانیان ، ۲۵ مهر ماه ۱۴۰۲ . ر. ک به :
https://www.bbc.com/persian/podcasts/p۰۵gyy۰۹

۱۳۴۵ – علی رمضانیان، همان.

۱۳۴۶ - https://fa.timesofisrael.com/

بر اساس اطلاعات موجود، وجوه توسط حماس از طریق نقل و انتقالات بانکی، صرافی ها، سیستم های صرافی غیر رسمی و خصوصی و یا بطور دستی و یا خدمات پولی و اشخاص ثالث جابجا می شود.[۱۳۴۷] وزارت امور خارجه آمریکا که حماس را در زمره سازمان های تروریستی فعال در کشورهای خارجی طبقه بندی کرده ، فعالیتهای آن را به شرح زیر توصیف می کند : عناصر مختلف حماس ، برای پیگیری هدف ایجاد یک دولت اسلامی فلسطینی به جای اسرائیل، از هر دو جنبه سیاسی و اقدامات خشونت آمیز از جمله تروریسم و بمب گذاری استفاده کرده اند. با ساختاری منعطف، با برخی از عناصر به صورت مخفیانه و برخی دیگر آشکارا کار می کنند و از طریق مساجد و مؤسسات خدمات عمومی عام المنفعه برای جذب اعضا، جمع آوری پول، سازماندهی فعالیت ها و توزیع تبلیغات اقدام می کند. قدرت حماس در نوار غزه و مقدار کمی از مناطق کرانه باختری متمرکز شده است. البته این گروه همچنین در فعالیت‌های سیاسی مسالمت‌آمیز، از جمله معرفی نامزدهای انتخاباتی در کرانه باختری، شرکت داشته است.[۱۳۴۸]

تروریسم، آدم ربایی و گروگان گیری:

یکی از اقدامات مجرمانه ی سازمان یافته ، گروگان گیری و آدم ربایی است که با اهداف مختلف سیاسی، اقتصادی و یا تلافی جویانه با هدف مبادله انجام می شود. این اقدامات می تواند توسط دولت ها، اشخاص و یا باندهای تبهکار و جنایتکار و گروه های تروریستی انجام شود. مواردی از کمپین های آدم ربایی برای کسب امتیازات سیاسی گزارش شده است. در دهه ۱۹۸۰ توجه جهانی زیادی به چند جناح در لبنان معطوف شد که درگیر آدم ربایی اتباع خارجی عمدتا غربی بودند که معمولاً کم بازده بودند. اما توجه جهانی کمی به سوی کردستان عراق بود ، تا جایی که در سال ۱۹۸۱، چریک‌های کرد خواهان استقلال و خود مختاری، اقدام به مجموعه ای از ربایش اتباع بیگانه را آغاز کردند. هدف ربودن کارگران ماهر خارجی و متخصصان در صنایع نفت منطقه (اربیل و کرکوک) بود. این آدم ربایی ها راهی مفید برای بازگرداندن بخشی از ثروت نفتی که از چاه های نفت کردستان استخراج می شد و در عین حال ادعا می شد که به مردم کرد بازگردانده نمی شود، بود. شعارگروه های چریکی جدایی طلب این بود : "آرمان کردها را عمومی کنید و رژیم عراق را شرمنده کنید." گروگان ها به صورت قاچاق از مرز عراق و ایران عبور داده شده تا اینکه باج بصورت وجه نقد یا تجهیزات پزشکی تامین شود و آنگاه گروگان ها آزاد می شدند.[۱۳۴۹] امنیت مرزی کردستان در طرف ایران به دلیل شرایط جنگی در اختیار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. چریک های کرد مسلح در عملیات ربایش، گروگان گیری و مبادله آنها مجبور

١٣٤٧ - Dirty dealing, p١٤٢
١٣٤٨ - Dirty dealing, p١٤٢

١٣٤٩ -R.T.Naylor(٢٠٠٤),Wages of Crime, Black Markets, Illegal Finance, and the Underworld Economy, Cornell University Press ,p٦٢

بودند برای عبور غیرقانونی از مرز با تعدادی از مرزبانان سپاه پاسداران درگیرشوند که در این عملیات، تعدادی از پاسداران توسط آنها به اسارت گرفته شده و سر بریده شدند. در موردی دیگر بنیادگرایان اسلامی در لبنان— شاخه ای از حزب الله (جهاد اسلامی) - به آدم ربایی در بیروت طی سال های ۱۹۸۲-۱۹۹۲ برای گرفتن باج و امتیازات سیاسی اقدام کردند. از بررسی لیستی که برخی از مهم ترین گروگان های دستگیر شده در این دوره را به همراه آن فهرست می کند می توان دریافت شهروندان غربی مهمترین هدف مورد نظر آدم رباها بودند.

بخشی از عملیات پیچیده گروگان گیری ، شامل ارتباط گیری، گفتگو، چانه زنی و مذاکره برسر مبادله گروگان هاست که در این فرایند، کشورهایی نقش میانجی را بازی می کنند. قطر یکی از کشورهایی است که هم افرادی از مقامات سیاسی اش گرفتار گروگان گیری شده و هم کشوری است که چندین بار در نقش میانجی برای آزادسازی گروگان های دیگر کشورها عمل کرده است. براساس اسناد جدیدا افشا شده توسط شبکه بی بی سی، کشور قطر یکی از کشورهایی است که میلیاردها دلار به سازمان‌ها و افرادی پرداخت کرده که در فهرست سیاه تروریسم بسیاری از کشورها قرار دارند. پاول وود در این گزارش، نامه‌هایی را منتشر کرده که از منابع دولتی بریتانیا به دست آورده است. این نامه‌ها تاکید دارد که چند طرف و چند کشور به قطر کمک کردند تا گروگان‌هایش را آزاد کنند. نامه های درز یافته، بخش‌هایی از گفت‌وگوها میان سفرای قطر و وزیر امور خارجه این کشور را فاش کرده است. از جمله آن نامه‌ای است که زاید بن سعد سفیر قطر در عراق و مذاکره کننده ارشد برای آزادی گروگان‌ها نوشته و در آن آمده است: " سوری‌ها، حزب‌الله لبنان و گردان‌های حزب‌الله عراق، همه این‌ها پول می‌خواهند، این مساله برای آن‌ها فرصتی است". اسناد منتشر شده نشان می‌دهد که دیپلمات‌های قطری، سلسله پرداخت‌هایی معادل ۵ تا ۵۰ میلیون دلار به مسئولان ایرانی، عراقی و رهبران گروه‌های شبه نظامی تایید و امضا کرده‌اند. همچنین ۲۵ میلیون دلار به یک مقام مسئول بلندپایه در گروه حزب‌الله لبنان اختصاص یافته است. بنابر همین اسناد، ۳۶۰ میلیون دلاری که پیش تر مصادره آن در فرودگاه بغداد اعلام شده بود ، برای اختصاص به فهرست تروریستی متشکل ازگروه‌ها و افرادی قرار گرفته که قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس شاخه برون مرزی سپاه پاسداران ایران و شماری دیگر از مسئولان درآن‌ها هستند. همچنین اسناد به دست آمده از ایمیل‌های هک شده نشان می‌دهد که ۵۰ میلیون دلار به شخص قاسم سلیمانی اختصاص داده شده و همچنین مبالغی اضافی معادل ۱۵۰ میلیون دلار به افراد و گروه‌هایی اختصاص یافته که به عنوان واسطه کار می‌کردند.[۱۳۵۰]

پرونده ی دولت ایران به عنوان یک کشور در فهرست کشورهای حامی تروریست و متهم به تروریست دولتی ، از ابتدای تاسیس انقلاب اسلامی با گروگان گیری کارمندان سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام در تهران

۱۳۵۰ - https://fa.timesofisrael.com/ "انتشار اسناد بزرگترین باج دهی قطر به «تروریست‌ها»".

که حمایت رهبر انقلاب اسلامی را در پی داشت ، پیوند خورده است. در سال های بعد نیز آدم ربایی و گروگان گیری با هدف باج گیری سیاسی به یک رویه ثابت در دولت ایران تبدیل شد.[۱۳۵۱] بطوری که برخی کارشناسان از آن تحت عنوان "دیپلماسی گروگان گیری" نام می برند.[۱۳۵۲] امروزه ایران بطور روش مند و سیستماتیک، به منظور فشار بر دولت های غربی جهت تحقق اهداف و مقاصد سیاسی و اقتصادی خویش گروگان گیری و آدم ربایی از میان شهروندان غربی و دو تابعیتی را در فهرست گزینه های راهبردی خود قرارداده است.

شهروندان دوتابعیتی به ویژه در معرض بازدداشت نهادهای اطلاعاتی و امنیتی دولت ایران قرار دارند، زیرا قانون بین‌المللی تابعیت اصلی مقرر می‌دارد که "یک کشور نمی‌تواند از یکی از اتباع خود در برابر دولتی که آن شخص نیز در آن دارای تابعیت است، حمایت کند.[۱۳۵۳] بر اساس گزارش مرکز حقوق بشر در ایران، دولت ایران بارها از اتباع دو تابعیتی و خارجیان زندانی "به عنوان ابزار چانه زنی در مراودات خود با سایر دولت ها " استفاده کرده است[۱۳۵۴]. در نوامبر ۲۰۱۷، رویترز گزارش داد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران" حداقل ۳۰ شهروند دوتابعیتی را در طول دو سال گذشته عمدتاً به اتهام جاسوسی دستگیر کرده است." که از نظر حقوق دادرسی الگوی دستگیری ها مبتنی بر انگیزه های سیاسی بوده است.[۱۳۵۵] در سپتامبر ۲۰۱۹، در حاشیه هفتاد و چهارمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، خانواده‌های اتباع دوتابعیتی و خارجی زندانی در ایران و همچنین اتباع دوتابعیتی و خارجی سابق زندانی در ایران "اتحاد خانواده‌ها علیه گروگان‌گیری دولتی" را برای محکوم ساختن رفتار دولت ایران راه‌اندازی کردند. "[۱۳۵۶]

در یکی از موارد دولت ایران ، یک فعال مدنی دوتابعیتی بنام نازنین زاغری را برای تحت فشار قراردادن دولت بریتانیا در ازای آزادسازی مبلغ ۵۳۰ میلیون دلار پولی که به منظور قرارداد خرید تانک های چیفتن در زمان شاه به بریتانیا پرداخت شده و بعد از انقلاب در آنجا بلوکه شده بود، گرگان گرفت و به مدت پنج سال زندانی کرد،

۱۳۵۱ - "America's unending hostage crisis with Iran". Reuters. ۱ August ۲۰۱۸.

۱۳۵۲ - https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/latest-chapter-irans-hostage-diplomacy(۲۰۲۳)

۱۳۵۳ - "Dual Nationality". UK Home Office. Archived from the original on ۸ December ۲۰۱۰. Retrieved ۱۶ December ۲۰۱۰.

۱۳۵۴ - Who Are the Dual and Foreign Nationals Imprisoned in Iran?". Center for Human Rights in Iran. ۱۶ March ۲۰۲۲. Archived from the original on ۱۵ October ۲۰۱۹. Updated regularly.

۱۳۵۵- "Iran's Revolutionary Guards arrest more dual nationals". Reuters. ۹ November ۲۰۱۷. Archived from the original on ۹ October ۲۰۱۹.; "Iran: Targeting of Dual Citizens, Foreigners". Human Rights Watch. ۲۶ September ۲۰۱۸. Archived from the original on ۲۶ October ۲۰۱۹

۱۳۵۶ - "Relatives of Jailed Dual and Foreign Nationals Launch Alliance against Iran's 'Hostage-Taking' Amid UNGA". Center for Human Rights in Iran. ۲۴ September ۲۰۱۹. Archived from the original on ۱۶ October ۲۰۱۹; "Families of prisoners held in Iran accuse Tehran of 'hostage taking,' ask for global action". NBC News. ۲۵ September ۲۰۱۹. Archived from the original on ۱۴ October ۲۰۱۹. "Families of Hostages in Iran Launch Alliance at UN". IranWire. ۲۵ September ۲۰۱۹. Archived from the original on ۱۶ October ۲۰۱۹

هرچند که وزارت خارجه جمهوری اسلامی ارتباط میان ۴۵۰ میلیون پوند مطالبه تاریخی خود از دولت بریتانیا را با پرونده این شهروند دوتابعیتی انکار کرد.[۱۳۵۷]

در ژانویه ۲۰۲۳، فرانسه خواستار آزادی هفت تبعه بازداشت شده خود در ایران شد. فریبا عادلخواه یکی از بازداشت شدگان در ژوئن ۲۰۱۹ به همراه همکارش رولاند مارشال بازداشت شدند. در حالی که مارشال در سال ۲۰۲۰ آزاد شد، اما فریبا عادلخواه در بحبوحه تشدید تنش های سیاسی در داخل ایران همچنان در زندان باقیماند.[۱۳۵۸]

در آخرین مورد ایران ممنوعیت سفر باقر نمازی دوتابعیتی آمریکایی را لغو کرد و به پسرش سیامک که او نیز دوتابعیتی بود، یک هفته مرخصی بشردوستانه اعطا کرد. نمازی بزرگ، هشتاد و پنج ساله، در ۱۵اکتبر ایران را ترک کرد و برای انجام اقدامات پزشکی فوری به امارات متحده عربی سفر کرد. هم این تصمیم و هم پوشش مطبوعاتی آن در ایران، این گمانه زنی را دامن زدکه ایران در آستانه دستیابی به یک توافق نامه مبادله زندانیان بطور گسترده تر با ایالات متحده است، که احتمالاً بخشی از تلاش مداوم برای احیای برنامه جامع اقدام مشترک ۲۰۱۵ (برجام) است، اما برخی گمانه های دیگر خلاف آن را نیز ثابت می کرد.[۱۳۵۹] در هرحال به نظر می رسد حکومت ایران همان روش سابق را تکرار می کند و همچنانکه اشاره شد، از زمان اولین گروگان گیری از سفارت آمریکا در سال ۱۹۷۹، بطور متوالی از بازداشت ، ربایش و گروگان گیری افراد و متعاقب آن ، چانه زنی بر سر مبادله آزادی اتباع خارجی از آنها به عنوان ابزاری برای فشار بر غرب و مقابله با دولت های غربی و تحمیل شرایط خود در قالب توافق های دائم یا موقت استفاده کرده است. از منظری دیگر ، این رویکرد دولت ایران را می توان نوعی مقابله به مثل با دولت های گانگستر غربی مانند آمریکا ارزیابی نمود. دولت جمهوری اسلامی معتقد است بیش از چهار دهه است که نظام پولی ، بانکی و منابع ارزی و اقتصاد ایران کما بیش گروگان دولتهای غربی منجمله امریکاست وآن دولت متقابلا این حق را به خود می دهد تا شهروندانی از آمریکا و اروپا را برای فشار بر دولت های غربی به گروگان بگیرد. آژانس‌های اطلاعاتی و امنیتی در ایران با دستگیری مکرر اتباع خارجی، به‌ویژه از اروپا و ایالات متحده، تضمین می کنند که حتی زمانی که برخی از آنها آزاد می‌شوند، تهران همچنان کادری از افراد دیگر را در اختیار دارد که در هر لحظه برای کسب امتیاز بیشتر قابل معامله و مبادله هستند. در این مورد اخیر کارشناسان موسسه واشینگتن برمبنای اطلاعات در اختیارشان اظهار کردند که مطمئناً، یک قرارداد رسمی مبادله زندانیان مدت‌هاست که روی میز ایران– آمریکا بوده است واگر ایالات متحده و ایران به توافقی برای احیای برجام یا هر توافق موقت دیگری دست یابند، مبادله زندانیان بخشی از اولین مرحله اجرای آن خواهد بود. به طور علنی، هر دو دولت اصرار دارند که

۱۳۵۷ - "Iran: British-Iranian charity worker detained: Nazanin Zaghari Ratcliffe". Amnesty International. ۲۰ May ۲۰۱٦. Archived from the original on ۱۰ October ۲۰۱۹.

۱۳۵۸ - France demands 'immediate release' of seven French citizens held in Iran". France ۲٤. ۲٥ January ۲۰۲۳. Retrieved ۲٥ January ۲۰۲۳

۱۳۵۹ - https://www-washingtoninstitute-org /policy-analysis/latest-chapter-irans-hostage-diplomacy

موضوع زندانیان از نظر فنی جدا از سایر اختلافات سیاسی و یا موضوع مذاکرات هسته ای است، اما به اذعان بسیاری از کارشناسان در عمل این دو پرونده ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و مقامات آمریکایی نیز اعلام کرده اند که اگر شهروندانی از ایالات متحده همچنان در بازداشت دولت ایران بمانند ، دستیابی به هرگونه توافق بعید است. از سوی دیگر به احتمال زیاد ، هر معامله محتمل با زندانیان ممکن است با سرنوشت میلیاردها دلار پول ایران که در کره جنوبی و یا دیگر کشورها بلوکه شده ، بستگی داشته باشد. بین ۶٫۵ تا ۹ میلیارد دلار درآمد حاصل از فروش انرژی ایران در بانک های کره جنوبی مسدود شده است و تهران سرنوشت زندانیان آمریکایی را به دریافت این وجوه مرتبط نموده است. در دولت ترامپ، مقامات کره جنوبی با واشنگتن برای ایجاد یک کانال پرداخت وون (واحد پول کره) بر اساس ترتیبات جداگانه توسط سوئیس کار کردند، اما هرگز راه اندازی نشد. ایران هم به دلیل عدم موفقیت در زمینه آزادسازی دارایی‌های خود، سئول را مورد حملات لفظی و دیپلماتیک قرار داد و حتی چند سال پیش یک نفتکش با پرچم کره جنوبی را توقیف کرد و واردات لوازم خانگی کره‌ای به ایران را ممنوع اعلام کرد.[۱۳۶۰]

خبرگزاری آمریکایی ان‌بی‌سی چندی پیش به نقل از برخی مقامات سیاسی آگاه گزارش داده بود که دو طرف (ایران- آمریکا) در حال بررسی پیش‌نویس طرحی شامل تبادل زندانیان و آزادی‌سازی میلیاردها دلار از پول‌های بلوکه ایران در بانک‌های کره‌جنوبی هستند. در آن گزارش نیز تاکید شده بود که مطابق با این پیش‌نویس، در صورت آزاد شدن این منابع مالی، جمهوری اسلامی تنها می‌تواند از آن برای خرید غذا و دارو و یا مسائل انسان‌دوستانه استفاده کند.[۱۳۶۱]

روزنامه دنیای اقتصاد در مهرماه ۱۴۰۱ به نقل از رسانه ای نزدیک به شورای عالی امنیت ملی ایران اعلام کرد: با تداوم گفتگوهایی که با واسطه میان ایران و آمریکا انجام شده است، بانک مرکزی یکی از کشورهای منطقه به عنوان بانک عامل برای واریز وجوه آزاد شده ایران در کره جنوبی مورد توافق قرار گرفت. این رسانه روز شنبه از آزادسازی ۷ میلیارد دلار از منابع ارزی مسدود شده ایران در کره جنوبی خبر داده بود. طبق اخبار همین رسانه، مذاکرات مربوط به تبادل زندانیان و آزادسازی منابع ارزی ایران در کشورهای خارجی، ماه‌ها قبل انجام شده بود

۱۳۶۰ - https://www-washingtoninstitute-org :(Ibid)

در زمان ویرایش این کتاب، مبادله زندانیان در قبال آزاد سازی پولهای بلوکه شده ایران معادل ۷ میلیارد دلارکه به مدت چهارسال در دو بانک کره جنوبی معطل مانده بود، قطعی شد و همزمان با دومین سفر ابراهیم رییسی به نیویورک، در۲۸ شهریورماه ۱۴۰۲ این مبادله صورت گرفت.اما این سناریو تا زمانی که روابط ایران آمریکا عادی سازی نشود ، مجددا و در شرایط مشابه دیگر دو باره تکرار خواهد شد.حتی اخیرا برمبنای همین الگوی گروگان گیری گروه حماس در طرح عملیاتی غافلگیرانه به اسراییل حمله کرد و ضمن کشتن ۱۴۰۰ نفر توانست ۲۵۰ غیرنظامی را گروگان بگیرد و انتظار داشت با فشار بردولت های غربی و اسراییل، از آنها به عنوان ابزار باج خواهی سیاسی بهره برداری نماید، اما دولت نتانیاهو کاسه صبرش لبریز شد و بخش های زیادی از کل نواز غزه را با هدف پاکسازی این منطقه از وجود اعضای گروه حماس زیربمباران شدید با خاک یکسان نمود.بعلاوه این حرکت غافلگیرانه حماس، روی معامله ایران و امریکا نیز تاثیر گذارد.

۱۳۶۱ - https://www.khordad.news/fa/news/۳۸۶۸۹۶

لیکن طرف آمریکایی پس ازچند بار کارشکنی، اخیرا برای اجرای توافقات قبلی اعلام آمادگی کرد.[۱۳۶۲]
موارد دیگری نیز وجود دارد که ایران از گروگان گیری برای فشار بر کشورهای غربی منجمله ایالات متحده در جهت پیگیری اهداف و مقاصد سیاسی و پیگیری مطالبات اقتصادی خود استفاده کرده است. در سال ۱۹۹۱، پس از ایفای نقش کلیدی ایران در تسهیل آزادی گروگان‌های آمریکایی از لبنان، دولت بوش با پرداخت ۲۷۸ میلیون دلار برای تسویه برخی از این ادعاهای مربوط به دوران شاه موافقت کرد. اگرچه واشنگتن هرگونه ارتباط بین این دو اقدام را تکذیب کرد، اما پرزیدنت بوش به وزیر امور خارجه عمان گفت که حل و فصل این ادعاها موضوعی است که به وضوح به گروگان ها مرتبط است.

در مباحث پیشین بطور مستند بر این موضوع تاکید شد که اعمال تحریم های اقتصادی و یا استفاده از اهرم فشار اقتصادی علیه یک ملت ، برای فشار بر مقامات یک دولت، جرم است، همانطوری که گروگان گیری شهروندن بیگناه یک کشور، برای فشار بردولت آن کشور با هر هدف و یا منظوری جرم تلقی می گردد. رسوایی ایران –کنترا که بدان اشاره شد در واقع به نوعی تکرار همین سناریوی گروگان گیری و آزادی آنها در قبال تامین سلاح و تجهیزات مورد نیاز در زمان جنگ ایران و عراق بود که با ابعادی پیچیده تر همراه گردید. به باورکارشناسان موضوع رسوایی ایران-کنترا در دهه ۱۹۸۰ با الگوی تمایل ایالات متحده برای معامله زندانیان با تهران مطابقت دارد. به عنوان بخشی از این پرونده ی پیچیده، واشنگتن ، ایران را تحت فشار قرار داد تا در ازای تامین تجهیزات و سلاحهای مورد نیاز در جنگ، به دنبال آزادی آمریکایی هایی باشد که در دست حزب الله لبنان گروگان هستند. رئیس جمهور آمریکا رونالد ریگان بعداً به آن رسوایی اعتراف کرد، اما موضوع"تجارت اسلحه در قبال آزادی گروگان ها" را رد کرد.[۱۳۶۳]

استمرار رویه گروگان گیری و آدم ربایی طی چهار دهه توسط دولت ایران و سپس معامله، معاوضه و آزادی زندانیان گروگان گرفته شده و بررسی انگیزه های آن که آزادسازی پول های بلوکه شده ایران، یا چانه زنی برای اخذ امتیازات سیاسی دیگر بوده است ، نشان می دهد که این رویه در عمل از نگاه دولت ایران موثر و کارآمد بوده است و منافع آن بر هزینه های آن می چربد و الا این رویه می توانست همان سال های اول خاتمه یابد.

جمهوری اسلامی نشان داده برای تحمیل خواست و اراده خود و خلع سلاح طرف مقابل و در پاسخ به باج خواهی طرف مقابل، باج گیری و گروگان گیری می کند یا اصطلاحا با قلدرها و کابویی ها، قلدرمآبانه وکابویی برخورد می کند. بدیهی است این رفتارها از سوی هر دو دولت ایران و آمریکا مصادیق اقداماتی مجرمانه در مقیاس جرایم دولتی است و پیامدهای جهانی و حقوق بشری برای هر دو دولت بدنبال دارد. استمرار رویارویی خصمانه

۱۳۶۲ - https://donya-e-eqtesad.com/۳۹۰۴۸۶۳
۱۳۶۳ - https://www.washingtoninstitute.org/experts/henryrome .

ایران –امریکا موجب شده که امروزه جمهوری اسلامی امنیت کل منطقه را در قبال رفتارهای تهدید آمیز آمریکا به گروگان بگیرد و این رویکرد که در برابر اموال و دارایی های بلوکه شده ی خود توسط دولت آمریکا ، شهروندان آن کشورکه همزمان تابعیت ایرانی دارند را گروگان می گیرد تنها بخشی از سناریوی اقدام خصمانه متقابل ایران در برابر آمریکاست. اقدامات ایران در به خطر انداختن امنیت منطقه و تهدید امنیت انرژی جهان از طریق تهدید به بستن تنگه هرمز که بیش از چهار دهه از سوی ایران مطرح می شود، مسوولیت های بین المللی سنگینی متوجه این کشور می کند، ضمن اینگه گروگان گیری شهروندان دو تابعیتی نیز پیامدهای حقوق بشری برای دولت و خسارات و هزینه های سنگینی برای مردم ایران خواهد داشت. این اقدامات مستمسکی فراهم می کند که امریکاییان را در همراه نمودن جامعه جهانی برای اعمال تحریمهای اقتصادی علیه ایران مجاب نمایند. دولت جمهوری اسلامی می بایست در شرایطی برابر، برمبنای اصل مقابله به مثل، دارایی در برابر دارایی و اموال در برابر اموال را به گروگان بگیرد. همین رویه غیر قانونی، غیر اخلاقی و مجرمانه از سوی طرف مقابل یعنی آمریکا در واکنش به گروگان گیری کارمندان سفارتش در ۱۳۵۸ انجام شده است. چنانکه اشاره شد دولت آمریکا در واکنش به گروگان گیری کارمندان سفارتش در ایران استمرار اختلافات سیاسی خود با دولت ایران ، متاسفانه کل اقتصاد ایران را به گروگان گرفته است و با تحریم های تجاری و نفتی و بلوکه کردن منابع ارزی ایران در بانک های خارجی، در واقع معیشت و زندگی میلیون ها شهروند ایرانی را به گروگان گرفته و کوشیده است تا دولت ایران را به تسلیم در برابر خواسته های خود وا دارد . تهدیدهای امنیتی ایران به موج ایران هراسی در منطقه نیز دامن زده است و عملا امریکایی ها از این شرایط برای تقویت و تعمیق روابط امنیتی خود با کشورهای منطقه ، علاوه بر گسترش روابط اقتصادی در آن کشورها سوء استفاده و بهره برداری نموده اند. در هرحال نوعی عدم تقارن در واکنش دو دولت ایران و آمریکا در مواجه با رفتارهای خصمانه ی طرفین وجود دارد که در هر دو رویکرد، صدمات و خسارات عمده متوجه معیشت اکثریت مردم و زندگی شهروندان ایرانی و بروز خسارات به شهروندان آمریکایی و تحمیل هزینه های زیاد به مردم کشورهای منطقه بوده است و متاسفانه سران هییت حاکمه در دو دولت ایران و امریکا عملا هزینه ی عمده ای بابت این بی قانونی ها و اقدامات مجرمانه و جنایتکارانه خود متحمل نمی شوند. بطور مثال دولت ایران، برای زیر فشار گذاشتن دولت امریکا ، یک پیرمرد هشتاد ساله دوتابعیتی را چند سال زندانی می کند و برای زیر فشار گذاشتن دولت بریتانیا ، یک مادر را از زندگی در کنار فرزند خردسالش و سایر اعضای خانواده اش محروم می کند و در سایر موارد نظیر این اقدامات را انجام می دهد که همگی این گروگان گیری ها که با برچسبهای مختلفی همچون اتهام جاسوسی و همکاری با دول متخاصم توجیه می شود،

برخلاف اخلاق ، انسانیت و مصداق نقض آشکار حقوق بشر و اقداماتی مجرمانه است.[۱۳۶۴] اخیرا دولت آمریکا تحت فشار و انتقادهای شدید نسبت به نحوی اعمال تحریم ها، در طرحی بنام تحریم های هوشمندانه به جای اقتصاد و معیشت مردم ایران، بطور نمادین فهرستی از مقامات سیاسی، امنیتی و نهادهای دولتی ایران را در لیست تحریم های خود قرار داد و بطور مثال درآخرین اقدام محمود احمدی نژاد رییس جمهور پیشین ایران نیز در فهرست مقامات تحریمی از سوی دولت آمریکا قرار گرفت. آنگونه که از اخبار و رسانه ها شنیده می شود، این رویکرد جدید منجر به افزایش تلاش های دیپلماتیک ایران برای برداشتن تحریم ها از روی اشخاص، مقامات و نهادها و چانه زنی دیپلماتیک پنهان و آشکار میان دولت های ایران و آمریکا شده است، اما این نگرانی وجود دارد که مذاکرات دو کشور تنها روشی برای شانه خالی کردن حکومت از زیر بار تحریم ها و انداختن بار تحریم ها بر دوش مردم عادی باشد. .

آمریکا و حمایت از تروریسم بین الملل :

به اذعان صاحب نظران مسائل تروریسم ، امروزه شخصیت تروریسم ها و ماهیت گروه هـای تروریسـتی تغییـر کرده است، بطوری که تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (سـابق) و پایـان جنـگ سـرد، جهـان بیشـتر بـا پدیده ای بنام تروریست های چپ و سکولار مواجه بود ، اما امروزه با تروریست های مذهبی و بنیادگرا روبروست، و تقریبا از سال ۱۹۸۰، تعداد گروه های مذهبی به نسبت گروه های تروریستی فعال غیر مذهبی افزایش یافته است : (دو گروه از شصت و چهار گروه در سال ۱۹۸۰. یازده گروه از چهل و هشت گروه در سال ۱۹۹۲; شانزده گروه از چهل و نه گروه در سال ۱۹۹۴ و بیست و پنج گروه از پنجاه و هشت گروه در سال ۱۹۹۵)[۱۳۶۵] اما یک نکته جالب توجه این است که اردوگاه غرب به رهبری امریکا سعی کرده است ، بعد از فروپاشی اتحاد شـوروی ، برخـی از گروه های تروریستی چپ و سکولار و التقاطی را به تدریج به زیر چتر حمایتی خود درآورد. سـازمان مجاهـدین خلق، یکی از این گروه هاست که زمانی بر علیه رژیم شاه که دارای تمـایلات غربگرایانـه بـود، مبـارزه مخفـی و تروریستی انجام می داد، اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و حذف شدن این گروه از معادلات قدرت ، علیه احزاب و جریانات اسلامی که حکومت ایران را در دست دارند، وارد مبارزه تروریستی شد. همچنین در طول هشت سال جنگ ایران و عراق، خیانتکارانه با دشمن متجاوز به سرزمین مادری، همکاری نمود و امروز با تغییر چهره و ژست سکولار دموکراتیک کثرت گرا ، زیر چتر حمایت دولت امریکا قرار دارد. دست اعضـای ایـن گـروه تروریسـتی،

۱۳۶۴ – دولت ابراهیم رییسی اخیرا و درآستانه سفر خود به نیویورک در شهریور ۱۴۰۲ ، آزادی پنج زندانی آمریکایی و دوتابعیتی (نمازی، طاهباز و دیگـران) را اقدام بشردوستانه از سوی دولت ایران عنوان کرد و مقامات آمریکایی نیز متقابلا صدور مجوز برای آزادسازی پولهای بلوکه شده را تنهـا بـا اهـداف بشـر دوسـتانه برای تامین غذا، دارو و مصارف بشر دوستانه جهت مردم ایران توصیف نمودند.

١٣٦٥ -Walter Enders & Todd Sandler(٢٠١٢), The political economy of terrorism ,٢nd ed, Cambridge University Press, p٦٨

بارها به خون مردم ایران آلوده شده است . مجاهدین خلق از انجام بمب گذاری های کور در خیابان های مختلف و شهرهای گوناگون ایران در سالهای اولیه انقلاب ۵۷ ، زمانی که هنوز یک نظام سیاسی با ثبات شکل نگرفته بود وکشور فاقد یک قوای اطلاعاتی و امنیتی مقتدر بود ، تا زمانی که مورد تجاوز کشور همسایه عراق قرار گرفت ، همواره از ابزار خشونت و ترور و خیانت و جنایت برای رسیدن به اهداف سیاسی خود استفاده می کرد، اما این گروه تروریستی با همان پیشینه تاریک و خشونت بار ، امروز مورد حمایت امریکاست[۱۳۶۶] ر واقع می توان اینطور تلقی کرد که حداقل در این مورد خاص ، امریکایی ها تلاش می کنند با بهره برداری از تغییرات در فضای سیاسی جهان و تحولاتی که امروزه در مفهوم و ماهیت گروه های تروریستی رخ داده ، گروه های تروریستی چپ سابق را به عنوان گروه های اپوزیسیونی سکولار و دموکراسی خواه معرفی کنند و برچسب ترور را از آنها بزدایند و آنها را برای خشونت ورزی ، جنگ خیابانی و اقدامات تروریستی بر علیه دولت های مذهبی و اسلامگرا و در جهت منافع خود به مقابله وادارند ، بدون آنکه سرنوشت مردم سرزمین های هدف برای آنها اهمیت داشته باشد.[۱۳۶۷]

در تقابل ایدئولوژیک میان ایران و آمریکا ، کاملا روشن است که وجه دیگر رژیم کنونی ایران حمایت از گروه های مذهبی و اسلامگرایی است که متهم به اقدامات تروریستی هم هستند. بطور مشخص ، برخی از مقامات سیاسی امریکا ، ایران را بارها در این باره متهم می کنند که تروریسم و حمایت از جنبش‌های خشونت بار ضد دولتی از دیرباز جزء لاینفک سیاست خارجی ایران بوده و این سیاست ایران را به یکی از خطرناک‌ترین کشورهای حامی تروریسم در جهان تبدیل کرده است و تهران به دلایل زیادی از این گروه های تروریستی حمایت می کند : ایران متهم است که از تروریست به عنوان ابزاری برای حمله به منافع غرب در سراسر جهان، تأثیرگذاری بر سیاست همسایگان خود، و بازدارندگی ایالات متحده و اسرائیل و حذف مخالفان سیاسی خود در داخل و خارج استفاده می کند. ایران همچنین از روابط خود با حزب الله لبنان و گروه های شیعه مورد حمایت خویش در عراق به عنوان بخشی از تلاش های بی ثبات سازی و ایجاد نا امنی در منطقه برای پیشبرد اهداف ایدئولوژیک خود استفاده می کند و مثلا از این گروه ها برای تقویت رژیم بشار اسد در سوریه و روی کارآوردن دولتی همسو در عراق بهره می گیرد. راهبرد استراتژیک رژیم ایران از زمان قدرت گرفتن در سال ۱۹۷۹ حمایت از گروه های مسلح شبه نظامی تحت عنوان ارتش های آزادی بخش بوده که از نظرآمریکایی ها این اقدامات نوعا حمایت از گروه های تروریستی و

۱۳۶۶ - اخیرا ایالات متحده آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد مجاهدین خلق را یک جنبش دمکراتیک مخالف حکومت نمی‌بیند که مردم ایران را نمایندگی کند و شانس موفقیت داشته باشد و هیچ کمک مالی و یا سایبری و آموزشی به اعضای این گروه نمی دهد. تیتر خبرگزاری های معتبر داخلی و بین المللی تاریخ ۱۴۰۱-۰۸-۲۴، اما حمایت برخی نمایندگان و سناتورهای جمهوری خواه آمریکا از این گروه واقعیت دیگری را نشان می دهد.

۱۳۶۷ - نکته قابل توجه اینکه این سیاست غرب و بویژه امریکا در دوران جنگ سرد کاملا برعکس بود و حتی اسناد و گزارش های مختلف نشان می دهد که رویکرد آمریکا با هدف کنترل امواج رو به گسترش گرایشات چپ و کمونیستی در منطقه ، حمایت از گروه های اسلامگرا بود. موضوعی که اخیرا رضا پهلوی فرزند شاه فقید ایران نیز در یک مصاحبه پیرامون سیاست آمریکا در زمان کارتر و مواجه آمریکایی ها با پدیده انقلاب ۵۷ در ایران به آن اشاراتی نمودند .

گروه های مسلح خشن محسوب می گردد. ایران با حزب الله لبنان و همچنین با گروه فلسطینی حماس روابط نزدیک و گسترده دارد و همچنین روابط نزدیکی با جهاد اسلامی فلسطین دارد که گروهی کوچکتر و رقیب حماس است، اما شاید مهم‌تر از همه ، ایران حتی گاهی با القاعده و طالبان هم متحد است ، هرچند بسیاری از اعضای این گروهها به شدت ضد شیعه هستند و رهبران ایران را مرتد می دانند.[۱۳۶۸]

در حالی که مقامات سیاسی در ایران برای اقناع افکار عمومی و مردم کشورشان و کاستن از فشارهای روانی ناشی از تحریم ها، حمایت های مالی و تسلیحاتی به حزب الله و دیگر گروه های همسو با ایدئولوژی مذهبی خود را اینطور توجیه می کنند که حمایت از این گروه ها و سازمان هایی مانند حزب الله به امنیت کشور و قدرت بازدارندگی ایران می افزاید، شواهد و قرائنی وجود دارند که نتایج آن ، عکس این ادعا را نشان می دهند. یک گزارش نشان می دهد که در حال حاضر، ایران تقریبا از ۳۰۰۰ موشک برخوردار است که قادر به اصابت به اسرائیل هستند. در مقایسه، حزب الله لبنان از ۱۳۰،۰۰۰ موشک برخوردار است که قادر به اصابت به اسرائیل هستند.[۱۳۶۹] بنابراین امروز با گذشت بیش از ۳۰ سال از پایان جنگ ایران و عراق، بازوی نظامی این گروه لبنانی را از توان موشکی خود جمهوری اسلامی ایران برای اسرائیل خطرناک تر نموده است. حمایت جمهوری اسلامی برای حزب الله به قدری برای اسرائیل خطرناک شده که نمی توان از سناریو حمله نظامی مستقیم اسرائیل به ایران در جنگ بعدی بین اسرائیل و حزب الله چشم پوشی کرد. مسئله دیگری که احتمال تحقق این سناریو را افزایش می دهد، اظهارات رهبر حزب الله حسن نصرالله در سال ۲۰۱۶ میلادی است. نصرالله در طول نطق خود اعلام کرد "ما در خصوص بودجه حزب الله شفاف هستیم، درآمدهایش، هزینه‌هایش، هرآنچه که خورده ونوشیده می‌شود، موشک‌ها و راکت‌هایش همه از ایران دریافت می‌شود." اظهارات حسن نصرالله به اسرائیل ثابت کرد برای تضعیف این گروه و رفع تهدید آن بر علیه اسرائیل، جمهوری اسلامی ایران باید هم از دیدگاه نظامی و هم از دیدگاه اقتصادی ضعیف شود. این اظهارات نصرالله موجب افزایش شدید فشار اسرائیل به امریکا برای بازگرداندن تحریم های حذف شده بعد از برجام شد. در نتیجه تا امروز، حمایت جمهوری اسلامی ایران از حزب‌الله منجر به افزایش تحریم های اقتصادی بیشتر علیه جمهوری اسلامی ایران شده و اسرائیل در تشویق و حتی طراحی این طرح تحریم ها در آمریکا بسیار موثر و فعال عمل کرده است. بعلاوه این تحریم ها هزینه های سنگینی بر اقتصاد ایران

۱۳۶۸ -Testimony of Daniel Byman(۲۰۱۵) , State Sponsor of Terror: The Global Threat of Iran, Director of Research, Center for Middle East Policy at the Brookings Institution, House Committee on Foreign Affairs Subcommittee on Terrorism, Nonproliferation, and Trade, Walsh School of Foreign Service at Georgetown University.

۱۳۶۹ - https://tinyurl.com/yz۹qe۷۷b

تحمیل کرده و ضربه های بسیار زیادی به امنیت اقتصادی ایران زده است.می توان تخمین زد که هزینه ی این تحریم ها برای اقتصاد ایران به ده ها میلیارد در سال ، اگر نه صد ها میلیارد دلار می رسد.[۱۳۷۰]

چنانکه گفته شد آمریکا نیز علاوه بر اینکه خود یک قربانی تروریسم است ، متهم به تجاوز گری و رشد و پرورش گروه های تروریستی و اعمال خشونت و جنایت علیه دیگر ملل است.به نظر می رسد ، مردم آمریکا همانند مردم ایران قربانی تروریست هستند ولی حاکمیت در امریکا خود البته متهم به حمایت از گروه های تروریستی هستند. به این ترتیب می توان تروریست بین الملل دولتی را هم در فهرست جرایم سیاسی و جرایم دولت ها قرار داد. در غالب تالیفاتی که پیرامون موضوع تروریسم و تروریسم بین الملل و عمدتا بعد از حملات یازده سپتامبر توسط مراکز تحقیقاتی و پژوهشگران وابسته به اردوی لیبرال دموکراسی و غرب نگاشته شده است ، هرچند در مواردی سیاست های غرب بویژه آمریکا در کشورهای مختلف مورد نقد قرار گرفته است ، اما عمده تلاش ها معطوف به این بوده است که آمریکا را قربانی تروریسم معرفی کند. در این میان معدودی از پژوهش های انجام شده توسط محافل غربی و یا پژوهشگران مستقل و یا صاحب نظران کشورهای مسلمان، انگشت اتهام را در موضوع پیدایش ، رشد و پرورش تروریسم به سوی آمریکا و اردوی غرب نشانه رفته اند. واقعیت این است که در ظهور پدیده تروریست همانند هرنوع جرایم سازمان یافته بین المللی، هیچ کشوری تقریبا نمی تواند مسوولیت را از خود سلب نماید. بطور مثال (علی خان، ۲۰۰۶) درکتابی با عنوان " تروریسم بین الملل" درچارچوب تئوری های حقوق بین الملل خشونت ابزاری را از خشونت تجاوزگرانه و یا غارتگرانه متمایز می سازد و عنوان می کند : خشونت ابزاری برخی از ویژگی ها را با پرخاشگری غارتگرانه مشترک است، اما این دو یکسان نیستند. خشونت ابزاری وسیله ای برای حل و فصل اختلافات بین المللی است، در حالی که تجاوز غارتگرانه استفاده فعالانه از زور برای به دست آوردن قلمرو و منابع جدیدی است که متعلق به دولت-ملت یا نهاد غیر دولتی دیگری است. او به عنوان مثال به حمله آمریکا به عراق، اشاره می کند و معتقد است این عملیات ، آمیزه ای از هر دو نوع خشونت غارت گرانه و ابزاری است . تاآنجا که جنگ برای کنترل نفت عراق انجام می شود، غارتگرانه است و نامشروع ، ولی آنجا که برای رام کردن یک رژیم دیکتاتور و تجاوزگر مانند رژیم صدام حسین بکار می رود، خشونت ابزاری و مشروع است. او معتقد است جنگ ایالات متحده علیه عراق اگرچه نتایج مرگباری داشته است و ستیزه جویان زیادی کشته شده اند، اما تعداد بیشتری نیز به خدمت گروه های افراط گرای اسلامی درآمده اند، زیرا اکثر مسلمانان معتقدند که جنگ عراق ناعادلانه بوده است و بنابر این، علماء مذهبی شیعه و سنی جهاد را بر علیه تجاوز گران غربی واجب

۱۳۷۰ - مئیر جاودانفر، آیا حمایت از سازمان حزب الله لبنان، امنیت و قدرت بازدارندگی ایران را افزایش داده است؟ ر. ک به وبسایت زیر: (ر.ج : ۲۰۲۳/۳/۶) ، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل و مطالعات استراتژیک از دانشگاه لنکستر بریتانیا ؛ روزنامه نگار و مدیر سایت دیدبان ایران و اسراییل :

:https://www.mei.edu/disclosure-and-funding

دانستند. جنگ عراق مشروعیت اخلاقی خود را زمانی بیشتر از دست داد که هیچ سلاح کشتار جمعی پیدا نشد. علی خان، همچنین معتقد است، تجاوزات مستمر اسرائیل به خاک فلسطینیان و اشغال سرزمین آنها آمیزه ای از تهاجم غارتگرانه و ابزاری است. غارتگرانه است تا جایی که سرزمین ها و منابع فلسطینیان را غصب می کند و مشروع و مفید است تا حدی که از زور و سرکوب برای کنترل عملیات خرابکارانه ، تروریستی و یا انتحاری گروه های فلسطینی استفاده می شود.[١٣٧١]

ماهیت تروریسم و مبارزه با آن :

مقابله و مبارزه با تروریسم نبرد با دشمنی است که بطور ایدئولوژیک در میان برخی ملت ها ریشه دوانده است. به همین جهت برخی معتقدند، جنگ با تروریسم، نبرد با ایدئولوژی ها و عقیده هایی است که قتل وآدم کشی جزء ذاتی اعتقادشان است. از این جهت درکوتاه مدت، این مبارزه شامل استفاده از نیروی نظامی و سایر ابزارهای قدرت ملی برای کشتن یا دستگیر کردن تروریست ها، محروم کردن آنها از پناهگاه امن و کنترل کشورهایی است که از آنها حمایت می کنند. این کنترل می تواند شامل ایجاد ممانعت از دسترسی تروریست ها به سلاح های کشتار جمعی و یا قطع منابع حمایت مالی به آنها باشد ، اما در درازمدت، پیروزی در جنگ علیه تروریسم به معنای پیروزی در نبرد با ایدئولوژی های توجیه گر مرگ یعنی ایدئولوژیهای خطرناکی است که معتقدند "ما چه بکشیم و چه کشته شویم پیروزیم". چنین ایده‌هایی، افسون‌زده‌ها را به قاتلی تبدیل می کنند که مایل به کشتن قربانیان بی‌گناهی هستند که تنها جرم شان تفاوت اندیشه و باورشان و یا نوع دین و مذهب شان است. افسون زده ها از اینکه خود در این راه جانشان را از دست بدهند، ابایی ندارند. بدین ترتیب ایدئولوژی مذهبی توام با جهاد و قتال نه تنها افیون توده هاست بلکه افیون حکمرانان دینی هست ، زیرا آنها را در توهمات ناشی از تلقین های مداوم باورهای خرافی قرار می دهد ، چنانکه با به قهقرا رفتن جامعه متاثر از رهبری دینی آنان ، همچنان در این توهم هستند که دیگر جوامع همگی به انحراف می روند و تنها جامعه سعادتمند همان جامعه ای است که آنها رهبریش را بر عهده دارند. این افیون امروزه با سیاست و فساد و طرح های استعماری نو از سوی کشورهای غارتگر در هم آمیخته و به جان برخی ازجوامع جهان سومی خصوصا در خاورمیانه با پیشینه اسلام گرایی افتاده است و توهم و افسون زدگی ناشی از آن همچون مرضی مسری به بسیاری از آنها سرایت کرده است. در این نوع جوامع هر نوع واپس گرایی و رجعت به سنتهای گذشته ارزش است و هر نوع پیشرفت و خلاقیت و نوآوری، بدعت و کفر است و توسعه و رفاه مفاهیمی شیطانی و حیوانی هستند. افراد زیادی در کشورهای مختلف داوطلبانه جذب فعالیت های تروریستی می شوند و فعالیت‌های مجرمانه آنها مورد حمایت مالی برخی دولت های فاسد قرار می گیرد. توانایی تروریست ها در جلب و جذب افراد و تامین مالی خودشان ، توانایی، برد و کشندگی تروریست‌ها را افزایش داده است. متأسفانه، تمرکز

١٣٧١ -Ali Khan(٢٠٠٦) , A Theory of International Terrorism , Martinus Nijhoff Publishers, pp٣٣٩-٣٤٠, p٢٣٦

کنونی نهادهای ضد تروریسم برای مبارزه با توانایی تروریست ها در تامین مالی خودشان بسیار کم است و بدون توجه مطلوب به این جنبه از مبارزه با تروریسم، جهان مطمئناً درگیر یک جنگ طولانی و پرهزینه با تروریست ها خواهد بود.

اقدامات خشونت بار تروریستی از دو طریق به روند شکل گیری جرم و جنایت در یک جامعه سرعت و شدت می بخشند. تروریست ها مستقیما در مورد شهروندان دریک جامعه هدف جرم و جنایت مرتکب می شوند و بعلاوه به اموال و منافع آنها تعدی و تجاوز نموده و خسارت وارد می کنند. از طرف دیگر، جامعه در واکنش به این اقدامات، و تحت تاثیر تبلیغات و قالب های ذهنی که از سوی رسانه ها و یا دولت بر علیه اقدامات تروریستی شکل می گیرد؛ با ابراز انزجار، تنفر و نفرتی که نسبت به تروریست ها و هرکسی که شائبه ای از حمایت و همراهی با تروریست ها را دارد، خشونت متقابل نشان می دهند و به این ترتیب، خشونت به باز تولید خشونت می انجامد و عملا جامعه تبدیل به میدان رویارویی خونین میان دو جریان تبدیل می شود. نمونه هایی از آن را می توان در خبرهای ناگوار گوناگونی از برخوردهای خشونت بار ناشی از ابراز نفرت و انزجار غربی ها که بعد از حملات یازده سپتامبر نسبت به مهاجرین اعراب و مسلمان در این کشورها گزارش شده است، مشاهده نمود. این موج خشونت ناشی از ابراز انزجار جامعه در برابر اقدامات تروریستی در واقع واکنش و پاسخی است که جامعه متاثر از تبلیغات و رویکرد سیاسی دولت در قبال تروریست ها از خود بروز می دهد.[۱۳۷۲]

بعد از درک وخامت اوضاع و اینکه خشونت ترور با خشونت نفرت از ترور به باز تولید فراینده جرم و جنایت در دنیا منتهی خواهد شد. تعدادی از کشورها تدابیر عاقلانه تری در پیش گرفتند. در ژانویه ۲۰۰۷، رییس دادستانی عمومی بریتانیا، کن مکدونالد، "جنگ علیه تروریسم" را "مفهومی خطرناک" اعلام کرد و این موضوع را بیان کرد که مبارزه ما در خیابان های بریتانیا علیه تروریسم نیست ، بلکه ما در حال جنگ برای پیشگیری از جرم هستیم. (مکدونالد ۲۰۰۷: ۲). دیگر مقامات بریتانیا به سرعت از این رویکرد استقبال و پیروی کردند و نسبت به پیامدهای سیاسی و تحریک آمیز مفهوم جنگ با تروریست ها هشدار دادند و در عوض ترجیح دادند چرخش از "مقابله با ترور" به "پیشگیری از جرم" صورت گیرد. در یک سخنرانی در مرکز همکاری های بین المللی ایالات متحده، هیلاری بن، وزیر توسعه بین‌الملل، استدلال کرد که در بریتانیا ما از عبارت "جنگ علیه تروریسم" استفاده نکردیم ، زیرا در این مورد ما نمی توانیم تنها با ارتش پیروز شویم.(Benn,۲۰۰۷:۱). یک سال بعد ، وزارت کشور بریتانیا یک "کتاب عبارات" برای کارمندان دولتی تولید کرد و از آنها خواست که عبارت "جنگ علیه ترور" را

۱۳۷۲ -Angharad Closs Stephens & Nick Vaughan-Williams(۲۰۰۹), Terrorism and the Politics of Response, Routledge, P۱۷۳

رد کنند و از عبارت "کمک به آسیب پذیران" استفاده کنند. کمک به آسیب پذیران در جوامع برای ایجاد تاب آوری در برابر افراط گرایی خشونت آمیز، قتل و جنایت تعریف شده است . (گاردین، ۲۰۰۸).[۱۳۷۳]

پیش تر ازآن گزارش ها نشان می دهد که مشکوک بودن ،تجسس، زیر نظر داشتن، توهین، نظارت، پرسش و تحقیر از نظر قومی و نژادی در مورد جوانان آسیایی بعد از اقدامات تروریستی ۷ ژولای ۲۰۰۴ در لندن افزایش یافت. در سال ۲۰۰۵، مردان جوان آسیایی پنج برابر بیشتر احتمال داشت در خیابان ها و سیستم حمل و نقل لندن متوقف شوند و نسبت به سفیدپوستان اوراق هویتی آنان بیشتر بررسی شود آن هم در لندن که جهان شهر تلقی می گردیـد.[۱۳۷۴] متاسفانه در جامعه و دنیایی بسر می بریم که همه از هر سوی خود را نه تروریست یا حامی آن بلکه خود را قربانی ترور و خشونت می دانند. اما عملا در عرصه سیاسی در دنیا و در مقیاس دولت ها ، با چند قطبی شدن جهان شاهد یک جنگ ترکیبی میان دولت –ملت ها هستیم. این جنگ ترکیبی عبارتست از ترکیبی از جنگ های مختلف از جنگ کلاسیک واقعی در میدان نبرد، تا جنگ نیابتی ، در کنار جنگ روایت ها و جنگ تبلیغاتی و جنگ اقتصادی و جنگ سایبری و سایر اشکال رویارویی و خصومت مانند ترور و انواع خشونت های سازمان یافته.

کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم(CFT)

سی‌اف‌تی(CFT)[۱۳۷۵] یک کنوانسیون بین‌المللی است که در سال ۱۹۹۹ به منظور مقابله با تأمین مالی تروریسم توسط سازمان ملل متحد تصویب شده‌است. اجرای کنوانسیون‌های جهانی مربوط به جرم انگاری پول‌شویی و توقیف عواید حاصله، احراز دقیق هویت مشتری، حفظ سوابق، گزارش معاملات مشکوک، ایجاد واحد اطلاعاتی مالی برای نظارت بر معاملات مشکوک و همکاری بین‌المللی برای تحقیق و پیگرد پول‌شویی، نظارت ویژه بر نهادهای غیرانتفاعی برخی از سرفصل‌هایی است که مد نظر گروه ویژه FATF[۱۳۷۶] است. گروه ویژه اقدام مالی

۱۳۷۳- Angharad Closs Stephens & Nick Vaughan-Williams(۲۰۰۹), Terrorism and the Politics of Response, Routledge , p۱۹۵- ۱۹٦.

۱۳۷٤- Ibid; p۸۸ .

۱۳۷٥ -Terrorist Financing Convention

۱۳۷۶ – کارگروه اقدام مالی، (Financial Action Task Force) یا FATF در سال ۱۹۸۹ میلادی از سوی کشورهای گروه هفت (۷G) شکل گرفت ؛این یک سازمان بین‌دولتی است که اهداف توسعه و پیشرفت واکنش بین‌المللی در مقابل پول‌شویی را دنبال می‌کند. پس از واقعه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، مسئله تأمین مالی تروریسم به عنوان مسیری تازه برای این سازمان مطرح و این موضوع به‌عنوان یک مأموریت جدید به آن سازمان محول شد. در سال ۲۰۰۸، مسئله تأمین مالی فعالیت‌های اشاعه‌ای و تسلیحات کشتار جمعی شیمیایی و اتمی به عنوان دیگر مأموریت‌های این گروه در فهرست کارشناسی‌های FATF قرار گرفت. کارکرد کنونی آن، وضع استانداردهایی برای مقابله با پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم و سایر جرائمی است که سلامت نظام مالی را تهدید می‌کند. آنچه این گروه ویژه استانداردهای جهانی برای مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم می‌نامد، در قالب ۴۰ توصیه برای مبارزه با پول‌شویی و ۹ توصیه ویژه برای مبارزه با تأمین مالی تروریسم منتشر شده است و تقریبا در سطح جهانی مقبولیت عام یافته است و قوانین علیه پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم در سرتاسر دنیا استفاده می‌شود. استانداردهای مذکور ابتدا در ۱۹۹۰ تدوین و به‌تدریج اصلاح شدند. گروه ویژه اقدام مالی مدعی است که در تدوین این استانداردها حاشیه مانوری برای کشورها در نظر گرفته شده تا آن‌ها بتوانند توصیه‌های مربوطه را مطابق شرایط و الزامات قانونی خاص خود اجرا کنند.نقل از تابناک :

https://www.tabnak.ir/fa/tags/۸۷٦٤۸/۱/cf

تلاش می کند اجرای این استانداردها در کشورها را افزایش دهد و همکاری بین‌المللی برای مبارزه با سوءاستفاده از بنگاه‌های اقتصادی و نظام مالی و ارتکاب جرائم یادشده را تشویق کند و ایران برای این که از لیست سیاهFATF خارج شود، باید عضویت در کنوانسیون CFT را بپذیرد. [۱۳۷۷]

دولت روحانی همزمان با توافق برجام ، تلاش کرد ایران را از لیست سیاه FATF حذف کند و برای این منظوردولت باید نقائص استراتژیک در سیستم مالی خود را شناسایی می کرد. لذا به بانک مرکزی دستور داده شد تا ساختارهای مناسب فراهم کند و منابع مالی کافی برای مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم ایجاد نماید. با این وجود، گروهی از کسانی که از شرایط عدم شفافیت ، فساد و رانت در دوران تحریم منافع و سود می بردند و طرفدار قوانین مبهم و غیر شفاف در نقل و انتقالات مالی و پولی و حساب‌های بانکی و تراکنش‌های مالی هستند، در پذیرش قوانین مربوط به FATF کارشکنی و مانع تراشی نمودند.

از آن پس افرادی که در شبکه های قاچاق در سراسر کشورهای خاورمیانه فعال بودند از اینکه برجام از سال ۲۰۱۶ متوقف شده است خرسند شدند و منتظر اعمال مجدد تحریم‌های اقتصادی علیه ایران ماندند تا از شرایط آن برای منافع خصوصی خود بهره برداری کنند. بخشی از بدنه حاکمیت نیز از اینکه پیروزمندانه و با ژستی انقلابی و حق به جانب موفق شده بودندکه برای برهم زدن توافقات برجام و مخالفت خوانی با پیوستن به FATF به منافع خود برسند، اظهار خرسندی می کردند.آنهایی که در دوران ریاست جمهوری روحانی مانع اصلی شکل گیری توافقات برجامی و پیوستن به CFT بودند و به مثابه دولت در سایه عمل می کردند ، در پروپاگاندای حکومتی با حمایت مراکز پر نفوذ قدرت ، دولت بعدی را با بیرون آوردن نامزد برگزیده خودشان ابراهیم رییسی در یک انتخابات کاملا غیر رقابتی بر کرسی ریاست جمهوری نشاندند.

در طی این مدت بررسی CFT در مجلس جنجال به پا کرد و تا دو ماه مسکوت ماند. تصویب این لایحه از جمله شرایط حذف دائم ایران از لیست سیاه FATF یا گروه ویژه اقدام مالی علیه پول‌شویی است.

از میان مواضع سیاسی مقامات جمهوری اسلامی در مورد کنواسیونهای بین المللی بطور کلی و این سه کنواسیون مرتبط با مبارزه با فساد و جرایم اقتصادی که بطور خاص در مورد مبارزه با جرایم سازمان یافته ، مقابله با تامین مالی تروریسم و پولشویی است، نظر رهبر انقلاب اسلامی ایران برجسته تر است و دیگر مقامات سیاسی تقریبا همگی متاثر از موضع گیری ایشان اظهار نظرهایی کرده اند. "رهبر جمهوری اسلامی در دیدار نمایندگان مجلس بر ضرورت برخورد هوشمندانه با این گونه کنوانسیون‌ها و معاهده‌های بین‌المللی تاکید و خاطر نشان کردند : این معاهدات ابتدا در اتاق‌های فکر قدرت‌های بزرگ و برای تأمین منافع و مصالح آنها پخت و پز می‌شود و سپس با پیوستن دولت‌های همسو یا دنباله رو یا مرعوب ، شکلِ به ظاهر بین‌المللی می گیرد ، به‌گونه‌ای که اگر کشور مستقلی

۱۳۷۷ - https://www.tabnak.ir/fa/tags/۸۷٦٤۸/۱/cf

مانند ایران، آنها را قبول نکند او را مورد هجوم شدید قرار می‌دهند که مثلاً ۱۵۰ کشور پذیرفته اند شما چطور آن را رد می کنید؟"[۱۳۷۸]

ضمن منطقی دانستن اصل لزوم داشتن هوشیاری و دقت در بررسی و ارزیابی منافع کشور در پیوستن یا نپیوستن به کنوانسیون های بین المللی وحتی ابراز تردید داشتن نسبت به برخی از مقررات و قوانین و ضوابط و مشاوره ها و نظرات نهادهای بین المللی، با توجه به پیشینه عملکردی آنها ، همچنان یک پرسش اینجا مطرح است که چگونه و بر چه اساسی، می توان ادعا کرد ۱۵۰ کشور پذیرنده ی یک کنواسیون ، مرعوب یا مطیع و یا همسو با قدرت های بزرگ غربی هستند و فقط ایران و چند کشور معدود، خود را کشور مستقل می دانند ؟ آیا هیچکدام از آن یکصد و پنجاه کشور جهان منافع ملی خود را در نظر نگرفته اند و یا نسبت به عملکرد نهادهای بین المللی که خود نیز عضوی از آن هستند ابراز تردید ندارند؟ یا پشت این چنین موضع گیریهای سیاسی و ایدئولوژیک، نیات دیگری وجود دارد، که در این پژوهش به مواردی از آنها اشاره شده است؟! در هرحال نگاهی دوباره به فهرست کشورهایی که این گونه کنوانسیون ها را نپذیرفته اند، خود گویای درجه استقلال و وزن و جایگاه آنها در نظام بین الملل است. به عنوان نمونه چنانکه در زیر نویس صفحات پیشین اشاره شد، کشورهای زیرکنواسیون پارلمو(علیه جرایم سازمان یافته فراملی) را نپذیرفته اند : "بوتان ، کنگو، ایران، پالائو، پاپائوگینه نو، جزایر سلیمان، سومالی ، سودان جنوبی، توالو ".

همچنین تا سال ۲۰۲۰ تعداد ۳۶ کشور و دو نهاد بین المللی یعنی شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا عضو دائم FATF و یک عضو ناظر (اندونزی) در این نهاد وجود دارد. همچنین چند نهاد بین المللی از جمله بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، اینترپل، یوروپل نیز عضو ناظر FATF هستند که اعضای ناظر نیز در برخی موارد خاص در تصمیم گیری‌ها شرکت می‌کنند. این کارگروه بر ۲۰۵ حوزه قضایی (کشور) در سراسر دنیا نظارت دارد که این حوزه‌های قضایی ممکن است کشورهای غیرعضو یا نهادهای منطقه‌ای یا سازمان‌های ناظر باشند. از سال ۲۰۰۹ تا سال ۲۰۱۶ ایران جزء کشورهای اقدام مقابله ای[۱۳۷۹] بود، اما بعد از اینکه طیب نیا وزیر اقتصاد وقت با FATF وارد مذاکره شد و برنامه اقدام مشتمل بر ۴۱ بند را پذیرفت، ایران از اقدام مقابله ای خارج و در بخش کشورهای دارای ریسک بالا قرار گرفت. هم اکنون علاوه بر ایران، کشورهای کره شمالی، یمن، سوریه، باهاما، بوتسوانا، غنا، جمهوری ترینیداد و توباگو، صربستان، سریلانکا و تونس نیز در این بخش قرار دارند. منظور از کشورهای دارای ریسک بالا این است که اگر در این کشورها سرمایه گذاری انجام شود، دولت ها یا اشخاص سرمایه گذار باید ریسک های موجود در این کشورها را مدنظر قرار دهند.

۱۳۷۸ - https://www.tabnak.ir/fa/tags/۸۷٦٤۸/۱/cf

۱۳۷۹ - **Counter-measures**

خبرگزاری جمهوری اسلامی در هشتم دی ماه ۱۳۹۸ و در پاسخ به ادعای آن دسته از مخالفان تصویبFATF که می‌گویند پیوستن ایران به این لوایح، حمایت ایران از محور مقاومت را ناممکن می‌کند ، این خبر را پوشش داد که براساس آن کشورهای محورمقاومت یعنی یمن، عراق، سوریه و لبنان همگی کنوانسیون‌های CFT و پالرمو را پذیرفته‌اند و امروز نه تنها در لیست سیاه قرار ندارد بلکه، هیچ مشکلی برای این کشورها به وجود نیامده است و بدین ترتیب سعی نمود چهره ریاکارانه آن دسته ازمخالفان پیوستن FATF را آشکار سازدکه با ژست انقلابی و پنهان شدن در پشت ادعای دفاع از محور مقامت، به دنبال تعقیب منافع شخصی و جناحی خود ناشی از عدم شفافیت در شرایط موجود هستند.[۱۳۸۰]

۱۳۸۰ - "پذیرش FATF در محور مقاومت " https://www.irna.ir/news/۸۳۶۱۲۹۱۲

فصل دهم : جرم و فساد در اقتصادهای آشوب زده

سالها پیش آلوین تافلر و همسرش در جنگ و پادجنگ و همچنین در جابجایی قدرت و دیگر تالیفاتشان به یک ویژگی بارز تحولات عصر انقلاب های صنعتی و عصر تکنولوژی یعنی دوگانه ، " تولید انبوه و کشتار انبوه" اشاره کرده بودند و توضیح داده بودند که چگونه همانطوری که رفاه ناشی از تولید و مصرف انبوه دستاورد تحولات تکنولوژیک عصر انقلاب صنعتی و تحولات بعدی آن است، کشتار انبوه و قتل عام های میلیونی دستاورد تکنولوژیک بشر امروزی در موج سوم بوده است. در این مورد اخیر صنعت و تکنولوژی در خدمت جنایات جنگی بزرگ قرار می گیرد و از اینجا نقش رهبران سیاسی ، دولت ها و مقامات سیاسی، سرکردگان و حکمرانان قدرتمند در راه اندازی جنگ های خونین و خسارت بار و جنایات علیه بشریت بطور پر رنگی خودنمایی می کند. وقتی متاثر از موج تحولات تکنولوژیک و به عنوان دستاورد انقلاب صنعتی چهارم ، تهدیدهای آینده حیات بشر، با چشم انداز تحولات در جنگ افزارهایی با ویژگی های "ارزان، کوچک و هوشمند"، ترسیم و توصیف می شود، خطرات امنیتی بیش از پیش خود نمایی می کنند.[۱۳۸۱]

هم زمان که دولت ها، سیاستمداران ، نیروهای اطلاعاتی و امنیتی، سازمانهای نظامی و انتظامی، پلیس و رسانه های رسمی و دولتی در نگاهی کلیشه ای "جرایم و جنایات معمول" را عمده ترین، معضلات اصلی در جوامع آسیب پذیر بر می شمرند و تداوم و ضرورت ماموریت ها و اقدامات خود را در مقابله با آنها توجیه می کنند ، افکارعمومی فرهیخته و جامعه مدنی هوشیار، در مقطع مختلف پرده از جرایم و جنایاتی برمی دارند که توسط حاکمان قدرتمند، رهبران متوهم، سیاستمداران، دولت ها و باندهای بزرگ مافیایی و تروریستی و سازمان های جنایتکار تحت حمایت پنهان و آشکار دولت ها ترتیب داده می شود که در بسیاری موارد نامرئی می نمایند ، یا کم اهمیت تلقی می شوند و پیامد اقداماتشان در نهایت به عنوان یک "تصمیم بد" یا "اشتباه نادر" یا " خطای سهوی " یا نهایتا نوعی "بی کفایتی" و نه جنایت و فساد تعمدی در ادبیات سیاسی تفسیر می شود. بعلاوه مقامات دولتی از مصونیت قضایی برخوردارند و این پدیده موضوعی است که هنوز در حوزه جرم شناسی و عدالت کیفری در حاشیه باقی مانده است. در حالی است که جنایات ارتکابی از سوی صاحبان قدرت سیاسی و حکمرانان و دولتمردان

۱۳۸۱ -T. X. Hammes, The Melians’ Revenge: How Small, Frontline, European States Can Employ Emerging Technology to Defend Against Russia, Issue Brief (Washington, DC: Atlantic Council, June ۲۰۱۹), available at <https://www. atlanticcouncil.org/wp-content/uploads/۲۰۱۹/۰۹/The_Melians_ Revenge.pdf>.

اغلب ، باعث خسارات سنگین، آسیب های عظیم، جنایات پرشمار، تداوم نابرابری های بیشتر و تخریب و ویرانی انبوه و قربانی شدن صدها تا هزاران نفری و آوارگی و بی خانمانی میلیونی انسان های بیگناه می گردد که در مقایسه با جرایم و جنایاتی که توسط معدودی شهروندان معمولی رخ می دهد و در گزارش های حوادث بطور روزه مره گزارش می شود، اصلا قابل اغماض نیست.

آغازگران جنگ جهانی دوم چه کسانی بودند و به چه میزان در جنایات علیه بشریت سهیم هستند؟ حمله هیتلر، به فرانسه و لهستان و روسیه چه پیامدهایی داشته است ؟ نظامیان آمریکایی در آنسوی دنیا با چه توجیهی، دست به قتل و کشتار ساکنان مناطق تحت اشغال درکشورهای دیگر می زنند؟ تجاوز صدام حسین به ایران و پافشاری بر استمرار جنگ با هدف تنبیه متجاوز برای هشت سال از سوی رهبران جمهوری اسلامی ، چه دستاوردها و پیامدهایی برای دو ملت ایران و عراق داشته است؟ خسارات جانی و مالی وارده ناشی از دو جنگ خلیخ فارس و تجاوز و جنایت صدام در حمله به کویت و یا قتل عام کردها و شیعیان را چگونه می توان توجیه کرد ؟ رقابت ها و همکاریهای سیاسی و نظامی دولت های ایران، روسیه و عربستان و ائتلاف عربی و سایر کشورها در قالب جنگ های نیابتی و ظاهرا علیه تروریست ، در سوریه و عراق و یمن، چه پیامدی برای مردم خاورمیانه و از جمله مردم آن کشورها داشته است؟ آیا تجاوز روسیه به رهبری پوتین علیه اوکراین تنها یک عملیات ویژه نظامی تلقی می شود یا یک جنایت علیه بشریت است؟ نقش ناتو در برقراری امنیت بیشتر است یا در جنگ افروزی بیشتر است ؟ حجم مبادلات سلاح و مهمات از لحاظ ارزش در تمام این جنگ ها چقدر بوده است؟ تروریسم بین الملل وحامیان آنها چه پیامدهایی برای جهان دارند؟ تحریم های بین المللی تسلیحاتی و اقتصادی طرف های درگیر چقدر توانسته جرایم و جنایات جنگی را کاهش دهد و چه پیامدهایی برای مردم آن کشورها داشته است؟ شیوه ها ، کانال ها و ضوابط و مقررات انتقال پول و سلاح و نیرو و مهمات و قوه عاقله ای که حاصل کارش ماه ها کار کارشناسی مقامات سیاسی و نظامی ارشد کشورهای مختلف در قالب تهیه طرح های عملیاتی و برنامه ریزی برای چنین تجاوزات و مداخلات مجرمانه ای بوده است ، تحت عنوان چه نوع داده ها و اطلاعاتی در محاسبات کلان اقتصادی دولت ها و در قالب بودجه های نظامی، امنیتی ، اقتصادی و سیاسی قابل رهگیری، پیگیری و بررسی است؟ به نظر می رسد بخشی از موضوعات قابل طرح و بررسی درباره ی اقتصاد پنهان، یا اقتصاد در سایه باید معطوف به شفاف سازی و تابانیدن نور بر این وجه از اقدامات و عملکرد دولت ها و رقابت میان قدرت های سیاسی ایدئولوژیک در مقیاس جهانی و منطقه ای باشد. برآورد خسارات و هزینه های اقدامات جنایتکارانه ، تجاوز کارانه و یا مداخله جویانه آنها و پیامدها و آثار اقدامات نظامی و اقتصادی آن سیاست ها از موضوعات حایز اهمیت است.

با این وجود جالب است که بدانیم از دیدگاه قانونی، این دولت ها هستند و نه جرم شناسان، که تعیین می کند، چه رفتارهایی قانونی وکدام غیرقانونی است و در میان رفتارهایی که غیرقانونی هستند، کدامیک به عنوان جرایم سنگین

معرفی می شوند و کدامیک جرایم خفیف و تخلفات جزئی، و اداری غیر کیفری تلقی خواهند شد. تنها در مواردی نادر و محدود برخی مجامع و نهادهای بین المللی و یا دادگاه های بین المللی که در اغلب موارد همان ها هم متاثر از اراده دولت ها در حمایت یا محکومیت یکی از طرفین دعوا با بده - بستان های سیاسی و زد و بندهای مختلف و معاملات پشت پرده به ندرت به یک اجماع می رسند و این قدرت را می یابند تا علیه اشخاصی در قد و قامت رهبران، روسا و مقامات تراز اول و دوم و مقامات سیاسی ارشد یک دولت، احکام قضایی قابل تعقیب صادر کنند. جرم شناسانی که در راستای مصالح عمومی به بررسی علل و ریشه های جرایم و مفاسد در جوامع می پردازند، در ارزیابی جرایم و جنایات صاحبان قدرت و حکمرانان، توجه خود و افکار عمومی را به مسائل مختلفی به شرح زیر جلب می کنند:

- کنترل ابزارهای رسانه ای و فرهنگی در اختیار قدرتمندان است
- تلاش صاحبان قدرت برای شکل دادن به افکار عمومی در جهت تحقق تمایلات خویش است
- درک نظری و مطالعه ابعاد جنایات قدرتمندان مهم است.
- گونه شناسی جنایات قدرتمندان با مثال ها و مطالعات موردی باید مورد توجه باشد.
- قربانیان جنایات قدرتمندان حایز اهمیت هستند.
- نظم و مقاومت در برابر جرایم نخبگان باید بررسی شود.

خیال پردازی مبتنی بر توهمات ایدئولوژی گرایانه رهبران سیاسی که بصورت دستور کار و خطوط کلی سیاست به عوامل و نهادهای تحت فرمان در غالب کشورهای جهان برای ژیاده سازی و اجرا عملیاتی شده، عامل بروز جنگ های بزرگ و خسارت بار بوده است. نفرت پراکنی و دمیدن بر اختلافات و تخصمات بین دولت-ملت ها، و بروز جنگ های داخلی، منطقه ای عامل وقوع جنایات جنگی و کشتار وسیع و نابودی زیر ساخت های کشورها بوده است. بویژه در کشورهای اسلامی و یا در جغرافیای تحت قلمرو و تحت نفوذ جرایانات اسلامگرا وضعیت بشدت بحرانی است. در بسیاری از کشورهای خاورمیانه، جرم و فساد در هییت حاکمه دولت ها در لفافه ای از مذهب و باورهای مذهبی پوشیده شده است. مذهب در این کشورها تبدیل به ابزاری برای توجیه فساد و جرم و جنایت توسط حکومت ها شده است. این رژیمها سال هاست که از دین به عنوان ابزاری برای به تبعیت درآوردن مردم خود استفاده کرده اند و پیشینه های سیاسی تاریخی منطقه نیز به آنها کمک کرده است. پیامد این سیاست ، جنگ های فرقه ای و مذهبی، نزاع میان شیعه و سنی و سوء استفاده از تعابیر دینی و بکاربردن نا بجای ابزارهای توجیه مذهبی همچون اجرای احکام شریعت، تکفیر ، جهاد و جنگ مقدس، ارتداد ، بغی و غیرو برای راه اندازی جنگ و ترور و سرکوب اعتراضات مردمی و سربه نیست کردن مخالفان بوده است. فقر، فساد، ناآرامی و بی ثباتی از دیگر پیامدهای این شیوه حکمرانی در کشورهای مسلمان خاورمیانه ای بوده است. به نظر می رسد

برخی از رهبران و مقامات سیاسی کشورهای منطقه خود نیز کاملا به وضعیت ملل در بند این مناطق واقفند. رهبر جمهوری اسلامی ایران درسال ۱۳۹۵ ، در یک سخنرانی با حضور مسوولین و مقاماتی از کشورهای مسلمان منطقه در تجمعی تحت عنوان "کنفرانس وحدت اسلامی"، در توصیفی از وضعیت منطقه چنین گفتند : "امروز شما ملاحظه کنید از منتهی الیه شرق آسیا در میانمار مسلمان‌کشی هست، تا غرب آفریقا در نیجریه و امثال اینها، همه جا مسلمان ها [کشته میشوند]؛ حالا یک‌جا به دست بودایی کشته می شوند، یک‌جا به دست بوکوحرام و داعش و امثال اینها کشته می شوند. یک عدّه‌ای هم در این آتش ها می دمند، شیعه‌ی انگلیسی و سنّی آمریکایی مثل هم هستند، همه دولبه‌ی یک قیچی هستند، سعی شان این است که مسلمان ها را به جان هم بیندازند، این پیام اراده‌ی تفرقه است که اراده‌ی شیطانی است ، امّا پیام وحدت این است که اینها از این اختلافات عبور بکنند، در کنار هم قرار بگیرند و با هم کار کنند." این فراز از صحبت های ایشان حایز نکات قابل تاملی است. اما نکته حایز توجه این است که سخنرانی ایشان درست در بازه زمانی ایراد شده که نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی همزمان در سوریه و عراق ، لبنان و بعدا یمن و برخی از کشورهای این منطقه حضور مستشاری و حمایتی و نظامی دارند. اگر چه ایشان به صراحت وهابیت سنی را منتسب به آمریکا و گرایشی خاصی از شیعه گری را منتسب به انگلیس می دانند ، ولی توصیف دقیقی از نقش منازعات میان فرق شیعه و سنی و تاثیر مداخله قدرت های غربی در این وقایع دارند که به دو لبه یک قیچی تشبیه می کنند. اما نکته اینجاست که دعوت ایشان از سایر کشورهای اسلامی برای وحدت و اتحاد جهان اسلام نیز با توجه به اینکه تبلیغات رسانه ای جمهوری اسلامی با صرف میلیاردها دلار هزینه و پول پاشی میان گروه های همسو در طی چند دهه گذشته برای حامی پروری در تلاش بوده تا شخص ایشان را به عنوان ولی امر مسلمین جهان، معرفی نماید، مورد انتقاد، اعتراض و اعراض بسیاری از کشورهای مسلمان منطقه قرار داشته است. ظاهرا دعوت به وحدت جهان اسلام حول اعتقادی فراگیر به دعوت حول شخصی واحد و قرائتی منحصر بفرد از مذهب تقلیل یافته و از این رو شاهدیم که در بیش از چهار دهه گذشته این دعوت به وحدت، دعوت به خود بوده است و نه دعوت به خدا و جز نمایشی ظاهری از اقتدار پوشالی برای مقامات جمهوری اسلامی و فریبکاری پوپولیستی در میان توده ملل مسلمان منطقه کمترین دستاورد عملی نداشته ، بلکه به دوری و اعراض بیشتر سران کشورهای مسلمان منطقه از سیاست های جمهوری اسلامی و افزایش رقابت و تخاصم میان آنها انجامیده است. بی دلیل نیست که طی چند دهه اخیر شاهد اختلافات و حتی رویارویی های نظامی مختلف میان کشورهای عضو کنفرانس وحدت اسلامی بوده ایم.

علاوه بر نزاع میان کشورهای منطقه، درون خود این کشورها، نوعی تقابل و رویارویی میان دولت- با ملت های خودشان در جریان است. خیزش اعتراضی مردم علیه شیوه حکمرانی دولت های حاکم بر کشورهای عربی موسوم به " بهار عربی" از زاویه فساد و ناکارآمدی سیاسی و اقتصادی دستگاه حاکمه در این کشورها قابل تحلیل است و

بسیاری از کارشناسان معتقدند که رویکرد تحلیلی در چارچوب تئوریهای اقتصاد سیاسی می تواند به ما در درک بهار عربی و همچنین پیامدهای بعدی آن کمک کند. مجموعه تحولات سیاسی و اجتماعی که تحت عنوان بهـار عربی نام گذاری شد و اغلب کشورهای عربی منطقه از شمال آفریقا تا کشورهای خاورمیانه ای کمـا بـیش آن را تجربه کردند(۲۰۱۱ت.آ) به لحاظ شاخص های حکمرانی و شاخص های اقتصادی حایز اهمیت بوده و مورد توجه تحلیل گران اقتصاد سیاسی قرار گرفته است. اکثر این ناظران برای تحلیل آن تحولات سعی کردنـد بـه برخـی از متغیرهای اقتصادی مانند (رشد پایین، نابرابری فزاینده، فساد و روابط تبارسالارانه و دوستانه، و افزایش بیکاری بـه ویژه در میان جوانان ومشکلات دیگر) برای توجیه ناگهانی و غیرمنتظره بودن این تحولات اشاره کنند.[۱۳۸۲] بطور مثال در لیبی، کشور به طور فزاینده ای طعمه ناکارآمدی، فساد اداری و هرج و مرج بوروکراتیک شده بود. معمـر قذافی رهبر لیبی که خود را پدر ملت لقب می داد، در اواخر دوران تصدی رهبری آن کشور، بیشـترین جنایـت و کشتار در مورد مردم کشورش خودش مرتکب شد. یکی از محرک های کلیدی انقـلاب ۲۰۱۱ لیبـی ، شکسـت پروژه اصلاحات دیر هنگامی بود که رژیم قزافی با هدف بازسازی وجهه خود در جامعه بین المللی آغاز کرد. در تلاش برای نشان دادن به جهان که لیبی در داخل و خارج در حال تغییر است و ارزش سرمایه گذاری خـارجی را دارد که به شدت به آن نیاز داشت تا بخش انرژی خود را آغاز کند، رژیم قزافی شروع به صحبت در مورد نیاز به اصلاحات کرد، به ویژه در حوزه اقتصادی ، قذافی از لزوم تنوع بخشیدن به اقتصاد به دور از اتکا به نفت و گاز و جذب سرمایه گذاری خارجی صحبت کرد. اما هم فرصت برای انجام اصلاحات دیرشده بود و هم اراده واقعی برای اصلاحات وجود نداشت. اعتماد عمومی جامعه به نظام حکمرانی از میان رفته بود و برخـی حرکـت هـای جنینـی اصلاحات که تازه آغاز شده بود، امید پرور نبود.[۱۳۸۳]

سایر کشورهای آشوب زده در این منطقه سرنوشتی مشابه داشتند. اغلب آنها کشورهایی بودند که در طی ده سال گذشته تاکنون با نرخ بالای جرم و فساد اقتصادی، انواع خشونت با دولت های متزلزل مواجه بودند و یا درگیر جنگ و تحریم های اقتصادی کمر شکن بوده اند که در ادامه به بررسی اجمـالی شـرایط برخـی از ایـن کشـورها می پردازیم.

خسارات ناشی از جنگ های مکرر در عراق

هرآنچه بر سر عراق آمد بواسطه وجود دیکتاتوری متوهم با ذهنی مریض بنام صدام حسین و ساختار حاکمیتی و مهره ها و بازیگرانی بود که او برای حفظ اقتدار پوشالی خود چیده بود. اگر بخواهیم پیامـدهای مخـاطره آمیـز تحمل وجود یک دیکتاتور را به عنوان یک مجرم در سطح بین المللی مورد ارزیابی قرار دهیم . کسی که دست به

۱۳۸۲ - Larbi Sadiki(۲۰۱۶)editor,Ibid,p۱۸۹
۱۳۸۳ - Larbi Sadiki(۲۰۱۶),Ibid ,p۱۷۷

نقض فاحش قوانین و مقررات بین المللی و ارتکاب انواع جنایت ، خشونت ، ترور ، جنگ و تجاوزگری می زند و حتی به سرکوب خونین شهروندان خودش و تحمیل هزینه های سنگین مادی و معنوی به ملت خودش و ملل همسایه و جامعه جهانی مبادرت می ورزد، به نمونه بارز آن صدام حسین می رسیم وخواهیم فهمید وجود یک رهبر مستبد، چقدر برای جهان پرهزینه و خسارت بار است.

صدام حسین علاوه بر تجاوز نظامی به خاک ایران ، دستور کشتار شهروندان کرد و بمب باران حلبچه را هم صادر کرد ، پس از آن به همسایه جنوبی خود ، کویت حمله کرد و بار دیگر مناطق شیعه نشین جنوب کشورش را هدف بمباران قرار داد. در این اواخر با چهره سازی جدیدی از خود ، نقش صلاح الدین ایوبی فرمانده با ابهت مسلمانان در جنگ های صلیبی را تداعی می کرد و حتی عده ای از ایدئولوگهای مذهبی در ایران که فریب ژست ضد اسراییلی – امریکایی او را خورده بودند ، در تلاش برای پاک کردن چهره ی جنایتکارانه گذشته اش از اذهان مردم ، او را سیف الاسلام و خالد ابن ولید زمان لقب می دادند. صدام در اواخر دوران تصدی رهبری عراق ، عملا به یک رهبر منزوی و غیر قابل اعتماد مبدل شد و اجماعی جهانی علیه او شکل گرفت و اربابانش تصمیم گرفتند دیگر با او مماشات نکنند.

سالیوان درباره وضعیت عراق بعد از دو جنگ و نهایتا اشغال آن کشور توسط ائتلاف به رهبری آمریکا چنین می گوید : اقتصاد عراقی ها در تمام شرایط و اهداف خود از سال های دهه ۱۹۹۰ سقوط کرده بود و تا قبل از اشغال کویت و بعد از جنگ هشت ساله با ایران در شرایط بسیار بغرنجی قرار داشت، اما برخی از فعالیت های خاص اقتصادی هنوز پابرجا بود، مردم شغل هایی داشتند و محل درآمدی وجود داشت و می توانستند آنچه را که به عنوان درآمد کسب کرده بودند، مصرف کنند. اما بلایی که تحریم ها بر سر عراق آورد بسیار بغرنج تر بود، چرا که ظرفیت اقتصادی عراق و توانایی این کشور برای بازسازی اقتصادش بعد از دو جنگ را عملاً کاهش داد، هرچند که بخشی از اثر تخریبی تحریم ها نیز ناشی از حماقت خود صدام بود. چنانکه برنامه نفت در برابر غذا در سال ۱۹۹۱ توسط سازمان ملل تصویب شد، اما صدام حسین تمام فرصت های فعال کردن این برنامه را تا سال۱۹۹۶ به تعویق انداخت و عملا پنج سال خود تحریمی بر ملت عراق تحمیل کرد ، آن زمان هم وقتی بود که جامعه جهانی با فشار فراوان توانست او را متقاعد به پذیرش این برنامه کند. حتی آن موقع نیز برنامه به دلیل وجود مسائلی چون فساد با ناکامی هایی مواجه بود و این فساد هم در عراق و هم در سازمان ملل وجود داشت، اما خود برنامه دارای یک توجیه ساده و بشردوستانه بود که صدام حسین سال ها از آن امتناع می ورزید که با توجه به پیشینه کارکردی صدام حسین که بارها نسبت به مردم خود ظلم و ستم فراوانی روا داشته بود، نشان می داد او هیچوقت به فکر معیشت و راحتی و رفاه مردم عراق نبود. او مغرورانه و بطرز احمقانه ای می خواست

عراق تحت رهبری خود را در برابر تحریم ها مقاوم نشان دهد و تحریم ها را بی اثر جلوه دهد و دنیا را به تمسخر بگیرد.[۱۳۸۴]

جنگ دوم ایالات متحده در عراق، تحت عنوان عملیات آزادسازی عراقی ، که ظاهراً برای خلاصی از توهم وجود سلاح های کشتار جمعی انجام شد، با مرحله ای از آنچه مفسران تلویزیونی آن را بمباران "شوک و هیبت" در ۱۹ مارس ۲۰۰۳ نامیدند ، آغاز شد.

صلح سبز در مورد جنگ دوم خلیج فارس گزارش می دهد، عراق به اندازه کل ماموریت های جنگی که صدام حسین در جنگ ایران و عراق ماموریت بمباران انجام داد، در یک روز از جنگ خلیج فارس بمباران را تجربه کرد که این شامل بیش از ۱۰۰۰ مأموریت بمباران بود که تقریباً ۶۰۰۰ بمب و بیش از ۲۰۰۰ تن مهمات پرتاب شد. به عباراتی هر بمب بطور متوسط بالغ بر ۳۳۰ کیلو مواد منفجره را در بر می گرفت. در جنگ دوم خلیج فارس با هدف برچیدن رژیم صدام ، یکی از اهداف مهم نظامی، نابودی تاسیسات و نیروگاه های تولید برق در عراق تعریف شد. علت این بود که در باره ی شکستن روحیه غیرنظامیان، برخی از برنامه ریزان حملات هوایی، از جمله ژنرال گلسون، استدلال می کردند که "خاموش کردن چراغ بغداد" تأثیرات روانی بر مردم عادی عراق خواهد داشت. با نشان دادن اینکه صدام حسین حتی نمی تواند جریان برق را در بغداد تامین کند، امید می رفت که کنترل حزب بعث بر مردم عراق سست شود و در نتیجه به ایجاد تغییر در رژیم کمک شود.[۱۳۸۵]

اکثر نیروهای ایالات متحده و متحدانش در سال ۲۰۱۱ عراق را ترک کردند، اما ایالات متحده در اواخر سال ۲۰۱۴ با عملیات نظامی معنادار و قابل توجه دیگری به عراق و سوریه بازگشت. جنگ برای حذف دولت اسلامی ("داعش") که قلمروهایی را در مناطق این دو کشور تصرف کرده بود انجام شد. عملیات نظامی دولت آمریکا در دو کشور عراق و سوریه همچنان کما بیش ادامه دارد. هزاران جنگجوی محلی و بین المللی از نیروهای مسلح و پلیس عراق گرفته تا جنگجویان ایالات متحده و سایر متحدانش - کشته و زخمی شده اند. در مجموع تلفات مستقیم غیرنظامیان و رزمندگان در دو منطقه جنگی، عراق (از زمان تهاجم ایالات متحده در سال ۲۰۰۳) و سوریه (از آغاز عملیات تصمیم در سال ۲۰۱۴) در مجموع حدود ۵۵۰۰۰۰ تا ۵۸۰۰۰۰ نفر است. اما تلفات بزرگتری وجود دارد که به عنوان مرگ غیر مستقیم شناخته می شود. اگرچه دانستن تعداد دقیق آن دشوار است، اما شاید دو یا سه یا چهار برابر این تعداد به دلایل غیرمستقیم مانند مهاجرت، دسترسی ناکافی به آب آشامیدنی سالم و مراقبت‌های بهداشتی و بیماری و رنج آواره گی جان خود را از دست داده باشند. ارزیابی سال ۲۰۱۴ نشان می دهد، بیش از ۷

۱۳۸۴ - ریچارد نفیو(۱۳۹۷) ، هنر تحریمها، نگاهی از درون میدان، انتشارات مرکز پژوهش های مجلس-معاونت پژوهشهای اقتصادی ، ص ۲۳

۱۳۸۵ - Arkin et al.۱۹۹۱:٦; Keaney and Cohen ۱۹۹۳: vol. II, part II, ch. ٦, p. ۱۹; Ruth Blakeley(۲۰۰۹), State Terrorism and Neoliberalism, First published, Routledge, p۸۰

میلیون نفر از عراق و سوریه پناهنده و نزدیک به ۸ میلیون نفر در داخل دو کشور آواره هستند. تخریب زیرساخت‌های محلی وپیامدهای زیست‌محیطی، از جمله انتشار گازهای گلخانه‌ای مرتبط با جنگ و آسیب به اکوسیستم‌های محلی و منطقه‌ای، تا مدت‌ها بعد از جنگ ادامه خواهد داشت.[۱۳۸۶]

هزینه ی جنگ های ایالات متحده شامل هزینه های مستقیم نظامی برای اجرای عملیات های وزارت دفاع و وزارت امور خارجه است، اما این بودجه شامل هزینه های اضافی دیگر هم می شود، از جمله افزایش بودجه پشتیبانی یا "پایه" پنتاگون و بودجه برای مراقبت های پزشکی و معلولیت نظامیان آسیب دیده در جنگ. برآورد ارائه شده در اینجا برای هزینه‌های بین سال‌های ۲۰۰۳ تا اوایل سال ۲۰۲۳ و هزینه‌های احتمالی آینده مراقبت‌های پزشکی جانبازان جنگ عراق در ایالات متحده است. مجموع هزینه های ایالات متحده تا به امروز حدود ۱,۷۹ تریلیون دلار برآورد شده است، بدون احتساب وجوه درخواستی برای سال مالی ۲۰۲۴. اگر هزینه های مراقبت های پزشکی و ناتوانی نظامیان آسیب دیده در آینده ایالات متحده در نظر گرفته شود ، این هزینه ها تا سال ۲۰۵۰ به حدود ۲,۸۹ تریلیون دلار خواهد رسید. رقم گزارش شده برای هزینه های ایالات متحده در جنگ شامل تمام هزینه های جنگ است. اگرکمک های خارجی برای بازسازی از ناحیه ی متحدان ایالات متحده، به ویژه عراق، بریتانیا ، ایتالیا ، استرالیا، کره جنوبی و لهستان، و کمک های چندجانبه غیر ایالات متحده محاسبه شود ، باید حدود ۱۷۴ میلیارد دلار به رقم پیشین افزود.[۱۳۸۷]

رویترز نیز برآوردهایی در همین حدود را ارائه کرده است. " واشنگتن (رویترز) : گزارش روز دوشنبه حاکی از آن است که عملیات نظامی ایالات متحده، از جمله جنگ عراق و افغانستان، از سال ۲۰۰۱ تاکنون ۹۰۴ میلیارد دلار هزینه داشته است و ممکن است تا سال ۲۰۱۸ به ۱,۷ تریلیون دلار برسد، حتی با کاهش شدید استقرار نیروها در خارج از کشور.[۱۳۸۸] طبق گزارش این روزنامه و مستند به یک برآورد تحقیقاتی جدید توسط مرکز ارزیابی‌های استراتژیک و بودجه یا CSBA ، بهای ۶۸۷ میلیارد دلاری جنگ عراق به تنهایی از هزینه تمام جنگهای گذشته ایالات متحده به جز جنگ جهانی دوم ، زمانی که هزینه‌ها بر اساس تورم تنظیم می‌شود، بیشتر است. در این گزارش آمده است که با احتساب هزینه های ۱۸۴ میلیارد دلاری دیگر برای افغانستان، این دو درگیری روی هم، حدود ۵۰ درصد از هزینه جنگ در ویتنام بیشتر است.[۱۳۸۹]

۱۳۸٦ - Neta C. Crawford (۲۰۲۳), Cost of war , Blood and Treasure: United States Budgetary Costs and Human Costs of ۲۰ Years of War in Iraq and Syria, ۲۰۰۳-۲۰۲۳,Watson institute, brown university.

۱۳۸۷- گزارش "فایننشال تایمز" دربارهٔ هزینه‌های جنگ توسط امریکا در عراق و افغانستان :

https://www.ft.com/content/de٤٥٧١f٢-f١١-٥٠٣dc-a٢١b-٠٠٠٠٧٧b٠٧٦٥٨

۱۳۸۸ - https://www.reuters.com/article/us-usa-military-costs-idUSTRE٤BE٦LN٢٠٠٨١٢١٦

۱۳۸۹ - Ibid

در اواخر سال ۲۰۰۲ برآوردهای رسمی و غیررسمی اولیه برای کل هزینه های جنگ ایالات متحده در عراق از ۵۰ تا ۲۰۰ میلیارد دلار متغیر بود. در اواسط سپتامبر ۲۰۰۲، مشاور ارشد اقتصادی پرزیدنت بوش، لارنس لیندسی، برآورد کرد که هزینه‌های «کران بالا» جنگ علیه عراق ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیارد دلار خواهد بود. علاوه بر این، او گفت که "تحقق موفقیت آمیز جنگ برای اقتصاد خوب خواهد بود.". در ۳۱ دسامبر ۲۰۰۲، میچ دانیلز، مدیر وقت دفتر مدیریت و بودجه تخمین زد که هزینه های جنگ با عراق ۵۰-۶۰ میلیارد دلار خواهد بود. در سپتامبر ۲۰۰۲، کارکنان کمیته بودجه دموکراتیک مجلس نمایندگان ایالات متحده هزینه های جنگ علیه عراق را ۴۸ تا ۹۳ میلیارد دلار تخمین زدند. ویلیام نوردهاوس، اقتصاددان، برآورد کرد که یک جنگ طولانی می تواند ۱۴۰ میلیارد دلار هزینه مستقیم نظامی و ۶۱۵ میلیارد دلار برای هزینه های دیگر مانند حفظ اشغال، حفظ صلح، بازسازی و ملت سازی و کمک های بشردوستانه باشد.[۱۳۹۰]

یکی از پیامدهای جنگ در عراق رشد جرایم سازمان یافته و افراط گرایی و تروریست بوده است. در عراق علاوه بر جنایتکاران خارجی و گروه‌های جنایتکار درگیر در قاچاق نفت، شبه‌نظامیان شیعه ، شورشیان سنی و جهادگران فراملی ، مانند القاعده و داعش پدیدار شده اند که همگی به جرم و جنایت در آن کشور مشغول هستند. در چارچوب فروپاشی ساختارهای دولتی عراق پس از سال ۲۰۰۳، بازیگران جنایتکار داخلی و خارجی با کسانی که دارای برنامه های سیاسی بودند، پیوندهای تبانی ایجاد کردند. در نبود دولت، نیروهای ائتلاف که خود بخشی از مشکل بودند ، در خنثی کردن غارت گسترده و فراگیر دولت و ادارات، عملکرد دولت را از کار انداختند و منجر به فرهنگ معافیت از مجازات و بی قانونی شدند که بسیار خسارت بار بود.[۱۳۹۱]

جنگ فرقه ای از تبعات دیگر خلاء یک حکومت مردمی و دموکراتیک مورد توافق همگانی در عراق است. عراق بعد از سقوط صدام عملا به میدان جنگ نیابتی بین کشورهای مختلف منطقه از طریق حمایت از گروه های مختلف تبدیل شد. گروه های سلفی-جهادی و تروریست ها، داعش و شبکه القاعده از یک سوی و گروه های شیعه تحت نفوذ ایران از سوی دیگر عراق را به میدان جنگ های فرقه ای تبدیل کرده بودند. در این میان گروه های شیعه متمایل به ایران در عراق، دست بالا را دارند و شبه‌نظامیان شیعه عراقی که روابط عمیقی با ایران دارند شامل عصائب اهل حق، حرکات حزب الله النجباء و کتائب حزب الله و دیگر سازمان هایی است که تا زمان انتشار این گزارش مشخص نشده اند. اخیرا تعدادی از این گروه ها بارها با هیئت‌های حوثی دیدار کرده‌اند و به حوثی‌ها پیشنهاد حمایت نظامی داده‌اند.[۱۳۹۲]

۱۳۹۰ - Neta C. Crawford(۲-۲۳), Ibid
۱۳۹۱ - Organized crime report ۲۰۱۱ ,p۲۲
۱۳۹۲ - Katherine Zimmerman, Yemen's Houthis and the Expansion of Iran's Axis of Resistance , American Enterprise Institute ,p٤٥

مرکز مبارزه با تروریست در وست پوینت ، در آخرین تحلیل از وضعیت این گروه ها گزارش داد که شبه نظامیان طرفدار ایران در عراق –به استثنای بدر –از ۴۰۰۰ پرسنل در سال ۲۰۱۰ به بیش از ۶۰۰۰۰ پرسنل در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته‌اند. شبه‌نظامیان بزرگ و جدید طرفدار ایران مانند کتائب الامام علی و رهبران جدید کتائب حزب‌الله مانند ابوزینب اللامی که در حال ظهور به عنوان رقیب جنبش ابومهدی المهندس هستند، شایسته توجه بیشتر جامعه تحلیلگران هستند. گروهی از شبه نظامیان کوچکتر و جدیدتر طرفدار ایران مسلماً نسبت به شبه نظامیان بزرگتر و قدیمی تر طرفدار ایران مانند بدر و عصائب اهل الحق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نزدیکتر هستند. توجه کلیدی تحلیلگران بر روی نظارت هایی از قبیل پولسازی از طرق مفسده آمیزی همچون قاچاق و پولشویی و کنترل مرزهای عراق و سوریه، نقض حقوق بشر و توسعه پایگاه های نظامی انحصاری خارج از کنترل دولت مرکزی عراق است. دولت عراق در طول تاریخ خود از نیروهای ذخیره شبه نظامیان استفاده کرده است تا تهدیدات داخلی و خارجی را شکست دهد. استفاده از نیروهای حشد الشعبی، که در سال ۲۰۱۴ توسط ترکیبی از نیروهای اجرایی مطرح شد. دستورات و فتوای دینی صرفاً آخرین نمونه از این جریان است. در داخل PMF – که در واقع هسته اصلی آن را تشکیل می دهد – شبه نظامیان قدیمی طرفدار ایران هستند که قبلاً توسط ایالات متحده به عنوان "گروه های ویژه" نامیده می شدند و در برخی موارد به عنوان سازمان های تروریستی معرفی می شدند. طیف وسیع تری از گروه های ویژه اکنون نسبت به زمانی که ارتش ایالات متحده عراق را در سال ۲۰۱۱ ترک کرد وجود دارد، که بر تنوع بازیگرانی که نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (IRGC-QF) با آنها در عراق امروزی کار می کند، تأکید می کند. برخلاف شبه‌نظامیان قبلی که توسط دولت مدارا و کنترل می‌شدند، گروه‌های ویژه در حال حاضر خارج از توانایی دولت عراق برای نظارت یا تنبیه اقدام می‌کنند.[۱۳۹۳]

جنایت جنگی سازمان یافته و جنگ نیابتی در سوریه

در طی درگیری های جاری از سال ۲۰۱۱ تاکنون در سوریه، حکومت بشار اسد در حال مبارزه با چندین گروه از مخالفین هست، این شامل گروه های مخالف دولت، سازمان های تروریستی و شبه نظامیان دیگر است. علاوه بر این گروه ها، بسیاری از کشورهای خارجی –هر کدام با برنامه ژئوپلیتیک خود —وارد این منازعه شده اند که به پیچیده تر شدن وضعیت انجامیده است. روسیه پایگاه‌های نظامی در حمایت از سوریه دارد و ایران نیز برای حمایت از بشار اسد نیروهای خود را در برخی مناطق مستقر کرده است. تقریبا از زمان آغاز ناآرامی‌ها درسوریه، تهران در کنار اسد قرار گرفته است. با وجود جنایات متعدد این رژیم علیه مردم خویش در استفاده مکرر از سلاح های شیمیایی– فرمانده وقت نیروی قدس سپاه پاسداران ، قاسم سلیمانی با تاکید بر سیاست انقلاب اسلامی ایران در

۱۳۹۳ – گزارش مرکز مقابله با تروریست در وست پوینت : ر. ک به :

https://ctc.westpoint.edu/irans-expanding-militia-army-iraq-new-special-groups/

منطقه گفت : " ما شبیه آمریکایی ها نیستیم و دوستان خود را رها نمی کنیم." تهران به طور معمول مضامین دموکراسی و تعیین سرنوشت را برای دفاع از مشروعیت رژیم اسد و توجیه حضور و فعالیت های خود در سوریه تداعی می کند، اما واقعیت این است که برای جمهوری اسلامی اهمیت حضور در درگیری سوریه برای نجات حزب الله به عنوان آنچه که محور مقاومت گفته می شود، است.[۱۳۹۴] رئیس جمهور سابق علی اکبر هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۹۲ به این موضوع چنین اشاره کرد: "ما باید سوریه را در اختیار داشته باشیم. اگر زنجیره ارتباط ما از لبنان به [ایران] قطع شود، اتفاقات بدی خواهد افتاد.[۱۳۹۵]

ناتوانی نیروهای درگیر در حل بن بست سیاسی در سوریه و ناکامی مخالفان حکومت در سقوط رژیم بشار اسد، مجموعه ای از خلاءها را در سوریه ایجاد کرده است. برخی از آن ها از آن زمان توسط گروه های جهادی مختلف پر شده است. بعلاوه این موضوع موجب شده که جمهوری اسلامی بتواند تمرکز جامعه بین المللی و افکار جهانی را از هدف اولیه مطرح در جنگ داخلی سوریه که برکناری یک دیکتاتور بود، به بحث در مورد تروریسم و ثبات منطقه و مقصر شمردن ایالات متحده و کشورهای عربی خلیج فارس در ظهور داعش منحرف کند.[۱۳۹۶] ایران همچنین برای روی کارآمدن یک دولت شیعه در عراق وسازمان دهی شبه نظامیان شیعه (جیش الشعبی) برای جنگ علیه داعش و تامین نیازهای اساسی عراق که زیرساخت های خود را در جنگ از دست داده، هزینه های سنگینی را متحمل شده است.[۱۳۹۷]

ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه که مخالف اسد هستند، از سال ۲۰۱۴ حملاتی را در حمایت از جنبش دموکراتیک برای سوریه انجام داده‌اند. بازیگران دیگر عبارتند از ترکیه، با علاقه خود به مهار جمعیت کرد، عربستان و قطر برای مقابله با نفوذ ایران درسوریه و اسرائیل که همچنین به دنبال مقابله با نفوذ ایران در منطقه است و روسیه همچنانکه پیش تر گفته شد، در سوریه پایگاه نظامی داشته است. همه اینها به ترتیب صدها حمله هوایی بر روی اهداف

۱۳۹۴ - در واکنش به سخنان جرج بوش، رئیس جمهور وقت امریکا و معاونش، جان بولتون که در بهمن ۱۳۸۰ش دولت‌های ایران، عراق، کره شمالی، لیبی، سوریه و کوبا را محور شرارت خواندند. اولین بار مجله لیبیایی الزحف الأخضر در پاسخ به این موضع‌گیری، کشورهای مذکور را نه محور شرارت، بلکه محور مقاومت نامید که در برابر ایالات متحده امریکا قرار گرفته‌اند. بعد از آن چهره‌های مختلفی از جمله سید علی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی ایران و سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان و افراد سیاسی و مذهبی دیگر از تعبیر محور مقاومت در سخنان خود استفاده کرده‌اند و منظور از آن، ائتلاف نانوشته‌ای است میان نظام جمهوری اسلامی ایران، دولت بشار اسد در سوریه و حزب‌الله لبنان .گروه‌های شبه‌نظامی شیعه عراقی، گروه‌های شبه‌نظامی سوری طرفدار اسد و انصارالله یمن نیز بخشی از این ائتلاف به حساب می‌آید. اینان با وجود اختلافات عقیدتی (مثل اسلام‌گرایی شیعه و حزب بعث سوری (با یکدیگر علیه فعالیت‌های اسرائیل و مداخله کشورهای غربی در منطقه همکاری می‌کنند.دانشنامه های ویکی پدیا و ویکی فقه.

۱۳۹۵ -Kristina Kausch (Ed.),Geopolitics and Democracy in the Middle East, First published in Spain in ۲۰۱۵ , FRIDE

۱۳۹۶ -Eskandar Sadeghi-Boroujerdi," Salvaging the Axis of Resistance,":Preserving Strategic Depth, The Iranian Political Elite and Syria: Parallel Tracks with a Single Objective? , Dirasat . No. ۱, p۳۰

۱۳۹۷ - Kristina Kausch (Ed.),Ibid, P۴۱

مشخصی در سوریه انجام داده اند.(بی بی سی ۲۰۱۹، پیرسون و سندرز ۲۰۱۹، امنیت جهانی ۲۰۲۰). انگلستان همچنین فناوری جنگ الکترونیک، جت و کمک های تاکتیکی و تسلیحات فراهم می کند و به نیروهای عربستان سعودی در نبرد علیه سوریه آموزش می دهد. (گاردنر ۲۰۲۰). با توجه به پیچیدگی ها و بازیگران درگیر در جنگ سوریه ، از جمله، نقش دولت‌های خارجی در تسهیل جنگ در سوریه، انتظار می رود که جنایات جنگی زیادی رخ داده باشد. (عفو بین المللی ۲۰۱۹; تورس ۲۰۱۹). مرگ و میر غیرنظامیان در مقیاس عظیم و اجبار به آوارگی منجر به بحران انسانی و جهانی پناهندگان شده است. واقعیت تاریک درگیری ها و جنگ ها تلفات بسیار زیادی است که شامل مرگ (عمدتاً غیرنظامیان)، فقیر شدن، و آوارگی اجباری که بحران جهانی پناهندگان را تشدید کرده است. وحشت، محرومیت، خشونت توصیف وضعیتی است که پناهندگان جنگ همه روزه با آن مواجه هستند. طبق گزارش نهادهای بین المللی، به دلیل درگیری در سوریه، بیش از ۵۰۰۰۰۰ غیرنظامی کشته شده اند ۱۳ میلیون نفر به اجبار آواره شده اند و اکنون پناهنده هستند (چشم انداز جهان ۲۰۲۰).

دستاورد دیکتاتوری قزافی و خسارات جنگ در لیبی

با توجه به پیشینه روابط استعماری لیبی و فرانسه ، در سال ۲۰۱۱، فرانسه نقشی کلیدی در عملیاتی ایفا کرد که منجر به سقوط رژیم معمر قذافی شد. اما فرانسوی ها عواقب سقوط قذافی از نظر بی ثباتی بیشتر و شکست دولت را به طور دقیق پیش بینی نمی کردند. ازآن پس تاکنون پاریس نتوانسته خود را به عنوان یک شریک ممتاز با لیبی به تثبیت برساند. از دسامبر ۲۰۱۳ شرکت ها و نمایندگان رسمی فرانسوی مجبور شدند لیبی را به دلیل افزایش خشونت ها ترک کنند . آنها همچنین نگران موج مهاجرت ها از لیبی هستند و ژان ایو لودریان، وزیر دفاع پیشین فرانسه، در اشاره ای پنهان به این نگرانی ها، گفته بود که "عملیات" در لیبی با کمک جامعه بین الملل برای کمک به مقابله با بحران انسانی ناشی از عبور مهاجران از لیبی ضروری است. همچنین مدیر دیده بان حقوق بشر در فرانسه، ژان ماری فردو، می گوید، پاریس اکنون طرفدار یک نگرش مطمئن " اولویت اول : کسب و کار" به نام " بازیابی اقتصادی" است، هرچند این بدان معنا نیست که فرانسه دیگر مسائل ژئوپلیتیکی و سیاسی را در محاسبات استراتژیک خود نادیده می گیرد.[۱۳۹۸]

در هرحال لیبی از زمان سقوط رژیم معمر قزافی، پس از قیام‌های مردمی در سال ۲۰۱۱، درگیر ناآرامی و جنگ های مستمر و ویرانگر ، شدید و پر نوسان بوده است. ناآرامی ها به سرعت به یک درگیری ویرانگر در طول گذار سیاسی آن تبدیل شد و تأثیر اقتصادی این درگیری ها عمیقاً بر اقتصاد لیبی نمایان شد. این درگیری همچنین تأثیر اقتصادی عمده ای بر کشورهای همسایه از جمله مصر، سودان و تونس داشته است که لیبی سال ها با آنها روابط اقتصادی پایدار داشته است. این روابط شامل تجارت، سرمایه گذاری و حضور جامعه بزرگی از کارگران

۱۳۹۸ - Kristina Kausch(۲۰۱۵) , Ibid , p۱۳۴ ,p۱۳۷

مهاجر از آن سه کشور در لیبی بود. این همکاری منطقه ای به شدت تحت تأثیر درگیری لیبی قرار گرفته است. جنگ لیبی باعث از بین رفتن قابل توجهی از پتانسیل اقتصادی در لیبی شد که از سال ۲۰۱۱ تا سپتامبر ۲۰۲۱ ، حدود ۷۸۳,۲ میلیارد دینار لیبی برآورد شده است. این درگیری بر تمام جنبه های زندگی اقتصادی مردم تأثیر گذاشته است. و به کاهش قابل توجه در رشد اقتصادی و نابسامانی اقتصاد کلان در این کشور منتهی شده است.[۱۳۹۹]
براساس گزارش آژانس پناهندگان سازمان ملل، تعداد آوارگان داخلی (آوارگان داخلی) در لیبی تا اواخر سال ۲۰۱۷ بیش از ۲۱۷،۰۰۰ نفر بود. تا ژانویه ۲۰۲۰، تعداد تخمینی آوارگان داخلی به ۳۴۳،۱۸۰ لیبیایی افزایش یافت و براساس جدیدترین گزارش بیش از ۴۰۲۰۰۰ غیرنظامی بیشتر شامل زنان و کودکان بطور اجباری آواره شده اند. (رلیف وب ۲۰۲۰؛ سازمان ملل متحد– دفتر هماهنگی امور بشردوستانه ۲۰۲۰) علاوه بر این آوارگان، لیبی ده ها هزار پناهنده را در خود جای داده است. لیبی به دلیل نزدیکی به اروپا، علیرغم جنگ داخلی همچنان مرکز عبور مهاجران و پناهجویان است. در حال حاضر، لیبی ۴۶۹۱۳ پناهجو دارد. پناهندگان و مهاجرانی که در لیبی زندگی می کنند با شرایط نا امن زندگی روبرو هستند. این امر می‌تواند منجر به سوءاستفاده‌های فراوانی از سوی قاچاقچیان و اعضای شبه‌نظامیان و باندهای جرایم و جنایات از جمله تجاوز، ضرب و شتم و قتل شود. این به دلیل اجرای ضعیف قانون در لیبی است. هم آوارگان داخلی لیبی و هم پناهندگان کشورهای دیگر اغلب در معرض خشونت جنگ داخلی قرار دارند.[۱۴۰۰] جنگ داخلی شرایط زندگی برای مردم لیبی را به میزان قابل توجهی بدتر کرده است. سه درصد از جمعیت لیبی یعنی معادل با ۲۲۹۴۶۸ نفر در فقر شدید زندگی می کنند. روستایی‌های لیبی معمولاً در این شرایط زندگی می‌کنند. نرخ فوق العاده بالای بیکاری شرایط زندگی برای جوانان لیبیایی را بدتر کرده است. لیبی با نرخ ۴۸,۷ درصد در حال حاضر چهارمین و بالاترین نرخ بیکاری جوانان در کل جهان را دارد. بیش از ۱,۳ میلیون نفر در لیبی به کمک های بشردوستانه نیاز دارند. علاوه بر این، صدها هزار نفر از آنها دسترسی کافی به مراقبت های بهداشتی و داروهای ضروری، غذای قابل اعتماد، منابع آب آشامیدنی، سرپناه امن و آموزش ندارند.[۱۴۰۱]

۱۳۹۹ - The economic cost of the Libyan conflict (September ۲۰۲۱) [EN/AR]; https://reliefweb.int/report/libya/economic-cost-libyan-conflict-september-۲۰۲۱-enar

۱۴۰۰ - https://borgenproject.org/libyan-civil-war/

۱۴۰۱ -Ibid

خسارات جنگ ، ترور و افراط گرایی در افغانستان :

افغانستان تقریبا از ۱۹۷۸ تاکنون نزدیک به پنج دهه است که در آتش جنگ، تجاوز، خشونت و نا امنی می سوزد. رژیم پادشاهی درآن کشور با یک کودتای نظامی خونین ساقط شد و حزب کمونیست خلق افغانستان ، تأسیس جمهوری دموکراتیک افغانستان را اعلام کرد و دبیرکل حزب بنام نور محمد تره کی رئیس‌جمهور شد. پس از آن افغانستان به مدت ده سال در اشغال شوروی ماند. در این مدت گروه‌های اسلام‌گرا علاوه بر اختلافات داخلی و رقابت میان خودشان بر سر قدرت، علیه تجاوز و اشغالگری شوروی هم می جنگیدند و نام مجاهدین افغان ازآن زمان برسر زبان ها افتاد. مجاهدین افغان با بیش از یک دهه جنگ چریکی علیه نیروهای شوروی در افغانستان در هشت ثور ۱۳۷۱ کابل را به تصرف خود درآوردند. با خروج شوروی از افغانستان اختلافات گروه‌های مختلف مجاهدین بر سر تقسیم قدرت باعث آغاز مرحله جدیدی از جنگ داخلی در افغانستان شد که با ترور افراد و بمباران شهرها و مناطق مسکونی همراه بود. در این دوره گروه‌های مختلف سیاسی و نظامی هر یک بخشی از کشور را در کنترل خود داشتند و شهر کابل و حومه آن بین پنج گروه مختلف مجاهدین تقسیم شده بود. ورود قدرت‌های منطقه‌ای به مسائل افغانستان باعث شد تا جنگ گروه‌های افغان به یک جنگ نیابتی تبدیل شود. پاکستان، ایران، عربستان هریک به نوعی در مسائل سیاسی افغانستان دخالت داشته اند. طولانی شدن اختلافات، گسترش نا امنی در کابل و دیگر شهرها وعدم توافق مجاهدین بر سر تشکیل دولت ملی مورد اعتماد همه گروه ها موجب شد که گروه طالبان در افغانستان سر برآورد. اما طالبان که از حمایت مادی و معنوی پاکستان، عربستان سعودی و به میزان کمتری از ایران سود می‌برد، نتوانست بقایای مجاهدین را که علیه آن‌ها پایداری می‌کردند، به‌طور کامل سرکوب نماید. بعلاوه آنها متهم به پناه دادن به برخی فرماندهان القاعده و تبدیل افغانستان به پایگاه تروریستی در جهان بودند. لذا در سال ۱۳۸۰ با حمله ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده آمریکا دولت طالبان از هم پاشید. از آن زمان آمریکا به مدت بیست سال از ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۲ سعی کرد حکومتی مبتنی برپایه های دموکراسی در افغانستان ایجاد کند و به جنگ علیه پایگاه های تروریست پرداخت و به رغم برخی پیشرفت ها، در نهایت، با شکست پروژه صدور دموکراسی در افغانستان و خروج ائتلاف ناتو به رهبری آمریکا از آن کشور و توافق ترامپ با گروه طالبان، مجددا قدرت به طالبان سپرده شد.

در ۲۰۲۰ مقامات ایالات متحده در مورد توافقی با طالبان برای پایان دادن به جنگ در افغانستان مذاکره کردند توافقی که مورد انتقاد بسیار قرار گرفت. مدتی بعد ، پیامدهای آن معامله با سوء استفاده طالبان از خروج نیروهای آمریکایی و به دست گرفتن کنترل مجدد آن کشور، و سقوط دولت وقت افغانستان آشکار شد. اگر چه مشخص است که طالبان در استخراج درآمد از تجارت هروئین و مالیات بر تولیدکنندگان تریاک دست دارد، اما احتمالاً خطر بزرگتر افزایش ناامنی و جنایات و کانونی شدن برای فعالیت های تروریستی است. قدرت گرفتن این گروه،

فرصت هایی را برای گروه های قاچاق ایجاد می کند تا فعالیت های خود را در کشور پیشرو تولید کننده خشخاش در جهان تحکیم کنند و در مجموع به رشد جرایم سازمان یافته در آن سوی جهان می افزاید.[۱۴۰۲]

مردم عادی افغانستان در تمام این سالها بیشترین خسارات ناشی از رنج نـا امنـی، آواره گـی، خشـونت وجنـگ را متحمل شدند. با قدرت گرفتن مجدد طالبان درافغانستان، موج جدیدی از افراط گریی مذهبی در این کشور آغـاز گردیده است که تعطیلی دانشگاه ها و ممنوعیت ورود زنان و دختران به مدارس و ادارات از آن جمله است. به‌دلیل بی‌ثباتی‌های مداوم و جنگ‌های پی در پی در این کشور، جمعیت بسیار زیادی از مردم افغانستان، مجبور به مهاجرت اجباری از کشور خود به سایر کشورهای دنیا شده‌اند. براساس آمارهای رسمی هم‌اکنون دو و نیم میلیـون نفـر در ایران، ۱,۴ میلیون نفر در پاکستان و جمعیت‌های گوناگونی از آن‌ها در سایر کشورها ساکن هستند. سربازگیری از میان شیعیان افغانی توسط جمهوری اسلامی ایران به منظور تشکیل ارتش هلال شیعی، به جنگ مذهبی و رویارویی شیعه، سنی در آن کشور و فشار بیشتر طالبان بر شیعیان منتهی شده است. سهم قابل توجهی از جمعیـت شـیعه در افغانستان به‌عنوان مجموعه‌ای از استخدام‌شدگان برای SLA (فاطمیون) خدمت می کنند. ایران در طـول دهـه‌هـای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، پول، آذوقه و تسلیحات ، برای گروه‌های مجاهدین افغان که در طول جنگ شوروی و افغانستان و پس از آن با کمونیست‌های شوروی و افغانستان می‌جنگیدند ارسال می کرد و اگر چه به نظر مبتذل می رسد ولی تا همین اواخر، از طالبان و سازمان های پیشرو آن نیز حمایت می کرد، زیرا معتقد بود آنها با دشمن مشترک (آمریکا) می جنگند. هم اکنون نیز ایران ، نوعی از همراهی سیاسی با طالبان را با احتیاط دنبال مـی کنـد. اگرچـه ایـران تـا حدودی خود را پیروز میدان تحولات منطقه (در افغانستان ، عراق و سوریه) می داند، اما خسارات جنگ هم برای افغان ها و هم برای ائتلاف به رهبری آمریکا بسیار زیاد بوده است.

"رنگـین دادفـر سـپنتا"، مشـاور پیشـین ریاسـت‌جمهـوری افغانسـتان، اخیـرا در گفـت‌وگـویی بـا نشـریه آلمـانی «دویچلندفونک» گفت که کشورهای غربی باید از خروج شان از افغانستان درس بگیرند. او افزود که تلاش بـرای صدور دموکراسی به کشورهای دیگر شکست خورده است سپنتا در این مصاحبه گفت که افغانستان، عراق، سوریه و لیبی نمونه هایی از این شکست است. به گفته او، در همه این کشورها، وضعیت بدتر شده و از دست‌رفتن جـان صدها هزار نفر را به همراه داشته است. مشاور پیشین امنیت ملی افغانستان با اشاره به پیشینه ی تـاریخی کشـورش، گفت که دولت آمریکا در گذشته به‌نفع "رادیکال‌ترین رادیکال‌ها در افغانستان تبلیغ و آن‌ها را در جنگ سرد علیه اتحاد جماهیر شوروی تقویت کرد." و بعد از تقویت رادیکـال‌هـا، دسـت پاکسـتان را در افغانسـتان بـاز گـذارد و پاکستان با همکاری و پول غرب " بر مقاومت افغانستان مسلط شد" و طالبان را ابزار هژمونی خود در افغانستان کرد.

۱۴۰۲ – گزارش ابتکار جهانی علیه جرایم سازمان یافته فراملی از وضعیت جهان در ۲۰۲۰: Taub, Jennifer(2020),Ibid.

این سیاست‌مدار افغان آمریکا را متهم به معامله با پاکستان برسر افغانستان کرد و گفت آمریکا به نام "مبارزه با تروریسم" در بیست سال گذشته در افغانستان جنگی برافروخت که هزاران زن، کودک و غیرنظامی جان خود را در آن از دست دادند. سپنتا گفت: "ما در گذشته فکر می کردیم جنگ امریکا در افغانستان، مبارزه با تروریسم است، اما آمریکا با ۳۶ میلیارد دلار از پاکستان حمایت کرد."[۱۴۰۳] و مجددا قدرت را به دست طالبان سپرد.

روزنامه انگلیسی"فایننشال تایمز" در یک افشاگری تاریخی اخیرا اعلام کرد : " فساد مالی شدید "دولت اوباما" در نبرد با تروریسم به سود "لابی اسلحه" تمام شد. این روزنامه با انتشار گزارشی نوشت: حدود ۸۰٪ هزینه‌های جنگ افغانستان طی زمامداری باراک اوباما که از سال ۲۰۰۹ به ریاست جمهوری آمریکا رسید، شکل گرفت.جنگ افغانستان به تنهایی و به عنوان طولانی‌ترین جنگ خارجی در تاریخ آمریکا، بیش از یک تریلیون دلار برای مالیات دهندگان آمریکایی هزینه داشته است. جان ساپکو، بازرس ویژه دولت آمریکا در افغانستان کسی که سازمان تحت سرپرستی‌اش بر اجرای پروژه‌های بازسازی افغانستان به ارزش بیش از ۱۰۰میلیارد دلار نظارت دارد، می گوید: میلیاردها دلار از سرمایه‌های این پروژه‌ها به هدر رفته یا دزدیده شده است. آن هم طی پروژه‌هایی که معمولا تاثیر بسیار کمی بر شرایط افغانستان دارند. ساپکو با اشاره به افزایش تورم می‌افزاید، مبلغی که آمریکا صرف بازسازی افغانستان کرده بیش از هزینه‌ای است که طی طرح مارشال برای بازسازی غرب اروپا صرف شد. لیندا بیلمز، اقتصاددانی که تحقیقات گسترده‌ای در زمنیه هزینه‌های جنگ انجام داده، برآورد کرده است که هزینه‌های بهداشتی و درمانی سربازان امریکایی در هر دو جنگ عراق و افغانستان تاکنون به ۱۳۴میلیارد دلار رسیده است و درصد قابل توجهی از کل هزینه های جنگ را به خود اختصاص داده است. طبق برآوردهای بیلمز، هزینه‌های ناتوانی و درمانی سربازان در جنگ‌های عراق و افغانستان طی دهه‌های آتی به ۸۳۶میلیارد دلار خواهد رسید. این دو جنگ همچنین هزینه‌های بازنشستگی را برای پنتاگون افزایش داده‌اند , ارتش متعهد شده تا ۱,۲۷ میلیارد دلار به سیستم بازنشستگی خود اختصاص دهد.انتظار می‌رود این هزینه تا سال ۲۰۳۴ به ۲,۷۲ تریلیون دلار برسد. نویسنده در انتهای گزارش چنین نتیجه گیری کرده است " مهمترین نتیجه ای که از انتشار این آمار به دست می آید ، ناتوانی آمریکا در اجرای ادعاهایش مبنی بر مقابله با تروریسم و مواد مخدر در افغانستان است و این طور که روشن است دولتمردان آمریکا، حتی اعضای حزب دموکرات که به طور سنتی کمتر از جمهوریخواهان درگیر لابی اسلحه و مسائل مربوط به فروش اسلحه و جنگ افروز هستند، با رویکردی غیرمردمی و غیرانسانی به دست لابی اسحله که توسط

۱۴۰۳ - به نقل از سرویس بین الملل خبرگزاری ایسنا ، ر.ک به :
https://www.isna.ir/news//١٤٠٢٠١١٤٠٥٤٣٠

صهیونیست های کنگره و کاخ سفید هدایت و مدیریت می شود، وابسته اند و همچنان با شعله ور ساختن آتش جنگ در منطقهٔ خاورمیانه، سود اربابان شان از فروش تسلیحات نظامی را تضمین می کنند."[۱۴۰۴]

گزارش های دیگر نشان می دهند تلاش آمریکا برای جایگزین کردن یک دولت مردمی بجای طالبان، بعد از جنگ علیه تروریست عملا با گزینه هایی که در اختیار داشته و مهره هایی که در بازی آورده بود با مشکل مواجه شد. از رهبران افغانی که ایالات متحده در سال ۲۰۰۱ آنها را واجد شرایط برای پر کردن یک دولت موقت پس از طالبان می دانست، بسیاری شان افرادی بودند که در قاچاق مواد مخدر در این کشور دست داشتند. بی بی سی فهرستی از اسامی این رهبران را در نوامبر ۲۰۰۱ تهیه کرد. پیشتاز این لیست ، رئیس جمهور برهان الدین ربانی، که ولایت بدخشان زادگاهش به این کشور تبدیل شد دهه ۱۹۹۰، در حالی که تحت کنترل او بود، " سرپلی بود برای انتقال مواد افیونی به اروپا، از طریق تاجیکستان، ازبکستان و سرویس راه آهن آسیای مرکزی روسیه" (گریفین، درو گردباد، ۱۵۰). جنرال کهنه کار رشید دوستم در مزار شریف، مظنون به کسب سودهای کلان از طریق صادرات مواد مخدر از طریق ازبکستان بود. (کولی، جنگهای نامقدس، ۱۵۵). از هفت رهبر پشتون نیز نام برده شده ، سه نفر (پیرسیدگیلانی، گلبدین حکمتیار و حزی بشیر) در گذشته با قاچاق مواد مخدر مرتبط بوده اند. نفر چهارم، یونس خالص، یک شخصیت قدرتمند از ولایت ننگرهار که یک قاچاقچی معروف مواد مخدر بود، کسی بود که با اسامه بن لادن در سال ۱۹۹۶ روابط نزدیکی داشت و موشک های استینگر را در اختیار ایران قرارداد. همچنین از کسان دیگری هم نام برده شده است.آسیا تایمز آنلاین درگزارشی تحت عنوان "آمریکا برای جلب حمایت ها به بارون مواد مخدر روی می آورد" به فهرستی از این اشخاص اشاره می کند.[۱۴۰۵]

جرایم سازمان یافته دولتی و جنایات جنگی دریمن

در پی بالا گرفتن اعتراضات و ناآرامی ها در یمن در سپتامبر ۲۰۱۲ رییس جمهور آن کشور منصور هادی، هشدار داد که یمن با سه دشمن جداگانه روبرو است که به اعتقاد او تروریست های افراطی القاعده، دزدان دریایی در خلیج عدن و شبه نظامیان شورشی حوثی هستند. حوثی ها ، از اوایل دهه ۲۰۰۰ علیه دولت ملی صالح، رئیس جمهور سابق یمن می جنگیدند.در ماه مه ۲۰۱۵، زمانی که صالح اتحاد خود را با آن گروه تأیید کرد، شرایط به شدت تغییر کرد. صالح حوثی نیست، بلکه زیدی و بخشی از قبیله صحان در شمال یمن است. به طور سنتی، حوثی ها و/یا "انصار الله"، سازمان سیاسی حوثی ها، به صالح بی اعتماد بودند و او را فاسد می دانستند. این دیدگاه آنها

۱۴۰۴ – همان.

۱۴۰۵ www.janes.com/security/international_security/news/jir/jir۰۱۱۰۲۲-۳-n.sht.ml

همچنین .ر. ک به :

Peter Dale Scott(۲۰۰۳) ,Drugs, Oil, and War The United States in Afghanistan, Colombia, and Indochina , Rowman & Littlefield Publishers Inc,p۳۷.

بی‌اساس نبود، چرا که در فوریه ۲۰۱۵، هیئتی از کارشناسان سازمان ملل گزارشی را منتشر کردند که در آن ادعا شد صالح در دوران قدرتش ثروتی بین ۳۰ تا ۶۲ میلیارد دلار به دست آورده است.[۱۴۰۶] که برای رهبر کشوری مانند یمن با مردمانی فقیر این رقم بسیار زیادی است.

این کشور همچنین محل رشد گروه ای افراط گرای مذهبی همچون القاعده و داعش بوده است. از سال ۲۰۱۵، درگیری های مداوم در یمن منجر به مرگ حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر شده است. مستند به گزارش پروژه داده های مکانی و رویدادهای درگیری مسلحانه ۲۰۲۰، سال ۲۰۱۹ با بیش از ۲۳۲۰۰ مرگ و میر در طول سال ، دومین و بیشترین سال مرگبار بعد از سال ۲۰۱۸ است که بیش از ۳۰۰۰۰ کشته داشت. این یک مناقشه پیچیده دارای بازیگران محلی، منطقه ای، ملی و بین المللی هست. جنگ در یمن میان انواع قبائل محلی و درگیری‌های مربوط به قدرت‌های منطقه‌ای در رقابت برای نفوذ میان قبایل در سه نقاط درگیری همانطور که توسط(ACLE) [۱۴۰۷] اشاره شده است، بالا گرفت. حوثی ها ، جنبش احیاگر زیدیه از ارتفاعات شمالی یمن که در سال ۲۰۱۴ صنعا پایتخت را تصرف کردند –علیه دولت بین المللی به رسمیت شناخته شده به رهبری رئیس جمهور عبدربه منصور هادی... [که] از حمایت عربستان سعودی که همراه با متحدانش مانند امارات [امارات متحده عربی] است جنگی راآغاز کردند. مداخله گران در حمایت از دولت در مارس ۲۰۱۵ و به منظور جلوگیری از پیشروی حوثی ها از شهر بندری عدن در جنوب سبقت گرفتند. درگیری دوم شامل شورای انتقالی جنوب (مه ۲۰۱۷) است که می خواهد یک کشور مستقل در بخش جنوبی یمن ایجاد کند. درگیری سوم با شورشیان اسلامگرا در شبه جزیره است.[۱۴۰۸]

مداخله ائتلاف به رهبری عربستان سعودی در یمن فرصتی را برای حکومت ایران ایجاد کرد تا روابط خود را با حوثی ها تقویت کند و از این طریق نفوذ خود را در امتداد مرز جنوبی عربستان سعودی تقویت کند و آنها را در فهرست محور مقاومت قرار دهد. حوثی‌ها فعالانه با چین، ایران و روسیه تماس می‌گرفتند و به دنبال جبران از دست دادن حمایت‌های ارسالی از خلیج فارس و غرب از یمن در پایان سال ۲۰۱۴ بودند –اقدامی که ایران از آن استقبال

۱۴۰۶ – گزارش رسمی وزارت خارجه عربستان از تحولات در یمن با عنوان :

SAUDI ARABIA A ND THE Y EMEN CO FLI T ,report ۲۰۱۷

در آن گزارش به نقل از پادشاه عربستان گفته شده که " یمن باثبات، مرفه و خودگردان و عاری از نفوذ کشورهای خارجی و سازمان های تروریستی فراملی قابل دسترسی است و پادشاهی عربستان به عنوان بزرگترین اهداکننده کمک های بشردوستانه به یمن این موضوع را سیاست خود می داند. در همان گزارش آمده است که مداخله عربستان سعودی به درخواست دولت قانونی یمن انجام شد و از سقوط عدن جلوگیری کرد و کنترل قانونی دولت را بر بیش از ۸۵ درصد از خاک یمن با موفقیت محقق ساخت.

۱۴۰۷ -The Armed Conflict Location and Event

۱۴۰۸ - Crimes of the Powerful: White-Collar Crime and Beyond,pp : ۳۹- ۴۳ & Global Conflict Tracker. (۲۰۲۰). “War in Yemen,” September ۳, www.cfr.org/ global-conflict- tracker/ conflict/ war- yemen.

کرد و مجموعه‌ای از توافق‌نامه‌ها را با حوثی‌ها امضا نمود، از جمله یک توافقنامه هوانوردی در فوریه ۲۰۱۵ و یک بسته کمک اقتصادی در مارس ۲۰۱۵، و کمپین کمک‌های بشردوستانه امضا گردید.[۱۴۰۹]

منابع اصلی تأمین مالی حوثی ها از طریق منافع آنها در اقتصاد جنگی یمن، توانایی آنها در وضع مالیات از جمعیت تحت حاکمیت و کنترل آنها بر وزارتخانه ها و مؤسسات مستقر در صنعا است. کنترل حوثی‌ها بر نهادهای درآمدزای دولتی، مانند بزرگترین بندر دریایی یمن، حدیده، و توانایی جمع‌آوری مالیات‌های شخصی و شرکتی، سالانه میلیاردها ریال یمن درآمد ایجاد می‌کند. هیئت کارشناسان سازمان ملل متحد در مورد یمن تخمین محافظه کارانه ای در حدود ۱٫۸ میلیارد دلار از درآمدهای دولتی ارائه کرد که حوثی ها در سال ۲۰۱۹ برای تأمین مالی تلاش های جنگی خود در اختیار دارند، فساد و اختلاس همچنین به جیب مقامات حوثی کمک می کند. میزان کامل تامین مالی خارجی از ایران و دیگر حامیان مانند حزب الله دقیقا مشخص نیست، اما شامل نقل و انتقالات نقدی مستقیم، تامین مالی تقلبی و نقل و انتقالات سوخت ایران که همگی در جهت حمایت از عملیات های حوثی ها ارائه میشود.[۱۴۱۰] ایران و حزب الله کمک ها را بصورت پولهای نقد مستقیماً به اعضای جنبش حوثی منتقل کرده اند. این نقل و انتقالات به صورت تحویلی، (تأمین نقدینگی فیزیکی) به حوثی‌ها و از طریق شبکه‌های بین‌المللی مانند باند «سعید الجمال»، یک تاجر یمنی مقیم ایران که با نیروی قدس سپاه پاسداران، حزب‌الله و حوثی‌ها ارتباط دارد، صورت گرفته است. همچنین نقل و انتقالات نقدی مستقیم به یمنی ها احتمالاً در سفرهای به ایران به ویژه زمانی که این کشور میزبانی کنفرانس "بیداری اسلامی" در سال ۲۰۱۱ در تهران بود، صورت گرفته است.[۱۴۱۱]

حزب الله از سال ۲۰۱۲ عملیات خود را برای تأمین مالی حوثی ها آغاز کرده بود. وزارت خزانه‌داری آمریکا خلیل حرب، فرمانده حزب‌الله را به دلیل فعالیت‌های وی در یمن تحریم کرد. حرب بر فعالیت‌های حزب‌الله در یمن، از جمله انتقال پول نقد به یمن از طریق عربستان سعودی و امارات، نظارت داشت. کمک مالی حزب الله شامل ۵۰۰۰۰ دلار نقد ماهانه به حزب سیاسی حوثی (انصار الله) است و به گفته یک منبع، بصورت کیسه های پول نقد به فرودگاه می رسد .[۱۴۱۲]

درگیری در یمن منجر به نقض قانونی اقدامات بشردوستانه بین المللی شده است، که به عنوان جنایات جنگی (از سوی عربستان سعودی) و ائتلاف متحدان آن تلقی می گردد. طبق گزارشی که شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد دریافته است، حملات هوایی قوانین و جزئیات اقدامات و کمک های بشردوستانه بین المللی را نقض

۱٤۰۹ - Katherine Zimmerman(۲۰۲۲), Yemen’s Houthis and the Expansion of Iran’s Axis of Resistance ,American Enterprise Institute , p۳٤

۱٤۱۰ -Ibid

۱٤۱۱ -Ibid, p۳٦

۱٤۱۲ -Ibid

می کند.[1413] اخبار جنایات جنگی و گزارش های حملات به غیر نظامیان درحالی در رسانه های خبری دنیا منتشر میشود که ائتلاف بین المللی به رهبری عربستان سعودی با حمایت ایالات متحده ، اهداف خود را حفاظت از مردم غیرنظامی در برابر حملات شبه نظامیان حوثی تحت حمایت ایران، احیای دولت قانونی و جلوگیری از تبدیل شدن یمن به پناهگاه امن برای القاعده و پایگاه ماجراجویی و براندازی ایران در منطقه اعلام کرده است.[1414]

با این حال، نمی توان مسوولیت بروز همه خشونت ها و تلفات را متوجه گروه هایی که در بالا ذکر شد یا متوجه عربستان سعودی دانست، بلکه همانطوری که اشاره شد، می توان بازیگران مناقشه در یمن را به گروه ها و کشورهایی که به طور غیرمستقیم درگیر هستند،گسترش داد و همه ی آنها را مسئول بحران انسانی جاری، اوج گرفتن درگیری ها ، و افزایش تعداد تلفات دانست. گزارش (۲۰۱۸) سازمان ملل متحد که در بالا ذکر شد، سه کشور دیگر دخیل در جنگ یمن را که به نقض قوانین بین المللی متهم هستند، ایالات متحده، فرانسه و بریتانیا معرفی می کند. آنها متهم به فروش تسلیحات مورد استفاده در درگیری ها هستند. (Thrall and Dorminey,۲۰۱۸). ایالات متحده مهم ترین تامین کننده تسلیحاتی برای مداخله ی عربستان سعودی در امور یمن است که طی ۱۰ سال گذشته به آماده سازی و پشتیبانی غیرمستقیم این کشور کمک کرده است.(Thrall,۲۰۱۸).بدیهی است که فروش تسلیحات می تواند درگیری ها را تشدید کند. در سال ۲۰۱۵، دولت اوباما تصمیم گرفت از مداخله ی سعودی ها در امور یمن حمایت کند. در جنگ داخلی یمن ، سعودی ها تحت حمایت لجستیکی آمریکا از جمله هزاران مورد کمک، فروش تسلیحات و پشتیبانی اطلاعاتی بوده اند. پیامد این پشتیبانی و حمایت ، حملات هوایی عربستان علیه اهداف غیرنظامی از جمله بیمارستان ها، مدارس و انبارهای آذوقه و مواد غذایی تأسیسات تولیدی با نقض قوانین جنگ بوده است. در نظر بگیرید که در آغاز درگیری، صدها نوع سلاح به عربستان سعودی فروخته شد و میلیون ها مهمات هدایت شونده دقیق، هواپیما (از جمله هلیکوپترها)، خودروهای زرهی و تانک تحویل عربستان شد. فروش اسلحه نه تنها در ۲ سال آینده ادامه یافت، که در سال ۲۰۱۷ در دوران ترامپ تشدید هم شد. دولت ایالات متحده ، بیشترین فروش تسلیحات به خارج از کشور را در کارنامه دارد. در نظر بگیرید که در سال ۲۰۱۹، دولت ترامپ تلاش کرد تا به سرعت ۸,۱میلیارد دلار تسلیحات به عربستان سعودی، امارات متحده عربی، و اردن بدهد. هر چند اعضایی از هر دو مجلس نمایندگان و سنا به جلوگیری از فروش سلاح رای دادند، اما این رای توسط ترامپ وتو می شود و او اجازه می دهد تا فروش انجام شود (تاد ۲۰۱۹). عربستان سعودی اکنون "بزرگترین خریدار تسلیحات" ایالات متحده است و بیش از ۱۲۹ میلیارد دلار فروش تجهیزات و تسلیحات نظامی خارجی فعال با ایالات متحده ایالات از ماه مه ۲۰۱۹ گزارش شده است. به همین

۱٤۱۳ - Crimes of the Powerful: White-Collar Crime and Beyond ,p٤٣

۱٤۱٤ - REPORT(۲۰۱۷) SAUDI ARABIA AND THE YEMEN CONFLICT.

ترتیب، در برخی از ویدئوهای تولید و توزیع شده توسط القاعده در یمن، می توان نقش آلمان را در فروش تسلیحات، مشاهده کرد. رزمندگان جهادی که از سلاح های گرم ساخت آلمان ، مانند ۳G و ۳۶G تفنگ ها و مسلسل ۳M ساخت هکلر و کوچ استفاده می کنند (رز ۲۰۱۹). با توجه به اینکه آنها در دست شبه نظامیان شورشی در یمن هستند، پایان قراردادهای کاربری در فروش صنایع تسلیحاتی بی معنی و در بهترین حالت نمایشی هستند. به طور خلاصه، کارفرمایان صنعت جهانی فروش تسلیحات ، همراه با عربستان سعودی و متحدانش و جناح های محلی و منطقه ای درگیر جنگ ، بخشی از مسببان ادامه درگیری در یمن هستند.[۱۴۱۵]

در کنار گزارش های ارسال سلاح از سوی کشورهای غربی به ائتلاف عربستان علیه یمن، مقامات آمریکایی، غربی در اکتبر۲۰۱۶ به رویترز گزارش داده اند که ایران انتقال تسلیحات به حوثی ها، شبه نظامیانی که با دولت مورد حمایت عربستان سعودی در یمن می جنگند، افزایش داده است، اتفاقی که تهدیدی برای طولانی شدن و تشدید جنگ است. طبق همین گزارش افزایش سرعت انتقال سلاح در ماه‌های اخیر، که به گفته مقامات شامل موشک و سلاح‌های سبک می‌شود، می‌تواند درد سرامنیتی را برای ایالات متحده تشدید کند. ایالات متحده هفته گذشته در تلافی حملات موشکی شکست خورده به یک ناوشکن نیروی دریایی ایالات متحده، اهداف حوثی‌ها را با موشک‌های کروز هدف قرار داد. به گفته مقامات، بیشتر فعالیت های قاچاق سلاح به یمن از طریق عمان، که همسایه یمن است و از طریق مسیرهای زمینی که از مرزهای متخلخل بین دو کشور است انجام شده است.[۱۴۱۶]

ایرانیان حمایت مالی، تسلیحاتی و مستشاری از حوثی ها را که پیش تر پنهانی صورت می گرفت، امروزه آشکارا اعلام نموده و آن را کتمان هم نمی کنند.یک مقام ایرانی به خبرگزاری رویترز گفته بود : "یمن جایی است که جنگ نیابتی واقعی در جریان است و پیروزی در نبرد یمن به تعیین توازن قدرت در خاورمیانه کمک خواهد کرد."[۱۴۱۷] به گفته وزارت امور خارجه آمریکا، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران برای بیش از یک دهه پول، آموزش و تسلیحات پیشرفته را در اختیار حوثی‌ها قرار داده است. این گمان می رود که سپاه پاسداران توانایی ساخت موشک را علاوه بر ارسال موشک به حوثی ها انتقال داده است. سناتور باب کورکر در کمیته روابط خارجی سنا در ۹ مارس ۲۰۱۷ گفت : " ایران به ارائه تسلیحات به نیروهای حوثی، علیرغم قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد که چنین اقداماتی را ممنوع می کند، ادامه می دهد. حوثی ها از این سلاح ها برای حمله به کشتی های آمریکایی از سواحل یمن، و پرتاب موشک از طریق مرز به سمت عربستان سعودی استفاده می کنند."[۱۴۱۸] حوثی ها، بعد از درگیرشدن حماس با اسراییل، به تهدیدی برای اسراییل تبدیل شده اند.

۱٤۱٥ -Crimes of the Powerful: White-Collar Crime and Beyond,p٤٣
۱٤۱٦ - https://www.reuters.com/article/us-yemen-security-iran-idUSKCN۱۲K۰CX : OCTOBER ۱۹, ۲۰۱٦
۱٤۱٧ - SAUDI ARABIA AND THE YEMEN CONFLICT ۲۰۱٧ REPORT
۱٤۱۸ - Ibid

توماس جاسلین از بنیاد دفاع از دموکراسی ها در همین جلسه افزود: "شکی نیست که ایران و حوثی ها متحد هستند و این به نفع ایران است که با حوثی‌ها علیه نیروهای تحت حمایت عربستان در یمن همکاری کند و در عین حال حملات حوثی‌ها به پادشاهی سعودی را تشویق کند." این اظهارات دیدگاه کلی دولت ایالات متحده را در مورد روابط ایران با نیروهای حوثی و همچنین روابط خلیج فارس و سایر نیروهای ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی در یمن خلاصه می کند.[۱۴۱۹] با پیشینه کمک رسانی ایران به گروه های شبه نظامی در یمن که شامل انواع موشک می باشد، اکنون ممنوعیت تردد کشتی‌های قاچاق اسلحه به مقصد شبه‌نظامیان حوثی مورد حمایت ایران سال‌هاست که در حال اجراست.[۱۴۲۰]

در طی جنگ داخلی و ناآرامی های یمن، حدود ۱۷۵۰۰۰ نفر غیرنظامی کشته شده اند و بیش از چهار میلیون غیرنظامی به اجبارآواره شده اند (شورای روابط خارجی، ۲۰۲۰). اخیرا با اوج گیری جنگ اسراییل و حماس، بار دیگر ائتلاف های منطقه ای تجدیدسازمان شدند و پای حوثی های یمن این بار در حمایت از غزه و علیه اسراییل به جنگ بازشد و می رود تا آتش جنگ بار دیگر درکل منطقه گسترش یابد.

جمهوری اسلامی ایران ، جنگ ، تحریم و حمایت از گروه های نیابتی

تجربه انقلاب اسلامی با تاسیس حکومت جمهوری اسلامی در ایران و با شعار صدور آرمانهای انقلاب به دیگر کشورها به عنوان الگوی الهام بخش اسلام سیاسی در معارضه با ایدئولوژی های مطرح دیگر و با کنار زدن رژیم سلطنتی محمدرضا پهلوی که نظامی همسو با منافع غرب و آمریکا ارزیابی می شد، رخ نمود. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تحت رهبری روحانیت شیعی و تاثیرات منطقه ای آن ، توجه جهان بار دیگر به نقش تحرکات مذهبی و نفوذ سیاسی مذهب در خاورمیانه و منطقه ای که دارای پیشینه حضور پر رقابت کشورهای استعمارگر از دو قرن پیش تاکنون را دارد، جلب شد. با روی کارآمدن رژیم اسلام‌گرای شیعه در ایران از سال ۱۹۷۹ ، رهبران مذهبی در این کشور جاه‌طلبی خود برای ایفای نقش محوری در منطقه را آغاز کردند و تلاش نمودند تا با جلب همکاری رژیم حاکم بر سوریه و حمایت مادی، معنوی و تسلیحاتی از گروه شبه نظامی شیعه بنام حزب‌الله در لبنان اتحادی را شکل دهند که گسترش آن با صرف هزینه های سنگین از جیب مردم ایران ، امروز تحت عنوان "محور مقاومت" شناخته می شود.[۱۴۲۱] اما پیروزی انقلاب اسلامی برای کشور شیعه و همسایه یعنی عراق چندان خوشایند نبود. با این حال پیروزی انقلاب اسلامی و روی کارآمدن یک حکومت اسلامی در ایران منبع الهام برای جنبش های انقلابی، به ویژه جنبش های شیعی شد که در دهه ۱۹۸۰ ظهور کردند. آنها توسط مبارزان مذهبی به رهبری ایت الله خمینی حمایت می شدند که بینش وحدت امت اسلامی را ترویج می کرد. جنبش حزب الله لبنان یکی از

١٤١٩ - Ibid
١٤٢٠ - Ibid
١٤٢١ - Larbi Sadiki(٢٠١٦)editor,Oil States in the New Middle East Uprisings and stability,Routledge,p٥١

مشعل داران این راه بوده است.[۱۴۲۲] جمهوری اسلامی بطور مداوم سعی نموده است ، دایره نفوذ ایدئولوژیک و حتی حضور نظامیان و شبه نظامیان وابسته به خود را با توسعه ماموریتهای سپاه قدس در منطقه گسترش دهد. این توسعه طلبی گاه به مداخلات سیاسی در امور سایر کشورهای مسلمان انجامیده است و وحدت مورد نظر در جهان اسلام را که همواره مورد تاکید رهبران جمهوری اسلامی بوده است مورد خدشه قرار داده است. اولین رویارویی خسارت بار میان دو کشور مسلمان بعد از وقوع انقلاب اسلامی ، جنگ ایران و عراق بود. هشت سال جنگ ایران و عراق، ملغمه ای بود از برخورد، تخاصم و تصادم میان گرایش های مذهبی (شیعی- سنی) با قومیت گرایی / ملی گرایی (عربی-عجمی) با گرایشات سوسیالیتی حزب بعث عراق و با ارجاعاتی به پیشینه تاریخی و فرهنگی منازعات میان دو کشور و تحریکات فرصت طلبانه از سوی قدرت های خارجی. بنیانگذار انقلاب اسلامی که از جایگاه مرجعیت عالی شیعیان برخوردار بود ، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با ترغیب و تشویق روحانیون مذهبی و سرمست از ساقط سازی رژیمی که تاج سلطنت خود را مرهون دوهزار و پانصد سال شاهنشاهی در ایران می دید، به تحریک شیعیان عراق علیه حکومت بعث در عراق مبادرت ورزید، بدان امید که در عراق نیز یک حکومت شیعی همچون ولایت فقیه در ایران برپا گردد. این تحریکات کافی بود تا صدام حسین رییس جمهور عراق ، که رهبری جوان ، جویای نام و فرصت طلب بود و پیش تر بر سر آبراهه اروند رود با رژیم شاه تا آستانه یک رویارویی نظامی تمام عیار پیش رفته بود ، ولی به جهت موقعیت برتر شاه و ارتش ایران در آن زمان ، تن به قرارداد الجزایر داده بود، بتواند فرصت جویانه از خلاء وجود آن ارتش مقتدر و آن رژیم مورد حمایت غرب ، استفاده کند و نقش اتحاد ملل عرب در منطقه را تداعی و ایفا نماید. او که جایگاه خود را در نزد ملل عرب منطقه و میان مردم خودش به مثابه رهبران نامداری همچون جمال عبدالناصر در مصر بازنمایی می نمود، پیش دستانه وارد تجاوزگری به خاک ایران شد و قصد داشت تا ظرف چند هفته رژیم نوپای روحانیون شیعه در ایران را ساقط نماید. اما دلایل زیادی منجمله دخالت و سیاست قدرت های بزرگ و لجاجت و آمال طلبی رهبران دو کشور و روحیه پایداری در دو ملت ایران و عراق سبب شد تا جنگی هشت ساله و فرسایشی میان این دو کشور شکل بگیرد. اقدامات افراط گرایانه نیروهای انقلابی تازه مستقر شده بر نهادهای سیاسی در ایران ، بلا فاصله بعد از سقوط رژیم شاه ، منجمله حمله به سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام (خمینی) و گروگان گیری کارمندان سفارت و شعارهای تندی که علیه دو بلوک شرق و غرب سر داده می شد، موجب گردید، ائتلافی جهانی علیه انقلاب اسلامی ایران شکل گیرد. سران حکومت ایران که جنگ را فرصتی برای تبلیغ ایدئولوژی انقلابی نوظهور خود می دیدند ، آن را نعمت خوانده و جنگ را نبرد میان دنیای اسلام و کفر و جبهه حق علیه باطل تبلیغ می کردند. ایدئولوگهای حکومت آن را

۱۴۲۲ -Adrian Hänni, Thomas Riegler and Przemyslaw Gasztold (۲۰۲۱),Terrorism in the Cold War, Bloomsbury Publishing Plc, p۱۹۳

زمینه ساز ظهور ولی عصر مهدی موعود و فرصتی برای بازگشایی راه کربلا تا آزادی قدس شریف از دست اشغالگران صهیونیسم می دانستند. اما این جنگ که در نهایت هشت سال به درازا کشید با وارد کردن خسارات جانی و مالی سنگین به دو ملت ایران و عراق ، با قبولی قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل، به آتش بس انجامید و آثار و پیامدهای مخرب آن برای چند دهه بعد همچنان برقرار ماند.

پیامدهای منفی جنگ برای مردم و اقتصاد ایران :

کشورهایی که دچار جنگ و درگیری‌های سرزمینی هستند و یا تازه از آن بیرون می‌آیند ، معمولاً با جنایات سازمان‌یافته گسترده دست به گریبان می شوند. دولت پس از جنگ ، نه تنها ظرفیت خود را برای انجام وظایف اساسی از جمله تأمین ما یحتاج ضروری مردم از دست داده است ، بلکه در امنیت و اجرای نظم و قانون هم ناتوان است. این شرایط در کنار نبود فرصت های اقتصادی و شغلی به دلیل خسارت وارد بر زیر ساخت های اقتصادی ، خطر از هم پاشیدگی نظام های حقوقی ، سیاسی ، اداری را در پی دارد و فرهنگ معافیت از مجازات را ایجاد می کند. این شرایط به نوبه خود، فرصت ایده آلی را برای گسترش جرایم سازمان یافته و رشد گروه های مافیایی فراهم می سازد. در عین حال، در یک چرخه معیوب، بازیگران در جرایم و جنایت سازمان‌یافته هر آنچه را که از انحصار دولت در استفاده از زور باقی مانده است، تضعیف می کنند. حضور تعداد زیادی از نیروهای بین المللی و جریان های عظیم مالی و کمک های نظامی با تضعیف نهادها و فقدان امنیت ترکیب می شود تا محیط پس از جنگ در این کشورها را خشن تر کند.[۱۴۲۳] توصیف مذکور در مورد بسیاری از کشورهای درگیر جنگ و ناآرامی در خاورمیانه و شمال آفریقا(MENA) که عمدتا به فروپاشی سیاسی آنها انجامیده است ، مانند لیبی، عراق، سوریه، یمن و افغانستان مصداق دارد، اما شرایط در مورد ایران پس از جنگ کاملا متفاوت بوده است. این کشور با آنکه درگیر یک جنگ طولانی هشت ساله بود، به دلیل مقاومت ، اقتدار و پایداری مردم و اتحاد و استحکام روابط میان مردم با نظام سیاسی حاکم، توانست به رغم تحمل شرایط بسیار سخت و خسارات جانی و مالی فرآوان، از بسیاری از پیامدهای خطرناک جنگ و بحران های بعد از آن با تحمل شداید و سختی های زیاد عبور کند. این موضوع البته موجب نمی شود تا خسارات جنگ هشت ساله ناچیز انگاشته شود. بی شک سیاستمداران و حاکمان هر نظام سیاسی و منجمله مقامات جمهوری اسلامی و طرفداران گفتمان انقلاب اسلامی ، پیامدهای مثبتی هم برای این جنگ بر می شمردند، اما پیامدهای مثبت جنگ در اینجا مورد بحث ما نیست.

۱٤۲۳ - organised crime report (۲۰۱۱).

جدول ۴-۳ - خسارت‌های مالی جنگ در ایران

نوع خسارت	میزان خسارت به میلیارد دلار	درصد
خسارت‌های مستقیم	۴۴۰	۴۲
خسارت‌های غیرمستقیم بدون نفت	۳۰۰	۲۹
هزینه فرصت صادرات نفت	۱۷۱	۱۶/۵
خریدهای نظامی	۸۷	۸
پرداخت به خانواده مجانبازان و شهدا	۲۵	۲
واردات محصولات پالایش شده نفتی	۱۲	۱
هدیه نفتی ایران به سوریه بابت قطع خط لوله نفتی عراق	۳	۰/۵
افزایش هزینه واردات کالا از دیگر بندرها و از طریق جاده و راه‌آهن	۳	۰/۵
افزایش هزینه بیمه و افزایش دستمزد کارکنان کشتی‌ها	۳	۰/۵
جمع کل	۱۰۴۴	۱۰۰

منبع: شاهد جنگ و اقتصاد- محمدرضا قسیمی

مفید (۱۹۹۰) هزینه های اقتصادی جنگ برای ایران را حدود ۴۵۲,۶ میلیارد دلار برای آن زمان تخمین می زند، اما معترف است که هزینه های واقعی جنگ تقریباً غیر قابل اندازه گیری است. تا اواسط سال ۱۹۸۸، هزینه های انسانی، زیرساختی و اقتصادی جنگ و بن بست نظامی برای ایران ، پیروزی هر یک از طرفین را غیرممکن می نمود. رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ، آیت الله خمینی متقاعد شد که جنگ قابل پیروزی نیست و با اکراه آتش بس با عراق را پذیرفت. در طول جنگ، ارتش تسلیحات اصلی خود را بدون جایگزینی یا تامین مجدد از دست داد و بعد از جنگ، با وجود مشکلات شدید اقتصادی که کشور با آن مواجه بود، مجبور شد هزینه های نظامی خود را نسبتاً بالا نگه دارد.[۱۴۲۴] بر اساس آمار رسمی، ایران در طول جنگ متحمل ۱۹۴۹۳۱ کشته شد که از این تعداد ۱۸۳۹۳۱ نفر رزمنده و ۱۱۰۰۰ غیرنظامی بودند. تخمین غیررسمی برای عراق ۱۶۰۰۰۰ تا ۲۴۰۰۰۰ کشته بود. بر اساس گزارش موسسه بین المللی تحقیقات صلح استکهلم ، ایران ۷۴ تا ۹۱ میلیارد دلار برای تسلیحات و ۱۱,۲۶ میلیارد دلار دیگر برای واردات هزینه کرده است. ارقام مربوط به عراق ۹۴ تا ۱۱۲ میلیارد دلار به اضافه واردات نظامی ۴۱,۹۴ میلیارد

١٤٢٤ -Latif Wahid(٢٠٠٩), Military Expenditure and Economic Growth in the Middle East, Palgrave Macmillan Publisher, p٦٠; Mofid, K. (١٩٩٠) The Economic Consequences of the Gulf War (London and New York: Routledge).

دلار بود. با این حال، در جولای ۱۹۹۰، طارق عزیز، معاون نخست وزیر عراق، هزینه واردات نظامی را ۱۰۲ میلیارد دلار اعلام کرد.[۱۴۲۵] علاوه بر این درطول دوران جنگ ایران و عراق، عربستان سعودی یک کمک ۲۵ میلیارد دلاری به عراق ارائه داد که فراتر از ۱۰ میلیارد دلاری است که کویت در قالب نفت برای مشتریان عراقی ارائه کرده است.[۱۴۲۶]

ترکیب جمعیتی ایران به گونه ای بود که سالانه ۴۲۲۰۰۰ مرد بالغ می شد . این یعنی در حدود ۱ درصد از کل جمعیت به سن هجده سالگی رسیده اند. این رقم برای عراق ۱۶۱۰۰۰ نفر بود. علاوه بر این، ایران دارای نیروی داوطلب بسیج بود که از بیش از ۹۰۰۰ مسجد فعال و به جبهه اعزام می شدند. اینها شامل افراد زیر هجده سال و بالای چهل و پنج سال به همراه زنان بودند. تا بهار ۱۹۸۳ سازمان بسیج، ۲,۴ میلیون ایرانی را در استفاده از سلاح آموزش داده و ۴۵۰۰۰۰ نفر را به جبهه اعزام کرده بود.[۱۴۲۷]

جنگ موجب شد که اندازه ی اقتصاد ایران، حتی از پیش از انقلاب ۷,۵ درصد کوچکتر شود، در حالی که هزینه های دفاعی این کشور در سطح ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشور ثابت نگه داشته شد. انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی در نهایت اقتصاد ایران را فلج کرد و رکود اقتصادی با آغاز بازسازی اساسی ادامه یافت، اما به استثنای سال های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳، اقتصاد به طور کلی در حال کوچک شدن بود.[۱۴۲۸]

۱۴۲۵ -Dilip Hiro(۲۰۱۸), Cold War in the Islamic World: Saudi Arabia, Iran and the Struggle for Supremacy, Oxford University Press , p۱۰۸
۱۴۲۶ - Dilip Hiro(۲۰۱۸)
۱۴۲۷ -Dilip Hiro(۲۰۱۸), Ibid
۱۴۲۸ -Latif Wahid(۲۰۰۹), Ibid

سال	هزینه های نظامی (میلیون دلار $)	هزینه های دفاعی درصد از GDP %	نرخ رشدGDP (%)
1978	9,424*	10.0	−7.5
1979	4,757*	−45.5	−7.1
1980	16,108	238.6	−13.2
1981	12,321	−23.5	−5.2
1982	10,230	−17.0	13.0
1983	8,523	−16.7	12.6
1984	8,082	−5.2	−1.6
1985	9,705	20.1	−2.07
1986	9,339	−3.8	−9.2
1987	7,679	−17.8	−1.4
1988	7,353	−4.2	−6.3
1978–88	89,340	–	–

Note: * at constant 1988 price and exchange rates.
Sources: SIPRI, *Yearbook* (1980, 1990); World Bank, *World Development Indicators* (November 2007).

با رغم تحمل شداید جنگ از سوی مردم ، اما مشکل عمده در ایران از آنجا آغاز شد که رفتار حاکمیت و کارگزاران آن با مردم بعد از جنگ به تدریج تغییر کرد ، فساد گسترش یافت ، نابرابری ها شدت گرفت و عقب ماندگی ها جبران نشد و با پایان یافتن جنگ ، جبهه های دیگری گشوده شد و منابع اقتصادی که باید در جهت بازسازی و نوسازی زیرساختهای یک کشور جنگ زده صرف می شد ، به گروه های نیابتی در منطقه و پیشبرد انرژی هسته ای اختصاص داده شد. فلذا مشکلات امروز در جامعه ی ایران نه فقط ناشی از پیامدهای جنگ هشت ساله که بیشتر ناشی از فساد درونی نهادهای حکومتی و تا حدودی نیز ناشی از تحریم ها و فشارهای بین المللی است . به جز خسارات ناشی از فساد و ناکارآمدی حکومت در حوزه های مختلف ، سیاست تقابل جویانه جمهوری اسلامی با دنیای غرب، توسعه نفوذ منطقه ای از طریق آموزش، تقویت و گسترش حضور نیروهای نیابتی و تامین مالی و تسلیحاتی گروه های شبه نظامی هوادار در منطقه و توسعه فعالیت های هسته ای بدون جلب همکاری نهادهای نظارتی همچون آژانس ، هزینه های سنگینی را بر اقتصاد کشور تحمیل کرده است. با موضع خصمانه ای که جمهوری اسلامی ایران نسبت به غرب دارد و با توجه به اینکه قدرت نظامی متعارف ایران همتای ارتش قدرتمند آمریکا نیست، تاکید این کشور از لحاظ استراتژیک به سمت تمرکز بر سلاح های کشتارجمعی و با قابلیت چندگانه همچون توسعه صنایع موشکی و توسعه نفوذ آتش دریایی و پهپادی تغییر کرده است. تهدید مسیرهای عرضه نفت در منطقه خلیج فارس یکی از این راهبردهاست. ایران بیش از چهار دهه است که جهان را تهدید به بستن تنگه هرمز

می کند. ایران در دهه ۱۹۹۰ توانست هواپیماهای میگ ۲۹ و سوخو ۲۴، تانک تی ۷۲ و دو زیردریایی ، توپخانه و موشک های زمین به هوا را از روسیه وارد کند. اخیرا نیز موشک های ضد هوایی S۳۰۰ وارد کرده است. بعلاوه چین و کره شمالی نیز منابع اصلی تامین موشک های زمین به زمین برای این کشور بودند. ایران همچنین حداقل تا حدی به دنبال جبران کمبود منابع خارجی تسلیحاتی با ایجاد و توسعه صنایع دفاعی و تولید تسلیحات داخلی شامل تولید موشک های میان برد با قابلیت حمل کلاهک هسته ای و ساخت انواع پهبادها است.[۱۴۲۹]

جمهوری اسلامی ، بخشی از راهبرد توسعه اقتدار و نفوذ خود در منطقه را معطوف به آموزش و استخدام نیروهای نیابتی در کشورهای منطقه قرار داده و براساس تجربه اداره ی بسیج مردمی درجنگ با عراق ، به جذب و سازماندهی و آموزش و تامین مالی گروه های داوطلب مردمی در عراق و افغانستان، سوریه ، یمن و لبنان و دیگر کشورها مبادرت ورزیده است. اکنون سپاه قدس سالهاست این راهبرد را دنبال می کند و برحسب برخی گزارشها، هم اکنون ایران با احتساب هزینه های سپاه قدس، سالانه حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار در منطقه صرف تامین مالی، تسلیحاتی و پشتیبانی نیروهای نیابتی خود در لبنان ، سوریه ، یمن و عراق می کند.[۱۴۳۰]

نیروی قدس، بازوی شبه نظامی سپاه پاسداران با ده هزار تا پانزده هزار پرسنل، در جریان گسترش سپاه به عنوان شاخه برون مرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عملاً ظهور کرد. مأموریت آن انجام مأموریت های سیاست خارجی – که از اقلیم کردستان عراق شروع شد – و ایجاد روابط با گروه های شیعه و کرد بود. به گفته وزارت امور خارجه آمریکا، نیروی قدس از آن زمان تاکنون از فعالیت‌های تروریستی و گروه‌های شبه‌نظامی حامی ایران در سراسر خاورمیانه و فراتر از آن، از جمله در لبنان، سرزمین‌های فلسطین، عراق، افغانستان، کشورهای خلیج‌فارس و چندین کشور دیگر حمایت کرده است[۱۴۳۱]

در مقام مقایسه، علیرغم سرو صداهای زیاد، هزینه های نظامی – دفاعی و امنیتی ترکیه به عنوان همسایه ایران ، بطور متوسط در یک دوره زمانی قابل توجه ده ساله ، در حدود دو و نیم تا سه برابر ایران است.[۱۴۳۲] اما آنچه ایران را در لیست سیاه قرار می دهد و حساسیت های جهانی را به آن را زیاد می کند، تحرکات و حمایت های ایران از نیروهای نیابتی خود در منطقه و هزینه هایی است که در خارج از مرزهای خود صرف گروه های شبه نظامی می کند که ظاهرا هم دوست دارد، با نشر اخبار مربوط به آن، به نوعی بزرگنمایی دست بزند. بعلاوه منابع مالی زیادی را صرف توسعه فن آوری هسته ای و غنی سازی اورانیوم و تولید موشک کرده است.

١٤٢٩ - Latif Wahid(٢٠٠٩), Ibid, p ٦٢
١٤٣٠ - Ibid
١٤٣١ - Terrorism in the Cold War, p١٩٤
١٤٣٢ - Latif Wahid (٢٠٠٩),Military Expenditure and Economic Growth in the Middle East, Palgrave Macmillan ,p٨٦

سران و مقامات عالی رتبه در نظام جمهوری اسلامی، از ابتداء شکل گیری این نظام، قوانین و مقررات بین المللی و نهادهای بین المللی از جمله سازمان ملل و ارکان آن منجمله شورای امنیت و قطع نامه های صادره از سوی آن را به چالش کشیده و با هنجارهای پذیرفته شده ی جهانی به مقابله برخواسته اند. همچنین بخش دیگری از تلاش نظام جمهوری اسلامی صرف مقابله با ارزشهای فرهنگی و میراث باستانی ایرانیان بوده و تلاش تعمدی این نظام بر محو و نابودی نمادهای تمدن باستانی ایرانیان و تحریف حقایق تاریخی بگونه ای است که القا نمایند ایرانیان تا پیش از اسلام، هیچ دستاورد ارزشمند فرهنگی و تمدنی نداشته اند. تلاش تبلیغی نظام طی چهار دهه معطوف به تحکیم و تثبیت این روایت مطلوب و دلخواه حاکمان مذهبی است که ایرانیان با آغوش باز اسلام را پذیرفتند و ورود اسلام به ایران موجب تحولات مثبت فرآوان در حیات مادی و معنوی ایرانیان بوده است. بدون شک این روایت با واقعیتهای تاریخی کشور ایران همخوانی ندارد. واقعیت تاریخی این است که خدا باوری و خصایص فرهنگی و اخلاقی نیکو در میان ایرانیان همواره و حتی پیش از اسلام رواج داشته و بطور مثال به اعتراف خود علمای مذهبی، فرهنگ برهنگی و بی بندو باری و مصادیق دیگر فساد و انحراف اخلاقی هیچگاه در جامعه ایران باستان براساس شواهد متقن تاریخی وجود نداشته است و برخلاف ادعای برخی ایدئولوگهای حکومت فعلی ، ایرانیان همواره از دین دولتی و آلوده به سیاست ابراز انزجار نموده و در تقابل با آن بوده اند. این واقعیت تاریخی بعد از پیدایش آیین اسلام، نیز تصدیق می گردد و ایرانیان، همواره با حاکمان گمارده شده از سوی دستگاه خلافت اسلامی در موضع مخالفت و اعتراض قرارداشته اند. ایران همواره پایگاه و کانون فعالیت اپوزیسیون دستگاه خلافت اسلامی بود ولی ایرانیان به جهت ذات حقیقت جوی خویش ، عالمان بزرگی را در حوزه فقاهت و شریعت پژوهی با هدف دستیابی به حقیقت پیام دین و نص صریح و سنن نبی و آیات و روایات معتبر و برای دستیابی به سرچشمه زلال شریعت به دنیای اسلام عرضه نموده است. متاسفانه ترکیب دین با سیاست و دولت که خود مظهر خطرناکترین نوع آلودگی و فساد و انحراف است و استفاده ابزاری از دین توسط حاکمان در کنار نفوذ کشورهای استعمارگر، همواره در اقصی نقاط جهان، به زیان دین و دینداری و به بهای بهره کشی از ملل و سواستفاده از دین و توجیه فساد و انحراف حاکمان تمام شده است. هم در دنیای مسیحیت که تجربه آن را اروپای قرون وسطا دارد و هم در دنیای اسلام که همچنان تا به امروز دین به عنوان ابزار بهره برداری سیاسی توسط حاکمان مورد استفاده است، این چالش وجود دارد و به عنوان یکی از علل عقب ماندگی این جوامع شناخته می شود. بی شک یک رنسانس، بیداری و نهضت اصلاح دینی در جوامع اسلامی لازم است تا این جوامع از مفاسد و انحرافات ناشی از دین دولتی رهایی یابند. چهار دهه تلاش مستمر تبلیغی-ایدئولوژیک حاکمان مذهبی در ایران، و طراحی و اجرای سیاست های غلط در حوزه های فرهنگی و مقابله با فرهنگ و ادب ایرانی، نه تنها به اعتبار و مشروعیت این نظام لطمه زده که به رویگردانی مردم از جمهوری اسلامی منتهی شده و امروز خطر اصلی و بزرگ از درون خود نظام متوجه تمامیت آن

است و آن ظهور نسلی است که نه تنها هیچ تقید و التزامی به رعایت آموزه های دستوری این حکومت دینی ندارد، که با آن صراحتا ابراز مخالفت می کند. موضوع حجاب اجباری و مخالفت زنان جامعه با شیوه اجرای آن یکی از آن موارد و چالشی ترین آنها در این روزگار بوده است.

ابراز مخالفت و اعتراض برخی فعالان سیاسی، روزنامه نگاران، دانشجویان و فرهیختگان و بزرگان با روش و منش حکومت در نحوه اداره جامعه و تعامل با جهان ، بارها با خشونتی بی پروا پاسخ داده شده. ایران به بزرگترین زندان روزنامه نگاران و اصحاب رسانه تبدیل شده است. زندان و اعدام روزنامه نگاران و فعالان سیاسی –عقیدتی به رویه ای ثابت در حکومت ایران تبدیل شده است. حکومت بارها به اعتراضات مردم در نقد سیاست های داخلی و خارجی و فساد و ناکارآمدی خویش ، با واکنشی خشونت بار پاسخ گفته است، اعتراضات سراسری در آبان ۹۶، آذر ماه ۹۸ و شهریور ماه ۱۴۰۱ از آن جمله است. سیاست های ناکارآمد اقتصادی، در کنار فساد گسترده اقتصادی در میان مقامات و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و آلودگی بستگان و نزدیکان مقامات به فساد غارتگرانه ، به انضمام فشار تحریم های بین المللی که نتیجه سیاست های نابخردانه و خسارت بار حکومت بوده است ، اکثریت بزرگی از مردم ایران را از شیوه حکمرانی در جمهوری اسلامی ناراضی و معترض نموده است.

جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهایی است که فهرست بلندی از کارگزاران رده بالای آن از رییس جمهور تا وزراء و نمایندگان و کارگزاران آن ، در محاکم و دادگاههای داخلی و یا بین المللی دارای پرونده مفاسد و جرایم قابل تعقیب هستند. ، تعدادی از مقامات ارشد نظام در نزد نظام قضایی کشور نیز دارای پرونده های جرایم مختلف جنایی از قتل و آدم کشی و ترور تا تخلفات مالی گسترده و فسادهای مالی و اخلاقی هستند، که به دلیل ملاحظات حکومتی ، نوع حاکمیت سیاسی و انحصار رسانه ای و سانسور و محدودیت های اعمال شده بر مطبوعات، اخبار جرایم و جنایات آنها کمتر رسانه ای می گردد و انتشار اخبار مربوط به آنها، خالی از پیامدهای تعقیب قضایی برای منتشر کنندگان آن اخبار نیست.

چالش دیگر جمهوری اسلامی همانطوری که اشاره شد، با کشورهای مسلمان منطقه و همسایگان خویش است. جمهوری اسلامی سران اغلب کشورهای سنی مذهب عربی خاورمیانه را فاسد و دست نشانده می داند و از همان ابتداء با رژیم حاکم بر عربستان به عنوان نماد وهابیت و ثروت نامشروع در چالش بوده است. نتیجه سیاست های پرخاشگرانه ای که تحت عنوان انقلابی گری در داخل و خارج دنبال نموده، نارضایتی وسیع در سطح داخلی و بین المللی از شیوه رفتار حکومت ، اعمال تحریم های گسترده اقتصادی از جهان خارج و انزوا و پیچیدگی در روابط سیاسی با اغلب کشورهای مسلمان منطقه و ایران هراسی بوده است. علاوه بر هشت سال جنگ با عراق، که ائتلافی از کشورهای عربی منطقه و با پشتیبانی اغلب قدرت های بزرگ جهانی در آن جنگ به حمایت از صدام حسین برخواسته بودند و در نتیجه آن خسارات جانی و مالی فراوانی بر مردم ایران تحمیل شد. رژیم ایران با اسراییل

تقریبا در تمام این چهار دهه در حال جنگ و نزاع های لفظی بوده است و هرچندگاهی از طریق نیروهای نیابتی خود در لبنان مانند حزب الله و حمایت از گروه های فلسطینی مانند حماس، بر اسراییل تاخته است و از رژیم هایی همچون رژیم بشار اسد در سوریه به عنوان بخشی از محور مقاومت حمایت کرده است . هم اکنون نیز حکومت ایران از اینکه با مداخله و افزایش حضور و نفوذ خود در عراق و سوریه و یمن ، قدرت منطقه ای خود را به رخ رقبای سیاسی و عقیدتی خود همچون عربستان بکشد، ابایی ندارد.علاوه بر این دامنه حمایت های ایران به معترضان بحرینی هم می رسد. چنانکه رژیم بحرین ایران را به دلیل دخالت در امور شیعیان آن کشور مقصر اعلام کرد و ادعا کرد که معترضان شیعه چیزی جز دست نشانده های مورد حمایت ایران نیستند که کارهای کثیف دین سالاران ایرانی را انجام می دهند و این به آنها اجازه می دهد تا با یک دست سنگین به معترضین شیعه در بحرین پاسخ دهند.[۱۴۳۳] جمهوری اسلامی ایران همواره دفاع از اقلیت شیعه تحت ستم در جوامع دیگر مسلمان را جزء وظایف و تکالیف دینی خود قلمداد می کند و این موضع گیری و حمایت به هرحال موجب ایجاد تنش های میان ایران با سایر کشورها می شود. در سفر اخیر ابراهیم رییسی به نیویورک برای سخنرانی در صحن علنی مجمع ملل متحد ، حکومت ایران صراحتا اعلام کرد که مدافع مستضعفان عالم است و این نشان می دهد که همچنان بعد از گذشت چهل و چهارسال از انقلاب اسلامی، ناپختگی و عدم انسجام در رویکردهای سیاسی مقامات جمهوری اسلامی در مواجه با مسائل داخلی و خارجی وجود دارد. اخیرا وزیر خارجه دولت پیشین، محمدجواد ظریف در نقد سیاستهای دولت ابراهیم رییسی گفت : قرار نیست ایران بجای مستضعفین عالم با مستکبرین بجنگد. خصوصا با درک این تناقض که در پی سرکوب اعتراضات مردم به وضعیت بد اقتصادی در آذر ماه سال ۹۸ و هشدار برخی کنشگران مدنی به خطر قیام گرسنگان و محرومین در شهرها و خیابان ها، رهبر جمهوری اسلامی ایران به تحریف واژه مستضعف پرداخت تا قیام مردم معترض در خیابان ها را به طراحی دشمنان خارجی نسبت دهد و به این ترتیب معلوم شد با طرح ادعای دفاع از مستضعفان سراسر عالم سودای توسعه طلبی ایدئولوژیک در سر مقامات ایرانی است.

١٤٣٣ - Larbi Sadiki(٢٠١٦),Ibid ,p ٢٣-٢٩

فصل یازدهم :
نحو ی تعامل نظام های سیاسی با یکدیگر
و اجماع جهانی برای مبارزه با جرم و فساد

جرم و فساد در خلال تحولات سیاسی و جغرافیایی

دنیا محل تنازع میان قدرت های سیاسی فاسدی است که برای ماندگاری در قدرت و دنبال نمودن آمال های خود از هیچ جنایتی فروگذار نمی کنند، آنها دنیا را میان خود تقسیم کرده اند و حتی در نظم نوین جهانی هم هرکجا که لازم بدانند با دیگر رقبای خود بر سر ادامه دادن این بازی فاسد، وارد معامله می شوند و در این میان ، فقط مردم هستند که قربانی جنایات و مفاسد دولت هایشان می شوند. هرکجا و هرگاه که مردم یک کشور علیه جرایم، جنایات و مفاسد دستگاه حکومتی خود به قیام برخاسته اند، یا توسط آن رژیم و ایادی و حامیان داخلی و خارجی اش با خشونت تام و تمام و تحمل هزینه های سنگین ، سرکوب شده اند و یا اگر موفق شده اند و نظام سیاسی آن کشور به مرحله فروپاشی کامل رسیده ، قدرت های رقیب، سعی کرده اند از فرصت پیش آمده ناشی از خلاء قدرت و حاکمیت سو استفاده کرده و منافع خود را دنبال کنند و نظام سیاسی همسو با خود را برسرکارآورند که نتیجه ی آن باز هم برای مردم تحت ستم ، جز تحمیل هزینه های سنگین جنگ ، خشونت ، آوارگی ، فقر و مرگ چیز دیگری نبوده است.

به عنوان نمونه، پس از بهار عربی، خلاء قدرت در سراسر خاورمیانه و گسترش سرزمین‌های فاقد حکومت یا تحت کنترل و مرزهای متخلخل ، فرصت هایی را برای گروه های شبه نظامی با گرایش های ایدئولوژیک و مذهبی و برخی دولت ها فراهم آورد تا منافع خود را در پی این تحولات دنبال نمایند. دو گروه افراطی شبه‌نظامی (به ویژه جهادی‌های سلفی مانند داعش/دولت اسلامی، القاعده، انصاراللّه و انصارالشریعت یا جبهه النصره) و کشورهای قدرتمند و ثروتمند منطقه ای و خارجی (مانند ایران، عربستان، ترکیه، روسیه و ایالات متحده) برای پیشبرد منافع خود و تقویت نفوذ خود، یا برای به دست آوردن قلمرو، منابع یا اتحادهای جدید وارد معرکه شدند. نتیجه و پیامد این خلاء قدرت و فرصت طلبی های موصوف ، توانمندسازی نیروهای غیر دموکراتیک و اغلب خشن در سراسر منطقه بوده است که به ضرر بازیگران اصلاح طلب و (رفرمیست ها) ، مدافعان حقوق بشر، جریان های عدالت خواه و برابری طلب بوده است. پیامد خلاء قدرت، بصورت گسترش جنگهای نیابتی (رویاروی غیرمستقیم قدرت‌های خارجی از طریق حمایت از جریان ها و گروه های محلی ودرگیری در یک کشور ثالث) روندی نگران کننده ایجاد

کرده است. به عنوان مثال می توان به حمایت ایران از شبه نظامیان در لبنان ، عراق و یمن و حمایت از رژیم بشار اسد با موضوع محور مقاومت ، حمایت مصر /امارات متحده عربی و قطر از جناح های مخالف در لیبی و قدرت های متعددی که از بازیگران مختلف در سوریه حمایت می کنند.[۱۴۳۴] و تحرکات ترکیه در برهم زدن اتحاد کردها برای تشکیل دولت واحد کُرد و یا اقدامات توسعه طلبانه روسیه در منطقه اشاره کرد.

در موارد گوناگون، اروپا و آمریکا به عنوان منادیان لیبرال دموکراسی در جهان، به امید جلب همکاری های منطقه ای و دستیابی به ائتلاف های موقت با برخی کشورهای قدرتمند کلیدی در منطقه مانند ایران، عربستان، مصر، الجزایر، جهت حل و فصل تهدیدهای امنیتی فراملی، مانند گسترش و رشد گروه های افراطی و تروریستی یا کمک به روند بی خطر انتقال قدرت به حاکمان جدید (مانند مورد عراق و افغانستان) چشم خود را بر وضعیت داخلی این کشورها در زمینه ی نقض حقوق بشر و آزادی های اساسی شهروندانشان بسته اند و در حمایت از نهادهای حقوق بشری در این کشورها ، جز در حد شعار، کار جدی و عملی صورت نداده اند که این خود به تضعیف بیشتر موقعیت فعالان اصلاح طلب وجریانات دموکراسی خواه در این جوامع منجر شده است.[۱۴۳۵] نتیجه و پیامد این سیاست معلوم است، یاس، ناامیدی و سرخوردگی فعالان حقوق بشر در این کشورها و ریا کارانه تلقی کردن شعارهای حمایتی از سوی دولت های غربی و له شدن فعالان مدنی آزادیخواه در زیر فشارهای امنیتی بیشتر که توسط حکومت های فاسد و جنایتکار بر علیه آنان اعمال می شود. اروپایی ها وامریکایی ها بارها همین رویه را در پیش گرفته اند و هربار با دولت های فاسد منطقه معامله کرده اند و این دستاوردی نیست که امروزه غرب بتواند به آن ببالد، بلکه باید بابت این سیاست منافقانه و تبانی فاسد شرمنده مردم این کشورها باشد. ارزیابی این پژوهش از ماحصل تمام یافته ها این است که سیاستمداران غربی در همدستی کامل با قدرت های فاسد و توتالیتر در سایر کشورها ، تنها از شعارهای عوام فریبانه و ژستهای پوپولیستی همچون دفاع از آزادی، حقوق بشر ، دموکراسی، در جهت تعقیب منافع سیاسی و اقتصادی خود سوء استفاده کرده اند و در عمل با جنایتکاران و حاکمان کشورهای فاسد و حتی گروه های تروریستی و باندهای مافیایی سازمان یافته شریک جرم هستند.

یک نمونه احمقانه آن (که آن زمان از نظر برخی تحلیل گران سیاسی نمونه امید بخش ارزیابی شده بود[۱۴۳۶]) امید به تحقق توافق برجام (توافقی پرسرو صدا بر سر پرونده هسته ای ایران) میان ایران و آمریکا بود.آمریکایی ها انتظار داشتند، بتوانند از طریق توافق برجام به حکومت ایران نزدیک شده و زمینه های همکاری مشترک میان خود و آنها

١٤٣٤ - Kristina Kausch (Ed.), Geopolitics and Democracy in the Middle East, First published in Spain in ٢٠١٥ , FRIDE, P١٤.

١٤٣٥ - Kristina Kausch (Ed.),Ibid.p ١٦

۱۴۳۶ – اگر بخواهیم خوشبینانه ارزیابی و قضاوت کنیم ، این گروه از تحلیل گران، بیش از آنکه یک کنش گر فعال در جهت تحقق آرمانهای آزادی خواهانه باشند ، بیشتر سعی می کنند تمنیات وآمال و آرزوهای خود را در قالب تحلیل ارائه دهند که با واقعیت دنیای امروز فاصله دارد.

در منطقه و در سایر مسائل منطقه ای را بیابند. به همین جهت دولت اوباما توافق هسته‌ای با ایران را یک سرمایه گذاری استراتژیک در امنیت خاورمیانه ارزیابی کرد که به زعم او در حال حاضر جایگزین همه اهداف دیگر شده و سیاست آمریکا را در قبال هر بازیگر دیگری در منطقه مشروط می کند. در همین حال، برخی از مقامات آمریکایی معتقد بودند(= امید داشتند) که کاهش تنش‌های ژئوپلیتیکی با ایران ، به چشم انداز بلندمدت دموکراسی در سراسر منطقه کمک می کند.[۱۴۳۷]

در سال ۲۰۱۶ نیز همزمان با اجرای توافق اولیه برجام، ایران چهار زندانی آمریکایی را آزاد کرد ، در حالی که ایالات متحده نیز اتهامات هفت زندانی ایرانی را لغو و آنها را آزاد کرد. همزمان، واشنگتن ۴۰۰ میلیون دلار پول نقد به عنوان بخشی از تسویه حساب بزرگتر مربوط به فروش تسلیحات دوران شاه به ایران فرستاد. برخی این اقدام دولت اوباما را نوعی پرداخت باج به دولت جمهوری اسلامی تلقی کردند، ولی واقعیت این است که نه در این مورد که در بسیاری از موارد ذکر شده در بالا می توان موضوع را از زاویه دیگر هم مورد قضاوت قرارداد و آن زورگویی آمریکا و به گروگان گرفتن شریان حیاتی اقتصاد ایران و بلوکه کردن پول های ایران و بستن مسیر و جریان گردش پول ایران در قبال معاملات تجاری مشروع با کشورهای دیگر است، اگر چه ایران نیز با در پیش گرفتن روش گروگان گیری و توسل به یک شیوه غیراخلاقی و غیر انسانی آن هم برای پیگیری مطالبات و حقوق مشروع خودش، محکوم به نقض حقوق بشر است. بدون شک در این موارد ، هر دو کشور ایران و آمریکا مرتکب جرم سیاسی وجنایت سازمان یافته علیه شهروندان کشورهای خودشان و کشورهای یکدیگر شده اند.

در پی تلاش های دولت حسن روحانی که با شعار تدبیر و امید برای حل و فصل برنامه هسته ای با غرب و با هدف برداشتن فشار تحریم ها از سر اقتصاد کشور و پیشبرد مذاکرات برد- برد، بیشترین تهاجمات و فشارهای سیاسی از سوی هسته ی سخت قدرت در ایران یعنی رهبری جمهوری اسلامی، روحانیون همنوا با او و فرماندهان ارشد سپاه که با موشک پرانی های خود بلا فاصله بعد از امضای توافق برجام، این مذاکرات را خیانت و خسران کامل تلقی کردند، بر علیه دولت او صورت گرفت و آنگاه بود که معلوم شد ، امریکایی ها چقدر از تحلیل واقعیت ها و درک مناسبات قدرت در ایران دور هستند. بعدا هم که ترامپ از برجام رسما خارج شد، عده ای از نمایندگان تندرو در مجلس با خیال راحت ، برجام را بطور نمادین به آتش کشیدند، هرچند که بعد از روی کارآمدن دولت رییسی، همان جریان تندرو تلاش کردند تا بار دیگر برجام را برای هموار کردن مسیر پر چالش اداره کشور و خدمت به دولت اصولگرا و با هدف بهره برداری سیاسی از آن به نفع خودشان احیا نمایند، اما با تحولاتی که در مناسبات میان قدرتهای جهانی بعد از جنگ اوکراین و بالا گرفتن رقابت آمریکا و چین رخ داد ، این فرصت دیگر باره میسر نشد. واقعیت این است که ماهیت سیاسی ایدئولوژیک حکومت ایران در کنار فعالیت های مشکوک و پنهان هسته اش، و ماجراجویی های منطقه ای اش با کمک نیابتی ها ، راه را بر اعتماد جامعه جهانی به دولت ایران بسته است و تا این

۱۴۳۷ - Kristina Kausch (Ed.),Ibid

اعتماد سازی انجام نشود، نه برجام و نه هیچ راهکار سیاسی دیگری نمی تواند، خسارات و هزینه های سنگین تحمیلی ناشی از تحریم ها را از دوش اقتصاد ایران بردارد، ضمن اینکه نوعی سردرگمی در سیاست خارجی ایران نیز به چشم می خورد و در زمین بازی سیاست فقط یک بازی خراب کن است. امریکایی ها از همان ابتداء علاوه بر تحریم های اقتصادی، همه تلاش های سیاسی خود را معطوف به این نموده اند که مانع از دستیابی ایران به هرگونه پیشرفت منتهی به ساخت سلاح هسته ای شوند. چین، روسیه و قدرتهای بزرگ اروپایی نیز به دنبال فرصت یابی برای حداکثر نمودن منافع خودشان در جریان این برنامه هستند. در سال ۱۹۹۷، ایالات متحده ، چین را تحت فشار قرار داد تا پروژه مهمی را با هدف تبدیل کیک زرد (کنسانتره سنگ معدن اورانیوم) به هگزافلوورایدِ اورانیوم (UF۶) لغو کند و روسیه هم بارها بازسازی نیروگاه آسیب دیده بوشهر را به تعویق انداخت، زیرا فناوری هسته‌ای این کشور نمی‌توانست با نمونه اولیه که تجهیزات آلمانی هستند، سازگار شود.[۱۴۳۸] اکنون نیز نیروگاه بوشهر جز تحمیل هزینه های سنگین، دستاورد درخشانی در تامین برق مورد ادعای ایران نداشته است.

بر اساس معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای (NPT)، آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA) کمک های فنی به برنامه هسته ای ایران ارائه می کرد و فعالیت های هسته ای این کشور را در دهه ۱۹۸۰ رصد می کرد. در اوایل سال ۱۹۹۲ ادعاهایی درباره فعالیت های هسته ای اعلام نشده در ایران مطرح شد، اما بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی پس از بازدیدهای خود از ایران به این نتیجه رسیدند که تمام فعالیت های مشاهده شده با استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی مطابقت دارد. در ۱۴ آگوست ۲۰۰۲، زمانی که شورای ملی مقاومت ایران، (سازمان مجاهدین خلق) وجود دو سایت هسته ای ناشناخته در دست ساخت در ایران را فاش کرد: یک تأسیسات غنی سازی اورانیوم در نطنز (که بخشی از آن زیرزمینی است) و یک تاسیسات آب سنگین در اراک ، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش ۶ ژوئن ۲۰۰۳ خود در مورد اجرای توافق‌نامه پادمان در ایران خاطرنشان کرد که ایران در ارائه به موقع اطلاعات مربوطه کوتاهی کرده است و نسبت به انحراف برنامه هسته ای و استفاده نظامی احتمالی از تأسیسات هسته‌ای بواسطه وجود برخی ابهامات فنی، ابراز نگرانی کرد.[۱۴۳۹] در فوریه ۲۰۰۶، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی عدم پایبندی ایران به مقررات هسته‌ای را به شورای امنیت سازمان ملل گزارش داد.

در ۱۱ آوریل ۲۰۰۶، محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران اعلام کرد که ایران با غنی‌سازی موفقیت‌آمیز اورانیوم در سطح پایین به کشورهای دارای فناوری هسته‌ای پیوسته است. در ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶، شورای امنیت قطعنامه ۱۶۹۶ را تصویب کرد که در آن از ایران خواسته شد " تمام فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفرآوری، از جمله تحقیق و

۱۴۳۸ - Xiaoning Huang(۲۰۱۶),Iranian nuclear issue and regional security , Department of Political Affairs, Middle East and West Asia Division, p٤.

۱۴۳۹ - IAEA report GOV/۲۰۳/٤۰ dated ٦ June ۲۰۰۳.

توسعه را تعلیق کند" متعاقباً چندین قطعنامه دیگر هم برای اعمال تحریم‌ها علیه نهادها و افراد ایرانی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران تصویب شد و موضوع هسته‌ای ایران عملا به یک بحران بین‌المللی تبدیل شد، ایران اما اصرار دارد که برنامه اش فقط برای اهداف صلح آمیز است.[۱۴۴۰] در سال ۲۰۰۴، ایالات متحده توافقنامه پاریس را که ایران با اتحادیه اروپا برسر رفع نگرانی های هسته ای امضا کرده بود، رد کرد. بعلاوه در سال ۲۰۰۶، روسیه و چین را متقاعد کرد که تحریم ها علیه ایران را تایید کنند. در اواخر سال ۲۰۱۱ و اوایل سال ۲۰۱۲، با اتحادیه اروپا و سایر متحدانش برای اعمال شدیدترین تحریم ها علیه ایران همکاری کرد. ایالات متحده همچنین همواره گفته است که همه گزینه‌ها در برخورد با برنامه هسته‌ای ایران روی میز است.[۱۴۴۱] برخی کارشناسان نگرانی های دیگری همچون ایمنی سایت های هسته ای را در مورد محل احداث تاسیسات هسته ای ایران ابراز نموده اند. به گفته آنها بسیاری از تأسیسات هسته‌ای موجود و برنامه‌ریزی‌شده ایران در مناطق زلزله‌خیز و مبتنی بر فناوری نا ایمن روسیه قرار دارند.[۱۴۴۲]

حتی تلاش سیاسی منتهی به توافق زودگذر برجام هم به دلایل مختلف قابل تامل، نتوانست فشارهای تحریمی را بر اقتصاد ایران کاهش دهد. رهبر ایران به نوبه خود گفت که برنامه موشکی برای توان دفاعی ایران ضروری است و "قابل مذاکره" نیست. مقامات ایرانی افزودند، اگر آمریکا در مورد مسائل دفاعی در خاورمیانه جدی است، باید فروش تسلیحات به عربستان سعودی و اسرائیل را متوقف کند. علاوه بر این، ایران شکایت کرد که لغو تحریم‌ها تاکنون نتوانسته منافع اقتصادی ملموسی به همراه داشته باشد، زیرا بانک‌ها و شرکت‌های خارجی که نگران باقی ماندن تحریم‌های غیرهسته‌ای آمریکا علیه ایران هستند، تمایلی به تجارت با ایران ندارند.[۱۴۴۳] همین مساله خود عامل دیگری بود تا مقامات ایرانی چندان به توافق برجام دلخوش نباشند ، زیرا فهمیده بودند که برجام نتواسته است آن مقدار که آنها انتظار دارند، از برنامه هسته ای ایران رفع ابهام نموده و برای جامعه جهانی اعتماد ساز باشد. واقعیت دیگر این بود که جریانانی در داخل کشور بی آنکه نگران هزینه های خسارت بار تحریم ها روی اقتصاد و معیشت مردم باشند، از اینکه به اصطلاح دشمنان نظام (امریکا و اسراییل) نگران پیشرفت برنامه هسته ای ایران باشند، برخود می بالیدند. بعلاوه آنها طی این چند دهه راه های بی اثرسازی و دور زدن تحریم ها را هم فرا گرفته بودند و وجود تحریم ها را چندان هم برای نظام خطر جدی نمی دانستند. حتی بخش هایی از حاکمیت تحریم ها را نعمت ارزیابی کرده و بخش هایی ازآنها منافع کلانی از قبل دور زدن تحریم ها طی این سالها بدست آورده بودند.

١٤٤٠ - Xiaoning Huang(٢٠١٦),Ibid, p٥
١٤٤١ - Xiaoning Huang(٢٠١٦),Ibid
١٤٤٢ - Tabatabai, Ariane. Safety: the overlooked crucial issue in Iranian nuclear negotiations. Bulletin of the Atomic Scientists, ١٦ April ٢٠١٥. http://thebulletin.org/safety%E٢٪٨٠٪٩٤-overlooked-crucial-issue-iraniannuclear-Negotiations ٨٢٢٧, accessed ١٢ March ٢٠١٦.
١٤٤٣- Xiaoning Huang(٢٠١٦),Ibid,pp١٨-١٩

هنجارشکنی های جهانی پس از رخداد یازده سپتامبر

رخداد یازده سپتامبر از این جهت اهمیت دارد که پیامدهای آن برای کل جهان ناگوار بود. بدون شک رخداد انفجار برج های دوقلو در یازده سپتامبر یک اقدام تروریستی سازمان دهی شده توسط باندهای تبهکار بود . علاوه بر اینکه خودآن اقدام جنایتکارانه بود، پیامدهای بعدی آن نیز برای جهان خسارت بار بود ، زیرا ارتکاب به جنایات بیشمار دیگری به دنبال آن واقعه موجه جلوه داده شد. از جمله تجاوز نظامی ، جنگ و اشغال سرزمین های دیگر و حاکمیت گفتمان نظامی – امنیتی بر کل جهان به مدت بیش از دو دهه .این رخداد و پیامدهای بعدی آن ، در آستانه ورود به قرن بیست و یکم چهره جهان را بکلی عوض کرد. به دنبال رخداد یازده سپتامبر تعادل بین حقوق فردی و امنیّت جامعه از نقطه نظر حقوقی برهم خورد و در ارتباط با جرایم تروریستی امنیّت جامعه نسبت بـه حقـوق افـراد برتری داده شد. در واقع، نه تنها حقّ برخورداری از امنیّت به جای حقّ حمایت از بـزه دیـده و بـازپروری بزهکـار مطرح شد ، بلکه فراتر از آن، حقّ برخورداری از امنیّت ، جایگزین حقّ متّهم بر دادرسی عادلانه شد. امّا باید گفت که حقوق افراد جامعه و امنیّت جامعه در عرض هم قرار دارند و منافاتی با هم ندارند. عدم رعایت دادرسی عادلانه موجب سوءاستفاده های سیاسی می‌شود (قدیری بهرام آبادی، ۱۳۹۶: ۱۵۴ و ۱۷۰). در جرایم تروریستی که حقوق کیفری چهرۀ امنیّتی به خود می گیرد ، مفهوم امنیّتی شدن نسبت به شهروندان در کنترل و نظـارت بـر آنهـا اعمـال می‌شود، ولی سخت گیری در فرایند رسیدگی کیفری نسبت بـه متّهمـان یـا محکومـان جـرایم تروریسـتی صـورت می گیرد (عالی‌پور، ۱۳۸۸: ۹). پس از حادثۀ یازده سپتامبر حقوق کیفری امنیّت‌مدار (دشمن‌مدار) پدید آمد. در این رویکرد به علّت ماهیت جرم تأمین مالی تروریسم و خطراتی که ممکن است متوجّه امنیت کل جامعه شود، الزامات حقوق بشری همچون حقوق متهم ، در مراحل تحقیقات مقدّماتی، دادرسـی کیفـری و اجـرای حکـم بـا تبصـره و استثنائاتی روبرو هستند (اسلامی، ۱۳۹۵: ۱۲۲).

با توجّه به پیش‌زمینه های اجتماعی و ایدئولوژیکی تروریسم و با توجّه به روند انسانی شدن حقوق بین الملل، منحصر کردن مقابله با پدیدۀ تروریسم به شیوه‌های نظامی کافی نیست بلکه از آنجا که تروریسـم نشـات‌گرفتـه از عوامل اقتصادی، فرهنگی، ایدئولوژیک و غیره اسـت و لـزوم مبـارزه بـا ریشـه‌هـای تروریسـم از اهمّیّـت بسـزایی برخوردار است (شریفی طرازکوهی و فتح پور، ۱۳۹۶: ۲۲۶)

رشد جرایم سازمان یافته، خشونت و ترور در دولت های رو به زوال

بحث در مورد ویژگی و ماهیت دولت های شکست خورده و رو به زوال منجر به طرح سؤالات نظری و سیاسی گوناگون می شود، با این حال، برای درک بیشتر وضعیت چنین دولت هایی باید به توصیف وضعیت آنها پرداخت. واضح ترین سوال این است که چگونه وضعیت یک دولت شکسـت خـورده و یـک نظـام سیاسـی فروپاشـیده را می توان سنجید ؟ هر کشوری در وضعیت های مختلف ، دارای بخشی از قلمرو سرزمینی است که دولـت حـاکم

درآن منطقه یا قلمرو فاقد قدرت انحصاری است. هم اکنون مناطق خاصی از ایالات متحده دارای مراکز قدرت رقیب در قالب باندها یا سایر سازمان های جنایتکار است. در واقع، پلیس اغلب تمایلی به ورود به چنین مناطقی ندارد - آیا این امر ایالات متحده را به یک کشور شکست خورده تبدیل می کند؟ علاوه بر این، ایالات متحده به وضوح کنترلی بر مرزهای جنوبی خود ندارد. باز هم، آیا عدم کنترل بخشی از مناطق را به عنوان تعریف رو به زوال و یا در حال سقوط و یا دولت شکست خورده می توان در نظر گرفت؟ مطمئنا خیر، اما این وضعیت اگر استمرار (زمانی) و گستردگی (مکانی) یابد ، بله . در مورد کشورهای مختلف دیگر هم این وضعیت وجود دارد. مثلا بخش هایی از کلمبیا تحت کنترل انحصاری گروه تروریستی مواد مخدر فارک است. بخش های بزرگی از افغانستان - به ویژه خارج از کابل -(تا پیش از سلطه ی مجدد طالبان بر کل افغانستان) در کنترل جنگ سالاران باقی بود و دولت فقط بر کابل و برخی شهرهای بزرگ کنترل داشت . بخش بلوچستان پاکستان قطعاً فاقد قدرت انحصاری دولتی است. حتی در ایران ، گاه بخش هایی از سیستان و بلوچستان در قدرت انحصاری نیروهای امنیتی آن کشور قرار ندارد و یا در برخی از مناطق کوهستانی و صعب العبور کرد نشین در غرب ایران ، اقتدار امنیتی کمی وجود دارد، اما در همه این موارد لزوما با دولت رو به زوال یا شکست خورده مواجه نیستیم، ولی شاید بتوان به نشانه های آشکارتری از یک دولت شکست خورده یا دولتی با اقتدار رو به افول در برخی موارد اشاره کرد.[۱۴۴۴] هم اکنون کشورهای بی ثبات زیادی در خاورمیانه وجود دارند که چنین وضعیتی را کما بیش تجربه کرده و یا می کنند، چنانکه در یمن، افغانستان، عراق ، لیبی و سوریه این شرایط برقراربوده و هست.

هرچه دامنه کنترل دولت بر قلمرو سرزمینی کاهش یابد و اقتدار دولت در مناطق مختلف تنزل یابد، نشانه های بروز ناامنی، هرج و مرج و جرم و خشونت بیشتر ظاهر می شود. پرسش این است که به عنوان بخشی از تلاش برای مبارزه با تروریسم در سطح جهان و جلوگیری از گسترش تروریسم به سایر مناطق ، در مورد کشورهای شکست خورده جهان چه می توان انجام داد؟ در واقع می توان چنین تصور کرد که در یک آتش سوزی ، چگونه می توان، خسارات آتش سوزی را در آن موضع کاهش داد و چگونه می توان از سرایت آتش به مناطق دیگر جلوگیری کرد. در نهایت، توصیف وضعیت شکست خورده در مورد دولت ها برای بررسی و ارزیابی ریشه‌های تروریسم و خشونت چقدر متغیر و چقدر ثابت است؟

کشورهایی که در بالا به عنوان کشور شکست خورده و یا دولتهای ساقط شده یا در حال سقوط نام برده شدند، دو ویژگی مهم داشتند. اول —این دولت ها با گسترش فساد و اعمال خشونت علیه مردمشان متهم بودند و دوم- دخالت نیروهای خارجی در زوال و سقوط آنها نقش تعیین کننده داشته است. لذا در برآورد و ارزیابی پیامدهای خسارت بار بعدی در دولتهای ساقط شده ، باید به نقش هر دو عامل توجه گردد.

۱۴۴۴ - James J. F. Forest(۲۰۰۷), Ibid, p ۹۸

بطورخلاصه مفهوم شکست دولت یا دولت شکست خورده ، در توصیف وضعیتی گفته می شود که در آن "درگیری‌های مدنی، مانند جنگ های فرقه ای و طایفه ای، بحران‌های سیاسی، و نقض گسترده حقوق بشر معمولاً به تضعیف و فروپاشی دولت منتهی شده است."، اما بحرانی شدن اوضاع داخلی این کشورها، اغلب به مداخله نیروی های خارجی نیز انجامیده است. به عنوان یک اصل ، کشورهایی که قادر به اعمال اقتدار و برقراری امنیت در داخل مرزهای خود نیستند، کمتر به سایر مسائل حیاتی مانند فقر، بیماری و خشونت و ترور رسیدگی می‌کنند. همچنین شکست دولت به عنوان " وضعیتی تعریف می شود که در آن اقتدار دولت مرکزی برای یک دوره طولانی ، اغلب چند ساله ، سقوط می کند". تعداد دولت های کاملاً فروپاشیده از نظر تاریخی کم است، اما تعداد کشورهای در حال فروپاشی تا حدودی دردسرسازتر است.[۱۴۴۵]

در گزارش کارگروه ویژه[۱۴۴۶] ، ۲۵۱ رویداد و ۱۳۶ مورد شکست دولت قابل شناسایی بوده است. کشورهایی که علایم زیر را دارند کشورهای شکست خورده ، تضعیف شده و یا رو به زوال هستند. این کشورها مستعد جرایم خشونت بار سازمان یافته و رشد تروریست می باشند : " کشورهایی که برای مدت قابل توجه استانداردهای زندگی در آنها به شدت رو به وخامت می‌رود، زیرساخت‌های زندگی عادی در آنها از بین می‌رود، و یا طمع حاکمان بر مسئولیت‌های آنها برای بهتر کردن وضعیت رفاه و معیشت مردم و محیط اطرافشان غالب می‌شود و مواردی که در آن اقتدار دولت مرکزی برای چندین سال سقوط می کند." رابرت روتنبرگ براساس بررسی ها و مطالعات خود دریافته است که در این کشورها در زمان شکست یا زوال و یا ضعف" جرم و جنایت افزایش یافته و به یک جنگ داخلی همه جانبه تبدیل می شود."[۱۴۴۷] فرانسیس فوکویاما، نظریه پرداز مشهور هم، خاطرنشان می کند:" دولتهای ضعیف یا شکست خورده به ریشه بسیاری از جدی ترین مشکلات جهان، از فقر و ایدز گرفته تا قاچاق مواد مخدر و تروریسم نزدیک هستند."[۱۴۴۸] چستر کروکر، دستیار سابق وزیر خارجه ایالات متحده، این موضوع را مشاهده کرده است که " شکست یک دولت بر طیف وسیعی از منافع ایالات متحده تأثیر می گذارد. . . این امر به ناامنی منطقه ای، اشاعه تسلیحات کشتار جمعی، قاچاق مواد مخدر و تروریسم در جهان کمک می کند. "در چارچوب ژئوپلیتیک جدید جهان، نظام موازنه قدرت منسوخ شده و در تدوین سیاست مفید نیست ، فلذا باید به مفهوم دولتهای شکست خورده توجه شود.[۱۴۴۹] کوپرمعتقد است که این سیستم به بهترین وجه به عنوان یک سیستم متشکل از وابستگی متقابل بین بازیگران دولتی خلاصه می شود. این عاملِ وابستگی متقابل است که سیاست را از سطح

۱۴۴۵ - James J. F. Forest(۲۰۰۷), ibid, p ۹۸
۱۴۴۶ - Task Force report
۱۴۴۷ - James J. F. Forest(۲۰۰۷), ibid
۱۴۴۸ - Francis Fukuyama, “The Imperative of State Building,” Journal of Democracy ۱۵, no. ۲ (April ۲۰۰٤): ۱۷–۳۱.
۱۴۴۹ - Crocker, “Engaging Failed States,” p ۳٤.

محلی عبورمی دهد و به سطح یک سیستم مسنجم جهانی سوق می دهد. از این رو، توجه به دولت های شکست خورده اهمیت دارند که بر دیگر دولت ها در سراسر نظام بین المللی تأثیر می گذارند.[۱۴۵۰]

رابطه بین تروریسم و دولت های فاسد ، ناکارآمد و رو به زوال، یکی از مسائل مهم محیط امنیتی کنونی در جهان امروز است. بن لادن از سودان ، دولتی که تمام نشانه های یک دولت رو به زوال و شکست خورده را داشت، به عنوان پایگاهی برای رشد و پرورش اسلام ستیزه جو استفاده کرد. شبکه ی بن لادن از آنجا توانست از نظر دامنه و عملیات گسترش یابد.[۱۴۵۱] سقوط دولت در عراق بعد از صدام تا سال ها بعد زمینه را برای آشوب و نا امنی و جرم و جنایت و ترور و خشونت و رشد گروه های تروریستی تکفیری فراهم نمود. سوریه در دوران بی ثباتی و جنگ داخلی اش، سرزمین مستعدی برای رشد گروه های تروریستی شد. افغانستان ، یمن و لیبی نیز همین تجربه را از سر گذراندند. بنابراین سرزمینی که مستعد رشد گروه های تروریستی است، سرزمینی است که تحت حاکمیت نظامهای سیاسی فاسد، ناکارآمد و رو به زوال است. متاسفانه مداخلات کشورهای مختلف نیز اوضاع را در آن کشورها بدتر می کند و به سقوط آنها ، سرعت بیشتر می بخشد.

اما خطر رشد جرایم و جنایات سازمان یافته و منجمله تروریسم ، فقط متوجه سرزمین هایی نیست که در آنها با دولتهای رو به زوال و ساقط شده یا در حال سقوط مواجه هستیم. تمام جوامعی که رو به زوال نهاده اند ، یک نشانه آشکار داشتند، همه آنها پیش از سقوط و زوال ، در فساد غوطه ور شده اند. این خطر امروزه بیشتر متوجه کشورهای اقتدارگراست. جوامع اقتدارگرا بیش از هر جامعه ی دیگری به فساد تمایل دارند. فساد با جنایت همراه است و شبکه های جنایی تدارکات عملیات تروریستی را تسهیل می کنند. شبکه‌های بازار سیاه که هم توسط جنایتکاران و هم تروریست‌ها استفاده می‌شوند به گروه‌های تروریستی اجازه می‌دهند تا سلاح به دست آورند، منابع مالی را کانالیزه کنند و گاه خارج از حیطه اختیارات دولت ارتباط برقرار کنند و برنامه‌ریزی کنند.[۱۴۵۲]

لیدیا خلیل، یک تحلیلگر مبارزه با تروریسم در اداره پلیس نیویورک، این بحث ها را با بررسی ارتباطات چند وجهی بین حکومت اقتدارگرا و تروریسم بیشتر گسترش و بسط داده است. او استدلال می کند که صرف نظر از اینکه چقدر نیت آنها خیرخواهانه است، دولت های اقتدارگرا ، توتالیتر یا تمامیت خواه، معمولاً به خاطر قدرت در برابر قدرت متراکم سرخم می کنند؛ کانون قدرت حول هسته مرکزی درست می کنند و پایگاه قدرت خود در میان توده ها و آحاد افراد جامعه را از دست می دهند. آنها همچنین به طور معمول آزادی های مدنی را خفه می کنند تا قدرت خود را حفظ کنند و جامعه را تحت کنترل نگه دارند. علاوه بر این، اغلب دولت‌های استبدادی ، دولت‌هایی فاسد هستند و منابع، امتیازات و مزایا را برای گروهی منتخب از مردم یا نخبگان حاکم محفوظ می دارند. فساد مانع

۱۴۵۰ - Cooper, The Breaking of Nations ; James J. F. Forest(۲۰۰۷), ibid, p۹۹

۱۴۵۱ - James J. F. Forest(۲۰۰۷),Ibid, p ۸۰۳

۱۴۵۲ - James J. F. Forest(۲۰۰۷) ,Ibid ,p۸۰۵ ; Louise Shelley, “The Globalization of Crime and Terrorism,” EJournalUSA—The Challenges of Globalization ۱۱, no. ۱ (February ۲۰۰۶). Available at http://usinfo.state.gov/pub / ejournalusa.html

از توزیع عادلانه خدمات اجتماعی می شود و لایه دیگری به رنجش ناشی از عدم مشارکت سیاسی به جامعه می افزاید. بقیه افراد جامعه چون صدایی ندارند ، نادیده گرفته می شوند یا آرام می گیرند. فساد مشروعیت دولت را در چشم شهروندانش از بین می برد. دولت های اقتدارگرا مصداق "شهروندان بد" در نظام همکاری بین المللی هستند و به جهت ماهیتشان ، به تلاش های بین المللی علیه تروریسم بین المللی کمک نمی کنند و نخواهند کرد، حتی اگر ادعای همکاری کنند.[۱۴۵۳]

عوامل مختلفی به سوژه بودن کشورهای شکست خورده به عنوان پایگاهی برای گروه های تروریستی کمک می کند. اولا، دولتهای ساقط شده و یا رو به زوال ، فاقد هرگونه جلوه ای از اجرای قانون هستند. علاوه بر این، یک دولت شکست خورده همچنین جمعیتی از نیروهای آماده بکار ارائه می دهد که به آنها وعده ارائه کمک ها و امکانات اولیه (غذا، امنیت و غیره) داده می شود در حالی که دولت مرکزی قادر به ارائه آن خدمات نیست، در نهایت، سطوح فقر و فساد که معمولاً با دولت های ساقط شده یا شکست خورده در پیوند است ، آنها را مستعد دادن باج و رشوه‌ها قانع‌کننده‌تر به سازمان های جنایتکار می کند و این به سازمان‌های تروریستی یا جنایتکار اجازه می‌دهد به هر شکلی که می‌خواهند رفتار کنند.[۱۴۵۴]

جرم و خشونت ، چرخه نابسامانی اقتصادی و فساد اقتصادی

پیش تر در مورد رابطه میان تورم، بیکاری، فقر و نابرابری با جرم و فساد بطور مفصل بحث شد. در این بخش با ذکر این نکته که نابسامانی اقتصادی باز تعریف جوامعی است که نرخ تورم ، بیکاری ، فقر و نابرابری در آنها در سطح هشدار دهنده ای قرار دارد، بر این نکته تاکید گذاشته می شود که جوامع دارای بحران های اقتصادی در چنگال باندهای جرایم سازمان یافته گرفتار می شوند، اگر نگوییم دولت در این نوع جوامع به تسخیر باندهای مافیایی درمی آید. این قاعده که "شرایط وخیم اقتصادی باعث رشد فساد و جنایت سازمان یافته می شود"در غالب موارد درست است. شواهد گوناگونی برای این ادعا ارائه شده است. یک نمونه ی آن کشور آلبانی است. از سال ۱۹۹۷، آلبانیایی ها شروع به ایجاد یک دموکراسی نهادینه کرده اند. قانون اساسی جدید در ۲۸ نوامبر ۱۹۹۸ نوشته و تصویب شد. اصلاحات قضایی و قانونی کُند اما ادامه دارد. بسیاری از سازمان های بین المللی در کمک به رشد و احیای آلبانی فعال هستند. با این حال، به دلیل فروپاشی صنایع سبک تحت نظام کمونیستی و متعاقب آن بیکاری گسترده، آلبانیایی ها مجبور شده اند به دنبال راه های جدیدی برای بقای اقتصادی خود باشند و جرایم سازمان یافته و فساد و رشوه افزایش یافته است. در آلبانی فساد بومی و سیستماتیک شده است. مرزبانان کمتر از ۲۰۰ دلار در ماه حقوق می گیرند و به گفته یکی از مقامات آلبانیایی به شدت مستعد رشوه هستند.[۱۴۵۵] در این محیط، گروه‌های

۱٤٥٣ - James J. F. Forest(۲۰۰۷),Ibid, p۷۱۰
۱٤٥٤ - Ibid, p۷۱۱
۱٤٥٥ - James J. F. Forest,Ibid, ۸۳۸

تروریستی می‌توانند از فرصت‌ها با ریسک یا هزینه کمی برای عملیات خود استفاده کنند.[۱۴۵۶] جای تعجب ندارد که سازمان مجاهدین خلق ، یکی از گروه های تروریستی دارای سابقه جنایتکارانه علیه مردم ایران مقر خود را در آلبانی قرار داده است. قاچاق اسلحه نقش بسزایی در بی ثباتی این کشور در بالکان داشته است آلبانی کمونیست تولید کننده AK-۴۷ به سبک چینی بود که میلیون ها نفر در دوران حکومت رهبر کمونیست آن انورخوجه مسلح شدند. خوجه با توجه به ترس پارانوئیدی خود از تهاجم، جمعیت خود را مسلح کرد و زرادخانه های دولتی حاوی مقادیر بی شماری مهمات و سلاح بود. در طول ناآرامی های سال ۱۹۹۷، ۱۳۰۰ زرادخانه دولتی غارت شدند. اکثریت قریب به اتفاق این سلاح ها هرگز بازیابی نشدند، اما راه خود را به درگیری های دیگر باز کردند. به عنوان مثال، سلاح های آلبانی نقش مستقیمی در بی‌ثباتی کوزوو و مقدونیه داشتند. طبق یک گزارش، آنها این سلاح ها را در اختیار کسانی قرار دادند که از نقاط بحرانی دیگر مانند منطقه آبخازیا و گرجستان به بالکان سفر کرده بودند.[۱۴۵۷] بسیاری از آنها هنوز در خانه‌های مردم و در انبارهای مخفی است و برخی دیگر به دست گروه‌های جنایتکار آلبانیایی قومیت گرا در اروپا افتادند ، اما حداقل نیمی از آنها دوباره قاچاق شده‌اند و در بازار سیاه لبنان و یا در دست جهادی‌ها در چچن قرار گرفتند. براساس گزارشی با عنوان " بازار شناور سلاح‌های غیرقانونی برای تروریست‌ها" ، ۱۷ مه ۲۰۰۶. حتی پس از تلاش‌های متعدد برای کاهش ذخایر، طبق گزارش سازمان ملل، آلبانی هنوز بیش از ۱۵۰۰۰۰ سلاح سبک دارد و ۸۰۰۰۰ تن مهمات که در ۵۷ محل نگهداری می شوند. آلبانی در بالکان منحصر به فرد نیست. رومانی و صربستان نیز تولیدکنندگان مهم اسلحه و مهمات بوده و هستند.[۱۴۵۸] در ۱۹۹۴ پلیس بلغارستان، ۶ نفر با ۱۹ کانتینر حاوی مواد رادیو اکتیو را توقیف کرد که شامل ۱۰۰ گرم پلوتونیوم بود. این مواد از آزمایشگاهی در بلغارستان سرقت شده بود و اداره اجراییات قانون به گروه های مافیایی روسیه مشکوک هستند که این مواد را ممکن است از اروپای غربی قاچاق کرده باشند. در ایالات متحده تخمین زده می شود که ۲۲۰ میلیون اسلحه گرم در دست اشخاص وجود دارد، وجود این میزان سلاح گرم اگرچه ممکن است بر نرخ جرم و جنایت و نحوه ی اجرای قانون تأثیر بگذارد، اما صرف وجود این تعداد سلاح اقتدار این دولت را به چالش نمی کشد، زیرا آمریکا کشور بی ثباتی نیست، از یک اقتصاد قوی برخوردار است و بحران های اقتصادی مختلف به خوبی مدیریت می شوند. اما اگر چند هزار سلاح به مناطق بی ثباتی مانند پاپوآ گینه نو یا جوامع شبانی شرق آفریقا تزریق شود، می تواند ماهیت این جوامع را دستخوش تغییرات خشونت بار کند.[۱۴۵۹] از قضا، زمانی که صلح در منطقه ای برقرار می شود که در آن سلاح های سبک به میزان بالایی تکثیر و توزیع شده است، این تغییر شرایط ، یک تهدید واقعی

١٤٥٦ - James J. F. Forest, Ibid.

١٤٥٧ - Ibid

١٤٥٨ - Floating Market' in Illicit Weapons Arms Terrorists," Jane's Terrorism & Security Monitor,May ١٧, ٢٠٠٦. Even after numerous efforts to downsize the stockpiles, according to the United Nations Albania still has over ١٥٠،٠٠٠ small arms and light weapons and ٨٠،٠٠٠ tons of ammunition in ٥٧ storage sites. Albania is not unique in the Balkans. Romania and Serbia were and continue to be significant producers of guns and ammunition

١٤٥٩ - James J. F. Forest,Ibid, ٨٥٤

برای دولت های همجوار و منطقه ای ایجاد می کند. بطور مثال در غرب آفریقا، سلاح ها بعد از اتمام درگیری های لیبریا به سیرالئون خارج شد و به ساحل عاج و منطقه دلتای نیجر در نیجریه منتقل گردید. در آفریقای مرکزی، اسلحه از رواندا به جمهوری دموکراتیک کنگو منتقل شد و در آسیا در دهه ۱۹۹۰، تسلیحات از افغانستان به مناطق مرزی پاکستان و سپس به شهر کراچی منتقل شد. در سومالی سرکردگان گروه های هرج و مرج طلب ، قاچاق مواد مخدر، تولید کالاهای تقلبی، و دزدی دریایی انجام می دهند، زیرا دولت (و عوامل خارجی دخیل) قادر به مقاومت در برابر چالش های امنیتی ایجاد شده توسط نیروهای متقابل که عمدتاً به سلاح های جنگی مسلح هستند، نبوده اند. به همین ترتیب، پیش تر دیدیم که حمایت ایالات متحده و پاکستان از مجاهدین افغان علیه ارتش شوروی در زمان اشغال افغانستان منجر به تکه تکه شدن بالفعل ایالت پاکستان به مناطقی شد که به حمایت از تشکل های سازمان یافته جنایتکار و گروه های سیاسی و مذهبی رادیکال مشغول بودند.[۱۴۶۰]

افغانستان، پاکستان و ایران منطقه جنوب غربی آسیا را تشکیل می دهند که به منطقه ی هلال طلایی[۱۴۶۱] معروف است. قبل از جنگ ائتلاف جهانی به رهبری ایالات متحده علیه تروریسم، افغانستان بزرگترین کشور تولید کننده تریاک در کره زمین بود. این کشور از سال ۱۹۷۹ مورد تهاجم اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفت و به مدت ده سال تحت اشغال و کنترل شوروی بود و افغان ها در حال جنگ با شوروی بودند، و در جریان جنگ، اسلحه در برابر تریاک متقابلاً مبادله می شد تا فرماندهان مجاهدین را در جنگ با ارتش شوروی حمایت کنند. فرماندهان مجاهدین از کشورهای خارجی منجمله ایالات متحده ، کمک های تسلیحاتی پیشرفته همچون موشک های استینگر دریافت می کردند[۱۴۶۲] و در داخل به درآمد حاصل از تجارت تریاک وابسته بودند. در سال ۱۳۶۸ .ش ،

١٤٦٠ - J. F. Forest,Ibid, ٨٥٥

١٤٦١ - Golden Crescent Region

١٤٦٢ - Peter Dale Scott(٢٠٠٣) ,Drugs, Oil, and War The United States in Afghanistan, Colombia, and Indochina , Rowman & Littlefield Publishers Inc,p٢٣

همچنین ادعاهای مکرر وجود دارد که سازمان سیا، مستقیم یا از طریق واسطه‌ها، به کمپین استخدام منسوب به بن لادن کمک کردند. سایمون ریو همچنین از یک افسر بازنشسته سیا شنید که فرستادگان ایالات متحده در پاکستان " مستقیماً با بن لادن ملاقات کردند، و این بن‌لادن بود که به توصیه دوستانش در اطلاعات عربستان سعودی پیشنهاد کرد باید به مجاهدین استینگر داد." روزنامه های فرانسوی و ایتالیایی از تماس بین بن لادن و یک افسر سیا در جولای ۲۰۰۱ خبر داده اند. پیتر دال اسکات ، همان، ص ۳۲.

نمونه‌ای از زد و بند و فساد و بی کفایتی سیاسی در هم و برهم و عمیق که سیاست‌های رسمی ایالات متحده را توضیح می‌دهد، داستان چگونگی ارائه موشک‌های ضدهوایی استینگر توسط این کشور در سال ۱۹۸۶ به مجاهدین افغان است. بر اساس گزارش های مرسوم که از اکتبر ۱۹۸۶ شروع شد ، گروه های مقاومت خاصی شروع به دریافت موشک های استینگر ساخت ایالات متحده از طریق خطوط تامین تسلیحاتی سیا کردند... استینگر مهمترین سلاح از بسیاری از سلاح های جدید مورد استفاده در جنگ با شوروی بود که تا پایان سال ۱۹۸۶ به افغان ها ارائه شد. مجاهدین با این پدافند هوایی امکان یافتند که شوروی را وادار به تغییر استراتژی جنگ هوایی نمایند. بعدها تعدادی از این موشک ها توسط سپاه پاسداران ایران از گروه های مجاهدین افغان خریداری و به تعداد معدود در یگانهای رزم سپاه در خلیج فارس علیه خود امریکایی ها بکارگیری شد. ر. ک به :

Larry P. Goodson(٢٠٠١), Afghanistan's Endless War: State Failure, Regional Politics, and the Rise ofthe Taliban , Seattle: University of Washington Press ,p٦٨ .

هفت فرمانده مجاهد در زمان کنترل افغانستان، بیش از ۸۰۰ تن تریاک تولید کردند، که این موضوع پتانسیل درآمدزایی حاصل از تریاک را نشان می دهد. نیوزویک در زمان اشغال افغانستان توسط شوروی نوشت که چگونه " روس‌ها با کنترل افغانستان، در ۳۵۰ مایلی دریای عرب ، در کنار خط حیات نفتی غرب و ژاپن قرار گرفته اند. هواپیماهای جنگی اتحاد جماهیر شوروی مستقر در افغانستان می توانند به میل خود این خطوط حیاتی را قطع کنند." بعدها برژینسکی نوشت که چگونه تهاجم شوروی "باعث حضور نظامی گسترده ایالات متحده در خلیج فارس" و متعهد " به دفاع از منطقه خلیج فارس" شد. آمریکایی ها تلاش هر نیروی خارجی برای به دست گرفتن کنترل منطقه خلیج فارس را تهاجم به منافع حیاتی خود تلقی می کردند.[۱۴۶۳]

حضور نظامی مستقیم آمریکا در خلیج فارس و حمایت از مجاهدین افغان برای مقابله با شوروی، جایگزین دکترین نیکسون مبنی بر تکیه بر ابرقدرت های منطقه ای برای حفظ نظم در منطقه شد که با سقوط شاه ایران به دست رادیکال های شیعه در سال ۱۹۷۹ در منطقه فروپاشیده بود. [۱۴۶۴] مقصود امریکایی ها برای حمایت از مجاهدین افغان، زمین گیر کردن ارتش شوروی در کوهستان های تسخیرنشدنی افغانستان بود تا فرصتی برای توسعه طلبی بیشتر پیدا نکنند. با شکست اتحاد شوروی، میزان کمک های خارجی به افغانستان به میزان چشمگیری کاهش یافت و انگیزه های قوی تری برای جنگ سالاران افغان ایجاد کرد تا تولید تریاک را به میزان چشمگیری معادل با ۲۲۰۰ تن در سال، برای جبران زیان های جنگ و جبران حمایت های خارجیان افزایش دهند.[۱۴۶۵] در واقع در همان دوره ای که توجه ایالات متحده به افغانستان به بیشترین حد خود رسید افغانستان به منبع اصلی تولید و توزیع هروئین در جهان تبدیل شد. همین امر ممکن است باعث شود که تصور گردد ، زمانی که ایالات متحده در اکتبر ۲۰۰۱ به افغانستان حمله کرد، این امر به عنوان فصل دیگری از "جنگ علیه مواد مخدر" از سوی ایالات متحده اعلام شود. زیرا درآن زمان هم از بن لادن و هم طالبان در خارج از کشور به عنوان گروه هایی که از طریق قاچاق مواد مخدر تامین مالی شده بودند ، نام برده می شد و روسیه گزارشی از جزئیات آن را ارائه کرده بود. [۱۴۶۶]

در هرحال جنگ دوم یعنی جنگ ائتلاف به رهبری آمریکا بر علیه تروریسم در افغانستان هم نتوانست به کاهش تولید تریاک کمک کند و اندک زمانی بعد از جنگ ، تولید تقریباً به سطح قبل از جنگ بازگشت. قلع و قمع مزارع کشت خشخاش و تلاش ها و برنامه های محصول جایگزین هم تاکنون نتوانسته است تولید تریاک این کشور را کاهش دهد. هم اکنون حدود ۹۰ درصد تریاک تولید شده در افغانستان ، از مرزهای ایران ترانزیت می شود و به ترکیه قاچاق می گردد ، جایی که آزمایشگاه‌های هروئین ترکیه ، معتادان در اروپای غربی و بریتانیای کبیر را تامین

۱٤٦۳ - Peter Dale Scott(۲۰۰۳) ,Ibid,p ۳۰
۱٤٦٤ - Peter Dale Scott(۲۰۰۳) ,Ibid,p ۳۱
۱٤٦٥ - J. F. Forest,Ibid, ۹۲۷
۱٤٦٦ - Peter Dale Scott(۲۰۰۳) ,Ibid,p ۳۲

و تغذیه می کنند. مقدار کمی از هرویین تولیدی هم مورد مصرف در ایران، افغانستان و پاکستان است، و تقریبا حدود ۵ تا ۲۰ درصد از هرویین تولید شده به مقصد ایالات متحده و اروپای غربی ارسال می شود.[۱۴۶۷]
دولت ایران از یک سو بابت ممانعت از ترانزیت مواد مخدر از مرزهایش، هزینه های انسانی و مالی سنگین متحمل می شود و از سویی بر اساس اخبار و منابع گوناگون ، بخش هایی از نهادها و مقامات درون حکومتی با شبکه باندهای قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان به مقصد ترکیه و اروپا همکاری سازمان یافته دارند. بکار بردن لفظ "برادران قاچاقچی" از سوی محمود احمدی نژاد رییس جمهور پیشین ایران برای توصیف آن دسته از فرماندهان و نیروهای تحت امر انتظامی و مرزداری کشور که آلوده به فساد و همکاری با باندهای قاچاق هستند، تاییدی بر وجودگزارش های فساد در میان این نیروهاست. در تازه ترین اخبار، نیز اخیرا اخباری درز کرده که علت کناره گیری علی شمخانی از دبیری شورای عالی امنیت ملی، همکاری او با شبکه های پرنفوذ و معروف قاچاق اعلام شده بود.[۱۴۶۸]

رابطه نظام های سیاسی با میزان ارتکاب جرم و فساد

بحث حاضر از آن رو اهمیت دارد که شواهد مختلف نشان می دهد، نظام های سیاسی، به جای همکاری در سطح بین المللی برای کنترل جرایم و مفاسد، اغلب انگشت اتهام را بسوی یکدیگر نشانه می روند. نظام های سیاسی موجود و تعلقات ایدئولوژیک آنها بی ارتباط با جغرافیای دنیایی که درآن زندگی می کنند، نیست. ما در جغرافیایی زندگی می کنیم که یک سوی آن اصطلاحا مغرب زمین و سوی دیگرآن مشرق زمین و میانه ی آن شرق میانه و خاورمیانه است. تمدن امروز غرب وارث فرهنگ وتمدن های بجا مانده از یونان و روم با آمیزه ای از مسیحیت است. تمدن شرق یا شرق دور مبتنی بر باورهای خاص بودایی، برهمایی وکنفسیوسی است، خاورمیانه مهد تمدن های باستانی از نیل تا بین النهرین وجلگه ی سند، متاثر از آمیزه ای قوی از باورهای اسلامی است. اگرچه رویارویی تاریخی اسلام و غرب به قرون میانه و جنگ های صلیبی برمی گردد، اما این نبرد در عصر حاضر ابعاد متنوع تری را در برمی گیرد. مقامات سیاسی و فرهنگی جوامع اسلامی و اسلامگرایان نسبت به تهاجم فرهنگی غرب علیه جوانان مسلمان در کشورهای خودشان هشدار می دهند و مقامات غربی از خطر گسترش ایدئولوژی رادیکال اسلام‌گرا و جذب شدن نسل جوان در اروپا و امریکا به گروه های جهادی ابراز نگرانی می کنند. همچنین مقامات سیاسی در امریکا و اروپا ، بارها نظام سیاسی اقتدارگرا در روسیه و چین و یا حکومت های مذهبی در کشورهای اسلامی را تجسم فساد و خشونت و عامل گسترش تروریست و جرایم سازمان یافته معرفی کرده اند. متقابلا روسیه، چین و کشورهای اسلامی، سیاستهای نظامی –امنیتی غرب و تجسم آن که امروزه در ایدئولوژی لیبرال دموکراسی

۱۴۶۷ - J. F. Forest,Ibid, ۹۰۴
۱۴۶۸ - iranintl.com/en/iran-in-brief/shamkhani-us-trying-debilitate-and-dismantle-iran.

خلاصه می گردد ، را منشاء استعمارگری، امپریالیسم، تجاوزگری و عامل اصلی فساد وتبهکاری و ریشه افراط گرایی و رشد جرایم سازمان یافته در جهان معرفی می کنند. استراتژی امنیت ملی (NSS)[۱۴۶۹] آمریکا در دسامبر ۲۰۱۷ صراحتا تاکید دارد که ایالات متحده و قدرت‌های بزرگ روسیه و چین به طور رسمی از یک دوره همکاری تقریباً ۲۰ ساله عبور کرده اند و وارد دوره جدیدی از رقابت شده اند. این سند سه تهدید مهم دیگر برای امنیت ایالات متحده را به ترتیب ، کره شمالی، ایران و سازمان های تروریستی و جنایتکار فراملی معرفی می کند.[۱۴۷۰]

قطع نظر از پیشینه های تاریخی ، در مجموع به نظر می رسد امروزه ، تقابل و رویارویی میان ایدئولوژی های سیاسی اقتدارگرا در شرق، لیبرال دموکراسی در غرب و ایدئولوژی افراط گرای اسلامی در میانه، از سطح رقابت به خصومت و دشمنی و نفرت پراکنی علیه یکدیگر کشیده شده است و هر یک دیگری را مظهر شیطان و خود را مظهر پاکی و حقیقت معرفی می کند که این نوع رویارویی ، منشاء بزرگترین برخوردهای خشونت بار و جرم و جنایت و جنگ و ترور در جهان شده است.

رژیم جمهوری اسلامی، چهار دهه است که امریکا را شیطان بزرگ خطاب می کند ونظام لیبرال دموکراسی غرب را منشاء فساد در دنیا معرفی می کنند و پایگاه های احتمالی نفوذ تفکرات و ایدئولوژی غرب در کشور را از ابتداء شکل گیری نظام ، هدف و نشانه رفته و زیر فشار خود قرار داده اند.بطور نمونه یک بار محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور ایران، خواستار پاکسازی اساتید لیبرال و سکولار از دانشگاه های ایران شد. او در سخنرانی خود در جمع فعالان دانشجویی گفت: " نظام دانشگاهی ما ۱۵۰ سال است که تحت تأثیر سکولاریسم بوده است. ما شروع به ایجاد تغییر کرده ایم اما برای آن به حمایت ویژه نیاز داریم. . . . امروز دانشجویان باید بر سر رئیس جمهور فریاد بزنند و بپرسند چرا اساتید لیبرال و سکولار در دانشگاه ها حضور دارند؟ "[۱۴۷۱] در ادبیات حاکمان ایران همواره و از ابتدای تاسیس جمهوری اسلامی، بحث پاکسازی مطرح بوده است و امروز پس از چهار دهه با تلاشی مضاعف برای یکدست نمودن قدرت ، گفتمان "خالص سازی" به نوعی باز تعریف همان پاکسازی دهه اول انقلاب را در تمام سطوح سیاسی واداری کشور تداعی می کند.

البته تا آنجا که به بحث اصلی این کتاب مربوط می گردد، سیاستی که حاکمیت مذهبی در ایران برای پاکسازی فضای دانشگاهی و اداری و صنعتی و ساختار دولتی ازتفکرات و اندیشه های غربی دنبال کرده، دستاورد مثبتی در زمینه کارآمدی نظام اداری و کاهش فساد در دورن حکومت نداشته که برعکس به فساد و ناکارآمدی بیشتر دامن زده است. در واقع یک دهه پاکسازی و سه دهه سیاست گزینش نیروهای ارزشی در میان نهادها و دستگاه های

۱٤٦٩ - National Security Strategy

۱٤٧٠ - Thomas F. Lynch III (editor),Strategic Assessment ۲۰۲۰, National Defense University, Institute for National Strategic Studies , Washington, D.C. p۸۹

۱۴۷۱ – سخنرانی احمدی نژاد در جمع فعالان دانشجویی . البته پیش از او بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران بارها بر دانشگاه و مراکز علمی به عنوان نماد اشاعه فرهنگ و تمدن و تهاجم فرهنگ غربی و ضد دین تاخته بود.رویکرد پالایش دانشگاه ها از وجود اساتید لیبرال در دولت احمدی نژاد و بعد از او در دولت ابراهیم رییسی، را باید موج دوم انقلاب فرهنگی در دانشگاه ها ارزیابی نمود، که البته بدون رانت و فساد و گزینش های سیاسی در تعیین و انتخاب اساتید نبوده است.

دولتی و مراکز اداری و تاسیسات فرهنگی و مراکز دانشگاهی کشور با طرح شعار " تعهد مقدم برتخصص"، فقط موجب ریزش نیروی انسانی متخصص از مصدر امور و مهاجرت نخبگان علمی از کشور و فراهم شدن زمینه فرصت طلبی برای عده ای شده که خود را حزب اللهی و انقلابی دو آتشه جا زده و یا با ریش و تسبیح ، بدون کمترین دانش و تخصص در مناصب و جایگاه های مختلف قرار گرفته اند و به فساد و غارتگری و یا حیف و میل و اتلاف منابع اقتصادی و هزینه تراشی از جیب مردم و ورود خسارت به منافع ملی پرداخته اند. تنها برای نمونه به کالبدشکافی ابعاد دیگری از شخصیت محمود رضا خاوری به عنوان نماد یک مدیر انقلابی ارزشی می پردازیم، او در زمان تصدی اش بر ریاست بانک ملی ایران، بزرگترین بانک جهان اسلام، همزمان ریاست کمیته امر به معروف و نهی از منکر و کمیته مبارزه با مفاسد اداری در شعب بانک های سراسر کشو را نیز برعهده داشت. انتشار عکس های حضور او در راهپیمایی های ۲۲ بهمن به مناسب جشن پیروزی انقلاب با چفیه و ریش و تسبیح، آن هم بعد از فرارش با پرونده اختلاس ۳۰۰۰ میلیارد تومانی به کشور کانادا ، از او یک سمبل عوام فریبی مدیران و مقامات نظام جمهوری اسلامی معرفی نمود. دیدار او با برخی مراجع تقلید قم به منظور استفتاء در مورد عقود بانکی و عملکرد نظام بانکی کشور نمایشی عوام فریبانه بیش نبود. مدیران به ظاهر متعهد و انقلابی از این دست که تاکنون به جرم فساد های مختلف اقتصادی و اخلاقی متهم شده و به اعتبار سیستم لطمه زده و مایه آبرور ریزی سیستم بوده اند کم نیست. اما متاسفانه همچنان این رویه گزینش و سپارش مناصب به اشخاص خودی براساس معیارهای ظاهری ادامه دارد که به قول یکی از منتقدان، این رویه را باید گزینش پخمه گان به جای نخبگان نام نهاد. در مجموع آسیب ها، خسارات و فجایعی که حاکمیت جمهوری اسلامی از قِبَل سیاست تقدم تعهد بر تخصص بر کشور و مردم تحمیل کرده است، بیش از خساراتی بوده است که این حاکمیت از ناحیه متخصصین فرنگ رفته و نخبگان علمی و دانشگاهی به اصطلاح شیفته غرب، که خطرآن را بزرگنمایی می کردند، متحمل شده است. ظاهرا سیاست حاکمیت از ابتداء این بود که با شعار تعهد و انقلابی گری، به تدریج تمام جایگاه ها و مناصب را اشغال کنند ، تا هریک از مقامات و وابستگانشان، بدون مزاحمت، در قالب خودی ها بتوانند ثروت و منابع ملی را غارت و آنها را به مانند غنایم جنگی میان خود تقسیم کنند و هرآن کس به انتقاد از عملکردشان پرداخت را با انگ غیرخودی و خائن و ضد انقلاب کنار بزنند. اخیرا موج تازه ای از این رویه تحت عنوان خالص سازی در دستگاه های دولتی به جریان افتاده است.

خوانندگانی که مطالب کتاب را تا اینجا خوانده باشند، آگاه خواهند شد که در تمام نظام های سیاسی کما بیش درجاتی از جرم و فساد وجود دارد و هیچ نظام سیاسی و ایدئولوژیکی نمی تواند خود را سمبل پاکی و شفافیت و دیگری را سمبل پلیدی و کدورت بشمارآورد. نتایج بسیاری از پژوهش هایی که ترجیحات سیاسی خاصی را تعقیب نکرده اند، این است که تفاوت دموکراسی ها و رژِیم های اقتدارگرا در رابطه با جرم و فساد تنها در این است

که در به اصطلاح دموکراسی ها به واسطه درجه ای از فضای آزاد گفتگو، سلطه ی رسانه ها بر شئون مختلف اجتماع و تفکیک قوا که هر نهاد عملکرد دیگری را از حیث نحوه بکارگیری قدرت و سوء استفاده از آن زیر نظر دارند، جرایم و فساد اشخاص و نهادهای صاحب قدرت، به راحتی افشاء و اطلاع رسانی می شود و به تعبیری در دموکراسی ها فساد پشت پرده نمی ماند، بلکه پرده ی فساد دریده می شود و از هر سو به آن حمله می شود. فساد در فضایی آکنده از کثرت گرایی، آزادی بیان واقعی می تواند ردیابی و افشاگری شود.[۱۴۷۲] و بدین طریق هزینه انجام فساد برای مرتکبین آن بالا برود ، ولی در نظام های اقتدارگرا و توتالیتر، به جهت یکدست بودن قدرت و عدم تفکیک واقعی قوا، و فضای بسته جامعه و محدودیت و سانسور رسانه ای از سوی حکومت ، شفافیتی وجود ندارد و جرایم و فساد اشخاص و صاحبان قدرت اطلاع رسانی و افشاء نمی شود و از بالا دستور می رسد که سریعا موضوع را جمع کنند. اگرچه سیطره نظام سرمایه داری غرب بر ابزارهای رسانه ای بجای کنترل و سانسور آن را نمی توان انکار کرد، اما این هم یکی مهمترین تمایزات دو نظام سیاسی دموکراتیک و توتالیتر است، هرچند که نحوه ی برخورد هر دو نظام سیاسی با جرایم خیابانی و فسادهای گسترده شده در بدنه و پایین دست جامعه کما بیش یکسان است ، لذا اینکه واقعا فساد در کدامیک از آنها کمتر امکان تحقق دارد ، موضوعی نیست که به سادگی بتوان به آن پاسخ داد. بطور مثال با آنکه به نظرمی رسد ظاهرا در چین اقتدار گرا در مقایسه با نظام لیبرال دموکراسی ایالات متحده ، جرم و فسادکمتر تحمل می شود، اما ممکن است این تصور ناشی از بسته بودن سیستم ، عدم شفاف سازی و سانسور مطبوعات و مخابره نشدن تصویری روشن از رخدادها ازآن جامعه باشد. هرچند که امروزه حتی در درون حزب کمونیست چین این حس وجود دارد که مدل فعلی چین، مبتنی بر بسته بودن فضای سیاسی و مبارزه با فساد برای محدود کردن درجه نابرابری، نمی‌تواند برای همیشه ادامه یابد. نفوذ فزاینده ثروت های خصوصی در کنگره ملی خلق به طور عینی نگران کننده است. در پکن، چیزی که بیش از همه بیم آن می رود، تحولی به سبک روسی است، با فرار سرمایه فزاینده و غارت کشور از بیرون، توسط الیگارشی هایی که به راحتی در خارج از کشور محصور شده اند. مردم بیشتر و بیشتر از وضع مالیات های تصاعدی بر ارث و دارایی صحبت می کنند. در واقع، به صورت مطلق، دولت چین دارای اهرم کافی برای ایجاد سیستمی برای انتقال خودکار اطلاعات بانکی، ثبت اوراق بهادار مالی و کنترل‌های سرمایه مورد نیاز برای اجرای چنین سیاستی است.[۱۴۷۳]

متقابلا اگر چه به نظر می رسد در نظام لیبرال دموکراسی امریکا بیش از هر جامعه دیگری ، جرم و فساد رخ می دهد اما این تصور نیز ممکن است ناشی از شفافیت بیش از اندازه و داشتن تصاویر لحظه به لحظه از رخ دادها در آن جامعه باشد که این را مدیون وجود مطبوعات و رسانه های آزاد ، متکثر و پر رقابت و تعدد نهادهای مدنی ناظر،

۱۴۷۲ –علی محمدی، علی اصغر زرگر(۱۳۹۷)، درآمدی بر نسبت فساد اقتصادی و توسعه سیاسی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز – صص ۱۲۲–۱۶۰. در این مقاله فهرستی از مهمترین پرونده های فساد برخی کارگزاران نظام جمهوری اسلامی که اغلب رسانه ای شده اند، عنوان شده است.

۱۴۷۳ - thomas piktty (۲۰۱۶), Why Save the Bankers? ,boston .new York, p۱۲۴.

احزاب سیاسی رقیب و تفکیک واقعی قوا باید دانست. چنانکه در تاریخ حیات سیاسی ایالات متحده، رسوایی های سیاسی و سو استفاده از قدرت ، بیش از هر نظام سیاسی دیگری به ثبت رسیده است. این نوع برملا سازی و افشاگری مفاسد و جرایم در میان مقامات ارشد سیاسی تنها مختص جامعه غربی است. واقعیت دیگر این است که در نظام لیبرال دموکراسی و سرمایه داری غرب ، دولتمردان تحت نفوذ صاحبان قدرت اقتصادی و کمپانی ها قرار دارند. در این نظام سیاسی ، همراه با افزایش هزینه‌های انتخابات، پول مورد نیاز برای تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و نفوذ بر نخبگان از سوی کمپانی ها تامین می شود و این تلقی را بوجود آورده که پول، قدرت را می‌خرد. اگر چه همه شهروندان حق رای دارند، ولی، منافع و رای کمپانی های بزرگ اقتصادی حرف اول را می زند.

توماس پیکتی ، استاد اقتصاد در دانشکده مطالعات پیشرفته در علوم اجتماعی [۱۴۷۴](EHESS) و دانشکده اقتصاد پاریس، و صدمین پروفسور در موسسه نابرابری‌های بین‌المللی دانشکده اقتصاد لندن و نویسنده بیش از دوازده کتاب از جمله کتاب پرفروش جهانی "سرمایه در قرن بیست و یکم"، در کتاب دیگرش با عنوان : "چرا نجات بانکدارها؟" که در آن به تحلیل علل بروز بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ پرداخته اند، با طرح این پرسش که:" آیا آینده آمریکا الیگارشی یا پلوتوکراسی خواهد بود؟ " افزایش نابرابری و شکاف طبقاتی را منشاء بروز بحران های فعلی و آتی در غرب عنوان می کند. طبق آخرین گزارش نابرابری جهانی مربوط به سال ۲۰۲۲ که مبتنی بر آخرین داده‌های سال ۲۰۲۰ و اوج بحران کووید ۱۹ است، هرچند نابرابری میان کشورها از پایان دوران جنگ سرد کمتر شده، اما درون کشورها اوضاع متفاوت است و نابرابری‌ها بطور معمول افزایش یافته‌اند. در این گزارش بر نابرابری‌های عمیق ثروت و درآمد تأکید شده است. بطوری که ۱۰ درصد از ثروتمندترین جمعیت جهان (بالاترین دهک) معادل ۵۲ درصد از کل درآمد جهانی را در اختیار دارند، درحالی‌که سهم ۵۰ درصد ، فقیرترین جمعیت (۵ دهک پایین) فقط حدود ۸,۵ درصد است. در این میان نابرابری در توزیع ثروت جهانی شدیدتر است. ۱۰ درصد ثروتمندترین های جهان ، مالک ۷۶ درصد از کل ثروت هستند و سهم ۱ درصد ثروتمندترین ها، حدود ۳۸ درصد است و در این بین ۵۰ درصد فقیرترین جمعیت جهان (یعنی نیمی از کل جمعیت جهان) فقط و فقط ۲ درصد از ثروت جهانی را در اختیار دارند و این نشان دهنده عمق نابرابری در سطح جهانی است.[۱۴۷۵] اگرچه گزارش مذکور وضعیت منطقه یورو را از جهت توزیع ثروت و درآمد بهتر از خاورمیانه و آفریقا گزارش کرده است، اما در امریکای لاتین، شبه قاره ی هند ودیگر مناطق جهان هم وضعیت چندان مناسب نیست.

برعکس نظام های لیبرال دموکراسی، در نظام های اقتدارگرا و توتالیتر، بویژه از نوع مذهبی آن مانند جمهوری اسلامی ایران ، بخش خصوصی و سرمایه داری مستقل اساسا وجود ندارد، حاکمیت یا همان الیگارشی حاکم ،

۱۴۷۴ - École des hautes études en sciences socials.

١٤٧٥ - https://wid.world/news-article/world-inequality-report-٢٠٢٢/; https://wir٢٠٢٢.wid.world/

کنترل اصلی و عمده منابع اقتصادی را در دست دارند، خیر و صلاح اکثریت جامعه را آنها تشخیص می دهند، قدرت اقتصادی و قدرت سیاسی در یک جا متمرکز است. فسادی که در درون باندهای قدرت و حاکمیت اقتدارگرا رخ می دهد ، اساسا رفع رجوع می شود و افشا نمی گردد ، چون به اصطلاح "همه در یک کشتی نشسته اند." در این کشورها ممکن است پوسته ای از دموکراسی و نهادهای دموکراتیک همچون پارلمان و نظام نمایندگی و برگزاری انتخابات هم وجود داشته باشد، ولی عمده تصمیمات سیاسی با جزییاتش همه در نهان خانه حکومت اتخاذ می شود. استبداد به لحاظ ماهیتی ترکیبی از بی رحمی، فقر، بی ثباتی، فساد و رنجی است که تحت حاکمیت نظام استبدادی، اراده دیکتاتورها و خواست نظام های توتالیتر به مردم تحمیل می گردد. مردمی که در کشورهای تحت حاکمیت یک نظام مستبد زندگی می کنند، طعم استبداد را از پیامدها و نشانه ایی که برشمرده شد، از نزدیک حس می کنند و این واقعیت تلخی است که آنها هر روز تحمل می کنند و کشورهایی که با آنها هم مرز هستند، نیزعواقب استبداد را متوجه می شوند، زیرا شیوه حاکمیت فاسد و ظالمانه آنها ، به بی‌ثباتی در داخل و به بی اعتباری و انزوا و تحریم در خارج منجر می‌شود. حاکمیت های مستبد، در تعقیب سلاح‌های کشتار جمعی یا در حمایت از تروریسم، امنیت جهانی را نیز به مخاطره می اندازند.[۱۴۷۶]

با این توصیف هر دو نظام سیاسی مورد اشاره (دموکراسی یا اقتدارگرا) کما بیش اشکالات و ایرادات خاص خودشان را دارند و هر دو مستعد فساد و فسادپذیری هستند. دیدگاه های منتقدانه تری را هم می توان مطرح کرد. در این مورد نقد کسانی که دوگانه لیبرال دموکراسی در برابر اقتدارگرایی را به چالش می کشند، قابل تامل است. " غرب در همه جنگ ها پیروز خواهد شد، مگر در آخرین آنها و آنها که در جهت نفی نظام های اقتدارگرا و توتالیتر و در جهت تایید نظام دموکراسی در غرب سخن می رانند ، فریب ظاهر غرب را خورده اند و از سیرت پنهانی آن غفلت کرده اند. حقیقت دموکراسی به صورتی که اکنون در غرب تحقق یافته در مقابل توتالیتاریسم قرار ندارد ، بلکه صورت پیچیده تری از همان است که خود را بر توهمی از خواست همگانی نیز استوار داشته است. انتخابات آزاد توهمی بیش نیست و از میان این دو حیله که یا آرای مردمان را در سیطره یک آتمسفر رسانه ای در جهت مولفه های خاص جهت دهند آن سان که غالب مردمان تردیدی در استقلال و آزادی خویش پیدا نکنند و یا مردمان را به زور تطمیع و تهدید در جهت منویات خویش برانند، مسلماً راه اول فریبکارانه تر است و به همین علت ماندگار تر، اگر چه این هر دو راه در واقع دو صورت از یک امر واحد هستند."[۱۴۷۷]

اما غرب باز هم یک مزیت دارد و آن باز گذاردن باب گفتگو و امکان نقد چند باره از وضعیت خویش و از زوایای گوناگون و دیدگاه های مختلف است. در حالی که ما در فضای بسته ی یک نظام اقتدارگرا از تحلیل و بررسی علل و ریشه های اصلی مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورمان و بیان نابسامانی هایی همچون فقر و فساد

۱۴۷۶ - James J. F. Forest(۲۰۰۷),Countering Terrorism and Insurgency in the ۲۱st Century: International Perspectives, Vol(۱–۳) , Appendix A, Praeger Security International, p۵۴۲

۱۴۷۷ – آلن دوبنوآ، غرب آنگونه که هست، ترجمه شهروز رستگار نامدار، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۴۳-۴۴.

و تبعیض ، به دلیل ملاحظات ایدئولوژیک ، ترس از فشارهای سیاسی و امنیتی و پلیسی، با لکنت زبان و کلام مواجه هستیم، در ایالات متحده به رغم فساد سیستماتیک درون حاکمیت سیاسی ، صاحب نظران و اساتید دانشگاهی و کارشناسان و نویسندگان مختلف ، تحلیل گران و مراکز تحقیقاتی بدون هرگونه لکنت زبان به نقد و بررسی عملکرد سیاستمداران و نظام سیاسی حاکم می پردازند. برخی همچون استاد اقتصاد توماس نایلور در کتاب "مزد جنایت" ضمن تحلیل و بررسی بازار جرم و جنایت در اقتصاد سایه، به نقد دستگاه حاکمه در ایالات متحده می پردازد و خطر فتح جهان توسط کارتل های جنایتکار را به جهانیان گوشزد می کند، برخی دیگر آشکارا نظام سیاسی در ایالات متحده را به منجلاب فسادی تشبیه می کنند که امثال ترامپ در آن سر بر نیاورده اند تا آن سیستم فاسد را پاکسازی کنند، بلکه آمده اند تا در کثافت های آن حمام کنند[۱۴۷۸] و صاحب نظرانی همچون آلن دوبنوا صراحتا تمایزی میان نظام توتالیتاریسم و لیبرال دموکراسی غربی قایل نیستند و نظام لیبرال دموکراسی غربی را از این جهت که بر پایه فریب افکار عمومی است ، مورد انتقاد شدید قرار می دهند. توماس پیکتی، هم بطور آشکارا سیاست های مداخله گرانه غرب در منطقه خاورمیانه را که به ظهور افراط گرایی و رشد تروریسم مذهبی کمک کرده است مورد انتقاد قرار می دهد و راهبرد اتخاذ شده برای خروج از بحران مالی را غلط و اقدامی عاجل و کوتاه مدت می داند که به ریشه های بحران یعنی نابرابری و محرومیت اکثریت توجه نکرده است.[۱۴۷۹]

این در حالی است که بزرگان ، اساتید و صاحب نظران در نظام اقتدار گرای مذهبی در جمهوری اسلامی ایران، خارج از گفتمان استبداد دینی حاکم جرات ندارند کلامی بر لب جاری سازند، نکند که نظام مقدس، و زمامداران آن که خود را نماینده خدا و ولی امر مسلمین جهان و مرکز پاکی و زلالیت بر کره خاکی می شمرند ، بر مقام قدسی شان گردی بنشیند و ایشان را به جرم محاربه با خدا تکفیر و تعزیر کنند.

اما کتاب حاضر قصد دارد بی پروا این ملاحظات را کنار بگذارد و بر پایه داده ها، مستندات و منابع و شواهد فرآوان غیر قابل تردید نشان دهد، به رغم وجود تنوع در فرم و شکل رژیم های سیاسی، ماهیت همه نظام های سیاسی با جرم و فساد در هم آمیخته اند و در این میان تفاوتی ماهوی میان نظام اقتدارگرای دینی یا غیر دینی با لیبرال دموکراسی غربی یا حکومت های اقتدارگرای شرق وجود ندارد. همه نظام های سیاسی در بسیاری از موارد به حکم ضرورت ، (که اسمش را حفظ منافع یا حفظ نظام می گذارند)، در بزنگاه های تاریخی و سرنوشت ساز ، آشکارا و یا در پس پرده با یکدیگر وارد مذاکر ه، زد و بند و معامله های کثیف سیاسی می شوند. بی دلیل نیست که در بسیاری از کشورها، خواه دموکراسی یا خودکامه ، این تصور مشترک در نزد آحاد افراد جامعه آگاه و بصیر وجود

۱۴۷۸ - Jennifer Taub(2020),Big dirty money : the shocking injustice and unseen cost of white collar crime, Penguin Random House LLC.

۱۴۷۹ - thomas piktty (2016), Why Save the Bankers? ,boston .newy ork.

دارد که طبقه حاکمه از منابع و سیستم های عمومی تنها برای پر کردن جیب خودش ، منافع خودش و حفظ وتحکیم موقعیت خودش استفاده می کند، در حالی که منافع اکثریت شهروندان نادیده گرفته می شود. رهبران سیاسی در تمام دنیا قطع نظر از نوع نظام سیاسی کمابیش نسبت به برخی از انواع جرایم، مانند قاچاق مواد مخدر، ممکن است واکنش های تند و خشن و سرسختانه و حتی واکنش نظامی هم نشان دهند، اما چشم خود را بر روی فساد سیاسی نزدیکان خود، جرایم، جنایات و فسادهای کلان مالی درون حاکمیت و برخی اشکال جدید فعالیت‌های غیرقانونی مانند برخی جرایم سایبری می‌بندند. برخی از دولت ها حتی پیش دستانه، اقدام به تربیت و بکارگیری گروه های هکری ، مافیایی و ترور به منظور موفقیت در پیشبرد جرایم سازمان یافته دولتی می کنند.[۱۴۸۰]
هم اکنون در رژیم مذهبی ایران، با آنکه فسادهای اقتصادی کلان و گسترده هر روز بیش از گذشته، به سود طبقه اقلیت حاکم و به زیان و فقیرشدن اکثریت مردم منتهی می گردد ، حکومت برای منحرف کردن اذهان و افکار عمومی جامعه نسبت به ناکارآمدی ها و فساد سیستماتیک خود، با بزرگنمایی قبح کشف حجاب زنان ، آن را نمادی از تهاجم ارزشهای لیبرال دموکراسی در غرب و دستاویزی برای ارعاب و تهدید و فشار بیشتر بر جامعه و بستن بیشتر فضا و باب گفتگو پیرامون نا کارآمدی دولت در اداره اقتصاد کشور و جلوگیری از انتشار اخبار مربوط به فساد کارگزاران از طریق اعمال محدودیت دسترسی به فضای مجازی نموده است.[۱۴۸۱] حتی حکومت با تحریک و ترغیب گروه های فشار سازمان دهی شده تحت عنوان آتش به اختیار و خودسر، رفتارهای هنجارشکنانه را با هنجارشکنی و قانون شکنی آشکارتری مانند اعمال خشونت خیابانی نسبت به زنان و دختران جوان درسطح شهرها و اماکن عمومی پاسخ می دهند. این موارد مصداق عینی جرم حکومتی است.
به باور کارشناسان مسائل سیاسی و اجتماعی، اگرچه شواهد نشان می دهد به خشونت کشیده شدن اعتراضات خواست حکومت است و اتفاقا خود حاکمیت کسانی را به عنوان آتش به اختیار و لباس شخصی و سایر عناوین به میدان مقابله با مردم معترض می آورد تا اعتراضات را به خشونت بکشانند که مستمسکی شود برای سرکوب معترضان، و در منطق آنها هرچه اعتراضات بسوی خشونت و ناامنیو تخریب بیشتر کشیده شود، مردم کمتر به روند اعتراضات و تجمعات می پیوندند و امکان جمع کردن اعتراضات بیشتر فراهم می شود، اما این راهبرد اشتباه و پرمخاطره و یک شمشیر دو لبه است. زیرا پلیسی که نتواند امنیت ایجاد کند، فلسفه وجودی ندارد. پلیسی که دست خشونت طلبان را در قالب لباس پلیس قلابی یا لباس شخصی یا داعشی یا هر عنصر خشونت گرای دیگری باز بگذارد تا بدان وسیله با ترویج رعب و وحشت و نا امنی از گسترش بیشتر اعتراضات جلوگیری کند، عملا خود همدست اغتشاشگران ارزیابی می شود و در نزد مردم بی اعتبار می گردد و این را در اعتراضات اخیر شاهد بودیم.

۱۴۸۰ - The Global Illicit Economy (2021), Global Initiative Against Transnational Organized Crime, p53

۱۴۸۱ – روزنامه تعادل، ناکارآمدی اقتصادی ریشه اصلی اعتراضات ، ۲ فروردین ۱۴۰۲.

در شرایطی که برخی از طبقات اجتماعی و جوانان بیکار در شهرهای بزرگ و کلانشهرها در واکنش به تنگناهای شدید اقتصادی و معیشتی که ناشی از فساد و نا کارآمدی در سیاستهای اقتصادی دولت و تحریم های اقتصادی (که پیامد سیاست های سرسختانه حکومت در عدم انطباق با نرم های پذیرفته شده جهانی و مقررات و قوانین بین المللی است،) مجبور هستند، برای تامین معاش خود و خانواده با دست فروشی و دوره گردی امرار معاش کنند، و طبق گزارش های مرکز آمار ایران، اشتغال نیروی کار در بخش غیر رسمی اقتصاد به بالای ۵۰ درصد رسیده ، زیرا فرصت اشتغال در بخش رسمی تقریبا صفر است، این اقشار آسیب دیده از سیاست های حاکمیت ، بارها مورد اخاذی پلیس و ماموران دولتی و شهرداری ها قرار می گیرند و یا در موارد گوناگون مورد خشونت و رفتارهای تحقیرآمیز ، توهین ، آزار ، اذیت و ضرب و شتم ماموران دولتی قرار گرفته و اموال و اسباب کارشان توقیف می شود. در چنین مواردی تحلیل و تفکیک نوع جرایم و یا تفکیک و تمایز میان مجرم و قربانی دستخوش مشکل می شود. ارائه تحلیل از رفتار مجرمانه شهروندان در این موارد، اگر چه می تواند در آسیب شناسی موضوع و ارائه راه حل پیشگیرانه موثر باشد، ولی کاملا محرز است که جرایم ماموران و کارکنان دولتی و شهرداری ها به مراتب نابخشودنی تر از جرایم آن شهروندان نگون بختی است که احتمالا بدون مجوز قانونی بساط دست فروشی و دوره گردی در خیابان پهن کرده اند. حتی اگر موارد اخاذی و رشوه توسط ماموران را هم در نظر نگیریم ، اعمال خشونت از سوی ماموران دولت در مورد شهروندانی که رفتارشان مجرمانه و مخل آسایش و امنیت دیگران تلقی شده ، لزوما نشانه اقتدار و استحکام قوانین و تعهد پلیس به اجرای قانون نیست. در این موارد و دیگر موارد مشابه باید ریشه های فقر، فساد و قانون شکنی را یافت و آنها را درمان نمود.

در هر حال ، باتوم و گاز اشک آور و تفنگ ساچمه زن نمی تواند زبان گفتگو با مردم معترض در خیابان ها آن هم در شرایط بحران زده و پرمفسده ای باشد که خود آن شرایط محصول ناکارآمدی همان حکومت بوده است. کما بیش در همه ی نظام های سیاسی نمایش های مضحکی از اقتدار و امنیت و ثبات به اجرا در می آید، اما آنچه واقعیت است این است که نابرابری و فقر و فساد پدیده هایی جهانی و بیشتر ناشی از سوء زمامداری حاکمان و مقامات دولتی و مناسبات نابرابر جهانی است. جرایم ، جنایات و مفاسد دستگاه حاکمه و خسارات و زیان های ناشی از آن به مراتب بیش از جرایم و جنایاتی است که توسط عده ای سارق و زورگیر و اوباش و بی خانمان و مجرمان خیابانی ولگرد و بیکاران و محرومان و یا حتی روسپی ها انجام می شود.

بی شک سلب اعتماد از حکومت به دلیل ناتوانی حاکمیت در رفع فقر و فساد و نابرابری و تبعیض ، یک دلیل سوق داده شدن طبقات پایین دست جامعه به سوی ارتکاب جرایم خیابانی است. این امر اعتماد به دولت و نظام سیاسی را بیش از پیش از بین می برد، با این خطر که مردم ممکن است به جنایتکارانی که "حمایت" ارائه می کنند، و یا حتی

وعده حمایت در آینده را می دهند روی بیاورند. [1482] گزارش های متعدد از مناطق مختلف جهان نشان می دهد ماموران اجرای قانون در مورد طبقات محروم و پایین دست جامعه، سرسختانه تر اعمال قانون می کنند، یا در مواردی اعمال خشونت بیشتری روا می دارند و یا رشوه های بیشتری مطالبه کرده و اخاذی می کرنند. در مکزیکو سیتی، یک آزمایش میدانی نشان داد که پلیس از رانندگان خودروهای مدل های قدیمی که بد نگهداری شده و احتمالا آلودگی و سر و صدای بیشتر تولید می کردند و به احتمال زیاد بعید بود به مقامات بالاتر شکایت کنند، بیشتر رشوه می‌گرفتند. (فرید، لاگونز، و ونکاتارامان ۲۰۱۰). در مالاوی، در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، دست فروشان غیر رسمی خیابانی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و کالاهای آنها توسط پلیس به سرقت می رفت یا نابود می شد (جیمو، ۲۰۱۰ :ص۱۰۳). [1483] شنیدن گزارش هایی از این دست برای جامعه ما که روزانه گزارش ها و تصاویر و فیلم هایی از رفتارهای خشن ماموران سد معبر با دوره گردها را می بینیم ، موضوعی دور از ذهن نیست. در ونزوئلا، افسران پلیس ساکنان جوامع موقتی (مثل گرد هم آمدن موقتی عده ای نوجوان و یا دست فروش و یا مهاجران روستایی و غیرو در یک مکان) را مورد ضرب و شتم و ربودن قرار می دادند و عملاً هزاران دلار از فقرا باج خواهی می کردند. [1484]در بسیاری از این موارد، "جرم" مشخصی احراز نشده و یا جرم غیر رسمی است. در برخی دیگر، پرداخت کننده رشوه هیچ قانونی را نقض نکرده بوده، اما بحث در مورد جریمه زمان بر است و ممکن است بی نتیجه باشد.(علاوه بر این، قربانی ممکن است با رویه های لازم ناآشنا باشد) و یا اخذ مجوز از مبادی صادر کننده زمان بر و پرهزینه تر باشد، در این موارد پرداخت رشوه احتمالا ساده ترین راه است و این گونه است که رشوه و اخاذی به روشی معمول در رفتار ماموران دولت و شهرداری ها تبدیل می شود.[1485]

فساد و جنایت در نظام های سیاسی و اقتصادی مختلط

اگرچه اکثر کشورهای جهان صنعتی اسماً دموکراتیک هستند، اما سیستم های حکومتی هریک از آنها متفاوت از یکدیگر است. برخی از آنها نسبت به دیگران نماینده واقعی تر جامعه هستند و بیشتر به نیازهای شهروندان عادی پاسخ می دهند، و نسبت به اصلاحات اجتماعی برابری طلبانه بازتر هستند. در این میان نظام سیاسی آمریکا، بر خلاف تصور رایج، از "استانداردهای دموکراتیک" متعارف فاصله زیادی دارد. [1486] نهادهای سیاسی در ایالات متحده بیشتر از دیگر کشورهای اروپای غربی، ثروتمندان را بر فقرا ترجیح می‌دهند و به تعبیری سرمایه و تجارت را بر نیروی کار ترجیح می‌دهند. این واقعیت به توضیح اینکه چرا دولت رفاه در آمریکا نسبتاً توسعه نیافته است کمک می کند. اینکه چرا سیاست گذاران، حتی در پاسخ به نابرابری فزاینده، در برابر اعمال مالیات های جبرانی و اقدامات هزینه ای مقاومت می کنند؟ و به اینکه چرا نرخ فقر در ایالات متحده در مقایسه یا سایر کشورهای صنعتی جهان

۱۴۸۲ - The Global Illicit Economy, Global Initiative Against Transnational Organized Crime,p ۵۳
۱۴۸۳ - Corruption and governmemt, p۱۳۲
۱۴۸٤ - Transparency International ۲۰۱۳a: ۱۲
۱۴۸۵ - Corruption and governmemt,p ۱۳۲
۱۴۸٦ - Edward Royce (۲۰۰۹),Ibid, p۱۲۷

بالاترین است، توضیح می دهد. دولت آمریکا برای مبارزه با فقر یا ترویج فرصت های برابر، کـار چنـدانی انجـام نمی دهد و این تا حدی به ساختار سیاست در آمریکا بر می گردد که مانع از اصلاحات بازتوزیعی می شود. سیستم انتخاباتی دو حزبی، برنده همه چیز هست ، وجود چندین امتیاز ، برخورداری از حق وتو بـرای برنـده انتخابـات و کنترل و توازن دقیق در فرآیند شکل‌گیری سیاست، و یک سیستم فدرال که قدرت سیاسی را بین دولت مرکزی و ایالت‌ها تقسیم می‌کند، ویژگی‌های ساختار سیاسی آمریکاست که بیشتر برای حفاظت از منافع افراد ممتاز طراحی شده است تا نیازهای فقرا.[۱۴۸۷]

در هفته دوم سال ۲۰۲۱، دونالد ترامپ به عنوان کسی که تصدی پست رئیس جمهور آمریکا را در دست دارد و به عنوان قدرتمندترین شخص دردنیا ، توسط کنگره آمریکا استیضاح شد. ادعای مطرح شده علیه او این بود که حمله به ساختمان کنگره ایالات متحده را تحریک کرده است که منجر به کشته شدن چندین نفر و خسارت مالی گسترده شده است. این رویداد به عنوان یک شورش برای حمله به نهادهای اصلی دموکراتیک توصیف شد . رئیس جمهور در نهایت در سنا تبرئه شد، زیرا اکثر (و نه همه) سناتورهای جمهوری خواه به نفع او رای دادند. این شائبه وجود دارد که در آمریکا به عنوان یک الگوی لیبرال دموکراسی ، صاحبان قدرت در نهایت معاف از تعقیب قضایی هستند، این درحالی است که ، حدود ۲٫۳ میلیون نفر (از جمله نوجوانان) در ایالات متحده زندانی هستند ، میلیون ها نفر دیگر تحت تعقیب عدالت کیفری قرار دارند. در حالی که دیدگاه دیگر معتقد است آنها قربانی شرایطی هستند که موجب زندانی شدنشان گردیده ، بسیاری از این افراد زندانی مرتکب جنایات فجیعی نشده اند. شاید بیشتر افراد فقیر و ناتوانی باشند که مرتکب جرایم جزیی و متعارف شده اند، جرایمی با برخی عواقب زیانبار اما در دامنـه ای محدود. بررسی ها نشان داده، درصد قابل توجهی از افرادی که در زنـدان‌هـای سراسـر ایـالات متحـده نگهـداری می‌شوند، چنین بوده‌اند و به جرایمی که به آنها متهم شده است ، محکوم نشده اند. نحـوه برخـورد نظـام قضـایی آمریکا با امثال دونالد ترامپ، نشانگر اختلاف فاحش بین نحوه برخورد جامعه با جنایات قدرتمندان و جنایات افراد ناتوان است. این امر البته مختص ایالات متحده نیست، اما در ایالات متحده با شفافیت و وضوح کم نظیری درباره روابط سیاستمداران با باندهای مافیایی و غولهای بزرگ رسانه ای همچون رابـرت مـرداک ، فـیلم مسـتند سـاخته می شود و افکار عمومی جامعه در مورد آن به قضاوت می نشیند.

عباس میلانی در گفتاری تحت عنوان : " تناقض از موکراسی تا تمامیت خواهی" معتقـد اسـت ، هرچـه مفهـوم قرارداد اجتماعی بیشتر جا افتاده و هرچه جلوتر رفته است، بیشتر با این مساله عجین شده که جامعه هر چقـدر گسترده تر و حجیم تر می شود، هم نیاز به انتخابات برای آن بیشتر می شود و هم نیاز آن بـه نماینـدگی بیشـتر میشود. اما به محض اینکه بخواهیم بحث نمایندگی را وارد سیاست کنیم ، با این مساله مواجه می شویم که آیا

۱۴۸۷ - Edward Royce (۲۰۰۹),Ibid, p۱۲۷

کسانی که نماینده شدند به راستی نماینده توده مردم هستند یا خیر؟ آیا شرکت های بزرگ و اشخاص پر نفوذ نمی توانند در این فرآیند دخالت سوء کنند و نمایندگان مردم را به نمایندگان سرمایه تبدیل کنند؟ این مساله ایراد کاملا واردی بر لیبرال دموکراسی د جامعه سرمایه داری است.[۱۴۸۸] وقتی در جامعه ای مانند آمریکا که با نهادی مانند شورای نگهبان مواجه نیست، این نگرانی ها وجود دارد، در نظام انتخاباتی که شورای نگهبان دارد، نگرانی ها از نوع دیگر است. البته میلانی معتقد است ، ثبات و پایداری نظام لیبرال دموکراسی در غرب به این علت است که به رغم معایب و ایراداتش، از دیگر نظام های سیاسی عیوب کمتری دارد، ضمن اینکه باید اضافه کرد خود نقاد است. شاید بتوان تعبیر میلانی به عیوب کمتر در لیبرال دموکراسی را به امکان کنترل و نظارت بیشتر شهروندان بر رفتار زمامداران ، قانون گذاران، سیاستمداران و از آن طریق امکان پیشگیری از وقوع جرم و فساد درآن نظام سیاسی – اقتصادی کشور ارزیابی نمود که البته این ادعا نیز تا حدودی می تواند درست باشد ولی نه بطور مطلق.
اما اساسا چالش امروز جهان ما این نیست که نظام اقتدارگرا بهتر است یا نظام لیبرال دموکراسی، بلکه مساله این است که نظام های سیاسی اقتدارگرا به رغم ماهیت غیر دموکراتیک به دلایل مختلف، دست کم در تنظیم برخی مناسبات سیاسی و اقتصادی خود بطور گزینشی و تا آنجا که مقتضیات و منافع طبقه حاکمه اجازه می دهد، الگوها و هنجارهای نظام اقتصادی لیبرال را با سلیقه خودشان کپی برداری و با تفاسیر خودشان پیاده سازی و اجرا می کنند و معمولا محصول نهایی این اختلاط ، موجود عجیب الخلقه ای است با ویژگی های ناهمگن و نامتقارن، همانطوری که برخی نظام های دموکراتیک در برخی از مولفه ها، پایه ها و ارکان قدرت شان، کاملا اقتدارگرا و غیر دموکراتیک عمل می کنند و اغلب در این موارد با شترگاو پلنگ هایی[۱۴۸۹] مواجه هستیم که در نوع ماهیت نظام سیاسی و چینش نهادهای قدرت منطبق با ساختاری تئوکراتیک و یا اقتدارگرا و متمرکز هستند ، اما همزمان نهادهای دموکراتیک مانند پارلمان هم در آنها تعبیه شده است و فرایندهای به ظاهر دموکراتیک برای انتقال قدرت همانند انتخابات نیز برگزار می شود. همچنین بسیاری از حکومت های اقتدارگرا در برخی از سیاست های کلان اقتصادی خود ، بایسته های نظام اقتصادی لیبرال مانند خصوصی سازی و آزادسازی قیمت ها برپایه تنظیمات بازار را پذیرفته اند، کما اینکه نظام های اقتصادی مدافع باز بودن درهای اقتصاد و بازار آزاد ، در موارد گوناگون از مداخله و دستکاری بازار به زیان اکثریت جامعه برکنار نیستند. چیدمان سیاسی–اقتصادی ترتیب داده شده در این جوامع که با ملاحظات و وسواس فرآوان و لحاظ نمودن منافع گروه های پر نفوذ برای تحکیم حاکمیتی تمامیت خواه پیاده سازی و اجرا می شود، نتیجه و حاصلی جز یک نابسامانی، بدقوارگی، دوگانگی و تناقض در نظام اقتصادی و سیاسی به دنبال ندارد.

۱۴۸۸ – تناقض از دموکراسی تا تمامیت خواهی، گفتگو با عباس میلانی. نشر الکترونیک

۱۴۸۹ – کنایه از: ناهماهنگی و بی تناسبی. لغتنامه دهخدا.

با غلبه اجماع واشنگتن بر مناسبات جهان از بعد از جنگ جهانی دوم، اغلب کشورهای غیر دموکراتیک یا شبه دموکراتیکی که بسوی اجرای سیاست های اقتصادی تجویز شده از نهادهای عرضه کننده الگوی حکمرانی لیبرال دموکراسی در غرب پیش رفته اند، کم و بیش دچار فساد گسترده شده اند. آنها معایب نظام سیاسی و اقتصادی لیبرال را به ارث برده اند، ولی هیچیک از منافع و مزایای آن نظام اقتصادی بازار محور را در خود ندارند و جالب اینجاست که در تحلیل و آسیب شناسی مشکلات خود، از درک این ناسازگاری ها و وجوه ناهمگن و اصلاح آن نیز عاجز مانده اند و اغلب با بحران های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بزرگی مواجه می شوند که از چاره اندیشی در مورد آن درمانده اند، بطوری که ثبات سیاسی و اقتصادی آنها را مورد تهدید قرار داده است. در این شرایط مقامات سیاسی کشورهای مذکور اغلب دست به یک صف آرایی در مقابل هم می زنند. یک گروه، راه حل مشکلات و عبور از بحران های اقتصادی همچون نرخ بیکاری بالا ، تورم فزاینده ، فقر و فساد و تبعیض و توقف رشد اقتصادی را در اجرای پروژه ی دموکراتیک سازی نهادهای سیاسی و با اسم رمز "توسعه سیاسی" به معنای همگن سازی و هماهنگ نمودن نظام سیاسی با نظام اقتصادی بازار محور مانند کوچک نمودن حجم و اندازه دولت و برونسپاری امور به بخش خصوصی و غیرو می دانند و گروهی دیگر ریشه مشکلات و بحران های پیش روی را به توطئه استکبار جهانی و نهادهای بین المللی دست پرورده آن که سیاست آزادسازی اقتصاد و حرکت بسوی اقتصاد بازار را تجویز کرده اند، نسبت می دهند و الگوی توسعه غربی را ریشه بروز بحران های موجود می دانند و علاج بحران ها را رفتن بسوی حاکمیت اقتدارگرای تمامیت خواه و مطلقه و سیطره ی تام و تمام دولت بر همه شئونات اقتصادی ،اجتماعی و فرهنگی در جامعه می دانند که طبیعتا به دولتی بزرگ نیاز دارد تا همه بخش ها را با هم هماهنگ کند .ترجمان این سیاست در حوزه اقتصادی ، یعنی که دولت فعالیت همه فعالان بازار را رصد کند و بر تنظیم بازارهای مختلف بطور دستوری اعمال حاکمیت کند ، بانک مرکزی را تحت کنترل خودش داشته باشد و کنترل منابع پولی، مالی و سایر منابع اقتصادی را بطور کامل در دست خود بگیرد تا به اصطلاح بتواند به فقر و فساد و تبعیضی که به زعم آنها حاصل رها کردن اقتصاد بوده است رسیدگی کند. به این ترتیب به نظر می رسد مشکل اصلی امروز بسیاری از جوامع با نظام اقتصادی مختلط و نا هماهنگ با نظام سیاسی حاکم ، این نیست که ارزیابی کنیم ببینیم ، نظامهای لیبرال دموکراسی عملکرد بهتری داشته اند یا نظام های اقتدارگرا، بلکه مشکل یافتن راه درمانی برای این پدیده ی نا همگن است و متاسفانه امروز در دنیای واقعی آنچه کما بیش با آن مواجه هستیم ، همین نظام های مختلط (شترگاو پلنگ هایی) هستند که ساختارهای سیاسی اقتدارگرایانه و یا نخبه گرایانه دارند، ولی چارچوب تنظیمات اقتصادی آنها به ظاهر با تئوری های اقتصاد بازار (آزاد) هماهنگ است و فعالان بازار ظاهرا آزادانه اقدام و عمل می کنند، اما اگر کمی دقت کنیم می بینیم ، کارگزارانی از همان نظام اقتدارگرا در سایه نشسته اند و این بازارها را عملا دستکاری وکنترل می کنند. بازار سرمایه در دستشان است، بازار مسکن در

دستشان است، بازار ضروریات و کالاهای اساسی و مایحتاج عمده مردم در دستشان است، وضع مقررات و سیاست گذاری های کلان تا خُرد برای تنظیم بازار در دست آنهاست، منابع و معادن و بسیاری امور اقتصادی دیگر در دست همان مافیای بزرگی است که در سایه نشسته اند و دست نشاندگان حاکمیت سیاسی اقتدارگرا و حافظ منافع آنها هستند. فسادهای بزرگ و اصلی در اینجا شکل می گیرد. حاکمیت سیاسی اقتدارگرا سهم خود را از بازار به ظاهر آزاد و از فعالان اقتصادی در بازار از طریق وضع جریمه و سایرعوارض و مقررات وضع شده می ستاند و دست عوامل گماشته شده را برای اجحاف بیشتر بر احاد افراد جامعه باز می گذارد. این عینا مصداق روابط مافیایی و فساد ریشه دار در درون حکومت هایی ناکارآمد است که یک نمای از واقعیت شرایط اقتصادی کشوری همچون ایران را نیز به تصویر می کشد.

اگرچه تحلیل دقیقی ازسیاستها و برنامه های توسعه (مالی– صنعتی) در ایران نیازمند مطالعه ای مفصل و جداست، ولی بطور اجمال می بایست اشاره کرد که بررسی روند تحولات در سیاست های اقتصادی ایران نشان می دهد، پیش از انقلاب ، توسعه صنعتی با سرعت خوبی در کشور در حال اجرا بود که بعد از انقلاب اسلامی به جز دهه اول که دهه بی ثباتی و جنگ است، در سه دهه بعد، توسعه مالی بیش از توسعه صنعتی مورد نظر دولت قرار داشته است. تقریبا به جز توسعه صنایع دفاعی و تا حدودی صنعت خودرو و افزیش ظرفیت در صنایع پالایشگاهی و پتروشیمی(صنایع بزرگ و دولتی)، در سایر موارد سیاست توسعه مالی از طریق توسعه نظام بانکداری و بازارهای پولی و مالی و بازار سرمایه بیشتر مورد توجه قرار داشته است . نتیجه اجرای غیرکارشناسی شده در سیاست خصوصی سازی بانک ها چنانکه اشاره شد به رشد بانکداری در سایه و ایجاد و توسعه موسسات پولی ، مالی و اعتباری در کشور زیر نظر نهادهای امنیتی، نظامی ، مذهبی و حاکمیتی در سایه و ایجاد بازار بورس تحت نفود و کنترل دولت منجر شده است. پیامدهای این سیاست به تناسب موضوعات مورد بحث، در بخش هایی از این کتاب مورد اشاره قرار گرفته است.

در دموکراسی های کارآمد و مؤثر، آزادی تقسیم ناپذیر و تفکیک ناپذیر است. آزادی سیاسی، مذهبی و اقتصادی با هم پیش می روند و یکدیگر را تقویت می کنند. اما برخی رژیم های سیاسی متقلب و گندم نما، در حالی که تلاش می کنند آزادی های سیاسی یا مذهبی را محدود کنند، از سیاست های اقتصادی باز حمایت می کنند، آن هم بطور گزینشی و فرمایشی، زیرا می دانند اگر با گذشت زمان، مردم کنترل زندگی اقتصادی خود را به دست آورند، بر کنترل بیشتری بر زندگی سیاسی و شخصی خود نیز پافشاری می کنند. برعکس در دموکراسی های موثر و کارآمد، اعتقاد بر این است که توسعه ی اقتصادی و توسعه ی سیاسی لازم و ملزوم یکدیگرند و اگر یکی به خطر افتد ، دیگری هم می تواند به خطر افتد. حاکمیت با استفاده از ابزار کمک های اقتصادی، کمک های توسعه، تجارت، و حکمرانی خوب اطمینان حاصل می کند که دموکراسی نوظهور زیر بار رکود اقتصادی یا فساد عمومی قرار نخواهند گرفت. انتخابات آزاد ، بارزترین نشانه یک جامعه آزاد است و می تواند نقش مهمی در پیشبرد

دموکراسی موثر بازی کند. اما هر نوع انتخاباتی به تنهایی کافی نیست ، زیرا خطر تقلب و فرمایشی کردن انتخابات وجود دارد. یک دموکراسی واقعی باید با ارزش ها، حقوق و نهادهای دیگر تقویت شوند تـا آزادی پایـدار را بـه ارمغان بیاورد. هدف تضمین آزادیهای اساسی انسانها است که توسط نهادهای دموکراتیک محافظت می شود. لذا نظام انتخاباتی و شرایط شرکت افراد یا احزاب در انتخابات باید شامل تعهد به برابری همه شهروندان در انتخـاب شدن و انتخاب کردن باشد. باید حقوق اقلیت ها، آزادی های مدنی، انتقال اختیاری و مسالمت آمیز قدرت، و حل مسالمت آمیز اختلافات در آن لحاظ شده باشد. دموکراسی مؤثر همچنین به نهادهایی نیاز دارد که بتوانند از آزادی فردی محافظت کنند و اطمینان حاصل کنند که دولت در برابر شهروندان خود مسوولیت پذیر و پاسخگو است. باید رسانه های مستقل برای اطلاع رسانی به مردم و تسهیل تبادل آزاد افکار وجود داشته باشد. باید انجمن های سیاسی و احزاب سیاسی وجود داشته باشند که بتوانند آزادانه رقابت کنند و حاکمیت قانون باید توسـط یـک قـوه قضـاییه مستقل، یک نهاد قانونی حرفه ای و یک نیروی پلیس صادق و شایسته تقویت شود.[۱۴۹۰]

(اینگل هارت، ۲۰۰۵) در یک پژوهش به منظور محک زدن دموکراسی های رایج بـویژه تمـایز بـین دموکراسـی رسمی و دموکراسی لیبرال واقعی، از معیاری بنام "دموکراسی مؤثر"[۱۴۹۱] استفاده کرده که نه تنها میزان نهادینه شدن آزادی‌های مدنی و سیاسی رسمی را منعکس می کند، بلکه میزان اعمال واقعی این آزادی‌ها را نیز نشان می‌دهـد و نشان می‌دهد مردم واقعاً چقدر انتخاب آزاد در زندگی خود دارند. برای ایجاد چنین شاخصی از دموکراسی مؤثر، معیارهای خانه آزادی ، حقوق مدنی و سیاسی را با نمرات بانک جهانی مبارزه با فسـاد (Kaufman, Kraay, and Mastruzzi,۲۰۰۳)، که آن را به عنوان شاخصی از "یکپارچگی نخبگان" یا "صداقت و تعهد نخبگان" و میزانی که صاحبان قدرت واقعاً از هنجارهای قانونی پیروی می کنند در کنار هم تحلیل نموده اند. وقتی ارتباط بین این معیار دموکراسی واقعی و ارزش‌های ابراز وجود توده‌ای را بررسی کـرده انـد، یـک همبسـتگی شـگفت‌انگیـز قوی(r =۰.۹۰) در میان هفتاد و سه کشور پیدا کرده اند که یک پیوند و رابطه قدرتمند متقابل میان نظرات توده ها در مورد تأکید بر انتخاب آزاد و میزانی که نهادهای اجتماعی واقعاً انتخابـات آزاد را فـراهم کـرده انـد، انعکـاس می دهد.[۱۴۹۲]

دموکراسی و افراط گرایی مذهبی

بدون شک افراط گرایان مذهبی بزرگترین مانع برقراری دموکراسی سکولار در کشورهای مسـلمان منطقـه از عراق و ایران تا دیگر کشورهای مسلمان هستند ، هرکشور هم شرایط خاص خود را دارد. در یک بررسی بین‌المللی توسط مرکز تحقیقات آکسفورد در عراق در ژوئن ۲۰۰۴، ۲۴ درصد از افراد شرکت کننده در یک نظرسنجی،" به

۱۴۹۰ - James J. F. Forest(۲۰۰۷), Ibid, p۵۴۵
۱۴۹۱ - effective democracy
۱۴۹۲ - Ronald Inglehart and Christian Welzel(۲۰۰۵),Ibid ,p۱۵۵

شدت موافق" بودند که عراق باید حکومتی متشکل از رهبران مذهبی داشته باشد. اما ۷۰ درصد از آنها از داشتن یک دموکراسی حمایت می کنند. تنها ۲ درصد "اطمینان از پیروی از آرمان های مذهبی" را ذکر کردند. ۷۰ درصد گفتند "بازگشت امنیت عمومی به کشور" مهمترین خواست آنان است. برای کشوری که بیش از دو دهه را در جنگ گذرانده، امنیت بیشترین نیاز ابراز شده است. در پاسخ به این سوال که کدام کشور می تواند به عنوان الگو برای عراق مطرح باشد ۳ درصد ایران را در فهرست خود عنوان کرده اند و به همین میزان مساوی عربستان سعودی را ذکر کرده اند که ممکن است هر کدام از آنها به عنوان نمونه ای از حکومت مبتنی بر شریعت ارزیابی شوند. با این حال ۵ درصد نظر دهندگان ایالات متحده را به عنوان الگو انتخاب کردند و ۵ درصد ژاپن را انتخاب کردند. امارات متحده عربی نسبتاً لیبرال با ۲۶ درصد پیش‌بینی شده است و در رتبه دوم پس از آن "عراق نیازی به مدل ندارد" با ۳۵ درصد. همچنین یک نظرسنجی توسط (IRI)[۱۴۹۳] در سپتامبر تا اکتبر ۲۰۰۴ نشان داد که ۵۲,۳ درصد از عراقی‌ها معتقد بودند که "مذهب و دولت باید با عدم ایجاد مزاحمت در حقوق و نقش و مسئولیت های دیگری به یکدیگر احترام بگذارند "در حالی که ۳۷,۹ درصد احساس می کردند که "دین نقش ویژه ای در دولت دارد"[۱۴۹۴]

به این ترتیب ملاحظه می شود ، صداقت در عمل و نه صرفا در گفتار و اظهارات و موضع گیری مقامات سیاسی محک دموکراسی واقعی و اثر بخش است.[۱۴۹۵] برای مؤثر ساختن حقوق اساسی، حقوق مدنی و سیاسی نیازمند نخبگان صادق و قانونمند هستیم. فسادی که به طور گسترده درک می شود، منعکس کننده خویشاوند گرایی، تبارسالاری، تبعیض و پارتی بازی و طرفدارای جانبدارانه از دوستان و همفکران و سایر مکانیسم های غیرقانونی است که توسط نخبگان برای دور زدن حاکمیت قانون و سوء استفاده از قدرت و موقعیت به نفع خود واطرافیان و محروم کردن مردم عادی از حقوق قانونی استفاده می شود.[۱۴۹۶]

ازآنجا که دموکراسی مؤثر بیانگر میزان استفاده صاحب مناصبان از قدرت و موقعیت به گونه ای است که مردم عادی را از حقوق به رسمیت شناخته شده خودشان به عنوان شهروند محروم نمی کند. بنابر این، جدی ترین موارد نقض دموکراسی مؤثر، فساد نخبگان است، زیرا فساد نخبگان می تواند بهترین قانون اساسی دموکراتیک را بی معنی کند و آزادی های مدنی و سیاسی مردم را بی اثر نماید.[۱۴۹۷]

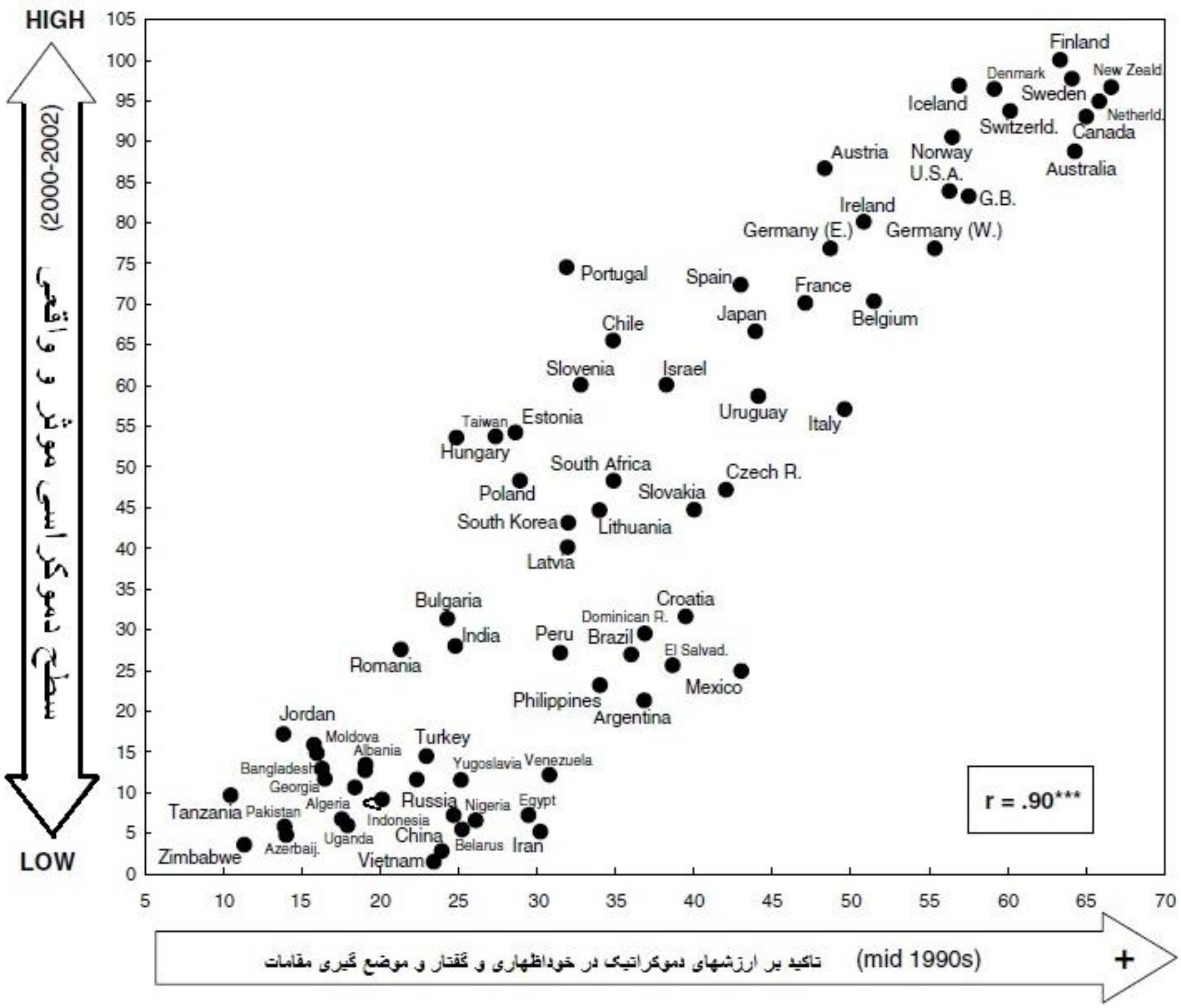
۱٤۹۳ - International Republican Institute

۱٤۹٤ - James J. F. Forest(۲۰۰۷), Ibid,p ۳۱۳

۱۴۹۵ – جایگاه ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای قرار گرفته در گوشه پایین و سمت چپ نمودار بالا مانند زیمباره، آذربایجان، پاکستان جالب توجه است و نشان می دهد که مقامات حکومتی در ایران در حرف و گفتار ادعای زیادی به پایبندی بـه ارزش هـای دموکراتیـک دارنـد ولـی در عمـل همتـراز بـا همـان کشورهای ذکر شده هستند.

۱٤۹٦ -Ronald Inglehart and Christian Welzel(۲۰۰٥),Ibid ,p۱۹۲ ;Sandholtz,Wayne, and Rein Taagepera. ۲۰۰٥. "Corruption, Culture, and Communism." International Review of Sociology

۱٤۹۷ - Ibid,p ۲۹۹



تناقض آشکار دیگر که در دنیای امروز شاهدآن هستیم، ناشی از این است که برخی کشورها همزمان که بر دموکراسی به عنوان یک راه حل توافق شده ی جهانی می تازند، و از ترور، خشونت ، جنگ برای پیشبرد اهداف خود مدد می گیرند، خود را یک نظام سیاسی آزاد، مردم سالار و دموکراتیک قلمداد می کنند و برخی جلوه ها و مظاهر نمادین دموکراسی همچون انتخابات و وجود نظام پارلمانی را به سلیقه ی خود تقلید می کنند. بلعکس، کشورهایی نیز وجود دارند که خود را الگوی دموکراسی و آزادی در جهان معرفی می کنند، ولی در هرجا که لازم بدانند ، از ترور، اعمال خشونت و جنگ افروزی برای تعقیب منافع خود ابایی ندارند و همچنان هم مدعی دموکراسی هستند. (ایفنی ایزونو ، ۲۰۱۸) در کتاب خود با عنوان "جرم شناسی بازار" همانطور که صعود شکل بنیادگرایانه اقتصاد بازار در نیجریه را بررسی می کند. همدستی و مشارکت دستگاه های سیاسی و امنیتی و دولتی در سلب مالکیت شرکتی از ثروت منابع نفتی کشور و اثرات مخرب این معماری نئولیبرالی بر جمعیت محلی و همچنین استراتژی های مقاومت جامعه در طول سال های مبارزه مدنی را بررسی کرده است. او به نقش مافیای در سایه ای

که بازار را به نفع خود دستکاری می کنند می پردازد. کتاب او کمک بزرگی به تحقیق در مورد جنایات دولتی- شرکتی و جرایم و جنایات صاحبان قدرت و سیاست ارائه می دهد. او در مطالعات خود پویایی بازار را منبع و صحنه انجام بزهکاری های مجرمانه می داند. در تبیین این دیدگاه، او به جوانب مختلف بحث از دیدگاه تاریخی، اقتصادی، سیاسی، جامعه شناسی، مطالعات توسعه و روابط بین الملل توجه دارد.[۱۴۹۸]

ایزونو ، نوع مناسبات اقتصادی و تجاری در نیجریه را به مثابه نوعی روش غارتگری منابع آن کشور توصیف می کند و شرح می دهد که توسعه اقتصادی بر پایه استخراج نفت و گاز در نیجریه موجب افزایش درجه غیرقابل تحملی از فقر و بیکاری در میان جمعیت محلی شده است که تا حدی با از میان رفتن اقتصاد کشاورزی و صیادی محلی مرتبط است. از میان رفتن فرصت های اقتصادی در حوزه کشاورزی به رشد مهاجرت و موج ناامیدانه از جمعیت آواره اقتصادی که گاهی اوقات آنها را در معرض آسیب های اجتماعی قرار می دهد کمک کرده. یکی از این نمونه ها تمایل فزاینده به فعالیت های جنسی تجاری در میان دختران جوان است. شکل عمده دیگری از آسیب های قابل اجتناب ناشی از تولید نفت و گاز در منطقه، آلودگی های زیست محیطی است. این شامل شعله ور شدن غیرقانونی مشعل چاه های گاز و تخلیه بی رویه پساب های نفتی و صنعتی در منابع آب آشامیدنی یا در دریاچه ها و زمین های کشاورزی است.گذشته از اثرات منفی این فعالیت ها بر اقتصاد محلی، مانند جابجایی کشاورزان و ماهیگیران، این آسیب های زیست محیطی، جمعیت محلی را در معرض مخاطرات ایمنی و بهداشتی قرار داده است.[۱۴۹۹]

یکی از اَشکال عمده آسیب های قابل اجتناب ناشی از تولید نفت و گاز در منطقه، تضعیف عمدی حقوق اساسی مردم محلی است، به ویژه زمانی که آنها به اقدامات غیراخلاقی شرکت های فراملیتی حاضر در منطقه اعتراض می کنند. در حالی که اجازه فعالیت، رویه ها و نحوه ی عملکرد این شرکت ها اغلب با هماهنگی و همکاری دستگاه امنیتی نیجریه و شرکت‌های نفتی مربوط انجام می‌شود. این مساله در طی سال‌های حاکمیت دیکتاتوری نظامی در نیجریه به کمال رسید ، ولی از زمان گذار این کشور به حکومت دموکراتیک در سال ۱۹۹۹، به طرز وحشیانه‌تری ادامه یافته است. هیچ تمایزی بین رهبران نظامی و جانشینان غیرنظامی آنها وجود ندارد، زیرا بسیاری از سیاستمداران برجسته کشور یا افسران نظامی بازنشسته هستند یا دست نشاندگان آنها هستند. رفاقت، نزدیکی منافع، شراکت و همکاری در سرمایه گذاری شرکت های فراملیتی ازسوی الیگارشی داخلی ، تضمین می کند که لحاظ نمودن حقوق اساسی مردم در مقایسه با هدف حداکثرسازی سود در درجه دوم اهمیت قرار بگیرد. این بازیگران اقتصادی مانند دیگرتسخیرکنندگان قدرت دولتی، همچنان به دستگاه سرکوبگر دولتی تکیه می کنند تا اطمینان حاصل کنند که روند انباشت سرمایه در بخش نفت بدون وقفه استمرار می یابد.[۱۵۰۰]

۱٤۹۸ - Ifeanyi Ezeonu(۲۰۱۸), Market Criminology : Crimes of the Powerful , Routledge.
۱٤۹۹ - Ifeanyi Ezeonu(۲۰۱۸),Ibid.
۱۵۰۰ - Ifeanyi Ezeonu(۲۰۱۸), Market Criminology : Crimes of the Powerful , Routledge,p۵

دیپلماسی اقتصادی ، منارعات و همکاری ها

یکی از تحولاتی که در سایه تغییر در مفهوم لیبرالیسم رخ داده است، تحول در جایگاه دیپلماسی اقتصادی است. اقتصاددانان نئولیبرال تعاریف مختلف و متنوعی از دیپلماسی اقتصادی ارائه کرده اند .فرِلک، دیپلماسی اقتصادی را " انتخاب ابزارهایی مانند خط مشی اقتصادی خارجی می داند که به ما کمک می کند تا به اهداف اقتصادی به گونه ای مدبرانه، مؤدبانه، تیزبینانه، زیرکانه و هوشمندانه دست یابیم"[۱۵۰۱]

برمبنای همین تعریف از دیپلماسی اقتصادی است که ، قدرت های بزرگ مانند آمریکا رفتارشان را با دوست و دشمن شکل می دهند. چنانکه دیپلماسی اقتصادی آمریکا در مواجه با دشمنانش، اعمال محدودیت و یا تحریم است و در مواجه با دوستانش حمایت از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی و تجارت است. اهمیت دیپلماسی اقتصادی و جایگاه آن در معادلات حال حاضر دنیا برکمتر کشوری پوشیده است. این مفهوم در مقابل دیپلماسی کلاسیک یا سنتی قرار می گیرد و به مناسبات سیاسی بر مبنای ارجحیت های اقتصادی اولویت می بخشد. این رویکرد سیاست ها را در چارچوب تحلیل هزینه –فایده اقتصادی کشور ها و منافع و مضار سیاست ها را از نقطه نظر توسعه مورد ارزیابی قرار می دهد. اما از نقطه نظری دیگر دیپلماسی اقتصادی، تبدیل اقتصاد به ابزار فشار برای پیشبرد سیاست به منظور تغییر در رفتار طرف های مقابل است، چنانکه ایالات متحده از اقتصاد برای پیشبرد سیاست های خود استفاده می کند و رویکرد اعمال تحریم توسط این کشور برای ایجاد تغییر در رفتار دیگر کشورها در همین راستا قابل ارزیابی است.

موضوع اصلی در دستور کار اجلاس سران قدرت های بزرگ اقتصادی (G۶) این است که چگونه جهان را بشکافیم تا کارتل های بزرگ جرایم فراملی بتوانند بهتر از ثروت آن برای اهداف شوم خود بهره برداری کنند. این پدیده "جنایت سازمان‌یافته" نسبت به جرایم تصادفی خیابانی، تهدیدی بسیار بزرگ‌تر برای پایه‌های اخلاقی و اقتصادی تمدن غرب است. به جای گروهی از اراذل و اوباش که در تباهی‌های اپیزودیک به عنوان حمله خلق و خو و فرصت‌ها دست به کار می‌شوند، عاملان آن جنایتکاران پیچیده‌ای در گروه‌های بزرگ هستند که به طور مداوم جنایات پیچیده و پرسود را به قیمت یک جامعه مودب و بی‌خبر طراحی می‌کنند.[۱۵۰۲]

دیپلماسی اقتصادی موضوعی است که در معادلات سیاست خارجی در ایران کمتر به آن توجه شده است.[۱۵۰۳] در عرصه داخلی، مشکلات ساختاری اقتصاد، منجمله فساد و رانت و ناکارآمدی ، جناحی اندیشی در مورد سیاست

۱۵۰۱ – مرتضی دامن پاک جامی(۱۳۹۷)،همان.

۱۵۰۲ - R. T. Naylor(۲۰۰۲)Ibid,p ۱۳.

۱۵۰۳- معاونت پژوهش های سیاسی حقوقی، مرکز پژوهش های مجلس،(۱۳۹۴)، اقتصاد و سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران؛ هم افزایی یا تعارض (با تأکید بر تبیین جایگاه سیاست خارجی در استراتژی تجاری و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران)،ص ۱۹.

خارجی، ناهماهنگی و بعضاً اتخاذ سیاست های موازی دستگاه ها از چالش های عمده ای هستند که امکان کارکرد موثر سیاست خارجی در فضایی آرام و به دور از تنش و اولویت بخشی به مسائل اقتصادی در روابط خارجی را مشکل می سازند. در عرصه خارجی نیز، چالش های مربوط به استمرار تنش تا آستانه رویارویی و تشدید سیاست های تقابل جویانه میان ایران- آمریکا که پیامد آن تحریم های اقتصادی بوده و امنیتی سازی محیط کنشگری خارجی ایران که ناشی از غلبه میدان بر دیپلماسی و نظامی گرایی بر سیاست گرایی است و ادامه تنش ها در مناطق پیرامونی، سیاست خارجی ایران را دچار مشکل نموده و ایران را به انزوا برده است. بر خلاف برخی ارزیابی های خوش بینانه، واقعیت عملکرد دستگاه سیاست خارجی در عرصه دیپلماسی اقتصادی را باید از زبان معاون اقتصادی وزیر خارجه دولت قبلی، حسن روحانی شنید، معاونتی که بعد از خرج ترامپ از برجام ایجاد شد و بیشتر کارش یافتن راه های دور زدن تحریم ها و ارائه پیشنهاد به شرکای تجاری برای یافتن سازو کارهای مبادله و انتقال پول در شرایط تحریمی است. حتی اگر به اعتراف همین مقام سیاسی، تحریم ها هزینه زا باشند و مبادله تجاری را از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه ننماید، اساسا قرار نیست، راهبرد تعامل بجای تقابل اتخاذ گردد. امروزه اتخاذ رویکرد تقابل بجای تعامل از سوی سران و رهبران جمهوری اسلامی نه تنها علیه آمریکا بلکه علیه اصول و ارزشهای پذیرفته شده و جهانی نئولیبرالیسم موجب شده هزینه های سنگینی بر منافع کشور ایران تحمیل گردد. پیامد این هزینه های تحمیل شده، اوضاع نابسامان کنونی در اقتصاد کشور است. این اصول و ارزش ها عبارتند از :

۱ -تجارت آزاد،

۲ -همگرایی،

۳ -ساز وکار همکاری های بین المللی،

۴ -وابستگی متقابل،

۵ -جهانی شدن اقتصاد

متاسفانه غلبه انقلابی گری بر دیپلماسی گرایی، در میان سران و رهبران جمهوری اسلامی، موجب شده تا تقابل و تنش و خصومت از سطح روابط سیاسی میان کشور ایران با دولتهای غربی به سطح تقابل ایدئولوژیک کشانیده شود، به این معنا که امروز علت تقابل حاکمان جمهوری اسلامی با دولت ایالات متحده تنها بر محور انتقاد از سیاست های این کشور نیست، بلکه انقلابی گرایی و رادیکالیزم مذهبی موجب شده از ستیز با آمریکا و دادن شعار مرگ بر آمریکا ، به ستیز آشکار با ارزش های جهان آزاد و مرگ بر نئولیبرالیسم برسیم، امری که برای ایران بسیار پر هزینه و پرتنش بوده و امید به جلب همراهی و همکاری دیگر کشورها را به حداقل ممکن می رساند. این نوع رادیکالیزه کردن مسائل سیاسی ایدئولوژیک ، غیر از مواجه شدن با بن بست و انسداد ، نتیجه ای برای جمهوری اسلامی نخواهد داشت. این یک پیشگویی نیست، بلکه نتیجه و برآیند ارزیابی یک روند در حال تکوین است. از

نظریک پژوهشگر منصف ، نئولیبرالیسم همانقدر قابل نقد است که رادیکالیسم مذهبی قابل نقد است. این دو یکدیگر را تکفیر می کنند، اما هردو واجد انتقاداتی هستند.

دیوید میترانی از برجستگان نظریه هم گرایی و یکچارچگی، همکاریهای فراملی برای حل مسائل جهان در هم تنیده ی امروزی را ضروری می داند و معتقد است وقتی که دولت ها در فرایند یکپارچگی وارد همکاری و هم اندیشی می شوند، هزینه دور ماندن از این فرایند برای آنهایی که از همکاری امتناع می ورزند، رو به فزونی خواهد گذاشت. اساس نهادگرایی نئولیبرال نیز مبتنی بر سودمندی همکاری جمعی در عرصه بین الملل و هزینه داشتن تکروی و انزوا طلبی است.[۱۵۰۴] چنانکه می دانیم دولت ها را در دو گروه امنیتی- نظامی و اقتصاد محور تقسیم می کنند. گروه نخست، عموماً به دیگر واحدهای سیاسی غیرمتحد با خود با دیده بدبینی نگریسته و نظام حقوقی و اقتصادی آنها نیز محدودکننده و درون گرا و انزوا گزین هستند، در حالی که دولت های اقتصاد محور، دارای مرزهایی امن و منعطف بوده و نظام حقوقی آنها برای ایجاد ارتباطات و مناسبات اقتصادی با دیگر کشورها تسهیل کننده است. هم اکنون طبق بررسی های کارشناسان ، شمار کشورها و مناطق اقتصادگرا با رویکرد سیاست خارجی اقتصاد محور در عرصه بین المللی رو به افزایش است، در حالی که حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد دولت ها امنیت گرا هستند که نشان می دهد با روند جهانی شدن، دولت ها به دنبال حرکت در راستای اقتصاد و توسعه هستند.[۱۵۰۵] بنابر این بجاست این پرسش مطرح شود که ایدئولوژی انقلابی شیعی با رویکرد امنیتی– نظامی ، چه اصول و ارزش هایی را به جای اصول و ارزش های نئولیبرالیسم ، به کشورهای منطقه و جهان پیشنهاد می دهد؟ و تا چه اندازه توان ایجاد اجماع و همگرایی در آن راستا را دارد؟ بدون شک نظم نئولیبرال، نظام منسجم و معتدلی نیست. انتقادات زیادی برآن همچون بسیاری نظامات دیگر وارد است، اما تخاصم با نظمی که خود را در معرض آزمون و نقد گذاشته و مدام خود را برای بهتر شدن نقد می کند، چه معنا دارد؟ آیا بهتر نیست بجای اینکه نظم موجود را از ریشه برکند و یا خود را جدا از جمع دید ، در فرایند همگرایی و یکپارچگی برای حل مسائل جهانی شریک شد و برای اصلاح و بهبود وضع موجود تلاش نمود؟ و این مستلزم این است که دست از تفرعون و لجاجت و ادعای بی نقص بودن برداریم و فساد و معصیت خودمان را هم ببینیم.

۱۵۰۴ – نقل از : روح الامین سعیدی (۱۳۹۵)، آکادمی ها و نهادهای ضد فساد ، سازمان بازرسی کل کشور، مرکز مطالعات و پژوهش های سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد، صص ۲۲-۲۵.

۱۵۰۵ – معاونت پژوهش های سیاسی حقوقی ، مرکز پژوهش های مجلس،(۱۳۹۴)، اقتصاد و سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران؛ هم افزایی یا تعارض (باتأکید بر تبیین جایگاه سیاست خارجی در استراتژی تجاری و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران)، ص ۱۲.

معاملات سیاسی کلان و فساد انگیز

فساد سیاسی حتی لیبرال دموکراسی ترین کشورها را هم به فسادآلوده می کند و آنها را به همکاری و معامله با مجرمان سازمان یافته و گروه های تروریستی و حکومت های متهم به حمایت از گروه های تروریستی وادار می کند و در وقت ضرورت آنها را مجبور می سازد تا در برابر خواست کشورهای سرکش و یا گروه های تروریستی سر خم کنند، امتیاز و باج بدهند و زد و بند و معامله بکنند. متقابلا حکومت های افراط گرا در وقت ضرورت برای حفظ نظام که اوجب واجبات است، در برابر شیطان بزرگ هم نرمش قهرمانانه از خود نشان می دهند. چهار دهه رابطه پر تنش ایران – آمریکا مملو از این چالش ها است. ایران ، آمریکا را "شیطان بزرگ" و آمریکا ، ایران را "محور شرارت" می داند ، ولی در طی بیش از چهار دهه گدشته در موارد مختلف ایران و آمریکا بطور پنهان و یا آشکارا به پای میز مذاکره رفته اند و تن به معامله داده ، چانه زنی کرده و در برابر یکدیگر انعطاف نشان داده اند. آمریکاییان از زمان ماجرای گروگان گیری در سفارتخانه تحت اشغالشان تا همین اواخر که اوباما درسال ۲۰۱۶ دستور انتقال پول های بلوکه شده ایران را بصورت فله ای صادر کرد تا در برابر آن چند شهروند امریکایی آزاد شوند، بر سر مسائل مختلف با ایران معامله کرده است. حتی اخیرا دولت بایدن در ازای آزادی نمازی ها و تعدادی شهروند دو تابعیتی دیگر ، با آزادسازی بیش از ۶ میلیارد دلار از پولهای بلوکه شده ایران ناشی از تحریم نفتی این کشور موافقت نمود.

امریکایی ها برای مهار انقلاب اسلامی و جلوگیری از توسعه طلبی ایدئولوژیک و صدور و انتشار تفکرات بنیادگرایانه مذهبی حکومت ایران به اقصی نقاط منطقه ی تحت نفوذ و هژمونی غرب ، تلاش های منطقه ای زیادی انجام دادند. ترغیب صدام به جنگی طولانی و فرسایشی با ایران ، از طریق تجهیز و پشتیبانی مالی و تسلیحاتی از صدام از آن جمله بود. آنگاه که صدام بعد از احساس پیروزی در جنگ هشت ساله با ایران به کشور همسایه و دوست و هم پیمان خود ، کویت، حمله ورشد، آمریکایی ها، سعی کردند، او را مهار و کنترل و تنبیه کنند. بعد از وقایع یازده سپتامبر و ظهور القاعده و بن لادن ، امریکا احساس کرد که مدارا با صدام به زیان منافع آن کشور در منطقه و گستاخی بیشتر سران دیگر کشورها خواهد شد، انگیزه های دیگری همچون در دست گرفتن کنترل چاه های نفت در عراق هم مزید بر علت شد و ماجراجویی های جورج دبلیو بوش را در کنار زدن رژیم صدام در عراق رقم زد. اما بر خلاف انتظار آمریکایی ها، این تحولات سیاسی و جغرافیایی ، بیش از پیش راه را برای گسترش نفوذ ایدئولوژیک و منطقه ای ایران باز نمود. بیش از دو دهه حضور امریکایی ها ، به عنوان اشغال گر در دو کشور افغانستان و عراق برای مردم این دو کشور غیر قابل تحمل می نمود که نقش ایران نیز در تحریک احساسات ضد امریکایی در این دو کشور مسلمان بی تاثیر نبود ، راهبرد تغییر در ترکیب خاورمیانه مطابق خواست امریکاییان پیش نرفت. گروه های شیعه ی مورد حمایت ایران بیشترین قدرت و نفوذ را در معادلات سیاسی در عراق بدست آوردند. هرچند که بخش هایی از عراق مانند موصل در تصرف گروه های جهادی سلفی همچون داعش قرار گرفت. امریکا

همچنین در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ بعد از دو دهه تلاش دموکراسی سازی، مجبور شد بر سر موضوع افغانستان با طالبان به پای میز مذاکره بنشیند و پشت دولت رسمی افغانستان را خالی کند و افغانستان در دوره ریاست جمهوری بایدن دو دستی تقدیم گروه طالبان شد. در عراق همچنانکه گفته شد، امریکایی ها تمام شانس موفقیت خود را از دست دادند و سفارتشان بارها مورد حمله نیروهای شیعه طرفدار ایران قرار گرفت و پایگاه نظامی آنها در عین الاسد هدف موشك های ایران قرار گرفت، و این بعد ازآن بود که آمریکایی ها، ژنرال قاسم سلیمانی فرمانده پرنفوذ سپاه قدس را با نقشه قبلی تعقیب و خودرو حامل او و همراهانش را هدف حمله هوایی قرار دادند. درهر حال ، اگر چه برخی کارشناسان ، دموکراسی‌سازی در جوامع مستعد رشد و فعالیت گروه های تروریستی همچون عراق و افغانستان را یک راهبرد موثر برای محدود کردن فعالیت ها و اقدامات تروریستی ارزیابی می کنند و در عین حال توصیه می کنند که این تدابیر به عنوان راهی برای خنثی کردن تهدید یک گروه خاص، باید با در نظر گرفتن ویژگی‌های آن گروه، جهت‌گیری و موقعیت آن گروه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. واقعیت تجربه میدانی در عراق و افغانستان نشان داد که کشورهای غربی و منجمله امریکا در پروژه دموکراتیزه کردن جوامع مسلمان در منطقه موفق نبوده اند. دلیل آن هم البته روش است، اولا اینکه حضور آنها در این کشورها روندی دموکراتیک را طی نکرده و خود مصداق نوعی تجاوزگری و اشغالگری تلقی شده است و ثانیا اینکه ماهیت نظام سیاسی در آمریکا برخلاف این ادعا که خود را لیبرال دموکراسی می داند، به زعم برجسته ترین صاحب نظران و کارشناسان مسائل سیاسی ، یک دموکراسی فاسد و تباهیده و در واقع نوعی پلوتوکراسی است. نظام سیاسی در آمریکا به اشکال گوناگون خود دچار فساد و آلوده به جرایم سازمان یافته و تحت نفوذ گروه های مافیایی و باندهای قدرتمندی هست که منافع شان در بازاریابی و فروش غیر قانونی سلاح و مهمات و جنگ افروزی برای سلطه بر منابع کشورهای فقیر و بویژه تسلط بر منابع نفتی در خاورمیانه است و اگر قدری بیشتر جستجو کنیم می بینیم ، دموکراسی در درون خود این کشور سست و شکننده است. چند دوره انتخابات اخیر ریاست جمهوری در امریکا خود گویای آسیب هایی است که این نظام به اصطلاح لیبرال دموکراتیک بدان دچار هست و چنانکه گفته شد در مواقع لازم چه بسا با دولت های خودکامه ، سران رژیم های دیکتاتور و حتی گروه های تروریستی وارد معامله سیاسی شده و می شوند.

در توجیه دلایل مماشات و تعامل دولت های غربی همچون آمریکا با گروه های تروریستی و افراط گرایی که صراحتا نظم دموکراتیک را به چالش می کشند، موضوعی که مورد توجه برخی از کارشناسان و تحلیل گران غربی آگاه به مسائل تروریست در جهان بوده ، این امیدواری است که مشارکت دادن یک گروه تروریستی دارای اهداف سیاسی ، در یک فرآیند دموکراتیک و سهیم کردن آنها در قدرت چه بسا بتواند برای مهار و یا مقابله با تروریسم در میان مدت و کوتاه مدت مفید باشد و به کاهش جرایم تروریستی و برگشتن آرامش و امنیت در مناطق بحرانی

کمک کند. اینکه تا چه اندازه این امیدواری مبتنی بر واقعیت باشد و یا امکان تحقق داشته باشد، خود موضوع دیگری است که آینده رفتار این گروه ها آن را تعیین می کند. آنها در این مورد گروه حماس و اخیرا گروه طالبان را مورد اشاره قرار می دهند. در این باره آنها به برخی گزارش ها استناد می کنند که نشان می دهد، در میان اعضای گروه حماس در مقایسه با گروه فتح آلودگی به فساد مقامات کمتر گزارش شده است.[۱۵۰۶] و یا در سال های اخیر با افزایش نفوذ حزب الله و قدرت یافتن او به عنوان آلترناتیو دولت در لبنان، حزب الله وارد ایفای نقش سیاسی در حکومت لبنان شده است. امروزه حزب الله با نقش بزرگ و قابل توجهی که برای بازی در نظم سیاسی و اجتماعی لبنان ایفا می کند، یک حزب سیاسی تلقی میشود با کرسی هایی در پارلمان لبنان . بعلاوه این گروه یک سازمان ارائه دهنده خدمات رفاه اجتماعی، و یک شبکه پخش کمک های بشردوستانه با مخاطبان زیاد است که بویژه برای این اهداف خویش به تامین مالی از سوی جمهوری اسلامی ایران وابسته است. همچنین انتظار می رودحزب الله بتواند درآینده به عنوان یک نیروی محافظ صلح برای ایجاد امنیت در جنوب لبنان ایفای نقش کند. رهبران طیف های سیاسی لبنان و مقامات سیاسی در بسیاری از نقاط خاورمیانه، حزب الله را به عنوان یک بازیگر سیاسی مشروع و پذیرفته شده و قانونی می شناسند. کسب موقعیت سیاسی و جایگاه قابل احترام در یک نظام دموکراتیک و پارلمانی در خاورمیانه از سوی حزب الله ، تکیه برگزینه‌های تروریستی را کمتر مفید یا ضروری جلوه داده است و با وجود چیزهای زیادی که برای از دست دادن وجود دارد، جنبه های منفی توسل به تروریسم بیشتر خودنمایی می کند.[۱۵۰۷]

ارزیابی فوق از نقش حزب الله در دوره اخیر نشان می دهد ، در واقع غرب یک راه کنترل و مهار گروه های تروریستی را چنین یافته که با دادن یک سهم سیاسی از قدرت به گروه های تروریستی دارای اهداف سیاسی ،آنها را در روند دموکراتیک انتقال قدرت مشارکت دهد و در صورت امکان راه صلح و آشتی را با آنها فراهم نماید. این راهبرد ممکن است در کوتاه مدت موثر بیفتد ، اما هیچ تضمینی نیست که تمامیت خواهی و ایدئولوژی گرایی مذهبی درگروه هایی مانند حزب الله و طالبان، حماس و دیگر گروه های افراط گرای مذهبی موجب نشود تا در بلند مدت و پس از محکم کردن پای خود در قدرت، و یا جلب اعتماد عمومی و جهانی ، به حذف فیزیکی و خشونت بار دیگر رقبای سیاسی خود اقدام نکنند و یا وارد چرخه ای از خشونت ، ترور و سرکوب نشوند و به سوی ایجاد یک حکومت دیکتاتوری – مذهبی اقتدارگرا همانند آنچه هم اکنون در ایران است، پیش نروند. خصوصا که ایران نقش خود را به عنوان رهبر جریان های بیداری اسلامی در منطقه بارها مورد تاکید قرارداده و برای اثبات آن راهبردهای نظامی ، مذهبی ، ایدئولوژیک و حمایتی و سیاسی به اجرا گذارده است. رفتار اخیر حماس در طی عملیات تهاجمی برق آسایی که در روزهای پایانی سال میلادی ۲۰۲۳ به اسراییل و تحت عنوان طوفان الاقصی

۱۵۰۶ - James J. F. Forest,Ibid, p ۷۷۲
۱۵۰۷ - James J. F. Forest,Ibid, p ۷۷۳

گزارش شد و پیامدهای مخرب زیادی برای ساکنان غیرنظامی در غزه به دنبال داشت ، احتمالا جایگاه این گروه را در نگاه تحلیل گرانی همچون جیمز فورست تغییر داده است.

در هر حال از مجموع مطالعات انجام شده ، می توان دریافت که پاره ای از کارشناسان غربی خوش بینانه اذعان و اعتراف دارند به اینکه تمام آن دولت ها یا گروه هایی که دولت های غربی و امریکایی ها ، آنها را تروریست قلمداد می کنند، واقعا تروریست خطرناک آن هم ، با آن درجه از جرم و خشونت که از سوی برخی دولت های به اصطلاح دموکراتیک همچون اسراییل اعمال می شود ، نیستند و اگر این گروه ها را در روندی دموکراتیک سهیم نمایند، آرامش نسبی به مناطق برخواهد گشت.آنان بطور نمونه با برشمردن تاریخچه اقدامات و سوابق تروریستی کشوری مانند اسراییل نشان می دهند که این دولت جعلی در جرایم سازمان یافته تروریستی دست کمی از گروه های بنیادگرای مورد اتهام همچون حماس و حزب الله ندارد.

پناهندگان وآوارگان ، قربانیان جنایت جنگی

اکثر پناهندگان و آوارگان، قربانیان جنگ هستند. در نظر بگیرید که " در درگیری‌های معاصر، تا ۹۰ درصد از تلفات غیرنظامیان، بیشتر زنان و کودکان هستند." علاوه بر این، " زنان در جوامع جنگ زده با اشکال خاص و ویرانگر خشونت جنسی، که گاه به طور سیستماتیک برای دستیابی به اهداف نظامی یا سیاسی انجام می شود، مواجه می شوند. " (سازمان ملل متحد a۲۰۲۰). طبق آمارهای بین المللی ، بیش از ۵۷ درصد پناهجویان از سوریه، افغانستان و سودان جنوبی آمده اند. (سازمان ملل متحد b۲۰۲۰). در سطح جهانی، در آغاز سال ۲۰۱۹، بیش از ۸,۷۰ میلیون نفر در سراسر جهان، به دلیل درگیری ها و آزار و اذیت مجبور به ترک خانه های خود شده اند، به انظمام تعداد ۳۰ میلیون نفر جمعیت پناهندگان ، که نیمی از آنها کودک هستند.[۱۵۰۸] رقم پناهندگان و آوارگان جنگی در جهان ، امروز با وجود طولانی شدن جنگ اوکراین و اخیرا جنگ غزه ، به مراتب بسیار بیشتر شده است. وضعیت حقوق بشر در مناطق جنگی جهان بشدت وخیم است. وضعیت پناهندگان و آواره گان جنگی مستقر در کشورهای دیگر هم چندان تعریفی ندارد. تا۹ می ۲۰۲۳ ، آمار پناهندگان اوکراینی در سراسر اروپا به حدود هشت میلیون و دویست هزار نفر می رسد.[۱۵۰۹]

غیرنظامیان، بیمارستان‌ها، عبادتگاه‌ها همگی به اهداف قانونی تبدیل می‌شوند و فرود در جهنم پیش از وستفالن جنگ کامل، اهداف کامل و ویرانی کامل در پی خواهد داشت. ترس از جهانی که در آن جنایات علیه بشریت به ضرب سکه های جنگ تبدیل شود در قلب کنوانسیون های ژنو نهفته است.[۱۵۱۰] اما استفاده گروه های تروریستی از

۱۵۰۸ - Crimes of the Powerful: White-Collar Crime and Beyond,p۱۱۵
۱۵۰۹ - https://data۲.unhcr.org/en/situations/ukraine.
۱۵۱۰ - Geneva Conventions

نوجوانان و خردسالان و غیر نظامیان به عنوان جهادگر، جنگجو و بمب گذار انتخاری و ضرورت مقابله با تروریستها سبب شده عده ای در ایالات متحده استدلال بیاورند که کنوانسیون ژنو بر جنگ با تروریسم قابل تسری نیست.

راه حل حقوقی پیشگیری از خشونت، جنایت و تجاوز

دولت های ملی تمایل دارند از طریق راه اندازی دادگاه جرایم بین المللی (ICC)[۱۵۱۱]، هرگونه تجاوز و خشونت را به عنوان مصداقی از نسل کشی، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت جرم انگاری کنند ، با این حال، این موضوع هنوز تعریف نشده است. در حال حاضر، ICC صلاحیت رسیدگی به تجاوز را ندارد. ناکامی جامعه بین‌المللی در تعریف جرم تجاوز، بینش‌هایی را در مورد مفهوم معیوب دولت-ملت فراهم می‌کند، زیرا کشورهای قدرتمندی مانند ایالات متحده و چین و دیگر کشورهای سرکوبگر پر نفوذ از همکاری در تعریف جرم تجاوز و واگذاری صلاحیت به دیوان کیفری بین‌المللی خودداری می‌کنند. اگر جامعه بین‌الملل موفق شود جرم تجاوز را تعریف کند و ایالات متحده، چین و سایر کشورهای تحت کنترل را تحت صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری قرار دهد، حقوق بین‌الملل گامی در جهت تکامل دولت آزاد برخواهد داشت که در نظریه و عمل همه اشکال تجاوز را محکوم می‌کند. . عدم تعریف جرم تجاوز به تجاوز مشروعیت نمی بخشد. با این وجود، مبنایی برای حذف دولت-ملت های امپراتوری ، گانگسترها و دیکتاتورها فراهم می کند.[۱۵۱۲]

راه حل سیاسی پیشگیری از جرم و جنایت، غارت و تجاوز

بسیاری براین باورند که یک راه حل پیشگیری از جرایم سازمان یافته بین المللی در جهان رفتن از نظام اقتدارگرا به سوی نظام دموکراسی مردم سالار است. اما در اینجا با تکیه بر نظرات پژوهشگران مختلف نشان داده شد که نظام های دموکراتیک هم ممکن است آفت زده شوند، همچنانکه نظام های اقتدارگرا چنین هستند. نظام های اقتدارگرا تفکر ایجاد یا احیای امپراتوری در سر دارند ولی دولت-ملت ها خیر، اگرچه در هردوی این نظام ها فساد و چپاول به شکل های مختلف وجود دارد، با این حال، امپراتوری ها ذاتاً غارتگر هستند و تمایل دارند دامنه کنترل و نفوذ خود را از طریق فتوحات، استعمارگری، برده داری و استفاده از زور، تجاوز و خشونت گسترش دهند. آنها برای حفظ و کنترل وضعیت ، نیاز به اعمال خشونت بیشتری دارند. هیچ امپراطوری بدون تجاوز به سایر مردمان، و تسخیر قلمرو و منابع آنها ساخته نشده است. بسیاری از امپراتوری ها دارای نظام اقتدارگرا با رهبرانی مادام العمر هستند ، ولی دولت –ملت ها، اغلب دموکراسی هایی هستند، هرچند شکننده، که با ابزارهای پاسخگوسازی مقامات و دوره تصدی محدود برای رهبری و مبتنی بر انتخابات و رای مستقیم مردم شناخته می شوند.[۱۵۱۳] اگر کلیت گزاره ی بالا را بپذیریم، در مصداق یابی آن، این پرسش می تواند مطرح شود که آیا ایالات متحده یک امپراتوری است یا یک نظام دموکراتیک مبتنی بر آرای مردم ؟ ایالات متحده به اعتراف بسیاری از تحلیل گران و مورخان ،

۱۵۱۱ - International Criminal Court (ICC)

۱۵۱۲ - Ali Khan(۲۰۰۶) , A Theory of International Terrorism , Martinus Nijhoff Publishers, pp۳۳۸-۳۳۹

۱۵۱۳ - Ali Khan(۲۰۰۶), Ibid.

یک نظام امپریالیستی است که تداعی گر و احیا گر امپراتوری روم است و حتی اگر نقدی بر چینش و آرایش عناصر متشکله ساختار نظام سیاسی درون آن وارد نسازیم که وارد است، با توجه به اینکه در عرصه روابط بین الملل بر حفظ و صیانت از هژمونی و سیطره خود تاکید دارد ، می تواند یک امپراتوری سلطه گر و توسعه طلب تلقی گردد که همه تلاش خود را برای تحکیم، تثبیت ،تعمیم و گسترش اندیشه نئولیبرالستی در سراسر جهان معطوف نموده است. روح تجاوزگری، زورگویی، استعمارگری ، غارت و بردگی ملل ضعیف ، برتارک این امپراتوری که منادی دفاع از آزادی و دموکراسی در جهان است، می درخشد. بعلاوه در این کشور دموکراسی آفت زده و فاسد شده است، اگرچه درمقایسه با کشورهای فاسد دیگر، نمره ادراک فساد در آمریکا کمتر است، اما وضعیت چندان مناسبی ندارد. نوعا جرایم سازمان یافته و فساد درآمریکا در دو قالب کلی مورد توجه پژوهشگران است. اول : فساد های فراسرزمینی مقامات دولتی آمریکا در قالب تجاوز و غارتگری منابع اقتصادی دیگر کشورها و جرم و جنایات آمریکا علیه ملل دیگر و دوم : تاثیر و پیامد سیاست های اقتصادی دولت آمریکا بر طبقات مختلف در درون جامعه آمریکا که بصورت نابرابری در ثروت و دارایی و درآمد و فقر ، فاصله طبقاتی ، جرم و جنایات سازمان یافته، جرایم یقه سفیدها و رشد جرایم خیابانی مورد توجه قرار می گیرند.

(مارشال، ۲۰۲۱) در مقدمه کتاب خود با عنوان" چهاردیواری تاریک : جرایم سازمان یافته ، کسب و کارهای بزرگ، فساد در دموکراسی آمریکا (از ترومن تا ترامپ)" می نویسد : " امروزه آمریکایی‌ها در مراحل رو به زوال برتری خود، بحران اعتماد را به دلیل لغزش رهبری نظامی، اقتصادی و فناوری کشورشان تجربه می کنند. هسته اصلی آن بحران ، اعتماد به سرعت رو به افول آنها به عدالت نهادهای حاکمیتی و حتی مدل دموکراتیک آن است. دونالد ترامپ، نامزد حزب جمهوری‌خواه ، پیروزی غافلگیرکننده‌اش در رقابت‌های ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ را مدیون وعده‌اش برای "خشک کردن باتلاق فساد" است. با این حال، پس از شروع به کار، او باتلاق را به شیوه های بی‌سابقه تری عمیق‌تر کرد و کاخ سفید را آشکارا به زیرمجموعه مجازی شرکت خانوادگی‌اش تبدیل نمود. پس از گذشت یک سال از ریاست جمهوری وی، ۴۴ درصد از آمریکایی ها در یک نظرسنجی ملی گفتند که فساد در کاخ سفید فراگیر است که نسبت به ۳۶ درصد در سال ۲۰۱۶ افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۸، ایالات متحده از نظر شاخص سنجش فساد از سوی سازمان شفافیت بین‌الملل به رتبه ۲۲ سقوط کرد، کمتر از سایر کشورهای توسعه‌یافته و تنها جلوتر از امارات متحده عربی."[۱۵۱۴] این درحالی است که پاتریشیا موریرا، مدیر موسسه شفافیت بین‌الملل می گوید: " فساد دموکراسی را از بین می‌برد تا یک چرخه معیوب ایجاد کند، جایی که فساد نهادهای دموکراتیک را تضعیف می کند و نهادهای ضعیف ، به نوبه خود ، کمتر قادر به کنترل فساد هستند."، مارشال به نقل

۱۵۱۴ - Jonathan Marshall(۲۰۲۱), Dark quadrant : organized crime, big business, and the corruption of American democracy, Published by Rowman & Littlefield.

از میلز در کتاب بحث برانگیز (و اکنون کلاسیک) خود به نام نخبگان قدرت[۱۵۱۵] ، بینش بیشتری نسبت به ریشه های سیستماتیک فساد در سیاست آمریکا ارائه نمود. او توضیح داد که چگونه جنگ سرد باعث تمرکز قدرت اقتصادی و سیاسی در دستان مدیران کمپانی ها ، نخبگان نظامی و مقامات قوه مجریه عمدتاً غیرپاسخگو شده است –چیزی که رئیس جمهور آیزنهاور بعدها آن را "مجتمع نظامی-صنعتی" نامید. میلز اظهار داشت که یکی از نتایج این تمرکز، "افول سیاست به عنوان بحث واقعی و عمومی تصمیمات جایگزین" بود. در این روند، دولت قابل دسترسی با "دولت نظامی و بزرگ" جایگزین شد. سیاستمدارانی که زمانی به مردم پاسخ می‌دادند، اکنون عمدتاً به "روسای شرکت‌ها" خدمت می کنند. میلز صراحتاً اعلام کرد: "سرمایه داری آمریکایی تا حد زیادی یک سرمایه داری نظامی است، و مهم ترین رابطه شرکت بزرگ با دولت مبتنی بر تطابق منافع بین نیازهای نظامی و شرکتی است، همانطور که جنگ سالاران و ثروتمندان شرکت ها تعریف می کنند."

در فوریه ۲۰۱۰، کمیته فرعی دائمی تحقیقات سنای ایالات متحده گزارش ۳۲۳ صفحه ای دو حزبی خود را با عنوان "حفظ فساد خارجی ، بیرون از مرزهای ایالات متحده : چهار پرونده تاریخی " منتشر کرد. در این گزارش ، مطالعه موردی گینه استوایی تقریباً صد صفحه داشت و کاملاً بر روی تئودورین متمرکز بود. این سومین تحقیق سرفصل سنا در مورد گینه استوایی در پنج موضوع بود. پس از "پول‌شویی و فساد خارجی: اجرا و اثربخشی قانون میهن پرستی" در سال ۲۰۰۴ و "پارادوکس نفت و فقر: ارزیابی تلاش‌های ایالات متحده و جامعه بین‌المللی برای مبارزه با نفرین منابع (اشاره به وضعیت کشورهای با درآمد نفتی بالا و فقرگسترده)" در سال ۲۰۰۸.[۱۵۱۶]

روسیه امپراتوری بزرگ دیگری است که سودای سیادت و سروری بر بخشی از جهان داشته و دارد. این کشور دارای یک نظام سیاسی فاسد و سرکش است. این کشور امروزه با در اختیار داشتن کنترل بزرگترین منابع گازی در جهان، از دولت های اروپایی باج خواهی می کند و بارها آنها را تهدید کرده است.ارزیابی وزارت امور خارجه ایالات متحده در مورد شرکت نفتی روسیه بنام "گاز پروم "[۱۵۱۷] این است : "گازپروم همان چیزی است که از یک انحصارگر دولتی که در بالای سر یک ثروت هنگفت نشسته است، انتظار می رود : ناکارآمدی ، انگیزه های سیاسی و فاسد." اگر به اندازه کافی در دفاتر حسابداری شرکت کاوش کنید، متوجه خواهید شد که گازپروم سالانه حدود ۴۰ میلیارد دلار به دلیل فساد و حیف و میل منابع و درآمدها زیان می دهد ، این زیان تقریباً برابر با سود سالانه آن است. ناظران صنعت به گازپروم امتیازی برای تنوع بخشیدن به سبد دارایی های خود با افزودن یک

۱۵۱۵ - Wright Mills(۱۹۵۷), The Power Elite , New York: Oxford University Press.pp ۲۷٤–۷٦.; Ibid, p۲۹٥.

۱۵۱٦ - Rachel Maddow(۲۰۱۹),Blowout:Corrupted Democracy,Rogue State Russia, and theRichest,Most Destractive Industries on Earth, crown publishing , p۱٤٥

۱۵۱۷ - گازپروم شرکت نفت‌وگاز روسی است، که تمرکز اصلی آن بر استخراج، تولید، انتقال و فروش گاز طبیعی معطوف می‌باشد. این شرکت با تولید روزانه بالغ بر یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی، به‌عنوان بزرگترین تولیدکننده گاز در جهان شناخته می‌شود. این شرکت هر متر مکعب گاز طبیعی وارداتی را از طریق خط لوله به کشورهای عضو اتحادیه اروپا بلغارستان، اسلوونی، اسلواکی، لتونی، استونی و فنلاند ارسال می کند.

شرکت بزرگ رسانه ای روسی ندادند. یک شرکت رسانه ای؟ پرسش این بود که چرا یک شرکت گاز دولتی ایستگاه های تلویزیونی می خرید؟ پوتین برای بدست آوردن چیزهایی که می خواست از گاز پروم استفاده می کرد. در واقع گازپروم ناکارآمد، پول‌ساز و فاسد، مالک یک ایستگاه تلویزیونی و تعدادی دیگر از اموال رسانه ای بود، اما فقط به این دلیل که پوتین آن را ترتیب داده بود تا یکی از معدود صداهای منتقد باقی مانده در مطبوعات روسیه را خاموش کند. ولادیمیر پوتین ابتداء از نیروهای امنیتی خود برای دستگیری و ارعاب شرکت رسانه ای منتقد استفاده کرد و سپس از گازپروم به عنوان قلک برای خرید شرکت با تخفیف شدید در مجازات زندان مالک شرکت رسانه ای استفاده کرد.[۱۵۱۸]

جنبش جهانی مبارزه با فساد[۱۵۱۹]، شفافیت و تجارت جهانی

از نقطه نظر تاریخی ، تا سال ۱۹۹۵، یک جنبش فراملی ضد فساد بر اساس این فرض که فساد مانع اصلی موفقیت اقتصاد بازار است در حال ظهور بود. این جنبش بر اثرات زیانبار اقتصادی (در مقابل اجتماعی یا اخلاقی) فساد در بستر توسعه متمرکز بود. قوانین جهانی و عینی بازار، جنبش را به رد قاطعانه رویکرد نسبیت گرایانه فرهنگی به فساد سوق داد. یکی از دلایل رشد توجه به مسئله فساد در اواسط دهه ۱۹۹۰ این بود که جهانی شدن اقتصاد و اعمال اصلاحات بازار آزاد فرصت‌های رشد فساد را افزایش داده بود. شکست اصلاحات بازار آزاد برای کاهش شکاف بین شمال ثروتمند و جنوب فقیر ناشی از فساد بود. مقامات دولتی کشورهای توسعه یافته و موسسات مالی بین المللی ("IFI")[۱۵۲۰] فساد را به دلیل "خرابکاری" در سیاست ها و برنامه های بازارمحوری که هدفشان کاهش فقراست، مقصر و عامل اصلی دانستند.[۱۵۲۱]

در سال ۱۹۹۶، مؤسسات مالی بین المللی ، فساد را به عنوان مانعی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی "بازتعبیر" کردند. قبل از سال ۱۹۹۶، فساد تنها به عنوان یک موضوع سیاسی در نظر گرفته می شد که خارج از اختیارات اقتصادی صندوق های سرمایه گذاری بین المللی بود. تغییر در لفاظی در مورد فساد از سیاسی به اقتصادی محدود به IFI ها نبود و در واقع، به ویژگی متمایز جنبش بین المللی ضد فساد پس از پایان جنگ سرد تبدیل شد. دلیل این بازتعریف مجدد فساد به عنوان یک موضوع اقتصادی این بود که پایان جنگ سرد منجر به تغییر شرایط جهانی شده بود. در همان سال صندوق بین المللی پول اعلامیه ای تحت عنوان "مشارکت برای رشد پایدار"[۱۵۲۲] صادر کرد که

۱۵۱۸ - Rachel Maddow(۲۰۱۹), Ibid, ۲۴۶
۱۵۱۹ - global anti-corruption movemen.
۱۵۲۰ - international financial institutions
۱۵۲۱ - Padideh Ala'i(۲۰۰۸) ,The WTO and the Anti-Corruption Movement, Loyola University Chicago International Law Reviewm , Volume ٦, Issue۱,pp۲۵۹-۲۸۷ : https://digitalcommons.wcl.american .edu /facsch _lawrev
۱۵۲۲ - Partnership for Sustainable Growth

شامل "ترویج حکمرانی خوب در تمام جنبه های آن" و "مقابله با فساد" به عنوان اجزای اساسی توسعه بود. تا سال ۲۰۰۱، مبارزه با فساد و کنترل فساد و ترویج حکمرانی خوب در مرکز توجه و اقدامات عملی موسسات مالی بین المللی قرار گرفت.[۱۵۲۳]

(پدیده علایی،۲۰۰۸) در مقاله تحقیقی خود ، به بررسی نقش سازمان تجارت جهانی ("WTO") در ترویج "حکمرانی خوب" و تلاش این سازمان در چارچوب بزرگ‌تر جنبش جهانی مبارزه با فساد پرداخته است و با ذکر این موضوع که سیاست‌های دولتی با هدف مبارزه با فساد بخشی از معیارهای "حکمرانی خوب" است که توسط بانک جهانی و سایر آژانس های کمک کننده تعیین شده است. یکی از عناصر مهم حکمرانی خوب را که شفافیت است از ارکان هم نظام تجاری چندجانبه معرفی می کند. او در مقاله ی خود استدلال می کند که از منظر جنبش بین المللی ضد فساد پس از جنگ سرد، سازمان تجارت جهانی یک نهاد مهم است زیرا یک انجمن نسبتا موفق برای بیان و توسعه ارزش های حکمرانی خوب مانند شفافیت فراهم کرده است.[۱۵۲۴] تقریبا در تمام پروتکل ها و توافقنامه های جانبی سازمان تجارت جهانی که حاصل ادوار مذاکرات مختلف مانند مذاکرات دور اوروگوئه و نظایرهم هست و یا شروط لازم برای الحاق اعضای جدید به سازمان را در بر دارد، بر موضوع شفافیت تاکید دارند. قابل توجه ترین نمونه ، پروتکل الحاق جمهوری خلق چین است که نشان می دهد تعهدات شفافیت WTO ممکن است فراتر از متن مذاکرات دور اروگوئه باشد ، زیرا مقررات شفافیت و حکمرانی خوب اضافی در تمام پروتکل های الحاق به WTO یافت می شود. نمونه هایی از تعهدات شفافیت چین عبارتند از:

(۱) تعهد به اجرای تنها آن دسته از قوانین، مقررات و سایر اقداماتی که به تجارت کالاها، خدمات، مالکیت معنوی و مبادلات خارجی مربوط می شود یا بر تجارت کالاها، خدمات، مالکیت معنوی و ارز خارجی که منتشر می شوند و به راحتی در دسترس سایر اعضای سازمان تجارت جهانی، افراد یا شرکت ها قرار می گیرند، تأثیر می گذارد.

(۲) تعهد به ایجاد یا تعیین یک مجله رسمی برای انتشار همه این قوانین و ارائه "مدت زمانی معقول برای اظهار نظر" به مقامات مناسب قبل از اجرای چنین اقداماتی

(۳) تعهد مبنی بر اینکه مجله رسمی به طور منظم با نسخه هایی به راحتی در دسترس منتشر می شود.

(۴) تعهد به ایجاد یا تعیین نقاط تحقیق که در صورت درخواست، هر فرد، شرکت یا عضو WTO باید نسخه‌هایی از اقدامات مؤثر بر تجارت را دریافت کند.

(۵) توافق برای ایجاد نوعی مکانیسم که به موجب آن افراد، شرکت ها و سایر اعضای سازمان تجارت جهانی هرگاه اطلاعاتی را از دولت چین درخواست کنند ، دولت چین باید اطلاعات موثق و دقیق را به موقع ارائه دهد.[۱۵۲۵]

۱۵۲۳ - Padideh Ala'i(۲۰۰۸) ,Ibid

۱۵۲٤ - Padideh Ala'i(۲۰۰۸), Ibid

۱۵۲۵ - بدون شک میان امضاء تعهدات و پایبندی عملی به تعهدات در رفتار کشورها تفاوت وجود دارد. چنانکه سازمان شفافیت بین الملل، گزارش داده است، چین و هند کشورهایی هستند که به رغم امضا کنوانسیون مبارزه با فساد، رشوه، در پایبندی به آن خود را ملزم نمی دانند.ر.ک به پدیده علایی، همان :

Padideh Ala'i(۲۰۰۸), Ibid

بی شک سازمان های منطقه ای همچون شانگهای در ذیل سازمان های جهانی همچون WTO قرار می گیرند و نمی توانند مرجعیت جهانی داشته باشند. خصوصا زمانی که بدانیم کشوری همانند چین که ابتکار عمل اصلی را در سازمان شانگهای دارد ، خود تعهداتی را در حوزه شفافیت در قالب الحاق به WTO پذیرفته است، موضوع شروط و تعهدات الحاق و پیوستن برای دیگر کشورهای داوطلب عضویت درWTO روشن می شود، اما ظاهرا این موضوع همچنان برای مقامات ایرانی با ابهام مواجه است.

(سبزعلی پور، ۱۳۹۸) براساس ارزیابی های خود معتقد است ، با آنکه عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی و ورود به دهکده جهانی اَمری ضروری و اجتناب ناپذیر است ، زیرا در آینده ای نه چندان دور، اعضاء WTO فقط با هم تجارت خواهند کرد و با کشورهای غیر عضو، ارتباط اقتصادی چندانی نخواهند داشت. اما با شرایط موجود اقتصاد ایران این عضویت تقریبا تا ده سال آینده محال است و امکانپذیر نیست و به فرض اینکه امکان عضویت هم اکنون فراهم شود، قطعاً با وضعیت اقتصادی موجود که در آن بسر می بریم برای اقتصاد ایران از سم نیز مهلک تر و خطرناکتر است.[۱۵۲۶] غلبه انقلابی گرایی بر دیپلماسی گرایی ، رویکرد پوپولیستی و عوام فریبانه ، در کنار نا آگاهی و عدم شناخت و توهم و شعار زدگی مقامات تصمیم گیر، اجرایی و قانون گذاران از رییس جمهور تا وزرا و برخی نمایندگان مجلس و نهادهای قدرتمند سیاستگذار همچون مجمع تشخیص مصلحت موجب شده، به نظرات کارشناسی و آکادمیک توجه نگردد. این موضوع در مورد پیوستن ایران به پیمان منطقه ای شانگهای هم صادق است. مادامی که شرایط اقتصادی کشور عدم پذیرش و عدم همراهی با نُرم ها و هنجارهای جهانی همچون مقررات مربوط به شفافیت مالی و مبارزه با پولشویی، مقابله با تامین مالی تروریسم و مبارزه با فساد باشد و مادامی که با فساد افسار گسیخته و نهادینه شده دولتی ، مداخله ی بی رحمانه ی دولت از طریق دستکاری در بازارها و ایجاد انحصار و رانت و تضعیف بخش خصوصی واقعی و تحریم های بین المللی همراه باشد، تلاش در پیوستن به پیمانهای بزرگ منطقه ای چه با نگاه بسوی غرب، چه با نگاه به سوی شرق و چه با نگاه به غیرمتعهدها ، با چالش های جدی مواجه هست و حتی درصورت پذیرش عضویت ایران ، پیوستن به این پیمان های بزرگ تجاری و همکاری های اقتصادی مثلا با غول های بزرگ اقتصادی همانند چین در قالب شانگهای ، بیش از آنکه در جهت منافع ملی کشور باشد ، در جهت باز گذاردن فرصت جهت غارت منابع طبیعی و وابستگی بیشتر به قدرت های بزرگ اقتصادی و بروز مشکلات فرآوان تر خواهد بود. در یک اقتصاد جهانی به هم تنیده شده، همه چیز با هم در ارتباط هست. بطور مثال اگر کشوری به دلیل عدم پذیرفتن ضوابط و استانداردهای CFT در لیست خاکستری و سیاه FATF قرار گیرد، شانس ادغام در نظام بانکداری جهانی را از دست خواهد داد. این رویکرد مانعی بزرگ در انجام تراکنش های مالی

۱۵۲۶ - https://www.tasnimnews.com/fa/service//۷

ایجاد می کند و موجب کاهش مبادلات تجاری بین‌المللی چه توسط بخش خصوصی و چه در سطح کلان توسط دولت ها بطور مثال اجرای قراردادهای فروش نفت و سایر معاملات تجاری میان دولت ها خواهد شد و به منافع و رشد اقتصادی کشور آسیب می زند. چنانکه اخیرا برخی در دولت دوازدهم (ابراهیم رییسی) با این تصورخام که عضویت در پیمان شانگهای می تواند به دور زدن مقررات و شرایط وضع شده توسط گروه FATF منجر شود، تلاشی را به ثمر رساندند و به تازگی ایران توانست به عنوان عضو ناظر وارد پیمان شانگهای شود ، اما بررسی های کارشناسی نشان می دهد که ایران برای تغییر نوع عضویت خود از ناظر به دایم در سازمان همکاری‌های شانگهای یک فرآیند حداقل دوساله مربوط به پذیرش توافقنامه‌ها مطابق با رویه سازمان را پیش روی خود دارد و بطور کلی، هر کشوری که درخواست عضویت دایم در سازمان شانگهای دارد، باید تمام اسناد و دستورالعمل‌های آن را بررسی کرده و در فاصله زمانی چند ماهه به آنها ملحق شود. در واقع ایران فرصت دارد و متعهد می‌شود از تاریخ دریافت اطلاعیه دبیرخانه سازمان همکاری‌های شانگهای، حداکثر تا اول دسامبر ۲۰۲۲ به منشور، کنوانسیون مبارزه با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط گرایی شانگهای مورخ ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱ و پروتکل‌های آن ملحق شود.[۱۵۲۷] این خوشبینانه ترین ارزیابی کارشناسی است، اما ارزیابی واقع گرایانه تر نشان می دهد رفتار شکل گرفته براساس باورهای ایدئولوژی مذهبی در حکومت جمهوری اسلامی، در کنار سیاست آمریکا ستیزی یا غرب ستیزی آشکار جمهوری اسلامی، بزرگترین مانع از پذیرش ایران در پیمانهای بزرگ منطقه ای همچون پیمان شانگهای خواهد شد، دلیل آن روشن است. بسیاری از مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران همچون کسانی که الفبای سیاست را نمی دانند، عمدتا در موضع گیری ها و رفتارهای خود رویکرد افراط گرایانه و تنش زا اتخاذ می کنند و سطح رقابت در مناسبات میان خود با دیگر کشورها را به سطح خصومت ارتقا می دهند و از این طریق هزینه های خسارت بار برای منافع ملی و منطقه و جهان ایجاد می کنند. درست است که هدف روسیه و چین از طریق ایجاد سازمان شانگهای ، مقابله با هژمونی آمریکا در منطقه ی شرق آسیا و آسیای مرکزی و جنوب آسیاست، اما اهداف توسعه اقتصادی در این سازمان موجب شده تا اولویت امنیت انرژی برای کشوری همانند چین مهم ترین اولویت تلقی گردد[۱۵۲۸] و این امر مانع از این می شود که با پذیرش عضویت ایران ، سطح چالش با غرب را به سطح خصومت و دشمنی بکشانند. از سوی دیگر بیش از چهار دهه است که رویکرد ماجراجویانه جمهوری اسلامی در خلیج فارس مبتنی بر تهدید به بستن تنگه هرمز و اختلال در روند صادرات نفت از طریق کشورهای منطقه در دستور کار بوده است. این مساله علاوه بر اینکه کشورهای عرب و مسلمان منطقه را از ایران هراسان و ناراضی نموده ، کشوری مانند چین را که امنیت انرژی برایش خط قرمز است ، در عدم پذیرش قطعی ایران جهت پیوستن به پیمان شانگهای مصمم می کند ، مگر اینکه ایران پای توافقنامه ها و کنوانسیون هایی را امضا کند که الزامات و اهداف و منافع آن

۱۵۲۷ - https://www.eghtesadnews.com/(بی‌ثمر بودن عضویت ایران در پیمان شانگهای، خیلی زود معلوم شد ۱۴۰۱/۰۸/۰۴ کدخبر: ۵۳۰۱۳۶

۱۵۲۸ - Norling, Nicklas and Niklas, Swanstrom (۲۰۰۷), "The Shanghai Cooperation Transition, Trade and the Roles of Iran, India and Pakistan", Central Asian Survey, Vol.۲۶, No.۳, pp.۴۲۹-۴۴۴

سازمان ایجاب می کند و روابطش را با عربستان و دیگر کشورهایی که منبع تامین انرژی برای اقتصاد غول پیکر چین هستند را بر طبق منافع اکثریت اعضای شانگهای و مهمترین عضو آن چین تنظیم کند و دست از ایدئولوژی صدور انقلاب خود به سایر کشورهای منطقه بردارد. البته و بدون شک عضویت ایرانِ بدون حاشیه ، در سازمان شانگهای، این کشورا از منافعی که دیگران هم از آن سود می برند، بهره مند خواهد کرد. در هرحال سازمان همکاریهای شانگهای براین نکته تاکید دارد که این سازمان تهدیدی خارجی و قدرتی معارض با منافع غرب و ایالات متحده نیست و چین بطور مشخص همواره سعی کرده است رقابت با آمریکا را در سطحی قابل قبول و مورد توافق طرفینی حفظ نماید، به همین دلیل رویکرد ضد امریکایی، جمهوری اسلامی خود بزرگترین مانع از عضویت این کشور در سازمان شانگهای خواهد بود، زیرا هیچیک از اعضای این سازمان با لحاظ منافع خویش نمی خواهند و نمی گذارند رویکرد رقابتی این سازمان با پیوستن ایران ، ماهیتی خصمانه با نیم دیگر از جهان یعنی دنیای غرب پیدا کند، خصوصا که چین اولین شریک تجاری آمریکاست . همچنین روسیه تاکنون بارها نشان داده ، حاضر است بر سر ایران وارد معامله با غرب شود، ایران غیرقابل کنترل و غیرقابل پیش بینی را تحمل نمی کنند، بلکه ایران باید یاد بگیرد با روندهای جهانی همراه شود و با دنیا مصالحه کند، در غیر اینصورت بعید نیست ، با بد بازی کردن ، وجه المصالحه ی رقابت میان چین و روسیه با امریکا و اروپا قرار گیرد و این موضوعی است که حاکمان و سیاستمداران جمهوری اسلامی باید به آن توجه داشته باشند.[۱۵۲۹]

علاوه بر اینها ایران باید رفتار خود را با اساسنامه سازمان همکاریهای شانگهای هماهنگ کند. این اساسنامه در بردارنده مجموعه ای از اهداف دیگر مانند امنیت، ثبات، مبارزه با جرایم بزرگ بین المللی همچون تجارت مواد مخدر و تروریسم و افراط گرایی است. بطور مثال بیانیه آلماتی این سازمان ، در بردارنده راهبردهای همکاری در زمینه ی مبارزه با گروه های جدایی طلب، افراط گرایی و تروریسم بین الملل و قاچاق سلاح و مهمات و مواد مخدر و اقدامات و همکاریهای امنیتی است.[۱۵۳۰] ایران تنها در صورتی می تواند به عضویت این سازمان درآید و در چارچوب آن سازمان کار کند که متعهد به رعایت ضوابط و دیسیپلین آن سازمان باشد و این تنها در صورتی ممکن است که ایران به نُرم های پذیرفته شده منطقه ای و جهانی گردن نهد، نه اینکه خود را تافته ی جدا بافته بداند و بهای آن را با انزوا و عدم پذیرش در مجامع و پیمان های منطقه ای ، یا لغو ، یا تعلیق عضویت در سازمان های بین المللی بپردازد. بی شک نتیجه این نوع سیاست ، وارد آوردن خسارات سنگین بر منافع سیاسی و اقتصادی کشور و منافع ملی ایرانیان است. تحمیل چنین هزینه هایی بر کشور پیامدهایش کمتر از تحمیل جنگ و تحریم نیست.

۱۵۲۹ – محمدصادق کوشکی، سید محمود حسینی، فرصت ها و چالش های عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان شانگهای، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، ش ۳ ؛ پاییز ۱۳۹۶

۱۵۳۰ - Norling & Swanstrom, Ibid.

اگرچه سیاست های چهار دهه ی اخیر جمهوری اسلامی ، برای منافع ملی ایرانیان بسیار خسارت بار و پرهزینه بوده است، اما شواهد و مستندات کافی نشان می دهند، کسانی در درون نظام منافع خود را در ایجاد تنش و بحران جستجو می کرده اند. آنها لزوما کسانی نیستند که پایبند به ارزش های عدالتخواهانه باشند، بسیاری از آنها اگرچه نقاب انقلابی گری بر چهره زده اند، اما عملا دولت در سایه را تشکیل داده اند و در موارد گوناگون بویژه از دولت خاتمی به این سوی یعنی بیش از سه دهه، در مسیر تنش زدایی ، گفتگو، عقلانیت ، دیپلماسی ، توافق و همراهی و ادغام در روندهای جهانی سنگ اندزی کرده اند و از تحریم و جنگ و تنش استقبال کرده اند. امروز بر بسیاری از خودی های همان نظام هم آشکار شده است که این دلالان تحریم از این آب گل آلوده چه ماهی های بزرگی به نفع خود صید کرده و چه ثروتهای نجومی با دلالی و فساد و رانت جویی و البته تزویر و ریا کاری برای خود و وابستگانشان دست و پا کرده اند و در خفا به ریش امت مستضعف و حزب اللهی که با توصیه های آنها باید سختی و ریاضت اقتصادی بکشند، خندیده اند.

پیش تر در باره تحریم ها، رشد اقتصاد در سایه ناشی از تحریم ها و راجع به نقش دلالان تحریم در اقتصاد ایران مطالبی گفته شد. این وضعیت مورد بسیاری از کشورهای تحت تحریم های بین المللی صادق است. پیتر آندریاس(۲۰۰۵) در تحقیقات خود با مطالعه وضعیت عراق در تحریم ، به این موضوع اشاره می کند که تحریم های تجاری موجب بوجود آمدن باندهای سازمان یافته برای جرایم و شبکه های قاچاق بین المللی شده است در نهایت تحریم ها نه تنها حاکمیت قانون در کشور هدف را تضعیف می کنند، بلکه حاکمیت قانون را در کشورهای همسایه و شرکاء تجاری کشور هدف و سازمان های نظارتی را نیز تضعیف می کند.[۱۵۳۱] او در همین رابطه اشاره می کند که دو تن از دبیران کل سازمان ملل، یعنی پطروس غالی و کونی عنان[۱۵۳۲]، تحریم ها را در تحقق اهداف شان ناکارآمد و دارای عوارض منفی و آثار سوء و فاجعه بار برای شهروندان عادی دانسته و مشروعیت آنها را زیر سوال برده اند و مسوولیت سازمان ملل و ایالات متحده را گوشزد نموده اند. البته نظر نماینده وقت ایالات متحده در سازمان ملل در مورد تحریم عراق تامل برانگیز و تاسف بار بوده است. " مادلین آلبرایت، سفیر وقت ایالات متحده در سازمان ملل در آن زمان، در دفاع ازتحریم های اعمال شده، در ماه مه ۱۹۹۶. در سخنرانی ۶۰ دقیقه ای خود گفت : حتی اگر در اثر این تحریم ها نیم میلیون کودک عراقی هم کشته شوند، باز هم ارزش آن را دارد."[۱۵۳۳] این موضع گیری را مصداقی از رویکردکلی سیاست آمریکا در تحریم ها بدون در نظر گرفتن پیامد حقوق بشری آن می توان ارزیابی نمود.

در مورد ایران چنانکه اشاره شد، وضع بسیار بدتر و پیامدها خسارت بارتر است. به اعتقاد پژوهشگران و کارشناسان از آنجا که تحریم های یک جانبه ی امریکا ، بنیادهای اقتصادی ایران را تحت تاثیر قرار داده و موجب

۱۵۳۱ -Andreas, Peter. (۲۰۰۵) Criminalizing Consequences of Sanctions: Embargo-Busting and Its Legacy. International Studies Quarterly ٤٩: ٣٣٥–٣٦٠.

۱۵۳۲ - Boutros-Ghali and Kofi Annan

۱۵۳۳ - Ibid

تزلزل اقتصادی می شود ، از آن طریق حقوق بشر و امنیت انسانی شهروندان ایرانی را نقض می کند.[۱۵۳۴] ساناز گودرزی(۱۳۹۶)، در مقاله ی خود با عنوان، " بررسی تأثیر تحریم های غرب بر حقوق بشر و حقوق زنان" ، تحریم ها را از جهات مختلف مغایر با منشور ملل متحد و ناقض حقوق بشر ، حقوق زنان و کودکان بر می شمرد.[۱۵۳۵] امیر ارجمند، ، مردم ایران یکبار به موجب داشتن حکومت اقتدارگرا موجب ظلم قرار گرفته اند و اعمال تحریم ها در واقع نوعی ظلم مضاعف بر این مردم است. وی معتقد است، در حوزه حقوق اقتصادی نیز تحریم بر حق تغذیه و بهداشت مردم ایران تاثیر دارد و به آن لطمه می زند[۱۵۳۶]

عاجیلی و کشاورزی مقدم (۲۰۱۳) در تحقیقی پیرامون تاثیر تحریم ها بر اقتصاد ایران دریافته اند که ساختار اقتصاد رانتی و فساد گسترده در نظام پولی ، مالی و بازرگانی ایران و نا کارآمدی دولت، تاثیرمنفی تحریم ها بر اقتصاد و معیشت مردم را تشدید نموده است. در عین حال دولت در بخش های مختلف از جمله قراردادهای نفت و گاز سعی کرده با انعقاد توافق نامه های تجاری بلند مدت با سرمایه گذاران خارجی از تاثیر تحریم ها بکاهد. اینکه چقدر در این راه موفق بوده خود موضوعی جداگانه است که باید مورد ارزیابی قرار گیرد ، اما پیداست که گشوده شدن پرونده های کلان فساد اقتصادی درحوزه نفت و انرژی در سالهای اخیر نشان می دهد که فساد و رانت اقتصادی مانع از موفقیت دولت در سیاست دور زدن تحریم ها بوده است و یا دور زدن تحریم ها را برای اقتصاد ایران پر هزینه کرده است.[۱۵۳۷]

(هواس بیگی، عسگری و اوشنی، ۱۴۰۰)، اثر تحریم های اقتصادی بر اندازه اقتصاد غیررسمی در ایران را در دوره زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۸ به روش اقتصاد سنجی –مدل خودتوزیع برداری با وقفه گسترده، بررسی کرده اند و یافته هایشان نشان می دهد که شکاف نرخ ارز (رانت ارزی)، درآمد مالیاتی ، نقدینگی و درآمد نفت و گاز اثری مثبت بر میزان اقتصاد غیررسمی داشته است و متغیرهای تولید ناخالص داخلی سرانه، باز بودن تجارت ، نسبت اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی، تأثیر منفی و معناداری بر میزان اقتصاد غیررسمی داشته است. بعلاوه تحریم ها از طریق اثرکاهشی که بر منابع مالی دولت داشته ، واردات رسمی را محدود می کند و در حالی که تقاضای اشباع نشده در اقتصاد هنوز وجود دارد، فاصله بین واردات رسمی و تقاضای موجود ، واردات بصورت قاچاق را ترغیب و تحریک می کند. تحریم ها همچنین موجب افزایش نرخ تورم می شوند، نرخ تورم بالاتر باعث

۱۵۳۴ – جوادقلیزاده (۱۳۹۸)، ارزیابی مشروعیت تحریم ها از طریق بررسی آثار و پیامد آنها، انتشارات موسسه مطالعاتی و تحقیقاتی فراتوسعه کارآفرین.

۱۵۳۵ – ساناز گودرزی(۱۳۹۶)، بررسی تأثیر تحریم های غرب بر حقوق بشر و حقوق زنان، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان ، سال سوم پاییز ۱۳۹۶

۱۵۳۶ - https://www.tribunezamaneh.com/archives/۱۷۳۹۷

۱۵۳۷ – هادی آجیلی، الهام کشاورزی مقدم (۱۳۹۲)، تاثیر تحریم ها بر توسعه اقتصادی ایران، راهبرد توسعه، زمستان ۱۳۹۲– شماره ۳۶.

کاهش درآمد قابل تصرف مردم می شود و آنها را ترغیب می کند تا از طریق اقتصاد غیررسمی به دنبال جبران قدرت خرید از دست رفته و منابع جایزین درآمد باشند و بدین ترتیب اقتصاد زیر زمینی رشد می کند.[۱۵۳۸]

به رغم شواهد و مستندات فرآوان مبنی بر اثرات و پیامدهای ناگوار تحریم ها بر زندگی و معیشت مردم و اقتصاد کشور، مواضع مقامات عالی و ارشد نظام در ایران ،که تحریم ها را نعمت ارزیابی می کنند و یا آنها را بی اثر و یا کم اثر معرفی می کنند، نه از سر ناآگاهی که بیشتر به دلیل منافعی است که آنها از قبل تحریم ها عاید خود می کنند. بدون شک پیامد تحریم ها روی اقتصاد کشور تحریم شونده ، برای مقامات سیاسی و اطلاعاتی کشورهای تحریم کننده کاملا روشن است و ادعای مقامات مبنی بر بی اثر بودن تحریم ها فقط کاربرد داخلی و بیشتر برای فریب اذهان و افکار عمومی در داخل استفاده می شود تا ژست انقلابی گری آنها را واقعی جلوه دهد. البته در میان مقامات سیاسی و رسمی کشور معدود کسانی هم هستند که اخیرا علیه مدافعان داخلی تحریم مواضع انتقادی اتخاذ کرده اند. در میان مواضع تند انتقادی علیه مدافعان داخلی تحریم، مواضع صریح و شفاف عباس آخوندی، وزیر مسکن در دولت های پیشین و مدرس کنونی دانشگاه ، در گفتگو با خبرگزاری ایلنا، قابل تامل است . وی می گوید : قدرت (حاکمیت) در ایران منافع متولیان اقتصاد زیرزمینی و قاچاق را نمایندگی می کند ، یعنی کسانی که بیشترین بهره را از تحریم‌ها می برند و به اسم "انقلابیگری" به تحریم های بین‌المللی علیه ایران شدت و استمرار می بخشند. آنها کاسبان تحریم هستند.[۱۵۳۹] مشابه این نوع ارزیابی ها توسط تعدادی دیگر از کارشناسان، دانشگاهیان، مقامات سیاسی و اجرایی و تقنینی ارائه شده است. غلامرضا نوری رئیس فراکسیون مستقلین مجلس یازدهم در مردادماه ۱۴۰۱ نوشت: انطباق کامل اظهارات و رویکردهای موافقان خارجی تحریم با کاسبان داخلی تحریم در این برهه خطیر تأمل برانگیز بوده و حاکی از این است که روند احیای برجام را متوقف خواهند کرد.![۱۵۴۰] یک نماینده ادوار مجلس هم در این باره گفت : پشت پرده کارشکنی‌ها علیه دیپلماسی، کاسبان تحریم هستند. احسان اردکانی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی هم در پاسخ به بیانیه تند حزب اتحاد ملت علیه طرح تحول اقتصادی دولت گفت : کاسبان تحریم، سودجویان برخوردار از رانت ارز ترجیحی بودند که برای منافع شخصی، جیب خود را از ارز ۴۲۰۰ تومانی انباشتند.[۱۵۴۱] در هرحال پیامد تحریم ها برای اقتصاد ایران و مردم ایران از جهت مختلف خسارت بار بوده است و این خسارات در بسیاری موارد قابل توجه بوده است :

۱ -رشد نجومی فسادهای کلان اقتصادی و رانت جویی اشخاص درون حکومت

۲ -تشدید تورم و رکود اقتصادی و پیامدهای آن بصورت فقر و فشارهای معیشتی بر اکثریت مردم.

۱۵۳۸ – فاطمه هواس بیگی، حشمت اله عسگری و محمد اوشنی، ۱۴۰۰ ، اثر تحریمهای اقتصادی بر اندازه اقتصاد غیررسمی در ایران، مجله توسعه و سرمایه. دورهٔ ششم، شمارهٔ۲ ، پیاپی ۱۱ ، صص۱ ۱۱ .

۱۵۳۹ - https://www.rfi.fr/fa نقل از : "عباس آخوندی، وزیر پیشین راه در دولت حسن روحانی، در گفتگو با ایلنا،"

۱۵۴۰ - https://www.tabnak.ir/fa/news/۱۱۳۴۲۸۵

۱۵۴۱ - https://www.irna.ir/news/۸۴۷۵۹۰۱۹

۳ -ترویج روحیه سوداگری و دلالی و آسیب جدی به فضای سالم اقتصادی و رشد اقتصاد زیرزمینی.

زمانی که مناسبات اقتصادی برپایه فساد و رانت و عدم شفافیت شکل می گیرد ، هنجارهای رفتاری بازیگران عرصه بازار و فعالان اقتصادی متاثر از آن مناسبات ، دستخوش تغییر می‌شود و جامعه با نگاه به بالادست، مناسبات خود را براساس این منطق جدید تعریف می کند.

فهرست منابع :

الف- منابع لاتین

۱. Abdul Rehman, Laura Mariana Cismas & Ioana Anda Milin(۲۰۲۲) ,The Three Evils": Inflation, Poverty and Unemployment's Shadow on Economic Progress—A Novel Exploration from the Asymmetric Technique, sustainability: https://www.mdpi.com/journal/sustainability.

۲. Abdul Rafay(۲۰۲۱), Handbook of Research on Theory and Practice of Financial Crimes, University of Management and Technology, Pakistan. https://www.igi-global.com/affiliate/abdul-rafay/۳۳۳۳۷٦/

۳. Acemoglu, D., & Verdier, T. (۱۹۹۸). Property rights, corruption and the allocation of talent: A general equilibrium approach. The Economic Journal, ۱۰۸(٤٥۰).

٤. Acemoglu, Daron, Simon Johnson, Pablo Querubín, and James A. Robinson (۲۰۰۸).When does policy reform work? The case of central bank independence. Brookings Papers on Economic Activity.

٥. Achim MV, Borlea SN, Văidean VL, Rus AI, Dobre F. The impact of intelligence on economic and financial crime: A cross-country study. Singap. Econ. Rev. ۲۰۲۱; ۱–۳٤. https://doi.org/۱۰,۱۱٤۲/ S۰۲۱۷٥۹۰۸۲۰٥۰۰۷۸۲.

٦. Adam Garfinkle(۲۰۱۲),plutocracy and democracy , The American Interest, Washington, DC.

۷. Adrian Hänni, Thomas Riegler & Przemyslaw Gasztold(۲۰۲۱),Terrorism in the Cold War, Bloomsbury Publishing Plc. Great Britain.

۸. AJIDE, F. M. (۲۰۱۹), "Institutional Quality, Economic Misery and Crime Rate in Nigeria". Sciendo, XXXIII.

۹. Ala'i ,Padideh (۲۰۰۸) ,The WTO and the Anti-Corruption Movement, Loyola University Chicago International Law Reviewm , Volume ٦, Issue۱,pp۲٥۹-۲۸۷ : https://digitalcommons.wcl.american .edu /facsch _lawrev.

۱۰. Alam Siddik & etAl ,(۲۰۲۱)," Impacts of Political Stability on Shadow Economy: Evidence from Bay of Bengal Initiative for Multi-sectoral Technical and Economic Cooperation Countries ",journals .sagepub .com /home/vis

۱۱. Alatas, S.H.(۱۹۹۹), Corruption and The Destiny of Asia. Malaysia, Prentice Hall and Simon and Schuster.

۱۲. Alex R. Piquero ² David Weisburd Editor(۲۰۲۰) Handbook of Quantitative Criminology , Springer New York Dordrecht Heidelberg London

۱۳. ALI, A., MUJAHID, N., RASHID, Y. and SHAHBAZ, M. (۲۰۱٥). "Human Capital Outflow and Economic Misery: Fresh Evidence for Pakistan", Social Indicators Research, CXIV-۳.

۱٤. Ali Khan(۲۰۰٦) , A Theory of International Terrorism , Martinus Nijhoff Publishers.

۱۵. Ali Taiebnia & Shapour Mohammadi(۲۰۰۸), Underground Economy and Tax Gap,Iranian Economic Review, Vol.۱۳, No.۲۲.

۱۶. Ali Vaez and Karim Sadjadpour(۲۰۱۲),Iran's unclear odyssey, Carnegie Endowment for International Peace.

۱۷. Alm, J., Martinez-Vazquez, J., & McClellan, C. (۲۰۱٤). Corruption and Firm Tax Evasion. International Center for Public Policy, Working Paper.

۱۸. Andreas, Peter. (۲۰۰٥) Criminalizing Consequences of Sanctions: Embargo-Busting and Its Legacy. International Studies Quarterly ٤۹.

۱۹. Andreas Kern , Elias Nosrati , Bernhard Reinsberg & Dilek Sevinc (۲۰۲۳),Crash for cash: Offshore financial destinations and IMF programs, European Journal of Political Economy :

Volume۷۸, June۲۰۲۳, ۱۰۲۳۵۹: https://www.sciencedirect.com/science/article/pii /S۰۱۷٦۲٦۸۰۲۳۰۰۰۰۳٤
۲۰. Andreas Buehn, Friedrich Schneider (۲۰۰۸) , MIMIC Models, Cointegration and Error Correction: An Application to the French Shadow Economy, Institute for the Study of Labor, IZA DP No. ۳۳۰٦.
۲۱. Andrea Onate-Madrazo(۲۰۲۲), The World Court and the Iran-Contra Scandal: Nicaragua, the International Court of Justice, Public Opinion, and the Origins of Iran-Contra, Histories ۲.
۲۲. Andrew Scott Cooper (۲۰۱۱) , The oil kings : how the U.S., Iran, and Saudi Arabia changed the balance of power in the Middle East.
۲۳. Andrew Wedeman(۲۰۱۲),Double paradox : rapid growth and rising corruption in China, Cornell University Press.
۲٤. Angharad Closs Stephens & Nick Vaughan-Williams(۲۰۰۹), Terrorism and the Politics of Response, Routledge.
۲٥. Anping Liu , Minghai Tian , Yanming Shao(۲۰۲۲) ,Cybercrimes and Financial Crimes in the Global Era, Springer.
۲٦. Anwar Shah(۲۰۰۷) editor,Performance accountability and combating corruption, The World Bank, Washington DC. ۲۰٤۳۳, Foreword & Overview.
۲۷. Arnold. Heidenheimer & Michael Johnston(۲۰۰۷), Political Corruption : Concepts & Contexts; Transaction Publishers.
۲۸. Armed Conflict Location & Event Data Project (ACLED) Codebook; ,https://en.wikipedia.org /wiki /Political_violence.
۲۹. Arshad Ali(۲۰۱۰), Economic cost Of trrrorism: A case study Of Pakistan, Islamabad, Research Associate at the Institute of Strategic Studies.
۳۰. Azadi, Pooya (۲۰۲۰),The Structure of Corruption in Iran, Stanford University , publication at: https: // www .researchgate net/publication/۳٤۳٦۹۹٦۰٥.
۳۱. B. Kelmanson, K. Kirabaeva, L. Medina, B. Mircheva and J. Weiss(۲۰۱۹), Explaining the Shadow Economy in Europe: Size, Causes and Policy Options, IMF Working Papers, International Monetary Fund.
۳۲. Baklouti, N., & Boujelbene, Y. (۲۰۱۹). Shadow Economy, Corruption, and Economic Growth: An Empirical Analysis. The Review of Black Political Economy, ٤۷(۳).
۳۳. Becker, G. S., Crime and Punishment: An Economic Approach, in: Journal of Political Economy ۷٦ (۱۹٦۸).
۳٤. Ben Kelmanson & etal(۲۰۲۱),Chapter۲ : Corinne Deléchat, Leandro Medina :editor(۲۰۲۱),The global informal workforce : priorities for inclusive growth.
۳٥. Bhagwati, Jagdish N., ed.(۱۹۷٤), Illegal Transactions in International Trade, Amsterdam and New York: North-Holland-American Elsevier.
۳٦. Berdiev, A. N., & Saunoris, J. W. (۲۰۱٦). Financial development and the shadow economy: A panel VAR analysis. Economic Modelling, ٥۷.
۳۷. Bernard Hoekman, Aaditya Mattoo, and Philip English(۲۰۰۲),development trade and the WTO - handbook , The World Bank.
۳۸. Berrittella M. The effect of public education expenditure on shadow economy: A cross-country analysis. J Int Econ. ۲۰۱٥; ۲۹.
۳۹. Besley, Timothy, and Torsten Persson (۲۰۱۳),Taxation and development. Discussion Papers ۹۳۰۷. CEPR.
۴۰. Biegelman, M. T. (۲۰۱۳). Faces of Fraud: Cases and Lessons from a Life Fighting Fraudsters. Wiley. doi:۱۰,۱۰۰۲/۹۷۸۱۱۱۸٥٥٦۹۱۷.

٤١. Billion-dollar smuggling industry drains Iran's economy" (١٢ August ٢٠١٥), online: Almonitor <www.almonitor. com/pulse/originals/٢٠١٥/٠٢/iran-smuggling-trafficing.html> (quoting Habibollah Ghanbari's announcement on ٢٢ January ٢٠١٥)
٤٢. Bitzenis, A.; Makedos, I. The absorption of a shadow economy in the Greek GDP. Procedia Econ. Financ. ٢٠١٤, ٩.
۴۳. Blomberg, Brock S., Gregory D. Hess, and Athanasios Orphanides. (٢٠٠٤). 'The Macroeconomic Consequences of Terrorism', Journal of Monetary Economics ٥١(٥).
۴۴. BlakeTaylor,(٢٠٠٦),"Poverty and Crime" : http://economics.fundamentalfinance.com/povertycrime.
٤٥. Boris Begović(٢٠٠٥), Corruption, Lobbying and State Capture, CLDS Working Paper, Center for Liberal-Democratic Studies (CLDS), School of Law, University of Belgrade m CLDS .Working Paper #٠١٠٦.
٤٦. Box, S. (١٩٨٣) Power, Crime and Mystification, Basingstoke: Macmillan.
۴۷. Brandon C. Welsh , David P. Farrington,& Lawrence W. Sherman (٢٠٠١),Costs and Benefits of Preventing Crime, Westview Press.
۴۸. Brantingham PL, Brantingham PJ (١٩٩٣) Environment, routine, and situation: toward a pattern theory of crime. In: Clarke RV, Felson M(eds) Routine activity and rational choice, Vol ٥. Transaction, New Brunswick, pp ٢٥٩–٢٩٤
۴۹. Brauer, J., and Marlin, J.t., 'Nonkilling Economics: Calculating the size of peace gross world product', Toward Nonkilling, ٢٠٠٩.
٥٠. Breusch , T.(٢٠٠٥), Estimating the Underground Economy using MIMIC Models, The Australian National University.
٥١. Breusch, T. (٢٠٠٥b),Estimating the underground economy using MIMIC models, working paper, Canberra, Australia (http://econwpa.wustl.edu/eps/em/papers/٠٥٠٧/٠٥٠٧٠٠٣.pdf).
٥٢. Brett Christophers(٢٠٢٠), RENTIER CAPITALISM :Who Owns the Economy, and Who Pays for It? Verso; First published.
٥٣. Bruce Zagaris(٢٠١٠), International White Collar Crime, Cambridge University Press.
٥٤. Bryan Early(٢٠١٥), Busted Sanctions- Explaining why economic sanctions fail ,Stanford: Stanford University Press.
۵۵. Buesa, Mikel, Aurelia Valino, Joost Heijs, Thomas Baumert, and Javier Gonzales G٦mez. "The Economic Cost of March ١١& ; Measuring the Direct Economic Cost of the Terrorist Attack on March ١١, ٢٠٠٤ in Madrid." Terrorism and Political Violence ١٩ (٢٠٠٧).
۵۶. Buonanno, P. and D. Montolio (٢٠٠٨) Identifying the Socio-economic and Demographic Determinants of Crime across Spanish Provinces. International Review of Law and Economics٢٨(٢).
۵۷. Calavita, Kitty.; Pontell, Henry N.;Tillman, Robert(١٩٩٧),Big Money Crime : Fraud and Politics in the Savings and Loan Crisis, University of California Press.
۵۸. Charles Sampford, Arthur Shacklock, Carmel Connors and Fredrik Galtung(٢٠٠٦), Measuring corruption, Ashgate Publishing Company.
۵۹. Charles Goredema(٢٠٠٧),"Measuring the Impact of Economic Crime: Can Indicators Assist?", Institute for Security Studies, South Africa.
۶۰. Civitas Crime ٢٠١٢, "Comparisons of Crime in OECD Countries", Retrieved May ٢٤, ٢٠١٢. http://www.civitas.org .uk/crime/crime_stats_oecdjan٢٠١٢.pdf
٦١. Christopher Carr(٢٠٠٠), Associate Professor of International Security at the U.S. Air War College.
٦٢. Clare Cohen, J. (٢٠٠٢), Improving Transparency in Pharmaceuticals Systems: Strengthening Critical Points against Corruption, Latin American and Caribbean Bank.
٦٣. Col. Qiao Liang & Col. Wang Xiangsui(٢٠٠٢),Unrestricted Warfare,Pan American Publishing Co.
۶۴. Coleman, J. (٢٠٠٦). The Criminal Elite: Understanding White- Collar Crime. New York: Worth Publishers.

۶۵. Collier, P. (۱۹۹۹). 'On the economic consequences of civil war'. Oxford economic papers, Retrieved from www.oep.oxfordjournals.org/content/٥١/١/١٦٨.shortCollier.
۶۶. Collin, B. C. (۱۹۹۷). The future of cyber-terrorism: Where are physical and virtual worlds converge, Crime and Justice International, ۱۹۹۷(۳).
۶۷. Commonwealth. (۲۰۱۷), Black Economy Taskforce: Final Report. Australian Government Printer.
۶۸. Con Caughlin, "Turkey and China 'helping Iran evade UN sanctions'" (۱۹ February ۲۰۱۲), online: The Telegraph <www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast /iran/۹۰۹۱۷۳٦/ Turkey-and-China-helping-Iran-evade-UNsanctions. html>; see also Peter Fritsch, "Chinese Evade US Sanctions on Iran" (٤ January ۲۰۱۰), online: The Wall Street Journal <www.wsj.com/articles /SB۱۲٦۲٥ ٦٦٢٦٩٨٣٩١٤٢٤٩>.
۶۹. Confronting the Challenge of State Capture in Transition economics, https://www.imf.org/external /pubs/ft /fandd/۰۹/۲۰۰۱/hellman.htm"
۷۰. Corinne Deléchat, Leandro Medina :editor(۲۰۲۱),The global informal workforce : priorities for inclusive growth ,International Monetary Fund, Publication Services.
۷۱. Courtney Freer (۲۰۱۸),Rentier Islamism : The Influence of the Muslim Brotherhood in Gulf Monarchies, Oxford University Press.
۷۲. Cukierman, Alex, Steven B. Webb, and Bilin Neyapti (۱۹۹۲a). Measuring the independence of central banks and its effect on policy outcomes. The World Bank Economic Review ٦.
۷۳. C. W., & Kaufmann, D. (۱۹۹۸). Corruption and development. Finance & Development, ۳٥(۱).
۷٤. Dalrymple, Theodore (۲۰۱۰) Life at the Bottom. London: Monday Books. Kindle edition.
۷٥. Damania, R., Fredricksson, P.G. and M. Mani (۲۰۰٤), "The Persistence of Corruption and Regulatory Compliance Failures: Theory and Evidence" Public Choice vol. ۱۲۱.
۷٦. Daniel N ˇemec & etal(۲۰۲۱), Corruption, Taxation and the Impact on the Shadow Economy; Economies ۲۰۲۱, ۹, ۱۸. https://doi.org/۱۰.۳۳۹۰/economies۹۰۱۰۰۱۸.
۷۷. Daniel C. Bach, State 'Capture' Without State Control: Regionalization Through Trans-State Networks, in STATE, POWER, AND NEW POLITICAL ACTORS IN POSTCOLONIAL AFRICA ۲۳٥, ۲۳٦ (Alessandro Triulzi & M. Cristina Ercolessi eds.۲۰۰٤.
۷۸. Daniel W. Drezner, Sanctions Sometimes Smart: Targeted Sanctions in Theory and Practice, International Studies Review (۲۰۱۱) ۱۳.
۷۹. David Cantor and Kenneth Land's (۱۹۸٥) approach.; Cantor, D. and Land, K. (۱۹۸٥) Unemployment in crime rates I post World War II United States: A theoretical and empirical analysis, American Sociological Review, ٥۰.
۸۰. David Cobham & Ghassan Dibeh(edit), Monetary policy and central banking in the Middle East and North Africa, Routledge.
۸۱. David F. Greenberg(۱۹۹۳), Crime and capitalism, Temple University Press, Philadelphia.
۸۲. Dawn L. Rothe & David Kauzlarich(۲۰۲۲), corporate crimes ; Crime of the Powerful: Collar Crime and Beyond, Routledge.
۸۳. David R. Hults, Mark C. Thurber, David G. Victor.(۲۰۱۱), Oil and governance : state-owned enterprises and the world energy, Cambridge University Press.
۸٤. Defense Intelligence Agency (۲۰۱۹), Iran Militaty Power, Military-Power-Publications.
۸٥. Dell'Anno, Roberto & Schneider, Friedrich G. (۲۰۰٦),Estimating the underground economy by using MIMIC models : A response to T. Breusch's critique, Working Paper, No. ۰٦۰۷, Johannes Kepler University of Linz, Department of Economics, Linz.
۸٦. Demet Ulusoy(۲۰۰۸),Political Violence, Organized Crimes, Terrorism and Youth, IOS Press.

٨٧. Dia, Mamadou, Africa's Management in the ١٩٩٠'s and Beyond: Reconciling Indigenous and Transplanted Institutions, Washington DC: The World Bank, ١٩٩٦.
٨٨. Diep Van NGUYEN, My Tien Ha DUONG (٢٠٢١), Shadow Economy, Corruption and Economic Growth: An Analysis of BRICS Countries, Journal of Asian Finance, Economics and Business Vol ٨ No ٤ (٢٠٢١) .
٨٩. Donald R. Cressey (١٩٦٩), Theft of the Nation: The Structure and Operations of Organized Crime in America, Harper & Row, New York.
٩٠. Donald R. Cressey (١٩٧٢),Other People' s Money: A Study in the Social Psychology of Embezzlement";Wadsworth Publishing Company.Inc
٩١. Dubai: A Booming Entrepot and Growing Diversion Risk" (last visited ٢٠ June ٢٠١٨) online: Wisconsin Project on Nuclear Arms Control <www.wisconsinproject.org/dubai-a-booming-entrepot-and-growing-diversionrisk/>.
٩٢. Dumouchel. Paul (٢٠٢٢), political violence and Democracy.
٩٣. Dunn, J. (١٩٨٨/٢٠٠٠), 'Trust and Political Agency', in D. Gambetta (ed.), Trust: Making and Breaking Cooperative Relations, Basil Blackwell ١٩٨٨; electronic edition ٢٠٠٠, Department of Sociology, University of Oxford, http://www.sociology.ox.ac.uk/papers.
٩٤. Dylan O'Driscoll(٢٠١٧), Impact of Economic sanctions on poverty and economic growth,UK Department for International Development.
٩٥. Dzhumashev, R. (٢٠١٤). Corruption and growth: The role of governance, public spending, and economic development. Economic Modelling, ٣٧, ٢٠٢–٢١٥. https://doi.org/١٠,١٠١٦/j.econmod.٢٠١٣,١١,٠٠٧.
٩٦. Early, B. R., Peksen, D. (٢٠٢٠). Shadow economies and the success of economic sanctions: Explaining why democratic targets are disadvantaged. Foreign Policy Analysis, ١٦(٣).
٩٧. Edelhertz, Herbert and Overcast, Thomas D. (eds) (١٩٨٢) White Collar Crime: An Agenda for Research Lexington, MA: Lexington Books ;John Minkes and Leonard Minkes(٢٠٠٨) ,Corporate and White-collar Crime.
٩٨. Edward Royce(٢٠٠٩),Poverty and power: a structural perspective on American inequality ,Rowman & Little field Publishers, Inc.
٩٩. Eldor Rafi, & Rafi Melnick. "Financial Markets and Terrorism." European Journal of Political Economy ,٢٠ (٢٠٠٤).
١٠٠. Entorf, H. & H. Spengler. (٢٠٠٠). Socio-economicand Demographic Factors of Crime in Germany: Evidence from Panel Data of the German States. International Review of Law and Economics ٢٠: ٧٥-١٠٦
١٠١. E. Eide, P. H. Rubin and J. M. Shepherd (٢٠٠٦) , Economics of Crime, Foundations and Trends in Microeconomics, Vol. ٢, No ٣ pp: ٢٠٥–٢٧٩.
١٠٢. Eric m. uslaner(٢٠١٧), The Historical Roots of Corruption: Mass Education, Economic Inequality, and State Capacity ,Cambridge University Press.
١٠٣. Ester Herlin-Karnell & Nicholas Ryder(٢٠١٩), "Market Manipulation and Insider Trading " ,Bloomsbury Publishing Plc.
١٠٤. EU Arms Exports to Libya: Who Armed Libya?', dataset spreadsheet downloaded from www.guardian.co.uk.
١٠٥. Fade to Black? Get the Gist on the informal, grey, black, and terrorist economies ; https://www.justice.gc.ca /eng /rp-pr/jr/black-noir/p٢.html.
١٠٦. Faccio M. (٢٠٠٦). Politically connected firms. Am. Econ. Rev. ٩٦
١٠٧. Farzanegan, M. R., & Habibpour, M. M. (٢٠١٧). Resource rents distribution, income inequality and poverty in Iran. Energy Economics, ٦٦, ٣٥– ٤٢. https://doi.org/١٠,١٠١٦/j.eneco.٢٠١٧,٠٥,٠٢٩.
١٠٨. FATF,Trade-Based Money Laundering - Trends and Developments, Egmont Group (٢٠٢٠).

۱۰۹. Fatima Farooq & etAl(۲۰۲۱), How do Corruption, Misery Index and Total Factor Productivity matter towards Crime Mitigation in Pakistan? New Evidence from ARDL Approach, Pakistan Journal of Social Sciences (PJSS) Vol. ٤١, No. ١

۱۱۰. Fischer, C., Hout, M., Sanchez-Jankowski, J., Lucas, H., Swidler, A., and Voss, K. (١٩٩٦) Inequality by Design: Cracking the Bell Curve Myth. Princeton, NJ: Princeton University Press.

١١١. Fisman R. ٢٠٠١. Estimating the value of political connections. Am. Econ. Rev. ٩١.

١١٢. Feige, Edgar L. ed. ١٩٨٩. The underground economies. Tax evasion and information distortion. Cambridge, New York, Melbourne: Cambridge University Press.

١١٣. Frank S. Perri(٢٠١٥), Red Collar Crime , International Journal of Psychological Studies; Vol. ٨, No. ١; ٢٠١٦.

١١٤. Frank E. Hagan, Leah E. Daigle(٢٠٢٠),Introduction to Criminology, Theories, Methods, and Criminal Behavior, SAGE Publications, Inc.

١١٥. Freedom House, Freedom in the World (٢٠١٨), Washington DC.

١١٦. Friedrich Schneider and Andreas Buehn(٢٠٠٧), Shadow Economies and Corruption All Over the World: Revised Estimates for ١٢٠ Countries; http://www.economics-ejournal.org/economics/journalarticles/٢٠٠٧

١١٧. Friedrich Schneider, Robert Klinglmair(٢٠٠٤), Shadow Economies around the World: What Do We Know?, Institute for the Study of Labor, IZA DP No ١٠٤٣

١١٨. Friedrich Schneider & Dominik Enste(٢٠٠٢), Hiding in the Shadows, The Growth of the Underground Economy, International Monetary Fund.

١١٩. Friedrich Schneider and Dominik H. Enste (٢٠٠٤),shadow economy , Cambridge university press.

١٢٠. F. Schneider, (Ed.). (٢٠١١), Handbook on the shadow economy, Cheltenham, UK: Edward Elgar.

١٢١. Friedrich Schneider(٢٠١٢) ,The Shadow Economy and Work in the Shadow: What Do We (Not) Know? ,IZA Discussion Paper No. ٦٤٢٣.

١٢٢. Friedrich Schneider & Andreas Buehn(٢٠١٦), Estimating the Size of the Shadow Economy: Methods, Problems and Open Questions, IZA DP No. ٩٨٢٠ .

١٢٣. Fullerton, R. (٢٠٠٠). Political leaders must be held accountable for corruption. Crossroads, ٦(٤), ٥

۱۲۴. Galtung, Johan (١٩٦٩). “Violence, Peace, and Peace Research.” Journal of Peace Research.۶

۱۲۵. Galtung, J.(١٩٨٥), ‘Twenty-five years of peace research: ten challenges and some responses’, Journal of Peace Research.

١٢٦. Geis , G. and Meier, R.F. (١٩٧٧). White-Collar Crime (Revised Edition). New York: Free Press.

١٢٧. Gharleghi, B., & Jahanshahi, A. A. (٢٠٢٠). The shadow economy and sustainable development: The role of financial development. Journal of Public Affairs, ٢٠(٣), e٢٠٩٩.

١٢٨. Giles, David E.A., and Lindsay M. Tedds (٢٠٠٢) Taxes and the Canadian Underground Economy, Canadian Tax Foundation: Toronto.

١٢٩. Giovanni Cerulli and etAl(٢٠١٨), The Economic Determinants of Crime: an Approach through Responsiveness Scores , Department of Economics, Boston College.

۱۳۰. Giles Dickenson-Jones, Daniel Hyslop & Matias Vaira-Lucero (٢٠١٤),Estimating the Global Costs of Violence, Business Peace and Sustainable Development, https://www.researchgate.net /publication /٢٦١٠٣٧٦٧٨.

١٣١. Global Study on Homicide ٢٠١٣, UNODC Research.

١٣٢. Global Initiative Against Transnational Organized Crime (٢٠٢٠),Under The Shadow : Illicit economies in Iran.

١٣٣. Global Initiative Against Transnational Organized Crime, Global Organized Crime Index : ٢٠٢١

١٣٤. Golpour Morteza, "Mottahari: Rent-seekers in Sanctions time became the opponents of the JCPOA" [رانت خوران دوران تحریم مخالفان برجامند](٢٠ April ٢٠١٦), online: Iran <irannewspaper.com/Newspaper/BlockPrint/١٢٥٩٥٨.
١٣٥. Greenberg, David F(٢٠٠١),"Time Series Analyses and Crime Rates." Journal of Quantitative Criminology ١٧.
١٣٦. Green, Penny and Tony Ward (٢٠١٢), State Crime,Governments, Violence and Corruption , Pluto Press.
١٣٧. Gründler, K., & Potrafke, N. (٢٠١٩). Corruption and economic growth: New empirical evidence. European Journal of Political Economy, ٦٠, ١٠١٨١٠. https://doi.org/١٠,١٠١٦/j.ejpoleco.٢٠١٩,٠٨,٠٠١.
١٣٨. Gunnar Myrdal, "Corruption: Its Causes and Effects," in G. Myrdal, Asian Drama: An Enquiry into the Poverty of Nations, vol.٢ (New York: Twentieth Century ١٩٦٨)
١٣٩. Hafezi, P. (٢٠١٨). "Iran Accuses Israel of Failed Cyber Attack," Reuters, November ٥, www.reuters.com/ article/ us- iran- israel- cyber- idUSKCN١NA١LJ.
١٤٠. Harstad, B. and J. Svensson (٢٠٠٥) "Bribe or Lobby? (It's a Matter of Development)". Mimeo. Northwestern University.
١٤١. Harstad Bârd & Jakob Svensson : Bribes , Lobbying, and Development, American Political Science Review, No. ١ February ٢٠١١.
١٤٢. Harvey, David (٢٠٠٥).A Brief History of Neoliberalism ,Oxford University Press.
١٤٣. Harvey, David(٢٠٠٤)."The 'New Imperialism': Accumulation by Dispossession." Socialist Register.
١٤٤. Hatam Hosseini, "Demographic Transition, Window of Opportunity, and Population Bonus: Toward a New Population Policy in Iran." (Paper delivered at the European Population Conference, Stockholm, Sweden, ١٤ June ٢٠١٢), online (pdf): <profs.basu.ac.ir/hhoseini/upload_file/conf.٤٦٧٩.pdf.
١٤٥. Hellman. Joel and Daniel Kaufmann(٢٠٠١), Confronting the Challenge of State Capture in Transition Economies , Finance & Development.
١٤٦. Hesam Forozan and Afshin Shahi(٢٠١٧), The Military and the State in Iran: The Economic Rise of the Revolutionary Guards, Middle East Journal ,VOL٧١, NO. ١.
۱۴۷. Hildegart Ahumada & etAl (٢٠٠٩),The Monetary Method to Measure the Size of the Shadow Economy, https://www.cairn .info/revue-economique-٢٠٠٩-٥-page-١٠٦٩.htm.
١٤٨. Hitha Prabhakar(٢٠١٢),Black Market Billions, FT Press.
١٤٩. Hodge, A., Shankar, S., Rao, D. P., & Duhs, A. (٢٠١١). Exploring the links between corruption and growth. Review of Development Economics, ١٥(٣), ٤٧٤–٤٩٠. https://doi.org/١٠,١١١١/j.١٤٦٧-٩٣٦١,٢٠١١,٠٠٦٢١.x.
١٥٠. Horst Entorf & Hannes Spengle (٢٠٠٠), Socioeconomic and Demographic Factors of Crime in Germany. Evidence from Panel Data of the German States, International Review of Law and Economics ٢٠.
١٥١. Huang, C. J. (٢٠١٦). Is corruption bad for economic growth? Evidence from Asia-Pacific countries. The North-American Journal of Economics and Finance, ٣٥, ٢٤٧–٢٥٦. https://doi. org/١٠,١٠١٦/j.najef.
١٥٢. Huang, Haizhou, and Shang-Jin Wei (٢٠٠٦). Monetary policies for developing countries: The role of institutional quality. Journal of International Economics ٧٠.
١٥٣. Hülya Ünlü & Merve Karacaer Ulusoy(٢٠٢١)," Innovation and Corruption in Turkey: "Grease the Wheels" or "Sand the Wheels ",Chapter ٦ in Handbook of Research on Theory and Practice of Financial Crimes.
۱۵۴. Ida Nurhayati & Indianik Aminah(٢٠٢٠),Credit Fraud as One of the Dimensions in the Banking Crime; Advances in Social Science, Education and Humanities Research, volume ٥٤٤.

۱۵۵. Ifeanyi Ezeonu(۲۰۱۸),Crimes of the Powerful :Market Criminology; Routledge.
١٥٦. Iffaty Nasyiah(۲۰۲۰),Potential Criminal Action in Shadow Banking Practice, Advances in Social Science, Education and Humanities Research, volume ٥٢٩.
١٥٧. IGBINEDION, S. O. and EBOMOYI, I. (۲۰۱۷), "Socio-economic Determinants of Crime: Further Evidence from Nigeria", Annals of the University of Petroşani, Economics, XVII-١
١٥٨. IMRAN, M., HOSEN, M., and CHOWDHURY, M. A. F. (۲۰۱۸), "Does Poverty Lead to Crime? Evidence from the United States of America", International Journal of Social Economics, XLV-١
۱۵۹. InSight Crime(۲۰۲۳), Elites and Organized Crime: Introduction, Methodology, and Conceptual Framework, www.InSightCrime.org
١٦٠. Istat (۱۹۹۳), The underground economy in Italian economic accounts, Annali di Statistica, Series X, Vol. ۲, Rome.
١٦١. James J. F. Forest(۲۰۰۷), Countering terrorism and insurgency in the ۲۱st century : international perspectives, Greenwood Publishing Group, Inc
۱۶۲. J. Gewirtz, 'Revolutionary Guard Has Tight Grip on Iran's Economy', CNBC, ۸ December ۲۰۱۰; reported in A. Alfoneh, 'How Intertwined Are the Revolutionary Guards in Iran's Economy?'.
۱۶۳. Jean-Louis Briquet and Gilles Favarel-Garrigues(۲۰۱۰),Organized Crime and States, Palgrave Macmillan.
١٦٤. Jeffrey Reiman and Paul Leighton, The Rich Get Richer and the Poor Get Prison: Ideology, Class, and Criminal Justice, ١٠th ed. (New York: Pearson, ۲۰۱۳)
١٦٥. Jiangli Zhu, Zilian Li(۲۰۱۷), Inequality and Crime in China, Front. Econ. China ۲۰۱۷, ۱۲(۲)Joel Hellman and Daniel Kaufmann(۲۰۰۱), Confronting the Challenge of State Capture in Transition Economies , Finance & Development.
١٦٦. Johnson, Kaufmann, and Shleifer (۱۹۹۷) make an attempt to adjust for changes in the elasticity of ectricity/GDP.
١٦٧. Johnson, S. (۲۰۱۸). The global economy loses $۳,٦ trillion to corruption each year, says U.N., available at https://bigthink.com/politics-current-affairs/corruption-costs-world-۳-٦-trillion. Accessed on ۲۸ Feb ۲۰۲۰.
١٦٨. Jomo Kwame Sundaram & Mushtaq H. Khan(۲۰۰۰), Rents, rent-seeking and economic development : theory and evidence in Asia , Cambridge University Press
١٦٩. Jonathan Marshall(۲۰۲۱), Dark quadrant : organized crime, big business, and the corruption of American democracy, Published by Rowman & Littlefield
١٧٠. Joseph J. St. Marie, Shahdad Naghshpour, and Sam S. Stanton, "A Shadow Economy Model of Ethnic Conflict." Paper Presented at the Annual Meeting of the Midwest Political Science Association, Chicago, April ۲۰۰٦.
١٧١. Julien Hanoteau & Virginie Vial(۲۰١٤),Grease or Sand The Wheel? The Effect Of Individual Bribes On The Drivers Of Aggregate Productivity Growth, Journal of Indonesian Economy and Business. Volume ۲۹, Number ۱, ۲۰١٤.
١٧٢. Kamali, Tahereh , Maryam Mashayekh & Gholamreza Jandaghi(۲۰١٦),The Impact of Economic Sanctions on Corruption in Target Countries: A Cross Country Stud, Available online at www.worldscientificnews.com.
١٧٣. Kar, S., & Saha, Sh. (۲۰۱۲),Corruption, Shadow Economy and Income Inequality: Evidence from Asia. IZA Discussion Paper No ٧١٠٦.
١٧٤. Kathe Callahan(۲۰۰۷), Elements of effective governance: measurement, accountability, and participation , Taylor & Francis Group
١٧٥. Katherine Hirschfeld,(۲۰١٥), Gangster States : Organized Crime, Kleptocracy and Political Collapse, Palgrave Macmillan

١٧٦. Kaufman, D. (٢٠١٠). Can corruption adversely affect public finances in industrialized countries?, April ١٩, Washington., available at https://www.brookings.edu/opinions/can-corruptionadversely-affect-public-finances-in-industrialized-countries/. Accessed on March ٢٠١٧.
١٧٧. Keith A. Petty (٢٠٠٧),"Veiled Impunity : Irans Use of Non-State Armed Groups", Denver Journal of International Law & Policy, Volume ٣٦ ,Number ٢ Spring, Article ٤.
١٧٨. Kempe Ronald Hope(٢٠١٦), Police Corruption and Police Reforms in Developing Societies, CRC Press Taylor & Francis Group
١٧٩. Kevin Freeman(٢٠١٢), Secret Weapon How Economic Terrorism Brought Down the U.S. Stock Market and Why It Can Happen Again, Regnery Publication Inc.
١٨٠. Khandan .Abbas, Lobbying, Bribery, and Compliance: An Evolutionary Model of Social Factors, Iran. Econ. Rev. Vol. ٢٢, No. ٤, ٢٠١٨.
١٨١. Khwaja A, Mian A.(٢٠٠٤). Unchecked intermediaries: price manipulation in an emerging stock market. J. Financ. Econ. ٧٨.
١٨٢. Khwaja A, Mian A. (٢٠٠٥). Do lenders favor politically connected firms? Rent provision in an emerging financial market. Q. J. Econ. ١٢٠
١٨٣. Khwaja Asim Ijaz & Atif Mian(٢٠١١),Rent Seeking and Corruption in Financial Markets, Annu. Rev. Econ.٣.
١٨٤. Kim Ghattas (٢٠٢٠),Black wave: Saudi Arabia, Iran, and the forty-year rivalry that unraveled culture, religion, and collective memory in the Middle East, Henry Holt and Co.
١٨٥. Kirchler, E. (٢٠٠٧). The economic psychology of tax behavior. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
١٨٦. Knight, M., Loayza, N., & Villanueva, D. (١٩٩٦), 'The peace dividend: military spending cuts and economic growth', International Monetary Fund Staff papers, Retrieved from www .palgrave-journals.com /imfsp / journal /v٤٣ /n١/abs/imfsp١٩٩٦١a.html.
١٨٧. Konstantinovi´c-Vili´c, S., Nikoli´c-Ristanovi´c, V. (٢٠٠٣). Criminology.Niš. Law on Ratification of the Convention on High-Tech Crime (Official Gazette of RS, no. ١٩. March ٢٠٠٩)
١٨٨. Kotilainen, M & Kaitila, V. (٣/٢٠٠٢)."Economic Globalization in Developing Countries", journal of Economic in Developing Countries.
١٨٩. Kristina Kausch (Ed.),Geopolitics and Democracy in the Middle East , FRIDE(٢٠١٥)
١٩٠. Kristoffer Fretland Øygarden(٢٠١٧),The Effect of Sanctions on Human Rights: Assessing the Impact of Economic Sanctions on Human Rights Violations in Targeted Countries. Print: www.grafiske.as, Oslo.
١٩١. Lambsdorff, J.G. (٢٠٠٢a): Corruption and Rent-Seeking, Public Choice, Vol. ١١٣.
١٩٢. Land, Kenneth, McCall, Patricia, and Cohen, Lawrence (١٩٩٠) "Structural Covariates of Homicide Rates: Are There Any Invariances Across Time and Space?" American Journal of Sociology.٩٥
١٩٣. Langseth, P. (٢٠٠١), 'Qualitative versus Quantitative Methods', in J. Andvig, O. Fjeldstad, and A. Shrivastava, Corruption: Critical Assessments of Contemporary Research – Report from a Multidisciplinary Workshop, Chr. Michelsen Institute Development Studies and Human Rights, Working Paper ١٧.
١٩٤. Larbi Sadiki(٢٠١٦),Oil States in the New Middle East Uprisings and stability , Routledge.
١٩٥. Larry P. Goodson(٢٠٠١), Afghanistan's Endless War: State Failure, Regional Politics, and the Rise ofthe Taliban , Seattle: University of Washington Press
١٩٦. Latif Wahid(٢٠٠٩),Military Expenditure and Economic Growth in the Middle East, Palgrave Macmillan.
١٩٧. Laungani, P., and P. Mauro (٢٠٠٠), Capital Flight from Russia, policy discussion paper, International Monetary Fund, Washington.
١٩٨. Lawrence M. Salinger(٢٠٠٥), Encyclopedia of white-collar and corporate crime.

۱۹۹. LEVITT, S. D. (٢٠٠٤), "Understanding Why Crime Fell in ١٩٩٠s: Four Factors that Explain the Decline and Six That Do Not", Journal of Economic Perspectives, XVIII-١

۲۰۰. Levitt, S. D. & Dubner, S. (٢٠٠٥), `Freaknomics', New York: William Morrow.

٢٠١. Lewis, W.A. (١٩٥٥). The Theory of Economic Growth, London: Allen & Unwin.

٢٠٢. Louise Shelley, "The Globalization of Crime and Terrorism," EJournalUSA—The Challenges of Globalization ١١, no. ١ (February ٢٠٠٦). Available at http://usinfo.state.gov/pub / ejournalusa.html.

٢٠٣. Lowering the Recidivism Rate," editorial, Japan Times, November ٢٤،٢٠١٤,http://www.japantimes.co .jp/opinion/٢٠١٤/١١/٢٤/editorials/loweringrecidivism- rate/# .WNj w٣hjMyqB.

٢٠٤. Lucifora, C., & Moriconi, S. (٢٠١٢). Political instability and labour market institutions. IZA Discussion Paper No. ٦٤٥٧, Bonn.

٢٠٥. M. Demet Ulusoy(٢٠٠٨),Political Violence, Organized Crimes, Terrorism and Youth, IOS Press.

٢٠٦. Mahmoudi Azar (٢٠١٨),The Proliferation of Corruption in Sanctions Regimes: The Case of Iran; McGill University, Montreal.

٢٠٧. Majozi Sithole, 'Taking Action Against Money Laundering', in C. Goredema (editor) Profiling Money Laundering in Eastern and Southern Africa (٢٠٠٢) ISS Monograph series, number ٩٠.

۲۰۸. Malcolm Byrne(٢٠١٤),Iran-Contra : Reagan's scandal and the unchecked abuse of presidential power , University Press of Kansas.

٢٠٩. Mansour Sazvar, Zahra Nasrollahi(٢٠٢٢), Effect of Military Expenses on Shadow Economy in Iran, Quarterly Journal of Quantitative Economics(JQE) (٢٠٢٢) ١٩(٣).

۲۱۰. Mark A. Cohen (٢٠٠٥), The Costs of Crime and Justice, Routledge.

۲۱۱. Mark A. Cohen (٢٠٠٠), Measuring the Costs and Benefits of Crime and Justice ,Vanderbilt University.

٢١٢. Marinov, N. (٢٠٠٥). Do Economic Sanctions Destabilize Country Leaders? American Journal of Political Science, ٤٩(٣).

۲۱۳. Martin Neil Baily, Robert E. Litan, and Matthew S. Johnson, "The Origins of the Financial Crisis", NOVEMBER ٢٠٠٨.

۲۱۴. Mary E.Vogel(٢٠٠٧), Crime: Inequality and the State , Routledge.

۲۱۵. Masoud Khodapanah, Zahra Dehghan Shabani, Mahboubeh Shojaeian, Mohammad Hadi Akbarzadeh (٢٠٢٢), Do Spatial Spillover Effects of Crime Matter in Urbanization and Crime Nexus? (Case Study: Iranian Provinces), International Journal of New Political Economy ٣(٢).

۲۱۶. Matthew Heeks, Sasha Reed, Mariam Tafsiri and Stuart Prince(٢٠١٨), The economic and social costs of crime, Crown publisher.

۲۱۷. Matthew Jenkins and Isabelle Büchner(٢٠٢١),The relationship between corruption and protest, Transparency International Anti-Corruption Helpdesk Answer.

۲۱۸. Matthew Levitt(٢٠١٣), Hezbollah: The Global Footprint of Lebanon's Party of God (Georgetown, ٢٠١٣).Maurizio Bovi(٢٠٠٤),THE DARK, AND INDEPENDENT, SIDE OF ITALY, Istituto di Studi e Analisi Economica ,Working paper No. ٤٦.

٢١٩. Mbaku, John (٢٠١٨), Rule of Law, State Capture, and Human Development in Africa, American University International Law Review, Volume ٣٣ Issue ٤, Article ٤.

٢٢٠. Medina, L., & Schneider, F. (٢٠١٨). Shadow economies around the world: what did we learn over the last ٢٠ years?. IMF Working Papers, ٢٠١٨(١٧).

٢٢١. Miller, William L(٢٠٠٦), "Corruption and Corruptibility," World Development ٣٤(٢).

٢٢٢. Michael Tonry(١٩٩٨),The handbook of crime and punishment,Oxford University Press

٢٢٣. Michael P. Todaro, Stephen C. Smith(٢٠١٢), Economic development , Pearson Education, Inc

۲۲۴. Middle East Outlook ۳, Washington, DC: American Enterprise Institute, ۲۲ October ۲۰۰۷, available at: http://www.aei.org/publication/how-intertwined-are-the-revolutionary-guards-inirans-economy/
٢٢٥. Mitchel P. Roth(٢٠١٠),Global Organized Crime:A Reference Handbook, ABC-CLIO LLC.
٢٢٦. Mohd Ziaur Rehman & etal(٢٠٢٢), Advance Dynamic Panel Second-Generation Two-Step System Generalized Method of Movement Modeling: Applications in Economic Stability-Shadow Economy Nexus with a Special Case of Kingdom of Saudi Arabia, mathematics ٢٠٢٣, ١١, ٨٥. https://doi.org/١٠,٣٣٩٠/math١١٠١٠٠٨٥.
٢٢٧. Mofid. Kamran & International Financial Statistics (١٩٩١),"Economic Consequences of the Gulf War " , Published (٢٠١٧) by Routledge.
٢٢٨. Moghadam R.(٢٠٠٩),Creating policy space—responsive design and streamlined conditionality in recent low-income country programs. Washington, DC: International Monetary Fund.
٢٢٩. Monica Violeta Achim & Sorin Nicolae Borlea(٢٠٢٠), Economic and financial crime: Corruption, Shadow Economy and Money Laundering , Springer Nature Switzerland.
٢٣٠. Morck R, Yeung B, YuW.(٢٠٠٠). The information content of stock markets. Why do emerging markets have synchronous stock price movements? J. Financ. Econ. ٥٨
٢٣١. Muhammad Yunus & Karl Weber,(٢٠١٧), A world of three zeros : the new economics of zero poverty, zero unemployment, and zero carbon emissions: First edition,New York : Public Affairs.
٢٣٢. Murphy, K.M., Shleifer, A. and Wishny, R.W. (١٩٩٣): Why is Rent-Seeking So Costly to Growth?, American Economic Review, Vol. ٨٣, Papers and Proceedings.
٢٣٣. Mushtaq and Jomo, K.S. (eds) (٢٠٠٠), Rents, Rent-Seeking and Economic Development: Theory and Evidence in Asia, Cambridge University Press, Cambridge.
٢٣٤. Naïg Cozannet & et Al(٢٠٠٧), Corporate Social Responsibility in Turkey, Agence Française de Développement , AFD Working Paper N°٥٥.
٢٣٥. N. Nergiz Dincer & Barry Eichengreen (٢٠١٢), Central Bank Transparency and Independence: Updates and New Measures, International Journal of Central Banking, Vol. ١٠ No. ١
۲۳۶. Narcis Serra and Joseph E. Stiglitz(٢٠٠٢), The Washington Consensus Reconsidered, Towards a New Global Governance ,Oxford university press.
۲۳۷. Nate Hendley(٢٠١٠), American Gangsters, Then and Now, Santa Barbara, California.
٢٣٨. National Cybersecurity Strategy ٢٠١٩ (ENC ٢٠١٩).
٢٣٩. Nauro F. Campos & Francesco Giovannoni, Lobbying, Corruption and Political Influence, September ٢٠٠٦. Discussion Paper No. ٢٣١٣. IZA.
٢٤٠. Neuenkirch & Neumeier(٢٠١٥), The impact of UN and US economic sanctions on GDP growth. European Journal of Political Economy, ٤٠, Part A.
٢٤١. Nicholas Mulder(٢٠٢٢), The Economic Weapon " The Rise of Sanctions as a Tool of Modern War, Yale University Press.
۲۴۲. Nikopour, Hesam and Shah Habibullah, Muzafar(٢٠١٠), Shadow Economy and Poverty, MPRA Paper No ٢٣٥٩٩.
۲۴۳. Niknami , Roxana (٢٠٢٠), EU Economic & Financial Sanctions against Iran and their Human Rights Implications , Journal of World Sociopolitical Studies| Vol. ٤| No. ٣|.
٢٤٤. Norling, Nicklas and Niklas, Swanstrom (٢٠٠٧), "The Shanghai Cooperation Transition, Trade and the Roles of Iran, India and Pakistan", Central Asian Survey, Vol.٢٦, No.٣
۲۴۵. Nyantara Wickramasekera etal(٢٠١٥) ,Cost of Crime: A Systematic Review, Journal of Criminal Justice ; https://www.researchgate.net/publication/٢٧٦٣٦٥٢٢٨.
۲۴۶. OECD(٢٠٠٢),Measuring the Non-Observed Economy. A Handbook, OECD Publications Service.
۲۴۷. Organised Crime and Corruption, Transparency International- report ٢٠١١.
۲۴۸. OECD Strategic Approach to Combating Corruption and Promoting Integrity ٢٠١٦

۲۴۹. Ozlem Kizilgol, Sibel Selim(۲۰۱۷), Socio- Economic and Demographic Determinants Of Crime By Panel Count Data Analysis: The Case Of EU ۲۸ and Turkey, Journal of Business, Economics and Finance (JBEF), Volume: ٦ Issue:۱
۲۵۰. Parker, D. B. (۱۹۹۸). Fighting computer crime, WILLY.
۲۵۱. Paul Holden &Barnaby Pace(۲۰۱۱) ,The Shadow World: Inside the Global Arms Trade, Published by the Penguin Group.
۲۵۲. Perri FS, Lichtenwald TG. The arrogant chameleons: exposing fraud-detection homicide. The Forensic Examiner. Mar ۲۲; ۲۰۰۸ ۱۷(۱):۲٦–۳۳. available at: www.all-about-psychology.com/support-files/ exposing _fraud_detection_homicide.pdf
۲۵۳. Peter Dale Scott(۲۰۰۳) ,Drugs, Oil, and War The United States in Afghanistan, Colombia, and Indochina , Rowman & Littlefield Publishers Inc.
۲۵٤. Peter Lilley(۲۰۰۱), Dirty dealing : the untold truth about global money laundering, international crime and terrorism, Third edition ۲۰۰٦, published by Kogan Page Limited
۲۵۵. Penny Green and Tony Ward(۲۰۰٤),State Crime: Governments, Violence and Corruption, Pluto Press.
۲۵٦. Petrus C. van Duyne & etAl (۲۰۱۸) ,The Critical Handbook of Money Laundering , Palgrave Macmillan.
۲۵۷. Phoebe W. Ishak & Mohammad Reza Farzanegan (۲۰۲۰) ,Oil price shocks, protest, and the shadow economy: Is there a mitigation effect?; leyonlinelibrary.com/journal. economics and politics.
۲۵۸. Piktty. thomas (۲۰۱۶), Why Save the Bankers? ,boston .new York.
۲۵۹. Pious passion(۱۹۹۳), the emergence of modern fundamentalism in the United States and Iran, Martin Riesebrodt; translated from the German by Don Reneau. University of California Press.
۲۶۰. Polyakov. Leonid, “New Security Threats in the Black Sea Region,” Razumkov Center, European Consortium for Political Research, September ۲۰;۲۰۰۳.
۲۶۱. Portes, A., & Sassen-Koob, S. (۱۹۸۷). Making it Underground: Comparative Material on the Informal Sector in Western Market Economies. American Journal of Sociology, ۹۳.
۲۶۲. Posner, R.A. (۱۹۷۱): Taxation by Regulation, Bell Journal of Economics and Management Science, Vol. ۲.
۲۶۳. Qamar, Alina and Safdar, Maria(۲۰۲۱), The Role of Human Capital, Corruption, MPRA Paper No.۱۰۷٦۳۳
۲٦٤. Qiang Fang and Xiaobing Li(۲۰۱۹), Corruption and Anticorruption in Modern China ,Published by Lexington Books.
۲٦٥. Rachel Maddow(۲۰۱۹),Blowout:Corrupted Democracy,Rogue State Russia, and theRichest,Most Destractive Industries on Earth, crown publishing.
۲٦٦. Ranj Alaaldin, Federica Saini Fasanotti,Arturo Varvelli,Tarik M.Yousef(۲۰۱۹),The Rise and Future of Militiasin the MENA Region, Ledizioni Ledi Publishing,Brookings Doha Center (BDC).
۲٦۷. Rebecca Söderström(۲۰۱۱), Regulating Market Manipulation, Working paper, Uppsala.
۲٦۸. Reyhan Cafrı Açcı & Pınar Çuhadar(۲۰۲۱), Unemployment or Inflation? What Does the Misery Index Say about the Causes of Crime?,METU Studies in Development, ٤۸ (December)
۲۶۹. R. Barri Flowers(۲۰۰۹), College Crime: A Statistical Study of Offenses on American Campuses, McFarland & Company, Inc., Publishers.
۲۷۰. R. T. Naylor(۲۰۰٤),Wages of crime : black markets, illegal finance, and the underworld economy,Cornell University.
۲۷۱. Refugee Council(۲۰۱۱) , Understanding the informal economic activity of refugees in London, Community Links and The Refugee Council.

٢٧٢. Richard G. Brody and Kent A. Kiehl, From white-collar crime to red-collar crime, Financ Crime. ٢٠١٠ ; ١٧(٣)
٢٧٣. Richard Gibbon & Sassi Riar, “Iran’s ‘Trojan Horse’ Bank”, (٢٦ April ٢٠١٨), online: The Anticorruption Blog <www.anticorruptionblog.com/anti-terrorism-financing-laws/irans-trojan-horse-bank/>.
٢٧٤. Richard Rose & Caryn Peiffer(٢٠١٩), Bad Governance and Corruption(Political Corruption and Governance), Publishing AG, part of Springer Nature.
٢٧٥. Richard L. Hasen(٢٠١٢), LOBBYING, RENT-SEEKING, AND THE CONSTITUTION , Stanford Law Review.Vol ٦٤.
٢٧٦. Robert A. Dahl, How Democratic Is the American Constitution?,New Haven, Conn.: Yale University Press, ٢٠٠٢, ٣.
٢٧٧. Rolan Palan (٢٠٠٣),The Offshore World: Virtual S p aces and the Commercialisation of Sovereignty (Ithaca: Cornell University Press.
٢٧٨. Roozbeh Safshekan and Farzan Sabet(٢٠١٠), “The Ayatollah’s Praetorians: The Islamic Revolutionary Guard Corps and the ٢٠٠٩ Election Crisis,” The Middle East Journal, Vol. ٦٤
٢٧٩. Rosenmerkel SP. Wrongfulness and harmfulness as components of seriousness of white-collar offenses. Journal of Contemporary Criminal Justice. ٢٠٠١; ١٤(٤):٣٠٨–٢٧. available at: http://rapid٢.library.colostate.edu/I١١/ View Queue.aspx?ViewType=PendingByBranch&Id=.
٢٨٠. Ronald Inglehart and Christian Welzel (٢٠٠٥), Modernization, Cultural Change, and Democracy : The Human Development Sequence , Cambridge University Press.
٢٨١. Ronald MacDonald & Muhammad Tariq Majeed(٢٠١١),Distributional and Poverty Consequences of Globalization: A Dynamic Comparative Analysis for Developing Countries, Royal Economic Society Annual conference, ١٧-١٩ April ٢٠١١, London UK.
٢٨٢. Rose-Ackerman, S. (١٩٩٩), Corruption and Government: Causes, Consequences and Reform ,Cambridge University Press.
٢٨٣. Rose-Ackerman(١٩٩٦), High-Level Rent Seeking and Corruption in African Regimes, Yale University.
٢٨٤. R.N. Ghosh & Md Abu Bakar Siddique(٢٠٠٩) , Corruption, Good Governance and Economic Development; World Scientific Publishing Co. Pte. Ltd.
٢٨٥. R.N. Ghosh & Md Abu Bakar Siddique(٢٠١٥) ,Corruption, good governance and economic development : contemporary analysis and case studies, World Scientific Publishing Co. Pte. Ltd
٢٨٦. Rueschemeyer, Dietrich, Marilyn Rueschemeyer, and Bjorn Wittrock.(١٩٩٨), Participation and Democracy, East and West: Comparisons and Interpretations. Armonk, NY: M. E. Sharpe.
٢٨٧. S. Brock Blomberg , Gregory D. Hess, Athanasios Orphanides , (٢٠٠٤), The macroeconomic consequences of terrorism, CESifo Working Paper No. ١١٥١.
٢٨٨. Sadgali, et al., “Adaptive Model for Credit Card Fraud Detection”. International Journal of Interactive Mobile Technologies. Vol. ١٤, No. ٣,٢٠٢٠.https://www.online-journals.org/index.php/i-jim/article/view/١١٧٦٣/٦٥٦٧.
٢٨٩. SADEGHI, S. K., MARVASTI, M. B. and KARBOR, R. (٢٠١٤), “New Evidence on the Link between Income Inequality and Misery Index: A Nonlinear Time Series Analysis”. International Journal of Sustainable Development & World Policy, Conscientia Beam, III-١.
٢٩٠. Salahodjaev R(٢٠١٥), Intelligence and shadow economy: A cross-country empirical assessment. Intelligence.
٢٩١. Salahudin(٢٠٢٢), Rent-seeking Practices in The Budget Policymaking Processes at Local Government: Case Studies in Indonesia,journal of governmemt& civil society ,Vol ٦, No١.
٢٩٢. Sally S. Simpson & David Weisburd .Ed(٢٠٠٩),The Criminology of White-Collar Crime , Springer Science+Business Media, LLC.

۲۹۳. Samar Batrawi & Nick Grinstead(۲۰۱۹), Six scenarios for pro-regime militias in 'post-war' Syria, CRU Policy Brief.

۲۹٤. Sam Roberts, "Rooting Out Police Corruption," New York Times, June ۲۹, ۲۰۱۲, http://www.nytimes.com/۲۰۱۲/۰۷/۰۱/nyregion/books-on-policecorruption- and-woody-guthries-haunts-in-new-york-city.html

۲۹۵. Samira Heydarian, Mosayeb Pahlavani & Seyed Hossein Mirjalili (۲۰۲۲), The Impact of Financial Sanctions on Capital Inflow and Outflow (case of Iran), Journal of Money and Economy, Vol. ۱۷, No. ۱.

۲۹۶. Sanford Levinson(۲۰۰٦),Our Undemocratic Constitution: Where the Constitution Goes Wrong (And How We the People Can Correct It) ,Oxford University Press.

۲۹۷. SAPRIN (۲۰۰٤),The Policy Roots of Economic Crisis, Poverty and Inequality; The Structural Adjustment Participatory Review International Network , Palgrave Macmillan.

۲۹۸. Small Arms Survey (۲۰۰۱) Profiling the problem", Graduate Institute of International Studies in Geneva, Oxford University Press.

۲۹۹. Smith, J.D (۱۹۸٥): Market motives in the informal economy, in: Gaertner, W. and Wenig, A. (eds.): The economics of the shadow economy, Heidelberg: Springer Publishing Company.

۳۰۰. Soroush Hashemi, Mohammad Mahdi Lotfi Heravi & Friedrich Schneider(۲۰۲۲), Size and Causes of the Shadow Economy in Iran: An Analysis with the MIMIC Approach , International Journal of New Political Economy ۳(۲).

۳۰۱. S.P.Marks(۱۹۹۹),Economic sanctions as human rights violations: reconciling political and public health imperatives, https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/۱۰٥۱۱۸۳۲/.

۳۰۲. Stephen Esaku(۲۰۲۱),Does the shadow economy increase income inequality in the short- and long-run? Empirical evidence from Uganda , Cogent Economics & Finance (۲۰۲۱), ۹.

۳۰۳. Stigler, G.S. (۱۹۷۱): The Theory of Economic Regulation, Bell Journal of Economics and Management, Vol. ۲.

۳۰۴. Stiglitz, J. (۲۰۱۲). The Price of Inequality. Pengiun UK.Tang, T. C. (۲۰۱۰). A reassessment of aggregate import demand function in the Asean-٥: A cointegration analysis. The International Trade Journal, ۱۸(۳), ۲۳۹– ۲٦۸. https://doi.org/۱۰,۱۰۸۰/۰۸۸٥۳۹۰۰٤۹۰٤۷۸۱۳۱.

۳۰٥. Susan Rose-Ackerman &Bonnie J. Palifka (۲۰۱٦) ,Corruption and Government , Cambridge University Press.

۳۰٦. Susan Rose-Ackerman & Tina Søreide(۲۰۱۱),International Handbook on the Economics of Corruption, Volume Two , Edward Elgar Publishing Limited.

۳۰۷. Susan Badiei and Cyrus Bina(۲۰۰۲),oil- rentier state –iran's capital formation۱۹٦۰-۱۹۹۷, Middle East Economic Association, Jauary.

۳۰۸. Swan, T.W(۱۹٥٦)," Economic Growth and Capital Accumulation". Econ. Rec, ۳۲.

۳۰۹. Tabatabai, Ariane. Safety: the overlooked crucial issue in Iranian nuclear negotiations. Bulletin of the Atomic Scientists, ۱٦ April ۲۰۱٥. http://thebulletin.org/safety%E۲٪۸۰٪۹٤-overlooked-crucial-issue-iraniannuclear- Negotiations ۸۲۲۷, accessed ۱۲ March ۲۰۱٦

۳۱۰. Tahmina Sadat Hadjer and Gerald Schneider(۲۰۱۱),Economics and Terrorism,The Sage encyclopedia of terrorism / Gus Martin (Ed.). ۲. Ed, Los Angeles [u.a.] : SAGE, ۲۰۱۱.

۳۱۱. TANG, C. F. (۲۰۰۹), "The Linkages among Inflation, Unemployment and Crime Rates in Malaysia", International Journal of Economics and Management, III-۱.

۳۱۲. Tang C. F. and H. H. Lean (۲۰۰۹), "New evidence from the misery index in the crime functions ", Economics Letters, ۱۰۲

۳۱۳. Tanzi .Vito and Parthasarathi Shome (۱۹۹۳),A Primer on Tax Evasion ,IMF Working Paper ,International Monetary Fund.

٣١٤. Taub, Jennifer(٢٠٢٠), Big dirty money : the shocking injustice and unseen cost of white collar crime; Penguin Random House LLC.
٣١٥. Tanzi, V. (١٩٩٨), 'Corruption Around the World: Causes, Consequences, Scope, and Cures', International Monetary Fund Staff Papers, vol. ٤٥, no. ٤.
٣١٦. Testimony of Daniel Byman(٢٠١٥) , State Sponsor of Terror: The Global Threat of Iran, Director of Research, Center for Middle East Policy at the Brookings Institution, House Committee on Foreign Affairs Subcommittee on Terrorism, Nonproliferation, and Trade, Walsh School of Foreign Service at Georgetown University.
٣١٧. Tiffiany Howard (٢٠١٤), Failed States and the Origins of Violence, Routledge.
٣١٨. The Global Illicit Economy(٢٠٢١), Global Initiative Against Transnational Organized Crime.
٣١٩. Thirlwall. A. P. (٢٠٠٣), "Growth & Development with special reference to developing economies", (٧th ed). Palgrave Macmillan: New York.
٣٢٠. Thomas F. Lynch III (editor),Strategic Assessment ٢٠٢٠, National Defense University, Institute for National Strategic Studies , Washington, D.C.
٣٢١. Thomson et al(٢٠١٧), Structural adjustment programmes adversely affect vulnerable populations: a systematic narrative review of their effect on child and maternal health, Public Health Reviews ٣٨.
٣٢٢. Tito boeri & Pietro garibaldi (٢٠٠١), Shadow activity And Unemployment in the Depressd labor market, Bocconi University.
٣٢٣. Toan Pham-Khanh Tran, Phuc Van Nguyen, Quyen Le-Hoang-Thuy-To NguyenID, Ngoc Phu TranID, Duc Hong VoID(٢٠٢٢), Does national intellectual capital matter for shadow economy in the Southeast Asian countries?, PLoS ONE ١٧(٥): e٠٢٦٧٣٢٨. https://doi.org/١٠,١٣٧١/journal .pone . ٠٢٦٧٣٢٨.
٣٢٤. Tobias Adrian and Bradley Jones(٢٠١٨)," Shadow banking and market-based finance", International Monetary Fund, Publication Services.
٣٢٥. Travis C. Pratt(٢٠١٢),Advancing Quantitative Methods in Criminology and Criminal Justice, Routledge.
٣٢٦. Tullock, Gordon (٢٠٠٥),The rent-seeking society, Liberty Fund, Inc.
٣٢٧. Ugur Umit Ungor(٢٠٢٠),paramilitarism, Mass Violence in the Shadow of the State,Oxford University Press.
٣٢٨. United Nations Convention against Corruption, ٣١ October ٢٠٠٣, A/٥٨/٤٢٢ arts ١٥–٤٢ (entered into force ١٤ December ٢٠٠٥) [UNCAC].
٣٢٩. Ummad Mazhar & Juvaria Jafri(٢٠١٧),Can the Shadow Economy Undermine the Effect of Political Stability on Inflation? Empirical Evidence, Journal of Applied Economics, Vol XX, No. ٢.
٣٣٠. UNDP, measuring the economic impact of violent extremism leading to terrorism in Africa ,Report ٢٠١٩.
٣٣١. Varun Chandra(٢٠١٧),the curious case of black money and white money , Notion Press.
٣٣٢. Viacheslav Hladky(٢٠١٩),Criminometric Analysis of Corruption Permissiveness and Conditions of Pricing in Corrupt Services, Journal of the National Academy of Legal Sciences of Ukraine, Vol. ٢٦, No٢.
٣٣٣. Vineeta Yadav(٢٠١١), Political Parties, Business Groups, and Corruption in Developing Countries, Oxford University Press, Inc
٣٣٤. Vousinas,G. (٢٠١٧). Shadow economy and tax evasion: The Achilles heel of Greek economy. Determinants, effects and policy proposals. Journal of Money Laundering Control, ٢٠(۴).
٣٣٥. Walter Amedzro St-Hilaire(٢٠٢٠),Advanced Governing for Capital Flight, Apple Academic Press Inc.
٣٣٦. Walter Enders &Todd Sandler(٢٠٠٦), The Political Economy of Terrorism , Cambridge, New York.

۳۳۷. W.Timothy Coombs, Jesper Falkheimer, Mats Heide and Philip Young (۲۰۱٦), Strategic Communication, Social Media and Democracy.
۳۳۸. Weisburd, D.; Waring, E.; Chayet, FE(۲۰۰۱), White-collar Crime and Criminal Careers. Cambridge University Press.
۳۳۹. Whimster, S. (ed.) (۱۹۹۲) Global Finance and Urban Living: A study of Metropolitan change, London: Routledge.
۳٤۰. Willem Buiter (۲۰۲۱), Central Banks as Fiscal Players, Cambridge University Press.
۳٤۱. Williamson .John (۲۰۰۰),What Should the World Bank Think about the Washington Consensus? World Development Report.
۳٤۲. Williamson J(۱۹۹۰),What Washington means by policy reform. In: Latin American adjustment: how much has happened? Washington. DC: Institute for International Economics;.
۳٤۳. Williamson J. (۲۰۰۲). Did the Washington Consensus Fail? ; Narcis Serra and Joseph E. Stiglitz, The Washington Consensus Reconsidered, Towards a New Global Governance ,Oxford university press.
۳۴۴. WORLD BANK, ANTICORRUPTION IN TRANSITION: A CONTRIBUTION TO THE POLICY DEBATE xv (۲۰۰۰).
۳۴۵. World Youth Report (۲۰۰٥) UN, General Assembly, Economic and Social Council.
۳٤٦. Wright Mills(۱۹٥۷), The Power Elite , New York: Oxford University Press.
۳۴۷. Xiaoning Huang(۲۰۱٦),Iranian nuclear issue and regional security , Department of Political Affairs, Middle East and West Asia Division.
۳۴۸. Yadollah Dadgar , Sadegh Menatinejad & Rouhollah Nazari(۲۰۲۰), Analyzing the Impact of Economic and Climate Factors on Crime in Iran, Iranian Economic Review ۲۰۲۲, ۲٦(٤).
۳٤۹. Yadollah Dadgar & etAl (۲۰۲۲), Analyzing the Impact of Economic and Climate Factors on Crime in Iran, Iranian Economic Review ۲۰۲۲, ۲٦(٤): ۸۰۹-۸۱۸.
۳٥۰. Yadollah Dadgar (۲۰۱۸), "The Impact of Economic Growth and Good Governance on Misery Index in Iranian Economy", European Journal of Law and Economics, XLV-۱, ۱۷٥-۱۹۳.
۳٥۱. Yadollah Dadgar, Mohammad javad Moradalian, Seyed Hamidreza Hoseiny Mehr(۲۰۱۹), The Relationship between Violent Crime and Misery Index: A Specific Case in Iran,Iranian Economic Review ۲۰۲۱, ۲٥(۳).
۳۵۲. Valentine .Douglas (۲۰۱۷), The CIA as organized crime : how illegal operations corrupt America and the world, Atlanta, GA : Clarity Press, Inc.
۳٥۳. Yanping Liu, Minghai Tian ,Yanming Shao(۲۰۲۲),Cybercrimes and Financial Crimes in the Global Era, Springer.
۳۵۴. Yazdan Naghdi, Soheila Kaghazian, Isa Zaghi Jojadeh(۲۰۱٥); underground economy estimation in Iran by MIMIC method.
۳۵۵. Yunus Emre Karamano˘glu , Yılmaz Akdi (۲۰۱٥),Regional Crime Analysis of Turkey, ISTAT˙IST˙IK, Vol. ۸ No. ۱-۲, January-July ۲۰۱٥
۳٥٦. Zachary Abuza, "The War on Terrorism in Southeast Asia," Strategic Asia, ۲۰۰۳–۲۰۰٤: Fragility and Crisis, eds. Richard Ellings and Robert Scalapino (Seattle, WA: The National Bureau of Asian Research, ۲۰۰۲)
۳۵۷. Zahra Tizro(۲۰۱۲),Domestic Violence in Iran , Routledge.
۳۵۸. Zeynep Go¨ nen(۲۰۱۷),The Politics of Crime in Turkey, Neoliberalism, Police and the Urban Poor,london : I.B.Tauris & Co. Ltd.
۳۵۹. Zoë Pelter, Camila Teixeira, Erica Moret(۲۰۲۲),Sanctions and their Impact on Children, UNICEF.

ب-منابع فارسی :

ب-۱ - کتب و مقامات فارسی

۱. آجیلی ، هادی ، الهام کشاورزی مقدم (۱۳۹۲)، تاثیر تحریم ها بر توسعه اقتصادی ایران، راهبرد توسعه، زمستان ۱۳۹۲-شماره ۳۶

۲. آهنگری ، عبدالمجید و صلاح ابراهیمی(۱۳۹۲)، برآورد شاخص جرم در ایران به روش فازی : رویکرد اقتصادی، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسیهای اقتصادی سابق) ، دوره ۱۰ ، شماره۳ ، پاییز۱۳۹۲

۳. آلن دوبنوآ، غرب آنگونه که هست، ترجمه شهروز رستگار نامدار، اطلاعات سیاسی اقتصادی.

۴. ابراهامیان ، یرواند ، اسلام رادیکال، مجاهدین ایران،ترجمه فرهاد مهدوی، آلمان، نشر نیما، ۱۳۸۶

۵. ابراهیمی، محسن، سالاریان، محمد (۱۳۸۸). بررسی پدیده نفرین منابع طبیعی در کشورهای صادرکننده نفت و تأثیر حضور در اوپک بر رشد اقتصادی کشور های عضو آن، فصلنامه اقتصاد مقداری، ۶ (۱)

۶. احمدی ، مهدی (۱۳۹۸)،انقلاب و نفت-روایت وزیران نفت جمهوری اسلامی از اقتصادسیاسی نفت، انتشارات دنیای اقتصاد

۷. ابرندآبادی، نجفی ، تقریرات درسی جرم شناسی (درآمدی بر جرم شناسی بزهکاری اقتصادی و حقوق کیفری اقتصادی، ویرایش دکتر فاطمه قناد : جرم-شناسی-جرایم-اقتصاد ، https://www.vekalatonline.ir/articles/۱۴۱۱۴

۸. ادیب پور، مهدی و سینا کرباسی زاده(۱۳۹۷)، رانت نفتی و فساد در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، فصلنامه مدلسازی اقتصادی،سال ۱۲، ش.۴

۹. اسد زاده، احمد، و زهرا جلیلی(۱۳۹۳)، اقتصاد سایه ونابرابری درآمدی در ایران، فصلنامه مدلسازی اقتصادی -سال دوُم، شماره ۵، پیاپی ۶۳

۱۰. اسفندیاری، ساسان ، صدیقه نبی ئیان(۱۳۹۷)، بررسی تاثیر فقر بر مهاجرت از روستا به شهر در ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه » شماره۱۰۱.

۱۱. افغانستان الگوی دموکراسی آمریکایی، از تحمیل تروریسم تا صدور دموکراسی. دارالنشر افغانستان، ۱۳۸۴.

۱۲. ایزدخواه ، روح الله ، اقتصاد زیرزمینی؛ تهدید جدی برای تولید داخلی ، باشگاه خبرنگاران جوان، ۲ شهریور ۱۳۹۹

۱۳. ایزدی افسانه ،مجید صامتی،نعمت اله اکبری، برآورد میزان فرار مالیاتی در ایران با استفاده از روش MIMIC (طی دوره۱۳۹۵-۱۳۵۵)، پژوهشنامه مالیات /شماره چهل و هشت(مسلسل) ۹۶ ، زمستان۱۳

۱۴. باری کلارک (۱۳۸۹)، اقتصاد سیاسی تطبیقی، ترجمه عباس حاتمی،انتشارات کویر.

۱۵. بیابانی ، غلامحسین ،محمدرضا باباپور(۱۳۹۰)، قاچاق کالا، ابعاد آشکاروپنهان آن، مجله کارآگاه، دوره دوم، سال چهارم.

۱۶. پهلوانی، مصیب، سمیرا حیدریان، سید حسین میرجلیلی(۱۴۰۰)،بررسی تأثیر تحریمهای مالی بر نابرابری درآمد در ایران: مدل FAVAR-TVP، نشریه علمی سیاستگذاری اقتصادی، سال سیزدهم، شماره بیست و پنجم.

۱۷. پیرایی ، خسرو وحسینعلی رجایی(۱۳۹۴)، اندازه گیری اقتصاد زیر زمینی در ایران و بررسی علل و آثار آن ، فصلنامه سیاست های راهبردی وکلان ، بهار ۹۴ ، ش ۹.

۱۸. جزنی، بیژن (۱۳۵۷)، تاریخ سی ساله ایران، بی جا، بی نا.

۱۹. جعفری صمیمی، احمد وعلی صالحی(۱۳۹۲)، تأثیر شاخصهای آزادی اقتصادی بر فساد مالی در کشورهای درحال توسعه با تأکید بر ایران، بررسی های بازرگانی مهر و آبان ۱۳۹۲ شماره ۶۱.

۲۰. حاجی یوسفی، امیرمحمد(۱۳۷۸) ، دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران. تهران :مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۲۱. حکیمی پور ، پژوهشکده آمار،(۱۴۰۱)، روش فعلی برآورد آمار قاچاق کالا قابل اعتماد نیست، مسیر اقتصاد -رسانه تصمیم سازان اقتصاد

۲۲. حیدری ، غلامرضا و میرعبدالله حسینی(۱۳۸۵)، برآورد واردات غیر رسمی(قاچاق) چای در ایران ، اقتصاد کشاورزی وتوسعه، سال چهاردهم، شماره ۵۴ ، تابستان ۱۳۸۵.

۲۳. خاندوزی ، سید احسان ،علی مصطفوی ثانی، حسین سرآبادان (۱۳۹۷)، طراحی و برآورد شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی در ایران ، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست وهفتم، شماره یکصدودوم، تابستان ۱۳۹۹.

۲۴. خسروشاهی، سیدهادی ، خاطرات ، به کوشش امیر قربانی ، نشر الکترونیک، ، ۱۳۹۴

۲۵. خندان، عباس (۱۳۹۵)، واردات قاچاق در ایران: برآورد شاخص، بررسی علل و آثار، فصل نامه پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار). سال هجدهم، شماره دوم ـ تابستان ۱۳۹۷

۲۶. مبارک، اصغر (۱۳۹۰)، برآورد فرار مالیاتی ناشی از قاچاق کالا در ایران : روش مدلسازی معادلات ساختاری، مجموعه مقالات نهمین همایش سیاستهای مالی و مالیاتی ایران.

۲۷. محمدی ، علی ، علی اصغر زرگر(۱۳۹۷)، درآمدی بر نسبت فساد اقتصادی و توسعه سیاسی(با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۹۲-۶۸)، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز.

۲۸. محمدی ، جمال ، علی باقری کشکولی،(۱۳۹۳)، تحلیل تطبیقی رابطه بین فقر و خشونت شهری با استفاده از مدل ویکور (مطالعه موردی: محلّه‌های شهر یزد)، مجله جغرافیای اجتماعی شهری،دوره ۱، ش ۱.صص ۱۲۵-۱۵۰

۲۹. مطلبی ، معصومه ، محمد علیزاده، سجاد فرجی دیزجی(۱۳۹۸)، برآورد اقتصاد سایه و فرار مالیاتی بااستفاده از متغیرهای انضباط مالی دولت، فصلنامه اقتصاد مقداری(بررسیهای اقتصادی سابق) دوره ی ۱۶ ، ش ۴، زمستان ۱۳۹۸

۳۰. معاونت پژوهش های سیاسی حقوقی، مرکز پژوهش های مجلس،(۱۳۹۴)، اقتصاد و سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران؛ هم افزایی یا تعارض(با تأکید بر تبیین جایگاه سیاست خارجی در استراتژی تجاری و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران.

۳۱. مرادی، حدیث ،سید شمس الدین صادقی، مسعود اخوان کاظمی(۱۴۰۱)،اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی سازی در ایران پس از انقلاب اسلامی، مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، ۱۴۰۱ ، دورهٔ پنجم، شمارهٔ اول

۳۲. مداح، مجید. (۱۳۹۰). «تحلیل اثر فقر و نابرابری درآمدی بر جرم (سرقت) در سطح استان های کشور»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال یازدهم، شماره سوم، ص ۳۰۳-۳۲۴.

۳۳. مومنی ، فرشاد و شیما حاجی نوروزی،(۱۳۹۶) ، " اقتصاد سیاسی خصوصی سازی همراه با فساد" ، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۶۷ ،زمستان ۱۳۹۶.

۳۴. موثقی ، سید احمد ،دلآرام غنیمی فرد(۱۳۹۱)، نفت و دموکراسی : کشورهای صادر کننده نفت، فصلنامه سیاست،دوره ۴۲،ش۲،تابستان ۹۱.

۳۵. موسوی خلخالی، سید علی (مترجم) ، صدام از اینجا عبور کرد، نشر الکترونیک، (۱۳۹۵)

٣٦.سلیمی، صادق (۱۳۸۷)، مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری در ایران، فصلنامه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، ش ۴.

۳۷. دارابی ، شهرداد ، پیشگیری از جرایم خونین یقه سرخ ها، دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۹، شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۸ دی ۱۳۹۷ ؛ ص۱۵۴-۱۳۳

۳۸. زمانیان فر، لیلا ، زهرا کهن دل(۱۴۰۱)، نوآوری مالی و نقش آن در رسوایی قراردادهای معاوضه‌ای نرخ بهره، ماهنامه بورس، ۲ آذر ۱۴۰۱.

۳۹. کوشکی، محمد صادق ، سید محمود حسینی، فرصت ها و چالش های عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان شانگهای، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، ش ۳ ؛ پاییز ۱۳۹۶ .

۴۰. کمیجانی، اکبر؛ ارزیابی عملکرد سیاست خصوصی‌سازی در ایران، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۳ .

۴۱. کیاالحسینی ، سیدضیاءلدین ، ناصر الهی و محمدکرد علیوندی (۱۳۹۷)، رابطه علیت میان نابرابری و جرایم در ایران ۱۳۶۳-۱۳۹۳ ، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار) ـ سال نوزدهم ـ شماره اول .صص ۸۳-۱۰۴.

۴۲. گودرزی ، ساناز (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر تحریم های غرب بر حقوق بشر و حقوق زنان، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان ، سال سوم پاییز ۱۳۹۶

۴۳. گرین، پنی؛ وارد، تونی (۱۳۹۷) جرم حکومتی (دولت‌ها، خشونت و فساد)، مترجم نبی اله غلامی، تهران: مجد

۴۴. گزارش بانک جهانی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، ۲۰۱۵

۴۵. عسگری مروت ، علی و همکاران،(۱۳۹۸) ، ایده های نوآورانه، اندیشه های مجرمانه ، مرز تأمین مالی جمعی و تأمین مالی تروریسم، پژوهش حقوق کیفری، دوره نهم، شماره سی وسوم، زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۵۷- ۱۲۹

۴۶. عنایت ، ناصر ، مسعود مطلبی،ابولقاسم طاهری(۱۴۰۰)، بررسی نقش مولفه های حکمرانی در رشد اقتصادی در ایران : ثبات سیاسی و کنترل فساد در دولتهای نهم و یازدهم، رهیافت انقلاب اسلامی، دوره ۱۵، ش ۵۷.

۴۷. عیسی زاده ، سعید و همکاران، (۱۴۰۰) ، اثر تحریم ها بر GDP سرانه در اقتصاد ایران با روش کنترل ترکیبی، نشریه علمی(فصلنامه)پژوهشها و سیاستهای اقتصادی شماره ۱۰۰ ، سال ۲۹ ، زمستان ۱۴۰۰.
۴۸. غلامی، نبی اله ، تحلیل جرم‌شناختی جرم حکومتی بر مبنای نظریّهٔ بازی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۱۰، شمار ۳۸، فروردین ۱۴۰۱.
۴۹. قاسمی، غلامعلی (۱۳۹۵)، تدابیر بازدارنده علیه مفاسد اقتصادی در پرتو کنوانسیون مبارزه با فساد و مقررات ایران، حقوق تطبیقی جلد ۱۲ پاییز و زمستان ۱۳۹۵ شماره ۲ (پیاپی ۱۰۶)
۵۰. قلیزاده ، جواد (۱۳۹۸)، ارزیابی مشروعیت تحریم ها از طریق بررسی آثار و پیامد آنها، انتشارات موسسه مطالعاتی و تحقیقاتی فراتوسعه کارآفرین.
۵۱. قلی پور ، رحمت اله ،(۱۳۸۴)، تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری. فرهنگ مدیریت، ۱۰ مهر ۱۳۸۴، دوره ۳، شماره ۳ –شماره پیاپی ۱۰۵۹
۵۲. قنواتی ، نسرین و دیگران(۱۳۹۶)،بازتولید ساختار رانتی در ایران، فصلنامهٔ مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دورهٔ۷ ، شمارهٔ ۲۵ ، زمستان ۹۶
۵۳. قنبری، علی؛ صادقی، حسین و سحاب خدامرادی، مرتضی(۱۳۸۶)، عوامل مؤثر بر فرار سرمایه در ایران .پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
۵۴. فصلنامه گزارش اقتصادی منطقه خاورمیانه و شمال افریقا، ش ۵، جولای ۲۰۱۵.
۵۵. فرج پور، مجید (۱۳۸۳) ، فقر، فساد و تبعیض موانع توسعه در ایران ، انتشارات رسا
۵۶. و. رازی (فریدون ایل بیگی)، فداییان اسلام، نشر الکترونیک.
۵۷. سازمان شفافیت بین‌الملل (۱۳۹۵) فساد در نظام‌های قضایی گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۰۷، مترجم لیلی منفرد، [برای] پژوهشگاه قوه قضاییه، تهران: قوه قضائیه، مرکز مطبوعات و انتشارات
۵۸. سیاه پوش، امیر ،(۱۴۰۰)، تأثیر تمرکز فقر در مناطق حاشیه نشین بر آسیب های اجتماعی و را ههای مقابله با آن، دوفصلنامه مطالعات اسلامی آسیب های اجتماعی، دانشگاه شاهد، دوره۳ ، شماره۲ ، پاییز و زمستان ۱۴۰۰
۵۹. سید نورانی ، سید محمدرضا (۱۳۸۸)، فرار مالیاتی و رشد اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش های مجلس
۶۰. سعیدی، روح الامین (۱۳۹۵)، آکادمی ها و نهادهای ضد فساد ، سازمان بازرسی کل کشور، مرکز مطالعات و پژوهش های سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد.
۶۱. شکری، نعیم ، مرتضی سحاب خدامرادی(۱۳۹۹) ، برآورد فرار سرمایه و عوامل مؤثر بر آن در ایران با رویکردی جدید طی سالهای ۱۳۵۵–۱۳۹۷ ، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی(رشد و توسعه پایدار) سال بیستم شماره سوم
۶۲. صادقی، کاظمی، مرادی، (۱۳۹۹)، اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی سازی در ایران پس از انقلاب اسلامی، مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، ۱۴۰۱ ، دورهٔ پنجم، شمارهٔ اول.
۶۳. صمدی ، علی حسین ، تورم، بیکاری و جرائم اقتصادی، فصلنامهٔ علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سیزدهم.
۶۴. ضیایی بیگدلی ، محمدتقی ، فرهاد طهماسبی بلداجی(۱۳۸۳)، مالیات بر ارزش افزوده، مالیاتی مدرن، پژوهشکده امور اقتصادی.
۶۵. هواس بیگی ، فاطمه ، حشمت اله عسگری و محمد اوشنی، ۱۴۰۰ ، اثر تحریمهای اقتصادی بر اندازه اقتصاد غیررسمی در ایران، مجله توسعه و سرمایه. دورهٔ ششم، شمارهٔ۲ ، پیاپی۱۱ .
۶۶. رسول جعفریان، همان، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، تاریخ دسترسی ۲۰۲۳ سپتامبر.
۶۷. رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۶) سرطان اجتماعی فساد، پژوهشی با حمایت فرهنگستان علوم ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۶۸. .زراء نژاد ، منصور ؛ صلاح ابراهیمی؛ پویان کیانی، برآورد حجم قاچاق کالا در ایران بـه روش MIMIC ، مجله علمی پژوهشی سیاستگذاری اقتصادی، دوره ۵، شماره ۹، خرداد ۱۳۹۲
۶۹. نادمی، یونس و داریوش حسنوند(۱۳۹۸)، شدت تحریمها و فقر در ایران: لزوم لغو تحریم ها از منظر حقوق بشر ، مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری.
۷۰. نفیو، ریچارد (۱۳۹۷) ، هنر تحریمها، نگاهی از درون میدان، انتشارات مرکز پژوهش های مجلس- معاونت پژوهشهای اقتصادی.
۷۱. یاوری، کاظم ،(۱۳۸۶)، قاچاق کالاهای فرهنگی و برآورد آن در اقتصاد ایران، تهران: پزوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.

ب- ۲- سایت ها، روزنامه ها و خبرگزاری ها :

خبرگزاری تسنیم: فقر چگونه به ارتکاب جرم منجر می شود؟(۱۸ دی ماه ۱۳۹۵) :

https://www.tasnimnews.com/fa/news/۱۳۹۵/۱۰/۱۸/۱۲۸۷۵۷۱

سایت خبری آفتاب نیوز با عنوان ، کورس تورم و سرقت، آمار سرقت در ایران ۴ برابر شد :

https://aftabnews.ir/fa/news//۷۷۸۳۲۲

سایت روزنامه اعتماد : رد پای فقر در پرونده‌های کیفری، ۲۶ دی ماه ۱۴۰۰

https://www.etemadnewspaper.ir/fa/main/detail/۱۷۹۷۲۵

خبرگزاری مهر (۱۳ شهریور ۱۴۰۱) :

https://www.mehrnews.com/news/۵۵۸۰۹۹۱

خبرگزاری آنا (وابسته به دانشگاه آزاد)

https://ana.press/fa/subservice/۱۰/۱

سایت اقتصاددانان ایران : داریان : گفتگو با فرشاد مومنی

https://www.daraian.com/fa/paper/author/۱۰۴-...

کانال تلگرامی مصطفی تاج زاده :

https://t.me/s/MostafaTajzadeh?after=۲۶۱۹۲

دانشنامه ویکی پدیا :

https://fa.wikipedia.org/wiki/

خبرگزاری ایرنا : ۱۲ شهریورماه ۱۴۰۰

https://www.irna.ir/news/۸۴۴۵۷۹۹۷/

خبرگزاری تسنیم : ۱۴۰۰/۱۰/۶

https://www.tasnimnews.com/fa/news/۱۴۰۰/۱۰/۰۶/۲۶۳۳۰۱۳

خبرگزاری فارس : مصاحبه با محمدرضا پور ابراهیمی رییس کمیسیون اقتصادی مجلس

https://www.farsnews.ir/news/۱۳۹۹۰۶۱۴۰۰۰۴۹۲

خبرگزاری ایمنا : تیر ماه ۱۳۹۶ : گفتگو با ابراهیم زارعی

https://www.imna.ir/service/economy/Macroeconomic.

خبرگزاری ایلنا : https://www.ilna.ir

خبرگزاری ایسنا : https://www.isna.ir

سایت خبری رجا نیوز : https://www.rajanews.com/news/۲۷۵۰۳۳/

سایت خبری اصلاحات نیوز : ۲۹ آذرماه ۱۴۰۲

سایت خبری یورو نیوز: ۱۹/۰۶/۲۰۱۸

سایت خبرآنلاین : https://www.khabaronline.ir/news/

سایت خبری تهران تایمز :

https://www.tehrantimes.com/news/۴۷۹۸۲۹/Sanctions-are-main-cause-of-inequality

سایت آرمان اقتصادی : https://armaneghtesadi.com

سایت خبری تحلیلی توسعه ی ایرانی : https://www.toseeirani.ir/

سایت پیشخوان مطبوعات ایران : "سایه خودروی شاسی‌بلند بر استیضاح وزیر صمت"

https://www.pishkhan.com/Archive/۱۴۰۲/۰۲/۱۴۰۲۰۲۱۴/Etemaad۶۹۱۱۶۹۷۱۰۹۱۰۱۴۹۵۰۵۲۳۵۱۰۷.pdf

وبسایت خبربان : https://khabarban.com/a/۲۵۷۴۹۵۴۷

سایت خبری تابناک : آبان ۱۳۹۷

سایت خبری فرارو : ۲۰۱۶

روزنامه تعادل– ۵ آذر ۱۴۰۰ : و ۲۶ دی ماه ۱۴۰۱

روزنامه آرمان ملی : ۱۲ آبان ۱۴۰۲

روزنامه آرمان امروز : ۷خرداد۱۳۹۷

روزنامه مردم سالاری یکشنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۱

روزنامه کیهان، ۸ تیرماه ۱۳۹۵

روزنامه دنیای اقتصاد : ۱۱/۲۱/۱۴۰۰

روزنامه فرهیختگان : ۱۸ دی ماه ۱۴۰۱

روزنامه شرق : ۱۳۹۸/۰۸/۱۲ : گفتگو با غلامرضا انصاری.

روزنامه همشهری ، آذرماه ۱۳۹۱

خبرگزاری میزان، ۴ اسفندماه ۱۳۹۴

خبرگزاری ایسنا، ۸ آبان ماه ۱۳۹۶

سایت خبری تحلیلی آخرین اخبار : ۲۳ آذرماه ۱۴۰۱

سایت خبری اقتصادنیوز : آذرماه ۱۳۹۹

روزنامه کیهان لندن : https://kayhan.london/category/kayhan-weekly/

تجارت فردا : ۲۳ مرداد ۱۴۰۰ پرویز گیلانی، ضررهای تحریم بر اقتصاد ایران : https://www.tejaratefarda.com

سایت سازمان تدارکات پزشکی جمعیت هلال احمر ایران : http://www.mpo-helal.org

سایت داده های باز ایران : https://iranopendata.org/fa_IR/pages/...billion-toman-budget-security

رصدخانه مهاجرت ایران : https://imdp.ir

سایت خبری تحلیلی آر. آف. آی : https://www.rfi.fr/fa

سایت تحلیلی خبری دیپلماسی ایرانی : http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/

سایت خبری تحلیلی میدان : https://meidaan.com/come

سایت خبری المشارق : https://almashareq.com/fa/articles/cnmi_am/features/۲۰۲۰/۱۱/۱۹-۰/feature

سایت خبری دیارنا : https://diyaruna.com/fa/articles/cnmi_di/features/۲۰۲۱/۰۲/۲۸/feature-۰۱

سایت خبری فارسی زبان بی بی سی : https://www.bbc.com/persian

خبرگزاری دویچه ویله : ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ : https://www.dw.com/fa-ir

سایت خبری العربیه : https://farsi.alarabiya.net/fa

خط بازار : https://khatebazar.ir/

آکسفام : https://www.oxfam.org/en/pressroom/

تلوزیون فارسی زبان ایران اینترنشنال : iranintl.com/en/iran-in-brief/shamkhani-us-trying-debilitate-and-dismantle-iran

سایت بلاگ نیوز: https://www.bloghnews.com/report/۴۶۱۹۳۵shdj

برنامه زنده تلوزیونی، نود اقتصادی، رضا غلامی، تحلیل گرمسائل اقتصادی، آبانماه

انتشار اسناد بزرگترین باج دهی قطر به «تروریست‌ها“ https://fa.timesofisrael.com/

https://www.mei.edu/disclosure-and-funding
https://www.al-monitor.com/fa/contents/articles/originals/۲۰۱٤/۰۸/iran-contra-arms-deal-lebanon-hostages-us-official-ignorance.html#ixzz۷vbg۰e۳bn
https://www.al-monitor.com/fa/contents/articles/originals/۲۰۱٤/۰۸/iran-contra-arms-deal-lebanon-hostages-us-official-ignorance.html#ixzz۷vbg۰e۳bn. ; The Iran-Contra Affair [Washington, D.C., ۱۹۸۷]
https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/latest-chapter-irans-hostage-diplomacy(۲۰۲۳)

پیوست ها :

فهرست جرایم یقه سفیدها

جرایم سیاسی و امنیتی

- تقلب در انتخابات
- همدستی در کودتا
- تلاش در جهت تسخیر دولت
- ساختارهای ایلخانی و تبار سالاری
- تفتیش عقاید
- ظلم و تبعیض دولتی
- تحت نظر گرفتن
- تجاوز سیستماتیک
- ترورهای هدفمند
- آزمایش بر روی شهروندان ناآگاه
- شکنجه و خشونت و بد رفتاری و اعتراف گیری اجباری
- آزمایش درمانی بر روی بیمار روانی
- بازداشت غیر قانونی
- حبس دسته جمعی مخالفان و معترضان
- جاسوسی برای دشمنان
- خیانت به ملت و آب و خاک و وطن

- جرایم مالی و اقتصادی

- رشوه و ارتشاء
- لابی و رانت و فساد اداری
- کلاهبرداری از شهروندان
- اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری اجباری برای کشورهای حاشیه‌نشین
- تسلط بر بازارها با انواع انحصار و یا دستکاری بازار و سایر ترفندهای مجرمانه
- ایجاد بدهی "اجباری"
- جرایم سایبری
- تثبیت قیمت به زیان اکثریت
- افزایش قیمت به زیان اکثریت
- کاهش دستوری قیمت به نفع اقلیت
- شیوه های کار ناعادلانه
- شرایط کاری ناامن

- جرایم حقوق بشری

- نفی حقوق اساسی انسان ها
- آوارگی مردم بومی
- جنگ پنهان
- هرگونه اقدامات مجرمانه که جنایات علیه بشریت تلقی گردد
- قتل و ترور
- مهاجرت دادن یا کوچ اجباری
- ناپدید کردن اجباری
- قتل عام و نسل کشی
- نقض حقوق بشر و حقوق شهروندان و حقوق اقلیت ها
- بدرفتاری با مهاجران و پناهندگان
- انواع برده داری

- جرایم زیست محیطی

- جنگل زدایی
- هرگونه مصادیق تخریب و آلودگی محیط زیست
- تولید و عرضه گسترده ی محصولات تقلبی و یا معیوب
- استخراج معادن بطور غیرقانونی
- تولید هسته ای و تهدید استفاده از آن
- تولید و تخلیه زباله های سمی
- آلوده نمودن آب ها و خسارات عمده برمنابع آبی
- اتش سوزی عمدی مزارع و مراتع
- تولید و عرضه ی محصولات آلوده
- تولید و عرضه ی محصولات ناایمن
- تعدی و تجاوز به اراضی و مراتع ملی
- واگذاری امتیاز بهره برداری از منابع و ثروت ملت و مردم یک منطقه به بیگانگان بدون کسب مجوز قانونی پارلمان.
- هرگونه غارت منابع ملی و میراث تمدنی